

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جمهوری اسلامی ایران
سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور

مبانی نظری و مستندات برنامه چهارم توسعه

معاونت امور اقتصادی و هماهنگی برنامه و بودجه
دفتر اقتصاد کلان

انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور ۸۳/۰۰/۴۹ (جلد اول)

انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور ۸۳/۰۰/۵۰ (جلد دوم)

فهرست برگه (جلد اول)

سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور. دفتر اقتصاد کلان

مبانی نظری و مستندات برنامه چهارم توسعه/ معاونت امور اقتصادی و هماهنگی برنامه و بودجه. - تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، معاونت امور پشتیبانی، مرکز مدارک علمی و انتشارات، ۱۳۸۳.

۲ ج. (۱۳۸۶ ص:). مصور، + ۱ دیسک فشرده. - (انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور؛ ۴۹/۸۳/۰۰، ۸۳/۰۰/۵۰)

ISBN 964-425-540-2 (set)

۱. ایران - سیاست اقتصادی. ۲. ایران - سیاست اجتماعی. ۳. سیاست فرهنگی - ایران.
۴. برنامه ریزی - ایران. الف. برنامه چهارم توسعه اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴-۱۳۸۸. ب. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور. مرکز مدارک علمی و انتشارات. ج. عنوان.

HC ۴۷۱ / ۱۴ ۱۳۸۳

ISBN 964-425-538-0

شابک ۰-۵۳۸-۴۲۵-۹۶۴ (جلد اول)

مبانی نظری و مستندات برنامه چهارم توسعه (جلد اول)

ناشر: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، معاونت امور پشتیبانی، مرکز مدارک علمی و انتشارات
چاپ اول، ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: ۷۰۰۰۰ ریال مجموعه دو جلدی با جلد شومیز همراه با لوح فشرده

قیمت: ۸۰۰۰۰ ریال مجموعه دو جلدی با جلد گالینگور همراه با لوح فشرده

تاریخ انتشار: سال ۱۳۸۳

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: قاسملو

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

فهرست بر گه (جلد دوم)

سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور. دفتر اقتصاد کلان

مبانی نظری و مستندات برنامه چهارم توسعه/ معاونت امور اقتصادی و هماهنگی برنامه و بودجه - تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، معاونت امور پشتیبانی، مرکز مدارک علمی و انتشارات، ۱۳۸۳.

۲ ج. (۱۳۸۶ ص): مصور، + ۱ دیسک فشرده. - (انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور؛ ۴۹/۸۳/۰۰، ۸۳/۰۰/۵۰)

ISBN 964-425-540-2 (set)

۱. ایران - سیاست اقتصادی. ۲. ایران - سیاست اجتماعی. ۳. سیاست فرهنگی - ایران.
۴. برنامه ریزی - ایران. الف. برنامه چهارم توسعه اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴-۱۳۸۸. ب. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور. مرکز مدارک علمی و انتشارات. ج. عنوان.

HC ۴۷۱ / آ ۴ ۱۳۸۳

ISBN 964-425-539-9

شابک ۹-۵۳۹-۴۲۵-۹۶۴ (جلد دوم)

مبانی نظری و مستندات برنامه چهارم توسعه (جلد دوم)

ناشر: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، معاونت امور پشتیبانی، مرکز مدارک علمی و انتشارات
چاپ اول، ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: ۷۰۰۰۰ ریال مجموعه دو جلدی با جلد شومیز همراه با لوح فشرده

قیمت: ۸۰۰۰۰ ریال مجموعه دو جلدی با جلد گالینگور همراه با لوح فشرده

تاریخ انتشار: سال ۱۳۸۳

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: قاسملو

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

بسمه تعالی

مقدمه

در عرصه فعالیتهای برنامه‌ریزی در ادوار گذشته، موضوعی که همواره مورد غفلت قرار گرفته است، استفاده از شیوه‌های مناسب در زمینه حفظ و نگهداری اسناد و مدارک بررسیها، مطالعات و تصمیم‌سازیها به منظور اطلاع‌رسانی در مورد رویکرد برنامه‌ریزان در دوره‌های برنامه‌ریزی بوده است. این بی‌توجهی در سالهای دورتر، گسسته شدن حافظه تاریخی و فقدان دسترسی به تجربیات تجمیع شده‌ی گذشته را باعث گردیده است. تنها اسناد به جای مانده از برنامه‌های قبلی توسعه نیز، به جهت متفرق بودن و عدم ارائه آن در یک نظام سلسله‌مراتبی، پیگیری گام به گام مراحل تکوین برنامه‌ها و نتیجه‌گیری در مورد نظم فکری حاکم بر آن را دچار مشکل و ابهام ساخته است.

شکل‌گیری برنامه چهارم توسعه کشور در شرایطی صورت گرفته است که کشور با چالشهای درونی و بیرونی جدی روبه‌رو بوده است. این چالشها در کنار تحولات بین‌المللی و فضای نوین اقتصاد بین‌الملل، فضای برنامه چهارم را با برنامه‌های گذشته متفاوت کرده است.

بهره‌برداری از فرصتها و مقابله با تهدیدهای احتمالی موجود، متضمن اتخاذ راهبردهایی است که از رویکردی منطقی مبتنی بر برنامه‌ریزیهای بلندمدت و تحلیل چشم‌اندازهای با افق دوردست با هدف‌گذاری و جهت‌گیریهای روشن حاصل شده باشد. از این رو تهیه و تدوین برنامه چهارم با توجه به ضرورتها و الزامهای ناشی از آرمانهای قانون اساسی، تحولات بین‌المللی، فضای نوین اقتصادی جهان، تحولات علمی و فناوریهای نو، بر پایه ترسیم چشم‌اندازی بلندمدت در دستور کار قرار گرفت.

در تدوین چشم‌انداز، بر اساس روندهای گذشته متغیرهای کلان کشور، تصویری از آینده با فرض ادامه روند موجود ترسیم گردید. سپس با توجه به واقعیتهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی

موجود جامعه، امکانات، محدودیتها و چالشهای آینده کشور مورد ارزیابی قرار گرفت و آنگاه در قالب یک بررسی مرتبط، هماهنگ و سازگار، تصویری از آینده ممکن و مطلوب ارائه شد. در مطالعه چشم‌انداز بررسی شرایط بین‌المللی و تحولات آینده آن، از زوایای مختلف انجام شد. گرایشهای نظم‌نوین جهانی، روندهای آینده جهان، نقش و جایگاه کشورهای در حال توسعه در شرایط انتقالی، گرایشهای توسعه در قرن ۲۱، چشم‌انداز قدرت بین‌المللی ایران و احیای موقعیت بین‌المللی و منطقه‌ای کشور، از جمله مطالعاتی بود که نتایج آن، پیش‌فرضهای مطالعات اقتصاد ملی را رقم زد.

مطالعه مربوط به آمایش سرزمین و راهبردهای استخراج شده از این مطالعه نیز، از دیگر پایه‌های مورد استفاده در تنظیم چشم‌انداز بوده است. در ادامه کار هدف‌گذاری متغیرهای کلان اقتصاد ملی بر پایه مطالعات انجام شده در چارچوب عملکرد گذشته، ویژگیهای کنونی و تصویر آینده حوزه‌های مربوط به رشد، سرمایه‌گذاری، جمعیت، بازار کار، بودجه دولت، پول، ارز و تورم، تجارت خارجی، توزیع درآمد، شرکتهای دولتی و علم و فناوری و با اتکای بر روابط علت و معلولی متغیرها، مقایسه تطبیقی با روند شاخص کشورهای نوظهور صنعتی و کشورهای منطقه و همچنین با عنایت به ویژگیهای بومی در عرصه‌های مختلف صورت گرفت.

پس از انجام مطالعات کارشناسی چشم‌انداز، لازم بود این مطالعات در مراجع تصمیم‌گیری، مشروعیت یابد. بدین منظور نظام برنامه‌ریزی مصوب با شکل و شیوه نوین نسبت به برنامه‌های پیشین، آغاز به کار کرد و محصول نهایی این نظام در قالب سند چشم‌انداز و سیاستهای کلی برنامه چهارم به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع شد که پس از بازنگری و اعمال اصلاحات لازم مورد تصویب و تنفیذ مقام معظم رهبری قرار گرفت.

در تدوین چشم‌انداز، دو هدف بسیار مهم مورد توجه قرار گرفته است:

الف: ایجاد شغل، فعالیت مولد و درآمد برای جمعیت جوان کشور، از طریق استقرار جریان رشد و توسعه پایدار

ب: کم کردن فاصله کشور با کشورهای نوظهور صنعتی تا حداکثر ممکن و ارتقای موقعیت بین‌المللی و منطقه‌ای به گونه‌ای که تا افق چشم‌انداز، جایگاه اول را در منطقه به دست آورد.

متوسط سالانه رشد اقتصادی (۸/۶٪) و سرمایه‌گذاری حدود (۱۱٪)، نرخ بیکاری (۷٪) و نرخ تورم حدود (۵٪) در سال افق، از مهم‌ترین هدف‌گذاری‌هایی است که در چشم‌انداز تعیین شده است. برای تحقق این اهداف، رشد بهره‌وری نیروی کار به میزان (۴/۴٪) در سال ضروری خواهد بود.

سیاست‌های کلی برنامه چهارم که به عبارتی سرمشق و محور اساسی تدوین لایحه برنامه چهارم است، ماموریت این برنامه را «رشد پایدار اقتصادی دانایی‌محور» تعیین نموده است. در لایحه برنامه چهارم توسعه و سند چشم‌انداز، برای دستیابی به قدرت اقتصادی اول منطقه، محورهای اساسی زیر در نظر گرفته شده‌اند که برای نیل به آنها الزامها و راهبردهایی نیز پیش‌بینی شده است:

رشد مستمر و پایدار - توسعه مبتنی بر دانایی جهانی - تعامل فعال با اقتصاد - رقابت‌پذیری اقتصاد - امنیت انسانی و عدالت اجتماعی - امنیت ملی - ارتقای کیفیت سطح زندگی - محیط زیست و توسعه پایدار - توسعه فرهنگی - توسعه مدیریت دولت - امنیت و توسعه قضایی - تعادل و توازن منطقه‌ای کشور بر اساس موازین آمایش سرزمین.

لایحه برنامه چهارم در چارچوب محورهای فوق تنظیم گردید که مهم‌ترین مرحله تحقق جامعه آرمانی بلندمدت توسعه کشور، محسوب می‌شود و در پی تحکیم مبانی و بسترهای رشدی است که فرصت‌های مدیریت بهتر ایران فردا و احکام مورد نیاز ایجاد مبانی جدید توسعه جمهوری اسلامی ایران را فراهم خواهد آورد.

برنامه چهارم، به عنوان نخستین گام در رسیدن به اهداف تعیین شده چشم‌انداز بلندمدت کشور به‌گونه‌ای تدوین شده است که بتواند نرخ بیکاری و تورم را که از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی است، به عددی یک رقمی تبدیل کند. در این ارتباط رسیدن به نرخ بیکاری (۸٪) و نرخ تورم (۹/۹٪) به عنوان مهم‌ترین اهداف برنامه چهارم، مورد توجه قرار گرفته است. برای تحقق این اهداف لازم است جمعیت شاغل از رشد سالانه حدود (۴/۳٪) برخوردار گردد و به طور متوسط سالانه ۸۹۷ هزار نفر بر جمعیت شاغل افزوده شود. رشد اقتصادی در برنامه چهارم، معادل (۸٪) برآورد شده است که تحقق آن منوط به افزایش رشد سالانه سرمایه‌گذاری به میزان (۱۲/۲٪) و بهره‌وری کل عوامل سالانه معادل (۲/۵٪) خواهد بود.

در تهیه و تدوین برنامه چهارم توسعه، علاوه بر کار کارشناسی و مطالعاتی انجام شده که بخش مهمی از آن در این مجموعه ارائه گردیده است، صدها ساعت نیز وقت مدیران و تصمیم‌گیران کشور در نهادهای تصمیم‌گیری، مصروف آن شده، که نتایج آن در اسناد تهیه شده، قابل مشاهده و پیگیری است. مجموعه حاضر، در برگزیده نتایج مطالعات مطروحه در عرصه بین‌المللی و اقتصاد ملی، مبانی نظری توسعه، مطالعات آمایش سرزمین و همچنین اسناد مصوب چشم‌انداز، سیاستهای کلی و لایحه برنامه چهارم است.

هدف از تهیه این مجموعه، این است که اطلاعات پایه برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور را در این مرحله در اختیار محققان، اندیشمندان، مدیران و تصمیم‌گیران کشور بگذارد تا در مراحل بعدی فرایند برنامه‌ریزی کشور، مورد استفاده قرار گیرد.

بخش عمده‌ای از مطالب ارائه شده در مجموعه حاضر، توسط مسئولین و کارشناسان دفتر برنامه‌ریزی و مدیریت اقتصاد کلان تهیه شده است، لیکن مدیران و کارشناسان بخشهای دیگر سازمان به ویژه دفتر امور صنایع و معادن نیز هر کدام به شکلی در تدوین گزارشهای این مجموعه همکاری قابل توجهی داشته‌اند. علاوه بر دفاتر سازمان، مقالاتی نیز توسط آقایان بایزید مردوخی، کورس صدیقی، محسن طلایی و حسین سیف‌زاده تهیه و ارائه شده است که از تلاش و همکاری یکایک آنان تشکر و قدردانی می‌شود.

متذکر می‌شود، وجود گزارشها و مقالات مندرج در این مجموعه که دیدگاههای کارشناسی را در زمینه‌های مختلف ارائه کرده است به این معنا نیست که تماماً مورد تأیید دستگاه برنامه‌ریزی کشور باشد، بلکه اسنادی است که به عنوان مطالعات پایه و پشتیبان مورد بررسی و پالایش قرار گرفته و اسناد نهایی پس از انجام بررسیها، در شوراهای برنامه‌ریزی و نهادهای تصمیم‌گیری تنظیم و تدوین شده است. به منظور کاربردی‌تر نمودن و استفاده سریع و آسان از مطالب کتاب، نسخه الکترونیکی این مجموعه در قالب لوح فشرده دارای قابلیت‌های ویژه‌ای در جستجوی واژه، نمایش مناسب مطالب، امکان ارسال آن به چاپگر و ... همزمان تهیه گردیده است.

در پایان از تلاش و جدیت آقای دکتر حسین عرب‌علی‌بیک و آقای سعید جلالی که طراحی و اجرای نسخه الکترونیکی و آماده‌سازی نسخه کاغذی را برای چاپ به عهده داشته‌اند، تشکر و قدردانی می‌گردد. این مجموعه با وجود تلاشی که در جهت رفع نقایص و اشکالات آن به عمل آمده است، یقیناً دارای کاستیهایی می‌باشد که دریافت آن از سوی محققان و اندیشمندان کشور، گردآورندگان این مجموعه را در تصحیح آن در مراحل بعدی یاری خواهد داد.

معاونت امور اقتصادی و هماهنگی برنامه و بودجه

دفتر برنامه‌ریزی و مدیریت اقتصاد کلان

تابستان ۱۳۸۳



ترتیبات اجرایی و نظام برنامه ریزی

برنامه چهارم توسعه

نظام برنامه ریزی برنامه چهارم توسعه

(پیشنهادی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور)

◀◀ نظام برنامه‌ریزی برنامه چهارم توسعه (پیشنهادی)

نظام برنامه‌ریزی برنامه چهارم توسعه، با توجه به تغییرات ماهوی مرتبط با آن نسبت به برنامه‌ریزی‌های گذشته (برنامه‌ریزی جامع) و تحول آن به صورت «برنامه‌ریزی هسته‌های خط دهنده»، که متکی به پروگرامهای اجرایی می‌باشد، تنظیم گردیده است. در این شکل از برنامه‌ریزی، همان گونه که اشاره شد، پروگرامهای اجرایی، مجموعه‌ای متشکل از هدف، پروژه‌های مشخص، سازماندهی و تشکیلات اجرایی برای حذف یک مانع توسعه و یا برای ایجاد یک قطب توسعه است.

در این راستا در مرحله اول، بر اساس تدوین چشم‌انداز بلندمدت، راهبردهای بلندمدت کلان و بخشهای استراتژیک و الزامهای دستیابی به چشم‌انداز مطلوب تعیین می‌گردد. در این مرحله، سازمان و دستگاه‌های اجرایی، در قالب کمیته‌های مشترک تدوین سیاستها و با دریافت اطلاعات مربوط به راهبردها و الزامهای تحقق چشم‌انداز، پس از ارزیابی سیاست برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به تدوین سیاستهای برنامه چهارم توسعه خواهند پرداخت و پس از آن لایحه برنامه بر اساس اهداف کلی، راهبردهای اساسی، خط مشی‌ها و سیاستها و همچنین احکام کلی در زمینه پروگرامها و مدیریت توسعه تدوین خواهد شد و به تصویب مراجع تصمیم‌گیری خواهد رسید.

در مرحله بعدی نظام برنامه‌ریزی، عناوین پروگرامهای راهبردی و اجرایی مشخص خواهد شد و شوراهای تدوین پروگرامها نسبت به تهیه پروگرامها اقدام خواهند نمود که اسناد تهیه شده در هیئت دولت مورد بررسی و تصویب قرار خواهد گرفت.

در ادامه، سازمان کار و تشکیلات نظام برنامه‌ریزی، شرح وظایف و برنامه زمانبندی مربوط به فعالیتهای تهیه برنامه چهارم توسعه ارائه می‌شود:

◀ الف - مرحله اول: تدوین، بررسی و تصویب لایحه برنامه چهارم توسعه

◀ الف-۱: تشکیل کمیته‌های مشترک تدوین سیاستها

۱- اعضای کمیته‌ها

۱-۱- کمیته مشترک تدوین سیاستهای امور اقتصادی

- رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
- وزیر امور اقتصادی و دارایی
- رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
- وزیر بازرگانی
- وزیر نفت
- وزیر کار و امور اجتماعی
- وزیر تعاون
- معاون امور اقتصادی و هماهنگی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (دبیر کمیته)
- رئیس یا رؤسای حداکثر ۳ مؤسسه تحقیقاتی دست‌اندرکار همایش برنامه چهارم و مرتبط با موضوع، به انتخاب سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
- حداکثر ۲ نفر از تشکلهای غیر دولتی به انتخاب اعضای کمیته

۲-۱- کمیته مشترک تدوین سیاستهای امور اجرایی و نظارت

- رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
- وزیر کار و امور اجتماعی
- وزیر امور اقتصادی و دارایی
- وزیر تعاون

- معاون امور توسعه مدیریت و سرمایه انسانی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (دبیر کمیته)

- معاون امور فنی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور

- رئیس یا رؤسای حداکثر ۳ مؤسسه تحقیقاتی دست‌اندرکار همایش برنامه چهارم و مرتبط با موضوع به انتخاب سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
- حداکثر ۲ نفر از تشکلهای غیر دولتی به انتخاب اعضای کمیته

۳-۱- کمیته مشترک تدوین سیاستهای آمایش و توازن و تعادل منطقه‌ای

- رئیس سازمان حفاظت محیط زیست

- وزیر مسکن و شهرسازی

- وزیر کشور

- وزیر جهاد کشاورزی

- وزیر صنایع و معادن

- معاون امور مجلس و استانها از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (دبیر کمیته)

- مدیر کل دفتر آمایش و برنامه‌ریزی منطقه‌ای

- رئیس یا رؤسای حداکثر ۳ مؤسسه تحقیقاتی دست‌اندرکار همایش برنامه چهارم و مرتبط با موضوع به انتخاب سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
- حداکثر ۲ نفر از تشکلهای غیر دولتی به انتخاب اعضای کمیته

۴-۱- کمیته مشترک تدوین سیاستهای امور زیربنایی

- وزیر نفت

- وزیر مسکن و شهرسازی

- وزیر راه و ترابری

- وزیر کشور

- وزیر نیرو

- وزیر پست و تلگراف و تلفن^۱
- رئیس سازمان انرژی اتمی
- معاون امور زیربنایی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (دبیر کمیته)
- رئیس یا رؤسای حداکثر ۳ مؤسسه تحقیقاتی دست‌اندرکار همایش برنامه چهارم و مرتبط با موضوع به انتخاب سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
- حداکثر ۲ نفر از تشکلهای غیر دولتی به انتخاب اعضای کمیته

۱-۵- کمیته مشترک تدوین سیاستهای امور تولیدی

- وزیر صنایع و معادن
- وزیر جهاد کشاورزی
- وزیر بازرگانی
- وزیر نیرو
- وزیر علوم، تحقیقات و فناوری
- وزیر تعاون
- رئیس بانک کشاورزی
- رئیس بانک صنعت و معدن
- معاون امور تولیدی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (دبیر کمیته)
- رئیس یا رؤسای حداکثر ۳ مؤسسه تحقیقاتی دست‌اندرکار همایش برنامه چهارم و مرتبط با موضوع، به انتخاب سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
- حداکثر ۲ نفر از تشکلهای غیر دولتی به انتخاب اعضای کمیته

۱. وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات

۱-۶- کمیته مشترک تدوین سیاستهای امور اجتماعی

- وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
- وزیر کشور
- وزیر امور خارجه
- وزیر دادگستری
- وزیر اطلاعات
- وزیر کار و امور اجتماعی
- وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح
- رئیس سازمان تأمین اجتماعی
- معاون امور اجتماعی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (دبیر کمیته)
- رئیس یا رؤسای حداکثر ۳ مؤسسه تحقیقاتی دست‌اندرکار همایش برنامه چهارم و مرتبط با موضوع، به انتخاب سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
- حداکثر ۲ نفر از تشکلهای غیر دولتی به انتخاب اعضای کمیته

۱-۷- کمیته مشترک تدوین سیاستهای آموزشی، پژوهشی و فرهنگی

- وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی
- وزیر آموزش و پرورش
- وزیر علوم، تحقیقات و فناوری
- وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
- رئیس سازمان تربیت بدنی
- رئیس سازمان ایرانگردی و جهانگردی
- رئیس سازمان میراث فرهنگی
- مدیر عامل سازمان صدا و سیما
- مشاور رئیس جمهور در امور زنان

- معاون امور فرهنگی، آموزشی و پژوهشی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
- رئیس یا رؤسای حداکثر ۳ مؤسسه تحقیقاتی دست‌اندرکار همایش برنامه چهارم و مرتبط با موضوع، به انتخاب سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
- حداکثر ۲ نفر از تشکلهای غیر دولتی به انتخاب اعضای کمیته

۲- وظایف کمیته‌های مشترک تدوین سیاستها

- ارزیابی سیاستهای برنامه سوم توسعه
- بررسی اسناد مربوط به چشم‌انداز بلندمدت (اهداف - الزامها و راهبردها)
- تدوین سیاستهای برنامه چهارم

توضیحات

- ۱- محل جلسات در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور خواهد بود و دعوت به جلسات توسط دبیر کمیته‌ها صورت خواهد گرفت.
- ۲- رؤسای کمیته‌ها در زمان تصویب نظام در هیئت دولت تعیین خواهند شد.

◀ الف-۲: تشکیل کمیته‌های ویژه جهت طرح‌های جامع فرابخشی (پروژه‌های IT، توانمندسازی بخش خصوصی، کاهش فقر و کارآمدی تأمین اجتماعی، ساختار کارآمد دولت، ساختار کارآمد قلمرو زیست‌محیطی و ...)

◀ ب - شوراها و کارگروههای تخصصی در مرحله دوم: سامان تداوم امور برنامه در دستگاه‌های اجرایی جهت تدوین سند ملی بخش (طرح جامع بخش) و سند ملی توسعه استان (طرح جامع استان) و طرحهای جامع فرابخشی

در این مرحله پس از تعیین عناوین پروگرامها، شوراهاى تدوین پروگرامهای راهبردى و اجرایی مشخص خواهد شد و اعضای آن حسب موضوع تعیین خواهد گردید. شوراهاى تدوین پروگرامها با توجه به ابعاد مطالعات مورد نظر، اقدام به تشکیل کارگروهی تخصصی خواهند نمود.

◀ ب-۱: وظایف کلی و عمومی

- تهیه سند ملی بخش در چارچوب موازین برنامه چهارم
- تهیه سند ملی توسعه استان در چارچوب موازین برنامه چهارم
- تهیه آیین‌نامه‌های اجرایی
- تهیه سامان جدید تشکیلاتی، عملیاتی و اجرایی جهت اجرای برنامه چهارم
- تهیه طرحهای ویژه و جامع فرابخشی

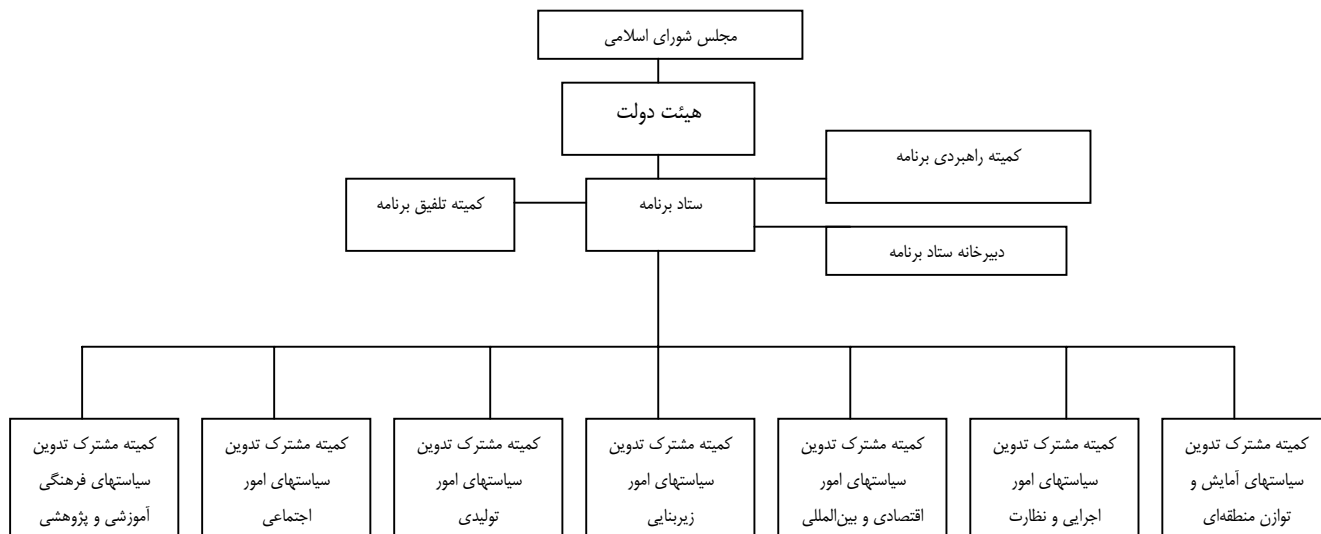
◀ ب-۲: تصویب موارد تهیه شده فوق در دولت

تذکر: چگونگی نظام اجرایی و عملیاتی این قلمرو متعاقباً اعلام می‌شود.

نمودار شماره ۱- سازمان و تشکیلات نظام برنامه‌ریزی برنامه چهارم توسعه

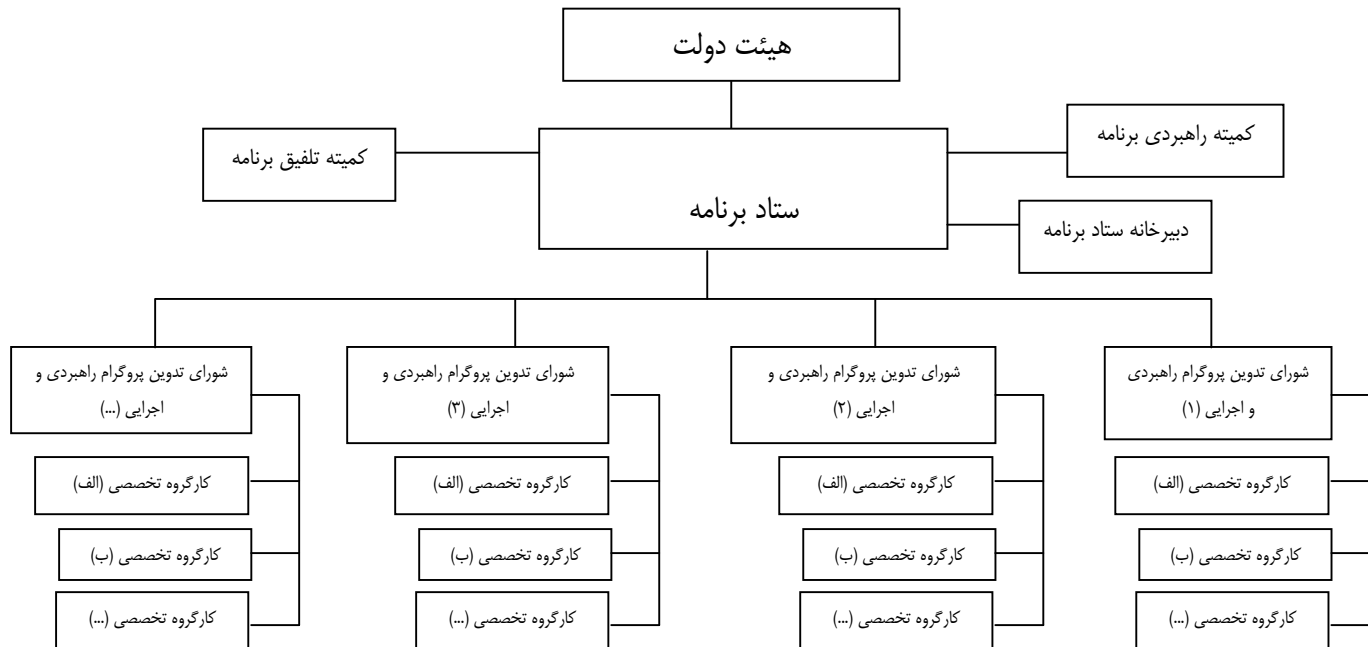
مرحله اول: تدوین و تصویب لایحه برنامه چهارم تا زمان تقدیم به مجلس شورای اسلامی

(از تیرماه تا شهریور ماه ۱۳۸۲)



نمودار شماره ۲- سازمان و تشکیلات نظام برنامه‌ریزی برنامه چهارم توسعه

مرحله دوم: سامان تداوم امور برنامه در دستگاه‌های اجرایی، جهت تدوین سند ملی بخش (طرح جامع بخش) و سند ملی توسعه استان (طرح جامع استان) و طرح‌های جامع فرابخشی از مهر ۱۳۸۲ تا بهار ۱۳۸۳



◀ مصوبه شماره ۲۹۰۴۱/۲۵۲۴۷ مورخ ۱۳۸۲/۵/۸ هیئت وزیران موضوع نظام برنامه‌ریزی برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۲/۵/۵، بنا به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در خصوص نظام برنامه‌ریزی برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، موافقت نمود:

◀ مرحله اول: تدوین، بررسی و تصویب لایحه برنامه چهارم توسعه

الف: ستاد برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، متشکل از اعضای زیر می‌باشد:

- ۱- معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (رئیس)
- ۲- وزیر مسکن و شهرسازی
- ۳- وزیر کار و امور اجتماعی
- ۴- وزیر کشور
- ۵- وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
- ۶- وزیر بازرگانی
- ۷- وزیر علوم، تحقیقات و فناوری
- ۸- وزیر امور اقتصادی و دارایی
- ۹- وزیر نفت
- ۱۰- وزیر صنایع و معادن
- ۱۱- وزیر جهاد کشاورزی
- ۱۲- وزیر تعاون
- ۱۳- وزیر آموزش و پرورش

- ۱۴- معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست
- ۱۵- رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
- ۱۶- سه نفر کارشناس به انتخاب رئیس جمهور
- ۱۷- دبیران کمیته‌های مشترک
- ۱۸- سه نفر از نمایندگان کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی

ب: کمیته‌های مشترک ستاد موضوع بند «الف»، به شرح زیر تشکیل می‌شود:

کمیته مشترک رشد پایدار متشکل از:

- وزیر امور اقتصادی و دارایی (رئیس)
- معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
- رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
- وزیر نفت
- وزیر بازرگانی
- وزیر نیرو
- وزیر مسکن و شهرسازی
- وزیر صنایع و معادن
- وزیر جهاد کشاورزی
- وزیر راه و ترابری
- وزیر کار و امور اجتماعی
- وزیر تعاون
- معاون امور اقتصادی و هماهنگی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (دبیر کمیته)
- معاون امور زیربنایی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
- رؤسای کمیسیونهای برنامه و بودجه و محاسبات، اقتصادی و انرژی مجلس شورای اسلامی
- معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی ایران

کمیته مشترک توسعه دانایی، فناوری، فرهنگ و آموزش، متشکل از:

- ۱- وزیر علوم، تحقیقات و فناوری (رئیس)
- ۲- وزیر پست و تلگراف و تلفن^۱
- ۳- وزیر آموزش و پرورش
- ۴- وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ۵- وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح
- ۶- وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
- ۷- وزیر جهاد کشاورزی
- ۸- وزیر صنایع و معادن
- ۹- معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان تربیت بدنی
- ۱۰- رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران
- ۱۱- رئیس سازمان انرژی اتمی ایران
- ۱۲- رئیس دفتر امور مشارکت زنان
- ۱۳- رئیس سازمان ملی جوانان
- ۱۴- دبیر شورای عالی اطلاع‌رسانی
- ۱۵- رئیس مرکز آمار ایران
- ۱۶- معاون امور فرهنگی، آموزشی و پژوهشی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (دبیر کمیته)
- ۱۷- رئیس سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور
- ۱۸- رؤسای کمیسیونهای آموزش و تحقیقات و فرهنگی مجلس شورای اسلامی
- ۱۹- دو نفر از رؤسای فرهنگستانها، به انتخاب اعضای کمیته

کمیته مشترک تعامل فعال و ارتقای رقابت‌پذیری با اقتصاد جهانی متشکل از:

- ۱- وزیر بازرگانی (رئیس)
- ۲- وزیر صنایع و معادن
- ۳- وزیر جهاد کشاورزی
- ۴- وزیر امور اقتصادی و دارایی
- ۵- وزیر امور خارجه
- ۶- رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
- ۷- وزیر پست و تلگراف و تلفن^۱
- ۸- وزیر نفت
- ۹- وزیر راه و ترابری
- ۱۰- وزیر نیرو
- ۱۱- وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح
- ۱۲- معاون امور تولیدی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (دبیر کمیته)
- ۱۳- معاون امور زیربنایی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
- ۱۴- رئیس کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی
- ۱۵- رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن

کمیته مشترک توسعه سلامت، امنیت انسانی و عدالت اجتماعی متشکل از:

- ۱- وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (رئیس)
- ۲- وزیر کار و امور اجتماعی
- ۳- وزیر دادگستری
- ۴- وزیر جهاد کشاورزی

- ۵- وزیر مسکن و شهرسازی
- ۶- وزیر بازرگانی
- ۷- وزیر آموزش و پرورش
- ۸- وزیر تعاون
- ۹- وزیر کشور
- ۱۰- رئیس سازمان تأمین اجتماعی
- ۱۱- رئیس سازمان بهزیستی
- ۱۲- رئیس دفتر امور مشارکت زنان
- ۱۳- معاون امور اجتماعی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (دبیر کمیته)
- ۱۴- رؤسای کمیسیونهای امور اجتماعی و بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی
- ۱۵- معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست

کمیته مشترک امنیت پایدار ملی و توسعه قضایی متشکل از:

- ۱- وزیر کشور (رئیس)
- ۲- وزیر اطلاعات
- ۳- وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح
- ۴- وزیر امور خارجه
- ۵- وزیر دادگستری
- ۶- رئیس ستاد کل نیروهای مسلح
- ۷- دبیر شورای عالی امنیت ملی
- ۸- فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران
- ۹- معاون امور اجتماعی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
- ۱۰- رؤسای کمیسیونهای امنیت ملی و امور قضایی مجلس شورای اسلامی

کمیته مشترک توسعه مدیریت دولت متشکل از:

- ۱- وزیر کار و امور اجتماعی (رئیس)
- ۲- معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
- ۳- وزیر صنایع و معادن
- ۴- وزیر تعاون
- ۵- وزیر دادگستری
- ۶- وزیر آموزش و پرورش
- ۷- وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
- ۸- وزیر کشور
- ۹- وزیر امور اقتصادی و دارایی
- ۱۰- دبیر شورای عالی اطلاع‌رسانی
- ۱۱- یک نفر از استانداران به انتخاب اعضای کمیته
- ۱۲- معاون امور توسعه مدیریت و سرمایه انسانی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (دبیر کمیته)
- ۱۳- رئیس کمیسیون امور اجتماعی مجلس شورای اسلامی

کمیته مشترک محیط زیست، تعادل منطقه‌ای و آمایش سرزمین متشکل از:

- ۱- وزیر مسکن و شهرسازی (رئیس)
- ۲- معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست
- ۳- وزیر جهاد کشاورزی
- ۴- وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح
- ۵- وزیر نفت
- ۶- وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
- ۷- وزیر علوم، تحقیقات و فناوری

- ۸- رئیس دفتر مناطق محروم کشور - ریاست جمهوری
- ۹- وزیر نیرو
- ۱۰- وزیر صنایع و معادن
- ۱۱- وزیر کشور
- ۱۲- وزیر راه و ترابری
- ۱۳- دو نفر از استانداران به انتخاب اعضای کمیته
- ۱۴- معاون امور مجلس و استانهای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (دبیر کمیته)
- ۱۵- رؤسای کمیسیونهای عمران و کشاورزی مجلس شورای اسلامی

ج: وظایف اصلی کمیته‌های مشترک به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- تدوین سیاستهای کلی لایحه برنامه چهارم
- ۲- بررسی و تحلیل اهداف، الزامها و راهبردها، در سند چشم‌انداز توسعه کشور در افق بیست‌ساله
- ۳- نقد و ارزیابی سیاستهای برنامه سوم توسعه
- ۴- تدوین و ارائه‌ی هدفهای کمی و کیفی، راهبردها و احکام برنامه چهارم توسعه

د: سازماندهی فعالیتهای کمیته‌های مشترک به شرح زیر است:

- ۱- محل تشکیل جلسات در دفتر رئیس کمیته مشترک خواهد بود.
- ۲- دعوت برای شرکت در جلسات کمیته مشترک، توسط دبیر کمیته صورت می‌گیرد.
- ۳- سازماندهی و ترکیب رئیس و اعضای کمیته‌های فرعی، در اولین جلسه کمیته مشترک انجام می‌شود.
- ۴- چشم‌انداز توسعه کشور در افق بیست ساله، در اولین جلسه ستاد برنامه مطرح، و بررسی می‌گردد.

هـ: تعیین حوزه‌های موضوعی و مضامین سندهای ملی و استانی (طرحهای جامع توسعه)، در کمیته‌های مشترک دربرگیرنده:

- سندهای ملی (طرحهای جامع) توسعه فرابخشی: فناوری اطلاعات و ارتباطات، توسعه بخش خصوصی، فقرزدایی، تأمین اجتماعی، تجدید ساختار دولت و اصلاح نهادهای بخش عمومی، نوسازی صنایع و ...
- سندهای ملی (طرحهای جامع) توسعه بخشی: برنامه‌های اجرایی دربرگیرنده منظومه‌های طرح و فعالیت در بخشهای مکمل
- سندهای ملی (طرحهای جامع) توسعه سرزمینی و منطقه‌ای: در برگیرنده طرحهای جامعه توسعه، در حوزه جغرافیایی طبیعی و اداری، نظیر طرحهای جامعه توسعه انسانی، بین استانی، حوزه‌های آبریز و دشتهای

◀ مرحله دوم: تهیه و تنظیم سند ملی توسعه فرابخشی (طرح جامع فرابخشی)، سند ملی توسعه بخشی (طرح جامع بخشی) و سند ملی توسعه سرزمینی و منطقه‌ای (طرح جامع منطقه‌ای)

پس از آن که کمیته‌های مشترک، عناوین و مضامین طرحهای جامع توسعه را تعیین کردند، و این عناوین و مضامین به تصویب شورای اقتصاد و هیئت دولت رسید، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، نسبت به سازماندهی و تشکیل شوراهای تدوین طرحهای جامع توسعه، متناسب با عناوین و کارکردهای تعیین شده، اقدام خواهد کرد.

شوراهای تدوین طرحهای جامع توسعه، بر اساس مضامین تعیین شده، نسبت به سازماندهی مطالعات و تنظیم و تأیید طرحهای جامع، اقدام، و نتایج را به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور ارائه خواهند داد.

◀ مرحله سوم: تدوین سندهای فرابخشی، بخشی و استانی

- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، سندهای مصوب شوراهای تدوین طرحهای جامع توسعه راه، بر حسب حوزه‌های فرابخشی، بخشی و استانی تفکیک، و حسب موضوع به دستگاه‌های اجرایی و شوراهای برنامه‌ریزی و توسعه استان ابلاغ می‌نماید.

- دستگاه‌های اجرایی و شوراهای برنامه‌ریزی و توسعه استانها، در چارچوب وظایف قانونی خود، و همچنین تکالیف برخاسته از یافته‌های طرحهای جامع توسعه، که از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به آنها ابلاغ شده است، نسبت به تدوین سندهای فرابخشی، بخشی و استانی ذی‌ربط، اقدام، و نتایج را به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور برای تلفیق و هماهنگی ارائه می‌نمایند.

- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، برنامه‌های بخشها و استانها و همچنین احکام و نهادسازی مرتبط با حوزه‌های فرابخشی را در چارچوب ظرفیتها و امکانات کشور، و با برقراری اولویتها و زمانبندی مناسب، تلفیق و هماهنگ نموده، و نتایج را به شورای اقتصاد و هیئت دولت ارائه می‌نماید.

◀ آیین‌نامه تشکیل جلسات و شرح وظایف رؤسای کمیته‌ها و دبیرخانه‌ها

۱- تشکیل جلسات کمیته‌ها به دعوت دبیر کمیته‌های ذی‌ربط و با هماهنگی رئیس کمیته صورت خواهد گرفت.

۲- در اولین جلسه کمیته‌های مشترک، در صورت ضرورت، سازماندهی کمیته‌های تخصصی تحت پوشش، شامل ترکیب اعضای تنظیم برنامه کار، زمانبندی و شرح وظایف آنها مشخص خواهد شد.

۳- جلسات کمیته‌های مشترک در محل دفتر رئیس کمیته تشکیل خواهد شد.

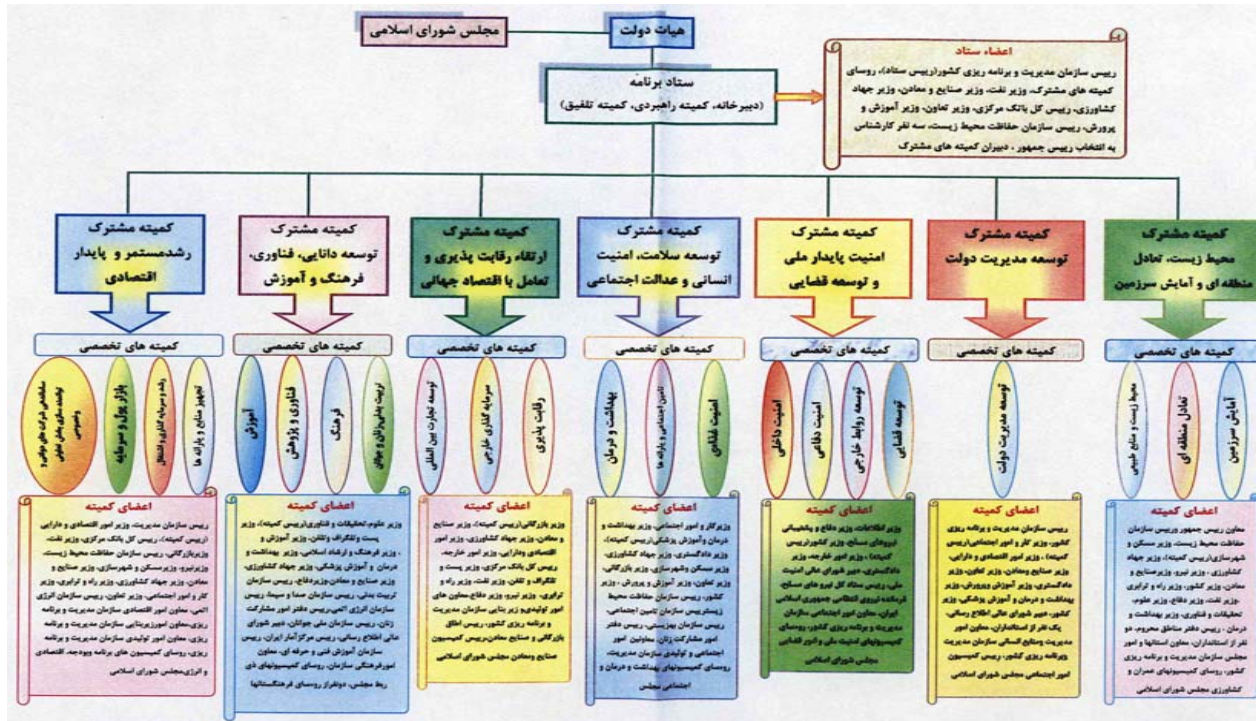
۴- دبیران کمیته‌ها، به شرح مندرج در نظام برنامه‌ریزی مصوب هیئت وزیران خواهند بود.

۵- وظایف دبیرخانه کمیته‌ها به شرح زیر است:

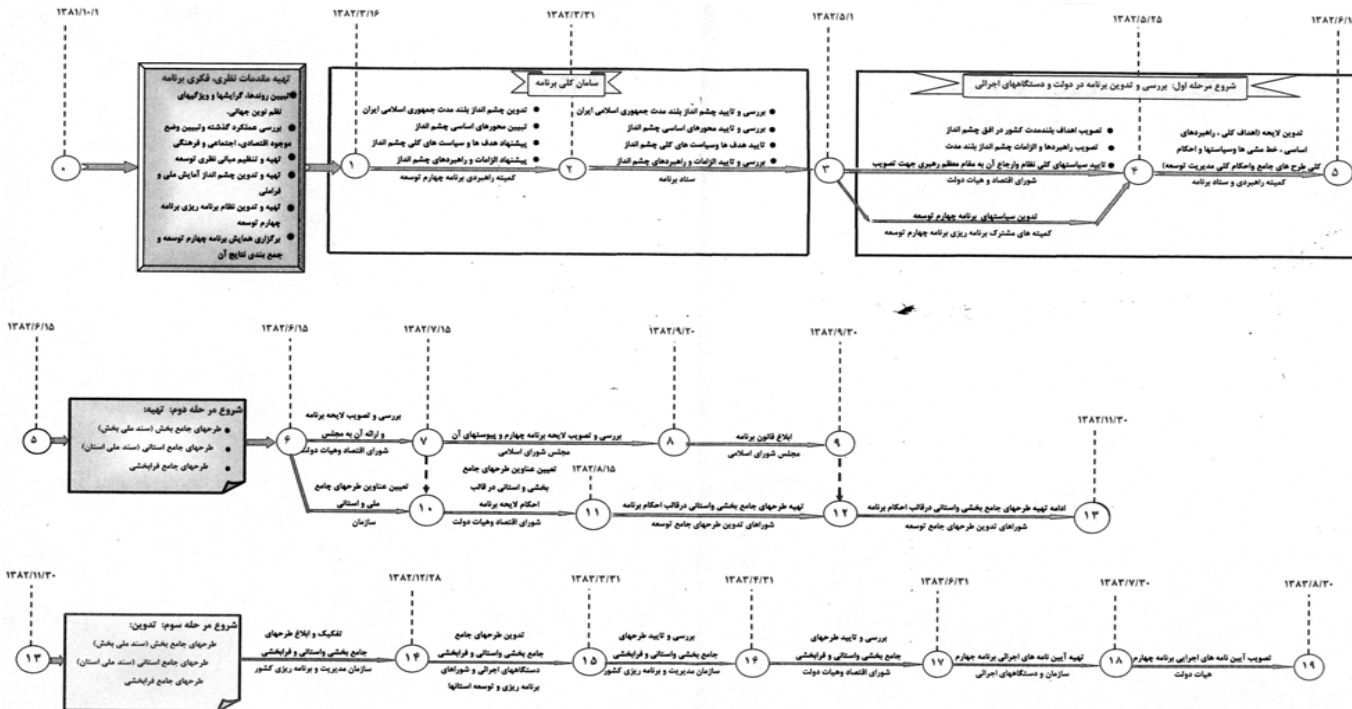
- تدارک جلسات

- پیگیری انجام فعالیتها بر اساس برنامه زمانبندی و ارائه‌ی گزارش پیشرفت کار
- جمع‌آوری گزارشها و تنظیم آنها به منظور ارائه در جلسات
- تنظیم صورتجلسات در قالب فرمهای مشخص، و ارائه‌ی آن به اعضا و دبیرخانه ستاد برنامه
- جمع‌بندی بررسیهای انجام شده در کمیته، و ارائه‌ی آن به ستاد برنامه
- ۶- با رعایت مندرجات گزارشات آتی پیرامون ظرفیتهای، مسائل اساسی و چالشها، اولویت موضوعها برای طرح در جلسات کمیته‌ها به شرح زیر است:
 - اظهار نظر پیرامون سیاستهای کلی
 - بررسی الزامها و راهبردهای چشم‌انداز، در محورهای اساسی مربوط به هر کمیته
 - تدوین اهداف و راهبردهای لازم برای برنامه چهارم توسعه در چارچوب چشم‌انداز
 - تدوین سیاستها و راهکارهای لازم برای برنامه چهارم توسعه (چگونگی تنفیذ، اصلاح و حذف احکام برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، و تدوین احکام جدید)
 - پیشنهاد منابع و مصارف برنامه چهارم توسعه
 - پیشنهاد عناوین طرحهای جامع خاص بخشی، استانی و فرابخشی مربوط به هر کمیته

نمودار شماره ۳- مرحله اول: تدوین و تصویب لایحه برنامه چهارم توسعه تا زمان تقدیم به مجلس شورای اسلامی (از مرداد ماه تا شهریور ماه ۱۳۸۲)



نمودار شماره ۴- برنامه زمانبندی تهیه و تدوین چشم‌انداز بلندمدت و برنامه چهارم توسعه



تصویر جامعه آرمانی در قانون اساسی

۱- طرح موضوع

چشم‌اندازها، مستقل از دامنه و گستره‌ای که در ابعاد مختلف زندگی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هر نظامی در بر می‌گیرند، همواره افق‌های نوین و متفاوتی بسیار فراتر از دیدگاه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و حتی بلندمدت متعارف، پیش روی برنامه‌ریزان می‌گشایند و تهدیدها و فرصتهایی حتی فراتر از یک نسل را برای گریز از انتخاب‌های نادرست و تمرکز همه جانبه امکانات، استعدادها و اقتدار یک ملت، در جهت تحقق خواسته‌های خود امکان‌پذیر می‌سازد.

اگر چه در شرایط ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی متفاوت، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری یک چشم‌انداز توسعه، متفاوت است، ولی در یک جمع‌بندی کلی:

۱- ترکیبی از آرمانها و ویژگی‌های جامعه ایده‌آل یک ملت (که اصولاً باید آن را در حقوق اساسی ملتها جستجو کرد).

۲- شرایط اقتصادی - اجتماعی موجود

۳- تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای و ویژگی‌های اقتصادی و فناوری فضای جهانی، تصویر قابل قبول، منطقی و در عین حال جاه‌طلبانه جامعه آینده و مراحل دستیابی به آن را به نمایش می‌گذارد.

اگر چه تحقق هر چشم‌اندازی از وضع موجود و حال آغاز می‌شود، ولی تدوین چشم‌اندازها، همواره با این پیش‌فرض آغاز می‌گردد که تحولات ساختاری، و شکل‌گیری شرایطی کاملاً متفاوت از وضع موجود، در دوره زمانی یک چشم‌انداز، امکان‌پذیر و به اندازه کافی امید بخش و برانگیزاننده است. سند حاضر به بحث و بررسی خصوصیات جامعه آرمانی جمهوری اسلامی ایران، بر اساس قانون اساسی و سازماندهی کلی اقتصادی جامعه مورد نظر، اختصاص دارد.

۲- تصویر جامعه آرمانی در قانون اساسی و مراحل رشد

۲-۱- ویژگی‌های جامعه آرمانی مستنبط از قانون اساسی

جامعه آرمانی مورد نظر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جامعه‌ای است که در آن بر پایه اصول اساسی اسلام، کرامت و آزادگی انسان حفظ و شرایط رشد او در حرکت به سوی نظام الهی فراهم آمده است. در چنین جامعه‌ای، اقتصاد، وسیله است و رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل او، در جهت تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل مورد توجه می‌باشد.

خصوصیات اساسی جامعه مورد بحث در قانون اساسی، به شرح زیر است:

- استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

- آزادی به منزله عامل تحقق استقلال و استعدادهاى ملی

- وجود عدالت اجتماعی و نبودن فقر و محرومیت

- تأمین نیازهای انسانی در جریان رشد و تکامل او

- بالندگی تولید و اشتغال کامل مولد

استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

الزامات استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عبارتند از:

الف: ثبات سیاسی و نظم حقوقی و نهادی معطوف به توسعه اقتصادی رقابتی، آزاد و متکی به مشارکت عامه

ب: توان داخلی برای گسترش مناسب ظرفیتهای تولیدی، با توجه به ملاحظات اقتصادی

ج: توان سازماندهی اقتصادی مؤثر، به ویژه در روابط بین‌المللی برای تأمین بهتر منافع ملی^۱

۱- منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را در جهان متحول کنونی، به گونه‌های مختلفی می‌توان تعریف کرد:

(۱) تمامیت ارضی و تأمین امنیت، (۲) رفاه و رونق و توسعه اقتصادی، (۳) پایداری و پویایی ارزشهای ملی، (۴) نظم منطقه‌ای و جهانی مورد نظر

- د: توان توسعه علوم، فناوری و استفاده مؤثر از فناوری ICT و سایر فناوری‌های آینده‌دار
- ه: توان تأمین و نگاه‌داشت سرمایه انسانی
- و: تأمین مطمئن و اقتصادی کالاها و خدمات مورد نیاز جامعه رو به رشد ایران، از طریق پیوستگی معقول با دنیای خارج
- ز: برخورداری از توان دفاعی برای حفظ استقلال سیاسی و تمامیت ارضی

آزادی به منزله عامل تحقق استقلال و استعدادهای ملی

- الف: تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی، در حدود قانون
- ب: مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش
- ج: ممنوعیت تفتیش عقاید و عدم مؤاخذه و تعرض به افراد، به صرف عقیده‌ای خاص
- د: تأمین آزادی احزاب، جمعیتها، انجمنهای سیاسی، صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده، در چارچوب اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی
- ه: رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری

وجود عدالت اجتماعی و نبودن فقر و محرومیت

- ویژگی‌های عدالت اجتماعی و رفع فقر و محرومیت، عبارتند از:
- الف: برابری فرصتها و امکانات در دستیابی به آموزش، اشتغال، سرمایه و ابزار کار برای همه
- ب: تأمین حداقل قابل قبول نیازهای اساسی مردم
- ج: کاهش تفاوت‌های بین درآمد و ثروت به حداقل ممکن، و متناسب با توسعه سالم اقتصادی - اجتماعی
- د: تعادل نسبی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بین مناطق و استانهای کشور

تأمین نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل

نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل، آنچنان که در قانون اساسی آمده است، مشتمل بر دو گروه نیازهای فردی و نیازهای اجتماعی است.

الف: نیازهای فردی شامل:

خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت و درمان، آموزش و پرورش، تشکیل خانواده، شغل، مالیکت مشروع، حق دادخواهی قانونی و فرصت برای خودسازی معنوی، سیاسی، اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار

ب: نیازهای اجتماعی شامل:

فرهنگ متعالی، تأمین اجتماعی، امنیت قضایی، توان دفاعی، فناوری پیشرفته و محیط زیست سالم

بالندگی تولید و اشتغال کامل مولد

رشد مستمر تولید در تمامی شرایط، از ضروریات توسعه است. چنین رشدی باید دارای ویژگی‌های ذیل باشد:

الف: اقتصادی مولد، بر اساس دانش پایه و رقابتی

ب: استفاده از سیاستهای مناسب و فناوری اطلاعاتی IT و مشارکت فعال نیروی کار جامعه در ایجاد رشد

ج: فراهم کردن موجبات ارتقای سرمایه اجتماعی و انسانی کشور، در جریان رشد و بهبود توان توسعه فناوری

د: توسعه و ساماندهی نهادهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به منظور تحقق رشد مستمر، با توجه به تحولات جهانی

ه: استفاده حداکثر از امکانات بین‌المللی و سازمانهای مربوطه و بازارهای جهانی در مسیر رشد اقتصادی

۲-۲- مراحل رشد در راستای جامعه آرمانی در افق چشم‌انداز

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در اصل چهل و سوم، به «رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور، در هر یک از مراحل رشد» اشاره نموده است.

مراحل رشد را می‌توان از دیدگاه تاریخی، مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. در این دیدگاه، دوره‌های طولانی تاریخی، هر یک دارای خصایصی معین هستند و مثلاً با استفاده از معیار فناوری در دسترس جامعه، می‌توان مراحل مختلف رشد را معین نمود:

دوران قبل از ماشین بخار، دوران انقلاب صنعتی اول (ماشین بخار تا استفاده از انرژی اتمی)، دوران اتم، دوران میکروپروسورها و ... از طرف دیگر بر اساس تولید غالب جامعه، می‌توان از دورانهای تاریخی کشاورزی (موج اول)، صنعت (موج دوم) و انفورماتیک (موج سوم) سخن گفت، و یا بر اساس تلفیق معیارهای تولید و فناوری، می‌توان از دوران پیش از خیز، دوران خیز اقتصادی، دوران حرکت به سوی بلوغ و عصر مصرف انبوه یاد کرد.

این دیدگاهها فقط تا آنجا مفید فایده است که دوران تاریخ فعلی جامعه بشری و در درون آن، وضعیت هر یک از جوامع را روشن سازد، هر چند در این زمینه، حصول اتفاق نظر مشکل است، ولی به هر حال، هیچ جامعه‌ای به طور منفرد و جدای از تحول کلی جامعه بشری قابل بررسی نیست.

جهان امروز جهانی است که در آن:

- انسان به مرزهای بسیار والای علوم و فناوری دست یافته است.
- مبانی علوم و فناوری در انحصار کشورهای خاصی است.
- بدون دسترسی مستمر به علوم و فناوری پیشرفته، امکان سازندگی با دوام و شکوفایی اقتصادی و اجتماعی، بعید به نظر می‌رسد.
- وابستگی‌های جهانی نه تنها اجتناب‌ناپذیر است، بلکه برای رشد و تعالی اقتصادی، یک اصل است.
- کشورهای کمتر توسعه یافته امروز، می‌توانند با اتخاذ استراتژیها و برنامه‌ریزی‌های مناسب و صحیح، متکی بر استفاده از امکانات خویش و دستاوردهای انسانی عصر حاضر، فقر و محرومیت را از جوامع خود، ریشه‌کن سازند، بدون آن که استقلال خود را فدا نمایند.
- ایران امروز، جامعه‌ای است که در آن:

- فناوری در دسترس جامعه علی‌رغم پیشرفتهای محسوس آن، در سطحی پایین قرار دارد.
 - وجود منابع غنی نفت و گاز، امکان مالی دسترسی به دستاوردهای پیشرفته جهان امروز را برای جامعه فراهم آورده است.
 - استقلال سیاسی حاصل آمده و می‌تواند، پایه تنظیم و اجرای برنامه‌های مناسب توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور قرار گیرد.
 - حداقلی از نیروی انسانی متخصص، جهت اجرای برنامه‌های توسعه و گسترش توان علمی و فناوری در جامعه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد که مراحل رشد مورد اشاره در قانون اساسی، در مقایسه با دوره‌های تاریخی تحول جوامع، مراحل کوتاه‌مدت‌تر از دوره‌های مورد بحث است، با هدف کلی ترسیم فرازهای حرکت از وضعیت فعلی، به وضعیت آرمانی در بطن نظام جهانی کنونی.

تبیین وضع موجود و

پیش‌بینی روندهای

آینده جهان

◀◀ مقدمه

برای ترسیم روند تحولات جهانی در سالهایی که در پیش رو است، لازم است متغیرهای کلیدی و ماندگار در راهبرد روند تحولات جهانی مورد شناسایی قرار گرفته و جایگاه و شدت تأثیرگذاری هر یک از آنها را در شکل‌گیری نظم جهانی بخصوص در عرصه مسائل اقتصاد جهانی مورد ارزیابی قرار گیرد. به‌طور کلی متغیرهای اصلی در روند تحولات جهانی را می‌توان در چند محور اساسی جستجو نمود:

- ۱- تغییرات جمعیتی در جهان
- ۲- منابع طبیعی و محیط زیست
- ۳- پیشرفت در علوم و فناوری
- ۴- جهانی شدن و اقتصاد جهانی
- ۵- حاکمیت‌های ملی و بین‌المللی
- ۶- تنش‌های بین‌المللی
- ۷- قدرتهای برتر جهان

◀ تحولات جمعیتی

بر اساس پیش‌بینی‌های جمعیتی مؤسسات بین‌المللی، جمعیت جهان از ۶/۱ میلیارد نفر در سال ۲۰۰۰ به ۷/۲ میلیارد نفر در سال ۲۰۱۵ افزایش خواهد یافت و در اکثر مناطق جهان مردم با طول عمر بیشتری زندگی خواهند کرد. بیش از نود و پنج درصد (۹۵٪) افزایش جمعیت جهانی در کشورهای در حال توسعه اتفاق خواهد افتاد و تقریباً تمام این افزایش جمعیت در مناطقی که شاهد رشد سریع شهرنشینی است به وقوع خواهد پیوست. طبیعی است که در جوامعی که نظام سیاسی آن از پایه‌های سستی برخوردار است، ترکیب این دو عامل جمعیت و شهرنشینی، بی‌ثباتی بیشتری را در این جوامع دامن خواهد زد. برای برخی از کشورهای در حال توسعه، روند فوق در جهت افزایش جمعیت فعال، مؤثر واقع گشته و از اندازه جمعیت جوان می‌کاهد. در مجموع پتانسیلها برای رشد اقتصادی و ثبات سیاسی در این گونه کشورها تقویت می‌شود.

◀ منابع طبیعی و محیط زیست

با توجه به پیشرفتهای فنی که در تکنولوژی‌های کشاورزی در حال تحول است، این نظریه بیشتر مورد توافق عمومی است که کل تولیدات مواد غذایی برای تغذیه جمعیت در حال رشد جهان در سال ۲۰۱۵ کافی خواهد بود. زمینه بروز قحطی در کشورهایی که دولتها به سیاستهای تحدیدی در اداره امور متوسل می‌شوند و یا اینکه دارای مشکلات و مناقشات داخلی هستند و یا بر اثر حوادث مخرب طبیعی، کماکان وجود خواهد داشت.

علی‌رغم پیش‌بینی افزایش پنجاه درصدی (۵۰٪) در تقاضای جهانی برای انرژی، منابع انرژی کفاف تأمین این میزان تقاضا را خواهد داشت و بر اساس تخمینهای جدیدی که از منابع نفت و گاز جهانی شده است، هشتاد درصد (۸۰٪) ذخایر نفت جهان و نود و پنج درصد (۹۵٪) ذخایر گازی کماکان دست نخورده باقی خواهند ماند.

در ارتباط با مسئله نفت در آینده باید توجه داشت که گرچه منطقه خلیج فارس کماکان بزرگترین ذخایر نفتی جهان را دارا خواهد بود، اما بازار انرژی جهانی دو الگوی متفاوت منطقه‌ای در توزیع انرژی خواهد داشت. یک منطقه توزیع انرژی در جهت تأمین انرژی مورد نیاز مصرف‌کنندگان نیمکره شمالی از جمله آمریکا فعال خواهد بود که از حوزه‌های نفتی اقیانوس اطلس تغذیه خواهد کرد. منطقه دیگر در عرضه انرژی برای تأمین نیازمندیهای مصرف‌کنندگان آسیایی (بخصوص چین و هند) فعال خواهد بود که از حوزه‌های نفتی خلیج فارس انجام خواهد شد و تا اندازه کمی هم به منابع انرژی دریای خزر و آسیای مرکزی متکی خواهد بود.

تحولات اخیر در منطقه خلیج فارس نشان می‌دهد که خلیج فارس نه تنها برای مصرف‌کنندگان عمده انرژی در منطقه آسیا دارای اهمیت است بلکه برای آمریکا نیز حائز اهمیت است. به این ترتیب حضور آمریکا در منطقه خلیج فارس و کنترل منابع نفتی این منطقه با هدف اعمال کنترل و فشار بر کشورهای منطقه و کشورهای قدرتمند مثل چین و هند که وارد کننده نفت از این منطقه هستند خواهد بود. طبیعی است با اشغال عراق سیستم عرضه انرژی جهان بیش از پیش تحت کنترل آمریکا قرار می‌گیرد. این مسئله برای ایران دارای پیامد خوبی نخواهد بود. با کاهش اقتدار کشورهای حوزه خلیج فارس در مدیریت عرضه انرژی و در مقابل افزایش قدرت آمریکا در تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های

اوپک، کشورهای اروپایی و تولید کنندگان نفت قاره اروپا قدرت مانور کمتری در مقابل سیاستهای جهانی شدن آمریکا خواهند داشت. به عبارت دیگر آمریکا با کنترل منابع نفتی حوزه خلیج فارس اهرمی را در اختیار خواهد گرفت که از آن هم در جهت مقابله با اروپا و هم کشورهای قدرتمند آسیا استفاده خواهد کرد. لذا لازم است ایران در چنین شرایط با احتیاط عمل کند و از رویارویی با آمریکا اجتناب ورزد و در عین حال ارتباط تنگاتنگ با اتحادیه اروپا در خصوص مسائل نفتی و سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز برقرار کند. در صورت ظهور منافع مشترک با آمریکا در مدیریت انرژی نفت و گاز حوزه خلیج فارس، از آن نیز استقبال کند.

در مقایسه با فراوانی نسبی منابع غذایی و انرژی در جهان تا سال ۲۰۱۵، کمبود منابع آبی و نحوه بهره‌برداری از آن چالشهای جدی را برای دولتها در منطقه خاورمیانه، صحرای افریقا، آسیای جنوبی و شمال چین به وجود خواهد آورد. لذا تنشهای منطقه‌ای در ارتباط با تسخیر منابع آبی در این مناطق از جهان شدت خواهد یافت.

◀ علوم و فناوری

پیشرفت سریع در فناوری اطلاعات و ارتباطات، الزامهای جدیدی در نحوه مدیریت اقتصادی و سیاسی جامعه جهانی ایجاد کرده است. از آنجا که کشورهای پیشرفته و صنعتی جهان بخصوص آمریکا، در این نوآوریها نقش کلیدی داشته‌اند، طبیعی است در انتقال این نوع نوآوریها، که کاربردهای متفاوت در عرصه‌های مختلف دارد، با احتیاط عمل کنند و نسبت به عواقب آن حساس باشند. به هر حال وجود این نوع تکنولوژیها می‌تواند برای کشورهای در حال توسعه یک فرصت و نیز یک چالش تلقی شود.

◀ جهانی شدن اقتصادها:

در ارتباط با جهانی شدن اقتصاد، یک واقعیت مسلم است که کشورهای در حال توسعه پذیرفته‌اند که برای پیشرفت اقتصادی و اجتماعی خود لازم است سیاستهای اقتصادی خود را منطبق با نظم اقتصاد جهانی که با آغاز دهه ۱۹۹۰ ابعاد جدید پیدا کرده است، مورد جرح و تعدیل قرار دهند. حاشیه‌ماندگی،

جدی‌ترین خطری است که در صورت عدم ایجاد اصلاحات ساختاری در اقتصاد، کشورهای در حال توسعه را مورد تهدید قرار خواهد داد.

◀ تحول در نظامهای حاکمیتی

تحولاتی که در چند سال اخیر در دنیا، بخصوص در منطقه خاورمیانه، و در همسایگی ایران شاهد بوده‌ایم دلالت بر این دارد که در آینده، فشار نظم جهانی بر نظامهای حاکمیتی که رویکردهای خود را در ارتباط با مسائل خارجی و حتی داخلی منطبق با معیارهای جهانی مورد تعدیل قرار ندهند، افزوده خواهد شد. تغییر کیفی حاکمیتها و اهمیت یافتن نقش قابلیت‌های خوب حاکمیتی و ضرورت تجدید ساختار بافت سنتی حاکمیتها، تمرکززدایی، خصوصی‌سازی و آزادسازی اقتصادی و مشارکت فعال بخش خصوصی در مدیریت اقتصادی کشورها از جمله ملاحظاتی است که نظم جهانی بر آن تأکید خاصی دارد. اولویتهای امنیت ملی ماهیت فرا ملیتی پیدا می‌کند، و ضرورت اتخاذ سیاستهای همه‌جانبه‌نگر، اجتناب‌ناپذیر می‌گردد.

◀ تنشهای آتی

علی‌رغم تسلط آمریکا در تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات در دهه‌های آتی و تفوق این کشور در تکنولوژی‌های دفاعی و نظامی، چالشهایی این کشور را تهدید خواهد کرد. به این اعتبار حوزه‌های بحران را می‌توان در زمینه‌های ذیل مورد شناسایی قرار داد:

تهدیدهای غیر متقارن

در این نوع تهدیدها، دولتها و گروههای غیر دولتی مخالف آمریکا از برخورد مستقیم نظامی با آمریکا احتراز می‌جویند ولی در صدد تهیه استراتژیها، تاکتیکها و تولید سلاح (با بهره‌گیری از تکنولوژی‌های موجود) برخوانند آمد تا از این طریق از قدرت آمریکا در اعمال خواسته‌هایش بر گروه کشورهای هدف بکاهند و بر نقاط ضعف آن فشار وارد آورند. ممکن است برخی از کشورهای در حال توسعه احساس کنند که با قرار گرفتن در این صف، امنیت بیشتری برای خود کسب می‌کنند، اما تجربیات اخیر نشان داده

است که این نوع موضع‌گیریها، فقط این کشورها را در معرض اتهام تولید سلاحهای کشتار جمعی غیر متعارف قرار می‌دهد و بی‌ثباتی بیشتری را برای حاکمیتها ایجاد می‌کند.

خطر تولید سلاحهای کشتار جمعی

علوم و فناوری جدید در عرصه تولیدات سلاحهای کشتار جمعی، همگام با انقلاب اطلاعات و ارتباطات، باعث شده است که بسیاری از کشورها، توان تولید این نوع سلاحها را پیدا کنند. قدرتهای برتر، این روند را تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی تلقی می‌کنند و به همین خاطر جهان، شاهد نگرانی شدید آنها نسبت به این قضایا است. رویکرد نظامی آمریکا در برخورد با این مسئله از حمایت کشورهای صنعتی غرب نیز برخوردار بوده است. از روند تحولات پیدا است که قدرت برتر در پیشبرد این رویکرد جدی است.

تهدیدهای نظامی منطقه‌ای

بحث رقابت تسلیحاتی در بین کشورهای حوزه خلیج فارس به نحو روزافزون، ضرورتهای خود را از دست می‌دهد. تمایل ناگهانی دو کشور هند و پاکستان در حل مشکلات مرزی، مبین این است که قدرتهای برتر در برخورد با کانونهای تنش‌زای منطقه‌ای بسیار جدی هستند. اختلافات و درگیریهای داخلی ناشی از مسائل مذهبی، اخلاقی و فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، کماکان وجود خواهد داشت و حتی ممکن است بر دامنه آن افزوده شود. ناتوانی دولتها، فقدان یک عزم سیاسی و نبود منابع کافی در برخورد با این مسائل می‌تواند توجهی برای دخالت مستقیم نهادهای بین‌المللی و یا قدرتهای برتر در امور این کشورها گردد.

روندها و گرایشهای نظم نوین جهانی

◀ مقدمه

اقتصاد جهانی پس از فروپاشی نظام اقتصادی - سیاسی اتحاد جماهیر شوروی سابق در سال ۱۹۹۱ وارد مرحله جدیدی گردید. از جمله تحولات عمده پس از آن شکل‌گیری اقتصادهای جدید در آسیای میانه با جهت‌گیری انتقال به نظام بازار بوده است. متعاقب آن تحولات، پایان یافتن دور مذاکرات معروف به دور اوروگوئه و ایجاد سازمان تجارت جهانی بوده است. این تحولات، به نوبه خود سرعت و آهنگ توسعه‌ی بازارها و تجارت را تندتر نمود. همگرایی اقتصادی منطقه‌ای و به تبع آن انطباق با قواعد اقتصادی، بخصوص تجارت بین‌المللی و اصلاح ساختار اقتصادی در اکثر کشورهای جهان به عنوان یک ضرورت، پذیرفته شد. بدون شک اعتراف به انجام این اصلاحات اقتصادی مبتنی بر اصول و قواعد بازار، هم به لحاظ اعتقاد علمی به انجام این اصلاحات و هم به لحاظ الزامهای تعامل با دنیای خارج بوده است.

روند این گونه اصلاحات با تحولاتی که در عرصه مسائل سیاسی بین‌المللی در جریان است، مسلماً به الزامهای همگرایی اقتصادی، ابعاد تازه‌ای بخشیده است و به نظر می‌رسد که خواست جهانی شدن اقتصادهای در حال گذار، از حالت انتخاب خارج شده باشد.

حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ نقطه عطفی در تاریخ تحولات دیپلماسی روابط بین‌المللی ایجاد کرد. اگر این حادثه را به طور قطع از قبل طراحی شده فرض نکنیم، مسلماً می‌توان در جهت تحقق اهداف اقتصادی و سیاسی قدرتهای برتر بسیار مؤثر دانست. حمله نظامی مستقیم آمریکا در براندازی حکومت طالبان در افغانستان و حمایت و کمک کشورهای اروپایی و حتی کشورهای همسایه افغانستان در این نمایش کوچک ولی بزرگ (کوچک به لحاظ کوچک بودن حریف یعنی افغانستان، و بزرگ به این معنا که آمریکا در تعیین مشروعیت نظامهای حاکمیتی، به طور یک جانبه و با حمایت سایر قدرتهای وابسته اقدام می‌کند و سرنوشت آنها را تغییر می‌دهد)، نشانه بارزی از شکل‌گیری یک نوع انحصار قدرت در عرصه جهانی است. با توجه به روند این گونه تحولات و تهدیدهای آمریکا به کشورهای که خود را با راهکارهای سیاسی بین‌المللی مورد نظر آمریکا منطبق نکرده‌اند، روند نظم جهانی معنا و مفهوم متفاوتی با گذشته پیدا کرده است.

در این ارتباط لازم است به یک مطلب توجه خاص داشت. کشورهای منتقد سیاست آمریکا در خاورمیانه و کشورهای اروپایی رقیب و منتقد آمریکا از جهات مختلفی با هم تفاوت دارند و عمده‌ترین آنها در نگرش جهانی‌سازی آنها می‌باشد. لذا اگر مواضع مشترک مخالفت با آمریکا بین این کشورها و اروپا ملاحظه می‌شود، این به معنای نفی وجود مواضع مشترک اروپا و آمریکا در خصوص مسائل سیاسی داخلی و منطقه‌ای کشورهای مذکور نیست. به عبارت دیگر مواضع اروپا و آمریکا در خصوص برخورد با برخی از مسائل مثل حقوق بشر، تروریسم و تولید سلاحهای کشتار جمعی کشورهای در حال توسعه تقریباً یکسان است و در این زمینه همسو عمل می‌کنند. همکاری اروپا با این کشورها را نباید به منزله قرار گرفتن کشورهای مذکور در صف منتقدان اروپایی آمریکا تلقی کرد. باید به این نکته توجه داشت که حساب اروپا با آمریکا و یا بالعکس، متفاوت با حساب آمریکا با کشورهای خاورمیانه است. توسل به دیپلماسی فعال مستقیم با قدرتهای برتر دنیای خارج جهت رفع اختلافات بین‌المللی در حوزه مسائل سیاسی، امنیتی بهتر می‌تواند در جهت حفظ منافع ملی در ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی مؤثر واقع شود.

◀ تعریف نظم جهانی

نظم جهانی دربرگیرنده مجموعه پیچیده‌ای از روابط بین بازیگران بین‌الملل است. تقویت فرایندهای جهانی شدن باعث افزایش نقش بازیگران غیر دولتی از جمله شرکتهای فراملیتی و گروههای دارای ایدئولوژیهای خاص در درون و خارج از نظامهای حاکمیتی شده است. با این وجود، نظامهای حاکمیتی همچنان نقش اصلی را در صحنه نظام بین‌الملل ایفا می‌کنند. اصول و قواعد حاکم بر نظام بین‌الملل به تدریج شکل گرفته و رفتار بازیگران (از جمله نظامهای حاکمیتی) را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. کشورهایی که از قدرت (شامل قدرت نظامی، قدرت اقتصادی و قدرت فرهنگی - علمی) بیشتری برخوردار هستند، می‌توانند در تنظیم قواعد حاکم بر نظام بین‌الملل نقش عمده‌ای ایفا نمایند و سایر بازیگران صحنه بین‌الملل در صورت عدم تمکین به این اصول، با انزوای بین‌المللی، تحریمهای اقتصادی و حتی تهاجم نظامی قدرتهای برتر مواجه می‌شوند.

◀ تحولات اواخر دهه ۱۹۲۰ و اوایل دهه ۱۹۳۰

تحولات اقتصادی جهان در این دوره با یک سلسله نابسامانی‌ها همراه بود که در نهایت منجر به رکود بزرگ جهانی گردید. کاهش قابل توجه تولید ناخالص ملی کشورها باعث گردید، که کشورهای پیشرفته جهان، هر یک بلوکهای اقتصادی و تجاری را بنا نهند (ژاپن، امپراطوری بریتانیا، اتحادیه فرانسه، آلمان و اروپای شرقی و آمریکا).

هدف آنها کاهش واردات تا حداقل ممکن و حفظ سطح اشتغال بود. اما با رویکرد محدودسازی تجارت توسط قدرتهای مطرح آن زمان، اوضاع اقتصادی آنها در تضاد با یکدیگر قرار می‌گرفت و نهایتاً شرایطی پیش آمد که بلوکهای اقتصادی به بلوکهای نظامی تبدیل شدند و جنگ دوم جهانی آغاز گردید.

◀ تحولات پس از جنگ جهانی دوم

پس از پایان جنگ دوم جهانی، جهان دارای دو ابرقدرت نظامی آمریکا و شوروی سابق بود که برای برتری رقابت می‌کردند. ولی تنها یک ابرقدرت اقتصادی یعنی آمریکا وجود داشت که در پهنه اقتصاد جهان مطرح بود. در این دوره، جهان شاهد تلاش جدی دنیای صنعتی جهت ایجاد سه ستون نظم نوین اقتصادی بود:

صندوق بین‌المللی پول IMF، سازمان تجارت جهانی (که تنها به صورت گات توانست شکل گیرد)، بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه IBRD، که اکنون به اسم بانک جهانی شهرت دارد. مقررات در درون هر یک از این نهادهای بین‌المللی به نحوی تهیه شده بود که جهان صنعتی را در بازسازی ویرانه‌های باقیمانده از جنگ یاری دهد تا بتواند به طریقی به برابری با آمریکا برسد. این هدف به تدریج تحقق یافت. آن زمان در عرصه اقتصاد، آمریکا رقیبی برای خود نمی‌شناخت و به تمام معنا یکه‌تاز میدان بود و نسبت به کشورهای دیگر از برتری اقتصادی بسیار برخوردار بود و نقشی را که مناسب قدرت اقتصادی‌اش بود بازی می‌کرد.

به منظور جلوگیری از تبدیل بلوکهای اقتصادی به بلوکهای نظامی، نظام تجاری گات و صندوق بین‌المللی پول شکل گرفت. ایجاد این نظام باعث شد که از بلوک بندیهای اقتصادی که در مقابل آمریکا

موضع‌گیری می‌نمودند، به طور مؤثر ممانعت به عمل آید. نظام تجاری گات از آنجا که در آمریکا به صورت یک سویه تدوین گردید تا نظام جهانی را حفظ و هدایت نماید، به نظر کینز «مکتب یک‌جانبه جهانی کینز» نامیده شد. در این نظام دلار، واسطه مبادلات و استاندارد ارزش و آمریکا مدیر این نظام بود. تحت این نظام اقتصاد جهان به رشد بسیار بالایی دست یافت که در تمامی طول تاریخ بی‌نظیر است. در آن موقع (طی دهه ۱۹۴۰) سهم تولید ناخالص ملی آمریکا بیش از نصف مجموعه جهان گردید. ویرانی‌های حاصل از جنگ دوم جهانی باعث شده بود که کشورهای اروپایی از میدان بازی اقتصادی خارج شدند و تنها آمریکا یکه‌تاز میدان شود. کشورهای اروپایی تمامی تلاش خود را صرف بازسازی و ویرانی‌های جنگ می‌کردند، لذا آمریکا نقش رهبری اقتصاد جهان را به عهده گرفت. دسترسی به بازار آمریکا شرط موفقیت و کامیابی کشورها گردید. آمریکا با اتکا به قدرت نظامی‌اش دیگران را به همکاری با سیستم اقتصادی خود وادار می‌ساخت. برتری آمریکا به این علت بود که از نظر قدرت اقتصادی (در تمام محصولات عمده صنعتی) پیشگام جهان بود. در آن موقع تولید ناخالص ملی و استاندارد سرانه زندگی‌اش در مقایسه با حریفان آن موقع خود یعنی بریتانیا و آلمان بالاتر بود.

◀ تحولات بین‌المللی دهه ۷۰

بسیاری معتقدند که نظام اقتصادی که در دهه ۷۰ پدید آمد، یک نظام اقتصادی جدید برای آن موقع نبود بلکه آن را یک بی‌نظمی اقتصادی جدید می‌دانستند. افزایش قیمت نفت، تورم جهانی و رکود همزمان با آن، تمایل کشورهای صنعتی غرب را در اعطای کمک تضعیف کرد، ماهیت عملکرد اقتصاد جهانی از بازار خریداران (کشورهای پیشرفته غرب) به تدریج به بازار فروشندگان (کشورهای در حال توسعه و دارای مواد اولیه تولید صنعتی) تبدیل گردید. آن گروه از کشورهای جهان که از نظر منابع و مواد اولیه استراتژیک و مهم مانند انرژی بهره‌مند بودند قدرت زیادی پیدا کردند و در نظم اقتصادی و سیاسی جهان به گونه‌ای جدی تأثیرگذار شدند. به عنوان مثال کشورهای عضو اوپک در سال ۱۹۷۳ موجب پدید آمدن شوک نفتی گردیدند و جهان را تحت تأثیر خود قرار دادند. به این ترتیب تعداد بازیگران و قواعد بازی جهانی تغییر کرد و جهان در نیمه راه یک انتقال اساسی و عمیق اقتصادی قرار گرفت. تحول ایجاد

شده نه تنها تغییر روابط اقتصادی بین‌المللی را اجتناب‌ناپذیر کرد، بلکه موجب تجدید نظر در نظام اقتصاد جهانی گردید.

◀ تحولات بین‌المللی دهه ۸۰

دهه ۸۰ متعاقب تحولات دهه ۷۰، شاهد مسائل مهمی از جمله بحران بدهی‌های خارجی فزاینده اکثر کشورهای در حال توسعه (به ویژه کشورهایی که وارد کننده نفت بودند) و مشکل بازپرداخت بهره بود. ریشه این بحران را باید در دوره ۷۹-۱۹۷۳ به دنبال افزایش قیمت نفت اوپک جستجو کرد. این کشورها زیر ضربات شدید فروپاشی نظام پولی، پیامدهای پی‌درپی نوسانات معاملات بورسی و بحران وامها قرار گرفتند. همچنین رکود جهانی، محدود شدن تجارت بین‌الملل و سرمایه‌گذاری خصوصی و عمومی خارجی، بدتر شدن بحران مواد غذایی، بیکاری، فقر و اثر تخریبی رشد تولیدات صنعتی و رشد سریع جمعیت بر محیط زیست از مسائل دیگری بود که کشورهای در حال توسعه با آن مواجه بودند. روند این گونه تحولات باعث شد که فشار بر اقتصادهای دارای انرژی و کاهش قدرت اقتصادی آنها در نظم اقتصاد جهانی افزوده شود. جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران نیز تا اندازه زیادی به این هدف جامه عمل پوشاند. این جنگ یکی از بزرگترین حوادث دهه ۸۰ به شمار می‌رود که در شکل‌گیری روند تحولات سیاسی و اقتصادی بین‌الملل در زمان حاضر نقش تعیین کننده داشته است.

◀ تحولات بین‌المللی دهه ۹۰

در سال ۱۹۹۰ جنگ خلیج فارس توسط آمریکا علیه تجاوز عراق به کویت روی داد. از عواقب مهم این جنگ این بود که زمینه‌های مناسب برای توجیه حضور نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس بیش از پیش فراهم شد. در سال ۱۹۹۱ با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق، جنگ سرد بین دو ابرقدرت آمریکا و شوروی پایان یافت و معادلات سیاسی بین‌المللی تغییر بنیادی پیدا کرد. در کشورهای استقلال یافته آسیای میانه و ناحیه قفقاز، اقتصادهای جدید با جهت‌گیری نظام بازار شکل گرفت. در سال ۱۹۹۴ حاصل نشست دور اروگوئه، ایجاد سازمان تجارت جهانی بود که بعد از جنگ دوم جهانی کشورهای

پیشرفته صنعتی به رهبری آمریکا در صدد دستیابی به آن بودند. در سال ۱۹۹۹ بین اعضای جامعه اتحادیه اروپا برای ایجاد واحد پول اروپایی (یورو) توافق شد که اکنون شاهد تحقق عملی آن می‌باشیم. همان طور که از روند تحولات سیاسی و اقتصادی مشاهده می‌شود، آمریکا نقش بازیگر اصلی در روند تحولات سیاسی و اقتصادی را تا دهه ۱۹۷۰ در جهان داشته است، با وقوع جریان‌های از جمله تحولات بازار انرژی و پیمان ماستریخت که منجر به شکل‌گیری اتحادیه اروپا گردید، عرصه اقتدار بین‌المللی و نقش حاکمیت اقتصادی آمریکا به تدریج رو به افول گرایید. پس از رکود سال (۸۲ - ۱۹۸۱) اقتصاد کلان آمریکا به بدترین حالت خود رسید. چنان که در سالهای ۱۹۸۳ و ۱۹۸۴، آمریکا برای نخستین بار با کسری تجاری بزرگ مواجه گردید. از عواملی که در این وضعیت نقش داشت می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- وقوع انقلاب سبز در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه باعث گردید که بازارهای خارجی محصولات مزارع آمریکا به شدت محدود شود.
- آمریکا به تدریج از صادر کننده مواد خام (مانند نفت) به وارد کننده بزرگ تغییر وضع داد.
- تکنولوژی پیشرفته که روزی خاص آمریکا بود و بقیه کشورهای جهان از تولید آن عاجز بودند، دیگر در انحصار آمریکا نبود.
- کسری‌های موازنه پرداختها، به کسری تجاری مزمن و مستمر بدل شد.
- عرصه میدان غیر رقابتی صادرات که آمریکا در آن موقع از برتری نسبت به صادر کنندگان دیگر برخوردار بود به رقابتی بسیار شدید تبدیل شد. در سال ۱۹۸۷ واردات آمریکا ۱۶۲ میلیارد دلار بیشتر از صادرات آن گردید. این کسری عظیم تجاری در دهه ۹۰ و سالهای هزاره سوم کماکان وضعیت وخیم‌تری به خود گرفته است.

◀ تحولات بین‌المللی پس از حادثه ۱۱ سپتامبر

حادثه ناگوار ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و به دنبال آن ماجراجویی آمریکا در افغانستان و عراق، موجب تحولاتی در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شده است. در نتیجه این تحولات، نظم اقتصاد جهانی دستخوش تحول شگرفی شده است. از بعد اقتصادی، رشد سالانه تولید ناخالص ملی در

اکثر کشورهای جهان به شدت کاهش یافته است. چنان که رشد سالانه تولید ناخالص داخلی در جهان از چهار درصد (۴٪) در سال ۲۰۰۰ به یک و سه دهم درصد (۱/۳٪) در سال ۲۰۰۱ کاهش یافت. همچنین در اقتصادهای توسعه یافته از سه درصد (۳٪) در سال ۲۰۰۰ به یک و نه دهم درصد (۱/۹٪) در سال ۲۰۰۱ کاهش یافت. همین طور در اقتصادهای در حال توسعه از پنج و هشت دهم درصد (۵/۸٪) در سال ۲۰۰۰ به دو و سه دهم درصد (۲/۳٪) در سال ۲۰۰۱ کاهش یافت. حجم تجارت جهانی بعد از رشد دوازده درصد (۱۲٪) در سال ۲۰۰۰ و با رشد متوسط هفت درصد (۷٪) طی دهه ۱۹۹۰ در سال ۲۰۰۱ راکد ماند. جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی همچنین کاهش شدیدی پیدا کرد. به طوری که از ۱/۳ تریلیون دلار در سال ۲۰۰۰ به نصف این مقدار در سال ۲۰۰۱ کاهش یافت. ارزش دلار در مقابل یورو به میزان چهل و سه درصد (۴۳٪) در مدت ۲/۵ سال از اواخر سال ۲۰۰۱ تا حال (به ترتیب از هر یورو معادل ۸۲ سنت و هر یورو معادل ۱/۱۵ دلار) موجب کاهش ارزش صادرات کشورهای اروپایی و به تبع آن موجب کاهش رشد اقتصادی، افزایش بیکاری و کاهش ارزش سهام در کشورهای اروپایی شده است. رشد اقتصادی در کشورهای منطقه از جمله در سه کشور آلمان، هلند و ایتالیا (دارای پول واحد یورو) یک دهم درصد (۰/۱٪) کاهش داشته است و پیش بینی شده که این نرخ بین (۰ تا ۰/۴٪) برسد. نرخ بیکاری در ۱۲ کشور اروپایی در بهمن و اسفند ۸۱ به ترتیب به (۸/۶٪) و (۸/۷٪) افزایش یافت. در حدود ۱۲/۲ میلیون نفر در این کشورها بیکار می باشند. کاهش رشد اقتصادی، و کاهش ارزش سهام در بازارهای بورس از جمله مهم ترین عوامل افزایش نرخ بیکاری در کشورهای اروپایی اعلام شده است.

◀◀ ویژگی های نظم جهانی

بعد از تحولات یازده سپتامبر تاکنون مهم ترین ویژگی های نظام بین الملل را می توان به شرح ذیل بیان کرد:

◀ الف - عدم وجود توازن قدرت:

مهم ترین ویژگی نظام بین المللی، تسلط تقریباً کامل قدرت آمریکا بر نظام بین الملل و عدم وجود قدرت متعادل کننده در برابر این کشور می باشد. این شرایط دست کم تا سال ۲۰۱۵ میلادی تداوم خواهد

داشت و پس از آن کشورهای نظیر چین می‌توانند در تعیین اصول حاکم بر نظام بین‌الملل با آمریکا شریک شوند.

◀ ب - اهمیت روزافزون دانش و فناوری:

ماهیت قدرت در نظام بین‌الملل به تدریج دچار دگرگونی شده و توانایی‌های علمی و اطلاعاتی اهمیت روزافزونی می‌یابند. بنابر این بازیگران در این عرصه امکان ایفای نقش بیشتری خواهند داشت که قدرت خویش را در این زمینه تقویت کنند.

◀ ج - تسریع فرایند جهانی شدن:

این فرایند به یکی از مهم‌ترین نیروهای هدایت‌کننده تحولات عمده اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در سطح نظام بین‌الملل تبدیل شده است. جهانی شدن، پیامد تحولات به هم پیوسته‌ای در حوزه‌های فناوری ارتباطات و اقتصاد است که باعث ادغام بیشتر تمامی کشورها در نظام جهانی شده و در جریان آن برخی از کشورها یا مناطق، درون شبکه‌های جهانی قدرت و رفاه ادغام شده و سایرین در حاشیه قرار می‌گیرند.

◀◀ ساختار نظم جهانی

سلسله مراتب قدرت در سطح نظام بین‌الملل نشان‌دهنده ساختار نظم جهانی است. بر این اساس کشورها به لحاظ تأثیرگذاری و یا تأثیرپذیری از نظام بین‌الملل به چهار دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

۱- ابرقدرتها:

که از توانایی تأثیرگذاری و تعیین ساختار نظم جهانی برخوردارند. در حال حاضر تنها آمریکا در این سطح از قدرت قرار دارد و پیش‌بینی می‌شود که چین نیز طی سی سال آینده به این سطح قدرت نزدیکتر شود.

۲- قدرتهای بزرگ:

روسیه، اتحادیه اروپا و چین در این دسته قرار می‌گیرند، که تا حدی از توانایی تأثیرگذاری بر ساختار نظام بین‌الملل برخوردار بوده‌اند. ژاپن، هند و برزیل نیز می‌توانند قدرت خویش را در بلندمدت به این سطح برسانند.

۳- قدرتهای متوسط:

بسیاری از کشورها در این سطح از قدرت قرار دارند و تأثیرگذاری آنها بیشتر در سطح منطقه‌ای است و از امکان کمتری برای تعیین ساختار کلی نظام بین‌الملل و نظم جهانی برخوردارند. جمهوری اسلامی ایران نیز از این دسته کشورها محسوب می‌شود و بیشتر از ساختار نظام جهانی تأثیر می‌پذیرد.

۴- قدرتهای کوچک:

کشورهای زیادی در این سطح از قدرت قرار دارند و این کشورها امکان تأثیرگذاری بر ساختار نظم جهانی را چه در سطح منطقه‌ای و چه در سطح جهانی دارا نمی‌باشند.

◀ ویژگی ساختارهای منطقه‌ای

ساختارهای منطقه‌ای، مجموعه‌ای خاص از تعاملات مشخص را در حوزه جغرافیایی معین، تحت پوشش قرار می‌دهند. همچنان که نظام بین‌الملل کلیه کنشهای متقابل بین‌المللی را در بر می‌گیرد، ساختارهای منطقه‌ای قسمتهای مشخصی از آن را شامل می‌شود. همچنین اگر در نظام بین‌الملل تمامی بازیگران داخلی هستند و محیط بازی، کل جهان می‌باشد، در ساختار منطقه‌ای، محدوده جغرافیایی خاص و تعدادی بازیگر مشخص مورد نظر است.

هر ساختار منطقه‌ای مشخصه‌هایی دارد که عبارتند از:

الف: ساختار منطقه‌ای پیرامون یک یا چند موازنه قوای محلی شکل گرفته که بیانگر نوعی رابطه قدیمی و تاریخی است.

ب: ساختار منطقه‌ای معرف مجموعه‌ای از واقعیت‌های جغرافیایی، تاریخی، اجتماعی و فرهنگی بوده که بر اساس نوعی هویت و سرنوشت مشترک رقم خورده است.

ج: ساختار منطقه‌ای همواره هدف نزاع و رقابت برتر حاکم بر نظام بین‌الملل می‌باشد.

منطقه‌گرایی از جمله پدیده‌هایی است که در طول یک دهه گذشته روندهای حاکم بر وضعیت جهانی را تحت تأثیر قرار داده است. منطقه‌گرایی به اعتقاد بسیاری از تحلیل‌گران، حاکی از مقاومتی آشتی‌جویانه در برابر ابهامات ذاتی فرایند جهانی شده و نگرانی واحدهای ملی از غرق شدن در دریایی است که عمق و گستردگی آن هنوز آشکار نشده است. به عبارت دیگر، دولت‌ها از طریق فرایند منطقه‌گرایی، ورود به جهانی بزرگتر را به محک تجربه و آزمایش می‌گذارند.

گرایش‌های منطقه‌ای در اوایل هزاره سوم در شکل رقابت‌های بین منطقه‌ای و رشد همکاری‌های سازمان یافته درون منطقه‌ای تجلی یافته است. اجرای طرح‌های کلان اقتصادی در سطح منطقه، گسترش تجارت درون منطقه‌ای، تقویت بنیادهای فنی، ارتباطی و اقتصادی منطقه‌ای و سیاست‌های یکسان در قبال مسائل بین‌المللی از ویژگی‌های منطقه‌گرایی است.

می‌توان گفت که روند منطقه‌گرایی، روندی جهانی است که مناطق مختلف با توجه به میزان توسعه‌یافتگی اقتصادی و میزان تأثیرگذاری بین‌المللی به آن گرایش بیشتری پیدا می‌کنند. اتحادیه اروپا و اتحادیه تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا) و اتحادیه اقتصادی شرق آسیا (آسه‌آن) در حال حاضر مهم‌ترین بلوک‌های اقتصادی جهانی به شمار می‌روند. البته جمهوری اسلامی ایران نیز عضو سازمان همکاری اقتصادی (اگو) به عنوان یک سازمان منطقه‌ای می‌باشد که ده عضو در آن فعالیت دارند. علاوه بر این «اتحادیه کشورهای حاشیه دریای خزر» و همچنین «اتحادیه کشورهای حاشیه خلیج فارس» می‌توانند به عنوان دو گزینه، مورد مطالعات امکان‌سنجی قرار گیرند.

روندهای جاری نشان می‌دهند که اولاً در حالی که جهانی شدن فرایند نفوذ اقتصادهای پیشرفته را در اقتصاد جهانی شکل می‌دهد، بومی‌گرایی، محلی‌گرایی و منطقه‌گرایی نیز در حال تشدید است. ثانیاً در حالی که تمرکز قدرت و از بین رفتن تعارضات میان قدرتهای بزرگ، انتظار نظم و امنیت را افزایش داده است، آسیب‌پذیری و منابع ناامنی نیز به دلیل ورود بازیگران جدید به عرصه تعاملات جهانی افزایش یافته است. ثالثاً در حالی که پیشرفتهای تکنولوژیک و انقلاب ارتباطات امکان تأثیرگذاری فرهنگ کشورهای پیشرفته جهان را به سایر فرهنگها و خرده فرهنگها تشدید می‌کند، در عین حال همین مسئله به فرهنگهای غیر مسلط و خرده فرهنگها امکان تداوم حیات می‌بخشد. واقعیت این است که چه بخواهیم و چه نخواهیم در حال ورود به عصر چالشهای فرهنگی هستیم.

**نقش و جایگاه کشورهای در حال توسعه
در شرایط انتقالی و ویژگی‌های آن**

◀◀ مقدمه

کشورهای در حال توسعه به لحاظ برخورداری از موهبت منابع تولید و انرژی فسیلی می‌توانند در ساختار نظم جهانی در قالب سازمانهایی نظیر اوپک و شوراها همکاری نقش مهمی را ایفا کنند و با اعمال مدیریت صحیح بر این منابع مهم، جایگاه مناسبی در سلسله مراتب قدرت اقتصادی بین‌المللی برای خود احیا کنند. این کشورها جهت سرعت بخشیدن به گذر از وضعیت در حال توسعه کنونی به توسعه یافتگی، علاوه بر توجه به تولید و صادرات کالاهای صنعتی و پیدا کردن بازارهای مناسب برای صادرات خود می‌توانند از طریق همکاری‌ها و توافقه‌های تجاری منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و جهانی، از دانش و مهارت‌های فنی در همه زمینه‌های تولیدی و خدماتی استفاده نمایند. به عنوان مثال می‌توانند در زمینه تجارت از آخرین امکانات خود از جمله دانش فنی اطلاعات و تجارت الکترونیکی استفاده نمایند.

وقوع شوکها و بحرانهای نفتی ثابت کرده است که اقتصاد کشورهای جهان به ویژه اقتصاد کشورهای پیشرفته شدیداً متأثر از این مسائل گردیده است. پایه‌های اصلی اقتصاد کشورهای توسعه یافته بر انرژی به ویژه نفت و گاز استوار شده است و از این لحاظ اقتصاد این کشورها وابسته به این انرژی‌ها شده است. کشورهای توسعه یافته با جمعیتی کمتر از کشورهای در حال توسعه بیشترین مقدار انرژی جهان را مصرف می‌کنند. تقریباً تمامی کشورهای توسعه یافته وارد کننده عمده نفت هستند. اقتصاد این کشورها تحت تأثیر قیمت‌گذاری نفت توسط اوپک که از کشورهای در حال توسعه تشکیل شده است، قرار دارد. به طور مثال افزایش مداوم قیمت‌های نفت در سال ۱۹۷۹، کسری تراز پرداختها و تورم کشورهای توسعه یافته را تشدید کرد.

با توجه به اهمیت انرژی در کشورهای توسعه یافته، مطالعات و آینده‌نگریهای بسیاری در مورد آن صورت گرفته است. اولین یافته مشترک تمامی مطالعات مربوط به آینده‌نگری بازار انرژی آن است که، در پایان دهه دوم قرن بیست و یکم، انرژی نفت کماکان، از اصلی‌ترین عامل تأمین انرژی جهان خواهد بود و این در بعد تقاضا، به دلیل سطح بالای درآمد سرانه کشورهای توسعه یافته و در بعد عرضه به دلیل هزینه‌های نسبی زیاد تأمین انواع دیگر انرژی می‌باشد. به دلایل فوق بیش از چهل درصد (۴۰٪) سبد مصرف انرژی جهان را در آینده نفت تشکیل می‌دهد. با توجه به محدودیت ذخایر در حوزه‌های دیگر

جهان، کشورهای در حال توسعه به ویژه خاورمیانه و بخصوص اوپک نقش مهمی را در تأمین نفت خام مورد نیاز جهان ایفا می‌کند. با توجه به جدول شماره ۱ در سال ۲۰۰۲ میزان تولید نفت کشورهای در حال توسعه و اوپک جمعاً ۴۳ میلیون بشکه در روز، بیش از نیمی از میزان تولید نفت جهان (۷۸ میلیون بشکه در روز) یعنی پنجاه و پنج درصد (۵۵٪) آن می‌باشد. برای سال ۲۰۱۰ پیش‌بینی شده است که میزان تولید نفت کشورهای در حال توسعه و اوپک جمعاً با رشد بیست و هشت درصد (۲۸٪) به ۵۵ میلیون بشکه در روز برسد. این میزان تولید، پنجاه و هشت درصد (۵۸٪) تولید نفت جهان (۹۵ میلیون بشکه در روز) را تشکیل خواهد داد.

جدول شماره ۱- میزان تولید نفت جهان
میلیون بشکه در روز (mb/d)

سال	۲۰۱۰	۲۰۰۲
آمریکا	۹	۹
کشورهای در حال توسعه	۱۳	۱۱
اورسیا	۱۵	۱۱
دیگر کشورهای OECD	۱۶	۱۵
کشورهای عضو اوپک	۴۲	۳۲
جمع	۹۵	۷۸

مأخذ: اکونومیست ۲۰۰۱، جهان در سال ۲۰۰۲

یکی دیگر از نقاط اشتراک مطالعات آینده‌نگری بازار انرژی، آن است که گاز طبیعی به دلیل توجه روزافزون به محیط زیست سالم‌تر و نیز به دلیل تحولات به وجود آمده در فناوری انتقال، سهم خود را در سید انرژی با سرعت افزایش خواهد داد. در این زمینه نیز کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران در تأمین این انرژی نقش مهمی دارند. از ۱۵۰/۹ تریلیون متر مکعب کل ذخایر گاز طبیعی جهان، سی و پنج درصد (۳۵٪) آن یعنی ۵۲/۵۲ تریلیون متر مکعب در خاورمیانه تولید می‌شود. ایران به عنوان دومین تولید کننده گاز جهان پس از روسیه با در اختیار داشتن بیش از ۲۶ تریلیون متر مکعب ذخایر گاز طبیعی کشف شده، معادل هفده درصد (۱۷٪) از کل ذخایر گاز طبیعی جهان را دارا است. همچنین بزرگترین کشور از نظر ایجاد ظرفیت تولید در منطقه است.

وابستگی کشورهای توسعه یافته صرفاً به منابع انرژی و عرضه مواد خام محدود نمی‌شود، بلکه این کشورها نیز به بازارهای کشورهای در حال توسعه در خصوص صدور کالاهایشان اعم از صنعتی و تسلیحاتی وابسته می‌باشند. همچنین عملکرد اقتصادی کشورهای توسعه یافته تابع مستقیم پیشرفت اقتصادی کشورهای در حال توسعه می‌باشد.

کمیاب شدن مواد اولیه تولید و توزیع ناموزن آن در جهان می‌تواند موقعیت کشورهای در حال توسعه را طوری تغییر دهد که از نظر اقتصادی تقریباً شبیه کشورهای تولید کننده نفت شوند. وابستگی کشورهای توسعه یافته به مواد خام کشورهای در حال توسعه دو جنبه اساسی دارد: اول این که مصرف مواد کانی به سرعت در حال افزایش است و ذخایر مواد اولیه کشورهای توسعه یافته که زودتر صنعتی شده تقریباً به انتها رسیده است. به طوری که لستر براون **Lester Brown** بیان می‌کند: کشورهای توسعه یافته با توجه به افزایش مداوم مصرف مواد کانی ضروری برای تولیدشان به ذخایر بهره‌برداری نشده کشورهای در حال توسعه وابسته می‌شوند. دومین جنبه وابستگی به منابع اولیه این است که از نظر موقعیت جغرافیایی، ذخایر معدنی شناخته شده در محلهای معدودی و عمدتاً در کشورهای در حال توسعه قرار گرفته‌اند. به عنوان مثال چهار کشور در حال توسعه‌ی شیلی، پرو، زامبیا و زئیر از نظر ذخایر مس و سه کشور بولیوی، مالزی و تایلند از نظر قلع و دو کشور مکزیک و پرو از نظر سرب و چهار کشور مراکش، تونس، سنگال و توگو از نظر فسفات از عرضه کنندگان مهم می‌باشند. این گروه از کشورها می‌توانند مانند کشورهای در حال توسعه صادر کننده نفت اوپک، به طور جمعی با تشکیل کارتل، قدرت چانه‌زنی اقتصادی در عرصه مبادلات بین‌الملل برای خود کسب نمایند.

یکی دیگر از منابع مهمی که کشورهای در حال توسعه در اختیار دارند نیروی انسانی است. سازمان ملل متحد پیش‌بینی کرده است که جمعیت جهان تا آخر قرن بیستم بیش از $\frac{۶}{۳}$ میلیارد نفر، تا سال ۲۰۲۵ تقریباً ۱۰ میلیارد نفر بالغ گردد. بیش از $\frac{۵}{۶}$ جمعیت جهان در کشورهای در حال توسعه ساکن خواهند بود. نکته دیگر این که اکثر جمعیت کشورهای در حال توسعه جوان می‌باشند. با توجه به ساختار جمعیت مشاهده می‌شود جمعیت زیر ۱۵ سال در کشورهای در حال توسعه تقریباً چهل درصد (۴۰٪) جمعیت و در کشورهای توسعه یافته بیست درصد (۲۰٪) جمعیت آنها را تشکیل می‌دهد.

با توجه به ساختار جمعیتی کشورهای توسعه یافته به ویژه اروپا و ژاپن که غالباً از افراد سالمند تشکیل شده است، در سالهای آینده این کشورها به نیروی انسانی کشورهای در حال توسعه نیازمند خواهند بود و از این رو کشورهای در حال توسعه در این مورد قدرت مانور خواهند داشت.

همان طور که در فوق اشاره شد کشورهای در حال توسعه اصلی ترین منابع و عوامل تولید را جهت تولید و رشد اقتصادی و توسعه در اختیار دارند، ولی آنها باید با بهره گیری مدل های اقتصادی و الگوهای تجاری مناسب مرحله در حال توسعه خود را طی کنند. درسهایی که از ۳۰ سال گذشته گرفته شده است نشان می دهد که کشورها چه به صورت انفرادی و چه به صورت گروهی نمی توانند جز با پیروی از سیاست تحکیم همکاری های اقتصادی منطقه ای مبتنی بر اصل رقابت پذیری، آسیب پذیری خود را نسبت به تحولات اقتصاد جهانی کاهش دهند، زیرا اهمیت سازمان های بین المللی در بهبود بخشیدن به اوضاع اقتصادی کشورهای در حال توسعه کاهش یافته ولی توسعه همکاری های دو جانبه و چند جانبه منطقه ای اهمیت بیشتری پیدا کرده است.

به نظر می رسد که تعیین کننده ترین موضوع قرن بیست و یکم موضوع «توسعه» در ابعاد مختلف آن می باشد. در این راستا کشورهای در حال توسعه به منظور گذر و انتقال از مرحله در حال توسعه، اقدام های و برنامه ریزی ها و دوراندیشی های ضروری را جهت آماده شدن و مقابله با چالش های گسترده قرن بیست و یکم آغاز کرده اند.

برخی از کشورهای در حال توسعه عوامل مهم ذیل را مبنا و اساس توسعه قرار داده اند:

- ظرفیت بیشتر برای همکاری با کشورهای دیگر
- ظرفیت بیشتر برای ابداعات تکنیکی و سازماندهی
- احیای جو توسعه در جامعه
- تغییر کیفیت توسعه در جامعه
- حفظ سطح رشد جمعیت قابل اداره و رفع نیازهای عمومی در اشتغال، سوخت، تغذیه و صنایع اولیه
- کشورهای در حال توسعه در برنامه ریزی ها، جهت دست یافتن به توسعه، نباید تکیه زیاد به برخورداری از مواد اولیه و منابع تولید داشته باشند، زیرا کشورهای صنعتی به تدریج از سوخت و مواد

اولیه کمتری استفاده خواهند کرد. این به معنای تقلیل تولید نیست بلکه افزایش بازدهی و تغییر شکل تولیدات با استفاده از دانش و مهارتهای فنی است.

تحقیقات نشان می‌دهد که رشد اقتصادی به چند عامل بستگی دارد که از میان آنها می‌توان به عوامل نیرو و سرمایه انسانی، منابع اولیه، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، دانش و مهارت فنی، سازماندهی و مدیریت تولید و توزیع و غیره اشاره نمود. اکثر کشورهای در حال توسعه از عوامل نیروی انسانی و منابع تولید برخوردار هستند ولی از اصلی‌ترین عوامل به ویژه دانش و مهارت فنی و سرمایه لازم برخوردار نمی‌باشند. برای کمبود این عوامل باید از برقرار کردن روابط با کشورهای دیگر از عوامل فوق برخوردار شوند. با ایجاد توافقه‌های اقتصادی و تجاری زمینه ورود سرمایه و مهارت و دانش فنی لازم برای تولید فراهم می‌شود. اندازه بازارهای آنها گسترش می‌یابد و در نتیجه منافع حاصل از صرفه‌های ناشی از مقیاس افزایش می‌یابد.

باز بودن اقتصاد کشورهای در حال توسعه یکی از ضرورتهای همگرایی اقتصاد این کشورها با اقتصاد جهانی است. حذف مقررات دست و پا گیر ناظر بر فعالیتهای اقتصادی می‌تواند زمینه‌های صرفه‌های اقتصادی و مزایای بهره‌مندی از اجتماع را فراهم کند. سازوکارهایی که در هر منطقه اقتصادی شکل می‌گیرد بهترین فرصت را برای شکوفایی تحقیق و توسعه فراهم می‌کند. زیرا در فضای اقتصادی به هم مرتبط منطقه‌ای، مهارت، دانش و نوآوریهای فنی در درون اقتصادهای منطقه‌ای فرصت تلفیق با یکدیگر را پیدا می‌کند. تحت چنین شرایطی کشورهای منطقه می‌توانند فناوری‌های بومی خود را توسعه دهند. اتخاذ سیاستهای درهای باز اقتصادی یکی از راههای جذب تکنولوژی و اتصال به فناوری‌های نوین است.

از آنجا که رشد اقتصادی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به علت روند افزایشی حمایت از صنایع داخلی در جهان صدمات زیادی دیده است، کشورهای در حال توسعه جهت انتقال و گذر از توسعه‌نیافتگی بهتر است به همکاری‌های اقتصادی و تجاری منطقه‌ای رو آورند. همکاری بین کشورهای در حال توسعه به خاطر امکانات و توانایی‌های کشورهای در حال توسعه افزایش می‌یابد و به دنبال آن منافع زیادی نصیب کشورهای در حال توسعه می‌کند. در این مسیر با استفاده از روابط مناسب خارجی پایه‌ای مستحکم برای حمایت از توسعه ملی فراهم می‌شود. در این ارتباط دامنه وسیع امکانات کشورهای

در حال توسعه بخصوص در زمینه منابع، مواد اولیه و نیروی انسانی عامل مهمی است که در جهت تکامل بیشتر اقتصاد این کشورها از طریق همکاری مشترک مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

کشورهای در حال توسعه در سطح کلی، متشکل از مناطق مختلف و اقتصادهای متنوع با ویژگی‌های فراوان است. اقتصادهای صادر کننده نفت، اقتصادهای تولید کننده مواد غذایی، مواد معدنی، مواد خام کشاورزی، اقتصادهای مبتنی بر صنعت، هر کدام از قابلیت‌هایی برخوردارند که از طریق توسعه همکاری‌های اقتصادی و فنی قابل انتقال به یکدیگر هستند و این امر می‌تواند زمینه‌های گسترش فعالیت‌های اقتصادی را در اقتصاد ملی هر کشور فراهم کند.

منابع کافی و نیروی انسانی قابل توجهی که در کشورهای در حال توسعه وجود دارد می‌تواند از طریق همکاری‌های مشترک به عنوان محرکی در جهت توسعه کشورهای در حال توسعه باشد. این همکاری‌های مشترک می‌تواند عامل مثبتی در گسترش روابط فنی و تجاری با در نظر گرفتن سطح توسعه کشورهای در حال توسعه باشد. بنابر این با تغییر تکنولوژی تولید و تبدیل آن به تکنولوژی مناسب برای کشورهای در حال توسعه و تغییر الگوی مصرف به الگوی مصرف پایدار و مشوق تولید داخلی بر اساس اصل رقابت‌پذیری، کشورهای در حال توسعه می‌توانند در مسیر استقلال اقتصادی در تعامل با دنیای خارج گام بردارند.

از سوی دیگر همکاری بین کشورهای در حال توسعه که به صورت تلاش جمعی در جهت نیل به خوداتکایی تعریف شده است به این معنا نیست که قدرتهای استعماری قدیم و کشورهایی که محل شروع حرکت شرکت‌های چند ملیتی بوده‌اند از همکاری اقتصادی خود با کشورهای در حال توسعه دست بردارند. خوداتکایی جمعی به عنوان خلق سیستمی که همه چیز در داخل خود داشته باشد نیست. همچنین این خوداتکایی مستلزم ایجاد یک سیستم بسته اقتصادی نمی‌باشد. بلکه خوداتکایی جمعی به معنای همکاری‌های سالم در اقتصاد بین‌الملل به منظور توسعه امکانات ناشناخته کشورها و افزایش توان کشورهای در حال توسعه در جهت توسعه و ایجاد نظم جدید اقتصادی بین‌المللی می‌باشد. این همکاری‌ها به معنای قدرت بخشیدن به مواضع کشورهای در حال توسعه در جهت تحقق خواسته‌های خود می‌باشد و این مستلزم ایجاد اتحاد و توسعه همکاری‌های اقتصادی بیشتر بین این کشورها است. این اتحاد با در نظر گرفتن ملاحظات مشترک در ابعاد سیاسی، سیستم حکومتی، عقاید فلسفی و مذهبی

میسر می‌شود. این کشورها بایستی از اختلافات قومی و منطقه‌ای که گاهی آنها را به عنوان دشمن در مقابل هم قرار می‌دهد و در اکثر مواقع به خاطر آرزوهای قدیمی و یا تحرک عوامل خارجی بروز می‌کند، اجتناب ورزند. همه این اختلافات، به علت کنترل استعمار بر حاکمیت کشورهای در حال توسعه طی قرنهای متمادی بوده است. محکوم کردن جنگ بین کشورهای در حال توسعه بایستی به عنوان یکی از قوانین پایه بین دولتهای این کشورها و در راستای کوشش این کشورها در جهت صلح جهانی باشد.

اولین اظهار نظرها و ایده‌های مربوط به همکاری اقتصادی و تکنولوژی بین کشورهای در حال توسعه در طی نخستین گردهمایی کنفرانس کشورهای غیر متعهد در سال ۱۹۶۱ مطرح گردید. این ایده‌ها بعداً گسترش یافت و در ارتباط با آن نشستهایی هم از طرف کشورهای عضو برگزار شده است. برنامه نظم جدید اقتصاد بین‌الملل مشتمل بر اصل مهمی است که همان همکاری بین کشورهای در حال توسعه است. دلایل زیادی برای ضروری بودن روابط و همکاری بین کشورهای در حال توسعه وجود دارد. اولین و عمومی‌ترین دلیل این است که این همکاری‌ها منجر به ایجاد سنگر واحد در تعاملات بین‌المللی خواهد شد و قدرت چانه‌زنی بیشتری را برای این گروه کشورها در مقابل قدرتهای بزرگ اقتصادی فراهم می‌کند.

دلیل دیگر این است که با توجه به مسائل اقتصادی موجود، کشورهای پیشرفته در روابط خود به تدریج محدودیتهای زیادی بر کشورهای در حال توسعه ایجاد کرده و به تدریج نقش کشورهای در حال توسعه به عنوان یک بازیگر اصلی در تعاملات بین‌المللی را انکار خواهند کرد.

قوانین مربوط به محدود کردن واردات به خاطر حمایت از تولیدات داخلی که توسط کشورهای پیشرفته وضع شده است، عامل محدود کننده و در حقیقت محصور کننده صادرات کشورهای در حال توسعه است. تحت این شرایط است که کشورهای در حال توسعه ناگزیرند بازارهای جدیدی برای خود ایجاد کنند.

این بازارها می‌تواند با توسعه همکاری کشورهای در حال توسعه بر اساس امکانات موجود ایجاد شوند. توسعه بازارهای منطقه‌ای نه تنها موجب منزوی شدن کشورهای در حال توسعه نمی‌شود بلکه اقدامی است منطقی در مقابل فشارهای قدرتهای اقتصادی کشورهای توسعه یافته که فضای لازم برای رشد و نمو صادرات کشورهای در حال توسعه را فراهم نمی‌کند. با توجه به این مسئله، همکاری بین

کشورهای در حال توسعه باید حول محور مدیریت اقتصاد منطقه‌ای متمرکز شود و ضمن بهره‌مندی از مشارکت شرکتهای چند ملیتی، از تسلط آنها بر منابع طبیعی و فعالیتهای اقتصادی و در نتیجه بر مدیریت نظام حاکمیتی ممانعت به عمل آورد.

یکی از علل شکست همکاری‌های منطقه‌ای، توزیع نامناسب منافع به دست آمده بین شرکا می‌باشد. این توزیع به نحوی است که به ضرر کشورهای در حال توسعه فقیر می‌باشد که به تدریج از این گونه تشکلهای اقتصادی فاصله می‌گیرند. همکاری بین کشورهای در حال توسعه هنگامی بی معنا خواهد بود که منافع کشورهای فقیر در نظر گرفته نشود و این همکاری‌ها منحصر به برخی از کشورهای در حال توسعه با امکانات اقتصادی بیشتر گردد. تبدیل همکاری بین کشورهای در حال توسعه به یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی کار آسانی نیست و در کوتاه‌مدت میسر نمی‌باشد. برنامه همکاری کشورهای در حال توسعه (جنوب - جنوب) نمی‌تواند در یک مرحله، سیستم کاملی را ایجاد کند. با توجه به اینکه این کشورها ارتباط کمی با یکدیگر داشته و از نظر تاریخی ارتباط مستقیم با کشورهای پیشرفته داشته‌اند، لذا باید همکاری‌ها به تدریج گسترش یابند. لازم است این همکاری‌ها از هر طریق ممکن بخصوص از طریق همکاری‌های منطقه‌ای پیشرفت نماید.

تا سال ۱۹۹۰ تجارت میان کشورهای در حال توسعه تقریباً سی و سه درصد (۳۳٪) تجارت کل همه کشورهای در حال توسعه را تشکیل داد. افزایش مبادله تجاری میان کشورهای در حال توسعه منجر شد به این که تقاضای کشورهای توسعه یافته برای محصولات این کشورها کاهش یابد و سیاستهای حمایت‌گرایانه علیه این کشورها توسط کشورهای پیشرفته افزایش یابد.

بسیاری از اقتصاددانان توسعه اعتقاد دارند که کشورهای در حال توسعه باید تجارتشان را بیشتر به سمت یکدیگر جهت بدهند. اعتقاد آنها چهار نکته اساسی ذیل را در بر دارد:

- ۱- تجارت بین کشورهای در حال توسعه در مقابل تجارت کشورهای در حال توسعه با کشورهای توسعه یافته، از تنوع برخوردار است.
- ۲- در تجارت بین کشورهای در حال توسعه منافع پویاتری وجود دارد.
- ۳- بی ثباتی صادراتی حاصل از نوسانات فعالیت اقتصادی در کشورهای توسعه یافته می‌تواند کاهش یابد.

۴- اتکای به نفس جمعی تقویت می‌شود.

یکی از فرضیه‌های تجارت (جنوب - جنوب) یا به عبارتی تجارت بین کشورهای در حال توسعه این است که کشورهای در حال توسعه باید با یکدیگر تجارت بیشتر داشته باشند و در جهت یکپارچگی اقتصادی حرکت کنند.

یکپارچگی اقتصادی زمانی روی می‌دهد که یک گروه از کشورها در یک منطقه بر اساس معیارهایی چون یکسانی اندازه اقتصادی و یکسانی مراحل توسعه به یکدیگر می‌پیوندند تا اتحادیه اقتصادی یا اتحادیه منطقه‌ای تجاری را با هدف افزایش دیوار تعرفه مشترک در برابر ورود تولیدات کشورهای غیر عضو تشکیل دهند. دلیل اصلی، منطقی و اقتصادی برای یکپارچگی تدریجی کشورهای در حال توسعه یک دلیل منطقی پویای بلندمدت است. یکپارچگی اقتصادی فرصتی را برای صنایع فراهم می‌کند، تا صنایعی که هنوز از مزایای صرفه‌های اقتصادی به مقیاس تولید استفاده نکرده‌اند با اقدام به یکپارچگی اقتصادی از این مزایا برخوردار شوند. بنابر این یکپارچگی اقتصادی مکانیزمی است که بر اساس آن تقسیم منطقه‌ای کار میان کشورهایی که خیلی کوچک هستند تشویق می‌شود تا از ایجاد چنین تقسیم‌بندی نفع ببرند.

مثال بارزی که از یک یکپارچگی منطقه‌ای موفق می‌توان زد توافقات تجاری و اقتصادی منطقه‌ای بین کشورهای در حال توسعه آسیای شرقی است.

کشورهای در حال توسعه با الگو قرار دادن تجربه برخی از کشورهای در حال توسعه آسیای شرقی که اکنون به کشورهای اخیراً صنعتی شده تغییر نام پیدا کرده‌اند، می‌توانند از وضعیت کنونی خود سریع‌تر گذر کنند. توافقات تجاری منطقه‌ای RTAS در توسعه آنها اثر بسیار زیادی داشته است. یکی از ویژگی‌های مهم الگوی تجاری آنها، رشد سریع اقتصاد که با GDP اندازه‌گیری می‌شود و رشد سریع تجارت خارجی منطقه‌ای را تشکیل می‌دهد. چنان که طی دوره ۹۷ - ۱۹۹۶ رشد متوسط سالانه آسیای جنوب شرقی شش و هفتاد و پنج صدم درصد (۶/۷۵٪) بود. رشد مذکور با رشد تجارت خارجی شامل صادرات و واردات زیادتر شد. طی همین مدت رشد صادرات و واردات به ترتیب به سیزده و پنجاه و شش صدم درصد (۱۳/۵۶٪) و سیزده و هشتاد و هفت صدم درصد (۱۳/۸۷٪) رسید. در سال ۱۹۹۶ صادرات کل آسیای جنوب شرقی، ۱۳۹۲ میلیارد دلار بالغ گردید که ۲۵/۶٪ صادرات کل جهان را تشکیل داد.

عملکرد اقتصاد گذشته کشورهای آسیای شرقی به بخش خارجی خیلی وابسته است به طوری که تجارت منبع رشد آنها گردید. طی دو دهه گذشته کشورهای آسیای شرقی در سطح بالایی از شبکه تجارت بین منطقه اقتصادی و تجاری خود را داشته است که به یکدیگر جهت مواد اولیه تولید و بازار نهایی مصرف وابسته بوده‌اند. افزایش وابستگی متقابل نسبی می‌تواند افزایش تخصص کشورهای عضو منطقه اقتصادی را به دنبال داشته باشد که هر گروه اقتصادی از نردبان تکنولوژی بالا می‌رود تا کالاهایی را با ارزش افزوده بالاتر تولید کند و تکنولوژی قدیمی را به همسایه که از نظر منابع ثروتمند است منتقل کند. از کشورهای در حال توسعه آسیای شرقی موفق که این الگو را به کار گرفته‌اند عبارتند از کره، هنگ‌کنگ، تایوان و سنگاپور. این کشورها صنعتی شدن را از طریق توسعه صادرات و راهبرد برونگرایی در ابتدای دهه ۱۹۶۰ اتخاذ کرده‌اند. بر اساس گزارش بانک جهانی در سال ۱۹۹۳ این کشورها گرایش قوی به سمت استراتژی برونگرایی و صادرات داشته‌اند. آنها با بهره‌گیری از رقابت و با توجه به موقعیتشان یعنی نزدیک بودن به ژاپن که پویاترین منطقه جهان شد، منقطع شدند. این کشورها با یکدیگر کار می‌کنند و از یکدیگر الگو می‌گیرند. مرتبط بودن سیاستها و توانایی‌های اداری خوب، مدیریت درست اقتصاد کلان و برخورداری از یک بنیاد خوب اولیه نیروی انسانی، گفتگوی مداوم و نزدیکی دولتهای آنها با بخش خصوصی و نرخهای بالای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری علت موفقیت آنها شده است.

◀ جایگاه جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران از نظر ژئوپلیتیک دارای موقعیتی است که آن را در نظام بین‌الملل و ساختار منطقه‌ای در جایگاه ویژه‌ای قرار می‌دهد.

برخورداری از انرژی فسیلی:

جمهوری اسلامی ایران در منطقه‌ای قرار گرفته است که منبع تغذیه انرژی جهان به شمار می‌رود و بخش قابل توجه منابع نفت و گاز جهان را در خود جای داده است. ایران تنها کشوری است که به هر دو حوزه نفت و گاز و همچنین به خلیج فارس و دریای خزر دسترسی مستقیم دارد. ایران از لحاظ دارا بودن گاز، با بیش از ۱۷ تریلیون متر مکعب مقام دوم جهان را پس از روسیه دارد. از لحاظ نفت با ذخایر ۱۲/۳ میلیارد تن مقام پنجم جهان را پس از عربستان، عراق، کویت، و امارات متحده عربی دارد. با توجه به

اینکه پیش‌بینی شده است که این نوع انرژی در سالهای آتی همچنان نقش عمده خود را در جهان حفظ نماید، نیاز اکثر کشورهای جهان اعم از توسعه یافته و در حال توسعه به این نوع انرژی بیشتر خواهد شد. ایران با توجه به مزیت برخورداری از این انرژی با استفاده بهینه و به‌کارگیری آن در صنایع جانبی مانند پتروشیمی می‌تواند زمینه رشد و توسعه را با اشتغال و تولید و صادرات بیشتر فراهم نماید و به این طریق مرحله گذار را سریع‌تر طی کند.

ایران در نزدیکی اسرائیل که امنیت آن به لحاظ استراتژیکی برای آمریکا از اهمیت زیادی برخوردار است، قرار دارد.

ایران محل تلاقی و راه ارتباطی اروپا به جنوب و جنوب شرق آسیا (محل زندگی بیش از یک سوم جمعیت جهان) می‌باشد. به لحاظ موقعیت جغرافیایی مانند پلی کشورهای اروپایی را به کشورهای آسیای جنوب شرقی متصل می‌کند. همچنین دسترسی کشورهای تازه استقلال یافته آسیای میانه و منطقه قفقاز به آبهای آزاد از طریق ایران مهیا می‌شود. ایران با توجه به موقعیت قرار گرفتن در کنار آبهای ساحلی شمال و جنوب از امکان حمل و نقل ارزان کالا برخوردار است. همچنین با کنترل تنگه هرمز، از موقعیت استراتژیک ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به برخورداری ایران از این موقعیت می‌تواند با ترانزیت کالا و مسافر بر درآمدهای خود بیافزاید و زمینه توسعه را فراهم آورد.

برخورداری از یک بازار وسیع برای تولیدات صنعتی و تجربه تولید صنعتی می‌تواند به عنوان یک امتیاز بزرگ جهت جلب سرمایه‌های خارجی و تسخیر بازار در حوزه خلیج فارس و کشورهای آسیای میانه محسوب شود.

به لحاظ دارا بودن تنوع آب و هوایی، از تنوع محصولات کشاورزی نیز، برخوردار است. از لحاظ ساختار جمعیتی، نیروی جوان بخش اعظم جمعیت را به خود اختصاص داده است و در نتیجه این امر موجب عرضه نیروی کار بیشتر شده است. نیروی کار چنانچه تحت آموزش قرار گیرد و از مهارت‌های مورد نیاز برخوردار گردد می‌تواند موجب بروز مزیت نسبی در بسیاری از حلقه‌های تولید صنعتی در تقسیم کار بین‌المللی گردد.

برخورداری از مکانهای تاریخی و دیدنی بسیار در اکثر نقاط ایران می‌تواند زمینه رونق بخشیدن به صنعت توریسم را فراهم آورد و در نتیجه موجب افزایش اشتغال و افزایش تولید ناخالص داخلی گردد. این مهم، می‌تواند کشور را در رسیدن به رشد و توسعه کمک کند و به طی کردن مرحله گذار سرعت بخشد. به این نقاط قوت باید عنصر وحدت و یکپارچگی، روحیه مقاومت و ایستادگی مردم ایران را در مقابل تهدیدات بیگانه اضافه کنیم. طی هشت سال دفاع مقدس، جمهوری اسلامی ایران وجهه‌ای از مقاومت از خود بر جا گذاشت که تحسین جهانیان، حتی دشمنان بزرگتر از رژیم بعث سرنگون شده را برانگیخت. متأسفانه کشور نتوانست پس از پایان جنگ، از گوهر گرانبه‌تر مقاومت و پیروزی و فرصتهایی که پس از آن برای کشور فراهم آمد در تثبیت جایگاه شایسته خود در تضمین امنیت منطقه بهره‌جوید و رهبریت اقتصادی و تجاری را در حوزه خلیج فارس و شاهراه ارتباطی این حوزه برای خود تثبیت نماید.

با توجه به اهمیت منطقه‌گرایی، جمهوری اسلامی ایران لازم است به تبیین جایگاه شایسته خود در بلوک‌بندیهای اقتصادی منطقه‌ای بازنگری اساسی نماید و از موقعیت استراتژیک جغرافیایی خود در تجارت بین‌الملل و تقسیم بین‌المللی کار به نحو مطلوب بهره‌جوید، چرا که جهان آینده، جهان مناطق و نه جهان واحدهای ملی، خواهد بود و هر واحدی که تعلق منطقه‌ای نداشته باشد به طور طبیعی از ضریب امنیتی کمتری برای حفظ خود و تأمین منافعش برخوردار خواهد بود. بنابر این سیاستهای جمهوری اسلامی نیز باید در قالب نظم‌های نوین منطقه‌ای، سیاستهای توسعه‌ای خود را پیاده کند و پویایی نظم اقتصاد جهانی را پشتوانه تحکیم و تعمیق سیاستهای برون‌نگر خود قرار دهد. مشارکت نهادهای بین‌المللی و شرکتهای فراملیتی به طور مسلم نقش تعیین‌کننده‌ای در بهره‌گیری از پتانسیلهای کشور پهناور ایران دارد.

گرایشهای توسعه در قرن ۲۱

◀ مقدمه

بر اساس بررسیهای به عمل آمده، تبعات سیاسی تحولات در نظم جهانی، در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و به عبارت دیگر گرایشهای توسعه یا فضای حاکم بین‌المللی، برای توسعه در قرن بیست و یکم را می‌توان به شرح زیر ارائه نمود:

◀ الف - در عرصه اقتصاد

◀ همگرایی سیاستها

سیاستهای اقتصادی دولتها با نگاه به الزامهای همگرایی در نظم اقتصاد جهانی شکل می‌گیرد، لذا اهداف رشد و توسعه پایدار با رعایت این اصل میسر می‌گردد. ایجاد بلوکهای منطقه‌ای تجاری و تولیدی راه را برای همگرایی سیاستهای اقتصادی بین‌المللی هموار می‌سازد. این بلوکها، به منزله پل ارتباطی بین اقتصادهای ملی و اقتصادهای بزرگ و پیشرفته، در فرایند تحولات اقتصادی بین‌المللی محسوب می‌شوند.

◀ جهانی شدن تولید

تخصیص منابع ملی (سرمایه گذاری در بخشهای مختلف تولیدی) با توجه به تقاضا، در بازارهای بین‌المللی و مشارکت شرکتهای بین‌المللی جهت پیدا می‌کند، به عبارت دیگر تولید در اقتصادهای ملی برپایه ملاحظات فرا ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی هدایت می‌شود. استراتژی توسعه صنعتی، در اقتصادهای ملی نیز متأثر از چشم‌انداز توسعه صنعتی منطقه‌ای می‌گردد که با توجه به میزان برخورداری از عوامل و منابع تولید در چارچوب اولویتهای استراتژیک قدرتهای بزرگ اقتصادی، جهت‌های معینی می‌یابد.

◀ نظام جدید تقسیم کار بین‌المللی

اولویتهای در ساختار تولید ملی، در چارچوب مزیت‌های نسبی منطقه‌ای و بین‌المللی و اصل تقسیم بین‌المللی کار و با مشارکت قدرتهای بزرگ اقتصادی، تعیین می‌شود. کشورهای در حال توسعه می‌توانند

با شناخت فرصتها و چالشهای اقتصاد ملی، در جهت‌گیریهای تولیدی خود با چشم‌انداز منطقه‌ای، تأثیرگذار باشند و تخصیص منابع ملی و بین‌المللی را در اقتصاد ملی در آن مسیر هدایت کنند.

◀ بهره‌مندی از علوم و فناوری‌های پیشرفته

بهره‌مندی از علوم و فناوری پیشرفته، بدون تمکین به قواعد بازی در عرصه روابط بین‌الملل و دیپلماسی بین‌المللی، به راحتی میسر نخواهد بود. روندها در علوم و فناوری، حکایت از ایجاد تحول در ساختار تولید و تجارت و حتی در ابعاد اجتماعی و فرهنگی دارد. فناوری، حاصل ترکیب موزون مهارتها، دانشها (دانش چرایی و چگونگی)، اطلاعات، سخت افزار مدیریت است. فناوری که عمدتاً از دنیای علم در ارتباط با صنعت نشأت می‌گیرد، مسلماً چالشهای فرهنگی را با خود به همراه می‌آورد و آنچه کشورهای در حال توسعه می‌توانند در این خصوص در حفظ ارزشهای فرهنگی اقدام کنند، ارتقای سطح آموزشهای اجتماعی جامعه است و از این فناوریها می‌توانند در جهت تقویت بنیه فرهنگی و اشاعه فرهنگ خود در جامعه استفاده کنند. فناوری جدید در واقع بر الگوی تولید جامعه تأثیر شگرف خواهد گذاشت و اقتصادهای در حال توسعه باید فرصتهای بالقوه اقتصادی خود را در ارتباط با به‌کارگیری این نوآوریهای علمی تعریف نمایند. بدون در نظر گرفتن نقش کلیدی علم و فناوری جدید، تعیین فرصت بالقوه در عرصه‌های مختلف تولیدی و اجتماعی دیگر معنا و مفهومی ندارد.

◀ دگرگونی در قلمرو فعالیت دولت

شکل‌گیری قلمرو فعالیت‌های دولت، در حوزه‌های امنیتی و تدارک کالاهای عمومی هماهنگ با توافقنامه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی یکی از پیامدهای آشکار نظم نوین جهانی است. هر چند در تجربه تاریخی دیده شده است که دولتها رعایت ملاحظات کارایی اقتصادی را به شکل کوچک کردن اندازه دولت در برنامه اصلاحات اقتصادی قرار داده‌اند، لیکن در قرن حاضر این تأکید صرفاً به خاطر ملاحظات کارایی در اقتصاد ملی نیست بلکه ابعاد بین‌المللی پیدا کرده است.

◀ بی ثباتی داخلی و منطقه‌ای

در فرایند تحولات اقتصاد جهانی، افزایش روند بی ثباتی داخلی و منطقه‌ای برای جوامعی که نظامهای سیاسی آنها فاقد انسجام است و رشد جمعیت بالا و شهر نشینی سریع را تجربه می‌کنند، یک خطر جدی محسوب می‌شود. این ساختارهای بی ثبات می‌تواند، فرصتهای جهانی شدن اقتصاد را به چالشهای جدی تبدیل کند.

◀ اهمیت خاورمیانه و منطقه خلیج فارس

اهمیت ژئو اکونومیک و ژئو پولیتیک خاورمیانه و منطقه خلیج فارس، به دلیل وجود ذخایر عمده انرژی جهان در این منطقه، یک امتیاز اساسی برای کشورهای این حوزه محسوب می‌شود، لذا فرصت مشارکت فعال در اقتصاد جهانی و تقسیم بین‌المللی تولید و تجارت برای کشورهای این حوزه فراهم آمده است.

◀ کمبود منابع آب شیرین در خاورمیانه و منطقه خلیج فارس

خاورمیانه و آسیای جنوبی به دلیل کمبود منابع آب شیرین در آینده در معرض چالشهای جدی قرار دارد. بنابر این، مسئله مدیریت منابع آب در این منطقه در آینده از اولویت استراتژیک برخوردار خواهد بود.

◀ الزامها و قانونمندی‌های مهم در نظم جدید جهانی در عرصه اقتصاد

- کسب موقعیت سیاسی در جامعه جهانی و تأثیرگذاری بر مدیریت نظم جهانی: بدون ایجاد یک وجهه مقبول بین‌المللی که قدرتهای بزرگ در تجلی آن نقش اساسی ایفا می‌کنند، راهکارهای سیاسی، هر چند که علمی باشند، تضمینی برای تحرک اقتصاد ملی در فضای جدید تحولات اقتصادی بین‌المللی نخواهد بود.

- عضویت در سازمان تجارت جهانی: پیوستن به این سازمان، از جمله جهتهای استراتژیک درازمدت در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی در چارچوب ملاحظات مرتبط با نظم نوین جهانی است، مجوز ورود به اقتصاد جهانی که در آن اقتصاد ملی بتواند از مزایای آن استفاده کند، عضویت در سازمان

تجارت جهانی است. فرایند عضویت در این سازمان به ملاحظات اقتصادی و مناسبات سیاسی بستگی دارد. بدون شک حل مسائل سیاسی با قدرتهای بزرگ یکی از عوامل مهم راهیابی به این سازمان است.

- آزادسازی اقتصادی: آزادسازی تجاری و همچنین آزادی جریان ورود و خروج سرمایه سازگار با موافقتنامه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تجاری و گمرکی و موافقتنامه‌های سرمایه‌گذاری، در زمره اقدامهای مهم در پیوستن به اقتصاد جهانی است.

◀ ب - در عرصه سیاست

◀ سلسله مراتب قدرت

شواهد موجود حاکی از وجود نوعی سلسله مراتب قدرت در سطح نظام بین‌المللی است: ابر قدرت (آمریکا، تأثیر گذار بر ساختار نظم جهانی)، قدرتهای بزرگ (روسیه، اتحادیه اروپا، و چین و تا اندازه‌ای هند، ژاپن، برزیل در آینده با تأثیرگذاری نسبی و عمدتاً منطقه‌ای بر ساختار نظم جهانی)، قدرتهای متوسط (که درجه تأثیر گذاری آنها بر نظم جهانی قابل توجه نیست)، قدرتهای کوچک (تأثیرپذیر از قواعد نظم جهانی)

◀ فقدان رقیب برای ابر قدرت

تحولات اخیر جهانی حقایقی را نشان می‌دهد که دلالت بر یکه تازی آمریکا در جهت‌دهی نظم نوین اقتصادی و سیاسی دارد. اینکه در آینده این اقتدار تا چه اندازه باقی خواهد ماند بستگی به رویا رویی قدرتهای اقتصادی دنیای غرب و شرق با آمریکا خواهد داشت. روند تحولات نشان می‌دهد که موضوعات مورد اختلاف این قدرتها بیشتر در خصوص تعیین قلمرو نفوذ اقتصادی آنها در اقتصادهای نوظهور و کشورهای در حال توسعه و در شرایط فعلی، اقتصاد انرژی جهانی است.

◀ مشارکت فعال کشورهای در حال توسعه در حل مناقشات منطقه‌ای

تنش‌زدایی و مشارکت فعال دولتهای کشورهای در حال توسعه در رفع مناقشات و مسائل امنیتی منطقه‌ای و بین‌المللی در چارچوب مقررات سازمان ملل و توافقات بین‌المللی قاعده و روند جدیدی در نظم جهانی است، که کشورهای در حال توسعه می‌توانند برای حصول به همگرایی‌های منطقه‌ای از فرصتهای اقتصادی منطقه‌ای و جهانی بهره‌مند شوند.

◀ سیطره قوانین و هنجارهای بین‌المللی

دولتهای ملی در تنظیم و اجرای قوانین داخلی ناگزیر باید از قوانین، قواعد، استانداردها و هنجارهای بین‌المللی تبعیت نمایند.

◀ الزامها و قانونمندی‌های سیاسی بین‌المللی

- تحول نقش منطقه‌ای دولتها: جهان آینده، جهان مناطق و نه جهان واحدهای ملی، خواهد بود و هر واحدی که تعلق منطقه‌ای نداشته باشد، به طور طبیعی از ضریب امنیتی کمتری برای حفظ خود و تأمین منافعش، برخوردار خواهد بود.

- ماهیت منطقه‌ای و بین‌المللی اقدامهای ملی: اقدامهای دولتهای ملی، در قالب نظم گروهی کشورها و سلسله مراتب قدرت و به صورت پیمانهای منطقه‌ای، از مقبولیت برخوردار می‌شود. در شرایط جدید، روند تحولات بین‌المللی در جهت حاکمیت هنجارهای بین‌المللی و نظم بخشیدن اقدامهای ملی در آن جهت است. به عبارت دیگر مسائلی نظیر محیط زیست، مبارزه با تروریسم، مواد مخدر، حقوق بشر در ابعاد مختلف، حقوق اجتماعی و مسائل حاکمیتی، از زاویه جهانی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و کشورها در هماهنگی با این هنجارها است، که باید اقدامهای ملی خود را سامان دهند.

- تقویت بنیادهای استقرار دموکراسی در چارچوب مفاهیم شناخته شده و مقبول بین‌المللی: در قرن بیست و یکم، اقتدار ملی در تعیین حقوق و آزادی انسانها کم رنگ شده و نظم جهانی در تعیین و تشخیص حقوق و آزادیهای انسانی اهمیت بیشتری پیدا کرده است. رعایت اصول و مبانی حقوق بشر

به صورتی که موافق هنجارهای بین‌المللی باشد اکنون بیش از پیش مورد تأکید قرار گرفته و کشورهایی که از این قواعد پیروی نمایند ناگزیر با فشارهای بین‌المللی مواجه خواهند شد. اهمیت طرح این مباحث، از آن رو است که اکنون در شرایط نوین مناسبات سیاسی و اقتصادی بین‌المللی نوعی گرایشهای مسلط و قانونمندیها شکل گرفته که همه کشورها و از جمله کشورهای درحال توسعه به نحو اجتناب ناپذیری در فرایند توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود باید از آن آگاه باشند تا بتوانند از فرصتهایی که در جریان جهانی شدن اقتصاد برای همه کشورها پیش آمده بهره‌مند گردند. ایران نیز از این قاعده کلی مستثنا نیست.

عملکرد گذشته حوزه‌های کلان

◀◀ فصل اول: جمعیت

◀ تصویر عملکرد گذشته

۱- روند افزایش حجم و رشد جمعیت

جمعیت ایران در طی سالهای (۷۵ - ۱۳۳۵)، $\frac{3}{2}$ برابر شده است و از رقم ۱۸۹۵۵ هزار به ۶۰۰۵۵ هزار نفر ازدیاد یافته است. در حالی که دو برابر شدن جمعیت در کشورهای فرانسه و انگلیس یک دوره طولانی ۱۲۰ ساله (۲۰۰۰-۱۸۸۰) را طی کرده است.

بر اثر دوگانگی کارکردهای اقتصادی، از حدود ۴۱۱۰۰ هزار نفر خالص ازدیاد جمعیت این دوره چهل ساله، ۳۰۸۶۴ هزار نفر یا هفتاد و پنج درصد (۷۵٪) به مناطق شهری و بقیه به نواحی روستایی تعلق دارد. چون سیل مهاجرتها از دل جوامع روستایی و محدوده‌ها و مناطق عقب مانده به مراکز بزرگ اداری - سیاسی استانها به ویژه تهران و محدوده راهبردی و حوزه نفوذ مستقیم آن، لحظه‌ای توقف نمی‌گیرد. در تمامی این مدت کانونهای شهرنشینی کشور همواره از نرخ رشد بسیار بالاتری نسبت به مناطق روستایی برخوردار بوده‌اند. حتی در برخی از مقاطع نظیر دهه (۷۵ - ۱۳۶۵) تفاوت نرخ رشد جمعیت این دو جامعه به بیش از ده برابر رسیده است.

نرخ رشد جمعیت کشور که در دهه (۴۵ - ۱۳۳۵) حدود سه و یک دهم درصد ($\frac{3}{10}$ ٪) و در دهه بعد دو و هفت دهم درصد ($\frac{2}{7}$ ٪) بود، در دهه (۶۵ - ۱۳۵۵) با نیل به سطح سه و نه دهم درصد ($\frac{3}{9}$ ٪) در سال اوج تازه‌ای می‌گیرد، البته با این ویژگی که در کنار تشدید روند باروری زنان، عامل سرریز پناهجویان افغانی به ایران نقش تسریع کننده‌ای در پیدایش این رشد ایفا کرده است.

بر اثر این رشدها، حجم جمعیت در سطح کلان در فاصله سالهای (۷۵ - ۱۳۵۵)، از حدود ۱۸۹۵۵ هزار نفر به ۶۰۰۵۵، در مناطق شهری از ۵۹۵۴ هزار نفر به ۳۶۸۱۸ و در نواحی روستایی از ۱۳۰۰۱ هزار نفر به ۲۳۲۳۷ هزار نفر ازدیاد یافته است.

۲- تحول الگو و نظام استقرار جمعیت

با تشدید آهنگ رشد جمعیت و شدت گرفتن جریان جابه‌جایی‌ها و مهاجرت‌های داخلی، نظام آمایشی و الگوی استقرار جمعیت کشور به تدریج وضعیت متمرکزتری می‌گیرد و تراکم نسبی جمعیت (تمرکز در هر کیلومتر مربع) دستخوش سیر صعودی می‌شود.

تراکم جمعیت که در سال ۱۳۳۵ حدود ۱۱/۵ نفر بود تا سال ۱۳۷۵ به ۳۶/۵ نفر ارتقا می‌یابد. چون جمعیت بیشتری در قطبها و مراکز صنعتی و به طور کلی در دشتهای و اراضی خوش آب و هوای نیمه غربی کشور تجمع می‌یابد، و ماهیت بیابانی و نیمه بیابانی بخشهایی از فلات مرکزی جنوب شرقی مجال چندان به شکل‌گیری کانونهای بزرگ جمعیتی به نیمه شرقی کشور جز مشهد و زاهدان و کرمان نمی‌دهد، از این رو، نیمه غربی کشور روز به روز پر جمعیت‌تر می‌شود تا آنجا که در سال ۱۳۷۵، حدود هفتاد و هشت درصد (۷۸٪) از جمعیت کشور را در بر می‌گیرد.

۳- روند شهرنشینی

تشدید روند شهرنشینی و شهرگرایی ناشی از سرریز مازاد جمعیت و نیروی کار مناطق روستایی و نواحی کمتر رشد یافته، به شهرها و کانونهای بزرگ شهرنشینی، بخصوص در سالهای (۷۵ - ۱۳۵۵)، زمینه تشدید آهنگ رشد، توسعه سریع کالبدی شهرهای بزرگ و تغییر نظام اجتماعی زیست شده است. جمعیت شهرنشینی طی دو دهه مذکور با نرخ رشد سالانه‌ای در حد چهار و سه دهم درصد (۴/۳٪) در سال و افزایش از ۱۵۸۵۵ هزار نفر به ۳۶۸۱۸ هزار نفر، باعث پیدایش نگرشها و وجهه نظرهای اجتماعی نوینی در بین مردم در قبال چگونه زیستن و نحوه برخورداری از مواهب و امکانات اجتماعی شده است.

تضادها و ویژگی‌های ساختاری رو به تزايد جوامع روستایی و شهری - زمینه‌ساز تداوم شدیدتر جریانهای مهاجرتی و مکانگیری تدریجی روستائیان مهاجر غالباً در اراضی حاشیه‌ای شهرهای بزرگ شده است و به پیدایش قرارگاههای جدید سکوتی و شهرهای اقماری در پیرامون شهرهای بزرگ انجامید که پس از مدتی با ادغام و استحاله شماری از آنها در مادرشهرهای بزرگ گسترش سریع کالبدی بسیار سریع شهرهای همجوار را به ارمغان می‌آورد.

با سرریز مهاجران و بالا رفتن آهنگ طبیعی رشد جمعیت در فاصله سالهای (۷۵-۱۳۳۵) شمار کانونهای شهرنشینی از ۱۹۹ نقطه به ۶۱۴ نقطه ازدیاد پیدا کرده است.

۴- تحولات ساختاری جمعیت

تشدید آهنگ رشد جمعیت به ویژه در سالهای (۷۵-۱۳۵۵)، تشدید روند جوانگرایی جمعیت و سنگین‌تر شدن بار تکفل اقتصادی خانواده‌ها را همراه با وسعت گرفتن دامنه نیازهای اساسی به ویژه در زمینه کار و اشتغال، باعث شده است.

ضریب جوانی جمعیت که در سال ۱۳۵۵ حدود چهل و چهار و پنج دهم درصد (۴۴/۵٪) بود تا سال ۱۳۶۵ به چهل و پنج و پنج دهم درصد (۴۵/۵٪) ازدیاد، و سپس تا سال ۱۳۷۵ به سی و نه و پنج دهم درصد (۳۹/۵٪) تقلیل می‌یابد. انفجار مولید سالهای ۶۷ - ۱۳۵۷ یعنی دهه نخست انقلاب اسلامی از یک سو و کاهش میزان باروری سالهای پس از آن بر اثر اتخاذ تمهیدات بازدارنده توسط دولت در پیدایش این روندهای متضاد تکامل ساختاری ایفای سهم کرده است.

در اثر این تحولات شمار جمعیت ۲۴ - ۶ ساله که سال ۱۳۵۵ حدود ۱۴۸۰۶ هزار نفر بود تا سال ۱۳۷۵ به ۲۸۳۰۸ هزار نفر یعنی تقریباً به میزانی حدود نود و یک درصد (۹۱٪) افزایش می‌یابد و از این رهگذر به طور توأمان فشار مضاعفی را متوجه منابع بودجه عمومی و منابع مالی خود خانواده‌های ایرانی می‌کند.

نرخ وابستگی جمعیت خردسال و نوجوان و پیر و سالمند که در سال ۱۳۷۵ به بیش از نود و دو درصد (۹۲٪) نمی‌رسید، تا سال ۱۳۶۵ به نود و چهار درصد (۹۴٪) فزونی گرفته است و سپس به میزانی در حد هفتاد و هشت درصد (۷۸٪) تا سال ۱۳۷۵ تنزل یافته است.

به هر حال نکته حائز اهمیت آن است که این تحولات ساختاری پدید آمده که در فاصله سالهای (۶۵ - ۱۳۵۵) که عمدتاً معلول انفجار مولید این دوره است همچنان تا سالهای متمادی، بخصوص تا آن زمان که این مولید با گذشت عمر از مقطع سنی ۳۰ سالگی عبور کند پیامدهای منفی و بازدارنده‌اش را بر فرایند توسعه ملی تحمیل خواهد کرد.

جدول شماره ۱- تحول جمعیت و نرخ رشد جمعیت در فاصله سالهای (۷۵-۱۳۳۵)

سال	جمعیت (به هزار نفر)			نرخ رشد (درصد)		
	شهر و روستا	شهر	روستا	شهر و روستا	شهر	روستا
۱۳۳۵	۱۸۹۵۵	۵۹۵۴	۱۳۰۰۱	-	-	-
۱۳۴۵	۲۵۷۸۸	۹۷۹۴	۱۵۹۹۴	۳/۱۳	۵/۱۰	-۰/۰۹
۱۳۵۵	۳۳۷۰۹	۱۵۸۵۵	۱۷۸۵۴	۲/۷۱	۴/۹۳	۱/۱۰
۱۳۶۵	۴۹۴۴۵	۲۶۸۴۵	۲۲۶۰۰	۳/۹۱	۵/۴۱	۲/۳۸
۱۳۷۵	۶۰۰۵۵	۳۶۸۱۸	۲۳۲۳۷	۱/۹۶	۳/۲۱	-۰/۲۸

جدول شماره ۲- تحول کانونهای شهر و جمعیت شهرنشین (۷۵-۱۳۳۵) جمعیت به هزار نفر

طبقات جمعیتی	۱۳۳۵			۱۳۵۵		۱۳۶۵		۱۳۷۷
	تعداد شهر	جمعیت	تعداد شهر	جمعیت	تعداد شهر	جمعیت		
بیش از یک میلیون نفر	۱	۱۵۱۲	۱	۴۵۳۰	۲	۷۵۰۷	۵	۱۲۱۵۴
۵۰۰ - ۱	-	-	۳	۱۹۲۷	۶	۴۴۸۹	۴	۳۲۱۷
۲۵۰ - ۵۰۰	۲	۵۴۵	۴	۱۳۴۵	۳	۲۲۲۵	۱۴	۴۷۷۴
۵۰۰ - ۲۵	۶	۹۹۴	۱۵	۲۱۵۳	۲۵	۳۷۵۷	۳۶	۵۱۳۳
۵۰ - ۱۰۰	۹	۶۳۳	۲۲	۱۵۳۲	۴۶	۳۱۵۵	۶۰	۴۲۶۰
۲۵ - ۵۰	۲۲	۷۶۵	۴۵	۱۵۴۰	۶۷	۲۳۲۰	۹۴	۳۳۱۰
۱۰ - ۲۵	۵۶	۸۷۷	۱۰۹	۱۶۸۹	۱۴۵	۲۳۰۰	۱۶۶	۲۵۷۸
۵ - ۱۰	۹۰	۶۲۴	۱۶۸	۱۱۵۷	۱۱۳	۸۳۳	۱۵۰-۸۳	۱۱۰۵
کمتر از ده	۱۳	۴۷	۶	۲۲	۸۴	۲۵۸	۸۳	۲۸۶
جمع	۱۹۹	۵۹۹۷	۳۷۳	۱۵۸۵۵	۴۹۶	۲۶۸۴۵	۶۱۴	۳۶۸۱۸

جدول شماره ۳- روند تکامل جمعیت در مقاطع مختلف تحصیلی (۱۳۵۵-۷۵) ارقام به هزار نفر

۱۳۷۵	۱۳۷۰	۱۳۶۵	۱۳۵۵	مقاطع سنی و تحصیلی
۸۷۷۰	۸۹۵۰	۷۱۱۰	۵۰۷۱	۶-۱۰
۵۵۲۶	۴۴۸۰	۳۵۰۸	۲۵۴۱	۱۱-۱۳
۶۳۰۴	۴۹۸۹	۴۴۰۱	۳۰۵۰	۱۴-۱۷
۴۶۸۸	۴۳۸۴	۳۶۸۵	۲۶۲۳	۱۸-۲۱
۳۰۲۰	۲۷۹۶	۲۴۲۱	۱۵۲۱	۲۲-۲۴
۲۸۳۰۸	۲۵۶۰۰	۲۱۱۲۵	۱۴۸۰۶	جمع ۶-۲۴
۶۰۰۵۵	۵۵۸۳۷	۴۹۴۴۵	۳۳۷۰۹	کل جمعیت کشور

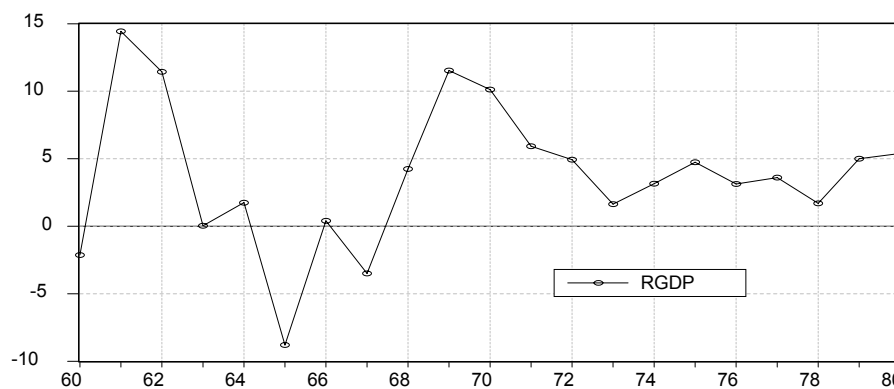
◀ فصل دوم: رشد اقتصادی

◀ تصویر عملکرد گذشته:

۱- تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی

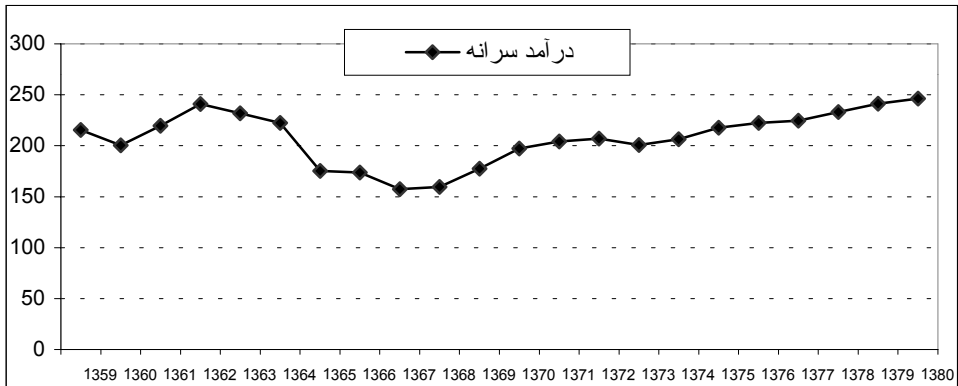
تولید ناخالص داخلی به عنوان شاخص فعالیت‌های اقتصادی در سطح کلان مورد استفاده قرار گرفته و یکی از کمیتهای مهم اقتصادی برای اندازه‌گیری تولید است. بر اساس اطلاعات موجود در فاصله سالهای (۸۰-۱۳۶۰) تولید ناخالص داخلی (به قیمت ثابت ۱۳۶۱) از متوسط رشد سالانه سه و نه دهم درصد (۳/۹٪) برخوردار بوده است که رشد قابل توجهی محسوب نمی‌شود ضمن آن که از روند با ثباتی نیز برخوردار نبوده است. نمودار شماره ۱ نوسانات سالانه رشد تولید را نشان می‌دهد.

نمودار شماره ۱- رشد سالانه تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱



در سال ۱۳۶۰ درآمد سرانه به قیمت ثابت ۱۳۶۱ حدود ۲۰۰/۴ هزار ریال بوده و با رشد متوسط سالانه یک و چهار صدم درصد (۱/۰۴٪) به حدود ۲۴۶/۵ هزار ریال در سال ۱۳۸۰ بالغ گردیده است. (نمودار شماره ۲) که این روند مبین بهبود نسبی و اندک رفاه اقتصادی جامعه است.

نمودار شماره ۲- روند درآمد سرانه به قیمت ثابت ۱۳۶۱ هزار ریال



در زیر، تحلیل عملکرد رشد اقتصادی در دوره انقلاب و جنگ و بعد از آن در قالب برنامه‌های توسعه مورد ارزیابی قرار گرفته است.

در دوران انقلاب و جنگ تحمیلی، اقتصاد با فرار سرمایه و نیروی انسانی، هجوم پناهندگان عراقی و افغانی، تحریم اقتصادی غرب، ملی کردن بانکها و سرمایه‌های عمده مواجه شد و موضوع تجدید بنای اقتصادی و دستیابی به رشد اقتصادی را بسیار دشوار نمود. در این دوره جهت‌گیریهای اقتصادی کشور معطوف به دولتی نمودن اقتصاد و تولید کالا در داخل کشور بوده است. نقش بخش عمومی در این دوره عمدتاً در پاسخ به اوضاع و احوال جنگ بود و اقتصاد ایران تنها توانست در این دوران به بقای خود ادامه دهد. در این دوره دولت با ساماندهی مجدد نظام مالی، نقش بخش عمومی را در پاسخ به اوضاع و احوال جنگ تقویت نمود. طی دوره ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ (دوران جنگ تحمیلی) رشد سالانه تولید ناخالص داخلی منفی پنج دهم درصد (۰/۵-) و رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت حدود چهار دهم درصد (۰/۴%) بوده است.

با پایان یافتن جنگ تحمیلی و شروع دهه دوم انقلاب از یک سو زمینه‌های تحول در اقتصاد در کشور افزایش یافت و از سوی دیگر ضرورت بازسازی اقتصاد در هم شکسته کشور و ایجاد زمینه برای بهبود وضع زندگی مردم نمایان تر گشت. در این شرایط برنامه‌ریزان در قالب برخورد مرحله‌ای با نیازهای توسعه جامعه و ضرورت توسعه کشور ابزار برنامه‌ریزی میان‌مدت را انتخاب کرد و عملاً برنامه توسعه

کشور در قالب برنامه‌های پنج‌ساله از سال ۱۳۶۸ شروع شد. برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با انتخاب راهبرد آزادسازی اقتصادی آغاز شد. هدف اصلی برنامه اول آن بود که با سرمایه‌گذاری دولت در بازسازی خسارات جنگ و بهره‌برداری حداکثر از ظرفیتهای موجود، روندهای منفی اقتصادی حاکم به سمت ایجاد رشد اقتصادی در کشور تغییر یابد و زمینه تداوم رشد در آینده فراهم شود. در این راستا، در برنامه اول رشد اقتصادی، از اساسی‌ترین نیازهای توسعه ملی به حساب آمد و سیاستهای اقتصادی مؤثر برای افزایش تولید در دستور کار قرار گرفت. در طول اجراء برنامه دستخوش تغییر و تحول شد و دولت در دوران برنامه اول خطمشی‌هایی دنبال کرد که در برنامه وجود نداشت یا تأکیدی بر آنها نشده بود. از جمله این تجدید نظرها می‌توان به عدم بهره‌گیری از ظرفیتهای موجود، اولویت دادن به استراتژی تشویق صادرات، سیاست تک نرخی کردن ارز و آزاد گذاشتن قیمت آن و خصوصی‌سازی سریع اقتصاد بود.

عملکرد برنامه اول توسعه نشان می‌دهد که با شروع برنامه رشد اقتصادی چشمگیر بوده اما در سالهای آخر، برنامه روند رشد نزولی داشته است. رشد اقتصادی که در سال ۱۳۷۰ حدود ده و یک دهم درصد ($10/1\%$) بود در سال ۱۳۷۲ به چهار و نه دهم درصد ($4/9\%$) رسید، که نشان دهنده آن است که برنامه نتوانسته روندهای مثبت و بادوام اقتصادی را در جامعه شکل بدهد و این رشد شدید در اوایل برنامه بیش از آنکه تابع سیاستهای هدفمند و هوشیارانه برنامه‌ریزان باشد، تحت تأثیر تحولات خارج از کنترل برنامه از جمله افزایش موقت درآمدهای نفتی کشور ناشی از ماجرای اشغال نظامی کویت و تزریق سریع وامهای خارجی در اقتصاد ملی و استفاده از ظرفیتهای اقتصادی بلااستفاده در دوران جنگ بوده است. افزایش رشد اقتصادی، بخصوص در مقایسه با سالهای قبل از برنامه، دستاورد مثبت برنامه بود (در دهه اول انقلاب رشد اقتصادی منفی بود). رشد سالانه واقعی برنامه بر اساس آمارهای بانک مرکزی به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱ حدود هفت و سه دهم درصد ($7/3\%$) بود که حاکی از عدم تحقق اهداف برنامه می‌باشد.

در برنامه دوم توسعه نیز رشد و توسعه اقتصادی از اصلی‌ترین اهداف بود. بر این اساس رشد تولید ناخالص داخلی در برنامه دوم توسعه، پنج و یک دهم درصد ($5/1\%$) در نظر گرفته شده بود. البته در اجرای برنامه دوم توسعه، تغییر جهت اساسی از راهبردهای اعلام شده روی داد. احیای سیستم چند

نرخ ارز، برقراری مجدد کنترل قیمت‌ها، کنترل واردات و اعمال سیاست انقباضی پولی به دلیل بسط زیاد از حد سیاست‌های اعتباری و عدم تعادل‌های تبعی، سررسید و فشار بدهی‌های خارجی برنامه اول توسعه و کاهش بیش از انتظار قیمت نفت بود. عملکرد برنامه دوم نشان می‌دهد میانگین رشد تولید ناخالص داخلی، سه و سه دهم درصد (۳/۳٪) در سال بوده که با اهداف برنامه توسعه مبنی بر رشد حدود پنج و یک دهم درصد (۵/۱٪) به طور متوسط در هر سال فاصله دارد. برنامه دوم توسعه در شرایطی آغاز گردید که با بهره‌برداری از ظرفیتهای بلااستفاده موجود در سالهای برنامه اول، به تدریج از روند رو به رشد اقتصادی کشور کاسته شد. بروز بحران بدهی‌های ارزی در اوایل برنامه مذکور و لزوم صرفه‌جویی در مصارف ارزی، عدم ثبات در سیاست‌های پولی و مالی و ارزی، کاهش قیمت نفت از مقدار پیش‌بینی شده در سال ۱۳۷۶ و کاهش شدیدتر آن در سال ۱۳۷۷ و خشکسالی در اکثر استانهای کشور تقریباً در تمامی سالهای اجرای برنامه برخی از دلایل عمده محقق نشدن اهداف برنامه توسعه، بوده است.

در برنامه سوم توسعه نیز اصلاح ساختار اقتصادی مد نظر بوده است. مهم‌ترین ویژگی برنامه سوم توسعه در بعد اقتصادی شناخت چالش‌های اساسی فرایند توسعه اقتصادی کشور و سعی در فراهم ساختن الزامهای تحقق یک توسعه پایدار می‌باشد. بر این اساس در حوزه اقتصاد راهبرد اصلاحات اقتصادی بر رویکرد «توسعه اقتصاد رقابتی» از طریق حرکت به سمت آزادسازی نظام قیمت‌ها و تعیین قیمت بر مبنای سازوکار بازار به عنوان ابزار تخصیص بهینه منابع استوار می‌باشد. علاوه بر این، راهبرد اصلاحات قانونی و نهادی برای فراهم شدن زمینه‌های توسعه مشارکت بخش خصوصی را نیز در بر می‌گیرد.

یکسان‌سازی نرخ ارز، آزادسازی تجارت و حذف موانع غیر تعرفه‌ای، تخصیص رقابتی منابع بانکی و حذف یارانه انرژی از مقولات اصلاح نظام قیمت‌ها می‌باشد که در برنامه سوم توسعه مد نظر قرار گرفته است.

برای رسیدن به اهداف رشد اقتصادی، اقدامها و اصلاحات مهمی از سال ۱۳۷۹ شروع شد که از جمله این اصلاحات می‌توان به اصلاح نرخ ارز و اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز، جایگزینی تدریجی تعرفه به جای موانع غیر تعرفه‌ای و فراهم آوردن شرایط برای کاهش تعرفه‌ها تا سطحی که فرصت و شرایط لازم برای درگیر شدن با مذاکرات را فراهم آورد، تأسیس بانکهای خصوصی داخلی و بانکهای خارجی در مناطق آزاد به همراه تقویت بازار بورس (راه‌اندازی بورسهای منطقه‌ای و کالایی) و نظام مالی

غیر بانکی به منظور انحصارزدایی از شبکه بانکی و تأمین اطمینان بیشتر برای سرمایه‌گذاری، تصویب و اجرای قانون سرمایه‌گذاری خارجی، قانون جدید مالیاتها، حذف پیمان‌سپاری برای صدور کالا، خصوصی‌سازی بانکها و ایجاد بیمه خصوصی اشاره کرد که از جمله حرکت‌های دولت در جهت تحکیم بنیادهای تولید و سرمایه‌گذاری بوده که اخیراً برای بهبود وضعیت اقتصاد ایران تصویب و اجرا و یا مقدمات اجرای آنها فراهم شده است.

بر این اساس، برآوردها نشان می‌دهد که در دو سال اول برنامه سوم توسعه، تقریباً اهداف رشد اقتصادی به لحاظ ایجاد فضای با ثبات در قالب اصلاحات ساختاری و قیمت نفت، تحقق یافته است. تحقق اهداف برنامه توسعه با وجود مشکلات بسیار تا حدودی مدیون افزایش بهای نفت، ایجاد فضای با ثبات از طریق حساب ذخیره ارزی و اجرای سیاستهای اقتصادی مبتنی بر تحکیم بنیادهای تولید و سرمایه‌گذاری در قالب اصلاحات ساختاری بوده است. بر اساس آخرین برآوردها در سال ۱۳۷۹ رشد اقتصادی، (۵/۱٪) بوده که از رشد پیش‌بینی شده برنامه، (۴/۵٪) کمتر می‌باشد. همچنین در سال ۱۳۸۰ رشد اقتصادی به حدود (۵/۴٪) رسیده که حدود (۰/۱٪) از پیش‌بینی برنامه سوم کمتر بوده است.

۲- بخشهای اقتصادی

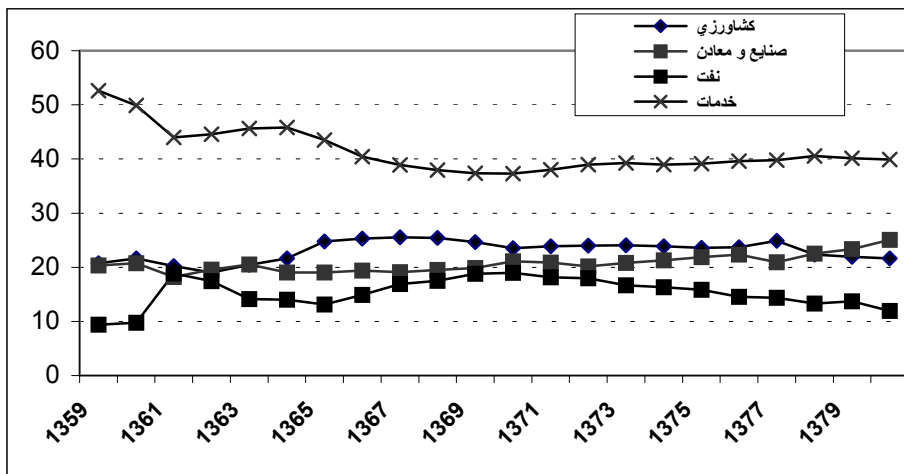
در بین بخشهای اقتصادی (صنایع و معادن، نفت، کشاورزی و خدمات)، بخش خدمات بیشترین سهم از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده است. سهم بخش خدمات طی دوره ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۰ ابتدا از یک روند نزولی برخوردار بوده که در دهه هفتاد این روند معکوس شده است، به طوری که سهم آن از سی و هفت و سه دهم درصد (۳۷/۳٪) در سال ۱۳۷۰ به چهل درصد (۴۰٪) در سال ۱۳۸۰ رسیده است (نمودار شماره ۳).

سهم بخش صنایع و معادن از تولید ناخالص داخلی، از بیست و هشت دهم درصد (۲۰/۸٪) در سال ۱۳۶۰ به بیست و پنج درصد (۲۵٪) در سال ۱۳۸۰ افزایش یافته است. رشد متوسط ارزش افزوده گروه صنایع و معادن (شامل صنعت و معدن، برق، گاز و آب، و ساختمان) طی سالهای مورد بررسی، چهار و نه دهم درصد (۴/۹٪) بوده است.

سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص طی دوره ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰ از (۲۰/۸٪) در سال ۱۳۶۰ به (۲۳/۵٪) در سال ۱۳۷۰ و به حدود (۲۱/۷٪) در سال ۱۳۸۰ رسیده است. رشد متوسط این بخش طی سالهای مذکور (۳/۹٪) بوده است.

ارزش افزوده بخش نفت طی سالهای (۸۰ - ۱۳۶۰) نوسانات شدیدی داشته است. با این حال، طی این مدت رشد ارزش افزوده سالانه این بخش حدود پنج درصد (۵٪) بوده و سهم آن در تولید ناخالص داخلی از نوزده درصد (۱۹٪) در سال ۱۳۶۰ به نه و هشت دهم درصد (۹/۸٪) در سال ۱۳۸۰ رسیده است.

نمودار شماره ۳- مقایسه سهم بخشهای اقتصادی در تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱



۳- مقایسه بین‌المللی

به طور خلاصه توسعه اقتصادی فرایندی می‌باشد که طی آن درآمد سرانه افزایش یافته و به طور مناسب توزیع می‌شود. توسعه اقتصادی تغییر در ساختار و نظام اقتصادی و روشهای تولیدی را نیز در بر می‌گیرد و نمود عینی آن در افزایش تولیدات ملی است. افزایش تولید شرط لازم برای توسعه اقتصادی بوده و این امر به لحاظ تاریخی همراه با تغییر بافت تولیدی جامعه از کشاورزی به سوی صنعتی شدن بوده است.

برای مقایسه ساختار تولید و بافت تولیدی، حسابهای درآمد ملی در غالب کشورهای توسعه یافته، در حال توسعه، کمتر توسعه یافته و کشورهای صادر کننده نفت برای چند کشور نشان داده شده است. در جدول شماره ۳ رشد اقتصادی و تولید ناخالص داخلی سرانه برای کشورها را طی سالهای ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۰ میلادی مقایسه شده است. بر اساس این جدول تولید ناخالص داخلی سرانه به قیمت ثابت ۱۹۹۵ برای تقریباً گروه کشورها به غیر کشورهای صادر کننده نفت افزایش یافته است.

جدول شماره ۳- مقایسه رشد تولید ناخالص داخلی و تولید سرانه کشورهای منتخب

تولید ناخالص داخلی سرانه - دلار (به قیمت ثابت ۱۹۹۵)			رشد تولید ناخالص داخلی (درصد)			کشورهای توسعه یافت
۲۰۰۰	۱۹۹۵	۱۹۸۵	۲۰۰۰	۱۹۹۵	۱۹۸۵	
۲۹۸۱۰/۷	۲۶۸۵۰/۳	۲۲۷۴۲/۳	۳/۱	۱/۷	۱/۵	فرانسه
۳۲۶۲۳/۳	۳۰۱۱۰/۱	۲۵۳۱۳/۱	۳/۰	۱/۷	۲/۴	آلمان
۴۴۸۳۰/۴	۴۲۱۸۵/۸	۳۱۲۷۲/۴	۲/۴	۱/۶	۴/۴	ژاپن
۳۱۹۹۶/۱	۲۷۷۱۳	۲۳۳۸۳/۵	۴/۲	۲/۷	۳/۸	آمریکا
۲۱۶۶۶/۹	۱۹۲۲۵/۷	۱۵۶۰۸/۲	۳/۱	۲/۸	۳/۸	انگلیس
						کشورهای در حال توسعه
۴۵۹/۴	۳۸۰/۱	۲۶۳/۷	۳/۹	۷/۷	۵/۵	هند
۹۹۳/۷	۱۰۴۲	۶۰۱/۷	۴/۸	۸/۴	۳/۵	اندونزی
۱۳۰۶۲/۱	۱۰۸۷۳/۶	۵۳۲۲/۲	۸/۸	۸/۹	۶/۵	کره
۵۱۶/۲	۵۰۰/۱	۳۸۴/۹	۴/۴	۵/۱	۷/۶	پاکستان
۲۸۲۲۹/۶	۲۳۶۴۹/۹	۱۳۱۶۳/۴	۹/۹	۸/۰	-۱/۶	سنگاپور
۴۷۹۶/۶	۴۳۱۰/۲	۲۵۸۶/۷	۸/۳	۹/۸	-۱/۱	مالزی
						کشورهای توسعه نیافته
۶۰۹/۲	۵۳۹/۴	۵۵۶/۴	۵/۶	۵/۲	۳/۸	سنگال
۸۶۰/۵	۷۱۸/۴	۵۳۴/۳	۶/۰	۵/۵	۵/۰	سريلانكا
۲۴۰۷/۶	۲۲۱۰/۳	۲۱۱۷۵/۱	۳/۹	۴/۱	۰/۵	نامیبیا
						کشورهای صادر کننده نفت
۳۳۰۰/۴	۳۵۴۲/۸	۳۳۵۴/۳	۳/۲	۴/۰	۰/۲	ونزوئلا
۶۷۲۸/۶	۷۰۴۱/۴	۷۴۴۰/۱	۴/۵	-۰/۴	-۴/۰	عربستان
	۱۸۲۸۵/۷	۲۴۹۷۰/۸		۶/۱	-۶/۶	امارات

مأخذ: WDI (2002)

در جدول شماره ۴ ترکیب تولید و سهم بخشهای اقتصادی در کشورهای توسعه یافته، در حال توسعه، کشورهای توسعه نیافته و کشورهای صادر کننده نفت ارائه شده است.

جدول شماره ۴- سهم بخشهای اقتصادی در تولید ناخالص داخلی - درصد

کشورهای توسعه یافته	ارزش افزوده بخش کشاورزی			ارزش افزوده بخش صنایع			ارزش افزوده بخش تولید کارخانه‌ای			ارزش افزوده بخش خدمات		
	۱۹۸۵	۱۹۹۵	۲۰۰۰	۱۹۸۵	۱۹۹۵	۲۰۰۰	۱۹۸۵	۱۹۹۵	۲۰۰۰	۱۹۸۵	۱۹۹۵	۲۰۰۰
فرانسه	۴/۴	۳/۴	۲/۹	۳۲/۸	۲۷/۳	۲۶/۱	-	۱۹/۲	-	۶۲/۸	۶۹/۴	۷۰/۹
آلمان	۱/۹	۱/۳	۱/۲	۳۸/۵	۳۳/۴	۳۱/۲	-	۲۳/۵	-	۵۹/۷	۶۵/۳	۶۷/۶
ژاپن	۳/۱	۱/۹	-	۳۹/۴	۳۴/۲	-	-	-	-	۵۷/۵	۶۴/۰	-
انگلیس	۱/۸	۱/۸	۱/۰	۳۹/۸	۳۱/۷	۲۸/۸	۲۳/۹	۲۱/۵	۱۸/۰	۵۸/۵	۶۶/۵	۷۰/۲
کشورهای در حال توسعه												
هند	۳۳/۲	۲۸/۴	۲۴/۹	۲۶/۳	۲۷/۹	۲۶/۹	۱۶/۳	۱۷/۸	۱۵/۸	۴۰/۵	۴۳/۷	۴۸/۲
اندونزی	۲۲/۹	۱۷/۱	۱۶/۹	۳۵/۳	۴۱/۸	۴۷/۳	۱۵/۸	۲۴/۱	۲۶/۰	۴۱/۸	۴۱/۱	۳۵/۸
کره	۱۲/۶	۶/۲	۴/۶	۴۱/۰	۴۳/۲	۴۲/۷	۲۹/۲	۲۶/۴	۳۱/۵	۴۶/۵	۵۰/۶	۵۲/۷
پاکستان	۲۸/۵	۲۵/۹	۲۶/۳	۲۲/۵	۲۴/۵	۲۲/۸	۱۵/۹	۱۷/۱	۱۵/۱	۴۹/۰	۴۹/۶	۵۰/۹
سنگاپور	۱/۰	۰/۲	۰/۱	۳۶/۰	۳۳/۹	۳۴/۳	۲۳/۳	۲۴/۷	۲۶/۵	۶۳/۰	۶۵/۹	۶۵/۶
مالزی	۱۹/۹	۱۲/۹	۱۱/۱	۳۸/۵	۴۱/۴	۴۵/۴	۱۹/۳	۲۶/۴	۳۲/۸	۴۱/۶	۴۵/۶	۴۳/۶
ترکیه	۲۰/۴	۱۶/۴	۱۶/۲	۲۷/۱	۳۰/۵	۲۵/۱	۱۷/۷	۲۱/۰	۱۵/۰	۵۲/۵	۵۳/۲	۵۸/۷
کشورهای توسعه نیافته												
سنگال	۱۸/۷	۱۹/۷	۱۸/۲	۱۷/۷	۲۱/۵	۲۶/۹	۱۲/۸	۱۴/۷	۱۷/۸	۶۳/۶	۵۸/۸	۵۵/۰
سريلئون	۲۷/۷	۲۳/۰	۱۹/۵	۲۶/۲	۲۶/۵	۲۷/۵	۱۴/۷	۱۵/۷	۱۶/۹	۴۶/۱	۵۰/۵	۵۳/۰
نامیبیا	۸/۶	۱۲/۲		۴۳/۶	۲۸/۱		۱۰/۸	۱۳/۱				
کشورهای صادرکننده نفت												
ونزوئلا	۵/۸	۵/۵	۵/۰	۴۳/۰	۴۱/۳	۳۶/۴	۲۱/۹	۱۸/۱	۱۴/۴	۵۱/۳	۵۲/۲	۵۸/۶
عربستان سعودی	۴/۴	۶/۶		۴۸/۹	۵۲/۹		۷/۸	۸/۹		۴۶/۷	۴۰/۵	

مأخذ: WDI (2002)

مطابق جدول مزبور سهم واقعی بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی طی دوره ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۰ میلادی در همه گروه کشورها کاهش یافته است. این کاهش در کشورهای در حال توسعه محسوس‌تر بوده است.

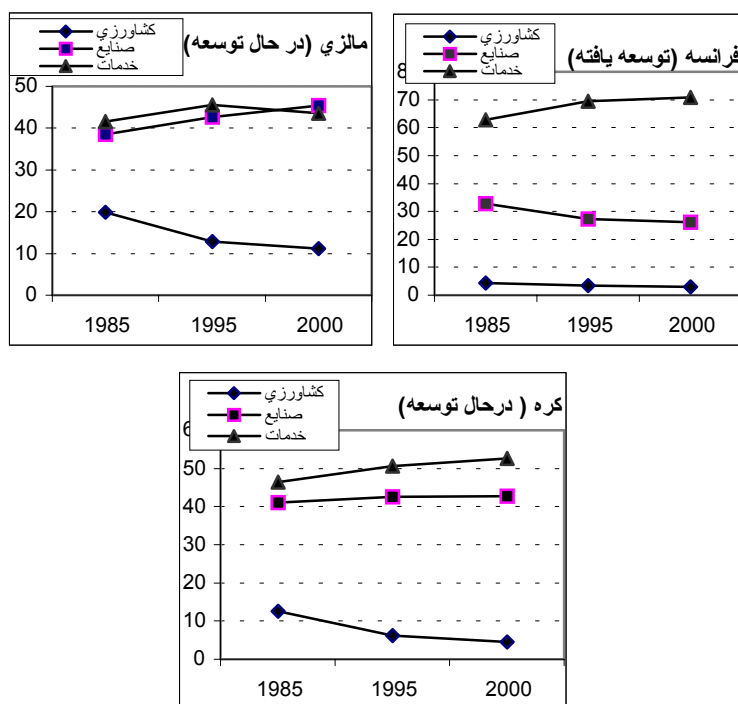
سهم بخش صنایع و صنایع کارخانه‌ای در تولید ناخالص داخلی برای گروه کشورهای مختلف، متفاوت می‌باشد. در کشورهای توسعه یافته منتخب سهم صنایع در تولید ناخالص داخلی کاهش یافته است. برای نمونه سهم بخش صنایع و معادن در تولید ناخالص داخلی انگلیس، از سی و نه و هشت دهم درصد (۳۹/۸٪) در سال ۱۹۸۵ به بیست و هشت و هشت دهم درصد (۲۸/۸٪) در سال ۲۰۰۰ رسیده است. همچنین سهم تولیدات کارخانه‌ای کشور مذکور در تولید، از بیست و سه و نه دهم درصد (۲۳/۹٪) در سال ۱۹۸۵ به هجده درصد (۱۸٪) در سال ۲۰۰۰ رسیده است. این در حالی است که روند این دو شاخص عمدتاً برای گروه کشورهای دیگر متفاوت است. در کشورهای در حال توسعه این سهم‌ها عمدتاً افزایش یافته است. با توجه به اینکه رشد ارزش افزوده در این گروه از کشورها بیشتر از کشورهای توسعه یافته می‌باشد، بیانگر این واقعیت است که کشورهای در حال توسعه سریع‌تر از کشورهای پیشرفته در مسیر صنعتی شدن گام برداشته و فاصله خود را با آنها کاهش می‌دهند.

خدمات در همه گروه از کشورها، در طی دوره مورد بررسی ۱۹۶۵ تا ۲۰۰۰ از یک روند افزایشی برخوردار بوده است. سهم خدمات در تولید ناخالص داخلی کشورهای توسعه یافته، بخش عمده‌ای از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد. برای مثال میزان سهم ارزش افزوده بخش خدمات در تولید ناخالص داخلی، از شصت و دو و هشت دهم درصد (۶۲/۸٪) در سال ۱۹۸۵ به هفتاد و نه دهم درصد (۷۰/۹٪) در سال ۲۰۰۰ در کشورهای توسعه یافته مثل فرانسه رسیده است و در اقتصادهای در حال توسعه نظیر هند، این شاخص، از چهل و پنج دهم درصد (۴۰/۵٪) در سال ۱۹۸۵ به چهل و هشت و دو دهم درصد (۴۸/۲٪) در سال ۲۰۰۰ و در اقتصادهای کمتر توسعه یافته نظیر سریلن، از چهل و شش و یک دهم درصد (۴۶/۱٪) در سال ۱۹۸۵ به پنجاه و سه دهم درصد (۵۳٪) در سال ۲۰۰۰ و برای کشورهای صادر کننده نفت نظیر ونزوئلا، از پنجاه و یک و سه دهم درصد (۵۱/۳٪) در سال ۱۹۸۵ به پنجاه و هشت و شش دهم درصد (۵۸/۶٪) در سال ۲۰۰۰ رسیده است. با توجه به این مطالب می‌توان گفت که

در حال حاضر بخش غالب اقتصاد جهانی را خدمات تشکیل می‌دهد و بیشترین تحول در میان بخشهای اقتصادی مربوط به بخش خدمات بوده است.

نکته دیگر در مورد بخش خدمات اینکه در کشورهای توسعه یافته از سهم بخشهای کشاورزی و صنایع و صنایع کارخانه‌ای کاسته شده و به بخش خدمات اضافه شده است. این در حالی است که در گروه کشورهای دیگر از سهم بخش کشاورزی کاسته و به بخشهای صنایع و خدمات افزوده شده است.

نمودار شماره ۴



◀ فصل سوم: سرمایه‌گذاری

◀ تصویر عملکرد گذشته

۱- روند سرمایه‌گذاری

روند متغیر سرمایه‌گذاری کل، حاکی از آن است که این متغیر از سال ۱۳۳۸ تا ۱۳۵۷ به طور پیوسته افزایشی بوده است. با وقوع انقلاب شکوهمند اسلامی این متغیر سیر نزولی خود را شروع نموده و روند نزولی آن تا سال ۱۳۵۹ همچنان تداوم داشته است. در فاصله سالهای ۱۳۶۳ و ۱۳۶۴ میزان سرمایه‌گذاری به طور قابل توجهی افزایش یافته ولی از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۹ مجدداً کاهش یافته است. با پایان جنگ تحمیلی و اجرای برنامه اول توسعه، این متغیر مجدداً با روند افزایشی مواجه بوده به طوری که به استثنای سال ۱۳۷۸ که با کاهش اندکی همراه بوده است، تا سال ۱۳۸۰ همچنان سیر صعودی خود را حفظ نموده است.

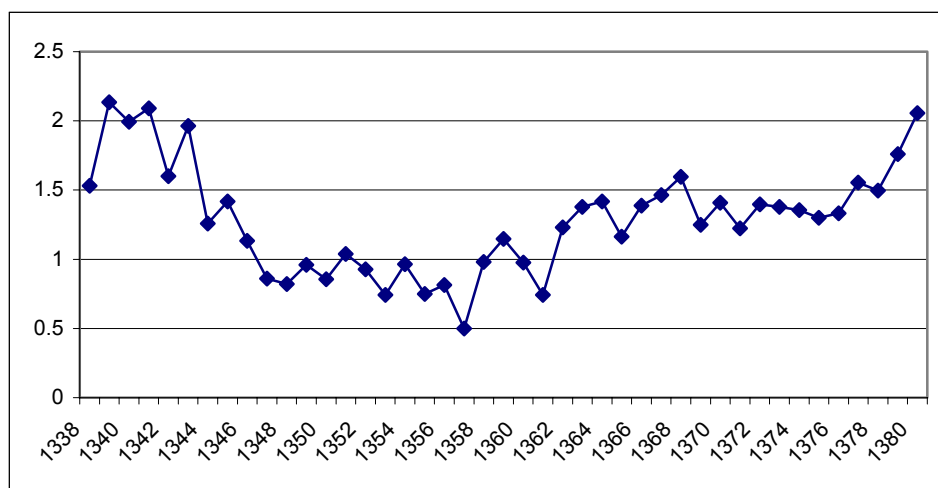
درصد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از سرمایه‌گذاری کل طی سالهای ۱۳۳۸ تا ۱۳۸۰، در محدوده سی و سه درصد (۳۳٪) و شصت و هشت درصد (۶۸٪) بوده است. بیشترین میزان آن شصت و هشت درصد (۶۸٪) در سال ۱۳۳۹ و کمترین میزان آن سی و سه درصد (۳۳٪) در سال ۱۳۵۷ بوده است. میزان رشد سرمایه‌گذاری کل طی دوره چهل ساله (۸۰ - ۱۳۴۰) معادل پنج و شصت و نه صدم درصد (۵/۶۹٪) بوده است. همچنین میزان رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در همین دوره، پنج و سی و چهار صدم درصد (۵/۳۴٪) و رشد سرمایه‌گذاری بخش دولتی معادل هفت و بیست و نه صدم درصد (۷/۲۹٪) بوده است.

مقادیر رشد سرمایه‌گذاری، طی دوره‌های مختلف حاکی از آن است که میزان رشد مربوط به بخش خصوصی از ثبات بیشتری برخوردار بوده است. طی سالهای اخیر روند امیدوار کننده‌ای حاکی از تمایل روزافزون بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری می‌باشد. ولی با این وجود، این نسبت در مقایسه با کشورهای عربی که حدود سه می‌باشد، هنوز پایین است.

جدول شماره ۵- مقادیر رشد متغیرهای سرمایه‌گذاری کل، بخش خصوصی و بخش دولتی طی دوره‌های مختلف به درصد

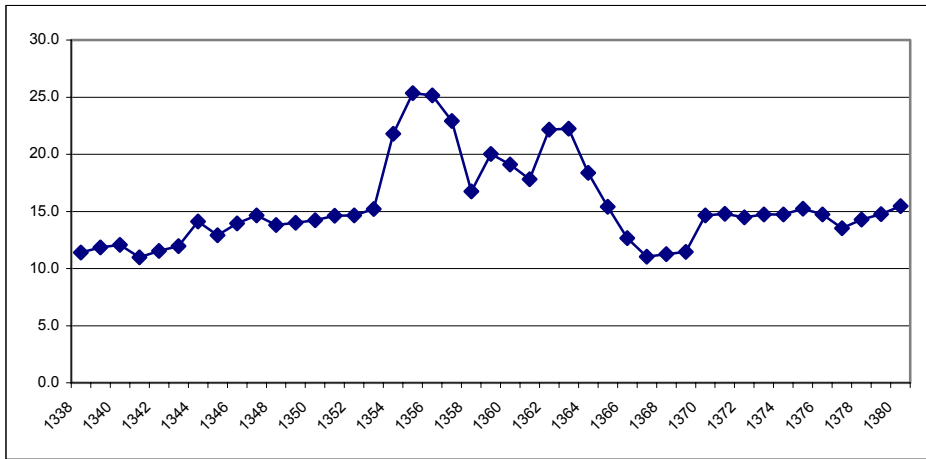
دوره	سرمایه‌گذاری بخش خصوصی	سرمایه‌گذاری بخش دولتی	سرمایه‌گذاری کل
۱۳۴۰-۸۰	۵,۳۴	۷/۳۹	۵/۶۹
۱۳۵۰-۸۰	۵/۲۵	۴/۱۰	۳/۸۸
۱۳۶۰-۸۰	۳/۹۳	۱/۴۵	۲/۷۵
۱۳۶۷-۸۰	۵/۲۵	۴/۸۹	۷/۶۰
۱۳۷۰-۸۰	۳/۷۴	۶	۴/۳۲

نمودار شماره ۵- مقادیر نسبت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به بخش دولتی (۱۳۳۸-۸۰)



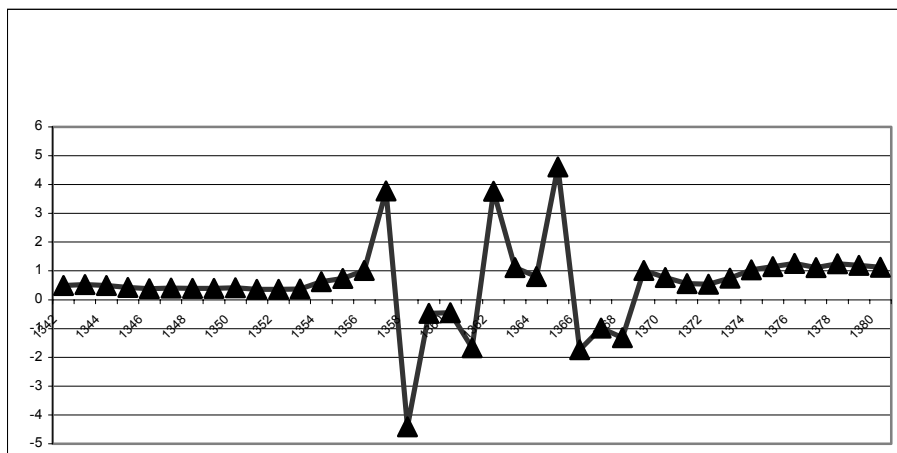
در طی کل دوره چهل و دو ساله (۱۳۳۸-۸۰) میزان تولید ناخالص داخلی اختصاص یافته به سرمایه‌گذاری، در کمترین میزان خود در سالهای ۱۳۴۰ و ۱۳۶۷ معادل یازده درصد (۱۱٪) و در بیشترین میزان خود در سال ۱۳۵۵ برابر بیست و پنج و یک دهم درصد (۲۵/۱٪) بوده است. متأسفانه میزان این متغیر در طی سالهای اخیر نیز همچنان پایین بوده، اگر چه روند آن رشد بسیار کندی را به نمایش گذارده است.

نمودار شماره ۶- نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱



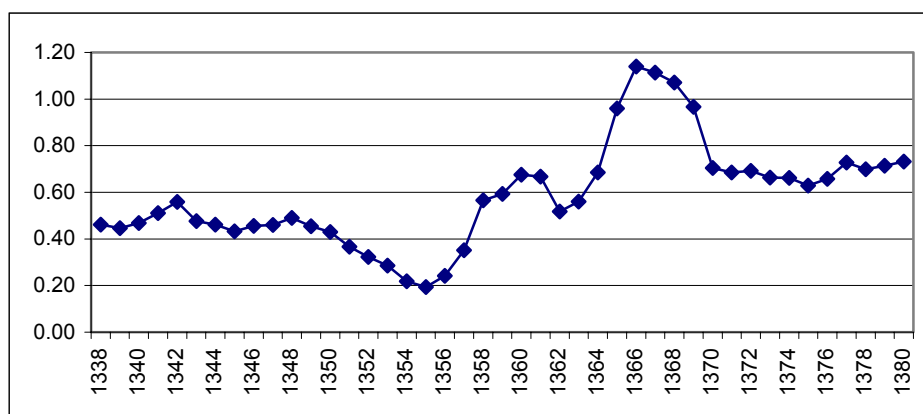
از طرف دیگر مقادیر شاخص ICOR با وقفه یکساله طی دوره چهل و دو ساله مزبور نوسانات عجیبی را نشان می‌دهد. میزان شاخص مذکور در فاصله ۱ تا ۳ مناسب می‌باشد. به نظر می‌رسد که دلیل عمده این نوسانات، وقوع انقلاب و جنگ بوده است. شاید دلیل مهم دیگر بروز این پدیده، اثربخشی با وقفه سرمایه‌گذاری بر تولید باشد. به همین منظور و نیز به منظور تعدیل نوسانات شدید شاخص ICOR مقادیر شاخص مذکور با وقفه ۴ رسم شده است. در میان وقفه‌های مربوطه شاخص ICOR با وقفه ۴ از روند نسبتاً معقول‌تری نسبت به سایر وقفه‌ها برخوردار می‌باشد. مقادیر شاخص ICOR برای وقفه ۴ در محدوده ۵ و ۵- در نوسان بوده است.

نمودار شماره ۷- مقایسه مقادیر شاخص ICOR برای وقفه ۴



شاخص بسیار اساسی دیگر در مبحث سرمایه‌گذاری، نسبت استهلاک به میزان سرمایه‌گذاری می‌باشد. بر اساس آمارهای موجود نسبت مذکور در طی کل دوره چهل و دو ساله مورد بررسی در محدوده (۲۰٪) و (۱۲۰٪) قرار داشته است. نسبت مربوطه طی دهه ۱۳۷۰ بیشتر از (۶۳٪) بوده است.

نمودار شماره ۸- نسبت استهلاک به تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱



مقایسه مقادیر مصوب و عملکرد مقادیر سرمایه‌گذاری، در طول سه برنامه توسعه بعد از انقلاب نشان می‌دهد که بیشترین انحراف معیار درصد تحقق در طول برنامه اول توسعه صورت گرفته است. به طوری

که در سال ۱۳۶۹، درصد تحقق سرمایه‌گذاری، برابر شصت و پنج درصد (۶۵٪) بوده است. در طول سالهای برنامه دوم مقادیر درصد تحقق سرمایه‌گذاری نزولی بوده است، به طوری که از نود و شش و هفت دهم درصد (۹۶/۷٪) در سال ۱۳۷۵، به روندی کاهشی به هفتاد و یک درصد (۷۱٪) در سال ۱۳۷۸ رسیده است. از عمده دلایل کاهش درصد تحقق می‌توان به کاهش درآمدهای نفتی و وقوع خشکسالی اشاره نمود. با این وجود، درصد تحقق سرمایه‌گذاری برای دو سال نخست برنامه سوم توسعه بسیار امیدوار کننده بوده، که از عمده دلایل این روند مطلوب می‌توان به عملکرد مناسب دولت به ویژه در ابعاد سیاسی و اقتصادی اشاره نمود که با تقویت روابط سیاسی با سایر کشورها، شفاف‌سازی فعالیتها، ایجاد صندوق ذخیره ارزی جهت تعدیل شوکهای نفتی و بهبود قوانین و مقررات نظیر قانون جذب سرمایه‌گذاری خارجی، زمینه تحقق سرمایه‌گذاری را فراهم نمود.

۲- مقایسه سرمایه‌گذاری با چند کشور منتخب

۲-۱- نسبت پس‌انداز

نسبت پس‌انداز ناخالص به تولید ناخالص داخلی، در کشورهای فرانسه، انگلستان، مالزی و کره در سال ۲۰۰۱ به ترتیب معادل (۲۱/۷٪)، (۱۵/۲٪)، (۴۲/۵٪) و (۲۹٪) بوده است. هر میزان این نسبت بالاتر باشد، به احتمال زیاد منابع بیشتری برای سرمایه‌گذاری فراهم می‌گردد.

جدول شماره ۶- نسبت پس انداز ناخالص به GDP

کشور	۱۹۸۱	۱۹۹۱	۲۰۰۰	۲۰۰۱
مالزی	۲۵/۴	۳۲	۴۶/۷	۴۲/۵
کره	۲۴/۳	۳۶/۸	۳۱/۴	۲۹
فرانسه	۲۰/۶	۲۲	۲۱/۹	-
انگلستان	۱۷/۴	۱۴/۹	۱۵/۲	-
عربستان سعودی	۵۱/۴	۲۴/۵	۴۰/۱	-
ترکیه	۱۳/۲	۱۹/۹	۱۶/۸	-
ایران	*۱۴	۱۷	**۱۸	-

مأخذ: داده‌های WDI ۲۰۰۲

* - نسبت سال ۱۳۶۵ و ** - نسبت سال ۱۳۷۸ می‌باشد.

۲-۲- نرخ سرمایه‌گذاری

نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی یکی از شاخصهای مهم رشد اقتصادی به شمار می‌رود. این شاخص معمولاً در کشورهای در حال توسعه بیشتر از کشورهای توسعه یافته می‌باشد. در سال ۲۰۰۰ نسبت مذکور برای مالزی (۲۶/۸٪)، کره (۲۸/۲٪)، فرانسه (۲۰/۶٪)، و انگلستان (۱۷/۹٪) بوده است.

جدول شماره ۷- نسبت سرمایه‌گذاری ناخالص به GDP

کشور	۱۹۸۱	۱۹۹۱	۲۰۰۰	۲۰۰۱
مالزی	۳۱/۵	۳۵/۶	۲۵/۶	۲۴
کره	۲۹/۷	۳۹/۹	۲۸/۷	۲۶/۷
فرانسه	۲۳	۲۲/۵	۲۰/۶	-
انگلستان	۱۶	۱۷/۱	۱۷/۹	-
عربستان سعودی	۱۹/۵	۲۱/۲	۱۶/۳	-
ترکیه	۱۷/۹	۲۲/۷	۲۳/۸	-
ایران	۱۹/۱	۱۴/۶	۱۴/۸	۱۵/۵

مأخذ: داده‌های WDI ۲۰۰۲

جدول شماره ۸- نرخ رشد تشکیل سرمایه ناخالص

کشور	۱۹۸۱	۱۹۹۱	۲۰۰۰	۲۰۰۱
مالزی	۱۷/۲	۲۹/۵	۶/۱	-
کره	۰/۵	۱۵/۱	۸	-
فرانسه	-۴/۴	-۲/۲	۶/۶	-
انگلستان	-۹/۱	-۱۱/۶	۵/۱	-
عربستان سعودی	-	-	-	-
ترکیه	-	-۱۱/۱	۱۰/۴	-
ایران	-۶/۷	۲/۷	۸/۱	۹/۹

مأخذ: داده‌های WDI ۲۰۰۲

مقایسه نسبت‌های پس‌انداز و سرمایه‌گذاری ناخالص به تولید ناخالص داخلی ایران با سایر کشورهای مذکور حاکی از آن است که روند دو شاخص مربوطه تقریباً از الگوی مشابهی با دو کشور مالزی و کره برخوردار بوده است. این در حالی است که دو کشور مذکور شاهد نرخهای بالای رشد بوده‌اند در حالی که در ایران چنین امری در سطح پایین‌تر صورت گرفته است. این موضوع اگر چه تا حدودی ناشی از

رشد‌های نسبتاً بیشتر سرمایه‌گذاری دو کشور مربوطه بوده ولی مبین استفاده نامطلوب از پس‌اندازها و سرمایه‌گذاری در کشور نیز می‌باشد.

◀ فصل چهارم: بازار کار

◀ تصویر عملکرد گذشته

همان گونه که در جدول شماره ۱ ملاحظه می‌شود، نرخ مشارکت نیروی کار از (۴۶/۱٪) در سال ۱۳۴۵ به (۴۲/۶٪) در سال ۱۳۵۵ کاهش یافته است که روند کاهشی این شاخص تا سال ۱۳۷۵ ادامه داشته و در این سال به پایین‌ترین سطح یعنی (۳۵/۳٪) می‌رسد، که عمده‌ترین دلایل آن گسترش پوشش تحصیلی و کاهش نرخ مشارکت نیروی کار زنان بوده است. اما پس از روند کاهشی نرخ مشارکت در دوره قبل، شاهد روند افزایشی نرخ مشارکت نیروی کار هستیم، به طوری که در سال ۱۳۸۰ این نرخ به (۳۶/۵٪) افزایش یافته است که از دلایل اصلی آن می‌توان به ورود زنان به جهت بالا رفتن سطح تحصیلات به بازار کار، کوچک شدن بعد خانوار، بالا رفتن سن ازدواج و تغییر نگرش جامعه نسبت به حضور زنان در بازار کار اشاره نمود^۱. افزایش نرخ مشارکت نیروی کار از یک سو و افزایش رشد جمعیت در سن فعالیت در دوره پنج‌ساله منتهی به سال ۱۳۸۰ از سوی دیگر، سبب شده است که رشد عرضه نیروی کار در پنج سال آخر دوره‌ی یاد شده به (۳/۶٪) یعنی دو برابر دوره مشابه قبل افزایش یابد. اما رشد شاغلین در هر دو دوره پنج ساله (۷۵ - ۱۳۷۰ و ۸۰ - ۱۳۷۵) برابر حدود (۲٪) بوده است. لذا، در دوره پنج‌ساله اخیر شاهد رشد فزاینده نرخ بیکاری از (۹/۱٪) در سال ۱۳۷۵ به (۱۶/۶٪) در سال ۱۳۸۰

۱- شایان ذکر است طرح ویژگی‌های اشتغال و بیکاری خانوار از سال ۱۳۷۶ توسط مرکز آمار ایران اجرا شده است. بر اساس نتایج این طرح برخی شاخصهای بازار کار نظیر نرخ بیکاری و نرخ مشارکت ارایه شده است. لیکن بنا بر اعلام مسئولین آن مرکز نتایج به دست آمده قابل تعمیم به کل کشور نبوده و امکان محاسبه ارقام مطلق جمعیت شاغل و بیکار و در نتیجه ارزیابی عملکرد بازار کار و ارایه چشم‌انداز آن در آینده میسر نمی‌باشد. لذا در این مورد ناگزیر با استفاده از مدل‌های اقتصادسنجی و آمارهای حسابهای ملی ایران شاخصهای مزبور برآورد گردیده است.

می‌باشیم. به این ترتیب نرخ بیکاری سال ۱۳۸۰ نسبت به سال ۱۳۵۵، $4/6$ برابر شده است و این در حالی است که نرخ مشارکت نیروی کار در طول این دوره نزدیک به (6%) کاهش یافته است. به عبارتی دیگر، اگر نرخ مشارکت نیروی کار مشابه سال ۱۳۵۵ می‌بود و از آنجا که ظرفیت اشتغالزایی کل اقتصاد به مشاغل ایجاد شده محدود شده است، نرخ بیکاری به بیش از $(16/6\%)$ می‌رسید. اگر این مسئله با کاهش بهره‌وری نیروی کار (که گویای رشد بیکاری پنهان است) به طور یکجا مورد مطالعه قرار گیرد، شکنندگی بازار کار به خوبی مشخص می‌گردد.

تغییرات روند اشتغالزایی در دو سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ نشان می‌دهد که طی دو سال یاد شده، به طور خالص ۸۷۱ هزار نفر بر حجم جمعیت شاغل افزوده شده است که $2/36$ برابر تعداد افزایش شاغلین در دو سال قبل از آن است. تغییرات شاخص بهره‌وری نیز گویای بهبود این شاخص در طی دو سال منتهی به سال ۱۳۸۰ است. بنابر این، در صورتی که روند افزایشی مذکور ادامه یابد امید است از شکنندگی بازار کار و عواقب بد ناشی از آن کاسته شود ولی تحقق این امر نیازمند الزامهای خاصی است.

جدول شماره ۹- تغییرات متغیرها و شاخصهای بازار کار در دوره (۸۰-۱۳۴۵)

سال	جمعیت فعال	جمعیت شاغل	جمعیت بیکار	نرخ بیکاری	نرخ مشارکت	جمعیت ده ساله و بالاتر
۱۳۴۵	۷۸۴۱۵۲۳	۷۵۵۷۲۳۵	۲۸۴۲۸۸	۳/۶۳	۴۶/۱۳	۱۶۹۹۹۸۱۷
۱۳۵۵	۹۷۹۶۰۵۶	۹۴۴۳۳۳۴	۳۵۲۷۲۲	۳/۶۰	۴۲/۵۹	۲۳۰۰۲۴۹۹
۱۳۶۵	۱۲۸۷۵۰۷۱	۱۱۰۵۶۳۳۰	۱۸۱۸۷۴۱	۱۴/۱۳	۳۹/۱۶	۳۲۸۷۴۲۹۳
۱۳۷۰	۱۴۷۳۶۷۰۷	۱۳۰۹۶۶۱۵	۱۶۴۰۰۹۲	۱۱/۱۳	۳۸/۱۲	۳۸۶۵۵۰۴۹
۱۳۷۵	۱۶۰۲۷۲۲۳	۱۴۵۷۱۵۷۲	۱۴۵۵۶۵۱	۹/۰۸	۳۵/۳۰	۴۵۴۰۱۰۸۳
۱۳۷۶	۱۶۷۲۳۰۰۰	۱۷۴۱۷۰۰۰	۲۰۰۶۰۰۰	۱۲/۰۰	۳۵/۶۸	۴۶۸۷۵۷۶۶
۱۳۷۷	۱۷۳۷۵۰۰۰	۱۴۷۸۶۰۰۰	۲۵۸۹۰۰۰	۱۴/۹۰	۳۵/۹۵	۴۸۳۳۲۵۳۵
۱۳۷۸	۱۸۰۲۰۰۰۰	۱۵۰۸۶۰۰۰	۲۹۳۴۰۰۰	۱۶/۲۸	۳۶/۲۱	۴۹۷۶۴۸۳۶
۱۳۷۹	۱۸۵۵۹۰۰۰	۱۵۴۹۶۰۰۰	۳۰۶۳۰۰۰	۱۶/۵۰	۳۶/۲۹	۵۱۱۳۷۹۴۲
۱۳۸۰	۱۹۱۳۹۰۰۰	۱۵۹۵۷۰۰۰	۳۱۸۲۰۰۰	۱۶/۶۳	۳۶/۵۲	۵۲۴۱۳۴۹۵
متوسط رشد دوره ۱۳۴۵ - ۵۵	۲/۵۲	۲/۵۲	۲/۱۸	۰/۰۷	۰/۸۰	۳/۰۷
متوسط رشد دوره ۱۳۵۵ - ۶۵	۲/۷۷	۱/۵۹	۱۷/۸۲	۱۴/۶۵	۰/۸۳	۳/۶۴
متوسط رشد دوره ۱۳۶۵ - ۷۵	۲/۲۱	۲/۸۰	۲/۲۰	۴/۳۲	۱/۰۳	۳/۲۸
متوسط رشد دوره ۱۳۷۵ - ۸۰	۳/۶	۱/۸۳	۱۶/۹۳	۱۲/۸۵	۰/۶۸	۲/۹۱

مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد، روند تغییرات نرخ مشارکت در ایران با ۳۰ کشور منتخب جهان در طی دوره (۹۷ - ۱۹۸۰) میلادی گویای این است که روند تغییرات در ایران هم‌جهت با روند کلی تغییرات این شاخص در کشورهای مذکور به ویژه در کشورهای توسعه یافته، نمی‌باشد و میزان این شاخص در ایران در مقایسه با این کشورها بسیار پایین‌تر است. حداقل نرخ مشارکت نیروی کار در بین کشورهای مذکور در سال ۱۹۹۵ متعلق به کشور عراق برابر ۴۶ است که در مقایسه با ایران، بیشتر است. نرخ مشارکت نیروی کار ۱۵ ساله به بالا در ایران در سال ۱۳۷۵ برابر (۴۳٪) می‌باشد.

از مقایسه نرخ مشارکت نیروی کار مردان با زنان درمی‌یابیم که یکی از علل پایین بودن این شاخص برای کل نیروی کار در ایران، پایین بودن نرخ مشارکت نیروی کار زنان در کشور است و در حالی که این شاخص برای مردان در سال ۱۳۷۵ برابر ۷۴/۷ درصد است، برای زنان (۶/۱۰٪) می‌باشد. به عبارت دیگر مردان در این سال حدود ۶/۷ برابر بیشتر از زنان در بازار کار حضور داشته‌اند که در مقایسه با ۳۰ کشور مذکور، بیشترین اختلاف متعلق به ایران است.

از مقایسه نرخ بیکاری در سطح کشورهای مورد مطالعه در جهان ملاحظه می‌شود، نرخ بیکاری زنان و مردان در کشورهای صنعتی غیر اروپایی و کشورهای در آستانه توسعه همچون سنگاپور و کره جنوبی تقریباً برابر یکدیگر است، ولی در سایر کشورها (به جز مجارستان که این رابطه برعکس است)، نرخ بیکاری زنان تقریباً بیشتر از مردان است. نرخ بیکاری زنان در ایران تا سال ۱۳۵۵ کمتر از نرخ بیکاری مردان بوده است ولی بعد از آن نرخ بیکاری مردان کمتر از زنان می‌شود و در سالهای اخیر این فاصله زیاد شده است. به این ترتیب نگاه جنسیتی در برنامه‌ریزی بازار کار ایران در جهت کاهش فاصله و تبعیض، اجتناب‌ناپذیر است.

◀ فصل پنجم: بودجه و وضع مالی دولت

◀ تصویر عملکرد گذشته

یکی از مباحث اساسی بخش عمومی و از عوامل مهم محدود کننده نقش دولت در ایران ترکیب درآمدهای (دریافتیهای) دولت و اتکای بیش از حد به درآمدهای نفت می‌باشد. از دهه ۱۳۵۰ درآمد نفت نقش مسلط را در ترکیب درآمدها ایفا نمود و به موازات آن اهمیت درآمدهای مالیاتی و لزوم اتخاذ تدابیر مقتضی در جهت افزایش آن را تحت الشعاع قرار داد. بررسیهای به عمل آمده نشانگر وجود ظرفیتهای بالقوه وسیع برای درآمدهای مالیاتی در کشور است. طی دوره مورد بررسی (۸۰-۱۳۶۰) بالغ بر (۲۸/۷٪) از کل منابع درآمدی بودجه عمومی را درآمدهای مالیاتی تشکیل داده است و (۷۱/۳٪) باقیمانده از طریق درآمدهای غیر مالیاتی و به ویژه نفت تأمین شده است.

طی دوره (۸۰-۱۳۶۰) هزینههای جاری (اعتبارات هزینه‌ای) به طور متوسط حدود (۷۳٪) از مخارج دولت را تشکیل داده و (۲۷٪) باقیمانده به اعتبارات عمرانی (تملك دارایی‌های سرمایه‌ای) تخصیص یافت. در این دوره بیشترین سهم اعتبارات هزینه‌ای (مخارج جاری) مربوط به دو سال اول برنامه سوم توسعه و کمترین میزان طی برنامه اول توسعه اتفاق افتاده است.

طی دوره مورد بررسی (۶۰-۱۳۸۰) سهم مالیاتها از GDP بالغ بر ۵/۳۱ بوده است که از این رو دولت برای تأمین مخارج خود به میزان (۱۵/۱۶٪) (تفاوت نسبت هزینه‌ها به GDP و نسبت مالیاتها به GDP) به منابع غیر مالیاتی وابسته بوده است و این موضوع یکی از مشکلات اساسی نظام بودجه‌ریزی در ایران را بیان می‌کند. میانگین سهم مالیاتها از مخارج دولت طی سالهای (۸۰-۱۳۶۰) در حدود (۳۱/۶۸٪) است.

نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی G/GDP طی سالهای اخیر با نوسانات بسیار گسترده‌ای مواجه گردید، به طوری که شاخص اندازه دولت به تدریج کاهش یافته است. طی سالهای جنگ این نسبت حدود (۲۴/۶۵٪) بوده است و طی سالهای برنامه دوم میانگین نسبت مزبور به

(۱۷/۷۱٪) کاهش یافت و پس از آن یعنی طی دو سال اول اجرای برنامه سوم توسعه مجدداً سیر نزولی آن شروع شده و به (۱۸/۷٪) رسید.

نقش و اهمیت دولت در اقتصاد

نظریه‌های مختلفی در خصوص سهم دولت در اقتصاد ایران ارائه می‌شود و یکی از رایج‌ترین آنها تأثیر درآمدهای نفت بر گسترش بخش عمومی است که فرضیه قابل قبولی نمی‌باشد. دلیل اول آن است که تحلیل مقایسه‌ای بودجه دولت در ایران و سایر کشورها نشان می‌دهد نسبت بودجه عمومی دولت در ایران از تمامی کشورهای توسعه یافته و بسیاری از کشورهای در حال توسعه که فاقد منابع نفتی نیز می‌باشند کوچکتر است. دوم اینکه بررسی تاریخی اطلاعات موجود این نظریه را نقض می‌کند. بر اساس اطلاعات موجود نسبت هزینه‌های دولت به تولید ناخالص داخلی طی دوره دهساله ۱۳۳۸ الی ۱۳۴۸، که درآمدهای نفت اهمیت اندکی در اقتصاد کشور و بودجه عمومی داشته است، معادل (۱۹/۹۶٪) بوده است، که اندکی بیشتر از نسبت یاد شده در سال ۱۳۸۱ بوده است. اصولاً دو معیار می‌تواند در زمینه ارزیابی سهم دولت از اقتصاد مورد استفاده قرار گیرد:

یکی بازدهی مخارج دولت و تأثیر آن بر رشد و سطح رفاه اجتماعی (نظریه دولت توسعه‌گرا و رشدگرا)، و دیگری مقایسه تطبیقی، در این گزارش تلاش بر آن است که با استفاده از معیارهای مزبور نسبت یاد شده مورد ارزیابی قرار گیرد.

سهم درآمدهای مالیاتی

بر اساس ارقام پیش‌بینی شده در برنامه اول توسعه، درآمدهای مالیاتی بالغ بر (۴۴/۷۷٪) از کل درآمدهای دولت را به خود اختصاص می‌دهد و عملکرد این جزء از درآمدهای دولت طی برنامه اول، تنها (۲۹/۳٪) بوده است. عدم تحقق سی و پنج درصدی (۳۵٪) درآمدهای مالیاتی در برنامه اول توسعه موجب گردید پیش‌بینی سهم این درآمد در برنامه دوم توسعه به شدت با کاهش همراه شود. پیش‌بینی سهم درآمدهای مالیاتی در برنامه دوم توسعه به (۲۶/۰۷٪) تنزل یافت که این میزان اندکی کمتر از عملکرد برنامه قبل بوده است. عملکرد برنامه دوم توسعه نشان می‌دهد، بالغ بر (۲۵/۳٪) از کل دریافتیهای دولت را درآمدهای مالیاتی تشکیل داده و از این رو (۹۶٪) درآمدهای پیش‌بینی شده تحقق

پیدا کرد. در برنامه سوم مقرر گردید نزدیک به (۳۲٪) از کل درآمدهای دولت از طریق مالیات جمع‌آوری شود و طی دو سال اول برنامه نسبت درآمدهای مالیاتی به کل درآمدهای دولت بالغ بر (۳۳/۹٪) بود و عملکرد آن به میزان (۵/۹٪) بیش از مبالغ پیش‌بینی شده در برنامه بوده است.

سرانه هزینه دولت

مخارج دولت علاوه بر تأثیری که در طرف عرضه اقتصاد می‌گذارد، از نظرگاه آثار آن بر رفاه اجتماعی نیز حائز اهمیت فراوان است. چنانچه رفاه اجتماعی را تابعی از مصرف کالای خصوصی XP و کالای عمومی XG در نظر بگیریم، آنگاه تغییرات مصرف هر یک از کالاهای ذکر شده می‌تواند رفاه اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهد. اطلاعات نشان می‌دهد، متوسط سرانه مخارج دولت طی دوره (۸۰-۱۳۶۰) نسبت به دوره قبل از انقلاب کاهش یافته است. متوسط هزینه‌های سرانه دولت طی دوره (۶۰-۱۳۳۸) به قیمت ثابت ۲۰۶۸۴۸ ریال بود و این رقم در دوره (۸۰-۱۳۶۰) با کاهش شدید همراه بود و به ۵۱۲۱۵ ریال رسید. گرچه طی سالهای اخیر شاخص رفاه اجتماعی افزایش یافت، اما عامل اساسی افزایش سطح رفاه اجتماعی، افزایش مصرف کالاهای خصوصی است که تأثیر کاهش مصرف دولتی را خنثی نمود.

کسری بودجه

تفسیر سالانه بودن توازن بودجه که مبتنی بر تئوریهای سنتی اقتصاد کلاسیک است، اصل غالب در نظام بودجه‌ریزی دولت بوده است (همین امر موجب گردیده است نقش سیاستهای مالی دولت در گذار از دوره بحرانی اقتصاد کشور به شدت تضعیف گردد). این دیدگاه ضمن تضاد با نظریه اغلب اقتصاددانان، با شرایط اقتصادی کشور نیز سازگار نمی‌باشد. در مقابل این دیدگاه، دو نظریه: «نظریه کسری بودجه اشتغال کامل» و «قاعده طلایی تأمین مالی دولت» قرار دارد که در عمل مورد استفاده بسیاری از کشورها قرار می‌گیرد.

در کشورهای توسعه یافته و به ویژه کشورهای صنعتی جهان، سیاستهای مالی از ویژگی‌هایی نظیر ایفای نقش فعال در عرصه اقتصاد و ابعاد انعطاف‌پذیری و ضد ادواری برخوردار بوده و همین موضوع متغیرهای کلیدی اقتصاد ملی را متأثر می‌سازد. سیاست کسری بودجه ادواری یکی از مهم‌ترین ابزار

تحقق اهداف اقتصاد کلان از جمله تقویت رشد اقتصادی و از بین بردن رکود و کاهش بیکاری بوده است و به‌کارگیری این سیاست موجب می‌گردد نقش سیاستهای مالی دولت در گذار از دوره بحرانی اقتصاد کشور به شدت تقویت شود.

اندازه دولت

به همراه توسعه بی‌سابقه بخش عمومی در قرن بیستم، بسیاری از اقتصاددانان، کارایی بخش عمومی در رشد و توسعه اقتصادی و همچنین رفاه اجتماعی را مورد بررسی قرار داده و مسلماً یکی از ابعاد مهم این مطالعات، تعیین اندازه بهینه دولت است.

مطالعات اخیر نشان داده است در هر کشور، افزایش اندازه دولت تا نقطه خاصی به افزایش رشد اقتصادی منجر می‌شود و بعد از آن افزایش اندازه دولت منجر به کاهش رشد خواهد شد که مطالعات تجربی نیز آن را در عمل تأیید نموده‌اند. بعد دوم این مطالعات، شامل رد نظریه‌ای است که اعلام می‌دارد افزایش اندازه دولت، کاهش رشد اقتصادی را به همراه خواهد داشت. از این نظر نتایج مذکور که از مطالعات اقتصادسنجی اتخاذ می‌شود، فاقد ویژگی اساسی تحلیل رگرسیون (که همان «رابطه علی» میان متغیرها می‌باشد) است، زیرا در این مطالعات با استفاده از داده‌های مقطعی مربوط به کشورها، معادله‌ای تخمین زده می‌شود که صرفاً ارتباط تعادلی را منعکس می‌سازد. بررسیها نشان می‌دهد، دولت به منظور انجام وظایفی که بر اساس موازین قانونی به عهده دارد، دست کم باید (۲۳٪) الی (۲۸٪) تولید ناخالص داخلی را صرف تأمین کالاهای عمومی و ارجحیت‌دار نماید و ابعاد نظری اقتصادی نیز آن را تأیید می‌کنند.

درآمدها و تولید کالاهای عمومی دولت

در برخی کشورهای در حال توسعه (تازه صنعتی شده) و کشورهای پیشرفته، طی دوره بیست ساله مورد بررسی، متوسط نسبت درآمدهای مالیاتی دولت به تولید ناخالص داخلی (۱۸/۵۴٪) می‌باشد که نسبت مزبور در ایران (۸/۷۶٪) درصد می‌باشد. همچنین اطلاعات مربوط به نسبت هزینه مصرفی نهایی دولت (کالای عمومی و رایگان) به GDP برای کشورهای منتخب نشان می‌دهد که نسبت هزینه مصرف

نهایی دولت به GDP در ایران (۱۴/۳۵٪) است که در مقایسه با کشورهای توسعه یافته و برخی از کشورهای در حال توسعه میزان کمتری می‌باشد.

◀ فصل ششم: شرکتهای دولتی، خصوصی‌سازی و توسعه بخش خصوصی

◀ تصویر عملکرد گذشته

شرکتهای دولتی با معنا یافتن اقتصاد در ایران در دهه اول سال ۱۳۰۰ ایجاد و به مرور از جایگاه وسیع‌تر و سهم بیشتری در اقتصاد برخوردار شدند.

طی سالهای ۱۳۶۰ به بعد، تعداد و حجم فعالیت شرکتهای دولتی، به شدت افزایش یافت. در جدول شماره (۱) تعداد، حجم بودجه و سرمایه‌گذاری‌های شرکتهای دولتی طی دوره (۸۲-۱۳۶۲) نشان داده شده است. طبق ارقام جدول (۱) نه تنها بر حجم بودجه شرکتها افزوده شده است، بلکه شرکتهای دولتی سهم بیشتری از منابع مالی خود را برای سرمایه‌گذاری اختصاص داده‌اند.

جدول شماره ۱۰- تعداد، حجم بودجه و سرمایه‌گذاری‌های شرکتهای دولتی طی سالهای (۸۲-۱۳۶۲)

سال	تعداد شرکتهای دولتی	حجم بودجه (میلیارد ریال)	سرمایه‌گذاری	سهم سرمایه‌گذاری در بودجه (درصد)
۱۳۶۲	۱۳۰	۳۹۹۷	۶۲۸	۲۱
۱۳۷۰	۳۲۵	۱۲۰۶۴	۲۸۱۰	۲۳
۱۳۷۵	۴۰۱	۸۹۰۷۹	۲۴۳۲۰	۲۷
۱۳۸۰	۵۰۴	۳۰۰۴۲۶	۱۰۲۱۲۱	۳۴
۱۳۸۱	۵۰۹	۴۳۵۹۱۵	۱۶۶۸۴۱	۳۸
۱۳۸۲	۴۵۷	۵۵۴۳۳۷	۲۰۷۰۱۱	۳۷

تعداد شرکتهای دولتی در سال ۱۳۸۲ کاهش نیافته است. با توجه به مفاد قانونی موجود چون تعداد ۶۲ شرکت در برنامه واگذاری قرار گرفته‌اند، از فهرست شرکتهای دولتی در قانون بودجه سال ۱۳۸۲ حذف شده‌اند.

طی دوره (۸۲-۱۳۷۰) برای اصلاح و ارتقای فعالیتهای اقتصادی دولت و بخشهای غیر دولتی برنامه‌های خصوصی‌سازی، مهندسی مجدد بخش شرکتهای دولتی و رفع انحصار از فعالیتهای اقتصادی

(برای ایجاد فضای مناسب حضور بخش خصوصی در فعالیتهای اقتصادی) تدوین و به مرحله اجرا درآمده است. برنامه خصوصی‌سازی، قدیمی‌ترین راهکار اصلاح ساختار طی دوره مزبور است و در برنامه سوم توسعه که مهم‌ترین و آخرین برنامه اصلاح ساختار می‌باشد، مهندسی مجدد شرکتهای دولتی از طریق به‌کارگیری ساختارهای شرکتهای سرمایه‌گذاری **Holding companies** رفع موانع حضور بخش خصوصی در فعالیتهای اقتصادی از طریق لغو انحصارات و توسعه رقابت مورد توجه قرار گرفت.

بروز نتایج عملکرد نامطلوب اقتصادی - مالی شرکتهای دولتی طی سالهای اخیر، نبود توجه فنی - اقتصادی - مالی برای دخالت دولت در برخی فرایندهای تولید و محدودیتهای مالی - اقتصادی دولت برای اداره و تصدی فعالیتهای، اجرای سیاست خصوصی‌سازی در بخش شرکتهای دولتی را اجتناب‌ناپذیر ساخت و از ابتدای سال ۱۳۷۰ این برنامه در دستور کار دولت قرار گرفت و به مرحله اجرا درآمد.

در جدول شماره ۱۱ حجم خصوصی‌سازی شرکتهای دولتی طی سالهای (۸۲-۱۳۷۰) نشان داده شده است.

جدول شماره ۱۱- بررسی روند خصوصی‌سازی شرکتهای دولتی طی سالهای (۸۲-۱۳۷۰)

حجم خصوصی‌سازی شرکتهای دولتی		سال
قیمتهای ثابت	قیمتهای جاری	
۱۴۳۵	۲۶۶	۱۳۷۰
۸۵۷	۲۲۹	۱۳۷۱
۸۴۰	۲۸۸	۱۳۷۲
۱۹۹۶	۹۲۴	۱۳۷۳
۷۴۶	۵۱۶	۱۳۷۴
۱۲۸۰	۱۰۹۱	۱۳۷۵
۱۷۳	۱۷۳	۱۳۷۶
۶۴۵	۷۲۶	۱۳۷۷
۱۶۵۴	۲۳۴۸	۱۳۷۸
۱۰۷۸	۱۷۲۲	۱۳۷۹
۱۱۳	۲۰۱	۱۳۸۰
۱۵۲۰	۳۱۳۱	۱۳۸۱
*	پیش‌بینی (۱۴۰۰)	۱۳۸۲

به منظور تفکیک وظایف حاکمیتی از اعمال تصدی‌گری دولت و ایجاد شرایط مناسب برای واگذاری شرکت‌هایی که ضرورتی به ادامه فعالیت آنها در بخش دولتی وجود ندارد، به بخش‌هایی غیر دولتی، و اعمال مدیریت مطلوب در شرکت‌هایی که باید در بخش دولتی باقی بمانند، در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ایجاد شرکت مادر تخصصی در بخش دولت مورد توجه قرار گرفت.

شرکت‌های مادر تخصصی در بخش دولتی با هدف ساماندهی (مهندسی مجدد) و استفاده بهینه از امکانات شرکت‌های دولتی و اداره مطلوب آنها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

تشکیل شرکت‌های مادر تخصصی از طریق تصویب اسامی آنها، طی دو مصوبه هیئت وزیران، در اواسط سال ۱۳۸۰ و ابتدای سال ۱۳۸۱ به تصویب رسید. در تصویب‌نامه مورخ ۱۳۸۱/۱/۲۱ هیئت وزیران به شرکت‌های مادر تخصصی سه ماه (از تاریخ تصویب مصوبه فوق‌الذکر) مهلت داده شد که نسبت به تدوین اساسنامه خود اقدام نمایند و مراتب را به تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت امور اقتصادی و دارایی برسانند.

از آن زمان تاکنون اساسنامه ۱۹ شرکت مادر تخصصی توسط هیئت وزیران تصویب (و یا تنفیذ) شده یا در حال تصویب می‌باشد، علاوه بر موارد فوق اساسنامه ۱۹ شرکت نیز در مراحل تدوین و بررسی است. به عبارت دیگر از ۵۹ شرکت مادر تخصصی که تشکیل آنها تصویب شده، ۲۱ شرکت تاکنون اقدام به اصلاح اساسنامه خود نموده‌اند. این موضوع از آن جهت حائز اهمیت است که طبق مفاد قانون برنامه سوم توسعه تا قبل از تشکیل شرکت‌های مادر تخصصی، واگذاری سهام شرکت‌های زیرمجموعه آن امکان‌پذیر نمی‌باشد.

از اوایل سال‌های ۱۳۰۰ و بخصوص از دهه ۱۳۴۰ به بعد به دلیل ضعف بخش خصوصی برای ایجاد حرکت اساسی در مسیر رشد و توسعه اقتصادی، نظریه تقویت دولت برای هدایت نظام اقتصادی مورد توجه قرار گرفت. در مسیر تحقق این هدف در بسیاری از زمینه‌ها دولت با ایجاد انحصارات گوناگون جایگزین و رقیب بخش خصوصی شده و به عنوان یک انحصارگر بزرگ در عرصه اقتصاد ایران فعالیت نموده است. پس از انقلاب نیز این روند نه تنها متوقف نگردید، بلکه با انتقال بعضی از انحصارات موجود در بخش خصوصی به بخش عمومی و دولتی تشدید گردید.

در قانون برنامه اول توسعه، کاهش نقش دولت مورد توجه قرار گرفت و در برخی از موارد به کاهش انحصارات دولت نیز اشاره شد، لیکن در این برنامه در مورد رفع انحصار و مسائل مربوط به آن به شکل همه جانبه اقدام مهم به عمل نیامد.

در برنامه دوم توسعه، پس از بهبود نسبی شرایط اقتصادی و مهیا شدن امکانات زیربنایی برای توسعه فعالیتهای بخش خصوصی، کاهش انحصارات دولتی مورد توجه بیشتری قرار گرفت و در این خصوص در مفاد قانون برنامه دوم توسعه تبصره «۳۹» با مضمون ذیل گنجانده شد:

به منظور مشارکت عمومی، بهسازی نظام اداری و اجرایی کشور و تقلیل حجم تصدی دولت در طول برنامه، آن دسته از انحصاراتی که در قوانین و مقررات موضوعه وجود دارد و رفع آنها منافی اعمال حاکمیت دولت نمی‌باشد، به پیشنهاد سازمان امور اداری و استخدامی کشور^۱ و همکاری دستگاه ذی‌ربط، حسب مورد با تصویب مجلس شورای اسلامی یا هیئت وزیران لغو می‌گردد.

در این راستا لایحه‌ای در سازمان مزبور تهیه شد، لیکن تقدیم مجلس شورای اسلامی نگردید و از آن تنها در تدوین برنامه سوم توسعه استفاده شد.

در حال حاضر شرکتهای دولتی سهم عمده‌ای از تولید جامعه را در اختیار دارند، سرمایه‌گذاری‌های وسیعی در زمینه‌های تولیدی - زیربنایی انجام می‌دهند و علی‌رغم گذشت بیش از یک دهه از اجرای سیاست خصوصی‌سازی، هنوز هم در اقتصاد کشور از بالاترین سهم در تولید و سرمایه‌گذاری برخوردارند. به منظور تفکیک وظایف حاکمیتی از اعمال تصدی‌گری دولت و ایجاد شرایط مناسب برای واگذاری شرکتهایی که ضرورتی به ادامه فعالیت آنها در بخش دولتی وجود ندارد، به بخشهای غیر دولتی و اعمال مدیریت مطلوب در شرکتهایی که باید در بخش دولتی باقی بمانند، در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ساماندهی شرکتهای دولتی در چارچوب شرکتهای مادر تخصصی^۲ در بخش دولت مورد توجه قرار گرفت.

۱- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور

۲- سهامدار شرکتهای مادر تخصصی، مستقیماً دولت است.

در حال حاضر وضعیت سازماندهی شرکتهای دولتی در قالب شرکتهای مادرتخصصی به شرح زیر است:

مجموع تعداد شرکتهای مادرتخصصی که تشکیل آنها به تصویب رسیده است = ۵۹ شرکت
 مجموع تعداد شرکتهای مادرتخصصی که دارای شرکتهای زیرمجموعه هستند = ۲۷ شرکت
 مجموع تعداد شرکتهای مادرتخصصی که بدون شرکتهای زیرمجموعه می‌باشند = ۳۲ شرکت
 تعداد کل شرکتهای زیرمجموعه^۱ = ۹۴۴ شرکت

◀ فصل هفتم: بخش پولی، ارزی و تورم

◀ تصویر عملکرد گذشته

بر اساس آمارهای موجود متوسط رشد نقدینگی طی دهه ۶۰ حدود (۱۶٪) بوده است که این ارقام طی سالهای برنامه اول و دوم به ترتیب حدود (۲۶/۷٪) و (۲۴/۲٪) بوده است. این ارقام نشان می‌دهند که رشد نقدینگی طی سالهای برنامه اول توسعه بیشتر از برنامه دوم توسعه و سالهای قبل از آن بوده است. به علاوه ارقام رشد نقدینگی در دو سال اول برنامه سوم توسعه نیز حاکی از آن است که نقدینگی از رشد بالایی، حتی بالاتر از متوسط برنامه اول و دوم توسعه برخوردار بوده است. [رشد نقدینگی در دو سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ به ترتیب (۲۹/۲٪) و (۲۸/۸٪) بوده است].

به طور کلی عوامل مختلفی در رشد نقدینگی مؤثر بوده‌اند. این عوامل عبارتند از:

خالص دارایی‌های خارجی، خالص بدهی‌های بخش دولتی و بدهی بخش غیر دولتی، هر چند که تأثیر هر یک از این عوامل در دوره‌های مختلف متفاوت بوده است.

بررسی ابزارهای سیاست پولی طی سالهای گذشته نشان می‌دهد که در کشور عمدتاً از ابزارهای مستقیم سیاست پولی استفاده شده است و زمینه لازم برای استفاده از عملیات بازار باز به عنوان یکی از ابزارهای غیر مستقیم سیاست پولی به دلیل عدم توسعه یافتگی بازارهای مالی فراهم نبوده است.

۱- شرکتهای زیرمجموعه، لزوماً دولتی نیستند لکن شرکت مادرتخصصی در آنها سهامدار است.

تعیین اداری سهم هر یک از بخشهای اقتصادی از تسهیلات بانکی با نرخهای متفاوت از دیگر مسائل و مشکلات این بخش می‌باشد. به گونه‌ای که سهم و نرخ سود تسهیلات اعطایی بانکها در بخشهای مختلف متفاوت می‌باشد و به صورت اداری تعیین می‌گردد.

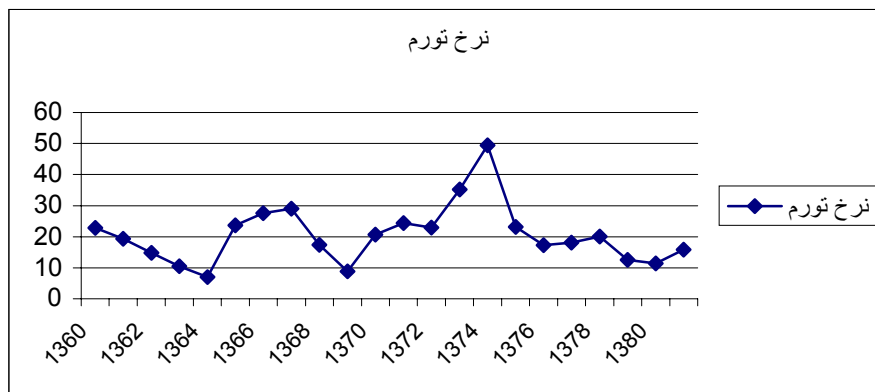
وجود شکاف بالای بین نرخ سود تسهیلات و نرخ سود سپرده‌های بانکی **spread** از دیگر مشکلات می‌باشد. وجود این شکاف موجب ناکارآمدی نظام بانکی کشور گردیده و هزینه‌های غیر معقول به استفاده کنندگان از اعتبارات تحمیل می‌کند.

فضای مناسب برای ایجاد رقابت در بخش بانکی وجود ندارد. هر چند در سالهای اخیر اجازه فعالیت به اندکی مؤسسات اعتباری غیر بانکی و بانکهای غیر دولتی داده شده است. اما تنها تعداد اندکی بانک خصوصی ایجاد شدند.

در خصوص نرخ تورم همان طور که در نمودار شماره ۹ مشاهده می‌شود، میزان نرخ تورم در سال ۱۳۶۰ حدود (۲۲/۸٪) بوده است که با سیری نزولی به (۷٪) در سال ۱۳۶۴ کاهش یافته و مجدداً در سال ۱۳۶۵ این نرخ به (۲۳/۷٪) افزایش می‌یابد که این روند تا سال ۱۳۶۷ ادامه داشت. پس از آزادسازی قیمتها در سال ۶۸ (سیاست تعدیل اقتصادی)، مجدداً سیر صعودی قیمتها آغاز می‌شود، به طوری که در سال ۱۳۷۴ به بالاترین سطح خود یعنی (۴۹/۴٪) می‌رسد. اما از سال ۱۳۷۵ به بعد مجدداً این نرخ با نوساناتی روند کاهشی طی کرده است. به طوری که در سال ۱۳۸۰ این رقم به (۱۱/۴٪) و در سال ۱۳۸۱ با مقداری افزایش به (۱۵/۸٪) رسیده است.

افزایش نقدینگی، افزایش شاخص قیمت واردات و وجود انحصارات دولتی عواملی هستند که موجبات افزایش تورم را طی سالهای گذشته فراهم نموده‌اند.

نمودار شماره ۹- روند تورم در کشور طی سالهای (۸۱-۱۳۶۰)



در بخش ارزی کشور، تعدد نرخهای ارز که در زمان جنگ بین ایران و عراق بیش از ۷ نرخ بود در سال ۱۳۶۹ به سه نرخ کاهش داده شد. جدول شماره ۱۲ به طور خلاصه تحولات نرخ ارز در ایران را طی سالهای (۸۱ - ۱۳۶۹) نشان می‌دهد.

در ابتدای سال ۱۳۷۲ تعداد نرخهای رسمی که سه مورد بود، یکسان شد. به علاوه بعضی از مقررات پیچیده ارزی نیز آسان گردید و محدودیتهای واردات از بین رفت. ولی نرخ یکسان شده به طور جامع تمام مبادلات را پوشش نمی‌داد. همان طور که جدول شماره ۱۲ نشان می‌دهد، به تدریج شکاف بین نرخ شناور و آزاد بیشتر شد و نهایتاً این اصلاحات از لحاظ سیاسی و اقتصادی غیر عملی گردید. لذا در آذر سال ۱۳۷۲ سیاست یکسان‌سازی متوقف، و نرخ دلار آمریکا در ۱۷۵۰ ریال تثبیت، و کمیته تنظیم و تخصیص ارز معرفی گردید. در ابتدا همه معاملات با این نرخ انجام می‌شد، ولی تدریجاً سطح پوشش آن به واردات کالاها و خدمات اساسی و بازپرداخت بدهی‌های دولت محدود شد.

شکاف بین نرخ ارز اسمی و بازار آزاد در سال ۱۳۷۲ به تدریج بیشتر شد. لذا برای مقابله با این مسئله مجدداً در سال ۱۳۷۳ برای واردات برخی اقلام مشخص و صادرات غیر نفتی نرخ صادراتی در نظر گرفته شد که بالاتر از نرخ اسمی بود. اما این مسئله نتوانست از افزایش شکاف بین دو نرخ ارز جلوگیری کند. به همین دلیل از ابتدای خرداد ۱۳۷۴ تا تیر ماه ۱۳۷۶ خرید و فروش ارز در بازار آزاد ممنوع اعلام شد. در تیر ماه ۱۳۷۶ مجدداً نرخ ارز واریزنامه‌ای به سیستم ارزی کشور اضافه شد که طی آن صادر کنندگان اجازه داشتند ابتدا بخشی، و سپس تمامی ارز پیمان‌نامه ارزی خود را از طریق بورس اوراق بهادار خرید و

فروش نمایندند. این روند تا سال ۱۳۷۹ ادامه داشت. در مجموع سیاستهای نرخ ارز در فاصله سالهای (۸۰-۱۳۷۶) در جهت حفظ نرخ ارز اسمی نسبتاً با ثبات و حرکت به سمت یکسان‌سازی نرخ ارز و مقررات ارزی و تخصیص منابع بر اساس کارایی بوده است، که نهایتاً این سیاست در سال ۱۳۸۱ رسماً اجرا شد ولی هنوز هم به واردات کالاهای اساسی یارانه‌ای به اندازه اختلاف نرخ ارز ۱۷۵۰ ریال با نرخ مورد توافق بانک مرکزی پرداخت می‌شود.

جدول شماره ۱۲- تحولات نرخ ارز در ایران طی سالهای (۸۱-۱۳۶۹)

ریال در مقابل هر دلار	نوع نرخ ارز	تاریخ
۷۰ ۶۰۰ ۱۴۶۰ ۱۵۲۶	نرخ رسمی نرخ رقابتی نرخ شناور نرخ بازار آزاد	دی ۱۳۶۹
۱۷۵۰ ۱۹۶۹	نرخ رسمی نرخ بازار آزاد	آذر ۱۳۷۲*
۱۷۵۰ ۲۳۴۵ ۲۶۲۰	نرخ رسمی نرخ صادراتی نرخ بازار آزاد	اردیبهشت ۱۳۷۳
۱۷۵۰ ۳۰۰۰ **۴۰۴۹-۴۴۴۵	نرخ رسمی نرخ صادراتی نرخ بازار آزاد	۷۵-۱۳۷۴*** اردیبهشت
۱۷۵۰ ۳۰۰۰ ۱۶۰۰-۴۶۰۹ ۸۶۵۷-۴۷۸۱	نرخ رسمی نرخ صادرات نرخ ارز واریزنامه‌ای نرخ بازار آزاد	۷۸-۱۳۷۶ تیر
۱۷۵۰ ۷۹۳۱/۵ - ۸۰۷۷/۶ ۸۰۰۸/۴ - ۸۱۸۸/۱	نرخ رسمی نرخ گواهی سپرده ارزی نرخ بازار آزاد	۸۰-۱۳۷۹
۷۹۳۷/۳ ۸۰۰۳	نرخ مورد توافق نرخ بازار آزاد	۱۳۸۱

* نرخهای بازار نرخ متوسط در سال می‌باشد.

** حداقل و حداکثر نرخ دوره مورد نظر است.

*** خرید و فروش ارز به نرخ آزاد از تاریخ ۱۳۷۴ الی تیرماه ۱۳۷۶ ممنوع بود.

◀ نقش و جایگاه کشورهای در حال توسعه در شرایط انتقالی و درسهایی از آن

آزادسازی بازارهای مالی، یکی از سیاستهایی است که به منظور بهبود وضعیت اقتصادی به ویژه عملکرد متغیرهای پولی مورد توجه کشورها بوده است.

تجربه سایر کشورها نشان می‌دهد که به منظور انجام اصلاحات مالی علاوه بر وضعیت با ثبات اقتصاد کلان، وجود شرایط مالی با ثبات نیز اهمیت دارد. در این زمینه مقررات ضعیف فعالیتهای سیستم بانکی محدودیتهایی را در اجرای موفقیت‌آمیز اصلاحات مالی ایجاد می‌کند. به طور مثال محدود نمودن سیستم بانکی به اعطای وام با نرخهای ترجیحی به بخشهای مورد نظر دولت ممکن است موجب تخصیص غیر کارای پس‌اندازها گردد، تجربه برخی از کشورهای در حال گذار اروپای شرقی این مسئله را اثبات می‌کند.

همچنین اصلاحات بخش مالی باید با پذیرش اصلاحاتی در مقررات بانکها از قبیل شفافیت بیشتر حسابها، افزایش رقابت و ایجاد مقررات قوی همراه باشد. برای مثال عدم رقابت بین بانکها، منجر به کاهش شکاف بین نرخهای وام و سپرده‌ها نمی‌شود و تنها موجبات افزایش سود بانکها را از طریق افزایش شکاف بین نرخهای وام و سپرده‌ها فراهم می‌آورد.

با توجه به موارد مذکور در این قسمت تجربه اصلاحات مالی در چهار کشور آسیای جنوب شرقی شامل کشورهای تایلند، مالزی، اندونزی و کره جنوبی به طور مختصر بررسی می‌شود.

اصلاحات مالی در تایلند

اصلاحات مالی در تایلند عمدتاً در جهت تحرک پس‌اندازهای داخلی، با اهداف برآورد نیازهای صنعتی، آزادسازی و افزایش توان رقابت نهادهای مالی داخلی با نهادهای مالی خارجی در خصوص جریان سرمایه‌های خارجی بوده است. آزادسازی مالی در این کشور به طور تدریجی در طول دهه ۱۹۸۰ انجام گرفت. آزادسازی نرخ بهره بلندمدت به طور کامل در سال ۱۹۸۹ و سپس نرخهای بهره کوتاه مدت در سال ۱۹۹۰ و نرخ بهره وامها و سپرده‌ها در سال ۱۹۹۲ اعمال شد. در فرایند اصلاحات مالی تایلند، تسهیلات با نرخ ترجیحی نیز وجود داشت، ولی سقف این وامها حداکثر تا (۱۰٪) تسهیلات بانکی را تشکیل می‌داد که (۹۰٪) این تسهیلات به صادرات و بقیه به بخشهای صنعتی و فعالیتهای کشاورزی و

توسعه روستایی تخصیص داده می‌شد. سقف وام‌های ترجیحی در سال ۱۹۸۸ کاهش یافت و در سال ۱۹۹۰ به طور کامل حذف گردید.

توسعه بازار سرمایه از دیگر اهداف اصلی برنامه اصلاحات مالی تایلد بوده است و به شکل ایجاد و توسعه بازار سرمایه اولیه با هدف تأمین مالی مستقیم صنعت انجام گرفت و به شرکت‌هایی که در بورس پذیرفته شده‌اند اجازه داده شد تا سهام جدید منتشر کنند. البته بازار سرمایه تایلد هنوز هم به خوبی توسعه نیافته است. عمده ابزارهای مالی قابل دسترس برای افراد شامل سپرده‌های بانکی، سهام و اوراقهای قرضه بهادار مدت‌دار نهادهای مالی در شرکت‌های بزرگ می‌باشد. در طول دهه ۱۹۸۰ و طی اجرای اصلاحات مالی در تایلد سهم بازار سرمایه از تأمین مالی سرمایه‌گذاری افزایش یافت به گونه‌ای که سهم پس‌انداز نهادهای مالی و بازار سرمایه از $(\%70/7)$ و $(\%8/6)$ در سال ۱۹۸۶ به ترتیب به $(\%28/8)$ و $(\%50/7)$ در سال ۱۹۹۱ تغییر یافت. در طی فرایند اصلاحات مالی جریان سرمایه نسبتاً آزاد بود، البته برخی محدودیتها بر خروج سرمایه به ویژه سرمایه‌های داخلی وجود داشت.

اصلاحات مالی در مالزی

در مالزی متغیرهای مالی در مراحل اولیه اصلاحات تحت کنترل بوده و در این مرحله بیشتر بر اصلاحات در بخش حقیقی اقتصاد تأکید می‌شد و اصلاحات در بخش واقعی اقتصاد، قبل از اصلاحات در بخش مالی صورت گرفت. از سال ۱۹۸۷ وقتی وضعیت اقتصادی رو به بهبود گذاشت، آزادسازی مالی نیز شروع شد. از آوریل ۱۹۸۷ تعیین سقف نرخهای بهره برای وام بخشهای اولویت‌دار به تدریج محدود شد و در سال ۱۹۸۹ به کلی تمام وام‌های بخشهای اولویت‌دار برداشته شد و تنها برای وام‌های مسکن با مالکیت شخصی با واحد کوچک و وام‌های با مؤسسات کوچک تحت برنامه تضمین «مؤسسات تضمین اعتبارات» حفظ گردید.

توسعه بازار سرمایه از دیگر اهداف اصلاحات مالی مالزی بوده است. در دهه ۱۹۸۰ بازار سرمایه در مالزی به ویژه بازار دست دوم در اوراق بهادار دولتی توسعه داده شده است، که این امر نقش بازار سرمایه را در فراهم نمودن نقدینگی برای اوراق بهادار دولتی، افزایش داد و بانک مرکزی اجازه داشت تا عملیات

بازار آزاد روی اوراق بهادار دولتی انجام دهد. آزادسازی حساب جاری در مالزی قبل از آزادسازی حساب سرمایه انجام شد. به طور کلی تا سال ۱۹۹۳ هیچ محدودیتی بر روی انتقالات سرمایه وجود نداشت.

اصلاحات مالی در اندونزی

اندونزی از سال ۱۹۷۱ کنترل‌های خود را بر نرخ ارز کاهش داد که در شرایط اقتصادی آن کشور این امر موجب کاهش کارایی تجارت و پرداختهای بین‌المللی شد، به طوری که اولویت اندونزی را مبنی بر اتصال به مرکز مالی بین‌المللی سنگاپور با مشکل مواجه نمود.

به هر حال، کنترل شدید سیستم مالی داخلی تا سال ۱۹۸۳ باقی ماند. در سال ۱۹۸۳ حذف سقف نرخ بهره منجر به افزایش نرخ بهره سپرده‌ها شد و تخصیص اعتبارات با نرخهای ترجیحی کاهش یافت و در این سال نرخ ارز نیز افزایش یافت که منجر به بهبود در رقابت‌پذیری صادرات گردید.

طی سالهای (۸۵-۱۹۸۳) بازار سهام جاکارتا فعال شد و بازار اوراق بهادار ایجاد گردید. در سال ۱۹۸۵ اصلاحاتی در بازار سرمایه ایجاد گردید و شرایط لازم برای انتشار اوراق بهادار جدید فراهم شد، به طوری که به بعضی از بانکهای تجاری امتیاز داده شد، تا اوراق قرضه و سهام با شرایط ترجیحی دریافت کنند. در سال ۱۹۸۷ مقررات‌زدایی در بازار سهام انجام گرفت و به خارجیان اجازه داده شد، تا سهام داخلی خریداری نمایند. در سال ۱۹۸۸ آزادسازی بانکها شروع شد. نرخهای ذخایر قانونی کاهش یافت که این امر رقابت بین بانکها را تشدید کرد. در این سال اجازه تأسیس بانکها و مؤسسات جدید اعطا شد، تا بانکهای ایالتی و ملی رقابت داشته باشند و همچنین امکان گسترش شعبه‌های بانکهای داخلی و خارجی به وجود آمد.

بعد از آزادسازی بانکها و اجازه تأسیس بانکهای جدید و تسهیل شرایط برای ایجاد شعبه بانکهای قدیمی در طی سالهای (۸۹-۱۹۸۸)، مقررات نظارتی از سوی بانک مرکزی معرفی شد و تمامی بانکها موظف بودند که در چارچوب قوانین مذکور فعالیت کنند.

اصلاحات مالی در کره جنوبی

سیاست اعتباری کره جنوبی طی دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی به صورت کنترل اعتبارات بانکی و هدایت آن به سوی بنگاههای اقتصادی با مقیاس کوچک و متوسط بوده است. در ابتدای سال ۱۹۶۱

بانک خاصی در کره جنوبی تأسیس گردید تا منابع مالی لازم را برای بنگاههای کوچک و متوسط فراهم نماید.

در سال ۱۹۶۵ بانکهای تجاری موظف شدند تا (۳۰٪) کل وامهای اعطایی خود را به واحدهای تولیدی اعطا کنند. به علاوه، دولت برای رسیدن به اهداف خود، در سال ۱۹۶۷ کمیته حمایت مالی از بنگاههای صنعتی کوچک و بزرگ را تأسیس نمود و در سال ۱۹۷۲ صندوق تضمین اعتبارات ایجاد گردید و در طول این دوره حمایت مالی خاصی از بنگاههای کوچک و متوسط به صورت اعطای وام با نرخ بهره یارانه‌ای صورت گرفت. در دسامبر ۱۹۷۶ بیش از (۴۰٪) وامهای بانکی محلی به این گونه بنگاهها اختصاص داده شد و در اکتبر ۱۹۸۰ در حمایت از بنگاههای صنعتی کوچک و متوسط مقرر گردید که بانکهای ملی (غیر محلی) نیز حداقل سهم وام اختصاصی خود را به این گونه مؤسسات از (۳۰٪) کل تسهیلات به (۳۵٪) و بانکهای محلی از (۴۰٪) به (۵۵٪) افزایش دهند.

اصلاحات مالی در کره جنوبی از ابتدای دهه ۸۰ شروع شد. سیاست اعتبارات ترجیحی در این کشور از سال ۱۹۸۲ برداشته شد و از نیمه دوم سال ۱۹۸۲ نرخهای بهره یارانه‌ای به بخشهای اولویت‌دار حذف شد. هدف اصلاح بخش مالی در این کشور این بود که استفاده از ابزارهای بازار، جایگزین تخصیص منابع بر اساس اعتبارات ترجیحی بانکی گردد. در دسامبر سال ۱۹۸۸ نرخ سود کوتاه مدت بانکها در این کشور آزاد شد و از سال ۱۹۹۳ کلیه نرخهای بهره آزاد گردید و همچنین کنترل مستقیم اعتبارات بانکی از اوایل دهه ۱۹۸۰ کاهش یافت.

مروری بر مراحل اصلاحات مالی در کشورها

درسهایی که از تجربیات گذشته کشورها حاصل می‌شود گویای این است که برای عملی کردن برنامه آزادسازی مالی باید مراحل زیر را طی کرد.

قدم اول، بهبود و یا اصلاح وضعیت مالی و کلان اقتصادی شامل:

- ۱- کاهش نرخ تورم
- ۲- کاهش کسری‌های بودجه دولت
- ۳- سیاستهای پولی و اعتباری غیر انبساطی

۴- اصلاح نرخهای ارز و با ثبات کردن تراز پرداختها

۵- اصلاح و سازماندهی بازارهای مالی

قدم دوم، توسعه ابزارهای پولی غیر مستقیم شامل:

۱- معرفی و یا دوباره فعال کردن ابزارهای پولی غیر مستقیم

۲- آزاد کردن نرخهای بهره بر روی این ابزارها

۳- معرفی تسهیلات تأمین مالی مجدد بانک مرکزی

۴- تقویت نظارت و مقررات بانکی، نظارت بر بدهیها

قدم سوم، افزایش رقابت بین بانکها

۱- اجازه دادن به فعالیت مؤسسات مالی غیر بانکی برای رقابت بانکها

۲- اجازه فعالیت و یا گسترش بانکهای خصوصی

۳- اجازه فعالیت به بانکهای خارجی

قدم چهارم، برداشتن ابزارهای مستقیم سیاست پولی

۱- آزادسازی کامل نرخ تسهیلات بانکی و نرخهای سپرده بانکی

۲- از بین بردن سقفهای اعتباری مستقیم

درسهای از اصلاحات مالی در کشورهای جنوب شرقی آسیا

آزادسازی مالی، یکی از اجزای استراتژی توسعه صنعتی است. تجربه کشورهای جنوب شرقی آسیا حاکی از آن است که دستیابی به ثبات اقتصاد کلان پیش از اصلاحات مالی، و همچنین اصلاح ساختاری و توسعه نهادی در بخش مالی، به ویژه نظارت مالی احتیاطی، به عنوان پیش شرطهای آزادسازی کاملاً ضروری است. در خصوص شرایط اولیه متغیرهای اقتصاد کلان توجه به کاهش نرخ تورم، کاهش کسریهای بودجه دولت و تراز پرداختها و همچنین اصلاح نرخ ارز از اهمیت بیشتری برخوردار است. توسعه نهادهای مالی از قبیل توسعه بازار سهام، اوراق بهادار، اجازه فعالیت به مؤسسات مالی غیر بانکی به عنوان نهاد مکمل برای تأمین مالی بخش صنعت در کنار بانکها و همچنین توسعه ابزارهای غیر

مستقیم پولی جهت تنظیم سیاستهای پولی از دیگر نکاتی هستند که در فرایند اصلاحات مالی باید به آن توجه داشت.

نکته دیگری که از تجربه این کشورها حاصل می‌شود این است که سرعت اصلاحات مالی متفاوت بوده و به شرایط اقتصادی کشورها بستگی داشته است. کنترل‌های نرخ بهره و سقف تسهیلات بانکی به بخشهای مورد نظر دولت به طور تدریجی حذف گردیده و در این فرایند به مؤسسات و واحدهای تولیدی کوچک در اعطای تسهیلات اولویت داده شده است. در حالی که واحدهای بزرگ در تأمین منابع مالی به‌طور عمده بر بازار سرمایه متمرکز بوده‌اند.

همان طور که ذکر شد در حال حاضر بازار پولی کشور با مشکلاتی از قبیل تعیین اداری نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات، تعیین اداری سهم بخشهای اقتصادی از تسهیلات بانکی با نرخ سودهای متفاوت، وجود شکاف بالای بین نرخ سود رسمی و غیر رسمی و عدم رقابت بین بانکها مواجه است. در نتیجه استفاده از تجربه کشورهای جنوب شرقی آسیا در جهت اصلاحات مالی به منظور بهبود وضعیت عملکرد متغیرهای پولی ضروری به نظر می‌رسد.

◀◀ فصل هشتم: بازار بورس و اوراق مشارکت

◀ تصویر عملکرد گذشته

الف: بازار بورس اوراق بهادار

عملکرد شاخصهای کلیدی بازار بورس در طول دوره دوازده ساله (۸۱-۱۳۷۰) و سه زیردوره آن یعنی دوره اول (۷۳-۱۳۷۰)، دوره دوم (۷۷-۱۳۷۴) و دوره سوم (۸۱-۱۳۷۸) به شرح زیر می‌باشد:

در طول سالهای (۸۱-۱۳۷۰) شاخص قیمت سهام دارای رشد متوسط سالانه‌ای برابر (۲۱/۸۶٪) بوده است. میانگین این شاخص در طول سه دوره مورد بررسی افزایش داشته به طوری که میانگین شاخص قیمت در چهارساله دوم (۲۳۳٪) و در چهار ساله سوم (۱۱۰٪) نسبت به چهار سال قبل رشد داشته است.

متوسط رشد سالانه تعداد سهام مبادله شده در دوره (۸۱-۱۳۷۰) معادل (۰/۱۷/۰۶٪) بوده که رشد میانگین این شاخص در چهارساله دوم (۰/۴۶٪) و در چهارساله سوم (۰/۳۳۳٪) نسبت به دوره قبل بوده است.

نسبت ارزش سهام مبادله شده به تولید ناخالص داخلی در طول دوره (۸۱-۱۳۷۰) به طور متوسط (۰/۱۷٪) بوده و رشد میانگین این نسبت در دوره دوم (۰/۷۰٪) و در دوره سوم (۰/۴۶٪) نسبت به دوره قبل بوده است.

نسبت فعالیت نیز در دوره (۸۱-۱۳۷۰) به طور متوسط (۰/۱۵/۳۱٪) بوده و رشد میانگین این شاخص در دوره دوم (۰/۴۰٪-) و در دوره سوم (۰/۱۶٪) نسبت به دوره قبل بوده است.

نسبت ارزش جاری سهام به تولید ناخالص داخلی در طول دوره (۸۱-۱۳۷۰) به طور متوسط (۰/۸/۲٪) بوده که میانگین آن در دوره دوم (۰/۱۸۴٪) و در دوره سوم تنها (۰/۲۵٪) نسبت به دوره قبل رشد داشته است.

همان طور که ملاحظه می‌شود، شاخصهای مهم بازار سهام (به جز نسبت فعالیت) در چهارساله سوم دارای رشد کمتری نسبت به چهارساله دوم بوده‌اند. این در حالی است که با توجه به ظرفیتهای بازار بورس و اقدامهای انجام گرفته در آن ایجاد بورس منطقه‌ای، راهاندازی تالارهای فرعی و اصلاح قوانین، انتظار می‌رفت که در چهار سال سوم رشد شاخصها نسبت به دوره قبل افزایش بیشتری داشته باشد.

ب: اوراق مشارکت

در طول نه ساله گذشته (۸۱-۱۳۷۳) در مجموع، حدود ۲۶۶۰۸/۱ میلیارد ریال اوراق مشارکت جهت تأمین مالی طرحهای بخش دولتی و غیر دولتی منتشر شده که (۰/۹۸/۶٪) آن معادل ۲۶۲۳۵/۸ میلیارد ریال به فروش رفته است. با شروع استفاده از اوراق مشارکت از سال ۱۳۷۹ جهت اجرای سیاستهای پولی توسط بانک مرکزی تا سال ۱۳۸۱ نیز در مجموع ۳۶۰۰۰ میلیارد ریال اوراق مشارکت جهت سیاستهای پولی انقباضی و کنترل نقدینگی و تورم انتشار یافته که از این میزان (۰/۸۱/۷٪) معادل ۲۹۴۱۱/۴ میلیارد ریال به فروش رفته است.

پس در مجموع، حدود ۶۲۶۰۸/۱ میلیارد ریال اوراق مشارکت جهت تأمین مالی و سیاست پولی منتشر شده که مبلغ ۵۵۶۴۷/۲ میلیارد ریال یعنی (۸۸/۵٪) آن به فروش رفته است. از مبلغ کل اوراق مشارکت منتشر شده معادل ۲۳۲۱۵ میلیارد ریال (۳۷٪) به منظور اجرای طرحهای عمرانی انتفاعی دولت و همچنین شرکتهای دولتی مصرف گردیده، (۵۷/۵٪) به منظور سیاستهای پولی و تنها (۶٪) از کل این اوراق معادل ۳۳۹۳/۱ میلیارد ریال در ارتباط با اجرای طرحهای بخش غیر دولتی مورد استفاده قرار گرفته است. اگر اوراق مربوط به سیاست پولی جداگانه در نظر گرفته شود، در این صورت سهم بخش دولتی (۸۷/۲٪) و سهم بخش غیر دولتی (۱۲/۷٪) از کل اوراق منتشره بابت تأمین مالی می‌باشد.

◀◀ فصل نهم: بخش تجارت خارجی

◀ تصویر عملکرد گذشته

صادرات غیر نفتی

به طور متوسط صادرات کالاهای غیر نفتی و خدمات در دوره (۸۰-۱۳۷۰) به ترتیب از رشدی معادل (۱۵/۸٪) و (۲۰/۴٪) برخوردار بوده است. در مجموع صادرات غیر نفتی (کالا و خدمات) در این دوره به طور متوسط رشدی معادل (۲۸/۳٪) را نشان می‌دهد. نکته قابل توجه در ارتباط با تغییرات صادرات غیر نفتی طی دهه ۱۳۷۰، جهش صادرات غیر نفتی در بخش خدمات است. هر چند که این متغیر در نیمه اول دهه‌ی مورد نظر با نوسانهایی همراه بوده ولی در مجموع از روند صعودی برخوردار گشته است. این افزایش از سال ۱۳۷۵ چشمگیر می‌باشد. کشورهای عضو اسکاپ و اتحادیه اروپا مهم‌ترین طرفهای تجاری ایران در زمینه صادرات به شمار می‌آیند.

صادرات نفت و گاز

صادرات نفت و گاز در دوره (۸۰-۱۳۷۰) از نوسانهایی زیادی برخوردار بوده، به طوری که در سال ۱۳۷۷ کمترین و در سال ۱۳۷۹ بیشترین آن به ترتیب ۹/۹ میلیارد دلار و ۲۴/۳ میلیارد دلار بوده است. متوسط رشد صادرات نفت و گاز طی دوره مورد نظر (۴/۶٪) بوده است.

واردات

ترکیب واردات کالا نشان می‌دهد که روند تغییرات واردات کالا در جهت کاهش سهم کالاهای واسطه‌ای و افزایش سهم کالاهای سرمایه‌ای بوده است. کشورهای عضو اتحادیه اروپا و اسکاپ مهم‌ترین طرفهای تجاری ایران در زمینه واردات به شمار می‌آیند.

تراز بازرگانی

بررسی روند تراز بازرگانی (با احتساب نفت) که دربرگیرنده ورود و خروج کالا (حساب کالا) است، نشان می‌دهد که تراز بازرگانی طی سالهای (۷۲-۱۳۷۰) و ۱۳۷۷ با کسری مواجه شده و در بقیه سالها از مازاد قابل توجهی برخوردار بوده است.

سرمایه‌گذاری خارجی

بررسی روند سرمایه‌گذاری خارجی تحت پوشش قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی در دوره (۸۰-۱۳۷۲) نشان می‌دهد، کل میزان سرمایه‌های خارجی جذب شده از محل سرمایه‌گذاری خارجی طی دوره مورد نظر حدود ۲/۷ میلیارد دلار بوده است. توزیع سرمایه‌گذاری خارجی در بخشهای اقتصادی طی دوره مذکور نشان می‌دهد از کل سرمایه‌گذاری خارجی، (۴۸/۷٪) آن در بخش صنعت عمدتاً در صنایع فلزات اساسی، صنایع شیمیایی و صنایع ماشین‌آلات فلزی و خودروسازی و (۴۴/۶٪) آن در بخش اکتشاف و استخراج معادن (به جز نفت و گاز) صورت گرفته است. همچنین توزیع جغرافیایی سرمایه‌گذاری خارجی بر حسب قاره تا پایان آذر ماه ۱۳۸۱ نشان می‌دهد که بیشترین سهم سرمایه‌گذاری خارجی مربوط به قاره‌های اروپا و آمریکا می‌باشد که به ترتیب سهمی معادل (۵۰/۹٪) و (۳۶/۸٪) کل سرمایه‌گذاری را به خود اختصاص داده‌اند. در این میان کشورهای کانادا، ایتالیا، آلمان و انگلستان در مقایسه با سایر کشورها، از عمده‌ترین سرمایه‌گذاران خارجی ایران به شمار می‌آیند.

یکی از راهکارهای جلب سرمایه‌های خارجی، بهره‌گیری از امکانات موجود مناطق آزاد و توسعه‌ی آن در سالهای آتی می‌باشد. عملکرد این مناطق نشان می‌دهد برخی از اهداف نظیر تسریع در امور زیربنایی تا حدود زیادی تحقق یافته است که عمده منابع آن از محل واردات تأمین شده است. اما در زمینه تحقق

اهداف اساسی نظیر جذب سرمایه‌های خارجی و توسعه صادرات، بخصوص در مقایسه با مناطق آزاد کشورهای مجاور مانند امارات متحده عربی، توفیق چندانی حاصل نشده است.

حساب جاری

بررسی روند خالص حساب جاری طی دوره (۸۰-۱۳۷۰) نشان می‌دهد که این حساب به استثنای دوره (۷۲-۱۳۷۰) و سال ۱۳۷۷ از مزاد برخوردار بوده است. کسری این حساب در دوره (۷۲-۱۳۷۰) کاهش یافته است که عمدتاً از بهبود تراز بازرگانی ناشی شده است. از طرفی کسری این حساب در سال ۱۳۷۷ به دنبال کاهش شدید قیمت‌های نفت و در نتیجه کسری تراز بازرگانی ایجاد شده است.

حساب سرمایه

بررسی روند خالص حساب سرمایه در دوره (۸۰-۱۳۷۰) نشان می‌دهد، این متغیر به استثنای دوره (۷۲-۱۳۷۰) و سالهای ۱۳۷۷ و ۱۳۸۰ از کسری برخوردار بوده است. مثبت بودن این حساب در دوره (۷۲-۱۳۷۰) عمدتاً ناشی از ورود منابع خارجی و ایجاد بدهی خارجی بوده که در نهایت منجر به افزایش سطح بدهی‌های خارجی و شکل‌گیری بحران بدهی در این دوره گردید. از طرفی، کسری حساب سرمایه در دوره (۷۹-۱۳۷۳)، به استثنای سال ۱۳۷۷ را می‌توان به بازپرداخت اقساط بدهی‌های خارجی نسبت داد. در سال ۱۳۷۷ به دلیل کاهش قیمت نفت و به دنبال آن افزایش بدهی‌های خارجی و ورود سرمایه کوتاه مدت، حساب سرمایه از مزاد برخوردار شده است.

موازنه پرداختها

بررسی روند این متغیر در دوره (۸۰-۱۳۷۰) نشان می‌دهد، ذخایر بین‌المللی کشور در دوره‌های (۷۱-۱۳۷۰) و (۷۷-۱۳۷۶) کاهش یافته است. این کاهش در دوره اول ناشی از کسری حساب جاری علی‌رغم مزاد قابل توجه حساب سرمایه، بوده است. کاهش ذخایر ارزی کشور در دوره دوم در سال ۱۳۷۶ به دلیل خروج زیاد سرمایه ناشی از بازپرداخت اقساط بدهی‌های خارجی (علی‌رغم مزاد تراز حساب جاری) و در سال ۱۳۷۷ به خاطر کسری حساب جاری ناشی از کاهش قیمت نفت (علی‌رغم ورود سرمایه و افزایش سطح بدهی‌های خارجی) و تأثیر منفی تغییرات نرخ ارز اتفاق افتاده است.

بدهی‌های خارجی

بررسی روند بدهی‌های خارجی حاکی از آن است که میزان بدهی‌های خارجی طی دوره (۸۰-۱۳۷۲) به طور متوسط، سالانه (۱۳/۶٪) کاهش یافته است. بیشترین میزان بدهی مربوط به سال ۱۳۷۲ می‌باشد، که قسمت عمده آن را بدهی‌های خارجی کوتاه مدت تشکیل می‌دهد. از جمله شاخصهای مهمی که به منظور ارزیابی توان بازپرداخت بدهی خارجی، مورد استفاده قرار می‌گیرد، نسبت آن به کل صادرات است. بررسی روند این شاخص نشان می‌دهد که میزان آن از (۱۲۰٪) در سال ۱۳۷۲ به (۲۶/۳٪) در سال ۱۳۸۰ تنزل یافته است. حداکثر قابل قبول این شاخص از سوی بانک جهانی (۲۲۰٪) اعلام شده است.

◀ تحلیل روندها و عملکردها در مقایسه با شاخصهای بین‌المللی

در این قسمت، روند برخی از شاخصهای بخش تجارت خارجی در اقتصاد ایران با کشورهای تایلند، اندونزی، مالزی، کره جنوبی، ترکیه، پاکستان، نیجریه و هندوستان در دوره (۹۹-۱۹۹۰) در جدول شماره ۸ مورد مقایسه قرار گرفته است. این شاخصها به شرح زیر است:

الف: نسبت صادرات کالا و خدمات به تولید ناخالص داخلی

در میان کشورهای مورد اشاره، بیشترین و کمترین متوسط سهم صادرات کالا و خدمات در تولید ناخالص داخلی به ترتیب به کشورهای مالزی (۹۳٪) و هندوستان (۱۰/۵٪) اختصاص دارد. این نسبت در ایران (۲۳٪) است. کشورهای اندونزی و نیجریه که از جمله اقتصادهای نفتی محسوب می‌شوند، سهم بالاتری در مقایسه با ایران دارند. روند تغییرات این شاخص در کشورهای مذکور به استثنای ایران عمدتاً افزایشی بوده، اما پس از سال ۱۹۹۸ به دنبال کاهش قیمت‌های نفت و بحران جنوب شرق آسیا، تا حدودی کاهش یافته است. در میان این کشورها، مالزی تجربه موفق‌تری در مقایسه با سایر کشورها داشته به طوری که علی‌رغم کاهش قیمت نفت در سال ۱۹۹۸ و بحران جنوب شرق آسیا، این نسبت در مالزی افزایش یافته است.

ب: نسبت واردات کالا و خدمات به تولید ناخالص داخلی

در میان کشورهای مورد اشاره، بیشترین و کمترین متوسط سهم واردات کالا و خدمات در تولید ناخالص داخلی به ترتیب به کشورهای مالزی (۸۸٪) و هندوستان (۱۳٪) مربوط می‌باشد. این شاخص در ایران در مقایسه با کشورهای مورد نظر پس از هند، از کمترین مقدار (۲۲٪) برخوردار بوده است. بررسیها نشان می‌دهد که کشورهای با سهم بالای صادرات در تولید، از سهم بالای واردات در تولید نیز برخوردار می‌باشند.

ج: درجه باز بودن اقتصاد

محاسبه نسبت مجموع صادرات و واردات کالا و خدمات در تولید ناخالص داخلی در کشورهای مورد نظر نشان می‌دهد که بیشترین و کمترین متوسط شاخص مذکور به ترتیب به کشورهای مالزی (۱۸۱٪) و هندوستان (۲۳/۵٪) مربوط می‌باشد. این شاخص در ایران (۴۵٪) می‌باشد.

د: نسبت صادرات خدمات به کل صادرات

در میان کشورهای مورد اشاره، بیشترین و کمترین متوسط نسبت صادرات خدمات به کل صادرات به ترتیب مربوط به کشورهای ترکیه (۳۷/۶٪) و ایران (۴٪) می‌باشد. در کشورهای نفتی نیجریه و اندونزی، این نسبت در سطح پایین تری در مقایسه با سایر کشورها قرار دارد.

ه: نسبت واردات خدمات به کل واردات

در میان کشورهای مورد اشاره، بیشترین و کمترین متوسط نسبت واردات خدمات به کل واردات به ترتیب به کشورهای نیجریه (۳۰/۷٪) و ترکیه (۱۴/۴٪) اختصاص دارد. در کشورهای نفت خیز اندونزی و نیجریه، واردات خدمات سهم بالایی در واردات دارد. این نسبت در مورد ایران (۱۸/۶٪) می‌باشد.

و: نسبت خالص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی

این شاخص در کشورهای مالزی، نیجریه و تایلند از سایر کشورها بیشتر است. در ایران این نسبت بسیار ناچیز است. این شاخص در کره جنوبی منفی بوده که بیانگر غالب شدن خروج سرمایه در مقایسه با

ورود سرمایه به شکل سرمایه‌گذاری مستقیم می‌باشد. شاخص مورد نظر در کشورهای ترکیه، هند، پاکستان و اندونزی کمتر از (۱٪) است.

ز: نسبت بدهی‌های خارجی به تولید ناخالص داخلی

از جمله شاخصهای مهمی که بیانگر قدرت بازپرداخت بدهی‌های خارجی هر کشور است نسبت بدهی خارجی به تولید می‌باشد. متوسط شاخص مذکور در ایران (۱۳/۳٪) بوده است، که در مقایسه با سایر کشورها بسیار مثبت ارزیابی می‌شود.

بیشترین و کمترین متوسط این شاخص به ترتیب به نیجریه (۱۰۷٪) و کره جنوبی (۲۲/۶٪) اختصاص دارد. به طور کلی می‌توان گفت بدهی خارجی بیش از نیمی از تولید در کشورهای نیجریه، اندونزی، تایلند و پاکستان را تشکیل می‌دهد. حداکثر میزان این شاخص از سوی بانک جهانی به منظور اعطای وامهای مجدد، (۸۰٪) اعلام شده است.

ح: نسبت بدهی خارجی به صادرات کالا و خدمات

از دیگر شاخصهای مؤثر در مدیریت بدهی‌های خارجی، نسبت آن در صادرات کالا و خدمات می‌باشد. این نسبت در کشورهای پاکستان و اندونزی، هند، نیجریه و ترکیه به ترتیب از بالاترین رقم برخوردار می‌باشد. به طوری که بدهی‌های خارجی بیش از ۲ برابر کل صادرات این کشورها می‌باشد. در ایران این شاخص (۸۵٪) می‌باشد، که پس از مالزی و کره جنوبی از وضعیت مطلوب‌تری در مقایسه با سایر کشورها برخوردار است. بر اساس اعلام بانک جهانی، حداکثر میزان این شاخص برای اعطای وامهای جدید (۲۲۰٪) می‌باشد.

ط: نسبت بدهی خارجی کوتاه مدت به کل بدهی‌های خارجی

در میان کشورهای مورد اشاره، ایران بالاترین متوسط نسبت بدهی کوتاه مدت به کل بدهی‌های خارجی را دارا است (۴۷/۶٪). بخش قابل توجهی از بدهی‌های کوتاه مدت در دوره (۷۲-۱۳۷۰) استمهال شده و به بدهی‌های بلندمدت و میان مدت تبدیل شده است. در دوره (۷۲-۱۳۷۰) بدهی‌های کوتاه مدت سهم غالب بدهی‌های خارجی کشور را تشکیل داده است.

نسبت مذکور در کشورهای تایلند و کره جنوبی، طی دوره فوق، به ترتیب معادل (۳/۳۶٪) و (۹/۳۵٪) می‌باشد که پس از ایران از بیشترین میزان، برخوردار است. این شاخص در هندوستان (۵/۵٪) می‌باشد که در مقایسه با سایر کشورها در پایین‌ترین سطح قرار دارد.

◀ فصل دهم: توزیع درآمد

◀ بررسی عملکرد گذشته

عمده‌ترین و مهم‌ترین شاخصهای این دو بخش عبارتند از:

الف: ضریب جینی، نسبت دهک بالا به دهک پایین، نسبت (۲۰٪) بالا به (۲۰٪) پایین (کل، شهری، روستایی)

ضریب جینی از رقم ۰/۴۴۶ در دوره (۶۷-۱۳۶۳) به رقم ۰/۴۴۳ طی برنامه اول توسعه و ۰/۴۲۶ طی برنامه دوم توسعه کاهش یافته است و روند تغییرات آن در سالهای ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ با ثبات بوده است. روند تغییرات ضریب جینی در جامعه شهری کاهش، ولی در جامعه روستایی افزایشی بوده است، به قسمی که این شاخص برای جامعه شهری و روستایی از رقم ۰/۴۲۶ طی دوره (۶۷-۱۳۶۳) به ترتیب به رقم ۰/۴۲ و ۰/۴۳۷ طی برنامه اول توسعه و رقم ۰/۳۹۷ و ۰/۴۲۹ طی برنامه دوم توسعه تغییر یافته است. اما طی سالهای ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ این شاخص در جامعه شهری افزایش و در جامعه روستایی کاهش یافته است (جدول شماره ۱۳).

ب: شاخص رفاه اجتماعی

شاخص رفاه اجتماعی از رقم ۸۶/۶ در سال ۱۳۶۸ به رقم ۱۱۸/۸ در سال ۱۳۷۲ افزایش یافته است و به طور متوسط طی برنامه اول توسعه این شاخص سالانه (۰/۶٪) رشد داشته است. این بهبود ناشی از دو عامل رشد اقتصادی و بهبود توزیع درآمد بوده است و مهم‌ترین عامل همان رشد اقتصادی بوده است. طی دوره (۷۸-۱۳۷۴) درآمد ملی کشور به طور متوسط سالانه (۰/۳۷٪) رشد داشته است، در حالی که رشد شاخص بهبود توزیع درآمد ثابت بوده است. در جدول شماره ۲ شاخص رفاه اجتماعی در ایران، متأثر

از رشد درآمد ملی کشور، با رشد متوسط سالانه (۲/۳٪) طی برنامه دوم توسعه، از رقم ۱۱۹/۵ در سال ۱۳۷۴ به رقم ۱۳۰/۹ در سال ۱۳۷۸ افزایش یافته است. همچنین باید متذکر شد که رکود اقتصادی ناشی از کاهش قیمت نفت در سال ۱۳۷۷ باعث کاهش شاخص رفاه به میزان (۱/۷٪) شده است. اما در دو سال ابتدای برنامه سوم توسعه مشاهده می‌شود، شاخص رفاه به طور متوسط سالانه (۲/۷٪) رشد یافته است.

ج: درصد خانوارهای شهری و روستایی زیر خط فقر نسبی و خط فقر مطلق

درصد خانوارهای زیر خط فقر نسبی و زیر خط فقر مطلق در جامعه شهری طی بیست سال گذشته کاهش یافته است. همان طور که در جدول شماره ۱۵ مشاهده می‌شود، درصد خانوارهای شهری زیر خط فقر نسبی در برنامه اول توسعه (۷۲-۱۳۶۸) روند نزولی نشان می‌دهد و این نسبت از (۲۱/۶۹٪) در سال ۱۳۶۸ به رقم (۱۸/۷٪) در سال ۱۳۷۲ کاهش یافته است. درصد افراد زیر خط فقر مطلق نیز طی دوره فوق، کاهش یافته است. اما در مورد خانوارهای روستایی وضع به گونه‌ای دیگر بوده است و درصد افراد زیر خط فقر نسبی افزایش یافته و درصد افراد زیر خط فقر مطلق تقریباً ثابت مانده است. در مقایسه خانوارهای شهری با خانوارهای روستایی با توجه به جدول شماره ۱۵ ملاحظه می‌شود که درصد افراد زیر خط فقر در خانوارهای روستایی به مراتب بالاتر از خانوارهای شهری می‌باشد و مناطق روستایی دیرتر از مناطق شهری تحت تأثیر بهبود شرایط اقتصادی کشور قرار می‌گیرند. همچنین به نظر می‌رسد که در سالهایی که شرایط در شهرها بهبود یافته است، افزایش شدت جذب نیروی جوان و پس‌اندازهای روستایی به شهرها، خانوارهای فقیرتر را در روستاها باقی گذاشته است و کمک کرده است تا درصد خانوارهای زیر خط فقر افزایش یابد.

طی برنامه دوم توسعه میزان فقر نسبی در جامعه شهری روندی با ثبات داشته و درصد خانوارهای زیر خط فقر از (۱۸/۸۵٪) در سال ۱۳۷۴ به رقم (۱۸/۳٪) کاهش یافته است. اما در مورد خط فقر مطلق این کاهش کاملاً محسوس و قابل توجه بوده است و درصد خانوارهای زیر خط فقر در سال ۱۳۷۴ در جامعه شهری از رقم (۱۲/۷٪) به (۱۱/۲٪) و در جامعه روستایی از رقم (۲۳٪) به (۲۰/۷٪) در سال ۱۳۷۸ کاهش یافته است. ولی همچنان مشاهده می‌شود که درصد خانوارهای فقیر در روستاها تقریباً دو برابر

خانوارهای فقیر شهری می‌باشد. گرچه در سالهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ارائه خدمات زیربنایی و اجتماعی به روستاها افزایش یافته، لیکن اختلاف سطح زندگی سبب حرکت نیروی انسانی روستایی به شهرها شده است. واردات محصولات کشاورزی و عدم سرمایه‌گذاری زیربنایی مکفی سبب شده است که بازده سرمایه‌گذاری در روستاها در حد سرمایه‌گذاری در مناطق شهری و خصوصاً شهرهای بزرگ نباشد. همچنین به دلیل اینکه هزینه‌های دولت عمدتاً در شهرهای بزرگ انجام می‌شود، ارزش دارایی‌های ثابت در شهرها با نرخ بیشتری رشد کرده است. حرکت نیروی انسانی و سرمایه از روستاها به شهر سبب شده است که اختلاف سطح زندگی شهر و روستا تداوم یابد. اقدامهای انجام شده جهت بهبود شرایط روستاها نیز در سطح و مقیاسی نبوده است که این شرایط را معکوس نماید.

د: یارانه‌ها

در ایران سیاستهای حمایتی دولت معمولاً به صورت پرداخت یارانه به بخش مصرف (کالاهای اساسی) و یا بخش تولید می‌باشد. عمده‌ترین کالاهایی که در سبد مصرفی خانوار به آنها یارانه تعلق می‌گیرد عبارتند از کالاهایی چون: نان، نفت، بنزین، آب، برق و گاز که از یارانه غیر مستقیم برخوردار هستند و کالاهایی مانند برنج، مرغ، گوشت قرمز و شیر نیز از طریق سیاستهای سهمیه‌بندی یا کنترل عرضه در جهت پایین نگه داشتن قیمت آنها تلاش می‌شود.

همواره پرداختهای حمایتی دولت به بخش مصرف^۱ و تولید^۲ و خدمات^۳ معمولاً در قالب برخی تبصره‌های بودجه سالانه انجام می‌شود. همان طور که در جدول شماره ۱۶ مشاهده می‌شود، در برنامه اول توسعه، پرداخت یارانه‌ها همانند زمان جنگ تحمیلی تداوم یافته است. در سالهای ابتدای برنامه اول توسعه، یعنی شروع بازسازی کشور، سهم بخش تولیدی از یارانه‌ها بالا بوده است و در سالهای پایانی

۱- عمده‌ترین اقلام بخش مصرف عبارتند از: گندم، برنج، روغن، قند و شکر، شیر، پنیر، گوشت و چای

۲- بخش تولید شامل: واکسن و سموم دامی، سم و بذر، کود شیمیایی، کاغذ

۳- بخش خدمات شامل: خسارت، بیمه و زیان محصولات کشاورزی، هزینه حمل کالاهای کالابری روستایی و عشایری،

تغذیرات حکومتی گندم و آرد وزارت کشور، هزینه توزیع کالابری روستایی و عشایری

برنامه این سهم کاهش یافته است و عمده‌ترین سیاستهای حمایتی مربوط به بخش کشاورزی بوده، و سهم بخش تولید از یارانه‌ها از رقم (۳۲/۴٪) در سال ۱۳۶۸ به رقم (۱۶٪) در سال ۱۳۷۲ کاهش یافته است.

با خروج از شرایط رکود و توقف اقتصادی ناشی از جنگ، دولت سیاستهای حمایتی را در برنامه اول توسعه با شدت بیشتری اعمال نموده است. به قسمی که متوسط رشد یارانه‌ها طی سالهای (۷۲-۱۳۶۸) در بخش مصرف (۹۶/۴٪)، در بخش تولیدی (۷۱/۹٪) و در بخش خدمات (۱۱۲/۳٪) بوده است. در مجموع در برنامه اول توسعه متوسط نرخ رشد کل یارانه‌ها به قیمتهای جاری معادل (۹۱/۸٪) و به قیمتهای ثابت سال ۱۳۶۱ معادل (۶۱/۶٪) و طی این دوره متوسط نرخ رشد یارانه سرانه به قیمتهای جاری (۸۷/۵٪) و به قیمتهای ثابت سال ۱۳۶۱ معادل (۵۸/۳٪) بوده است.

پرداخت یارانه‌ها در برنامه دوم توسعه، نیز همانند برنامه اول توسعه ادامه یافت و سهم یارانه کالاهای مصرفی با سیر صعودی مواجه بود. همان طوری که در جدول شماره ۱۶ مشاهده می‌شود، سهم یارانه کالاهای مصرفی از (۸۶/۹٪) در سال ۱۳۷۴ به رقم (۸۷/۳٪) در سال ۱۳۷۸ افزایش یافت و به طور متوسط سالانه حجم ریالی یارانه کالاهای مصرفی (۱۴/۵٪) افزایش یافت. علی‌رغم این که از اهداف برنامه دوم توسعه، هدفمند و علنی نمودن سوبسیدها بوده است، اما این هدف تحقق پیدا نکرد و سیستم سهمیه‌بندی کالاهای اساسی و پرداخت سوبسیدها بدون تغییر، همانند برنامه اول توسعه ادامه یافت. در برنامه دوم توسعه متوسط نرخ رشد کل یارانه‌ها به قیمتهای جاری معادل (۱۳/۹٪) و به قیمتهای ثابت سال ۱۳۶۱ معادل (۹٪-)، همچنین متوسط نرخ رشد یارانه سرانه به قیمتهای جاری (۱۲/۲٪) و به قیمتهای ثابت سال ۱۳۶۱ معادل (۱۰/۲٪-) بوده است.

در دو سال اول برنامه سوم توسعه متوسط نرخ رشد کل یارانه‌ها به قیمتهای جاری معادل (۱۵/۴٪) و به قیمتهای ثابت سال ۱۳۶۱ معادل (۳٪)، همچنین طی این دوره متوسط نرخ رشد یارانه‌ای سرانه به قیمتهای جاری (۱۳/۶٪) و به قیمتهای ثابت سال ۱۳۶۱ معادل (۱/۵٪) بوده است.

هـ: مقایسه با شاخصهای بین‌المللی

مقایسه شاخصهای نابرابری در ایران با سایر کشورها (اعم از توسعه یافته و در حال توسعه)، نشان می‌دهد که برخی از این شاخصها در حد قابل قبول و برخی نگران کننده می‌باشد. مثلاً ضریب جینی در ایران بیش از آنکه به کشورهای در حال توسعه نزدیک باشد به کشورهای توسعه یافته شبیه است (آمریکا ۰/۴۰۱، ژاپن ۰/۴۰۷، مالزی ۰/۴۸۴، برزیل ۰/۶۰، مکزیک ۰/۵۰۳، ایران ۰/۴۲۲)^۱. این مسئله نشانگر آن است که توزیع امکانات زندگی بین خانوارها بهتر از آن است که سطحی مشابه درآمد ملی سرانه در مورد کشورها به دست می‌دهد. البته چون ضریب جینی نحوه توزیع هزینه و درآمد را بین کلیه گروه‌ها نشان می‌دهد، نتیجه‌گیری این قسمت ناقص این واقعیت نیست که سهم دو دهک پایین در ایران از رقم مشابه در برخی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه کمتر بوده و نشان شرایط نامطلوب این گروه اجتماعی است.

سهم گروههای پایین درآمدی در ایران در مقایسه با کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته مطابق جدول شماره ۱۷ پایین می‌باشد. مثلاً شکاف شاخص «نسبت هزینه دهک ثروتمندترین به دهک فقیرترین»، در ایران با کشورهای سوئیس (۴۸٪)، فرانسه (۴۷٪)، اندونزی (۵۸٪)، تایلند (۲۲٪) می‌باشد. یعنی برای رسیدن به وضعیت کشورهای در حال توسعه‌ای که وضعیت مشابه اقتصادی با ایران دارند، بایستی در حدود (۲۳٪) الی (۵۸٪) این شاخص بهبود پیدا کند، و این مهم از طریق سیاستهای حمایتی و باز توزیعی به منظور افزایش سهم دهکهای پایین و سیاستهای کارآمد مالیاتی به منظور کاهش سهم دهکهای ثروتمند، تحقق خواهد یافت.

جدول ۱۳- شاخصهای نابرابری طی دوره (۸۰-۱۳۶۳)

نسبت (۲۰٪) بالا به (۲۰٪) پایین			نسبت دهک بالا به دهک پایین			ضریب جینی			سال
روستایی	شهری	کل	روستایی	شهری	کل	روستایی	شهری	کل	
۱۰/۳۵	۱۰/۰۰	۱۱/۵۱	۲۱/۲۳	۱۹/۴۰	۲۳/۷۴	۰/۴۲۶	۰/۴۲۶	۰/۴۴۶	میانگین دوره (۶۷ - ۱۳۶۳)
۱۰/۲	۹/۷	۱۱/۱	۲۲/۱	۱۹/۱	۲۳/۱	۰/۴۲	۰/۴۲	۰/۴۴	۱۳۶۸
۱۲/۶	۸/۵	۱۱/۰	۲۸/۵	۱۶/۹	۲۳/۶	۰/۴۵	۰/۴	۰/۴۳	۱۳۶۹
۱۲/۸	۱۱/۹	۱۴/۲	۲۹/۰	۲۶/۳	۳۳/۴	۰/۴۵۲	۰/۴۷۷	۰/۴۸۶	۱۳۷۰
۱۱/۶	۸/۷	۱۱/۱	۲۴/۸	۱۶/۵	۲۳/۲	۰/۴۳۴	۰/۴۱	۰/۴۳۵	۱۳۷۱
۱۱/۵	۸/۰	۱۰/۵	۲۵/۹	۱۴/۹	۲۲/۱	۰/۴۳۱	۰/۳۹۳	۰/۴۲۵	۱۳۷۲
۱۱/۷۳	۹/۳۹	۱۱/۵۶	۲۶/۰۴	۱۸/۷۶	۲۵/۰۹	۰/۴۳۷	۰/۴۲۰	۰/۴۴۳	میانگین برنامه اول توسعه
۱۰/۶	۷/۹	۹/۹	۲۲/۸	۱۴/۵	۲۰/۰	۰/۴۳۱	۰/۳۹۵	۰/۴۲۴	۱۳۷۳
۱۱/۳	۸/۲	۱۰/۲	۲۳/۵	۱۵/۰	۲۰/۵	۰/۴۳۷	۰/۴۰۲	۰/۴۲۷	۱۳۷۴
۱۰/۰	۸/۳	۱۰/۲	۱۹/۹	۱۵/۰	۲۰/۲	۰/۴۲	۰/۴۰۴	۰/۴۲	۱۳۷۵
۹/۷	۷/۸	۶/۷	۱۹/۲	۱۳/۹	۱۸/۹	۰/۴۲	۰/۳۹	۰/۴۲۲	۱۳۷۶
۱۱/۱	۷/۹	۱۰/۵	۲۳/۰	۱۴/۲	۲۱/۲	۰/۴۴	۰/۳۹	۰/۴۳	۱۳۷۷
۱۰/۲	۷/۹	۹/۹	۲۰/۳	۱۴/۳	۱۹/۴	۰/۴۳	۰/۴	۰/۴۲	۱۳۷۸
۱۰/۴۷	۸/۰۲	۱۰/۱۱	۲۱/۲۱	۱۴/۴۹	۲۰/۰۵	۰/۴۲۹	۰/۳۹۷	۰/۴۲۶	میانگین برنامه دوم توسعه
۱۰/۳۱	۸/۲۰	۱۰/۱۳	۲۰/۶۴	۱۵/۰۹	۲۰/۰۷	۰/۴۲۹	۰/۴۰۶	۰/۴۳۰	۱۳۷۹
۹/۵۰	۸/۳۶	۹/۹۶	۱۸/۲۲	۱۵/۴۴	۱۹/۴۰	۰/۴۱۵	۰/۴۱۱	۰/۴	۱۳۸۰

مأخذ: آمار و بودجه خانوار، مرکز آمار ایران

جدول شماره ۱۴ - شاخص رفاه اجتماعی طی دوره (۱۳۶۳-۸۰)

شاخص رفاه اجتماعی	شاخص بهبود توزیع درآمد	درآمد سرانه (هزار ریال - ثابت ۱۳۶۱)	جمعیت (هزار نفر)	درآمد ملی (میلیارد ریال - ثابت ۱۳۶۱)	سال
(۴)÷(۳)	(۴)	(۳)	(۲)	(۱)	
۱۰۵/۸	۰/۵۵	۱۹۰/۹	۴۹۰۸۲/۲	۹۳۷۰/۳	میانگین دوره (۱۳۶۳ - ۶۷)
۸۶/۶	۰/۵۶	۱۵۴/۷	۵۳۱۸۷	۸۲۲۶/۵	۱۳۶۸
۹۸/۳	۰/۵۷	۱۷۲/۵	۵۴۴۹۶	۹۴۰۰/۴	۱۳۶۹
۱۰۳/۸	۰/۵۴۴	۱۹۰/۸	۵۵۸۳۷	۱۰۶۵۳/۷	۱۳۷۰
۱۱۱/۳	۰/۵۶۵	۱۹۷/۰	۵۶۶۵۶	۱۱۱۶۱/۸	۱۳۷۱
۱۱۸/۸	۰/۵۷۵	۲۰۶/۷	۵۷۴۸۸	۱۱۸۸۰/۷	۱۳۷۲
۱۱۶/۵	۰/۵۷۶	۲۰۲/۳	۵۸۳۳۱	۱۱۸۰۰/۲	۱۳۷۳
۱۱۹/۵	۰/۵۷۳	۲۰۸/۶	۵۹۱۸۷	۱۲۳۴۶/۲	۱۳۷۴
۱۲۴/۵	۰/۵۷	۲۱۸/۴	۶۰۰۵۵	۱۳۱۱۵/۷	۱۳۷۵
۱۲۹/۰	۰/۵۸	۲۲۲/۴	۶۰۹۸۶	۱۳۵۶۰/۷	۱۳۷۶
۱۲۶/۷	۰/۵۷	۲۲۲/۳	۶۱۹۳۱	۱۳۷۶۸/۵	۱۳۷۷
۱۳۰/۹	۰/۵۸	۲۲۵/۶	۶۲۸۶۰	۱۴۱۸۳/۶	۱۳۷۸
۱۳۴/۸	۰/۵۷۶	۲۳۴/۱	۶۳۸۰۳	۱۴۹۳۵/۳	۱۳۷۹
۱۳۷/۹	۰/۵۷۸	۲۳۸/۶	۶۴۹۰۷	۱۵۴۸۷/۹	۱۳۸۰
۶/۰	۰/۵	۵/۶	۲/۱	۷/۸	متوسط نرخ رشد برنامه اول توسعه
۲/۳	۰/۱	۲/۲	۱/۵	۳/۷	متوسط نرخ رشد برنامه دوم توسعه
۲/۷	۰/۱۷	۲/۸	۱/۶	۴/۵	متوسط نرخ رشد دو سال اول برنامه سوم

مأخذ: آمار سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور - دفتر اقتصاد کلان

جدول شماره ۱۵- درصد خانوارهای شهری و روستایی زیر خط فقر نسبی و خط فقر مطلق (۷۸-۱۳۶۳)

خط فقر مطلق		فقر نسبی خط		سال
جامعه روستایی	جامعه شهری	جامعه روستایی	جامعه شهری	
۲۳/۷۷	۱۵/۱۳	۲۲/۱۵	۲۱/۴۸	میانگین دوره (۶۷-۱۳۶۳)
۲۵/۸۵	۱۷/۲۶	۲۱/۱۲	۲۱/۶۹	۱۳۶۸
۲۵/۳۹	۱۶/۵۶	۲۳/۶۷	۱۹/۱۱	۱۳۶۹
۲۶/۷۴	۱۴/۵۲	۲۴/۶۸	۲۰/۴۸	۱۳۷۰
۲۵/۲۱	۱۴/۳۴	۲۴/۴	۱۹/۵۱	۱۳۷۱
۲۵/۳۳	۱۲/۷۲	۲۲/۹۷	۱۸/۷	۱۳۷۲
۲۵/۷۰	۱۵/۰۸	۲۳/۳۷	۱۹/۹۷	میانگین برنامه اول توسعه
۲۲/۸۲	۱۱/۰۳	۲۱/۷۱	۱۷/۹۴	۱۳۷۳
۲۲/۹۸	۱۲/۶۶	۲۳/۴۱	۱۸/۸۵	۱۳۷۴
۲۳/۳۹	۱۲/۵	۲۱/۹۵	۱۹/۳۶	۱۳۷۵
۲۲/۳	۱۱/۱۹	۲۱/۳۱	۱۷/۷۴	۱۳۷۶
۲۲/۶۳	۱۰/۴۳	۲۱/۷۶	۱۸/۷۲	۱۳۷۷
۲۰/۶۶	۱۱/۲	۲۲/۶۵	۱۸/۲۹	۱۳۷۸
۲۲/۳۹	۱۱/۶۰	۲۲/۲۲	۱۸/۵۹	میانگین برنامه دوم توسعه

ماخذ: آمار بودجه خانوار مرکز آمار ایران

جدول شماره ۱۶- یارانه‌های پرداختی طی دوره (۸۰-۱۳۶۳) میلیارد ریال

یارانه سرانه (ریال)	کل یارانه‌ها	یارانه			موضوع
		خدمات	تولیدی	مصرفی	
۲۲۷۰/۶	۱۱۱/۴	۵/۵	۲۶/۸	۷۹/۱	میانگین دوره (۶۷-۱۳۶۳)
		۵/۰	۲۴/۰	۷۱/۰	سهام از کل
۳۰۵۵/۳	۱۶۲/۵	۱۳/۶	۵۲/۶	۹۶/۳	۱۳۶۸
		۸/۴	۳۲/۴	۵۹/۳	سهام از کل
۷۴۱۱/۶	۴۰۳/۹	۳۱/۱	۲۵۸/۰	۱۴۴/۸	۱۳۶۹
		۷/۷	۶۳/۹	۲۸/۴	سهام از کل
۵۹۰۴/۵	۴۹۷/۲	۷/۸	۳۶۱/۲	۱۳۸/۲	۱۳۷۰
		۱/۶	۷۲/۶	۲۵/۸	سهام از کل
۱۸۷۷۴/۷	۱۰۶۳/۷	۱۰۰/۳	۱۶۷/۲	۷۹۶/۲	۱۳۷۱
		۹/۴	۱۵/۷	۷۴/۹	سهام از کل
۴۰۶۶۴/۱	۲۳۳۷/۷	۱۹۰/۰	۳۷۴/۰	۱۷۷۳/۷	۱۳۷۲
		۸/۱	۱۶/۰	۲۵/۹	سهام از کل
۶۳۱۹۲/۸	۳۶۸۶/۱	۱۲/۰	۵۳۸/۱	۳۱۳۶/۰	۱۳۷۳
		-/۳	۱۴/۶	۸۵/۱	سهام از کل
۸۲۴۱۸/۴	۴۸۷۸/۱	۱۷/۲	۶۲۲/۴	۴۳۳/۵	۱۳۷۴
		-/۴	۱۲/۸	۸۶/۹	سهام از کل
۹۱۳۵۰/۹	۵۴۸۶/۱	۲۲/۱	۵۵۵/۰	۴۹۰۹/۰	۱۳۷۵
		-/۴	۱۰/۱	۸۹/۵	سهام از کل
۸۳۹۷/۷	۵۰۸۶/۱	۱۷/۵	۵۸۸/۵	۴۴۸۰/۱	۱۳۷۶
		-/۳	۱۱/۶	۸۸/۱	سهام از کل
۹۳۷۵۰/۹	۵۸۰۶/۱	۴۳/۶	۴۹۶/۰	۵۲۶۶/۵	۱۳۷۷
		-/۹	۸/۵	۹۰/۷	سهام از کل
۱۱۲۴۹۱/۱	۷۰۷۱/۲	۱۷۹/۶	۷۱۶/۶	۶۱۷۲/۰	۱۳۷۸
		۲/۵	۱۰/۲	۸۷/۳	سهام از کل
۱۳۷۵۸۰/۲	۸۱۴۰/۰	۱۰۴/۰	۹۹۴/۰	۷۰۴۲/۰	۱۳۷۹
		۱/۳	۱۲/۲	۸۶/۵	سهام از کل
۱۲۵۲۴۵/۲	۹۴۲۷/۴	۴۰/۹	۶۴۸/۱	۸۳۸۳/۴	۱۳۸۰
		-/۴	۶/۹	۹۲/۷	سهام از کل
۸۷/۵	۹۱/۸	۱۱۲/۳	۷۱/۹	۹۶/۴	متوسط نرخ رشد برنامه اول توسعه
۱۲/۲	۱۳/۹	۷۱/۸	۶	۱۴/۵	متوسط نرخ رشد برنامه دوم توسعه
۱۳/۶	۱۵/۴	-۵/۱	۱/۷	۱۹/۱	متوسط نرخ رشد دو سال اول برنامه سوم توسعه

مأخذ: دفتر اقتصاد کلان، استخراج از آمار سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولید کنندگان

جدول شماره ۱۷- مقایسه برخی شاخصهای نابرابری در ایران و کشورهای منتخب

نسبت هزینه (۲۰٪) بالا به (۲۰٪) پایین	نسبت هزینه دهک بالا به دهک پایین	ضریب جینی	نام کشورها	
۵/۹	۹/۹	۰/۳۶۱	سوئیس	کشورهای توسعه یافته
۵/۶	۱۰/۰	۰/۳۲۷	فرانسه	
۹/۴	۱۹/۰	۰/۴۰۱	آمریکا	
۵/۱	۷/۹	۰/۳۴۲	اندونزی	کشورهای در حال توسعه
۸/۴	۱۳/۹	۰/۴۲۹	فیلیپین	
۹/۴	۱۴/۸	۰/۴۶۲	تایلند	
۹/۷	۱۸/۹	۰/۴۲۲	ایران	ایران

World Development Indicators ۱۹۹۸ مأخذ:

◀ فصل یازدهم: بخش علم و فناوری

◀ تصویر عملکرد گذشته

الف: تحقیق و توسعه در ایران

علوم و فنون نقش انکار ناپذیری در فرایند توسعه ایفا می‌کنند. در واقع محور توسعه پایدار، خلاقیت، نوآوری و توسعه علمی در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. در اقتصاد ایران در یک دهه اخیر به‌علت افزایش منابع مادی اعتباری و افزایش تحصیل کردگان دانشگاهی فعالیتهای تحقیقاتی از حالت رکودی گذشته خارج و روند رو به بهبودی را تجربه نموده است. اعتبارات تخصیص یافته به بخش توسعه و تحقیق از طریق دولت و سایر نهادهای وابسته به دولت نظیر شرکتهای دولتی، بانکها و بخش خصوصی انجام می‌شود.

متوسط رشد اعتبارات پژوهشی از منابع دولتی در دوره (۸۱-۱۳۷۰) سالانه به قیمت جاری (۳۳/۹٪) می‌باشد. حداکثر نسبت فوق مربوط به سال ۱۳۷۲ معادل (۴۳٪) است. در سالهای (۸۱-۱۳۷۹) متوسط

هدفهای تحقق یافته در پژوهش و توسعه نسبت به ارقام برنامه (۶۰٪) می‌باشد. چنانچه اعتبارات پژوهشی نهادهای غیر دولتی و شرکتهای دولتی، در اعتبارات پژوهش و توسعه منظور شود (۲۶۸۱/۶ میلیارد ریال و ۵۸۰ میلیارد ریال)، شاخص نسبت هزینه‌های توسعه و تحقیق به تولید ناخالص ملی به یک سوم متوسط شاخص جهانی افزایش می‌یابد، که مبین شکاف معنادار جایگاه علم و فناوری، میان ایران و جهان می‌باشد.

ب: توسعه انسانی

توسعه انسانی، فرایندی است که در آن دامنه انتخاب افراد از طریق کسب اطلاعات و بهره‌برداری از قابلیت‌های انسانی افزایش می‌یابد. به بیان دیگر فرایند بسط انتخاب‌های انسانی در بستر فضای اجتماعی قابلیت‌زا برای دستیابی به زندگی بهتر است. فضای اجتماعی قابلیت‌زا، فضایی است که در آن نهادهایی ایجاد شود که بازارهای رقابتی، نظام حمایت اجتماعی، حکومت قانون، دموکراسی و هویت اصیل فرهنگی یک جامعه ارکان اصلی آن باشد. در این مفهوم جدید انسان ابزار و هدف نهایی توسعه محسوب می‌شود. توانمندسازی افراد، ارتقای بهره‌وری، بهبود مشارکت افراد در فرایند فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی و فرصت استفاده از چنین شرایطی در توسعه انسانی از عوامل ایجاد کننده تغییر و تحول به‌شمار می‌رود. شاخصهای اندازه‌گیری توسعه انسانی امید به زندگی، دسترسی به آموزش، میزان مشارکت فعال جامعه جهت دستیابی به زندگی سالم، شرایط بهداشتی و شاخصهای اقتصادی می‌باشد.

بر اساس آخرین گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۲ میلادی، ایران با شاخص توسعه انسانی ۰/۷۲ در مرتبه ۹۸ و در گروه کشورهای دارای توسعه انسانی متوسط قرار می‌گیرد. شاخص توسعه انسانی در ایران از رتبه ۹۰ در سال ۱۳۷۹ به ۹۸ در سال ۱۳۸۰ تنزل یافته است. تغییرات تولید ناخالص داخلی سرانه و امید به زندگی از پارامترهای اثرگذار بر وضعیت این شاخص در اقتصاد ایران است. وضعیت ایران از نظر شاخص توسعه انسانی پایین‌تر از کشورهای همچون بحرین (رتبه ۳۹)، عربستان سعودی (رتبه ۷۱)، ترکیه (رتبه ۸۵) و بالاتر از کشورهای اندونزی (رتبه ۱۱۰)، هندوستان (رتبه ۱۲۴)، مصر (رتبه ۱۱۱) و پاکستان (رتبه ۱۳۸) می‌باشد.

ج: فناوری اطلاعات و ارتباطات ICT

فناوری اطلاعات و ارتباطات انقلاب جدیدی در عرصه فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کشورهای مختلف جهان ایجاد نموده و موجب بهبود کیفیت زندگی شده است. گسترش اطلاعات و ارتباطات یکی از عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی است. ایران نیز مانند سایر کشورها از لحاظ دسترسی به فناوری اطلاعات و ارتباطات در یک دهه اخیر اقدامهای مهمی به شرح زیر انجام داده است:

- ۱- برخورداری از خدمات ارتباطی در قالب رشد متوسط سالانه (۱۱/۶٪) ضریب نفوذ تلفن ثابت در دوره (۸۰-۱۳۷۰)، ضریب تلفن ثابت و همراه (۱۶٪) رشد داشته است.
- ۲- افزایش میزان سرمایه‌گذاری در بخش ارتباطات در دوره (۸۰-۱۳۷۲) از ۱۳۵/۴ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۶۹ به ۵۸۶/۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۰
- ۳- افزایش سهم سرمایه‌گذاری کشور در ارتباطات از (۱/۳٪) در سال ۱۳۷۲ به (۳/۷٪) در سال ۱۳۸۰
- ۴- افزایش سهم سرمایه‌گذاری بخش ارتباطات در تجهیزات در سال ۱۳۷۲ از (۴۹/۱٪) در سال ۱۳۸۱ به (۸۴٪) و دستیابی به متوسط نرخ رشد سالانه (۲۰٪) در بخش ارتباطات
- ۵- افزایش تعداد تلفن از ۸۳ خط تلفن به ازای ۱۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۵ به ۱۲۵ خط در ۱۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۹ با رشد متوسط سالانه (۱۰/۸٪)
- ۶- افزایش ضریب نفوذ تلفن همراه از ۰/۷۸ به ازای هر ۱۰۰ نفر در سال ۱۹۹۹ به ۲/۳ در سال ۲۰۰۱
- ۷- دسترسی به کامپیوتر و اینترنت، در سال ۱۳۷۵ به ازای هر ۱۰۰۰ نفر ۳۳/۳ کامپیوتر و در سال ۱۳۷۹ این رقم به ۶۲/۸ افزایش یافته است. این رقم در کشورهای توسعه یافته ۳۹۲/۷، در کشورهای OECD ۴۰۰/۵ و متوسط جهانی ۷۸/۳ می‌باشد.
- ۸- افزایش تعداد تلویزیون از ۱۴۷ به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت در سال ۱۳۷۴ به ۱۶۳ در سال ۱۹۹۹. در این سال شاخص استفاده از تلویزیون در ایران (۷۰٪) کمتر از میانگین جهانی می‌باشد.

**بررسی تجربیات گذشته توسعه و
رویکردهای نهادی، سیاسی و
مبانی نظری توسعه**

◀◀ مقدمه

در خصوص توسعه، تعاریف متعددی ارائه شده است. آرتور لوئیس w.Arthur Lewis توسعه اقتصادی را فرایندی می‌داند که به موجب آن، تولید سرانه شاغلین نیروی کار در بلندمدت افزایش می‌یابد. می‌یرز Gerald M.Meier، توسعه اقتصادی را فرایندی می‌داند که موجب افزایش درآمد سرانه در بلندمدت می‌شود. هیگینز Higgins توسعه اقتصادی را فرایندی می‌داند، که اقتصاد را از یک دوگانگی (بخش سنتی و بخش مدرن)، به یک اقتصاد مدرن برساند. کوزنتس Simon Kuznets، توسعه اقتصادی را، افزایش ظرفیتهای تولیدی و تنوع در تولیدات یک جامعه در بلندمدت می‌داند. برخی از طرفداران مکتب وابستگی و اعضای کمیسیون اقتصادی آمریکای لاتین، دسترسی به توسعه را در گرو تغییر رابطه بین کشورهای مرکز و کشورهای پیرامونی می‌دانند. لیکن در مجموع می‌توان گفت که توسعه عبارت از فرایند بهبود، با توجه به مجموعه‌ای از شاخصها و معیارها یا ارزشها است. توسعه، فرایند بهبود در مبانی علمی و فنی تولید، و دگرگونی و بهبود در سطح زندگی، شرایط کار و نحوه مدیریت نهادی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هر کشور به طور بنیادی و اساسی و به صورت سیستمی و مجموعه‌ای در کنار هم می‌باشد. توسعه، فرایندی با ابعاد مختلف و مجموعه اهداف گوناگون است. این ابعاد جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه را در بر دارد. با توجه به این که ارزشها به شرایط مطلوب و مورد نظر هر جامعه بستگی دارد، و هیچ الگوی جهانی، برای سنجش ارزشها موجود نیست، لذا مفهوم توسعه، جنبه نظری و ارزشی داشته که از یک جامعه به جامعه دیگر، و از یک زمان به زمان دیگر، در حال دگرگونی است. به این ترتیب دیدگاه ارزشی افراد، در تبیین درجه توسعه هر جامعه، مهم می‌باشد و با توجه به متفاوت بودن دیدگاه ارزشی افراد، معانی متعددی برای توسعه مطرح می‌گردد.

◀◀ ۱- معیارها و شاخصهای توسعه

معیارها و شاخصهای زیر به عنوان معیارهایی از توسعه مناسب، مورد قبول همگان در سطح جهانی

است:

- تأمین مخارج معیشتی خانوارها در زمینه نیازهای اساسی از جمله غذا، پوشاک، مسکن، بهداشت و درمان و سایر موارد

- وجود کار برای سرپرستان خانوار

- افزایش دسترسی عموم به آموزش و ازدیاد نرخ باسوادی در جامعه

- افزایش مشارکت عموم افراد در اداره جامعه و حکومت

- استقلال ملی به مفهوم عدم تأثیرپذیری سایر دولتها، بر تصمیمات دولت ملی از تصمیمات سایر دولتها

در این راستا تحقق اهداف اقتصادی، از اولویت برخوردار می‌گردد. زیرا در این صورت است که سوء تغذیه، بیکاری و نابرابری درآمدها و نرخ بیسوادی و سوء بهداشت و غیره کاهش می‌یابد، و پس از این مرحله است که اهداف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی اهمیت می‌یابند. دستیابی به نوعی از نظم، ثبات و تعادل پایدار سیاسی و اجتماعی، هدف بلندمدت توسعه خواهد بود.

میردال **Gunar Myrdal**، شاخصهای دیگری را برای ارزیابی توسعه مد نظر قرار می‌دهد، از جمله:

الف: خردگرایی

ب: توسعه دانش و اجرای مؤثر برنامه‌ریزی توسعه

ج: افزایش بهره‌وری

د: ارتقای سطح زندگی

ه: برابری اقتصادی و اجتماعی

و: بهبود نهادها و رفتارها و عادات و رسوم

ز: استحکام و قوام مالی

ح: استقلال ملی

ط: دموکراسی به طور ریشه‌ای و گسترده در سطح جامعه

ی: انضباط اجتماعی

پال استریتن **Paul Streeten** از نظریه پردازان تجزیه و تحلیل مسائل رفاه عمومی، توسعه را به‌مفهوم نوگرایی و مدرن شدن می‌داند. مدرن شدن از نظر او به معنی تغییر زندگی و تغییر خود انسان

می‌باشد. توسعه از نظر او بهبود ابعاد مرتبط به هم، سطح و میزان محصول و درآمد ملی، شرایط تولید، سطح زندگی (تغذیه، مسکن، بهداشت و آموزش)، شرایط و محیط کار، نهادها و سیاستها می‌باشد. نظریه توسعه استریتن امروزه به «نگرش به توسعه از بعد نیازهای اساسی» معروف است. شایان ذکر است که برخلاف نظریه استریتن، فرایند توسعه، مترادف با رشد اقتصادی نیست. زیرا صرف افزایش تولید ناخالص ملی، سرانه به معنی عدم وجود نابرابری درآمدها نمی‌باشد.

◀ ۲- نظریه‌های پیشرو در توسعه اقتصادی

پنج شاخه تفکر الگوی خطی مراحل رشد، نظریه‌ها و الگوهای تغییرات ساختاری، الگوی وابستگی بین‌المللی، الگوی نئوکلاسیک بازار آزاد و به تازگی نظریه رشد درونزا، به ترتیب متون توسعه اقتصادی را بعد از جنگ جهانی دوم تحت تأثیر قرار داده‌اند، اکنون به بررسی هر یک از آنها می‌پردازیم:

۱-۲- الگوی خطی مراحل رشد

نظریه‌پردازان دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ فرایند توسعه را به عنوان یک رشته از مراحل متناوب از رشد اقتصادی، که تمامی کشورها می‌بایست از آن عبور کنند، تلقی کرده‌اند. این مراحل که از آن به‌عنوان مراحل رشد روستو Rostow یاد می‌شود، مشتمل بر مرحله جامعه سنتی **Traditional Society**، مرحله ما قبل جهش **Pre-Take off**، مرحله جهش **Take-off**، مرحله حرکت به سوی بلوغ اقتصاد و عصر مصرف انبوه می‌باشد. طبق این نظریه، کشورهای توسعه یافته در زمانهای متفاوتی از تاریخ، از «مرحله جهش به رشد خودپایدار» رسیده‌اند. به این ترتیب مشاهده می‌گردد که روستو برای توجیه جریان توسعه اقتصادی، از دیدگاه تاریخی استفاده می‌کند. او معتقد است که هر یک از کشورهای جهان در یکی از مراحل رشد اقتصادی قرار دارند. افزایش در نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری از پنج درصد (۵٪) یا کمتر، به بیش از ده درصد (۱۰٪) درآمد ملی و یا تولید خالص ملی، توسعه یک یا چند واحد صنعتی تولید کننده ماشین‌آلات و سایر محصولات صنعتی با نرخ رشد بسیار زیاد، وجود چارچوب لازم سیاسی، اجتماعی و چارچوب نهادی و سازمانی، جهت ایجاد شرایط لازم برای گسترش بخش مدرن اقتصادی، از پیش شرطهای لازم برای جهش است. تجهیز پس‌اندازهای داخلی و خارجی به منظور ایجاد سرمایه کافی

برای تسریع رشد اقتصادی، از ترفندهای اصلی توسعه لازم برای هر جهش است. مکانیزم اقتصادی این امر که به وسیله آن سرمایه‌گذاری بیشتر انجام می‌شود، می‌تواند بر حسب مدل اقتصاد کلان رشد هارود - دومار **Harrod-Domar** بیان شود.

الگوی خطی مراحل رشد در دهه ۱۹۷۰ به نسبت زیادی به وسیله دو مکتب «نظریه‌ها و الگوهای تغییرات ساختاری» و «نظریه وابستگی بین‌المللی» جایگزین شد.

۲-۲- نظریه‌ها و الگوهای تغییرات ساختاری

تأکید این نظریه بر مکانیزمی است که از طریق آن، اقتصادهای در حال توسعه، ساختارهای اقتصاد داخلی خود را از کشاورزی سنتی معیشتی، به یک اقتصاد مدرن و شهری خدماتی و صنعتی، تغییر می‌دهند. در این الگوها از ابزارهای قیمتی نئوکلاسیک و نظریه تخصیص منابع و اقتصادسنجی نوین، برای تشریح فرایند استفاده می‌گردد.

الگوی نظری مازاد نیروی کار دو بخشی آرتور لویس، نخستین الگوی توسعه است که، حداقل به طور تلویحی، به چگونگی جریان انتقال نیروی کار از روستا به شهر می‌پردازد و بعدها به وسیله جان فی **Fei, J** و گوستاو رانیس **Ranis, G.** تعدیل، تدوین و بسط داده شد. به موجب این الگو، اقتصاد از دو بخش معیشتی روستایی با بازده تولیدی صفر، و یا بسیار پایین نیروی کار اضافی، و بخش صنعتی شهری نوین با بازده تولیدی بالا، مشخص می‌شود، که نیروی کار به تدریج از بخش معیشتی به بخش صنعتی شهری نوین منتقل می‌گردد. تأکید اولیه این الگو بر پایه جریان انتقال نیروی کار و رشد اشتغال در بخش نوین است، و این امر به وسیله مازاد سود بخش نوین، پس از پرداخت دستمزدها و سایر هزینه‌های تولید، و بر اساس این فرض که سرمایه‌دار، تمام سودش را مجدداً سرمایه‌گذاری می‌کند، امکانپذیر می‌گردد. در این الگو فرض می‌شود که سطح دستمزدها در بخش صنعتی شهری ثابت بوده و به عنوان یک مزیت، بالاتر از سطح ثابت معیشتی دستمزد، در بخش کشاورزی سنتی است. طبیعتاً این فرض موجب کشش کامل منحنی عرضه نیروی کار روستایی به بخش مدرن می‌شود. فرایند رشد بخش مدرن و گسترش اشتغال در آن، تا آنجا ادامه می‌یابد که، تمامی مازاد نیروی کار روستایی در بخش جدید صنعتی شهری جذب گردد. از آن به بعد می‌توان سایر نیروی کار بخش کشاورزی را، فقط به قیمت و هزینه بیشتر از تولید

محصولات غذایی جذب نمود. چرا که کاهش نسبت نیروی کار به زمین، به این معنی است که تولید نهایی نیروی کار روستایی، دیگر صفر نیست. بنابر این منحنی عرضه نیروی کار، همگام با ادامه رشد اشتغال و دستمزدها در بخش مدرن، دارای شیب مثبت خواهد شد. به این ترتیب تغییر و تحول ساختاری اقتصاد با انتقال موازنه فعالیتهای اقتصادی از کشاورزی روستایی سنتی، به صنعتی شهری مدرن روی خواهد داد.

الگوهای توسعه ساختاری هولیس چنری، بر فرایندهایی تأکید دارد که، از طریق آن ساختار اقتصادی، صنعتی و نهادی یک اقتصاد توسعه نیافته، در طی زمان تحول یافته، و صنایع جدید به عنوان موتور رشد اقتصادی، جایگزین کشاورزی سنتی می‌گردد. در این الگو، افزایش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، شرط لازم برای رشد اقتصادی محسوب شده، ولی شرط کافی نیست. در ساختار اقتصادی یک کشور برای گذار از نظام اقتصاد سنتی به نظام اقتصاد نوین، علاوه بر انباشت سرمایه فیزیکی و انسانی، مجموعه‌ای از تغییرات به هم پیوسته ضروری است. تغییر در ساختار تولید، تغییر تقاضای مصرف‌کننده، تجارت خارجی و استفاده از منابع و همچنین تغییر در عوامل اقتصادی - اجتماعی مانند شهرنشینی و رشد توزیع جمعیت کشور از جمله تغییرات ساختاری است.

تحلیل‌های تجربی تغییرات ساختاری بر محدودیتهای داخلی (مشمول بر منابع طبیعی و مادی، حجم جمعیت کشور و محدودیتهای نهادی، مانند سیاستها و هدفهای دولت)، و بین‌المللی توسعه (شامل دسترسی به سرمایه و تکنولوژی خارجی و تجارت بین‌المللی) تأکید می‌کند. تفاوت در سطوح توسعه بین کشورهای در حال توسعه، تا حدود زیادی به این نوع محدودیتهای داخلی و بین‌المللی بستگی دارد.

۳-۲- نظریه وابستگی - بین‌المللی

بر اساس این نظریه، توسعه نیافتگی بر حسب روابط قدرت داخلی و بین‌المللی، انعطاف‌پذیری نهادی و ساختاری مورد بررسی قرار می‌گیرد. تأکید این نظریه بر نهادهای داخلی و خارجی و محدودیتهای سیاسی توسعه اقتصادی است، و در آن بر ضرورت جهت‌گیری سیاستها برای رفع فقر، تأمین امکانات متنوع اشتغال و کاهش نابرابری تأکید می‌شود. در این نظریه، اعتقاد بر این است که کشورهای جهان سوم با انعطاف‌پذیریهای نهادی، سیاسی و اقتصادی، چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی،

روبه‌رو بوده و در یک حلقه ارتباطی وابستگی - تسلط، گرفتار کشورهای غنی شده‌اند. تحت این شرایط، سه مکتب فکری «الگوی نو استعماری»، «الگوی نادرست» و «الگوی دوگانگی توسعه» حاکم است. الگوی وابستگی نو استعماری، بر پایه تفکر مارکسیستی، وجود و نگهداشت توسعه‌نیافتگی جهان سوم را، ناشی از تکامل تاریخی نظام بسیار نابرابر سرمایه‌داری بین‌المللی در روابط بین کشورهای غنی و فقیر می‌داند. همزیستی این کشورها در یک نظام بین‌المللی، که تحت شرایط نابرابر قدرت بین مرکز و پیرامون قرار دارد، تلاشهای جوامع فقیر (پیرامونی) را در زمینه خوداتکایی و استقلال در جهت توسعه با مشکل مواجه می‌سازد.

الگوی نادرست، توسعه نیافتگی کشورهای جهان سوم را، ناشی از نصایح نادرست و نامناسب مشاورین متخصص خوش‌نیت، و در عین حال ناآگاه از برنامه سازمانهای کمک دهنده کشورها یا توسعه یافته و سازمانهای پرداخت کننده کمکهای بلاعوض چند ملیتی می‌داند. الگوی دوگانگی توسعه، نمایانگر وجود و تداوم تباین فزاینده بین کشورهای ثروتمند و فقیر در سطح بین‌المللی، و انباشت ثروت در میان مناطق فقیر کشورهای در حال توسعه است.

۴-۲- الگوی نئوکلاسیکی بازار آزاد

لرد پیتر بائر Lord peter Bauer، دی پاک لعل Deepak lal، یان لیتل Jan Little، هاری جانسون Harry Johnson، بلا بالاسا Bela Balassa، جولیان سیمون Julian Simon، جاگدیش باگواتی Jagdish Bhawsti و آن کروگر Anne Krueger از نویسندگان پیشرو مکتب نئوکلاسیکی می‌باشند. متناسب با تفکر نئوکلاسیکی، توسعه نیافتگی ناشی از تخصیص نامطلوب منابع، به دلیل سیاستهای ناصحیح قیمتی و دخالت بیش از حد دولت، در کشورهای جهان سوم بوده است و با شکوفا کردن بازار آزاد رقابتی، خصوصی کردن بنگاههای دولتی، تشویق صادرات و تجارت آزاد، استقبال از سرمایه‌گذاران کشورهای توسعه یافته و حذف مقررات زائد دولتی و انحرافات قیمتی، می‌توان به بالا رفتن کارایی و رشد اقتصادی کمک نمود. مدل رشد سولو نماینده مدل‌های رشد نئوکلاسیک است.

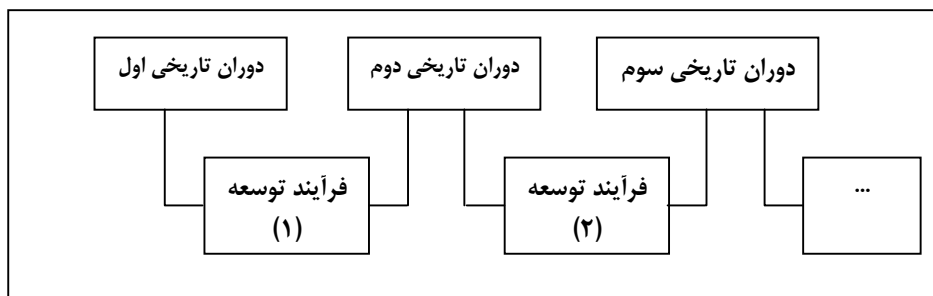
۵-۲- نظریه رشد درونزا

با تشدید بحران بدهیها در کشورهای جهان سوم، آشکار گردید که نظریه سنتی رشد اقتصادی نئوکلاسیک قادر به تبیین تفاوت‌های عمده در عملکرد اقتصادی بین کشورها نیست. بسیاری از کشورهای کمتر توسعه یافته، حتی پس از آزادسازی تجارت و بازارهای داخلی، از رشد چندانی برخوردار نشده و در جذب سرمایه‌گذاری خارجی جدید، و یا متوقف ساختن فرار سرمایه‌های داخلی، با شکست مواجه شدند. جریان سرمایه از کشورهای فقیر به کشورهای ثروتمند، سبب گردید تا نظریه جدید رشد درونزا مطرح گردد. در این نظریه، نرخ رشد تولید ناخالص ملی، به وسیله نظامی که فرایند تولید را هدایت می‌کند، تبیین می‌شود. در این الگوها در مقایسه با الگوی نئوکلاسیکی بازار آزاد، رشد تولید ناخالص ملی، نتیجه تعادل بلندمدت است. تبیین عوامل تعیین کننده رشد و توضیح تفاوت نرخ رشد بین کشورها، انگیزه اصلی این نظریه می‌باشد. همچنین نظریه جدید می‌تواند به تبیین علل جریان بین‌المللی سرمایه، که ثروت بین کشورهای ثروتمند و فقیر را تشدید می‌کند بپردازد.

۳- فرایند توسعه اقتصادی

توسعه، فرایندی است که طی آن باورهای فرهنگی و نهادهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، به صورت بنیادی متحول می‌شوند تا متناسب با ظرفیتهای شناخته شده، جدید شوند. طی این فرایند، سطح رفاه جامعه ارتقا می‌یابد. نمودار شماره ۱، مقاطع زمانی توسعه را نشان می‌دهد. به این ترتیب، توسعه تنها در مقطعی از زمان مطرح است، که یک دوران به دوران دیگر تغییر یابد.

نمودار شماره ۱- مقاطع زمانی توسعه



در فرایند توسعه اقتصادی می‌بایست موارد ذیل را مد نظر قرار داد:

- ۱- انتخاب الگو و مدل مناسب توسعه
- ۲- تعیین محورهای توسعه
- ۳- بسترسازی جهت تحقق توسعه
- ۴- برنامه‌ریزی و کنترل
- ۵- به‌کارگیری ابزار، جهت توسعه

در نمودار شماره ۲ نمونه الگوی توسعه، خاص کشورهای توسعه نیافته و توسعه یافته، به اجمال ترسیم شده است. کشورهای توسعه نیافته در الگوی توسعه خاص خود، سرمایه‌های ملی و پایان‌پذیر خود را با نازل‌ترین قیمت به کشورهای توسعه یافته می‌فروشد، و آن کشورها این مواد را با کارآفرینی و به‌کارگیری تکنولوژی و نیروهای متخصص، به محصولات گرانبه‌مادی و فکری، با ارزش افزوده بسیار بالا تبدیل کرده و به کشورهای توسعه نیافته صادر می‌کنند. کشورهای توسعه یافته نیز در الگوی توسعه خاص خود، مواد اولیه و خام و نیروی انسانی متخصص و غیره را عمدتاً از کشورهای جهان سوم وارد می‌نمایند، و سپس با کارآفرینی به تولید کالا و محصولات فکری و فناوری پیچیده با ارزش افزوده و اشتغالزایی بالا تبدیل و به خارج صادر می‌کنند. به این ترتیب هدف، حرکت از الگوی توسعه نیافته به سمت الگوی توسعه یافته است، و انجام این امر نیازمند ضوابط داخلی و جهانی به شرح زیر است:

ضوابط داخلی لازم: تمرکز سرمایه، سرمایه‌گذاری، نقش کشاورزی و صنعت، نقش سیاستهای پولی و مالی، سیاست کسری بودجه، سیاست قیمت‌گذاری، رشد جمعیت، تمرکز سرمایه انسانی، نقش ابتکار و خلاقیت، نقش دولت و غیره.

ضوابط بین‌المللی: نقش تجارت خارجی، سیاست تجاری، نقش سرمایه و کمکهای خارجی، سرمایه خصوصی خارجی و شرکتهای چندملیتی و انتقال تکنولوژی و غیره.
عوامل مؤثر در انتخاب محورهای توسعه عبارت از موارد ذیل است:

- ارزش افزوده بالا
- اشتغالیابی
- عدم آلودگی محیط زیست
- ارتقای رشد فناوری
- هماهنگی با نیازها و توسعه آتی جهان
- مزیت نیروی انسانی

کولین کلارک **Colin Clark**، به این نکته اشاره دارد که در جریان صنعتی شدن، با افزایش نرخ رشد اقتصادی، سهم تولید و اشتغال بخش کشاورزی در اقتصاد کاهش یافته، و این در حالی است که سهم تولید و اشتغال بخشهای صنعت و خدمات، در کل اقتصاد افزایش می‌یابد.
جایگزینی واردات، ساخت ظرفیتهای تولید کالاهای سرمایه‌ای و توسعه صادرات، از معمول‌ترین استراتژیهای اتخاذ شده در جریان صنعتی شدن می‌باشند.

استراتژی جایگزینی واردات، در واقع تمرکز بر جانشینی کالاها و محصولات ساخت داخل به جای واردات کالاهای مصرفی است و عموماً در اقتصادهای مختلط به کار می‌رود. در این استراتژی صنایع به شکل نوپا و نوزاد تلقی شده، و ضرورت دارد که مورد حمایت قرار گیرد. برقراری تعرفه‌های بالای گمرکی، همراه با سهمیه‌بندی کالا و دیگر موانع تعرفه‌ای بر ورود کالاها، از ابزارهای استراتژی توسعه صنعتی، مبتنی بر جایگزین واردات است.

در استراتژی ساخت ظرفیتهای تولید کالاهای سرمایه‌ای، تلاش می‌شود که کشور، یک ظرفیت داخلی برای تولید کالاهای سرمایه‌ای به وجود آورد، تا بعدها مورد حمایت قرار گیرد. در این نوع

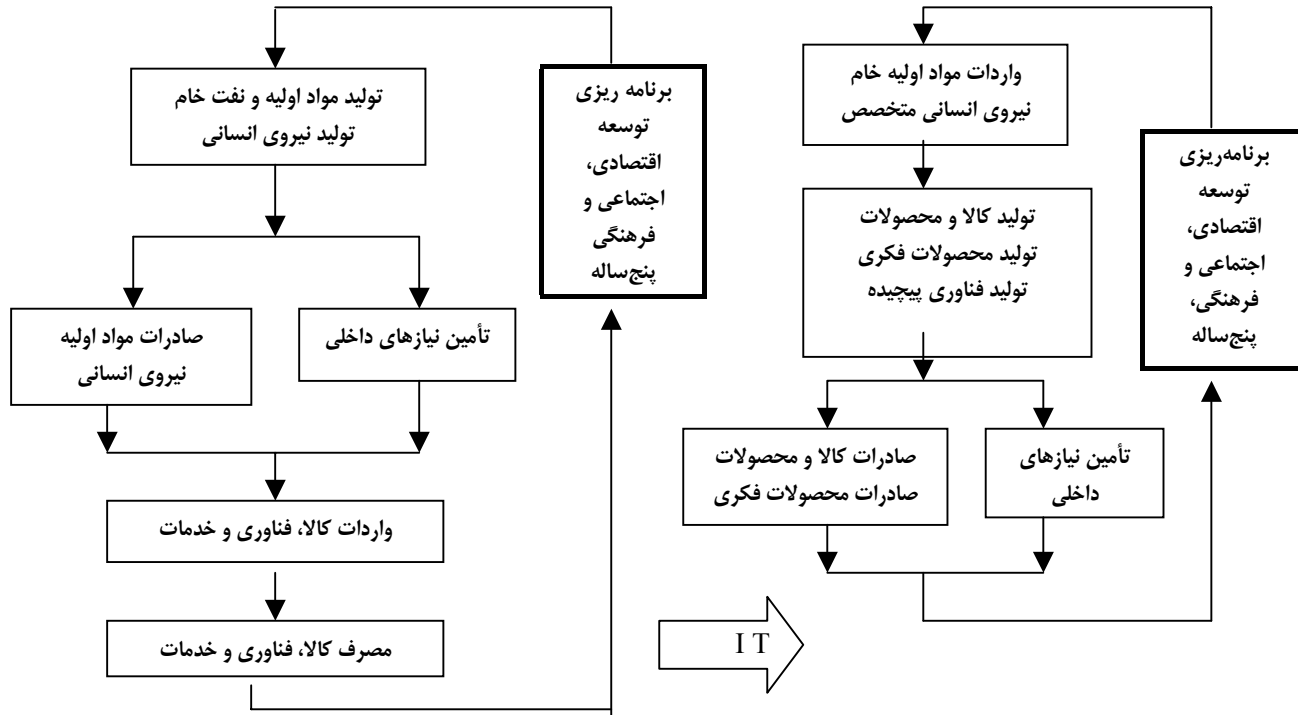
استراتژی، دولت در صورت در اختیار نداشتن درآمدهای لازم، می‌تواند از کسری بودجه جهت تأمین هزینه‌های مربوط به تولید کالاهای سرمایه‌ای، استفاده نماید و از این رو پس‌انداز، نقش مهمی نخواهد داشت.

استراتژی توسعه صادرات، موجب بروز مزایای نسبی در اقتصاد، استفاده بیشتر از نیروی کار در تولید، کاهش نسبت سرمایه به کار و افزایش اشتغال، با توجه به ثابت نگه داشتن دستمزد از طرف دولت می‌شود.

نمودار شماره ۲- الگوی توسعه خاص کشورهای توسعه نیافته و توسعه یافته

الگوی توسعه کشورهای توسعه نیافته

الگوی توسعه کشورهای توسعه یافته



۴- نهادهای مهم توسعه

برای تحقق توسعه، می‌بایست نهادها و سازمانهای لازم ایجاد گردد. جدول شماره ۱، نهادها و ساختارهای سازمانی تأمین کننده، تحکیم کننده و شکوفاساز لازم برای توسعه اقتصادی را ارائه می‌دهد.

جدول شماره ۱- نهادهای مهم توسعه در الگوی توسعه

ویژگی‌های اصلی توسعه لازم	نام نهاد
مشروعیت علم در امور علمی، مشروعیت آرای عمومی در امور غیر علمی، محدودیت دخالت‌های دولت، عدم تمرکز در تصمیم‌گیری‌ها، مشارکت خلاق، واقعی و شکوفای مردم	نهاد حکومتی متکی بر دموکراسی
مستقل از دولت، مقتدر، قانونمند، کارا، سریع، ارزان و در دسترس عموم	نهاد قضایی پاسدار حریم آزادیهای مردم
مستقل از دولت، متنوع، فراگیر و آزاد	رسانه‌های جمعی
مستقل از دولت، معتبر و در اختیار صاحبان استعداد	دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی
مستقل از دولت، متنوع، فراگیر و محل پرورش نوآوران سیاسی	احزاب سیاسی
مستقل از دولت، متنوع، آزاد و فقط محدود به علم و محل پرورش دانشمندان	مؤسسات نظریه پردازی، مجامع علمی و مؤسسات تحقیقاتی
مستقل از دولت، متنوع، فراگیر و محل پرورش نوآوران فنی	مؤسسات پژوهشهای کاربردی R&D
مستقل از دولت، متنوع، دارای قدرت و محل پرورش نوآوران اقتصادی	مجامع و تشکیلات صنعتی، تولیدی شرکتهای سرمایه‌گذاری
متکی بر تولید اقتصادی جامعه، متکی بر کار مردم، قانونمند، متکی بر نگرش آینده‌نگری و مدیریت علمی - فنی	ساختار بودجه دولت
فراگیر، متکی بر هدف اصلی پرورش انسانهای نو و اجتماعی کردن انسانها، رایگان برای عموم، متکی بر نیروی انسانی ویژه و فضاهای آموزشی مناسب	نظام آموزشی عمومی
فراگیر، در ارتباط مستقیم با بافت اقتصادی جامعه و محل عرضه نیروی انسانی ماهر	نظام آموزش فنی و حرفه‌ای
شبکه بانکی گسترده، بازار سرمایه، مهار منابع آب و خاک، شبکه تأمین انرژی، تجهیزات وسیع تولیدی، پذیرفته بودن پیگیری سود در امر اقتصادی و ...	زیرساختهای اقتصادی
نظام حمایتهای اجتماعی معقول و فراگیر، نظام بیمه‌های اجتماعی فراگیر و نظام بیمه‌های فردی فراگیر	زیرساختهای اجتماعی
سیاست خارجی معقول، نیروهای دفاعی کافی، اتحادیه‌ها و پیوندهای منطقه‌ای، اقتصاد قوی و پیوندهای فرهنگی گسترده	نظام تشنج‌زدایی از روابط خارجی
عضویت مؤثر در سازمانهای بین‌المللی، نظام گمرکی نسبتاً باز و نظام حمایت‌های اقتصادی متناسب	نظام پیوستگی اقتصاد در جهان

۵- مروری تاریخی بر برنامه‌های عمرانی کشور

این قسمت از گزارش، به اجمال به شرح اهداف و الگوی توسعه اقتصادی کشور در چارچوب برنامه‌های عمرانی پیش از انقلاب و پس از آن می‌پردازد. بررسی الگوی توسعه هر یک از برنامه‌های عمرانی، حاکی از تحت تأثیر قرار گرفتن مفاد هر یک از شرایط موجود در اقتصاد می‌باشد.

الف - برنامه‌های عمرانی پیش از انقلاب اسلامی

برنامه عمرانی اول (۳۴-۱۳۲۷)

هدف: «... افزایش تولید و تکثیر صادرات و تهیه مایحتاج مردم در داخل کشور، و ترقی کشاورزی و صنایع و اکتشاف و بهره‌برداری معادن و ثروت‌های زیرزمینی، مخصوصاً نفت، و اصلاح و تکمیل وسایل ارتباط و اصلاح امور بهداشت عمومی و انجام هر نوع عملیاتی برای عمران کشور، و بالا بردن سطح معلومات و زندگی افراد و بهبود وضع معیشت عمومی و تنزل دادن هزینه زندگانی...»

الگوی توسعه: توسعه کشاورزی از طریق اقدام بخش خصوصی است. دولت نیز به سدسازی و ارائه‌ی خدمات کشاورزی و اعتبارات به بخش خصوصی اقدام می‌کند.

با توجه به تقسیم کار بین‌المللی و نظریه‌های مربوط به توسعه مستعمرات پیشین، کشور ایران، می‌بایست تولید کننده مواد خام کشاورزی و معدنی و برخی از صنایع مصرفی و به ویژه صنایع نساجی (صنایع کاربر با توجه به کمبود سرمایه) باشد.

برنامه عمرانی دوم (۴۱-۱۳۳۴)

هدف: «... افزایش تولید و تکثیر صادرات و تهیه مایحتاج مردم در داخل کشور، و ترقی کشاورزی و صنایع و اکتشاف و بهره‌برداری معادن و ثروت‌های زیرزمینی، مخصوصاً نفت، و اصلاح و تکمیل وسایل ارتباطی و اصلاح امور بهداشت عمومی و انجام هر نوع عملیاتی برای عمران کشور، و بالا بردن سطح معلومات و زندگی افراد و بهبود وضع معیشت عمومی و تنزل دادن هزینه زندگانی...»

الگوی توسعه: توسعه کشاورزی از طریق سدسازی و تأمین آب است، در این برنامه افزایش امکانات حمل و نقل و ارتباطات مورد اهمیت قرار گرفته، لیکن به صنایع سنگین توجه نشده است.

این برنامه با توجه به توسعه شبکه زیربنای اقتصادی و نگرش نادرست به کشاورزی، عدم توجه به صنعت و به ویژه صنایع سنگین و ماشین‌سازی و بهره‌برداری از معادن، روابط سرمایه‌داری در کشور را با تشدید تراکم سرمایه در بخش خصوصی گسترش داد.

برنامه عمرانی سوم (۴۶-۱۳۴۲)

هدف: خانه‌سازی و ساختمان

الگوی توسعه: با توجه به اهمیت هزینه‌های انجام شده، اولویت دادن به ارتباطات و مخابرات، الگوی توسعه مورد نظر برنامه سوم است. در این برنامه، کشاورزی در درجه اول اهمیت قرار داشت و صنایع، در مقایسه با برنامه دوم، از سهم کمتری برخوردار بود. در این برنامه فصل نیرو و سوخت نیز مورد اهمیت قرار گرفت، که اعتبارات پرداختی به آن بیشتر از فصل صنایع و معادن بود. همچنین در این برنامه به اصلاحات ارضی و خانه‌سازی و ساختمان نیز توجه شد.

در این برنامه دولت از یک سو، شبکه زیربنایی اقتصادی را، با هزینه هنگفت (از محل درآمدهای حاصل از صادرات نفت) توسعه داد و از سوی دیگر، بخش خصوصی را، به لحاظ اعتبار تأمین نمود. اصلاحات ارضی سبب مهاجرت نیروی کار ارزان از روستا به شهر شده، که در فعالیتهای اقتصادی گوناگون اعم از صنعت، ساختمان و خدمات مشغول به کار شدند. از این رو سرمایه‌داری رو به رشد بازار تولید و مصرف روستاها را نیز تحت تأثیر قرار داد و در طول این برنامه، زمینه صنعتی شدن کشور مشابه الگوی مورد نظر غرب فراهم گشت.

برنامه عمرانی چهارم (۵۱-۱۳۴۷)

هدف: «تسریع رشد اقتصادی و تکثیر درآمد ملی از راه افزایش قدرت تولید، با اتکای بیشتر به توسعه صنعتی و بالا بردن بازده سرمایه و استفاده از روشهای مترقی در کلیه فعالیتها، توزیع عادلانه‌تر درآمد، کاهش نیازمندیها به خارج، تنوع بخشیدن به کالاهای صادراتی کشور، تقویت نظام اجرایی از طریق شیوه‌های پیشرفت مدیریت و ...»

اهداف این برنامه بر پایه کسب استقلال نبوده، و برای تعمیق و بنیادی کردن وابستگی اقتصادی طراحی شده بود. زیرا برای تحقق اهداف یاد شده، پوشش هزینه‌ای مناسب در نظر گرفته نشده بود.

الگوی توسعه: صنعتی کردن ایران و رها کردن کشاورزی، تغییر الگوی توسعه ایران و افزایش سرمایه‌گذاری در صنعت، به ویژه از سوی دولت، از یک سو به منظور رشد بازارهای خارجی متعلق به انحصارات امپریالیستی و امکانپذیر شدن جذب تولیدات صنایع و در نتیجه، رشد صنایع تولیدی جایگزین واردات در داخل، و از سوی دیگر، در چارچوب تغییر استراتژی توسعه مورد نظر در برخی از کشورهای در حال توسعه بود.

برنامه عمرانی پنجم (۵۶-۱۳۵۲)

هدف: «افزایش استاندارد زندگی و درآمدها، نیل به رشد متعادل با حداقل تورم، تقویت خدمات اجتماعی و گسترش عدالت اجتماعی، حفاظت از محیط زیست، توزیع عادلانه‌تر منابع انسانی، گسترش علم، دانش و تکنولوژی، افزایش تولید داخلی و واردات صنعتی، سرمایه‌گذاری مازاد پول خارجی در خارج از کشور، به منظور ایجاد منابع جدید ثروت جهت دوران بعد از نفت، و حفاظت و ارتقای فرهنگ و میراث ملی و رشد سرمایه‌داری در ایران.»

الگوی توسعه: پیاده‌سازی الگوهای رشد و توسعه امپریالیستی در همه امور یعنی امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، با نهادی شدن وابستگی اقتصادی و جا افتادن الگوی مصرف.

ب - برنامه‌های عمرانی پس از انقلاب اسلامی

برنامه عمرانی اول (۶۶-۱۳۶۲) (این برنامه به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسید).

هدف: «بر اساس هدفهای اقتصادی - اجتماعی کشور، نیل به خودکفایی در بخش کشاورزی، کاهش سهم بخش نفت، رشد صنعتی، تأکید بر دستیابی به اهداف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌های فرهنگی، بهداشتی و اجتماعی، و استقرار اقتصادی ناوابسته و متکی به منابع داخلی و تأمین منافع مستضعفین جامعه، عوامل اصلی تعیین کننده حجم و ترکیب تولیدات ملی در بیست سال آینده.»

الگوی توسعه: بخش نفت همواره به عنوان موتور محرک رشد، جهت تأمین منابع لازم برای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری مطرح است. تداوم رشد اقتصادی کشور، به رشد بیشتر بخش نفت وابسته بوده و در جریان رشد و توسعه اقتصادی، هیچ‌گاه پیوند و رابطه ارگانیک لازم بین این بخش و سایر بخشها ایجاد نشده، و استمرار رشد اقتصادی به افزایش حجم و ترکیب ناموزون مصرف، در دو بخش دولتی و

خصوصی وابسته است. در نتیجه، سرمایه‌داری وابسته، ایجاد و تقویت گردید. این امر سبب رکود صادرات غیر نفتی، و اشاعه فرهنگ واسطه‌گری و دلالی در دو بخش دولتی و خصوصی شد.

برنامه اول توسعه اقتصادی (۷۲-۱۳۶۸)

هدف: «بازسازی و تجهیز بنيه دفاعی و تأمین نیازهای ضروری آن بر مبنای اهداف دفاعی تعیین شده، بازسازی و نوسازی ظرفیتهای تولیدی و زیربنایی و مراکز جمعیتی خسارت دیده در طول جنگ تحمیلی، در چارچوب اولویتهای برنامه، گسترش کمی و ارتقای کیفی فرهنگ عمومی تعلیم و تربیت و علوم و فنون در جامعه، با توجه خاص نسبت به نسل جوان، ایجاد رشد اقتصادی در جهت افزایش تولید سرانه، اشتغال مولد و کاهش وابستگی اقتصادی، با تأکید بر خودکفایی محصولات استراتژیک کشاورزی و مهار تورم، تلاش در جهت تأمین عدالت اجتماعی اسلامی، تأمین حداقل نیازهای اساسی آحاد مردم، تعیین و اصلاح الگوی مصرف در جهت تعیین نیازهای انسان و جامعه، در جریان رشد و تکامل مادی و معنوی با حفظ کرامت و آزادی انسان، اصلاح سازمان و مدیریت اجرایی و قضایی کشور در ابعاد مختلف، تلاش در جهت امنیت قضایی و تحکیم مبانی نظری و عملی، تساوی عموم در برابر قانون و اجرای عدالت و حمایت از آزادیهای مشروع فردی و اجتماعی، سازماندهی فضایی و توزیع جغرافیایی جمعیت و فعالیت، متناسب با مزیت‌های نسبی هر منطقه، به استثنای مواردی که ملاحظات سیاسی و نظامی ایجاب می‌نماید.»

الگوی توسعه: ایجاد وضعیتی جدید با تکیه بر سازوکارهای بازار و مشارکت بخش خصوصی، استفاده از ظرفیتهای بلااستفاده، توجه به بخش کشاورزی و تأکید عمده بر توسعه صنایع سرمایه‌ای و واسطه‌ای از طریق تقویت بنيه‌های تولید داخلی، استفاده حداکثر از ظرفیتهای معدنی کشور در جهت توسعه صادرات غیر نفتی، و همچنین ایجاد ارتباط منطقی با فعالیتهای بخش صنعت، انجام سرمایه‌گذاری‌های لازم، جهت افزایش امکان صدور نفت و همچنین افزایش تولید فرآورده‌های نفتی، بازسازی واحدهای مسکونی خسارت دیده طی سالهای جنگ تحمیلی، در چارچوب سیاست‌های بازسازی کشور و بهبود روند ساخت مسکن جهت پاسخگویی به نیاز جامعه.

برنامه دوم توسعه اقتصادی (۱۳۷۴-۷۸)

هدف: «تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی، رشد فضائل بر اساس اخلاق انسانی و ارتقای کمی و کیفی فرهنگ عمومی جامعه، هدایت جوانان و نوجوانان در افزایش بهره‌وری، تربیت انسانی، رشد و توسعه پایدار اقتصادی با محوریت بخش کشاورزی، اصلاح ساختار نظارتی اجرایی و قضایی کشور، در جهت تحقق اهداف برنامه، تقویت مشارکت عامه مردم، تلاش در جهت کاهش وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای حاصل از نفت و توسعه صادرات غیر نفتی، تقویت بنیه دفاعی کشور، رعایت اصول مصلحت کشور در سیاست خارجی، تلاش در جهت حاکمیت کامل قانون و حفظ امنیت همه جانبه، نظم اجتماعی و وجدان کار، نظام دهی و به‌کارگیری تحقیقات، ایجاد تعادل در بخشهای اقتصادی (تعاونی، خصوصی و دولتی)».

الگوی توسعه: توسعه و بهبود کیفیت شرایط عمومی زندگی مردم، مشتمل بر بهبود توزیع درآمد و ثروت و کاهش ضریب جینی، تأمین بهداشت عمومی و گسترش بیمه همگانی، جهت دادن کمکهای انتقالی دولت در قالب یارانه‌ها، توجه به مناطق محروم با اولویت اشتغال و بهداشت، اصلاح سیستم مالیاتی، توسعه امنیت قضایی و ...

برنامه سوم توسعه اقتصادی (۱۳۷۹-۸۳)

هدف: «اهتمام به امر عدالت اجتماعی و اولویت آن به عنوان یک هدف و مبنای محوری در جامعه، تأمین حقوق و آزادیهای مشروع و قانونی همه شهروندان و ایجاد و تقویت فضای مطمئن و قانونمند برای کلیه فعالیتهای، واگذاری شرکتهای دولتی به بخشهای خصوصی و تعاونی، حذف انحصارات، تمرکززدایی از ساختار اداری و اقتصادی، هدفمند نمودن سیاستهای حمایتی دولت، استقرار نظام تأمین اجتماعی، توجه به امر اشتغال و ایجاد حداکثر تحرک و تأمین فرصتهای شغلی، ایجاد جهش در صادرات غیر نفتی و کاهش وابستگی به درآمدهای حاصل از صدور نفت خام، اصلاح نظام مالیاتی و ...»

الگوی توسعه: مرکز کلیه فعالیتهای مربوط به رشد و توسعه اقتصادی به سمت عدالت اجتماعی، کاهش فاصله طبقاتی، رفع محرومیت ایجاد نظام جامع تأمین اجتماعی، مهار تورم و حفظ قدرت خرید گروههای متوسط و کم درآمد جامعه، کمک به سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال، اصلاح نظام مالیاتی جهت

برقراری عدالت، توسعه و عمران روستاها و توجه به معیشت روستانشینان، تشویق سرمایه‌گذاری و کارآفرینی و توسعه فعالیتهای اشتغالزا در جهت کاهش بیکاری، عدم ترجیح بخشهای خصوصی و تعاونی در برخورداری از امتیازات و دسترسی به اطلاعات، جهش صادرات غیر نفتی و کاهش وابستگی به درآمدهای حاصل از صادرات نفت، افزایش تولید داخلی به ویژه در زمینه کشاورزی، آموزش و بازآموزی نیروی انسانی در سطوح مختلف، جذب منابع خارجی و ...

۶- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

دستیابی به توسعه ملی پایدار، یکی از دغدغه‌های اصلی برنامه‌ریزان اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است. این ضرورت با توجه به وضع موجود کشور و جایگاه بین‌المللی آن، و بالاخره مروری بر تجربیات برنامه‌ریزی و الگوهای توسعه در کشور، خود را نشان می‌دهد. تجربه نیم قرن توسعه مبتنی بر برنامه‌ریزی در ایران، به خوبی بیانگر ناکامی الگوهای یک بعدی ناموزون و اقتدارگرایانه توسعه می‌باشد. از این رو ضرورت بازنگری در بینشها و الگوهای حاکم بر برنامه‌ریزی توسعه و حرکت به سوی برنامه‌ریزی برای توسعه جامع، پایدار و ملی را نشان می‌دهد. این الگو می‌بایست مشابه با هر کشور دیگری با فرهنگ و معیارهای ارزشی حاکم بر جامعه انطباق یابد و شرایط بین‌المللی، تجربه سایر کشورها و ویژگی‌های اقتصادی کشور را مد نظر قرار دهد.

حاکمیت انسان بر سرنوشت اجتماعی خویش، نخستین معیار ارزشی است که نمی‌بایست مورد تهدید قرار گیرد. در خصوص ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز، مسائل و تمهیداتی که در این زمینه‌ها وجود دارد، چیزی نیست که از چشم صاحب‌نظران، به ویژه برنامه‌ریزان کشور پنهان باشد، و نیازی به ارائه‌ی آمار و ارقام داشته باشد. بدون این که بخواهیم آثار مثبت تحولات و اصلاحات اقتصادی در ایران را طی دهه‌های اخیر نادیده بگیریم، کاستی‌هایی که هنوز در مقایسه با انتظارات فزاینده جامعه امروزی ایران به چشم می‌خورد فراوانند. مهم‌ترین این کاستی‌ها عبارتند از:

- کندی و عدم کفایت رشد اقتصادی و سطح نازل سرمایه‌گذاری‌های مولد
- سطح پایین اشتغال و کارایی نیروی کار
- درجه بالا و فزاینده نابرابری و فقر

- حاشیه‌ای شدن روزافزون بخش کشاورزی و اقتصاد روستایی
- پیوند ناچیز، سست و کم تنوع اقتصاد ملی با اقتصاد جهانی
- سهم ناچیز کشور ایران در تولید محصولات پیچیده صنعتی و تولید علم و فناوری جهانی
- وابستگی شدید و خطیر اقتصاد ملی به تولید و تجارت نفت خام
- رشد روزافزون بخشهای غیر مولد، زیرزمینی و فاسد در اقتصاد ملی و تسلط آنها بر ساختار اقتصادی
- از نظر اجتماعی و فرهنگی نیز موارد زیر به صورت عریان و آشکاری خود را در زندگی روزمره نشان می‌دهند:
- توزیع نامتناسب جمعیت در سطح مناطق و بخشهای مختلف، و جابه‌جایی‌های بی‌رویه و بی‌حساب جمعیت (مهاجرت داخلی و خارجی)
- رشد بی‌رویه و بی‌سامان شهرها و بحران در مدیریت کلان‌شهرها
- تضعیف و تخلیه روزافزون سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی کشور
- بحران در نظام آموزشی و اتلاف سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی کشور
- بحران در نظام آموزشی و اتلاف بخش مهمی از انرژی و اوقات نوجوانان و جوانان در دوران تحصیل
- کاهش انگیزه تحصیل علم و تخصص در میان جوانان و بی‌اعتمادی آنها به آینده
- ارزشهای جمعی و رشد فراگیری خودخواهانه
- افزایش ناهنجاریها و جرایم و مفسد اجتماعی
- اختلال در کارکرد نهادهای فرهنگ ملی و بومی، ناچیزی ارتباط و حتی انسداد این نهادها، در رابطه با جریانهای فرهنگی جهانی و آسیب‌پذیری جامعه در برابر جریانهای ناسازگار فرهنگی
- تقویت و بروز و ظهور گرایشها و تعصبات کور فرقه‌ای و قبیله‌ای
- از نظر سیاسی، میراثهای گذشته، به ویژه آثار تحولات سیاسی یک سده اخیر کشور، جنبه‌های مثبت و منفی خود را در صحنه سیاسی ایران به نمایش گذاشته است. ابعاد مثبت این تحولات، البته شامل ورود تدریجی جامعه ایران به عرصه سیاست مدرن، یعنی گسترش ارتباط با جریانها و نهادهای سیاسی و

حقوقی جهانی، افزایش میل به مشارکت سیاسی، حضور فعال تر دولت در عرصه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... است. با وجود این، فرایند توسعه سیاسی در ایران معاصر، با قبض و بسطها، نوسانات و حتی واکنشهای متعددی همراه بوده است و بحرانها و بی ثباتی های ناشی از این نوسانات، نه تنها نظم سیاسی را مختل کرده، بلکه اثرات منفی خود را بر دیگر فرایندهای توسعه باقی گذاشته است. به طور کلی اگر بخواهیم یک آسیب شناسی مختصر از تجربه توسعه سیاسی در ایران، بیان کنیم می توان گفت، ناهمزمانی و ناموزونی ابعاد مختلف توسعه، بحرانها و اختلالهای خود را بیش از هر جای دیگری، در عرصه سیاست نشان می دهد. بارزترین این اختلاف، امروزه به شرح ذیل در عرصه سیاست به چشم می خورد:

- طیف وسیعی از شکافهای ایدئولوژیک، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و اقتصادی و غیره، در شکل های مستقیم و غیر مستقیم و به صورت شدید و گاه تخریب کننده در صحنه سیاست، رقابتها و منازعات سیاسی، بروز و ظهور یافته است.

- اجماع چندانی بر سر ارزشها و هنجارهای اصلی سیاسی، حتی در میان نخبگان حاکم وجود ندارد.
- نظام سیاسی و ساختار قدرت، شامل لایه ها و بخشهای متعدد و متداخلی است که روی هم رفته فاقد انسجام، هماهنگی و همسویی است و نظامهای ارزشی متعدد و گاه متعارضی را در درون خود به نمایش می گذارد.

- دستگاه های حکومتی، فوق العاده حجیم، پرهزینه و ناکارآمد هستند و تمایل شدیدی به مداخله در عرصه های مختلف زندگی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اعمال ترجیحات سیاسی خود بر این عرصه ها دارند و روابط و کارکردهای این عرصه ها را، دچار اختلالهای شدیدتری می سازند.

- دستگاه حجیم حکومتی، حتی در درون خود به دلیل تشدید شکافها و رویارویی های سیاسی میان نیروها و جریانهای سیاسی رقیب در درون حکومت، نه تنها از انجام کار ویژه های اصلی، یعنی تنظیم روابط بخشهای مختلف سیستم اجتماعی بازمانده اند، بلکه خود به یکی از علل و عوامل تشدید بی نظمی ها و نابسامانی ها تبدیل شده اند. به طور کلی وضعیت سیاسی موجود، گاه از حد ناکارآمدی حکومت در تنظیم و اداره جامعه در می گذرد، و به تعبیر برخی از شاهدان به صورت نوعی دوگانگی و

ناسازگاری در ساختار قدرت ظاهر می‌شود. این وضعیت بر بالاتکلیفی مربوط به جهت‌گیری‌ها و سیاستهای داخلی و خارجی افزوده است.

ظرفیتهای محدود و موانع موجود در نظام، و فرهنگ سیاسی حاکم برای پذیرش و تنظیم مشارکت سیاسی گروههای طالب مشارکت، و تبدیل فضای سیاسی به عرصه منازعه و تخاصم و حرکت به سمت محدودسازی و محروم‌سازی سیاسی، و بعضاً انسداد سیاسی در سالهای اخیر، نه تنها به اتلاف بخش مهمی از انرژی نخبگان و نیروهای سیاسی انجامیده است، بلکه درجات فزاینده‌ای از سرخوردگی و ناامیدی سیاسی را در میان بخشهایی از نیروهای سیاسی و اجتماعی، به وجود آورده است.

تغییر فضای بین‌المللی و ظهور شکل‌های جدیدی از فشارها و مداخلات نیروهای خارجی برای تأثیرگذاری بر ساختارها و فرایندهای سیاسی، اثرات تهیه کننده نابسامانی‌های داخلی را افزایش داده است.

به طور کلی نظام سیاسی مستقر، همزمان با مسائل و بحرانهای متعدد داخلی در زمینه مقبولیت، مشارکت، نفوذ و غیره، و همچنین فشارهای خارجی، مواجه است و این وضعیت نظم و سامان سیاسی و به تبع آن دیگر بخشهای سیستم اجتماعی را، در معرض خطرات زیادی قرار داده است.

فهرست منابع و مآخذ:

- ۱- تودارو، مایکل. ۱۳۷۷، «توسعه اقتصادی در جهان سوم»، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، ترجمه فرجادی، غلامرضا
- ۲- رزاقی، ابراهیم. ۱۳۶۷، «اقتصاد ایران»
- ۳- رزاقی، ایران. ۱۳۷۰، «الگوی برای توسعه اقتصادی ایران»
- ۴- سازمان برنامه و بودجه. ۱۳۷۲، «مستندات برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۷۷-۱۳۷۳)»، جلد یازدهم، عملکرد برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۷۲-۱۳۶۸)، (مقدماتی)
- ۵- سازمان برنامه و بودجه. ۱۳۷۶، «قانون برنامه اول توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۷۲-۱۳۶۸)

- ۶- سازمان برنامه و بودجه. ۱۳۷۶، «قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۷۸-۱۳۷۴)»
- ۷- سازمان برنامه و بودجه. (۱۳۷۹)، «قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۸۳-۱۳۷۹)»
- ۸- سازمان برنامه و بودجه. ۱۳۷۸، «سند برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۸۳-۱۳۷۹)، پیوست شماره ۲ لایحه برنامه، جلد اول و دوم»
- ۹- طاهری، شهنام. ۱۳۷۶، «توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی»
- ۱۰- عظیمی، حسین. ۱۳۷۸، «ایران امروز در آینه مباحث توسعه»
- ۱۱- قره‌باغیان، مرتضی. ۱۳۷۰، «اقتصاد رشد و توسعه»، جلد اول
- ۱۲- قره‌باغیان، مرتضی. ۱۳۷۱، «اقتصاد رشد و توسعه»، جلد دوم
- ۱۳- کوزنتس، سیمون. ۱۳۷۲، «رشد نوین اقتصادی»، ترجمه قره‌باغیان، مرتضی
- ۱۴- کازوشی اوکاوا و هیروهیسا کوهاما. ۱۳۷۲، «فازهای توسعه کشورهای در حال توسعه و تجزیه ژاپن»، ترجمه سلطان‌زاده، بهزاد
- ۱۵- مهدوی، ابوالقاسم. ۱۳۸۰، «راهبردهای کلان رشد اقتصادی ایران»
- ۱۶- هایامی، یوجیرو. ۱۳۸۰، «اقتصاد توسعه از فقر تا ثروت ملل»، ترجمه آزاد (ارمکی)، غلامرضا
- ۱۷- هایول، جونز. ۱۳۷۰، «درآمدی به نظریه‌های جدید رشد اقتصادی»، ترجمه لطفی، صالح
- ۱۸- Lewis, W.A. 1966, Development Planning, The Essentials of Economic Policy.
- ۱۹- Waterstone, A. 1982, Development Planning, Lessons of Experience

تعامل اقتصاد ایران

با اقتصاد جهانی به منزله

مضمون اصلی چشم‌انداز و

برنامه چهارم

◀ ۱- انتخاب مفاهیم نظری، پندارها و دیدگاه‌های مثبت در فرایند توسعه

اقتصاد ایران طی ۲۳ سال گذشته، به رغم افت و خیزها و نوسانات تولید و تجارت، نتوانسته است به یک جریان رشد پیوسته و پایدار دست یابد. در این سالها، در قبال رشد متوسط جمعیت در حد دو و هفت دهم درصد (۲/۷٪) در سال، میانگین رشد تولید ناخالص داخلی برابر تقریباً یک و نیم درصد (۱/۵٪) در سال بوده است.

نتیجه این فرایند، کاهش درآمد سرانه به میزان یک و دو دهم درصد (۱/۲٪) در سال، و طبعاً کاهش رفاه عمومی، و تنزل سطح زندگی مردم و از همه مهم‌تر، پایین آمدن موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی کشور در مقایسه با کشورهای هم‌تراز در حال توسعه، و از جمله برخی از همسایگان ایران بوده است.

پرسش آن است که به رغم همه امکانات طبیعی و مادی، ذخایر معدنی، نیروی انسانی جوان و کادرهای تحصیلکرده و متخصص، موقعیت جغرافیایی ممتاز، تنوع آب و هوا و اقلیم و ... چرا ایران نتوانسته است در این دوره نسبتاً بلندمدت، به یک تحول صنعتی و اقتصادی متناسب با سطح شایستگی‌ها و مزیت‌های ملی خود دست یابد و از فرصت‌هایی که به ویژه در دهه آخر قرن بیستم، و در شرایط کنونی در مقیاس منطقه‌ای و بین‌المللی پیش آمده است، استفاده نماید و از یک کشور متکی بر پایه منابع طبیعی، و تولید و تجارت کالاهای نخستین با ساختار نیمه صنعتی، به کشوری پیشرو با گستره متنوع‌تری از فعالیتهای تولیدی - صنعتی - تجاری متحول شود؟ شایان ذکر است که در همین دو دهه مورد بحث، کشورهایی مانند مالزی، کره جنوبی، چین و ترکیه در آسیا و کشورهای نظیر برزیل، شیلی، آرژانتین، مکزیک و ... در قاره آمریکا (با پایه وسیع جمعیتی) توانسته‌اند با اتخاذ استراتژیها و راهبردهای توسعه مناسب از وضعیتی تقریباً مشابه ایران و عموماً سطوح درآمد سرانه پایین‌تر، به ارقام بالایی از رشد اقتصادی دست یابند، و به تدریج به جرگه کشورهای توسعه یافته صنعتی بپیوندند.

در پاسخ به پرسش یاد شده طبعاً می‌توان به رخدادهایی که طی همین دو دهه در ایران به وقوع پیوسته است، چون شرایط ناشی از چالش‌های انقلاب، دگرگونی‌های سیاسی - مدیریتی، جنگ تحمیلی طولانی و تخریبها و ویرانی‌های ناشی از آن، افت و خیزهای درآمد نفت به منزله عامل مسلط در اقتصاد

ایران، تحریم خارجی و حصر اقتصادی و ... اشاره کرد. لیکن در کنار همه این پدیده‌ها، در ارزیابی علل عملکرد محدود اقتصاد کشور، به هیچ روی نباید از تأثیرگذاری سه عامل عمده و اساسی زیر غفلت کرد:

- ۱- چیرگی باورها، دیدگاهها و تفکرات مغایر با پیشرفت و قانونمندی‌های توسعه
- ۲- فقدان طرح راهبردی و خطوط راهنمای فراگیر و همه جانبه توسعه اقتصادی - صنعتی
- ۳- عملکردهای اجرایی و اتخاذ سیاستها و رویکردهای متغیر و متناقض، شیوه‌های تصمیم‌گیری مقطعی و موضعی و موردی، گزینش رهیافتهای بخشی به جای کلان‌نگری برای حل و فصل مسائل و تنگناهای توسعه، عدم حاکمیت تفکر علمی در مدیریت اقتصادی، اتخاذ روشهای آزمایش و خطا در اقدامات و سیاست‌گذاری‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت، بدون توجه به نتایج، آثار و هزینه‌های اجتماعی آن و ...

در میان این مباحث، عامل نگرشها و دیدگاههای حاکم بر فرایند توسعه در اتخاذ سیاستها، عملکردها، روندها و گرایشهایی که در اقتصاد ایران شکل گرفته است، نقشی غالب و تعیین کننده داشته است. در غیاب یک برنامه راهبردی بلندمدت برای رشد و توسعه اقتصادی - صنعتی، آنچه که بر رفتارها و عملکردهای مدیریت اقتصادی کشور غلبه داشته است، تفکرات، دیدگاهها و انتظاراتی بوده است که در اکثر موارد بر اساس تجربه‌های توسعه اقتصادی جهان، بعد از انقلاب صنعتی تاکنون، ناممکن و یا ناموفق بوده و به رشد و پیشرفت پایداری منجر نشده، و به دلیل استوار نبودن بر منطق علمی و اقتصادی، در عمل به نتایج معکوس با هدفهای اعلام شده انجامیده است. از جمله این دیدگاهها و الگوهای مطرح شده در دو دهه اخیر در زمینه اداره امور اقتصادی ایران، می‌توان به احکام و شبه‌نظریه‌های زیر اشاره کرد:

- محوریت بخش کشاورزی در توسعه اقتصادی کشور و غفلت از گسترش و تعمیق فرایند صنعتی شدن

- ترغیب روستائین و تکیه بر تثبیت جمعیت روستایی، بدون ملاحظه تحولات تکنولوژیک

- پذیرش فرضیه «کوچک زیباست»، همراه نگرش منفی نسبت به واحدهای بزرگ و مجتمعهای صنعتی - تجاری، بدون ملاحظه ضرورت پیوند ارگانیک بین خوشه‌ها و گروههای صنعتی کوچک و متوسط با واحدهای صنعتی بزرگ، به منزله هسته‌های اصلی تقاضا کننده

- نگرش منفی نسبت به توسعه بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری صنعتی

- قرینه پنداشتن مفاهیم اقتدار دولت و حاکمیت آن به اندازه و بزرگی دولت

- تفکر ناظر بر گسترش تصدی‌گریهای دولت، به منزله شرط لازم برای حل و فصل مشکلات اقتصادی کشور و تأمین نیازهای اساسی مردم

- برتری دادن به امر توزیع درآمد و عدالت اجتماعی، بدون تکیه بر افزایش تولید، رشد اقتصادی، ارتقای کارایی و بهره‌وری، به منزله عامل اصلی بالا بردن سطح زندگی و تأمین رفاه و عدالت اجتماعی

- غلبه باورهای درونگر متکی به اقتصاد بسته، و خودکفایی در حوزه‌های مهمی چون کشاورزی، صنعت، علوم و تکنولوژی در شرایط ناگزیر ادغام غیر متقارن اقتصاد ایران با اقتصاد جهانی، از طریق نفت

- تلقی بازار به منزله ایدئولوژی اقتصادی، و نه ابزاری برای تخصیص منابع و توسعه و پیشرفت

- باور به گسترش کنترل و دخالت‌های دولت در حوزه‌های اقتصادی چون سهمیه‌بندی، قیمت‌گذاری، مقررات ناظر بر عملکرد بازار کار، اعتبارات کنترل شده بانکی و ... بدون توجه به اثرات آن در ایجاد اختلال و اعوجاج در بازارها و عملکردهای اقتصادی

نتیجه این گونه باورها و دیدگاهها، همراه با پرداختن مستمر به عارضه‌ها و معلولها، به جای علت‌یابی مشکلات و تنگناها و یافتن راه‌حلها در چارچوب تفکری جامع و فراگیر و بی‌اعتنایی به تخصص، تجربه و شایستگی‌های علمی افراد در حوزه‌های مشخص مدیریتی، به ویژه در امور اقتصادی و نیز مدیریت اقتصادی با نگرشهای غالب و مرسوم تجاری، و از همه مهم‌تر عدم توجه به اهمیت و نقش سرمایه‌گذاری، به منزله مهم‌ترین عامل رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال و رفع بیکاری، سبب شده است که اقتصاد ایران نتواند مسیر اصلاحات ضروری و پیش‌بینی شده در برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور را پیگیری کرده و به نتیجه برساند، و زمینه‌ها و فضای لازم برای قرار گرفتن در کاروان کشورهای نواخته و پیشرو صنعتی و دستیابی به آرمانها و هدفهای یک جامعه متمدن و مرفه را فراهم آورد.

حرکت جامعه جهانی، اکنون به گونه‌ای است که از نظر دیدمانهای توسعه و مدلها، راهبردها و سیاستهای اقتصادی، نوعی هماهنگی و همگرایی با قوت در حال شکل‌گیری است، که فرصت زیادی

برای طرح و انتخاب مدل‌های گوناگون نظیر مدل‌های روسی، چینی، کوبایی، ویتنامی، هندی، الجزایری و ... آزمایش راه اول، دوم، سوم و ... باقی نمی‌گذارد. اکنون نیروهای پیش‌برنده جهانی شدن و عمده تحولات فناوری در حوزه اطلاعات و ارتباطات از یک سو، و آزادسازی رژیم‌های تجاری، سرمایه‌گذاری و مالی در اغلب کشورهای جهان از سوی دیگر، مدل و قانونمندی‌های واحدی را بر فرایند توسعه ملی کشورها حاکم کرده، و حاکمیت‌های ملی را مجبور ساخته که به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر از لحاظ اصولی و راهبردی، با وجود اختلاف در جزئیات سیاست‌گذاری داخلی و توجه به ضرورت ملی و مراحل رشد، از انگاره‌های واحدی پیروی و تبعیت کرده یا در آینده نه چندان دور چنین کنند.

◀ ۲- اصلاحات برنامه سوم توسعه و تحرک در فعالیتهای اقتصادی

در قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، و سپس در راهکارهای اجرایی آن که به تصویب هیئت وزیران رسیده است، مجموعه‌ای از خطمشی‌ها، سیاستها، تدابیر اجرایی و اقدامات به هم پیوسته‌ای برای انجام اصلاحات ساختاری - سیاستی در نظر گرفته شده است که امید می‌رفت با اجرای این مجموعه، فضا و شرایط لازم برای رشد اقتصادی، افزایش سرمایه‌گذاری، ایجاد اشتغال و گسترش صادرات غیر نفتی در کشور، به گونه‌ای مستمر و با ثبات فراهم آید. اکنون که مدتی بیش از دو سال از اجرای این برنامه می‌گذرد، با نگاهی به این مجموعه سیاستها و تدابیر، که تنها پاره‌ای از مهم‌ترین عناوین و مضامین اقتصادی - مدیریتی آن در زیر آمده است، می‌توان در مقایسه با آنچه انجام گرفته است، میزان دستاوردها و موفقیتها در این برنامه را ارزیابی نمود:

◀ الف - اصلاح نظام اجرایی و ساختار بخش عمومی، متضمن کوچک کردن دولت و توسعه

بخش خصوصی

- اصلاح ساختار اداری و مدیریتی
- ساماندهی شرکتهای دولتی
- تنظیم انحصارات و رقابتی کردن فعالیتهای اقتصادی
- توسعه بخش خصوصی و خصوصی‌سازی

◀ ب - اصلاح مدیریت اقتصادی و اتخاذ سیاستهای اقتصادی هماهنگ

- زمینه‌سازی برای ایجاد استقلال سیاستهای پولی از سیاستهای مالی
 - حرکت به سمت خصوصی‌سازی فعالیتهای بانکی و بیمه‌ای
 - گسترش و تعمیق بازار سرمایه
 - حرکت در جهت استقرار ارزی انعطاف‌پذیر و یکسان‌سازی نرخ ارز
 - کنترل کسری بودجه و حجم پول، با هدف کاهش تورم و حرکت به سوی آزادسازی مالی
 - اصلاح نظام مالیاتی و بودجه دولت، جهت برقراری کاهش نرخها و افزایش پایه مالیاتی و شفاف‌سازی نظام بودجه‌ریزی
 - رفع موانع سرمایه‌گذاری، تولید و نهادسازی برای گسترش و توسعه صادرات
 - آزادسازی تجاری، دربرگیرنده رفع محدودیتهای مقداری و موانع غیر تعرفه‌ای و تعرفه‌ای کردن تجارت خارجی
 - استقرار نظام تأمین اجتماعی فراگیر و هدفمند کردن یارانه‌ها
 - اصلاح سیاستهای اشتغال و تجدید نظر در نهادهای قانونی بازار کار
- برنامه سوم، نخستین برنامه‌ای است که در آن، مجموعه اصلاحات اقتصادی یاد شده، به گونه‌ای هدفمند و اجزای آن به صورت متصل به هم و سازگار با یکدیگر طراحی و مطرح شده، و ناگزیر اجرای آن نیز مستلزم عملیاتی کردن احکام برنامه در چارچوب یک نقشه اجرایی با اقدامات مشخص، هم‌پیوند و تقدم و تأخر از پیش تعیین شده بوده است، که تاکنون نسبت به این مهم تفکر و اقدام پیوسته و همه جانبه‌ای صورت نگرفته است. در نتیجه مضامین مورد نظر اصلاحات اقتصادی برنامه، بدون توجه به چنین اولویت‌گذاری منطقی، عموماً به صورت مجزا مد نظر قرار گرفته، در برخی زمینه‌ها به صورت ناقص عمل شده، و در اکثر موارد عملاً اجرای آن معوق مانده است. برای مثال توسعه بخش خصوصی و ایجاد فضای مناسب برای جلب سرمایه‌های خصوصی (داخلی و خارجی)، حرکت به سمت استقرار مکانیسم بازار، و در بطن آن خصوصی‌سازی همراه با اصلاح نظام تجارت خارجی، ساماندهی بازارهای مالی و ... از یک سو، و کوچک کردن اندازه دولت و تقویت کارکردهای حاکمیتی آن و نیز کاهش تصدیهای دولتی و رقابتی کردن فعالیتهای از طریق حذف یا تنظیم انحصارات از سوی دیگر، مجموعه

اعمال متصل به هم بوده است که قطعاً جدا کردن و اجرای آنها به صورت انتزاعی و بدون اولویت‌گذاری و زمانبندی مشخص، چه بسا می‌تواند نتایج معکوس هدفهای مورد نظر برنامه را به بار آورد. باید توجه داشت که اجرای چنین مجموعه‌ای از اصلاحات و نهادسازی‌ها (که قطعاً متضمن هزینه‌هایی در ابعاد اقتصادی - اجتماعی است)، در نهایت معطوف به دستیابی به رشد اقتصادی و گسترش و تعمیق فرایند صنعتی شدن کشور است و بنابر این آزادسازی تجاری، یکسان‌سازی نرخ ارز و رقابتی کردن فعالیتهای، نمی‌تواند بدون ملاحظه آسیب‌پذیری بخش صنعت در شرایط کنونی، و ضرورت تنظیم و اجرای یک برنامه مدون بازسازی، و توسعه بخش صنعتی در کنار سایر اقدامات یاد شده، انجام پذیرد.

در همین زمینه می‌توان به نمونه دیگری از همبستگی اجزای برنامه، در مورد آزادسازی تجاری، یعنی برنامه توسعه صنعتی و نقش مناطق آزاد به منزله ابزار مؤثر اجرای سیاستهای صنعتی، اشاره نمود که در این مورد نیز هیچ‌گونه طراحی مناسبی از دیدگاه عملیاتی کردن این بخش از برنامه، صورت نپذیرفته است. طبعاً با ساختار شکننده درآمدی مناطق آزاد، رها کردن این موضوع و عدم پیش‌بینی اقدامات جبرانی معطوف به تدارک منابع جدید برای این مناطق، و حفظ تداوم فعالیتهای زیربناسازی و عمرانی آنها می‌تواند بر عملکرد مناطق آزاد کشور، آثار منفی و محدود کننده‌ای وارد سازد.

بدیهی است عدم تعهد به اجرای اصلاحات اقتصادی پیش‌بینی شده در برنامه سوم، در چارچوبی سازگار و زمانبندی شده و با تقدم و تأخر مشخص اقدامات لازم، طبعاً موجبات تداوم روندها و گرایشهای نامطلوب گذشته را همچنان با ابعادی گسترده‌تر و بحران‌زا، فراهم خواهد آورد که نشانه‌های آن در برخی از مهم‌ترین شاخصهای اقتصادی، از هم اکنون پدیدار شده و قابل ردیابی است.

تغییر دیدگاهها و پندارهای محدود کننده و مغایر با قانونمندی‌های رشد و توسعه از یک سو، و انجام اصلاحات برنامه‌ای و طراحی شده در چارچوب یک نقشه عملیاتی منسجم، سازگار و مرحله‌بندی شده از سوی دیگر، شرط لازم برای برون رفت از بحران و دور بسته و باطل کم‌رشدی و توسعه نیافتگی اقتصادی - اجتماعی می‌باشد.

۳- عملکرد شاخصهای کلان در بخشهای خارجی و داخلی اقتصاد کشور

بررسی اقتصاد کشور در دو سال اول برنامه سوم، و پیش‌بینی برای دوره سه سال باقیمانده، بدون ملاحظه روندها و گرایشهای اقتصادی، حداقل در یک دوره میان‌مدت، نمی‌تواند زیاد معنادار باشد. از همین رو، گرایشها و روندهای اقتصادی در دوره (۸۰-۱۳۷۴) مورد بررسی قرار خواهد گرفت. با ملاحظه این نکته که در اقتصاد ایران بخش نفت و درآمدهای نفتی به گونه مستقیم و غیر مستقیم (با اثرات القایی در حوزه‌های تقاضا و ظرفیت‌گستری)، نقش مسلط را دارد، لذا، تحولات این بخش از دیدگاه بررسی عملکردها، حائز اهمیت است. بنابر این عملکرد اقتصادی ایران را می‌توان، به تعبیری در دو بخش خارجی و داخلی مورد ارزیابی قرار داد.

الف - بخش خارجی

در سالهای (۸۰-۱۳۷۴)، درآمد نفت، همچنان مانند گذشته نوسانات نسبتاً شدیدی داشته است، به‌گونه‌ای که در سال ۱۳۷۷ معادل ۹۹۳۳ میلیون دلار، و در سال ۱۳۷۹ معادل ۲۴۲۲۶ میلیون دلار، بوده است.

در سال ۱۳۸۰ نیز به واسطه رکود اقتصاد جهانی و ماجرای ۱۱ سپتامبر، قیمت متوسط و درآمد نفت نسبت به سال ۱۳۷۹ پایین آمد، و بر اساس اطلاعات ۹ ماهه اول سال ۱۳۸۰، معادل ۱۵/۵ میلیارد دلار، و به احتمال زیاد تا پایان ۱۳۸۰، رقمی کمتر از ۲۰ میلیارد دلار بوده است. متوسط سالانه در آمد نفت طی دوره مورد بحث، حدود ۱۷ میلیارد دلار بوده است.

درآمد ارزی حاصل از صادرات غیر نفتی در دوره (۸۰-۱۳۷۴)، از حدود ۳/۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۴، به حدود ۴ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۰، افزایش یافته است. متوسط سالانه صادرات غیر نفتی نیز برابر ۳/۵ میلیارد دلار بوده است، و بنابر این متوسط سالانه مجموع درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت و غیر نفت، اندکی بیش از ۲۰ میلیارد دلار بوده است. در همین دوره، ارزش واردات کالایی کشور با نوسان بسیار اندکی به طور متوسط، سالانه معادل ۱۴/۵ میلیارد دلار بوده است (واردات کالایی کشور در سال ۱۳۸۰، اندکی بیش از ۱۷ میلیارد دلار بوده است). با بررسی این موارد، می‌توان دریافت که وضعیت بخش خارجی در مجموع مثبت، و با مازاد تجاری توأم بوده، به طوری که ضمن بازپرداخت

بخشی از تعهدات و دیون خارجی در پایان سال ۱۳۸۰، در مجموع بیش از ۹ میلیارد دلار نیز در صندوق ذخیره ارزی موجود بوده است.

طراحی این ابزار تثبیت درآمد ارزی، از نوآوریهای برنامه سوم توسعه بوده، که از لحاظ جلوگیری از نوسانات درآمدهای نفتی، آثار القایی منفی آن در برنامه‌ریزی‌های میان‌مدت، بسیار پر اهمیت است و می‌تواند در تثبیت شرایط رشد اقتصادی کشور تأثیر شایانی داشته باشد. طبعاً استفاده از حساب ذخیره ارزی، همان گونه که در قانون برنامه سوم توسعه نیز پیش‌بینی شده، باید اساساً برای راه‌اندازی تولید و توسعه بخش خصوصی و پشتوانه‌ای برای کاستن از ریسکها و شوکهای احتمالی به کار گرفته شود.

ب - بخش داخلی

در سالهای (۸۰-۱۳۷۴)، حدود بیست و چهار درصد (۲۴٪) بر تولید ناخالص داخلی افزوده شده است. این مطلب به این معنا است که، رشد و تولید ناخالص داخلی به طور متوسط طی دوره مورد بحث، معادل سه و شش دهم درصد (۳/۶٪) در سال بوده است. رشد تولید ناخالص داخلی کشور در دو سال اول برنامه سوم، بیش از متوسط دوره و در سالهای ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰، به ترتیب معادل چهار و نه دهم درصد (۴/۹٪) و چهار و پنج دهم درصد (۴/۵٪) بوده است.

در همین حال نقدینگی بخش خصوصی، از ۸۵۰۷۲/۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۴، به ۳۲۲۰۵۶/۴ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۰، افزایش یافته است، و به طور متوسط رشد سالانه‌ای در حد بیست و پنج درصد (۲۵٪) داشته است.

طی همین سالها، رشد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی (نرخ تورم) نیز سالانه به طور متوسط معادل تقریباً هفده درصد (۱۷٪) بوده است. باید توجه داشت که نرخ متوسط افزایش سالانه نقدینگی بخش خصوصی در دو سال اول برنامه، حدود سی درصد (۳۰٪) بوده است، و نرخ تورم در این دو سال دوازده و شش دهم درصد (۱۲/۶٪) و دوازده و سه دهم درصد (۱۲/۳٪) گزارش شده است. شرایط رکودی این سالها، مانع از عملکرد اثرات پولی (افزایش نقدینگی) بر شاخص قیمت بوده است و طبعاً در سالهای آینده احتمال بروز این آثار پولی، به صورت افزایش غیر متعارف روند قیمتها وجود خواهد داشت.

جدول شماره ۱- رشد نقدینگی و نرخ تورم

سال (ارقام به درصد)	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰
رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت عوامل به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱	۳/۱	۴/۷	۳/۱	۲/۱	۲/۴	۴/۹	۴/۵
رشد نقدینگی	۳۷/۶	۳۷/۰	۱۵/۲	۱۹/۴	۲۰/۱	۲۹/۳	۲۹/۳
نرخ تورم	۴۹/۴	۲۳/۲	۱۷/۳	۱۸/۱	۲۰/۱	۱۲/۶	۱۲/۳

در زمینه وضعیت اشتغال، طی دوره (۸۰-۱۳۷۴)، شمار شاغلین کشور از ۱۴/۱ میلیون نفر به ۱۶/۲ میلیون نفر افزایش یافته است، و شمار بیکاران نیز تقریباً دو برابر شده و از ۱۶۴۹ هزار نفر به ۳۲۰ هزار نفر افزایش یافته است، و در نتیجه نرخ بیکاری از ده و شش دهم درصد (۱۰/۶٪) در سال ۱۳۷۴ به شانزده و پنج دهم درصد (۱۶/۵٪) در سال ۱۳۸۰ رسیده است. نرخ مشارکت نیروی کار از سی و پنج و هشت دهم درصد (۳۵/۸٪) در سال ۱۳۷۴، به سی و هفت درصد (۳۷٪) افزایش یافته است. باید توجه داشت این نرخ در کشورهای ترکیه، مالزی و مصر به ترتیب برابر پنجاه و شش و شش دهم درصد (۵۶٪)، شصت و سه و نیم درصد (۶۳/۵٪) و پنجاه و چهار دهم درصد (۵۰/۴٪) می‌باشد. در همین حال، در این سه کشور یعنی ترکیه، مالزی و مصر نرخ بیکاری به ترتیب برابر پنج و چهار دهم درصد (۵/۴٪)، دو و شش دهم درصد (۲/۶٪) و یازده و سه دهم درصد (۱۱/۳٪) بوده است. این شواهد تجربی به این معنا است که با افزایش نرخ مشارکت (به ویژه مشارکت زنان در نیروی کار) در سال‌های آینده در صورت تداوم روندهای اقتصادی دهه اخیر، امکان افزایش بسیار شدید نرخ بیکاری به گونه‌ای بحران‌زا، امری کاملاً محتمل است.

جدول شماره ۲- آمار جمعیت

موضوع	۱۳۷۴	۱۳۸۰
جمعیت فعال (به هزار نفر)	۱۵۷۳۶	۱۹۳۹۹
شاغلین (به هزار نفر)	۱۴۰۶۷	۱۶۱۹۹۹
تعداد بیکاران (به هزار نفر)	۱۶۴۹	۳۲۰۰
نرخ بیکاری (درصد)	۱۰/۶	۱۶/۵
نرخ مشارکت (درصد)	۳۵/۸	۳۷/۰

رشد سریع میزان بیکاری، همراه با متوسط نرخ تورم در حد هفده درصد (۱۷٪) در سال طی دوره، و رشد متوسط سالانه تولید ناخالص در حد سه و شش دهم درصد (۳/۶٪)، در شرایطی رخ داده است که هزینه‌های بودجه دولت، سالانه به طور متوسط حدود بیست و سه درصد (۲۳٪) افزایش یافته است، درحالی که نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی، همواره بسیار نازل و عموماً در حد (۱۵٪) در سال بوده است. تداوم این گرایشها بدون تردید در آینده از لحاظ معیارهای کلی اقتصاد، یعنی تورم و بیکاری، شرایط نامساعدی را بر اقتصاد کشور تحمیل خواهد کرد (شایان ذکر است که طی دو دهه اخیر شمار کارکنان دولت از حدود ۵۶۰ هزار در سال ۱۳۷۵، به دو میلیون و دویست هزار نفر در سال ۱۳۷۸، افزایش یافته و نزدیک به ۴ برابر شده است).

جدول شماره ۳- رشد

۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	ارقام به درصد
۳۰/۳	۱۶/۲	۳۱/۴	۸/۵	۳۱/۱	۳۷/۹	۴۱/۸	رشد کل هزینه‌های بودجه عمومی دولت (به قیمت‌های جاری)
۱۲/۱	۸/۲	۸/۱	-۶/۳	-۰/۲	۷/۸	۳/۷	رشد سرمایه‌گذاری کل (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱)
طی دوره حدود (۴/۳٪) رشد سالانه کل سرمایه‌گذاری در برابر (۲۳٪) افزایش سالانه بودجه عمومی دولت							
۱۵/۴	۱۴/۴	۱۴/۳	۱۳/۵	۱۴/۷	۱۵/۲	۱۴/۸	نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی

باید توجه داشت که سرمایه‌گذاری در کشور، از سه مبدأ سرچشمه می‌گیرد:

۱- سرمایه‌گذاری بخش دولتی

۲- سرمایه‌گذاری خصوصی داخلی

۳- سرمایه‌گذاری خارجی

در سالهای گذشته همراه با بزرگ شدن بودجه دولت، همواره در شرایط محدودیت‌های درآمدی، از سهم بودجه عمرانی و سرمایه‌گذاری‌های بخش دولتی، به نفع انجام هزینه‌های جاری کاسته شده است.

بزرگ شدن بودجه دولت، در عین حال شرایط بیرون راندن بخش خصوصی را از فعالیتهای مولد تاحدودی فراهم ساخته است (پدیده یا اثر ازدحام) و در نتیجه زمینه برای توسعه بخش خصوصی و به ویژه فعالیتهای مولد و سرمایه‌گذاری بلندمدت این بخش در حوزه‌های تولیدی - صنعتی فراهم نگردیده است. از لحاظ سرمایه‌گذاری خارجی نیز ایران، در قیاس با اکثر کشورها، عملکرد بسیار ضعیفی داشته است که نتیجه آن نسبت بسیار پایین تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی در اقتصاد ملی بوده است. بی‌تردید مجموعه این رویداد، علت‌العلل بسیاری از مشکلات اقتصادی - اجتماعی موجود کشور به شمار می‌رود.

◀◀ ۴- نتایج منفی ادامه روند و ضرورت توجه به تحولات و تغییرات ساختاری اقتصاد

ملی

بی‌تردید، ایران با امکانات طبیعی و معدنی، نیروی انسانی جوان، دسترسی به ارز خارجی حاصل از نفت در حد متوسط سالانه ۱۷ میلیارد دلار در سال، و نیز موقعیت ممتاز جغرافیایی، یعنی قرار گرفتن در مرکز هفتاد درصدی (۷۰٪) انرژی نفت و گاز جهان، و بازار وسیع بیش از ۳۰۰ میلیون نفری در خاورمیانه، اقیانوس هند و آسیای مرکزی، در صورتی که بتواند با انجام اصلاحات ضروری و اجتناب‌ناپذیر اقتصادی در زمینه‌های ساختاری - سیاستی، شرایط لازم و فضای مناسب برای رشد فزاینده سرمایه‌گذاری را در کشور فراهم آورد، آینده بسیار روشن و اطمینان‌بخشی را پیش رو خواهد داشت و می‌تواند طی دو دهه آینده از یک کشور متکی به منابع و کالاهای نخستین، به یک کشور صنعتی پیشرو با تولیداتی متنوع و صادراتی انبوه، تبدیل شده و شرایط زندگی و برخورداری‌های مردم را به گونه‌ای چشمگیر و مثبت متحول سازد. بدیهی است که هر گونه تحول بلندمدتی، تحت تأثیر اقدامات و عملکردهای کوتاه‌مدت و میان‌مدت قرار دارد، و اگر در مدت زمانی مناسب، مجموعه پیش‌بینی‌های هدفمند و زمانبندی شده و اولویت‌گذاری شده برای تغییرات ساختاری، به اجرا در نیاید، نه تنها اهداف بلندمدت، دست‌یافتنی نخواهد شد، بلکه بحرانهای عارضی قابل پیش‌بینی هم که در سه زمینه تولید، تورم و بیکاری بروز و ظهور خود را نمایان ساخته، می‌تواند وضعیت اقتصادی کشور را دشوارتر سازد.

آنچه که در سالهای برنامه سوم توسعه (۸۳-۱۳۸۱) با توجه به روندهای گذشته در حال وقوع و قابل پیش‌بینی است عبارتست از:

تغییر انبساطی اندازه بودجه کل کشور در سال ۱۳۸۱، بر اثر اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز به میزان چهل و پنج و پنج دهم درصد (۴۵/۵٪) در بودجه عمومی کشور، و چهل و هشت درصد (۴۸٪) در بودجه شرکتهای دولتی، که در شرایط مشخص نبودن افق افزایش سرمایه‌گذاری‌های خصوصی داخلی و خارجی، وجود انحصارات و نبود فضای رقابت در تولید و تجارت، می‌تواند همچون سالهای گذشته به بزرگتر شدن بخش دولتی (عمومی) در اقتصاد کشور بیانجامد و اثرات منفی مالی - پولی گسترده‌ای را نسبت به سالهای پیش، در پی داشته باشد. تردیدی نیست که یکسان‌سازی نرخ ارز، یکی از مهم‌ترین بخشهای اصلاحات ساختاری - سیاسی بلندمدت است، اما به طور بدیهی اگر همزمان شرایط ناگزیر هم‌پیوند با آن، یعنی اصلاح ارتباط با بازارهای مالی - تجاری جهان خارج از یک سو، و ایجاد فضای اطمینان‌بخش و سودآور برای انجام سرمایه‌گذاری‌های تولیدی بخش خصوصی - به ویژه سرمایه‌گذاری‌های صنعتی - در داخل کشور از سوی دیگر، آماده نگردد، از آن جا که ارز حاصل از فروش نفت خام، کلاً در اختیار دولت قرار دارد، بزرگتر شدن بودجه دولت برای احتراز از کسری شدید، تنها می‌تواند به تکیه بیشتر بر این درآمد و مصرف آن در امور جاری و مصرفی - و نه گسترش ظرفیتهای سرمایه‌گذاری - منجر شود. این رویداد از سال ۱۳۸۰ به این طرف در شرف وقوع است، و پیش‌بینی می‌شود با استفاده دولت از منابع صندوق ذخیره ارزی در سال ۱۳۸۱ - که به ناگزیر بخش مهمی از آن در بودجه جاری به افزایش حقوق و دستمزدها، پرداخت یارانه‌ها و ایفای تعهدات معوقه دولت به کارمندان و فرهنگیان و ... اختصاص می‌یابد - از یک سو، منابع این صندوق، زیر فشار بیشتر قرار گرفته و از سوی دیگر، موجب افزایش واردات کالاها و خدمات خارجی به گونه‌ای ناگزیر نسبت به سالهای گذشته گردد. با پیش‌بینی‌های انجام شده در بودجه اصسال، ارزش واردات کالا و خدمات در سال ۱۳۸۱، به ۲۱/۵ میلیارد دلار می‌رسد که بیشتر از سی و پنج درصد (۳۵٪) از حد متوسط سالهای (۸۰-۱۳۷۴) و حدود پانزده درصد (۱۵٪) افزون‌تر از واردات سال ۱۳۸۰ خواهد بود. در شرایط کشش‌ناپذیری تولید داخلی بر اثر مشکلات موجود واحدهای تولیدی در بخش صنعت و کشاورزی، افزایش سریع واردات بر

اساس تجربه‌های گذشته نمی‌تواند به ایجاد تعادل در فرایندهای تولید کشور یاری رساند^۱ (اگر چه به طور موقت و کوتاه‌مدت، افزایش نقدینگی و رشد شاخص قیمت‌ها را در بازار داخلی کشور خنثی سازد). تحقق چنین میزانی از واردات، مستلزم آن است که تغییر عمده‌ای در جهت کاهش قیمت و درآمدهای نفتی، به منزله عامل برون‌زا و خارج از کنترل تصمیم‌گیری‌های دولت اتفاق نیفتد.

وضعیت کنونی بازار نفت، و قیمت متوسط بیش از ۲۰ دلار آن، در چهار ماهه اول سال ۲۰۰۲ میلادی نشان دهنده آن است که، در سال جاری به رغم برقراری کاهش در سهمیه ایران توسط اوپک، دستیابی به درآمدی کمتر از درآمد سال ۱۳۸۰، برای ایران امکان‌پذیر است. با توجه به احتمال افزایش صادرات غیر نفتی کشور تا رقم ۴/۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۱، می‌توان پذیرفت که در بخش خارجی اقتصاد ملی، مشکل عمده‌ای به وجود نخواهد آمد و ایران قادر خواهد بود، ضمن تأمین نیازمندیهای وارداتی خود، نسبت به بازپرداخت تعهدات و وام‌های خارجی خود نیز، همانند سال گذشته با اطمینان اقدام نماید.

برآورد دقیقی از درآمد نفت برای سالهای ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳، از حالا امکان‌پذیر نیست و بستگی زیاد به تحولات اقتصادی جهان - به ویژه وضعیت اقتصادی ایالات متحده - و رویدادهای آینده در منطقه خاورمیانه خواهد داشت. فرض را می‌توان به گونه‌ای واقع‌بینانه بر «وضعیت میان نه خوب و نه بد» گذاشت و برنامه‌ریزی‌های آینده را بر این مبنا استوار کرد. بنابر این، حد و حدود درآمدهای نفتی، رقمی بین ۱۶ تا ۲۰ میلیارد دلار در هر یک از سالهای یاد شده خواهد بود. حتی با همین برآورد نسبتاً خوش‌بینانه، نمی‌توان و نباید حفظ و تقویت اساس و عملکرد صندوق ذخیره ارزی را به منزله پشتوانه‌ای ضربه‌گیر در شرایط بحرانی مورد بی‌توجهی قرار داد.

با توجه به شرایط موجود کشور، شروع سیاست آزادسازی تجاری و یکسان‌سازی نرخ ارز از سال ۱۳۸۱، هنوز نخواهد توانست شرایط و اطمینان لازم برای جلب سرمایه‌گذاران و تولید کنندگان خصوصی را در تولید و اقتصاد کشور فراهم آورد، و نیازمند گذشت یکی دو سال از اجرای آن و مشاهده آثار مثبت و

۱- از جمله شکایت صنایع فولاد، نساجی، تایر خودرو، چای، شکر و ... از افزایش واردات بی‌رویه در سال گذشته

منفی آن توسط صاحبان سرمایه و حرف خواهد بود. وضعیت سرمایه‌گذاری خارجی همچنان مبهم است و امنیت سرمایه و مالکیت در حوزه‌های اجتماعی - قضایی، هنوز به تعهد و وفاق جمعی در مدیریت اقتصادی کشور نیانجامیده است. مشکلات تولیدی در حوزه‌های مدیریتی - تجاری و ارتباط منطقی با بازار کار و ... گرایش به کاهش ندارد، و انجام سیاستهای اصلاحی، چه در حوزه مسائل اقتصادی، و چه در سایر حوزه‌های اجتماعی مرتبط با آن، از موانع پیش رو گذر نکرده است. بنابر این می‌توان در مجموع با ادامه این روند، چنین حکم کرد که، دورنمای آینده سرمایه‌گذاری و تولید و رشد اقتصادی در کشور، طی سال جاری و دو سال آینده، تفاوت معناداری با عملکرد سالهای گذشته نخواهد داشت و رشد اقتصادی رقمی در حدود سه و پنج دهم درصد (۳/۵٪) و حداکثر چهار و نیم درصد (۴/۵٪) در سال خواهد بود. با توجه به دو عامل منفی تورم و بیکاری در اقتصاد کشور، پی‌گیری راه‌لهای اساسی - و نه راه‌لهای کوتاه‌مدت و موقتی - از الزامات دستیابی به رشد بالاتر اقتصادی خواهد بود.

رشد حجم نقدینگی طی سالهای ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ قابل ملاحظه، و مجموعاً در حدود شصت درصد (۶۰٪) در دو سال بوده است، که با توجه به رشد دو ساله حدود ده درصدی (۱۰٪) تولید ناخالص داخلی، و همچنین بخشی از همین نقدینگی که در شاخص تورم دو سال [با رشد مجموع حدود بیست و پنج درصد (۲۵٪)] منعکس شده است، هنوز به طور بالقوه از ظرفیت تورمی بالایی در حدود بیست و پنج درصد (۲۵٪) برخوردار است. تغییرات بودجه‌ای امسال دولت، ناشی از یکسان‌سازی نرخ ارز و افزایش چشمگیر هزینه‌های جاری آن، به میزان حدود شصت درصد (۶۰٪) نسبت به سال ۱۳۸۰، به گونه‌ای طبیعی و آشکار مستلزم افزایش نقدینگی حداقل معادل دو سال گذشته [یعنی حدود سی درصد (۳۰٪)] خواهد بود. به این ترتیب با توجه به پیش‌بینی رشد اقتصادی در حد چهار درصد (۴٪) برای سال آینده، می‌توان به طور قطع و یقین به ظرفیت بالقوه تورمی در حد (۵۰٪) افزایش نقدینگی تا پایان امسال اشاره کرد، که بخشی از آن از طریق واردات اضافی کالاها و خدمات خنثی خواهد شد و بخشی از آن بر اثر تداوم شرایط رکودی و محدود بودن سرعت گردش پول در اقتصاد کشور، و نیز برنامه دولت برای استفاده از فروش اوراق مشارکت به مردم و سایر شیوه‌های خنثی‌سازی اثرات پولی و در نتیجه کاستن از تقاضای مؤثر در بازار کالاها و خدمات از حرکت باز می‌ایستند، لیکن احتمالاً بخش مؤثری از آن در حد بیست درصد (۲۰٪) تا بیست و پنج درصد (۲۵٪) در شاخص قیمت‌های سال جاری، و بقیه در دو سال بعد

منعکس خواهد شد. به این ترتیب میزان رشد تورم در سال ۱۳۸۱، حتماً از ارقام تورم سالهای ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ [در حدود (۱۲٪) در سال] فراتر رفته و حداقل در حد بیست درصد (۲۰٪) برآورد می‌شود. طبعاً تورم سالهای بعد از آن نیز، به جز رشد میزان نقدینگی در هر سال، به عوامل برون‌زا و درون‌زای متعددی بستگی خواهد داشت که پیش‌بینی آنها از اکنون امکانپذیر نیست.

بزرگترین و مهم‌ترین چالش اقتصاد ایران طی سالهای آینده، از جمله در سه سال (۸۳ - ۱۳۸۱)، ایجاد اشتغال و تثبیت نرخ بیکاری و شمار بیکاران، در حد ۳/۲ میلیون نفر کنونی است. اما با توجه به هرم سنی جمعیت کشور و پیش‌بینی نیاز اشتغال در برنامه سوم توسعه برای سالهای یاد شده (به ترتیب ۸۷۰، ۸۱۰ و ۹۶۰ هزار نفر) در حال حاضر می‌توان با توجه به عملکردهای گذشته و به ویژه دو سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰، چنین حکم کرد که شدت این مشکل به سهولت، با منابع داخلی و با ترتیبیاتی که به صورت مقطعی و کوتاه‌مدت و در فرایند اعطای وامهای خود اشتغالی و غیره عرضه می‌شود، به هیچ وجه قابل حل و فصل نخواهد بود. بر اساس اطلاعات ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران، شمار اشتغال ایجاد شده در سالهای ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰، به ترتیب ۲۵۰ و ۴۳۰ هزار نفر بوده است (یعنی سالانه رقمی در حدود ۳۵۰ هزار نفر)، اگر همین ارقام مبنای ایجاد اشتغال در سالهای باقیمانده برنامه سوم توسعه قرار گیرد، از مجموع ۲۶۴۰ هزار شغل مورد بحث طی سه سال، حدود ۱/۶ میلیون نفر بر شمار بیکاران کنونی افزوده خواهد شد، و رقم بیکاری در پایان سال ۱۳۸۳، به حدود ۵ میلیون نفر افزایش خواهد یافت.

◀◀ چشم‌انداز آینده اقتصاد ایران و ضرورت تعامل با اقتصاد جهانی

◀ تحولات اقتصادی بین‌المللی: ویژگیها

از اواخر دهه ۱۹۷۰، و به ویژه در دهه آخر قرن بیستم، تحولات گسترده‌ای در محیط اقتصادی و سیاسی جهان رخ داده که در مجموع، شرایط شکل‌گیری فضای جدیدی را در حوزه مناسبات سیاسی - اقتصادی بین‌المللی و منطقه‌ای به وجود آورده است که بدون ملاحظه ویژگی‌های آن، تنظیم و تدوین طرح هادی و راهبردی توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور در آینده ناممکن و یا به هر حال تمرینی بی‌معنا خواهد بود. دگرگونی‌های ساختاری بین‌المللی، که از آن عموماً به جهانی شدن و همگرایی‌های

منطقه‌ای تعبیر می‌شود، گستره وسیعی از مضامین مختلف را در بر می‌گیرد، که پاره‌ای موارد آن را می‌توان چنین برشمرد:

- بالندگی، پویایی و زیست‌مندی نظام مبادلات بین‌المللی، و ضرورت انطباق سیاست‌گذاری‌های توسعه اقتصادی - صنعتی کشورها با روندها، الزامات و فرایندهای نوین تجارت و سرمایه‌گذاری در جهان

- تأثیرات ناشی از انقلاب تکنولوژیک بر عوامل رشد بلندمدت اقتصادی و بهره‌وری و دگرگونی در شیوه‌های مدیریت و نظام‌های سازماندهی صنعتی، و مبانی قدرت رقابتی کشورها و بنگاهها

- پیامدهای ناشی از شکل‌گیری قطب‌های اقتصادی - صنعتی با قدرت اقتصادی استراتژیک نسبتاً برابر (اروپا، آسیای شرقی و آمریکای شمالی)، تغییر در مناسبات کشورهای شمال و جنوب، افزایش فاصله اقتصادی در گروه کشورهای در حال توسعه، و پیوستن تدریجی گروهی از آنها به جرگه کشورهای پیشرفته، همراه با حاشیه‌ای شدن پاره‌ای دیگر و تهدیدهای ناشی از گسترش فقر در جهان، و همچنین شکاف درآمدی بین کشورهای پیشرفته صنعتی و کشورهای کمتر توسعه یافته

- تغییر در نقش و سهم دولتها در حوزه‌های اقتصادی - صنعتی، و دگرگونی در مناسبات دولت با بازار، شکل‌گیری تعارضات تجاری توأم با گسترش همکاری‌های اقتصادی - صنعتی در سطح بین‌المللی

- رشد همگرایی‌های منطقه‌ای به صورت نهادسازی‌های رسمی و غیر رسمی، و به منزله عاملی برای تسهیل و تسریع فرایند درهم‌آمیزی‌های بین‌المللی در حوزه‌های اقتصادی - صنعتی

درهم‌آمیزی اقتصادی بین‌المللی به یک تعبیر، پدیده‌ی جدیدی نیست. رشد درهم‌آمیزی‌های اقتصاد جهانی را در دو دهه اواخر قرن بیستم و در شرایط کنونی، می‌توان به نوعی احیای جریان درهم‌آمیزی بین‌المللی سالهای اواسط نیمه دوم قرن نوزدهم تا آغاز جنگ جهانی اول (۱۹۱۳-۱۸۷۰) تلقی کرد. در این دوران نیز از موانع مصنوعی مبادلات اقتصادی، به شدت کاسته شد و در نتیجه زمینه‌های حرکت روان و جریان آزادانه کالاها و سرمایه‌ها و همچنین مهاجرت و جابه‌جایی فرامرزی نیروی انسانی ایجاد گردید. در همین حال جریان همگرایی‌های اقتصادی، و کاهش فاصله درآمد سرانه بین کشورهای صنعتی طی این دوران، به نحو چشمگیری توسعه یافت و تقویت گردید.

با این حال فرایندهای اخیر درهم‌آمیزی جهانی، از جهت‌های کیفی با دوران پیشین تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای دارد. در این فرایند، بخش بزرگتری از جهان و شمار بیشتری از کشورهای مستقل مشارکت دارند. پیشرفتهای فنی به شدت از هزینه‌های حمل و نقل، مخابرات و ارتباطات دوربرد، و همچنین هزینه‌های محاسباتی کاسته است و شرایط درهم‌آمیزی‌های بازارها را تسهیل کرده است و مسائل مربوط به هماهنگی فعالیتها، کاهش یافته است به گونه‌ای که، از دیدگاه سازماندهی و مدیریت صنعتی، برای بنگاههای تولیدی، امکان اجرای کارآمد مراحل مختلف تولید در نقاط مختلف جهان، اکنون میسر گردیده است. در ساختار تجارت جهانی، مناسبات درون بنگاه، نقش و سهم عمده‌ای یافته است، و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به منزله عامل عمده‌ای برای پیوند با بازار جهانی و جهانی شدن، مطرح گردیده است و بر وابستگی‌های متقابل در اقتصاد جهانی، از دیدگاه تکنولوژی، شیوه‌های تولید صنعتی، سازماندهی، بازاریابی و طراحی محصول، بسیار افزوده شده است. در پیوندهای اقتصادی بین‌المللی، فعالیت‌های تحقیق و توسعه اهمیت خاصی یافته است. تجارت، انتقال تکنولوژی و سرمایه‌گذاری خارجی، به منزله سه عنصر اصلی فرایند جهانی شدن و شکل‌گیری تولید بین‌المللی ماهیت مستقل خود را از دست داده است و با یکدیگر ارتباط و پیوندی نزدیک یافته‌اند و گذشته از این، اقتصاد جهانی و فعل و انفعالات آن، به گونه‌ای فزاینده به منزله پیش‌زمینه و موضوع اصلی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی - صنعتی کشورها مطرح شده است.

در رشد درهم‌آمیزی‌های جهانی، چند عامل تأثیر گذار بوده است. پیشرفتهای تکنولوژیک، به ویژه در زمینه اطلاعات و ارتباطات، از عوامل مهمی است که این امکان را فراهم آورده که بنگاهها، فعالیت‌های تولیدی خود را در زنجیره‌های ارزش و در مکانها و پایگاههای تولیدی مناسب و با صرفه، هماهنگ سازند و همچنین دانش و تکنولوژی با سرعت زیاد به گونه‌ای گسترده انتشار یابد، و تجارت جهانی به شیوه روان جریان پیدا کند. پیشرفتهای تکنولوژیک، از لحاظ غلبه بر موانع طبیعی، فاصله‌های مکانی و زمانی، که از عوامل بازدارنده و جداکننده مرزها و بازارهای ملی بوده است، بخصوص در زمینه بازارهای مالی و توسعه، این بازارها بسیار مؤثر بوده است. از دیدگاه سیاستها و سیاست‌گذاری نیز گرایشهای آزادسازی در ادغام بازارهای ملی نقش و سهم اساسی داشته است. موانع مصنوعی که سر راه حرکت و انتقال آزادانه کالاها و خدمات و سرمایه بوده، تقلیل یافته است. نهادهای بین‌المللی، از جمله صندوق بین‌المللی پول و

بانک جهانی، موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (و از سال ۱۹۹۵ سازمان تجارت جهانی) سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، نهادها، سازمانهای همکاریهای منطقه‌ای و نظایر آن، چارچوبهایی را برای آزادسازیهای تجاری چند جانبه ایجاد کرده است، و زمینه‌های تشویق کشورها را به گشودن مرزها، اقتصادهایشان و همچنین استقرار نظامهای اقتصادی باز و متکی به بازار در آنها، فراهم آورده است. در سال ۱۹۷۰ فقط حدود سی درصد (۳۰٪) از اعضای صندوق بین‌المللی پول، الزامات ناشی از قابلیت تبدیل پولهای ملی را در حوزه معاملات ارزی و تجاری غیر سرمایه‌ای (موضوع ماده ۱۸ اساسنامه صندوق) پذیرفته بودند. لیکن این نسبت در سالهای پایانی قرن بیستم به هفتاد و شش درصد (۷۶٪) مجموع اعضای این سازمان بین‌المللی افزایش یافته بود، و این مطلب به وضوح نشانه رشد قابل ملاحظه آزادسازی مبادلات ارزی و تجارت خارجی در کشورها است.

در مجموع، تحولات فضای بین‌المللی و گرایشهایی که از دهه ۱۹۸۰، در اقتصاد جهانی شکل گرفته است، الگوهای جدیدی را برای فرایند توسعه اقتصادی - صنعتی در جهان مطرح می‌سازد. شکل جدید فرایند جهانی شدن و دگرگونی‌های اقتصادی بین‌المللی متضمن ویژگی‌هایی است که مهم‌ترین موارد آن را می‌توان چنین برشمرد:

- ورود بخش بزرگتری از جهان و شمار بیشتری از کشورهای مستقل، در فرایند درهم‌آمیزی جهانی (گسترش بازار و رقابت بین‌المللی)
- پیشرفتهای فناوری و کاهش جدید هزینه‌های حمل و نقل، ارتباطات و هزینه‌های مبادله و پردازش اطلاعات و سهولت بیشتر ادغام بازارها در سطح بین‌المللی
- سهولت بیشتر هماهنگ‌سازی فعالیتهای صنعتی در سطح بین‌المللی، و امکان به‌کارگیری شیوه‌های مؤثرتر سازماندهی صنعتی و استقرار مراحل مختلف تولید در مناطق مختلف جهان
- تغییر در ساختار تجارت خارجی، رشد مبادلات تجاری درون بنگاهی و درون بخشی صنعت، افزایش سهم مبادلات درون منطقه‌ای و ارتقای جایگاه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به منزله نیروی محرکه فرایند جهانی شدن، همراه با افزایش قابل ملاحظه سهم شرکتهای فراملیتی و شرکتهای خارجی وابسته به آنها در تجارت جهانی

- رشد وابستگی‌های متقابل بین کشورها از دیدگاه انتقال تکنولوژی، یادگیری و اقتباس روشهای تولید و سازماندهی صنعتی، بازاریابی و طراحی محصول
- پیوندهای گسترده‌تر در سطح بین‌المللی - بین کشورها و بنگاهها - از دیدگاه فعالیتهای تحقیق و توسعه، و اشاعه روشهای همکاری غیر مبتنی بر مالکیت، مانند پیمانهای استراتژیک و ائتلافهای صنعتی
- تعامل و مناسبات متقابل عمیق‌تر و گسترده‌تر مؤلفه‌های تجارت، سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی، انتقال تکنولوژی در فرایند جهانی شدن با تأثیرپذیری از شکل‌گیری تولید بین‌المللی
- رشد جریانهای ناخالص مبادلات در بازارهای مالی و گسترش و تعمیق بازارهای نوخاسته سرمایه در کشورهای در حال توسعه با عملکرد جهانی
- وجود موانع نسبتاً بیشتر برای مهاجرت و تحرک نیروی کار در سطح بین‌المللی در مقایسه با فرایندهای درهم‌آمیزی پیشین

جدول شماره ۴ - سنجش‌های درهم‌آمیزی بین‌المللی*

سال	نسبت دارایی‌های خارجی به تولید ناخالص داخلی جهان (درصد)	نسبت تجارت به تولید ناخالص داخلی جهان (درصد)	تجارت		هزینه‌های حمل و نقل و ارتباطات (به دلار ثابت ایالات متحده)	
			حمل دریایی بار (متوسط هزینه حمل بار و عوارض بندری به ازای هر تن)	حمل و نقل هوایی (درآمد متوسط به ازای مسافر- مایل)	هزینه مکالمه تلفن (نیویورک به لندن به ازای هر سه دقیقه)	کامپیوتر (شاخص ۱۰۰=۱۹۹۰)
۱۸۲۰	-	۲	-	-	-	-
۱۸۷۰	۶/۹	۱۰	-	-	-	-
۱۸۹۰	-	۱۲	-	-	-	-
۱۹۰۰	۱۸/۶	-	-	-	-	-
۱۹۱۴	۱۷/۵	۱۸	-	-	-	-
۱۹۲۰	-	۹۵	-	-	-	-
۱۹۳۰	۸/۴	۱۸	۶۰	۰/۶۸	۲۴۵	-
۱۹۴۰	-	-	۶۳	۰/۴۶	۱۸۹	-
۱۹۴۵	۴/۹	-	-	-	-	-
۱۹۵۰	-	۱۴	۳۴	-/۳	۵۳	-
۱۹۶۰	۶/۴	۱۶	۲۷	-/۲۴	۴۶	۱۲۵۰۰
۱۹۷۰	-	۲۲-۲۰	۲۷	-/۱۶	۲۲	۱۹۴۷
۱۹۸۰	۱۷/۷	-	۲۴	-/۱	۵	۳۶۲
۱۹۹۰	-	۲۶	۲۹	-/۱۱	۳	۱۰۰
۱۹۹۵	۵۶/۸	-	-	-	-	-

مأخذ: (۲۰۰۱) David Dollar

* طی دو قرن اخیر و در فرایند موجهای سه‌گانه درهم‌آمیزی بین‌المللی - ۱۹۱۳-۱۸۷۰، ۱۹۸۰-۱۹۵۰ و ۱۹۸۰-۱۹۸۰ همواره رشد اقتصادی در جهان روندی صعودی داشته است. رشد تولید ناخالص داخلی جهان - بر مبنای متوسط سالانه - از (۱٪) در دوره (۷۰-۱۸۲۰) به (۱/۹٪) در دوره (۱۹۱۰-۱۸۷۰) و به (۲/۵٪) در (۶۰-۱۹۱۰) و (۳/۵٪) در دوره (۲۰۰۰-۱۹۶۰) افزایش یافته است.

نتیجه، موجب افزایش وابستگی‌های متقابل جهانی شده است. مصادیق این مطلب را به وضوح می‌توان، در تغییر ساختار تجارت جهانی مشاهده کرد. همراه با تغییرات نسبتاً پیوسته در تجارت بین‌المللی جهت افزایش آن، توزیع مالکیت در جهان نیز بسیار دگرگون شده است. ظرف دوره (۲۰۰۰ - ۱۹۸۲)، جریان سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی حدود ۲۲ تا ۲۳ برابر شده و از ۵۷ میلیارد دلار به ۱۲۷۱ میلیارد دلار افزایش یافته است، در حالی که مجموع صادرات کالاها و خدمات غیر عامل، طی این دوره از ۲۱۲۴ میلیارد دلار به ۷۰۳۶ میلیارد دلار افزایش یافته است و به این ترتیب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تقریباً ۷ برابر سریع‌تر از تجارت جهانی رشد کرده است.

اطلاعات موجود نشان می‌دهد که آهنگ درهم‌آمیزی اقتصادی بین‌المللی، از اواسط دهه ۱۹۸۰، تسریع شده و به ویژه در دهه ۱۹۹۰، در مناطق در حال توسعه جهان به استثنای آفریقا و خاورمیانه، شتاب قابل ملاحظه‌ای یافته است. گسترش و تعمیق پیوندهای تجاری کشورهای در حال توسعه، با اقتصاد بازارهای جهانی و افزایش سهم این کشورها در جریانهای سرمایه بین‌المللی، از ویژگی‌های مهم رشد و دگرگونی در ساختار تجارت و جریانهای سرمایه بین‌المللی در دو دهه اخیر است. سهم کشورهای در حال توسعه در تجارت جهانی از بیست و سه درصد (۲۳٪) در سال ۱۹۸۵ به بیست و نه درصد (۲۹٪) در سال ۱۹۹۵ افزایش یافته است، و در همین حال پیوندهای تجاری این کشورها با اقتصاد جهانی نیز تعمیق گردیده و متنوع شده است. سهم تجارت بین کشورهای در حال توسعه، در مجموع تجارت این کشورها با جهان خارج، از سی و یک درصد (۳۱٪) در سال ۱۹۸۵، به سی و هفت درصد (۳۷٪) در سال ۱۹۹۵، افزایش یافته است، و سهم کالاهای صنعتی در صادرات آنها از چهل و هفت درصد (۴۷٪) به هشتاد و سه درصد (۸۳٪) افزایش یافته است. این مطلب مبین گسترش و تعمیق فرایند توسعه صنعتی در این کشورها است. درهم‌آمیزی کشورهای در حال توسعه با اقتصادی جهانی، در مناطق مختلف یکسان نبوده و این فرایند به عمده بخشهایی از آسیا و آمریکای لاتین منتقل شده است. سهم آفریقا در تجارت جهانی از اواخر دهه ۱۹۶۰ تاکنون، به گونه‌ای پیوسته تقلیل یافته است. سهم منطقه خاورمیانه نیز از اوایل دهه ۱۹۸۰ (سالهای فراز قیمت نفت)، در تجارت جهانی کاهش یافته است.

گسترش و تعمیق و همچنین جریان متنوع شدن پیوندهای تجاری کشورهای در حال توسعه با اقتصادی جهانی، تا حدودی ناشی از تغییرات رژیمهای ارزی، تجاری و سرمایه‌گذاری در این کشورها

است. در عموم این کشورها کنترل‌های مستقیم دولت تا حدود زیادی کاهش یافته و سیاست‌های معطوف به بازار، جایگزین آن شده است، دخالت‌ها تا حدودی به سیاست‌گذاری‌های کلان تبدیل شده است و دولت‌ها اکنون نقش فعال‌تری را نسبت به زمینه‌سازی برای ورود به بازار جهانی و درهم‌آمیزی‌های بین‌المللی به‌عهده گرفته‌اند. حمایت‌گرایی‌های افراطی گذشته در این کشورها، به سیاست‌گذاری برای ایجاد محیط رقابتی و توسعه صنعتی معطوف به صادرات تبدیل شده است. در این فضای جدید، رشد اقتصادی در مجموعه‌ای از کشورهای در حال توسعه، که با فرایند جهانی شدن و درهم‌آمیزی‌های بین‌المللی هماهنگ بوده‌اند، آهنگی شتابان یافته است. از دیدگاه توزیع تجارت جهانی، اطلاعات موجود نشان می‌دهد، که کشورهای توسعه یافته تقریباً دو سوم تجارت جهانی را در اختیار دارند.

جدول شماره ۵- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، صادرات جهان و شاخصهای منتخب تولید بین‌المللی

موضوع	ارزش به قیمت جاری (میلیارد دلار)			نرخ رشد سالانه (درصد)		
	۱۹۸۲	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۱۹۸۶-۹۰	۱۹۹۱-۹۵	۱۹۹۶-۹۹
روانه سرمایه‌گذاری مستقیم	۵۷	۲۰۲	۱۲۷۱	۲۳/۰	۲۰/۸	۴۰/۸
انباره سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	۷۱۹	۱۸۸۹	۶۳۱۴	۱۶/۲	۹/۳	۱۶/۹
ادغام و استملاک (فرامرزی)	...	۱۵۱	۱۱۴۴	۲۶/۴	۲۳/۳	۵۰/۰
فروش شرکتهای خارجی وابسته به شرکتهای فراملیتی تولید ناخالص شرکتهای خارجی وابسته به شرکتهای فراملیتی	۲۴۶۵	۵۴۶۷	۱۵۶۸۰	۱۵/۶	۱۰/۵	۱۰/۴
کل دارایی‌های خارجی وابسته به شرکتهای فراملیتی صادرات شرکتهای خارجی وابسته به شرکتهای فراملیتی نیروی انسانی شاغل در شرکتهای خارجی وابسته به شرکتهای فراملیتی (به هزار نفر)	۵۶۵	۱۴۲۰	۳۱۶۷	۱۶/۴	۷/۲	۱۱/۰
تولید ناخالص داخلی جهان، به قیمت عوامل تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در جهان حق‌الامتياز و حق‌لیسانس (دریافته‌ها)	۱۸۸۸	۵۷۴۴	۲۱۱۰۲	۱۸/۲	۱۳/۹	۱۵/۹
صادرات کالاها و خدمات غیر عامل (جهان)	۶۳۷	۱۱۶۶	۳۵۷۲	۱۳/۲	۱۴/۰	۱۱/۰
تولید ناخالص داخلی جهان، به قیمت عوامل تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در جهان حق‌الامتياز و حق‌لیسانس (دریافته‌ها)	۱۷۴۵۴	۲۲۷۲۱	۴۵۵۸۷	۵/۷	۵/۳	۷/۸
صادرات کالاها و خدمات غیر عامل (جهان)	۱۰۶۱۲	۲۱۴۷۵	۳۱۸۹۵	۱۱/۷	۶/۳	۰/۷
...	۲۲۳۶	۴۵۰۱	۶۵۶۶	۱۲/۲	۶/۶	۰/۶
...	۹	۲۷	۶۶	۲۲/۱	۱۴/۱	۴/۰
...	۲۱۲۴	۴۳۸۱	۷۰۳۶	۱۵/۴	۸/۶	۱/۹

مأخذ: UNCTAD, World Investment Report 2001

اندکی بیش از ۱، از تجارت جهانی بین کشورهای توسعه یافته انجام می‌شود، و کشورهای در حال توسعه حدود $\frac{1}{3}$ تجارت جهانی را در اختیار دارند. پدیده دیگر رشد مبادلات تجاری بین کشورهای در حال توسعه [حدود چهل درصد (۴۰٪) صادرات این کشورها]، و همچنین تغییر در ترکیب صادرات این کشورها در جهت کاهش سهم صادرات کالاهای نخستین و افزایش سهم کالاهای صنعتی است [بیش از هشتاد درصد (۸۰٪) صادرات کشورهای در حال توسعه را اکنون صادرات صنعتی تشکیل می‌دهد].

از دیدگاه ترکیب بخشی، صادرات کشورهای پیشرفته را به طور عمده، کالاهای صنعتی تشکیل می‌دهد. در سال ۱۹۹۵ حدود نود و دو درصد (۹۲٪) مجموع صادرات این کشورها، از مقوله صادرات کالاهای ساخته شده و صنعتی بوده است، و بقیه با سهم‌های نسبتاً مساوی بین مواد غذایی، مواد خام صنعتی و سوخت تقسیم می‌شده است. توزیع بخشی صادرات کشورهای در حال توسعه نیز، در مجموع شبیه کشورهای پیشرفته است، و تنها تفاوت بارز آن سهم قابل ملاحظه نفت، در صادرات این کشورها است. در سال ۱۹۹۵ تقریباً هشتاد و سه درصد (۸۳٪) از مجموع صادرات کشورهای در حال توسعه را، صادرات کالاهای ساخته شده صنعتی تشکیل داده است. در همین حال، سهم سوخت در صادرات این کشورها، از چهل و پنج و چهار دهم درصد (۴۵/۴٪) در سال ۱۹۸۵، به یازده و دو دهم درصد (۱۱/۲٪) در سال ۱۹۹۵، کاهش یافته است.

ترکیب صادرات در مناطق در حال توسعه جهان، با یکدیگر تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای دارد. در کشورهای در حال توسعه منطقه آمریکا، حدود یک سوم مجموع صادرات را، صادرات کالاهای صنعتی و بقیه را کالاهای نخستین (شامل مواد غذایی، کانی‌ها و فلزات و نفت)، تشکیل داده است. در منطقه آفریقا، دو سوم صادرات کشورهای در حال توسعه را، نفت تشکیل می‌دهد [شصت درصد (۶۰٪)]. بقیه با سهم‌های مساوی بین مواد غذایی، مواد خام صنعتی و محصولات صنعتی تقسیم شده است. در صادرات کشورهای در حال توسعه منطقه آسیای غربی، نفت سهم عمده را دارد [حدود هفتاد و سه درصد (۷۳٪)]، لیکن در منطقه آسیای جنوبی و جنوب شرقی، ترکیب بخشی صادرات، بسیار مشابه کشورهای صنعتی است. اکنون به طور متوسط، بیش از هشتاد درصد (۸۰٪) صادرات این کشورها را، صادرات کالاهای

صنعتی تشکیل می‌دهد، و تنها تفاوت بارز ترکیب بخشی صادرات این کشورها با کشورهای توسعه یافته، سهم بیشتر سوخت در صادرات آنها است.

همان گونه که مطرح شد، طی دو دهه گذشته، در اغلب کشورهای در حال توسعه، دولت‌گرایی، درون‌گرایی، حمایت‌گرایی و اتخاذ و اعمال سیاستهای جایگزینی واردات، به سیاستهای ایجاد فضای باز اقتصادی و برون‌گرایی مبدل شده است. از موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای به شدت کاسته شده، و رژیمهای ارزی و تجاری آزاد جایگزین آن گردیده است.

در همین حال در چارچوب مقررات دور اروگوئه و سازمان تجارت جهانی، بسیاری از کشورهای در حال توسعه متعهد شده‌اند، که موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای خود را به سرعت و شدت تقلیل دهند و به‌همین نحو همگرایی‌های منطقه‌ای نیز طی دهه آخر قرن بیستم و در شرایط کنونی، بسیار تقویت گردیده است. این مطلب هم می‌تواند به آفرینش فرصتهای جدید تجاری منجر شود، و هم می‌تواند، بخشی از تجارت بین کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته را به درون مناطق در حال توسعه جهان متوجه و منحرف سازد.

در موج سوم جهانی شدن از سال ۱۹۸۰ به بعد، فرایند درهم‌آمیزی‌های بین‌المللی، برای کشورهایی که با این فرایند هماهنگ بوده‌اند، از دیدگاه رشد اقتصادی، کاهش فقر و توزیع بهتر درآمدها، بسیار سودمند بوده است.

بررسیهایی که اخیراً از سوی نهادهای بین‌المللی و پژوهشگران مستقل انجام شده، حاکی از آن است که تغییرات نسبت تجارت به تولید ناخالص داخلی در دهه ۱۹۷۰ تا دهه ۱۹۹۰، برای سه گروه کشورهای غیر هماهنگ با فرایند جهانی شدن، هماهنگ با این فرایند و کشورهای ثروتمند، به ترتیب منهای هجده درصد (۱۸٪-)، یکصد و چهار درصد (۱۰۴٪) و هفتاد و یک درصد (۷۱٪) بوده است. کاهش تعرفه‌های وارداتی (به طور متوسط) در فاصله اواسط دهه ۱۹۸۰ تا اواخر دهه ۱۹۹۰، برای دو گروه کشورهای ناهماهنگ با فرایند جهانی شدن و هماهنگ با این فرایند، به ترتیب یازده درصد (۱۱٪) و سی و چهار درصد (۳۴٪) بوده است. در دوره (۹۸-۱۹۹۲) در چهار کشور اوگاندا، هند، ویتنام و چین، به منزله چهار کشور هماهنگ با فرایند جهانی شدن کاهش فقر بر مبنای سالانه، به ترتیب پنج و نه دهم درصد (۵/۹)

٪، هفت و یک دهم درصد (۰/۷/۱٪)، هفت و پنج دهم درصد (۰/۷/۵٪) و هشت و چهار دهم درصد (۰/۸/۴٪) بوده است.

جدول شماره ۶- عملکرد رشد اقتصادی در جهان، در چهار دهه آخر قرن بیستم

(ارقام به درصد بر مبنای متوسط سالانه)

موضوع	دهه ۱۹۶۰	دهه ۱۹۷۰	دهه ۱۹۸۰	دهه ۱۹۹۰
کشورهای در حال توسعه هماهنگ با فرایند جهانی شدن	۱/۴	۲/۹	۳/۵	۵/۰
کشورهای در حال توسعه ناهماهنگ با فرایند جهانی شدن	۲/۴	۳/۳	-/۸	۱/۴
کشورهای ثروتمند	۴/۷	۳/۱	۲/۳	۲/۲

مأخذ: Dollar and Kraay 2001

◀ اقتصاد ایران و درهم‌آمیزی بین‌المللی

اقتصاد ایران به لحاظ نفت، اقتصادی برون‌گرا محسوب می‌شود، لیکن درهم‌آمیزی اقتصادی کشور با اقتصاد جهانی، به لحاظ سهم قابل ملاحظه نفت در ترکیب صادرات کالایی، از نوع ادغام‌های غیر متقارن است. در همین حال، عملکرد اقتصاد کشور، از دیدگاه درهم‌آمیزی با اقتصاد جهانی، به لحاظ سهم پایین صادرات غیر نفتی در تولید ناخالص داخلی، و همچنین سهم اندک صادرات صنعتی در مجموع صادرات کالایی، و جلب و جذب اندک سرمایه‌های خارجی طی دو دهه گذشته بسیار محدود بوده است. تمرکز صادرات کشور و سهم بالای نفت در صادرات کالایی، که مبین عدم تنوع کافی و توسعه نیافتگی ساختار تولید ملی است، شکنندگی و آسیب‌پذیری قابل ملاحظه‌ای را از دیدگاه تجاری و تولیدی، برای اقتصاد کشور ایجاد کرده است. این مطلب همراه با فضای سیاستی داخلی و تغییرات پیاپی در سیاست‌های اقتصادی و پیامدهای نامطلوب آن از لحاظ ثبات اقتصادی، از جمله موانع عمده درهم‌آمیزی بین‌المللی و ادغام استراتژیک کشور، در اقتصاد جهانی است. در همین حال از دیدگاه اتخاذ استراتژیهای تجاری - صنعتی، جایگزینی واردات، و برقراری حفاظتهای تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای و همچنین ملاحظات دیدگاهی، نظیر خودکفایی، خوداتکایی، محوریت بخش کشاورزی و شیوه‌های مدیریت اقتصادی و نظایر آن، اقتصاد

ایران را، باید در زمره اقتصادهای درون‌نگر قلمداد کرد. سهم ایران در تجارت بین‌المللی، با توجه به جمعیت، وسعت، منابع و موقعیت ژئواکونومیک در منطقه و جهان، اندک است و بنابر این اقتصاد ایران از دیدگاه رشد و تجارت و همچنین جذب منابع و سرمایه‌های خارجی و درهم‌آمیزی با اقتصاد جهانی، از امکانات قابل ملاحظه‌ای استفاده نشده‌ای برخوردار است.

◀ موقعیت بین‌المللی اقتصاد ایران

تولید ناخالص داخلی در اقتصاد ایران، ظرف ۲۳ سال گذشته، سالانه به طور متوسط حدود یک و پنج دهم درصد ($1/5\%$) افزایش یافته است. رشد متوسط جمعیت سالانه، طی همین دوره معادل دو و هفت دهم درصد ($2/7\%$) بوده است. این مطلب به این معنا است که، تولید ناخالص داخلی سرانه کشور در ۲۳ سال گذشته، هر سال معادل یک و دو دهم درصد ($1/2\%$) تقلیل یافته است. این تحولات در شرایطی رخ داده است که، عموم کشورهای در حال توسعه مشابه و همتراز، مانند ترکیه، روندهای رشد شتابانی را در اقتصاد ملی‌شان تجربه کرده‌اند، و همین امر باعث شده است که کشورهایی که زمانی در رده‌بندی بین‌المللی نسبت به ایران، وضعیت نازل‌تری را داشته‌اند، اکنون به مراتب از ایران پیش افتاده‌اند. مجموعه شرایط مساعد جغرافیایی و اقلیمی، از جمله تنوع آب و هوا در سرزمین پهناور، منابع و ذخایر چشم‌گیر زیرزمینی، جمعیت مولد و نیروی انسانی جوان و جویای کار و سرانجام، بازار گسترده برای تولید و مصرف در کنار هم، زمینه‌های لازم را برای سرمایه‌گذاری‌های متنوع و وسیع، در حوزه‌های گوناگون فعالیت‌های اقتصادی، در ایران به وجود آورده است که، در سودآوری آن نمی‌توان تردید روا داشت. طی دو دهه اخیر، این فرایند به گونه‌ای پی‌گیر و مؤثر اتفاق نیفتاده است و در نتیجه آهنگ رشد اقتصادی کشور در قیاس با گروهی از کشورهای دیگر در منطقه خاورمیانه، و به طور بدیهی در مقایسه با شرق آسیا و جهان، بسیار کند و آسیب‌پذیر شده است. بر اساس اطلاعاتی که بانک جهانی از تولید ناخالص داخلی سرانه کشورها (بر مبنای برابری قدرت خرید)، ارائه کرده است، در سال ۱۹۷۷ (۱۳۵۶)، تولید ناخالص داخلی سرانه ترکیه، حدود شصت درصد (60%) تولید ناخالص داخلی سرانه ایران بوده است، اما در اوایل دهه ۱۹۸۰، تولید ناخالص سرانه دو کشور برابر شده، و پس از آن تولید ناخالص داخلی سرانه ترکیه، از ایران پیشی می‌گیرد. در سال ۱۹۷۷ (۱۳۵۶)، تولید ناخالص داخلی سرانه مالزی کمتر از یک دوم تولید ناخالص

داخلی سرانه ایران بوده است، اما در سال ۱۹۹۹، تولید ناخالص داخلی سرانه این کشور (بر مبنای برابر قدرت خرید) به ۱/۵ برابر تولید ناخالص داخلی سرانه ایران (بر همین مبنا)، رسیده است.

جدول شماره ۷- تولید ناخالص داخلی سرانه (برابری قدرت خرید)^۱

(ارقام به دلار)

موضوع	۱۹۷۷	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۱۹۹۹
ایران	۳۳۲۳	۲۸۶۲	۳۸۹۷	۵۵۳۱
ترکیه	۲۰۰۹	۲۵۱۹	۴۸۴۶	۶۳۸۰
کره	۲۰۰۷	۲۹۸۸	۸۹۲۳	۱۵۷۱۲
مالزی	۱۵۴۱	۲۴۱۲	۴۷۶۳	۸۲۰۹
سنگاپور	۳۴۱۹	۵۸۹۴	۱۲۸۴۳	۲۰۷۶۷

مأخذ: World Bank, World Economic Indicators. 2001.

تولید ناخالص داخلی سرانه کره جنوبی نیز، در سال ۱۹۷۷ (۱۳۵۶)، حدود شصت درصد (۶۰٪) تولید ناخالص سرانه ایران بوده است. در سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۹)، تولید ناخالص داخلی دو کشور، تقریباً برابر می‌شود، در سال ۱۹۹۰، تولید ناخالص سرانه کره، به بیش از دو برابر و اکنون به بیش از سه برابر تولید ناخالص سرانه ایران افزایش یافته است (تولید ناخالص داخلی سرانه کره به دلار جاری در سال ۱۹۹۹ بیش از چهار برابر تولید ناخالص داخلی سرانه ایران بوده است).

به این ترتیب جایگاه اقتصاد کشور در عرصه اقتصاد جهانی، بر اساس رتبه‌بندی کشورها بر مبنای درآمد و تولید، ظرف ۲۳ سال گذشته به شدت تنزل کرده است.

چهار کشور ترکیه، کره، مالزی و سنگاپور که در این مقایسه مطرح شده‌اند، رویکردهای متفاوتی را نسبت به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و استراتژی توسعه صنعتی اتخاذ کرده‌اند، اما به هر حال،

۱- شایان ذکر است که ارقام متکی بر برابری قدرت خرید، صرفاً از دیدگاه جایگاه و ترتیب کشورها از جهت تولید ملی و نیز تغییرات آن، طی زمان انتخاب شده است ولی بر اساس اطلاعات بانک مرکزی عملاً درآمد سرانه واقعی کشور در دوره ۱۹۷۷ تا ۱۹۹۹، در هر سال معادل (۱/۲٪) کاهش یافته است.

گسترش و تعمیق فرایند صنعتی شدن، درهم‌آمیزی بین‌المللی و رشد صادرات صنعتی، از جمله عوامل مهم موفقیت نسبی این کشورها بوده است. صادرات ترکیه در سال ۱۹۸۰، حدود ۳ میلیارد دلار بوده است. در سال ۱۹۹۰، صادرات کالایی این کشور به حدود ۱۳ میلیارد دلار و در سال ۱۹۹۹، به ۲۶ میلیارد دلار افزایش یافته است. سهم صادرات صنعتی، در مجموع صادرات کالایی ترکیه، در همین مقاطع به ترتیب بیست و هفت درصد (۲۷٪)، شصت و هشت درصد (۶۸٪) و هفتاد و هشت درصد (۷۸٪) بوده است. صادرات کالایی در کره، در سه مقطع ۱۹۸۰، ۱۹۹۰ و ۱۹۹۹ به ترتیب ۱۷/۵، ۶۵/۰ و ۱۴۵ میلیارد دلار بوده است، و سهم صادرات صنعتی، در مجموع صادرات کالایی این کشور در سال ۱۹۹۹، به بیش از نود درصد (۹۰٪) رسیده است. صادرات کالایی مالزی، در سال ۱۹۸۰، حدود ۱۳ میلیارد دلار بوده است، و در سالهای ۱۹۹۰ و ۱۹۹۹ به ترتیب به ۲۹ میلیارد دلار و ۸۴ میلیارد دلار افزایش یافته است، و صادرات کالایی سنگاپور نیز، به منزله یکی از مهم‌ترین مناطق آزاد جهان، از ۱۹ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰، به ۵۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰ و به حدود ۱۱۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۹ افزایش یافته است. سهم صادرات صنعتی، در مجموع صادرات کالایی سنگاپور، در سال ۱۹۹۹، برابر هشتاد و شش درصد (۸۶٪) بوده است. سهم صادرات صنعتی، در مجموع صادرات کالایی ایران، که در سال ۱۹۸۰، برابر پنج درصد (۵٪) بوده، اکنون به حدود هفت یا هشت درصد (۷٪ یا ۸٪)، افزایش یافته است و صادرات کالایی کشور را عمدتاً صادرات کالاهای نخستین (نفت)، تشکیل داده و می‌دهد.

جدول شماره ۸- صادرات کالایی و سهم صادرات صنعتی

(ارقام به میلیون دلار و درصد)

کشور	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۱۹۹۹
ایران	۱۴۰۸۲ (۵)	۱۶۸۰۰	۱۶۲۰۰
ترکیه	۲۹۱۰ (۲۷)	۱۲۹۵۹ (۶۸)	۲۶۰۲۸ (۷۸)
کره	۱۷۵۱۲ (۹۰)	۶۵۰۱۶ (۹۴)	۱۴۴۷۴۵ (۹۱)
مالزی	۱۲۹۵۸ (۱۹)	۲۹۴۱۶ (۵۴)	۸۴۴۵۵ (۸۰)
سنگاپور	۱۹۳۷۶ (۴۷)	۵۲۷۵۲ (۷۲)	۱۱۴۶۸۹ (۸۶)

توضیح: ارقام داخل پرانتز بیانگر سهم صادرات صنعتی در صادرات کالایی است.

Source: World Bank, WDI, 2001

◀ چشم‌انداز آینده اقتصاد ایران

استقرار یک فرایند رشد بلندمدت و با ثبات برای ایجاد شغل، ارتقای سطح زندگی و جایگاه کشور در اقتصاد جهانی، گسترش و تعمیق فرایند صنعتی شدن، و پی‌ریزی یک ساختار صنعتی پویا و رقابت‌پذیر با قابلیت نفوذ در بازارها و شبکه‌های ارزش بین‌المللی، همراه با تغییرات نهادی و ارتقای ظرفیتها و توانمندی‌های تکنولوژیک، و توسعه سرمایه‌های زیربنایی، فیزیکی و منابع انسانی در جهت ایجاد پیوند با اقتصاد جهانی، از جمله ضرورت‌های انکارناپذیر بازآرایی اقتصادی - صنعتی ایران محسوب می‌شود.

بررسی روندهای رشد دهه گذشته، همراه با پیش‌بینی‌های جمعیتی در مورد ایران و چهار کشور منتخب (ترکیه، کره جنوبی، مالزی، و سنگاپور) تا افق ۲۰۱۵، نشان می‌دهد که، در صورت تداوم روندها، تولید ناخالص داخلی سرانه کشور، در مقیاس واقعی از ۱۷۵۹ دلار در سال ۱۹۹۹، به ۲۳۷۷ دلار در سال ۲۰۱۵، افزایش خواهد یافت. بر این اساس، تولید ناخالص داخلی سرانه ترکیه در سال هدف، حدود ۲ برابر ایران، کره ۸ برابر ایران، مالزی تقریباً ۴ برابر ایران و سنگاپور ۲۵ برابر ایران خواهد بود.

جدول شماره ۹- چشم‌انداز آینده اقتصاد ایران - گزینه تداوم روند

کشور	تولید ناخالص داخلی سرانه* (به دلار)	میانگین سالانه نرخ رشد جمعیت (درصد)	نرخ متوسط رشد سالانه تولید ناخالص داخلی (۱۹۹۰-۱۹۹۹) (درصد)	تولید ناخالص داخلی سرانه (به دلار) ۲۰۱۵
ایران	۱۷۵۹	۱/۷	۶/۳	۲۳۷۷
ترکیه	۲۸۸۴	۱/۲	۳/۸	۴۳۴۹
کره جنوبی	۸۶۸۵	۰/۵	۵/۷	۱۹۵۴۴
مالزی	۳۴۸۰	۱/۶	۷/۳	۸۴۴۸
سنگاپور	۲۱۴۹۴	۱/۴	۸/۰	۵۹۷۶۳

توضیح: اطلاعات مربوط به تولید ناخالص داخلی سرانه، میانگین رشد جمعیت و نرخ متوسط رشد سالانه تولید ناخالص داخلی، در دوره (۱۹۹۰-۱۹۹۹) از نماگرهای اقتصاد جهانی (بانک جهانی) گرفته شده است.

* بر مبنای مقیاس واقعی و نه بر مبنای برابری قدرت خرید. World bank, WDI, 2001

بنابر این می‌توان چشم‌انداز دیگری را مطرح کرد، که ظرف ۱۵ سال آینده موقعیت ایران، در عرصه بین‌المللی و منطقه، تا حدودی احیا شده و درآمد سرانه ایران، با ۲/۵ برابر افزایش، به رقمی معادل تولید ناخالص داخلی سرانه ترکیه در سال ۲۰۱۵ (که بر مبنای فرض تداوم روند رشد این کشور در دهه گذشته حاصل شده بود) برسد. بر اساس این فرض نتایج زیر برای ایران حاصل می‌شود:

- متوسط رشد تولید ناخالص داخلی در روند (۲۰۱۵-۱۹۹۹)، سالانه هفت و شش دهم درصد (۷/۶٪)

- متوسط رشد ارزش افزوده صنعت در دوره (۲۰۱۵-۱۹۹۹) سالانه دوازده و سه دهم درصد (۱۲/۳٪)

- صادرات کالایی کشور در سال هدف ۲۰۱۵، معادل ۵۴ میلیارد دلار

- صادرات صنعتی در سال هدف ۲۰۱۵، معادل ۳۵ میلیارد دلار

- روانه سرمایه‌گذاری مستقیم در سال هدف ۲۰۱۵، معادل ۱۰ میلیارد دلار

تحقق چنین مقادیری، پیامدهای گسترده‌ای را از لحاظ تشکیل سرمایه، توسعه بخش خصوصی،

تحولات فناوری و اتخاذ ترتیبات نهادی مناسب در حوزه‌های تجاری و سرمایه‌گذاری، و هم‌پیوندی با

اقتصاد جهانی و ... متضمن خواهد بود.

◀ چشم‌انداز اقتصاد ایران - گزینه احیای موقعیت بین‌المللی و منطقه‌ای کشور

جدول شماره ۱۰- ارزش افزوده بخشهای مختلف

موضوع	۱۹۹۹ (میلیارد دلار)	۲۰۱۵ (میلیارد دلار)	۱۹۹۹-۲۰۱۵ (درصد)
ارزش افزوده کشاورزی	۱۵/۶	۳۴/۱	۵/۰
ارزش افزوده نفت	۱۷/۰	۲۴/۲۰	۲/۲
ارزش افزوده صنعت	۱۵/۳	۹۷/۶	۱۲/۳
ارزش افزوده خدمات و سایر فعالیتها	۶۲/۹	۲۰۳/۱	۷/۶
تولید ناخالص داخلی	۱۱۰/۸	۳۵۸/۸	۷/۶
تولید ناخالص سرانه (دلار)	۱۷۵۹	۴۳۴۹	۵/۸
جمعیت میلیون نفر	۶۲/۰	۸۲/۵	۱/۷

فروض

سال ۲۰۱۵ میلادی

- صادرات، بر اساس نسبت واردات به تولید ناخالص داخلی معادل پانزده در صد (۱۵٪)
- صادرات غیر نفتی، با فرض صادرات نفت در حد ۱/۴ میلیون بشکه در روز، در سال هدف (هر بشکه ۲۵ دلار)
- صادرات نفتی، با فرض نسبت صادرات صنعتی به کل صادرات، شصت و پنج درصد (۶۵٪)
- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با به‌کارگیری نسبت متوسط سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی، در منطقه آسیای شرقی و پاسیفیک در سال ۱۹۹۹

نتیجه‌گیری

جهان در دو دهه آخر قرن بیستم، شاهد تحولات ساختاری چشمگیری در عرصه مناسبات اقتصادی و درهم‌آمیزی‌های بین‌المللی بوده است، که از آن عموماً به جهانی شدن اقتصاد و صنعت، تعبیر شده است. در پیدایش نظم جدید اقتصاد جهانی، دو نیروی عمده، اثرگذار بوده است: نخست پیشرفتهای فنی

سریع و به ویژه انقلاب در انفورماتیک و ارتباطات، و دوم آزادسازی رژیمهای تجاری، سرمایه‌گذاری و مالی. گستردگی و عمق این تحولات، در حدی بوده است که، پاره‌ای از تحلیلگران آن را به منزله ظهور دیدمان نوین تکنولوژیک، قلمداد کرده‌اند. در این دیدمان جدید، فناوری‌های نوین با فنون مدیریتی جدید، اشکال گوناگون پیوندهای بین بنگاهی و درون بنگاهی، اهمیت نقش علم در فرایندهای تولیدی - صنعتی، گسترش و تعمیق جریان مبادله اطلاعات بین کارگزاران اقتصادی، توأم گردیده است. این تغییرات فناوری، روابط اقتصادی بین‌المللی را دگرگون ساخته، و به الگوهای جدیدی از مزیت‌های نسبی، جریان‌های سرمایه، تکنولوژی، نیروی انسانی، تولید و مالکیت اطلاعات و حقوق دارایی‌ها شکل داده است. گرچه کانون اصلی پویش فناوری در جهان صنعتی متمرکز بوده و هست، کشورهای در حال توسعه به‌طور عام، و ایران به‌طور خاص نیز، ناگزیر در معرض تحولات اخیر در مناسبات اقتصادی بین‌المللی، قرار گرفته و می‌گیرند. قدر مسلم آن است که، نظم جدید اقتصاد جهانی، برای همه کشورها و از جمله ایران، ترتیبات نهادی - رفتاری و آرایشهای فنی نوینی را مطرح می‌سازد که بدون ملاحظه این شرایط محیطی و پیروی از قانونمندی‌های آن، توسعه اقتصادی - صنعتی کشورها با موانع جدید روبه‌رو خواهد شد، و فقط در صورت انطباق با این شرایط و ورود به شبکه‌های ارزش بین‌المللی است که می‌توان، از فرصتهای تجاری و سرمایه‌گذاری گسترده‌ای که در عرصه اقتصاد جهانی پدیدار شده، بهره‌مند گردید.

مأخذ:

- Dollar, David (2001). "Globalization, Inequality, and Poverty since 1980" World Bank.
- Dollar, David and Aart Kraay (2001), "Trade, Growth, and Poverty." Policy Research Working Paper No. 219, World Bank.
- WTO, International Trade Statistics, 2001.
- UNCTAD, World Investment Report, 2001.

- ترازنامه‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

تصویری از آینده صنعت

◀ مقدمه

با توجه به گزارشات منتشر شده در خصوص توسعه اقتصادی، در سالهای اخیر چالش اساسی چشم‌انداز تمامی اقتصادها، مواجهه با پدیده جهانی شدن است. اگر فرض شود که اقتصاد کشور ما نیز جهانی شدن، و استفاده از فرصتهای موجود در آن راه، به عنوان چشم‌انداز توسعه اقتصادی، مد نظر قرار داده است، صنعت رقابت‌پذیری، نگاشت این چشم‌انداز توسعه در حوزه صنعت کشور است. لازمه ایجاد چنین صنعتی در درجه نخست، توجه به فضای کسب و کار موجود در کشور است (از این منظر، هر عنصری که در فعالیتهای صنعت تأثیرگذار باشد، عضوی از فضای کسب و کار است) و لذا برای شناخت چالشها و راهکارهای حصول به صنعتی رقابت‌پذیر، ناگزیر به شناخت چالشهای موجود در فضای کسب و کار در کشور هستیم. بر اساس گزارش «چالشها و چشم‌اندازهای توسعه صنعتی ایران» که توسط سازمان مدیریت صنعتی تهیه گردیده است، و به نقل از پایگاه اطلاعاتی EIU¹، شاخصهایی برای ارزیابی محیط کسب و کار کشورها استخراج گردیده است. در گزارش مزبور، کشورها به سه دسته تقسیم می‌گردند که این تقسیم‌بندی ارتباط مستقیم با رقابت‌پذیری هر کشور دارد:

الف: کشورهایی با فضای کسب و کار پیش برنده: به این معنا که برآیند عوامل مؤثر بر فعالیتهای صنعتی به صورت نیروی جلو برنده عمل می‌نماید و هزینه ورود و فعالیت در صنعت کمتر از سایر گروه‌ها می‌باشد.

ب: کشورهایی با فضای کسب و کار خنثی: برآیند عوامل مؤثر در صنعت در این فضا، نه جلو برنده و نه بازدارنده می‌باشد.

ج: کشورهایی با فضای کسب و کار بازدارنده: برآیند عوامل در این فضا، هزینه‌ساز می‌باشد. و لذا هزینه ورود و انجام فعالیت کسب و کار بیشتر می‌باشد.

امتیاز ایران بر اساس گزارش EIU سال ۲۰۰۲ مطابق جدول ذیل می‌باشد:

جدول شماره ۱- رتبه ایران بین هفت کشور منطقه

رتبه، بین ۷ کشور منطقه	فضای کسب و کار	امتیاز		عوامل مؤثر	ردیف
		۲۰۰۳-۲۰۰۷	۱۹۹۸-۲۰۰۲		
هفتم	بازدارنده	۲/۶	۲	محیط سیاسی	۱
هفتم	بازدارنده	۴/۴	۳/۸	محیط اقتصاد کلان	۲
هفتم	بازدارنده	۳/۱	۳/۱	فرصتهای بازار	۳
هفتم	بازدارنده	۲	۱/۶	سیاست در رابطه با شرکتهای خصوصی و رقابت	۴
هفتم	بازدارنده	۲/۲	۱/۵	سیاست در رابطه با سرمایه‌گذاری خارجی	۵
هفتم	بازدارنده	۲/۵	۱/۵	تجارت خارجی و کنترل ارزی	۶
هفتم	بازدارنده	۲/۵	۱/۷	مالیاتها	۷
هفتم	بازدارنده	۲/۲	۱/۳	تأمین مالی	۸
هفتم	بازدارنده	۲/۵	۲/۵	بازار کار	۹
هفتم	بازدارنده	۲/۵	۲/۲	زیرساختها	۱۰

کشورهای منطقه، که ایران در مقایسه با آنان رتبه‌بندی شده است، عبارتند از الجزایر، مصر، فلسطین اشغالی، نیجریه، عربستان سعودی و آفریقای جنوبی. حداکثر امتیاز ۱۰ و کمتر از ۵ نشانگر حالت بازدارنده است. همان گونه که در جدول فوق مشاهده می‌گردد، تمامی عوامل مؤثر فضای کسب و کار در ایران، امتیازی کمتر از ۴ دارند و مطابق پیش‌بینی تا سال ۲۰۰۷، این امتیاز بالاتر از ۵ نخواهد بود و به این معناست که فضای کسب و کار در کشور کاملاً بازدارنده است، هر چند روند، رو به بهبود است اما کشور نیازمند ادامه جدی‌تر اصلاح ساختار اقتصادی، و بهبود فضای کسب و کار به سمت ایجاد فضایی پیش‌برنده می‌باشد.

شناسایی وضعیت فضای کسب و کار از دو جهت حائز اهمیت می‌باشد، نخست آن که مشخص می‌گردد که برای رسیدن به فضای کسب و کار پیش‌برنده، نیازمند طراحی و اجرای مجموعه‌ای از سیاستها، در قالب برنامه استراتژی توسعه صنعتی و تکنولوژیکی هستیم.

ثانیاً برنامه و سیاستهای توسعه بخشهای پیشروان صنعت، می‌باید متناسب با چنین فضایی طراحی گردد و نمی‌توان از مدل‌های توسعه که در کشورهایی با فضای کسب و کار متفاوت با ما، ارائه شده است، استفاده نمود.

این گزارش، در صدد طراحی چشم‌انداز آینده صنعت، در قالب معرفی چارچوب یک برنامه توسعه صنعتی است. یک برنامه توسعه صنعتی و تکنولوژی دارای سه سطح است:

۱- سطح ملی

۲- اولویت‌گذاری استراتژیک

۳- برنامه‌های اجرایی و سیاستهای خاص

در چارچوب ارائه شده، سه نوع سیاست تعریف می‌گردد:

الف: سیاستهای کارکردی **functional policies** یا چارچوب‌گرا **Framework**، که به معنای بهبود عوامل خاصی از فضای اقتصاد عمومی، بدون ترجیح فعالیتهای خاص است.

ب: سیاستهای افقی **horizontal policies** یا به تعبیری سیاستهای عام **Generic**، که به معنای بهبود فعالیتهای منتخب در عرض بخشها (فعالیتهای مشترک مانند تحقیق و توسعه) است.

ج: سیاستهای عمودی **vertical policies** که به معنای هدف‌گذاری صنعتی آشکار است.

سیاستهای عمودی ناظر بر توسعه بخشهای پیشرو صنعتی و یا بخشهایی که اهمیت بالفعل (و نه لزوماً استراتژیک و نهایی) دارند، در یک اقتصاد است و در نتیجه جنبه‌هایی از سیاستهای کارکردی و افقی را شامل می‌شود.

مراحل برنامه توسعه صنعتی و اقتصادی، در چارچوب سیاستهای مذکور را می‌توان، به شرح ذیل تقسیم‌بندی نمود:

۱- سطح ملی: شامل تعیین استراتژی کلان و هدفهای ملی و اجرای سیاستهای کارکردی -

چارچوبی، مانند بهبود بازارهای سرمایه و کار و ... است.

۲- اولویت‌گذاری استراتژیک: اولویت‌گذاری استراتژیک در صنعت و تکنولوژی و فعالیتهای هماهنگ کننده، شامل اولویتهای افقی (مانند تشویق جذب و اشاعه تکنولوژی، تحقیق و توسعه در سطح ملی، زیرساخت تکنولوژی و توسعه نیروی انسانی) و اولویتهای عمودی (مانند فعالیتهای توسعه تکنولوژی در حوزه‌های خاص و تکنولوژی‌های ژنریک) می‌باشد.

۳- برنامه‌های اجرایی و سیاستهای خاص: شامل ایجاد پورتفولیوی از برنامه‌ها و سیاستهای اجرایی منسجم و سازگار، در خصوص توسعه بخشهای پیشرو رقابت‌پذیر و بهبود بخشهای با اهمیت موجود در صنعت است.

در ادامه ابتدا به بررسی استراتژی‌های موفق در جهان می‌پردازیم، و مروری بر استراتژی توسعه صنعتی و تکنولوژی ایران، طی دوره‌های اخیر خواهیم داشت، و با بررسی عملکرد رقابت‌پذیری صنعتی در جهان و ایران، و با توجه به منحنی عمر صنعت و مزایای رقابتی و طبیعی، در صدد معرفی بخشهایی از صنعت، که توان رقابتی بیشتری خواهند داشت می‌پردازیم، و چالشها و راهبردهای اساسی بخش را ارائه خواهیم نمود.

◀ تعیین استراتژی

مطالعات انجام گرفته توسط سازمان توسعه صنعتی ملل متحد^۱ در خصوص موفقیت کشورهای در حال توسعه، نشانگر این موضوع است که، این اقتصادها از استراتژیهای مختلفی برای ساخت توانمندی‌های صنعتی و رقابت در بازارهای جهانی استفاده نموده‌اند، که عبارتند از:

- توانمندسازی صنعتی از طریق تحقیق و توسعه
- توانمندسازی صنعتی از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
- ترکیبی از دو استراتژی بالا

1. Global Industrial Development Report 2002-2003.

کشورهایی که علاوه بر توانمندسازی صنایع داخلی، از طریق تحقیق و توسعه توانسته‌اند به زنجیره ارزش جهانی متصل شوند، و همچنین کشورهایی که با استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی، و تلفیق آن با سیاستهای قوی صنعتی و ورود به صنایع منتخب و هدف‌گذاری شده، در صدد افزایش رقابت‌پذیری بوده‌اند، توانسته‌اند پایدارترین و بالاترین نرخ رشد و توسعه صنعتی را تجربه نمایند. در این دیدگاه، مهم‌ترین پیشران‌های توسعه صنعتی عبارتند از: مهارتها، تلاشهای معطوف به تکنولوژی، ورود سرمایه مستقیم خارجی، پرداختی‌ها بابت تکنولوژی و زیربنای مدرن

در مقابل، کشورهایی که فقط با تکیه بر نیروی کار ارزان، هزینه‌های تولید کم و بازار داخلی وسیع، در صدد جذب سرمایه خارجی بوده‌اند، و سیاستهای پویایی، جهت افزایش توانمندی صنعتی و دسترسی به رقابت‌پذیری بالاتر نداشته‌اند، دارای رشد اقتصادی برای دوره‌های کوتاهی بوده‌اند، ولی نتوانسته‌اند رشد و توسعه پایداری را تجربه نمایند.

در واقع دو رکن اساسی توسعه صنعتی، یادگیری **learning** و نوآوری **innovation** است. هر نظام توسعه بر این دو پایه بنا می‌گردد، و استراتژی‌های فوق‌الذکر نیز، در پی ایجاد این دو رکن، اما با نگرشهای متفاوت نسبت به ساختارها و سیاستهای توسعه می‌باشند. استراتژی‌های ایجاد توانمندی تحقیق و توسعه، بیشتر در صدد غنای نوآوری در کشور، و استراتژی استفاده از سرمایه‌های خارجی، بیشتر در صدد توسعه یادگیری در کشور است، و استراتژی تلفیقی، هر دو رکن یادگیری و نوآوری را به طور جدی مورد توجه قرار داده است.

به منظور استخراج استراتژی توسعه صنعتی در یک کشور، روشهای متفاوتی ارائه شده است، و تقریباً در تمامی روشهای جدید، توسعه تکنولوژی، از اساسی‌ترین پارامترهای شناخت استراتژی موفق در کشورهای در حال توسعه، و توسعه یافته می‌باشد. یونیدو در گزارش جهانی سال (۲۰۰۳ - ۲۰۰۲) چهار پارامتر برای شناخت استراتژی کشورهای موفق، و همچنین روشی بر اساس شناخت پیشران‌ها **Drivers** و یا نیروهای جلو برنده، که ماهیت شناخت فرایند توسعه را دارند، ارائه نموده است. پارامترهای مذکور عبارتند از:

- میزان هزینه **R&D** به ازای هر واحد صادرات صنایع نوین و برتر

- هزینه **R&D** به ازای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

- صادرات صنایع تکنولوژی‌های برتر

- سهم صادرات صنایع برتر در کل صادرات صنعتی

با استفاده از پارامترهای مذکور تقسیم‌بندی در خصوص کشورهای منتخب بر اساس استراتژی‌های مطرح شده آورده شده است.

با توجه به این که در استراتژی‌های توسعه صنعتی، که در حال حاضر در سطح بین‌المللی مطرح است، از صنایع مبتنی بر فناوری بالا (صنایع نوین)، زیاد صحبت شده است، و در گزارش حاضر نیز بالطبع، مورد توجه قرار گرفته است، لازم است تعریفی از این صنایع و حوزه کاربرد آنها انجام پذیرد. صنایع نوین، مبتنی بر فعالیتهای فکری و مهارتی بالا می‌باشند. تغییرات سریع فناوری، از مشخصات بارز این صنایع می‌باشد و نوآوری، هسته اصلی این صنعت را تشکیل می‌دهد، و لذا دارای ارزش افزوده بالایی هستند. رشد سریع این صنایع، در دنیا به علت افزایش نیازمندی سایر صنایع به آنها می‌باشد. به عبارت دیگر هر صنعتی که بخواهد رقابت‌پذیر باشد، ناگزیر است از این صنایع در فرایند تولیدی خود، به منظور افزایش بهره‌وری و توسعه نوآوری، و همچنین از محصولات آن، برای افزایش کارایی و کاهش هزینه استفاده نماید. لذا توسعه صنایع مبتنی بر فناوری پیشرفته، توسعه کاربرد این صنایع در بخشهای مختلف صنعت را نیز شامل می‌گردد، و این صنایع را نمی‌توان در عرض سایر بخشهای صنعت، همانند فولادسازی، نساجی، صنایع خودرو و ... دانست، و در نتیجه سیاستهای توسعه این صنایع، متفاوت با سیاستهای توسعه بخشهای مختلف صنعت است.

رقابت‌پذیری صادر کنندگان اصلی صنایع نوین، از طریق نوآوری داخلی یا مشارکت در سیستم تولید جهانی، قابل شناسایی و اندازه‌گیری می‌باشد. مقایسه فعالیتهای تحقیق و توسعه و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، با عملکرد صادرات صنایع نوین، شاخص مناسبی برای نشان دادن نیروهای پیشران در عملکرد صنعت می‌باشد. تحلیل مزبور، بر اساس مقدار تحقیق و توسعه نسبت به صادرات صنایع نوین، و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، برای کشورهایی که بیش از ۵ میلیارد دلار صادرات در سال ۱۹۹۸ داشته‌اند، در خصوص ۲۶ کشور، از جمله ۹ کشور در حال توسعه، صورت پذیرفته است.

جدول شماره ۲- مقایسه فعالیتهای تحقیق و توسعه و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

رتبه		کشور	تحقیق و توسعه به ازای صادرات تکنولوژی برتر Hitech S		تحقیق و توسعه به ازای سرمایه مستقیم خارجی (دلار)		تکنولوژی برتر (میلیارد دلار) Hitech		سهام تولیدات تکنولوژی برتر در صادرات صنعتی (درصد)	
۱۹۹۸	۱۹۸۵		۱۹۹۸	۱۹۸۵	۱۹۹۸	۱۹۸۵	۱۹۹۸	۱۹۸۵	۱۹۹۸	۱۹۸۵
۱	۳	ژاپن	-/۶۲۵	-/۹۳۷	۶۲/۴۲	۱۰۰/۴	۳۶/۶	۱۴۴/۹	۲۰/۸	۳۹/۶
۲	۲	آمریکا	-/۱۶۸۶	-/۱۶۲۲	۱/۶۸	۱/۷۵	۵۳/۳	۱۹۶/۹	۲۵/۸	۳۱
۳	۱	آلمان	-/۸۱۶	-/۳۶۸	۱۳/۰۹	۵/۰۱	۲۴/۳	۹۲/۷	۱۳/۲	۱۷/۱
۴	۶	سوئیس	-/۱۲۸۲	-/۱۳۳۱	۲/۳۳	۱/۳۵	۴/۷	۱۸/۳	۱۷	۲۳/۲
۵	۹	سوئد	-/۲۳۱	-/۲۸۳	۳/۳۳	-/۷۱	۴/۱	۲۰/۴	۱۳/۴	۲۴/۷
۶	۸	فرانسه	-/۱۳۴۵	-/۲۶۶	۱/۶۷	-/۷۶	۱۴/۳	۶۵/۱	۱۴/۶	۲۱/۶
۷	۱۸	کره جنوبی	-/۱۱۹	-/۲۶۴	۳/۵	۵/۹	۳/۷	۳۶	۱۲/۲	۲۷/۲
۸	۵	استرالیا	-/۲۸۴	-/۲۳۳	۲/۱۹	-/۶۵	۱/۶	۷/۴	۹/۲	۱۳/۲
۹	۱۱	دانمارک	-/۲۲۸	-/۲۲۵	۵/۵	-/۵۷	۱/۸	۷/۶	۱۰/۹	۱۶
۱۰	۱۰	اسپانیا	-/۲۲۹	-/۲۱۳	-/۲	-/۲۸	۱/۵	۱۰/۲	۶	۹/۳
۱۱	۱۵	ایتالیا	-/۱۴۱	-/۲۱	-/۹۷	۱/۴۵	۷/۵	۲۴/۵	۹/۵	۱۰/۱
۱۲	۴	فنلاند	-/۳۴۲	-/۲	۲/۹۵	۱/۴۵	-/۸	۱۰/۵	۵/۷	۲۴/۴
۱۳	۷	کانادا	-/۲۷۸	-/۱۷۷	-/۹۸	-/۵۲	۶/۲	۲۳/۸	۷/۱	۱۱/۱
۱۴	۱۹	بلژیک	-/۱۰۵	-/۱۵۹	-/۲	-/۲۶	۳/۵	۱۷/۴	۶/۴	۹/۷
۱۵	۱۳	انگلیس	-/۱۶۷	-/۱۳۴	-/۷۳	-/۴۹	۱۷/۹	۷۶/۳	۱۷/۶	۲۸/۲
۱۶	۱۲	فلسطین اشغالی	-/۲۱۱	-/۱۱۳	۲/۷۶	-/۶۷	۱/۱	۶/۶	۱۷	۲۸/۳
۱۷	۱۴	هلند	-/۱۶۴	-/۰۹۸	-/۷۸	-/۳۴	۶/۹	۴۰/۸	۱۰/۲	۲۴/۳
۱۸	۱۷	تایوان	-/۱۳۱	-/۰۶۸	۱/۳۷	۱/۵	۴/۷	۳۸/۶	۱۵/۴	۳۵
۱۹	۲۶	چین	۰	-/۰۳۳	۰	-/۰۳	-/۳	۳۳/۵	۱/۲	۱۸/۲
۲۰	۲۱	ایرلند	-/۰۱۹	-/۰۲۲	-/۳۱	-/۲۸	۲/۷	۲۵/۲	۲۵/۸	۳۹/۳
۲۱	۲۳	سنگاپور	-/۰۰۸	-/۰۱	-/۰۲	-/۰۷	۴/۷	۶۲/۳	۲۰/۴	۵۶/۷
۲۲	۱۶	مکزیک	-/۱۳۴	-/۰۰۴	-/۲۸	-/۰۲	۱/۹	۳۱/۳	۸/۶	۲۶/۶
۲۳	۲۵	مالزی	-/۰۰۱	-/۰۰۴	۰	-/۰۳	۲/۳	۴۳/۳	۱۴/۸	۴۶/۹
۲۴	۲۴	هنگ کنگ	-/۰۰۳	-/۰۰۲	۰	۰	۲/۴	۶	۱۴/۲	۲۴/۵
۲۵	۲۰	تایلند	-/۰۴۳	-/۰۰۱	-/۰۳	-/۰۱	-/۲	۱۵/۶	۲/۴	۲۸/۳
۲۶	۲۲	فیلیپین	-/۰۱۴	۰	-/۰۷	-/۰۱	-/۳	۱۹	۵/۸	۶۴/۳

با مشاهده نتایج جدول فوق مطالب ذیل قابل استنتاج است:

- اقتصادهایی با هزینه تحقیق و توسعه بالا، نسبت به هر واحد صادرات صنایع نوین و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، دارای قوی‌ترین زیربنای صنعتی و تکنولوژیکی هستند.

- در میان کشورهای صنعتی، ایرلند، تکیه بیشتری بر استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی برای تحقیق و توسعه، به جای استفاده از منابع داخلی نموده است، و این نشانگر استفاده این کشور، از شرکتهای بزرگ بین‌المللی در این زمینه می‌باشد. در واقع این کشور استراتژی توسعه و تحقیق راه، مبنا قرار داده است و برای تأمین منابع، از سرمایه‌گذاری خارجی استفاده نموده است، و در این خصوص توانسته است بالاترین رشد صنعتی، و رشد صادرات صنایع، مبتنی بر فناوری پیشرفته را تجربه نماید. به طوری که صادرات این صنایع طی دوره مذکور، ده برابر گردیده است.

- کره جنوبی پس از ژاپن، بالاترین هزینه تحقیق و توسعه، به ازای هر واحد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال ۱۹۹۸ را، دارا می‌باشد. البته علت اصلی آن کم بودن سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور است. در ضمن مشاهده می‌گردد، این کشور با تخصیص سهم بالایی از تحقیق و توسعه نسبت به صادرات صنایع نوین، توانسته است وضعیت مناسبی در صادرات صنایع نوین به دست آورد.

- کشورهای در حال توسعه مانند مالزی، مبنا را بر استفاده از سرمایه خارجی در بخش تولید کارخانه‌ای قرار داده‌اند، و بیشتر در زمینه آزمایش و مونتاژ فعالیت نموده‌اند، و لذا در حال حاضر نگران عدم استمرار ورود سرمایه خارجی به اقتصاد، و عدم رقابت‌پذیری صنعتی هستند. در بین این کشورها، سنگاپور قوی‌ترین پایه تحقیق و توسعه را دارا می‌باشد.

- چین با اتکا به زیرساختهای علمی و فناوری داخل کشور، که طی سالیان دراز فراهم آورده است، و بازار بزرگ داخل، نیروی کار بسیار ارزان و هزینه‌های تولیدی کم، جذاب‌ترین محل برای جلب سرمایه‌های خارجی را فراهم آورده است (استفاده از استراتژی ترکیبی)، و در خصوص جذب سرمایه خارجی، تمامی کشورهای جنوب شرق آسیا، و در حال توسعه و حتی توسعه یافته را تهدید می‌نماید. در آینده در شبکه تولید جهانی، شاید هیچ کشوری نتواند با توان تولیدی چین رقابت نماید، به طوری که هم اکنون وزارت صنایع و انرژی کره جنوبی، استراتژی خروج از کشوری صنعتی، به کشوری

فراصنعتی و متکی به ارائه‌ی خدمات با ارزش افزوده بالا را، با توجه به تهدید چین برای کشور کره جنوبی پیشنهاد نموده است.

- در خصوص ایران، با توجه به این که ساختارها و تعاملات، شناخته شده است، لذا می‌توان با تکیه بر اطلاعات و دانش کافی، استراتژی‌هایی که در دوره‌های مختلف در کشور مورد توجه بوده است را، به شرح ذیل شناسایی نمود.

◀ مروری بر استراتژی‌های توسعه صنعتی در کشور

در ایران، فضای حاکم بر اقتصاد و نگرش لایه‌های اجرایی، شرایطی فراهم آورده است که در عمل، رویکرد توسعه سخت‌افزاری و افزایش ظرفیت تولید، در صنعت غلبه داشته است. علی‌رغم وجود اعتبارات عمومی نسبتاً مناسب برای توسعه جنبه‌های نرم‌افزاری، فقدان استراتژی و دیدگاه منسجم توسعه بلندمدت صنعتی، تداوم غلبه دیدگاه‌های توسعه ظرفیتهای سخت‌افزاری را، موجب شده است. گام‌های مثبتی در برنامه سوم توسعه، در جهت فائق آمدن بر این معضل برداشته شده، اما سرعت مناسبی نیافته است.

سیاست‌هایی که در سالهای اخیر به منظور توسعه صنعتی مورد توجه قرار گرفت، بر حمایت از تولید کنندگان داخلی، در صناعی که از پیچیدگی بالا برخوردار نبودند متکی بود و بازار انحصاری و مطمئن داخلی برای آنان تأمین می‌شد و سابقه تاریخی در صنعت کشور، فعالیت آنها را تسهیل می‌کرد و در عین حال، سالها در بازارهای داخلی درجا زده بودند. در این رویکرد، دولت از طریق انواع کمک‌هایی که در قالب رانتهای مختلف ارائه می‌شد، به تولید کننده و حمایت از تولیدات داخلی می‌پرداخت. در دوره‌های قبل، رویکرد اقتصادی کشور، حمایت از مصرف کننده، به صورت قیمت‌گذاری و ارائه‌ی رانت به مصرف کننده، در قالب یارانه‌های مختلف بود. انتخاب این استراتژیها به این معناست که، کشور، عزمی در خصوص پیوستن به بازارهای جهانی، و ارتباط با اقتصاد شبکه‌ای تولید و فروش در سطح جهانی نداشت.

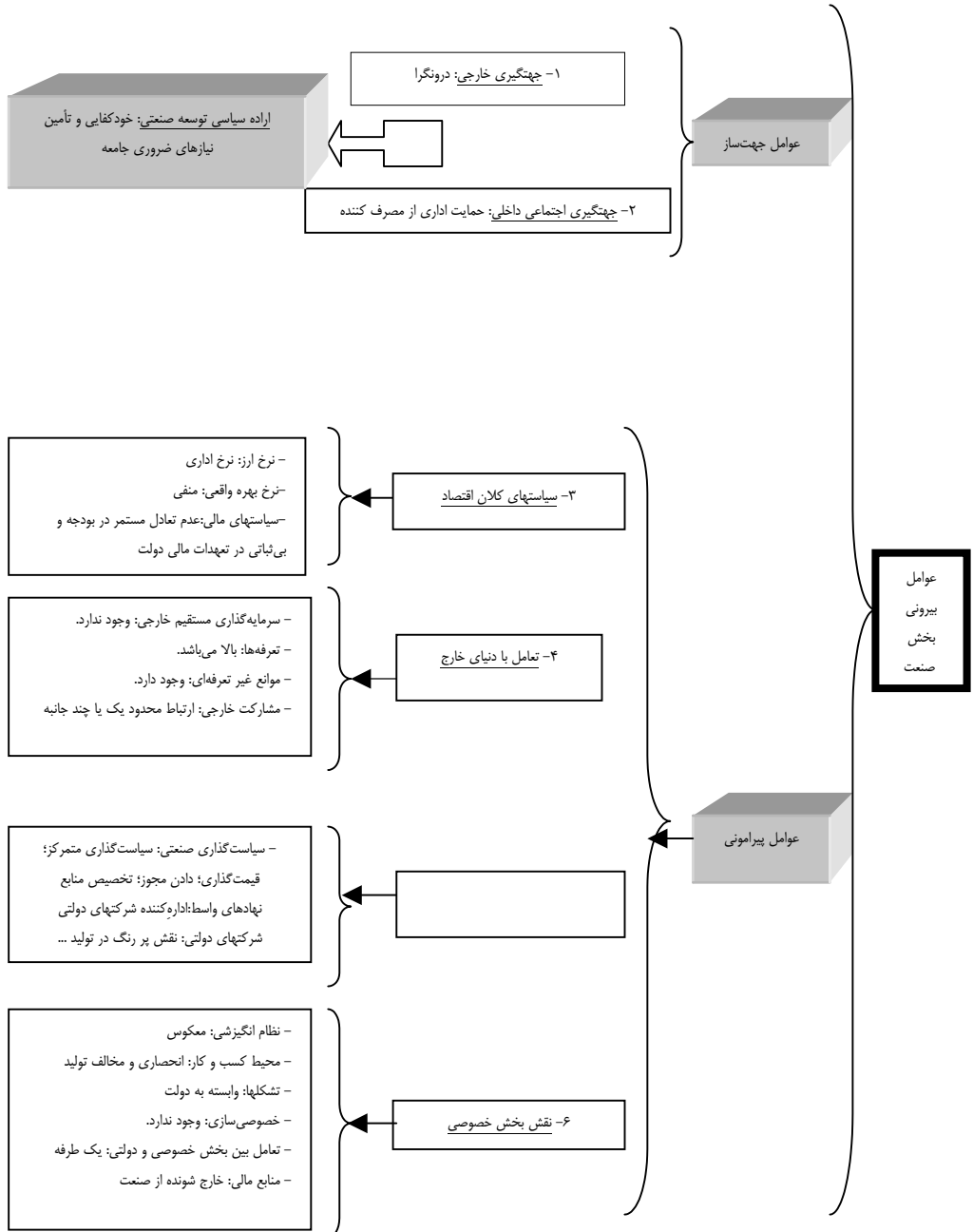
در برنامه سوم توسعه، هر چند مجموعه‌ای از سیاستهای چارچوب‌گرا، در جهت اصلاحات ساختاری و نهادی معطوف به تسهیل تعاملات با جهان پیرامون، و نیز توسعه صنایع نوین صورت گرفت، اما به دلایل مختلف، و از جمله عدم تکمیل فرایند تهیه برنامه و حلقه‌های اجرایی آن، و نیز عدم شکل‌گیری

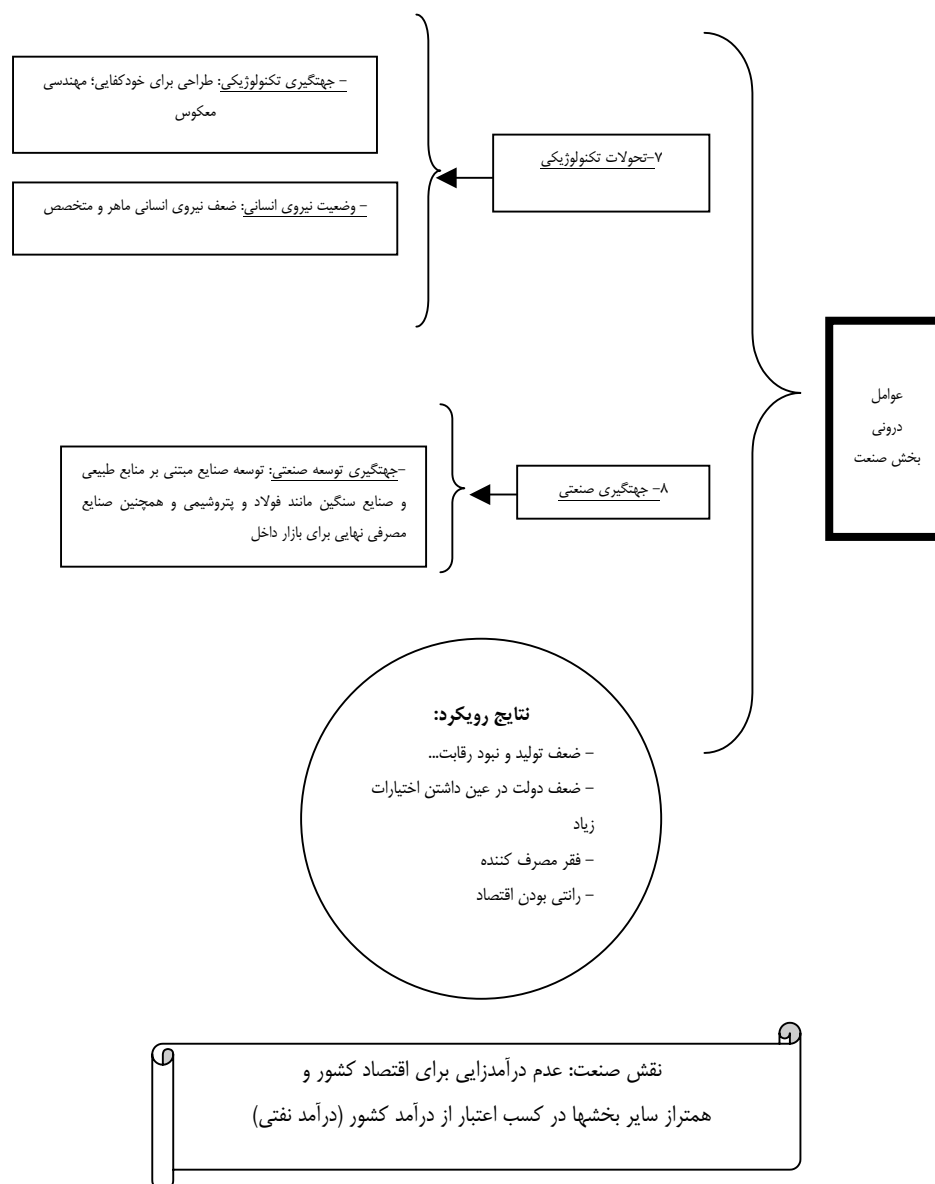
نظام مدیریت و پایش هماهنگ و منسجم توسعه، و عدم ادغام مناسب سیاستهای کارکردی، افقی و عمودی، حرکت مزبور را باید نیمه‌تمام و ناقص ارزیابی نمود. تأکیدات خاص عمودی برنامه (همچون توسعه صنایع نوین) نیز، به دلیل گسستگی و ناتمامی فرایند برنامه، به طور کلی در اختیار سلايق مدیریتهای لایه‌های اجرایی و عملیاتی بخش، قرار گرفت.

استراتژی‌های اتخاذ شده در کشور، و دستاوردها و شرایط محیطی مربوطه، در نمودارهای ذیل نشان

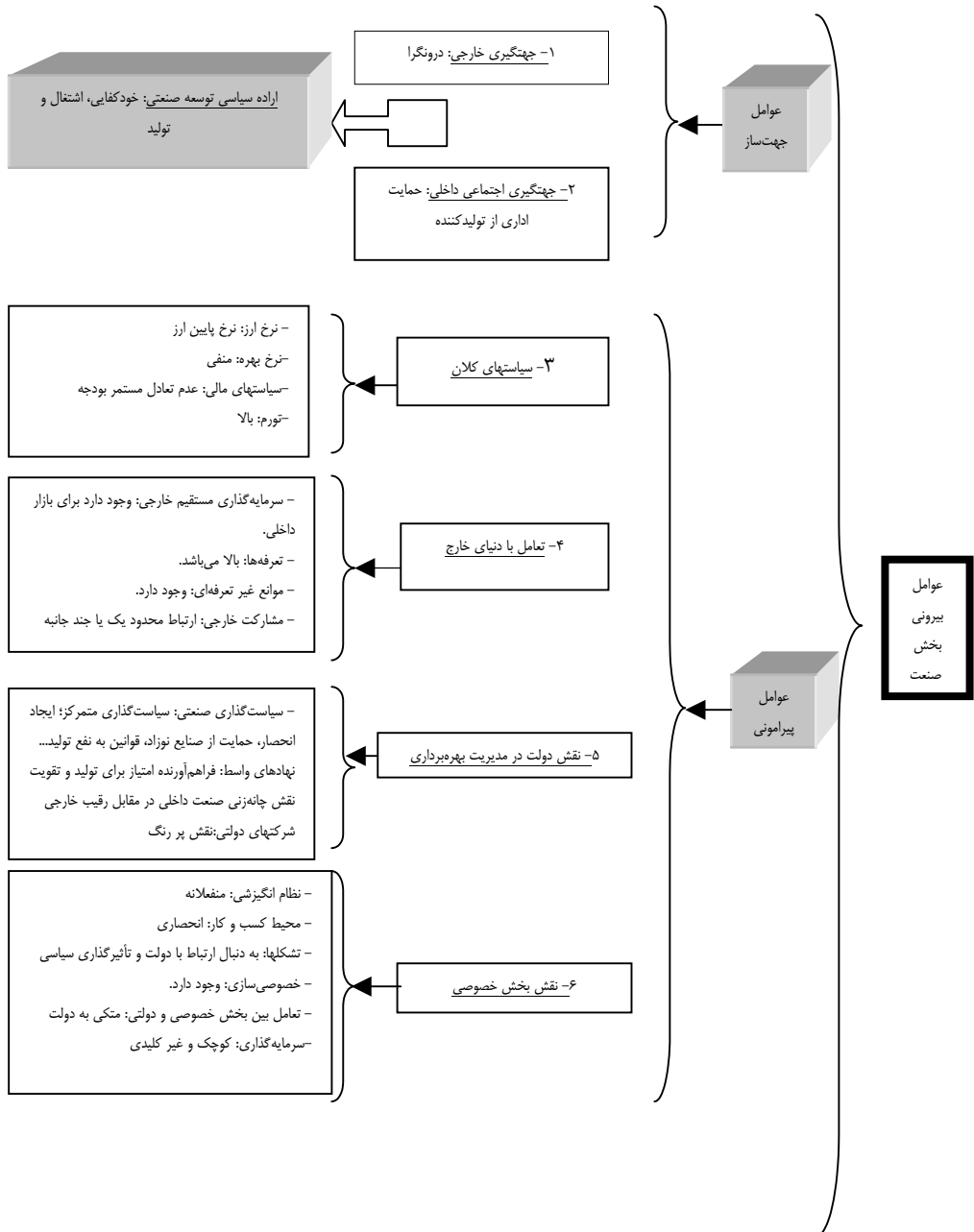
داده شده است.

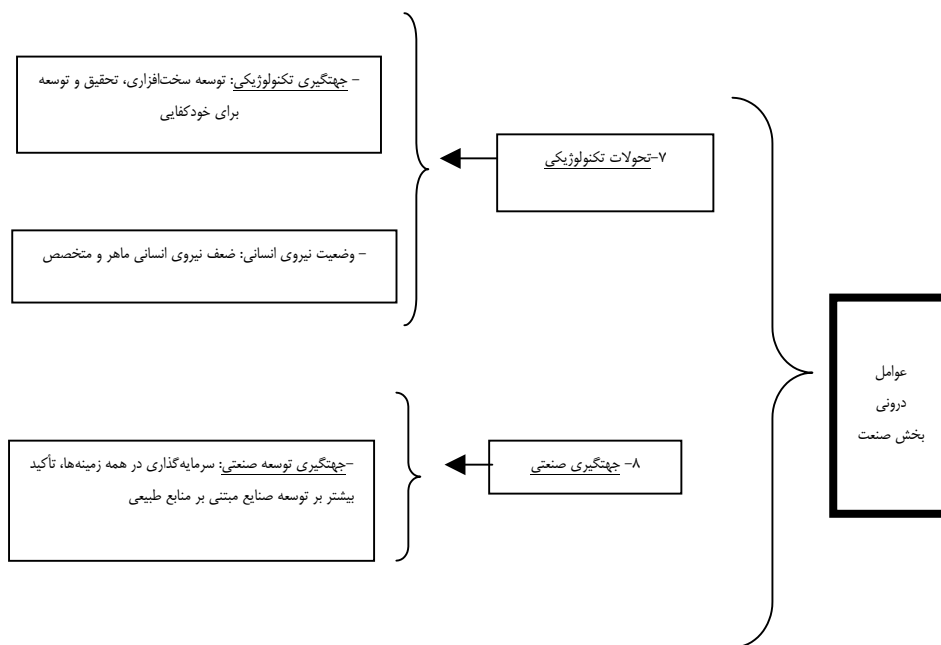
نمودار شماره ۱- مدل اول: خودکفایی با تأکید بر حمایت از مصرف کننده





نمودار شماره ۲- مدل دوم: جایگزینی واردات





نتایج رویکرد:

- انحصار و نبود رقابت
- آسیب‌پذیر از تعامل با دنیای خارج
- رانته بودن اقتصاد
- ایجاد بنگاه‌های بزرگ اقتصادی دولتی
- نوسان شاخصهای بزرگ صنعت همراه
- یا نوسانات بازار نفت

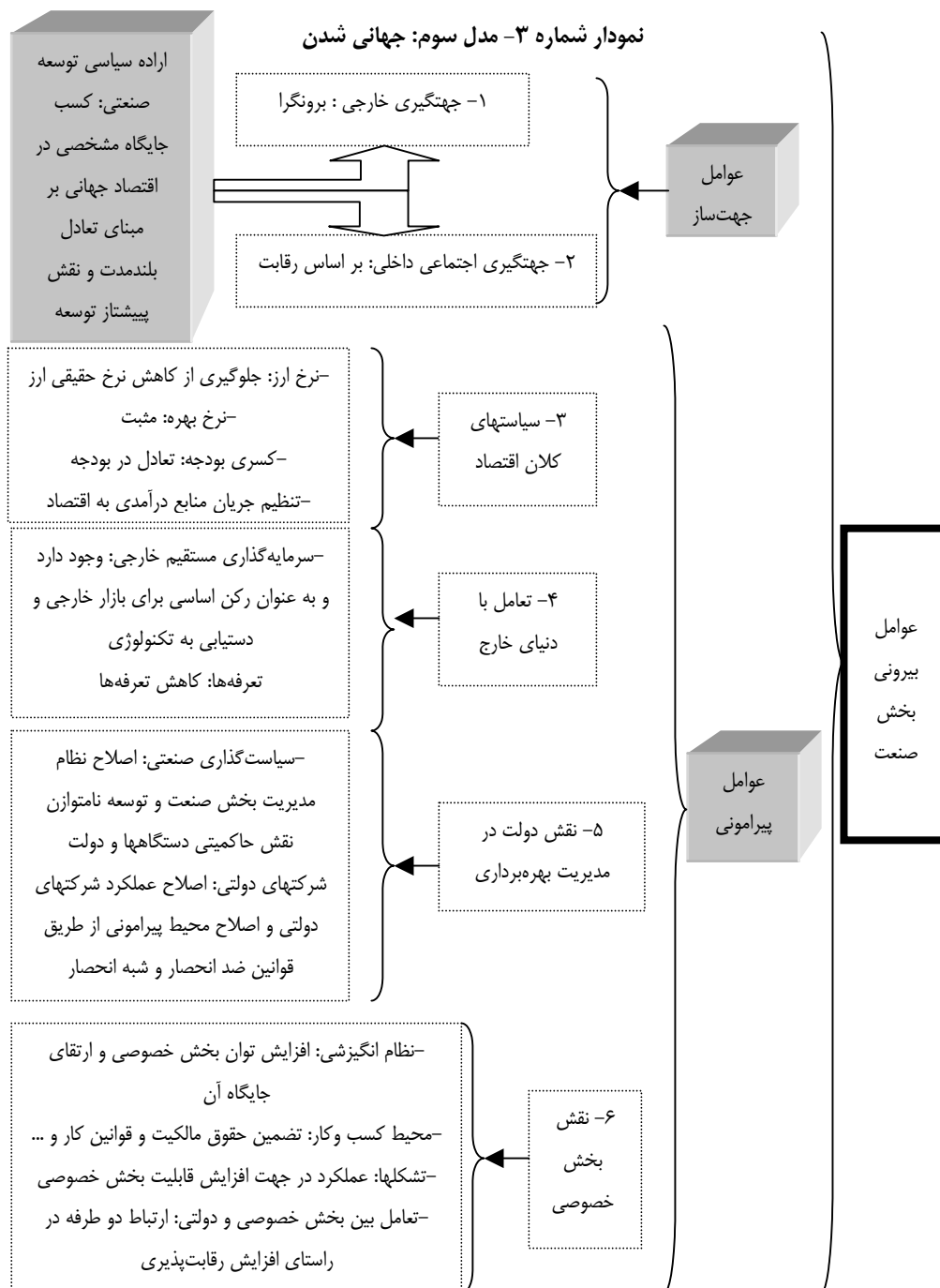
نقش صنعت:

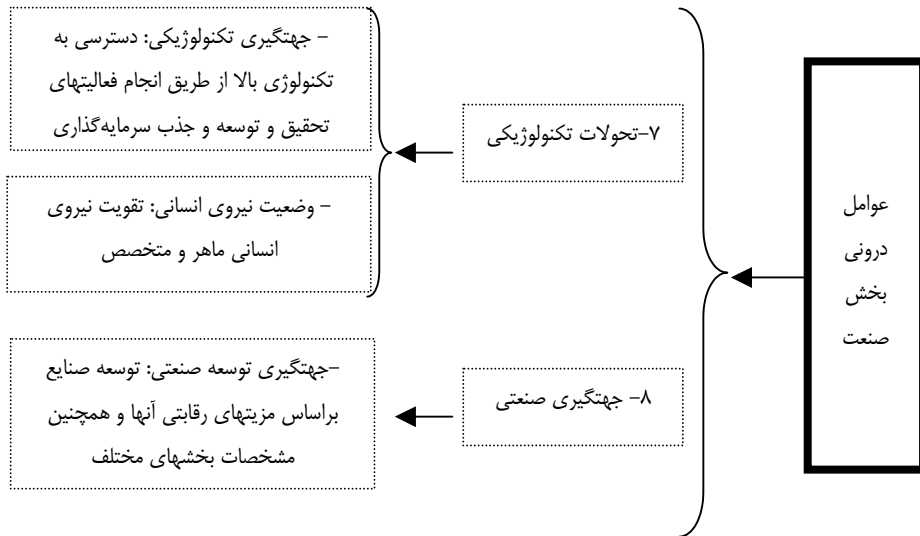
همتراز سایر بخشها در کسب اعتبار از درآمد کشور (درآمد نفتی)

◀ نقش صنعت همتراز سایر بخشها در کسب اعتبار از درآمد کشور (درآمد نفتی)

همان گونه که اشاره شد برنامه سوم توسعه، که با رویکرد اصلاحات ساختاری و نهادی طراحی و اجرا گردید، و هر چند منجر به بهبود شرایط عمومی کسب و کار شد، اما برنامه اجرایی راهبردی به منظور توسعه بخشهای منتخب در صنعت، در جهت ایجاد مزیت رقابتی و استفاده از مزیت طبیعی، به صورت روشن و مشخص، طراحی و مدیریت نگردید. لذا با توجه به مطالعات انجام گرفته به نظر می‌رسد، در برنامه چهارم توسعه، علاوه بر استمرار سیاستهای مناسب اصلاح ساختار، در قالب سیاستهای کارکردی و افقی، نیازمند تعیین و اجرای سیاستهای عمودی، در قالب انتخاب هدفمند توسعه صنعت در کشور، از طریق ایجاد فرایند و مکانیسمهای لازم، به منظور توسعه صنایع دارای مزیت رقابتی و طبیعی، در راستای تفکر «صنعت دانش‌محور و رقابت‌پذیر» به جای «توسعه سخت‌افزاری صنعت و تفکر درون‌گرا و ایجاد بازار انحصاری برای صنایع داخلی» و تجدید نظر در نظام مدیریت و پایش برنامه هستیم.

در مدل سوم، که مدل پیشنهادی توسعه در برنامه چهارم است، توسعه بخش صنعت به عنوان موتور محرکه رشد و توسعه اقتصادی، ایفای نقش خواهد نمود. این به آن معنا نیست که همانند الگوهای گذشته، که محوریت یا پیشتازی یک بخش به معنی سهم‌خواهی بیشتر آن از درآمدهای نفتی کشور بوده است، بخش صنعت نیز با ادعای پیشتازی، این منابع را طلب کند، بلکه به آن معنی است که، صنعت کشور از طریق برقراری تعامل با جهان پیرامون، و حرکت به سوی رقابت، این پتانسیل را داراست که اقتصاد کشور را از مدار بسته اقتصاد نفتی خارج، و به موازات آن با گسترش اشتغال و توسعه صادرات، اقتصاد کشور را متحول سازد.





نتایج رویکرد:
 صنایع رقابت پذیر.
 تعامل سازنده با دنیای بیرون.
 بزرگ شدن اقتصاد

نقش صنعت:
 همتر از سایر بخشها در کسب اعتبار از درآمد کشور (درآمد نفتی)

◀ نقش صنعت

◀ اولویت‌گذاری استراتژیک (شناخت بخش‌های دارای مزیت رقابتی و طبیعی)

به منظور شناخت اولویتها، ابتدا به شناسایی ظرفیتهای صنعتی و پیچیدگی تکنولوژیکی آنها پرداخته، و با استفاده از نظریه دوره عمر صنعت، به شناسایی بخشهای دارای مزیت رقابتی و طبیعی خواهیم پرداخت. در کنار شناسایی استراتژی توسعه صنعتی، که ناظر بر عملکرد بخش صنعت می‌باشد، می‌توان با استفاده از شاخصهای عملکرد رقابتی صنعت CIP، به ارزیابی استفاده بهینه از منابع و سرمایه‌های در دسترس صنعت پرداخت. این امتیاز بر اساس برآورد ظرفیت صنعتی، و پیچیدگی تکنولوژی (ارتقای صنعت)، به دست آمده است. برای برآورد ظرفیت صنعتی، دو شاخص سرانه ارزش افزوده صنعتی، و سرانه صادرات صنعتی، به ازای سرمایه بررسی می‌شود، و در خصوص پیچیدگی صنعتی (ارتقای صنعت)، دو شاخص سهم ارزش افزوده صنایع با تکنولوژی بالا و متوسط در کل صنایع، و سهم صادرات با تکنولوژی بالا در صادرات صنعتی، بررسی می‌گردد. تغییرات کم CIP کشورها طی سالهای ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۸، نشانگر این امر است که، این شاخصها متأثر از سیاستهای مقطعی نبوده، و وابستگی زیادی به مسیر بلندمدت توسعه صنعتی کشورها دارند، و به سختی تغییر می‌نمایند. البته کشورهایی نیز مشاهده می‌گردند که، دارای تغییرات قابل توجه مثبت و یا منفی بوده، و چنانکه این اطلاعات با استراتژیها مقایسه گردد، ملاحظه می‌شود که، کشورهای چین، فیلیپین و تایلند، بیشترین تغییرات مثبت را داشته‌اند، به گونه‌ای که در دوره مزبور، عملکرد CIP آنها بیش از ۳ برابر، افزایش یافته است، و چین به تنهایی با ۶ برابر افزایش، پیشتاز می‌باشد. چنانکه این نتایج را با شاخصهای تعیین استراتژی مقایسه نماییم مشاهده می‌کنیم که، چین با تکیه بر استراتژی تلفیقی، و فیلیپین و تایلند با تکیه بیشتر بر استراتژی استفاده از سرمایه مستقیم خارجی، به این مهم دست یافته‌اند. البته کشورهای اخیرالذکر در رتبه‌های پایین جدول شاخص CIP قرار دارند و کشورهایی که در رده بالا قرار دارند، برای حفظ رقابت‌پذیری صنعتی، از استراتژی تلفیقی با تکیه بر افزایش سطح تحقیق و توسعه داخلی استفاده نموده‌اند.

جدول شماره ۳- رتبه و CIP مقدار شاخص

CIP مقدار شاخص		کشور	رتبه	
۱۹۹۸	۱۹۸۵		۱۹۹۸	۱۹۸۵
۰/۸۸۳	۰/۵۸۷	سنگاپور	۱	۶
۰/۷۵۱	۰/۸۰۸	سوئیس	۲	۱
۰/۷۳۹	۰/۳۷۹	ایرلند	۳	۱۵
۰/۶۹۶	۰/۷۲۵	ژاپن	۴	۲
۰/۶۳۲	۰/۶۳۵	آلمان	۵	۳
۰/۵۶۴	۰/۵۹۹	آمریکا	۶	۵
۰/۵۶۲	۰/۶۳۳	سوئد	۷	۴
۰/۵۳۸	۰/۴۹۴	فنلاند	۸	۷
۰/۴۹۵	۰/۴۸۹	بلژیک	۹	۸
۰/۴۷۳	۰/۴۲۶	انگلیس	۱۰	۱۲
۰/۴۶۵	۰/۴۵	فرانسه	۱۱	۱۰
۰/۴۵۳	۰/۴۴۵	اطریش	۱۲	۱۱
۰/۴۴۳	۰/۴۲۴	دانمارک	۱۳	۱۳
۰/۴۲۹	۰/۳۹۸	هلند	۱۴	۱۴
۰/۴۱۲	۰/۲۹۲	تایوان	۱۵	۱۹
۰/۴۰۷	۰/۴۷۴	کانادا	۱۶	۹
۰/۳۸۴	۰/۳۷۹	ایتالیا	۱۷	۱۶
۰/۳۷	۰/۲۴۷	کره جنوبی	۱۸	۲۲
۰/۳۱۹	۰/۲۵۹	اسپانیا	۱۹	۲۱
۰/۳۰۱	۰/۳۴۸	نروژ	۲۱	۱۷
۰/۲۷۸	۰/۱۱۶	مالزی	۲۲	۳۰
۰/۲۴۶	۰/۱۲۵	مکزیک	۲۳	۲۸
۰/۲۴۳		جمهوری چک	۲۴	
۰/۲۴۱	۰/۰۴۴	فیلیپین	۲۵	۴۵
۰/۲۴	۰/۱۵۹	پرتغال	۲۶	۲۶
۰/۲۳۹	۰/۰۸۸	مجارستان	۲۷	۳۴
۰/۲۲۱		اسلونی	۲۸	
۰/۲۱۱	۰/۲۱۴	استرالیا	۲۹	۲۳

CIP مقدار شاخص		کشور	رتبه	
۱۹۹۸	۱۹۸۵		۱۹۹۸	۱۹۸۵
۰/۲۰۴	۰/۳۲	هنگ کنگ	۳۰	۱۸
۰/۱۸۶	۰/۱۸۸	نیوزیلند	۳۱	۲۴
۰/۱۷۲	۰/۰۵۸	تایلند	۳۲	۴۳
۰/۱۴۹	۰/۱۴	برزیل	۳۳	۲۷
۰/۱۴۳	۰/۱۷۶	لهستان	۳۴	۲۵
۰/۱۴	۰/۱۲۲	آرژانتین	۳۵	۲۹
۰/۱۲۹	۰/۰۵۳	کاستاریکا	۳۶	۴۴
۰/۱۲۶	۰/۰۲۱	چین	۳۷	۶۱
۰/۱۰۸	۰/۰۸۲	ترکیه	۳۸	۳۶
۰/۱۰۸	۰/۰۹۶	آفریقای جنوبی	۳۹	۳۲
۰/۱۰۲	۰/۰۹۳	یونان	۴۰	۳۳
۰/۰۹۵	۰/۰۷۲	رومانی	۴۱	۳۷
۰/۰۸۹	۰/۰۹۹	بحرین	۴۲	۳۱
۰/۰۸۷	۰/۰۶۲	اروگوئه	۴۳	۴۲
۰/۰۷۷		روسیه	۴۴	
۰/۰۶۸	۰/۰۶۴	تونس	۴۵	۴۰
۰/۰۶	۰/۰۸۵	ونزوئلا	۴۶	۳۵
۰/۰۵۶	۰/۰۳	شیلی	۴۷	۵۳
۰/۰۵۶	۰/۰۲۸	گوآتمالا	۴۸	۵۶
۰/۰۵۴	۰/۰۱۲	اندونزی	۴۹	۶۵
۰/۰۵۴	۰/۰۳۴	هند	۵۰	۵۰

کشورهای بالا و پایین جدول وضعیت پایداری دارند، در حالی که کشورهایی که در وسط جدول قرار دارند، دارای تغییرات می‌باشند. علت اصلی افزایش این مقدار برای کشورهای مذکور، مشارکت آنها در شبکه جهانی تولید است، که سبب افزایش سهم آنها در صادرات کالاهای پیشرفته شده است. کشورهای صنعتی در قسمت بالای جدول، کشورهای در حال توسعه با درآمد متوسط، و کشورهای با اقتصاد در حال گذر در قسمت وسط، و کشورهای در حال توسعه با درآمد کم، و کشورهای کمتر توسعه یافته، در قسمت پایین جدول قرار دارند.

همان گونه که ملاحظه می‌گردد، مقدار شاخص عملکرد رقابتی صنعت، ارتباط مستقیم با توسعه و رشد بخش صنایع نوین، در هر اقتصاد دارد. از این رو است که، در کشورهای در حال توسعه شرق آسیا، که توانسته‌اند در مسیر توسعه صنعتی گامهای اساسی بردارند، توسعه صنایع نوین، در رأس برنامه‌های اجرایی قرار داشته است، و به منظور توسعه این صنایع، اقدام به تهیه برنامه‌های راهبردی و اجرایی در این زمینه نموده‌اند. در این خصوص می‌توان به برنامه مشعل در چین، برنامه توسعه صنایع نوین و برنامه تکنولوژی‌های برتر در مالزی، برنامه تکنولوژی‌های برتر در کره جنوبی و همچنین برنامه توسعه صنایع برتر در تایوان و سنگاپور اشاره نمود. این به معنی فراموش نمودن، یا عدم پیش‌بینی سیاستهای مناسب برای بهبود و ارتقای صنایع موجود این کشورها نیست. در واقع، سیاستهای عمودی در جهت بهسازی و نوسازی، و رقابت‌پذیر نمودن این گونه صنایع نیز، در راستای استفاده بیشتر و مؤثر از صنایع نوین، به منظور ارتقای رقابت‌پذیری است.

کشورهای در حال توسعه، برای دستیابی به توسعه یافتگی، نیازمند جهش در فرایند توسعه می‌باشند و لازمه دستیابی به جهش اقتصادی - صنعتی، ارائه‌ی استراتژی توسعه صنعتی است. این برنامه‌ها می‌باید به گونه‌ای طراحی گردند که، موجبات ارتقای توانمندی صنعتی را در کنار توسعه ظرفیتهای صنعتی، به منظور ایجاد صنعتی رقابت‌پذیر فراهم سازند. در چنین برنامه‌هایی، در کنار اصلاح ساختار و ایجاد فضای کسب و کار مناسب، می‌باید سیاستهای عمودی صنعتی - تکنولوژی را نیز در برنامه توسعه صنعتی در کنار سیاستهای کارکردی - چارچوب‌گرا و افقی **GENERIC** منظور نمود. یکی از روشهای مهم در انتخاب اولویت صنعتی، و خلق مزیت‌های رقابتی، تعیین اولویت بر اساس منحنی عمر هر صنعت و فناوری مربوط به آن می‌باشد. در این روش، اولویت‌بندی بر اساس شاخصهای معمولی اقتصادی که

نشانگر وضع موجود و ادامه روند گذشته می‌باشد، صورت نمی‌پذیرد بلکه، بر اساس موضوع تکنولوژی و مزیت‌های رقابتی قابل خلق، انجام می‌پذیرد.

چرخه عمر صنعت، که در اینجا به معنی عمر بنگاه صنعتی به کار می‌رود، به چهار ناحیه تولد، رشد، بلوغ و پیری (اشباع)، تقسیم‌بندی می‌گردد. این روند طبیعی عمر یک صنعت می‌باشد، و برای سرمایه‌گذاران و یا یک ساختار صنعتی، این امکان وجود دارد که از یکی از نواحی مختلف تولد، رشد، بلوغ و یا پیری، وارد یک صنعت گردند. هر ناحیه، خصوصیات خاص خود را دارا است، که سیاست‌گذاران توسعه صنعتی با توجه به ساختارهای صنعتی و فناوری و شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی موجود، مرحله‌ای خاص از صنعت را، جهت ورود پیشنهاد می‌نماید. مشخصات اجمالی هر یک از نواحی به شرح جدول می‌باشد.

جدول شماره ۴- دوره، تولد، رشد، بلوغ و پیری

دوره	تولد	رشد	بلوغ	پیری
درآمد	پایین	بالا	متوسط	پایین
رشد بازار	متوسط	بالا	متوسط	پایین
فعالیت اصلی	اختراع و پژوهش	ابتکار و مهندسی	مدیریت و کارگری	کارگری و تأمین
سیاست اصلی	خلق تکنولوژی	تولید محصولات منحصر به فرد و توسعه تکنولوژی	تولید انبوه	تولید انبوه
هدف اصلی تولید	رهبری در تکنولوژی	رهبری در محصول	رهبری در قیمت	گردش امور
طرف اقتصادی مورد توجه	طرف عرضه	طرف عرضه	طرف تقاضا	طرف تقاضا
ریسک	بالا	متوسط	متوسط	بالا
نرخ بازگشت سرمایه	۰-۵۰	۳-۱۰	۱-۳	۰-۱
امکان دسترسی به بازار	متوسط	بالا	رقابتی	پایین

با توجه به مراحل مختلف ورود به یک صنعت، مطالب ذیل قابل ذکر می‌باشد:

- مناسب‌ترین مرحله ورود در صنعت چنانچه مقدر باشد، مرحله رشد است، چرا که به طور کلی احتمال دسترسی به تکنولوژی و بازار در این مرحله بسیار بالا است و همان گونه که می‌دانیم، معضل

اصلی صنایع ما، عدم دسترسی به این دو نهاد مهم است. از طرفی دیگر، محصولات با تکنولوژی‌های منحصر به فرد، در واقع بازار انحصاری برای تولید کنندگان در سطح بازارهای جهانی به وجود می‌آورد و همین امر موجب می‌شود که، درآمد و نرخ بازگشت سرمایه در این صنایع، بالا باشد.

- ورود به مرحله بلوغ صنعت و یا صنایع بالغ در جهان، به معنای رویکرد تولید انبوه و رهبری در قیمت است، البته با توجه به ساختار صنعتی کشور، به جز صنایع مبتنی بر مزیت طبیعی، ما نمی‌توانیم دارای مزیتی در این خصوص باشیم، چرا که اولاً از مزیت نیروی کار ارزان، دسترسی راحت به بازارهای بزرگ و جهانی، و هزینه پایین تولید نسبت به سایر کشورها مانند چین، برخوردار نیستیم، لذا برای ما امکان رقابت، حتی در صورت پیوستن به شبکه جهانی تولید، در این خصوص متصور نمی‌باشد، چرا که چین همان گونه که قبلاً اشاره شد، با توجه به جلب سرمایه خارجی و ساختار قوی تولید صنعتی و بازار کار ارزان، امکان رقابت در عرصه جهانی را از ما سلب نموده است، هر چند در برخی بازارهای خاص می‌توان وارد شد، اما این بازارها نمی‌توانند درآمدهای نهایی بالا، که سبب رشد درآمد سرانه بالایی در کشور گردد را، به ارمغان بیاورد.

- ورود در مرحله تولد صنعت، نیاز به وجود ساختارهای علمی بسیار قوی و صرف بودجه‌های تحقیقاتی و پژوهشی کلانی دارد که، در حال حاضر کشور فاقد این منابع می‌باشد.

- امکانات لازم در فضای جهانی، به منظور دسترسی به سرریزهای تکنولوژی جهانی، به اندازه کافی وجود دارد و لذا با توجه به ساختارهای علمی، تکنولوژی و صنعتی کشور، به نظر می‌رسد ورود در مراحل اولیه رشد، بهترین مدخل جهت توسعه صنعت در کشور می‌باشد، و صنایع نوین در منحنی عمر کلی صنعت، همان مرحله تولد و رشد را شامل می‌شود. لذا چنانچه بخواهیم در مراحل رشد، وارد توسعه صنعت شویم، می‌باید به سوی صنایع نوین برویم. البته خصوصیات ذاتی صنایع نوین، مانند اثربخشی بالا در توسعه، و افزایش بهره‌وری سایر صنایع، ارزش افزوده بالا و مغزیر بودن، از دلایل اساسی دیگر توجه به این صنایع می‌باشد. به عبارت دیگر، همان گونه که قبلاً گفته شد، برای توسعه درآمد صنایع مبتنی بر مزیت طبیعی در کشور، که می‌توانند برای سالیان متمادی منبع درآمدی لازم جهت توسعه اقتصادی را فراهم آورند، نیازمند توسعه صنایع نوین، که در حال حاضر بیشترین ارزش

افزوده صنایع مبتنی بر مزیت طبیعی، متکی بر کاربرد این صنایع می‌باشد، هستیم. در مجموع می‌توان گفت که توسعه صنایع نوین، یک الزام است نه یک انتخاب.

بر اساس منحنی دوره عمر تکنولوژی و همچنین ساختار تولید، صنعت را می‌توان به چهار بخش

تقسیم نمود که عبارتند از:

- صنایع با تکنولوژی پایین

- صنایع با تکنولوژی متوسط

- صنایع با تکنولوژی بالا

- صنایع مبتنی بر مزیت طبیعی

وضعیت صادرات ۲۵ کشور اول در جهان، و ایران در جداول شماره ۵ الی ۹ نشان داده شده است.

(ارقام بر حسب میلیون دلار)

جدول شماره ۵- صادر کنندگان محصولات مبتنی بر مزیت طبیعی، بر اساس میزان صادرات

رتبه	۱۹۸۵	(میلیون دلار)	۱۹۹۸	(میلیون دلار)
۱	آمریکا	۲۲۰۶۵	آمریکا	۶۱۰۵۵
۲	آلمان	۲۱۷۹۵	آلمان	۵۴۵۷۵
۳	فرانسه	۱۷۱۳۰	فرانسه	۴۱۱۸۵
۴	هلند	۱۷۰۱۲	بلژیک	۳۴۴۰۰
۵	کانادا	۱۴۷۵۹	انگلیس	۳۴۳۸۰
۶	ایتالیا	۱۳۷۱۳	کانادا	۳۲۶۳۴
۷	انگلیس	۱۲۲۰۰	هلند	۲۹۷۴۱
۸	بلژیک	۱۱۳۰۶	ایتالیا	۲۸۲۶۶
۹	ژاپن	۹۱۰۵	ژاپن	۲۳۳۳۳
۱۰	سوئد	۷۹۲۷	ایرلند	۱۶۶۵۱
۱۱	سنگاپور	۶۸۸۳	اسپانیا	۱۵۹۸۹
۱۲	اسپانیا	۵۵۲۳	چین	۱۵۰۹۱
۱۳	فنلاند	۵۴۶۲	سوئد	۱۴۴۹۳
۱۴	برزیل	۵۳۲۰	فنلاند	۱۴۲۸۰
۱۵	سوئیس	۵۰۵۱	سنگاپور	۱۳۷۶۴
۱۶	دانمارک	۲۹۶۲	سوئیس	۱۳۲۵۱
۱۷	اتریش	۲۹۱۲	کره	۱۱۸۳۹
۱۸	تایوان	۲۷۳۵	برزیل	۱۱۷۴۲
۱۹	ونزوئلا	۲۵۷۷	مالزی	۹۸۹۱
۲۰	مالزی	۲۵۵۳	فلسطین	۷۹۰۲
۲۱	کره	۲۳۸۰	اتریش	۷۸۰۲
۲۲	ایرلند	۲۱۹۷	تایلند	۷۰۲۷
۲۳	فلسطین اشغالی	۲۰۰۱	دانمارک	۶۲۸۲
۲۴	استرالیا	۱۷۷۶	مکزیک	۶۱۱۷
۲۵	هند	۱۷۴۵	هند	۶۱۰۲
	مجموع ۲۵ کشور اول	۱۹۸۰۸۹		۵۱۶۷۷۲
	جمع کل در جهان	۲۱۵۴۱۸		۵۹۳۸۱۲
	سهم ۲۵ کشور اول در کل جهان (درصد)	۹۲		۸۷

جدول شماره ۶- صادر کنندگان محصولات با تکنولوژی پایین، بر اساس میزان صادرات

رتبه	۱۹۸۵	(میلیون دلار)	۱۹۹۸	(میلیون دلار)
۱	آلمان	۲۵۲۶۳	چین	۷۶۴۶۳
۲	ایتالیا	۲۴۷۵۶	ایتالیا	۷۰۲۰۸
۳	ژاپن	۲۱۳۰۱	آلمان	۶۶۷۵۶
۴	تایوان	۱۴۶۰۴	آمریکا	۵۵۵۵۴
۵	فرانسه	۱۳۱۳۹	فرانسه	۳۶۶۹۷
۶	کره جنوبی	۱۱۵۲۳	تایوان	۳۰۷۱۶
۷	هنگ کنگ	۹۶۸۳	انگلیس	۳۰۰۲۲
۸	آمریکا	۹۰۸۶	ژاپن	۳۹۶۳۹
۹	بلژیک	۸۰۸۲	بلژیک	۲۵۶۴۷
۱۰	انگلیس	۸۰۵۹	کره	۲۳۰۵۴
۱۱	هلند	۵۳۴۶	مکزیک	۱۷۵۲۲
۱۲	اسپانیا	۴۷۰۷	هلند	۱۶۷۵۵
۱۳	اتریش	۴۵۳۵	اسپانیا	۱۴۹۶۱
۱۴	سوئیس	۴۴۵۸	کانادا	۱۴۵۱۸
۱۵	سوئد	۴۲۹۵	اتریش	۱۲۹۳۲
۱۶	کانادا	۲۹۶۵	هنگ کنگ	۱۲۲۶۳
۱۷	برزیل	۲۵۹۰	سوئیس	۱۱۵۰۴
۱۸	پرتغال	۲۲۵۶	ترکیه	۱۱۲۵۹
۱۹	ترکیه	۲۲۳۵	هند	۹۸۵۱
۲۰	فنلاند	۲۰۹۷	تایلند	۹۳۲۱
۲۱	دانمارک	۲۰۹۱	سوئد	۹۲۱۶
۲۲	هند	۱۹۵۰	پرتغال	۸۵۹۲
۲۳	سنگاپور	۱۳۶۹	لهستان	۷۸۲۵
۲۴	یونان	۱۰۴۵	دانمارک	۷۰۰۸
۲۵	فلسطین	۱۰۳۱	جمهوری چک	۷۰۰۲
	مجموع ۲۵ کشور اول	۱۸۸۳۶۶		۶۱۵۱۷۵
	جمع کل در جهان	۱۹۷۳۷۶		۶۹۴۱۳۸
	سهام ۲۵ کشور اول در کل جهان (درصد)	۹۵		۸۹

جدول شماره ۷- صادر کنندگان محصولات با تکنولوژی متوسط، بر اساس میزان صادرات

رتبه	۱۹۸۵	(میلیون دلار)	۱۹۹۸	(میلیون دلار)
۱	ژاپن	۱۰۱۶۹۷	آلمان	۳۳۲۴۲۹
۲	آلمان	۷۹۲۵۶	ژاپن	۱۹۰۷۳۵
۳	آمریکا	۵۴۵۱۴	آمریکا	۱۸۹۲۱۵
۴	فرانسه	۲۸۳۵۷	فرانسه	۹۷۱۵۴
۵	ایتالیا	۲۵۵۰۰	ایتالیا	۹۳۰۰۳
۶	کانادا	۲۳۲۷۴	انگلیس	۸۴۰۱۳
۷	انگلیس	۲۰۷۰۲	کانادا	۵۸۷۲۴
۸	بلژیک	۱۴۱۷۷	بلژیک	۵۶۹۷۵
۹	یوئد	۱۱۱۸۴	کره	۴۲۳۶۶
۱۰	هلند	۱۰۵۴۳	مکزیک	۴۰۳۳۲
۱۱	کره	۱۰۳۶۲	اسپانیا	۴۰۳۰۱
۱۲	سوئیس	۱۰۳۰۸	هلند	۳۵۸۸۴
۱۳	اسپانیا	۶۵۰۶	چین	۳۰۸۵۳
۱۴	اتریش	۵۸۸۷	سوئیس	۲۹۶۵۷
۱۵	تایوان	۵۸۱۸	تایوان	۲۷۷۶۱
۱۶	سنگاپور	۳۷۰۸	سوئد	۲۴۸۹۸
۱۷	برزیل	۳۶۱۲	اتریش	۱۹۷۱۹
۱۸	فنلاند	۳۳۷۸	سنگاپور	۱۸۲۱۴
۱۹	دانمارک	۲۹۹۹	مالزی	۱۲۰۰۱
۲۰	هنگ کنگ	۲۹۴۰	برزیل	۱۰۹۲۶
۲۱	لهستان	۱۹۵۳	جمهوری چک	۱۰۶۷۵
۲۲	نروژ	۱۳۹۵	فنلاند	۱۰۳۶۳
۲۳	مکزیک	۱۳۷۵	دانمارک	۸۵۳۴
۲۴	ایرلند	۱۱۶۰	پرتغال	۷۸۰۱
۲۵	پرتغال	۱۰۱۹	مجارستان	۷۷۷۲
	مجموع ۲۵ کشور اول	۴۳۱۶۲۴		۱۳۸۰۳۰۵
	جمع کل در جهان	۴۳۷۹۹۰		۱۴۴۴۹۸۷
	سهام ۲۵ کشور اول در کل جهان (درصد)	۹۹		۹۶

جدول شماره ۸- صادر کنندگان محصولات مبتنی بر تکنولوژی بالا، بر اساس میزان صادرات

رتبه	۱۹۸۵	(میلیون دلار)	۱۹۹۸	(میلیون دلار)
۱	آمریکا	۴۱۸۵۹	آمریکا	۱۷۰۵۱۳
۲	ژاپن	۳۵۷۳۱	ژاپن	۱۰۹۶۲۷
۳	آلمان	۲۱۷۹۵	آلمان	۸۳۳۲۴
۴	انگلیس	۱۳۰۱۳	انگلیس	۶۸۲۷۶
۵	فرانسه	۱۲۱۴۱	سنگاپور	۵۸۶۸۷
۶	ایتالیا	۷۰۶۳	فرانسه	۵۷۰۲۵
۷	هلند	۵۱۹۵	تایوان	۳۶۹۴۴
۸	تایوان	۴۴۸۰	هلند	۳۳۹۳۰
۹	کانادا	۴۴۷۸	کره	۳۲۸۳۰
۱۰	سوئیس	۴۳۸۱	مالزی	۳۰۹۲۶
۱۱	سنگاپور	۳۸۷۹	چین	۳۰۵۱۸
۱۲	سوئد	۳۸۶۲	مکزیک	۲۷۵۷۹
۱۳	کره جنوبی	۳۵۴۱	ایتالیا	۲۳۰۲۳
۱۴	بلژیک	۲۸۲۷	ایرلند	۲۲۸۰۱
۱۵	هنگ کنگ	۲۲۶۹	سوئد	۱۸۳۵۸
۱۶	ایرلند	۲۱۲۳	کانادا	۱۸۱۰۶
۱۷	اتریش	۱۴۶۴	فیلیپین	۱۸۰۸۱
۱۸	دانمارک	۱۳۵۶	سوئیس	۱۷۳۳۱
۱۹	مالزی	۱۲۷۷	بلژیک	۱۴۸۹۷
۲۰	اسپانیا	۱۲۵۵	تایلند	۱۲۶۶۷
۲۱	فلسطین	۹۴۲	فنلاند	۹۹۵۵
۲۲	مکزیک	۷۱۷	اسپانیا	۸۶۹۶
۲۳	فنلاند	۷۱۶	اتریش	۶۵۱۹
۲۴	لهستان	۶۶۵	فلسطین	۶۳۴۷
۲۵	برزیل	۵۹۹	دانمارک	۵۸۱۰
	مجموع ۲۵ کشور اول	۱۷۷۶۲۸		۹۲۲۶۶۱
	جمع کل در جهان	۱۷۹۳۸۰		۶۵۲۶۸۵
	سهام ۲۵ کشور اول در کل جهان (درصد)	۹۹		۹۷

جدول شماره ۹- صادرات ایران و جهان

صنایع بر اساس تکنولوژی	صادرات جهان در ۱۹۸۵	درصد در کل صادرات جهانی ۱۹۸۵	صادرات جهان در ۱۹۹۸	درصد در کل صادرات جهانی ۱۹۹۸	درصد رشد طی ۱۹۸۵-۹۸	صادرات ایران در ۱۹۹۸	درصد صادرات ایران در جهان ۱۹۹۸
صنایع مبتنی بر مزیت طبیعی	۲۱۵۴۱۸	۲۰/۹	۵۹۳۸۱۲	۱۶/۱	۸/۱	۱۱۷۷	۰/۲۰
صنایع با تکنولوژی پایین	۱۹۷۳۷۶	۱۹/۲	۶۹۴۱۳۸	۱۸/۸	۱۰/۲	۷۳۳	۰/۱۱
صنایع با تکنولوژی متوسط	۴۳۷۹۹۰	۴۲/۵	۱۴۴۴۹۸۷	۳۹/۲	۹/۶	۱۰۹۴	۰/۰۸
صنایع با تکنولوژی بالا	۱۷۹۳۸۰	۱۷/۴	۹۵۲۶۸۲	۲۵/۸	۱۳/۷	۰/۷	۰/۰۰

- بیشترین نرخ رشد، متعلق به صنایع مبتنی بر تکنولوژی بالا است، و کشورهای در حال توسعه شرق آسیا نقش مهمی در این افزایش ایفا نموده‌اند.

- سهم صنایع نوین، از کل صادرات جهانی هفده و چهار دهم درصد (۱۷/۴٪) در سال ۱۹۸۵ به بیست و پنج و هشت دهم درصد (۲۵/۸٪) در سال ۱۹۹۸، افزایش یافته است و این در حالی است که، از سهم سایر بخشها علی‌الخصوص صنایع مبتنی بر مزیت طبیعی، کاسته شده است.

- کشورهایی که در هر چهار گروه محصولات صادراتی در سطح جهان در رده‌های بالا قرار دارند، از وضعیت پایدارتر، توان و قابلیت توسعه بیشتری برخوردار هستند، و این امر نتیجه توجه جدی به توسعه صنعتی دانش‌محور است که باعث ارتقا و توسعه کاربرد فناوری‌های پیشرفته در سطح صنعت یک کشور می‌گردد.

- ذکر این نکته ضروری است که صادرات کشورهای توانمند، در بخشهای مختلف توسط بنگاههای اقتصادی آنها صورت می‌پذیرد. به عبارت دیگر در صحنه رقابت صنعتی، بنگاههای اقتصادی با یکدیگر رقابت می‌نمایند و نه دولتها، و وظیفه دولتها فراهم آوردن فضای کسب و کار جلو برنده برای بنگاههای اقتصادی است.

- متأسفانه سهم ایران در صادرات صنایع نوین جهان تقریباً صفر است، و بیشترین سهم مربوط به صنایع با مزیت طبیعی، سپس صنایع با تکنولوژی پایین و پس از آن صنایع با تکنولوژی متوسط است. همین امر نشان دهنده عدم رشد تکنولوژیکی و دانش محوری صنایع کشور است.

- در خصوص صنایع نوین، و یا صنایع با تکنولوژی بالا، بحث نمودیم و مشخص شد که اولویت اصلی در چشم‌انداز درازمدت، توجه جدی به توسعه و کاربرد صنایع نوین و ایجاد مزیت رقابتی در ایجاد و استفاده از این صنایع است. اما در کنار توسعه این صنایع، تجربه کشورهای صنعتی شده و در حال صنعتی شدن، بخصوص کشورهایی که از منابع متنوع طبیعی و تنوع جمعیتی جغرافیایی مناسبی برخوردار هستند، نشان می‌دهد که برای رسیدن به اقتصاد مبتنی بر دانایی می‌باید، صنایع مبتنی بر مزیت‌های رقابتی طبیعی و صنایع ساخت تجهیزات سرمایه‌ای، که مزیت‌ساز زایش درونی قابلیت‌های فنی و مهندسی صنعت داخلی هستند، و همچنین صنایعی که در حال حاضر در کشور وجود دارد و سهم قابل توجه در ساختار اقتصادی بخش، به خود اختصاص داده‌اند، مانند صنایع غذایی و نساجی به عنوان بنیان‌های صنعتی کشور، که آثار توسعه صنایع نوین بر آنها موجب پویایی و نوآوری می‌گردد، مستمراً از طریق اعمال سیاست‌های افقی **GENERIC** مناسب تقویت گردند. در کشورهایی چون آمریکا، کانادا و استرالیا، با نگاهی به سری زمانی ساختار صادراتشان مشاهده می‌گردد که، به خوبی از مزیت‌های طبیعی برای تجهیز منابع و دسترسی به بازارهای جهانی استفاده نموده‌اند. به طوری که هم اکنون آمریکا، رتبه اول در صادرات کالاهای مبتنی بر مزیت طبیعی را دارا است، و همچنین ۱۰ صادرکننده اصلی این محصولات در جهان، کشورهای صنعتی می‌باشند، که نشانگر نقش تکنولوژی در تولید و صادرات این محصولات است. نکته بسیار با اهمیت آن است که شانس ورود به عرصه رهبری قیمت در پاره‌ای از این گونه صنایع، در افق‌های کنونی و آینده برای کشورهای در حال توسعه، بیش از دهه گذشته شده است.

نکته اساسی راجع به استراتژی ما در قبال صنایع با مزیت رقابتی طبیعی و صنایع موجود کشور، یادگیری تکنولوژی و توسعه آن می‌باشد. به عبارت دیگر هر چند از مرحله اشباع از لحاظ دوره عمر می‌توان وارد این صنعت شد، ولی می‌باید این نکته را مد نظر داشت، که این ورود می‌باید همراه با

یادگیری و توسعه باشد، چرا که در غیر این صورت تکنولوژی ضعیف، وابستگی به خارج را تشدید می‌کند، و تکنولوژی گران وارداتی می‌تواند، خنثی کننده مزیت طبیعی باشد.

- بسیاری از کشورها با استفاده از نیروی کار ارزان، به دنبال صنایع در مرحله اشباع و یا بلوغ می‌روند، تا علاوه بر یادگیری فرآیندهای موجود، انباشته‌های سرمایه‌ای و مهارتی لازم برای ورود به صنایع پیشرفته‌تر را فراهم آورند. در غیر این صورت نخواهند توانست با کشورهای جدیدالورود، علی‌الخصوص چین، به رقابت پردازند. در دوره ۱۹۱۳ تا ۱۹۵۰، کشورهایی که از نظر منابع طبیعی ثروتمند بودند، همانند آمریکای لاتین، از رشد بالاتری نسبت به کشورهای فقیر، چون ژاپن و جنوب شرق آسیا برخوردار بوده‌اند، اما در دوره ۱۹۷۰ به بعد کاملاً برعکس شده است، که یکی از دلایل اصلی آن انتخاب استراتژی متفاوت از سوی این گونه کشورها بوده است، در حالی که کشورهای ثروتمند از نظر منابع طبیعی، با توجه به منابع موجود، به دنبال جایگزینی واردات بودند (کشورهایی چون کانادا، استرالیا و اسکانداویا از این امر مستثنا هستند). کشورهایی چون ژاپن و کره با استفاده از ارزان‌تر شدن هزینه انتقال مواد و کالا، استراتژی توسعه صادرات را در پیش گرفتند. در استراتژی جایگزینی واردات، اقتصاد کشور به دنبال ایجاد یک ساختار کامل برای تولید تمامی کالاهای مورد نیاز می‌باشد، در حالی که در استراتژی توسعه صادرات، برخی از صنایع به صورت هدفمند انتخاب می‌گردند، و تمامی تلاشها در صدد دسترسی به توان رقابتی در آن صنایع می‌باشد، و در این تلاشها نوآوری و دسترسی به تکنولوژی روز عامل اساسی می‌باشد. (به طوری که هم اکنون صادرات صنایع مبتنی بر منابع طبیعی، در صدر قرار دارند.) به عبارت دیگر در این رویکرد این که چه کالایی تولید شود مهم است، اما مهم‌تر چگونگی تولید آن کالا است. در این خصوص مهم‌ترین عامل و در واقع شایستگی محوری **core competency** تکنولوژی می‌باشد. به عنوان مثال می‌توان به صنایع پتروشیمی کشور اشاره نمود. هر چند استراتژی این صنایع، هم اکنون توسعه ظرفیت و دسترسی به بازارهای جهانی است، اما بیشترین ارزش افزوده این صنایع، در بخش فرایندهای تولیدی و تکنولوژی تولید می‌باشد، و این صنعت می‌تواند با ایجاد شرایط لازم برای شکل‌گیری شرکتهای طراحی و خدمات مهندسی در بخش خصوصی، و از طریق خرید دانش فنی IP و تمرکز بر توان مهندسی و استفاده از ابزارهای جدیدی که فناوری اطلاعات در خصوص کاهش هزینه از طریق

شبیه‌سازی به ارمغان آورده است، در سطح بازارهای جهانی مطرح گردد. لذا می‌باید تکنولوژی را به عنوان هسته مرکزی استراتژی توسعه صنعتی، در نظر گرفت. در خصوص صنایع کشور می‌باید به طراحی و اجرای برنامه‌های راهبردی اجرایی، با محوریت تکنولوژی اقدام نمود.

اقتصادهای در حال توسعه می‌توانند، در شرایط حاضر، صنعتی رقابت‌پذیر را ایجاد نمایند، و مشخص است که ایجاد این توانمندی، نیازمند سیاست صنعتی فراگیر است. موفقیت اقتصادهای در حال توسعه‌ای که سیاستهای مبتنی بر صادرات، به همراه سیاستهای تکمیلی برای ایجاد مهارت، توانمندی‌های تکنولوژیکی و حمایت از نهادسازی و دسترسی به منابع خارجی را در پیش گرفته‌اند، نشان می‌دهد که چنین استراتژی‌هایی بسیار سریع می‌توانند، وضعیت صنعتی را ارتقا دهند. پایه اساسی هر استراتژی چشم‌انداز ملی، توسعه صنعتی می‌باشد. چشم‌اندازی که مسیر رسیدن به رقابت‌پذیری، به وسیله افزایش بهره‌وری از طریق ترکیب نوآوری و یادگیری را نشان دهد. اقتصادهای در حال توسعه، نیازمند انجام آینده‌نگری در ارتباط با صنایع موجود - نه برای حفظ وضعیت موجود آنها، بلکه برای رسیدن به پیش‌تازان این صنایع - و همچنین در ارتباط با فعالیتهای صنعتی، که پتانسیل ایجاد مزیت رقابتی در آنها وجود دارد، هستند. نتیجه این آینده‌نگری به صورت مجموعه منسجم و جامع، از سیاستهای صنعتی خواهد بود، که دارای مشخصات ذیل می‌باشد:

- سیاستها می‌باید با توجه به سطح توسعه کشور تغییر نمایند. چرا که بازارها و نهادها پیچیده‌تر و کارتر می‌گردند و نیاز به دخالت‌های مستقیم کاهش می‌یابد.
- سیاستهای توسعه صنعتی می‌باید پویا و سیستم‌مند باشد. هیچ استراتژی نمی‌تواند موفق باشد مگر، این که سرمایه‌گذاری فیزیکی در توسعه ظرفیت، کاملاً با توسعه تکنولوژی، ایجاد مهارت، توانمندسازی خوشه‌ای و سایر سیاستهای ناظر بر نوآوری و یادگیری همراه گردد.
- سیاستها می‌باید متناظر با مراحل یادگیری باشند، و بنابر این می‌باید متناسب با هر مرحله تغییر نمایند، یعنی سیاستهای مراحل کودکی در ایجاد توانمندی می‌باید، با سیاستهای مراحل رشد و بلوغ توسعه‌یافتگی، که فعالیتهای تحقیق و توسعه و نوآوری حیاتی است متفاوت باشد.

گرایشهای جدید در سیاستهای صنعتی

◀ مقدمه^۱

جهان در دو دهه اخیر بسیار پیچیده تر شده است. به لحاظ تکنولوژیک، دانایی و دانش، محور ثروت ملل و بقای مبتنی بر رقابت شرکتها و مؤسسات گردیده است. به لحاظ ساختاری، شرکتها و مؤسسات اقتصادی خود را پیرامون شبکه‌هایی سازماندهی می‌کنند که در درون آنها جریان اطلاعات و منابع براساس علائم متکی بر روابط متقابل هدایت می‌شوند. هر چند کشورها در پایان قرن بیستم، اتکای متقابل بیشتری به یکدیگر یافته‌اند اما در عین حال تعارضات تجاری و غیر تجاری پر شمارتر شده‌اند. در سطح شرکتها، هر چند روابط نزدیک‌تری به صورت **Joint Venture** و مشارکتهای استراتژیک **Strategic Partnership** برقرار شده است، اما همان شرکتها در بازار با رقابت بیشتری عمل کرده‌اند. در واقع شرکتها و ملتها، در پارادوکس رقابت شدید و همکاری نزدیک در یک جهان به غایت گسترده و با یکپارچگی فزاینده قرار گرفته‌اند. مؤسسات بین‌المللی برای قانونمند کردن تعارضات اقتصادی، کمرنگ کردن سیاستهای ملی **Policy Liberalization** و برقراری «دستور کارهای» هماهنگ سازی **Harmonization Agendas** را به صورتی بلند پروازانه توصیه کرده‌اند که هسته اصلی آنها را تجارت و سرمایه‌گذاری تشکیل می‌دهد. در این فضای جدید به استحکام وضعیت کلان اقتصادی (بیش از همه، میزان و کیفیت جریانات سرمایه) و مجازاتهایی برای سیاستهای صنعتی و تجاری که در راستای قواعد چند جانبه‌گرایی تنظیم نشده‌اند، اهمیت زیادی داده می‌شود. از این منظر، سیاستهای صنعتی ملی در پس‌زمینه قواعد فرا ملی، قدرت مانور کمتری خواهند داشت و دولت‌ها را برای عمل به عنوان بازیگران مستقل در فشار قرار می‌دهد.

اما باید بر این نکته تأکید کرد که بیشترین انتظارات متوجه دولتهای ملی است. بازارگرایی بیشتر، لزوماً «نقش کمتر دولت» **Less State** را ایجاب نمی‌کند. اما قطعاً دولت کوچک‌تر و کارا تر را می‌طلبد. بازارهای جهانی و قواعد مرتبط با آنها در واقع ظرفیت بیشتر دولتها را، بخصوص برای سیاستهای صنعتی

که بیشتر، ماهیت آگاهی دهنده (به جای مداخله جویانه) دارند و نیز به لحاظ رویکرد، ماهیت راهبردی **Strategic** و نتیجه‌گرا داشته باشند می‌طلبند. سیاستهایی که با مشارکت دادن آرا و نقطه نظرات بخش خصوصی و به‌کارگیری اطلاعات و منابع انسانی آن غنی می‌گردد.

◀ تغییرات اقتصاد جهانی

- انقلاب اطلاعات در پس زمینه پیشرفت فنی سرعت گرفته است.
- بازاری بزرگ و گسترده در جهانی به هم پیوسته به دلیل پیشرفتهای عمده در ارتباطات و حمل و نقل به وجود آمده است.
- کاهش سیاست‌گذاری‌های موضعی و ملی، رقابت را بیشتر برانگیخته است.
- بازارها به سمت یکپارچگی بیشتر و تقسیم‌شدگی کمتر **Less Segmented** سوق یافته‌اند.
- جریانهای عظیم‌تر سرمایه‌گذاری صورت می‌گیرد.
- تن دادن رو به رشد به قواعد جهان شمول در حال وقوع است.
- از شرکتهای، انتظارات برای ظهور در اندازه جهانی رو به فزونی است.

◀ سیاست صنعتی چیست؟

در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ سیاست صنعتی به معانی مختلفی به کار گرفته می‌شد. بسیاری افراد و از جمله سیاستمداران و سیاست‌گذاران، آن را به معنی مداخله دولت در بازار می‌دانستند. سپس به موازات توجه رو به افزایش، به سازوکار بازار به عنوان نهادی مهم در بهبود تخصیص منابع، سیاست‌گذاری صنعتی به منزله انحراف و اشتباهی فاحش که موجب حمایت و تشویق مؤسسات ناکارا و زیربخشهای روبه اضمحلال می‌شود مورد انتقاد واقع شد. تحت تأثیر همان شرایط بود که جمله معروف «بهترین

سیاست بی‌سیاستی است.»^۱، مقبولیت یافت. اما این نگرش با تجربه‌های بعدی، بخصوص تجربه شرق آسیا مورد تردید واقع شد. اساساً سه گروه سیاست، که معطوف به صنعت هستند وجود دارد:

۱- سیاستهای مبتنی بر نگرش چارچوب محیطی فعالیتهای صنعتی

این گروه سیاستها، شرایط و چارچوبهای محیطی که شرکتها در آن فعالیت می‌کنند را، مورد توجه قرار می‌دهند. ویژگی این سیاستها، بی‌طرفی آنهاست. بدین معنی که هیچ بخش اقتصادی یا صنعتی را بر دیگر بخشها رجحان نمی‌دهند. هدف این گروه سیاستها آن است که عوامل تأثیرگذار بر رقابت‌پذیری مؤسسات صنعتی را در عرصه‌ی اقتصاد، تحت تأثیر قرار دهند و عناصر سیستمی که بر رژیمهای انگیزشی، ساختار هزینه‌ای و موقعیت رقابتی شرکتها اثر می‌گذارند بهبود بخشند. این سیاستها با «تعدیلات اقتصادی Economic Adjustments، پیوند دارند که شامل آزاد سازی تجارت، مقررات زدایی از بازارهای عوامل، کالاها و خدمات داخلی می‌باشد.

این سیاستها می‌بایست فراتر از موارد فوق، ایجاد نظام حقوق مالکیت و نظام قضایی، که ضامن حفظ آن باشد، ثبات کلان اقتصادی و قابلیت پیش‌بینی، عرضه منقطع خدمات صنعتی و زیربنایی و بخصوص یک رژیم سیاستی و قانونمند، که توسعه بخش خصوصی را تشویق و شکل‌گیری شرکت‌های ملی را تسهیل کند در دستور کار خود قرار دهد تا این گونه شرکتها بتوانند در محیطی که به طور فزاینده، باز و بازتر می‌شود، جهانی عمل کنند. تأکید اخیر یک پیام روشن دارد: شرکت‌های صنعتی برای رقابت در بازار جهانی نیاز به شرایط حمایتی داخلی دارند.

۲- سیاستهای مبتنی بر نگرش ظرفیت سازی با تأکید بر انباشت قابلیت‌های مرتبط با

دانش

این رویکرد نیز می‌تواند شکلی از رویکرد چارچوب‌گرا برای طراحی سیاستها تلقی شود. کمیابی منابع تکنولوژیک و نیروی انسانی کیفی یک عدم مزیت رقابتی برای شرکتها و ملتها به شمار می‌رود. بهبود

چارچوبهای رقابت برای ایجاد چنین قابلیت‌هایی صورت می‌گیرد. اما یک تفاوت اساسی وجود دارد که قرار دادن این رویکرد در طبقه‌بندی مجزا را توجیه می‌کند: چشم‌انداز در این رویکرد، توسعه بلندمدت صنعتی است. ایجاد ظرفیتها و قابلیتها، در عین کمک به شرکتها برای حرکت روی شیب تکنولوژی، یک اقدام هدمند برای خلق مزیت‌های رقابتی است. هدف این رویکرد آن است که بنیان قابلیتها و توانایی‌های تکنولوژیک و مهارت‌های نیروی انسانی به گونه‌ای متحول شود، که تولید صنعتی از یک بنیان مبتنی بر صنایع مصرفی کم‌اهمیت، به سوی محصولات پیچیده‌تر واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مصرفی بادوام رقابت‌پذیر سوق یابد. در این دورنما، شرکتها، قادر به جذب فناوری از خارج، انطباق با آن و گام نهادن در راه نوآوری می‌گردند. تجزیه و تحلیل این رویکرد، از سطح چارچوب اقتصاد کلان به سطح شرکتها تغییر می‌کند و سیاست صنعتی، در جهت تسهیل شرایط کسب دانش نهفته در کالاها توسط شرکتها هدفگذاری می‌شود. در این پارادایم، محیط پیرامونی مفروض تلقی می‌شود و چنین فرض می‌شود که در حالی مطلوب و یا حداقل بی‌خطر برای رشد صنعتی قرار دارد. ظرفیت‌های دولت می‌بایست در جهت ارائه‌ی کمک‌های مورد نیاز برای رقابتی کردن شرکتها همچون عرضه‌ی با کسش نیروی کار ماهر و کیفی، تأمین مالی، دسترسی به کالاهای سرمایه‌ای و فناوری‌های وارداتی و فراهم کردن یک بازار داخلی حمایت شده برای شرکتها که از آن به عنوان سکوی پرتاب به سوی بازارهای جهانی استفاده کنند به کار گرفته شود. توسعه ژاپن، تحت تأثیر چنین پارادایمی صورت گرفته است. هر چند تجربه شرق آسیا، مسیری کاملاً متفاوت را نشان می‌دهد، اما قطع نظر از ارتباط کم یا بیش مسیر طی شده کشورها در شرق آسیا نیز اهمیت زیادی - هر چند، نه در حد اولویت نخست - به آموزش، اخذ و فراگیری مهارت و انباشت دانش برای توسعه بلندمدت صنعتی داده شده است.

۳- عنوان یک هدفگذاری بخشی یا عمودی

سیاست‌های بخشی، عموماً همراه با تلاش برای تغییر ترکیب ستانده‌های صنعتی هستند، اما هدفگذاری برای ظرفیت‌سازی و توسعه، نباید مترادف سیاست‌های عمودی تلقی شود. درست است که به‌لحاظ تاریخی، اتخاذ استراتژی جایگزینی واردات با سیاست‌های خاصی برای تغییر ساختار تولید صنعتی همراه بوده است. تحلیلگران توسعه و سیاست‌گذاران، معمولاً در مورد آخرین کشورهای صنعتی شده در

قرن ۱۹ (آلمان، فرانسه و ایالات متحده) و اخیرترین آنها (ژاپن در رأس آنها) به عنوان کشورهای که منطقی برای هدفگذاری، در مورد ظرفیت سازی در صنایع دارای پیچیدگی فزاینده، ارائه کردند، مطالبی خوانده‌اند. این منطقی بر این باور متکی بود که مجموعه‌هایی از صنایع، برای توسعه بلندمدت جنبه استراتژیک دارند. صنایعی همچون: فولاد و صنایع شیمیایی (در گروه صنایع واسطه‌ای) و صنایع سرمایه‌ای و صنایعی که کالاهای سرمایه‌ای تولید می‌کنند (مانند ماشین ابزار).

این سیاست، بسیار آماج انتقادات واقع شد. به هر حال همراهی الزامی و فوری بین استراتژی جایگزینی واردات و هدفگذاری خاص بخشی وجود ندارد، و جایگزینی واردات اغلب از طریق سیاستهای حمایتی شدید (تعرفه‌ای) به اجرا درمی‌آید و منطقی است، اگر بیانگاریم علت انتقادات وارد شده به استراتژی مزبور، همین به کار بستن، و تداوم سیاستهای حمایتی شدید، و منزوی نمودن صنعت داخلی - لاقبل بعد از سپری شدن سالهای نخست رشد متکی بر تقاضای داخلی - بوده است.

به علاوه استراتژی رشد متکی بر صادرات، به همان طریق به هدفگذاری در بخشهای خاص، از طریق به کار گرفتن ترکیبی از مقررات محدود کننده رقابت (مانند برقرار نمودن جوازهای سرمایه‌گذاری و ظرفیت سازی و نیز سایر اقدامات مانع‌ساز برای ورود بازیگران جدید به عرصه رقابت)، حمایت در برابر واردات و سیاستهای تشویقی می‌پرداخت. آنچه در مورد کره جنوبی (به عنوان مثال) متفاوت بود، تأکید و پافشاری مقامات دولتی، بر دستیابی به اهداف صادراتی بود، که با نوعی حمایت گزینشی از صنایع، ترکیب شده بود. به ویژه واردات کالاهای سرمایه‌ای (و تکنولوژی) و نیز داده‌های مهم و حساس و مواد اولیه صنعتی دچار محدودیت و ممنوعیت نبودند و با صادر کنندگان، با یک نگرش تعصب نسبت به صادرات و یا در بدترین حالت آن، یک رژیم انگیزشی بی تفاوت برخورد می‌شد.

اگر چه انتقادهایی که علیه سیاستهای بخشی صورت گرفت، اثری عمیق از خود به جا گذاشت، در عمل، کشورهای معدودی دارای رویکرد کاملاً افقی، غیر متعصبانه و غیر جانبدارانه، نسبت به سیاست‌گذاری صنعتی هستند. سیاستهای افقی در مقام عمل، در غالب موارد نمود، وجهه‌ای بخشی و عمودی به خود می‌گیرند. به بیان دیگر، سیاستهای عمومی Generic، مانند سیاستهایی که از توسعه صنایع کوچک و متوسط و یا آموزش و کسب مهارت کارگران حمایت می‌کنند، عملاً در سطح بخشی، عملیاتی می‌شوند و به ندرت چنین سیاستهایی به طور یکسان، در مورد همه بخشها اعمال می‌شوند.

معمولاً دولتها، بخشهای خاصی را برای اجرای سیاستهای خاص برمیگزینند. بنابر این هدفگیری بخشهای خاص می‌تواند ابزاری برای افزایش اثربخشی برنامه‌های حمایت صنعتی تلقی شود. دلیل دیگری برای اینکه چرا علی‌رغم خطرات ضمنی حمایت‌های بخشی، و اولویت سیاستهای افقی و بی‌تفاوت نسبت به بخشهای خاص، درجه خاصی از هدف‌گیریهای بخشی می‌تواند برای برخی بخشها قابل قبول باشد این است که بخشهایی از صنعت به خودی خود و یا برای بخشهای دیگر اهمیت دارند. برای دولتها غیر ممکن، و یا حتی غیر عاقلانه است که چشم‌انداز استراتژیک و یا بلندمدتی از این بخشهای خاص ترسیم کنند. بخشهایی بدون وزن نهایی **Marginal Weight**، قابل ملاحظه در اقتصاد هم، به ندرت می‌تواند توسط سیاستمداران و سیاستگذاران مورد چشم‌پوشی و غفلت قرار گیرد. مادام که این بخشها سهم قابل ملاحظه‌ای از ستانده، صادرات یا اشتغال مستقیم یا غیر مستقیم را از طریق ارتباطات داده‌ای و ستانده‌ای خود ایجاد می‌کنند، این بخشها هم موضوعی برای سیاست‌گذاری خواهند بود، حتی اگر دارای ارزش استراتژیک نباشند.

منطق حمایت از ایجاد بخشهای جدید نیز، اغلب و به همان طریق، بر حسب اهمیت نسبی آن بخشها، برای اقتصاد کشور تعیین می‌شود. نکته دیگر اینکه، بر خلاف صنایعی که دولت در مورد آنها نمی‌تواند تصویر بلندمدتی ترسیم کند و یا در عمل چنین نمی‌کند (موردی که در بالا به آن اشاره شد)، خطرات قابل ملاحظه‌ای در هدف‌گیری خاص دولت، در صنایع جدید و نوپا وجود دارد. این خطرات به‌خاطر توانایی محدود دولتها برای ارزیابی ارزش اقتصادی و استراتژیک فعالیتهایی که هنوز در اقتصاد کشور وجود ندارند، به وجود می‌آید.

◀ زنجیره‌های ارزش، مجتمع‌های صنعتی و خوشه‌ها

دولتها، تنها بخشهای خاص را در سیاست‌گذاری‌های خود هدف نمی‌گیرند. دامنه و گستره سیاست‌گذاری - بخصوص آن گاه که هدف، حذف گلوگاه‌های رقابت‌پذیر نمودن بنگاه‌هاست - به طور فزاینده‌ای گسترش می‌یابد. تجزیه عمودی، که ملازم تلاش و جستجوی بنگاهها برای فرایندهای اثربخش‌تر است و الگوهای تقاضای جدید، و بیشتر متکی بر خدمات **Service intensive**، نه تنها موجب مخدوش شدن مرز بین صنایع مختلف می‌شود، بلکه هدف‌گیری بخشهای خاص را گمراه‌کننده می‌سازد.

در نتیجه، اثربخشی سیاستها، به طور فزاینده‌ای متکی بر نگاه فراتر از بخش به سوی زنجیره‌های ارزش افزوده، مجتمعهای صنعتی و خوشه‌هاست.

بردارهای داده - ستانده، هدف سیاست‌گذاری هستند. استحکام زنجیره ارزش به اندازهٔ ضعیف‌ترین حلقه آن است. به بیان دیگر، رقابت‌پذیری یک بخش در طول مسیر پایین‌دستی یک زنجیره، انعکاسی از رقابتی ماندن مجموع اجزا و حلقه‌های آن است. بنابر این، یک ضعف در پایه بردار داده - ستانده، ممکن است اثری چند برابر بر پایداری رقابت، در تمام بخشهای قرار گرفته در طول زنجیره، داشته باشد. به‌ویژه اگر حلقهٔ ضعیف، مربوط به فعالیتی غیر قابل مبادله **Non tradable**، یا به طور طبیعی مورد حمایت باشد (در غیر این صورت، خریدار داده قیمت‌های جهانی را ملاحظه خواهد نمود).

همان استدلال پایه می‌تواند ایجاد مجتمعهای صنعتی را به عنوان هدفی برای سیاست‌گذاری، توجیه کند. از یک منظر تحلیلی می‌توان گفت: ستانده رقابتی، تابعی تکاثری از داده‌های رقابتی است (نه فقط داده‌هایی که در طول زنجیره داده - ستانده هستند). البته این بدان معنی نیست که هر یک از حلقه‌های زنجیره نباید محور شایستگی خاص خود را دنبال کنند و صرفاً منتظر انتقال مزیت از حلقه‌های پیشین یا پسین باشند. بنابر این مجتمع صنعتی، فراتر از یک بردار یا ماتریس داده - ستانده است، اما مشتمل بر فعالیتهایی است که تأثیر مستقیم یا غیر مستقیم بر تولید دارند. پس به عنوان مثال، مجتمعهای نساجی یا فرآوری مواد غذایی باید مشتمل بر سازندگان ماشین‌آلات نساجی و غذایی و عرضه‌کنندگان آنها نیز باشند و صنعت فناوری اطلاعات، مشتمل بر مؤسسات مرتبط با آموزش و نوآوری. می‌توان چنین گفت که این منطق به سوی رویکرد چارچوب‌گرا برای تجزیه و تحلیل رقابت محصولات و یا گروههای محصولات گرایش دارد. با این تفاوت اساسی که در اینجا هدف، بهبود پایداری یک زیرمجموعه از فعالیتهای صنعتی سازماندهی شده، حول یک مجتمع **Complex** با ارجاع به یک محصول یا گروهی از محصولات است، نه بخش صنعت به طور کلی.

مفهوم خوشه، کراراً به عنوان یک ساختار عملیاتی برای سیاست صنعتی به کار گرفته شده است. به‌طور بالقوه، صنایع رقابتی، میل به خوشه شدن در اقتصاد را دارند، که بر اساس داده‌ها، مهارتها و زیربنایهای مشترک، سامان می‌یابد. این خوشه‌ها همانند صنایع منفرد می‌بایست مبنای مزیت‌های ملی را

شکل دهند. سیاستهای دولت در پرورش و تقویت یک خوشه موجود یا در حال تولد، بیشتر از یک خوشه کاملاً جدید، احتمال موفقیت دارد.

هدف قراردادن خوشه‌ها در سیاست‌گذاری، اگر چه همسان هدفگیری بخشها نیست، اما اساساً شبیه آن است. در تمام این موارد این پیش‌فرض وجود دارد که یک رویکرد عمودی به سیاست صنعتی، مؤثرتر از سیاستهای افقی است و یا حداقل می‌بایست به موازات بهبود عوامل مؤثر بر رقابت‌پذیری کل صنعت یا اقتصاد، به کار گرفته شود. اما این سؤال مطرح است، که آیا بخش خوشه یا موارد مشابه دیگر آنها باید کانون تمرکز تلاشها و سیاست‌گذاریها، در جهت ارتقای صنعت باشند، یا تأکید سیاستگذاران باید بر شرایط عمومی اقتصاد، که بر رقابت‌پذیری بنگاههای صنعتی تأثیر می‌گذارد باشد، و نگاهی نیز به بخشها یا خوشه‌های خاص داشته باشند؟

با اتکا به تجربیات واقع شده، روشن است که یک رویکرد بی‌تفاوت نسبت به بخشهای خاص، برای دولتها به اندازه‌ی اقدامات عمودی، حاوی خطر، نیازمند اطلاعات زیاد و نیز مصرف‌کننده‌ی منابع نیست. بخصوص در مواردی که سیاست‌گذاری عمودی، فراتر از یک بخش محدود و قابل مرزبندی اعمال می‌شود. تعیین و هدفگذاری سیاستها و مقابله با موانع موجود در قوانین و مقررات، و نیز عناصر بالابرنده هزینه در عرصه کل اقتصاد، که موجب عدم مزیت رقابتی بنگاهها می‌شوند، با منابع محدودتری قابل پیگیری و اجرا هستند. ورود به جزئیات یک برنامه عملیاتی **Action Plan**، و اجرای اصلاحات لازم در قالب آن، ممکن است پرهزینه‌تر باشد، اما در مواردی می‌تواند به مسیرهای سریع‌تری برای نیل به توسعه صنعتی رهنمون گردد.

بهبود چارچوب کلی رقابت‌پذیری، باید یک وظیفه‌ی معمولی برای دولتها تلقی شود. تمام بنگاهها باید به طور مستمر، شاهد کاهش هزینه‌های پیرامونی و بیرونی خود، در قالب یک رژیم مشوق باشند، که آنها را به سوی کارایی قیمت سوق دهد. اما تحت شرایط معینی، سیاستهای افقی ممکن است حداکثر، تأثیری بلندمدت و یا نهایی **Marginal** بر رقابت‌پذیری بنگاههای صنعتی داشته باشند.

به عنوان مثال، در مواردی که یک صنعت، تحت فشار رقابتی شدید قرار می‌گیرد و بدون انجام اقدامات جدی تجدید ساختار، نمی‌تواند به بقای خود ادامه دهد، یک اقدام فعال و جدی دولت ضرورت می‌یابد. به هر حال ویژگی این مثال، استثنایی بودن و مشخص بودن کانون مسئله (یک صنعت تحت

فشار رقابت) بود. در غیر این صورت، برخی از صاحب‌نظران معتقدند، هدف‌گذاری در مورد یک صنعت یا فعالیت موجود و یا جدید، باید ترجیحاً به عنوان بخشی از اقدامات توسعه منطقه‌ای و یا محلی، صورت گیرد، تا خطر ضمنی کمتری داشته باشد. به علاوه از دیدگاه این صاحب‌نظران، سیاست‌گذاری صریح دربرگیرنده‌ی حمایتها و مشوقها، اگر به عنوان جزئی از اقدامات توسعه منطقه‌ای در نظر گرفته نشود، ممکن است مورد موشکافی و حساسیت سایر کشورها قرار گیرد.

بنابر این، تعادل بین «سیاستهای چارچوب‌گرا» و «سیاستهای عمودی» و سوق یافتن از یکی به دیگری، بستگی به موقعیتی دارد که سیاستگذاران در آن قرار گرفته‌اند.

ممکن است در مواردی، کاربردی دورگه و مختلط از مفاهیم سیاست صنعتی صورت گیرد، اما سیاستگذاران، نه تنها نیازمند دستیابی به ترکیب مناسب سیاستها برای ایجاد یک چارچوب رقابتی و نتیجه‌گیری‌های خاصی برای بخشهای خاص و برگزیده هستند، بلکه بالاتر از آن، باید اطمینان حاصل کنند که سیاست صنعتی، نگاهی فراتر از کوتاه‌مدت و میان‌مدت دارد، و باید براننده‌ی یک استراتژی توسعه باشد. در این چشم‌انداز، نقش سیاست‌گذاری، ارائه‌ی اصول و قواعد سازمان دهنده‌ای است که با اجرا، پیوند داشته باشند و در چارچوب یک چشم‌انداز از آینده صنعت قرار گیرد. آن گونه که در سرفصل بعدی به آن خواهیم پرداخت، مفهوم سیاست‌گذاری به عنوان چشم‌انداز به اندازه‌ی کافی عمومیت دارد که بتواند مفاهیم اجرایی جایگزینی از توسعه را ایجاد کند. این ویژگی، از آن جهت که بتواند پاسخگوی نیازهای توسعه در محیط جهانی در حال تغییر سریع باشد، بسیار با اهمیت است.

◀ ۴- سیاست صنعتی به عنوان یک چشم‌انداز

آنگاه که پارادایم ظرفیت‌سازی و ایجاد قابلیت‌ها مطرح شد، تحلیلگران ارائه‌کننده این رویکرد، اصول و قواعد سازمان دهنده، و مفهوم و ساختار یکپارچه‌ای از توسعه را ارائه نمودند، که «انباشت شایستگی تکنولوژیک» بود. مسئله تجهیز و بسیج عوامل حساس مرتبط با ماهیت تکنولوژی، مسئله‌ای بود که بلافاصله مطرح می‌شد. اما این پارادایم هر چند منسوخ نشده است، اما پاسخ مؤثری به چالشهای به‌وجود آمده در اثر جهانی شدن نمی‌دهد. در واقع، هیچ مدلی به تنهایی چنین قابلیت‌ی ندارد. آنچه مورد نیاز است،

ابزار توسعه‌ای قابل انعطافی است که قابلیت تولید مدل‌های توسعه صنعتی را، که بتوانند به شرایط خاص، پاسخگو باشند، دارا باشد.

سیاست صنعتی، نه صرفاً یک چارچوب، که شرایط رقابت بنگاهها را تأمین کند، و نه صرفاً یک روش برای ایجاد برخی ظرفیتهای و قابلیت‌های اساسی است، و نه فقط برنامه‌هایی که در ساختارهای عمودی بخشها هدفگذاری شده باشد. بلکه می‌بایست به عنوان چشم‌انداز استراتژیک آینده‌ی اقتصادی و صنعتی، شناخته شود و ابزارها، ساز و کارها و ترتیبات نهادی لازم، این چشم‌انداز را به واقعیت مبدل می‌سازد. در محیطی که روزافزون دچار تغییرات سریع و عدم اطمینان است، آنچه سیاستگذاران بدان احتیاج دارند، یک مفهوم توسعه منعطف و قابل اجراست. این چشم‌انداز باید یک اصول و قواعد سازمان دهنده یا چارچوب مرجع داشته باشد، که از آن مفاهیم عملیاتی و اهداف توسعه صنعتی استخراج شود. این فرایند باید مشتمل بر موارد ذیل باشد:

اول: چشم‌انداز مشترک، آینده کشور و جایگاه آن در اقتصاد بین‌المللی را تبیین کند. در این مرحله باید عرصه‌ی قانونی فعالیت‌های دولت (دامنه و محدودیتها) نیز مشخص شود.

دوم: مفهوم عملیاتی توسعه را تعریف کند، به طوری که برخاسته از چشم‌انداز باشد.

سوم: نیازها و الزام‌های نهادی و منابع مرتبط با مفاهیم عملیاتی را به طور اساسی تعیین کند.

چهارم: یک استراتژی اجرایی تهیه و طراحی کند به طوری که:

- موانع مفاهیم عملیاتی چشم‌انداز را تعیین کند.

- یک برنامه عمل **Action Plan** برای برطرف کردن آنها تهیه کند.

- مجموعه‌ای از پروژه‌ها (سرمایه‌گذاری‌های مرتبط) و در پیوند با اهداف بلندمدت تعیین نماید.

سیاست صنعتی که باید به عنوان چشم‌انداز آینده صنعت، مورد توجه قرار گیرد، محصول اجماع‌سازی در نوع جدیدی از همکاری دولت و بخش خصوصی است. دیدگاه «چشم‌انداز» و ساز و کارهایی که می‌بایست این دیدگاه را در قالب شرایط عینی، واقعی و مفاهیم عملیاتی توسعه صنعتی درآورد، ویژگی‌های اساسی دارد: این چشم‌انداز باید بدان اندازه کلی باشد، که مدل‌های توسعه بدیل و جایگزین را برتابد. در این صورت قادر خواهد بود، پاسخگوی شرایط متحول و رو به پیچیدگی محیط باشد.

نظریه پایه توسعه ملی

از دیدگاه آمایش سرزمین

◀ مقدمه

در طی دو دهه گذشته و در فاصله بین تجربه قبلی و تجربه فعلی آمایش سرزمین، جهان شاهد مجموعه‌ای از تحولات گسترده‌ای بوده که سلسله‌ای از تغییرات اساسی در ساختارهای سیاسی و اقتصادی را موجب گردیده است.

در سال ۱۳۶۲ (تجربه قبلی آمایش سرزمین) نگاه به توسعه و برنامه‌ریزی در یک جهان دو قطبی صورت می‌گرفت ولی در تجربه فعلی جهان در فرایند شکل‌بندی نظم دیگری است که گرچه هنوز این فرایند به پایان نرسیده لیکن خصوصیات آن، چشم‌اندازی کاملاً متفاوت با گذشته را ترسیم می‌کند. مهم‌ترین خصوصیتی که در حوزه بحث ما تأثیر خواهد گذاشت روند جهانی شدن اقتصاد و یا اقتصادی شدن جهان است که اصطلاحاً با فرایندی بنام یکپارچگی یا **Globalization** شناخته شده است. گرچه هنوز بر سر اینکه دامنه این فرایند تا کجاست بحثها ادامه دارد اما ویژگی‌های محرز آن تا جایی که به بحث ما مربوط می‌شود به شرح زیر می‌باشد:

- تحولات جدی در جغرافیای اقتصادی نظام سرمایه داری

- تغییر مفاهیم ارزشی در توسعه منطقه‌ای

- یکپارچه شدن بازارها

- فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و دیگر تحولات منطقه‌ای

- تغییرات ایجاد شده در شرایط داخلی

علی‌رغم ضرورت انجام بحثها و بررسیهای دقیقتر در مورد چشم‌انداز برنامه‌ریزی در فرایند تحولات ملی و بین‌المللی، به طور اجمال آنچه بر نقش و جایگاه آمایش و محصول سند نهایی مطالعات طرح پایه اثر می‌گذارد را شرح می‌دهیم:

۱- عمده شدن دیدگاه‌سازی‌های درازمدت توسعه نسبت به نتیجه‌گیری‌های مکانی و مدیریت

فضایی توسعه

۲- تفوق یافتن روحیه برنامه‌ریزی ارشادی نسبت به برنامه‌ریزی‌های دستوری

۳- افزایش اهمیت سطح ملی در تعیین چارچوبها و استراتژیهای کلی

- ۴- واگذاری سطوح تفصیلی تر تصمیم‌گیری به واحدهای منطقه‌ای
- ۵- طراحی و ایجاد روشهای کنترل و هماهنگی سطوح مختلف نظام برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری
- ۶- تداوم فعالیتهای برنامه‌ریزی و توقف ناپذیری طراحی‌های توسعه

◀ بخش اول: ساخت و تدوین نظریه پایه توسعه ملی

◀ ۱- تعریف نظریه پایه توسعه ملی و جایگاه آن در آمایش سرزمین

«نظریه پایه توسعه ملی»، اصلی‌ترین جهت‌گیری‌های توسعه کشور در بلندمدت است. این نظریه حدود تقابلهای تعیین‌کننده در فرایند تشخیص مشی توسعه را تعیین می‌کند و در قالب دیدگاهی شفاف و کاربردی، چشم‌اندازی از آینده توسعه ملی و نقش کشور در عرصه جهانی به دست می‌دهد. نظریه پایه توسعه ملی، اساس تعیین راهبردها و خط مشیهای اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، سیاسی، امنیتی و دفاعی کشور را تشکیل می‌دهد و جهت دهنده نقش و وظایف دولت، نحوه مشارکت مردم در فعالیتهای توسعه و چگونگی نظام تصمیم‌گیری و اجرا است.

◀ ۲- مقدمات و مراحل بررسی نظریه پایه توسعه ملی

مقولاتی که برای تدوین نظریه پایه توسعه ملی باید مورد بررسی قرار گیرند، عبارتند از:

اول - آینده‌نگری

دوم - تحلیل موقعیت منطقه‌ای

سوم - ساختار فرهنگی هویت ملی

چهارم - امکانات و قابلیتها، محدودیتهای توسعه سرزمین

پنجم - تحلیل سازمان فضایی

◀ فصل اول: چشم‌انداز جهان آینده

بخش حاضر، حاوی عمده‌ترین و تأثیرگذارترین مباحث مطالعه آینده‌نگری بر آمایش سرزمین است. مباحثی که در اینجا مطرح شده است، مستند به مطالعه آینده‌نگری است که به عنوان پیوست مطالعات آمایش سرزمین در دو مجلد و حاوی مطالبی نظیر آینده‌شناسی، دیدگاه جهانی، جهانی شدن و سناریوهای آینده و ... منتشر شده است. از آنجا که ارائه تصویری از وضعیت دنیای آینده در چند صفحه و به طور موجز، کاری است نه چندان آسان، بر این امیدیم که در صورتی که نیاز به اطلاعات بیشتری در این زمینه باشد، مراجعه به مطالعه فوق بتواند تا حدودی تصویر روشن‌تری از وضعیت جهان، حداقل طی ۲۵ سال آینده در اختیار خوانندگان محترم قرار دهد. در واقع سناریویی که در بخش آتی ارائه شده است، محتمل‌ترین سناریویی است که در میان چندین سناریوی مطالعه شده، به لحاظ کمی، کیفی و جغرافیایی، توافق بیشتری بر سر آن در میان صاحب‌نظران وجود داشته است. به نظر می‌رسد تغییرات فعلی، دنیای آینده را به جهت‌های مختلفی هدایت کند که برآیند این سمت و سوهای مختلف آن چیزی خواهد بود که می‌توان آن را دنیای آینده نامید. در واقع ارائه سناریو، یکی از آخرین مراحل مطالعات آینده‌نگری می‌باشد. به طور معمول برای دستیابی به واقع‌بینانه‌ترین سناریو، سناریوهای مختلفی ساخته می‌شود که از آن میان محتمل‌ترین آنها، که احتمالاً برآیندی از تمام آنها نیز خواهد بود، برگزیده می‌شود. در نهایت، ذکر این نکته ضروری است که به طور طبیعی از یک سناریو نباید انتظار داشت که بتواند تمام اتفاقات آینده را پیش‌بینی نماید.

◀ ۱- چشم‌انداز تعاملات جهان آینده

روندهای موجود حاکی از آن است که دنیای آینده نه تنها دنیایی تک قطبی نخواهد بود، بلکه تعدد قطبهای قدرت به نوعی از کثرت‌گرایی دامن می‌زند. قطبهای قدرت در دنیای حاضر، ماحصل روندی است که از اواسط قرن گذشته شروع شد و با جهانی شدن اقتصاد در اواخر این قرن، شدت یافت. انتظار بر این است که حداقل در بیست و پنج سال آتی این روند نه تنها کند نشود، بلکه بر دامنه و وسعت آن افزوده گردد. به این ترتیب روشن است که قطبهای قدرت در جهان آینده، برخوردار از قدرت اقتصادی

خواهند بود. به طور اخص می‌توان از سه قطب ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا و ژاپن در دنیای آینده نام برد.

چین و روسیه به لحاظ پتانسیل آنها، قطبهای بالقوه قدرت را تشکیل می‌دهند. البته رشد آنها برای رسیدن به مرتبه‌ای هم رده سه قطب آمریکا، اروپا و ژاپن منوط به توافق این کشورها با حضور چین و روسیه در اقتصاد جهانی و ایفای نقشی فعال است. از آنجا که اقتصاد، منطق حاکم بر تعاملات جهانی است، می‌توان انتظار داشت که چالشهای جهان آتی بر سر منافع اقتصادی شکل گیرد. چالش ایالات متحده با ژاپن و چین، چالش اروپا با ایالات متحده (علی‌رغم نزدیک شدن انگلیس به ایالات متحده) و چالش چین و ژاپن از عمده‌ترین چالشهای آتی خواهند بود. این در حالی است که هر کدام از قطبهای قدرت، مناطقی را به عنوان حوزه‌های نفوذ خود بر می‌گزینند. البته این بحثها به این معنا نیست که سایر قطبها، به این مناطق نظر ندارند، بلکه در واقع می‌توان گفت، هر کدام از این قطبها منافع استراتژیک و ژئوپولیتیک خود را، هر چه بیشتر در این مناطق جستجو می‌کنند. در واقع دو حوزه عام و خاص برای نفوذ قطبهای قدرت می‌توان تصور کرد. حوزه نفوذ قطبهای قدرت به طور عام، محدوده‌ای به وسعت کره زمین خواهد بود، هر چند که به نظر می‌رسد که در آینده شاهد چالش قطبهای قدرت برای دست‌اندازی به فضای ماورای زمین هم باشیم.

آمریکا به طور خاص بر حوزه‌هایی از آمریکای شمالی، شامل کانادا و مکزیک - آفریقای مرکزی و جنوبی، استرالیا و نیوزلند نظر خواهد داشت. هر چند که واکنش ایالات متحده نسبت به نیروهای عمده تغییر دهنده جهان، غیر متمرکز خواهد بود. این به معنای برخورد، بدون طرح و برنامه‌ریزی به جای مواجهه هماهنگ و متمرکز است. این نوع برخورد، ناشی از سابقه فرهنگی فردگرایی آمریکا و فقدان یک تهدید خارجی جدی برای این کشور است. علی‌رغم تلاشهای اروپا - بخصوص فرانسه - ایالات متحده در آینده هم، مانند امروز تسلط فرهنگی خود را با کمک وسایل ارتباط جمعی - نظیر تلویزیون، فیلم، موسیقی، شبکه اینترنت و ... - حفظ خواهد کرد.

ژاپن، ناظر بر سیبری، شرق چین، آسیای جنوب شرقی، هند و آمریکای جنوبی خواهد بود. در این میان به نظر می‌رسد دو ناحیه آمریکای جنوبی و جنوب شرق آسیا، مناطقی هستند که به چالش عمده

میان ژاپن و آمریکا دامن می‌زنند، چرا که هر دو کشور منافع مشترکی را در هر کدام از این مناطق دنبال می‌کنند.

مسابقه هسته‌ای در جنوب شرق آسیا، این منطقه و بخصوص ژاپن را در معرض خطر جدی قرار می‌دهد. با گرم شدن کره زمین و بالا آمدن سطح آب دریاها، ژاپن جزو نخستین کشورهایی خواهد بود که به طور بالقوه تهدید می‌شود. هم ژاپن و هم اروپا بالاخص اولی، به لحاظ امتناع از پذیرش عمده مهاجران (بخصوص مهاجران برون منطقه‌ای) در معرض سالخورده شدن جمعیت قرار دارند. ژاپن با انتقال صنایع به مناطق جمعیت‌فرست - بالاخص جنوب شرق آسیا - از طریق جایگزینی جابه‌جایی سخت‌افزار و نرم‌افزار صنعتی به جای جابه‌جایی نیروی کار تا حدودی بر این معضل فائق می‌شود. با سرازیر شدن ارزش افزوده این فعالیتها به داخل خاک ژاپن، این کشور موفق می‌شود همچنان موقعیت ممتازش را در میان کشورهای جهان حفظ کند. هر چند که این جریان پولی سبب آسیب‌پذیری ژاپن نسبت به بحرانهای مالی در سطح جهان بخصوص جنوب شرق آسیا - که بیشتر منشأ برون‌زا خواهند داشت، می‌شود.

اروپا در صدد بسط نفوذ خود در خاورمیانه و شمال آفریقا بر خواهد آمد. در این میان روسیه حداقل طی ۲۰ سال آتی بر اساس مدل‌های اروپای غربی و آموختن تخصص و کارآیی از همسایگان غربی خود و خرید کارآفرینی در قبال عرضه مواد خام به آنها می‌تواند خود را برای ورود به اقتصاد اروپای غربی مهیا کند. این در حالی است که تحقق بهترین موقعیت برای اروپا در آینده، منوط به توان اروپا در رشد تجارت خود با سایر کشورها است. به این منظور اروپا در صدد استفاده بهینه از تحولات جهانی بر خواهد آمد. بازار مالی هنگ‌کنگ و بازار بالقوه چین، موقعیتهایی هستند که اروپا آنها را نادیده نخواهد گرفت.

۲- وضعیت اقتصادی - اجتماعی جهان آینده

به نظر می‌رسد گرایشات فوق‌الذکر، به نوعی دوگانگی در میان جوامع جهان دامن بزند. در واقع، به بیان دقیق‌تر با شدت گرفتن رقابت نوین اقتصادی در نیمه قرن بیستم، روز به روز شکاف میان کشورهای پیشرو و کشورهای توسعه نیافته بیشتر شد. این در حالی است که براساس تازه‌ترین محاسبات صندوق بین‌المللی پول کشورهای شمال با برخورداری از تنها (۱۵/۶٪) جمعیت جهان، (۵۵/۴٪) GDP

جهان را به خود اختصاص داده‌اند. به این ترتیب (۸۴/۴٪) جمعیت باقیمانده جهان تنها در کمتر از نصف GDP جهانی سهم دارند. همچنین (۷۷/۹٪) صادرات کالاها و خدمات جهان توسط کشورهای شمال و تنها (۲۲/۱٪) توسط کشورهای جنوب صورت می‌گیرد. این در حالی است که میانگین سالیانه قیمت جهانی محصولات صنعتی، نفت و مواد اولیه (غیر از نفت) در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به ترتیب زیر است:

درصد تغییرات میانگین سالیانه قیمت جهانی	درصد تغییرات میانگین سالیانه قیمت جهانی
کالاها و صادراتی در دهه ۱۹۸۰	کالاها و صادراتی در دهه ۱۹۹۰
محصولات صنعتی ۳/۲	-۰/۳
نفت -۴/۶	-۲/۴
مواد اولیه غیر از نفت -۰/۷	-۰/۸

در واقع هر چند که قیمت جهانی کالاها ساخته شده در هر سال از سالهای ۱۹۹۰ به طور میانگین از کاهش ۰/۳ برخوردار بوده است اما تغییرات قیمت میانگین سالیانه نفت و مواد اولیه به غیر از نفت به ترتیب با (۲/۴٪) و (۰/۸٪) کاهش سالیانه همچنان حکایت از افزایش شکاف رابطه مبادله میان کشورهای شمال و جنوب دارند. در واقع رابطه مبادله اقتصادهای پیشرفته در سالهای دهه ۱۹۹۰ سالیانه (۰/۴٪) رشد داشته است. درحالی که رابطه مبادله کشورهای جنوب طی همین دهه از کاهش نرخ رشد یک درصدی برخوردار بوده است. هر چند که کاهش شتاب این تغییرات نزولی امیدهایی را به ذهن متبادر می‌کند اما در واقع افزودن نرخ رشد بالای جمعیت کشورهای جنوب به اطلاعات فوق، داستان نگران کننده‌ای را به تصویر می‌کشد. سهم (۹۵٪) کشورهای جنوب از رشد جمعیت جهان گویای این واقعیت است که تولد و رشد تجربه‌های جدید توسعه تنها چشم‌انداز امید بخش آینده است. از سوی دیگر در جوامع جوانی که با بحرانهای اقتصادی رو به رو هستند، همیشه پتانسیل تنش و ناآرامی بالا خواهد بود. این روند سرانجام به ثبات سیاسی این جوامع لطمه وارد می‌کند. در چنین جوامعی بزهکاری رشد می‌کند و زمینه کشمکشهای داخلی و خارجی فراهم می‌شود. به نظر می‌رسد مناطقی نظیر آمریکای مرکزی، آفریقای جنوبی، کشورهای جنوب و برخی از کشورهای جنوب شرق آسیا، خاورمیانه، ایرلند شمالی و اروپای شرقی و سرزمینهای حاشیه‌ای شوروی سابق و شاخ آفریقا، وضعیت بحرانی‌تری داشته باشند.

پیر شدن جمعیت در کشورهای شمال روی دیگر این سکه خواهد بود. این کشورها از طریق افزایش سن بازنشستگی و استفاده از نیروی کار زنان سعی خواهند کرد براین معضل فائق شوند. این خود صرفاً به معنای زندگی راحت‌تر و بی دغدغه‌تری نخواهد بود.

همچنین دوگانگی تکنولوژیکی - صنعتی بر شکاف میان کشورهای شمال و جنوب، خواهد افزود. ضمن آن که در میان کشورهای شمال هم تفاوت‌هایی وجود خواهد داشت. با طی شدن مراحل نوزادی و رشد تکنولوژی‌های ارتباطات و اطلاعات و صنعت نرم‌افزار، انتظار می‌رود، کشورهای پیشرفته (قطبهای قدرت) با واگذاری این تکنولوژیها به کشورهای درجه دوم نظیر روسیه، چین و برخی کشورهای جنوب شرقی آسیا، خود مرزهای تکنولوژی‌های زیستی، مولکولی و نانو تکنولوژی را در نوردند. این کشورها برای حفظ برتری خود به ایجاد سازمان نوین صنعتی و بهره‌گیری از کشاورزی نوین مبادرت خواهند کرد. در این میان هند، جزو معدود کشورهایی است که در صنعت نرم‌افزار و تکنولوژی‌های ارتباطی، پیشرفت چشمگیری خواهد داشت.

دوگانگی جمعیت، امکانات و سطح برخورداری در مناطق مختلف جهان سبب می‌شود در آینده هم شاهد روند رو به رشد مهاجرت‌های درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای باشیم. در واقع توزیع فعلی جمعیت، رفاه و امکانات توسعه در جهان به نحوی است که تقریباً نوعی همجواری در بین مناطق پرجمعیت و بازار کار در کشورهای توسعه یافته وجود دارد که در آینده بیشتر هم خواهد شد.

این روند جابه‌جایی جمعیت، حتی در نواحی اروپای شرقی، آفریقا و آسیای مرکزی که در گذشته دارای جابه‌جایی محدود بوده‌اند نیز به چشم می‌خورد. آمریکا و استرالیا عمده‌ترین مناطق جذب مهاجرین برون منطقه‌ای و درون منطقه‌ای هستند. این روند تا حدی گسترده‌است که سبب تغییر ترکیب جمعیتی این دو کشور به نفع رنگین پوستان خواهد شد. اروپا هم، پذیرای بخشی از مهاجران از شمال آفریقا، خاورمیانه و آسیای مرکزی و اروپای شرقی خواهد بود.

انتظار می‌رود طی ۲۵ سال آینده تغییرات وسیعی در نظام حاکم بر برخی از کشورها به وقوع بپیوندد. به طور کلی می‌توان گفت جهان به سوی یک دموکراسی فراگیر پیش می‌رود و قوانین حقوق انسانی در عرصه بین‌المللی اثرات مهمی برجای خواهند گذاشت. تبت و برمه به سوی نوعی دموکراسی نه چندان کامل خواهند رفت. در بیلوروس، اوکراین و قزاقستان دموکراسی جای اقتدارگرایی را خواهد گرفت. دولت

برزیل حقوق دموکراتیک را به اتباع خود اعطا خواهد کرد. گامهای بزرگی جهت پایان دادن به مالکیت غیر قانونی بر کارگران و بهره‌کشی از کودکان در بسیاری از کشورها برداشته خواهد شد. دومینیک، هند و بنگلادش مثالهای خوبی از این دست هستند. مجازات اعدام در کل ایالات متحده به جز سه ایالت ملغی می‌شود. منشور حقوق جدید انگلستان، حقوق شهروندی بیشتری را تأمین خواهد کرد. اما علی‌رغم اینها، نمی‌توان انتظار داشت که دیکتاتوری در جهان به پایان راه خود برسد.

۳- اتحادیه‌های منطقه‌ای در جهان آینده

جهانی شدن و انقلاب ارتباطات دو روند کلی تأثیرگذار بر جهان آینده خواهند بود. نقطه آغاز جهانی شدن با تحول در ماهیت اقتصادهای جهان، در نیمه دوم قرن بیستم بوده است. شاخصهای آماری بیانگر تغییرات فزاینده در تولید، سرمایه‌گذاری، تجارت، گسترده‌تر شدن تکنولوژی ارتباطی، دوگانگی طبقات اجتماعی، تخریب محیط زیست جهانی، تضعیف قدرت دولتها، تحول در ماهیت فرهنگها، زبان و ... می‌باشد. از سوی دیگر تحولات انکار ناپذیری در جغرافیای اقتصادی نظام سرمایه‌داری رخ داده که منجر به تحول در ماهیت اقتصاد جهانی گردیده است. در واقع نقطه اشتراک این تحولات در تمامی کشورها نیل به یک همگرایی نسبی است. به بیان دقیقتر، جهانی شدن، وابستگی متقابل بین مناطق مختلف جهان با توجه به ساختار زندگی اجتماعی آن مناطق می‌باشد. این امر نشان دهنده آن است که فرایند جهانی شدن در کشورها و مناطق مختلف، رفتار یکنواختی نخواهد داشت. در واقع تأثیرات توسعه‌ای غیر یکنواخت، عمده‌ترین مشخصه این فرایند است.

این خصیصه در کنار روند رو به رشد دوگانگی موجود میان کشورهای شمال و جنوب موجب می‌شود تا همکاری‌های جنوب - جنوب، به عنوان راهی برای خروج از دور باطل فقر توسط مجامع بین‌المللی - به‌عنوان مثال کنفرانس بالی - به کشورهای درحال توسعه پیشنهاد شود. این راهکار به عنوان راه‌حلی مناسب برای مواجهه با چالشهای جهان آینده، در پیش روی کشورهای فقیر قرار داده شد. علاوه بر این، کشورهایی هم که به هر دلیلی حاضر به آزاد سازی کامل تجارت و بازکردن درهای خود به روی پدیده جهانی شدن نیستند و همچنان مایل به حفظ ارزشهای اعتقادی و فرهنگی خود بوده و درعین حال به دنبال اصلاحات اقتصادی و تقویت ثبات سیاسی خود می‌باشند، بیش از پیش به همکاری‌های اقتصادی

منطقه‌ای روی آورده‌اند. به این ترتیب همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای بین کشورهای درحال توسعه برای مواجهه با تحولات جهانی - جهانی شدن - و نیل به توسعه پایدار در دستور کار بسیاری از کشورها قرار گرفته است.

بر این اساس حداقل دو عامل را می‌توان به عنوان دلایل عضویت کشورها در اتحادیه‌های منطقه‌ای نام برد. عامل نخست درمورد کشورهای ضعیف است که جهت افزایش مشارکتشان در اقتصاد جهانی به این اتحادیه‌ها می‌پیوندند. عامل دوم مربوط به قطب‌هاست که جهت تدارک نقشی مسلط برای خود، این اتحادیه‌ها را تشکیل می‌دهند. اتحادیه‌های مهم منطقه‌ای موجود شامل نفتا (در آمریکای شمالی)، مرکاسور (در آمریکای جنوبی)، آفریقای باختری (غرب آفریقا)، کشورهای پیرامون صحرا (شمال غرب آفریقا)، اتحادیه اروپا (کشورهای مرکز، غرب و شمال اروپا)، اکو (کشورهای غرب آسیا)، شورای همکاری خلیج (کشورهای پیرامون خلیج فارس) و آسه‌آن (کشورهای جنوب شرق آسیا) و ... هستند.

دو اتحادیه مهم AFTA که کل قاره آمریکا را در بر می‌گیرد و APEC که کل کشورهای جنوب شرق آسیا و استرالیا و نیوزلند را در بر خواهد گرفت، در آینده‌ای نه چندان دور به وجود خواهند آمد. نگاهی به جریان مواد خام و کالاها و خدمات ساخته شده نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از این جریان‌ها در محدوده این اتحادیه‌ها و غالباً برای تأمین نیازهای آنها صورت می‌گیرد. ایالات متحده مواد خام مورد نیازش را از کانادا و آفریقا تأمین خواهد کرد. روسیه همین نقش را نسبت به اروپا خواهد داشت و ژاپن به سببری و شرق چین برای رفع این‌گونه نیازهایش نظر خواهد داشت.

به این ترتیب از منطقه‌گرایی به عنوان فراگیرترین و عمده‌ترین روندی که در بطن جهانی شدن شکل گرفته و در آینده هم گسترش خواهد یافت، می‌توان نام برد. هرچند که انگیزه کشورهای مختلف در پیوستن به این اتحادیه‌ها، متفاوت می‌باشد.

◀ فصل دوم: تحلیل موقعیت جغرافیای سیاسی منطقه

این بحث به عبارتی ادامه بحث آینده‌نگری در حوزه‌ای عینی‌تر می‌باشد. درک روشن از موقعیت و وضعیت جغرافیای سیاسی و اقتصادی منطقه یکی از مهم‌ترین مفروضات بحث تدوین نظریه پایه توسعه ملی می‌باشد. به معنای دیگر این شناخت به ما می‌گوید که در کجا هستیم و وضعیت پیرامون ما چیست؟

مناطق و جوامع اطراف ما از جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از چه ویژگی‌هایی برخوردارند؟ نحوه برخوردشان به جهان خارج و برخورد جهان خارج با آنها چگونه است؟

برای این منظور در مطالعات طرح پایه آمایش سرزمین ۱۹ کشوری که مستقیماً در همسایگی ایران قرار دارند و یا در منطقه نفوذ ایران واقع می‌باشند مورد یک بررسی اجمالی قرار گرفت، این مطالعات در برگیرنده اطلاعات جمع‌آوری شده در این مورد می‌باشد. در اینجا خلاصه‌ای از عمده‌ترین فرازهای مربوط به موقعیت اقتصادی سیاسی منطقه آورده می‌شود و این بحث با ارائه مفروضاتی که برای تدوین نظریه پایه توسعه باید مبنا قرار گیرند خاتمه می‌یابد.

۱- جمعیت و موقعیت جغرافیایی

کشور ما همراه با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و حاشیه خلیج فارس و همسایگان شرقی و غربی خود منطقه‌ای را تشکیل می‌دهد، که در حال حاضر حدود ۴۲۰ میلیون نفر جمعیت را در خود جای داده است. این منطقه در مرکزیت بخش وسیعی از جهان قرار دارد که از شرق آسیا تا غرب اروپا و از شمال آسیا تا جنوب آفریقا را شامل می‌شود. بخشی که جمعیت آن در حال حاضر در حدود ۵ میلیارد نفر می‌باشد و تا سال ۲۰۲۰ به حدود ۶ میلیارد نفر خواهد رسید.

به این ترتیب این منطقه که در محل تلاقی سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا قرار دارد، به طور تاریخی یکی از کانونهای عمده پیدایش تمدنها و فرهنگهای دیرین بشر و از محورها و مسیرهای عمده تبادل تجاری، علمی و فرهنگی بین شرق و غرب عالم بوده است. سابقه دیرینه اسکان جمعیت در این منطقه از جهان باعث شده تا این تمدنها برجسته و توانمند شده و در شکل‌گیری باورهای اعتقادی، معارف علمی و سنن و رفتارهای مردم جهان نقش برجسته‌ای داشته باشند.

حدود یک سوم مسلمانان جهان در این منطقه که وسیع‌ترین قلمروی پیوسته اسلام در جهان است ساکن هستند. در سال ۱۹۹۹ جمعیت مسلمانان این منطقه ۳۷۶ میلیون نفر بوده است که تا سال ۲۰۲۵ به بیش از ۶۰۰ میلیون نفر می‌رسد. قرار گیری کعبه به عنوان قبله‌گاه مسلمانان، و وجود کشورهای ایران، عربستان سعودی، ترکیه، پاکستان که همگی جایگاه برجسته‌ای در جهان اسلام دارند، بر اهمیت این منطقه می‌افزاید.

رویداد انقلاب اسلامی در ایران در انتهای دهه هفتاد، و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در پایان دهه هشتاد باعث گردید تا مجموعه‌ای از تحولات ساختاری سیاسی، اجتماعی و اقتصادی گسترده در این منطقه روی دهد که در پایان دهه نود، موقعیت جغرافیایی، آن را اهمیتی مضاعف بخشیده و به یکی از قابل توجه‌ترین مناطق جهان تبدیل کرده است.

۲- امکانات و منابع طبیعی

این منطقه از امکانات و قابلیت‌های گسترده و متنوعی برخوردار است. در ژرفای شمالی جغرافیایی سیاسی ایران طیف وسیعی از منابع و امکانات وجود دارد. از نظر منابع طبیعی شاید بتوان ادعا کرد که منابع و ذخایر معدنی آسیای مرکزی و ایران، این منطقه را به صورت یکی از غنی‌ترین مناطق جهان، از نظر مواد اولیه مورد نیاز صنعت، درآورده است. به عبارتی، تمامی عناصر جدول مندلیف به طور کلی و بالاخص عناصر و مواد استراتژیک نظیر طلا، آهن، مس، سرب، نقره، روی، منگنز، زغال سنگ، کروم، نیکل، فسفات، تنگستن، کرومیوم و فسفر، سرب و مولیبدن در این منطقه وجود دارد که از نظر ذخایر، اکثراً در بین ده منطقه اول جهان واقع شده‌اند. به عنوان مثال، قزاقستان از نظر تنگستن، کرومیوم و سنگ فسفر دومین، سرب و مولیبدن چهارمین، طلا هفتمین و سنگ آهن هشتمین تولید کننده جهان است. بیش از (۳۰٪) اورانیوم جهان در این منطقه قرار دارد.

از نظر انرژی و مواد سوختنی، منطقه‌ای که از جنوب روسیه آغاز و تا کشور عمان ادامه می‌یابد، در واقع غنی‌ترین منطقه جهان از نظر مواد انرژی و ذخایر مواد سوختی است. حدود (۷۰٪) مجموعه ذخایر شناخته شده نفت و بیش از (۴۰٪) از ذخایر شناخته شده گاز جهان در این منطقه قرار دارند و این در حالی است که هنوز مطالعات مربوط به اکتشافات و بررسی‌های تفصیلی انجام نشده است و انتظار کشف منابع بیشتری می‌رود. بر اساس نتایج بررسی‌های مربوط به یافتن جایگزین برای منابع انرژی فسیلی مشخص گردیده است که طی سی سال آینده، نفت و گاز، نقش اصلی را در تأمین نیازهای انرژی جهان به عهده خواهند داشت و از سوی دیگر چشم‌انداز افزایش تقاضا به این مواد، با توجه به روند رو به گسترش رشد اقتصادی و افزایش جمعیت در جهان، قطعاً این منطقه را در مقام راهبردی‌ترین منطقه جغرافیای سیاسی اقتصادی جهان در چند دهه آینده قرار خواهد داد. از ویژگی‌های عمده این منطقه وجود منابع قابل

ملاحظه آب و خاک قابل کشت برای زراعت، سرزمینهای کوهستانی با مراتع برخوردار از کیفیت مناسب برای دامداری و بالاخره منابع غنی آبزیان دریایی در حوزه خلیج فارس، دریای خزر، رودخانه‌ها و آبگیرهای این مناطق است.

آسیای مرکزی در این منطقه بیشترین منابع را برای توسعه کشاورزی و دامداری دارد. در این منطقه بیش از ۴۰۰ میلیون هکتار اراضی کشاورزی وجود دارد که ۴۴ میلیون، تحت کشت آبی است و نزدیک به ۲۲۰ میلیون هکتار مراتع مرغوب و حدود ۵۰ میلیون هکتار علفزارهای مرتعی در این منطقه وجود دارد. به عنوان مثال در قزاقستان به تنهایی میلیونها هکتار اراضی کشاورزی قابل توسعه وجود دارد.

با نگاهی به برخی از آمارها بر اهمیت اقتصادی آسیای مرکزی بیشتر می‌توان پی برد. بیش از (۹۰٪) حجم محصول پنبه، (۷۵٪) از چرم، (۷۰٪) از ابریشم و سهم عمده‌ای از سبزیها و میوه‌های مورد نیاز شوروی سابق در این مناطق تولید می‌شود. به علاوه سرزمینهای کوهستانی و رودخانه‌های فراوان و سایر منابع آب در کشورهای نظیر قرقیزستان، قابلیت بسیار بالایی برای تولید برق آبی ایجاد کرده است. در کشور ایران نیز تنوع آب و هوا علاوه بر آن که فرصت تولید طیف وسیعی از محصولات کشاورزی را در این منطقه به وجود آورده، امکان تولید محصولات منحصر به فردی نظیر پسته، زعفران و خرما را هم ایجاد کرده که در بازارهای جهانی نقش مهمی به کشور ما بخشیده است.

همان طور که اشاره شد منابع غنی آبزیان دریایی در خلیج فارس و دریای خزر و دریاچه‌ها و آبگیرهای داخلی، امکان برداشت میزان قابل توجهی از منابع غذایی را برای منطقه فراهم کرده است.

۳- میراث طبیعی و فرهنگی منطقه

از نظر طبیعی این منطقه از متنوع‌ترین مناطق جهان می‌باشد که تنوع اقلیمی بسیار زیاد دارد. سرزمینهای کوهستانی در مناطق شمال با یخچالهای دائمی، سواحل و کرانه‌های لاجوردی، صحرای شن و کویرهای نمک، جنگلها و دره‌های گسترده، آب و هوای بسیار متنوعی در منطقه فراهم کرده است که در هر مقطعی از سال به طور توأمان امکان برخورداری از آب و هوای سرد و زمستانی تا آب و هوای گرم و حاره‌ای در منطقه وجود دارد.

به علاوه وجود تمدنهای متعدد و اقوام و قبایل با سابقه تاریخی و فرهنگی متفاوت و برجسته، باعث شده است، در سرتاسر قلمروی این منطقه، یادمانهای فراوانی از دوره‌های مختلف تاریخی قرار گرفته باشد. این مکانها بیانگر و بازگو کننده تمدنها و نحله‌های فکری و معنوی این منطقه‌اند که با توانمندی صنعتگران و هنرمندان، آثار بدیع و نفیسی به میراث فرهنگی جامعه بشری تقدیم کرده‌اند. تنوع اقلیمی و غنای میراث فرهنگی و تاریخی، قابلیت فراوانی برای سیاحت به این سرزمین بخشیده است.

۴- چالشها و گرایشها در منطقه

پایان جنگ سرد موجب تغییرات عمده‌ای در موقعیت جغرافیای سیاسی ژرفای شمالی کشور گردید. استقلال جمهوری‌های جنوبی شوروی سابق منجر به تحولاتی مهم و پرمعنا در آسیای مرکزی و قفقاز شده و منطقه گسترده‌ای را بر روی جهان گشوده است. مناطق قفقاز و آسیای مرکزی در طول تاریخ همواره اهمیت زیاد داشته‌اند و این مناطق، قبل از میلاد مسیح تاکنون مهد تمدنهای مختلف و محل تلاقی تمدنهای شرق و غرب، اسلام و اسلاو بوده است. امروزه این مناطق در مرکز اوراسیا واقع شده‌اند و علاوه بر اتصال منطقه آسیا و اروپا، شمال و جنوب قاره آسیا را به هم وصل می‌کنند.

وجود منابع غنی و موقعیت راهبردی منطقه در جغرافیای سیاسی جهان، زمینه و انگیزه زیادی برای چالش نیروهای بین‌المللی و قدرتهای اقتصادی جهان فراهم کرده است و عده‌ای معتقدند، حد موفقیت در تسلط و مداخله در اوضاع اقتصادی و سیاسی این منطقه، موجب برتری قدرتی بر سایر قدرتها در چالشهای شکل‌گیری نظم جدید جهانی خواهد شد. برخی از تحلیلگران، این منطقه را قلب جهان در قرن بعدی می‌دانند.

تحولات جدید در منطقه نیز مؤید این ادعا است. حضور نظامی آمریکا در افغانستان، بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر به بهانه مبارزه با تروریسم و اشغال کشور عراق توسط این قدرت به بهانه‌های مختلفی که در سایر مناطق جهان با راه‌حلهای متفاوتی با آن برخورد شده است، نشانه‌هایی است که در قالب یک سلسله اقدامهای راهبردی برای حضور مستقیم آمریکا در منطقه و سلطه بر منابع آن طرح‌ریزی شده و به اجرا درآمده است.

کشورهای این منطقه که بعد از فروپاشی، روابط ارگانیک و سازمان یافته خود را در یک مجموعه اقتصادی واحد از دست داده‌اند، امروزه در تأمین نیازهای خود و همچنین برای ارائه‌ی تولیدات خود احتیاج به مکمل‌های اقتصادی جدیدی دارند.

کشورهای منطقه برای بهره‌برداری از منابع و امکانات خود احتیاج به سرمایه و فناوری خارجی دارند و به همین علت برای جلب همکاری اقتصادی - صنعتی با یکدیگر در حال رقابت می‌باشند.

آمریکا با اهداف ژئوپلیتیک و تسلط بر جریان عرضه انرژی جهان، اروپا با هدف گسترش بازار و تأمین انرژی برای بخشهای شرقی خود، چین، اندونزی و شرق آسیا برای تضمین انرژی مورد نیاز و استفاده از فرصتهای بازار، در این منطقه منافع خود را جستجو می‌کنند.

ایران، روسیه و ترکیه سه قدرت منطقه‌ای با شرایطی متفاوت هستند که تحولات اقتصادی و سیاسی قفقاز و آسیای مرکزی، تأثیرات مستقیمی بر منافع آنان دارد.

ثبات اقتصادی و سیاسی و متعاقباً رشد و توسعه جمهوری‌های آسیای مرکزی، تضمین کننده ثبات و توسعه برای سایر کشورهای منطقه از جمله ایران خواهد بود. همکاری‌های منطقه‌ای برای دستیابی به یک محیط امن که منافع کشورهای منطقه را تأمین کند، ضروری است.

روسیه علی‌رغم اقتصاد بیمار و ناتوانی سیاسی، هنوز تحت تأثیر دو آرمان می‌باشد، بازگشت به امپراطوری روسیه و احیای دوباره اتحاد جماهیر شوروی. روسیه رجحان و برتری خود را از دست داده اما هنوز قادر است به دلیل مزیت‌های ژئوپلیتیک و وابسته بودن کشورهای منطقه به این کشور از نظر تاریخی، سیاسی و نظامی اصلی‌ترین نقش را در تأمین و حمایت از ثبات و امنیت منطقه‌ای ایفا نماید. اعمال محدودیتهای آمریکا در مورد ایران بیشترین منافع را برای روسیه به وجود می‌آورد و به طور آشکار و پنهان با ایران به عنوان مسیر بهینه برای انتقال نفت و گاز خزر رقابت می‌کند.

ترکیه پس از فروپاشی شوروی با توجه به علایق فرهنگی با کشورهای تازه استقلال یافته و با استفاده از هراس غرب از گسترش اسلام بنیادگرا، آرمان تحقق «پان‌ترکیسم» را در قفقاز و آسیای مرکزی دنبال کرد اما به لحاظ محدودیت و ناتوانی اقتصادی و مشکلات دیگر، در رشد و تعمیم این ایدئولوژی با ناکامی مواجه شد. ترکیه از مزیت‌های چشم‌گیر در جامعه جهانی برخوردار می‌باشد و نقطه اتصال شرق و غرب می‌باشد و معتقد است مرحله تحول اجتماعی از نظام سنت‌گرا به دموکراسی را پشت

سر گذاشته است. هدف ترکیه در حال حاضر تسهیل فرایند همکاری و جذب اقتصادهای آسیای مرکزی و قفقاز در جامعه جهانی است و می‌کوشد تا به این کشورها در اتخاذ سیاست بازار آزاد کمک کند. به همین منظور در این منطقه بسیار فعال، آژانس همکاری‌های بین‌المللی ترکیه (تیکا) را با هدف فوق در سال ۱۹۹۲ تأسیس کرده است.

در ژرفای جنوبی جغرافیای سیاسی کشور، در منطقه خلیج فارس ۱۱۵ میلیون نفر جمعیت در وسعتی نزدیک به ۸/۴ میلیون کیلومتر مربع زندگی می‌کنند. در این منطقه شیعیان نسبت به اهل تسنن اکثریت دارند [(۶۶٪) در مقابل (۳۴٪)]. این منطقه غنی‌ترین منطقه جهان از نظر ذخایر انرژی فسیلی می‌باشد. حدود (۶۴٪) ذخایر گزارش شده نفت و نزدیک به (۲۸٪) ذخایر گاز طبیعی جهان در این منطقه قرار دارد و نزدیک به (۴۵٪) از صادرات نفت متعلق به این منطقه می‌باشد. نقش برجسته خلیج فارس در تأمین انرژی به آن اهمیتی راهبردی بخشیده و بهانه حضور قدرتهای بیگانه در خلیج فارس شده است. خلیج فارس علاوه بر امکان دسترسی مستقیم برای کشورهای حاشیه، به طور غیر مستقیم امکان دسترسی به آبهای آزاد را برای کشورهای محصور در خشکی شمال ایران فراهم می‌سازد. ویژگی عمده اقتصاد کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، اقتصاد تک محصولی است و به علت شرایط جغرافیایی، امکان محدودی برای توسعه کشاورزی وجود دارد.

کشورهای منطقه سهم مهمی از درآمد خود را صرف تأمین مواد غذایی می‌نمایند و خطر پیشرفت خشکی و بی‌آبی (کویت، قطر، امارات متحده عربی) از یک سو و غرق شدن در آب (رأس الخیمه) از سوی دیگر، سواحل جنوبی را تهدید می‌کند. حاشیه جنوبی خلیج فارس به صورت یکی از پایگاههای عمده جهان سرمایه‌داری، تجهیز شده است. این منطقه به عنوان ایستگاهی در مسیر بازارهای اروپا و آسیای شرقی در زمینه صادرات مجدد و تجارت، فعالیتهای گسترده‌ای دارد و به تدریج به صورت مرکز مالی - تجاری منطقه غرب آسیا درآمده است.

در غرب کشور علاوه بر ترکیه، عراق به عنوان دومین کشور جهان از نظر ذخایر نفت واقع شده است. عراق بعد از ایران برخوردار از بیشترین جمعیت شیعه می‌باشد و از نظر جغرافیایی همسایگی آن با سوریه و لبنان، ژرفای غربی کشور را تا سواحل شرقی مدیترانه امتداد می‌دهد. علی‌رغم مشترکات مذهبی و

فرهنگی و سوابق تاریخی، در وضعیت فعلی سیاسی حاکم بر عراق، چشم‌انداز روشنی برای تفاهم در توسعه همکاری‌های منطقه‌ای وجود ندارد.

در شرق کشور، پاکستان و افغانستان در شرایط ناپایداری به سر می‌برند.

پاکستان در شرایط خاصی از نظر سیاسی به سر می‌برد. به علاوه نیاز این کشور به تأمین انرژی از آسیای مرکزی و چشم‌داشت آن به امکان قرارگیری در مسیر انتقال منابع خزر به بازارهای جهان، به طور بالقوه این کشور را در رقابت با سایر کشورهای منطقه برای انتقال نفت خزر قرار داده است. افغانستان با شرایط جدید حاکم بر آن، در وضعیتی است که نمی‌تواند در آینده نزدیک از موضع فعال در همکاری‌ها و فعالیتهای اقتصادی منطقه وارد شود. بدون تردید در صورت استقرار وضعیت پایدار و با ثبات سیاسی در افغانستان، این کشور می‌تواند همانند ترکمنستان، به عنوان یک کشور مقدم در قلمرو سرزمینهای شرقی محصور در خشکی، نقشی فعال در توسعه مبادلات اقتصادی منطقه ایفا نماید.

مجموع شرایط فوق یعنی ذخایر عمده انرژی در منطقه و منابع غنی آسیای مرکزی و قفقاز، موجب رقابت نیروهای بین‌المللی در منطقه شده است. این رقابت همراه با تشدید تنشهای منطقه‌ای، موجب بروز جنگهای داخلی، ایجاد درگیریهای مرزی، تشدید اختلافات مرزی و ناپایداریهای سیاسی در کشورهای منطقه شده است. در ژرفای شمالی به بهانه خطر رشد بنیادگرایی اسلامی و تهدید منابع نفت خزر، آمریکا و ناتو در صدد گسترش حضور خود در قفقاز و آسیای مرکزی می‌باشند. در ژرفای جنوبی نیز، بهانه کنترل شاهراههای جهانی انرژی، باعث حضور گسترده نظامی بیگانگان در منطقه گردیده است. استفاده از خطر واهی تهدیدات ایران در خلیج فارس، بهانه‌ای برای فروش تجهیزات نظامی به کشورهای جنوبی منطقه شده است. در دهه ۹۰ کشورهای این منطقه درصد عمده‌ای از تولید ناخالص ملی خود را صرف هزینه‌های نظامی کردند. مثلاً، در سال ۱۹۹۳ عربستان سعودی (۱۳/۱٪)، کویت (۱۲/۱٪)، عمان (۱۵/۳٪) و امارات متحده عربی بیش از (۱۰٪) تولید ناخالص خود را صرف هزینه‌های نظامی کردند.

◀ فصل سوم: تحلیل ارکان اساسی ساختار فرهنگی هویت ملی

شناخت اجزای اصلی و ساختار هویت ملی در تدوین نظریه پایه توسعه از دو جهت دارای اهمیت

است:

نخست آن که در فرایند تغییر ساختار قدرت در جهان در واپسین دهه قرن بیستم و در آستانه سومین هزاره میلادی بسیاری از کشورها به طور جدی به بازنگری و شناخت دوباره هویت ملی خود پرداخته‌اند تا در مقابل روند رو به رشد جهانی شدن و یکپارچگی‌های ساختاری بتوانند پایداری فرهنگی و بقای هویتی خود را تضمین کنند.

دیگر آن که به‌کارگیری یک خط‌مشی پایه‌ای توسعه، باید بر اساس وقوف بر واقعیت‌های فکری و توانمندی‌های جامعه صورت گیرد. یعنی نه آنقدر محافظه‌کارانه باشد که نتواند پاسخگوی انتظارات جامعه باشد و نه آنقدر جاه‌طلبانه که در عمل تحقق‌پذیر نباشد.

بالاخره از جنبه دیگری نیز این بررسی اهمیت زیادی دارد، و آن از جنبه ایجاد تناسب بین توانمندی و واقعیت‌های اجتماعی ما با خط‌مشی توسعه‌ای است که متضمن منافع ملی و فراهم آورنده جایگاه مناسب زمانی و مکانی ما در جامعه جهانی باشد.

بحث هویت ملی ناظر بر این است که ما، که هستیم؟ و بحث نظریه پایه می‌گوید که، که باید بشویم! بحث اول به این مطلب می‌پردازد، که «مردم چگونه به دنیای خود شکل می‌دهند؟ و چگونه آنچه را اطراف آنها است حس می‌کنند؟ چه مؤسسات و نهادهایی ایجاد می‌کنند و چگونه به فرهنگ خود با بیان هنری چهره عمومی می‌دهند» و بحث آمایش سرزمین به این مطلب می‌پردازد که چگونه می‌توانیم به تعادل انسان با محیط دست یابیم و هستی خود را توسعه دهیم.

این بحث قطعاً بازشناسی فرهنگ جامعه از منظر توسعه است و اجزای اساسی سهیم در ترکیب فرهنگ جامعه را در تعامل با مقوله توسعه مورد بحث قرار می‌دهد. به قول یکی از فرهنگ پژوهان «ایران از لحاظ کالبدی هیچ کم ندارد.» وسعت خاک، منابع طبیعی، باروری زمین و موقعیت جغرافیایی آن در حد کفایت است. اما باید به فکر آن اهرم‌های نهایی بود که اینها را به کارگیرد. فرهنگ، یکی از زمینه‌ها و بستر اصلی توسعه جامعه است.

«چگونگی روحیه و تفکر فرد فرد ایرانیان، آموزش‌هایی که به جوانان داده می‌شود، نیروی خلاقه‌ای که در زن و مرد ایرانی می‌تواند بیدار شود، بدیهی است اقتصاد، اداره و سیاست هم دنباله رو آن خواهد بود.» اما نو بودن بحث هویت ملی و فرهنگ و توسعه ملی کار را دشوار می‌سازد. از سویی منابع بسیار محدود و محدودی در این زمینه وجود دارد و از سوی دیگر نمی‌توان مفروضات ناظر بر ویژگی‌های

ساختاری هویت ملی را فقط براساس چند مقاله طرح کرد. در تحقیقی دیگر آمده است: «هویت ایرانی به لحاظ قدرت، وسعت و پیچیدگی‌اش، بحری است که در کوزه‌های نگنجد و نزدیک شدن به حقیقت در این حوزه، کاری است شگرف که درگرو همکاری گروه‌های متخصص فراوان، و کار در طول سال‌های متمادی می‌باشد».

قطعاً اگر تعهد روش شناختی (متدولوژیک) برای رعایت اصول تنظیم نظریه پایه توسعه نمی‌بود، دست اندرکاران این مطالعات هرگز جسارت طرح شتاب‌زده این مقوله مهم را نداشتند. غرض از طرح آنچه در صفحات بعد خواهد آمد آن است که نوع مقوله‌هایی که در تنظیم نظریه پایه باید مورد توجه قرار گیرد معرفی شود تا با کمک صاحب‌نظران رهنمودهایی را که می‌تواند خطاهای ما را اصلاح کند، دریافت کنیم.

در این بخش فرازهایی چند درباره ویژگی‌های ساختار فرهنگی و خصوصیات هویت ملی جامعه ایرانی را به عنوان مفروضاتی برای تدوین نظریه پایه توسعه طرح می‌کنیم. با این امید که کسانی که در آینده به این امر خطیر خواهند پرداخت، بتوانند با بهره‌جویی از حاصل تلاش‌های اهل نظر، مفروضاتی واقع بینانه‌تر و صائب‌تر، از ساختار فرهنگی و خصوصیات هویتی جامعه به دست دهند.

۱- مفروضات اساسی در ساختار فرهنگ هویت ملی

با مرور متون و تحلیل‌هایی که در مورد ساختار فرهنگی و هویت ملی وجود داشته و در تدوین نظریه پایه توسعه ملی مورد استفاده قرار گرفته است، مفروضات زیر برای بررسی بیشتر ارائه می‌گردد:

ایرانیان، ملتی هستند که عمیقاً با گذشته تاریخی خود پیوند دارند. فرهنگ گذشته این سرزمین یکی از نمونه‌های منحصر به فرد فرهنگ‌های دیرینه جهان شناخته می‌شود و حافظه تاریخی ایرانی هرگز این گذشته با اقتدار را از یاد نبرده است. حدود یک هزار سال (از ابتدای هخامنشیان تا سقوط ساسانیان) قدرت مطلقه داشتن برای ایرانی فراموش نشدنی است. این پیش زمینه به یک ساختار روانی بسیار کهن در ناخود آگاه همگانی جامعه تبدیل شده است.

«ایرانیان بر اساس خصلت خداجویی و تکامل‌طلبی و به‌پسندی، تعالیم اسلام را والاتر و مردمی‌تر یافتند.» این جریان هستی‌شناسی تازه با خوی و پسند ایرانیان چنان سازگار بود که شرکت همه جانبه آنها را در پی‌ریزی تشکیلات و استحکام پایه‌های سیاسی خلافت و دولت اسلامی موجب شد. ایرانیان از آغاز حساب مکتب فائق اسلام را از حساب قوم فاتح جدا کردند و باتوجه به خصلت حق‌طلبی خود به مذهب تشیع گرایش یافتند. افزایش فشارهای اجتماعی سلسله عباسیان و گسترش زمینه‌های تبعیض بین ایرانی و عرب بر شدت و سرعت این گرایش افزود. ایرانیان به تدریج از بافت سیاسی حکومت آن دوره فاصله گرفتند. مذهب تشیع هویت ایرانیان را در قبال چالش‌های خلافت عربی، تهاجم مغولان و سلطه‌جویی حکومت عثمانی، حفظ و سرانجام استقلال و پایداری فرهنگی ایران را احیا و تضمین نمود.

ایرانیان با انتخاب آزاد و داوطلبانه اسلام علاوه بر نقشی که در عرصه مفاخر اسلامی ایفا کردند، دستاوردهای فرهنگی نیاکان خود را هم در چارچوب ارزشها و اصول اسلام حفظ کردند و به این گونه بود که شکل‌گیری ساختار هویت ملی ایران تحت تأثیر دو منشأ قرار گرفت، ایرانی و درعین حال اسلامی. آشنایی ایران با تمدن غرب و اطلاع از دستاوردهای آنان زمینه اثرگذاری جدیدی در ساختار فرهنگی و فکری ایرانیان را فراهم آورد.

ایرانیان که در قرنهای نخستین آشنایی با اسلام، تعامل و جذب فرهنگ و دانش یونانی با تمدن اسلامی را فرخنده یافتند - که خود ناشی از آگاهی و باورهای بومی آنان بود - در رویارویی با تمدن غربی از یک‌سو به دلیل تسلط حکومت‌های خود کامه، حفظ سنت‌های گذشته و تداوم وضع موجود و از سوی دیگر عدم نقش و تأثیر مردم در اداره امور و سازماندهی نهادهای اجتماعی و نداشتن احاطه لازم بر جهان پیرامون، نتوانستند باهمان شیوه و کارایی قبلی عمل کنند. به هر حال این منشأ سوم گرچه نه به ریشه‌داری، و نه به گستردگی دو منشأ اصلی بود، اما باعث شد تا هویت ملی ایرانیان تحت تأثیر سه منشأ ایرانی، اسلامی و تجدد قرار گیرد.

اعتماد به نفس و عزم راسخ برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و پایداری فرهنگی از ارکان اصلی و نهادینه در ساختار فرهنگی ایرانیان است.

شکل‌گیری تدریجی دولت پارتها و گرفتن قدرت از دست سرداران اسکندر، تلاش برای تشکیل دولتهای ایرانی در دوران حکومت خلفا، استحاله فرهنگ قوم غالب توسط ایرانیان در تجربه حکومت مغولها در ایران، مقابله با امپراطوری عثمانی، ایستادگی در مقابل توطئه‌های استعمار و سرانجام پایداری و بیرون راندن دشمنان و عوامل استکبار در طول سالهای دفاع مقدس در نا برابرترین شرایط، شواهدی هرچند اندک بر این مدعاست. به گواه تاریخ، همبستگی اجتماعی و وحدت ملی ایرانیان در سخت‌ترین شرایط به رغم ورشکستگی مالی، بی‌لیاقتی نظامی، فساد و ناتوانی حکومتها و سلطه‌جویی مداوم بیگانگان همواره حفظ شده و حتی در دشوارترین مقاطع، درایت و توانایی ایرانیان مانع از مستعمره شدن ایران از سوی قدرتهای استعماری و یا تسخیر آن از سوی قدرتهای استکباری شده است. منشأهای سه گانه تأثیرگذاری بر ساختار فکری و رفتاری، و مهم‌تر از آن فراز و فرودهای تاریخی موجب شده است تا از فرهنگی متمایز، چند وجهی و ریشه‌دار برخوردار باشیم. به عبارت دیگر، «ایرانیان پرورده یک فرهنگ تلفیقی هستند.»

این مسئله باعث شده است تا در یک چالش دائمی بین دیدگاههای گهگاه متضاد نسبت به انتخاب جایگاه و سامانی که در آینده باید درپیش گیریم، به سر بریم. یعنی نوسان و حرکتی آونگی بین باورهایی نظیر «حفظ وضع موجود یا ترقی خواهی»، «سنت‌گرایی یا تجدد طلبی» و «انزواطلبی یا برون‌گرایی» از چالشهای دائمی ایرانیان بوده است.

یکی از عوامل اجتماعی توفیق نیافتن جامعه ایرانی در دستیابی به جایگاهی متناسب با توانمندی‌ها و شایستگی‌ها را باید در غفلت از سازماندهی ساختار سیاسی براساس نظمی ارگانیک و مردمی دانست. بسیاری از نهضتهای ترقی خواهانه پس از کسب قدرت به دلیل ارائه نکردن سازوکارهای قاطع جهت تعدیل قدرت از طریق مشارکت منطقی و کارای مردم، از رسیدن به اهداف خود باز مانده‌اند. چنین غفلتی می‌تواند زمینه‌ساز ناامیدی شود اما توجه کافی می‌تواند به بهره‌برداری بهتر از ظرفیت و توانایی جامعه و استفاده منطقی از قابلیتها و موقعیتها و پایداری در مقابل تهدیدات و مطامع گردد.

از دیگر عوامل اصلی تهدید کننده موفقیت آرمانهای ترقی خواهانه، غفلت از پی‌ریزی تشکیلات اقتصادی پویا و متکی بر نکته سنجیها و خلاقیت و مهارت همه مردم برای رقابت با قدرتهای اقتصادی در عرصه جهانی است. انتخاب یک مشی اقتصادی مناسب و بسط فناوری و مهارت لازم آن

وسازماندهی نظام اجرایی و عملیاتی مورد نیاز آن، بی‌تردید موجب حضوری مقتدرانه و توسعه‌ای پایدار در جهان کنونی خواهد شد. تاکنون هویت ایرانی مبین شکل‌گیری نوع منحصر به فردی از ناسیونالیزم است که به ناسیونالیزم ایرانی تعبیر می‌گردد. این گرایش با آرمانگرایی و حق‌طلبی خود، رو به سوی جامعه مدنی نوینی دارد که در آن پویایی و پایایی فرهنگ اصیل ایرانی - اسلامی مشهود است.

اگر عناصر زنده فرهنگ ایرانی در زندگی کنونی به کارگرفته نشود. باتوجه به توان نیرومندی که فرهنگ غرب دارد و فشار نوگرایی و مدرنیسم، ما ناگزیر خود را بی‌پناه و سردرگم خواهیم یافت. اما اگر خود را باز یابیم دلیلی وجود ندارد که جایی شایسته در میان دیگر کشورها برای خود دست و پا نکنیم.

سرزمین ایران محل اسکان اقوام مختلف و با فرهنگهای متفاوت می‌باشد. این اقوام ضمن حفظ اجزای اصلی هویت مستقل خود، هویت ملی یگانه‌ای را شکل داده‌اند و پهنه این سرزمین را وحدت و یکپارچگی بخشیده‌اند. همگرایی و سازگاری اقوام ساکن در این سرزمین با هم، مزیت و ویژگی اساسی جامعه ایران در این منطقه تلقی شده است. در فرایند توسعه درازمدت، چگونگی بهره‌برداری بهینه از تمامی منابع سرزمین، پیوستگی‌های متقابل بین مناطق و جوامع ساکن در آنها را شدت خواهد بخشید. حفظ و تقویت ساختارهای فرهنگی هر منطقه از یکسو و تلاش در بسط و گسترش فرهنگ ملی در پهنه سرزمین به طور هم‌زمان، در مجموع به تقویت ساختار فرهنگی هویت می‌انجامد و زمینه مطمئنی برای پایداری فرهنگی و هویتی در فرایند جهانی شدن به وجود خواهد آورد.

◀ ۲- جمع‌بندی ویژگی‌های ساختار هویت ملی

انقلاب اسلامی موجب بیداری روحیه خود باوری و خود اتکایی در جامعه ایران شد. این بیداری، تمایل به بازگشت به اصالت‌های فرهنگ ملی را هم با خود همراه دارد.

به عبارت دیگر، شرایطی مغتنم فراهم شده است تا جریانهای زلال دو سرچشمه اصلی از سه منشأ مؤثر در ساختار هویت ملی از نو در رگهای فرهنگی جامعه جاری شود.

امروزه این امکان برای ما فراهم شده است تا با به‌کارگیری مبانی ارزشی اسلام و ویژگی‌های مثبت هویت ملی و خصوصیات سازنده موجود در ساختار فرهنگی جامعه، چارچوبی مستحکم و متین برای شکل‌گیری هویت نسل‌های آینده بر پا کنیم.

درک منطقی تحولات جهانی، ما را به خروج از انزوا و حضوری متناسب در جامعه جهانی رهنمون کرده است و جهانیان دعوت ما را برای گفتگوی فرهنگها و تمدنها پذیرفته‌اند.

هم اکنون در مقابل خود و به دنبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق، دروازه‌های کشورهای که با ما اشتراکات فرهنگی و تاریخی عمیق دارند را گشوده می‌بینیم و موقعیت جغرافیایی ما زمینه بازگشت به این سرزمینها را فراهم ساخته است. لیکن باید توجه داشت، به رغم آن که پس از پذیرش اسلام، ایرانیان با تبدیل سیادت سیاسی به سیادت فرهنگی، حضوری تأثیرگذار و متناسب با قابلیت‌های بالقوه فرهنگی و انسانی از خود بروز دادند، شرط قرابت فرهنگی و هویتی به تنهایی برای ورود به این قلمروها، کافی نیست، بلکه لازم است با سیادت علمی، فناوری و همین طور سیاست و درایتی هوشمندانه در برابر جهان در آستانه قرن بیست و یکم، همبستگی و مشارکت این کشورها را با خود برانگیزیم و در این فرصت تاریخی برای بازیابی و بازسازی هویت ملی گام برداریم، به نحوی که بار دیگر قوم ایرانی را نه فقط حاکم بر سرنوشت خود، بلکه جهت دهنده سیر تاریخ در بستر تأمین منافع ملی و منطقه‌ای خود مطرح سازد.

تردیدی نیست که کسب اقتدار اقتصادی و توانایی علمی بدون توجه به ضرورت سازماندهی براساس تعدیل قدرت و مشارکت ارگانیک و سازمان یافته مردم در یک ساختار مدنی ممکن نمی‌باشد.

«ایران از لحاظ کالبدی هیچ چیز کم ندارد، وسعت خاک، منابع طبیعی، باروری زمین، جمعیت جوان، موقعیت جغرافیایی همه در حد کفایت است اما باید به فکر آن اهرم نهایی که اینها را به کار گیرد بود».

این اهرم تعیین کننده را باید از خود آگاهی تاریخی و ویژگی‌های مثبت و بالنده فرهنگی و بهره‌مند از منشأ سوم تأثیرگذار بر هویت ملی یعنی تجدد (مدرنیسم) وام گرفت.

در خور اعتناترین دستاوردهای تجدد یعنی توجه به اهمیت علم، گرامیداشت تحقیق، تسلط بر فناوری از یک سو و پذیرش انضباط و انسجام و روحیه مشارکت جمعی و نظم پذیری و سخت کوشی فردی از سوی دیگر، همه، همان خصلتهایی است که در تعبیر و درک امروز ما از ویژگی‌های اصلی جوامع توسعه یافته، تأثیر قطعی خواهد داشت.

دستیابی به تمامی این مفروضات، اگر درست باشد، بدون عزم و اراده قاطع ملی حاصل نخواهد شد و باید مورد پذیرش فرهنگ عمومی قرار گیرد.

یعنی فرهنگ نه تنها به عنوان یک وسیله دفاعی، بلکه ابزار اصلی رسیدن به جایگاهی است که گذشته تاریخی و قابلیت‌های کنونی ما شایسته آن است.

◀ فصل چهارم: ویژگیها، امکانات، قابلیت‌ها، مزیتها و تنگناهای توسعه

ایران خاستگاه یکی از قدیمی‌ترین تمدنهای بشری، سرزمینی با موقعیت جغرافیایی ممتاز و برخوردار از ذخایر طبیعی ارزشمند است.

◀ ۱- اصلی‌ترین ویژگی‌های سرزمین ایران

- تمدن پرسابقه و فرهنگ غنی

سابقه سکونت بشر در این سرزمین به حدود دوازده هزار سال پیش می‌رسد و عمر تمدن در آن بیش از هفت هزار سال می‌باشد و نزدیک به سه هزار سال نیز از سابقه مدیریت سازمانی و نظام اداری برخوردار بوده است.

فرهنگ و تمدن این سرزمین سهم چشمگیری در گشودن افق‌های بلند در میراث علمی و فکری بشر داشته است.

- موقعیت جغرافیایی ایران

در مرز دو قاره آسیا و اروپا قرار گرفته و از زمانهای بسیار دور پل ارتباط شرق و غرب بوده و در منطقه‌ای واقع شده است که به طور نسبی محل اتصال سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا می‌باشد. تعدد همسایگان یکی از ویژگی‌های این سرزمین است. گستره وسیعی که در گذشته سرزمین ایران به شمار می‌آمد، در حال حاضر بین ۱۵ کشور تقسیم شده است. همسایگی و نزدیکی با کشورهای محصور در خشکی از دیگر ویژگی‌های موقعیت جغرافیایی ایران است. تعداد قابل ملاحظه‌ای از کشورهای منطقه - اعم از هم مرز و یا در نزدیکی مرزها - کشورهای محصور در خشکی هستند که برای برقراری ارتباطات بین‌المللی و بین قاره‌ای ناگزیر به عبور از خاک ایران و یا استفاده از مرزهای آبی آن می‌باشند.

- وضعیت جغرافیایی

تنوع اقلیمی، مهم‌ترین ویژگی از لحاظ وضعیت جغرافیایی است. وضعیت توپوگرافی و تفاوت عرض جغرافیایی باعث شده است تا این سرزمین وسیع، از اقلیم‌های متفاوت، بآب و هوای بسیار متنوعی برخوردار باشد. از نظر دمای هوا شاید از معدود کشورهایی است که مناطق جغرافیایی نزدیک به سردترین و گرمترین نقاط ثبت شده در جهان را درون مرزهای خود دارد. در برخی از فصل‌های سال، اختلاف دمای نقاط مختلف این سرزمین به بیش از ۴۰ درجه سانتی‌گراد می‌رسد. از نظر آب و هوا کلاً جزو مناطق خشک و نیمه خشک جهان است. میزان بارندگی سالانه در کشور حدود ۲۴۰ میلی‌متر است که در مقایسه با میزان متوسط بارندگی در جهان (۸۶۰ میلی‌متر) کشوری کم آب تلقی می‌شود.

بین مناطق شمال و غرب در مقابل جنوب، مرکز و شرق کشور از نظر آب و هوا تفاوت مشخصی وجود دارد. دو سلسله جبال البرز در شمال و زاگرس در غرب مانعی در راه رسیدن ابرهای باران‌زا به دشتهای مناطق مرکزی، جنوبی و شرقی کشور ایجاد می‌کنند. از نظر نظام‌های زیست محیطی و گونه‌های متنوع گیاهی و جانوری، کوه‌های مرتفع با برف دائم، اراضی پست نیمه گرمسیری، جنگلهای مرطوب شمال و بیابانها و صحرای خشک در ناحیه مرکزی و جنوبی باعث پیدایش طیف وسیعی از اکو سیستم‌های گوناگون شده‌اند. در کشور ایران حدود هزاران گونه گیاه شناسایی شده که نزدیک به (۲۰٪) آنها بومی این سرزمین می‌باشند. تنوع گونه‌های جانوری نیز حکایت از زیست انواع بسیاری موجودات در این سرزمین می‌کند که معادل تنوع کل گونه‌ها در قاره اروپاست.

- موقعیت طبیعی

مهم‌ترین ویژگی ایران از نظر منابع طبیعی استقرار آن بین دو حوزه اصلی تأمین انرژی جهان یعنی خلیج فارس و دریای خزر است. ایران از نظر ذخایر نفتی ششمین و از نظر ذخایر گاز دومین کشور جهان محسوب می‌شود. طیف بسیار متنوعی از ذخایر معدنی در سرتاسر سرزمین ایران گسترده است و از این نظر یکی از غنی‌ترین سرزمین‌های جهان از لحاظ منابع طبیعی به شمار می‌آید. تقریباً ۵۲ عنصر عمده معدنی در این سرزمین وجود دارد و به ویژه از نظر عناصر استراتژیک، از ذخایر قابل ملاحظه در سطح جهان برخوردار است.

- الگوی سکونت

مهم‌ترین خصوصیت سرزمین ایران، از لحاظ وضعیت اسکان جمعیت، دوگانگی در نواحی شمال غربی و جنوب شرقی ایران است. این کشور، دارای شصت و پنج میلیون نفر جمعیت است، که نزدیک به (۹۰٪) آن، در دامنه‌های دو سلسله جبال البرز و زاگرس، در منطقه‌ای حدود (۴۵٪) سرزمین، ساکن هستند و (۱۰٪) بقیه در (۵۵٪) از نواحی خشک مرکزی، جنوبی و شرقی به سر می‌برند. - نزدیک به (۶۲٪) از جمعیت، ساکن شهرها و بقیه عمدتاً در مناطق روستایی ساکن هستند. بخش کمی از جمعیت نیز به صورت جامعه عشایری زندگی می‌کنند. از (۶۲٪) جمعیت شهرنشین حدود (۴۰٪) در ۹ شهر بزرگ، (۴۰٪) در شهرهای متوسط و (۲۰٪) در حدود ۶۰۰ شهر کوچک کمتر از ۵۰ هزار تن سکونت دارند. (۳۸٪) جمعیت در ۶۵ هزار نقطه روستایی ساکن هستند. (۱۷٪) کل جمعیت شهرنشین کشور در شهر تهران ساکن هستند. در خراسان، شهر مشهد به تنهایی دارای جمعیتی معادل جمعیت سایر نقاط شهری استان است. توزیع شهرهای متوسط و بزرگ در قالب توزیع جغرافیایی جمعیت در کشور نسبتاً متعادل است و تقریباً در سراسر قلمروهای تحت سکونت جمعیت، به ویژه در شهرهای متوسط و بزرگ، امکانات خدماتی و زیستی مناسب و متعادلی وجود دارد.

- جمعیت و منابع انسانی:

مهم‌ترین ویژگی سرزمین از نظر ساخت جمعیتی، جوان بودن آن است. بیش از (۷۵٪) کل جمعیت کشور در سن فعالیت یعنی ۱۰ سال به بالا هستند. و حدود (۵۰٪) آن کمتر از ۲۰ سال سن دارند. علاقه به کسب دانشهای نوین، میزان بالای هوشمندی و آموزش پذیری در میان اقوام گوناگون سرزمین باعث شده است که بخش قابل توجهی از جمعیت کشور، دارای تخصص و مهارت باشند. جمعیت سرزمین متشکل از اقوام فارس، لر، ترک و بلوچ، کرد، عرب و ... می‌باشد. مهم‌ترین ویژگی فرهنگی سرزمین، همگونی اقوام متنوع جمعیتی آن است که می‌تواند منشأ اصلی تداوم وحدت ملی و یکپارچگی سرزمین تلقی شود.

۲- امکانات و ظرفیتهای توسعه در سرزمین ایران

امکانات سرزمین در امر توسعه را به شرح زیر می‌توان برشمرد:

- آب

میزان بارش سالانه حدود ۴۰۰ میلیارد متر مکعب برآورد شده است که نزدیک به ۲۸۰ میلیارد متر مکعب یعنی (۷۰٪) آن به صورت تبخیر و تعرق از دسترس خارج می‌شود. از ۱۳۰ میلیارد متر مکعب آب قابل مهار و بهره‌برداری حدود ۵/۸۷ میلیارد مترمکعب جریانهای سطحی و ۳۵ میلیارد متر مکعب آبهای زیرزمینی است. میزان بهره‌برداری از آبهای سطحی ۴۶ میلیارد متر مکعب، از منابع زیرزمینی حدود ۴۷ میلیارد متر مکعب، و کل میزان آب مورد بهره‌برداری ۹۳ میلیارد متر مکعب برآورد شده است. نزدیک به (۲۵٪) از امکانات موجود آبی از طریق سدها مهار و کنترل می‌شوند.

- خاک

بر اساس ارزیابی‌های به عمل آمده از نظر کشاورزی حدود ۵۰ میلیون هکتار اراضی خوب و متوسط در کشور وجود دارد که کمی بیش از ۱۸ میلیون هکتار آن مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. از این مقدار در حال حاضر حدود ۵/۸ میلیون هکتار به صورت زراعت آبی و بیش از ۶/۵ میلیون هکتار به صورت دیم و ۹/۱ میلیون هکتار زیر پوشش محصولات دائمی قرار دارند.

- مراتع

مجموع ۷۷ میلیون هکتار مراتع کشور شامل: حدود ۶ میلیون هکتار مراتع خوب، ۱۷ میلیون هکتار مراتع متوسط و ۵۴ میلیون هکتار مراتع ضعیف می‌باشد.

- جنگل

سطح جنگلهای کشور، حدود ۱۲/۵ میلیون هکتار برآورد می‌شود. حدود (۱۵٪)، یعنی نزدیک به ۲ میلیون هکتار، متعلق به جنگلهای شمال است، که جزء جنگلهای تجاری قلمداد می‌شود. (۸۵٪) اراضی جنگلها در اطراف و دامنه‌های زاگرس و یا جنگلهای گرمسیری مناطق جنوبی کشور قرار دارد.

- نفت

میادین نفتی کشف شده در مناطق خشکی حدود ۶۵ میدان (در سال ۱۳۷۵) با ذخیره نهایی بیش از ۱۰۰ میلیارد بشکه است که ذخیره قابل استحصال از آنها برابر ۶۲ میلیارد بشکه برآورد شده است. اگر به این میزان، ذخایر دریایی کشور (به استثنای حوزه دریای خزر) را بیفزاییم ذخایر کشور به ۷۷ میلیارد بشکه خواهد رسید. ایران از نظر ذخایر نفت در جهان در رتبه ششم قرار گرفته است.

- گاز

میادین مستقل گازی کشور با ذخایری حدود ۲۰ تریلیون متر مکعب، ایران را در رتبه دوم جهانی از نظر ذخایر گاز قرار داده است طوری که (۱۵٪) کل ذخایر گاز جهان را دارا می‌باشد.

- صنعت و معدن

ایران یکی از غنی‌ترین کشورها از نظر ذخایر معدنی است: ذخایر سنگ آهن کشور حدود ۱/۴ میلیارد تن و ذخایر قطعی فلزات غیرآهنی بالغ بر ۲ میلیارد تن برآورد شده‌اند. ذخایر قطعی کشور در فلزات کمیاب حدود ۳۵ میلیون تن برآورد شده است. در مورد کانیه‌های غیر فلزی صنعتی نیز متجاوز از ۳ میلیارد تن ذخایر معدنی قطعی شناسایی شده است. کشور از نظر مس (رتبه دوم جهانی)، سنگ آهن، سرب و روی، طلا، منیزیت، بوکسیت و همچنین انواع سنگهای تزئینی و خاکهای صنعتی از امکانات قابل ملاحظه‌ای برخوردار است.

ذخایر معدنی بسیار متنوع و غنی، بازار گسترده داخلی و بازارهای رو به رشد کشورهای همسایه از یک سو و جوان بودن و فراوان بودن جمعیت نیروی کار از سوی دیگر قابلیت‌های بالایی برای توسعه فعالیت‌های صنعتی در کشور ایجاد کرده است.

در کشور نزدیک به ۳۰۰ واحد صنعتی بزرگ با بیش از ۵۰۰ نفر کارکن، حدود ۱۰۰۰ واحد صنعتی متوسط یعنی بین ۱۰۰ تا ۵۰۰ نفر کارکن و چندین هزار واحدهای کوچک، ظرفیتهای و امکانات صنعتی کشور را تشکیل می‌دهند.

- راه

شبکه جاده‌ای کشور متشکل از بیش از ۷۰۰ کیلومتر آزاد راه، بیش از ۶۰۰۰ کیلومتر راه آهن و نزدیک به ۲۵۰۰۰ کیلومتر راه اصلی و حدود ۴۰۰۰۰ هزار کیلومتر راه فرعی می‌باشد.

- بنادر

مجموع ظرفیت بنادر در ۷ استان ساحلی شمال و جنوب کشور بیش از ۳۵ میلیون تن است که عمدتاً شامل بنادر جنوبی کشور می‌باشد.

- برق

در حال حاضر ظرفیت نصب شده نیروگاهی کشور ۲۱۷۵۰ مگاوات است. حدود ۲۰۰۰ مگاوات نیروگاه آبی، ۱۱۶۰۰ مگاوات نیروگاه بخاری و بیش از ۸۰۰۰ مگاوات مربوط به نیروگاه‌های گازی و سیکل ترکیبی است.

۳- قابلیت‌های عمده توسعه در سرزمین ایران

بر اساس امکانات برشمرده، استعدادها و قابلیت‌های اساسی توسعه کشور در سطح کلان، به شرح زیر است:

- در زمینه فعالیت‌های کشاورزی، طبق برآوردهای اولیه، افزایش حدود ۲ میلیون هکتار اراضی جدید آبی، امکان‌پذیر به نظر می‌رسد. فرض می‌شود که با استفاده از ۲۷ میلیون متر مکعب از منابع سطحی، و ۱۳ میلیون متر مکعب صرفه‌جویی حاصل از انتقال و افزایش بازدهی آبیاری، [(تا حدود ۵۰٪)] جمعاً ۴۰ میلیون متر مکعب آب قابل استفاده در اختیار بخش قرار می‌گیرد. که حداقل ۲ میلیون هکتار به اراضی جدید آبی می‌توان اضافه کرد و اراضی نیمه آبی فعلی را نیز کاملاً آبیاری نمود.

- تنوع اقلیمی امکان تولید انواع بسیار متنوعی از محصولات مناطق گرمسیر و سردسیر را برای کشور فراهم آورده است. برخی از اقلام نظیر پسته، زعفران و خرما و خاویار ایران در سطح جهانی از قابلیت‌های بالا و ممتازی برخوردار می‌باشند. مراتع کشور در صورت رعایت اصول و روش‌های علمی، قابلیت تولید علوفه مرتعی را تا حدود ۳۵ میلیون تن دارند.

جنگل‌های شمال کشور از قابلیت برداشت سالانه ۸/۵ میلیون مترمکعب چوب برخوردار می‌باشند. هنوز از تمامی قابلیت‌های کشور در شیلات و آبزیان استفاده نشده است.

- در زمینه علوم و تحقیقات: میزان قابل ملاحظه جمعیت تحصیلکرده نسبت به کشورهای منطقه، برای ایران قابلیت گسترش فعالیت‌های تحقیقاتی و تولید اطلاعات را فراهم ساخته که می‌تواند نقش

فعالی در رفع نیازهای داخلی و کشورهای منطقه ایفا نماید و از قابلیت تبدیل شدن به یک مرکز تحقیقات و نوآوری در سطح منطقه به خوبی برخوردار است.

- در زمینه جهانگردی: پیشینه تاریخی غنی، میراث فرهنگی گرانبها، منابع با ارزش اکو توریسم و جلوه‌های ویژه فرهنگی و زیارتی، قابلیت درخور توجهی برای توسعه جهانگردی و بازارهای پیرامونی و راه دور بین‌المللی ایجاد کرده است. سازمان جهانی یونسکو سرزمین ایران را در رده ده کشور نخست از لحاظ منابع جهانگردی معرفی کرده است.

◀ ۴- مزیت‌های نسبی کشور

قبل از شرح مزیت‌های نسبی کشور باید تعریف کرد که هر مزیت، نسبت به چه قلمرو جغرافیایی، امتیاز خاص به شمار می‌رود. به عنوان مثال از نظر منابع آب در مقایسه با خاورمیانه، کشور از یک مزیت نسبی در غرب کشور برخوردار است اما در مقایسه با جهان، کشور دارای محدودیت منابع آب است، زیرا متوسط بارندگی کشور سالانه حدود ۲۴۰ میلی‌متر است در حالی که متوسط بارندگی کره زمین سالانه ۸۶۰ میلی‌متر می‌باشد.

همچنین از نظر انرژی، ایران در مقایسه با بسیاری از کشورهای خاورمیانه از مزیت خاصی برخوردار نیست، لیکن در مقیاس جهانی، ایران به علت وقوع بین دو منبع عمده انرژی جهان از یک موقعیت ممتاز و مزیت بالا برخوردار است. باتوجه به این نکات، مهم‌ترین مزیت‌های نسبی کشور به شرح زیر است:

- پیشینه تاریخی و تمدن پرسابقه: سابقه تاریخی و تمدن دیر پا برای جامعه از یک سو موجب مزیت نیروی انسانی برخوردار از هویتی پایدار، فرهنگ پذیر و تمدن ساز شده است و از سوی دیگر در وجه سرزمینی، این پیشینه تاریخی باعث برخورداری کشور از یادمان‌های متعدد و ارزشمند، حاوی میراث فرهنگی و تاریخی کشور است، که بالقوه می‌تواند عامل مؤثری برای جلب جهانگردان و محققین تلقی شود.

- وحدت جوامع، یکپارچگی سرزمین و شوق پیشرفت ملی: از دیگر ثمرات پیشینه تاریخی و اشتراک‌های فرهنگی جوامع ساکن در سرزمین، گرایش به وحدت ملی و پذیرش اصول و مبانی ناظر بر پایداری و سرفرازی کشور است. چنین گرایشی باعث ایجاد زمینه‌های امنیت و آرامش درون مرزها

همراه با شوق پیشرفت و ترقی در نزد جوامع ساکن در سرزمین شده است. این زمینه‌ها در شرایط امروز، برای ایفای یک نقش فعال در اقتصاد بین‌الملل، امتیاز درخور توجهی نسبت به سایر کشورهای منطقه تلقی می‌شود.

- تنوع اقلیمی و گستردگی سرزمین: گستره وسیع سرزمین و تنوع جغرافیایی اقلیم‌های مختلف آن به‌حدی است که در کشور نقاطی را می‌توان یافت که دمای آنها تفاوت کمی با سردترین و گرم‌ترین نقاط ثبت شده در جهان دارد. این تنوع اقلیمی از یک سو، باعث تولید محصولات متنوع کشاورزی شده، از سوی دیگر، باعث معرفی سرزمین به عنوان کشوری چهار فصل شده است. این مزیت نسبی، تأثیر بسیاری در جذب جهانگردان با سلیقه‌های مختلف خواهد داشت.

- موقعیت ممتاز ترانزیتی در سطح منطقه: موقعیت جغرافیایی کشور در حد فاصل دو قاره آسیا و اروپا امکان ایفای نقشی تسهیل‌کننده و تنظیم‌کننده را در روابط تجاری - اقتصادی بین دو قاره و در شبکه تجارت و تولید جهانی فراهم می‌سازد. به علاوه وجود کشورهای محصور در خشکی در منطقه و امکان دسترسی آنها به آبهای بین‌المللی از طریق ایران و همین‌طور شرایط برتر کشور برای انتقال ذخایر دریای خزر به بازارهای جهان برای کشور یک مزیت بالا و با ارزش راهبردی ایجاد کرده است. در این خصوص کشور با برخورداری از حدود ۲۰۰۰ کیلومتر مرز دریایی با آبهای آزاد جهان، امکان گسترده‌ای را برای تجهیز نقاط متعددی از بنادر و مراکز حمل و نقل کالا با توان پوشش یک منطقه وسیع، ایجاد می‌نماید.

- منابع و ذخایر انرژی: ذخایر شناخته شده کشور حدود ۷۷ میلیارد بشکه نفت خام و حدود ۲۰ تریلیون متر مکعب گاز می‌باشد. با توجه به پیشرفتهای زمین‌شناسی و فناوری‌های نوین اکتشاف و همچنین ناشناخته بودن ذخایر بخشهایی از سرزمین، انتظار می‌رود ذخایر انرژی در کشور حتی بیش از ارقام فوق باشد. چنین ذخایری موجد اهمیتی استراتژیک برای کشور شده است.

- ذخایر معدنی: کشور برخوردار از طیف وسیعی از کانسارهای مختلف با ذخایر قابل توجه است. در بین این معادن ذخایر مس در سطح جهانی برای کشور یک مزیت نسبی به شمار می‌رود. در برخی از کانی‌های غیر فلزی نظیر سنگهای ساختمانی و کائولن نیز در مقیاس منطقه‌ای معادن کشور از امتیاز نسبی در مقایسه با کشورهای منطقه برخوردار است.

- محصولات کشاورزی: ویژگی‌های اقلیمی کشور، امکان تولید طیف وسیعی از محصولات باغی و زراعی را فراهم ساخته است. محصولاتی نظیر پسته، زعفران، خرما و خاویار ایران در سطح جهان از مزیت خاصی برخوردارند. همین طور مرکبات و سایر تولیدات باغی کشور نیز قابل عرضه به بازارهای جهانی می‌باشند.

- منابع انسانی تحصیل کرده و آموزش دیده: با توجه به نرخ رشد و جوانی جمعیت، نیروی انسانی کشور برای شرکت در اقتصاد جهانی یک مزیت نسبی به شمار می‌رود. همچنین تعداد افراد تحصیل کرده و سطح مهارت متخصصین و کارگران فنی در مقایسه با کشورهای منطقه نیز از دیگر مزایای منابع انسانی کشور محسوب می‌شود.

۵- تنگناها و محدودیتهای توسعه کشور

عمده‌ترین روندهای نگران کننده و محدودیتهای اصلی توسعه کشور به شرح زیر است:

- خشکی سرزمین و محدودیت منابع آب: میزان نزولات جوی در کشور از متوسط جهانی کمتر است. به علاوه نه تنها آبهای سطح الارضی به خوبی مهار نمی‌شوند، بلکه روشهای نامطلوب آبیاری نیز باعث شده تا آب به عنوان یک محدودیت بزرگ در توسعه کشور مطرح شود. تراز منابع آب در بسیاری از حوزه‌ها منفی است و سفره‌های زیرزمینی در حال تنزل مداوم هستند. این روند، تنگناهای عمده‌ای در مسیر توسعه نواحی مرکزی، شرقی و جنوبی کشور به وجود آورده است.

- فرسایش خاک و زیست‌بومهای رو به تخریب: میزان فرسایش خاک در کشور بالاتر از معیارهای جهانی است و اراضی به شدت بیابانی می‌شوند. گسترش اراضی بیابانی، کویری و خاکهای شور و قلیایی، به طور طبیعی محدودیتهای عمده‌ای در قابلیت‌های منابع آب، خاک و پوشش گیاهی برای توسعه به وجود آورده است. طی سی سال گذشته بیش از یک میلیون هکتار از جنگلهای خزری از میان رفته است.

مجموعه شرایط فوق به اضافه وابستگی اقتصاد کشور به نفت نه تنها باعث شده تا بسیاری از منابع و امکانات سرزمین در حاشیه قرارگیرند، بلکه انگیزه‌های تلاش برای تنوع‌بخشی به اقتصاد کشور را هم

محدود کرده، تا حدی که به رغم برخورداری از قابلیت‌ها و ثروتهای عظیم، در این سرزمین تاکنون تلاش اندکی برای تبدیل قابلیت‌ها به موجودی سرمایه صورت گرفته است.

◀ فصل پنجم: تحلیل سازمان فضایی کشور

نتایج عمده تحلیل سازمان فضایی به شرح زیر می‌باشند:

به طور تاریخی علاوه بر عامل اقلیم و موقعیت جغرافیایی، عوامل زیر در شکل‌گیری سازمان فضایی کشور مؤثر بوده‌اند:

ترکیب تولیدات، انتخاب ارادی قطب‌های صنعتی و مراکز کشاورزی، سیاست‌های وارداتی و صادراتی، مبادی ورودی و خروجی کالا، شریان‌ها و شاهراه‌های ارتباطی بین مراکز عمده جمعیتی و مبادی ورود و خروج کالا، نوع رابطه با کشورهای همسایه و در کل سیاست خارجی کشور. مشخصه‌های اصلی سازمان فضایی کشور به شرح زیر می‌باشند:

◀ ۱- توزیع نامتعادل جمعیت در سرزمین

همان گونه که اشاره شد، بخش عمده فعالیت جمعیت و فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی در حاشیه‌ها و دامنه‌های دو سلسله جبال البرز و زاگرس و دشتهای ساحلی خزر مستقر شده‌اند. دو سلسله جبال البرز در شمال و زاگرس در غرب همواره مانند دو دیوار بلند از رسیدن ابرهای باران‌زا به نواحی مرکزی و جنوبی کشور عمل کرده‌اند و موجب دوگانگی اقلیمی در پهنه سرزمین شده‌اند. این تفاوت اقلیمی عامل اصلی اختلاف فاحش در میزان جمعیت و فعالیتهای اقتصادی بین دو منطقه شمال و غرب یعنی حاشیه‌ها و دامنه‌های البرز و زاگرس و دشتهای ساحل دریای خزر از یک سو و منطقه شرقی و جنوبی شامل دشتهای مرکزی و جنوبی، سواحل دریای عمان و خلیج فارس و نوار شرقی کشور شده است.

حدود (۹۰٪) از جمعیت در نیمه غربی با وسعتی نزدیک به (۴۵٪) از مساحت کل کشور ساکن هستند. تراکم جمعیت در قسمت غربی تقریباً حدود ده برابر قسمت شرقی یعنی ۸۰/۵ در مقابل ۸/۷ نفر در کیلومتر مربع می‌باشد. پرتراکم‌ترین نقطه کشور، دشتهای ساحلی شمال است که (۱۱٪) کل جمعیت در وسعتی نزدیک به (۳٪) از کل مساحت کشور زندگی می‌کنند. تراکم جمعیت در نواحی شمالی و

مرکزی، ۹۵ نفر در هر کیلومتر مربع می‌باشد، نوار شرقی کشور با حدود ۱۵ نفر در کیلومتر مربع کم‌تراکم‌ترین منطقه کشور می‌باشد.

۲- تمرکز و ساختار قطبی مراکز جمعیتی

نزدیک به یک چهارم جمعیت شهرنشین کشور، در منطقه شهری تهران ساکن هستند، یعنی از هر چهار نفر شهرنشین یک نفر ساکن منطقه شهری تهران است. نظام مراکز جمعیتی از یک ساختار کاملاً قطبی و نامتعادل برخوردار است. جمعیت شهر تهران به تنهایی، بیشتر از جمعیت چهارصد نقطه شهری پایین هرم جمعیت شهری است. همچنین مجموع جمعیت پنج شهر تهران، مشهد، اصفهان، شیراز و تبریز از مجموعه جمعیت ۵۵۰ نقطه شهری کمتر از ۵۰ هزار نفر بیشتر می‌باشد. در اکثر مناطق کشور، جمعیت شهر اصلی منطقه به تنهایی بیشتر از مجموع سایر جمعیت شهرنشین آن منطقه می‌باشد. در استان خراسان شهر مشهد بیش از (۵۴٪) جمعیت شهری را به خود اختصاص داده و (۴۶٪) بقیه جمعیت در ۵۳ نقطه دیگر شهری، زندگی می‌کرده‌اند. ضمناً جمعیت این شهر ۱۱ برابر شهر بعدی استان می‌باشد. مناطق روستایی حاشیه قطبهای بزرگ از یک نرخ رشد بسیار بالا برخوردارند. در حالی که ۱۱ استان کشور طی دهه (۷۵-۱۳۶۵) دارای رشد منفی برای جمعیت روستایی بوده‌اند. جمعیت روستایی استان تهران با نرخ رشد (۲/۶٪) در سال، یکی از بالاترین رشدهای جمعیت روستایی را بین استانهای کشور داشته است.

۳- عدم تعادل بین جوامع شهری و روستایی

بررسی نتایج تفصیلی آمارگیری «هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی کشور» در سال ۱۳۷۶ بیانگر وجود عدم تعادل نسبتاً شدید در بین مناطق شهری و روستایی کشور از نظر متوسط درآمد سالانه خانوار در جوامع فوق‌الذکر است. متوسط درآمد سالانه خانوارهای شهری کشور حدود (۱/۱۲٪) میلیون ریال بوده‌است، در صورتی که رقم مشابه مربوط به مناطق روستایی کشور حدود ۷/۵ میلیون ریال می‌باشد. این پدیده نه تنها در بین مناطق مذکور مشهود است، بلکه در بین استانهای کشور نیز وجود دارد، به طوری که میزان برخورداری خانوارها از درآمد و امکانات زیست بهتر در سطح استانهای کشور،

بسیار متفاوت است. در سال ۱۳۷۶، خانوارهای شهری استان تهران در بین مناطق شهری کشور بیشترین درآمد را (معادل ۱۶/۲ میلیون ریال) داشته‌اند، و پس از آن خانوارهای شهری استانهای فارس، هرمزگان و بوشهر به ترتیب با متوسط درآمد سالانه‌ای برابر ۱۳/۷ - ۱۳/۸ و ۱۲/۸ میلیون ریال، در بین مناطق شهری کشور، بیشترین مقدار را دارا بوده‌اند.

در همین سال، کمترین متوسط درآمد خانوارهای شهری به ترتیب به استانهای کردستان با ۷۰/۶ میلیون ریال، لرستان با ۸۰/۱ میلیون ریال و سمنان ۸۲/۹ میلیون ریال اختصاص داشته است. در مناطق روستایی، بیشترین درآمد سالانه خانوار روستایی به ترتیب معادل ۱۰ میلیون ریال و ۹/۴ میلیون ریال، به استانهای فارس و تهران اختصاص دارد و کمترین میزان این شاخص برابر ۵/۶ میلیون ریال به استانهای لرستان و سمنان تعلق دارد.

۴- عدم تناسب بین جمعیت و قابلیت‌های توسعه در برخی مناطق

علی‌رغم این که در برخی از نقاط، جمعیت مستقر در منطقه از ظرفیتهای ایجاد شده و قابلیت‌های بالقوه آن منطقه بیشتر است، بسیاری نقاط نیز وجود دارند که جمعیت آنها پایین‌تر از توانایی‌ها و موقعیتهای بالقوه آن منطقه می‌باشد. حدود (۷۰٪) از ذخایر قطعی معدنی در نواحی جنوب شرقی و میانی کشور قرار دارد، در حالی که قسمت عمده‌ای از این نواحی جزء مناطق کم‌تراکم می‌باشند. محورها و مناطق مجهز به شبکه‌های زیربنایی، عمدتاً در مناطق مرکزی و غربی کشور شکل گرفته و بخشهایی از این مناطق مجهز که در نیمه شرقی کشور مستقر می‌باشند، به طور کامل مورد استفاده قرار نمی‌گیرند. سواحل دریای عمان علی‌رغم موقعیت استثنائی آنها در شبکه حمل و نقل دریایی جهان و موقعیت آنها برای فراهم سازی امکان دسترسی کشورهای محصور در خشکی شمال کشور، جزء کم‌تراکم‌ترین مناطق کشور می‌باشند و از بافت شهری ضعیف برخوردارند، به نحوی که حتی یک مرکز جمعیتی ۵۰ هزار نفری در این ناحیه وجود ندارد و بخش وسیعی از این سواحل، فاقد دسترسی به ساده‌ترین امکانات و تجهیزات زیربنایی بوده و از توسعه نیافته‌ترین مناطق کشور محسوب می‌شوند.

◀ جمع‌بندی مفروضات اساسی

در این قسمت فرازهای عمده‌ای که در جهت‌گیریهای اساسی نظریه پایه توسعه ملی و آمایش سرزمین باید مورد توجه قرار گیرند، به عنوان مفروضات اساسی فهرست می‌شود. این فهرست پشتوانه منطقی جهت‌گیریها را فراهم ساخته و این امکان را در اختیار مراجع تصمیم‌گیر قرار می‌دهد، تا مفروضات اساسی و نحوه نتیجه‌گیری از آنها را جداگانه ارزیابی نمایند.

◀ الف - آینده‌نگری

- حاکمیت یافتن اقتصاد به عنوان عامل تعیین کننده در ساختار قدرت جهان
- تداوم روند یکپارچه شدن جهان و رشد سریع ارتباطات
- نقش دانایی و اطلاعات به عنوان ابزارهای تعیین کننده در رقابتهای اقتصادی
- چشم‌انداز جهان قطبی و تداوم فاصله شمال و جنوب از یکدیگر
- رشد روابط جنوب - جنوب و گرایش به گسترش همکاری‌های منطقه‌ای بین کشورها
- تقاضای فزاینده برای منابع انرژی و جایگزین ناپذیری منابع انرژی فسیلی
- افزایش حمل و نقل دریایی در چشم‌انداز مبادلات جهانی
- افزایش حدود ۲ میلیارد جمعیت در جهان تا سال ۲۰۲۰ با پیش‌بینی سهم کشورهای جنوب به میزان (۹۵٪) از این افزایش جمعیت

◀ ب - موقعیت منطقه‌ای

- مرکزیت کشورهای منطقه، در بین سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا با چشم‌انداز ۷ میلیارد جمعیت در سال ۲۰۲۰
- عمده‌ترین قلمرو به هم پیوسته کشورهای اسلامی با جمعیتی حدود ۴۰۰ میلیون در حال حاضر و نزدیک به ۶۵ میلیون در سال ۲۰۲۰
- افزایش اهمیت استراتژیک منطقه به عنوان تأمین کننده بخش عمده نیاز انرژی جهان

- اهمیت منطقه به عنوان یکی از غنی‌ترین مناطق برخوردار از ذخایر استراتژیک معدنی مورد نیاز اقتصاد جهان
- توانایی منطقه در تأمین مواد غذایی مورد نیاز خود
- افزایش یک میلیارد نفر از دو میلیارد جمعیتی که تا سال ۲۰۲۰ اضافه می‌شود، در ژرفای شرقی کشور
- چشم‌انداز گسترش سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیتهای اقتصادی در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز با توجه به منابع انرژی و ذخایر معدنی و موقعیت جغرافیایی منطقه
- چالش قدرتهای اقتصادی جهان برای نفوذ و سلطه بر اقتصادهای مناطق فوق و تأثیر آن بر رقابت میان قطبهای اقتصادی آینده
- نیاز کشورهای فوق‌الذکر به انتخاب مکمل‌های اقتصادی برای رفع کاستی‌های ناشی از فروپاشی یک مجموعه اقتصادی تقسیم کار شده
- نیاز کشورهای منطقه فوق‌الذکر به فناوری و سرمایه خارجی برای بهره‌برداری از منابع و امکانات
- اهمیت منابع نفت دریای خزر و ضرورت انتقال آن به بازارهای جهانی، از مسیر دیگر کشورهای منطقه
- رقابت کشورهای منطقه برای انتقال نفت خزر به لحاظ منافع اقتصادی و سیاسی حاصل از آن
- مشترکات اقتصادی بین ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس از نظر اهمیت منابع انرژی و زمینه گسترش همکاری‌های متقابل
- تمایل به تنوع بخشیدن به ساختار اقتصادی در کشورهای حوزه خلیج فارس و جهت‌گیری برای توسعه بخش خدمات و صنعت
- گسترش و تمرکز شرکتهای خارجی و نمایندگیهای آنها در مناطق شمال و جنوبی کشور و توسعه مناطق آزاد و قلمروهای اقتصادی خاص برای مشارکت بیشتر با اقتصاد جهانی در کشورهای منطقه
- حضور نظامی بیگانگان در منطقه به بهانه حفظ امنیت منطقه و تضمین تداوم صدور انرژی مورد نیاز جهان

- نقش فعال آمریکا، اسرائیل و ترکیه در تسلط بر روند توسعه در کشورهای ژرفای شمالی ژئوپلیتیک ایران و جدیداً افغانستان و عراق و کنترل تحولات اقتصادی ژرفای جنوبی توسط قدرتهای اقتصاد جهانی
- تشنجات و تنشهای درونی بین کشورهای منطقه و تحریک این کشورها به افزایش هزینههای نظامی برای مقابله با تهدیدات درون منطقه‌ای
- اهمیت گسترش همکاری‌های منطقه‌ای برای استفاده از امکانات و توانمندی‌ها در جهت رفاه و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشورهای منطقه
- قابلیت ایران به لحاظ مقیاس، منابع انسانی، منابع طبیعی و موقعیت برای نقش‌آفرینی برجسته در نظام اقتصادی - سیاسی جهان
- تلاش برای منزوی کردن ایران و خنثی کردن توانمندی‌ها و قابلیت‌های کشور برای محدود کردن ایفای نقش برتر منطقه از سوی قدرتهای استکباری
- عدم پایداری سیاسی و چشم‌انداز نامشخص اقتصادی در ژرفای شرقی و غربی ژئوپلیتیک کشور

◀ ج - ساختار فرهنگی هویت ملی

- مشترکات مذهبی با کشورهای منطقه و نفوذ فرهنگ فارسی در بسیاری از قلمروهای آسیای مرکزی و قفقاز و کشورهای حوزه خلیج فارس و قابلیت مناسب از نظر درک و تعامل فرهنگی با کشورهای همسایه
- سابقه هزار ساله قدرت فائقه بودن و تبدیل آن به یک ساختار روانی بسیار کهن در ناخودآگاه همگانی جامعه
- اهمیت منشأ اسلامیت و منشأ ایرانیت در ساختار فرهنگی هویت ملی
- اعتماد به نفس و عزم راسخ برای حفظ استقلال و تمامیت اراضی و پایداری فرهنگی به عنوان یک اصل نهادینه شده در ساختار فرهنگی ایرانیان
- زمینه شکل‌گیری ناسیونالیزم ایرانی با خصوصیات آرمانگرایی و حق‌طلبی و گرایش به ساختار مدنی نوین بر پایه پویایی و پایایی فرهنگ اصیل ایرانی - اسلامی

- مزیت همگرایی و سازگاری اقوام مختلف ساکن در سرزمین و وجود یک هویت واحد ملی با وجود هویت‌های مستقل قومی و منطقه‌ای نسبت به کشورهای منطقه
- اهمیت بازیابی و بازسازی هویت ملی با به‌کارگیری خود آگاهی تاریخی، عناصر زنده فرهنگ ایرانی و ارزشهای اسلامی به منظور ایجاد پایداری فرهنگی در مقابل امواج نوگرایی و جهانی شدن، جهت تداوم حاکمیت و سرنوشت کشور و قابلیت یافتن برای جهت دهی به سیر تحولات جهانی در بستر منافع ملی و منطقه‌ای
- اهمیت پیشبرد مفهوم هویت منطقه‌ای برای تقویت همگرایی‌های منطقه‌ای در راستای منافع کشورهای منطقه در فرایند جهانی شدن

د - امکانات، قابلیت‌ها، مزیت‌ها و تنگناهای توسعه در سرزمین

- موقعیت مرکزی کشور در منطقه و تعدد همسایگان و نیاز کشورهای محصور در خشکی به امکانات ارتباطی ایران برای دسترسی به شاهراه‌های ارتباطی جهان و برخورداری از مرزهای آبی گسترده در سواحل خلیج فارس، دریای عمان و دریای خزر
- قرار گیری بین دو حوزه اصلی تأمین انرژی جهان
- تنوع اقلیمی زیاد، تنوع نظام‌های زیست محیطی و گونه‌های گیاهی و جانوری
- فرسایش خاک و زیست بوم‌های روبه تخریب، محدودیت منابع آب در بیش از (۶۰٪) سرزمین و مازاد آب در حاشیه غربی
- ذخایر غنی انرژی‌های فسیلی (دومین کشور جهان از نظر منابع هیدروکربور جهان)
- جوان بودن جمعیت با توجه به این که (۲۳٪) از کل جمعیت کشور در سن فعالیت هستند.
- میزان قابل ملاحظه جمعیت تحصیلکرده، قابلیت گسترش فعالیت‌های تحقیقاتی و تولید اطلاعات
- امکان تولید انواع بسیار متنوع از محصولات مناطق گرمسیر و سردسیر و تولید تخصصی برخی از اقلام کشاورزی
- توانمندی نسبی در طیف وسیعی از صنایع با مزیت وضعیت بهتر صنایع مصرفی نسبت به کشورهای منطقه

- قابلیت‌ها و جاذبه‌های سیاحتی با توجه به میراث فرهنگی غنی و استعدادهای طبیعی و تنوع اقلیمی

◀ ه - در مورد وضع موجود سازمان فضایی

- عدم تعادل جمعیت و تجهیزات زیربنایی و ظرفیتهای تولیدی در مناطق شمالی، مرکزی و غربی

نسبت به مناطق میانی، جنوبی و شرقی کشور

- استقرار بخش عمده‌ای از فعالیتهای تولیدی در قلب صنعتی کشور شامل تهران، مناطق مرکزی و

در مرتبه بعدی قطبهای مشهد، تبریز و اهواز

- نظام قطبی اسکان جمعیت و تمرکزهای شدید در مراکز جمعیتی بزرگ مقیاس

- عدم تعادل بین جوامع شهری نسبت به روستایی از نظر سطح برخورداری از امکانات زیستی و

رفاهی و تجهیزات مناسب برای گسترش فعالیتهای اقتصادی

- عدم تناسب استقرار جمعیت، فعالیت و امکانات و تجهیزات زیربنایی با قابلیت‌ها و ضرورت‌های توسعه

در سواحل جنوب شرقی کشور

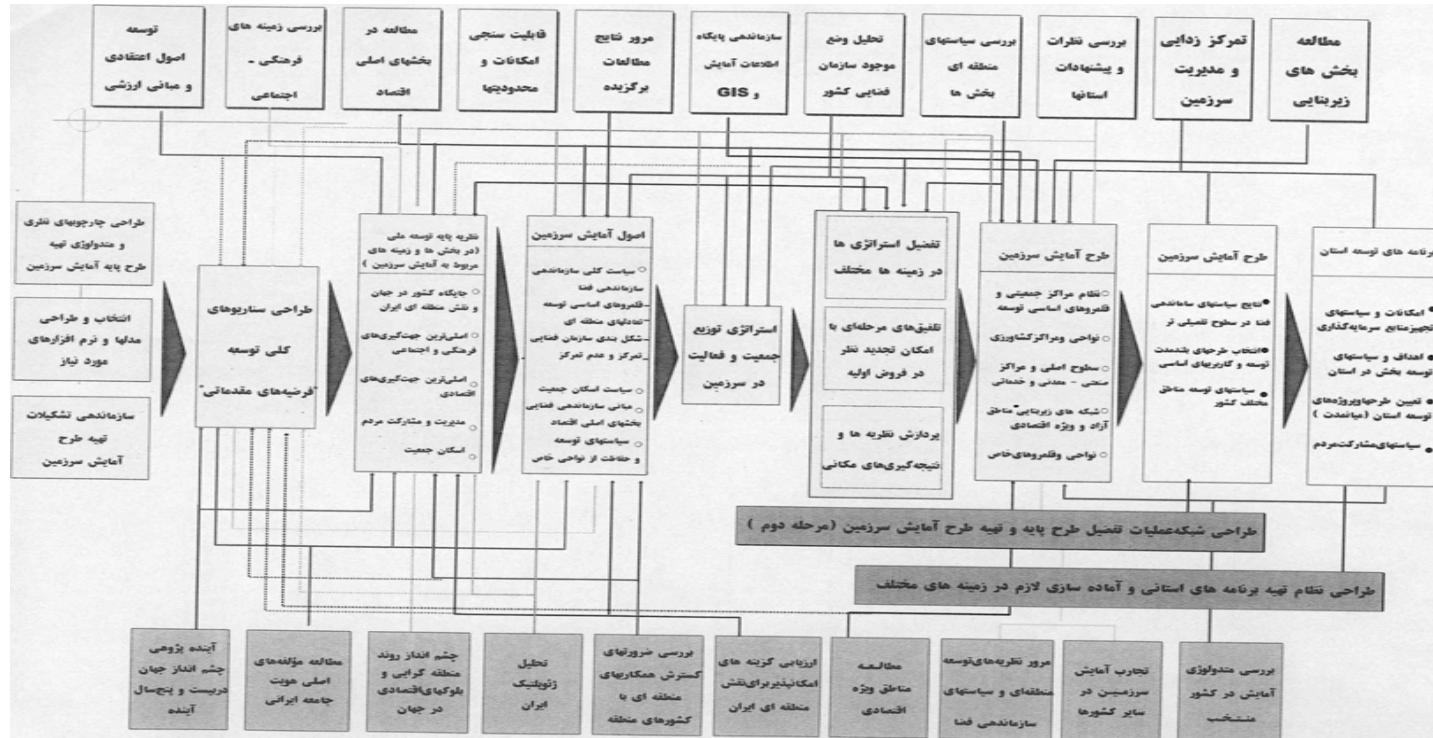
- وجود مازاد ظرفیتهای زیربنایی در برخی از مناطق، نسبت به جمعیت و فعالیتهای اقتصادی مستقر

در آنها

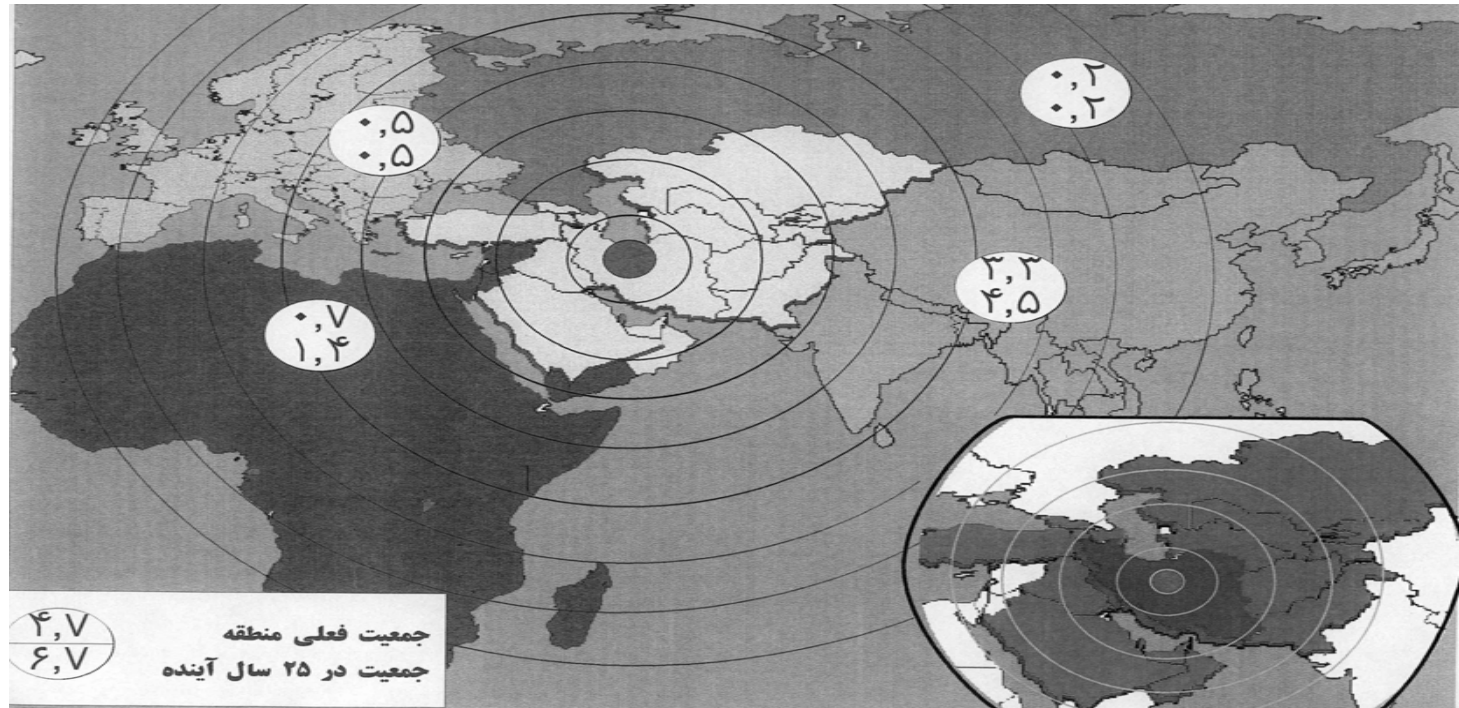
نمودار شماره ۱- تلقی‌های عمده از موضوع و کاربرد آمایش سرزمین



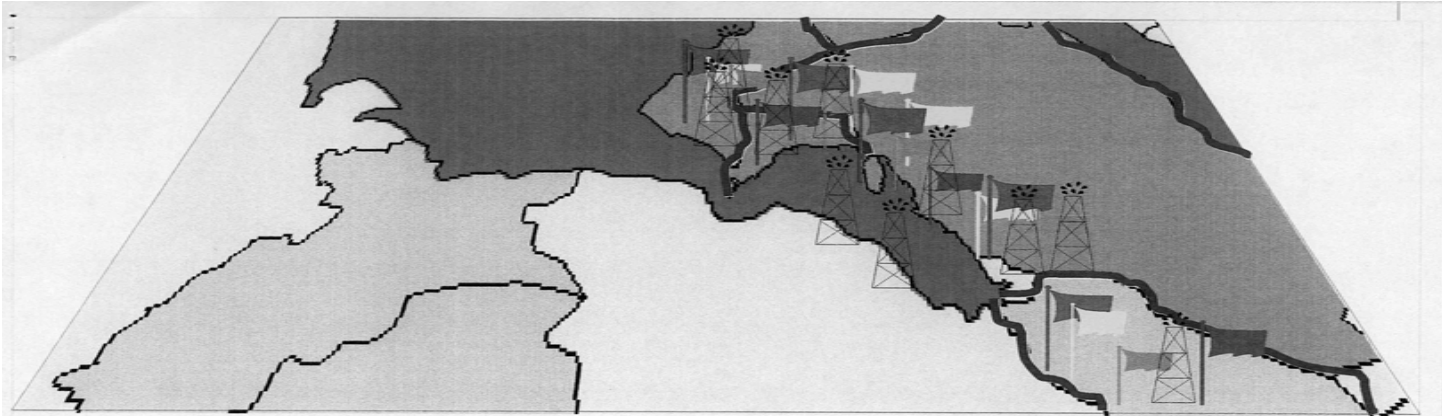
نمودار شماره ۲- چشم‌انداز مراحل کلی فعالیتهای آمایش سرزمین، فرایند تهیه طرح پایه و سازماندهی گروههای مطالعاتی مربوطه



نمودار شماره ۳- ایران در مرکزیت منطقه، در مرکزیت سه قاره



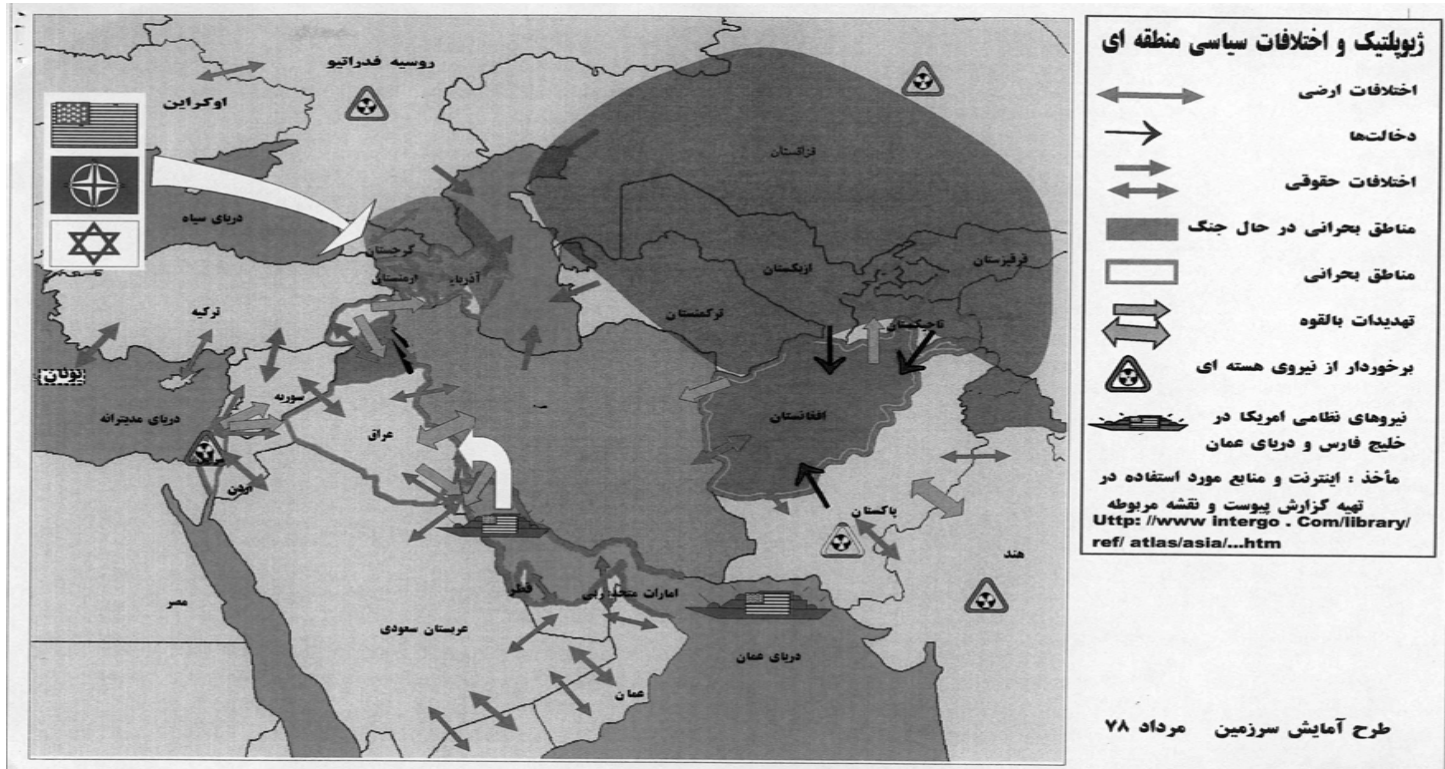
نمودار شماره ۴- اقتصادهای کشورهای نفت خیز حاشیه خلیج فارس



اقتصادهای کشورهای نفت خیز حاشیه خلیج فارس ، اقتصادهایی تک محصولی بوده که علیرغم برخورداری از درآمدهای سرانه بالا و به تبع رفاه نسبی بالا درآمدهای نفتی در آنها کمتر در فعالیت های صنعتی به کار افتاده است در حقیقت این کشورها در یکی دو دهه اخیر بتدریج تبدیل به پایگاههای دنیای سرمایه داری شده اند و بدین سبب بیشتر بخشهای خدماتی - تجارتي در آنها از رونق نسبی برخوردار بوده است .

با توجه به رشد فعالیت های تجاری در این کشورها ایران می تواند نقش حلقه واسط میان این کشورها و کشورهای پهنه شمالی خود را ایفا کند.

نمودار شماره ۵- ژئوپلتیک و اختلافات سیاسی منطقه‌ای



راهبردهای

آمایش سرزمین

◀ بحث درونگرایی و برونگرایی

وظیفه نظریه پایه توسعه سرزمین، تعیین حدود تقابلهای تعیین کننده در فرایند تشخیص مشی توسعه می‌باشد. گزارش حاضر تنها موضوعهایی از نظریه توسعه ملی را مورد بحث قرار می‌دهد که به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر سیاست آمایش سرزمین تأثیر می‌گذارند.

امر تعیین نقش و جایگاه کشور، همان گونه که در فصل اول توضیح داده شد، تعیین کننده‌ترین اثر را بر آمایش سرزمین و چشم‌انداز آینده سازمان فضایی کشور خواهد داشت. در این امر، مهم‌ترین تقابل، بحث درونگرایی و برونگرایی است که در سه حد یا سه وضعیت زیر، قابل بحث می‌باشد:

- وضعیت درونگرایی مطلق: به معنای انتخاب یک نقش منزوی برای اقتصاد کشور است. این دیدگاه، ناظر بر سیاستهایی نظیر خودکفایی در تأمین نیازهای کشور، جایگزینی واردات، اتکای مطلق به منابع داخلی، محدودیت برای سرمایه‌گذاری خارجی و نظایر آن است. انتخاب مشی درونگرایی، بر اساس تجارب فعلی و در فرایند رو به رشد یکپارچه شدن اقتصاد جهانی، به معنای پذیرش جدایی سرنوشت خود از جهان می‌باشد. این جدایی، گرچه در ابعاد فکری و عقیدتی از منطبق خاص خود برخوردار است، لکن در بعد اقتصادی و اجتماعی، به پایین نگه‌داشتن سطح رفاه و خدماتی که نصیب یک ایرانی خواهد شد می‌انجامد و عقب ماندگی مداوم، توانمندی و قدرت رقابت با سایر جوامع را کاهش خواهد داد.

- وضعیت برونگرایی مطلق: به معنای شرکت در فرایند یکپارچه شدن اقتصاد جهانی، پذیرش نقش تخصصی برای رقابت در بازارهای جهانی، سرمایه‌گذاری‌های مشترک با سایر کشورها و نظایر آن است. انتخاب مشی برونگرایی نمی‌تواند یک انتخاب مناسب باشد، زیرا اولاً تردیدهایی نسبت به پایداری فرهنگی جوامع و تعادلهای اجتماعی در فرایند یکپارچگی اقتصاد جهان وجود دارد، ثانیاً گشودن مرزهای کشور بر روی جریانهای سرمایه بین‌المللی و پذیرش تبعات آن، با مفروضات حاصل از بررسی مقوله‌های زمینه‌ساز نظریه پایه، به ویژه با خصوصیات ساختار فرهنگی هویت ملی، سازگار نیست. حتی اگر تمامی موانع سیاسی هم برداشته شود، تفاهمهای گسترده‌ای نیز با نیروهای بین‌المللی و قدرتهای اقتصادی صورت پذیرد و اطمینان بر پایداری فرهنگی در فرایند ادغام در

اقتصاد جهانی حاصل شود، باز هم گشودن مرزهای کشور بر روی جریان جهانی سرمایه‌داری، با توجه به ضعفهای نسبی در مقابل آنها، جز به از دست دادن منابع و فرصتهای توسعه نخواهد انجامید.

- وضعیت درونگرایی یا برونگرایی نسبی: ما بین دو تقابل مذکور است و به معنای حضور در عرصه جهانی، در چارچوب مناسبات اقتصادی و همکاری‌های سازمان یافته با کشورهای منتخب می‌باشد. مبنای منطقی برای این انتخاب، کارکردهای مثبت تشکیل اتحادیه‌های منطقه‌ای، در صورت فراگیر شدن روند یکپارچه شدن اقتصاد جهان است. سیاست توسعه همکاری‌ها و همگرایی‌های منطقه‌ای و گسترش روابط جنوب - جنوب در سالهای اخیر از سوی سازمان ملل نیز، به کشورهای در حال توسعه، توصیه شده است. این گزینه برای بقا در شرایط نامناسب و برای مشارکت هوشمندانه و از موضع اتکا به نفس در اقتصاد جهانی، قابل توجه می‌باشد.

همان طوری که در فرضهای اساسی آمد، اتحادیه‌های منطقه‌ای علاوه بر کاهش مشکل اقتصادهای مستقلی که با محدودیت بازار و عدم رشد مناسب مواجه هستند، از نظر سیاسی صدای رساتر و موضع قوی‌تری در محافل تصمیم‌گیری برای کشورهای عضو فراهم می‌کنند و پیوند خوردن منافع کشورهای یک منطقه با یکدیگر، موجب ثبات سیاسی، پایداری توسعه و تداوم صلح در آن منطقه خواهد شد. به علاوه در چارچوب این انتخاب، فرصتهای تأمین کمبودهای سرمایه و فناوری بیشتر می‌شود و بازارهای مناسبی به روی اعضا گشوده می‌شود.

این خط مشی در قالب گزینه‌های بسیار متعدد و متنوعی، از انتخاب یک هم‌پیمان خارجی، تا عضویت در یک اتحادیه اقتصادی، قابل طرح می‌باشد. از آنجا که شرط موقعیت جغرافیایی به عنوان یکی از مفروضات اساسی در انتخاب کشور هم‌پیمان برشمرده شد، با توجه به نتایج بررسی مقوله‌های زمینه‌ساز تدوین نظریه پایه توسعه ملی و مفروضات استنتاج شده از آن، گروه‌بندی منطقه‌ای، شکل مناسب‌تری از خط مشی برونگرایی نسبی به نظر می‌رسد. قبلاً اشاره شد که اشکال و سطوح مختلفی برای همکاری‌های منطقه‌ای شناخته شده است، که بر حسب دامنه و عمق این همکاری‌ها، می‌توان آنها را به سه سطح زیر تقسیم کرد:

الف: بازارهای مشترک منطقه‌ای: در این وضعیت، کشورهای یک منطقه کالاهایی را که بر اساس قوانین و مقررات داخلی خود تولید کرده‌اند، در بازارهای یکدیگر به عنوان یک بازار واحد عرضه

می‌کنند. این سیاست در واقع شامل تسهیلات و اصلاحات قوانین و مقررات گمرکی بین کشورهایی است که عضویت در بازار مشترک را پذیرفته‌اند. مقررات ناظر بر مناسبات اقتصادی داخلی، نظیر قانون کار، بیمه و امثال آن، بر حسب نیازهای ناشی از یکپارچگی بازار، بین آنها هماهنگ می‌شوند. لازم به ذکر است اکثر بازارهای مشترک، شامل کالاهای معینی می‌شود که بین کشورهای عضو تفاهم شده و شامل همه تولیدات نمی‌شود.

ب: گروه‌بندی منطقه‌ای یا «Regional Grouping»: به معنای گرد هم آمدن گروهی از کشورها در مناطق گوناگون جهان برای ایجاد یک نظام منطقه‌ای است که در آن سیاستهای اقتصادی و ژئوپلیتیک مشترک و هماهنگی، با حفظ موجودیتهای سیاسی جدا از هم اتخاذ می‌شود. معمولاً در نظام اقتصادی گروه‌بندی‌های منطقه‌ای، تسهیلاتی برای حرکت آزادانه کالا و سرمایه پیش‌بینی می‌شود و از سرمایه‌گذاری‌های مشترک بین کشورهای عضو حمایت می‌گردد. یکی از ویژگی‌های عمده این وضعیت، اتخاذ سیاستها و مقررات مشترک برای حذف سرمایه خارجی و هماهنگی در برخورد با کشورهای غیر عضو می‌باشد.

ج: همگرایی منطقه‌ای یا «Regional Integration»: به معنای در هم آمیزی ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک کشورها در یک منطقه می‌باشد که در آن اقتصاد، سیاست و قوانین کشورهای عضو در هم آمیخته و یکپارچه می‌شوند. چنانچه از شرایط سه وضعیت فوق برمی‌آید، سطح تفاهم و همکاری در هر یک از سه گزینه متفاوت می‌باشد. در حال حاضر در جهان، تنها در اروپا همکاری‌های منطقه‌ای به سطح تشکیل یک اتحادیه اقتصادی رسیده است و گروه‌بندی‌های منطقه‌ای متعددی نظیر منطقه بازرگانی آزاد آمریکای شمالی «نفتا»، اتحادیه ملتهای آسیای جنوب شرقی «آسه‌آن»، اتحادیه کشورهای آمریکای جنوبی «مرکاسور» و اتحادیه منطقه‌ای هشت کشور آفریقایی پیرامون صحرا، شکل گرفته‌اند. لازم به تذکر است که بسیاری از تشکلهای منطقه‌ای نظیر اگو، شورای همکاری خلیج فارس، کشورهای G8، چندان در برقراری مقررات واحد و ایجاد پیوندهای سازمان یافته بین کشورهای عضو، موفق نبوده‌اند.

◀ جهت‌گیری‌های اصلی نظریه پایه توسعه ملی

بر اساس مفروضاتی که در زمینه‌های تعیین‌کننده نظریه پایه توسعه ملی، نظیر ساختار فرهنگی هویت ملی، آینده‌نگری، روندهای اقتصادی، سیاسی و محیطی جهان، موقعیت جغرافیای سیاسی ایران و کشورهای منطقه، قابلیت‌ها و امکانات توسعه و بالاخره محدودیت‌ها و موانع توسعه ملی طرح گردید، جهت‌گیری‌های اصلی نظریه پایه توسعه ملی، در موضوعهایی که به طور مستقیم بر سیاست آمایش سرزمین اثر می‌گذارد، به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

◀ نقش و جایگاه کشور در سطح جهان

دگرگونی‌های ژئوپلیتیک جهان در دهه ۱۹۹۰، ایران را ناچار ساخته است، پس از دهها سال اجرای نقش سرزمین میانی (که توازن استراتژیک و ژئوپلیتیک خاور و باختر سیاسی پیشین، روی آن شکل می‌گرفت) نقش تازه‌ای برای خود فراهم کند. این نقش تازه، نقش ژئوپلیتیک سرزمین میانی است که دو منطقه نفتی پر اهمیت جهان را به هم ارتباط می‌دهد. مجموعه بررسی‌های بخش اول گزارش حاکی از آن است که موقعیت جغرافیایی، منابع انرژی، ذخایر معدنی و منابع انسانی، چهار مزیت اصلی ما برای حضور در فعالیتهای اقتصادی جهان و منطقه می‌باشند.

- ذخایر عمده انرژی: ذخایر انرژی، موقعیت جغرافیایی ایران (قرار گرفتن بین دو حوزه اصلی دربردارنده ذخایر انرژی جهان) و وابستگی غیر قابل تردید اقتصاد جهان به این منابع جایگزین‌ناپذیر، از مهم‌ترین مزیت‌های نسبی کشور در عرصه رقابتهای اقتصادی بین‌المللی خواهد بود.

- ذخایر قابل توجه مواد معدنی: طیف وسیعی از ذخایر معدنی (۵۲ عنصر معدنی با ذخایر غنی) ایران را جزء ده کشور اول جهان قرار داده است. تولید مواد معدنی، نقش دیگر ایران در اقتصاد جهانی می‌باشد.

- موقعیت جغرافیایی کشور: قرارگیری در مرکزیت نسبی سه قاره اروپا، آفریقا و آسیا، تعدد همسایگان محصور در خشکی که برای برقراری ارتباطات بین‌المللی و بین قاره‌ای، ناگزیر به عبور از خاک ایران و استفاده از مرزهای آبی آن هستند و حدود ۲۰۰۰ کیلومتر سواحل خلیج فارس و دریای

عمان و ۵۰۰ کیلومتر سواحل دریای خزر، یک موقعیت ممتاز و یگانه جغرافیایی برای کشور در سطح جهانی و منطقه‌ای فراهم ساخته است.

- منابع انسانی: جمعیت بالا با ساختاری جوان، برخوردار از پشتوانه فرهنگ و تمدن کهن و میراث غنی فکری و علمی، علاقمند به کسب دانشهای نوین و برخوردار از بهره‌ی هوشی و آموزش‌پذیری بالا، که در حال معرفی نخستین ساختار اجتماعی - سیاسی آزاد، مبتنی و متکی بر یک نظام دینی می‌باشد. در این سرزمین اقوامی متنوع با همگرایی فرهنگی و وحدت هویت ملی اسکان یافته‌اند.

قطعاً ترکیب مناسبی از چهار مزیت فوق می‌تواند مناسب‌ترین جهت‌گیری برای تعیین نقش و جایگاه کشور در اقتصاد جهانی باشد. به عنوان مثال، تبدیل انرژی به برق و استفاده از آن در تولید طیفی از فلزات و استفاده از موقعیت مرکزیت جغرافیایی کشور با مزیت دسترسی به آبهای آزاد و شاهراههای حمل و نقل بین قاره‌ای و بازارهای گسترده در پیرامون منطقه، به معنای تعامل مکرر مزیت‌های نسبی کشور و افزایش تصاعدی بهره‌وری از منابع و موقعیت سرزمین می‌باشد. البته مزیتها و قابلیت‌های متعددی در بخشهای صنعت، کشاورزی، خدمات، ساخت و منابع انسانی نیز وجود دارند که می‌توانند بر نقش و جایگاه ایران در اقتصاد بین‌الملل تأثیر بگذارند.

از این رو، انتخاب سیاست انزوای مطلق اقتصادی، به معنای نفی مزیت‌های استثنایی و برجسته کشور و در نتیجه بر خلاف مصالح و منافع ملی می‌باشد. از سوی دیگر، ویژگی‌های ساختار فرهنگی هویت ملی نیز، ادغام شدن همه‌جانبه در سیاست برونگرایی مطلق را نمی‌پذیرد. با در نظر گرفتن چشم‌انداز آینده جهان چند قطبی، و تمایل به یکپارچه شدن بر اساس بررسیهای بخش اول، سیاست برونگرایی نسبی در چارچوب همکاری‌های منطقه‌ای، مناسب‌ترین انتخاب برای حضور در عرصه جهانی است.

◀ نقش و جایگاه کشور در سطح منطقه

کشور ما همراه با کشورهای آسیای مرکزی، قفقاز، حاشیه خلیج فارس و همسایگان شرقی و غربی خود، منطقه‌ای را تشکیل می‌دهند که در حال حاضر حدود ۴۲۰ میلیون نفر جمعیت را در خود جای داده است. این منطقه در مرکزیت بخش وسیعی از جهان قرار دارد که از شرق آسیا تا غرب اروپا، و از شمال آسیا تا جنوب آفریقا

را شامل می‌شود. بخشی که جمعیت آن در حال حاضر حدود ۵ میلیارد نفر و تا سال ۲۰۲۰ نزدیک به ۸ میلیارد نفر خواهد رسید. این موقعیت جغرافیایی در تصویر صفحه بعد نشان داده شده است.

این منطقه مرکزی، در فرایند پیشرفت پدیده جهانی شدن اقتصاد، از اهمیت روزافزونی برخوردار خواهد شد و مهم‌تر آنکه در مرکزیت این منطقه، عمده‌ترین ذخایر انرژی جهان قرار دارد که باید تأمین کننده بخش مهمی از نیازهای جهان به انرژی باشد و دو حوزه خلیج فارس و دریای خزر حدود هفتاد درصد (۷۰٪) از ذخایر نفت و چهل درصد (۴۰٪) از منابع گاز جهان را در خود جای داده‌اند.

با انتخاب سیاست برونگرایی نسبی در نظریه پایه توسعه، و با توجه به اشکال و سطوح همکاری‌های منطقه‌ای، نقش و جایگاه کشور در سطح منطقه، در قالب سه سناریوی زیر قابل تصور است:

اول - سناریوی محوریت در تشکیل گروه‌بندی منطقه‌ای

در این سناریو، برای ایران نقش اصلی در شکل‌گیری یک گروه‌بندی منطقه‌ای، میان کشورهای همسایه خود در ژرفای شمالی و جنوبی ژئوپلیتیک کشور پیش‌بینی می‌شود. مبانی منطقی این سناریو، علاوه بر ذخایر انرژی منطقه‌ای که در بالا به آن اشاره شد، منابع معدنی (خصوصاً ذخایر موجود در ایران و آسیای مرکزی) است که این منطقه را، به عنوان یکی از غنی‌ترین مناطق معدنی جهان معرفی می‌کند و خود محور مستقلی برای شکل‌گیری یک اقتصاد پرتحرک می‌باشد. در ضمن دشتهای حاصلخیز و ارتفاعات گسترده و متعدد در شمال و بخش میانی این منطقه، توانمندی آن را در تولید غذای مورد نیاز خود، به طور بالقوه تأمین کرده است.

در جنوب این منطقه، وجود اقتصادهای نفتی برخوردار از ذخایر ارزی قابل ملاحظه، عوامل مذکور را برای شکل‌گیری یک اقتصاد متنوع و گسترده منطقه‌ای بر مبنای انرژی، حمل و نقل، تجارت، صنعت، ارتباطات و کشاورزی تکمیل می‌کند. یادآوری این نکته که این منطقه، مهم‌ترین و پرجمعیت‌ترین قلمرو جغرافیایی پیوسته سرزمینهای اسلامی است و در سال ۲۰۲۰ بیش از ۶۰۰ میلیون نفر از مسلمانان جهان را اسکان خواهد داد، جاذبه این سناریو را برای مسلمانان بیشتر خواهد کرد و بالقوه می‌تواند پایگاه تجدید عظمت تمدن اسلامی برای فردا تلقی شود. همان طور که در بخش تحلیل موقعیت جغرافیای سیاسی منطقه بحث شد، این شرایط عمده‌تاً حاصل فروپاشی کمونیزم و پیدایش جمهوریهای تازه استقلال یافته

آسیای مرکزی و قفقاز است، که همگی به لحاظ گسستگی از مجموعه اقتصادی اتحاد جماهیر شوروی، برای بهره‌برداری از منابع غنی و مزایای جغرافیایی خود، نیازمند مکمل‌های خارجی می‌باشند.

سیاست گروه‌بندی منطقه‌ای، قادر است از طریق مشارکت امکانات قابل تطبیق این کشورها، نیازهای آنها را تقلیل دهد و یک شبکه توزیع کاراتر برای تولیدات آنها فراهم آورد و به سطح استقلال کشورهای این منطقه کمک کند.

مطالعه شرایط اقتصادی کشورهای این منطقه، نمونه‌های متعدد از همکاری‌های متقابل منطقه‌ای را معرفی می‌کند. به عنوان مثال:

- ایران، ترکیه و پاکستان قادر به تأمین بخش عمده‌ای از نیاز کشورهای شمال این منطقه به کالاهای مصرفی و ماشین‌آلات می‌باشند.

- ایران و کشورهای نفتی حوزه خلیج فارس، می‌توانند بخشی از فناوری مورد نیاز کشورهای نفتی حوزه خزر را تأمین کنند.

- تاجیکستان، قادر است نیروی برق مازاد خود را از فلات پامیر به حوزه‌های صنعتی لاهور و کراچی در مجاورت سند انتقال دهد، ترکمنستان نیز می‌تواند از طریق ایران با ترکیه، چنین مبادلاتی انجام دهد.

- افغانستان (پس از ثبات سیاسی) می‌تواند با توسعه مبادلات منطقه‌ای در مسیر ارتباطات آسیای مرکزی و اقیانوس هند و ایران به شرق آسیا، اقتصاد خود را متحول کند و از مزایای اقتصاد بازار کنار جاده بهره‌گیرد.

- مراکز صنعتی متعددی نظیر مجتمع سیمج Semeg و سایر کشورهای آسیای مرکزی در قفقاز، قزاقستان، تا مراکز صنعتی نواحی مرکزی، شرقی، غربی و جنوبی ایران و مراکز پاکستان، ترکیه و عراق تا مجتمع‌های صنعتی در حال توسعه حاشیه جنوبی خلیج فارس و عربستان، می‌توانند کانونهایی را برای یک توسعه صنعتی سازمان یافته و گسترده در منطقه ایجاد نمایند.

- پایگاه فضایی بایکونور قزاقستان، می‌تواند بخشی از امکانات مورد نیاز برای توسعه علوم و فناوری فضایی و نظایر آن را به این اتحادیه ببخشد؛ و بسیاری نمونه‌های دیگر

سیاست گروه‌بندی منطقه‌ای علاوه بر مزایای اقتصادی، در راستای تأمین منافع کشورهای منطقه خواهد بود. چرا که امنیت هر منطقه، پیش نیاز توسعه بقیه کشورهای عضو می‌شود و در نهایت موجب ثبات سیاسی و پایداری توسعه در منطقه خواهد شد و مواضع مشترک این کشورها موقعیت آنها را در مجامع جهانی، تحکیم و ارتقا خواهد بخشید.

قطعاً نکات مثبت متعددی از جنبه‌های اقتصادی، فرهنگی، محیطی و امنیتی می‌توان برای این سناریو ذکر کرد، اما موانع درونی و بیرونی متعددی بر سر راه شکل‌گیری این اتحادیه وجود دارد که حداقل در میان مدت، عبور از آنها ممکن نیست.

شرایط متنوع کشورهای منطقه از نظر سیاسی، چشم‌انداز روشنی از تفاهم و تعاون بین کشورهای منطقه را در پیشبرد سیاست همگرایی منطقه‌ای، ارائه نمی‌دهد:

- جمهوری‌های تازه استقلال یافته قفقاز و آسیای مرکزی، توسط دولتمردانی اداره می‌شوند که اکثراً از نخبگان تربیت شده شوروی سابق می‌باشند و برای برخی از آنها هماهنگی با مسکو، راحت‌تر است تا تهران، اسلام‌آباد و یا ریاض

- مناقشات منطقه‌ای و اختلافات مرزی در بخشهایی از این قلمرو، زمینه بحرانهایی را به وجود آورده و بخشهایی نیز با جنگ داخلی و بی‌ثباتی سیاسی مواجه هستند.

- ترکیه در رقابت با ایران و روسیه، به کشورهای غربی توجه بیشتری دارد و برای عضویت در جامعه مشترک اروپا نسبت به اتحاد با همسایگان خود، اولویت بیشتری قائل است.

- عراق و پاکستان، از چشم‌انداز روشنی برخوردار نیستند و پیش‌بینی وضعیت آینده آنها دشوار است. از جنبه بیرونی، منطقه آسیای مرکزی امروز، عرصه چالش قدرتهای اقتصادی جهان است و منابع انرژی منطقه، موضوعی برای توجیه دخالت و حضور آمریکا در منطقه می‌باشد و روسیه نیز هنوز به عنوان یک قدرت تعیین کننده، درصدد تقویت روابط بین کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و حفظ موقعیت خود در منطقه است.

شکل‌گیری این اتحادیه اقتصادی را که از امکانات هسته‌ای قابل ملاحظه‌ای نیز می‌تواند برخوردار باشد، مورد تحمل نیروهای بین‌المللی نمی‌باشد. از این رو، این سیاست در درون، نیاز به سطح بالایی از تفاهم بین کشورهای عضو دارد تا بتوانند طیف وسیعی از همکاری را، جهت یکسان‌سازی مقررات و

هماهنگی‌های اجرایی به عمل آورند و در بیرون نیز تفاهم با جامعه بین‌المللی از شروط اصلی موفقیت آن است. بر اساس نتایج حاصل از بررسی موضوعات تعیین‌کننده نظریه پایه توسعه ملی در بخش تحلیل موقعیت جغرافیایی سیاسی منطقه، جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز در وهله اول و عربستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس در مقام بعدی، از زمینه‌های مناسبتری برای یک گروه‌بندی اقتصاد منطقه‌ای با ایران برخوردارند. منطقه آسیای مرکزی، قفقاز، ایران و شبه جزیره عربستان، در حال حاضر حدود ۱۷۰ میلیون نفر جمعیت دارند و در سال ۲۰۲۵ جمعیت این منطقه نزدیک به ۲۵۰ میلیون نفر خواهد شد.

ارتباط دادن کشورهای ژرفای ژئوپلتیک شمالی، یعنی حوزه خزر به ژرفای جنوبی یعنی حوزه خلیج فارس، بازدهی امکانات جغرافیایی ایران را به حداکثر خواهد رساند. گسترش نیاز کشورهای منطقه به یکدیگر و بهبود روابط ایران و عربستان، می‌تواند آغازی برای ارزیابی امکانپذیری چنین سیاستی باشد. این سناریو در صورت امکانپذیری، بیشترین تأثیر را بر آمایش سرزمین و سازماندهی فضای کشور خواهد داشت. ایران به عنوان پلی بین دو منطقه استراتژیک جهان، یعنی «آسیای مرکزی - خزر» و «خلیج فارس» نقش و امکان بسیار مهمی در ایجاد پیوندهای متعادل استراتژیک در این منطقه دارد. در میان گزینه‌های متعدد امکانپذیر برای گروه‌بندی‌های منطقه‌ای بر محور ایران، در ژرفای ژئوپلتیک شمالی سرزمین، گروه‌بندی منطقه‌ای با کشورهای آسیای مرکزی و حوزه قفقاز از مزیت‌های بیشتری برخوردار است.

از نظر تاریخی: مردم ایران، تاجیکستان، ازبکستان، افغانستان و بخش‌هایی از قزاقستان و اکثر مردم ناحیه قفقاز، سابقه طولانی‌تری در زندگی با یکدیگر در قالب کشورهای مشترک‌المنافع امپراطوری‌های هخامنشی داشته‌اند. در دوران پارسیان و ساسانیان، این جوامع به صورت فدراتیو در کنار یکدیگر زیسته‌اند. در دوران خلفای عباسی و حکومت‌های سامانی، سلجوقی، غزنوی و تا دوران صفوی نیز، این کشورها جزئی از یک سرزمین واحد بوده‌اند.

از نظر فرهنگی: سابقه تاریخی بیش از دو هزار سال و کنش‌های متقابل بین جوامع ساکن در نواحی قفقاز - آسیای مرکزی با جوامع ساکن در نجد ایران، وحدت فرهنگی عمیقی با مشترکات زیاد را به وجود آورده است. بین ایران، تاجیکستان و بخش‌هایی از ازبکستان، اشتراک زبانی وجود دارد. جمهوری

آذربایجان در کنار ایران، یکی از معدود کشورهای شیعه جهان است و شهرهایی نظیر بخارا، بلخ، مرو، سمرقند، خیوه و خوارزم، همواره از مراکز مهم فرهنگ و تمدن فارسی و اسلامی بوده‌اند و سنتها و آداب مشترکی در این نواحی وجود دارد.

از نظر جغرافیایی: تمامی کشورهای مسلمان شوروی سابق، در نواحی محصور در خشکی واقع شده‌اند و دسترسی به آبهای بین‌المللی، از دیر باز، مسأله مهمی در خارج شدن از انزوای اقتصادی و پیوند با جامعه جهانی برای این کشورها محسوب می‌شده است.

ایران، با قریب به دو هزار کیلومتر مرز آبی در خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان، تنها کشور در آسیای مرکزی و غربی با امکان دسترسی وسیع به آبهای آزاد است و می‌تواند نقش مهمی در خروج از انزوای ارتباطی این کشورها ایفا کند. به علاوه منابع غنی طبیعی و معدنی ایران و کشورهای منطقه می‌تواند عاملی برای ایجاد همکاری‌های فنی و اقتصادی بین آنها گردد. این تمایل به همکاری‌های متقابل، بعد از فروپاشی شوروی، همواره بین کشورهای این منطقه و ایران وجود داشته است. ایران تا به حال موافقتنامه‌های همکاری دو جانبه و چند جانبه‌ای با قزاقستان (۱۹۹۱)، ترکمنستان، ارمنستان (۱۹۹۵) و تقریباً تمامی کشورهای مورد بحث امضا کرده است. زمامداران منطقه به اینکه ایران از طریق خلیج فارس، پل اصلی ارتباط آسیای مرکزی با دنیای خارج است، معترف هستند. مشترکات تاریخی، فرهنگی، جغرافیایی و اقتصادی کشورهای این منطقه، می‌تواند منشا و زمینه پیدایش بازار مشترک کشورهای مستقل و مشترک‌المنافع منطقه گردد. این بازار مشترک در منطقه‌ای همگن برای تمامی کشورهای منطقه، فرصتی فراهم خواهد آورد تا با ارائه امکانات و محصولات خود، به رفع نیازهای یکدیگر بپردازند و مکمل یکدیگر شوند و با تعیین نیازهای غیر قابل تأمین در منطقه، موضوع و زمینه مشارکت با سایر جوامع را تشخیص دهند و همکاری‌های سازمان‌یافته و هدفمندی با سایر کشورهای جهان برقرار سازند. این خط مشی، امکانی را فراهم می‌کند تا این کشورها با اطمینان خاطر بیشتری به قرن بیست و یکم پای نهند.

در ژرفای ژئوپلیتیک جنوبی کشور، به رغم اعتقادات مشترک مذهبی با کشورهای عربی منطقه، تفاوت‌های فرهنگی و اختلافات سیاسی فاحشی وجود دارد و از این رو، تنها باید ایجاد یک بازار مشترک منطقه‌ای را هدف قرار داد.

از آنجا که کشورهای منطقه به ضرورت توسعه صنعت، به عنوان جایگزینی برای دوران پس از پایان نفت پی برده‌اند، صنعتی شدن کشور، ارتقای سطح تکنولوژی و توسعه تحقیقات و نوآوریهای فنی، می‌تواند قابلیت کشور را برای رفع نیازهای تکنولوژیک این منطقه افزایش دهد. به علاوه قابلیت گسترده منابع کشاورزی در ژرفای شمالی، این امکان را ایجاد می‌کند که در قالب گروه‌بندی منطقه‌ای ذکر شده در قسمت پیشین، تولید طیف وسیعی از نیازهای غذایی کشورهای جنوبی را به عهده بگیرد. این سیاست امکان ارتباط قویتری بین دو منطقه ذکر شده در شمال و جنوب کشور، بر محور نقش منطقه‌ای ایران فراهم خواهد ساخت. در اینجا به یک گزینه قابل انتخاب در چارچوب این سناریو، اشاره می‌شود.

واقعیت یافتن خطوط جدید لوله‌های نفت و گاز میان دریای خزر و خلیج فارس، همراه با شبکه لوله‌های موجود نفت و گاز ایران، ارتباط میان دو انبار بزرگ انرژی دنیا از راه ایران را، واقعیت بیشتری خواهد داد. به منظور ارتباط دادن ژرفای ژئوپلتیک شمالی به ژرفای ژئوپلتیک جنوبی به معنی واقعی، ایران می‌تواند هر یک از بنادر کوچک خود را در خلیج فارس، به هر یک از کشورهای محاصره شده در خشکی منطقه‌های قفقاز، خزر و آسیای مرکزی، به منظور استفاده ویژه و خود مختارانه آنها، در چارچوب حاکمیت ملی و قوانین ایران، اختصاص دهد. امکان این اقدام در کنوانسیون ۱۹۸۲ سازمان ملل، در زمینه «دسترسی و حق عبور» پیش‌بینی شده است و اجرای آن، نه تنها شمار کشورهای غیر عربی خلیج فارس را به دو برابر رسانده و تعداد بیشتری از کشورهای تازه را در خلیج فارس درگیر می‌سازد، بلکه به کشورهای موجود عربی در منطقه نیز، امکان دسترسی و مشارکت مستقیم در تلاشهای منطقه خزر - آسیای مرکزی را می‌دهد.

چنین اقدامی، نقش محوری در منطقه و در دنیای ژئوپلتیک نفت و گاز، دهه‌های نخستین قرن بیست و یکم را از آن ایران خواهد ساخت و زمینه را برای تشکیل یک گروه‌بندی منطقه‌ای بسیار پر اهمیت آماده خواهد کرد. گروه‌بندی منطقه‌ای، از مقامی والا در نظام ژئوپلتیک فرآیندها برخوردار می‌باشد و یک موقعیت بسیار مهم خواهد بود که هیچ کشوری در همسایگی ایران، یارای نادیده انگاشتن آن را نخواهد داشت.

دوم - سناریوی کارگزاری توسعه کشورهای منطقه

در این سناریو، کشور نقش مرکزی در فرایند توسعه منطقه ایفا خواهد کرد و پایگاهی برای استقرار سطوح بالای خدمات فنی، ستادی و مدیریتی مورد نیاز توسعه منطقه خواهد شد. مبنای منطقی طرح این سناریو، مرکزیت مکانی کشور در جغرافیای منطقه، وجود مراکز جمعیتی بالنسبه توسعه یافته، امکانات زیربنایی و ارتباطی گسترده، و نیروی انسانی متخصص و ماهر کشور می باشد. این سناریو زمانی موضوعیت پیدا می کند که یک عدم تمایل درونی و یا موانع بیرونی، محدودیتهایی را برای مشارکتهای سازمان یافته با کشورهای منطقه به وجود آورد.

در چنین شرایطی، باتوجه به اینکه الگوها و مناسبات توسعه اقتصادی کشورهای همسایه و نوع مداخله و مشارکت قدرتهای صاحب سرمایه و فناوری در منطقه، تأثیر مستقیمی بر منافع ملی خواهد گذاشت، قطعاً اتخاذ یک موضع فعال و تأثیر گذار، بر حاشیه‌ای شدن در روند تحولات اقتصادی منطقه، ارجحیت خواهد داشت.

این سناریو می تواند ترکیبی از گزینه‌های مختلف باشد که برخی از مهم‌ترین مضامین آن عبارتند از:

- مرکزیت ارائه خدمات پشتیبانی مورد نیاز در فرایند توسعه کشورهای پیرامون: برخی از تحلیلگران به مزیت نسبی ایران در مقایسه با کشورهای شمالی منطقه، از نظر تجربه بخش خصوصی و وجود یک طبقه تجاری اشاره کرده‌اند، که در صورت پیوند با روابط تاریخی ایران و مناطق آسیای مرکزی و قفقاز، به طور بالقوه می تواند نقش فعالی در تحولات اقتصادی منطقه ایفا نماید و با بهره‌گیری مناسب از ویژگی‌های جغرافیایی و موقعیت کشور از سایر رقابیش در منطقه پیشی گیرد. شرط اصلی در این امر، نوسازی و مدرن کردن این شبکه است تا بتواند کشور را به عنوان مرکزیت پشتیبانی توسعه منطقه، در تأمین خدمات اداری و مالی مطرح نماید.

در این گزینه، باید شرایط و جاذبه‌هایی که بتوانند ایران را به عنوان مناسب‌ترین جایگاه برای استقرار مراکز ستادی و دفاتر مؤسسات بین‌المللی معرفی کنند، در نظر داشت. این گزینه، ناظر بر ایجاد تجهیزات اداری و ارتباطی پیشرفته، توسعه سیستم‌های پولی و بانکی نوین، بازارهای بورس و سرمایه، خدمات مالی، بیمه، حسابداری و بازاریابی، امکانات اقامتی مناسب و طیف وسیعی از خدمات برتر، با مشخصه‌های قابل رقابت در سطح جهانی می باشد.

اثرات فضایی این گزینه، تقویت مراکز انتخابی برای ارتقا به سطح مرکزی با امکانات و تجهیزات مناسب، جهت ایفای نقش بین‌المللی و ارائه عملکردهای برتر خدماتی می‌باشد.

- مرکزیت انتقال فناوری و مدیریت در بهره‌وری از منابع منطقه: با در نظر گرفتن چشم‌انداز توسعه در این منطقه، بدون تردید، سطح گسترده‌ای از فناوری‌های مناسب برای بهره‌برداری از منابع و امکانات کشورهای منطقه، مورد نیاز می‌باشد. بر این اساس، کشور با توجه به موقعیت مکانی و زیرساخت‌های صنعتی و فنی و منابع انسانی خود، می‌تواند یک جهش جدی در ارتقای سطح فناوری، در زمینه‌هایی که متناسب با توانایی و امکانات بالقوه کشور است را هدف قرار دهد و با شناخت نیازهای منطقه، شرایط مناسبی برای مشارکت با صاحبان فناوری در جهان فراهم آورد، تا بتواند سطح فناوری کشور را به حدی رساند که قابل انتقال به کشورهای همسایه باشد. این گزینه ناظر بر توسعه و تجهیز مراکز تحقیقاتی و پژوهشی و فعالیت مؤسسات علمی و گسترش روابط آنها با مراکز تحقیقاتی و علمی جهان است.

همان طوری که از مضامین گزینه‌های فوق برمی‌آید، شرایط اصلی در تحقق این سناریو، در وهله اول عزم و اراده ملی، بعد توانایی در تعامل با قدرتهای صاحب فناوری و بالاخره حمایت کشورهای منطقه است. فرض بر این است که برخورد هوشمندانه و حرکت منطقی در پیشبرد این سناریو، کمتر با موانع و مخالفت جدی قدرتهای اقتصادی مواجه خواهد شد و ایفای چنین نقشی برای کشوری در سطح و موقعیت ایران پذیرفتنی است.

انتخاب نهایی گزینه‌های این سناریو، باید بر اساس تحلیل عواملی نظیر قابلیت پذیرش اجتماعی، هزینه‌ها و فواید هر گزینه صورت پذیرد. حوزه جغرافیایی این سناریو می‌تواند کشورهای منطقه با اولویت جمهوریهای آسیای مرکزی، قفقاز و کشورهای خلیج فارس باشد.

سوم - سناریوی استفاده از فرصتهای منطقه‌ای

این سناریو، تنها به استفاده از فرصتهایی که تحولات سیاسی و اقتصادی منطقه فراهم ساخته و خواهد ساخت، بسنده می‌کند و سیاست تعمیق همکاری‌های مشترک و یا همگرایی اقتصادی را تعقیب نمی‌کند. این سناریو برای شرایطی است که بر اساس یک اراده درونی برخاسته از منافع ملی و یا براساس محدودیتهای برون، ایفای نقش منطقه‌ای برای کشور، محدود و غیر عملی باشد.

به دنبال تحولات سیاسی چند سال اخیر در کشورهای مشترک‌المنافع، به طور طبیعی مجموعه‌ای از روابط و فعالیت‌های اقتصادی، بین مراجع رسمی، غیر رسمی و اقتصادی - سیاسی کشور، با کشورهای منطقه برقرار شده است. بخش قابل ملاحظه‌ای از این فعالیتها، نه از محدودیت‌های بیرونی اعمال شده برای حضور فعال ایران در منطقه، تأثیر پذیرفت و نه از سوی یک سیاست منسجم و سازمان یافته داخلی حمایت شد. این سناریو در واقع دربرگیرنده مجموعه‌ای از گزینه‌هایی است که یا از واقعیت‌های مسلم جغرافیایی ایران نشأت می‌گیرند و یا از فعالیت‌های خود جوش بخش خصوصی، که انواع مهم آن به شرح زیر می‌باشند:

- ارائه امکانات، تجهیزات، خدمات ارتباطی و مبادلاتی مورد نیاز کشورهای منطقه، برای پیوند با یکدیگر و یا بازارهای جهان: مبناى منطقی طرح چنین گزینه‌ای، مزیت‌های ناشی از موقعیت جغرافیایی ممتاز کشور، همجواری با کشورهای محصور در خشکی و برخورداری از مرزهای گسترده دریایی در حاشیه دریای خزر، سواحل خلیج فارس و دریای عمان به طور مستقیم و نزدیکی با آبراه‌های مهم بین‌المللی نظیر دریای سیاه، دریای احمر و دریای مدیترانه (کانال سوئز) می‌باشد.

همان طوری که در سناریوی اول اشاره شد، ایران در مرکزیت منطقه‌ای قرار گرفته است که خود در مرکز بخش وسیعی از جهان، یعنی بین قاره‌های آسیا، اروپا و آفریقا واقع شده است. در چشم‌انداز یکپارچگی اقتصاد جهان و گسترش مبادلات بین‌المللی در آینده، ایران در مرکزیت شبکه وسیعی از محورهای ارتباط زمینی و راه آهن، شاهراه‌های حمل و نقل دریایی و دالان‌های پروازی قرار دارد. در این گزینه، با توجه به چشم‌انداز مبادلات اقتصادی منطقه‌ای و جهانی، کریدورهای (دالان‌های) اولویت‌دار در ایجاد ارتباط بین ژرفای شمالی، جنوبی، شرقی و غربی جغرافیای اقتصادی منطقه را باید تشخیص داد و بر اساس آن، محورها و مسیرهایی که در داخل مرزهای کشور منطبق و یا مرتبط با آنها می‌باشد را شناسایی نمود و از طریق تقویت محورها، تجهیز مبادی ورودی و خروجی، مراکز تخلیه و نگهداری کالا و ارائه خدمات و تجهیزات مورد نیاز تردد و مبادله کالا با استانداردهای بین‌المللی، امکان ایفای چنین نقشی را برای کشور فراهم نمود.

در این گزینه، با توجه به نیازهای متقابل بازارها به یکدیگر، می‌توان به طور گسترده‌ای از امکانات و منابع کشورها و بازارهای ذی‌نفع، برای تأمین منابع مالی مورد نیاز توسعه شبکه‌ها و خدمات، بهره جست.

در این سناریو، یکی از گونه‌های این گزینه، تخصیص برخی از مبادی ورودی کشور به کشورهای محصور در خشکی منطقه، برای وصل شدن به شبکه‌های ارتباطی جهان می‌باشد. این قابلیت، موجب پیوند منافع ملی با کشورهای منطقه و تعمیم مقوله امنیت ملی به امنیت منطقه‌ای به عنوان یک خواست عمومی در منطقه می‌گردد.

این گزینه‌ها با توجه به واقعیت‌های جغرافیایی منطقه، بدیهی‌ترین و تردید ناپذیرترین انتخاب برای نقش‌پذیری کشور در فرایند توسعه مورد انتظار در منطقه است و به دلیل نیاز کشورهای منطقه و متقابلاً کشورهای خارج از منطقه به موقعیت جغرافیایی کشور، از پذیرش و حمایت وسیعی برخوردار خواهد شد و پیش شرط‌های بیرونی، در آن اهمیت تعیین کننده نخواهند داشت.

در این گزینه، توسعه محورهای ارتباطی و تحرک آنها، قابلیت مضاعفی برای توسعه صنایع و تولیدات داخلی فراهم خواهد ساخت و از تأثیر جنبی آنها باید به امکان شکل‌گیری مناطق صنعتی، مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در حاشیه این محورها اشاره کرد.

- تأمین کننده نیاز بازارهای منطقه به کالاهای مصرفی: فرض این گزینه آن است که در صورت رشد اقتصادی کشورهای منطقه و توزیع متناسب درآمدهای ناشی از آن، سطح تقاضا برای تولیدات مصرفی و خدماتی افزایش خواهد یافت.

مبانی منطقی این گزینه، ویژگی ساختار اقتصادی کشورهای منطقه خصوصاً در جمهوری‌های تازه استقلال یافته آسیای مرکزی و قفقاز می‌باشد که به لحاظ میراث تقسیم کارهای تخصصی به جا مانده از دوران عضویت در اتحاد جماهیر شوروی، قادر به تأمین بسیاری از نیازهای اولیه خود نمی‌باشند و بسیاری از ظرفیتهای صنعتی لازم، در آنها ایجاد نشده است. از طرف دیگر نیز طیف وسیعی از تولیدات کشور، در حال حاضر مورد تقاضای کشورهای منطقه است و با یک جهت‌گیری ارادی و حمایت جدی، می‌توان بازارهای منطقه را به عنوان بازار هدف برای گسترش طیف تولیدات فوق انتخاب نمود.

این گزینه نیز باید بر اساس اطلاع از نیازها و تواناییهای کشورهای منطقه و مقایسه آن با امکانات و ظرفیتهای تولیدی در کشور، قالب واقعی و عملیاتی خود را بیابد و می‌تواند مقدمه‌ای برای ورود به بازارهای گسترده‌تر کشورهای در حال توسعه باشد که کالاهای مصرفی ارزان و تولید شده با فناوری‌های متوسط، تناسب بیشتری با توانایی اقتصادی آنها دارد. توجه به این که در رقابت قدرتهای صاحب فناوری

و سرمایه، توجه کمتری به تقاضای گسترده سطوح پایین جوامع در حال توسعه می‌شود، اهمیت این گزینه را بیشتر نمایان می‌کند و ضرورت هدف قرار دادن بازارهای متوسط و بالنسبه کم توان را توجیه می‌کند. این گزینه باید با تمهیدات لازم از نظر حفظ رشد سطح فناوری توأم شود تا گسترش آن در دراز مدت موجب تنزل توانایی حضور در بازارهای جهانی پیشرفته‌تر نشود.

این گزینه برای شرایطی که عرصه حضور فعال در منطقه محدود شود نیز قابلیت انتخاب خود را حفظ می‌کند، زیرا طی سالهای گذشته نیز این روابط به طور طبیعی جریان داشته است و پی‌آمد آن، سازماندهی مراکز و مجتمع‌های تولیدی - صنعتی در مناطقی است که از نظر فاصله، صرفه اقتصادی و از نظر زیربنایی، آمادگی لازم را داشته باشند.

- تأمین نیروی انسانی کمی و کیفی و صادر کننده خدمات تخصصی مورد نیاز کشورهای منطقه: توسعه کشورهای منطقه، فرصتهای اشتغال زیادی را برای بازارهای کار اطراف فراهم خواهد کرد، که مقصدی برای مهاجرت مازاد نیروی کار داخلی به آنها خواهد شد. تأمین نیروی انسانی از نظر کیفی، فرصت مناسبی است تا متخصصان و فن‌آوران کشور، که در مقایسه با کشورهای منطقه از نظر کمی و کیفی دارای مزیت نسبی و رقابتی می‌باشند، در این عرصه به فعالیت بپردازند. در حقیقت، توان و ظرفیت مهندسی کشور در ساخت تأسیسات فنی و زیربنایی به طور قابل قبولی با نیاز کشورهای منطقه، تناسب دارد که می‌تواند موجب اشتغال و تحرک بیشتر نیروهای متخصص، بسط ظرفیت اجرایی کشور و صدور خدمات فنی و تخصصی شود.

از جنبه دیگر، ظرفیتهای صنعتی تولید مصالح و ذخایر و معادن مربوط و امکانات اجرایی کشور، به‌نحوی است که با در نظر گرفتن عامل فاصله، هزینه حمل و نقل و سایر عوامل اجرایی، مزیت بیشتری برای کشور در رقابت با سایرین تلقی می‌شود.

علاوه بر ظرفیت مهندسی، طیف وسیعی از خدمات تخصصی در بخشهای مختلف مالی، درمانی، آموزشی و مدیریتی، از قابلیت فعال شدن در این عرصه برخوردار هستند.

این گزینه با توجه به مسأله تفاوت برابری نرخ ارز خارجی، دستمزد عوامل اجرایی و هزینه مصالح و مواد اولیه، از پشتوانه منطقی بالایی برخوردار است که با توجه به ارزش افزوده خدمات مذکور و وابستگی آن به نیروی انسانی، مصالح و دانش فنی موجود در کشور، به عنوان یک گزینه جدی تلقی می‌شود.

پیش‌نیاز این سناریو، حمایت‌های لازم و سازماندهی مناسب نیروهای داخلی برای کارایی و اثربخشی بیشتر، با توجه به صرفه‌های اقتصادی و دستاوردهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن است که قطعاً از دیدگاه منافع ملی کشور، مثبت ارزیابی می‌شود.

در نظریه پایه توسعه ملی، تأکید بر آن است که در صورت انتخاب این سناریو، هر یک از گزینه‌های تشکیل دهنده آن، باید به عنوان پروژه‌های از برنامه استفاده از فرصت‌های مستقیم توسعه منطقه‌ای تلقی شوند.

گرچه پیش‌بینی می‌شود که بخش عمده‌ای از این فعالیتها ناظر بر عملکرد بخش غیر دولتی باشد، لیکن تأکید بر عنوان برنامه به این دلیل است که کلیه هدف‌گذاری‌ها، سیاست‌گذاری‌ها، ارزیابی‌ها، برآوردها، محاسبات، تعیین اولویتها، تشخیص عملیات و سازماندهی‌های اجرایی، باید از دقت و کنترل متناسب با مفهوم یک برنامه برخوردار باشند.

حوزه جغرافیایی این سناریو می‌تواند تمامی کشورهای منطقه باشد.

نتیجه‌گیری در خصوص انتخاب سناریوی مطلوب

انتخاب هریک از سناریوهای فوق، تبعات فضایی خاص خود را دارد و تأثیر مستقیمی بر آمایش سرزمین بر جای می‌گذارد. به عبارت دیگر، هریک از این سه سناریو به سازمان فضایی خاص خود می‌انجامد.

ممکن است در وهله اول، تلقی شود که می‌توان با نگرش مرحله‌ای، تلفیقی از سناریوهای فوق را توجیه کرد. مثلاً «سناریوی استفاده از فرصت‌های منطقه‌ای» برای کوتاه مدت با «سناریوی کارگزاری توسعه کشورهای منطقه» برای میان مدت و «سناریوی محوریت تشکیل یک اتحادیه منطقه‌ای» برای دراز مدت انتخاب شوند.

گرچه ظاهر این انتخاب، منطقی به نظر می‌رسد، لیکن کارایی آن باید با سرعت روند تحولات جهانی ارزیابی شود. اگر تاریخ، چنین فرصتی را در اختیار می‌گذارد، نگرش مرحله‌ای قابل بررسی است و در غیر این صورت، باید انتخاب شفاف و قطعی را انجام داد.

بر اساس بررسیهای بخش اول این گزارش، ژرفای شمالی و جنوبی نسبت به ژرفای شرقی و غربی ژئوپلیتیک کشور، از منطق بیشتری برای توسعه همکاریهای منطقه‌ای، حداقل در قالب گروه‌بندی منطقه‌ای، برخوردار می‌باشند. با استفاده از موقعیت مناسب کنونی برای تنظیم روابط بین دو حوزه جغرافیایی رو به رشد و مورد توجه سرمایه‌گذاری جهان، می‌توان با گسترش ارتباطات با جهان بیرون، متناسب با امکانات و موقعیت، کشورهای منطقه را نیز تحت تأثیر قرار داد. همکاریهای اقتصادی، علاوه بر آن که توانایی کشورهای منطقه را از طریق کنار هم قرار دادن قابلیتها و استعدادهای آنها، افزایش خواهد داد و شرایط مطمئن‌تری در فرایند یکپارچه شدن اقتصاد جهانی برای آنها به ارمغان خواهد آورد، به گسترش امنیت و صلح در منطقه نیز می‌انجامد. این امر باعث می‌شود تا منابع زیادی که کشورهای منطقه برای مقابله احتمالی با یکدیگر، صرف هزینه‌های نظامی می‌نمایند، در مسیر توسعه و بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی منطقه خرج کنند.

لازم به تذکر است که بحث توسعه مناسبات اقتصادی با کشورهای منطقه، تنها به قلمروهای اشاره شده محدود نمی‌شود. طبیعی است با توجه به قرابت اقوام ساکن در مناطق مرزی کشور با اقوام کشورهای همسایه، برای مقابله احتمالی با یکدیگر، فرصتهای مناسبی برای تقویت مبادلات مرزی و همکاریهای اقتصادی در تمامی مناطق مرزی و بهره‌گیری از اثرات جنبی آن، وجود دارد. انتخاب گزینه‌هایی نظیر آنچه در سناریوهای دوم و سوم آمد، مغایرتی با نتیجه‌گیری فوق ندارد و حتی چنانچه نتایج مطالعاتی که ذیلاً پیشنهاد می‌شود، طرح انتخابی را تردیدپذیر سازد، زمینه مساعد و گسترده‌ای برای انتخاب گزینه‌های طرح شده در سناریوهای دوم و سوم وجود دارد. برای تحقق چنین نقشی، لازم است تا مطالعه یک سند توسعه منطقه‌ای در قلمرو اشاره شده، پیشنهاد شود.

مطالعه امکانات و منابع منطقه برای رسیدن به یک دیدگاه واقع بینانه و هدف‌مند از فعالیتهای اقتصادی محتمل در منطقه و مقیاس و محتوای توسعه اقتصادی و اجتماعی قابل انتظار، درک ما را نسبت به منطقه افزایش می‌دهد. چنین درکی به عنوان یک مرجع برای تشخیص مجموعه وسیعی از سیاستها و اقدامهایی که در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و محیطی برای تأمین منافع کشورهای منطقه ضروری است، می‌تواند به کار رود. بر اساس این شناخت، فرصتهای سرمایه‌گذاری

اولویت‌بندی می‌شوند و امکان برخورد مسلط و آگاهانه‌تر تصمیم‌گیران با مراجع تأمین منابع و فناوری، فراهم خواهد شد.

این دیدگاه می‌تواند زمینه ایجاد تفاهم و وحدت بین دولتهای منطقه باشد و امکان تشخیص ارجحیت‌ها را در تعیین مراجع تأمین فناوری و سرمایه، برای تصمیم‌گیران فراهم آورد و ویژگی‌های هویت نوین منطقه‌ای، بر اساس آن تعریف و تبیین می‌شود.

برای کشوری نظیر ما که در مرکزیت چنین منطقه‌ای قرار دارد - با توجه به اصل اثرپذیری و اثرگذاری مناطق مرکزی از مناطق پیرامون - حتی در صورت عدم همکاری کشورهای منطقه، دستاوردهای این سند به منزله ابزار اصلی پیش‌بینی و اثرگذاری بر روند توسعه اقتصادی و تحولات اجتماعی - سیاسی منطقه تلقی خواهد شد و قدرت ما را در اتخاذ یک سیاست خارجی هدفمند و مناسب افزایش می‌دهد.

◀ سیاست کلان آمایش سرزمین در نظریه پایه توسعه ملی

سیاست کلان آمایش سرزمین، باید با توجه به سه مقوله «اصول آمایش سرزمین»، «تحلیل سازمان فضایی» و «اثرات فضایی و منطقه‌ای نظریه پایه توسعه ملی» تعیین شود. اصول آمایش سرزمین، قبلاً طرح، و طی مراحل تهیه برنامه سوم توسعه، در شورای فراهی آمایش سرزمین بررسی و مورد تصویب قرار گرفت.

در بخش قبلی، فزاینده‌ای از نظریه پایه که بر بحث آمایش سرزمین اثر می‌گذارد مورد بحث قرار گرفتند. در اینجا به اثرات یافته‌های اصلی آن در تعیین سیاست کلان آمایش سرزمین پرداخته می‌شود. با توجه به نتایج کلی تحلیل سازمان فضایی و با در نظر گرفتن اصول آمایش سرزمین و همچنین نتایج فضایی نظریه پایه توسعه ملی، سیاست کلان آمایش سرزمین به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

◀ جهت‌گیری‌های کلان آمایش سرزمین، بر اساس نظریه پایه توسعه ملی

- گسترش و تجهیز کریدورهای ارتباطی با عملکرد فرا ملی و مراکز جمعیتی مستقر در آنها، برای استفاده از مزیت‌های موقعیت جغرافیایی و قابلیت‌های ترانزیتی کشور

- پیش‌بینی مراکز جمعیتی، با امکان عملکردهای فرا ملی و بین‌المللی، برای تقویت نقش منطقه‌ای کشور
- تقویت ظرفیتهای تولیدی در صنایع مورد تقاضای منطقه، در نواحی و مکانهای متناسب با بازارهای مصرف آنها
- پیش‌بینی مراکز صنعتی مناسب برای تجهیز به خدمات تحقیقاتی و فناوری، به منظور افزایش قابلیت کشور در ایفای نقش مرکزیت فناوری در منطقه
- تعیین و آماده‌سازی مسیرهای انتقال انرژی دریای خزر و نواحی شرقی آن، تا مبادی خروجی غربی، جنوبی و شرقی
- تجهیز شبکه انتقال انرژی داخل کشور، به همراه افزایش قابلیت هر چه بیشتر ایفای نقش انتقال انرژی کشورهای منطقه، از طریق معاوضه SWAP در راستای بهره‌برداری هر چه بیشتر از موقعیت ممتاز جغرافیایی کشور
- تجهیز مراکز جمعیتی و صنعتی، توسعه ظرفیتهای زیربنایی و تخصیص نواحی خاص در پایانه‌های دریایی کشور متناسب با نیازهای ناشی از امر بهره‌برداری مناسب از منابع معدنی
- تعیین مناطق آزاد و ویژه اقتصادی (در صورت نیاز) و انتخاب نقشهای تخصصی برای این مناطق، بر حسب اهداف و نیازهای ناشی از توسعه همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

◀ جهت‌گیری‌های آمایش سرزمین با توجه به تحلیل سازمان فضایی و اصول آمایش

سرزمین

با در نظر گرفتن تفاوت‌های عمده‌ای که بین دو منطقه «شمال و غرب» (یعنی حاشیه‌ها و دامنه‌های دو سلسله جبال البرز و زاگرس و دشتهای ساحل دریای خزر) و منطقه «شرقی و جنوبی» (شامل دشتهای مرکزی و جنوبی، سواحل دریای عمان و خلیج فارس و نوار شرقی کشور) از لحاظ تراکم جمعیت، سطح برخورداری از شبکه‌ها، تجهیزات زیربنایی و ظرفیتهای تولیدی وجود دارد، جهت‌گیری کلی آمایش به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

- در منطقه اول، آمایش درونی با تأکید بر افزایش ظرفیتهای تولیدی، به جهت حداکثر استفاده از ظرفیتهای زیربنایی و خدماتی موجود و در منطقه دوم، گسترش سازمان فضایی با تأکید بر تجهیز زیربناها و توسعه خدمات، برای تحرک بخشیدن به منابع غنی و بالنسبه بهره‌برداری نشده آن

- در منطقه اول، با توجه به حجم بالای جمعیت این منطقه و افزایش قابل ملاحظه آن در بیست و پنج سال آینده، شکل‌گیری مراکز جمعیتی جدید و ارتقای مقیاس مراکز جمعیتی موجود، اجتناب ناپذیر خواهد بود. در توسعه فضایی منطقه اول، در قلمروهایی که تعدد و نزدیکی مراکز اجازه دهد، اولویت با توسعه گسترده و یا توسعه خطی، نسبت به توسعه قطبی و متمرکز می‌باشد.

- الگوی پیشنهادی توسعه فضایی برای منطقه دوم، با توجه به تراکم پایین و پراکندگی مراکز جمعیتی، توسعه قطبی یا کانونی با هدف گسترش حوزه‌های نفوذ و ایجاد تحرک بیشتر در نواحی پیرامونی می‌باشد.

افزایش ارتباط بین این کانونها، زمینه تحرک بیشتر اقتصادی در محورهای رابط آنها را فراهم می‌سازد. بر اساس جهت‌گیری‌های مطرح شده، خطوط کلی آمایش سرزمین در دو منطقه فوق به طور هم‌زمان و به تفکیک زیر توصیه می‌شود:

الف: مناطق پر تراکم شمال و غرب کشور

- ۱- استفاده از مازاد ظرفیتهای زیربنایی، در قلمروهایی که از «بیشترین برخورداری» و «برخورداري زياد» بهره‌مند هستند، بانیست صرفه‌جویی در میزان و تسریع در بازدهی سرمایه‌گذاری‌ها، اولویتهای مکانی در قلمروهای مذکور، پس از بررسیهای میدانی نتایج مطالعات تفصیلی تعیین خواهند شد.
- ۲- تقویت زیربناهای مناطق «با برخورداري متوسط» و «نسبتاً محدود» در مواردی که بهره‌برداری از قابلیت‌های تولیدی و خدماتی ایجاب نماید.
- ۳- تجهیز مناطق «با برخورداري محدود» و «فاقد برخورداري» در مواردی که نگهداشت جمعیت به دلایل «دفاعی و امنیتی»، «زیست محیطی»، «حراست از میراث فرهنگی» و «خروج از انزوای نواحی محروم دارای قابلیت توسعه» ایجاب نماید.

- ۴- محدودیت توسعه مراکز زیست، در مناطقی که از نقطه نظرهای «امنیتی و دفاعی»، «حفاظت از محیط زیست» و «حراست از میراث‌های فرهنگی»، گسترش اسکان جمعیت و استقرار فعالیت در آنها توصیه نمی‌شود.
- ۵- مقیاس و نحوه استقرار فعالیتهای صنعتی در نواحی یاد شده، با توجه به «اصول کارایی و بازدهی اقتصادی» و توجه به اصل «تقسیم کار بین مناطق بر اساس تخصصهای منطقه‌ای» و الزامات مربوط به «سازماندهی فرایندهای توسعه صنعتی» خواهد بود.
- ۶- نوع و نحوه استقرار فعالیتهای خدماتی در مراکز جمعیتی، به طور کلی بر اساس رتبه هر مرکز در نظام سلسله مراتب خدماتی پیشنهادی می‌باشد. در الگوهای توسعه محوری و گسترده، نحوه توزیع فعالیتهای خدماتی، بر حسب مورد مشخص خواهد شد.

ب: مناطق کم‌تراکم شرق و جنوب کشور

- ۱- تقویت مراکز جمعیتی کرمان، شیراز، بندرعباس، بوشهر و زاهدان، به منظور ایجاد کمربندی از قطبهای توسعه در نوار جنوب کشور، باتوجه به چشم‌انداز بهره‌برداری از منابع انرژی حوزه جنوبی و ذخایر معدنی دشتهای مرکزی و جنوبی سرزمین
- ۲- تقویت مراکز به عنوان کانونهای توسعه برای تقویت و تحرک بیشتر اقتصادی آنها (به‌عنوان مثال چابهار، ایرانشهر، زابل، بیرجند، بم، سیرجان، جیرفت، رفسنجان، کنگان، بندرلنگه، میناب و ...)
- ۳- انتخاب نقاط استراتژیک (نظیر جاسک و ...) جهت تسریع و بسط توسعه در نواحی دور افتاده و حاشیه‌ای در سواحل جنوب، با قابلیت تحرک در شبکه‌های ترانزیتی نواحی شرقی و جنوبی کشور
- ۴- مقیاس و نحوه استقرار فعالیتهای صنعتی در این مناطق، قابلیت‌های معدنی، امکانات صادراتی و چشم‌انداز شبکه‌های ارتباطی با عملکرد بین‌المللی خواهد بود.

- ۵- نوع، مقیاس و نحوه استقرار فعالیتهای خدماتی در این مراکز، بر اساس رتبه هر مرکز در نظام پیش‌بینی شده سلسله مراتب خدماتی بوده و ارتقای سطح خدمات این مناطق به رده‌های بالاتر قابل بررسی است.
- ۶- تقویت جمعیت در مرکز سواحل خلیج فارس و دریای عمان باتوجه به چشم‌انداز توسعه صنایع انرژی و ظرفیتهای بازرگانی

چشم انداز قدرت بین المللی ایران

◀ مقدمه

این چشم‌انداز بر چند فرضیه اساسی استوار است. اولین مفروضه این است که قدرت خوب است و یکی از تجلیات روحی خدایی در انسان برای آفرینش است.

دومین فرضیه این چشم‌انداز، مربوط به نهاد ویژه ملت - دولت است. ملت - دولت نهادی است برای قدرتمند نمودن انسان در جهت تحقق اراده او. به این معنا، انسان تنها موجودی است که از طرف ذات اقدس، به خلافت خویش برگزیده شده است. تحقق خلافت خدا، بدون قدرت و با بسیج توده‌های مستضعف، یا نیروهای صرفاً فضیلت‌خواه و نابهنگام سنتی، و بدون کسب توان لازم، ممکن نیست. مفهوم ملت - دولت معرف نهادی است که به وسیله ملت تأسیس می‌شود، تا از منظر محافظه‌کاران امنیت او را تأمین کند، و از دید اصلاح‌طلبان به او قدرت بخشد. کارگزاران این نهاد، افراد قدرت‌ساز هستند. داروینسیم با تک‌بعدی در جریان تحولات، به «شایسته‌سالاری» در دولت رای می‌انجامد، و در نتیجه، هم دولت را جایگزین نهاد دین می‌کند، و هم در عمل به حذف نیروهای نابهنگام سنتی و ناتوان مستضعف دست می‌زند. در حالی که از منظر یک مسلمان و یا هر انسان آزاده و عدالت‌خواه، شایسته‌گرایی معیار قرار می‌گیرد نه شایسته‌سالاری. در نتیجه گرچه ملت، معرف جمعیت با قدرت است (بر خلاف میهن که بعد فرهنگی دارد و یا وطن که بعد جغرافیایی دارد)، اما این انسان شایسته که در قامت ملت، دولت را آفریده، قدرت را با فضایل و معنویت دینی می‌آمیزد، و از آن رو احکامش داوطلبانه با احکام فضیلتی و معنوی دین در تعارض نیست. همچنین نیروی سنتی را به محافظه‌کار و نومحافظه‌کار تبدیل می‌کند. محافظه‌کار به امنیت، و نومحافظه‌کار به سنتهای معنابخش ملی توجه دارد:

یکی وجود فیزیکی - بیولوژیکی او را، و دیگری وجود فرهنگی او را حفظ می‌کند. به علاوه، دولت را به عنوان ابزاری درمی‌آورد که مستضعفین را ابتدا به درجه امانت تخصصی در رشته‌ای خاص برساند، و سپس امام آن رشته تخصصی قرار دهد. در صورتی که اگر قدرت، تمهیداتی در اختیار بخش سنتی قرار دهد، آنان با به‌کارگیری نابه‌جای قدرت، آن را در خدمت ارزشها و منافع نابهنگام خود به کار می‌گیرند. با سلطه گروههای سنتی، فاشیسم ایجاد می‌گردد. فاشیسم پدیده‌ای نابهنگام است و از این لحاظ، قدرت را ضایع می‌کند. همچنین اگر قدرت در اختیار اعمال ارزشها و منافع بخش ناتوان و مستضعف قرار گیرد،

زمینه‌ساز بروز توتالیتریسم چپ، جهت تأمین تن‌آسودگی قشرهای ناتوان، و نابودی افراد قدرت‌ساز می‌شود. در صورتی که نهاد دولت به درستی مورد استفاده قرار گیرد، همه بخشهای جامعه به ملت تبدیل می‌شوند، و دولت به درستی در خدمت تحقق اراده ملت - و به کنترل ملت - درمی‌آید:

سنتی، به طریقی قدرت می‌گیرد و تبدیل به ملت می‌شود و مستضعف، به طریقی دیگر و عرصه دولت عرصه بازی قدرتمندان به نفع جمع ملت می‌شود. دو مفهوم دموکراسی و ناسیونالیسم عرصه بازی ملی - یعنی نهاد قدرت. در حالی که امت پایگاه رفیع تحقق حاکمیت خدایی است، از دید مسلمان، دولت پایگاه رفیع تحقق حاکمیت و اراده انسانی، البته به مشیت الهی است. بنابر این، بدون آن که به اصول اعتقادات متدین لطمه‌ای وارد شود، قدرت انسان اعمال می‌شود.

سومین مفروضه این پژوهش، تاریخی است. متأسفانه، به لحاظ بی‌توجهی رژیم گذشته، شایسته‌سالاری فنی - بوروکراتیک - اقتصادی، موجب عکس‌العملی معکوس در جمهوری اسلامی ایران شد. البته جو ایدئولوژیک چپ و سیاسی جنگ سرد هم به آن دامن زد.

به این لحاظ، جمهوری اسلامی ایران، عرصه بازی قدرت طبقات قدرت‌ستیز سنتی و مستضعف شد و در منزلت قدرتی کوچک درآمد و به طور فزاینده‌ای دچار آسیب‌پذیری داخلی و تهدیدات خارجی شد.

چهارمین مفروضه این پژوهش، فلسفی - شناختی - روشی است. این مفروضه منادی این ذهنیت فلسفی است که بین «مطلوبیت آرمانی» با «واقعیت ممکن» نوعی سازگاری تلفیقی لازم است. از لحاظ شناختی، دید توحیدی «لزوم اجتماع نقیضین» با دید منطقی کوانتائی، زمینه‌ساز این تلفیق می‌شود. در نتیجه «ممکن‌پذیر آرمانی» همراه با «آرمانهای امکان‌پذیر» شده و رهنمای دو نگرش عرفی و دینی جامعه می‌شود. در مسائل دینی، بنا به توان انسان، ارزشهای اخلاقی و دینی اعمال می‌شود، و در مسائل عرفی، باید «واقعیت ممکن» داوطلبانه، همسو با ارزشهای آرمانی باشد. در نتیجه، گرچه سیاست، اصالتاً معطوف به قدرت و در جهت تأمین نیاز عرفی جامعه است، اما با ارزشهای اخلاقی می‌آمیزد. بنابر این، ارزش مطلوب در دولت، «ممکن آرمانی است»، اما به آرمانهای ممکن نیز عنایت می‌شود.

چهارمین مفروضه این پژوهش، هشدار دهنده - و نه نا امید کننده - است. چنان که سیر تحولات تک‌بعدی گذشته ادامه یابد و به نام ارزش، واقعیت، و یا به نام واقعیت، ارزشها لطمه‌دار شوند، ایران آینده یا از لحاظ اخلاقی به انحطاط کشیده می‌شود، یا برای همیشه به حاشیه تاریخ رانده می‌شود. متأسفانه،

ایران امروز فرصت قدرت بزرگ شدن را برای حداقل قرن ۲۱ از دست داده است. اما می‌توان با تلاش و ممارست آگاهانه و پی‌گیر، امید داشت که ایران بتواند در بیست سال آینده به منزلت مدیریت هژمونیک قدرت منطقه‌ای درآید.

به اقتضای مفروضات فوق، و جایگاه نامناسب ایران در ساختار توزیع قدرت جهانی، و با امیدواری به استعداد بالقوه کشور، با عنایت به مقدرات ملی و محذورات بین‌المللی موجود، پیش‌بینی می‌شود که با مدیریت صحیح منابع انسانی، مادی و فکری، ایران بتواند در طی بیست سال به منزلت هژمونیک منطقه‌ای، در زمینه قدرت غیر نظامی دست یابد. سابقه تاریخی امپراتوری ایران و جهت‌گیری‌های نظامی رهبران گذشته و حال ایران، همراه با تحولات بین‌المللی، فضایی را به وجود آورده است، که مزیت نسبی ایران در زمینه‌های قدرت غیر تحریک‌آمیز، مناسب تشخیص داده می‌شود. در طرح حاضر، به نظر می‌رسد استراتژی بیست ساله، باید مبتنی بر چهار گام پنج‌ساله به شرح زیر باشد.

۵ سال اول: استراتژی عبور از بحران داخلی و خروج از بحران بین‌المللی: بازیگر هنجارپذیر

۵ سال دوم: استراتژی نهادینه کردن قابلیت‌های ظرفیت‌سازی فزاینده قدرت: تثبیت قدرت ملی

۵ سال سوم: استراتژی نهادینه شدن ادغام تعامل‌گرایانه کشور در ساختار قدرت جهانی: قدرت

منطقه‌ای شدن

۵ سال چهارم: استراتژی مدیریت شبکه‌سازی قدرت منطقه: قدرت هژمونیک منطقه‌ای همساز با

ساختار توزیع قدرت جهانی

تصویر چهار برنامه فوق به شرح زیر است:

نمودار شماره ۱- استراتژی بیست ساله، مبتنی بر چهار گام پنج ساله



برای بیان و شرح مطلب، نوشته حاضر به دو گفتار اجمالی و تفصیلی تقسیم می‌شود.

◀◀ گفتار اجمالی

◀ وصف منزلتهای چهارگانه استراتژیک ایران در منظر زمان

چنان که مباحث مقدماتی نشان داد، در طرح حاضر امید است مدیریت سیاست خارجی کشور بتواند با اعمال مدیریت صحیح و مؤثر منابع قدرت، کشور را طی یک برنامه بیست ساله به سطوح هژمون منطقه‌ای ارتقا دهد. وصف هر یک از این مراحل در چهار بند زیر مطرح می‌شود.

الف: بازیگر هنجارپذیر

بازبینی موضعگیری رهبران عالی‌رتبه جمهوری اسلامی ایران از هفته آخر اردیبهشت‌ماه تا دهم خرداد ۱۳۸۲، نشان می‌دهد که از منظر بازیگران اصلی و حتی فرعی بین‌المللی، ایران به عنوان بازیگری معترض و تعارض‌جو مطرح است. بازتاب این نگرش در کلیه عرصه‌های زندگی اجتماعی - سیاسی ایران و حتی در حوزه رد درخواست ویزای شهروندان ایرانی به کشورهای اسلامی منطقه نیز متجلی است. لازم است ایران، در کوتاه‌مدت، با تغییرات بنیادی در ساختار قدرت داخلی، باز - توزیع منابع از نظامی به اقتصادی - فنی - فرهنگی - ارتباطی، و تغییر در گفتار سیاسی داخلی و خارجی، زمینه را برای عبور از بحران داخلی و خروج از بحران بین‌المللی فراهم کند.

لازم به ذکر است، سخنان رؤسای جمهوری اخیر، تا حدی در این راستا بوده است، اما محدود ماندن آن به تغییرات کمی در عرصه اقتصادی - فنی ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی، و بسنده کردن به اظهارات شفاهی، هم عرصه داخلی کشور را آسیب‌پذیر ساخته و هم آن که، به بی‌اعتمادی خارجی نسبت به اصلاح‌پذیری جمهوری اسلامی انجامیده است.

امروز، زبانی که در سه سال گذشته علیه عراق استفاده می‌شد، با لحنی تندتر و گسترده‌تر علیه ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد. انباشت و افزایش تقاضا از داخل و فشار از خارج، به شدت منابع قدرتی ایران را با بحران روبه‌رو کرده است. مدیریت سیاسی کشور چنانچه مترصد آینده کشور باشد، فرصت چندانی برای گذر از دو بحران داخلی و خارجی مذکور در فوق ندارد.

ب: تثبیت قدرت ملی

مدیریت سیاسی کشور، هنوز به نتیجه قطعی برای تنظیم مناسب روابط، بین نظامهای تابعه، اعتقادی، اقتصادی و ... در کشور نرسیده است. به این لحاظ، نیروی مناسب برای اعتلای قدرت ملی به استخدام درنیامده است.

برای تثبیت قدرت ملی، لازم است از تجربیات کشورهای خطاکار استفاده شود. آلمان و ژاپن به غلط به جای تأکید بر امنیت و قدرت ملی، از هفتاد و پنج سال قبل از ۱۹۴۵ هدف خود را بر به کارگیری قدرت، جهت اعتلای سنت و طبقه سنتی به کار بردند. فاشیسم از شور توده و تخصص متخصصین وابسته، برای تثبیت منزلت طبقه سنتی و ارزشهای سنتی این طبقه بهره می برد. در نتیجه اضمحلال درونی و زمینه سازی برای فروپاشی آن کشور، از بیرون فراهم آمد.

کمونسیم قدرت ملی را در اختیار طبقه بوروکرات قرار داد، تا با توزیع قدرت، طبقه کارآفرین به طور اقتدارآمیزی معیشت توده ها را تأمین کند. در نتیجه فراموشی کار ویژه نهاد دولت، و نیروی مناسب برای آن، زمینه را برای فروپاشی آن فراهم کرد.

در ایران، بنیادگرایی، با اشتباه گرفتن دولت با امت و گاه ساختار اجتماعی طبقه (به صورت اقتصادی و سنتی)، زمینه را برای پراکندگی قدرت ایجاد کرده است. گاه با نگرش خلافتی، قدرت ملی در خدمت اعتلای ارزشهای ذهنی معتقدین امت هزینه شد. تلفیق راست گرایی داخلی و چپ گرایی موجود در فضای بین المللی، موجب شد تا مدیریت کشور به طور ناخواسته ای، جهت گیری سیاسی کشور را در راستای اهداف، در طبقه اجتماعی سنتی و یا بی پایگاه قرار دهد. در نتیجه نهاد ملت - دولت که هدفش اعتلای امنیت وجودی - رفاهی ملت است، از وجود نیروی مناسب قدرت ساز کارآفرین و فلسفه سیاسی مناسب امنیت جویی - قدرت سازی، محروم ماند.

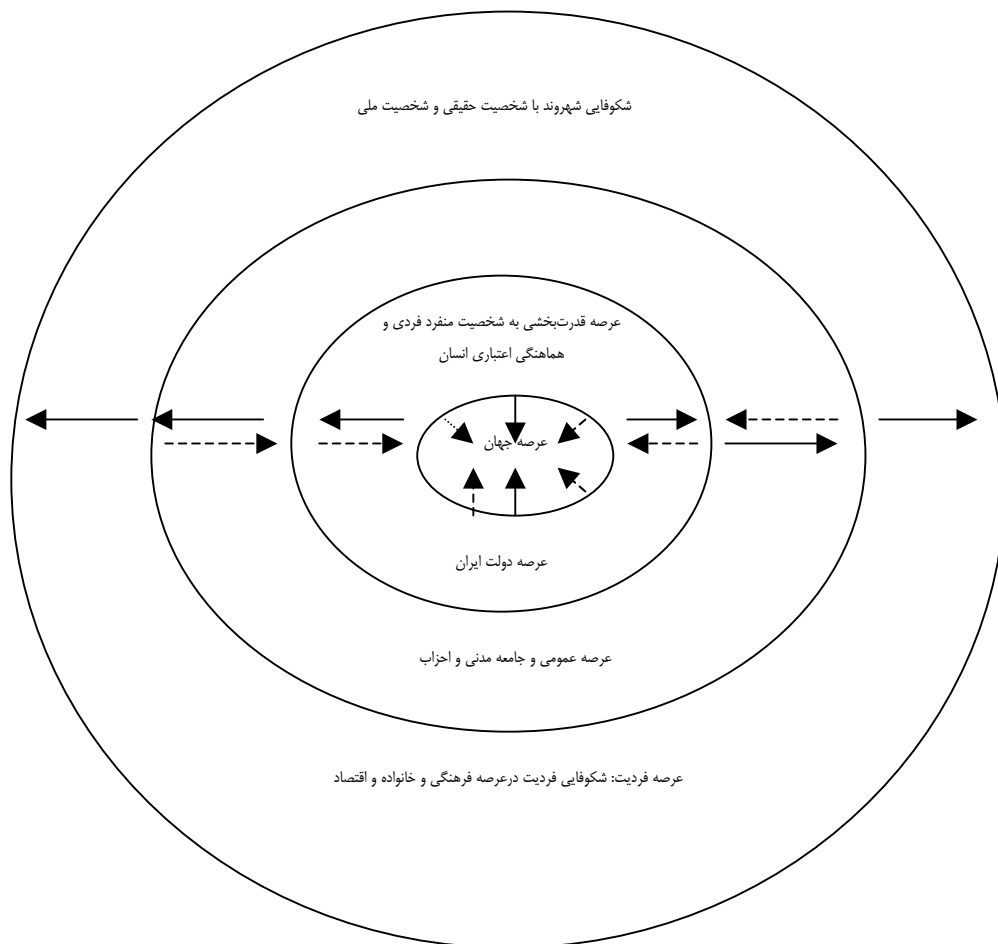
لازم است توجه شود، ملت - دولت نهادی است که عرصه فعالیت نیروهای قدرت ساز و کارآفرین، برای تأمین امنیت ملی و ملت، با عنایت به نیازهای فرهنگی بخش سنتی، نیازهای اجتماعی بخش بی پایگاه و نیازهای دینی بخش معتقد مذهبی است. طبیعی است که نهاد امت، نهاد طبقه و نهادهای حقوقی دیگر، باید همساز با این نهاد ملی شوند. چنان که به طریق معکوس و از لحاظ مذهبی، نهاد ملی باید همساز با نهاد امت شود.

علاوه بر تغییر نگرش، رسیدن به قدرت ملی نیازمند تغییر اساسی در ساختار سیاسی اقتصادی - فرهنگی - ارتباطی کشور است. به یمن وجود منابع سخت‌افزاری - نرم‌افزاری، و بحران‌زدایی از داخل و خارج، ایران باید طی ده سال، به عنوان یک قدرت ملی مؤثر داخلی تبدیل شود.

در صورت این تحول، ساختار دولت به عنوان مؤسسه‌ای محسوب می‌شود که در خدمت امنیت است، و امنیت ملی فضای مناسب برای امنیت ملت و احاد افراد است. اقدام‌های دوران ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی و آقای خاتمی، گرچه در راستای اصلاح امور به سود این مدت بوده است، اما ناتوانی بخش مدرن و دموکرات جامعه و قدرت عظیم بخش‌های سنتی، و فقدان توان نرم‌افزاری، در قوه مجریه، نتوانست موجب ساماندهی امتی - قومی - و طبقاتی با نهاد دولت اقتدارگری گذشته و دولت دموکرات - فرهنگی فعلی شود. هر دو به طرز چشمگیری در عمل شاهد زمین‌گیر شدن نهاد دولت در قالب دو نهاد اجتماعی - فرهنگی - سنتی - امتی شدند. ساماندهی این تحولات، نیازمند نیروی قدرت‌ساز و کارآفرینی است که به دل‌نگرانی‌های بخش سنتی بازار، بخش دینی (روحانیون) و قشر بی‌پایگاه، ملتزم باشد. ایجاد جلسه نخبگان ملی از همه گروه‌ها، و تلاش برای رسیدن به اجماع فلسفی، نسبت به نهاد ملت - دولت، و وفاق ملی بین همه احزاب و گروه‌ها، که علاقمند به اعتلای قدرت ملی هستند، لازمه‌ی این امر می‌باشد. فضای جهانی فعلی، نادیده گرفتن بخش‌های ملی و ادامه فرقه‌گرایی حزبی و جناح‌گرایی، ایران را هم در معرض خطر داخلی و هم در معرض خطر خارجی قرار می‌دهد. تلاش گروه‌ها برای حذف یکدیگر، و فقدان شکل‌گیری جامعه مدنی، کشور را نسبت به تهدیدهای خارجی نیز شدیداً آسیب‌پذیر کرده است.

علاوه بر سرمایه و تخصص ایرانیان داخلی و خارجی، ایجاد نگرش کثرت‌گرا و همسوی ملی، قدرت ملی نیازمند تکنولوژی پیشرفته نیز می‌باشد. رسیدن به قدرت ملی، بدون این دو بخش، سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، در دو عرصه داخلی و خارجی ممکن نیست. نمودار شماره ۲ روند مناسبی برای ساخت قدرت است و تا حدودی این پیام را به طور اجمالی نشان می‌دهد.

نمودار شماره ۲- روند ساخت قدرت

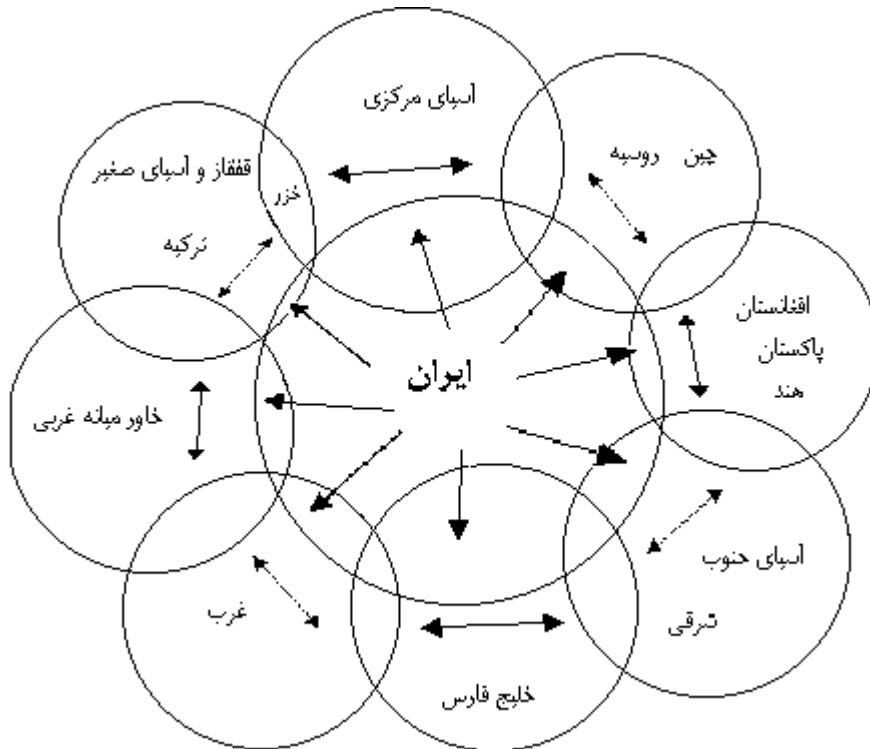


ج: قدرت سایبرنتیک منطقه‌ای

به یمن منزلت استراتژیک، کاهش التهابات بنیادگرایی و باز شدن ذهنیت شیعه سنتی، ایران استعداد آن را دارد که به عنوان شبکه ارتباطی بین دو منطقه عمدتاً اقتصادی خلیج فارس و خزر، و غرب عربی و شرق غیر عربی اسلامی باشد نمودار شماره ۳ این جایگاه را نشان می‌دهد:

منزلت استراتژیک ایران به نحوی است که لزوماً کشور را در ارتباط با جلوه‌های فرهنگی (بنیادگرایی و قوم‌گرایی هویتی یا معنابخشی زبانی و دینی) از یک سو، و مبادلات مدنی از طریق پذیرفتن تکنولوژی و سرمایه و کالا از غرب، و صدور آن به منطقه از سوی دیگر، قرار می‌دهد. ستیزه‌جویی و جزمیت‌گرایی متعصبانه به شکل بنیادگرایی و یا قوم‌گرایی، هر دو وجود منابع امنیتی و ارزشهای ملی - مذهبی - قومی کشور را به خطر می‌اندازد. توانمندی ایران، نیازمند انسانهای قدرتمندی است که توان ارتقای سطح قدرت ملت ایران به حضور فعالانه در منطقه، و آمادگی برای حضور در عرصه جهانی را داشته باشد.

نمودار شماره ۳- شبکه ارتباطی



د: قدرت هژمونیک منطقه‌ای همساز با نرم‌های جهانی

تحولات در ساختار توزیع قدرت جهانی، ماهیت نگرش‌های جهان‌شمول دینی - اسلامی، ذهنیت بلندپرواز ایرانی، انرژی، بازار منطقه‌ای، و منزلت کشور به طور طبیعی ایران راه نامزد چنین مقامی می‌کند. در زمان رژیم پهلوی به لحاظ ضعف ذهنیت انتزاعی، شبکه‌سازی محیط ایران به طور منفعلانه‌ای، عرصه چنین تحولاتی بود. پس از انقلاب اسلامی، امید بود که ایران بتواند با رفع بحران‌های داخلی، و بهره‌گیری از منزلت قدرت منطقه‌ای، تعامل سازنده‌ای با محیط بین‌المللی داشته باشد. ولی به لحاظ ساختار جمعیتی و غلبه نفوذ فرهنگی نامناسب برای بازیگری، پایگاه فنی - اقتصادی ایران به ترکیه، تجاری - ترانزیتی

به امارات متحده عربی، پیشسازی مسائل دینی به عربستان، و منزلت نظامی، به پاکستان منتقل شد. در صورت فقدان تغییر، عراق به همراه ترکیه و پاکستان در بیست سال آینده منزلت هژمونیک شرق دنیای اسلام را در سه حوزه عربی، ترک و حوزه فرهنگی سابق ایران عهده‌دار خواهند گردید، و به طور فزاینده‌تری ایران به حاشیه رانده خواهد شد.

ایران ذاتاً باید طرفدار تغییر وضع موجود خود در قالب حفظ وضع موجود بین‌المللی باشد. تعارض‌گری ستیزجویانه به انحطاط ایران دامن خواهد زد. این منزلت در نمودار شماره ۴ نشان داده شده است.

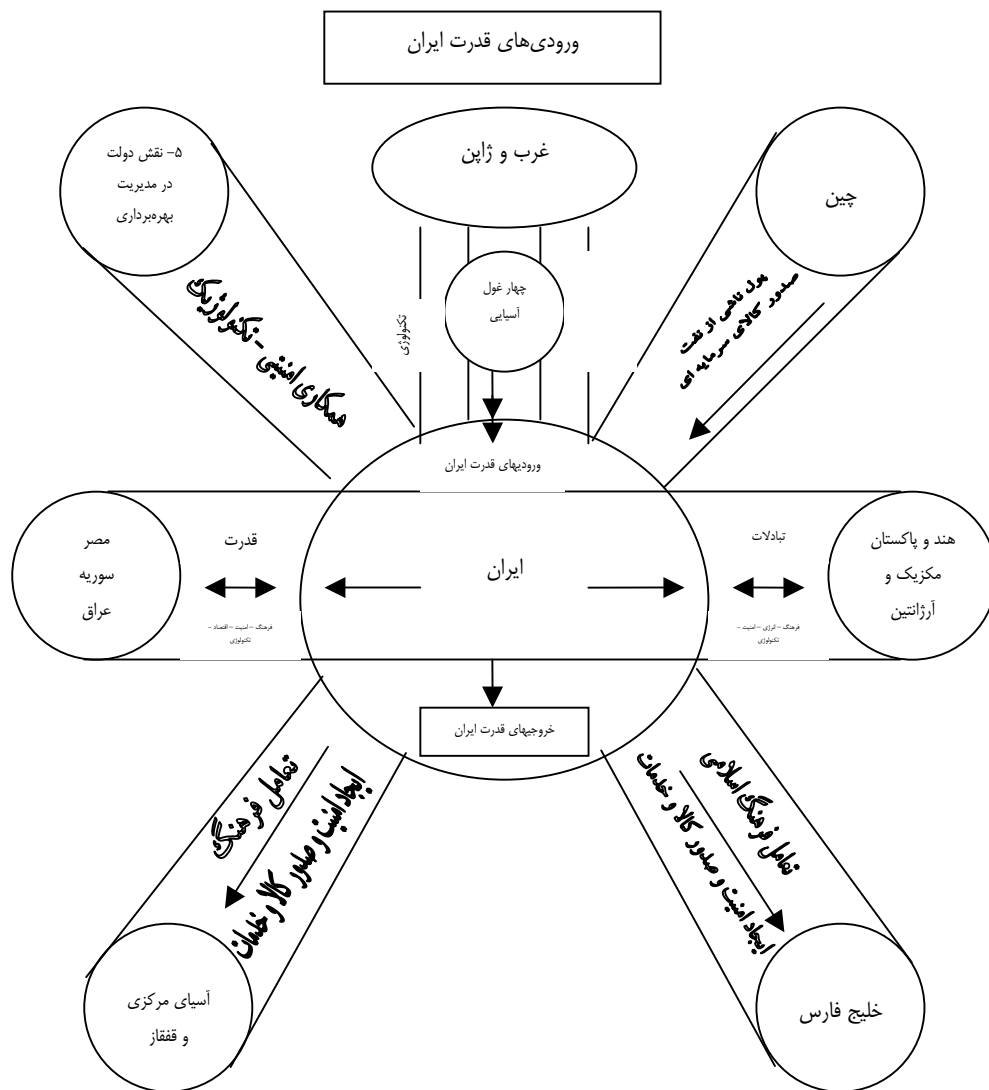
ایران باید قدرت شبکه‌سازی مدیریت قدرت را در سه سطح انجام دهد.

- ورودی‌های قدرت از غرب، آسیای جنوب شرقی، روسیه و چین، به صورت پول ناشی از نفت و خرید تکنولوژی و یا جذب سرمایه

- تبادل قدرت، با کشورهایی که در سطوح میانی قدرت هستند مانند هند، پاکستان، مصر، سوریه و عراق که به صورت فعالیت سیاسی - امنیتی - فرهنگی شکل می‌گیرد.

- خروجی‌های قدرت، که عرصه مانور قدرت ایران به صورت صدور کالا، خدمات و فعالیت فرهنگی است.

نمودار شماره ۴- ورودی‌ها و خروجی‌های قدرت ایران



◀ گفتار دوم: طرح تفصیلی

در راستای توجیه و تشریح طرح اجمالی مذکور در گفتار اول، نیازمند آن هستیم که به بحثی نسبتاً تفصیلی بپردازیم. شرح و بسط و آزمون ادعاهای فوق نیازمند طرحهای تکمیلی پژوهشی است. این گفتار طی چند بند ساماندهی می‌شود.

الف: فضای عملیاتی ایران در برهه پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱

ب: آناتومی قدرت سخت‌افزاری و نرم‌افزاری ایران

ج: چشم‌انداز قدرت آتی ایران

د: مدیریت شبکه‌سازی هژمونیک و ائتلافهای قدرت منطقه‌ای ایران

◀ الف - فضای عملیاتی ایران در برهه پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱

در عرصه‌های داخلی و خارجی، فضای عملیاتی سیاست خارجی، به شدت متحول شده است. به آسانی می‌توان اظهار داشت که ایران، تحت لوای جمهوری اسلامی، از لحاظ داخلی چهار جمهوری را با محوریت طبقات موجود یا در حال ظهور پشت سر گذاشته است و هم اکنون در آستانه ورود به جمهوری پنجم خویش است: جمهوری لیبرال - ناسیونالیسم مذهبی، جمهوری بنیادگران اسلامی، جمهوری عملگرای اسلامی، جمهوری دموکراتیک دینی

تحولات موجود، و تغییرات اساسی فوق نشان می‌دهد که ایران هنوز در جریان التهابات داخلی و خارجی خود، مسیر نهادین خویش را نیافته است. با عنایت به این که طرح حاضر در باره‌ی قدرت بین‌المللی ایران است، از بحث داخلی پرهیز کرده و به ذکر بعضی از محورهای فضای بین‌المللی پس از ۱۱ سپتامبر در باره‌ی ایران می‌پردازیم.

۱- صحنه بین‌المللی در آستانه حرکت به سوی جهانی شدن، در همه ابعاد قرار داشت که وقایع

۱۱ سپتامبر، فضا را تغییر داد و جهان در این برهه، به ویژه جهان غرب، حالت امنیتی -

نظامی به خود گرفته است.

- ۲- تروریسم بین‌المللی که تا قبل از ۱۱ سپتامبر موضوعی فرعی و اختصاصی بود، از آن پس تبدیل به مهم‌ترین موضوع بین‌المللی گردید و همه موضوعات در پرتو آن تفسیر می‌شود.
- ۳- شورای امنیت سازمان ملل متحد، که تا سالهای اخیر بیشتر صلاحیت قضایی برای خود قائل بود، از آن پس وارد صلاحیت اقتصادی شده و تحریمهای اقتصادی را به عنوان مجازات، برای نقض کنندگان قطعنامه‌ها و به ویژه در زمینه تروریسم در نظر گرفت. مصوبه اوایل خرداد ماه شورای امنیت (۱۴۸۳) و همراهی فرانسه، روسیه و آلمان با آمریکا نشان داد تا چه حد، تصمیمات این نظام حقوقی وابسته به نظام سیاسی قدرت و رهبری هژمونیک آن است.
- ۴- استراتژی آمریکا بعد از وقایع ۱۱ سپتامبر، در پی ارتقای جایگاه بی‌همتای خود در میان قدرتهای جهانی می‌باشد، که همزمان تلاش دارد قدرتهای درجه دوم نظیر اروپا، چین، روسیه و ژاپن را در فاصله‌ای دور از خود نگه دارد.
- ۵- به جهت تثبیت مقصود فوق، آمریکا به ترتیبی در حال برنامه‌ریزی است که دسترسی قدرتهای درجه دوم به امکانات و منابع قدرت، به ویژه دستیابی آنان به انرژی را کاملاً محدود، و در چارچوب موافقت آمریکا قرار دهد.
- ۶- قدرتهای درجه دوم که تا قبل از ۱۱ سپتامبر در برخی از زمینه‌های بین‌المللی با آمریکا هم‌عرضی می‌کردند، پس از ۱۱ سپتامبر، قدرت فائقه آمریکا را به عنوان حقیقت موجود اجباراً پذیرفته، و درصدد برنامه‌ریزی برای ارتقای جایگاه خود در فاز بعدی می‌باشند.
- ۷- آمریکا در استراتژی جدید خود قصد دارد هر گونه مانع امنیتی نظامی را برای نیل به هدف از میان بردارد. موضوع مبارزه با تروریسم بین‌المللی، اطلاق محور شیطان‌ی به سه کشور از جمله ایران، و حمله به کشورهای افغانستان و عراق، در این مقوله می‌گنجد.
- ۸- در استراتژی جدید آمریکا محوریت خاصی به اسرائیل به عنوان تنها تکیه‌گاه آمریکا در منطقه، داده شده و آمریکا مصمم است آینده اسرائیل را بلامنازع، و بر همه کشورهای خاورمیانه از نظر سیاسی، اقتصادی، نظامی و تکنولوژیکی برتری بخشد.
- ۹- امروزه بر همه مسئولین جمهوری اسلامی ایران اثبات شده که کشورمان در تقابل با قدرت آمریکا و اسرائیل، با حالت انزوا و صرفاً متکی بر خود، قادر نخواهد بود مسائلی از قبیل فقر،

بیکاری، عدم توسعه، عدم تولید، عدم صادرات و ... را حل نماید. حل معضلات فوق در همه جهان با اتصال به اقتصاد جهانی و بهره‌برداری از سرمایه‌گذاری و تکنولوژی خارجی، مقدور و ممکن می‌باشد. لذا این عامل مهم در برنامه چهارم توسعه، بایستی به دقت مورد مذاقه قرار گیرد و جایگاه آن به وضوح برای جهانیان و سرمایه‌گذاران خارجی روشن گردد.

۱۰- سالهاست که جمهوری اسلامی ایران، با فرض تعارض اصلی با آمریکا، به دنبال شریک استراتژیک در جهان می‌باشد. ابتدا مستضعفین و مسلمین، سپس کوبا، ویتنام و کره شمالی، بعداً چین و روسیه، و نهایتاً اروپا و فرانسه به عنوان مؤتلفه‌های قدرت ایران جهت مقابله با آمریکا و اسرائیل، انتخاب شدند. قطعنامه اوایل خرداد ۱۳۸۲ شورای امنیت که از لحاظ حقوقی قیومیت آمریکا را بر عراق به رسمیت شناخت، و موضعگیری غیر دوستانه سازمان کنفرانس اسلامی در همین زمان، نشان داد که این دولتها نیز صلاح می‌دانند به همکاری متقابل با آمریکا روی آورند. در نتیجه چنانچه اظهارات وزیر خارجه یونان و اظهارات وزیر انرژی روسیه نشان داد، ایران بار دیگر تنها گردیده است. تجربه بیش از دو دهه نشان داده، هیچ شریکی در میان قدرتهای درجه دوم نظیر اروپا، روسیه، چین، ژاپن و ... حاضر نخواهند بود در وضعیت حاضر، «شریک استراتژیک» جمهوری اسلامی ایران شوند. رمز این گمشده را بالاخره در یکی از برنامه‌های توسعه‌ای پنج‌ساله بایستی به درستی نگریست و از چرخش در دایره باطل پرهیز کرد.

۱۱- برای موفقیت یک برنامه توسعه‌ای، بایستی در سطح بین‌المللی چهره‌ای همگرا، همکار و ائتلافی از خود نشان داد. هر گونه تعبیر نوازندگی خارج از ارکستر بین‌المللی، به خارج کردن جمهوری اسلامی ایران از فهرست کشورهای مطمئن برای سرمایه‌گذاری، و به اطلاق کشوری با درجه ریسک بالا، و به کشوری که صدور تکنولوژی به آن خطرناک است و از این قبیل تبدیل می‌شود، که وقوع چنین حالاتی سم مهلک برای هر برنامه توسعه در نسخه قدرت ملی می‌باشد.

۱۲- از برنامه چهارم توسعه به بعد، انتظاری که از وزن و جایگاه جمهوری اسلامی ایران می‌رود، این است که به تدریج در حد یک بازیگر منطقه‌ای ظهور یابد. هر گونه مبالغه در مورد جایگاه

ایران را به کناری گذارند و در غیر این صورت برنامه چهارم توسعه در نهایت، ناکامی در کسب اهداف را به دنبال خواهد داشت.

قابل توجه است که محورهای فوق بیان بخشی از وضعیت کنونی نظام بین‌الملل می‌باشد. این که آمریکا در همه اهداف خود موفق شود، و اوضاع جهانی چنین بماند، قطعی نیست. این که جمهوری اسلامی ایران بر اساس تفکر و رسالت خود، با محورهای فوق همگونی ندارد و احتمالاً با برخی محورها در تضاد اصولی است، موضوعی می‌باشد که به استراتژی‌های درازمدت کشورمان مربوط می‌شود، و می‌تواند فعلاً ارتباطی با توسعه و برنامه پنج‌ساله نداشته باشد.

در این راستا در جمهوری اسلامی ایران هر گاه تصمیم گرفته شده تا برنامه توسعه‌ای تدوین و نگارش نمایند، همه رویپردازان رمانتیک و یا بنیادگرایان بلافاصله، یا به یاد آرمانهای خیالی درازمدت افتاده و یا به ستیز داخلی منطقه‌ای بین‌المللی روی آورده‌اند و تلاش نموده‌اند مقولاتی نظیر مبارزه با غرب، مبارزه با آمریکا، نابودی اسرائیل، جهانی بودن قدرت جمهوری اسلامی ایران، ضد هژمونی بودن جمهوری اسلامی ایران و ... را در برنامه بگنجانند، و از این رو برنامه تبدیل به شیر بی یال و دمی گشته که کارایی پایین‌تر از قدرت منطقه‌ای را پیدا کرده است. هم اکنون بیم آن وجود دارد که با تحمیل تهدیدات نظامی از خارج، عرصه داخلی ایران نیز مورد دست‌اندازی خارجی قرار گیرد.

ب - آناتومی قدرت سخت‌افزاری و نرم‌افزاری ایران

ایران استعداد رسیدن به چه میزانی از بازیگری بین‌المللی را دارد؟ ایران تا چه حد توانسته است به‌سوی این هدف پیش رود؟ عوامل تسهیل‌کننده و موانع پیش‌بینی در راه حصول به این شرکت کدامند؟

مروری بر دستاوردهای تجربی فعالیت بین‌المللی ایران، با بهره‌گیری از رهنمودهای نظری، حکایت از این دارد که به طور سرجمع، ایران می‌تواند باز هم در نقش یک قدرت متوسط منطقه‌ای، اما این بار نه با ادامه نقش منفی، بلکه به بازیگری مؤثر و مثبت در سطح منطقه، تبدیل شود. البته چنان که نخبگان سیاسی ایران بتوانند انگیزه اقدام لازم را در مردم کشور ایجاد کنند، و مدیریت سیاسی مناسبی را به اجرا گذارند، از لحاظ موردی، ایران می‌تواند در بعضی از زمینه‌های نرم‌افزاری فرهنگی - ارتباطی و حتی

سیاسی، زمینه را برای دسترسیهای فرامنطقه‌ای نیز فراهم کند. نفوذ ایران قبل از انقلاب اسلامی در تأثیرگذاری بر گرایش‌های سیاسی رهبران آمریکا، نسبت به قضیه جزایر سه گانه و اعطای نقش نائب هژمونی منطقه‌ای به ایران در حوزه خلیج فارس از یک سو، جو ایدئولوژیک قهرآلود انقلابی و تأثیر کلامی آقای خاتمی، رئیس‌جمهور اسلامی ایران، در ایجاد جوی ذهنی و مناسب نسبت به پیشنهاد خویش، مبنی بر گفتگوی تمدن‌ها، از چنین امکانی خبر می‌دهد. به واسطه سرمایه‌ها، مهارت فنی، دانش علمی و مدیریتی ایرانیان خارج از کشور، در صورتی که نخبگان سیاسی ایران بتوانند با ارتقای سطح بازی سیاسی، از سطح نظام حکومتی به سطح ملی اقدام کنند، کشور می‌تواند از حضور این نیروها به عنوان یک لابی قدرتمند، برای تأمین جهانی منافع ملی کشور بهره‌بردار. حتی اعتلای سطح فنی و اقتصادی کشور نیز می‌تواند در بلندمدت، ایران را به عنوان یکی از امیدهای قدرت فرامنطقه‌ای مطرح کند.

به رغم ممکن بودن این هدف در بلندمدت، در حال حاضر ایران عمدتاً به عنوان یک قدرت داخلی بحران‌زده مطرح است. ایران به دلایل گوناگونی نتوانست از سرمایه‌گذاری‌های هنگفت خود در آسیای مرکزی، قفقاز و افغانستان بهره‌برد، مضافاً این که ایران پس از انقلاب اسلامی نتوانسته است به رغم حجم گسترده واردات اقتصادی خویش از امارات متحده عربی، آن کشور را به مسکوت گذاشتن مسئله جزایر سه گانه قانع سازد. مقایسه سیاست‌های امارات متحده عربی نسبت به جمهوری اسلامی ایران، و ایران ۱۹۷۱ و نقش و جایگاه ایران امروز در اوپک، با ایران سال ۱۹۷۴، از میزان قدرت موجود و موعود کشور حکایت دارد.

به رغم آرزوهای رمانتیک ملی، اسلامی و یا اسطوره‌ای که نخبگان سیاسی یک سده اخیر ایران از خود بروز داده‌اند، بررسی توان و قدرت بالفعل و بالقوه امروز ایران، حاکی از این است که طی بیست سال آینده، ایران حداکثر بتواند به بازیگری مؤثر در سطح مدیریت هژمونیک منطقه تبدیل شود. گرچه رهبران سیاسی ایران به طور کمابیش گسترده‌ای در گذشته و حال در صدد ظاهر شدن در نقشی فرامنطقه‌ای بوده‌اند، اما دستاوردهای ایران در افغانستان، بوسنی، سودان، عراق، فلسطین و لبنان، عمدتاً از افزایش هزینه‌های تعامل تا فرصت برای کشور، حکایت داشته است.

مروری بر تلاشهای کمابیش بلندپروازانه ایران در اواخر دو پادشاه دودمان پهلوی، دکتر مصدق و جمهوری اسلامی ایران، حکایت از اعمال دو سیاست رقیب و ناسخ و منسوخ دارد. در واقع، به جای اعمال سیاست کثرت‌گرا و مکمل، بافت شکاف‌آلود سیاسی کشور موجب شده است تا دو راه ملی‌گرا و یا جهان‌گرا، در تقابل با هم در سیاست کشور به صورت دو گرایش ناسخ و منسوخ انقلابی بروز کند. درحالی که دو پادشاه پهلوی به ترتیب تلاش داشتند، با پذیرش میزانی از وابستگی یک سویه و درحقیقت متقابل و دو سویه غیر متقارن، از یک سو، به تحکیم قدرت داخلی روی آورند (رضاشاه)، و از سوی دیگر، به اشاعه قدرت منطقه‌ای ایران و ادغام انفعالی در اقتصاد جهانی، تن دهند (محمد رضا شاه)، دکتر مصدق و جمهوری اسلامی ایران، به ترتیب بنیانگذار دو تلاش سلبی مسالمت‌جو و ستیزه‌جو برای تحکیم استقلال کشور بوده‌اند. دکتر مصدق با تلاشی خاشعانه سعی داشت، بدون آن که حوزه فعالیت خود را به حوزه فرا ملی گسترش دهد، سرنوشت سیاسی و اقتصادی کشور را از حوزه دخالت خارجی مستقل نگه دارد. با ظهور فرایند جهانی شدن کم‌رمق آن روز، این سیاست موازنه منفی جواب نداد، و زمینه برای کودتا و گسترش نفوذ بیش از پیش غرب، در ایران فراهم شد. بار دیگر، با کودتای ۲۸ مرداد، محمد رضا شاه پهلوی با احساس خطر از عرصه داخلی که به سه شکل سنتی، رادیکال چپ، و مدرن دموکراتیک، که خود را علیه اقتدارگرایی دیوانی او ظاهر می‌کرد، ادغام منفعلانه در فرایند جهانی شدن اقتصاد و سیاست را، و جبهه همت خود قرار داد. پادشاه این تلاشها، ارتقای ایران به منزلت ژاندارمی منطقه، رشد اقتصادی نسبتاً چشمگیر، اما توأم با میزان وابستگی بود.

با انقلاب اسلامی، بر خلاف سیاست موازنه مثبت منفعلانه، بار دیگر استراتژی استقلال‌طلبی ایران روند انفعال ایجابی دوران گذشته را به طور رادیکال متوقف کرد. فقدان هم‌بانی سه گروه ائتلافی سنتی ضد مدرن، رادیکال ضد غرب و دموکرات ضد اقتدارگرا با یکدیگر، و شباهت ذهنیت سیاسی آنان با گروههای مشابه فرا ملی در مقابل ذهنیت دموکراتیک ملی، عرصه را برای فعال شدن گرایش استقلال‌خواه و ستیزه‌جو، در مقابل هدف قابل دسترسی تبدیل وابستگی به وابستگی متقابل، فراهم آورد. بی‌علاقگی توأم با ناتوانی رهبران سیاسی کشورهای سنتی خاورمیانه، ناتوانی کشورهای شرقی و نهایتاً تجربه اخیر فرانسه، در تقویت ایران جهت مقابله با آمریکا، ایران را در فشار مضاعف امنیتی در دو زمینه

نرم‌افزاری - سخت‌افزاری، کلان و خرد، ریز و درشت قرار داده بود. نتیجه این تحولات این که از لحاظ نظری هم اکنون ایراد، درگیر هر دو دسته از تهدیدات خارجی و داخلی و مشکلات زیر است:

- شکاف سنت و مدرنیته، در قالب تعارض بین ملی‌گرایان و اسلام‌گرایان
 - شکاف‌های قومی - فرقه‌ای، با سیاسی کردن فرهنگ به لحاظ استقرار نظام حکومتی فرهنگی
 - شکاف سیاسی بین اقتدارگرایان و اصلاح‌طلبان
 - شکاف اقتصادی بین سرمایه‌داران مرفه و مستضعفین
 - شکاف بین دولت و ملت، و زنجیره نافرمانی مدنی و سیاست‌های انتظامی
 - شکاف نسلی و جنسی
 - غیر نظامی کردن ایران، با احتمال حمله علیه نیروگاه اتمی
 - انزوای ایران از عرصه اقتصادی جهان و سازمان تجارت جهانی
 - محروم نمودن ایران از مشارکت در مسائل منطقه‌ای
 - تحریمها و تلاش برای جایگزین نمودن سیاست انفعالی - واکنشی، به جای ابتکار عمل
- در نتیجه بروز این وضعیت، عناصر قدرت ایران، به دلایل گوناگون تا حد یک قدرت داخلی، تحلیل رفته است. از جمله می‌توان به فرار مغزها و کاهش سرمایه‌ها (با تخمین هزینه‌هایی به ترتیب چهل میلیارد، و بیش از صد میلیارد)، بهره‌وری از دو درصد (۲٪) در سال ۱۳۵۶، به هفت دهم درصد (۰/۷٪) در سال ۱۳۷۸، محدود ماندن درآمد سرانه به حد ۱/۲ برابر در طی سی سال، افزایش تورم به ۱۵۰ برابر [نه درصد (۹٪)] در مقابل ۲۷ برابر مصر، رشد نقدینگی ۸۰۰ برابر در مقابل ۸ برابر آمریکا و ۲۴۰ برابر مصر، بیکاری فزاینده، کاهش فرهنگ اعتماد، گسترش خمودی سیاسی و اعتیاد و تعارضی شدن فرهنگ داخلی اشاره کرد. وضعیت رکود - تورمی در اقتصاد، و افت و خیز قیمت نفت از یک سو، و احساس ضرورت سرمایه‌گذاری حدود سی درصدی (۳۰٪) بودجه در زمینه نظامی از سوی دیگر، موجب تقویت فرهنگ نظامی در کشور شده، و نیز از تسریع رشد و توسعه اقتصادی کاسته است.

ج - چشم‌انداز قدرت آتی ایران

سؤال اصلی در این بخش این است که آیا جایگاه مطلوب، و مهم‌تر از آن جایگاه ممکن ایران در عرصه جهانی چیست؟ این جایگاه چه ارتباطی با ساختار و تحولات داخلی ایران داشته و دستیابی به آن چگونه می‌تواند در برنامه‌ریزی مد نظر قرار گیرد؟

طرح درست و کامل این سؤال خود به منزله پیموده شدن بخش مهمی از این راه است، زیرا مطرح شدن این نکته که آیا اصولاً ایران، امکان تبدیل شدن به یک قدرت جهانی را دارد یا نه؟، و آیا در حال حاضر قدرت عمده‌ای محسوب می‌گردد یا نه؟، در دستگاه‌های اجرایی و تصمیم‌گیری کشور می‌تواند دیدگاه جدیدی را درباره برنامه‌ریزی، ارائه نماید. به همین منظور برای تبیین بهتر سؤال اصلی، چند سؤال فرعی مطرح می‌گردد که پاسخ به آنها می‌تواند راهگشا باشد.

سؤال فرعی اول و بررسی مقدماتی:

آیا ایران در حال حاضر یک قدرت محسوب می‌شود؟

قدرت، به معنی توانایی اعمال اراده یک بازیگر جهانی، در عرصه بین‌المللی است. هر چه دامنه جغرافیایی این اعمال اراده بیشتر باشد، اندازه این قدرت بزرگتر خواهد بود. همچنین مسائل و منافی که آن بازیگر می‌تواند به آنها دست یابد، هر چه افزون‌تر و بنیادین باشد، میزان و عمق قدرت بیشتر خواهد شد.

در حال حاضر به نظر می‌رسد که با بروز بحران در دو عرصه داخلی و خارجی کشور، ایران را نمی‌توان، یک قدرت در عرصه جهانی تعبیر کرد. در شرایط جدید حتی نمی‌توان کلمه قدرت ملی را درباره ایران، به کار برد. زیرا حتی اگر با نگرش کلاسیک به مفهوم قدرت بنگریم، عناصری مانند عوامل جغرافیایی، توان نظامی، نیرو و توانایی تولید اقتصادی، جمعیت، میزان تولید و عرضه فرآورده‌های فکری - فرهنگی و اطلاعاتی، پرستیژ و ... از عوامل صرفاً، پاره‌ای قدرت هستند و ایران در این موارد قدرت چشمگیری ندارد.

نگاهی گذرا بر این شاخصها نشان می‌دهد که وضعیت قدرت کنونی ایران با سطح مورد انتظار، فاصله زیادی دارد. باید توجه کرد که «اهمیت» و «قدرت» در روابط بین‌المللی پدیده‌ها متفاوتند. ایران

به دلیل موقعیت استراتژیک، جمعیت و نفت دارای اهمیت و قدرت تأخیرساز فراوانی است، اما این اهمیت و قدرت تأخیرساز به معنی برخورداری از قدرت نسبت به نفع کشور نیست.

عوامل ثابت قدرت، که در حقیقت می‌توانند به نوعی، عوامل زمینه‌ساز قدرت محسوب شوند، در ایران وجود دارد. موقعیت جغرافیایی، منابع متنوع طبیعی و جمعیت جوان و به تدریج تحصیل کرده، از زمره مهم‌ترین این عوامل هستند. اینها در حقیقت منابع اصلی قدرت در ایران هستند که بدون وجود عوامل مکمل به تنهایی نمی‌توانند به قدرت و توانایی اعمال اراده تبدیل شوند:

۱- قدرت نظامی: مدل جنگهای افغانستان و عراق نشان داد که ارتشهای کلاسیک و نیروهای نظامی متعارف، در تقابل با تفوق تکنولوژی نوین جنگی و «جنگ تکنولوژیک» هیچ گونه کارایی ندارند. ممکن است ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در مقایسه با کشورهای کوچک جنوب یا برخی کشورهای شمال ایران مطلوب باشد، اما در مقایسه با قدرتهای بزرگ، همچنین قدرتهای منطقه‌ای مانند ترکیه و پاکستان، قابل اعتنا نیست. به دلیل این که ایران از اتحادها و تنظیمات امنیتی جهان به دور است و امکان سرمایه‌گذاری کلان و استفاده از تکنولوژی‌های فوق مدرن را ندارد، و با توجه به حضور نظامی آمریکا در منطقه، ایران به لحاظ نظامی، امکان اعمال هیچ اراده مثبت و نفعی را ندارد. ضمناً باید توجه کرد که قدرتهای بزرگ هرگز اجازه دستیابی به سلاحهای استراتژیک را به جمهوری اسلامی ایران نخواهند داد.

۲- اقتصاد: به لحاظ اقتصادی، سهم ایران در اقتصاد جهانی بسیار اندک و غیر قابل محاسبه است. حتی در اقتصاد منطقه نیز سهم ایران، در مبادلات منطقه از چهار درصد (۴٪) تجاوز نمی‌کند. تنها برخی پارامترها که به موقعیت جغرافیایی ایران وابسته است مثل راه ترانزیتی، آب و تولیدات نفت و گاز، ایران دارای اهمیت است. با توجه به الحاق اکثر کشورهای منطقه به WTO، حضور آمریکا در عراق و افغانستان و ...، عدم امکان الحاق ایران به WTO و استفاده کلان از سرمایه‌ها و تکنولوژی پیشرفته، امکان حاشیه‌ای‌تر شدن اقتصاد ایران نیز هست.

۳- قدرت تولید دانش و اطلاعات: در حال حاضر نقش ایران در تولید و عرضه دانش و اطلاعات، بسیار اندک و غیر قابل محاسبه است. حتی امکان آموزش و ارائه‌ی سرویس مناسب به متقاضیان داخلی نیز در حال کاهش، و گرایش به حضور در خارج از کشور، به این دلیل در حال افزایش است. امکان قرار گرفتن ایران در شاهراه‌های اطلاعاتی جهان نیز از میان رفته است و برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس به مرکز تبادل اطلاعات بدل می‌شوند. پرستیژ سیاسی و فرهنگی، تنها عامل مهم در افزایش نفوذ ایران، به ویژه پس از گسترش سیاست تنش‌زدایی و ... است.

با توجه به این عوامل و موارد متعدد دیگر می‌توان گفت که سهم ایران، در نظام جهانی و حتی روندهای منطقه‌ای، به گونه‌ای است که نمی‌توان آن را یک قدرت در حال رشد جهانی و حتی منطقه‌ای نامید. شرایط، در حال افول می‌باشد و جایگاه و قدرت ایران در حال نزول

سؤال فرعی دوم و بررسی اصلی:

آیا ایران می‌تواند به قدرتی جهانی بدل شود؟

برای پاسخ به این سؤال باید چند نکته را در نظر داشت:

الف: در جهان جدید و به ویژه پس از جنگ‌های اخیر، تحولی جدید در ماهیت قدرت به وجود آمده است.

دیگر قدرت نظامی که در انحصار یک کشور است نمی‌تواند اتکای اصلی کشورهای دیگر باشد.

ب: با دوری گزیدن از فرایندهای اقتصادی، فرهنگی و امنیتی جهان، برای ایران امکان دستیابی به عوامل قدرت و تأثیرگذاری در نظام جهانی وجود ندارد.

ج: نمی‌توان تحولات داخلی و خارجی کشور را از هم جدا کرد و برای هر یک مسیری جداگانه و غیر مرتبط تصور کرد. جهانی شدن و شرایط نوین جهانی، چنین اجازه‌ای نمی‌دهد. نمی‌توان بدون رعایت حقوق بشر و استقرار دموکراسی در داخل، توقع تنش‌زدایی و استفاده از امکانات بین‌المللی در جهان را داشت.

با توجه به جایگاه کنونی ایران و نکات فوق‌الذکر، احتمال تبدیل ایران به قدرتی جهانی منتفی و بعید

است.

اما تحت شرایط خاص و با تمهیدات عقلایی، امکان تبدیل شدن ایران به یک قدرت منطقه‌ای وجود

دارد:

۱- در این مسیر سرمایه‌گذاری کلان بر نظامی‌گری، و گسترش نیروی نظامی، به هیچ عنوان عامل قدرت‌بخش در آینده نخواهد بود. سرمایه‌گذاری‌های نظامی باید محدود و با انگیزه‌های محدود باشد، چون الگوی جنگ‌های جدید نشان داد که این سرمایه‌گذاری‌ها، مانع جدی برای حضور قدرتهای جهانی نیست.

۲- الحاق ایران به روندهای امنیتی و رژیم‌های امنیتی جهانی می‌تواند نیروها و امکانات نظامی موجود در ایران را، تبدیل به عامل تأثیرگذار قدرت کند.

۳- استقرار و پویایی دموکراسی در ایران عامل زمینه‌ساز برای همه تحولات دیگر است. سرمایه‌گذاری کلان معنوی، قانونی، سیاسی و مالی برای این امر، می‌تواند ضامن تضمین امنیت و مقدمه الحاق ایران به روندهای جهانی در عرصه اقتصاد و فرهنگ باشد.

۴- الحاق به فرایندهای جهانی اقتصاد و رفع تمامی موانع موجود برای الحاق به WTO، جذب سرمایه‌های خارجی و پیوند با جریان جهانی تولید و عرضه کالا، تنها راه تبدیل پتانسیل داخلی اقتصاد ایران، به قدرت جهانی است.

۵- ایجاد انقلاب در آموزش عالی، به نحوی که دانشجویان از آموزش اسکولاستیک (علم برای علم) رهایی یافته‌اند، مهم است. میزان سرمایه‌گذاری در آن می‌تواند زمینه تولید و ارائه‌ی اطلاعات و دانش و نیز آموزش گسترده در ایران را فراهم کند و در این منطقه به یک عامل محوری برای ایران تبدیل شود. ایجاد شبکه‌های خصوصی آموزش، رادیو، تلویزیون و ... زمینه‌ساز این انقلاب خواهد بود.

۶- سرمایه‌گذاری کلان در حوزه فرهنگ و هنر، و نیز زمینه‌سازی برای رشد آزادیها و فضای باز می‌تواند حضور ایران در این زمینه در عرصه‌های جهانی را تعمیق بخشد.

با چنین تحولاتی می‌توان شرایطی را فراهم کرد که ظرف یک یا دو برنامه پنج‌ساله امکان تبدیل خروجی ایران به یک قدرت منطقه‌ای فراهم شود. در غیر این صورت شرایط نزول و کنارگذاری بیشتر جمهوری اسلامی ایران، فراهم خواهد بود. راه گریز از این بحران، گویا بیشتر از طریق سرمایه‌گذاری در

همه حوزه‌های قدرت از جمله نظامی و به ویژه اقتصادی و همچنین فنی - ارتباطی - فرهنگی، به شرح زیر ممکن است:

۱- قدرت نظامی

مروری بر منابع قدرت ایران نشان می‌دهد که پس از انقلاب، ایران بیشتر به توسعه‌گرایی نظامی روی آورده است. اما اولاً به علت حضور آمریکا و ثانیاً به لحاظ تغییر استراتژی و تکنولوژی جنگی، ایران می‌تواند با کاهش هزینه‌های نظامی به بیست درصد (۲۰٪) سطح فعلی، و مدل برداری از دفاع تحریک آمیز داخلی، و تولید تکنولوژی مناسب دفاعی، سطح امنیت وجودی خود را ارتقا دهد. به لحاظ افول خطر شوروی، کار ویژه سیاسی - بین‌المللی ایران به وجهی نیست که ایران اجازه یابد و یا نیاز داشته باشد به سلاح‌های تهاجمی چون هواپیمای F-14 دست یابد. با دفاع غیر تحریک‌آمیز، تولید موشک ناو و سهند، و بازسازی ارتش حرفه‌ای، می‌توان کانال‌های نظامی تهدید هوایی و یا زرهی دشمن را بست.

۲- قدرت اقتصادی فنی - ارتباطی ایران

به رغم وجود سرمایه فراوان، نیروی ذهنی و عقلایی، و منزلت ارتباطی کشور، گرایش‌های ستیزجویانه در ایران، هم موجب محذورات بین‌المللی و هم فرار سرمایه‌های فکری و مالی از ایران شده است. مروری بر سهم مبادلات تجاری ایران نشان می‌دهد، به جز فروش نفت، سهم مبادلات تجاری کشور در سطح حتی منطقه، زیر دو درصد (۲٪) است. با توجه به الحاق کشورهای منطقه به WTO، و حضور آمریکا در عراق، به نظر می‌رسد آمریکا با ایجاد پل ارتباطی بین عراق و اسرائیل در منطقه، و منطقه با غرب، عراق را به عنوان هژمون تفویضی منطقه درآورد و جایگزین ایران دوران شاه کند. به نظر نمی‌رسد ایران بتواند نقش سازنده‌ای در مبادلات تجاری منطقه‌ای داشته باشد.

۳- عامل فرهنگ معنوی یا ایدئولوژی ستیز

تحولات فکری فلسفی در ایران و فرهنگ غنی عرفان ایرانی، همراه با ظرافت ذهنی، می‌تواند ایران را به عنوان مدل فرهنگی معنابخش در منطقه درآورد. اما متأسفانه غلبه گروه‌های بنیادگرا و سنتی سیاسی شده، بر عرصه سیاسی موجب شده است تا بنیادگرایی

ایدئولوژیک و دگرستیز، به جای معنابخشی عرفانی و چارچوب‌بخشی فلسفی بنشیند. به این لحاظ، همیشه ایران متهم به همکاری با تروریسم منطقه معرفی می‌شود.

با توضیحات فوق و با دید کارشناسی، می‌توان اظهار داشت که ایران توانسته با اعمال قدرت ایدایی و آسیب‌زن جزئی به هژمونی منطقه‌ای اسرائیل و جهانی آمریکا، زمینه را برای ابراز وجود، تحمیل تلفات هزینه‌بر انسانی و مالی برای دو کشور، اما بدون احراز منزلتی مطلوب، فراهم کند. در مقابل، دو کشور مزبور توانسته‌اند به واسطه این اقدامهای ایدایی، به سرعت منزلت منطقه‌ای و جهانی خود را بهبود بخشند. مثلاً به واسطه اقدامهای اخیر، اسرائیل به اقتضای چالش مزبور و تلفاتی که از حزب‌الله لبنان دریافت می‌کرد، در راه تبدیل چالش به فرصت، و در موقعیتی مناسب برای بهره‌گیری از فرصت، از لبنان ظاهراً تحت فشار عقب نشست. به یمن این عقب نشینی، انتفاضه به عنوان مدل مبارزاتی در ذهن ملت فلسطین مدلی مطلوب محسوب شد. کنترل جریانات به وسیله یاسر عرفات (رهبر فلسطین)، و عدم خیزش رادیکال مردمی، دولت اسرائیل را به فکر انداخت. شارون با حضور در مسجدالاقصی، زمینه‌ساز انتفاضه‌ای جدید شد. انتفاضه دوم ملازم با مرگ طرح اسلو، و در نتیجه ظهور طرح نقشه راه **road map** شد. برخلاف توافق در «زمین برای صلح» اسلو، در طرح نقشه راه، بخش مهم استراتژیک سرزمین فلسطین، از موضوع گفتگوی صلح حذف گردید. در طرح حاضر، مذاکره و تعهد زمانی از سوی اسرائیل پذیرفته می‌شود که در مقابل انتفاضه فروکش کند، نه این که اسرائیل متعهد به واگذاری همه سرزمینهای متصرف در سال ۱۹۶۷ باشد. سرزمین دولت آینده فلسطین در این طرح با توافق، مشخص خواهد شد، و به هیچ وجه ملازم با کل سرزمینهای اشغالی سال ۱۹۶۷ نیست.

در خصوص ایران و عراق، خطر بالقوه نظامی ایران و عراق برای منطقه خلیج فارس، و اصولاً غرب، به وجهی بود که برای غرب قابل تحمل نبود. پس از بروز انقلاب اسلامی، موازنه قدرت بین ایران و اسرائیل، از یک سو، ایران و عراق و به طور کلی ایران و دنیای عرب، به وجهی ناموزون بود. موازنه قدرت بین عراق و ایران، که باید به موازنه ضعف تبدیل می‌شد، طرح و تدوین برنامه‌های متفاوت برای کاهش دفعی خدمت دوران سربازی، وقوع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، غرب را در رسیدن به این هدف یاری کرد.

در حالی که ایران از لحاظ اقتصادی، حضور در گات GATT، را به عنوان قید و مانعی برای رشد اقتصادی خود محسوب می‌داشت، امروزه به لحاظ فشار آمریکا و تلاش آن کشور در جلوگیری از حضور ایران در سازمان تجارت جهانی WTO در خطر واقعی حذف از حضور در طرح نفت جمهوری آذربایجان، از دست دادن فرصت بهره‌گیری از منزلت مبادلاتی (خط لوله و ترانزیت)، باختن بازار به دنیای عرب از جمله امارات متحده عربی، خروج از شاهراه بزرگ ارتباطی نرم‌افزاری و حتی مسافرت هوایی و ... است.

اگر چه ایران توانسته است به دستاوردهای نظامی تهاجمی (موشکی و هسته‌ای) مناسبی دست یابد، اما به علت حضور آمریکا و تغییر مدل جنگ، اهمیت تکنولوژی و قدرت نظامی به معنای تهاجمی برای ایران، امروز به یک هزینه پر دردسر و خطرناک برای امنیت ملی و ملت تبدیل شده است. فروپاشی شوروی، سرنوشت عراق و تدبیر چین، در تحول از یک قدرت نظامی به قدرت اقتصادی، می‌تواند بسیار آموزنده باشد. ایران می‌تواند با کاهش شدید هزینه‌های نظامی به حدود بیست درصد (۲۰٪) فعلی، و اعمال استراتژی دفاع غیر تحریک‌آمیز، حتی از هواپیمای دفاعی بسیار پیشرفته F-14 هم برای دفاع داخلی استفاده کند، و همراه آن با تولید موشک دفاعی ضد تانک (ضد نفر سهند)، کلیه مرزهای هوایی و زرهی‌رو خود را از لحاظ نظامی بیمه کند. در ازای این تغییر استراتژی سرنوشت‌ساز، ایران با خروج از بازی قدرت تعارضی (منفی)، به عرصه بازی تعاونی مؤثر و مثبت منطقه‌ای، در بستر نظام بین‌الملل جهانی نائل می‌آید.

با چنین تحولی، چنان که تجربه مثبت آلمان و ژاپن ۱۹۴۵، فرانسه ۱۹۷۰، و چهار گول آسیایی پس از ۱۹۷۰، چین پس از ۱۹۷۵، مالزی و تایلند ۱۹۸۰ و تجربه منفی ویتنام ۱۹۵۰، عراق ۱۹۸۰ به بعد، و اتحاد جماهیر شوروی دوران برژنف تا روسیه دوران پوتین نشان داد، ایران هم می‌تواند با بازسازی فرهنگ ملی - مذهبی، و نوسازی تمدنی، و تغییر استراتژی داخلی و خارجی خود، بار دیگر به عنوان بازیگر مثبت و مؤثر منطقه‌ای و ارتقای سطح کیفی زندگی ملت ایران نائل آید. چگونگی این تحول را طی چهار استراتژی به هم پیوسته و تعادل‌بخش ارائه کردیم، و در بند آخر این گفتار به شرح بیشتر آن می‌پردازیم.

۴ د - مدیریت شبکه‌سازی هژمونیک و ائتلافهای قدرت منطقه‌ای ایران

چنان که قبلاً توضیح داده شد، بازی قدرت ایران در سه سطح قابل تعریف است:

- سطح ورودیهای قدرت، که ایران را به غرب، روسیه، چین و آسیای جنوب شرقی پیوند می‌دهد. با دریافت پول ناشی از نفت، خرید تکنولوژی و جذب سرمایه، ایران می‌تواند مبادلات خویش با دنیای پیشرفته و یا کمابیش صنعتی فوق را به نحوی تنظیم کند، که در فاصله بیست سال آینده به قدرتی منطقه‌ای تبدیل شود.

- سطح تبادل قدرت، که ایران را به قدرتهای میان‌مایه‌ای چون هند، مصر، پاکستان، سوریه، عراق و ترکیه پیوند می‌دهد. ایران می‌تواند با ایجاد وابستگی متقابل و سازنده، به مبادلات افقی با این کشورها بپردازد. این سطح از ارتباطات به حفظ وضعیت فعلی ایران یاری می‌دهد، اما نه می‌تواند به افزایش قدرت تکنولوژیک ایران کمک کند، و نه بازاری برای اعمال قدرت ایران باشد.

- سطح قدرت مانور ایران، کشورهای خلیج فارس، آسیای مرکزی، قفقاز و افغانستان و تا زمانی کوتاه، عراق است. ایران چنان که قدرت خود را با نظام بین‌الملل هماهنگ کند، از این بازار به نفع ارتقای قدرت خود استفاده خواهد کرد.

متأسفانه این ملزومات در بازی سیاست خارجی ایران، نادیده گرفته شده است. از لحاظ نظری، ایران تا به حال استراتژی کلان خویش را، در کشمکش سه محیط امنیتی زیر سرگردان نموده است:

- اعتلای قدرت و منش فکری - اعتقادی ملی، در جهت ستیز و مبارزه علیه اسرائیل و آمریکا، به نفع رهایی مستضعفین و مسلمین، بدون توجه به مقدورات ملی، و انتظارات بخش مدرن و دموکراتیک جامعه

- اعتلای قدرت غیر تحریک‌آمیز و منش فکری - اعتقادی ملی، مذهبی و دموکراتیک که کمابیش در ابتدای انقلاب به طور کوتاه‌مدت پیگیری شد.

استراتژیهای فوق با عنایت به گرایشهای تمدنی و فرهنگی داخلی و خارجی جامعه شکل گرفت.

استراتژی اول را رژیم گذشته به طور ناقص پیمود. تلاش دموکراتیک و مدرن مصدق، و مذهبی - اقتصادی سنتیها در این استراتژی مورد توجه قرار نگرفت.

استراتژی دوم را جمهوری اسلامی، پس از سقوط دولت موقت و تا انتهای جمهوری اول بی‌مهابا پی‌گرفت. این استراتژی خواهان دفاع ایران از حقوق مظلومانه یک پنجم جمعیت مسلمان، و سه پنجم جمعیت مستضعف دنیاست. متأسفانه مقدمات ملی ایران توان پرداخت هزینه‌های ایجابی و یا انکاری این هدف بزرگ انسانی را ندارد.

استراتژی سوم به طور ناقص و زودگذر در ابتدای انقلاب و جمهوری اول هم اتخاذ شد، اما انباشت مشکلات داخلی و خارجی اجازه تحقق آن را نداد. امروزه رهبران کشور می‌توانند با تدوین استراتژی مناسب، ایران را به نوعی مدیریت شبکه‌ساز موازنه مثبت فعال، بین هر سه بخش قدرتی بین‌المللی (ورودی، مبادلاتی - خروجی) تبدیل کنند.

با توضیحات فوق نسبت به اقدام مؤثر و مفید سیاسی ایران، به نحوی که موجب حفظ و اعتلای امنیت و قدرت ملی شود، تردید جدی وجود دارد. البته هنوز ایران از مزایای منابع انرژی، موقعیت جغرافیایی و نیروی انسانی بالنده ولی کنترل شده و به مهاجرت رفته خوبی برخوردار است. فقدان بهره‌گیری از این امکانات و علاقه به اقدامهای تأثیری و ایدایی علیه عملیات سلطه جویانه اسرائیل و آمریکا در منطقه، توانسته است جلوه‌ای از قدرت منفی ایران را به نمایش گذارد. اما این اقدامها در بلندمدت از سویی به اعتلای منزلت اسرائیل و آمریکا، و افول فزاینده قدرت ایران انجامیده است.

در این ارتباط چند راه حل تجویز می‌شود:

- ۱- پذیرش کثرت‌گرایی فرهنگی توسط دولت، و غیر سیاسی کردن آن برای کاهش تهدیدات فرقه‌ای - قومی، تلفیق تنوع و کثرت فرهنگ با همکاری تمدنی - امنیتی
- ۲- تکیه دولت بر قدرت مثبت (اقتصادی - فنی - ارتباطی)
- ۳- اصلاح روابط ایران با دنیای خارج، و تلاش برای کثرت‌گرایی در این حوزه از طریق موضوعی کردن رژیمهای مبادلاتی، روابط فرهنگی با کشورهای اسلامی، قدرت با شمال و عدالت در رفتار خود با جنوب
- ۴- اشاعه دموکراسی، اعمال سیستم شایسته‌گرایی برای جذب سرمایه و نیروهای ایرانی
- ۵- حساسیت‌زدایی از مسائل سخت‌افزاری نظامی، پیوستن به یک اتحاد امنیتی، برای اعتمادسازی و نظامی‌گرایی

- ۶- اشاعه فرهنگ مبادلاتی و شبکه‌سازی بین بازیگران
- ۷- تأسی به فرهنگ گفتگو، و عملیاتی کردن آن فرهنگ ائتلاف برای صلح
- ۸- فراهم آوردن شرایط قانونی، فکری و سیاسی برای فعالیت بخش خصوصی صنعتی
- ۹- اعطای سهم قدرت سیاسی به بخش خصوصی صنعتی
- ۱۰- سهام کردن دول و شرکتهای اروپایی در رشد اقتصادی کشور
- ۱۱- فراهم آوردن شرایط قانونی و سیاسی لازم برای سرمایه‌گذاری خارجی
- ۱۲- کوچک کردن دولت به لحاظ اقتصادی و فعالیتهای سیاسی خارج از کشور، مبنی بر عدالت‌خواهی
- ۱۳- سازگار کردن سیاست خارجی با رشد اقتصادی بخش خصوصی
- ۱۴- ائتلاف امنیتی با قدرتهای بزرگ، اما اقتصادی غیر متمرکز در سطح بین‌المللی
- ۱۵- توجه قابل ملاحظه اقتصادی به حاشیه کشور، جهت همگرایی سیاسی - ملی
- ۱۶- تغییر گفتمان (لحن توأم با التزام عملی) در سیاست خارجی و جهت‌گیری آن از سیاستهای عدالت‌جویانه به سیاستهای رشد و توسعه اقتصادی - فرهنگی - فنی کشور
- ۱۷- ایجاد ارتباط مناسبت با همسایگان، در عین حال سوق دادن کشور به روابط استراتژیک بیرون از خاورمیانه

در آمدی بر توسعه همه جانبه

و پایدار ملی

◀ مقدمه

برنامه‌ریزی برای قرار گرفتن در مدار توسعه ملی پایدار، امروزه یک ضرورت حیاتی است. توسعه ملی پایدار، در یک جمله به معنای افزایش ظرفیتها و پویایی‌های نظام ملی در همه ابعاد، و زیر مجموعه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، تا حدی که نظام ملی قادر به پاسخگویی به نیازهای فزاینده و سازگاری و تعامل با شرایط متغیر داخلی و خارجی شود.

نظام سیاسی و دولت، از موقعیت و نقش اساسی در فرایند توسعه پایدار برخوردار است، زیرا هم خود موضوع این توسعه است (یعنی باید ظرفیتهای خود را در همه ابعاد تنظیمی، استخراجی، پاسخگویی، توزیعی و نمادین افزایش دهد و پویایی‌های خود را برای مواجهه با شرایط و محیط متغیر داخلی و بین‌المللی سازگار سازد)، هم طراح، راهبر و مدیر توسعه در عرصه‌های دیگر است (یعنی باید زمینه‌های لازم را برای افزایش ظرفیتها و پویایی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، چه در سطح روابط داخلی و چه در سطح روابط خارجی فراهم و تقویت کند). با وجود این، دولت، تنها بازیگر در فرایند توسعه پایدار نیست.

در کنار دولت، بازیگران داخلی یعنی بازار، جامعه مدنی، نیروهای سیاسی مخالف، افکار عمومی و همچنین بازیگران بین‌المللی یعنی بازار بین‌المللی، نهادهای بین‌المللی، افکار عمومی بین‌المللی و ... نیز کم و بیش - بسته به مراحل مختلف توسعه - می‌توانند، و باید نقش خاص خود را در فرایند توسعه پایدار ایفا کنند. به علاوه میل دولت به یکه‌تازی، اقتدارگرایی و مداخله‌جویی ممکن است در فرایند توسعه پایدار، اختلالهایی ایجاد کند. بر این اساس نه تنها افزایش ظرفیتهای دولت، بلکه همچنین تمهید سازوکارهایی برای مهار دولت، یکی از اهداف اساسی برنامه‌ریزی برای توسعه پایدار است.

در این مقاله، ابعاد سیاسی توسعه ملی پایدار، و ضرورتهای توجه به این ابعاد، هدفگذاری و مرحله‌بندی توسعه پایدار، بر اساس ابعاد سیاسی ارائه، و ملزومات و راهکارهای دستیابی به این اهداف، در هر مرحله توضیح داده شده است.

مقاله، در دو بخش ارائه می‌شود: بخش اول: اهداف و مرحله‌بندی توسعه ملی پایدار (از منظر ابعاد سیاسی)، به اختصار ارائه می‌شود. بخش دوم: ضمن شرح تفصیلی این هدفها و مرحله‌بندیها، ملزومات و

راهکارهای دستیابی به آنها را، ارائه و توجیه می‌نماید. لازم به ذکر است که تهیه برنامه‌های عملیاتی **Action Plan** برای هر یک از مراحل توسعه پایدار، مستلزم مطالعات و تحقیقات مفصل و جداگانه است. در هر صورت، اگر هدف بلندمدت (بیست ساله) توسعه ملی پایدار را، دستیابی به سطحی از توسعه ظرفیتها و قابلیت‌های تولید و باز تولید خلاقیت، ثروت، قدرت و حیثیت ملی بدانیم که بتواند امنیت، آزادی، کرامت، مشارکت، رفاه و عدالت را برای آحاد ملت فراهم کند، هدف درازمدت بعد سیاسی این توسعه نیز، عبارت از دستیابی به نوعی از نظم، ثبات و تعادل پایدار سیاسی و اجتماعی است که کمتر متکی به کاربرد زور و اقتدار دولت، و بیشتر متکی به سازوکارهای خود تنظیم کننده میان عرصه‌ها، نیروها و نهادهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، یعنی متکی به گسترش فرهنگ مشارکت، اخلاق و فضیلت مدنی باشد. دستیابی به این هدف از چهار مرحله زیر می‌گذرد:

۱- مرحله دولت قابلیت‌ساز **Capability Building State**

۲- مرحله دولت انطباق‌گرا **Adaptable State**

۳- مرحله دولت رفاه‌گرا و عدالت‌خواه **Welfare State**

۴- مرحله دولت تعامل‌گرای شهروندمدار **Penetrative - Civic state**

طی کردن هر یک از مراحل تقریباً یک دوره پنج‌ساله را لازم دارد.

◀ بخش اول: معرفی مختصر مراحل توسعه پایدار

◀ مرحله اول: دولت قابلیت‌ساز

الف: ظرفیت‌سازی

در این مرحله، تقویت ظرفیتهای تنظیمی، در اولویت برنامه توسعه است. دولت در این مرحله نقشی اساسی در تنظیم قواعد و مقررات، نهادسازی و تنظیم روابط میان نهادها و نیروهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد. در عین حال ظرفیتهای نهادی و سازمانی خود را نیز باید تقویت کند. به طور خلاصه، این مرحله نیازمند یک دولت مقتدر و کارآمد است که باید در جهت‌های زیر عمل کند:

- ۱- تخصیص منابع و تنظیم فعالیتهای اقتصادی، در جهت توزیع متوازن فرصتها، در سطح بخشهای مختلف اقتصادی (صنعت، کشاورزی، خدمات و ...) و نیز در سطح مناطق مختلف کشور (شهر، روستا، مرکز، پیرامون و ...)
- ۲- رقابتی کردن و شفافسازی فعالیتهای اقتصادی، در جهت تقویت بخشهای مولد، و مهار فساد و بخشهای غیر شفاف و زیرزمینی اقتصاد
- ۳- برقراری تعادل در الگوهای مصرف (عمومی و خصوصی)، به منظور جلوگیری از اتلاف منابع
- ۴- تقویت امنیت عمومی، قانونمندی، مهار گروههای خودسر و کاهش مداخله در عرصه‌های خصوصی زندگی، به منظور اعتمادسازی ملی
- ۵- اصلاح نظام اداری و مدیریت کشور، در جهت کاهش حجم و افزایش کیفیت و کارآمدی دستگاه اداری
- ۶- اصلاح نظام آموزشی، در جهت تقویت پیوند علوم و تحقیقات امر با توسعه R&D
- ۷- پیگیری یک سیاست خارجی فعال، و در عین حال اجتناب از تنش و درگیری، به منظور کاهش تهدیدهای خارجی، و بهره‌وری بیشتر از منابع و فرصتهای بین‌المللی، از جمله استفاده از نهادها و مقررات بین‌المللی برای افزایش ظرفیتهای تنظیمی

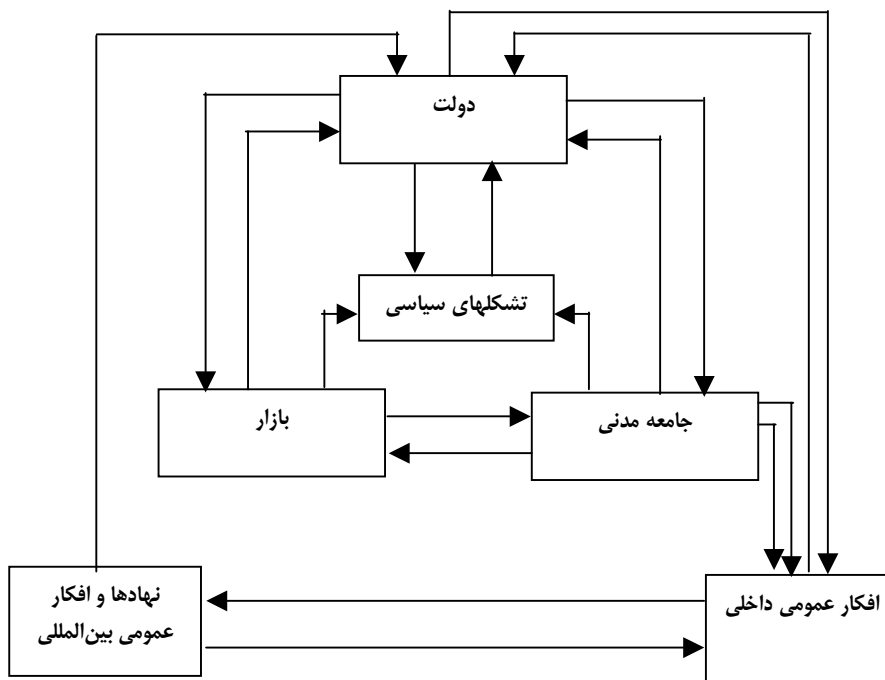
ب: کنترل و نظارت

- از آنجا که دولت در این مرحله، منابع و استعداد زیادی برای حرکت به سمت اقتدارگرایی و مداخله‌جویی دارد، لازم است سازوکارهای مناسب برای مهار دولت اندیشیده شود. به این منظور، اقدامها و جهت‌گیری‌های زیر باید مورد توجه برنامه توسعه پایدار باشد.
- ۱- تقویت استقلال قوا و خودمختاری نهادها و کارگزاری‌های حکومتی (در راستای قلمرو و حوزه‌های تخصصی خودشان)، و ایجاد هماهنگی میان آنها
 - ۲- تقویت جامعه مدنی، از طریق پذیرش حق تشکل منافع در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

۳- پرهیز از انسداد سیاسی، و پذیرش سطحی از دمکراتیک‌سازی دولت تا حدی که جریانها و نیروهای سیاسی موجود و متشکل در عرصه جامعه سیاسی، بتوانند در فعالیتهای سیاسی مشارکت کنند، و همچنین تجمع سطحی از آزادیهای سیاسی (مطبوعات، تجمعات و ...)، که برای انعکاس افکار عمومی، طرح مطالبات عمومی و گروههای ذی‌نفع ضروری است.

در نمودار شماره ۱- موقعیت بازیگران و ارتباط میان آنها و سازوکارهای کنترل و نظارت در این مراحل از توسعه پایدار نشان داده شده است:

نمودار شماره ۱- موقعیت بازیگران و ارتباط میان آنها و سازوکارهای کنترل و نظارت



◀ مرحله دوم: دولت انطباق‌گرا

الف: ظرفیت‌سازی

این مرحله از توسعه پایدار، تقویت ظرفیتهای استخراجی و پاسخگویی را در اولویت قرار می‌دهد تا از این طریق نظام ملی، خود را با شرایط شمول داخلی و خارجی، و پاسخگویی به نیازهای برآمده از مرحله قبلی توسعه سازگار سازد. دولت، در این مرحله باید از انعطاف‌پذیری کافی برخوردار باشد و در جهت‌های ذیل عمل نماید:

- ۱- سازگار کردن سطوحی از نهادها و مقررات داخلی، با نهادها و مقررات پذیرفته شده بین‌المللی، به ویژه در زمینه روابط اقتصادی - تجاری و حقوق بشر به منظور تقویت پیوند جامعه ملی با جامعه بین‌المللی، و کاهش تهدیدهای خارجی
- ۲- تقویت جنبه تولیدی در بخشهای پیشرفته اقتصادی، و افزایش سهم نظام ملی در ارزش افزوده جهانی، و همچنین در تولید علم و تکنولوژی جهان
- ۳- تقویت آزادی عمل نهادها و بازیگران اقتصادی و علمی داخلی، با محیط بین‌المللی (بازار بین‌المللی، محافل علمی و ...)، به منظور ایجاد منافع و فرصتهای جدید
- ۴- تقویت سرمایه‌های اجتماعی **Social Capital** از طریق پذیرش کثرت و تنوع در ارزشها، نهادها و خرده‌فرهنگهای داخلی، و فراهم کردن امکان افزایش تعامل فرهنگ ملی با فرهنگ جهانی، از طریق آزادی ارتباطات

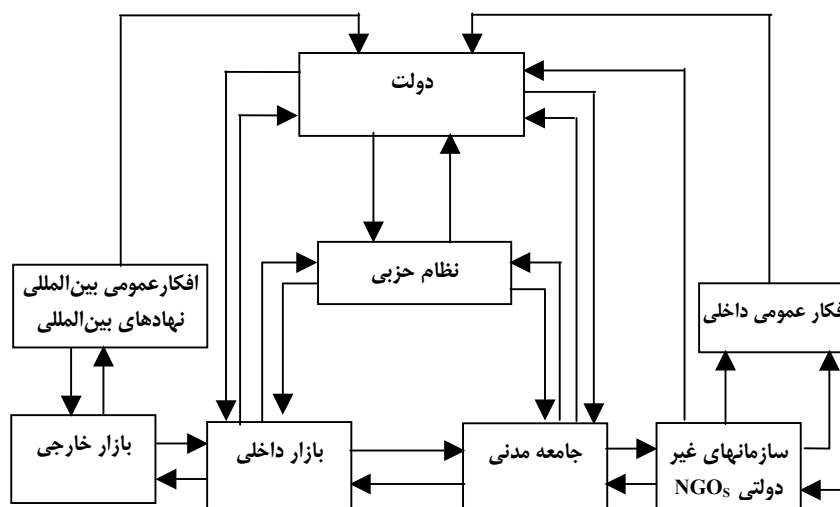
ب: کنترل و نظارت

در این مرحله نیز همچنان لازم است رابطه دولت و دیگر بازیگران، به نحوی تنظیم شود که از جهت‌گیری‌ها و آثار مختل‌کننده آنها، در فرایند توسعه پایدار جلوگیری شود. در این مرحله، علاوه بر این که دولت هنوز باید از سوی نیروهای سیاسی رقیب، جامعه مدنی، بازار و افکار عمومی مهار شود، بازار داخلی نیز کنترل ظریف‌تری لازم دارد، زیرا در پیوند با بازار جهانی ممکن است گرایشهای کمپرادوری پیدا کند و آسیب‌پذیری اقتصاد ملی را افزایش دهد. همچنین جامعه مدنی (تشکلهای صنفی، ممکن است موجب گرایشهای کورپوراتیوی در دولت شود)، به این منظور لازم است:

- ۱- فرایند دموکراتیک‌سازی از طریق تقویت نقش احزاب و گسترش آزادیهای سیاسی تعمیق شود.
 - ۲- افکار عمومی از طریق گسترش ارتباطات (داخلی و خارجی) و آزادی مطبوعات و رسانه‌ها، فعال‌تر شود.
 - ۳- تشکلهای غیر دولتی فعال در حوزه امور عمومی، NGO، به منظور کنترل گرایشهای دولت و بخش خصوصی در استفاده نامطلوب از منابع، و همچنین خارج کردن فرهنگ‌سازی از انحصار دولت و ساختارهای مسلط، گسترش یابند و فعال‌تر شوند.
- نمودار شماره ۲ موقعیت بازیگران و ارتباط میان آنها و سازوکارهای کنترل و نظارت بر آنها را نشان

می‌دهد:

نمودار شماره ۲- موقعیت بازیگران و ارتباط میان آنها و سازوکارهای کنترل و نظارت



◀ مرحله سوم: دولت رفاه‌گرا (عدالت‌گرا)

الف: ظرفیت‌سازی

در این مرحله از توسعه پایدار، تأکید بر تقویت ظرفیتهای توزیعی، یعنی سازوکارهای توزیع عادلانه منابع و فرصتهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. دولت در این مرحله، همچنان نقش مهمی در دستیابی به اهداف مرحله‌ای توسعه پایدار، یعنی رفاه عمومی و مشارکت عمومی در امور اجتماعی و سیاسی دارد. به این منظور باید برنامه‌ها و اهداف زیر، در دستور کار و اولویت دولت قرار گیرد:

- ۱- افزایش منابع عمومی (قابل بازتوزیع توسط دولت) از طریق یک نظام مالیاتی پیشرفته، کارآمد و مقوم فعالیت‌های اقتصادی
- ۲- برقراری توازن و تعادل در سطح توسعه مناطق مختلف کشور (محرومیت‌زدایی از پیرامون)
- ۳- گسترش یک نظام جامع تأمین اجتماعی، به منظور برخورداری شدن تمامی شهروندان از حداقل سطح زندگی (معاش، بهداشت، آموزش، انواع بیمه‌ها و ...)
- ۴- تعمیق فرایند دموکراتیک‌سازی دولت از طریق پذیرش پلورالیسم سیاسی، و توزیع قدرت سیاسی و اداری در سطح مناطق مختلف کشور (فعال شدن حکومت‌های محلی)

ب: کنترل و نظارت

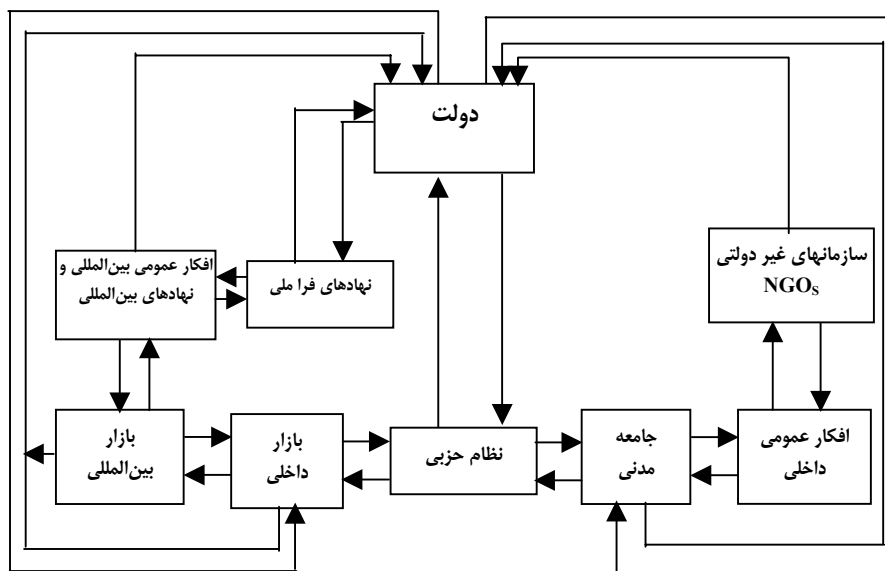
- ۱- در این مرحله، البته توزیع منابع مختلف قدرت (اقتصادی، سیاسی و ...)، امکان اقتدارگرایی و مداخله‌جویی بیش از حد دولت را، کاهش می‌دهد. با وجود این، هم دولت و هم دیگر بازیگران قدرتمند (نظیر بازار، احزاب سیاسی و ...)، باید از طریق نیروها و نهادهایی نظیر جامعه مدنی، سازمانهای غیر دولتی و افکار عمومی، کنترل و نظارت شوند.
- ۲- در این مرحله به دلیل کاهش شکاف توسعه میان نظام ملی و دیگر نظامها و جوامع پیشرفته، و امکان ورود به ائتلافها، تشکلهای و اتحادیه‌های اقتصادی و سیاسی، علاوه بر نهادهای ملی، نهادهای فرا ملی نیز نقش بیشتری در فرایند توسعه پیدا می‌کنند. به این منظور سازوکارهای کنترلی باید، تنظیم روابط میان این دو سطح از نهادها - ملی و فرا ملی نیز باشد.

۳- در این مرحله امکان گسترش تشکلهای مدنی به سطح بین‌المللی (جامعه مدنی حیاتی)، و حتی شکل‌گیری جنبشهای اجتماعی و سیاسی نیز وجود دارد، که می‌تواند در تعامل سازنده‌ای با نهادهای ملی و بین‌المللی قرار گیرد.

نمودار شماره ۳، موقعیت بازیگران، ارتباط میان آنها و سازوکارهای کنترل و نظارت میان آنها را نشان

می‌دهد.

نمودار شماره ۳- موقعیت بازیگران و ارتباط میان آنها و سازوکارهای کنترل و نظارت



◀ مرحله چهارم: دولت شهروندمدار تعامل‌گرا

الف: ظرفیت‌سازی

در این مرحله تقویت ظرفیتهای نمادین (فرهنگی)، در اولویت برنامه‌های توسعه قرار دارد. همچنین در این مرحله نقش عوامل غیر دولتی و غیر سیاسی در برقراری نظم، امنیت، ثبات و اداره امور عمومی افزایش می‌یابد و در مقابل، از نقش دولت به ویژه در درون نظام ملی کاسته می‌شود و دولت در سطح، و گاه حتی در ذیل دیگر بازیگران قرار می‌گیرد ولی البته نقش بین‌المللی خود را حفظ می‌کند. دولت در این مرحله، گرچه تأمین امنیت ملی و تنظیم تعامل جامعه ملی با جامعه جهانی را عهده‌دار است، اما در سطح روابط درونی ملی عمدتاً به عنوان میانجی در روابط بیان نهادها و بازیگران داخلی ظاهر می‌شود.

با تعمیق امنیت ساختاری و منابع بازدارندگی، که در اختیار چنین دولتی است، نقشهای بین‌المللی (تأمین امنیت) و داخلی (حل منازعه) با کمترین نیاز به کاربرد زور، اجبار و خشونت، ایفا می‌شوند. چنین شرایطی زمینه‌های مناسب را برای تقویت فرهنگ مدنی و تعاملی جامعه ملی با جامعه جهانی، از طرق زیر فراهم می‌کند:

- ۱- تقویت عقلانیت ارتباطی، از طریق تعمیق فردیت (فرهنگ فردی) و تعامل آزاد و دسترسی به تمدن جهانی
- ۲- تقویت اخلاق و فضیلت مدنی، از طریق تعمیق آگاهیهای مربوطه به حیات مدنی و درک پیوند میان حقوق و مسئولیتهای شهروندی
- ۳- مشارکت داوطلبانه شهروندان، نه تنها در مسائل و امور محلی و ملی، بلکه همچنین در مسائل و امور جهانی (مربوط به زیست جهانی سیاره‌ای)

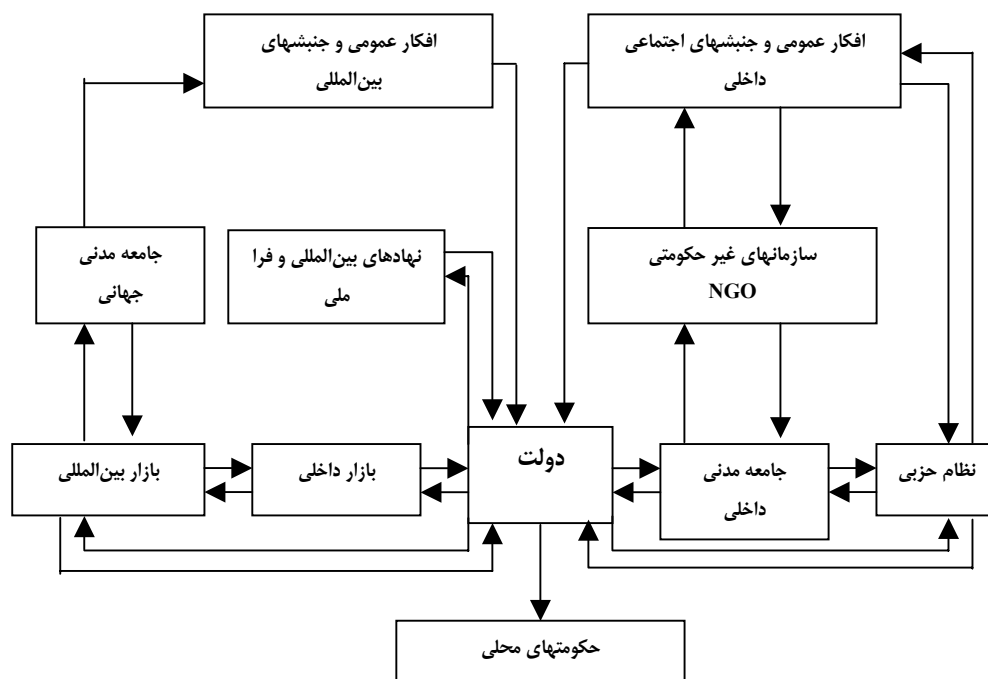
ب: سازوکارهای نظارت و کنترل

- ۱- در این مرحله، نه تنها در اثر روابط ساختاری و کارکردی، بلکه همچنین در اثر گسترش گفتار و فرهنگ مدنی، رابطه میان بازیگران، تا حد زیادی بدون نیاز به کاربرد اقتدار دولت تنظیم می‌شود.

- ۲- نظام حزبی نیز از سوی جامعه مدنی و به ویژه از سوی بخشهای اجتماعی، کنترل می‌شود.
- ۳- تقویت حکومتهای محلی در این دوره، تا حد زیادی از وابستگی امور عمومی به تصمیمهای دولت مرکزی می‌کاهد.
- ۴- افزایش تعامل نهادها و بازیگران ملی (دولت، بازار، جامعه مدنی، سازمانهای غیر دولتی)، با محیط بین‌المللی، آنها را به استانداردها و سطوح توسعه جهانی نزدیک می‌کند.
- ۵- افکار عمومی و جنبشهای اجتماعی داخلی، در ارتباط آزاد و تعامل با افکار عمومی جهانی، و بخشهای اجتماعی جهانی تقویت می‌شوند و نقش اساسی در نظارت و کنترل بر بازیگران سیاسی و اقتصادی ایفا می‌کنند.

نمودار شماره ۴، موقعیت بازیگران، ارتباط آنها با یکدیگر و سازوکارهای نظارتی و کنترلی نظام ملی را در این مرحله نشان می‌دهد:

نمودار شماره ۴- موقعیت بازیگران و ارتباط آنها با یکدیگر و سازوکارهای نظارتی و کنترلی نظام ملی



◀ بخش دوم بحث تفصیلی پیرامون ضرورتها، ملزومات و ابعاد سیاسی توسعه پایدار

◀ گفتار اول: وضع موجود و ضرورت برنامه‌ریزی برای توسعه پایدار

سالهاست که یکی از دغدغه‌های اصلی نخبگان فکری و سیاسی، دستیابی به یک توسعه ملی پایدار در ایران است و امروزه دیگر نه به عنوان یک موضوع و خواسته غیر ضروری، بلکه به عنوان یک ضرورت حیاتی مطرح است.

این ضرورت با نگاهی کلی به وضع موجود کشور در عرصه‌های مختلف داخلی اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و همچنین در نگاهی کلی به موقعیت و جایگاه بین‌المللی کشور، و بالاخره با مروری بر تجربیات برنامه‌ریزی و الگوهای توسعه در ایران (طی پنجاه سالی که از تجربه برنامه‌ریزی در ایران می‌گذرد)، خود را نشان می‌دهد:

۱- امروزه در یک نگاه می‌توان جلوه‌های انواع بحرانهای داخلی، اعم از اقتدار، مشروعیت، هویت، توزیع مشارکت و ... را به درجات مختلف در زندگی روزمره مردم ایران مشاهده کرد. این بحرانها در یک کلام محصول شکاف فزاینده میان ظرفیت و امکانات موجود از یک سو، و مطالبات فزاینده اجتماعی از سوی دیگر است.

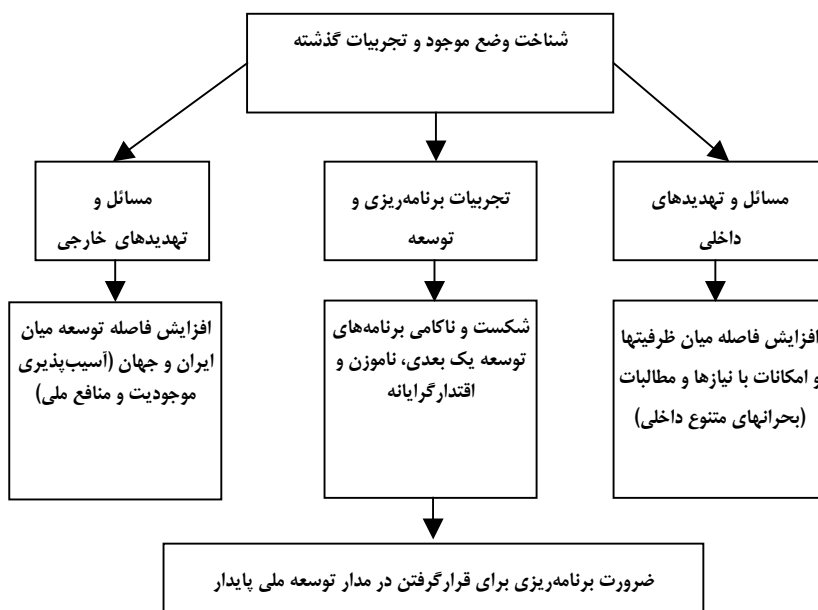
۲- افزایش شکاف توسعه‌ای **Gap of Development** میان ایران با بخش مهمی از دنیای امروز، به ویژه با کشورهای قدرتمند و توسعه یافته صنعتی، نه تنها روابط متعادل و متوازن با این جوامع را هر روز دشوارتر می‌سازد، بلکه این وضعیت در کنار ناسازگاریها و تعارضهایی که گاه در جهت‌گیریها و سیاستهای خارجی کشور ما با بخشی از این جهان پیشرفته پیدا می‌کند، تهدیدها و آسیب‌پذیریهای جدی را متوجه موجودیت، امنیت و منافع ملی کشور می‌سازد.

۳- مروری بر تجربه نیم قرن توسعه مبتنی بر برنامه‌ریزی در ایران، به خوبی بیانگر ناکامی الگوهای یک بعدی ناموزون و اقتدارگرایانه توسعه و تأکید بیش از حد بر ابعاد حوزه

اقتصادی، و آن هم معمولاً بخشهای خاصی از اقتصاد، و بی‌توجهی به ابعاد و ملزومات سیاسی و فرهنگی توسعه است. نکات سه گانه فوق که در نمودار شماره ۵ خلاصه شده است به اندازه کافی ضرورت بازنگری در بینشها و الگوهای حاکم بر برنامه‌ریزی توسعه و حرکت به سوی برنامه‌ریزی برای توسعه جامع، پایدار، ملی و انسانی را نشان می‌دهد، با وجود این لازم است که مسائل و تهدیدهای داخلی و خارجی موجود با تفصیل بیشتری ارائه شود.

نمودار شماره ۵- ضرورت بازنگری در بینشها و الگوهای حاکم بر برنامه‌ریزی توسعه، و حرکت به سوی

برنامه‌ریزی برای توسعه



۱- ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مسائل و تهدیدهایی که در این زمینه‌ها وجود دارد، از دید صاحب‌نظران، به ویژه برنامه‌ریزان کشور پنهان نمی‌باشد، و نیازی به ارائه‌ی آمار و ارقام نیست. با توجه به آثار مثبت تحولات و اصلاحات اقتصادی در دهه‌های اخیر، کاستی‌هایی که

هنوز و در مقایسه با انتظارات فزاینده جامعه امروزی ایران به چشم می‌خورد فراوانند.

مهم‌ترین این کاستی‌ها به شرح زیر است:

- کندی و عدم کفایت رشد اقتصادی و سطح نازل سرمایه‌گذاری‌های مولد
- سطح پایین اشتغال و کارایی نیروی کار
- درجه بالا و فزاینده نابرابری و فقر (چه در سطح گروه‌های اجتماعی و چه در سطح مناطق مختلف کشور)

- حاشیه‌ای شدن روزافزون بخش کشاورزی و اقتصاد روستایی

- پیوند ناچیز، سست و کم‌تنوع اقتصاد ملی با اقتصاد جهانی

- سهم ناچیز کشور ایران در تولید محصولات پیچیده صنعتی (ارزش افزوده جهانی) و تولید علم و فناوری جهانی

- وابستگی شدید و خطیر اقتصاد ملی به تولید و تجارت نفت خام

- رشد روزافزون بخش‌های غیر مولد، زیرزمینی و فاسد در اقتصاد ملی، و تسلط آنها بر ساختار اقتصادی

۲- از نظر اجتماعی و فرهنگی موارد ذیل به صورت آشکار، در زندگی روزمره دیده می‌شود:

- توزیع نامتناسب جمعیت در سطح مناطق و بخش‌های مختلف و جابه‌جایی‌های بی‌رویه جمعیت (مهاجرت داخلی و خارجی)

- رشد بی‌رویه و بی‌سامان شهرها و بحران در مدیریت کلان شهرها

- تضعیف و تخلیه روزافزون سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی کشور

- بحران در نظام آموزشی و اتلاف سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی کشور

- بحران در نظام آموزشی و اتلاف بخش مهمی از انرژی و اوقات نوجوانان و جوانان در دوران تحصیل

- کاهش انگیزه تحصیل علم و تخصص در میان جوانان و بی‌اعتمادی آنها به آینده

- اختلال در فرایندهای جامعه‌پذیری و آموزش اجتماعی و تضعیف اخلاق و ارزش‌های جمعی و رشد فراگرایی خودخواهانه

- افزایش ناهنجاریها، جرایم و مفسد اجتماعی (به ویژه اعتیاد به مواد مخدر در میان جوانان و نوجوانان)

- اختلال در کارکرد نهادهای فرهنگ ملی و بومی، ناچیزی ارتباط و حتی انسداد این نهادها در رابطه با جریانهای فرهنگی جهانی و آسیب‌پذیری جامعه در برابر جریانهای ناسازگار فرهنگی - تقویت و بروز و ظهور گرایشها و تعصبات کور فرقه‌ای و قبیله‌ای (در شکلهای مختلف آن از جمله تخصمی شدن هویت‌های قومی و مذهبی در برخی از مناطق کشور)

۳- از نظر سیاسی، میراث‌های گذشته به ویژه آثار تحولات سیاسی صد سال اخیر ایران، جنبه‌های مثبت و منفی خود را در صحنه سیاسی کشور به نمایش گذاشته است. ابعاد مثبت این تحولات البته شامل ورود تدریجی جامعه به عرصه سیاست مدرن، یعنی گسترش ارتباط با جریانها و نهادهای سیاسی و حقوقی جهانی، افزایش میل به مشارکت سیاسی (چه در سطح دولت و چه در سطح جامعه)، حضور فعال‌تر دولت در ساماندهی عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... است. با وجود این فرایند، توسعه سیاسی در ایران معاصر با قبض و بسطها، نوسانها و حتی واکنشهای متعددی همراه بوده است و بحرانها و بی‌ثباتی‌های ناشی از این نوسانات و واگشته‌ها، نه تنها نظم سیاسی را مختل کرده بلکه اثرات منفی خود را بر دیگر فرایندهای توسعه (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) باقی گذاشته است. به طور کلی اگر بخواهیم یک آسیب‌شناسی مختصر از تجربه توسعه سیاسی در ایران داشته باشیم، می‌توان گفت ناهمزمانی و ناموزونی ابعاد مختلف توسعه، بحرانها و اختلالهای خود را بیش از هر جای دیگری در عرصه سیاست نشان می‌دهد. بارزترین این اختلالها، امروزه به شرح زیر در عرصه سیاست (چه در سطح جامعه سیاسی و چه در سطح نظام سیاسی و دولت)، به چشم می‌خورد:

- طیف وسیعی از شکافهای ایدئولوژیک، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی، اقتصادی و ... در شکلهای مستقیم و غیر مستقیم و به صورت شدید و گاه تخریب‌کننده‌ای در صحنه سیاست و رقابتها و منازعات سیاسی، بروز و ظهور یافته است.

- اجماع چندانی بر سر ارزشها و هنجارهای اصلی سیاسی، حتی در میان نخبگان حاکم وجود ندارد.

- نظام سیاسی و ساختار قدرت شامل لایه‌ها و بخشهای متعدد و متداخلی است که روی هم رفته فاقد انسجام، هماهنگی و همسویی است و نظامهای ارزشی (فرهنگهای سیاسی) متعدد و گاه متعارضی را در درون خود به نمایش می‌گذارد.

- دستگاه‌های حکومتی فوق‌العاده حجیم و پرهزینه و ناکارآمد هستند و تمایل شدیدی به مداخله در عرصه‌های مختلف زندگی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اعمال ترجیح‌های سیاسی خود بر این عرصه‌ها دارند و روابط و کارکردهای این عرصه‌ها را دچار اختلالهای شدیدتری می‌سازند.

- دستگاه حجیم حکومتی، حتی در بخش رسمی آن (قوای سه‌گانه و ...)، به دلیل تشدید شکافها و رویارویی‌های سیاسی میان نیروها و جریانهای سیاسی رقیب در درون حکومت، نه تنها از انجام کار اصلی‌شان یعنی تنظیم روابط بخشهای مختلف سیستم اجتماعی بازمانده‌اند، بلکه خود به یکی از علل و عوامل تشدید بی‌نظمی‌ها و نابسامانی‌ها تبدیل شده‌اند. به طور کلی وضعیت سیاسی موجود گاه از حد ناکارآمدی حکومت در تنظیم و اداره جامعه درمی‌گذرد و به تعبیر برخی از شاهدان، به صورت نوعی دوگانگی و ناسازگاری در ساختار قدرت **Dual Power**، ظاهر می‌شود. این وضعیت بر بلاتکلیفی‌های مربوط به جهت‌گیری‌ها و سیاستهای داخلی و خارجی افزوده است.

- ظرفیتهای محدود و موانع موجود در نظام و فرهنگ سیاسی حاکم، برای پذیرش و تنظیم مشارکت سیاسی گروههای طالب مشارکت، و تبدیل فضای سیاسی به عرصه منازعه و تخاصم، و حرکت به سمت محدودسازی و محروم‌سازی سیاسی، و بعضاً انسداد سیاسی، در سالهای اخیر نه تنها به اتلاف بخش مهمی از انرژی نخبگان و نیروهای سیاسی انجامیده است، بلکه درجاتی فزاینده از سرخوردگی و ناامیدی سیاسی را در میان بخشهایی از نیروهای سیاسی و اجتماعی به وجود آورده است.

- تغییر فضای بین‌المللی و ظهور شکل‌های جدیدی از فشارها و مداخلات نیروهای خارجی برای تأثیرگذاری بر ساختارها و فرایندهای سیاسی، اثرهای تهیه‌کننده نابسامانی‌های داخلی را افزایش داده است.

به طور کلی نظام سیاسی مستقر، همزمان با مسائل و بحرانهای متعدد داخلی در زمینه مقبولیت، مشارکت، نفوذ و ... با فشارهای خارجی نیز مواجه است و این وضعیت، نظم و سامان سیاسی و به تبع آن دیگر بخشهای سیستم اجتماعی را، در معرض خطرات زیادی قرار داده است.

◀ گفتار دوم: ملزومات حرکت به سوی برنامه توسعه ملی پایدار

برای حرکت به سوی برنامه‌ریزی، برای قرار گرفتن در مدار توسعه ملی پایدار، قبل از هر چیز لازم است تصویری روشن از اهداف، بازیگران، منابع، روشها و سازوکارهای توسعه پایدار ملی ارائه شود. با یک نگاه کلی به صحنه داخلی و بین‌المللی می‌توان گفت:

۱- امروزه همان‌طور که عرصه داخلی و بین‌المللی حاوی مسائل و تهدیدهایی است، این عرصه‌ها متضمن فرصتها و منابع متعددی نیز برای برون رفت از بحرانها و تهدیدها و دستیابی به ظرفیتهای و موقعیتهای توسعه هستند. بر اساس اصل واقع‌بینی و در عین حال خلاقیت، می‌توان از منابع و فرصتهای بالفعل و بالقوه داخلی و بین‌المللی، به نحو بهینه‌ای در راستای توسعه پایدار استفاده کرد.

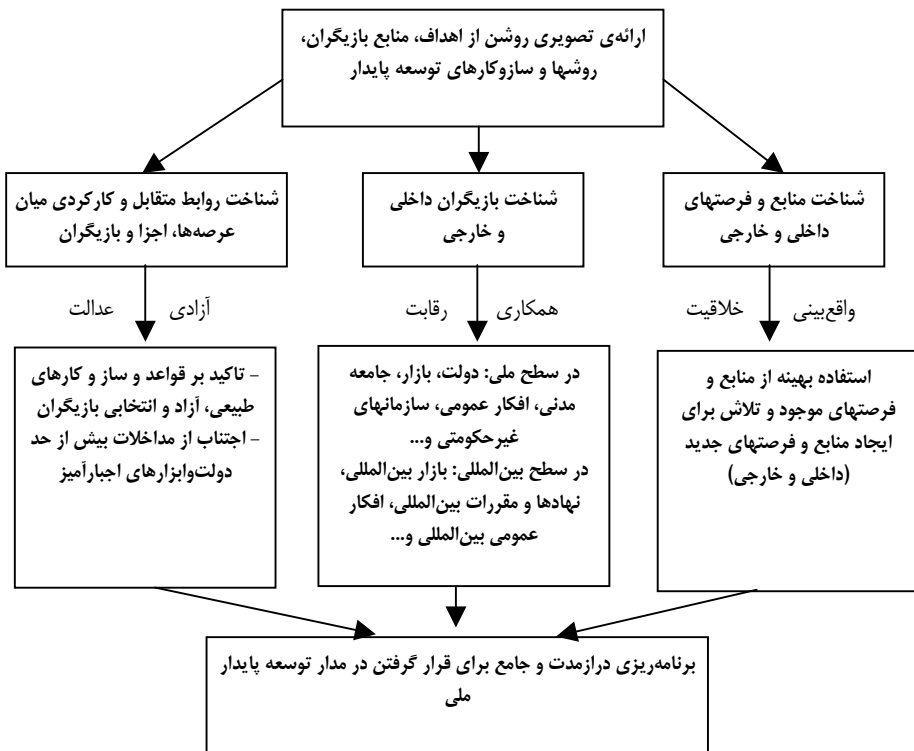
۲- بازیگران مؤثر در فرایند توسعه پایدار، چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی، بسیار متنوعند: نیروهای اقتصادی (بازار)، نیروهای اجتماعی (جامعه مدنی)، نیروهای سیاسی (احزاب و تشکلهای سیاسی) و جریانهای فکری و فرهنگی عمومی (افکار عمومی)، در کنار نظام سیاسی (دولت) مهم‌ترین بازیگران داخلی این فرایند محسوب می‌شوند. علاوه بر اینها، به دلیل پیوند روزافزون بین جامعه، اقتصاد، فرهنگ و سیاست ملی، با عرصه‌های جهانی به ویژه در عصری که به عصر جهانی شدن موسوم شده است، بازیگرانی نظیر نهادها و بنگاههای اقتصادی جهانی (بازار جهانی)، نهادها و رویه‌های سیاسی و حقوقی بین‌المللی و ارتباطات و افکار عمومی بین‌المللی نیز، در زمره مهم‌ترین بازیگران بین‌المللی مؤثر در فرایند توسعه می‌باشند. در برنامه‌ریزی توسعه پایدار، می‌توان با توجه به اصل رقابت و اصل همکاری، رابطه میان این بازیگران را به گونه‌ای تنظیم نمود که بیشتر در خدمت پیشبرد و توسعه پایدار قرار گیرند.

۳- با توجه به رابطه متقابل که میان اجزا و عناصر نظام ملی، و همچنین میان نظام ملی و نظام بین‌المللی وجود دارد، و با توجه به این که این روابط متقابل در صورتی که بر مبنای اهداف، منافع و ارزشهای مشترک، برقرار و تنظیم شود، وجوه کارکردی مثبت و سازنده به خود می‌گیرد و خود بازیگران، بر اساس آگاهی از این وجوه مشترک و کارکردی می‌توانند به

سمت کاهش تعارضها و اختلالهای موجود در روابط میان خود حرکت کنند، بر این اساس، تأکید و تمرکز بیش از حد و دائمی بر کاربرد عوامل و ابزارهای بیرونی، و اجبار آینده ضرورتی ندارد و می‌توان در فرایند توسعه پایدار، با در نظر گرفتن اصل آزادی و عدالت، بیشتر بر سازوکارهای درون‌جوش، طبیعی و مبتنی بر انتخاب عقلانی بازیگران تکیه کرد، و از تأکید بر مداخله مستقیم، اجبار آینده اقتدارگرایانه دولت، مگر در موارد ضروری (حل منازعات)، و تا حد برقراری توازن و تعادل و حفظ انسجام و همبستگی کلی نظام ملی، خودداری ورزید.

در نمودار شماره ۶ ملزومات کلی (عمدتاً ذهنی - شناختی) برای حرکت به سمت برنامه‌ریزی توسعه پایدار را نشان می‌دهد:

نمودار شماره ۶- ملزومات کلی برای حرکت به سمت برنامه‌ریزی توسعه پایدار



◀ گفتار سوم: ترسیم اهداف و ابعاد توسعه پایدار ملی

وضعیتی که در گفتار قبلی در مورد وضع موجود تصویر شد، نه تنها با شئون ملی، پیشینه‌ها، منابع، توانایی‌های موجود و بالقوه کشور و جامعه ایران تناسبی ندارد، بلکه در صورت تداوم ممکن است خطرهای جدی و متعددی را متوجه موجودیت و تمامیت ایران سازد.

بدون این که بخواهیم احساسات ملی یا شور انقلابی را مبنای کار سازیم، لازم است که در مقابل این وضعیتی که ترسیم شد، وضعیت مطلوب را با اتکا به یک بصیرت علمی، بینش اصلاح‌طلبانه و روش مهندسی اجتماعی ترسیم کنیم.

۱- اولین و مهم‌ترین کار در ترسیم وضع مطلوب عبارت است از: طراحی یک برنامه درازمدت بیست ساله توسعه همه‌جانبه و پایدار، که به ساماندهی و حل بحرانها و مسائل حاد اولویت می‌دهد. قبل از هر چیز لازم است منظور خود را از توسعه همه‌جانبه پایدار، به روشنی بیان کنیم. توسعه ملی پایدار، در خلاصه‌ترین تعریف آن عبارت است از: فرایند افزایش هماهنگ و متوازن ظرفیتهای گوناگون نظام ملی، برای پاسخگویی به نیازها و ضرورت‌های فزاینده و پیچیده در حیات ملی، در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، آن هم در یک محیط داخلی و خارجی شدیداً متحول. اگر بخواهیم از اصطلاحات آکادمیک استفاده کنیم، در یک کلام می‌توان گفت توسعه ملی پایدار، یعنی ساماندهی نظام ملی به مثابه یک نظام خود - توسعه یابنده **Self Developing** است.

۲- پیشبرد عملی برنامه توسعه پایدار، قبل از هر چیز مستلزم توجه به نقش مهم دولت و همچنین افزایش ظرفیتهای آن، به ویژه ظرفیتهای تنظیمی، استخراجی، توزیعی، پاسخگویی و نمادین است.

- منظور از ظرفیتهای تنظیمی، توانایی نظام ملی برای تعریف و تدوین قواعد و ضوابط مناسب، برای فعال‌سازی و بهینه‌سازی همه عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تدارک نهادها و سازمانهای کارآمد برای اعمال این قواعد و ضوابط است.

- منظور از ظرفیتهای استخراجی، توانایی نظام ملی برای بسیج منابع موجود، و بهره‌گیری بهینه از فرصتها برای ایجاد منابع جدید در همه عرصه‌ها، چه در سطح داخلی نظام و چه در محیط بین‌المللی است. طبعاً این ظرفیت به میزان انطباق قواعد و سازوکارها با تحولات داخلی و خارجی بستگی دارد.

- منظور از ظرفیتهای توزیعی، توانایی نظام ملی برای توزیع هر چه متوازن‌تر و سازنده‌تر منابع و فرصتها میان بخشها، مناطق، گروهها و افراد کشور است.

- منظور از ظرفیت پاسخگویی، توانایی نظام ملی و زیرمجموعه‌های آن برای مسئولیت‌پذیری و مواجهه شفاف، با آثار و پیامدهای عملکرد و به ویژه، پذیرش انتقادات و اشکالاتی است که از سوی گروهها و افراد ذی‌نفع به عملکرد آنها وارد می‌شود.

- منظور از ظرفیتهای نمادین، توانایی نظام ملی برای تدارک و خلق ارزشها و نظامهای معنایی (فرهنگ‌سازی و هویت‌بخشی)، به منظور معنادار کردن، انسجام بخشیدن و جهت‌دار کردن زندگی فردی و اجتماعی است.

۳- اگر افزایش ظرفیتهای پنج‌گانه بالا را در سطوح و عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در نظر داشته باشیم، آنگاه وضع مطلوبی که در یک توسعه پایدار ملی، ترسیم می‌گردد به شرح ذیل خواهد بود:

دستیابی به سطحی از توسعه ظرفیتهای پویایی‌های همه‌جانبه در نظام ملی و در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که در آن سطح، عرصه‌های نام برده در تعاملی آزاد و پویا بایکدیگر (محیط داخلی) و با دیگر جوامع (محیط بین‌المللی) قرار می‌گیرند، و منابعی از اقتدار، ثروت و حیثیت ملی را تولید و بازتولید می‌کند که می‌تواند امنیت، رفاه، آزادی و فرصت خلاقیت و اخلاق اجتماعی (مدنی) را برای همه شهروندان با هر گونه تعلق فکری، مذهبی، قومی و جغرافیایی تأمین کند.

توسعه ملی پایدار در عین حال متضمن سطوح بالایی از توسعه انسانی خواهد بود که در سطح داخلی با توزیع عادلانه و در عین حال کارکردی (سازنده و فعال‌کننده) منابع و فرصتهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در میان گروههای مختلف اجتماعی و مناطق مختلف کشور، سلامت جسمی و روحی و تعادل اجتماعی و زیست محیطی را ایجاد و حفظ می‌کند و در سطح خارجی نیز به فرایندهای توسعه و امنیت، آزادی، صلح و حفظ تعادل سیاره‌ای (محیط زیست جهانی) کمک می‌کند.

نظام سیاسی (دولت و حکومت) منطبق با این سطح از توسعه پایدار ملی، در مراحل اولیه با برخورداری از اقتدار کافی (برخورداری از مشروعیت و کارآمدی) و تنظیم و ساماندهی عرصه‌های مختلف، آسیب‌پذیریهای جامعه ملی را در قبال رویدادها، بحرانها و تهدیدهای داخلی و خارجی به حداقل ممکن می‌رساند و در مراحل میانی، با تقویت پویائیهای نظام ملی و سازوکارهای انطباق با محیط داخلی و خارجی، و برخورداری از توانایی کنترل بازدارندگی جریانها و عناصر ناهمساز داخلی و خارجی و حتی‌الامکان در جهت منافع ملی در ساختار ملی جذب و ادغام می‌کند.

و بالاخره در مراحل آخر و به موازات فراهم شدن منابع و سازوکارهای خود تنظیم کننده در حیات ملی، از دخالت وسیع، مستقیم و اجبارآمیز خود در عرصه‌های مختلف می‌کاهد و فضا را هر چه بیشتر برای فعال شدن نهادها و نیروهای مدنی برای تنظیم امور عمومی خالی خواهد کرد.

◀ گفتار چهارم: ابعاد و ضرورت دستیابی به توسعه پایدار

پیشتر اشاره شد که هر گونه برنامه‌ریزی برای توسعه پایدار، مستلزم توجه همزمان به ضرورت افزایش ظرفیتهای و تواناییهای نظام ملی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. این ابعاد، لازم و ملزوم یکدیگرند و تنها هنگامی که در یک بینش و برنامه نظام‌مند در ارتباط و تعامل کارکردی **Functional**، با یکدیگر قرار گیرند، می‌توانند فرایند توسعه پایدار ملی را به پیش برند. توسعه اقتصادی با دوام تنها در سایه توسعه آموزشی، علمی و فنی به پیش می‌رود. آموزش پویا و رشد علوم و فنون جدید، تنها در بستر یک فرهنگ توسعه‌گرای عقلانی - انسانی ممکن می‌شود. هر دو مقوله قبلی (اقتصاد و علوم و فنون)، تنها در شرایط توزیع متوازن و متعادل منابع، و جریان آزاد اطلاعات، دوام و تداوم می‌یابند و بالاخره تنظیم روابط و هماهنگی میان نیروها و بازیگران متعدد و گاه متعارض، در جریان توسعه پایدار، تنها در قالب یک نظام سیاسی با ثبات، کارآمد، ظرفیت‌ساز، منعطف و دموکراتیک ممکن است.

موضوع اخیر، یعنی ابعاد شرایط و ملزومات سیاسی توسعه پایدار، موضوع اصلی و محوری این مقاله را تشکیل می‌دهد. یکی از دلایل تمرکز این مقاله بر ابعاد سیاسی توسعه پایدار، کم‌توجهی و حتی غفلتی است که معمولاً در گرایشها و ایدئولوژی‌های حاکم بر برنامه‌ریزی توسعه در ایران معاصر، به چشم

می‌خورد. گرایشها و ایدئولوژیهای حاکم بر برنامه‌ریزی توسعه، غالباً تغییر و دگرگونی در عرصه‌ها و ابعاد اقتصادی (و بعضاً اجتماعی) را، موضوع اصلی برنامه‌ریزی توسعه می‌دانند و در این راستا معمولاً نظام سیاسی و دولت را صرفاً به عنوان راهبر، متولی و مجری برنامه توسعه، و نه موضوع تغییر و دگرگونی در فرایند توسعه، تلقی می‌کنند. در حالی که یک نگاه گذرا به تجربیات توسعه، چه در ایران و چه در دیگر نقاط جهان، نشان می‌دهد که اولاً، هر ساختار سیاسی قادر به طراحی و پیشبرد برنامه توسعه پایدار نیست، بلکه توسعه پایدار مستلزم وجود یک ساختار سیاسی توسعه‌گراست، ثانیاً، همین نظام توسعه‌گرا نیز باید از انعطاف‌پذیری لازم برخوردار باشد، به نحوی که در هر مرحله از توسعه ملی متناسب با ضرورت‌های آن، قابلیت‌های بنیادین خود را دگرگون سازد. بنابر این دولت توسعه‌گرا باید ضرورتاً دولتی انعطاف‌پذیر باشد و بپذیرد که خود نیز موضوع دگرگونی باشد (اصل خودتنظیمی). ثالثاً نظام سیاسی، هر چند توسعه‌گرا، انعطاف‌پذیر و خودتنظیم باشد، نباید به عنوان یک مجری یا ناظر بی‌طرف در فرایند توسعه تلقی شود، زیرا نظام سیاسی و دولت نیز همچون دیگر بازیگران اجتماعی طبیعتاً ذی‌نفع و خودمحورین است و در صورتی که موقعیت و ارتباطاتش توسط دیگر بازیگران به صورت نظام‌مند و کارکردی تنظیم و کنترل شود، در معرض انواع کمتر کارکردها، فساد و انحراف از مسیر فرایند توسعه پایدار قرار دارد.

علاوه بر این که نظام سیاسی و دولت، به دلیل نقش محوری و شأن‌ابزاریش در فرایند توسعه پایدار، باید موضوع توسعه، دگرگونی و ظرفیت‌سازی باشد، نیز به دلیل موقعیت وجودی‌اش و این که یکی از عرصه‌های زیست جهان انسان است، یکی از عرصه‌های جذاب، و گاه گریزناپذیر حیات و فعالیت انسانی عرصه سیاست و کنش انسانی است. با این حساب اگر این عرصه به نوبه خود توسعه پیدا نکند، علاوه بر آثار مختل‌کننده و مخربش بر دیگر ابعاد و عرصه‌های فرایند توسعه، فی‌نفسه و به عنوان یکی از عرصه‌های کنش و حیات‌بخش قابل ملاحظه‌ای از انسانها، می‌تواند به عنوان محیطی معیوب، تخریب معیوب‌سازی کنشگران (دولتمردان، فعالان سیاسی و سیاستمداران) را در پی داشته است. این وضعیت به ویژه در کشورهایی نظیر ایران، که دولت علاوه بر قدرت سیاسی، بخش مهمی از منابع اقتصادی و فرهنگی را نیز در تملک و کنترل خود دارد، می‌تواند ابعاد وسیع‌تری به خود بگیرد.

خلاصه این که یک برنامه توسعه پایدار، باید شامل ساماندهی و توسعه عرصه سیاست و دولت باشد.

البته دستکاری و تغییر در عرصه سیاست و دولت به دلیل ویژگیها و پیچیدگیهایش، دشوارتر از دیگر

عرصه‌ها است. با وجود این، دست کم با دو شیوه زیر می‌توان در این عرصه نیز دگرگونی‌ها و اصلاحات مورد نیاز را در راستای توسعه پایدار، توجیه و دنبال کرد: نخست، کشف و بیان ملزومات و مقتضیات سیاسی آن دسته از برنامه‌ها و اهداف غیر سیاسی، که اهمیت و ضرورت آنها مورد اجماع و توافق (در میان نخبگان) قرار گرفته است (ضرورت‌های سیاسی پیشبرد یک برنامه توسعه اقتصادی یا توزیع عادلانه). در این شیوه، تعمیق آگاهی و درک نخبگان سیاسی، به ویژه نخبگان حاکم، آنها را برای پذیرش ضرورت دگرگونی‌ها و اصلاحات لازم سیاسی متقاعد، و چه بسا فعال می‌سازد و به این ترتیب پیشبرد سطوح و درجاتی از اصلاحات سیاسی، به صورت ارادی ممکن می‌گردد. دوم، ساماندهی رابطه ساختاری و کارکردی که میان عرصه‌های غیر سیاسی و عرصه‌های سیاسی وجود دارد. این شیوه از طریق تقویت اثرات مکانیسم‌های تنظیمی و اصلاحی عرصه‌های غیر سیاسی بر عرصه‌های سیاسی (به صورت غیر ارادی)، به تحقق دگرگونی‌ها و اصلاحات سیاسی کمک می‌کند (تقویت همزمان فرایندهای خصوصی و رقابتی شدن عرصه اقتصاد و افزایش وابستگی دولت به درآمدهای مالیاتی، آن هم از نوع مستقیم، خواسته یا ناخواسته به کوچکتر شدن، مسئولیت‌پذیری و مشارکت‌پذیری نظام سیاسی و دولت کمک می‌کند).

◀ گفتار پنجم: مرحله‌بندی اهداف و ملزومات سیاسی توسعه پایدار

گرچه توسعه سیاسی (افزایش ظرفیتهای نظام سیاسی)، تنها به عنوان یکی از ابعاد توسعه ملی پایدار مطرح و معرفی شد، اما از آنجا که نظام سیاسی و دولت در پیشبرد دیگر ابعاد این توسعه نقش اولیه و تعیین کننده دارد، و از آنجا که این گزارش تمرکز خود را بر این جنبه از توسعه پایدار نهاده است، در این اهداف و مرحله‌بندی آنها، ابعاد سیاسی توسعه پایدار، به شرح زیر معرفی، سپس با تفصیل بیشتری توضیح داده می‌شوند:

مرحله اول (پنج‌ساله): ایجاد یک دولت قابلیت‌ساز

Capability Building State

مرحله دوم (ده‌ساله): ایجاد یک دولت انطباق‌گرا

Adaptable State

مرحله سوم (پانزده ساله): ایجاد یک دولت رفاه (عدالت‌گرا)

Welfare State

مرحله چهارم (بیست ساله): ایجاد یک دولت شهروندمدار ارتقاگرا

Penetrative - Civic State

۱- دولت قابلیت‌ساز

این دولت با سطحی از توسعه پایدار متناظر و مرتبط است که، افزایش ظرفیتهای تنظیمی در اولویت قرار دارند. این دولت از ظرفیت بالایی، نه تنها برای تنظیم و ساماندهی منابع موجود (بالفعل)، بلکه برای فعال کردن منابع بالقوه برخوردار است. تنظیم امور داخلی و خارجی، وضع و تدوین قوانین مناسب برای عرصه‌های مختلف حیات ملی و بین‌المللی، ظرفیت‌سازی نهادی و سازمانی برای اجرای قواعد و مقررات و حل تعارضات و منازعات، از اولویتهای چنین دولتی است. این دولت باید بر اساس اصل تخصص و تفکیک، سامان یافته و عمل کند. به این ترتیب ضرورت تفکیک عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، علمی و ... در سطح کل نظام ملی، و ضرورت تفکیک نهادهای قانونگذاری، اجرایی و قضایی در سطح نظام سیاسی، و پذیرش اصل تخصص در تخصیص مناسب و مسئولیتها در درون نهادها و سازمانهای حکومتی و اداری، از ملزومات اولیه ایجاد و تقویت چنین دولتی است. نقش قوانین و مقررات عمومی (حقوق عمومی)، چیزی جز تنظیم روابط منطقی، کارکردی و سازنده میان این عرصه‌ها و نهادهای تخصصی و تفکیک شده نیست.

دولت قابلیت‌ساز باید از یک دستگاه اداری - اجرایی کارآمد، و یک نظام مدیریتی خلاق و پویا، برخوردار باشد. در این راستا کوچکتر کردن حجم حکومت، دولت و دستگاه‌های اداری و اجرای سطوحی مناسب از تمرکززدایی در امور اداری، به ویژه در سطوح محلی، امری ضروری است. همچنین به رسمیت شناختن سطوحی از استقلال مدیران میانی از سوی مدیران سیاسی و کلان کشور، و همچنین به رسمیت شناختن سطوحی از ديمقراسی کارشناسانه از سوی مدیران میانی (پذیرش پیشنهادهای کارشناسان و ...)، امری ضروری است.

در هر صورت دولت قابلیت‌ساز در وهله اول باید از ظرفیت بالایی از اقتدار و توانایی مدیریتی برخوردار باشد. با وجود این، چنین دولتی از آنچه معمولاً به عنوان دولتهای اقتدارگرا

Authoritarian State شناخته شده‌اند، متفاوت است. اقتدارگرایی، بیانگر یک گرایش ایدئولوژیک، یعنی اصالت دادن به کاربرد روشها و ابزارهای اجبارآمیز برای ساماندهی اجتماعی است، که معمولاً نیز با محدودسازی شدید و حتی سرکوب نیروها و گرایشهای رقیب همراه است. در حالی که اقتدار می‌تواند، و در شرایط فعلی (که قبلاً توصیف شد) باید، مبتنی بر مقبولیت، رضایت و مشارکت باشد. بنابر این دولت کارآمد توسعه‌گرا در شرایط فعلی جامعه ایران، در عین حال دولتی برخوردار از سطوح قابل قبول و کارآمدی از دموکراسی و پذیرش مشارکت سیاسی است. دولت در این مرحله حداقل باید به تقاضای گروهها و نخبگان سیاسی فعال برای مشارکت سیاسی پاسخ مثبت دهد و ظرفیتهای نهادی کافی را برای چرخش دموکراتیک و مسالمت‌آمیز قدرت فراهم سازد. در شرایط فعلی در ایران، این یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است زیرا هر گونه انسداد سیاسی به ویژه در مقابل نیروهای سیاسی فعال و عمده‌ای که هر کدام نماینده بخش قابل ملاحظه‌ای از نیروها، اقلیت و طبقات مؤثر اجتماعی هستند، نه تنها تشدید منازعات و اختلالات سیاسی را، بلکه تشدید نابسامانی‌های اجتماعی و فرهنگی و کندتر شدن فرایندهای توسعه پایدار را نیز در پی خواهد داشت.

ایجاد و تقویت دولت کارآمد توسعه‌گرا، همچنین متضمن تدارک یک جهش کیفی در نظام آموزشی عمومی و تخصیصی - به منظور تقویت فرهنگ علمی و افزایش ظرفیتهای علمی - فنی است. نظام علمی - تحقیقاتی (و آموزش عالی) کشور علاوه بر منابع بیشتر، باید استقلال عملی بیشتر و در عین حال روابط ارگانیک و کارکردی بیشتری با بخشهای مدیریتی و تولیدی کشور پیدا نماید.

بالاخره دولت توسعه‌گرای کارآمد، مستلزم وقوف و آگاهی دائمی و عمیق نخبگان سیاسی و مدیریتی از نقش و رسالت مرحله‌ای آنها، در پیشبرد یک فرایند درازمدت توسعه پایدار و پذیرش تعهدات و ملزومات چنین نقش و رسالتی است.

۲- دولت انطباق‌گرا

این دولت با مرحله‌ای از توسعه پایدار ملی تناظر دارد که افزایش ظرفیتهای استخراجی و پاسخگویی، در اولویت بیشتری قرار دارند. این دولت باید از ظرفیت انعطاف‌پذیری و انطباق‌پذیری لازم برای مواجهه با تغییرات و تقاضاهای فزاینده محیط داخلی و خارجی برخوردار باشد. این ظرفیتهای علاوه بر ابعاد نهادی

و ابزاری، باید شامل توانایی‌های ذهنی و نرم‌افزاری (مدیریتی - اطلاعاتی) برای تحلیل موقعیتها، تقاضاها و مدیریت بحران باشد.

این دولت علاوه بر این که در سطح داخلی از ترکیب متناسبی از کارآمدی، دموکراسی و پاسخگویی برخوردار است، در سطح روابط خارجی خود نیز از ترکیب متناسبی از توانایی، انعطاف و سازگاری (نظامی، دیپلماتیک و نهادی) برخوردار است و به این ترتیب نه تنها ثبات سیاسی داخلی را در شرایط متحول حفظ می‌کند بلکه استقلال و حاکمیت ملی را نیز، در روابط خارجی پاسداری می‌کند.

این دولت در راستای حفاظت از منافع ملی و پیشبرد توسعه پایدار، خود را با رویه‌ها و ساختارهای اقتصادی، سیاسی و حقوقی بین‌المللی تطبیق می‌دهد. امروزه پیوستن به ائتلافها و پیمانهای منطقه‌ای و بین‌المللی برای حفظ صلح، امنیت، حقوق بشر و محیط زیست، و همچنین پیوستن به نظام نوین اقتصاد بین‌المللی (سازمان تجارت جهانی و ...) به منظور تحکیم پیوند اقتصاد ملی با اقتصاد بین‌المللی، از جمله شاخصهای یک دولت انطباق‌پذیر توسعه‌گرا در سطح روابط خارجی است.

این دولت در راستای حفاظت از انسجام و ثبات داخلی در این مرحله، باید از توانایی‌ها و ظرفیت کافی برای تعمیق دموکراسی و پذیرش و سازماندهی مطالبات مختلف و حتی متعارض داخلی برخوردار باشد. دولت باید عرصه خود را جهت گسترش فعالیت گروههای مختلف ذی‌نفع (اتحادیه‌های صنفی، کارگری، کارفرمایی، کشاورزی، احزاب سیاسی و ...) آماده سازد و نهادها و سازوکارهای لازم و کافی را برای حل منازعات ناشی از تعارض میان آنها، فراهم سازد.

۳- دولت رفاه

این دولت، با آن مرحله از توسعه ملی پایدار تناظر دارد، که افزایش ظرفیتهای توزیعی را در اولویت قرار می‌دهد. این دولت با اتکا به توانایی‌های تولید ثروت و قدرت (کالاها و خدمات مادی و فرهنگی)، و به منظور ایجاد تعادل اجتماعی و ثبات سیاسی، توزیع هر چه عادلانه‌تر این منابع را در میان گروهها و بخشهای مختلف در دستور کار خود قرار می‌دهد.

این دولت در زمینه اقتصادی - معیشتی، تأمین سطح استاندارد زندگی را برای تمامی آحاد جامعه (شهروندان) در دستور کار خود قرار می‌دهد تا از این طریق سلامت و امنیت جسمی و روحی و همچنین

کرامت انسانی آنها تأمین و حفظ شود. حذف محرومیتها و تأمین رفاه مساوی، علاوه بر تخفیف سرچشمه‌های تعارض و کنشهای اجتماعی و سیاسی، انرژی افراد جامعه - به ویژه اقشار و طبقات محروم را جهت مشارکت فعال‌تر و سازنده‌تر در حیات اجتماعی، آزاد می‌سازد.

دولت رفاه، در سطوح اجتماعی و سیاسی نیز به پایدار کردن و نهادینه‌سازی مشارکت کمک می‌کند. زیرا دولت رفاه تنها توزیع عادلانه منابع و فرصتهای مادی را در دستور کار خود قرار نمی‌دهد، بلکه این جهت‌گیری شامل منابع و فرصتهای مشارکت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز می‌باشد. برخورداری گروهها و خرده‌فرهنگهای داخلی از سطح استاندارد، رفاه، امنیت اجتماعی و اقتصادی، فرصت بیشتری برای مشارکت به آنها می‌دهد، و نیز با کاهش فاصله‌ها و شکافهای اقتصادی - اجتماعی، گرایشهای فرهنگی و سیاسی نیز، اگر نه به سمت همگونی، دست کم به سمت همگرایی و تفاهم بیشتری می‌رود.

این وضعیت شامل نیروهای سیاسی رقیب نیز می‌شود و به این ترتیب رقابتهای سیاسی از شکل منازعات و تخاصمات حاد خارج شده و تعدیل و تلطیف می‌شوند، زیرا اصولاً شکافها و فاصله‌های شدید در تعریف منابع و مصالح عمومی از میان می‌رود و به این ترتیب دمکراسی نیز نهادینه و پایدار می‌شود.

۴- دولت شهروندمدار تعادل‌گرا

این دولت با آن سطح از توسعه ملی تناظر و تلازم دارد که افزایش امنیتهای نمادین را در اولویت خود قرار می‌دهد. در این دولت، عرصه عملی و استقلال نهادهای مدنی گسترش می‌یابد و دولت به تدریج از ایفای نقشهای اقتدارآمیز در ارتباط با جامعه مدنی فاصله می‌گیرد، و به عنوان یک میانجی و تنظیم کننده در روابط مدنی ظاهر می‌شود. در این مرحله، تعمیق آگاهیهای درونی و وقوف افراد و گروهها به مسائل و منافع مشترک در حیات ملی، و حتی در حیات سیاره‌ای (در سطح حیاتی)، موجب گسترش اخلاق مدنی *Civic Ethics* و حتی نوعی فضیلت و تقوای مدنی *Civic Virtue* در میان افراد جامعه می‌شود، که می‌تواند مبانی یک نظم اجتماعی و حتی سیاسی خودجوش را با حداقل دخالتهای مستقیم دولت، فراهم کند.

در این نوع نظم سیاسی، شهروند به عنوان عنصر و جزء اصلی هویت‌یابی اجتماعی و سیاسی، تبدیل می‌شود و زندگی اجتماعی و سیاسی، برمدار شهروندی و تعمیق برابریهای حقوق و مسئولیتها، و تعمیق

حق مشارکت شهروندان در تنظیم و اداره امور جامعه سامان می‌یابد. دامنه عمل و مشارکت شهروندان، نه تنها سطوح محلی و ملی، بلکه شامل سطوح بین‌المللی نیز می‌شود. تبدیل شهروندان ملی به جزئی از شهروندان جهانی از طریق تعامل سازنده با فرهنگها و جوامع دیگر، به آنها فرصت ابراز وجود و اظهار نظر فعال و سازنده را در حیات بین‌المللی و سیاره‌ای می‌دهد. دولت در این مرحله نه تنها محدودیتی برای فعالیت‌های جامعه مدنی (محلی و ملی) ایجاد نمی‌کند، بلکه امکان پیوستن شهروندان ایرانی به تشکلهای مدنی (جامعه مدنی بین‌المللی) را نیز فراهم می‌کند.

◀ گفتار ششم: توجیه اهداف و مرحله‌بندی ابعاد سیاسی توسعه پایدار

عملیاتی کردن برنامه توسعه پایدار و از جمله، تهیه طرحهای عملی (تعیین منابع و تنظیم سازوکارهای عملی)، برای تحقق ابعاد و اهداف سیاسی این برنامه در این گزارش ممکن نیست و اصولاً جزء اهداف این گزارش نبوده است. این مقاله صرفاً تعیین چشم‌اندازها و نشان دادن ضرورتها و ملزومات سیاسی چنین توسعه‌ای را، هدف قرار داده است. با وجود این، تا آنجا که به ابعاد و اهداف سیاسی برنامه توسعه پایدار مربوط است، یک شرط، و آن هم شرط اولیه و اساسی، برای پیشبرد و تحقق اهداف اعلام شده، که همان «پذیرش آنها از سوی نخبگان سیاسی، به ویژه نخبگان حاکم» است.

در آخرین بخش بر اساس منطق اصلی حاکم بر این مقاله، یعنی منطبق ضرورت، دست کم اولویت‌بندی اعلام شده در اهداف سیاسی برنامه توسعه پایدار را توجیه، تا از این طریق به نوبه خود به تعمیق درک ضرورت این برنامه و اهداف اعلام شده آن کمک نمایم.

ترتیب مراحل چهارگانه‌ای که شرح آنها گذشت، بر پایه این منطق استوار است که هر یک از این مراحل در عین حال که عناصری از ابعاد توسعه سیاسی را در چارچوب و راستای برنامه توسعه پایدار تقویت می‌کنند، شرایط و لوازم حرکت و پیشرفت به سوی مراحل بعدی را فراهم می‌کنند:

۱- دولت به عنوان اولین مرحله، هم متضمن گذر از وضعیت (بحران) موجود است، و هم برخی شرایط لازم را برای ورود به مرحله بعدی، یعنی دولت انطباق‌پذیر توسعه‌گرا آماده می‌سازد. همان طور که اشاره شد وضع موجود را از نقطه نظر سیاسی می‌توان یک وضعیت شبه‌دمکراتیک ناکارآمد توصیف کرد.

- ۱-۱ فعال شدن نیروهای سیاسی رقیب در سالهای اخیر، که به دنبال برخی دگرگونی‌های اجتماعی و سیاسی در دهه دوم انقلاب رخ داد، با محدودیتها و موانع ساختاری، نهادی، سیاسی و ایدئولوژیک مواجه شده و بخش مهمی از این نیروها را به منازعات و مناقشات و تخصصات فزاینده و تجربی کشانده است. بن‌بستهای سیاسی موجود، بخشی از نیروهای اجتماعی و سیاسی را نیز در ورطه انفعال و یأس سیاسی و حتی بعضاً، به ورطه نگاه به منجی خارجی کشانده است. به هر تقدیر امروزه حذف هر یک از نیروهای سیاسی فعال از صحنه سیاست، به هر شیوه‌ای که صورت گیرد، به معنای کاهش سرمایه‌ها و پتانسیلهای نظام سیاسی و حتی تقویت پتانسیلهای تخریب کننده (تبدیل شدن به نیروهای واگرا و ضد سیستم) است.
- ۲-۱ ناهماهنگی‌های موجود در میان بخشهای مختلف، قوا و نهادهای گوناگون نظام سیاسی از یک سو، و ادامه حیات یک نظام اداری و مدیریتی کم‌تحرک، حجیم و کم‌انگیزه از سوی دیگر، کارآمدی همین ساختار شبه دمکراتیک را حتی در انجام کارهای ویژه مرسوم خود در زمینه حفظ نظم، امنیت و اداره عمومی، کاهش داده است (به نسبت گذشته یا دست کم به نسبت انتظارات عمومی).
- ۳-۱ علاوه بر مسائل و تمهیدات داخلی، امروزه تهدیدات خارجی نیز پیوند بیشتری با سرشت و جهت‌گیری‌های ساختارهای سیاسی داخلی، پیدا کرده است. امروزه بخشی از فشارها و محدودیتهای بین‌المللی علیه ایران، با استناد به وجود برخی گرایشها و عملکردهای غیر دمکراتیک، و همچنین نشانه‌های فزاینده نارضایتی‌های عمومی صورت می‌گیرد. در این رابطه، حتی بخش مهمی از ناکامیهای سیاست خارجی ایران، در کاهش و دفع این فشارها و محدودیتهای، به ملاحظات غیر کارکردی و سردرگمی‌های سیاسی نخبگان حاکم، و ناکارآمدی دستگاه‌های سیاست‌گذاری خارجی و دیپلماسی کشور، مربوط است.
- ۴-۱ بنابر آنچه گذشت، برای گذار از وضع موجود، و رفع تهدیدات داخلی و خارجی ذکر شده، تقویت هر دو عنصر کارآمدی و دمکراسی، در قالب پیگیری اهداف مرحله اول

(دولت کارآمد توسعه‌گرا) ضروری و حیاتی است. در این صورت لازم است نظام سیاسی در وهله اول ظرفیتهای رفتاری، گفتاری و نهادی خود را برای پذیرش آن بخش از نیروهای سیاسی معارض، که حداقلهایی از سازگاری با نظام را دارند، سریعاً در دستور کار خود قرار دهد. چنین ظرفیت‌سازی به نوبه خود امکان تقویت همگرایی و پیدایش سطوحی از اجماع سیاسی و هماهنگی راه، در نظام سیاسی فراهم کرده و عزم و توانایی نظام راه، برای طراحی برنامه‌های اصلاحی در زمینه‌های مختلف اقتصادی، علمی، آموزشی، اداری و مدیریتی خواهد افزود، و به این ترتیب سطوحی از کارآمدی و اقتدار را برای پیشبرد این برنامه‌ها ایجاد خواهد کرد.

۵-۱ مرحله اول (دولت کارآمد توسعه‌گرا) در عین حال که جامعه ایرانی را از مسائل و تهدیدات موجود گذر می‌دهد، از نقطه نظر ملزومات و شرایط ورود به مرحله دوم (دولت انطباق‌پذیر) نیز ضرورت می‌یابد. اگر هدف اصلی در مرحله دوم را تقویت ظرفیت و توانایی‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری نظام ملی برای انطباق و سازگاری با محیط متغیر داخلی و بین‌المللی، در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بدانیم، تقویت ظرفیتهای انطباق‌پذیری و انعطاف‌پذیری، تنها با استقرار و حاکمیت یک دولت کارآمد توسعه‌گرا در یک دوره زمانی میان‌مدت (پنج‌ساله) امکانپذیر است. در این دوره پنج‌ساله، افزایش توانایی‌های نهادی دولت، آن را برای مواجهه با رویدادها و دگرگونی‌ها و حتی بحرانهای محیطی (داخلی و خارجی)، آماده می‌سازد، ظرفیت‌سازی اقتصادی، علمی و فنی، امکان حضور فعال‌تر و رقابت متوازن‌تر دولت را در صحنه بین‌المللی ممکن می‌سازد و بالاخره حضور طیف وسیع‌تری از نخبگان و کارشناسان در عرصه‌های مختلف سیاست‌گذاری ملی، غنا و پویایی بیشتری را به نظام سیاسی می‌دهد و آن را آماده ورود به مرحله دوم می‌کند.

۲- دومین مرحله از نظم سیاسی مورد نظر در این طرح، یعنی تدارک دولت انطباق‌گرا، به نوبه خود شرط لازم برای ورود به مرحله بعدی توسعه پایدار ملی، یعنی دولت رفاه و عدالت‌گرا است. دولت رفاه، دست‌کم مستلزم پیدایش دو شرط است: نخست، کفایت تولید کالاها و

خدمات مختلف برای بهره‌مند شدن همه اقشار و گروه‌های اجتماعی، و دوم، ظرفیت و کارآمدی دولت برای تخصیص و توزیع مجدد منابع، آن هم به صورتی که کمتر اختلالی در بازتولید تولید کالاها و خدمات ایجاد کند. شرط اول به نوبه خود مستلزم آن است که نظام سیاسی از یک سو، زمینه‌ها و مجاری مناسب و کافی را برای برقراری ارتباط سازنده میان بازیگران داخلی اقتصاد (بازار ملی)، با بازار بین‌المللی (به منظور جلب و جذب سرمایه، تکنولوژی، اطلاعات و ...) فراهم کند، و در عین حال عرصه داخلی اقتصاد را با معیارها و استانداردهای بین‌المللی، سازگار نماید و از سوی دیگر، نیازمند آن است که نسبت هزینه‌های غیر رفاهی (هزینه‌های نظامی، امنیتی و ...)، به سود هزینه‌های رفاهی کاهش یابد، و این جز با توفیق دولت در پیشبرد یک سیاست خارجی کم‌تنش و کم‌هزینه میسر نیست. فراهم کردن هر دو دسته از این پیش‌شرطها جزء وظایف و اولویتهای یک دولت انطباق‌گراست. یک دولت انطباق‌گرا از طریق توازن و تعادلی که میان ابعاد اجبارآمیز و ابعاد ساختاری امنیت داخلی و خارجی، میان منافع خصوصی و عمومی، و نیز میان هزینه‌های رفاهی و غیر رفاهی ایجاد می‌کند، می‌تواند منابع کافی را برای تأمین رفاه عمومی فراهم آورد. ظرفیتهای سازمانی و کارآمدی این دولت نیز، بعضی در مرحله اول (دولت ظرفیت‌ساز) و بعضی دیگر، در دوره دوم (دولت انطباق‌گرا) فراهم می‌شود.

۳- با توجه به دو بحث قبل، می‌توان گفت ورود به مرحله چهارم، یعنی دولت شهروندمدار تعامل‌گرا، و دستیابی به توسعه فرهنگ مدنی و تبدیل آحاد جامعه به شهروندان آگاه و مسئول، چه در قبال مسائل محلی و ملی، و چه در قبال مسائل جهانی و مسائل عام انسانی، تنها با برقراری سطوح بالایی از امنیت، رفاه و آزادی ممکن می‌شود. این سه مورد، از ارزشهایی است که کم و بیش در مراحل سه‌گانه قبلی، و به ویژه در دوره دولت رفاه تقویت می‌شوند. برخورداری آحاد جامعه از چنین ارزشهایی، آنها را از تنشها و درگیریهای بیش از حد و معمولاً مخرب ناشی از فقر، تنگناهای معیشتی و ناامنی‌های می‌بخشد و انرژی آنها را برای خودسازی فکری، فرهنگی و مشارک سازنده و فعال در امور اجتماعی و سیاسی رها

می‌سازد. به طور کلی برای ورود به مرحله توسعه مدنی، انسانی و اخلاقی (مرحله چهارم)، گذر از مرحله دولت رفاه، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

ایران، جهانی شدن سیاست و

ظهور دولت مجازی

◀ مقدمه

پیروزی نظامی آمریکا و انگلیس در حملات اخیر به صربستان، افغانستان و عراق، در مقابل بن‌بست نظامی روسیه در افغانستان و چین، تا مدتی کوتاه، دو عرصه سیاست داخلی و خارجی آمریکا و همچنین روابط بین‌الملل را تحت تأثیر خود قرار داد. اما با سپری شدن زمان، مشخص شد که نیروی نظامی این هژمون بین‌الملل، گرچه توانست نیروی نظامی عراق را شکست دهد، اما نظامی‌گری عراق استقلال آن کشور را به حراج گذاشت، و نظامی‌گری آمریکا نتایج چشمگیری برای آن کشور به جای نگذاشت. این دفتر تاریخی نشان می‌دهد که به طور بارزی منابع قدرت تغییر کرده است. از یک سو، مردم آمریکا و انگلیس در مورد عراق، از دولتین خود می‌پرسند که نتایج این حملات بر زندگی روزمره آنان چه بوده است. گرچه بوش توانسته بود به یمن آثار مساعد ناشی از حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، تا مدت زیادی بر موج افکار عمومی سوار شده و از آن بهره گیرد، ولی افت محبوبیت او در افکار عمومی آمریکا، نشان از آن دارد که دولت‌ها با کار ویژه جدیدی روبه‌رو شده‌اند، که عمدتاً با نظامی‌گری قابل حصول نیست. نوع ارزش‌ها و تهدیدات امنیتی، آن چنان در نظر و رفتار مردم تغییر کرده است که ناگزیر، ریچارد روزکرانس، استاد برجسته دانشگاه کالیفرنیا، در لوس‌آنجلس از نوع دولت جدیدی تحت عنوان دولت مجازی نام می‌برد.

از لحاظ نظری مشخص شده است، که با عنایت به تحولات بنیادین در جامعه انسانی، پس از جایگزینی ابزار قدرت نظامی به جای ابزار نفوذ ارادت - مینا، به سرعت ابزار اقتصاد، تخصص و سپس حقانیت، در حال جایگزینی به جای سیاست نظامی و ارادت مینا می‌شود.

با عنایت به این پشتوانه نظری و تاریخی، اندیشمندانی چون هانتینگتون، به جریان دموکراتیزه شدن جوامع و امواج سه گانه آن اشاره داشته‌اند. اندیشمندانی چون روزکرانس، پیشنهاد می‌کنند تا دولت‌ها، با نهادینه کردن دموکراسی در داخل، زمینه‌ساز تحول مبادلات، از سیاسی - فرهنگی، به اقتصادی - رفاهی شوند. روزکرانس مدعی است که کشورهای موفق، کشورهایی هستند، که به ماهیت سطح و نوع زندگی انسانی در نظام بین‌الملل جهانی شده، واقف شده‌اند و به یمن این وقوف، تلاش نموده‌اند تا عرصه فعالیت خود را از سطح داخلی به سطح جهانی گسترش دهند. او علاوه بر درک این کار ویژه، به تغییر

ساختار و تغییر بازیگران، و تغییر مشی سیاسی نیز عنایت دارد. به نظر او، در این وضعیت، کشورهایی که تحولات جدید را درک کرده‌اند، یا به «بدن» و یا به «سر»، در این نظام تبدیل شده‌اند. سوئیس و هنگ‌کنگ به سر، و چین به بدن، در این نظام بین‌المللی تبدیل وضعیت داده‌اند. کشوری چون روسیه و عراق، در حال دور شدن سریع و حذف از روند این تحولات هستند. در یک کلام، کشور آینده موفق کشور مجازی **Virtual State** است. گروهی به کسب قابلیت رأس بودن، گروهی به کسب قابلیت بدن بودن، و گروهی دیگر به کسب قابلیت سر و بدن بودن، اهتمام ورزیده‌اند. به میزانی که هر کشور از مقدار سر بودن دور می‌شود، به همان مقدار از موفقیت دور می‌شود.

خوشبختانه با آگاهی از این وضعیت، از اوایل سال ۱۳۸۲ به بعد، شاهد آن هستیم که به طور فزاینده‌ای گفتمان بخشهای اعظمی از دولت، و گروههای صاحب نفوذ بر دولت، به نفع جلوه‌های نرم‌افزاری قدرت، تلطیف شده است. با استقبال از این تلطیف‌گرایی روشی و پویایی، به نظر می‌رسد تکمیل این روند، به ایجاد تحولات ساختاری و کارکردی نیز محتاج باشد. در این مقاله تلاش شد تا مبانی نظری این تحولات مورد کنکاش قرار گیرد. با عنایت به این مقدمات در این خطمشی‌نامه ابتدا، خصوصیات دولت مجازی مطرح می‌شود، سپس با توجه به مقدمات و محذورات ایران، تلاش می‌شود به آثار این نوع دولت بر تحولات ایران، تحلیلی داشته باشیم.

◀ گفتار اول: خصوصیات دولت مجازی

مقالات، مصاحبه‌های مطبوعاتی، مناظرات و نقدهایی که در خصوص دولت مجازی نوشته شده است، جملگی بر یک موضع اتفاق نظر دارند: دولت‌ها با پایداری در کارهای ویژه مدرن و ماقبل مدرن، که به ترتیب اعتقاد، مبنا و قلمرو مبنا بودند، شانس بقای خود را از دست خواهند داد. اگر دولت مدرن به اقتضای کار ویژه امنیتی، توانست ساختار ترتیبی - فضیلتی دولت امپراتوری را در هم ریزد، فضای شبکه‌ای و پسامرزی - پسا امنیتی واقعی ساختار ملت - دولت را نیز دستخوش دگرگونی خواهد کرد. سالها پیش، رزنا دولتهای جدید را رسوخ‌پذیر نامیده بود. اما پس از سه دهه تحول شایان، روزکرانس از همان شهر (لوس‌آنجلس)، اما از دانشگاه کالیفرنیا به جای دانشگاه کالیفرنیا جنوبی، دولت مجازی را به

جای دولت قلمرویی معرفی می‌کند. او همراه با شارحین و ناقدین نظریه‌اش، دولت جدید را شامل ویژگی‌های زیر می‌داند، که بیشتر به نظریه‌های خرده - دولت - نه ضرورتاً ریز قدرت) شبیه است.

- اولین خصوصیت دولت مجازی این است که، بازی آن محصور به مرزها نیست، هر چند که کار ویژه اصلی آن، تضمین منافع شهروندهای یک قلمرو مرزی است. همان طوری که موفقیت انسانهای فرهیخته و توسعه یافته مدیون و مرهون میراث و شهرت خانوادگی نیست، بلکه لیاقت و همت آنان، عامل موفقیت آنان است، موفقیت دولت مجازی نیز مرهون سرزمین و یا منابع مادی نیست، بلکه دستاورد شهروندان و شهروندان آگاه است. در این دولت، انسان به درجه خلیفه‌اللهی رسیده و یا می‌رسد، تا خالص قدرت باشد و نه گدای ترحم دیگران - از جمله دولت رفاه.

- دومین ویژگی این دولت آن است که، به قدرت و امنیت نسبی و مثبت می‌اندیشد، تا قدرت مطلق و منفی. منظور از قدرت مثبت این است که، سرجمع این بازی قدرت نصیب بشریت می‌شود. البته آن کشوری که ذهن توسعه یافته خود را، برای تحقیق و توسعه کیفیت زندگی بشر به کار برده است، به لحاظ ارائه‌ی این خدمت ارتقای بخش، بهره بیشتری را نصیب خود می‌کند. به علاوه، این نگرش خواهان انحصار کل قدرت برای خود نیست، بلکه با پخش مراکز تولیدی خود در سراسر نقاط دنیا، به سرمایه‌گذاری در دیگر کشورهای با نیروی کار ارزان و دارای بازار، به جای تجارت با آنان، تولید خود را به وسیله همان مردمی انجام می‌دهد که خواهان آن هستند.

- سومین ویژگی دولت مجازی این است که، مسائل سیاسی از امنیت به قدرتی تبدیل می‌شود. اما قدرت در این مرحله در قالب تعاون و تعامل انسانی تعریف می‌شود، و نه در ردای حذف‌گرایی سنتی و یا تقابلی‌گرایی مدرن. حتی رقابت منفی که در دنیای مدرن مطرح بود، در این فضای فکری جایی ندارد، چه رسد به حذف‌گرایی سنتی، بنیادگرا یا توتالیتریسم. ناگهان آیه قرآنی «فاستبقوا الخیرات» به یاد می‌آید. مزلو آن را مرحله عشق، هانا آرنست آن را مرحله تعامل انسانی، و نظریه پردازان روابط بین‌الملل آن را مرحله به هم پیوستگی یا وابستگی متقابل نام نهاده‌اند.

- چهارمین ویژگی این دولت، به کار ویژه آموزشی - پرورشی این نظام سیاسی برمی‌گردد. بازیگر این دولت انسانهای کارآفرین مدیر، مدبر و شبکه‌ساز هستند.

بر خلاف دولتهای شکست خورده‌ای که، به تفاوت بین کارگزار قدرت‌ساز دولت با ملت منتفع از این کارگزاری آگاه نیست، و یا دولت را به نیروی ترسیده از مدرن سنتی می‌دهد و پایه‌گذار فاشیسم می‌شود، و یا آن را در اختیار توده مستضعف قرار می‌دهد، تا از منابع موجود آن به نفع خود و علیه کارآفرینان بهره ببرد، دولت مجازی عرصه فعالیت زبده‌ترین انسانهای کارآفرین در عرصه جهانی است. مستضعف و سنتی باید، فضای حیاتی و ارزشی خود را بازسازی و نوسازی کنند، تا کارآفرین عرصه رقابت شوند. به این لحاظ مهم‌ترین وظیفه دولت، گسترش و تعمیق آموزش و پرورش برای تولید چنین انسانی است. بنابر این به جای آنکه همانند نظامهای لیبرال، دولت عرصه بازی قدرتمندان، به ضرر مستضعفین باشد، و یا به عکس بر خلاف نظامهای سوسیالیستی که دولت عرصه تن‌آسایی ضعفاست، دولت مجازی موظف به آموزش و پرورش شهروندانش می‌باشد. دستگاه آموزشی مکلف به آموزش و پرورش انسانهای جهان‌شمولی می‌شود که توان بازی انفرادی و نهادی در عرصه جهانی را دارند. بدون تلاش زیاد، انسان به یاد آیه شریفه‌ای می‌افتد که طی آن خداوند می‌فرماید: «و ان من علی‌الذین الاستضعفوا فی الارض و نجعلهم الائمه و نجعلهم الوارثین». وظیفه آن می‌شود که بر خلاف سوسیالیسم، به مستضعف جایزه داده نشود، و بر خلاف لیبرالیسم، دولت عرصه رانت‌خواری صاحبان قدرت نشود، بلکه به همه شهروندان فرصت آموزش و پرورش بسیار پیشرفته داده شود تا هر شهروند منفرداً و یا در قالب نهادهای مناسب بتواند به کلام قرآنی «امه وسط و شهداء علی‌الناس» گردند. بنابر این مهم‌ترین بخش جامعه، ابتدا آموزشگران کودکستان تا دانشگاه هستند که انسانهای نوآور، خلاق، چاره‌جو، کارآمد و کارآفرینی را تربیت کنند، که یا توان تخصصی تولید در جامعه «بدنی» را داشته باشند، یا به طریق اولی توان مدیریت خلاق و فعالیت بالاسری تولید در عرصه جهانی را، داشته باشند. نقش دوم با این مدیران شبکه‌ساز و نقش سوم، صاحبان سرمایه‌ای است که وسعت سرمایه‌گذاری سودآور در کشورهای دیگر را داشته باشند. به یمن داشتن چنین نیرویی است که کشور می‌تواند، در منزلت رهبری و رأس جوامع بدنی قرار گیرد. در کشورهای مجازی، بالاترین حقوق به کادر آموزشی و مدیران شبکه‌ساز اختصاص دارد. حتی معلمین کودکستانها از حقوقی بسیار بالاتر از حقوقدان و پزشکان و مهندسیین برخوردارند. معلم و استاد باید توان آموزش نوآوری و خلاقیت را به افراد تحت آموزش داشته باشد. افق دید، انگیزه لازم، و شناخت

و توان ایجاد روحیه و دانش آفرینشی بسیار مهم است. با آموزش و پرورش، باید کشورها بتوانند مزایای نسبی جدیدی بیافرینند که مرهون لطف طبیعت، از جمله سرزمین، منابع کانی، آب و امثال آن نیست. در کشور مجازی، قدرت را انسان می‌آفریند نه طبیعت.

- پنجمین ویژگی این دولت، در غیر سیاسی بودن آن است، و بازی را به عرصه فرهنگ که تشنج‌زاست نمی‌کشد. از آنجا که این دولت به خیر خویش می‌اندیشد، و از طریقی طلب می‌کند که هماهنگ با نیازها و خواسته‌های دیگران است، لذا از ورود به حوزه‌های بحران‌خیز و جدال‌انگیز پرهیز می‌کند. دولت یکی از بازیگران قدرت‌ساز انسانی است، که زمینه تعامل ظفرمندانانه شهروندان را با دیگر نقاط دنیا فراهم می‌کند. سوئیس از هر لحاظ، و هنگ‌کنگ از لحاظ اقتصادی - فنی - مدیریتی در این منزلت قرار گرفته‌اند.

- ششمین ویژگی دولت مجازی آن است که، عوامل تولید قدرت آن دیگر سنتی نیست. اگر در گذشته قدرت نظامی - قلمرویی - مبنا بود، امروزه پس از گذراندن از دوران سرمایه - مبنای صرف، توسعه تجارت بین‌المللی، به سطح نرم‌افزاری مدیریت، هدایت، پشتیبانی، تأمین منابع مالی، ... و تضمین جریان جهانی تولید، معطوف شده است. ارزش قدرتهای نظامی و قلمرویی، برای بازدارندگی مفید است و نه برای افزایش قدرت.

- هفتمین ویژگی دولت مجازی این است که، بر خلاف نظر اقتصاددانان کلاسیک، مبنی بر مزیت نسبی **Economy of Scale**، روزکرانس، مزیت دولت مجازی را در دامنه فعالیت تولیدی، **Economy of Scope** می‌داند. دولتی موفق است که شهروندانی قدرتمند، مدیر، متخصص، جهانشمول، شبکه‌ساز و کارآمد تربیت کرده باشد، به وجهی که هر کدام توان فعالیت و مدیریت در هر گوشه گیتی را، به نفع کشور خود داشته باشد.

- هشتمین ویژگی دولت مجازی آن است که، ساخت تکنولوژیک، اقتصادی کشور، و دانش و مهارت شهروندان به وجهی منعطف باشد، که به سرعت توان تطبیق دادن خود نسبت به تحولات را داشته باشد. در این وضعیت مشخص می‌شود که، منشأ تحولات، ظرفیت تولید نیست، بلکه قدرت انتخاب در نوع صنعت، و سرمایه‌گذاری برای پرورش انسان است. در این دولت، انسان منبع تولید قدرت می‌شود، نه ابزار، از جمله نظامی یا کانی. در واقع، آموزش سطح بالا، تنها راهی در پیش روی

کشورهای جنوب است که می‌تواند نقص ناشی از منابع اقتصادی، فقدان تکنولوژی، و جزمیت علیه پیشرفت را در هم بشکند، تا به این وسیله فاصله با کشورهای شمال از بین برود. آموزش هیچ گاه در معرض تولید بیش از مصرف، و یا مشکلات ناشی از بی‌فکری بازاریابی نمی‌شود. در صورتی که نظام آموزشی، انسان کارآفرین، تولید کند، او خود منبع افزایش ثروت است. به گزارش بانک جهانی، شصت و چهار درصد (۶۴٪) ثروت جهانی را منابع انسانی تشکیل می‌دهد. (این در حالی است که به لحاظ مخالفت بخشهایی از طبقه سنتی با شیوه زندگی افراد مدرن خلاق، و یا به لحاظ تبعیض درآمدی، سالانه تعداد زیادی از سرمایه‌های برتر انسانی، کشور را به سوی دول پیشرفته ترک می‌کنند.)

- نهمین ویژگی این نوع دولت، از ماهیت پیشرفته اقتصادی نوع فعالیت آن برای قدرت اقتصادی حکایت دارد. در حالی که در نگرش سنتی، از نوع خلافت‌گرایی که در ایران امروز حاکم است، و دولت، اصالتاً به اشاعه ارزشهای اسلامی، از طریق سازمانهای وابسته به خویش متعهد شده است، در دولت مجازی وفاداری به کار ویژه دولت از لحاظ مفهومی حفظ، اما از لحاظ مصداقی، متحول شده است. دولت مجازی، گرچه شیوه بسیار نوینی از مملکت داری است، اما حتی با حفظ ارزشهای ناشی از نگرش اسلامی نیز، می‌توان به ملزومات آن پاسخ گفت. قاعدتاً هم می‌توان به ارزشهای امتی - دینی پایدار ماند، و هم به ارزشهای ملی.

در دولت مجازی مانند هر دولت دیگری، تأکید بر کار ویژه امنیت و یا قدرت است. کار ویژه اساسی دولت در دنیای مدرن، در واقع امنیت‌بخشی، و در مراحل پیشرفته‌تر قدرت‌بخشی به شهروندان است. دولت تجاری قدرت را از طریق سود ناشی از مبادله بدست می‌آورد. در دولت مجازی در واقع دو کار انجام می‌شود: اولاً بنا به ملاحظه سودگرایی، تلاش می‌شود به جای تولید خودکفاگرا، یا تولید به اقتضای مزیت نسبی، در هر جای دنیا نسبت به تولید هر کالایی و توسط متخصص‌ترین نیروها با بالاترین کیفیت و ارزان‌ترین قیمت و نزدیک‌ترین فاصله به محیط مصرف است، تولید و فروخته شود، و سود بالاتر آن به کشور منتقل شود. در مرحله دوم، دولت به جای ورود در بازیهای قدرت منفی و نظامی، وارد بازی مثبت اقتصادی - فنی برای اعتلای رفاه بشریت می‌شود. در مرحله سوم،

با استفاده از پول و تخصص کلیه ایرانیان داخل و خارج، ایران می‌تواند مدیریت تولید در مناطق خلیج فارس، آسیای مرکزی، قفقاز و افغانستان، و حتی پاکستان را به عهده گیرد.

- دهمین ویژگی دولت مجازی این است که، در مرحله‌ای فوق جنگی و فوق رفاهی قرار گرفته است. خلاقیت، نوآوری، مدیریت تولید و ساماندهی مطلوب زندگی جامعه انسانی هدف است، نه رفاه‌گرایی صرف. «ملت - دولت به صورت واحد پیوسته‌تر و با صلابت‌تری در می‌آید که توان آن را دارد که پیشتازی در عرصه رقابت جهانی را، برای خود تداوم بخشد.» به نظر روز کرانس، دولتهای در حال توسعه نیز می‌توانند به این منزلت دست یابند، به شرطی که:

بلندپروازیهای نظامی، سیاسی و قلمرویی، و یا تلاش برای اشاعه سلطه فرهنگی خود بر دیگران را فراموش کرده و سعی کنند برای کسب سهم بیشتری از تولید جهانی برای خود تلاش کنند، ... دولت که واحد تمدنی نیست، و برای منازعه‌سازی به وجود نیامده است، ... امروزه تمدن، جهانی شده است. - یازدهمین ویژگی دولت مجازی، در خصلت‌هایی از زمین و عوامل طبیعی و خدادادی قدرت نهفته است. بشر خود به منزلت خلیفه‌اللهی خویش اتکا و قدرت - آفرینی می‌کند. در دنیایی که سرمایه، کار تخصصی، اطلاعات و تکنولوژی، کالاهایی متحرک هستند، زمین نقشی ندارد. دولتهای مجازی به عمق بازار جهانی مسلط می‌شوند، نه آن که به تصرف زمین و قلمروها دلخوش کنند.

دولت مجازی دولتی است که تولید قلمرویی خود را تقلیل می‌دهد. به کلامی دیگر، دولت مجازی خود را از شر زمین، رها می‌کند و به مدیریت تولید با صرفه اقتصادی در دنیا دست می‌زند.

دولت مجازی همانند شرکتهای مجازی است. همان طوری که شرکت مجازی در همه جا به دنبال بالاترین نرخ سوددهی می‌رود، دولت مجازی نیز برای ارتقای بیشترین نرخ افزایش قدرت ملی، فعالیت خود را از قید زمین می‌رهاند، ... روشهای پوسیده و نا بهنگام قدرت و ثروت‌سازی، باید به دور ریخته شود. همانند مدیریت مرکزی شرکتهای بزرگ، دولت مجازی مسئولیت تدوین استراتژی کلی و بالاسری را دارد. کشورهای «بدن» از طریق قرارداد و مزدگیری عامل تولید قدرت برای کشور، مجازی می‌شوند.

- دوازدهمین خصلت دولت مجازی، از ماهیت شبکه‌سازی و مدیریت منابع قدرت متحرک و سیال این نوع از دولت ناشی می‌شود. وظیفه دولت مجازی در این مدیریت عبارتند از:

- مدیریت و هدایت منابع تولید جهانی قدرت
- تشویق، تحریض و تا حدی هماهنگی فعالیتها
- تدوین استراتژی اقتصادی نه در منابع سنتی مانند صنعت، معدن و کشاورزی، بلکه در زمینه‌هایی چون:

- خدمات پژوهشی و فنی. بنابر این در آمد، از صنعت پر ارزش ناشی نمی‌شود، بلکه درآمد هنگفتی از طرح **design**، بازاریابی، بیمه، بسته‌بندی مناسب، توسعه کمی و کیفی، ارائه تسهیلات، امور حقوقی و تأمین ذخائر مالی **financing**، آن هم نه ضرورتاً از منابع خود ناشی می‌شود.

- عقلانیت اقتصادی قدرتسازی کشور، از حوزه کارآمدی **Efficiency** خاصی ناشی می‌شود که از کوچک کردن نقشهای تولیدی - صنعتی ناشی می‌شود. وسعت و حجم، دیگر تعیین کننده قدرت نیست. مهم‌ترین راز موفقیت کشورهای مجازی، در قدرت رقابت آنهاست. تخصص همراه با قدرت رقابت، ورود درحوزه خدمات استراتژیک، قدرت تحرک و توان مدیریت منابع پراکنده جهانی، بالاترین اهرم موفقیت است. نفوذ و کنترل رفتار دیگر بازیگران، از این طریق غیر جنجالی، غیر حساسیت‌زا و نرم‌افزاری، ممکن است. بالاترین نرخ دستاورد، در این زمینه‌هاست.

- سیزدهمین خصلت دولت مجازی در آن است که، گزینشی عمل کند. البته گزینشی عمل کردن، خود نیازمند تخصص در انتخاب بهترین گزینه‌هاست. از لحاظ تجربی مشخص شده است که، کشورهایی که به وجدان دریافته‌اند، بازی نظامی سودی در پی ندارد، حتی اگر وسعت قلمرویی و توان چندانى نداشته‌اند، با انتخاب صحیح، عزم راسخ و تخصص بالا وارد این فضای موفقیت شده‌اند: ژاپن و آلمان، زمانی در این زمینه سرآمد بودند، اما با سیاسی شدن، از این راه دور شدند و هنگ‌کنگ بهترین نمونه است. امروز هنگ‌کنگ مغز متفکر چین، و چین یک میلیارد و اندی بدن آن است. در مقابل، روسیه و عراق با تکیه بر نظامی‌گری و افتخار به قلمرو، به طور فزاینده‌ای از عرصه تبادلات بین‌المللی حذف می‌شوند. چین با هنگ‌کنگ امید ابر قدرتی قرن بیست و دو است، نه روسیه در حال اضمحلال.

- چهاردهمین خصلت دولت مجازی آن است که، به ویژگی فراصادراتی متصف است. به جای تولید برای صادرات، باید تولید را به جایی انتقال دهد که هم بازار دارد و هم نیروی کارش ارزان، ماهر و با کیفیت است.

- پانزدهمین ویژگی دولت مجازی این است که، به عنوان یک نهاد مذاکراتی، نقش ایفا کند. دولت مجازی باید توان مذاکراتی لازم، هم برای ایجاد دسترسی جهانی اقتصادی، و هم کنترل اقتصادی در داخل را داشته باشد. رابطه بین داخل و خارج، در مورد بعضی از مؤسسات سوئیس به حدی است که، مثلاً نستله توانسته نود و هشت درصد (۹۸٪) ظرفیت خود را، خارج از سوئیس تولید کند. ولی لازم به یادآوری است که مهم‌ترین تولیدها، تولید خدمات مدیریتی، مشورتی، حقوقی، سرمایه‌یابی، بازاریابی و ... می‌باشد. خدماتی باید مورد توجه باشد که، بیشترین ارزش افزوده را تولید کند.

- شانزدهمین ویژگی این دولت آن است که، قواعد حقوقی مناسب و منعطف لازم، برای تنظیم مبادلات در خارج و داخل را داشته باشد. به هر حال باید قواعد حقوق تجارت، به وجهی تدوین شده باشد که بتواند کشور «بدن» را به تولید کالای ارزان قیمت، و با کیفیت مناسبی که کشور «سر» تعیین می‌کند، وادار کند.

- هفدهمین ویژگی دولت مجازی به شکل‌گیری فرهنگ اجتماعی در دولت مزبور، ارتباط دارد. دولت مجازی پس از گذر از مرحله وابستگی و وابستگی‌ستیزی، به مرحله مبادله و تبادل اجتماعی در وابستگی متقابل می‌رسد.

ملت و دولتها باید با فرهنگ اتکای متقابل خو بگیرند، ... برد یک دولت همراه با برد دیگر دولتها و گروههاست. بازی برد - برد به جای برد - باخت می‌نشیند. به علاوه، دولت مجازی به توان تولیدی دیگر کشورها نیاز دارد. تا از آن در خدمت افزایش قدرت خویش بهره گیرد. مبادلات اقتصادی، همچون شبکه اعصاب و ارتباطات سیستمی عمل می‌کند، که در خدمت دولت مجازی است. این شبکه چند لایه‌ای است: بدنهای موجود در یک شبکه اگر توان لازم را به دست آورند به سرعت می‌توانند، در شبکه بعدی به سر تبدیل شوند. چه بسا در بلندمدت، این سرهای درجه دو در میان مدت بتوانند به سرهای درجه اول تبدیل شوند، ... برای رسیدن به این سطح، توان رقابتی ورود به عرصه

تجارت آزاد در خارج، سیستم اقتصادی باز و رقابتی در داخل، ورود و خروج آزاد سرمایه مورد نیاز می‌باشد.

- هجدهمین خصلت دولتهای مجازی این است که، هم‌آوا با تحولات پسامدرنی، به تنوع‌گرایی و کوچک‌گرایی رو می‌کند. برای چنین دولتهایی، مسائل عظیم و حجیم و پرطمطراق حل شده، و مسائل به سطح تجملی و ریز قدرتی - امنیتی تحویل شده‌اند. همانند تمایز مسائل پزشکی کشورهای جنوب از مسائل پزشکی کشورهای شمال، مسائل قدرتی دولتهای مجازی نیز از مسائل قدرتی دولتهای سنتی جدا شده است (در اینجا منظور دولتی است در اوج اندیشه‌های انتزاعی سیاسی). این درجه از انتزاع، به سطح و افق دید شهروندان بستگی دارد. در منزلت دولت مجازی، تغییرات صرفاً داخلی بسنده نمی‌کند. زیرا:

عرضه صرف داخلی، صلاحیت لازم برای پرداختن به مسائل جهانی را ندارد. مردم یک کشور نمی‌توانند با برگزاری یک انتخابات، بر قدرت خویش در عرصه جهانی بیفزایند. حتی بازسازی اقتصادی نیز، ضرورتاً نمی‌تواند منجر به این هدف شود. اما نکته مهم در مورد دولت مجازی این است که فراتر از عرصه سیاسی قرار می‌گیرد، و مسائل سیاسی کم‌بها، حکومت کم‌اقتدار، و نیروی آزاد رقابتی، خلأ قدرت را پر می‌کند.

در واقع، این مرحله از زندگی انسانی زمانی است که، انسان به حدی از قدرت رسیده است که، نیازی به آن نمی‌بیند تا مسائل زندگی خود را از طریق تعارض حل کند. انسان در دو مرحله از زندگی خودستیزه‌جو می‌شود: مرحله‌ای که به لحاظ ناتوانی وجود بیولوژیک خود را در خطر می‌بیند و دچار تنازع بقا می‌شود، توتالیتریسم چپ از این وضعیت ناشی می‌شود، و زمانی که با احساس ضعف قومی یا دینی، هویت خود را در خطر می‌بیند. در این صورت است که در مورد اول به فاشیسم، و در مورد دوم به بنیادگرایی روی می‌آورد. دولت مجازی، اوج مرحله سوم حیات انسانی است، که مدنیت را فراتر از حلقه‌های فیزیکی می‌بیند.

تجارت و سیاست هم، مجازی و اینترنتی می‌شود. البته مرحله بالاتر مرحله مدنی - فرهنگی است، که عقل مدنی به زیور معنویت روحانی مزین می‌شود. دولت مجازی در مرحله ما قبل از آن قرار دارد، اما به لحاظ سطح انتزاعی، بیش از هر دولتی شایستگی رسیدن به آن درجه را دارد.

در این وضعیت جدید، دولت به عنوان یکی از بازیگران قدرت‌ساز درمی‌آید. همان طوری که در خصوص توان قدرت‌سازی آموزشی گفتیم، دولت هم تنها، به عنوان یکی از این نهادهای بازیگر درمی‌آید.

دولت یکی از عمده بازیگران بازار بین‌المللی خواهد بود که باید، در این بازار پررقابت، راهی برای تأمین منافع ملی و حل مشکلات داخلی پیدا کند. دولت مجازی باید دیگران را تشویق کند، تا سرمایه‌های خود را به عرصه فعالیت آنان سرازیر کنند. برای حفظ این سرمایه (که برای سرمایه‌گذاری‌های جهانی لازم است)، ضروری است که تورم، پایین نگه داشته شود، پول ملی قوی باقی بماند، بهره‌وری در حال افزایش مداوم باشد، نیروی کار متخصص و بسیار منعطف، برای تغییر تخصص باشد.

طبیعی است که در کوتاه‌مدت، این تحولات با میزانی از بحران اجتناب‌ناپذیر داخلی روبه‌رو باشد، تا ساختار دولت وارد مرحله مجازی شود.

- نوزدهمین ویژگی دولت مجازی این است که، این نوع از دولت باید نهادی چابک و تیزپا در عرصه رقابت بین‌المللی باشد. این دولت باید از چابکی بسیار بالایی جهت بازی موفق در دو عرصه داخلی و خارجی برخوردار باشد. توان قدرت‌سازی آن در عرصه اقتصاد و تکنولوژی جهانی، باید به سادگی عرصه داخلی باشد. به این لحاظ است که:

سپیده دم دولت مجازی، همزمان با طلوع آموزش و تعلیم و تربیت، در حد استانداردهای جهانی است. دولت مجازی نمی‌تواند همه شهروندانش را راضی کند. امکان ظهور اقتصاد برنامه‌ریزی شده، به شدت کاهش می‌یابد. کارگران و کارفرمایان غیر بهره‌مند، مجبور خواهند شد که برای تأمین نیازهای خود، نگاهی به بیرون داشته باشند، و ... به طور خلاصه می‌توان گفت، ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که در آن مهم‌ترین منابع، غیر ملموس و انتزاعی هستند. ارزش قلمرو، کمتر از ارزش جمعیت تحصیلکرده، ارزش منابع ثابت تولید، کمتر از ارزش منابع جاری تولید، و منافع بخشی، بی‌اهمیت‌تر از ارزش کل اقتصاد جهانی است.

در چنین فضایی دولتهای مجازی عمده کالاهای اقتصادی خود را در خارج از مرزهای خود، تولید می‌کند، اقتصاد خود را به سوی تولید خدمات بالاسری **high-level** تنظیم می‌کند، جریان تولید و

قدرت خرید برای آن مهم است، خدمات آفرینشی و فنی را جایگزین وظایف مکانیکی عادی می‌کند، آنان در مسیر دنیایی گام برمی‌دارند که، بر سرمایه انسانی و آموزش مبتنی است، تا سرمایه فیزیکی و ماشینی. آنان مباشر ایجاد تولید جهانی هستند.

- بیستمین ویژگی دولت مجازی آن است که، دولت به نهادی مشتری - محور، و با صرفه اقتصادی تبدیل شود. بهره‌گیری از صناعت ارتباطات، رایانه‌ها و نیروی تخصصی و ماهر، در این راستا نقش مهمی ایفا می‌کند.

از لحاظ تجربی، روزکرانس در فصل هفتم کتاب خود تأکید می‌کند که، نزدیکترین کشور به مدل ایده‌آل او هنگ‌کنگ است. پس از هنگ‌کنگ، سنگاپور قرار دارد. این جزایر به تقسیم کار مناسبی دست زده‌اند. آنان نیروی کار خود را صرف کارهای نرم‌افزاری کرده، و به تولید کالاهای سخت‌افزاری در کشورهای بدن، چون چین روی می‌آورند. او در فصل هشتم از کتاب خود، درماندگی اخیر ژاپن را در تراکم منابع تولید، در قسمت منابع ثابت می‌داند. این امر همراه با حمایت‌های گمرکی، بالاخره طاقت انسان ژاپنی را طاق کرد، و انسان ژاپنی حاضر نشد دیگر به عنوان یک ابزار، در خدمت شکوه ملی قرار گیرد. او مایل بود از این تولید، در حین حیات خویش بهره ببرد. در فصل نهم او به آمریکا از جمله در زمینه عدم توازن تجاری و کسری بودجه از ماهیت دوگانه اقتصاد آن کشور اشاره می‌کند. به نظر او مجازی کردن دولت آمریکا به درمان این مشکل کمک خواهد رساند. در فصل دهم، او تحولات روسیه و اتحادیه اروپا را در مقابل هم قرار می‌دهد. بالاخره او نتیجه می‌گیرد که نظامی‌گری و قلمروسالاری روسیه، و مجازگرایی اروپا می‌تواند، به خوبی تصویری مقایسه‌ای به خواننده ارائه داده، و او را به کارآمدی دولت مجازی قانع سازد.

در خصوص کشورهای جنوب از جمله چین، روزکرانس در فصل یازدهم کتابش مدعی است، این کشور راه درازی در پیش دارد. او سپس به تجویز روی می‌آورد و نتیجه می‌گیرد که، این کشورها باید به سرعت خود را از وضعیت تولید منابع خام و کشاورزی درآورده و به تولید کالاهای پرکیفیت، برای عرضه در عرصه پرقابیت بین‌المللی روی آورند. طبیعی است که روزکرانس، چین را در مرحله تعمیق در مرحله «بدنی» می‌بیند، و از آنجاست که چین باید وارد مرحله «سر» شدن شود.

در فصل دوازدهم کتاب خود، روزکرانس همانند دهها مقاله و سخنرانی که در این خصوص ارائه کرده است، بار دیگر بر اهمیت منابع غیر ملموس قدرت، پا می‌فشارد. او نهایتاً در فصلهای بعد، مدعی می‌شود که ما نیازمند تحول در ذهنیت خود هستیم. به قول حافظ «بیا تا گل بر افشانیم و می در ساغر اندازیم، فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم.» او در این خصوص مدعی است که دولت به جای آن که وارد قضایا شود، باید به عنوان تثبیت کننده اوضاع در خارج، و تسهیل کننده موفقیت در داخل، عمل کند. خلاصه کلام، قدرت در اقتصاد اینترنتی و نه قلمرویی نهفته است.

در مقاله‌ای دیگر، روزکرانس به بحثی تاریخی دست می‌زند، و نشان می‌دهد چگونه تولید بین‌المللی در قالب **Economy of Scope** توانسته به جای تجارت بین‌المللی، و در رده پایین‌تر، تجارت بین‌المللی و مدنی به جای بازی نظامی، قدرت دولت‌ها را افزایش دهد. او با استناد به گزارشی از بانک جهانی، ادعا می‌کند که نه منابع خام، نه قدرت آب، نه زمینهای حاصلخیز کشاورزی نه نفت و نه هیچ موهبت زمینی دیگر نمی‌تواند کاری از پیش ببرد. آنچه مورد نیاز است این است که نیروی کار بسیار ورزیده و باهوش را با مدیریت کارآمد تلفیق کرد، و آن گاه بهره آن را برد.

نکته اساسی دیگر این است که تنوع در دنیای امروز، نقشی اساسی ایفا می‌کند. با تنوع ذائقه‌ها، باید به کوچک‌سازی و تفاوت‌های کوچک توجه کرد. تمرکزگرایی تولید انبوه همانند دوران فورده، نمی‌تواند مفید باشد.

در جمع‌بندی مباحث روزکرانس، می‌توان به این نتیجه‌گیری او توجه کرد، که دنیا در حال مجازی شدن است، و کشورهایی موفق هستند که به نگرشهای مجازی در همه زمینه‌ها، روی آورند. توصیف و توصیه‌های او به طور خلاصه چنین هستند:

- جهانی شدن:

- همه ملت‌ها مایلند به اقتصاد جهانی بپیوندند و در رشد آن سهیم باشند.
- همکاری و نه تخاصم، لازمه کار است.
- عوامل تعیین کننده قدرت اقتصادی کشور، داخلی نیستند.
- به افزایش تجارت و تولید در جهان باید روی آورد.

- تقسیم کار جهانی:
- کشورها به دو دسته، سر و بدن تقسیم می‌شوند.
- سرها طراح‌اند.
- بدن‌ها، تولید کننده هستند.
- منابع بیرونی:
- موفق، کسی است که بخشی نمی‌نگرد، بلکه مبنا را عقلانیت، قدرت، صلاحیت و کارآمدی می‌داند.
- ماهیت منابع:
- غیر ملموس‌ترین و متحرک‌ترین منابع تعیین کننده سعادت، اقتصادی هستند که عبارتند از: تخصص در کار، سرمایه، دانش و اطلاعات
- توازن بین نقش بازار و حکومت:
- حکومت باید بی‌طرفانه، برای تضمین موفقیت صنعتی - اقتصادی، قواعد مؤثر و شفاف ایجاد کند.
- حوزه رقابت:
- مزیت رقابت ناشی از عوامل طبیعی نیست، فکر - ساخته است.
- خدمات در حال مهم شدن هستند.
- هر دو مورد بالا نشان از اهمیت مهارت و آموزش دارد.
- نقش آموزش:
- در نهایت، رقابت‌های ملی در عرصه جهانی به عرصه آموزش بر می‌گردد.
- مولدترین و ثروتمندترین کشورها آنهایی هستند که، آموزش دیده‌ترین نیروها را دارند.
- همبستگی اجتماعی و سیاسی در پس موفقیت‌های اقتصادی ظاهر می‌شود.

◀ گفتار دوم: ایران و دولت مجازی

برای تبدیل شدن به دولتی موفق و به کلام روزکرانس مجازی، راه درازی در پیش است. گرچه در چند سال پس از جنگ، اقدامهای اساسی جهت بهبود توان ملی برداشته شده است، اما بعضی از آرزوهای شفقت‌جویانه، به جای آرمانهای اخلاقی در اوایل انقلاب، فضایی را برای استخدام نیروی کار به وجود آورده بود که، مناسب با این تحولات جهانی نبود. امروز، فقدان توجه به تخصص، تا حد زیادی بر طرف شده است. اما چنانچه روزکرانس تأکید می‌کند، برای رسیدن به منزلتی که، تخصص همراه با فضیلت و معنویت باشد، راه درازی در پیش داریم. البته امروزه از لحاظ سلبی، آثار منفی عدم توجه به تخصص، کاملاً درک شده است. به لطف موقعیت استراتژیک، نیروی کار متخصص، ملی‌گرایی مدنی و مثبت، سرمایه‌های داخلی و خارجی، بازارهای همسایه در عراق، افغانستان، آسیای مرکزی و قفقاز و خلیج فارس، فرصتی برای ایران فراهم کرده که، به سرعت می‌تواند خود را با شرایط سازگار کرده، و از آنها بهره برد. در ذیل، توصیه‌هایی که مناسب دیده شده، جهت امعان نظر پیشنهاد می‌شود:

با توصیه روزکرانس، برای رسیدن به وضعیت دولت مجازی، نیازمند انداختن طرحی نو هستیم. در ادامه نشان خواهیم داد که این طرح نو، مستلزم تغییرات اساسی در نگرش فلسفی، شناخت، نگرش علمی به جهان و خود و اخذ جهانگرایی مناسب است. بنابر این، نیازمند آن هستیم که نگرشی جامع داشته باشیم. به اقتضای این نیاز جامع‌گرایانه، مباحث این گفتار دارای دو خصلت است: اولاً لازم است هم فضای گفتمانی بحث مطرح شود، و هم محتوای این گفتمان. به این لحاظ، مباحث اولیه این گفتار بیشتر بعد هستی‌شناسی فلسفی دارد. این امر به ما یاری خواهد داد، تا به رغم نگرش تلفیقی نسبت به رابطه مذهب با سیاست، تمایز کارکردی این دو نهاد را از هم باز شناسیم. مهم‌ترین شاخص برای اقدام، یادآوری این نکته مهم است، که به عنوان مسئولین دولتی عنایت شود، مالیاتی که گرفته می‌شود و منابعی که در قالب نهاد دولت خرج می‌شود، معطوف به چه هدفی است. این امر به ما یاری خواهد کرد که در خصوص مناصب سیاسی خود، که از مالیات و اموال عمومی ملت تأمین می‌شود، با امامت مذهبی، که از وجوه شرعی تغذیه می‌شود، و یاری‌رسانی به مستضعفین، که مسئولیت کمیته‌های امداد است، و با صدقات تأمین می‌شوند، تفاوت قائل شویم. دولت، نهادی است که با رأی شهروندی ملت ایجاد می‌شود.

شهروند، خود با شرکت در انتخابات قانون اساسی، دولت را به وجود می‌آورد. ملت، مجموعه افرادی است که نگاهی قدرتی - امنیتی به قضایا دارند. به این لحاظ است که، مدخل ورودی هر کس به زندگی عمومی خویش، دوران خدمت مقدس سربازی است. او اولاً باید فرهنگ ملی پیدا کند، ثانیاً دریابد، که ملی انسانی است که قدرت‌ساز است. در این مجموعه، همه هم‌پیمانان قدرت‌ساز، خودی محسوب می‌شوند. در بند حاضر از این گفتار چند گزاره زیر مطرح است:

۱- جمهوری اسلامی ایران، نظامی حکومتی برای نظام ملی ایران است. در نتیجه در کاربرد

مفهوم نظام باید به این ظرافت توجه شود. نهاد حکومتی جمهوری اسلامی، به عنوان هیئت مدیره دولت کار می‌کند. دولت، نهادی است برای تولید قدرت ملت. به این لحاظ این دولت باید دموکراتیک باشد. قدرت نمی‌تواند فاقد اختیار باشد. قدرت از آن ملت است، و دولت از سوی او اقتدار دارد. اقتدار یعنی مرجع تصمیم قانونی از سوی ملت

۲- ملت - دولت، هر ایرانی خودی است، همان طوری که در نهاد امت (مسجد و نماز)، هر مسلمان خودی است.

۳- طبق قانون اساسی، ملت ایران داوطلبانه متعهد شده است در تلاش برای امنیت ملی و افزایش قدرت ملی، حاکمیت خدا را نیز حفاظت کند.

۴- منصب ملی متمایز از منصب مذهبی است. کارگزاران سیاسی متنعم از مالیاتها، باید امنیت و قدرت ملی (به عنوان یک ظرف) را، برای تضمین امنیت و قدرت ملت - نه اصالتاً حکومت، تأمین کنند. امنیت حکومت، جلوه ابزاری برای امنیت و قدرت ملت دارد. تأمین امنیت ملت است که وظیفه‌ای مقدس می‌شود.

۵- در حالی که جهان عرصه حاکمیت خداست، ملت - دولت، عرصه حاکمیت انسان به عنوان خلیفه خداست.

۶- حاکمیت از آن ملت است. ملت با تدوین قانون اساسی، دولت را به وجود آورده است. حکومت، کارگزاران ملت هستند که مواجب می‌گیرند، تا اراده و حاکمیت حکومت را بپذیرند، و ملتی که حاکمیت غیر خدا را بپذیرد، مشرک است. همان طوری که مفاد قانون اساسی متذکر می‌شود، حاکمیت انسان، در طول نزولی حاکمیت خداست، و هم مشیت اوست که

انسان را بر سرنوشت خود حاکم می‌کند، هر چند که ملائک به فسادخیزی از این حاکمیت ترسا شوند.

۷- اسلام مبنای جهان‌بینی عام ما است و ایران عرصه تحقق فلسفه سیاسی ما.

جدول شماره ۱- خصوصیت دولت ملی در مقابل امت و طبقه

طبقه	امت	ملت - دولت	علتهای چهارگانه
سعادت مادی	رستگاری	امنیت	علت غائی
توانگری اقتصادی	حاکمیت الهی	حاکمیت انسانی	علت صورتی
مدیریت نرم‌افزاری مدیر -	تفسیر امام - اقتدای امت	مدیریت شهریاری	علت فاعلی
تولید کارگزار کار و سرمایه	عبادت	تولید قدرت شهروندی - قدرت	علت مادی

بدیهی است از نظر مسلمانان، دین، چارچوبی جهت‌بخش است. مؤمنین، داوطلبانه، جلوه دینی را در قدرت‌سازی و امنیت‌سازی منظور می‌دارند. بر این اساس، تعهد مذهبی ما به مسلمین و یا مستضعفین، به معنای تعدیل‌کننده سیاست است، و نه جایگزین آن. طبق رفراندوم قانون اساسی، ملت ایران داوطلبانه متعهد شده است، در صورت تعارض جمهوریت و حاکمیت مردم با اسلامیت و حاکمیت خدا، حاکمیت خدا را بر حاکمیت انسانی خویش متقدم کند، نه آن که ملت - دولت را به امت یا جامعه اقتصادی تبدیل کند. گرچه در دولت مجازی، تأکید روی عامل سعادت اقتصادی است، ولی بحث این است که در این برهه زمانی، قدرت در اقتصاد تعریف می‌شود، همان طوری که در خلافت در دین، و در ملت - دولت قبلی در قلمرو و قدرت نظامی تعریف می‌شد. این تعریف می‌تواند زیربنای نظری تغییر نگرش به سیاست را فراهم آورد.

در این مورد خاص، استفاده از قالب هستی‌شناسانه فوق، به نخبگان کشور فرصت می‌دهد که منصب سیاسی خود را در قالب نهاد سیاسی ایران، و با مسئولیت تدوین و اجرای سیاست معطوف به احکام (فقهی - اخلاق - فلسفی - عرفانی) اسلامی تعریف کنند، و در دام بنیادگرایی اسلام سیاسی نیفتند، که خود را در قالب مذهب ستیزجویانه علیه دیگران تعریف می‌کند. به جای بنیادگرایی که قرائتی ایدئولوژیک از مذهب است، قرائت توحیدی از مذهب را باید نشانند. در این قرائت، اساس دین رحمت

است، اما نه به حد سازشکارانه آن. با کسانی که فتنه برمی‌انگیزند جنگ می‌شود، ولی نه با غیض و به قیمت تعدی به حقوق آنها، و تا رفع فتنه ... بر اساس چنین نگرشی فلسفه سیاسی، تابعی از فلسفه عام، و مبتنی بر اعتقادات قلبی جامعه است. قاعدتاً برای جمهوری اسلامی ایران، فلسفه سیاست، ملحوظات احکام فلسفه عام اسلامی را مرعی می‌دارد، و در شرایط عادی، مسئولان مکلف به ادای وظیفه نسبت به ملت ایران هستند. البته در شرایط خاصی که بین دین و حاکمیت الهی، با دولت و حاکمیت انسانی، تعارضی پیش آید، خود انسان به اسم معنا و داوطلبانه، این تعارض را به نفع حاکمیت الهی حل می‌کند. با این توضیحات، در بند دوم از گفتار حاضر، ارتباط بین سیاست و دین، برای کسانی که منصب سیاسی می‌گیرند را، می‌توان در قالب عبارات زیر خلاصه کرد:

۱- ضرورت قدرت، که با علم و فن، نیروی نظامی، توان اقتصادی و دیپلماسی موفق به دست می‌آید.

۲- اولویت فضیلت، که با اصولگرایی و داشتن چارچوب فلسفی به دست می‌آید.

۳- اصالت معنویت، که با فرا رفتن از سطح عقل و عملیاتی کردن جلوه روحانی انسان ممکن می‌شود. با عملیاتی شدن روح در انسان، انسان موجودی صاحب اراده (غیر وابسته)، صبور، زیبایی پرست (عابد)، معناگرا، آزادی‌خواه و ایثارگر می‌شود. مبنای زندگی و معناسازی انسان قاعدتاً در اینجا شکل می‌گیرد.

۴- لزوم عملکرد، برای رهایی از بی‌عملی ذهن مدرسی، و گام نهادن در وادی خلیفه‌الهی، برای تحقق اراده انسانی

اما رسیدن به این مقام معنوی و فرا عقلی کار آسانی نیست. اکثر مردم آگاهی لازم برای پیدا کردن تمایل رسیدن به این مقام را ندارند. به کلام قرآنی، اکثریت، مایل نیستند هزینه رسیدن به این منزلت، که گاه با شهادت همراه است را، بپردازند. اینجا مقام مذهب و معنویت است. اما در نهاد دولت، شهروندان - با پرداخت مالیات - شهروندان خود را برمی‌گزینند، تا با بصیرت و درایت خود، امنیت و قدرت آنان را تأمین کنند. البته شهروندان - و نه لزوماً شهروندان - باید فضیلت لازم را داشته باشند، که از این حوزه مسئولیت تخطی نکنند و خود را شرعاً و قانوناً مسئول تلف شدن مالیاتهای پرداخت شده بدانند.

برای گرفتار نیامدن به این ورطه، نیازمند فرارفتن از سطح بنیادگرایی و جهت‌گیری ایدئولوژیک، و رسیدن به درجه معرفت‌شناسی هستیم. با اتکا به معیارهای معرفت‌شناسی، جدولی را تدوین نموده‌ایم، که می‌تواند راهنمای تحول انسان شود. مهم‌ترین خطر، افتادن در دام ایدئولوژی است. ایدئولوژی، به معنای عملیاتی شدن غرائز است، اما در قالب قداست‌های نهادی - از جمله دین - پیچیده می‌شود، و به سلاح تحمیل و زور مجهز می‌شود. خلاصه اینکه ایدئولوژی، نه اعتقاد است و نه شناخت. اما بنیادگرایی، ایدئولوژی را هم به جای اعتقاد و هم به جای شناخت می‌نشانند. بنابر این، به اسم دین، رحمانیت در ذهن او زائل شده و گرفتار شیفتگی به خودی، و غیض علیه غیر خودی می‌شود، عفو بر ناس فراموش می‌شود، و جهاد اصغر را کل دین می‌داند، که جهت‌بخش به جهاد اکبر نیز هست. جدول زیر نشان می‌دهد، که استراتژی‌پرداز ایرانی، باید همانند هر استراتژی‌پرداز دیگری، با استفاده از مقدورات و آگاه از محذورات، با عنایت به بازی رقابت و همکاری دیگران، و با توجه به شرایط کوتاه‌مدت و بلندمدت جامعه، استراتژی سیاسی ایران را حول محور قدرت و امنیت ملت رقم بزند، هر چند که قدرت و امنیت نیز، مجازی شده است. البته او باید در تالی ارزش‌های دکترینی، حقانیت ظاهری و باطنی را برای اجرای این استراتژی در نظر بگیرد. استراتژی‌پرداز از ابتدائاً مبتنی بر شناخت است، اما برای اجرا، باید مسائل دکترینی نیز لحاظ شوند. لحاظ این مسائل، نه تنها برای اقناع دیگران (مانند اندیشه غرب)، بلکه به اقتضای اقناع باطنی خویش، مبنی بر حقانیت باطنی اجرای استراتژی نیز هست.

برای برون‌رفت، ما نیازمند تنظیم جدول ایستاری خاص خود هستیم. به اقتضای توسعه‌نیافتگی کشور، تصور این پژوهشگر این است که ایران، نیازمند نوع پیچیده‌تری از جداول ایستاری است. به لحاظ مبانی ارزشی مذهبی، با بهره‌گیری از دستاوردهای شناخت شناسه جدید، قرائتی فرا اصول‌گرایانه از شناخت، در این مقال ارائه می‌شود. این قرائت نو اندیشانه از دین، هم به مبانی صحیح و غلط پیشاشناختی توجه دارد - که به صورت سنت برای انسان جلوه پیشینی دارد - هم به جلوه‌های شناخت راه‌جوی علمی، جهت‌بخش فلسفی، و نقاد روشن‌فکرانه، و هم جهت‌گیری عملی مبتنی بر اعتقاد و شناخت توجه دارد - تا متضمن شناخت مفید و فرا مدرسی باشد. این مؤلفه‌ها را می‌توان در قالب نمودار زیر ترسیم کرد، و سپس به شرح اجماعی آن پرداخت.

جدول شماره ۲- ترسیم مؤلفه‌ها

عمل مبتنی بر شناخت	ذهنیت شناختی مدرسی و فرا مدرسی	ذهنیت و اقدام پیشا شناخت
--------------------	--------------------------------	--------------------------

با ترسیم جدول فوق، حال می‌توان، ساخت تفکر نو را در حوزه معرفت‌شناسی قرار داد، و قبل از آن زمینه معرفتی مناسب برای استراتژی‌پردازی در سیاست کشور فراهم آورد. به واسطه این دستگاه معرفتی که به اصلاح ایستاری یاری می‌رساند، می‌توان تجویزها را به نحوی سامان داد تا بین ارزشهای مذهبی با ارزشهای ملی، قومی و همچنین نیازهای امنیتی - رفاهی تعامل سازنده ایجاد شود. با این توضیحات، چند تجویز معرفت‌شناسانه زیر در بند سوم از این گفتار، مناسبت پیدا می‌کند:

به اقتضای آیه شریفه «و اعدو لهم ما استطعتم من قوه و ...» زینت بودن مال و فرزند، و به تأیید مفسران قدرت لازم است. حتی با اشاره به آیات دیگر، و سیره معصومین، قدرت، تجلی جلوه خلیفه‌اللهی انسان است. اما قدرت نباید معبود انسان شود. اگر چنین شود، قدرت به فتنه تبدیل می‌شود.

اگر امت، نهاد معطوف به روحانیت، و حوزه‌های علمیه، نهاد آموزش و پرورش فضیلت است، نهاد دولت، معطوف به قدرت و امنیت، و مراکز علمی دانشگاهی - پژوهشی نهاد آموزش و پرورش قدرت است. اولی، به اقتضای فلسفه عام یک جامعه خاص شکل می‌گیرد، و دومی، به اقتضای فلسفه خاص سیاسی. فلسفه عام اسلامی جهانشمول و بدون محدودیت مرزی است. فلسفه سیاسی، محدود به جهانگستری حوزه امنیت ایران است. این جهانگستری، گاه از طریق قدرت جهانگیر نظامی به دست می‌آید، و گاه از طریق قدرت جهانشمول علم و فن. دولت مجازی دولتی است که، مجهز به ابزارهای شبکه‌ای است و معطوف به بهره‌وری عرفی انسانی، و نه فدا شدن او. این در حالی است که برای مسلمان و در امت، شهادت و فنا فی‌الله، خود یک مرتبت عالی است.

مطالعات حاکی از آن است که ارتباط دو نهاد اول (امت و حوزه علمیه)، در حوزه سیاست، موجب شکل‌گیری قالب فکری سنتی و ارتباط دو نهاد دوم (دولت و دانشگاه) در حوزه سیاست، موجب شکل‌گیری قالب مدرن و از تلفیق این دو همراه با روحانیت انسانی، قالب فکری خاصی به وجود می‌آید، که در این مقام به آن نام پسا مدرن اسلامی می‌دهیم.

هر یک از این قالبهای فکری، قرائت خاص خود از اسلام را ارائه می‌دهند. متأسفانه فضای فکری جامعه ایرانی هنوز عمدتاً سنتی است، و گاه در تقابل با ارزشهای مدرن قرار می‌گیرد. هنوز وضعیتی به وجود نیامده است که بتوان ارزشهای قدسی و عرفی دو دنیای سنتی و مدرن را در رابطه تکمیلی قرار داد. با این دغدغه فکری بوده است که، با عنایت به ضرورت تحول به دولت مجازی، و اقتضای جامعه ایرانی، قرائت پسا مدرنی را جعل کرده‌ایم، که حاوی هر دو دسته از ارزشها باشد. امید است قرائت پسامدرن این پژوهش با اصلاحاتی که می‌پذیرد، آغازگر رابطه تکمیلی بین این نهادها شود، و از این راه بتوان با حفظ ارزشهای بومی، وارد دنیای مجازی امروز شد.

با مشروعیت یافتن قدرت و نهادهای مرتبط با آن، زمینه برای فعالیت علمی سیاسی فراهم می‌شود. علم باید سرجمع قدرت موجود و ممکن ایران، در همه زمینه‌های نظامی، اقتصادی، فنی، ارتباطی و فرهنگی شناسایی شود.

در قالب این دریافت و بینش علمی کلی، بر اساس تحقیقات مشخص شود که از طریق چه تعاملی (همکاری، رقابت، جنگ سرد، جنگ گرم، و ...) و کدامیک از حوزه‌های سیاسی، و اختصاصاً کدام نیاز قدرتی و امنیتی، با چه استراتژی تأمین می‌شود. هر یک از نهادهای دولتی متکفل چه بخشی از تولید امنیت و قدرت ملی می‌شود. چه برنامه خاصی چه حد قدرت و امنیت ایران و ایرانی را بالا می‌برد.

با آگاهی از این شناخته‌های علمی، استراتژی کشور تدوین می‌شود.

با مراجعه به فلسفه سیاسی کشور، انسجام ملی تدوین می‌گردد.

با مقایسه این علم و فلسفه، با فلسفه عام، دکترین سیاست کشور اعلان می‌شود.

با عنایت به محدودیتهای موقعیتی - فنی، تاکتیک اجرا تنظیم می‌شود، و با لحاظ کردن ماهیت روحانی اقدام، جلوه‌های معنوی، زیباشناختی، ارادی، صبوریت، ایثار و آزادگی انسانی، این تاکتیک در راستای استراتژی کل کشور اجرا می‌شود.

با صبوری، ایثار و آزادگی انسان، این تاکتیک در راستای استراتژی کل کشور اجرا می‌شود. اینجا

است که اقدام سکولار با قدسیت معنا آمیخته می‌شود، بدون آنکه به کارآمدی و عقلانیت آن لطمه بزند.

با رهنمود گرفتن از این قالبهای فکری برای تنظیم ذهنیت استراتژی‌پرداز، حال دریافته‌ایم که با دو

دسته از ارزشهای پیشین - قدسی و پسین - سکولار روبه‌رو هستیم. در نتیجه ذهنیت دینی از منظر

اسلامی، یک مسلمان به طور داوطلبانه آمادگی دارد که، هنجارهای اقدام خویش را با هنجارهای قدسی سازگار کند.

در راستای این فضای فکری کلی و ذهنی است که نگرش انسانی شکل می‌گیرد. به همین لحاظ است که پسا مدرنها مدعی هستند که، هر انسان زندانی ذهن و محیط خود است. از درون این زندانهای متفاوت، هر کس روشی را برای نگرش خود انتخاب می‌کند. در این گفتار به تلفیق دو سطح از ملزومات کلان و خرد ملتزم شده‌ایم. از منظر سطح کلان، به محذورات ناشی از جهانی شدن پرداخته‌ایم، و مجازی شدن دولت از این رهگذر، به صورت یک الزام گریزناپذیر درآمده است. از این منظر، تجویزات زیر احصا شده‌اند:

۱- جهانی شدن، فرایندی است که از تلاش جهان‌گسترانه نهادهای رسمی و غیر رسمی و همچنین افراد حاصل می‌آید.

۲- هر نهاد و یا فرد برای جهان‌گستری شعاع فعالیت خود، جهانگرایی خاص خود را دارد. جهانگرایی جهانگسترانه ممکن است حاوی اقدامی جهانگشایانه و جهانگیرانه باشد یا اقدامی جهانشمول. جهانگشایی و جهانگیری، مبتنی بر اعمال قدرت از یک سو، و تمکین از سوی دیگر است. اقدام جهانشمول مبتنی بر اقتدار، و پذیرش داوطلبانه از سوی پذیرنده است.

۳- اقدام نظامی، اقدامی مبتنی بر قدرت جهانگیرانه است، و نفوذ در بازار علم، فرهنگ و فن، برای سعادت دنیوی و بهره‌مندی اقتصادی است. موفقیت جوامع با اقدامی اقتدارآمیز و جهانشمول ممکن می‌شود، و نه حذفی - نظامی. تجربه قدرت مهیب آمریکا در افغانستان و عراق، نشان داده است، قدرت نظامی صرفاً از سوی ابرقدرتها، آن هم برای تخریب و بازدارندگی کارساز است، و نه برای ایجاد. تنها آمریکا توانسته ضمن حفظ قدرت نظامی، به ابرقدرتی برسد. این دستاورد، نتیجه پیشنهادی این کشور در زمینه‌های دیگری چون علم، فن، تکنولوژی و ... است.

۴- روسیه اول به یمن کمکهای متفقین، شکست آلمان، تضعیف انگلیس و فرانسه، و انزوایم آمریکا منزلت فراتر یافت، بعد ابرقدرت شد. این در حالی است که، همان قدرتهای شکست

خورده با بهره‌گیری از اقتدار و ابزار قدرت جهانشمول، به منزلت ابرقدرتی و یا قدرت بزرگ رسیدند.

۵- جهانی شدن، دو جلوه تمدنی و فرهنگی دارد. جلوه تمدنی از بالا به درون کشورها نفوذ می‌کند، و جلوه فرهنگی نحوه برخورد انسان با این تحولات است. جهانی شدن دو مسیر از بالا و پایین را طی می‌کند.

- جهانی شدن از بالا، با ابزار تمدنی منتقل می‌شود.

- جهانی شدن از پایین، با دموکراسی ممکن می‌شود.

- مدیریت منابع - به ویژه شبکه‌سازی انسانی - و منزلت استراتژیک، در فرایند جهانی شدن نقش بسیار ایفا می‌کند.

- قدرت مجازی - مانند شبکه‌سازی و بنگاهداری - به سرعت بر قدرت ساختاری - چون نظامی و تولید - ارجحیت پیدا می‌کند.

- مدیریت توسعه نیروی انسانی بسیار مهم می‌شود.

- اطلاعات، تحلیل اطلاعات و قدرت انطباق بسیار مهم می‌شود.

- یکسانی تمدنی در زمینه آسایش‌سازی، و یکتایی فرهنگی در زمینه آرامشگری، خیلی مهم می‌گردد.

- وابستگی متقابل - وابستگی جای وابستگی - استقلال می‌نشیند. به هنگام غلبه وابستگی متقابل، بی‌همتایی و یکتایی فرهنگی، و تمایز انسانها مقدس شمرده می‌شود، هر چند که یکسانی تمدنی موجب به هم پیوستگی انسانها می‌شود. با وابستگی متقابل، کشورها و انسانها نسبت به هم، متقابلاً آسیب‌پذیر و حساس می‌شوند. در وابستگی، یکی از کشورها نسبت به دیگری در این حالت قرار می‌گیرد. به لحاظ وابستگی و یا وابستگی متقابل، و بالا رفتن هزینه جنگ، تکرار جنگها در شرایط غلبه عقلانیت کاهش می‌یابد. برای یک لحظه می‌توان فکر کرد، چرا همه از صدام و طالبان می‌خواستند به طور مسالمت‌آمیز کناره‌گیری کنند. دو چیز به نظر می‌رسد: هزینه جنگ، و آسیب‌پذیری همسایگان عرب و شهروندان عراقی. رابطه معارضین عراقی با آمریکا و ایران، بیش از رابطه آنان با نیروهای امنیتی صدام است.

- حقوق بشر، حاکی از ارجحیت یافتن منزلت انسان نسبت به نهاد است. دموکراسی و آنارشیسم، کف و سقف این گرایش به حقوق بشر را نشان می‌دهد. اگر دولتها در مقابل این موج، مقاومت نشان دهند، چنان که سرنوشت معارضین ایرانی نشان می‌دهد، آنان به احتمال زیاد منافع خود را در همکاری با قدرتهای خارجی و در مقابل هموطنان غیر دموکرات خود، تعریف خواهند کرد. کار ویژه دولت کاملاً در حال عوض شدن است. جلوه‌های استخراجی آن به تدریج به خدمات‌دهی تنظیمی و نمادی تبدیل می‌شود. به علاوه، همان طوری که روزکرانس تأکید می‌کند، افق دید دولت باید از طریق مجازی شدن از سطح قلمروی ملی، فراتر رفته و به سطح جهانی، هر چند به اقتضای منافع ملی، گسترش یابد. دولت باید توان تقویت انسان را داشته باشد، تا او بتواند از لحاظ فرهنگی در جو و فضای تمدن جهانی مستحیل نشود، بلکه بی‌همتایی خود را حفظ کند. همچنین دولت باید او را یاری دهد، تا او داوطلبانه بتواند در عرصه جهانی حضوری مؤثر داشته باشد.

- نهایتاً این که دنیای در حال ظهور، دنیای مجازی شبکه‌ای است. کسانی موفق هستند که توان مدیریتی شبکه‌سازی از طریق ارتباطات راه داشته باشند. آنهایی موفق‌ترند که توان شبکه‌سازی از طریق دنیای مجازی رایانه‌ای را دارند. متأسفانه، غرب به رهبری آمریکا، رهبری هژمونیک در این عرصه را در اختیار دارد. اما کشورهای بزرگ و کوچک چون هند و چین از یک سو، و هنگ‌کنگ و سنگاپور از سوی دیگر، توانسته‌اند میدان‌داری مناسبی در این عرصه داشته باشند.

با مطالعه ملزومات ناشی از جهانی شدن، در می‌یابیم که ایران، زیرساختهای لازم فرهنگی و مادی را برای انطباق‌گرایی با محذورات ناشی از جهانی شدن دارد. متأسفانه، همراه با واقعیت‌های ناشی از ستیز بین بنیادگرایی صهیونیستی و اسلامی، جو ایدئولوژیک و شناخت‌گریز حاکم نیز، موجب تفسیرهای نه‌چندان مناسب رهبران سیاست خارجی کشور، شده است. گاه نخبگان سیاست خارجی، برای پیشگری از صدمات ناشی از فضای ایدئولوژیک، مجبور به تقیه سیاسی می‌شوند. با افزایش آگاهیها، امروزه بر خیل تقیه‌کنندگان، به شدت افزوده شده است. این جو ایدئولوژیک با استفاده از مشکل اعراب و فلسطین، نظریه برخورد تمدنها و مقابله با عراق، تحولات جهانی را حاکی از مقابله غرب با اسلام می‌داند. این درحالی است که این گروه اجتماعی بر واقعیت‌های تعارض ناشی از جهانی شدن، چشم فرو می‌بندند. امروزه چندین رهبر صرب مسیحی، به جرم کشتار جمعی مسلمانان، در حال محاکمه هستند، در حالی که

هنوز هیچ رهبر مسلمانی به این جرم دستگیر و محاکمه نشده است. اگر غرب با تعبیر بنیادگرا از اسلام - مانند مسیحی و نه هنوز یهودی - می‌جنگد، اما گرایش اصلاح‌طلبی در ایران، و دولت اسلامی معتدل ترکیه را، تحمل می‌کند. حتی به مقتضای زمان، از بنیادگرایی چون طالبان نیز بهره برده‌اند. منظور این نیست که آنان تحمل دارند یا خیر. بلکه منظور آن است که بازی سیاسی جلوه امنیتی - قدرتی دارد و نه مذهبی.

توضیحات فوق در خصوص فضای سیاسی کشور، نشان می‌دهد که به رغم وجود استعدادها بالقوه، جهت‌گیری سیاست ایران تا حدودی به جهت معکوس سیر کرده است. مهم‌تر از همه این که، فرایند جهانی شدن، تا حد زیادی متأثر از جهانی شدن جهت‌گیری‌های تمدنی و فرهنگی غرب است. این در حالی است که اصولاً انقلاب ایران، جهت‌گیری‌های اساسی خود را در تقابل با تمدن فرهنگ غرب، تعریف کرده است. البته با پیشرفتهای شناختی که به دست آمده، دستاوردهای تمدنی غرب جلوه جهانشمول دارد. نشأت گرفتن یک نظریه علمی - چون دستاوردهای دموکراسی در جوامع - بیشتر جلوه‌ای جهانشمول دارد، تا غربی. تقریباً این آگاهی به تدریج و به طور فزاینده‌ای، فراگیر می‌شود. به عکس، مسائل فرهنگی، بومی هستند و میل به بی‌همتایی دارند.

به تدریج که این تحولات حاصل می‌شود، جمهوری اسلامی ایران به راهکارهای تازه‌تری، برای افزایش قدرت و امنیت ملی می‌رسد. بر خلاف دهه اول انقلاب، برنامه‌ریزی در کشور، بنیاد می‌گیرد. اما هنوز جهت‌گیری‌ها برای افزایش مقدرات کشور، سامان نشده است. برای این منظور، چند تجویز ارائه می‌شود:

- ۱- تلاش برای تعریف نظام ملی و تمایز آن از نظام امتی، و جایگاه نظام حکومتی و ارتباط آن با نظام ملی
- ۲- تلاش برای یافتن روش مناسب، جهت تلفیق امنیت ظرف ملی با امنیت ملت، و نقش حکومت در ایجاد توازن مناسب
- ۳- بازسازی فرهنگ سیاسی به مقتضای ضرورت‌های امنیت و قدرت ملی و ملت
- ۴- نهادینه کردن حقوق بشر، و حراست از کرامت انسانی

- ۵- اصلاح جهت‌گیری‌های کشور از قدرت منفی - نظامی به مثبت (از جمله اقتصاد، فرهنگ، ارتباطات، مدیریت و ...)
- ۶- مهم‌ترین اصل اساسی برای سامان کردن مقدمات کشور، دموکراتیزه شدن تدریجی فضای سیاسی کشور است. این تحول، به رابطه ناسالم بین حکومت و ملت، پایان می‌دهد. به جای دو اقدام تعارضی ملت برای براندازی، و حکومت برای کنترل اقتدارگرایانه، باید رابطه شهروندی - شهریاری، تعریف شود. اراده ملی و عقل حکومتی حاکم گردد. کارفرمایی ملت و کارگزاری حکومت برقرار گردد. خوشبختانه، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این استعداد را دارد. در کوتاه‌مدت می‌توان برای مناصب کلیدی احزاب، معیاری آموزشی قرار داد. اما در بلندمدت، برنامه‌های آموزشی و پرورشی مؤسسات آموزشی، باید مناسب برای پرورش انسان دموکرات باشد.
- ۷- وابستگی متقابل باید معیار روابط ملت و حکومت باشد. اراده ملت باید از طریق مناصب منتخب، فرصت حضور در عرصه سیاسی را داشته باشد. دستگاه اداری خبره و متخصص، باید در خدمت تحقق این اراده باشد.
- ۸- ایجاد و یا سه جریان حزبی قوی در کشور تحت عناوین:
- محافظه‌کاری - نو محافظه‌کاری
 - اصلاح‌طلب - نو اصلاح‌طلب
 - عملگرا
- بنیادگراها باید خود را در قالب طیف محافظه‌کاری - نو محافظه‌کاری تعریف کنند. این طیف فکری به ارزشهای نهادی و سنتی کشور بها می‌دهد. حفظ نهاد و سنتهای ملی وظیفه این حزب است. اصلاح‌طلبان و نو اصلاح‌طلبان، باید بر شأنیت انسان و آزادی او تأکید کنند. درحالی که در دیدگاه سکولاریستی، اصالت با لیبرالیسم فلسفی، و ضرورت بر محافظه‌کاری است، مسلمان، داوطلبانه این رابطه را معکوس می‌کند. حزب عملگرا به عنوان حد واسطی عمل می‌کند، که تأکیدش بر نیازهای مادی - اقتصادی - فنی - ارتباطی جامعه است. معمولاً این حزب در همه ائتلافهای حکومتی خواهد بود.

- ۹- تناسبی کردن انتخابات، برای از بین بردن تفرقه‌ها و قائل شدن به حداقلی برای فرانشیزها
- ۱۰- برگزاری انتخابات درون حزبی، برای انتخاب اصلح با برنامه حزبی، بدون آن که اراده مردم با نظارت استصوابی شورای نگهبان نقض شود.
- ۱۱- حزب‌گرایی در درون ارزش مشترک ملی، با تلاش برای ایجاد شورای روابط سیاسی، با شرکت همه نخبگان درون و برون حکومتی
- ۱۲- برونگرا کردن نگرش سیاسی کشوری، و رفتن از بیطرفی فعال به سوی حضور فعالانه
- ۱۳- دولت باید زمینه را برای شبکه‌سازی روابط، در دو سطح داخلی و خارجی فراهم کند: زمینه برای جهانی شدن از بالا (انطباق با شرایط اقتصادی - فنی - ارتباطی) و جهانی شدن از پایین (دموکراسی)
- ۱۴- تلاش برای تلفیق امنیت تمدنی، از طریق همکاری در تمدن جهانی، و همزیستی فرهنگی با دیگران
- ۱۵- پرورش بخش خصوصی فعال
- ۱۶- ارتقای سطح تخصصی کشور
- ۱۷- تلاش برای بهره‌گیری از منزلت استراتژیک کشور
- ۱۸- تلاش برای استفاده از تخصص و سرمایه ایرانیان خارج از کشور، برای بالا بردن قدرت ملی و جذب آنان برای اعمال نفوذ در کشورهای محل اقامت، به عنوان لابی
- رسیدن به چنین وضعی نیازمند آن است که، با ایجاد دموکراسی در کشور، جمهوری اسلامی ایران فرصتی را فراهم کند که روابط داخلی بین گروه‌های اجتماعی، از سطح حکومتی، به سطح ملی ارتقا یابد. دموکراسیها دارای این فضیلت هستند، که بازی سیاسی را در داخل به رابطه حقوقی و مدنی تحویل می‌کنند، تا انرژی کشور صرف بازی در عرصه جهانی شود.
- بر خلاف تحولات ناشی از فرایند ملی، جریان سیاست در داخل کشور به سوی جناح‌گرایی سیر می‌کند. با دولت مطلقه نو - پاتریمونیال پهلوی، عقلانیت ابزاری نزد بخش کمی از اجتماع نهادینه شده بود. اما فضای مدرن تصنعی، و فقدان آمادگی برای زیست در دنیایی مدرن، جامعه سیاسی ایران را توده‌ای، و آماده برای بنیادگرایی کرده بود. با فروپاشی شوروی و غلبه هژمونیک، فرهنگ جهانی شدن،

دموکراسی و حقوق بشر، همراه با ارزشهای تمدنی بشر، جهانشمول شده است. پیش‌بینی هانتینگون و فوکویاما، هر کدام بخشی از این واقعیت را به نمایش گذاشتند. هانتینگون به جلوه فرهنگی در عرصه پرداخت، و به اقتضای واقعگرایی ذهنی خویش، راه را برای عدم مصالحه و برخورد بین جنوب و شمال فراهم دید. فوکویاما جلوه تمدنی را مشاهده کرد، و به واسطه نگرش آرمانگرایانه خود، پایان تاریخ را پیش‌بینی کرد. بیان گفتگوی تمدنها، و ائتلاف برای صلح آقای خاتمی، بدون عمیق شدن در مبانی نظری موضوع، مستظهر به یک پلورالیسم بود. واقعیات ایران، به آقای خاتمی آموخته بود که بنیادگرایی، ستیزه‌جو است. اما آرمانگرایی انفعالی و پوزیتیویستی فوکویاما، در بیان آقای خاتمی به آرمانگرایی فعال تبدیل شد. با ذهنیت فرهنگی و با توجه به جلوه‌های سکولار زندگی، آقای خاتمی به عنوان یک روحانی آرمان‌گرا - و نه کثرت‌گرا - به جلوه آرامش‌بخش فرهنگ بسنده کرد. ظهور جریان فکری پسامدرنیسم به این ذهنی‌گرایی خاتمی دامن زد.

در تقابل با وضعیت پیش آمده، جمهوری اسلامی ایران، به بازی از پیش باخته، در دو عرصه داخلی و خارجی، دست زده است. به جای حل بحران افراط‌گرایی، از طریق اجماع فلسفی و وفاق ملی، بنیادگرایان، به فیصله‌بخشی اقتدارآمیز مشکلات روی آورده‌اند. این رویکرد غیر دموکراتیک، به شدت کشور را از داخل آسیب‌پذیر می‌کند. در عرصه خارجی، طنز سورلی در مورد ایران مصداق پیدا می‌کند، «برای رسیدن به امنیت، جمهوری اسلامی ناچار شده، به دامان تهدید کننده امنیت روی آورد». پس از مشخص شدن ناکارآمدی مقابله بنیادگرایانه با موج انسانی، جمهوری اسلامی به همکاری با شرق پرداخت، تا به کسب توان نظامی - به ویژه موشکی - نائل آید. دستاورد جنگ، به این تغییر ذهنیت یاری داد. کره شمالی و کوبا توأمان، نیروی سخت‌افزاری و نرم‌افزاری لازم برای این مقابله‌جویی را فراهم کردند. با مشخص شدن این ناکارآمدی، ایران به سوی چین و روسیه رفت، تا یاران استراتژیک خود را در این کمپ پیدا کند. پس از آن که با پرداخت هزینه بسیار، جمهوری اسلامی دریافت که نه کمک فنی آنان کافی است، و نه آنان حاضرند روابط استراتژیک خود را با غرب، فدای رابطه با ایران کنند، از اواسط تابستان، دیالکتیک سورلی ظهور فزاینده خود را، در عرصه روابط خارجی آغاز کرد.

غافل از این که، غرب به صورت یک کلیت عمل می‌کند. جمهوری اسلامی تعارض تاکتیک نوش اروپا با نیش آمریکا را، به تعارض استراتژیک اروپا تفسیر کرد. این بار جمهوری اسلامی، آرمانگرایانه به

دامان اروپا در کمپ غرب، پناه برده است. به امیدی که همراه با آن با بخش آمریکایی کمپ غرب بجنگد. متأسفانه این بازی دوگانه نیش آمریکا به دور ایران، امتیازات بیشتری به غرب خواهد داد، تا از این بازی نیش و نوش، به نفع غلبه هژمونیک غرب در منطقه استفاده کند. قدرت مانور جمهوری اسلامی، در طیفی بین دو قطب از اسلام‌گرایی نهفته است: اسلام‌گرایی کثرت‌گرایی شبیه ترکیه، تا بنیادگرایی راه را برای خط سوم سکولاریستی در داخل، و مستحیل شدن تمدنی - فرهنگی در قالب فکری غرب فراهم می‌کند. به لحاظ تعارض بین سیاست اعلانی و اعمالی، اعمال سیاستهای غیر دموکراتیک در داخل، انفعال کامل سیاسی در خارج - تحت عنوان بی‌طرفی فعال - از اواخر بهمن ۱۳۸۱ به طور فزاینده‌ای، زمان برای جمهوری اسلامی متراکم می‌شود.

برای رهایی از وضعیت فوق، تئوری موازنه مثبت فعالانه، می‌تواند بسیار کارآمد باشد. این تئوری مبتنی بر ذهنیت توحیدی است. توحید به معنای کثرت مخلوق، ناشی از وحدت معبود، و عابد متکثر هالک به سوی معبود، ترجمه می‌شود. چنین قرائتی، زمینه فکری لازم را برای نوع خاصی از کثرت‌گرایی فراهم می‌کند: کثرت‌گرایی تعاونی اخلاقی^۱ (عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست.)، به رغم این که این نوع کثرت‌گرایی ایرانی اصالتاً فرهنگی (سنت‌گرا و نو محافظه‌کار)، و ضرورتاً تمدنی (نو اصلاح‌طلب) است، کثرت‌گرایی غرب اصالتاً تمدنی (لیبرال) و ضرورتاً فرهنگی (سنت‌گرا) می‌باشد. کثرت‌گرایی غربی را می‌توان کثرت‌گرایی حقوقی - انحصالی یا فردگرایانه نامید.^۲

به رغم مناسبت فرهنگی و تمدنی بالقوه، ایران از توان بالفعل نرم‌افزاری، برای مواجه شدن با این وضعیت، محروم است. البته به طور بالقوه، ایران حتی بیش از ترکیه، استعداد شکفتگی در این زمینه را دارد. اما شکفتگی در این زمینه و توان نرم‌افزاری به شکل مدیریت شبکه‌سازی، از سوی نخبگان کشور، در این دنیا به شدت مجازی است. در واقع آیه شریفه «خدا یا به ما خیر دنیا و آخرت عطا فرما»، و حدیث توازن بین زندگی و مرگ حضرت علی (ع) به لحاظ دکترینی، و تحولات عینی ناشی از فرایند جهانی

-
1. Moral cooperative pluralism.
 2. Individualistic or detached legal pluralism.

شدن، زمینه تجربی طرح این تئوری را فراهم آورد. تئوری دولت مجازی روزکرانس، و شبکه‌سازی کاستلز، جهت‌گیری ذهنی برای این نظریه‌پردازی را فراهم آورده است. منزلت جغرافیایی و اوج‌گیری بنیادگرایی در کلیه مرزهای ایران اختصاصاً، و در خاورمیانه عموماً نیز، به موضوعیت یافتن نظریه یاری داده است.

به یمن تجویز دکترینی توازن بین دنیا و آخرت، ایران می‌تواند در حد خود، بیشترین قابلیت انطباق را، با فرایند جهانی شدن داشته باشد. موازنه مثبت و فعالانه دنیا و آخرت را می‌توان، در قالب دو جلوه تمدنی و فرهنگی بازسازی کرد. دستاوردهای این بازسازی، در قالب تجویزات فصل ششم به شکل زیر بیان می‌شود:

- رهبری کشور، قرائت کثرت‌گرایی تعاونی اخلاقی را به عنوان گرایش فرهنگی مزبور اعلان کنند.
 - کلیه نهادها به نحوی ساماندهی شوند که، بازتاب نام جمهوری (حاکمیت انسان) اسلامی (حاکمیت خدا) باشد.

- نهاد خبرگان رهبری، مجمع تشخیص مصلحت، شورای عالی انقلاب فرهنگی کشور، شورای عالی امنیت ملی و شورای نگهبان قانون اساسی را می‌توان، عرصه حضور نخبگان مذهبی، ملی (کلیه احزاب) و علمی (دانشگاهی) کرد.

- از لحاظ فرهنگی و ساختاری، این نهادها تجلی فعالیت ملی باشد، نه حکومتی
 - رهبری، دستور لازم برای عفو عمومی و اعتمادسازی ملی را بدهند.
 - شورای نگهبان، راههای تسهیل عملیاتی شدن حاکمیت انسانی، در طول نزولی حاکمیت الهی راه، بیابد، و نگذارد که حاکمیت الهی، به عاملی جهت نقض حاکمیت انسانی تبدیل شود.
 - مجلس، با گذراندن لوایح، توان و ظرفیت خویش را در راستای تحقق اراده و حاکمیت ملی در سطح جهانی، و حاکمیت ملت در سطح داخلی فراهم کند. حاکمیت و قدرت، از اراده ملت ناشی می‌شود. حکومت، عقل و مدیریت خود را، در خدمت به ملت صرف کرده، و در ازای آن اجرت می‌گیرد.

- نخبه‌گرایی و شایسته‌گرایی معنوی - فضیلتی - کارآفرینانه - مهارتی، به جای نخبه‌سالاری سنتی (اشرف‌گرا و یا نخبه‌سالاری کارآفرینانه) بنشیند.

- قوه قضائیه، نقش خود را در منزلت داوری بین ملت و حکومت، و تنظیم روابط بین ملت قرار دهد، نه آن که به ابزاری حکومتی تبدیل شود. ادخال مردم به صورت هیئت منصفه در همه دادگاهها، برای اعمال حاکمیت مردم، و اعلان وقوع یا عدم وقوع جرم لازم است. در صورتی که وجدان عمومی بر وقوع جرم حکم کند، قاضی مجازات را تعیین کند.

- هیئت منصفه باید ترکیبی از کل ملت باشد، نه منتخب دولت

- شورای امنیت ملی، استراتژی کشور را موازنه فعالانه و مثبت اعلان کند. موازنه فعالانه مثبت در زمینه سیاست خارجی، مبتنی بر نقش شبکه‌سازی ایران، بین شمال و منطقه خاورمیانه باشد. این مدیریت شبکه‌سازی، با عنایت به منافع قدرت ملی و ارزشهای اعتقادی کشور باشد. قدرت در مقابل شمال و عدالت در رفتار خویش با جنوب، مبنای سیاست خارجی کشور باشد. وزارت خارجه عملاً نشان دهد که ایران، قصد براندازی نظم و نظام موجود را ندارد. استعفا از نقش رهبری دنیای جنوب برای مبارزه با شمال، و به جای آن اعلان استراتژی گفتگو، برای همکاری در تمدن مشترک جهانی و هم‌زیستی فرهنگی

- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، بودجه، برنامه و مدیریت لازم را برای ایجاد یک ساختار مدیریت شبکه‌ای و مجازی در کشور فراهم کند.

- فرهنگستان علوم، شورای انقلاب فرهنگی و رسانه‌ها، زمینه آموزشی و پرورشی تولید انسان کارآمد با برد تمدنی جهانی و استواری فرهنگ فردی را فراهم کنند. دولت جای فرد ننشیند، بلکه زمینه‌سازی شکوفایی و خلاقیت فردی و ملی را فراهم کند.

- برنامه‌های آموزشی و پرورشی، انسانهای توانمندی را بیافریند، که به درون‌فکنی ماهیت تحولات بیرونی و بیرون‌فکنی توانهای داخلی خویش، در سطح جهانی قادر باشد.

- وزارت امور خارجه، تجلی اهداف ملی و نه حزبی باشد. وزارت امور خارجه باید عرصه بین درون‌فکنی تحولات جهانی، و برون‌فکنی استعدادها ملی باشد.

- به جای تلاش برای تقابل با اروپا یا آمریکا، اگر قرار است تغییراتی داده شود، ضمن توافق به طور محرمانه، آمریکا را نیز مرهون این تغییر سیاست کنند، تا به نوعی محاسبات دو کشور، به نفع ایران و مدیون بودن آمریکا، صورت‌بندی شود.

- ماهیت قدرت ایران باید اصالتاً، صرف مدیریت شبکه‌سازی بین جهان و منطقه خاورمیانه شود. قدرت ارتباطی - فنی - اقتصادی، بیش از نظامی مورد توجه قرار گیرد.
- بین دکترین همکاری در تمدن جهانی، و همزیستی فرهنگی با بازدارندگان سیاسی و نظامی، توازن برقرار شود. یا ایران باید وارد یک اتحادیه نظامی بین‌المللی شود، و یا نقش قدرت مثبت برای ایجاد همکاری بین شمال و جنوب را ایفا کند. ورود به اتحادیه نظامی با شمال، مانند زمان گذشته وضعیت دفاعی - تمدنی ایران را می‌سازد، اما با اخلاق متعالی^۱ آن سازگار نیست. بنیادگرایی ستیزآلود با شمال و در نقش رهبری جنوب، ایران را مانند کوبا، کره شمالی، ویتنام و عراق خواهد کرد. این امر به ظاهر با فرهنگ دینی می‌خواند، ولی با باطن آن و اصل «با دست خود، خویش را به هلاکت نرسانید»، سازگار نیست.
- ایران در وضعیت مذلت نیست که مجبور باشد در حال حاضر شهید شود، تا مذلت نپذیرد. البته اعمال سیاستهای غلط، تا به حال چنین وضعی را به طور مقطعی به وجود آورده است. تداوم بنیادگرایی ستیزآلود، کشور را در آینده به دو راهی مذلت - شهادت خواهد رساند. کثرت‌گرایی تعاونی اخلاقی و موازنه مثبت فعالانه، ایران را به رستگاری خواهد رساند.

ویژگی‌های کنونی

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران

◀ فصل اول: جمعیت

◀ مسائل و مشکلات

- انباشت شدید جمعیت در مقاطع سنی ۲۹-۱۵ ساله به گونه‌ای که در حال حاضر از هر سه نفر جمعیت ایران یک نفر در این گروه سنی متمرکز است.
- تداوم روند جریان سرریز مهاجران از مناطق روستایی و استانهای کمتر توسعه یافته به کانونهای شهری و قطبهای صنعتی و کلان‌شهرها
- تشدید تمرکزگرایی جمعیت در قطبهای صنعتی و کانونهای بزرگ شهرنشینی کشور
- تشدید افزایش شمار و نسبت زنان بالقوه بارور (۴۹ - ۱۵ ساله) که در صورت اختلال در فعالیتهای تعدیل موالید ممکن است به ازدیاد موالید منجر شود.
- گسترش حاشیه‌نشینی در پیرامون کلان‌شهرها و پیدایش قرارگاههای جدید سکونت‌ناشی از مکان‌گیری مهاجران
- ناپایداری شغلی و درآمدی حاشیه‌نشینان مهاجر که ممکن است زمینه تعارضهای رفتاری آنها را موجب شود.
- تغییر مداوم الگوی کاربری منابع طبیعی به ویژه آب به سود کلان‌شهرها با ابعاد هزینه‌بری بسیار سنگین که نتیجه قهری آن، پیدایش عدم تعادل بیشتری از لحاظ جغرافیایی در الگوی تخصیص منابع فیزیکی ملی می‌باشد.
- گرایش تحولات ساختاری جمعیت از سطوح پایین دوره‌های آموزشی، به سمت سطوح بالاتر دبیرستانی و آموزش عالی
- تجمع بیشتر بیکاران مهاجر در حوزه‌های مستقیم راهبردی شهرهای بزرگ
- رشد فزاینده فضاهای زیست و کالبدی شهرهای بزرگ و مراکز اداری-سیاسی استانها
- تشدید تمایزات رفتارهای جمعیتی بین مناطق توسعه یافته و عقب مانده

- انباشت نسبتاً سنگین اقتصاد ایران از مازاد نیروی کار و جمعیت بخصوص اقتصاد مناطق روستایی

◀ فصل دوم: رشد اقتصادی

◀ مسائل و مشکلات

۱- تخصیص نامطلوب منابع

در ایران به دلیل دسترسی به منابع عظیم نفت خام و گاز و به دنبال آن، درآمدهای ارزی ناشی از فروش نفت خام در بازارهای جهانی، نرخ سرمایه‌گذاری فیزیکی که یکی از عوامل کلیدی و تعیین کننده رشد می‌باشد همواره بالا بوده است. اما نحوه تخصیص این منابع عمدتاً توسط بخش عمومی صورت گرفته که عمدتاً از کیفیت و کارایی پایین برخوردار بوده و بنابر این علی‌رغم سرمایه‌گذاری‌های عظیم فیزیکی انجام شده توسط بخش عمومی زیرساختها به طرز هشداردهنده‌ای ناکارآ باقی مانده‌اند. وابستگی اقتصاد به درآمدهای نفتی و تکانه‌های نفتی در سالهای اخیر همچنان یکی از علل اصلی نوسانات تولید بخشی، به ویژه برای بخشهای نفت و صنعت به شمار می‌رود. این مسئله طی سالهای (۸۰-۱۳۷۹) بعد از حوادث یازدهم سپتامبر کاملاً "ملموس است. تکانه‌های منفی نفتی از دو جهت تولیدات را محدود می‌کند. یکی از ناحیه محدودیتهای وارداتی (مواد کالاهای نیمه تمام موردنیاز فرایند تولید) به دلیل محدودیتهای ارزی و دیگری از جهت محدودیتهای منابع مالی لازم برای سرمایه‌گذاری است. مطالعات در زمینه الگوهای رشد در ایران نیز در مورد تأثیر سرمایه‌های فیزیکی بر رشد اقتصادی حاکی از تأثیرگذاری سرمایه‌گذاری فیزیکی بین (۰/۲٪) تا (۰/۵٪) در ازای (۱٪) افزایش در سرمایه‌گذاری بر رشد اقتصادی می‌باشد که حاکی از کارایی پایین سرمایه فیزیکی در اقتصاد ایران می‌باشد.

۲- انتقال ناکارای پس‌اندازها به سرمایه‌گذاری

انتقال ناکارای پس‌اندازها به سرمایه‌گذاری مورد دیگری است که می‌توان به آن اشاره نمود. سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ایران ناکافی و ناکارآ است. یکی از دلایل ناکافی بودن آن این است که

بخش مالی به طور مناسب پس اندازها را در مسیر پروژه‌های مولد سرمایه‌گذاری قرار نمی‌دهد و تابعی از سیاستهای بخش عمومی می‌باشد. زیرا عمدتاً تحت سلطه سیستم بانکی کشور بوده و این سیستم نیز از سیاستهای بخش عمومی تأثیر می‌پذیرد. علی‌رغم تسلط بانکها بر بخش مالی به اندازه کافی کارا نبوده که بتوانند نقش حساسی را که بانکها باید در فرایند رشد و توسعه اقتصادی بازی کنند، ایفا نمایند به طوری که همواره در ایران وام‌دهی عمدتاً کوتاه مدت و مرتبط با تجارت بوده و حجم بسیار کمی از آنها در جهت سرمایه‌گذاری مولد بلندمدت می‌باشد. عدم رقابت کارا و سالم بین بانکها باعث فقدان نوآوری در خدمات‌دهی مالی شده و با توجه به ساختار اقتصاد در ایران شرایط برای ورود در سطوح عملی و بین‌المللی رقابت فراهم نشده که مسائل مذکور باعث ناکارآمدی بانکها شده است.

۳- سیستم ناکارآمد دولتی

جهت‌گیری‌های اقتصادی به طرف سیستم ناکارآمد دولتی و عدم تخصیص بهینه این منابع توسط بخش عمومی بوده است. عدم تخصیص بهینه و نارسایی اعتبارات باعث طولانی و غیراقتصادی شدن پروژه‌های عمرانی گردیده است. در حالی که مطالعات الگوهای رشد در این زمینه حاکی از تأثیرگذاری مثبت و ضعیف هزینه‌های عمرانی بر تولید می‌باشد، این موضوع در مورد هزینه‌های جاری تأیید نگردیده است.

۴- بی‌ثباتی سیاسی منطقه و داخل کشور

یکی دیگر از مشخصه‌های اقتصاد ایران و تأثیرگذار بر عملکرد رشد اقتصادی متوازن، بی‌ثباتی است. ایران همواره از آشوبها و برخوردهای اجتماعی داخلی، جنگهای منطقه‌ای (جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، جنگهای افغانستان، جنگ عراق و کویت و ...) متأثر بوده است. این عوامل رونق و شکوفایی سرمایه‌گذاری مولد را از بین برده است.

۵- محیط ضعیف و نامناسب تجاری

محدودیت مهم دیگر، فرایند عدم دسترسی به رشد اقتصادی، محیط ضعیف و نامناسب تجاری می‌باشد. زد و خوردهای اجتماعی و نظامی در و خیم نمودن مستمر این محیط بی‌تأثیر نبوده‌اند. مطالعات

الگوهای رشد در زمینه تجارت خارجی نشان می‌دهد که صادرات غیرنفتی پسماند مصرف بوده و تأثیری بر رشد نداشته است. البته باز بودن اقتصاد تأثیر مثبتی روی رشد اقتصاد داشته که متأثر از صادرات نفت و واردات، جهت ساخت کالاهای داخلی می‌باشد. علاوه بر موارد مذکور، قوانین و مقررات پیچیده، مجوزها و سایر اختلالات نهادی نیز در این امر سهم قابل توجهی داشته‌اند. اغلب سرمایه‌گذاران خصوصی به دلیل فرایندهای پیچیده و دست و پاگیر اداری از کشور خارج شده و یا در بخشهای غیرمولد سرمایه‌گذاری نموده‌اند و این موضوع باعث ایجاد رقابت ضعیف و اندک گردیده که منجر به ناکارایی بیشتر و عدم نوآوری سیستم اقتصادی گردیده است.

۶- کیفیت پایین نیروی انسانی

از نکات دیگر مربوط به رشد اقتصادی در ایران، کیفیت پایین نیروی انسانی می‌باشد. ایران طی سالهای اجرای برنامه‌های توسعه خود نه تنها همواره از انباشت سرمایه انسانی اندک برخوردار بوده، بلکه کیفیت سیستم آموزشی آن نیز بسیار پایین بوده و اصولاً متناسب با نیازهای بنگاههای مولد نبوده است. همچنین سیستم آموزشی، همواره در راستای وفق با جهان پویا و تغییرات سریع فنی ناکام بوده و محصولات این سیستم برای دنیای امروز و فناوری موجود پرورش داده نشده است. برآوردهای انجام شده در الگوهای رشد اقتصادی حاکی از دامنه تأثیرگذاری نیروی کار بین ۰/۴۷ تا ۰/۸۷ به ازای (۱٪) افزایش در نیروی کار بر رشد اقتصادی می‌باشد که در صورت تغییر نگرش نسبت به نیروی انسانی به عنوان سرمایه انسانی و تغییر سیستم آموزشی، این تأثیر به مراتب بیشتر خواهد شد.

۷- کاهش طول دوره‌های تجاری

بررسی دوره‌های تجاری ایران نشان می‌دهد که طول دوره‌های تجاری در تطابق با وضع فعلی اقتصاد جهانی و داخلی در حال کوتاه شدن می‌باشد.

۸- نوسانهای بخشها

بررسی عملکرد بخشها نشان می‌دهد که دامنه نوسان بخش کشاورزی با نوسانهای رشد اقتصادی کشور نزدیکتر بوده و بخشهای نفت، صنایع و معادن و خدمات نوسانهای بیشتری داشته‌اند. به عبارت

دیگر درجه نوسانهای بخشهای غیر کشاورزی در دورههای رونق و رکود بیشتر از بخش کشاورزی بوده و این موضوع در مورد بخش خدمات بسیار حادثر می‌باشد.

۹- روند نزولی سهم بخش کشاورزی

سهم بخش کشاورزی در تولید در سالهای اخیر روندی نزولی داشته است و این امر به دلیل ریسک بالای سرمایه‌گذاری در این بخش نسبت به سایر بخشها بوده است و علاوه بر این موارد ساختار اقلیمی و کم آب کشور و توزیع ناهمگون آن، ضعف بازاریابی، نبود نیروی انسانی ماهر و ... از دیگر دلایل کاهش سهم آن می‌توان ذکر نمود.

۱۰- روند صعودی بخش صنایع و معادن

سهم بخش صنایع و معادن در ایران، روند صعودی ملایم را طی نموده است. اما ساختار دولتی این بخش، فراهم نبودن بسترهای نهادی و قانونی برای فعالیت کارآمد بخش خصوصی، پراکنده بودن واحدهای تولیدی، مدیریتهای مختلف بر واحدهای صنعتی و همچنین عدم نگرش صحیح تصمیم‌گیران در مورد این بخش منجر به ناکارآمدی آن گردیده است.

۱۱- بالا بودن سهم بخش خدمات

سهم بخش خدمات از بخشهای دیگر اقتصاد همواره بالاتر بوده است. به دلیل ساختار دلالی، نگرش تصمیم‌گیران نسبت به این بخش همواره منفی بوده، در حالی که این بخش در حال حاضر در دنیا، یکی از بخشهای مولد و سودآور می‌باشد و بخش خدمات می‌تواند جایگاه ویژه‌ای در اصلاح سیستم اقتصادی کشور ایفا نماید.

۱۲- بهره‌وری پایین سرمایه، نیروی کار و کل عوامل تولید

یکی از منابع مهم رشد اقتصادی بهره‌وری می‌باشد. در اقتصاد ایران آمارها حاکی از پایین بودن میزان بهره‌وری عوامل تولید و همچنین در برخی موارد همانند بهره‌وری سرمایه روند آن نیز در سالهای اخیر نزولی بوده است.

◀ فصل سوم: سرمایه‌گذاری

◀ مسائل و مشکلات

- یکی از عوامل تعیین‌کننده کلیدی رشد، کیفیت پایین پروژه‌های سرمایه‌گذاری می‌باشد. اگر چه مقادیر کلی سرمایه‌گذاری حاکی از وجود روندهای نسبتاً امیدوار کننده‌ای بوده ولی وضعیت طرح‌های سرمایه‌گذاری یا به عبارتی وضعیت کیفی پروژه‌های سرمایه‌گذاری نامناسب می‌باشد. یکی از مهم‌ترین موارد منعکس کننده وضعیت کیفی پروژه‌های سرمایه‌گذاری تأخیر پروژه‌ها نسبت به برنامه‌های زمانی می‌باشد که از جمله علل آن، نارسایی اعتبارات (۳۸/۷٪)، ضعف بعضی از دستگاه‌های اداری (۶/۷٪) و ناتوانی برخی از پیمانکاران در اجرای پروژه‌ها (۳/۲٪) گزارش شده است. به عنوان نمونه مجموعه پروژه‌هایی که قبل از برنامه دوم توسعه شروع شده ۱۸۷۴ پروژه بوده که (۲۱/۱٪) کل پروژه‌ها را تشکیل داده است. وزن اعتبار کل این پروژه‌ها، نسبت به تمامی پروژه‌ها (۲۳/۲٪) بوده و میانگین وزنی پیشرفت فیزیکی آنها حدود (۶۴/۸٪) است. میانگین مدت اجرای آنها ۱۴ سال است. این شاخصها مبین عملکرد نامطلوب سرمایه‌گذاری دولتی در ایران می‌باشد.

جدول شماره ۱- تصویر کلی وضعیت پروژه‌های سرمایه‌گذاری تا سال ۱۳۸۰

زمان شروع	تعداد	درصد از کل	وزن اعتبار نسبت به تمامی پروژه‌ها	میانگین پیشرفت فیزیکی	میانگین مدت اجرا
قبل از برنامه دوم	۱۸۷۴	۲۱/۱	۳۳/۲	۶۴/۸	۱۴ سال
طول برنامه دوم	۲۸۰۴	۳۱/۵	۲۸/۹	۴۶/۶	۷/۳ سال
در سال ۱۳۷۹	۱۹۰۲	۲۱/۴	۲۵/۴	۳۶/۳	۴/۸ سال
در سال ۱۳۸۰	۲۳۱۲	۲۶	۱۲/۵	۲۱/۹	۴/۷ سال

مأخذ: جلد دوم گزارش اقتصادی و نظارت بر عملکرد سال دوم برنامه سوم توسعه سال ۱۳۸۱

اتکای بیش از حد بر سرمایه‌گذاری دولت یکی دیگر از موانع رشد در کشور بوده است. چرا که ما به‌ویژه در دولتهای قبلی شاهد اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری بخش عمومی به طور ناکارا و یا در

بخشهای اشتباهی بوده‌ایم. پروژه تأمین مالی شده توسط بخش عمومی اگر به طور کارا انتخاب گردد، می‌تواند مولد باشد. سرمایه‌گذاری غیرمولد بخش عمومی نیز نیازمند تأمین منابع مالی از طریق مالیاتهای مختل کننده می‌باشد. بنابر این هنگامیکه پروژه‌های سرمایه‌گذاری بخش عمومی یک کشور عمدتاً غیر مولد باشند، اثر کلی آنها کاهش نرخ رشد می‌باشد.

- ناکارایی سیستم بانکی در تخصیص پس‌اندازهای ملی به مولدترین موارد از جمله عوامل مهم در رشد پایین بوده است. بدون در اختیار داشتن مسیری مناسب جهت هدایت پس‌اندازها به سرمایه‌گذاری‌های مولد و کارا، رشد اقتصادی غیر ممکن خواهد بود. لذا تداوم اصلاحات بخش بانکی یک نیاز فرایند توسعه کشور می‌باشد.

- علی‌رغم آنکه نرخ سرمایه‌گذاری فیزیکی در ایران غالباً بالا بوده است ولی به دلیل وابستگی شدید آن به منابع عظیم نفت و به دنبال آن درآمدهای ارزی ناشی از فروش نفت خام، نوسانهای زیادی را بر سیستم تحمیل نموده است. وابستگی اقتصاد به درآمدهای نفتی و تکانه‌های نفتی در سالهای اخیر همچنان یکی از علل اصلی نوسانات تولید بخشی، به ویژه برای بخشهای نفت و صنعت به شمار می‌رود. این مسئله برای سالهای (۸۰-۱۳۷۸) بعد از حوادث یازدهم سپتامبر کاملاً ملموس است. تکانه‌های منفی نفتی از دو جهت تولیدات را محدود می‌کند. یکی از ناحیه محدودیت‌های وارداتی (مواد کالاهای نیمه تمام موردنیاز فرایند تولید) به دلیل محدودیت‌های ارزی و دیگری از جهت محدودیت‌های منابع مالی لازم برای سرمایه‌گذاری است. ایجاد صندوق ذخیره ارزی که به منظور تعدیل تکانه‌های مذکور طراحی شده است تا به حال توانسته است عملکرد مناسبی را به نمایش گذارد. مطالعات در زمینه الگوهای رشد در ایران نیز در مورد تأثیر سرمایه‌های فیزیکی بر رشد اقتصادی حاکی از تأثیرگذاری سرمایه‌گذاری فیزیکی بین (۲/۰٪) تا (۵/۰٪) در ازای (۱٪) افزایش در سرمایه‌گذاری بر رشد اقتصادی می‌باشد که حاکی از کارایی پایین سرمایه فیزیکی در اقتصاد ایران می‌باشد.

- انتقال ناکارایی پس‌اندازها به سرمایه‌گذاری از عوامل دیگر تضعیف کننده رشد بوده است. سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ایران ناکافی و ناکارا است. یکی از دلایل ناکافی بودن آن این است که بخش مالی به طور مناسب پس‌اندازها را در مسیر پروژه‌های مولد سرمایه‌گذاری قرار

نمی‌دهد و تابعی از سیاستهای بخش عمومی می‌باشد. چرا که عمدتاً تحت سلطه سیستم بانکی کشور بوده و این سیستم نیز از سیاستهای بخش عمومی (نظیر تسهیلات تکلیفی) تأثیر پذیرفته است. بانکها هم علی‌رغم تسلط بر بخش مالی به اندازه کافی کارا نبوده‌اند که بتوانند نقش حساسی را که آنها باید در فرایند رشد و توسعه اقتصادی بازی کنند، ایفا نمایند به طوری که همواره در ایران وام‌دهی عمدتاً کوتاه مدت و مرتبط با تجارت بوده و حجم بسیار کمی از آنها در جهت سرمایه‌گذاری مولد بلندمدت می‌باشد. فقدان رقابت کارا و سالم بین بانکها باعث فقدان نوآوری در خدمات دهی مالی شده و با توجه به ساختار اقتصاد در ایران شرایط برای ورود در سطوح عملی و بین‌المللی رقابت فراهم نشده که مسائل مذکور باعث ناکارآمدی بانکها شده است. با این وجود در طی سالهای اخیر و ظهور بانکهای خصوصی تا حدودی در راستای شرایط رقابتی سیستم بانکی گام برداشته شده است.

- بی‌ثباتی سیاسی یکی دیگر از مشخصه‌های اقتصاد ایران و تأثیرگذار بر افزایش ریسک سرمایه‌گذاری می‌باشد. ایران همواره از آشوبها و زد و خورد‌های داخلی، جنگهای منطقه‌ای (جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، جنگهای افغانستان، جنگ عراق و کویت و ...) در رنج بوده است. این حالت محیط اجتماعی و سیاسی رونق و شکوفایی سرمایه‌گذاری مولد را از بین برده و ریسک سرمایه‌گذاری را افزایش داده است.

- قوانین و مقررات پیچیده، مجوزها و سایر اختلالات نهادی نیز در این عملکرد نامناسب سرمایه‌گذاری سهم قابل توجهی داشته‌اند. اغلب سرمایه‌گذاران خصوصی به دلیل فرایندهای پیچیده و دست و پاگیر اداری از کشور خارج شده و یا در بخشهای غیرمولد سرمایه‌گذاری نموده‌اند و این موضوع باعث ایجاد رقابت ضعیف و اندک گردیده که منجر به ناکارایی بیشتر و عدم نوآوری سیستم اقتصادی گردیده است.

- نوسانات شدید شاخص ICOR از یک طرف و میزان نسبتاً بالای آن در طی سالهای اخیر از طرف دیگر مبین عملکرد نامناسب مدیریت بوده است. میزان بالای شاخص مربوطه یا به مفهوم تخصیص نامناسب اعتبارات دولتی بوده و یا به معنای وجود هزینه‌های مبادلاتی بخش خصوصی می‌باشد.

- وجود نرخهای بالای استهلاک یکی دیگر از مشکلات عمده بر سر راه سرمایه‌گذاری می‌باشد به طوری که در طی دهه ۱۳۷۰ بیش از (۶۳٪) از کل سرمایه‌گذاری ناخالص را جذب خود نموده است. این نسبت در سالهای (۶۸-۱۳۶۶) بیش از (۱۰۰٪) بوده است.

◀◀ فصل چهارم: بازار کار

◀ مسائل و مشکلات

- مهم‌ترین مشکلات و چالشهای بازار کار به طور فهرست‌وار عبارت‌اند از:
- بالا بودن عرضه نیروی کار و پایین بودن فرصتهای شغلی موجود
 - ساختار جمعیت جوان و وجود انبوه بیکاران جوان
 - بالا بودن نرخ بیکاری
 - بالا بودن سهم اشتغال بخش غیررسمی در بازار کار
 - عدم تعادل جنسیتی و سنی و منطقه‌ای در بازار کار
 - عدم تعادل در عرضه و تقاضای نیروی کار متخصص
 - بالا بودن هزینه مبادله در بازار کار به لحاظ تأثیرات منفی نهادهای غیراقتصادی بر عملکرد اقتصاد
 - عدم چشم‌انداز روشن به منظور برون رفت از وضع موجود
 - اشتغال ناقص و بیکاری پنهان و در نتیجه بهره‌وری پایین نیروی کار
 - پدیده چند شغلی و پرکاری
 - عدم انطباق شغل و مهارت نیروی کار
 - حضور نوجوانان و سالمندان در بازار کار
 - پایین بودن نرخ مشارکت زنان، روند رو به رشد آن و نیاز به ایجاد فرصتهای شغلی بیشتر برای آنها
 - افزایش سهم جمعیت فعال نیروی کار دارای آموزش عالی و نیاز به ایجاد فرصتهای شغلی بیشتر برای آنها

◀ فصل پنجم: بودجه عمومی دولت

◀ مسائل و مشکلات

پایین بودن سهم درآمدهای مالیاتی از کل دریافتی‌های دولت به طوری که نسبت مالیات‌ها به GDP در ایران در بهترین شرایط کمتر از نصف میزان یاد شده در کشورهای نظیر هند، پاکستان، ترکیه، مالزی، کره جنوبی و تمامی کشورهای توسعه یافته بوده است.

- گسترده‌ی اقتصاد زیرزمینی و کوچک بودن پایه مالیاتی
- عدم توجه به نقش ارشادی دولت و هدایت بخش‌ها از طریق به‌کارگیری سیاست‌های مناسب مالیاتی
- عدم کارایی سازمان مالیاتی کشور در مراحل تشخیص و وصول مالیات‌ها
- گسترده بودن معافیت‌های مالیاتی و اختلالاتی که از این طریق بر فعالیتهای اقتصادی و گروه‌های اجتماعی انتقال می‌یابد.
- تضاد سیاست کاهش هزینه‌های دولت (به قیمت‌های ثابت) با اهداف کلیدی اقتصادی کلان از جمله دستیابی نرخ رشد شتابان و کاهش و یا ثابت بودن نرخ بیکاری
- کاهش سطح رفاه اجتماعی به دلیل افزایش جمعیت و کاهش کمیت و کیفیت کالاها و خدمات دولتی (به قیمت‌های ثابت)
- کمبود و تخصیص نامناسب منابع و طولانی بودن دوره اجرای پروژه‌ها و در نتیجه غیر اقتصادی شدن بسیاری از پروژه‌ها
- نامناسب بودن وضعیت امور زیربنایی کشور برای نیل به اهداف رشد شتابان
- تداوم کسری عملیاتی بودجه عمومی با توجه به روند درآمدها و هزینه‌های بودجه عمومی دولت
- تداوم کسری واقعی بودجه دولت به دلیل تأمین بخش عمده بودجه عمومی از طریق درآمد نفت

◀ فصل ششم: شرکتهای دولتی، خصوصی سازی و توسعه بخش خصوصی

◀ مسائل و مشکلات

- اهم مشکلات فرا روی اجرای برنامه‌های اصلاح ساختار شرکتهای دولتی به شرح زیر می‌باشد:
- عدم پذیرش واقعی و کامل هدف ارتقای کارایی فعالیتها به عنوان اولویت اول هدف خصوصی سازی (به جای کسب درآمد از فروش شرکتهای)
- نبود فضای مناسب برای حضور بخش خصوصی در فعالیتهای اقتصادی (احترام به مالکیت خصوصی، ایجاد شرایط رقابت در فعالیتهای اقتصادی، پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی، تشویق سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی در فعالیتهای مولد اقتصادی، تشویق کارآفرینان)
- وجود امتیازها و استثنائهای متعدد برای فعالیت شرکتهای دولتی و چسبندگی شرکتهای به نهادهای اعمال حاکمیت دولت
- نبود نظام تحلیل هزینه - فایده اقتصادی برای مدیریت شرکتهای دولتی در سطوح کلان و خرد (هزینه - فایده عملکرد شرکتهای)

◀ فصل هفتم: بخش پولی، ارزی و تورم

◀ مسائل و مشکلات

- رشد سریع نقدینگی: رشد بالای نقدینگی یکی از مشکلات عمده کشور طی سالهای آینده می‌باشد.
- عدم تعادل در بازار وجوه (تسهیلات) از دیگر مشکلات اساسی کشور در بخش پولی می‌باشد. این امر موجب شده تا بخشی از تقاضای تسهیلات برآورده نگردد و در نتیجه افراد حقیقی و حقوقی برای تأمین نیازهای مالی به بازارهای غیر متشکل پولی مراجعه کنند و با نرخهای بالایی این نیازها را تأمین نمایند.

- وجود بسیاری از صندوقهای قرض الحسنه و مؤسسات مالی غیر بانکی در کشور که به صورت پراکنده عملیات پولی را انجام می‌دهند و عملکرد آنها نهادینه و نظام‌مند نمی‌باشد. روشن نبودن جایگاه نرخ سود در اقتصاد کشور از دیگر مشکلات اساسی کشور می‌باشد. تورم نسبتاً بالا از دیگر مسائل اساسی کشور بوده است که خود آثار اقتصادی و اجتماعی زیادی را به بار می‌آورد.

◀◀ فصل هشتم: بازار بورس و اوراق مشارکت

◀ مسائل و مشکلات

الف: بازار بورس

- سیستم مالی مختص ایران یک سیستم پایه بانکی در مقایسه با پایه اوراق بهادار است.
- تصویب قانون بانکی بدون ربا بر معاملات بورس نیز اثر گذاشته و ارزش معاملات را به واسطه کاهش ابزارها، به شدت کاهش داده است.
- عدم وجود مبانی حقوقی مربوط و در نتیجه عدم اعتبار بازار بورس که منجر به عدم اطمینان مردم شده است.
- عدم دسترسی شهرستانها به بازار بورس و عدم آشنایی مردم با این بازار
- عدم تصفیه معاملات در مدت قانونی و در نتیجه محدود شدن فعالیت بورس
- عدم وجود بانکهای سرمایه‌گذاری جهت پذیره نویسی و مشاوره و فروش سهام و حتی پذیرفتن ریسکهای پذیره نویسی
- عدم وجود قوانین مالیاتی مناسب
- عدم وجود قوانین و مقررات جامع برای بازار اوراق بهادار
- بسته بودن بازار بورس به روی سرمایه گذاران خارجی
- عدم وجود اطلاعات شفاف در زمینه بازار بورس
- عدم اجرای صحیح خصوصی سازی در خصوص شرکتهای دولتی

ب: اوراق مشارکت

- عدم وجود یک روش جامع و مرجع قانونی آگاه و مقتدر (افزون بر قوانین) که بتواند آثار منفی اینگونه سرمایه‌گذاری را به حداقل رسانده و سرمایه‌گذاران را آگاه سازد.
- مرجع تشخیص انتفاعی بودن طرحهای عمرانی تقریباً خود دولت است. پس یک نهاد دولتی، مسئولیت نظم دهی انتشار اوراق مشارکت را به عهده دارد که با تجارب جهانی منطبق نیست. مضافاً اینکه جایگاهها و حد و مرز سیاستهای پولی و مالی مشخص نمی‌باشد.
- تحمیل هزینه‌های سنگین انتشار اوراق مشارکت به بخش غیردولتی و وجود موانع بر سر آن
- عدم شکل‌گیری فرهنگ استفاده صحیح از اوراق مشارکت
- عدم وجود یک بازار ثانویه برای اوراق مشارکت
- عدم تعیین نرخ سود اوراق مشارکت در اکثر طرحهای دولتی هماهنگ با بازدهی آنها
- عدم بازدهی مطمئن طرحهای تعیین شده دولتی برای اوراق مشارکت

◀◀ فصل نهم: تجارت خارجی**◀ مسائل و مشکلات**

- وابستگی ساختار تولید و تجارت به نفت
- سهم اندک در تجارت جهانی
- پیوند بسیار ضعیف با بازار سرمایه خارجی
- ترکیب سنتی صادرات و عدم تنوع کالاهای صادراتی
- عدم توان رقابت در بازارهای خارجی به لحاظ کیفیت کالاهای تولید شده
- وجود قوانین و مقررات متناقض با اهداف رشد تجارت خارجی
- موقعیت اقتصادی و سیاسی کشور در منطقه و جهان
- مشکلات دسترسی به فناوری‌های پیشرفته و شکاف تکنولوژیک با کشورهای موفق

◀ فصل دهم: توزیع درآمد

◀ مسائل و مشکلات

توزیع نابرابر درآمدها

در ایران سهم دهک بالایی (ثروتمندترین) از کل درآمدها (۳۰٪) و سهم دهک پایین (فقیرترین) تنها (۱/۵٪) می‌باشد. یعنی نسبت دهک بالا به پایین ۲۰ برابر باشد این شاخص در مقایسه ارقام بین‌المللی عدم بهبود توزیع در آمد را در دهکهای حدی منعکس می‌کند به عنوان مثال نسبت دهک بالا به پایین درآمدهای در کشور پاکستان ۷/۴، چین ۱۴، لهستان ۵/۵ و برای کشورهای پیشرفته نظیر انگلستان ۱۰/۳، سوئد ۵/۴ و سوئیس ۹/۹ می‌باشد.

ناعدالانه بودن میزان بهره‌مندی اقشار آسیب‌پذیر و محروم جامعه از یارانه‌ها در مقایسه با

اقشار مرفه جامعه

آمارها نشان می‌دهد که سهم مصرف (۳۰٪) مرفه جامعه از کل مصرف بنزین بالغ بر (۶۵٪) بوده است و یارانه مستقیم بنزین برای اقشار کم درآمد در حد صفر بوده است، آنچه مسلم است این که کمکها و حمایت‌های دولت ناکافی نیست بلکه ناکارآمد است. به طور مثال در سال ۱۳۷۷ شکاف فقر ۱ در حدود ۴۸۰۰ میلیارد ریال بدست آمده است در حالی که تنها میزان یارانه پرداختی به بخش مصرف و کالاهای اساسی ۵۲۰۰ میلیارد ریال بوده است و علی‌رغم حمایتها و یارانه‌های پرداختی دولت در سال فوق، درصد قابل توجهی از خانوارهای شهری و روستایی در زیرخط فقر قرار داشته‌اند.

عدم جامعیت در ارائه خدمات امور تأمین اجتماعی

بخش قابل ملاحظه‌ای از جمعیت کشور فقط در سطحی محدود از خدمات درمانی برخوردار بوده و از مزایایی همچون بیمه بازنشستگی، از کارافتادگی، بیکاری، ... بی‌بهره‌اند.

۱- شکاف فقر: هزینه‌ای که ضروری است تا خانوارهای شهری و روستایی زیر خط فقر به سطح فقر ارتقا یابند.

تعدد نهادها و دستگاههای حمایتی و امدادی

سازمان تأمین اجتماعی، کمیته امداد امام خمینی (ره)، سازمان بهزیستی، بنیاد شهید، ... و عدم هماهنگی بین دستگاههای فوق، شفاف نبودن حمایت و کارکرد دوگانه و چندگانه برخی نهادهای حمایتی، ساختار تشکیلاتی چند لایه (اصطلاحاً عمودی) و غیر کارا و بوروکراسی اداری در دستگاههای حمایتی و امدادی

فقدان یک نظام مالیاتی مناسب و کارا در جهت بهبود توزیع درآمدها

◀◀ فصل یازدهم: بخش علم و فناوری

◀ مسائل و مشکلات

الف: تحقیق و توسعه

- ۱- پایین بودن تقاضا برای ستادهای تحقیقاتی به شکل درونزا
- ۲- عدم سازگاری میان تحقیقات و پژوهش با شرایط عمومی جامعه
- ۳- پایین بودن سهم بخش خصوصی در تحقیقات
- ۴- فقدان انگیزه در بخشهای اقتصادی برای فعالیتهای تحقیقاتی به دلیل نبود بازار مشخص و فقدان فضای رقابتی در عرصه تحقیقات کشور و پایین بودن سودآوری بنگاهها
- ۵- نارسایی در تولید و مستندسازی اطلاعات در سطح ملی و بین المللی
- ۶- فقدان همکاری میان دانشگاهها و مراکز پژوهشی با مراکز علمی خارج از کشور
- ۷- فقدان قوانین لازم جهت حمایت از حقوق معنوی پژوهشگران، مخترعان

ب: توسعه انسانی

شاخص توسعه انسانی در ایران، در چند دهه اخیر روند رو به بهبودی را تجربه نموده است. این بهبود ناشی از رشد نماگرهای آموزشی و بهداشتی از یک سو و اولویت گذاریهای نظام سیاسی در ارائه خدمات اجتماعی از سوی دیگر می باشد. مجموعه این اقدامها موجب ارتقای شاخص سرمایه انسانی از وضعیت

توسعه انسانی پایین به متوسط شده است. در یک دهه اخیر وضعیت نرخ رشد درآمد سرانه نقش چندان مؤثری در بهبود شاخص توسعه انسانی نداشته است و از نظر شاخصهای اقتصادی شاخص توسعه انسانی تأثیر کمی پذیرفته است. در صورتی که نماگرهای اجتماعی در ایران با کشورهای دارای توسعه انسانی بالا، ظرفیتهای بالقوه بالاتری را برای بهبود این شاخص پیشنهاد می‌کنند. چنانچه در سالهای آتی بهبود قابل ملاحظه‌ای در شاخصهای اقتصادی صورت نگیرد شاخص توسعه انسانی از این ناحیه تأثیری نخواهد پذیرفت. ارتقای شاخص توسعه انسانی در چند سال اخیر عمدتاً ناشی از سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی وسیع دولت در بخش آموزش و بهداشت بوده است. ایجاد بستر مناسب جهت تحقق بخشیدن به توانایی‌ها و استعدادهای افراد در جامعه و دستیابی به رشد اقتصادی بالاتر نقش انکارناپذیری را در بهبود شاخص توسعه انسانی ایفا می‌کند.

ج: فناوری اطلاعات و ارتباطات

- ۱- وجود انحصار دولتی در این بخش
- ۲- فقدان قوانین مشخص در مورد حیطه وظایف تشکیلات سازمانی موجود
- ۳- فقدان نهادهای قانونی جهت تنظیم روابط و ایجاد شرایط رقابتی
- ۴- نامتناسب بودن نرخهای تعرفه و کارایی پایین آنها
- ۵- ناکارآمد بودن مدیریت فرکانس در بخش ارتباطات ایران
- ۶- پایین بودن نیروی کار متخصص در بخش

تصویر آینده کلان

و شناخت چالشها

◀ فصل اول: جمعیت

◀ چشم‌انداز آینده

طی سالهای (۹۴-۱۳۸۰)، حدود ۱۳/۶ میلیون نفر بر شمار جمعیت کشور افزوده می‌شود و جمعیت کشور از ۶۴/۶ میلیون نفر به ۷۸/۲ میلیون نفر ازدیاد می‌یابد.

متوسط نرخ رشد جمعیت کشور به هیچ‌وجه از حدود (۱/۳۷٪) در سال فراتر نمی‌رود و اگر خروج شمار وسیعی از پناهجویان افغانی و عراقی از ایران قطعی گردد، جمعیت و آهنگ رشدی حتی کمتر از حد مذکور نصیب کشور شود.

این تعداد افزایش که متوسط شمار آن از حدود ۹۷۰ هزار نفر در سال فراتر نمی‌رود، به ظاهر نمی‌تواند و نمی‌باید چندان مسائل و مشکلاتی را فراروی اهداف و نیات توسعه ملی ایجاد کند.

جدول شماره ۱- تحول جمعیت کشور به تفکیک جنس در فاصله سالهای (۹۴-۱۳۸۰)

(جمعیت به هزار نفر)

متوسط نرخ رشد سالانه (درصد)	افزایش خالص	۱۳۹۴	۱۳۸۰	جنس
۱/۳۷	۱۳۵۹۰	۷۸۱۷۴	۶۴۵۸۴	مرد و زن
۱/۳۵	۶۷۸۴	۳۹۵۶۱	۳۲۷۷۷	مرد
۱/۳۹	۶۸۰۶	۳۸۶۱۳	۳۱۸۰۷	زن

جدول شماره ۲- تحول جمعیت کشور به تفکیک شهر و روستا در فاصله سالهای (۹۴-۱۳۸۰)

(جمعیت به هزار نفر)

متوسط نرخ رشد سالانه (درصد)	افزایش خالص	۱۳۹۴	۱۳۸۰	حوزه زیست
۱/۳۷	۱۳۵۹۰	۷۸۱۷۴	۶۴۵۸۴	شهر و روستا
۲/۱۴	۱۴۴۰۷	۵۶۱۲۹	۴۱۷۲۲	شهر
-۰/۲۶	-۸۱۷	۲۲۰۴۵	۲۲۸۶۲	روستا

۱- الگو و نظام استقرار

۱-۱- تراکم جمعیت

میزان تراکم یا فشردگی جمعیت که در سال ۱۳۸۰ معادل ۴۰ نفر بود تا سال ۱۳۹۴ به حدود ۴۸ نفر ارتقا می‌یابد، گرچه با وجود این تحول نسبی هنوز هم تراکم جمعیت ایران در قیاس با وضعیت موجود (سال ۲۰۰۰ میلادی)، ۴۶ نفر در سطح جهان و ۱۰۸ نفر در قاره آسیا رقم نازلی است. اما ماهیت بیابانی و نیمه بیابانی عرصه‌های وسیعی از فلات مرکزی، جنوب شرقی و جنوب ایران باعث خواهد شد این اضافه بار تراکمی جمعیت به گونه متعادل و موزونی در پهنه سرزمین ایران توزیع نشود، و باز همچون گذشته به مناطق و محدوده‌هایی تحمیل شود که از شرایط آب و هوایی نسبتاً مساعدتر و ساز و کارهای اقتصادی کارآمدتری برخوردارند.

۱-۲- حرکتهای مهاجرتی و تشدید روند شهرگرایی و شهرنشینی

جمعیت شهرنشین با آهنگ رشدی به میزان (۲/۱۴٪) در سال از ۴۱/۷ میلیون نفر در سال ۱۳۸۰ به ۵۶/۱ میلیون نفر تا سال ۱۳۹۴ ازدیاد خواهد یافت، در حالی که طی همین مدت مناطق روستایی بر اثر عامل مهاجرفرستی، تبدیل برخی از نقاط روستایی به شهر و یا استحاله شدن در توسعه کالبدی شهرهای پیرامونی، و از دست دادن حتی تعدادی از جمعیت فعلی خود که حاصل آن رشد منفی (۰/۲۶٪) در سال را برای آن به ارمغان خواهد داشت، دچار کاهش جمعیت از حدود ۲۲/۹ میلیون به ۲۲ میلیون نفر خواهد شد. به موازات این فعل و انفعالات، ضریب شهرنشینی جمعیت کشور نیز در این فاصله از (۶۴/۶٪) به (۷۱/۹٪) ازدیاد خواهد یافت و در برخی از استانهای کشور مثل تهران و قم، به حد اشباع خواهد رسید. به این ترتیب نه فقط همه ۱۳/۶ میلیون نفر ازدیاد بار جمعیت سالهای (۹۴-۱۳۸۰) کشور، بلکه حدود ۹۰۰ هزار نفر افزون بر آن نیز که حاصل کاهش قدر مطلق جمعیت روستایی است جملگی به جامعه شهرنشین کشور تحمیل می‌شود.

۱-۳- کلان شهرها

جریان پایدار مهاجرتی معطوف به شهرهای بزرگ، زمینه‌ساز، تمرکز بیشتری از جمعیت شهرنشین در این گونه شهرها می‌شود. ضریب تمرکز جمعیت شهرنشین در شهرهای تهران، مشهد، اصفهان، تبریز، شیراز، اهواز، قم و کرمانشاه که در سال ۱۳۷۵ معادل (۴۲٪) بود و تا سال ۱۳۸۰ به بیش از (۴۳٪) افزایش یافته، رو به ازدیاد می‌گذارد و حداقل (۴۷/۲٪)، ۲۶/۵ میلیون نفر از کل جمعیت شهرنشین کشور در سال ۱۳۹۴ را دربر می‌گیرد.

۱-۴- حاشیه نشینی

نتیجه قهری گزینشی بودن مکان‌گیری مهاجران و استقرار آنها در محدوده‌های پیرامونی شهرهای بزرگ، گسترده‌تر شدن پدیده حاشیه‌نشینی و سپس توسعه کالبدی سریعتر کلان‌شهرها و شهرهای پیرامونی است که به دنبال خود هزینه‌های اجتماعی و امنیتی زیادتری را به منابع بودجه‌ای کشور تحمیل خواهد کرد.

از آنجا که حاشیه‌نشینی در بین جوامع مهاجر به دلیل ناپایداریهای شغلی و درآمد آنان، رایجتر و از این رو به دلیل فقر و درماندگی، هنجارشکنی و بزه‌کاری در بین حاشیه‌نشینان بیشتر است، با گسترده‌تر شدن حاشیه‌نشینی، ممکن است تنشها و تعارضات اجتماعی بیشتری در حوزه‌های زیست کلان‌شهرهای کشور بروز کند.

۲- تغییر و تحولات ساختاری جمعیت

۲-۱- ساختارهای سنی

در حالی که شمار و نسبت جمعیت زیر ۱۵ ساله کشور از ۲۰/۶ میلیون نفر (۳۱/۹٪) در سال ۱۳۸۰ به ۱۸/۶ میلیون نفر (۲۶/۱٪) و ۱۹/۶ میلیون نفر (۲۵٪) در سالهای ۱۳۸۷ و ۱۳۹۴ کاهش خواهد یافت، نرخ وابستگی اطفال، کودکان و نوجوانان (زیر ۱۵ ساله) و جمعیت مسن ۶۵ ساله و بیشتر به جمعیت بالقوه مولد (۶۴-۱۵ ساله) به طور هم‌زمان از (۵۷/۹٪) به (۴۴/۴٪) و (۴۳٪) تنزل خواهد یافت و از این

طریق برای کشور فرصتهای مناسبی در جهت ارتقای توان پس انداز و افزایش سرمایه گذاری فراهم خواهد شد.

جدول شماره ۳- تحولات ساختاری جمعیت کشور در فاصله سالهای (۹۴-۱۳۸۰)

(جمعیت به هزار نفر)

۱۳۹۴		۱۳۸۷		۱۳۸۰		طیفهای سنی
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۲۵/۰	۱۹۵۵۱	۲۶/۱	۱۸۶۲۲	۳۱/۹	۲۰۶۲۹	کمتر از ۱۵ ساله
۶۹/۹	۵۴۶۶۴	۶۹/۲	۴۹۴۳۸	۶۳/۳	۴۰۸۹۰	۱۵-۶۴ ساله
۲۶/۹	۲۱۰۳۶	۳۴/۴	۲۴۵۳۳	۳۳/۰	۲۱۳۱۱	۱۵-۲۹ ساله
۱۹/۳	۱۵۱۲۲	۲۴/۴	۱۷۰۴۷	۱۹/۰	۱۲۲۶۳	۲۰-۲۹ ساله
۲۵/۷	۲۰۱۰۱	۲۰/۸	۱۴۸۶۵	۱۸/۸	۱۲۱۴۰	۳۰-۴۴ ساله
۱۷/۳	۱۳۵۲۷	۱۴/۰	۱۰۰۴۰	۱۱/۵	۷۴۳۹	۴۵-۶۴ ساله
۵/۱	۳۹۵۹	۴/۷	۳۳۳۴	۴/۷	۳۰۶۵	۶۵ ساله و بیشتر
۱۰۰/۰	۷۸۱۷۴	۱۰۰/۰	۷۱۳۹۴	۱۰۰/۰	۶۴۵۸۴	کل

جدول شماره ۴- برخی از مشخصه‌های ساختاری جمعیت کشور در فاصله سالهای (۹۴-۱۳۸۰)

۱۳۹۴	۱۳۸۷	۱۳۸۰	مشخصه‌ها
۲۵/۰	۲۶/۱	۳۱/۹	ضریب جوانی (درصد)
۴۳/۰	۴۴/۴	۵۷/۹	نرخ وابستگی (درصد)
۸/۰	۶/۷	۶/۷	ضریب سالمندی (۶۰ ساله و بیشتر) (درصد)
۵۸/۴	۶۰/۲	۵۶/۵	نسبت زنان بالقوه بارور (۱۵-۴۹ ساله) (درصد)
۶۲۵۵	۴۸۱۳	۴۳۳۳	شمار سالمندان (۶۰ ساله و بیشتر) (هزار نفر)
۲۲۵۳۱	۲۱۲۱۶	۱۷۹۶۰	شمار زنان بالقوه بارور (۱۵-۴۹ ساله) (هزار نفر)

شمار و نسبت جمعیت بالقوه فعال ۱۵-۶۴ ساله به سرعت افزایش می‌گیرد. به گونه‌ای که در فاصله سالهای (۹۴-۱۳۸۰) با یک افزایش خالص ۱۳/۸ میلیون نفری یعنی حتی اندکی بیش از کل افزایش جمعیت این برهه کشور، و تعداد آن از ۴۰/۹ میلیون نفر به ۵۴/۷ میلیون نفر خواهد رسید. با این ویژگی که بخصوص گروههای نخستین آن یعنی ۱۵-۲۹ ساله‌ها که عمده منبع خیزش و پیدایش عرضه جدید

نیروی کار و به عبارت دیگر متقاضیان بالقوه کار و اشتغال هستند از سرعت و روند شتابزده‌ای دست کم در طی سالهای (۸۰-۱۳۸۷) برخوردار خواهند بود.

تعداد جمعیت ۲۹-۱۵ ساله از ۲۱/۳ میلیون، (۳۳٪) کل جمعیت، در سال ۱۳۸۰ به ۲۴/۵ میلیون نفر (۳۴/۴٪) کل جمعیت، در سال ۱۳۸۷ ازدیاد خواهد یافت و به این ترتیب در طول این دوره هفت ساله که مصادف با سالهای پایانی برنامه سوم توسعه و چهار سال نخست برنامه چهارم توسعه ایران است علاوه بر پیدایش حدود ۴/۲ میلیون نفر انباشت جدید جمعیتی، از هر سه نفر جمعیت ایران، یکی ۲۹-۱۵ ساله خواهد بود. حتی اگر جمعیت ۱۹-۱۵ ساله را هم که به علت اشتغال به تحصیل و سن و سال پایینتر علی‌القاعده، فشار کمتری بر بازار کار دارند، از آن جدا و دیدگاه صرفاً معطوف به جمعیت ۲۹-۲۰ ساله شود که شمار و نسبت آن از ۱۲/۳ میلیون (۱۹٪) در سال ۱۳۸۰ به ۱۷ میلیون نفر (۲۳/۹٪) تا سال ۱۳۸۷ در حال افزایش است، باز هم اندکی از اهمیت و حساسیت ابعاد و پیامدهای اقتصادی-اجتماعی این تحولات ساختاری، بخصوص با توجه به متمرکز بودن عمده بیکاران فعلی کشور در همین مقطع سنی، کاسته نمی‌شود.

برای همین است که طرز تفکر، طرز کار و شیوه برخورد برنامه چهارم توسعه در تقابل و تعامل با مقتضیات جدیدی که از روند تکامل کمی و ساختاری جمعیت در شرف تکوین است و طبعاً شالوده‌ریزی سازوکارهای اقتصادی - اجتماعی همسو و سازگاری را طلب می‌کند، برای کشور اهمیتی دو چندان پیدا می‌کند. چون در این صورت است که چشم‌انداز مثبت تحولات ساختاری جمعیت سالهای پس از آن، از جمله فروکش کردن شمار و نسبت جمعیت ۲۹-۱۵ ساله در سال ۱۳۹۴ حتی به میزان و تعدادی پایین‌تر از سال ۱۳۸۰ [به ۲۱ میلیون یا (۲۶/۹٪) در مقابل ۲۱/۳ میلیون یا (۳۳٪) در سال ۱۳۸۰] می‌تواند به فرصتی ارزنده برای تسریع آهنگ رشد و توسعه اقتصاد کشور تبدیل شود.

بر مبنای این روند تحول ساختاری، شمار و نسبت جمعیت سالخورده کشور در خلال سالهای (۹۴-۱۳۸۰) رو به ازدیاد خواهد گذاشت. شمار آن از ۴/۳ میلیون به ۶/۳ میلیون و نسبت آن از (۶/۷٪) به (۸٪) افزایش خواهد یافت، که در قیاس با ضریب سالمندی جمعیت کنونی جهان (۱۲/۶٪) و یا کشورهای صنعتی، بیش از (۱۸٪)، بسیار پایین و نشانه این است که ایران دست کم تا سال ۱۳۹۴ (۲۰۱۵ میلادی) درگیر پدیده سالمندی و پیری جمعیت نخواهد شد.

اما با وجود این، همین افزایش ۲ میلیون نفر بر شمار سالمندان که خود نتیجه ضمنی افزایش طول سالهای عمر جمعیت کشور است، لزوم توجه بیشتر به پیامدهای انسانی و اجتماعی این مقوله را ایجاب می‌کند، علاوه بر ضرورت اتخاذ سیاستهای حمایتی مناسب، معطوف شدن به هزینه‌های ناشی از طولانی‌تر شدن دوران عمر بازنشستگان و افزایش شمار آنها را اقتضا خواهد کرد. همچنین اختلالاتی که ممکن است در فرایند همزیستی آنها با دیگر اعضای جوان خانواده، به دلیل تغییر مقتضیات زیست، از آن جمله کوچک‌تر شدن فضای مسکونی، به تدریج و به موازات گذشت زمان پدیدار گردد، باید مورد اعتنا قرار گیرد.

از منظر ساختاری، تفاوت و تمایزهای معنی‌داری در روند تکامل جمعیت زنان نسبت به مردان پدید نخواهد آمد. تحولات ساختاری جمعیت زنان نیز از همان آهنگی تبعیت می‌کند که در مورد مردان صادق است، چون نسبت آنها در کل جمعیت همچنان در دامنه‌ای بین (۴۹/۵٪) تا (۴۹/۳٪) ثابت می‌ماند. و این خود حاکی از عدم امکان ابتلای ایران به یک ساختار جنسیتی پایین‌تر از حد طبیعی و متعارف است. اما از دو مسئله حائز اهمیت که از لابه‌لای تحولات ساختاری در مورد زنان در حال تبلور است، به خاطر پیامدهای ژرف و وسیع آن نمی‌توان غفلت کرد.

نخست آن که تشدید روند اجتناب‌ناپذیر تجهیز آنان به آموزشهای عالی، چه در دو دهه قبل، و چه در دوره مورد بحث، خواه‌ناخواه به تسریع آهنگ حضور آنها در عرصه کار و تولید منجر خواهد شد، و دیگر آنکه شمار زنان بالقوه بارور (۴۹-۱۵ ساله) که در واقع عامل بالقوه فزاینده و تجدید نسل جمعیت‌اند، از حدود ۱۸ میلیون نفر به ۲۲/۵ میلیون نفر، یعنی به میزانی حدود (۲۵٪) در برهه (۹۴-۱۳۸۰) افزایش می‌یابد. در این حالت چنانچه گسست و یا اختلالی در سیاستهای تنظیم خانواده و یا خللی در تعالی رفتارها و گرایشات باروری زنان پدید آید، طبعاً پیامدهای جمعیتی آن برای فرایند توسعه ایران مثبت و قابل اغماض نخواهد بود.

۳- خلاصه تصویری از ویژگی‌های راهبردی جمعیت ایران طی سالهای (۹۴-۱۳۸۰)

بر مبنای آنچه که مورد تبیین قرار گرفت، تغییراتی به شرح صفحه بعد در جمعیت کشور به وجود می‌آید.

- ۱- کاهش ضریب جوانی جمعیت (نسبت جمعیت زیر ۱۵ سال به کل)
- ۲- کاهش نرخ وابستگی یا بار تکفل نظری جمعیت (نسبت جمعیت زیر ۱۵ سال و ۶۵ سال و بیشتر، به جمعیت ۶۴-۱۵ ساله)
- ۳- کاهش شمار و نسبت جمعیت لازم‌التعلیم در مقاطع آموزشهای ابتدایی و راهنمایی و گسترش شمار و نسبت جمعیت در مقاطع آموزشهای دبیرستانی و عالی
- ۴- افزایش جمعیت جوان (۲۹-۱۵ ساله) در سالهای (۸۷-۱۳۸۰) و سپس کاهش آن طی سالهای (۹۴-۱۳۸۸)
- ۵- افزایش شمار و نسبت سالمندان (۶۰ ساله و بیشتر)
- ۶- تشدید روند شهرنشینی
- ۷- تشدید روند تمرکزگرایی جمعیت، به ویژه به سود کلان‌شهرها و قطبهای توسعه برخوردار

۴- پیامدها و الزامها ◀

- کاهش نسبی ابعاد مصرفی خانوار ناشی از تقلیل نسبی اطفال، کودکان و نوجوانان
- افزوده شدن بر توان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری ناشی از کاهش نرخ وابستگی
- لزوم ایجاد تغییرات ساختاری در آموزش به سود آموزشهای دبیرستانی و عالی
- لزوم استفاده بهینه از ظرفیتهای بالقوه تولیدی در جهت بسط و توسعه اشتغال
- لزوم توجه به تخصیص بهینه و متعادل منابع فیزیکی به منظور نیل به توسعه همگن در مناطق مختلف جغرافیایی
- لزوم توجه به کاهش نابرابری‌های درآمدی موجود بین اقشار و گروههای مختلف اجتماعی
- تسریع در آهنگ رشد و تجدید بنای اقتصادی از طریق اتخاذ سازوکارهایی که زمینه‌ساز پویایی نیروهای اجتماعی توسعه و بهبود بازده اجتماعی کارها و فعالیتها شود.

◀ فصل دوم: رشد اقتصادی

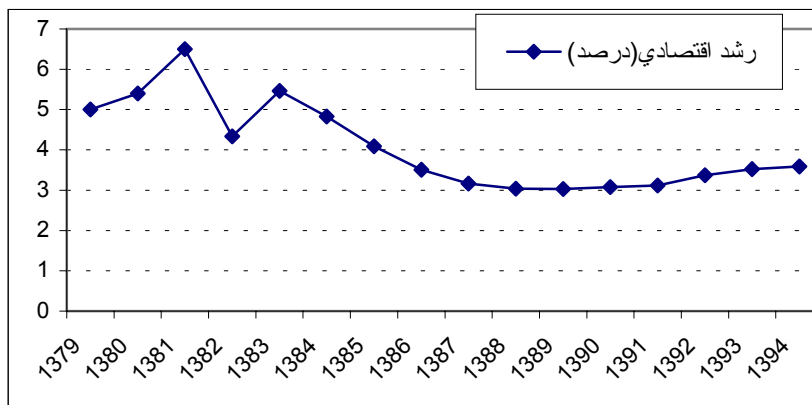
◀ چشم‌انداز بر اساس ادامه روند موجود

بر اساس بررسی‌های به عمل آمده از طریق میانگین رشد اقتصادی سالانه (۸۰-۱۳۶۰) و (۸۰-۱۳۷۰) و میانگین هندسی رشد اقتصادی طی سالهای مذکور و همچنین بر اساس آمارهای رشد متوسط اشتغال، طی سالهای (۷۵-۱۳۴۵)، (۲/۲٪) و همچنین رشد سالانه بهره‌وری دهه (۸۴-۱۳۸۰)، (۱/۷٪) و نیز، برخی مطالعات الگوهای اقتصادسنجی، متوسط رشد سالانه اقتصاد ایران برای دوره (۹۴-۱۳۸۲) بر اساس روند گذشته، حدود (۳/۹٪) برآورد می‌گردد (جدول شماره ۵ و نمودار شماره ۱). با این وجود مطابق جدول شماره ۵ انتظار می‌رود که تولید سرانه از ۳۵۱ هزار ریال در سال ۱۳۸۴ به حدود ۴۱۸ هزار ریال در سال ۱۳۹۴ برسد که رشدی حدود (۲/۴٪) را بر اساس روند گذشته می‌تواند داشته باشد.

جدول شماره ۵- رشد اقتصادی و تولید سرانه

سال	تولید ناخالص واقعی (میلیارد ریال)	رشد اقتصادی (درصد)	جمعیت (نفر)	تولید سرانه (هزار ریال)
۱۳۸۰	۱۹۴۷۱	۵/۴	۶۴۹۰۷۰۰۰	۳۰۰
۱۳۸۴	۲۳۹۲۱	۴/۸	۶۸۲۰۶۳۴۴	۳۵۱
۱۳۹۴	۳۳۲۵۹	۳/۶	۷۸۱۷۳۹۲۸	۴۱۸
میانگین رشد سالانه (درصد)	-	۳/۹	-	۲/۴
میانگین رشد سالانه (۸۳-۱۳۸۰) (درصد)	-	۵/۴	-	-

نمودار شماره ۱- رشد اقتصادی طی سالهای (۱۳۷۹-۹۴)



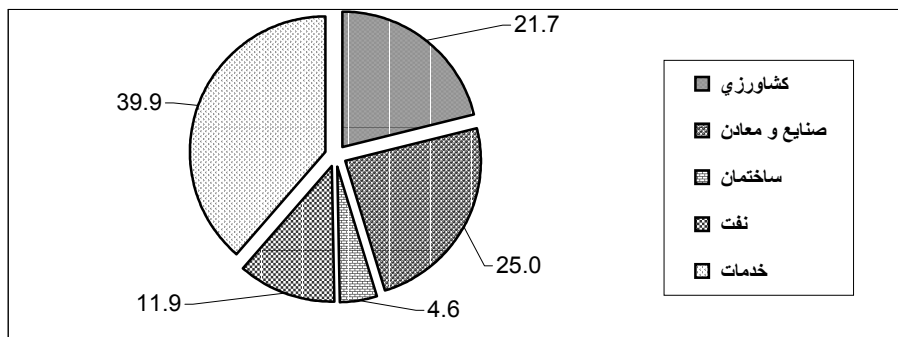
در سطح بخشها نیز پیش‌بینی می‌شود بخش ساختمان و گروه صنایع و معادن بیشترین رشد را به خود اختصاص دهند. با توجه به عملکرد متوسط رشد سالانه طی سالهای (۸۰-۱۳۶۰)، پیش‌بینی می‌شود، طی سالهای (۹۴-۱۳۸۴) از سهم بخش کشاورزی و نفت کاسته شود و به سهم بخش صنایع و معادن و خدمات افزوده شود (جدول شماره ۶ و نمودارهای شماره ۲ تا ۴).

جدول شماره ۶- سهم و رشد ارزش افزوده بخشهای اقتصادی

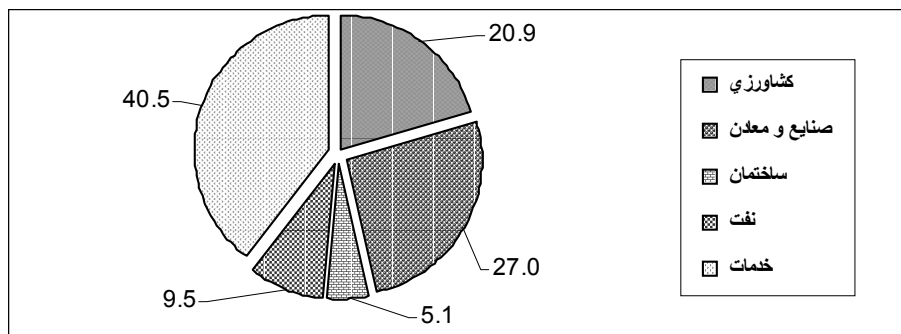
واحد: درصد

عنوان	متوسط رشد سالانه ارزش افزوده بخشها طی (۹۴-۱۳۸۴)	۱۳۸۰	۱۳۸۴	۱۳۹۴
کشاورزی	۳/۱	۲۱/۷	۲۰/۹	۱۹/۳
صنایع و معادن	۵/۷	۲۵	۲۷	۳۲/۱
ساختمان	۵/۸	۴/۶	۵/۱	۶/۲
نفت	-۰/۸	۱۱/۹	۹/۵	۶
خدمات	۴/۶	۳۹/۹	۴۰/۵	۴۳/۴
رشد تولید ناخالص داخلی	۳/۹	-	-	-

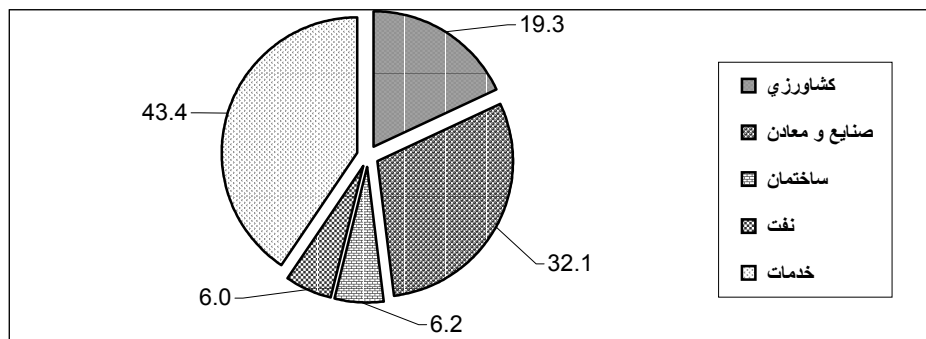
نمودار شماره ۲- سهم بخشهای اقتصادی در سال ۱۳۸۰



نمودار شماره ۳- سهم بخشهای اقتصادی در سال ۱۳۸۴



نمودار شماره ۴- سهم بخشهای اقتصادی در سال ۱۳۹۴



◀ مسائل و چالشهای آینده (در صورت ادامه روند موجود)

الف: رشد نازل و بی ثبات اقتصادی

ب: افزایش ناچیز تولید سرانه

ج: افزایش ریسک سرمایه گذاری

د: شکندگی اقتصاد به دلیل وابستگی به نفت

ه: عدم به کارگیری بهینه منابع در افزایش تولید و رشد اقتصادی

◀ چشم انداز مطلوب رشد اقتصادی

تأکید بر توسعه و اصلاح ساختار اقتصاد ایران از پایان جنگ تحمیلی مطرح شده و حاصل آن، توفیق نسبی در بعضی از امور بوده است. با وجود این کشور ما هنوز برای رسیدن به یک وضع مطلوب و اقتصادی متنوع و متوازن و دارای بخش صنعتی با پایه گسترده و قوام یافته، بخش کشاورزی امروزی و بالغ و بخش خدمات کارآمد و مولد قدمهای قابل ملاحظه‌ای برداشته و کماکان در حاشیه اقتصاد متحول جهان امروز مانده است. ایران در آستانه برنامه چهارم توسعه بر سر یک دو راهی اقتصادی قرار دارد. یکی از این راهها، ادامه روال گذشته می باشد، که در این صورت نمی تواند به ایجاد یک درآمد مطلوب و کیفیت زندگی کافی برای کشور بیانجامد. راه دوم اصلاح خط مشی های کنونی و اتخاذ سیاستهای نوین اقتصادی است که به تضمین اشتغال و کیفیت زندگی بالا و درآمد، ارتقای جایگاه اقتصادی کشور در سطح منطقه و احراز یک هویت اقتصادی مناسب در عرصه بین المللی می انجامد. بر این اساس، برای تغییر روندهای نامطلوب اقتصادی و رسیدن به هدف افزایش بهره‌وری و حداقل بیکاری، رشد اقتصادی برای دوره منتهی به سال ۱۳۹۴ در دو سناریو در جدول شماره ۷ آمده است.

جدول شماره ۷- گزینه مطلوب رشد طی دوره (۹۴-۱۳۸۴)

(۹۴-۱۳۸۴)		عنوان
سناریوی دوم	سناریوی اول	
۴	۷	نرخ بیکاری
۴/۴	۴/۴	رشد بهره‌وری
۹	۸/۶	رشد اقتصادی
۸	۷	رشد تولید سرانه
۳۳۵۹۵	۳۲۲۶۴	تولید سرانه (هزار ریال) (به قیمت ثابت ۱۳۸۱)
۲۶۲۲۶۹۳	۲۵۲۲۲۰۱	تولید ناخالص داخلی واقعی (به قیمت ثابت ۱۳۸۱)

در سناریوی اول فرض شده است که رشد بهره‌وری ۲ برابر گردد (۴/۴٪) و هدف اقتصاد رسیدن به نرخ بیکاری (۴٪) باشد. در این صورت باید نرخ رشد اقتصادی حدود (۸/۶٪) برآورد گردد. در سناریوی دوم فرض این است که بهره‌وری (۴/۴٪) باشد و نرخ بیکاری در حد (۷٪) در نظر گرفته شود. به این منظور رشد اقتصادی لازم برای رسیدن به این اهداف حدود (۹٪) برای دوره (۹۴-۱۳۸۴) می‌باشد.

در جهان امروز، کشوری که کالاهایش قادر به رقابت بوده و زمینه توسعه انسانی، صنعت و تکنولوژی مدرن در آن هموار باشد، موفق است. شواهد گوناگون نشان می‌دهد که کشورهایی که سیاست توسعه‌شان را بر مدار گسترش بخش صنعت، آن هم صنعت پیشرو و قادر به رقابت در صحنه جهانی، پایه‌گذاری کرده‌اند، توانسته‌اند منابع درآمد خود را تنوع بخشیده و به اشتغال و رشد اقتصادی دست یابند. بر این اساس، جهت‌گیری اقتصاد کشور برای رسیدن به اهداف رشد و اشتغال، و همچنین بر اساس تجربه کشورهای تازه صنعتی شده، باید در جهت صنعتی شدن باشد. به این منظور باید از سهم بخش کشاورزی و نفت و گاز کاسته و به سهم بخش صنایع و معادن و خدمات افزوده گردد. بنابراین رشد ارزش افزوده بخشهای اقتصادی بر حسب گزینه نرخ رشد مطلوب (۸/۶٪) و (۹٪) در سال ۱۳۹۴ به ترتیب در جداول شماره ۸ و ۹ ارائه گردیده است.

جدول شماره ۸- رشد ارزش افزوده بخشهای اقتصادی در سال ۱۳۹۴ (گزینۀ مطلوب) بر حسب گزینۀ رشد اقتصادی (۸/۶٪)

عنوان	رشد متوسط سالانه ارزش افزوده (درصد)
کشاورزی	۴/۹
صنایع و معادن	۱۱/۶
نفت و گاز	۲/۱
خدمات	۹/۴

جدول شماره ۹- رشد ارزش افزوده بخشهای اقتصادی در سال ۱۳۹۴ (گزینۀ مطلوب) بر حسب گزینۀ رشد اقتصادی (۹٪)

عنوان	رشد متوسط سالانه ارزش افزوده (درصد)
کشاورزی	۵/۳
صنایع و معادن	۱۲/۱
نفت و گاز	۲/۱
خدمات	۹/۸

◀ راهبردهای تحقق گزینۀ مطلوب

- رقابت‌پذیری فعالیتهای اقتصادی از طریق هم‌پیوندی با اقتصاد جهانی و اصلاح ساختار سیستم‌های تولیدی، پولی و مالی
- کاهش قلمرو فعالیتها و دخالت‌های دولت
- ایجاد زمینه‌های مناسب جهت جذب سرمایه‌گذاری با استفاده از سیاست فعال خارجی و استفاده کارآمد از فرصتهای بین‌المللی و تصحیح مکانیزم انتقال پس انداز به سرمایه‌گذاری
- توجه به دانش و نوآوری به عنوان محرک رشد پایدار اقتصادی و ارتقای بهره‌وری در سطح بنگاه و کل اقتصاد

- ایجاد شرایط و فضای مناسب با کاهش درگیریهای داخلی و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری جهت افزایش سرمایه خصوصی
- اصلاحات سیاسی، اجتماعی و تقویت نهادهای مدنی و ایجاد ثبات در قوانین و مقررات کشور و اصلاح سیستم مدیریتی و اداری کشور در راستای افزایش کارائی و تسریع در امور
- ارتقای سرمایه اجتماعی و انسانی به عنوان منبع ارزش اقتصادی
- ارتقای فناوری اطلاعات در شریانهای اقتصادی کشور به عنوان منبع مزیت رقابتی

◀ فصل سوم: سرمایه‌گذاری

◀ چشم‌انداز آینده

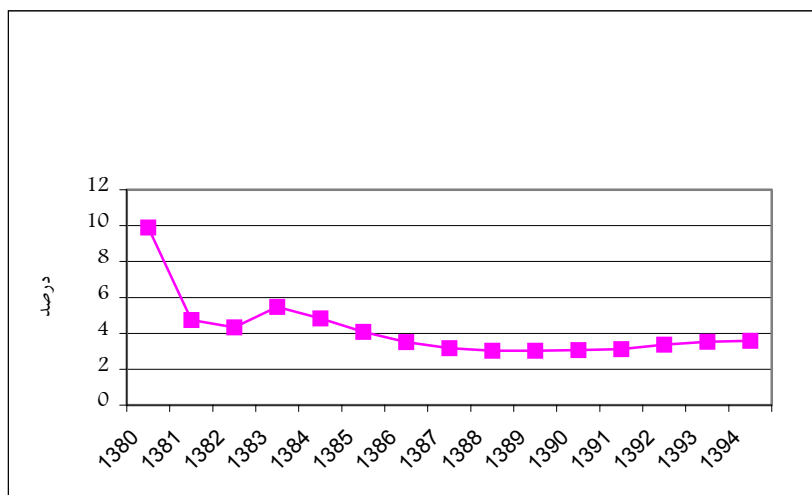
الف: گزینه روند موجود

نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی با ثبات‌ترین متغیر در میان سایر متغیرهای مربوط به مبحث سرمایه‌گذاری بوده است. میزان این متغیر همچنان که قبلاً ذکر گردید در فاصله (۱۰٪) تا (۲۵٪) بوده است که به طور متوسط طی دوره دهساله (۸۰-۱۳۷۰) حدود (۱۵٪) بوده است. بر این اساس در گزینه ادامه روند، میزان سرمایه‌گذاری بر اساس نسبت (۱۵٪) پیش‌بینی می‌گردد. لازم به ذکر است که مقادیر سرمایه‌گذاری بخشهای خصوصی و دولتی بر مبنای تداوم سهم سال ۱۳۸۰ آنها که به ترتیب معادل (۶۶٪) و (۲۴٪) بوده، پیش‌بینی شده است.

جدول شماره ۱۰- میزان برآورد سرمایه‌گذاری به میلیارد ریال (به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱)

سال	سرمایه‌گذاری کل	سرمایه‌گذاری خصوصی	سرمایه‌گذاری دولتی
۱۳۸۰	۲۹۶۹	۱۹۶۰	۹۵۶
۱۳۸۴	۳۵۸۸	۲۳۶۸	۱۲۲۰
۱۳۸۹	۴۲۳۴	۲۷۹۵	۱۴۴۰
۱۳۹۴	۴۹۸۹	۳۲۹۳	۱۶۹۶
میانگین رشد	۳٫۸	۳٫۷	۳٫۷

نمودار شماره ۵- مقادیر رشد سرمایه‌گذاری بر مبنای سناریوی نسبت (۱۵٪) سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی



ادامه روند وضع موجود که منجر به رشد (۳/۸٪) سرمایه‌گذاری می‌گردد، احتمالاً چالشهای زیر را به دنبال خواهد داشت:

- این میزان رشد سرمایه‌گذاری برای رشدهای بالاتر تولید ناخالص داخلی و در نتیجه ایجاد فرصتهای شغلی جدید کافی نخواهد بود.

- نسبت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به بخش دولتی در همان سطح ۲ باقی خواهد ماند در حالی که نسبت مذکور برای کشورهای عربی که از شرایط مشابهی با کشور ما برخوردار هستند در حال حاضر معادل ۳ می‌باشد.
- این میزان رشد پایین سرمایه‌گذاری به مفهوم نرخ پایین پس‌انداز و یا عدم استفاده مطلوب از پس‌اندازهای موجود می‌باشد. لذا بایستی مکانیزم‌هایی جهت افزایش نرخ پس‌انداز و استفاده مطلوب از پس‌اندازها تعبیه نمود تا منتهی به نرخ رشد بالاتر سرمایه‌گذاری گردند.
- از آنجا که هنوز سرمایه‌گذاری کافی در زیرساخت‌های کشور صورت نگرفته و یا به دلیل وقوع جنگ متحمل خسارات سنگینی شده‌اند و نیز با توجه به میزان نسبتاً بالای شاخص ICOR، این میزان رشد سرمایه‌گذاری مشکل‌ساز خواهد بود.
- رشد مذکور سرمایه‌گذاری جوابگوی نرخ استهلاک نخواهد بود چراکه طی چند سال اخیر، نسبت استهلاک به کل سرمایه‌گذاری ناخالص بیش از (۷۰٪) بوده است.

ب: گزینه مطلوب

بررسی نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی کشورهایی همچون مالزی و کره جنوبی که طی دوره‌ای از نرخهای رشد بالایی برخوردار بوده‌اند، ما را به این جمع‌بندی کلی می‌رساند که می‌توان نسبت مربوطه را برای وضعیت مطلوب ایران معادل (۳۷٪) در نظر گرفت. براساس نرخ رشد مطلوب (۸/۶٪) تولید ناخالص داخلی و فرض نسبت (۳۷٪) سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی، متوسط نرخ رشد سالانه سرمایه‌گذاری (۱۰/۹٪) برآورد می‌شود و با نرخ رشد متعادل (۷٪) تولید ناخالص داخلی و فرض نسبت (۳۷٪) سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی متوسط نرخ رشد سالانه سرمایه‌گذاری (۹/۳٪) برآورد می‌شود.

جدول شماره ۱۱- رشد و سهم سرمایه‌گذاری ناخالص بخشهای خصوصی و دولتی در دوره (۹۴-۱۳۸۴) (درصد)

سرمایه‌گذاری دولتی		سرمایه‌گذاری خصوصی		سرمایه‌گذاری کل	رشد تولید ناخالص داخلی
سهم از کل (۱۳۹۴)	متوسط رشد طی دوره	سهم از کل (۱۳۹۴)	متوسط رشد طی دوره	متوسط رشد طی دوره	
۲۷	۲/۵	۷۳	۱۵	۱۰/۹	گزینه (۸/۶٪)
۲۷	۲/۱	۷۳	۱۲/۸	۹/۳	گزینه (۷٪)

جدول شماره ۱۲- رشد و سهم پس‌انداز ناخالص در دوره (۹۴-۱۳۸۴) (درصد)

نسبت پس‌انداز به GDP	رشد پس‌انداز ناخالص	گزینه رشد تولید ناخالص داخلی واقعی
۳۵	۱۳/۵	۸/۶
۳۵	۱۰/۹۸	۷

ج: خطوط راهبردی

کاملاً مشخص است که دستیابی به رشدهای مطلوب فوق‌الذکر برای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری با حفظ ساختارهای موجود تقریباً غیر ممکن است. لذا رسیدن به رشدهای مذکور مستلزم شرایط اولیه‌ای است که در زیر به تعدادی از آنها اشاره شده است.

- مساعد سازی فضای سرمایه‌گذاری به لحاظ ثبات سیاسی و اقتصادی نظیر کاهش تنش بین گروههای سیاسی، بهبود روابط خارجی، کنترل نرخ تورم، کنترل نوسانهای شدید نرخ ارز و کاهش شاخص ریسک کشور جهت جذب سرمایه‌گذاری خارجی
- بهبود بخشیدن مکانیزمهای انتقال پس‌اندازها به سرمایه‌گذاری‌های مولد، تشویق و ایجاد انگیزه برای مردم به منظور افزایش پس‌انداز
- اتمام پروژه‌های نا تمام فعلی جهت بهره‌برداری هرچه سریعتر آنها
- بهبود کیفی طرحهای سرمایه‌گذاری و استفاده مطلوب از ظرفیتهای خالی اقتصاد

جدول شماره ۱۳- رشد سرمایه‌گذاری مطلوب در سال ۱۳۹۴ (به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱)

نسبت سرمایه‌گذاری به GDP	سرمایه‌گذاری		تولید ناخالص داخلی واقعی	
	رشد	میزان	رشد	میزان
۳۰	۱۵٫۲	۱۸۲۹۳	۹	۶۰۹۷۶
۳۰	۱۴٫۸	۱۷۵۶۸	۸٫۶	۵۸۵۵۹

بر اساس رویکرد دولت به تقویت بخش خصوصی و نیز روند فزاینده سهم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، اگر فرض شود که سهم بخش خصوصی به طور متوسط هر ساله به میزان ۰/۵ واحد افزایش می‌یابد، مقادیر سرمایه‌گذاری مطلوب بخشهای خصوصی و دولتی به شرح جدول زیر می‌باشد.

جدول شماره ۱۴- مقادیر سرمایه‌گذاری ناخالص بخشهای خصوصی و دولتی در سال ۱۳۹۴ (به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱)

سرمایه‌گذاری دولتی			سرمایه‌گذاری خصوصی			سرمایه‌گذاری کل	
سهم از کل	رشد	میزان	سهم از کل	رشد	میزان	رشد	میزان
۲۷	۳/۷	۴۹۳۹	۷۳	۲۰/۷	۱۳۳۵۴	۱۵/۲	۱۸۲۹۳
۲۷	۳/۴	۴۷۴۳	۷۳	۲۰/۴	۱۲۸۲۴	۱۴/۸	۱۷۵۶۸

جدول شماره ۱۵- مقادیر پس‌انداز ناخالص در سال ۱۳۹۴ (به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱)

نسبت پس‌انداز به GDP	پس‌انداز ناخالص		تولید ناخالص داخلی واقعی	
	رشد	میزان	رشد	میزان
۳۵	۴۹۳۹	۱۳٫۹	۹	۶۰۹۷۶
۳۵	۴۷۴۳	۱۳٫۵	۸٫۶	۵۸۵۵۹

◀ فصل چهارم: بازار کار

◀ چشم‌انداز آینده

الف: گزینه ادامه روند موجود

روند تغییرات متغیرها و شاخص‌های بازار کار تا سال ۱۳۹۴ در جدول شماره ۱۶ نشان داده شده است. انتظار می‌رود نرخ مشارکت نیروی کار بر اساس رشد آن در طی سالهای اخیر، از (۳۶/۵٪) در سال ۱۳۸۰ به (۴۱/۲٪) در سال ۱۳۹۴ برسد که (۱/۴٪) در مقایسه با سال ۱۳۵۵ کمتر است. شایان ذکر است، افزایش نرخ مشارکت در سالهای آتی ناشی از افزایش نرخ مشارکت زنان می‌باشد. علاوه بر آن، نرخ مشارکت پیش‌بینی شده در مقایسه با وضعیت این شاخص در شرایط بین‌المللی، فاصله زیادی دارد. با این حال، بر اساس پیش‌بینی جمعیت واقع در سن فعالیت، جمعیت فعال کشور از حدود ۱۹۱۳۹ هزار نفر در سال ۱۳۸۰ به حدود ۲۶۷۹۰ هزار نفر در سال ۱۳۹۴ می‌رسد که متضمن نرخ رشد سالانه حدود (۲/۳٪) در طی دوره (۹۴-۱۳۸۴) است.

در صورت ادامه روند گذشته، پیش‌بینی می‌شود که جمعیت شاغل با نرخ رشد سالانه‌ی (۲/۲٪) به حدود ۲۱۸۸۸ هزار نفر در سال ۱۳۹۴ برسد. بنابر این، نرخ بیکاری حاصل از تعامل دو بعد عرضه و تقاضا در سال مذکور برابر (۱۸/۳٪) برآورد می‌شود که در مقایسه با سال ۱۳۸۰، (۱/۷٪) بیشتر است. افزایش نرخ بیکاری در طی این دوره به علت افزایش نرخ مشارکت در سالهای آینده و عدم ایجاد فرصتهای شغلی متناسب با آن است.

جدول شماره ۱۶- پیش‌بینی متغیرها و شاخصهای بازار کار بر اساس روند گذشته در دوره (۹۴-۱۳۸۰)

سال	جمعیت فعال	جمعیت شاغل	جمعیت بیکار	نرخ بیکاری	نرخ مشارکت
۱۳۸۰	۱۹۱۳۹۰۰۰	۱۵۹۵۷۰۰۰	۳۱۸۲۰۰۰	۱۶/۶۳	۳۶/۵۲
۱۳۸۴	۲۱۳۱۳۵۲۶	۱۷۶۰۷۷۹۶	۳۷۰۵۷۳۰	۱۷/۳۹	۳۷/۹۸
۱۳۹۴	۲۶۷۹۰۱۴۹	۲۱۸۸۸۳۹۷	۴۹۰۱۷۵۲	۱۸/۳۰	۴۱/۲۱
متوسط رشد دوره (۹۴-۱۳۸۴)	۲/۳۱	۲/۲۰	۲/۸۴	۰/۵۱۱	۰/۸۲
اشتغال سالانه دوره (۹۴-۱۳۸۴)	۴۲۳۶۰۳				

ب: گزینه مطلوب

چشم‌انداز مطلوب با فرض افزایش نرخ مشارکت نیروی کار به (۴۶٪)، معادل سال ۱۳۴۵ و نرخ بیکاری به (۷٪)، نرخ بیکاری (۷٪) براساس مطالعات انجام شده برای ایران، نرخ است که در آن حد، نرخ تورم غیر شتابنده می‌باشد، تدوین شده است (جدول شماره ۱۷). بر این اساس تعداد شاغلین با نرخ رشد (۴/۱۶٪) به ۲۷۸۱۱ هزار نفر در سال ۱۳۹۴، افزایش یافته و تعداد بیکاران به ۲۰۹۳ هزار نفر کاهش می‌یابد.

جدول شماره ۱۷- پیش‌بینی متغیرهای بازار کار بر اساس گزینه مطلوب

متوسط رشد سالانه ۱۳۸۴-۹۴	۱۳۹۴	۱۳۸۴	موضوع
۳/۳۴	۲۹۹۰۴۲۱۰	۲۱۵۲۷۶۲۳	جمعیت فعال
-۶/۵۶	۷	۱۳/۸۰	نرخ بیکاری
۱/۴۸	۶۵۰۰۹۱۵۳	۵۶۱۲۰۵۱۱	جمعیت ۱۰ سال و بالاتر
۱/۸۳	۴۶	۳۸/۳۶	نرخ مشارکت
۴/۱۶	۲۷۸۱۰۹۱۶	۱۸۵۵۶۵۱۲	جمعیت شاغل
-۳/۴۴	۲۰۹۳۲۹۵	۲۹۷۱۱۱۱	جمعیت بیکار
	۹۱۴۱۴۵/۳۳		متوسط اشتغال سالانه

◀ پیشنهادها و توصیه‌ها

- رفع موانع رشد تولید و فراهم آوردن زمینه‌های مناسب برای استفاده کامل از ظرفیتهای تولیدی، توسعه سرمایه‌گذاری توسط بخش خصوصی و ارتقای کارایی آن از روشهای زیر:
 - ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری
 - ایجاد فضای آرام سیاسی در داخل کشور و بهبود روابط خارجی
 - شفاف‌سازی و ایجاد ثبات در قوانین و مقررات
 - اصلاح قوانین و مقررات ناظر بر بازار کار در جهت تشویق سرمایه‌گذاری و به‌کارگیری تکنولوژی متناسب با مزیت‌های نسبی کشور

- انحصارزدایی و گسترش رقابت به منظور افزایش کیفیت کالاها و خدمات تولیدی
- مقررات‌زدایی و روان‌سازی قوانین و مقررات در جهت توسعه صادرات غیر نفتی
- اصلاح سیستم اخذ عوارض
- حمایت از استقرار صنایع و فعالیتهای صادراتی
- استفاده از سیاست اعتبار مالیاتی سرمایه‌گذاری
- به‌کارگیری نرخهای استهلاک شتابی یا تصاعدی
- تسهیل کردن مراحل دریافت تسهیلات بانکی
- استفاده بهینه از منابع مالی در اجرای طرحهای عمرانی دولت
- تعیین نرخ سود تسهیلات بانکی با توجه به نرخ تورم
- سازماندهی نخبگان در جهت استفاده از ظرفیتهای موجود و تولید کالاها و خدمات جدید
- کاهش هزینه‌های واقعی استفاده از نیروی کار از راههای ذیل:
 - ایجاد انعطاف‌پذیری در بازار کار از طریق اولویت در اصلاح قانون کار
 - کاهش تعهدات غیرضروری کارفرما از طریق اصلاح قانون تأمین اجتماعی
 - تخفیف مالیاتی در خصوص استخدام جدید نیروی کار
 - توسعه کمی و کیفی مراکز کاربایی و مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای در جهت کاهش هزینه‌های جستجو و انتخاب نیروی کار مناسب و ارتقای کاربایی نیروی کار
 - حمایت از ارائه آموزشهای مهارتی و کاربردی مورد نیاز بازار کار با تأکید بر افزایش تنوع مهارتهای هر فرد
 - پرداخت کمک هزینه به واحدهای اقتصادی جهت آموزش نیروی کار
 - پرداخت وام ارزان قیمت به آن دسته از بنگاههایی که توجیه اقتصادی داشته و کمبود نقدینگی دارند.
- اصلاح سیستم اخذ عوارض در مورد عوارضی که برحسب تعداد نیروی کار دریافت می‌شود.
- اجتناب از افزایش دستمزد پایه و حداقل دستمزد بیش از مقدار تورم

- حمایت از فعالیتهای اشتغال‌زا، تخصص‌بر و مدرن نظیر بخش ساختمان و خدمات اجتماعی و فرهنگی و خدمات مربوط به تکنولوژی‌های جدید مانند تولید نرم افزار و فناوری اطلاعات و ارتباطات
- کاهش عدم تعادل‌های بازار کار با توجه به موارد زیر:
 - برنامه‌ریزی منطقه‌ای در جهت کاهش عدم تعادل‌های بازار کار بین استانهای کشور
 - برنامه‌ریزی در بازار کار به منظور کاهش تبعیض جنسیتی و گسترش فعالیتهای شغلی مناسب برای زنان
 - توجه بیشتر به زمینه‌های اشتغال‌زایی برای جوانان و دانش‌آموختگان آموزش عالی
 - تعیین یک نهاد برنامه‌ریزی نیروی انسانی به منظور ایجاد انطباق بین نظام آموزشی و نیازهای بازار کار و فراهم نمودن زمینه‌های مناسب به منظور جلوگیری از فرار مغزها
 - تعیین یک متولی معین برای مدیریت بازار کار و بهبود مدیریت بازار کار و ارتقای نقش نهادهای مربوطه نظیر وزارت کار و امور اجتماعی و شورای عالی اشتغال، سازمان تأمین اجتماعی و ...
 - فراهم نمودن زمینه‌های مناسب برای کاهش یا حذف پدیده چند شغلی و پرکاری و خارج کردن سالمندان و نوجوانان از بازار کار
 - تشویق کارآفرینان و فرهنگ کار از طریق احترام به سرمایه‌گذاران و الگوسازی و معرفی کارفرمایان موفق

◀ فصل پنجم: بودجه عمومی دولت

◀ چشم‌انداز آینده

الف: گزینه ادامه روند موجود

پیش‌بینی متغیرهای مهم مربوط به بخش دولت با توجه به ادامه روند موجود بر اساس مفروضات تداوم نرخ رشد اقتصادی، نرخ بیکاری و فعالیتهای سرمایه‌گذاری و همچنین شاخص سطح رفاه اجتماعی

می‌باشد. طبیعتاً تعیین اهداف اقتصاد کلان برای هر یک از متغیرهای ذکر شده تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر متغیرهای کلیدی بخش دولت خواهد داشت. طی دو سال اول برنامه سوم توسعه، کاهش شدید هزینه‌های دولت منجر به کاهش این شاخصها گردید و این موضوع با توجه به ساختار اجتماعی و جمعیت جوان، گسترش نقش دولت در ابعاد سیاست‌گذاری و تولید کالاهای عمومی و ارجحیت‌دار را الزام‌آور می‌سازد.

جدول شماره ۱۸ - پیش‌بینی آینده متغیرهای کلیدی بخش دولت بر اساس روند موجود

سال	نسبت اعتبارات هزینه‌ای به GDP	نسبت مخارج دولت به GDP	نسبت مالیاتها به GDP	نسبت تملک دارایی‌های سرمایه‌ای به GDP
۱۳۷۶	۱۶/۱۷	۲۳/۶۷	۷/۸۹	۷/۳۱
۱۳۸۲	۱۶/۸۶	۲۴/۹۱	۶/۹۳	۷/۸۹
۱۳۸۴	۱۶/۳۹	۲۴/۹۲	۶/۳۱	۶/۳۳
۱۳۹۴	۱۶/۳۹	۲۴/۹۲	۵/۳۸	۶/۳۲

ب: گزینه مطلوب

درخصوص تأثیر هزینه‌های دولت بر رشد اقتصادی موضوع مهم دیگر تفکیک و ارزیابی بهره‌وری اعتبارات هزینه‌ای (جاری) و اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای (عمرانی) می‌باشد. نتایج تخمین بهره‌وری اعتبارات هزینه‌ای و سرمایه‌ای بیانگر آن است که هر دو نوع هزینه دولت در اقتصاد بهره‌وری مثبت بر رشد تولید ناخالص داخلی به جای می‌گذارد. براساس اطلاعات موجود، متوسط سهم دولت از GDP (با معیار نسبت مخارج دولت به GDP) طی دوره (۸۰-۱۳۶۰) بالغ بر ۲۰/۴۶ می‌باشد. نسبت مذکور در سالهای ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ معادل (۱۸/۷٪) بوده است، که حتی با استفاده از معیارهای بهره‌وری و بازدهی نیز این نسبت کمتر از میزانی است که در صورت انجام وظایف قانونی به عهده دولت گذاشته شده است. طبیعتاً ساختار جمعیت جوان کشور، رفاه و تأمین اجتماعی، آموزش عمومی و آموزش عالی،

تأمین اشتغال و مسکن و تأمین نظم و امنیت اجتماعی توسعه نقش و اهمیت دولت در اقتصاد کشور را در شرایط گذر از دوره بسیار مهم تاریخی کشور الزامی می‌سازد.

بر اساس نتایج حاصل از دو سناریو نسبت هزینه دولت به تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۸۴ و ۱۳۹۴ دست کم باید بین ۲۷/۵ و ۲۹/۵ باشد تا وضعیت شاخصهای اقتصاد کلان کشور از وضعیت کنونی بدتر نشود. همچنین سهم درآمدهای مالیاتی از تولید ناخالص داخلی طی این سالها در دامنه (۹/۳٪) و (۱۵٪) قرار خواهد گرفت.

خطوط راهبردی

- اتخاذ سیاست مالی فعال و انعطاف‌پذیر که مناسب شرایط اقتصادی کشور بوده و دستیابی به رشد بالای اقتصادی و اشتغالزایی را سرلوحه برنامه‌های خود قرار دهد.
- توسعه بخش دولت در سطح مناطق با عنایت خاص بر منابع تأمین مالی این فعالیتها از طریق مالیات ارزش افزوده و سایر مالیاتها و عوارض محلی
- افزایش درآمدهای مالیاتی از طریق تدوین و اصلاح قوانین مالیاتها و حذف معافیتها در اشکال متفاوت به منظور بسط پوشش مالیاتی در جهت نیل به تراز عملیاتی بودجه دولت و تأمین اهداف توزیع درآمدی از طریق پرداختهای انتقالی و سیاستهای اعطای یارانه به اقشار کم درآمد
- اتخاذ سیاستهای مالی مناسب با شرایط ویژه اقتصاد ایران در جهت تحقق اهداف کلیدی اقتصاد کلان
- تأمین و تجهیز منابع مالی برای توسعه و گسترش طرحهای اشتغالزا در بخشهای خصوصی و تعاونی از طریق سیاست مالی انعطاف‌پذیر
- تسریع در مراحل تصویب قانون مالیات ارزش افزوده و توجه خاص به ابعاد کامل بودن پوشش این مالیات و استفاده از تجربیات سایر کشورها در این زمینه به طوری که ضمن افزایش درآمد مالیاتهای غیر مستقیم به افزایش کارایی اقتصادی کمک کند.
- توسعه پایه مالیاتی از طریق گسترش درآمدهای مالیاتی در سطح مناطق

- فراهم آوردن زمینه‌های کاهش کسری عملیاتی بودجه عمومی با استفاده از ظرفیتهای بالقوه مالیاتی و اجرای مفاد ماده (۸۸) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت به گونه‌ای که لطمه‌ای بر تأمین وظایف دولت وارد نسازد.
- تسریع در اجرای ماده (۸۸) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت به منظور تأمین منابع درآمدی تکمیل پروژه‌های مهم و حائز اولویت نیمه تمام (در بخشهای امور زیربنایی و ارتباطات و منابع آب و سایر بخشهای ارجحیت‌دار کشور)
- ساماندهی پروژه‌ها و طرحهای نیمه‌تمام عمرانی
- تأکید بر ابعاد اشتغالزایی طرحها و پروژه‌های دولتی از طریق به‌کارگیری و تشویق فناوری ساخت مناسب
- گسترش نقش دولت در ابعاد سیاست‌گذاری جهت تحقق اهداف اقتصاد کلان از طریق تولید کالاهای عمومی و ارجحیت‌دار (آموزش، بهداشت، رفاه و تأمین اجتماعی) با توجه به ساختار اجتماعی و جمعیت جوان کشور
- تهیه و تدوین بودجه سالانه به صورت عملیاتی
- تهیه و تدوین بودجه سالانه دولت با توجه به دستورالعمل نظام آمارهای دولت و دستورالعمل شفاف‌سازی بودجه
- اصلاح نظام بودجه‌ریزی با استفاده از مبانی علمی و تدوین معیارها و شاخصهای مناسب به منظور ضابطه‌مند کردن توزیع اعتبارات در سطح مناطق، فصلی و برنامه

◀◀ فصل ششم: شرکتهای دولتی، خصوصی‌سازی و توسعه بخش خصوصی

◀ چشم‌انداز آینده

الف: گزینه ادامه روند موجود

تاکنون نسبت حجم فعالیتهای واگذار شده به بخش خصوصی (خصوصی‌سازی) نسبت به افزایش حجم فعالیت شرکتهای دولتی از طریق سرمایه‌گذاری‌های جدید شرکتهای مزبور و ایجاد شرکتهای جدید

دولتی بسیار اندک بوده است. در سالهای (۸۲-۱۳۷۰) سرمایه‌گذاری شرکت‌های دولتی چندین برابر حجم منابع ناشی از خصوصی‌سازی بوده است. بررسی حجم خریداران سهام شرکت‌های واگذار شده حاکی از عدم حضور بخش خصوصی واقعی در بازار خرید سهام شرکتها است. همچنین سهام در حدی واگذار شده است که شرکت دولتی صرفاً از نقطه نظر حقوقی، از مجموعه شرکت‌های دولتی خارج شده است و بخش خصوصی نیز فضای مناسب برای انجام فعالیت اقتصادی به دست نیاورده‌اند. ادامه وضع موجود شرایط و مشکلات ذیل را در پی خواهد داشت:

- افزایش بیش از پیش سهم شرکت‌های دولتی (و دولت) و عدم امکان مشارکت بخش خصوصی در فعالیتهای اقتصادی

- عدم امکان کارکرد شرکت‌های دولتی در راستای تحقق اهداف توسعه همه جانبه کشور به دلیل تداوم شرایط و امتیازات انحصاری برای شرکتها از یک سو و کاهش نظارت دولت بر شرکت‌های دولتی به دلیل دور شدن شرکتها از ابزارهای نظارتی در نتیجه اجرای برنامه مهندسی مجدد شرکت‌های دولتی

- شکل‌گیری بخش مستقلی از بنگاه‌های اقتصادی که شکل حقوقی آنها غیر دولتی است، لیکن در کنترل سازمانها و دیگر شرکت‌های دولتی قرار دارند.

- تداوم وضعیت عدم امکان شکل‌گیری و توسعه بخش خصوصی

- ایجاد محدودیتهای و وقوع بن‌بستهای شدید در تأمین منابع مالی برای انجام وظایف دولت

- وابستگی شدید شرکت‌های دولتی به منابع مالی دولت و سیستم بانکی برای انجام فعالیتهای و ایجاد ظرفیتهای جدید

- افزایش سهم بخشهایی که به طور قانونی دولتی نیستند، لکن بخش خصوصی هم تلقی نمی‌شوند. این بخشها به نحوی به دولت ارتباط دارند و کارکردهای بخش دولت در آنها وجود دارد.

ب: گزینه مطلوب

نتیجه اجرای صحیح برنامه‌های خصوصی‌سازی، مهندسی مجدد شرکتها و رفع انحصارات و گسترش رقابت، تعدیل بهینه‌سازی ساختار دولت، جلب مشارکت بخش خصوصی و ارتقای کارایی فعالیتهای

اقتصادی به دلیل شکل‌گیری شرایط رقابت در بازار خواهد بود. در این صورت چشم‌انداز آینده بخش شرکتهای دولتی و نحوه فعالیت بخش خصوصی شامل موارد ذیل خواهد بود:

- ۱- حضور شرکتهای دولتی در حداقل ممکن و صرفاً در فعالیتهایی که یا در آنها انحصار وجود دارد و یا بخش خصوصی توانایی یا تمایلی برای حضور در آن فعالیت را ندارد.
- ۲- شکل‌گیری بخش خصوصی کارآفرین و کارآمد، مستقل و پویا که تحت تأثیر اعمال سیاستها و رهنمودهای کلی دولت به فعالیت خواهد پرداخت.
- ۳- وجود شرایط رقابت در بخشهای دولتی و خصوصی، حذف کلیه استثنائات غیر ضرور متعلق به شرکتهای دولتی
- ۴- وجود نظام تحلیل هزینه - فایده در شرکتهای دولتی و پرداخت هزینه تکالیفی که دولت برای تحقق اهداف غیر اقتصادی و اجتماعی خود به شرکتهای تحمیل می‌کند.
- ۵- وجود بازارهای متنوع سرمایه برای تأمین منابع مالی بنگاههای اقتصادی (اعم از دولتی و خصوصی)
- ۶- خود اتکایی شرکتهای دولتی و رعایت چارچوب سازمانی و مدیریتی شرکتهای از سوی مراجع قانونگذاری، اجرایی و نظارتی

◀ خطوط راهبردی

برای بهبود نظام تشکیلات کلان دولت و اصلاح چارچوب سازماندهی شرکتهای دولتی از یک سو، و جلب مشارکت بخشهای غیر دولتی و افزایش سهم بخش خصوصی در اقتصاد و رفع موانع ایجاد رقابت در فعالیتهای اقتصادی و رفع انحصار از سوی دیگر، سیاستهای ذیل قابل پیشنهاد می‌باشد:

- ۱- رفع موانع حقوقی - قانونی و برقراری انگیزه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برای حضور فعال و مناسب بخش خصوصی در فعالیتهای اقتصادی
- ۲- تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی و ایجاد شرایط لازم برای مشارکت منابع مالی خارجی برای تسهیل امر خصوصی‌سازی و تقویت بخش خصوصی

- ۳- محدود نمودن شرکتهای دولتی برای حضور در فعالیتهایی که ماهیتاً دارای انحصار طبیعی است، و یا بخشهای غیر دولتی انگیزه و توانایی شرکت در آن فعالیت را ندارند. (ممنوعیت ایجاد شرکت دولتی)
- ۴- سازماندهی مجموعه شرکتهای دولتی (به عنوان ابزارهای تصدی‌گری دولت) در یک چارچوب و سازمان مستقل از دستگاهها و سازمانهای اعمال حاکمیت دولت
- ۵- برقراری نظام شفاف و مناسب تحلیل هزینه - فایده، تحقق اهداف اقتصادی و غیر اقتصادی دولت در شرکتهای دولتی به منظور فراهم آمدن امکان ایجاد نظم منطقی، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در این شرکتهای
- ۶- رفع کلیه امتیازها و استثنائات غیر ضرور قانونی - اداری - نظارتی متعلق به شرکتهای دولتی برای فراهم آمدن شکل‌گیری شرایط رقابت برای شرکتهای دولتی
- ۷- تقویت و گسترش بازار سرمایه
- ۸- پیشگیری ایجاد انحصار و اولویت دادن آن نسبت به مبارزه با انحصار
- ۹- تقویت عوامل و نهادهای (سیاست‌گذاری، مدیریت و اجرایی) امر خصوصی‌سازی

◀ فصل هفتم: بخش پولی، ارزی و تورم

◀ چشم‌انداز آینده

الف: گزینه روند موجود

پیش‌بینی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد که چنانچه در سالهای آینده وضع اقتصادی همانند گذشته ادامه یابد، نقدینگی در طول سالهای (۹۴-۱۳۸۲) به طور متوسط حدود (۲۴/۸٪) رشد خواهد داشت که دامنه آن بین (۲۴/۴٪) تا (۲۶/۵٪) در نوسان می‌باشد که ادامه چنین روندی مشکلات زیادی را برای کشور از نظر افزایش قیمتتها و کاهش رفاه عمومی ایجاد خواهد کرد.

طی دوره مذکور، نرخ تورم به طور متوسط، در حد (۱۴/۸٪) خواهد بود، که دامنه آن بین (۱۴/۶٪) تا (۱۶/۲٪) می‌باشد. از طرفی ادامه وضع موجود در بازار ارز حاکی از آن است که نرخ ارز در این بازار از

رشد ملایم و با ثبات برخوردار خواهد بود. به طوری که در پایان دوره مذکور یعنی در سال ۱۳۹۴ قیمت هر دلار آمریکا به حدود ۸۷۸۰ ریال خواهد رسید.

به علاوه ادامه وضع موجود بازار وجوه نگران کننده است زیرا در حال حاضر عدم تعادل شدیدی در این بازار وجود دارد و بسیاری از نیاز متقاضیان وام در نرخ سود موجود تأمین نمی‌شود و بانکها منابع کافی برای پاسخگویی به آنها ندارند. مؤسسات اعتباری غیر بانکی، بانکهای غیر دولتی و بورس اوراق بهادار، سهم کمتری در تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌ها دارند. بنابر این ضروری به نظر می‌رسد که برای رفع این عدم تعادلها و تأمین نیاز متقاضیان، بخش مالی توسعه داده شود و یک فضای رقابتی در این بخش ایجاد گردد تا اینکه عدم تعادلها کاهش یابد.

ادامه سیاست تعیین نرخ سود بانکی به صورت اداری مشکلاتی را در جهت تخصیص بهینه منابع ایجاد خواهد کرد. بنابر این انتظار می‌رود که با توسعه فعالیت مؤسسات اعتباری غیر بانکی و بانکهای غیردولتی و سایر صندوقها، نرخ سود واقعی بر اساس نیروهای بازار تعیین و نرخهای سود بانکی نیز به این سمت تعدیل شوند. به علاوه، تعیین اداری سهم تسهیلات بانکی بر اساس بخشهای اقتصادی نیز کارایی تخصیص بهینه منابع را مختل می‌کند و لازم است که این عمل به صورت تدریجی تا حد ممکن کاهش یابد.

ب: گزینه مطلوب

طبق نظریه‌های اقتصادی تعیین نرخ مطلوب عرضه پول باید برابر با رشد بالقوه و بلندمدت اقتصادی باشد. بنابراین اگر عرضه پول با این نرخ رشد کند، افزایش تقاضا ناشی از رشد پول را تأمین خواهد کرد. در این صورت علی‌رغم افزایش در عرضه پول، سطح عمومی قیمتها طی چند دهه ثابت خواهد بود. با توجه به موارد فوق حد مطلوب نرخ رشد نقدینگی در کشور بر اساس پیش‌بینی‌هایی که برای نرخ رشد اقتصادی در سالهای آینده انجام شده است، باید به طور متوسط اندکی بالاتر از (۹٪) برای دوره (۹۴-۱۳۸۴) باشد. ولی به نظر می‌رسد با توجه به محدودیتهای اقتصادی کشور از قبیل وابستگی بودجه دولت به درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت و عملکرد ضعیف شرکتهای دولتی که منجر به انباشت بدهی‌های معوق می‌گردد، رسیدن به این نرخ مشکل به نظر می‌رسد.

در خصوص تورم، حد مطلوب صفر می‌باشد اما این امر به ندرت به ویژه برای کشورهای نظیر ایران اتفاق می‌افتد. زیرا بخش عظیمی از رشد قیمت‌ها ناشی از افزایش نقدینگی است. از آنجا که در کشور نقدینگی رشد بالایی داشته است. در نتیجه امکان رسیدن به نرخ صفر درصد تورم غیر ممکن و غیر عملی است. به هر حال اگر نرخ رشد نقدینگی در حد رشد بالقوه تولید حفظ شود نرخ تورم نیز اندکی پایین‌تر از نرخ رشد نقدینگی خواهد بود. بر این اساس حد مطلوب نرخ تورم برای (۹۴-۱۳۸۴) به طور متوسط در حدود (۹٪) می‌باشد.

◀ خطوط راهبردی

- تلاش برای دستیابی به تعادل در بازار وجوه (تسهیلات) و ایجاد رقابت در شبکه بانکی کشور انجام شود.
- زمینه ایجاد رقابت در بازارهای پولی فراهم شود. در این راستا صدور مجوزهای تأسیس بانکهای خصوصی ادامه یابد تا زمینه رقابت بین بانکها و مؤسسات مالی غیر بانکی فراهم گردد و ساماندهی صندوقهای قرض‌الحسنه و مؤسسات اعتباری غیر بانکی توسعه و در چارچوب نظارت بانک مرکزی انجام پذیرد.
- زمینه‌های لازم برای استفاده از ابزارهای غیر مستقیم سیاستهای پولی فراهم شود.
- به دلیل آثار اقتصادی و اجتماعی نرخ تورم، لازم است که کنترل آن در اولویت قرار گیرد.

◀◀ فصل هشتم: بازار بورس و اوراق مشارکت

◀ چشم‌انداز آینده

الف-۱: گزینه ادامه روند موجود بازار بورس

در صورت وجود چنین بازاری برای سهام با این اندازه و عمق کم و ادامه آن به طور قطع تخصیص منابع بهینه نخواهد بود و فرصتهای سرمایه‌گذاری پایین‌تر از حد بهینه خود خواهد بود. به دلیل فقدان ارتباط شرکتها از طریق بازار بورس سازمان یافته و به طور کلی بازار سرمایه، شرکتها از فرصتهای مشابه

برای سرمایه‌گذاری و تولید برخوردار نخواهند بود. در چنین شرایطی نه تنها حجم سرمایه‌گذاری کاهش خواهد یافت، بلکه کیفیت سرمایه‌گذاری‌ها نیز از سلامت کامل برخوردار نخواهد شد و در نتیجه امکان تجهیز منابع سرمایه‌ای به طور مطلوب در بازار بورس اوراق بهادار که از اهداف عمده این بازار است میسر نشده و افزایش رشد اقتصادی را به حد لازم فراهم نخواهد کرد.

الف-۲: اهداف گزینه مطلوب بازار بورس

- در این بازار می‌بایست نوسانهای کوتاه مدت قیمت حذف شوند. در نتیجه هزینه‌های معاملاتی به حداقل برسند و کارایی عملیاتی به وجود آید.
- شرکتهای بورس بایستی بتوانند در مورد میزان سرمایه‌گذاری‌ها، قدرت هدایت و تصمیم‌گیری داشته باشند.
- بازار بورس باید به گونه‌ای باشد که در هر مقطع زمانی عده‌ای در آن خریدار و عده‌ای فروشنده باشند، در این صورت استقلال رأی و استقلال ارزیابی وجود دارد و حجم معاملات افزایش می‌یابد.
- بازار سرمایه بایستی بتواند شرکتهای و پروژه‌های کارا و سودآور را از شرکتهای و پروژه‌های غیر سودآور تشخیص دهد.
- وجود رقابت در بازار بورس

الف-۳: راهبردهای بازار بورس

- لزوم ایجاد بازار اولیه در بورس سهام
- افراد زیادی وجود داشته باشند که اطلاعات را دریافت نموده، آنها را ارزیابی کرده و اقدام به خرید و فروش کنند.
- روشهای پردازش الکترونیکی اطلاعات بازار سهام و انتقال اطلاعات وجود داشته باشد.
- قوانین و مقررات به صورتی باشد که هیچ‌گونه مشکل و مانعی در انجام معاملات و سرعت آن وجود نداشته باشد.
- در بازار بورس می‌بایست اطلاعات به صورت شفاف و بدون هیچ هزینه‌ای در دسترس همگان قرار گیرد.

- نهادها و واسطه‌های مالی متنوع همانند بانکهای سرمایه‌گذاری فعال شود.
- سرمایه‌گذاران خارجی در بازار اوراق بهادار وارد شوند.
- بازار بورس اوراق بهادار از نظام بانکی مستقل باشد.
- هیچ بازار غیر رسمی وجود نداشته باشد.
- قیمت پایه اوراق بهادار توسط پذیرهنویسان خصوصی معین شود.
- بورسهای منطقه‌ای گسترده در سطح کشور و نیز بورسهای بین‌المللی، بورسهای فرعی و بورس کالا وجود داشته باشد.
- قانون بورس اوراق بهادار بایستی به روز شود.
- استفاده از مناطق آزاد جهت استفاده از سرمایه‌های خارجی در بورس اوراق بهادار
- گسترش خصوصی‌سازی از طریق بازار بورس

ب-۱: گزینه ادامه روند موجود اوراق مشارکت

- ادامه روند موجود با مشکلات زیر همراه خواهد بود:
- اوراق مشارکت خود آثار تورمی به بار می‌آورد.
- عدم بهره‌برداری به موقع طرحهای عمرانی توسط دولت سبب می‌شود که ناشران اوراق مشارکت، هنگام سررسید قادر به تأمین وجوه نقد کافی نباشند. در نتیجه بانکهای عامل ناگزیرند به عنوان ضامن، اصل مبلغ را از محل وجوه خود یا منابع سپرده‌گذاران بازپرداخت کنند و جانشین دارندگان اوراق مشارکت شوند که با اهداف انتشار اوراق مشارکت منافات دارد.
- عدم اتمام طرحهای مختلف در زمان پیش‌بینی شده سبب می‌شود که تعیین سود قطعی طرح تقریباً ناممکن شود.
- در این که از طریق این روش بتوان سرمایه‌های کوچک و بزرگ را جذب و به سوی فعالیتهای مولد اقتصادی هدایت کرد، تردیدی جدی وجود دارد.
- با توجه به عدم ریسک و قابلیت نقدینگی بالای اوراق مشارکت، انتظار می‌رود که انتشار آن با نرخ سود فعلی و بدون خرید و فروش در بازار اوراق بهادار، از رونق بازار سهام بکاهد.

- ادامه روند اوراق مشارکت که عمدتاً جهت تأمین مالی پروژه‌های بخش دولتی و صنایع وابسته و مورد حمایت دولت بوده است، موجب بروز محدودیتهای بیشتری برای سایر بخشهای تولیدی غیر دولتی از لحاظ دسترسی به منابع مالی مورد نیاز و جذب سرمایه از این طریق می‌گردد.

ب-۲: اهداف گزینه مطلوب اوراق مشارکت

- سود طرحهای مختلف مشمول اوراق مشارکت متناسب با بازده کل طرحها بوده و به صورت متغیر و ثابت تعیین شده نباشد و بر بار مالی دولت و تورم نیفزاید.
- از ابزار اوراق مشارکت به طور صحیح در جهت تجهیز و تخصیص منابع سرمایه‌ای استفاده شود.
- اوراق مشارکت در مقابل رقبای خود نظیر سهام و سپرده‌های بانکی صحیح عمل نماید و منجر به بروز مشکل در سایر بازارها نگردد.
- مشارکت بخش خصوصی را فراهم نماید.
- منجر به افزایش تورم نگردد.
- فرهنگ استفاده از اوراق مشارکت به طور صحیح در جامعه نهادینه شود.

ب-۳: راهبردهای اوراق مشارکت

- طرحهای مورد نظر برای اوراق مشارکت می‌بایست طرحهای مولد، اشتغالزا، انتفاعی و از همه مهم‌تر با بازدهی سریع انتخاب شود.
- لازم است با توجه به درجه‌بندی اوراق مشارکت از نظر ضمانت و تعهد بازگشت سرمایه خریداران اوراق مشارکت، تفاوت میان اوراق منتشره بخش دولتی و غیر دولتی قائل گردد.
- با توجه به ارتباط متقابل متغیرهای نرخ سود اوراق مشارکت، نرخ سود سپرده بانکی، هزینه تمام شده اوراق مشارکت و هزینه تمام شده اخذ تسهیلات بانکی، به منظور ایجاد رقابت سالم و منطقی در بازارهای مالی بایستی تغییراتی را ایجاد نمود.
- بازنگری در شرایط اوراق مشارکت طرحهای عمرانی دولت، به منظور مطلوب نمودن شرایط اوراق بخش غیر دولتی ضروری می‌باشد.

- همراه با بانکها و سازمان بورس اوراق بهادار، استفاده از مؤسسات ملی و اعتباری به عنوان عامل ضروری می‌باشد.
- میزان تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در پایان هر سال و در نظر گرفتن درصدی از آن، می‌تواند به عنوان ملاکی برای تعیین سقف مطلوب انتشار اوراق مشارکت در سال بعد مد نظر قرار گیرد.
- یکی از اجزای کنترل پایه پولی، کنترل بدهی سیستم بانکی و به تبع آن میزان تسهیلات اعطایی سیستم بانکی به بخش غیر دولتی می‌باشد. لذا تعیین درصدی از میزان تسهیلات اعطایی پیش‌بینی شده به بخش غیر دولتی در برنامه پنج‌ساله، در هر سال می‌تواند از طریق انتشار اوراق مشارکت برای تأمین مالی بخش خصوصی در نظر گرفته شود.
- به منظور تعیین قیمت واقعی اوراق بهادار می‌بایست اوراق مشارکت نیز بر اساس مکانیزم عرضه و تقاضا در بازار اوراق بهادار تهران مورد معامله قرار گیرد تا به بازار ثبات بیشتری بدهد.
- آگاهی عمومی جامعه در خصوص اوراق مشارکت افزایش می‌یابد.
- تعریف درست اوراق مشارکت در مقایسه با اوراق قرضه

◀◀ فصل نهم: تجارت خارجی

◀ چشم‌انداز آینده

الف: گزینه روند موجود

پیش‌بینی متغیرهای اصلی بخش تجارت خارجی بر اساس فروض مختلف صورت گرفته است. در ارتباط با صادرات کالاهای غیر نفتی، فرض شده است که رشد آن در دوره (۹۴-۱۳۸۴) مشابه دوره (۸۰-۱۳۷۰) باشد. همچنین سهم صادرات صنعتی در صادرات کالای غیر نفتی برای دوره (۹۴-۱۳۸۴) معادل با سهم آن در سال ۱۳۸۱ فرض شده است. به علاوه، با در نظر گرفتن متغیرهای سرمایه‌گذاری خارجی و واردات به عنوان نهاده‌های تولید، نرخ رشد این متغیرها معادل با نرخ رشد تولید ناخالص داخلی تعیین شده است. از طرفی با فرض ثابت ماندن تولید نفت در سال افق معادل سال پایه و افزایش طبیعی

مصرف داخلی، میزان نفت قابل صدور در سال ۱۳۹۴ معادل ۱/۷ میلیون بشکه در روز در نظر گرفته شده است.

ب: گزینه مطلوب

گزینه مطلوب ۱ (رشد سریع با رویکرد هم‌پیوندی)

بر اساس این گزینه فرض شده است که:

- ۱- نسبت صادرات کالای غیر نفتی در تولید ناخالص داخلی از (۲/۵٪) در سال پایه به (۱۰٪) در سال افق افزایش یابد.
- ۲- سهم صادرات صنعتی در صادرات کالاهای غیر نفتی از (۴۹٪) به (۷۵٪) افزایش یابد.
- ۳- نسبت سرمایه‌گذاری خارجی به تولید ناخالص داخلی از (۶/۰٪) به (۲٪) برسد. دو فرض اخیر بر اساس مقایسه‌های بین‌المللی شاخصهای مورد نظر در اقتصادهای مشابه اقتصاد ایران نتیجه‌گیری شده است.
- ۴- تراز تجاری از تعادل برخوردار باشد. لذا واردات کالا معادل صادرات کالا در نظر گرفته شده است.
- ۵- در ارتباط با صادرات نفت خام فرض شده است که اولاً با وجود افزایش تولید نفت خام به ۴/۴ میلیون بشکه در روز، تغییر قابل ملاحظه‌ای در میزان صادرات نفت خام ایجاد نشود. ثانیاً، با توجه به رشد سریع اقتصادی و روند سریع صنعتی شدن، مصرف داخلی نفت خام معادل صادرات آن باشد.

گزینه مطلوب ۲ (رشد متعادل با رویکرد هم‌پیوندی)

بر اساس این گزینه فرض شده است که:

- ۱- نسبت صادرات کالای غیر نفتی در تولید ناخالص داخلی از (۲/۵٪) در سال پایه به (۷٪) در سال افق افزایش یابد.
- ۲- سهم صادرات صنعتی در صادرات کالاهای غیر نفتی از (۴۹٪) به (۶۰٪) افزایش یابد.

۳- نسبت سرمایه‌گذاری خارجی به تولید ناخالص داخلی از (۶/۰٪) به (۱٪) برسد. دو فرض اخیر بر اساس مقایسه‌های بین‌المللی شاخصهای مورد نظر در اقتصادهای مشابه اقتصاد ایران نتیجه‌گیری شده است.

۴- فروض ۴ و ۵ گزینه مطلوب ۱ (رشد سریع با رویکرد هم‌پیوندی) نیز در این گزینه در نظر گرفته شده است.

ج: خطوط راهبردی

۱- افزایش جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی حداقل به میزان ۱/۵ میلیارد دلار در سال (متوسط جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی توسط کشورهای در حال توسعه در سال ۲۰۰۰ میلادی)

۲- ایفای نقش فعال در روند جهانی شدن از طریق عضویت در سازمان تجارت جهانی

۳- آزادسازی مالی و تجاری از طریق گسترش بازارهای مالی، اصلاح قوانین و مقررات ناظر بر فعالیتهای تجاری و فراهم آوردن شرایط مناسب برای ورود سرمایه‌های خارجی

۴- فراهم ساختن زمینه برای جلب سرمایه و انتقال تکنولوژی خارجی

۵- تقویت روابط با دنیای خارج از طریق عضویت در مجامع و اتحادیه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

۶- تسهیل و تسریع در خصوصی‌سازی، لغو انحصارات و فراهم آوردن شرایط مناسب برای مشارکت بخش خصوصی

۷- افزایش توان کشور در مقابله با شوکهای خارجی

۸- بسترسازی برای مقابله با خسارات احتمالی ناشی از عضویت در سازمان تجارت جهانی

۹- توجه اساسی به موقعیت ممتاز ایران در ترانزیت کالا به کشورهای آسیای میانه و جذب گردشگران خارجی به منظور افزایش درآمدهای ارزی کشور

۱۰- اتخاذ سیاستهای راهبردی توسعه صادرات و جلب سرمایه‌های خارجی در مناطق آزاد

۱۱- تنوع بخشیدن به کالاهای صادراتی به منظور کاهش تمرکز کالایی و کشوری

۱۲- ایجاد همگرایی قوانین و مقررات بخش تجاری کشور با قوانین و مقررات اتحادیه‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و سازمان تجارت جهانی

◀◀ فصل دهم: توزیع درآمد

◀ چشم‌انداز آینده

الف - گزینه ادامه روند موجود

- افزایش ضریب جینی از رقم ۰/۴۲۸ در سال ۱۳۸۰ به ۰/۴۴۳ در سال ۱۳۹۴
 - افزایش نسبت دهک بالا به دهک پایین از رقم ۱۹/۴ در سال ۱۳۸۰ به رقم ۲۲/۷ در سال ۱۳۹۴
 - افزایش نسبت (۲۰٪) بالا به (۲۰٪) پایین از رقم ۹/۹۶ در سال ۱۳۸۰ به رقم ۱۱/۸ در سال ۱۳۹۴
 - کاهش سرانه مخارج حقیقی دولت (به قیمت ثابت ۱۳۶۱) از رقم ۴۵۴۰۰ ریال در سال ۱۳۸۰ به رقم ۳۵۸۰۰ ریال در سال ۱۳۹۴ (این کاهش به منزله کاهش ارائه حجم واقعی کالاها و خدمات دولتی به ازای هر نفر جمعیت می‌باشد، این رقم در سال ۱۳۵۷ معادل ۱۰۱۸۰۰ ریال بوده است).
 - کاهش سرانه یارانه حقیقی (به قیمت ثابت ۱۳۶۱) از رقم ۴۳۳۰ ریال در سال ۱۳۸۰ به رقم ۲۴۰۶ ریال در سال ۱۳۹۴ (جدول شماره ۱۹)

ب - گزینه مطلوب

ب-۱: گزینه رشد اقتصادی (۷٪)

- کاهش ضریب جینی از رقم ۰/۴۲۸ در سال ۱۳۸۰ به رقم ۰/۳۸۵ در سال ۱۳۹۴ و متوسط ۰/۳۸۸ برای دوره (۹۴-۱۳۸۴)
 - کاهش نسبت دهک بالایی به پایینی از رقم ۱۹/۴ در سال ۱۳۸۰ به رقم ۱۴/۹ در سال ۱۳۹۴ به قسمی که متوسط این شاخص طی دوره (۹۴-۱۳۸۴) به ۱۵/۲ خواهد رسید.
 - کاهش نسبت (۲۰٪) بالایی به (۲۰٪) پایینی از رقم ۹/۹ در سال ۱۳۸۰ به رقم ۷/۹ در سال ۱۳۹۴ به قسمی که متوسط این شاخص طی دوره (۹۴-۱۳۸۴) به ۸/۲ خواهد رسید.

ب-۲: گزینه رشد اقتصادی (۸/۶٪)

- کاهش ضریب جینی از رقم ۰/۴۲۸ در سال ۱۳۸۰ به رقم ۰/۳۷ در سال ۱۳۹۴ و متوسط ۰/۳۷۴ برای دوره (۹۴-۱۳۸۴)
- کاهش نسبت دهک بالایی به پایینی از رقم ۱۹/۴ در سال ۱۳۸۰ به رقم ۱۴ در سال ۱۳۹۴ به قسمی که متوسط این شاخص طی دوره (۹۴-۱۳۸۴) به ۱۴/۳ خواهد رسید.
- کاهش نسبت (۲۰٪) بالایی به (۲۰٪) پایینی از رقم ۹/۹ در سال ۱۳۸۰ به رقم ۷/۱ در سال ۱۳۹۴ به قسمی که متوسط این شاخص طی دوره (۹۴-۱۳۸۴) به ۷/۳ خواهد رسید. (جدول شماره ۲۰)

ج - چالشهای اساسی

- ایجاد نظام جامع تأمین و رفاه اجتماعی
- کاهش فقر، بیکاری و نابرابری
- افزایش سرمایه انسانی در اقشار کم درآمد و رفع عدم تعادلهای منطقه‌ای از طریق متعادل نمودن توزیع امکانات عمومی (اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اجتماعی)
- متشکل نمودن سازمانهای حمایتی و امدادی زیر نظر یک مرجع واحد به منظور حذف فعالیتهای موازی و تمرکز در سیاست‌گذاریها و برنامه‌ریزی کلان
- اصلاح نظام ناکارآمد و غیر هدفمند یارانه‌ها

د - خطوط راهبردی

- اهم سیاستهای پیشنهادی به منظور مواجهه با مشکلات و چالشهای اساسی در این بخش به شرح ذیل می‌باشد:
- هدفمند نمودن یارانه‌ها به سمت گروههای آسیب‌پذیر و اقشار نیازمند جامعه
 - استقرار نظام شناسایی خانوارهای کم درآمد و متوسط (به منظور تسریع در هدفمند شدن یارانه‌ها)

- شاخصهای کمی و قابل استحصال در مورد عدالت اجتماعی در یک تفاهم عمومی بین مسئولین و سیاستگذاران تبیین گردد و تولید اطلاعات مورد نیاز برای اندازه‌گیری شاخصهای فوق در دستور کار مراکز تولید اطلاعات (مرکز آمار ایران و بانک مرکزی) قرار گیرد.
- اصلاح قیمت‌های نسبی، بخصوص قیمت حامل‌های انرژی^۱
- برپایی نظام جامع، فراگیر و کارآمد تأمین اجتماعی با هدف تأمین رفاه جامعه و پاسخگویی به نیازهای اساسی مردم و تحقق عدالت اجتماعی
- سازماندهی نهادها و دستگاه‌های حمایتی و امدادی دولتی نظیر: سازمان تأمین اجتماعی، کمیته امداد امام خمینی (ره)، سازمان بهزیستی، بنیاد شهید، و ... در قالب تشکیلات واحدی در سطح وزارتخانه با عنوان «وزارت رفاه و تأمین اجتماعی»
- تأمین حداقل معیشت مردم و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، حداقل معیشت شامل: بهره‌مندی از بهداشت عمومی، برخورداری از آموزش و پرورش عمومی، داشتن حداقل سرپناه قابل قبول و امنیت غذایی می‌باشد.
- توسعه کارآفرینی و توانمندسازی فقرا و اقشار کم درآمد
- توجه به توسعه مناطق روستایی و محروم کشور به منظور رفع عدم تعادل‌های منطقه‌ای
- پشتیبانی حقوقی از اقشار ضعیف جامعه بخصوص زنان شاغل، حقوق بگیران بخش خصوصی و شاغلینی که از پایگاه سیاسی - اجتماعی پر قدرتی برخوردار نیستند.
- حذف زمینه‌های مربوط به کسب درآمدهای بادآورده و درآمدهای ناشی از امتیازات خاص
- ایجاد فرصتهای برابر اجتماعی برای کسب آموزش و مهارت و دسترسی به سرمایه‌های مالی و فیزیکی از طریق بازارهای مناسب
- نهادینه کردن امنیت غذا و بهبود تغذیه مردم و ارتقای سلامت جامعه

۱- میزان یارانه حامل‌های انرژی در بودجه مصوب سال ۱۳۸۲ معادل ۱۰۳۸۸۶ میلیارد ریال بوده است که این رقم (۲۶/۳٪) از کل بودجه عمومی دولت می‌باشد.

- ایجاد یک نظام مالیاتی مناسب و کارا در جهت بهبود توزیع درآمدها

جدول شماره ۱۹ - گزینه ادامه روند موجود

موضوع	یارانه میلیارد ریال ثابت ۱۳۶۱	یارانه سرانه ریال ثابت ۱۳۶۱	ضریب جینی	نسبت هزینه دهک ثروتمندترین به دهک فقیرترین	نسبت هزینه (%۲۰) ثروتمندترین به (%۲۰) فقیرترین
میانگین دوره (۶۷-۱۳۶۰)	۷۹/۷۵۲	۱۸۰۶/۸۶	۰/۴۶	۲۴/۳۴	۱۱/۸۰
میانگین برنامه اول توسعه	۱۶۸/۱	۳۰۲۶/۳۰	۰/۴۴۳	۲۵/۰۹	۱۱/۶۰
میانگین برنامه دوم توسعه	۲۹۹/۴	۴۹۱۰	۰/۴۲۶	۲۰/۰۵	۱۰/۱۰
۱۳۷۹	۲۶۸	۴۲۰۳/۲۱	۰/۴۳۰	۲۰/۰۷	۱۰/۱۳
۱۳۸۰	۲۷۸/۶۲	۴۳۳۰/۷۶	۰/۴۲۸	۱۹/۴۰	۹/۹۶
۱۳۸۱	۲۶۱/۶۶	۴۰۱۰/۹۲	۰/۴۳۲	۲۰/۷	۱۰/۱
۱۳۸۲	۲۳۴	۳۵۳۷/۲۲	۰/۴۳۳	۲۱/۴	۱۱/۲
۱۳۸۳	۲۰۷/۰۱	۳۰۸۵/۶۶	۰/۴۳۵	۲۱/۵	۱۱/۴
میانگین دوره (۸۳-۱۳۷۹)	۲۴۹/۹	۲۸۳۳/۵۵	۰/۴۳۲	۲۰/۶	۱۰/۶
۱۳۸۴	۱۹۵/۸۹	۲۸۷۹/۱۴	۰/۴۳۶	۲۱/۷	۱۱/۵
۱۳۸۵	۱۹۱/۳۰	۲۷۷۲/۹۴	۰/۴۳۷	۲۱/۹	۱۱/۶
۱۳۸۶	۱۸۹/۴۰	۲۷۰۸/۰۲	۰/۴۳۸	۲۲	۱۱/۶
۱۳۸۷	۱۸۸/۶۲	۲۶۵۹/۲۳	۰/۴۳۹	۲۲/۲	۱۱/۶
۱۳۸۸	۱۸۸/۳۰	۲۶۱۷/۰۶	۰/۴۴۰	۲۲/۳	۱۱/۷
۱۳۸۹	۱۸۸/۱۷	۲۵۷۷/۸۸	۰/۴۴۰	۲۲/۴	۱۱/۷
۱۳۹۰	۱۸۸/۱۲	۲۵۴۱/۳۱	۰/۴۴۱	۲۲/۵	۱۱/۷
۱۳۹۱	۱۸۸/۰۹	۲۵۰۵/۷۶	۰/۴۴۲	۲۲/۶	۱۱/۷
۱۳۹۲	۱۸۸/۰۸	۲۴۷۱/۳۳	۰/۴۴۲	۶۲۲	۱۱/۷
۱۳۹۳	۱۸۸/۰۸	۲۴۳۸/۱۰	۰/۴۴۳	۲۲/۷	۱۱/۷
۱۳۹۴	۱۸۸/۰۸	۲۴۰۶/۲۹	۰/۴۴۳	۲۲/۷	۱۱/۸
میانگین دوره (۹۴-۱۳۸۴)	۱۸۹/۳	۲۵۹۷/۹	۰/۴۴۰	۲۲/۳	۱۱/۷

جدول شماره ۲۰- نتایج حاصل از گزینه رشد اقتصادی مطلوب

متوسط دوره (۱۳۸۴-۹۴)	۱۳۹۴	۱۳۸۰	شرح	
۰/۳۸۸	۰/۳۸۵	۰/۴۲۸	ضریب جینی	گزینه رشد اقتصادی (۸/۶٪)
۱۵/۲	۱۴/۹	۱۹/۴	نسبت هزینه دهک ثروتمندترین به دهک فقیرترین	
۸/۲	۷/۹	۹/۹	نسبت هزینه (۲۰٪) ثروتمندترین به (۲۰٪) فقیرترین	
۰/۳۷۴	۰/۳۷	۰/۴۲۸	ضریب جینی	گزینه رشد اقتصادی (۹٪)
۱۴/۳	۱۴	۱۹/۴	نسبت هزینه دهک ثروتمندترین به دهک فقیرترین	
۷/۳	۷/۱	۹/۹	نسبت هزینه (۲۰٪) ثروتمندترین به (۲۰٪) فقیرترین	

◀ فصل یازدهم: بخش علم و فناوری

◀ چشم‌انداز آینده

الف-۱: گزینه ادامه روند موجود تحقیق و توسعه

- ۱- گسترش شکاف علمی بین ایران و دیگر کشورهای جهان
- ۲- کند شدن روند توسعه اقتصادی در نتیجه عدم استفاده از مزیت‌های علمی و تحقیقاتی
- ۳- پایین بودن کارایی و اثربخشی فعالیت‌های تحقیقاتی
- ۴- تشدید مهاجرت نخبگان و نیروهای علمی کشور

الف-۲: گزینه مطلوب تحقیق و توسعه

چشم‌انداز آینده بخش پژوهش در یک چشم‌انداز مطلوب شرایطی است که به اتکای فعالیتهای توسعه و تحقیق، همگام با روند توسعه اقتصادی و اجتماعی، کارایی و محتوای این فعالیتها و اشاعه دستاوردهای تحقیقاتی را افزایش دهد و استفاده از منابع در این بخش توأم با افزایش کارایی در عرصه عملی فعالیتهای مختلف اقتصادی و اجتماعی باشد. در گزینه نرخ رشد مطلوب، نرخ رشد هزینه‌های توسعه و تحقیق در بخش دولتی (۱۲۵/۵٪) و در بخش خصوصی (۸٪) می‌باشد. نرخ رشد مطلوب با این فرض تهیه شده که ساختارهای اقتصادی و اجتماعی، روندی افزایشی را با توجه به جهت‌گیرهای علمی در جهان آینده تجربه نمایند.

از دیگر شاخصهایی که بر اساس آن می‌توان وضعیت تولید علم و فناوری را بهبود بخشید، نسبت تعداد محقق در میلیون نفر است. در حال حاضر این شاخص در ایران ۳۴۰ نفر می‌باشد. در وضعیت مطلوب و در افق ۱۳۹۴ رساندن این شاخص به مرز ۱۵۰۰ نفر می‌تواند گویای تحول در این بخش باشد. در آن صورت تعداد محققین کشور بر اساس جمعیت کشور (حدود ۷۷ میلیون نفر) به ۱۲۰ هزار نفر افزایش خواهد یافت.

جدول شماره ۲۱- پیش‌بینی روند هزینه توسعه و تحقیق به تولید ناخالص داخلی (درصد)

عنوان	۱۳۸۱	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۴
هزینه پژوهش و توسعه به تولید ناخالص داخلی	۰/۸	۱/۲	۲/۰	۳
هزینه پژوهش و توسعه به GDP در بخش دولتی	۰/۴۳	۰/۷	۱/۲۵	۲
نسبت پژوهش و توسعه به GDP در بخش خصوصی	۰/۳۷	۰/۵	۰/۷۵	۱

الف-۳: خطوط راهبردی تحقیق و توسعه

افزایش ظرفیتهای کمی و کیفی پژوهشی و مأموریت‌گرا کردن پژوهش

- فراهم آوردن شرایط برای تبدیل دانشگاههای آموزشی به دانشگاههای پژوهشی و کارآفرین، و تغییر نقش آنها از انتقال دانش به ایجاد زمینه‌های ابداع، نوآوری و خلق صنعت، لازم است قابلیت انجام کار به صورت مستقل از اهداف اصلی دانشگاههای کشور در آموزش، بر اساس نیازمندیهای تخصصی بازار استوار باشد.

- فراهم آوردن زمینه‌های اجرایی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در پژوهش، لازم است واحدهای تحقیق و توسعه در صنایع بخش خصوصی تقویت شوند و در ارتباط نزدیک با تولید قرار گیرند.

- حمایت از پژوهشهای توسعه‌ای موفق در واحدهای تحقیق و توسعه صنایع در جهت کمک به افزایش نوآوری در محصولات صنعتی

- بیمه فرایند فعالیتهای پژوهشی سفارشی (دارای متقاضی) به طوری که خسارات وارده به دستگاههای پژوهشی، به ویژه دستگاههای پژوهشی غیر دولتی، ناشی از عدم انجام تعهدات مالی سفارش دهنده، به ویژه دولتی، جبران گردد.

- فراهم کردن زمینه‌های ایجاد دیده‌بان علمی و توسعه فرهنگ ارزیابی نتایج فعالیتهای پژوهشی به کمک نهادهای مستقل علمی به ویژه نهادهای علمی غیر دولتی نظیر انجمنهای علمی
- اصلاح قوانین و مقررات موجود و تنظیم و تصویب قوانین شفاف و مؤثر در امر تحقیقات شامل ضوابط ارتباط مالی بین بخشهای دولتی و خصوصی

توسعه بخش فناوری به عنوان مکمل بخش پژوهش و ارتباط دهنده آن با بخش تولید

- تشویق ایرانیانی که موفق به ثبت جواز علمی Patent در مراجع بین‌المللی می‌شوند.
- تصویب و اجرای قانون مالکیت فکری در کشور به منظور توسعه بازار تحقیقات و امکان انتقال حقوق مالکیت صاحبان افکار و محصولات نو به تولید کنندگان و بهره برداران

- حرفه‌ای کردن پژوهش از طریق اصلاح ساختار مراکز تحقیقاتی و ساماندهی فعالیتهای فناوری در مؤسسات تحقیقات حرفه‌ای و شرکتهای تحقیقاتی و خدمات مهندسی به منظور توسعه بخش فناوری در کشور
- تضمین سرمایه‌گذاری بخش خصوصی توسط دولت برای یک بار، در صورتی که بر نتایج و یافته‌های تحقیقاتی داخلی سرمایه‌گذاری کند، به طوری که هر نوع خسارتی ناشی از اقدام به تولید در مرحله صنعتی در بار اول توسط دولت پرداخت شود.
- ایجاد نهادهای مالی ریسک‌پذیر برای سرمایه‌گذاری در فناوری حاصل از پژوهشهای داخلی
- حمایت مالیاتی از مراکز یا شرکتهای توسعه فناوری
- حمایت مالی از تحقیقات مربوط به تجاری کردن فناوری در پارکها و مراکز رشد فناوری و مراکز تحقیق و توسعه
- طراحی و اجرای نظام مهندسان محقق
- ایجاد و گسترش صندوقهای سرمایه‌گذاری جهت حمایت از طرحهایی که از نتیجه پژوهش به مرحله تولید می‌رسند.

گسترش به‌کارگیری فناوری ارتباطات و اطلاعات

- به‌کارگیری این فناوری موجب ظهور ترتیبات جدیدی در اداره امور کار، تولید، مبادله و آموزش می‌شود. این فناوری همچنین موجب افزایش دانایی نوشته شده و کاهش هزینه‌های انتشار دانایی می‌گردد، بنابر این لازم است گسترش یابد.

هماهنگی سیاستهای اقتصادی با سیاستهای علم و فناوری

- برای جذب نتایج علمی و پژوهشی، شرایط اقتصادی باید به گونه‌ای باشد که رشد و کارآفرینی را تسهیل کند. عواملی مانند تعیین و اعلام زمینه‌های اولویت‌دار سرمایه‌گذاری در کشور، رقابت، باز بودن اقتصاد برای تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی، کارکرد عوامل بازار، حمایت از حقوق مالکیت از جمله مالکیت فکری، و وجود انگیزه‌های اقتصادی برای تبدیل دانایی و مهارت به رشد و توسعه

ضروری است. در این راستا وضع مقررات و مالیاتهای مناسب برای تجارت اطلاعات و دانایی در سطح بین‌الملل و توجه به صنایع دانایی‌بر، به جای صنایع سنتی اهمیت دارد.

- برای افزایش اثربخشی هزینه‌های تحقیق و توسعه و کمک این گونه فعالیتها به رشد اقتصادی، لازم است سرمایه‌گذاری پژوهشی بر اساس اولویتهای سرمایه‌گذاری اقتصادی کشور جهت‌گیری شود.

توجه بیشتر به توسعه علم و فناوری در بخش خصوصی

با توجه به اینکه بخش خصوصی ماهیتاً اقدام به سرمایه‌گذاری در آن زمینه از پروژه‌های پژوهشی می‌نماید که نتایج آن در چرخه اقتصادی کشور وارد شده و به صورت افزایش ارزش افزوده بازتاب می‌یابد، لازم است فعالیت‌های بخش خصوصی در حوزه علم و فناوری تقویت شود.

ب-۱: گزینه روند موجود و مطلوب توسعه انسانی

چشم‌انداز بخش در صورتی مطلوب است که ایران بتواند در افق سال ۱۳۹۴ خود را به سطح کشورهای توسعه‌یافته انسانی سطح بالا ارتقا دهد. توسعه انسانی سطح بالا در حال حاضر وضعیتی قلمداد می‌شود که در آن، مجموع اجزای تشکیل دهنده شاخص توسعه انسانی بالاتر از (۸۰٪) باشد. به بیان دیگر، مجموعه امکانات و رفاه مادی و معنوی در سال ۱۳۹۴ باید به وجود آورنده شرایط مطلوبی باشد. بر اساس برآوردهای جمعیتی در سالهای (۹۵-۱۳۹۰) امید به زندگی به ۷۴/۵ سال افزایش می‌یابد. با این رقم شاخص امید به زندگی به ۰/۸۲۵ افزایش می‌یابد. چنانچه شاخص ثبت نام ناخالص کلیه مقاطع تحصیلی از ۰/۷۳۹ در سال ۱۳۸۰ به ۰/۸۲۵ در سال ۱۳۹۴ افزایش یابد، که این فرض بر اساس شواهد موجود با احتمال بالایی محقق خواهد شد، در آن صورت شاخص درآمدی بایستی به ۰/۷۸۳ افزایش پیدا کند. در حال حاضر مقدار این شاخص ۰/۶۸ می‌باشد و رشد سالانه این شاخص معادل ۱/۱ برای رسیدن به هدف فوق می‌باشد.

نکته بسیار مهمی که در تحول شاخص توسعه انسانی نقش عمده‌ای دارد و امروزه در قالب نظریه‌های جدید رشد اقتصادی مورد تأکید سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی قرار می‌گیرد، استفاده از سرمایه انسانی در فرایند تولید کالا و خدمات است. این عامل، هم راندمان تولید را افزایش می‌دهد، و هم

از طریق خلاقیت و نوآوری تأثیری دو چندان بر تولید و درآمد به جا می‌گذارد. بر اساس آخرین برآوردها در حال حاضر متوسط میانگین سالهای تحصیل در ایران در سال ۱۳۷۵ برای افراد ۱۵ سال به بالا ۵/۶ سال و میانگین تحصیل افراد ۲۵ سال به بالا ۴/۶ سال می‌باشد. این شاخص نشان می‌دهد که به دلیل موانع ساختاری و جمعیتی و محرومیتها، این شاخص هنوز فاصله زیادی با کشورهای جهان دارد. این شاخص تحولات اساسی را در حوزه‌های مختلف تصمیم‌گیری ایجاب می‌کند و تأثیری شگرف بر انباشت سرمایه انسانی و بهبود شاخص توسعه انسانی به جا می‌گذارد.

جدول شماره ۲۲- پیش‌بینی روند شاخص توسعه انسانی

سال	روند موجود شاخص توسعه انسانی	روند مطلوب شاخص توسعه انسانی
۱۳۸۱	۰/۷۳۰	۰/۷۳۱
۱۳۸۵	۰/۷۴۳	۰/۷۵۴
۱۳۹۰	۰/۷۶۱	۰/۷۸۵
۱۳۹۴	۰/۷۷۶	۰/۸۱۱

ب-۲: خطوط راهبردی توسعه انسانی

- بهبود شاخصهای آموزش از طریق ایجاد تسهیلات لازم جهت بالا بردن نرخ ثبت نام در مقاطع مختلف تحصیلی در تمام نقاط کشور با توجه به نیازهای بازار کار و اتخاذ سیاستهای مناسب جهت تقویت و گسترش فعالیتهای مربوط به آموزش بزرگسالان
- بهبود شاخص توسعه انسانی تعدیل یافته بر اساس توزیع درآمد، با هدف دسترسی طبقات متوسط و پایین درآمدی به فرصتها و منابع اقتصادی، به ویژه از طریق ارائه تسهیلات برای مشارکت این طبقات در اداره‌ی واحدهای تولیدی کوچک و متوسط در فرایند خصوصی‌سازی
- کاهش فقر انسانی از طریق کاهش فقر درآمدی، توسط ایجاد فرصتهای شغلی برای گروههای فقیر و تداوم پرداخت یارانه‌های آموزشی و بهداشتی

- ارتقای وضعیت توسعه انسانی زنان از طریق برطرف ساختن موانع فرهنگی، حقوقی، اقتصادی و مشارکت آنان در عرصه‌های مدیریتی در سطوح سیاسی، اجتماعی، علمی و فنی
- کاهش پراکندگی توسعه انسانی از طریق اولویت تخصیص منابع و امکانات اقتصادی به نفع استانهای با توسعه انسانی پایین‌تر به ویژه از طریق ایجاد فرصتهای شغلی مناسب در مناطق محروم و انجام سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی
- افزایش نرخ باسوادی زنان در مناطق محروم از طریق فرهنگ‌سازی و ایجاد الگوهای مناسب
- ایجاد شرایط برابر جهت دسترسی به فرصتها در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی
- گسترش بسط انتخابهای انسانی از طریق مشارکت بیشتر در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی
- تقویت چتر حمایت اجتماعی در مفهوم وسیع آن، جهت مبارزه با فقر
- گسترش بازارهای رقابتی و جلوگیری از تشکیل انحصارات، جهت دسترسی به فرصتهای برابر سرمایه‌گذاری، تولید و تجارت در عرصه‌های اقتصادی

ج-۱: گزینه ادامه روند موجود و مطلوب فناوری اطلاعات و ارتباطات

بر اساس روند موجود، نرخ رشد ارتباطات در اقتصاد ایران چشم‌گیر است و در دهه گذشته از نرخ رشد بالایی برخوردار بوده است. با توجه به اینکه نرخ رشد جمعیت حدود (۱/۵٪) و نرخ رشد تلفنهای دایر شده در پنج سال گذشته ۲۰/۳۰ و نرخ رشد ضریب نفوذ تلفن در ده سال اخیر (۱۴/۶٪) می‌باشد، پیش‌بینی می‌شود در وضعیت موجود، ضریب نفوذ تلفن در سال ۱۳۸۵، (۳۲٪)، در سال ۱۳۸۸، (۴۶٪) و در سال ۱۳۹۴، (۹۶/۹٪) شود.

با نرخهای رشد موجود تعداد تلفن در سال ۱۳۹۴، معادل ۷۶/۴ میلیون و جمعیت حدود ۷۸/۸ میلیون نفر خواهد بود.

در گزینه مطلوب، اصلاحات ساختاری و کاهش هزینه ارتباطات و اطلاعات و بهبود کیفیت خدمات‌رسانی در اولویت است.

۱- دستیابی به سرانه روزنامه ۹۶ (سطح فعلی جهان) در افق چشم‌انداز برنامه

- ۲- گسترش خدمات‌رسانی اینترنت از ۳۳ در هزار فعلی به ۳۵۰ در هزار در سال ۱۳۹۴ معادل سطح فعلی خدمت اینترنتی کشورهای توسعه یافته
- ۳- افزایش تعداد تلویزیون از ۱۶۳ در هزار در سال ۱۳۷۹ به ۵۷۰ در هزار در سال ۱۳۹۴

ج-۲: خطوط راهبردی فناوری اطلاعات و ارتباطات

- ۱- خصوصی‌سازی فعالیتهای مخابراتی، جهت ایجاد رقابت، توسعه خدمات سیار و جهانی شدن
- ۲- گسترش خدمات اینترنت، موبایل، کارتهای تلفن و سایر خدمات بین‌المللی
- ۳- ارتقای کیفیت خدمات ارتباطات از طریق تنظیم و اجرای قوانین و مقررات
- ۴- کاهش نقش دولت در صنعت ارتباطات
- ۵- بهبود سازماندهی اجرایی ارتباطات و حضور مؤثر در ارائه‌ی خدمات بازارهای جهانی

جدول شماره ۲۳- گزینه مطلوب دسترسی به ارتباطات و اطلاعات در افق چشم‌انداز

سال	ضریب نفوذ تلفن ثابت	ضریب نفوذ تلفن همراه	ضریب نفوذ کل	دسترسی به تلویزیون در هر ۱۰۰۰ نفر	دسترسی به اینترنت در هر ۱۰۰۰ نفر	سرانه روزنامه در ۱۰۰۰ نفر
۱۳۸۴	۲۹	۹	۳۸	۱۹۰	۶۰	۴۵
۱۳۸۵	۳۵	۱۲	۴۶	۲۱۵	۹۰	۵۰
۱۳۹۰	۸۱	۴۰	۱۲۱	۳۵۰	۲۴۰	۷۵
۱۳۹۴	۱۶۳	۱۳۰	۲۶۶	۵۷۰	۳۵۰	۱۱۵

تصویر کلان اقتصادی،

اجتماعی و فرهنگی

(گزینه مطلوب)

◀◀ مقدمه

چشم‌انداز، ارائه‌ی تصویری از آینده مطلوب است، آینده‌ای که از نظر مدیران ارشد، طراحان و مجریان کلان کشور، می‌تواند از لحاظ زمانی بلندمدت باشد و نتایج حاصله از آن باید مثبت و متناسب با امکانات، قابلیت‌ها و منابع، قابل اجرا و عملی باشد.

در متن حاضر، بر اساس روندهای گذشته متغیرهای کلان کشور و در مقایسه با شاخصهای برخی از کشورهای نواحی، نقاط قوت و ضعف اقتصاد کشور مورد شناسایی، و سپس در یک بررسی مرتبط، هماهنگ و سازگار، رشد و توسعه آینده کشور در قالب متغیرهای مذکور هدف‌گذاری شده است. در این هدف‌گذاری، امکانات و محدودیتهای کشور مورد سنجش قرار گرفته است و تصویری از آینده مطلوب ارائه شده است که دسترسی به آن، مستلزم عزم ملی و تلاش تمامی آحاد کشور خواهد بود. رسیدن به این اهداف با وجودی که بسیار مشکل به نظر می‌آید، لیکن تجربه سایر کشورهایی که این مسیر را پیموده‌اند، ثابت می‌کند که قابل حصول می‌باشد. داشتن راهبردهای مشخص و اتخاذ سیاستهای کلیدی متناظر با آن، راه رسیدن به این اهداف را هموار می‌سازد و به این جهت است که در هر بخش از این مطالعه، تدابیر و راهبردهای مناسب برای وصول به هدفهای ارائه شده در این گزارش، مطرح شده است. این گزارش، ماحصل و چکیده مطالعات دیگری است که به گونه‌ای تفصیلی، موضوعات را در قالب عملکرد گذشته، تبیین وضع موجود حوزه‌های کلان (ویژگی‌های کنونی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی)، تصویر آینده کلان و شناخت چالشها، مورد بررسی قرار داده است، که این مدارک به عنوان اسناد پشتیبان می‌تواند در امر متقاعدسازی مورد استفاده قرار گیرد.

◀◀ فصل اول: جمعیت

◀ چشم‌انداز آینده

طی سالهای (۹۴-۱۳۸۰)، حدود ۱۳/۶ میلیون نفر بر شمار جمعیت کشور افزوده می‌شود، در نتیجه این امر، جمعیت کشور در فاصله زمانی مذکور، از ۶۴/۶ میلیون نفر به ۷۸/۲ میلیون نفر ازدیاد می‌یابد.

متوسط نرخ رشد جمعیت کشور، به هیچ وجه از حدود یک و سی و هفت صدم درصد (۱/۳۷٪) در سال فراتر نمی‌رود و چه بسا اگر خروج شمار وسیعی از پناهجویان افغانی و عراقی از ایران قطعی گردد، افزایش جمعیت با آهنگ رشدی حتی کمتر از حد مذکور، نصیب کشور شود. این تعداد افزایش که متوسط شمار آن از حدود ۹۷۰ هزار نفر در سال فراتر نمی‌رود، به ظاهر نمی‌تواند و نمی‌باید چندان مسائل و مشکلاتی را فراروی اهداف و نیات توسعه ملی ایجاد کند.

جدول شماره ۱- تحول جمعیت به تفکیک جنس (۱۳۸۰-۹۴)

جمعیت به هزار نفر

متوسط نرخ رشد سالانه (درصد)	افزایش خالص	۱۳۹۴	۱۳۸۰	جنس
۱/۳۷	۱۳۵۹۰	۷۸۱۷۴	۶۴۵۸۴	مرد و زن
۱/۳۵	۶۷۸۴	۳۹۵۶۱	۳۲۷۷۷	مرد
۱/۳۹	۶۸۰۶	۳۸۶۱۳	۳۱۸۰۷	زن

جدول شماره ۲- تحول جمعیت به تفکیک شهر و روستا

جمعیت به هزار نفر

متوسط نرخ رشد سالانه (درصد)	افزایش خالص	۱۳۹۴	۱۳۸۰	حوزه زیست
۱/۳۷	۱۳۵۹۰	۷۸۱۷۴	۶۴۵۸۴	شهر و روستا
۲/۱۴	۱۴۴۰۷	۵۶۱۲۹	۴۱۷۲۲	شهر
-۰/۲۶	-۸۱۷	۲۲۰۴۵	۲۲۸۶۲	روستا

۱- الگو و نظام استقرار

۱-۱- تراکم جمعیت

میزان تراکم یا فشردگی جمعیت که در سال ۱۳۸۰ معادل ۴۰ نفر بود، تا سال ۱۳۹۴ به حدود ۴۸ نفر ارتقا می‌یابد. گرچه با وجود این تحول نسبی، هنوز هم تراکم جمعیت ایران، در قیاس با تراکم جمعیت جهان (۴۶ نفر در سال ۲۰۰۰) و قاره آسیا (۱۰۸ نفر در سال ۲۰۰۰)، رقم نازلی است، اما ماهیت بیابانی و نیمه‌بیابانی عرصه‌های وسیعی از فلات مرکزی، جنوب شرقی و جنوب ایران، باعث خواهد شد اضافه بار تراکمی جمعیت به گونه متعادل و موزون در پهنه سرزمین ایران توزیع نشود و همچون گذشته، تحمیل مناطق و محدوده‌هایی شود که از شرایط آب و هوایی نسبتاً مساعدتر و سازوکارهای اقتصادی کارآمدتری برخوردارند.

۱-۲- حرکت‌های مهاجرتی و روند شدید شهرگرایی و شهرنشینی

جمعیت شهرنشین با آهنگ رشدی به میزان دو و چهارده درصد (۲/۱۴٪) در سال، از ۴۱/۷ میلیون نفر در سال ۱۳۸۰، به ۵۶/۱ میلیون نفر تا سال ۱۳۹۴ ازدیاد خواهد یافت، در حالی که طی همین مدت در مناطق روستایی، بر اثر عامل مهاجرتی، تبدیل برخی از نقاط روستایی به شهر و یا استحاله شدن در توسعه کالبدی شهرهای پیرامونی و از دست دادن حتی تعدادی از جمعیت فعلی، رشد منفی بیست و شش درصد (۰/۲۶٪) در سال حاصل خواهد داشت و جمعیت آنها از حدود ۲۲/۹ میلیون نفر، به ۲۲/۰ میلیون نفر کاهش خواهد یافت. طی مدت مذکور و به موازات این فعل و انفعالات، ضریب شهرنشینی جمعیت کشور نیز از شصت و چهار و شش دهم درصد (۶۴/۶٪) به هفتاد و یک و نه دهم درصد (۷۱/۹٪) ازدیاد خواهد یافت و در برخی از استانهای کشور، مثل تهران و قم، به حد اشباع خواهد رسید.

به این ترتیب، علاوه بر ۱۳/۶ میلیون نفر ازدیاد جمعیت طی سالهای (۹۴-۱۳۸۰) کشور، حدود ۹۰۰ هزار نفر، که حاصل قدر مطلق جمعیت روستایی است، جملگی به جامعه شهرنشین کشور تحمیل می‌شود.

۱-۳- کلان شهرها

جریان پایدار مهاجرتی معطوف به شهرهای بزرگ، زمینه‌ساز تمرکز بیشتری از جمعیت شهرنشین، در این گونه شهرها می‌شود. ضریب تمرکز جمعیت شهرنشین در شهرهای تهران، مشهد، اصفهان، تبریز، شیراز، اهواز، قم و کرمانشاه که در سال ۱۳۷۵ معادل چهل و دو درصد (۴۲٪) بود و تا سال ۱۳۸۰ به بیش از چهل و سه درصد (۴۳٪) افزایش یافته، رو به ازدیاد می‌گذارد و حداقل چهل و هفت و دو دهم درصد (۴۷/۲٪) از کل جمعیت شهرنشین کشور در سال ۱۳۹۴ را (۲۶/۵ میلیون نفر) در بر می‌گیرد.

۱-۴- حاشیه‌نشینی

نتیجه قهری گزینشی بودن مکانگیری مهاجران و استقرار آنها در محدوده‌های پیرامون شهرهای بزرگ، گسترده‌تر شدن پدیده حاشیه‌نشینی و سپس توسعه کالبدی سریع‌تر کلان‌شهرها و شهرهای پیرامونی است که به دنبال خود، هزینه‌های اجتماعی و امنیتی زیادتری را تحمیل منابع بودجه‌ای کشور خواهد کرد.

از آنجا که به دلیل ناپایداریهای شغلی و درآمد، حاشیه‌نشینی در بین جوامع مهاجر رایج‌تر، و به دلیل فقر و درماندگی، هنجارشکنی و بزهکاری در بین حاشیه‌نشینان بیشتر است، با گسترده‌تر شدن حاشیه‌نشینی، ممکن است تنشها و تعارضهای اجتماعی بیشتری در حوزه‌های زیست کلان‌شهرهای کشور بروز کند.

۲- تغییر و تحولات ساختاری جمعیت

۲-۱- ساختارهای سنی

در حالی که شمار و نسبت جمعیت زیر ۱۵ سال کشور، از ۲۰/۶ میلیون نفر [سی و یک و نه دهم درصد (۳۱/۹٪)] در سال ۱۳۸۰، به ۱۸/۶ میلیون [بیست و شش و یک دهم درصد (۲۶/۱٪)] و ۱۹/۶ میلیون نفر [بیست و پنج درصد (۲۵٪)] در سالهای ۱۳۸۷ و ۱۳۹۴ کاهش خواهد یافت، نرخ وابستگی اطفال، کودکان و نوجوانان (زیر ۱۵ سال) و جمعیت بالای ۶۵ سال به جمعیت بالقوه مولد (۶۴-۱۵ سال) به طور همزمان از پنجاه و هفت و نه دهم درصد (۵۷/۹٪) به چهل و چهار و چهار دهم درصد (۴۴/۴٪)

و چهل و سه درصد (۴۳٪) تنزل خواهد یافت، از این رو، فرصتهای مناسبی در جهت ارتقای توان پس‌انداز و افزایش سرمایه‌گذاری در کشور، فراهم خواهد شد.

جدول شماره ۳- تحولات ساختاری جمعیت (۹۴-۱۳۸۰)

(جمعیت به هزار نفر)

۱۳۹۴		۱۳۸۷		۱۳۸۰		طیفهای سنی
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۲۵/۰	۱۹۵۵۱	۲۶/۱	۱۸۶۲۲	۳۱/۹	۲۰۶۲۹	زیر ۱۵ سال
۶۹/۹	۵۴۶۶۴	۶۹/۲	۴۹۴۳۸	۶۳/۳	۴۰۸۹۰	۱۵-۶۴
۲۶/۹	۲۱۰۳۶	۳۴/۴	۲۴۵۳۳	-/۳۳	۲۱۳۱۱	۱۵-۲۹
۱۹/۳	۱۵۱۲۲	۲۴/۴	۱۷۰۴۷	۱۹/۰	۱۲۲۶۳	۲۰-۲۹
۲۵/۷	۲۰۱۱۰	۲۰/۸	۱۴۸۶۵	۱۸/۸	۱۲۱۴۰	۳۰-۴۴
۱۷/۳	۱۳۲۵۷	۱۴/۰	۱۰۰۴۰	۱۱/۵	۷۴۲۹	۴۵-۶۴
۵/۱	۳۹۵۹	۴/۷	۳۳۳۴	۴/۷	۳۰۶۵	۶۵ سال و بیشتر
۱۰۰	۷۸۱۷۴	۱۰۰	۷۱۳۹۴	۱۰۰/۰	۶۴۵۸۴	کل

جدول شماره ۴- برخی از مشخصه‌های ساختاری جمعیت (۹۴-۱۳۸۰)

۱۳۹۴	۱۳۸۷	۱۳۸۰	مشخصه‌ها
۲۵/۰	۲۶/۱	۳۱/۹	ضریب جوانی (درصد)
۴۳/۰	۴۴/۴	۵۷/۹	نرخ وابستگی (درصد)
۸/۰	۶/۷	۶/۷	ضریب سالمندی [۶۰ ساله و بیشتر (درصد)]
۵۸/۴	۶۰/۲	۵۶/۵	نسبت زنان ۱۵-۴۹ ساله (درصد)
۶۲۵۵	۴۸۱۳	۴۳۳۳	شمار سالمندان [۶۰ ساله و بیشتر (هزار نفر)]
۲۲۵۳۱	۲۱۲۱۶	۱۷۹۶۰	شمار زنان بالقوه بارور (هزار نفر)

شمار و نسبت جمعیت بالقوه فعال (۶۴-۱۵ سال) به سرعت افزایش می‌یابد، به گونه‌ای که در فاصله سالهای (۹۴-۱۳۸۰)، با افزایش خالص ۱۳/۸ میلیون نفری (یعنی حتی اندکی بیش از کل افزایش جمعیت این برهه کشور) تعداد آن از ۴۰/۹ میلیون نفر، به ۵۴/۷ میلیون نفر خواهد رسید.

۳- خلاصه تصویری از ویژگی‌های راهبردی جمعیت ایران، طی سالهای (۹۴-۱۳۸۰)

بر مبنای آنچه که مورد تبیین قرار گرفت، تغییراتی به شرح زیر در جمعیت کشور، به وقوع خواهد پیوست.

- کاهش ضریب جوانی جمعیت (نسبت جمعیت زیر ۱۵ سال به کل)
- کاهش نرخ وابستگی یا بار تکفل نظری جمعیت (نسبت مجموع جمعیت زیر ۱۵ سال و بالای ۶۵ سال به جمعیت ۶۴-۱۵ سال)
- کاهش شمار نسبت جمعیت لازم‌التعلیم، در مقاطع آموزشهای ابتدایی و راهنمایی و گسترش شمار و نسبت جمعیت در مقاطع آموزشهای دبیرستانی و عالی
- افزایش جمعیت جوان (۲۹-۱۵) در سالهای (۸۷-۱۳۸۰) و سپس کاهش آن
- افزایش شمار و نسبت سالمندان
- تشدید روند شهرنشینی
- تشدید روند تمرکزگرایی جمعیت، به ویژه به سوی کلانشهرها و قطبهای توسعه برخوردار

۴- پیامدها و الزامها

- کاهش نسبت ابعاد مصرفی خانوار، ناشی از تقلیل نسبی اطفال، کودکان و نوجوانان
- افزوده شدن بر توان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، ناشی از کاهش نرخ وابستگی
- لزوم ایجاد تغییرهای ساختاری در آموزش، به سود آموزشهای دبیرستانی و عالی
- لزوم استفاده بهینه از ظرفیتهای بالقوه تولیدی، در جهت بسط و توسعه اشتغال
- لزوم توجه به تخصص بهینه و متعادل منابع فیزیکی، به منظور نیل به توسعه همگن در مناطق مختلف جغرافیایی

- لزوم توجه به کاهش نابرابری‌های درآمدی موجود بین اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی و در نهایت تسریع در آهنگ رشد و تجدید بنای اقتصادی، از طریق اتخاذ سازوکارهایی که زمینه‌ساز پویایی نیروهای اجتماعی توسعه و بهبود بازده اجتماعی کارها و فعالیتها شود.

◀ فصل دوم: رشد اقتصادی

◀ چشم‌انداز مطلوب رشد اقتصادی

تأکید بر توسعه و اصلاح ساختار اقتصاد ایران، پس از پایان جنگ تحمیلی مطرح شده و حاصل آن، توفیق نسبی در بعضی از امور بوده است. با وجود این، کشور ما هنوز برای رسیدن به یک وضع مطلوب و اقتصادی متنوع، متوازن و دارای یک بخش صنعتی قوام یافته و با پایه گسترده، یک بخش کشاورزی امروزی و بالغ، و یک بخش خدمات کارآمد و مولد، قدم‌های قابل ملاحظه برداشته و کماکان در حاشیه اقتصاد متحول جهان امروز مانده است. کشور ما در آستانه برنامه چهارم توسعه، بر سر یک دو راهی اقتصادی قرار دارد. یکی از این دو راه، ادامه روال گذشته می‌باشد، که در این صورت نمی‌تواند به ایجاد درآمد و کیفیت زندگی مطلوب و کافی برای کشور بینجامد. راه دوم، اصلاح خط‌مشی‌های کنونی و اتخاذ سیاست‌های نوین اقتصادی است که به تضمین اشتغال، درآمد و کیفیت زندگی بالا، ارتقای جایگاه اقتصادی کشور در سطح منطقه و احراز یک هویت اقتصادی مناسب در عرصه بین‌المللی می‌انجامد. بر این اساس، برای تغییر روندهای نامطلوب اقتصادی و رسیدن به حداکثر بهره‌وری و حداقل بیکاری، متغیرهای مختلف رشد اقتصادی مورد انتظار، برای دوره منتهی به سال ۱۳۹۴ در جدول ذیل در دو سناریو آمده است.

جدول شماره ۵- گزینه‌های مطلوب رشد طی دوره (۹۴-۱۳۸۴)

عنوان	رشد سریع (درصد)	رشد متعادل (درصد)
متوسط سالانه رشد اقتصادی	۸/۶	۷
متوسط سالانه رشد بهره‌وری	۴/۴	۳/۵
متوسط سالانه رشد تولید سرانه	۷/۲	۵/۶
نرخ بیکاری در سال افق	۷	۱۲/۱

شایان ذکر است، متوسط رشد سالانه بهره‌وری طی سه دهه گذشته، معادل (۲/۲٪) بوده است که در گزینه رشد سریع، فرض شده است به دو برابر، (۴/۴٪) افزایش یابد.

از این رو، جهت‌گیری اقتصاد کشور برای رسیدن به اهداف رشد و اشتغال، بر اساس تجربه کشورهای تازه صنعتی شده، باید در جهت صنعتی شدن باشد. به این منظور باید از سهم بخش کشاورزی و نفت و گاز کاسته و به سهم بخش صنایع و معادن و خدمات افزوده گردد. بنابر این، رشد ارزش افزوده بخشهای مختلف اقتصادی بر حسب گزینه‌های نرخ رشد سریع و متعادل در دوره (۹۴-۱۳۸۴)، در جدول شماره ۶ آمده است.

جدول شماره ۶- رشد ارزش افزوده بخشهای اقتصادی در دوره (۹۴-۱۳۸۴) بر حسب گزینه‌های رشد اقتصادی

عنوان	رشد سریع	رشد متعادل
	رشد متوسط سالانه ارزش افزوده (درصد)	رشد متوسط سالانه ارزش افزوده (درصد)
کشاورزی	۴/۹	۴/۹
صنایع و معادن	۱۱/۶	۱۰/۷
صنعت	۱۴	۱۲
نفت و گاز	۲/۱	۲/۱
خدمات	۹/۵	۷

راهنمای تحقق گزینه‌های مطلوب

- رقابت‌پذیری فعالیتهای اقتصادی، از طریق هم‌پیوندی با اقتصاد جهانی و اصلاح ساختار سیستمهای تولیدی، پولی و مالی
- کاهش قلمرو فعالیتها و دخالتهای دولت
- ایجاد زمینه‌های مناسب جهت جذب سرمایه‌گذاری، با استفاده کارآمد از سیاست فعال خارجی و فرصتهای بین‌المللی و تصحیح مکانیزم انتقال پس‌انداز به سرمایه‌گذاری

- توجه به دانش و نوآوری به عنوان محرک رشد پایدار اقتصادی و ارتقای بهره‌وری در سطح بنگاه و کل اقتصاد
- ایجاد شرایط و فضای مناسب با کاهش درگیریهای داخلی و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری جهت افزایش سرمایه خصوصی
- اصلاحات سیاسی و اجتماعی، تقویت نهادهای مدنی، ایجاد ثبات در قوانین و مقررات کشور و اصلاح سیستم مدیریتی و اداری کشور در راستای افزایش کارایی و تسریع در انجام امور
- ارتقای سرمایه اجتماعی و انسانی، به عنوان منبع ارزش اقتصادی
- ارتقای فناوری اطلاعات در شریانهای اقتصادی کشور، به عنوان منبع مزیت رقابتی

◀ فصل سوم: سرمایه‌گذاری

◀ چشم‌انداز آینده

گزینه‌های مطلوب

با جمع‌بندی کلی نتایج بررسی نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی کشورهایی همچون مالزی و کره جنوبی، که طی دوره‌ای از نرخهای رشد بالایی برخوردار بوده‌اند، می‌توان نسبت مذکور را برای وضعیت مطلوب ایران، معادل (۳۷٪) در نظر گرفت. بر اساس نرخ رشد مطلوب (۸/۶٪) تولید ناخالص داخلی و فرض نسبت (۳۷٪) سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی، متوسط نرخ رشد سالانه سرمایه‌گذاری، (۱۰/۹٪) برآورد می‌شود، و با نرخ رشد متعادل (۷٪) تولید ناخالص داخلی، و فرض نسبت (۳۷٪) سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی، متوسط نرخ رشد سالانه سرمایه‌گذاری (۹/۳٪) برآورد می‌شود.

جدول شماره ۷- رشد و سهم سرمایه‌گذاری ناخالص بخشهای خصوصی و دولتی در دوره (۹۴-۱۳۸۴) (درصد)

سرمایه‌گذاری دولتی		سرمایه‌گذاری خصوصی		سرمایه‌گذاری کل	رشد تولید ناخالص داخلی
سهم از کل (۱۳۹۴)	متوسط رشد طی دوره	سهم از کل (۱۳۹۴)	متوسط رشد طی دوره	متوسط رشد طی دوره	
۲۷	۲/۵	۷۳	۱۵	۱۰/۹	گزینه هشت و شش دهم درصدی (۸/۶٪)
۲۷	۲/۱	۷۳	۱۲/۸	۹/۳	گزینه هفت درصدی (۷٪)

جدول شماره ۸- رشد و سهم پس‌انداز ناخالص در دوره (۹۴-۱۳۸۴) (درصد)

نسبت پس‌انداز به GDP	رشد پس‌انداز ناخالص	گزینه رشد تولید ناخالص داخلی واقعی
۳۵	۱۳/۵	۸/۶
۳۵	۱۰/۹۸	۷

خطوط راهبردی

کاملاً مشخص است که دستیابی به رشدهای مطلوب فوق‌الذکر برای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، با حفظ ساختارهای موجود، تقریباً غیر ممکن است. لذا رسیدن به رشدهای مذکور، مستلزم شرایط اولیه‌ای است که در زیر، به تعدادی از آنها اشاره شده است.

- مساعدسازی فضای سرمایه‌گذاری، به لحاظ ثبات سیاسی و اقتصادی، نظیر کاهش تنش بین گروههای سیاسی، بهبود روابط خارجی، کنترل نرخ تورم، کنترل نوسانات شدید نرخ ارز و کاهش شاخص ریسک کشور جهت جذب سرمایه‌گذاری خارجی
- بهبود بخشیدن به مکانیزمهای انتقال پس‌اندازها به سرمایه‌گذاری‌های مولد، تشویق و ایجاد انگیزه برای مردم به منظور افزایش پس‌انداز
- اتمام پروژه‌های ناتمام فعلی، جهت بهره‌برداری هر چه سریع‌تر از آنها
- بهبود کیفی طرحهای سرمایه‌گذاری و استفاده مطلوب از ظرفیتهای خالی اقتصاد

◀ فصل چهارم: بازار کار

◀ چشم‌انداز آینده

گزینه مطلوب

چشم‌انداز مطلوب، با فرض افزایش نرخ مشارکت نیروی کار به چهل و شش درصد (۴۶٪) (معادل سال ۱۳۴۵) و نرخ بیکاری هفت درصد (۷٪) در سال افق [نرخ بیکاری هفت درصد (۷٪) بر اساس مطالعات انجام شده برای ایران، نرخ است که در آن حد و نرخ تورم، غیر شتابنده است]، تدوین شده است (جدول شماره ۹). بر این اساس، تعداد شاغلان با نرخ رشد چهار و شانزده صدم درصد (۴/۱۶٪) به ۷۸۱۱۲ هزار نفر در سال ۱۳۹۴ افزایش یافته و تعداد بیکاران به ۲۰۹۳ هزار نفر کاهش می‌یابد.

جدول شماره ۹- پیش‌بینی متغیرهای بازار کار بر اساس گزینه مطلوب

متوسط رشد سالانه (درصد)	۱۳۹۴	۱۳۸۴	
۳/۳۴	۲۹۹۰۴۲۱۰	۲۱۵۲۷۶۲۳	جمعیت فعال (نفر)
-۶/۵۶	۷	۱۳/۸	نرخ بیکاری (درصد)
۱/۴۸	۶۵۰۰۹۱۵۳	۵۶۱۲۰۵۱۱	جمعیت ۱۰ سال و بالاتر (نفر)
۱/۸۳	۴۶	۳۸/۳۶	نرخ مشارکت (درصد)
۴/۱۶	۲۷۸۱۰۹۱۶	۱۸۵۵۶۵۱۲	جمعیت شاغل (نفر)
-۳/۴۴	۲۰۹۳۲۹۵	۲۹۷۱۱۱۱	جمعیت بی کار (نفر)
	۹۱۴۱۴۵		متوسط سالانه ایجاد شغل

پیشنهادها و توصیه‌ها

- رفع موانع رشد تولید، فراهم آوردن زمینه‌های مناسب برای استفاده کامل از ظرفیتهای تولیدی، توسعه سرمایه‌گذاری توسط بخش خصوصی و ارتقای کارایی آن از طرق زیر:
 - ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری
 - ایجاد فضای آرام سیاسی در داخل کشور و بهبود روابط خارجی

- شفاف‌سازی و ایجاد ثبات در قوانین و مقررات
- اصلاح قوانین و مقررات ناظر بر بازار کار، جهت تشویق سرمایه‌گذاری و به‌کارگیری تکنولوژی متناسب با مزیت‌های نسبی کشور
- انحصارزدایی و گسترش رقابت، به منظور افزایش کیفیت کالاها و خدمات تولیدی
- مقررات‌زدایی و روان‌سازی قوانین و مقررات در جهت توسعه صادرات غیر نفتی
- اصلاح سیستم اخذ عوارض
- حمایت از استقرار صنایع و فعالیتهای صادراتی
- استفاده از سیاست اعتبار مالیاتی سرمایه‌گذاری
- به‌کارگیری نرخهای استهلاک شتابی یا تصاعدی
- تسهیل مراحل دریافت تسهیلات بانکی
- استفاده بهینه از منابع مالی در اجرای طرحهای عمرانی دولت
- تعیین نرخ سود تسهیلات بانکی، با توجه به نرخ تورم
- سازماندهی نخبگان، در جهت استفاده از ظرفیتهای موجود و تولید کالاها و خدمات جدید
- کاهش هزینه‌های واقعی استفاده از نیروی کار از راههای ذیل:
 - ایجاد انعطاف‌پذیری در بازار کار، از طریق اولویت در اصلاح قانون کار
 - کاهش تعهدات غیر ضروری کارفرما، از طریق اصلاح قانون تأمین اجتماعی
 - تخفیف مالیاتی در خصوص استخدام نیروی کار جدید
 - توسعه کمی و کیفی مراکز کاریابی و مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای، به منظور کاهش هزینه‌های جستجو، انتخاب نیروی کار مناسب و ارتقای کارایی نیروی کار
 - حمایت از ارائه‌ی آموزشهای مهارتی و کاربردی مورد نیاز بازار کار، با تأکید بر افزایش تنوع مهارت‌های هر فرد
 - پرداخت کمک هزینه به واحدهای اقتصادی، جهت آموزش نیروی کار
 - پرداخت وام ارزان قیمت، به آن دسته از بنگاههایی که توجیه اقتصادی داشته و کمبود نقدینگی دارند.

- اصلاح سیستم اخذ عوارض، در مورد عوارضی که برحسب تعداد نیروی کار دریافت می‌شود.
- اجتناب از افزایش دستمزد پایه و حداقل دستمزد، بیش از مقدار تورم
- حمایت از فعالیتهای اشتغالزای تخصص‌بر و مدرن، نظیر بخش ساختمان و خدمات اجتماعی و فرهنگی، و خدمات مربوط به تکنولوژی‌های جدید، مانند تولید نرم‌افزار و فناوری اطلاعات و ارتباطات
- کاهش عدم تعادل‌های بازار کار، با توجه به موارد زیر:
 - برنامه‌ریزی منطقه‌ای، به منظور کاهش عدم تعادل بین بازار کار استانهای کشور
 - برنامه‌ریزی در بازار کار، به منظور کاهش تبعیض جنسیتی و گسترش فعالیتهای شغلی مناسب برای زنان
 - توجه بیشتر به زمینه‌های اشتغالزایی برای جوانان و دانش‌آموختگان آموزش عالی
 - تعیین یک نهاد برنامه‌ریزی نیروی انسانی، به منظور ایجاد انطباق بین نظام آموزشی و نیازهای بازار کار و فراهم نمودن زمینه‌های مناسب، به منظور جلوگیری از فرار مغزها
 - تعیین یک متولی معین برای مدیریت بازار کار و بهبود آن و ارتقای نقش نهادهای مربوطه، نظیر وزارت کار و امور اجتماعی، شورای عالی اشتغال، سازمان تأمین اجتماعی و ...
 - فراهم نمودن زمینه‌های مناسب، برای کاهش یا حذف پدیده چند شغلی و پرکاری، و خارج کردن سالمندان و نوجوانان از بازار کار
 - تشویق کارآفرینان و ترویج فرهنگ کار، از طریق احترام به سرمایه‌گذاران و الگوسازی و معرفی کارفرمایان موفق

◀ فصل پنجم: بودجه عمومی دولت

◀ چشم‌انداز آینده

گزینه مطلوب

در خصوص تأثیر هزینه‌های دولت بر رشد اقتصادی، تفکیک و ارزیابی بهره‌وری اعتبارات هزینه‌ای (جاری) و اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای (عمرانی) حائز اهمیت می‌باشد. نتایج تخمین بهره‌وری اعتبارات هزینه‌ای و سرمایه‌ای، بیانگر آن است که هر دو نوع هزینه دولت در اقتصاد، بهره‌وری مثبت بر رشد تولید ناخالص داخلی به جای می‌گذارد. بر اساس اطلاعات موجود، متوسط سهم دولت از GDP (با معیار نسبت مخارج دولت به GDP) طی دوره ۱۳۶۰ الی ۱۳۸۰، بالغ بر (۲۰/۴۶٪) می‌باشد. نسبت مذکور در سالهای ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰، معادل (۱۸/۷٪) بوده است، که حتی با استفاده از معیارهای بهره‌وری و بازدهی نیز، این نسبت کمتر از میزانی است که در صورت انجام وظایف قانونی، به عهده دولت گذاشته شده است. معمولاً در مباحث نظری، عنصر شایستگی و کارایی دولت از اهمیت بسیار ویژه‌ای برخوردار است، اما باید توجه نمود بدون منابع مالی کافی و مناسب، این هدف هرگز تحقق نخواهد یافت. علاوه بر آن ساختار جمعیت جوان کشور، رفاه و تأمین اجتماعی، آموزش عمومی و آموزش عالی، تأمین اشتغال و مسکن و تأمین نظم و امنیت اجتماعی توسعه، نقش و اهمیت دولت در اقتصاد کشور را در شرایط گذر از دوره بسیار مهم و تاریخی کشور، الزامی می‌سازد.

بر اساس نتایج حاصل از دو سناریو، نسبت هزینه دولت به تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۸۴ و ۱۳۹۴، حداقل باید بین (۲۷/۵٪) و (۲۹/۵٪) باشد تا وضعیت شاخصهای اقتصاد کلان کشور، مطابق گزینه مطلوب شماره ۱ و ۲ بهبود پیدا کند. همچنین سهم درآمدهای مالیاتی از تولید ناخالص داخلی، طی سالهای مذکور در دامنه (۹/۳٪) و (۱۵٪) قرار خواهد گرفت.

سناریوهای اساسی به شرح ذیل است:

۱- نسبت درآمدهای مالیاتهای مستقیم از GDP، ثابت بوده و سهم مالیات ارزش افزوده بر

اساس برآورد پایه مالیاتی طبق مفاد لایحه مالیات ارزش افزوده اندازه‌گیری شده است.

۲- نسبت درآمدهای مالیاتهای مستقیم از GDP، ثابت بوده و سهم مالیات ارزش افزوده بر اساس متوسط همین نسبت، در تمامی کشورهایی که این مالیات جمع‌آوری می‌شود تعیین می‌گردد (جدول شماره ۱۰).

جدول شماره ۱۰- پیش‌بینی شاخصهای کلیدی بخش دولت

نسبت مالیاتهای دولت به GDP ۲	نسبت مالیاتهای دولت به GDP ۱	نسبت هزینه‌های دولت به GDP		سال
		گزینه مطلوب ۲	گزینه مطلوب ۱	
۱۰/۲۵	۹/۳	۲۸/۰۲	۳۱/۵۳	۱۳۸۴
۱۶/۵	۱۵	۲۷/۵	۲۹/۵	۱۳۹۴

خطوط راهبردی

- اتخاذ سیاست مالی فعال و انعطاف‌پذیر، که مناسب شرایط اقتصادی کشور بوده و دستیابی به رشد بالایی اقتصادی و اشتغالزایی را سرلوحه برنامه‌های خود قرار دهد.
- توسعه بخش دولت در سطح مناطق، با عنایت خاص بر منابع تأمین مالی این فعالیتها از طریق مالیات ارزش افزوده، سایر مالیاتها و عوارض محلی
- افزایش درآمدهای مالیاتی، از طریق تدوین و اصلاح قوانین مالیاتها و حذف معافیتها در اشکال متفاوت، به منظور بسط پوشش مالیاتی در جهت نیل به تراز عملیاتی بودجه دولت و تأمین اهداف توزیع درآمدی، از طریق پرداختهای انتقالی و سیاستهای اعطای یارانه به اقشار کم درآمد
- اتخاذ سیاستهای مالی مناسب با شرایط ویژه اقتصاد ایران، در جهت تحقق اهداف کلیدی اقتصاد کلان
- تأمین و تجهیز منابع مالی برای توسعه و گسترش طرحهای اشتغالزا در بخشهای خصوصی و تعاونی، از طریق سیاست مالی انعطاف‌پذیر

- تسریع در مراحل تصویب قانون مالیات ارزش افزوده و توجه خاص به پوشش کامل ابعاد آن و استفاده از تجربه‌های سایر کشورها در این زمینه، به طوری که ضمن افزایش درآمد مالیاتهای غیر مستقیم، به افزایش کارایی اقتصادی کمک کند.
- توسعه پایه مالیاتی، از طریق گسترش درآمدهای مالیاتی در سطح مناطق
- فراهم آوردن زمینه‌های کاهش کسری عملیاتی بودجه عمومی، با استفاده از ظرفیتهای بالقوه مالیاتی و اجرای مفاد ماده (۸۸) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، به گونه‌ای که لطمه‌ای بر تأمین وظایف دولت وارد نسازد.
- تسریع در اجرای ماده (۸۸) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، به منظور تأمین منابع درآمدی تکمیل پروژه‌های مهم و حائز اولویت نیمه تمام (در بخشهای امور زیربنایی، ارتباطات، منابع آب و سایر بخشهای ارجحیت‌دار کشور)
- ساماندهی پروژه‌ها و طرحهای نیمه تمام عمرانی
- تأکید بر ابعاد اشتغالزایی طرحها و پروژه‌های دولتی، از طریق به‌کارگیری و تشویق فناوری ساخت مناسب
- گسترش نقش دولت در ابعاد سیاست‌گذاری، جهت تحقق اهداف اقتصاد کلان از طریق تولید کالاهای عمومی و ارجحیت‌دار (آموزش، بهداشت، رفاه و تأمین اجتماعی) با توجه به ساختار اجتماعی و جمعیت جوان کشور
- تهیه و تدوین بودجه سالانه به صورت عملیاتی
- تهیه و تدوین بودجه سالانه دولت، با توجه به دستورالعمل نظام آمارهای دولت و دستورالعمل شفاف‌سازی بودجه

◀ فصل ششم: شرکتهای دولتی، خصوصی سازی و توسعه بخش خصوصی

◀ چشم انداز آینده

گزینه مطلوب

نتیجه اجرای صحیح برنامه‌های خصوصی سازی، مهندسی مجدد شرکتهای، رفع انحصارات و گسترش رقابت، تعدیل بهینه سازی ساختار دولت، جلب مشارکت بخش خصوصی و ارتقای کارایی فعالیت‌های اقتصادی، شکل گیری شرایط رقابت در بازار خواهد بود. در این صورت، چشم انداز آینده بخش شرکتهای دولتی و نحوه فعالیت بخش خصوصی شامل موارد ذیل خواهد بود:

- ۱- حضور شرکتهای دولتی در حداقل ممکن، و صرفاً در فعالیتهایی که یا در آنها انحصار وجود دارد و یا بخش خصوصی توانایی یا تمایلی برای حضور در آن فعالیت را ندارد.
- ۲- شکل گیری بخش خصوصی کارآفرین، کارآمد، مستقل و پویا که تحت تأثیر اعمال سیاستها و رهنمودهای کلی دولت، به فعالیت خواهد پرداخت.
- ۳- وجود شرایط رقابت در بخشهای دولتی و خصوصی، حذف کلیه استثنائات غیر ضرور متعلق به شرکتهای دولتی
- ۴- وجود نظام تحلیل هزینه - فایده در شرکتهای دولتی و پرداخت هزینه تکالیفی که دولت برای تحقق اهداف غیر اقتصادی و اجتماعی خود به شرکتهای تحمیل می کند.
- ۵- وجود بازارهای متنوع سرمایه برای تأمین منابع مالی بنگاههای اقتصادی (اعم از دولتی و خصوصی)
- ۶- خوداتکایی شرکتهای دولتی و رعایت چارچوب سازمانی و مدیریتی شرکتهای، از سوی مراجع قانونگذاری، اجرایی و نظارتی

خطوط راهبردی

برای بهبود نظام تشکیلات کلان دولت و اصلاح چارچوب سازماندهی شرکتهای دولتی از یک سو، و جلب مشارکت بخشهای غیر دولتی و افزایش سهم بخش خصوصی در اقتصاد، رفع موانع، ایجاد رقابت در فعالیتهای اقتصادی و رفع انحصار از سوی دیگر، سیاستهای ذیل قابل پیشنهاد می‌باشد:

- ۱- رفع موانع حقوقی - قانونی و برقراری انگیزه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برای حضور فعال و مناسب بخش خصوصی در فعالیتهای اقتصادی
- ۲- تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی و ایجاد شرایط لازم برای مشارکت منابع مالی خارجی، برای تسهیل امر خصوصی‌سازی و تقویت بخش خصوصی
- ۳- محدود نمودن شرکتهای دولتی، برای حضور در فعالیتهایی که ماهیتاً دارای انحصار طبیعی است و یا بخشهای غیر دولتی انگیزه و توانایی حضور در آن فعالیت را ندارند. (ممنوعیت ایجاد شرکت دولتی)
- ۴- سازماندهی مجموعه شرکتهای دولتی (به عنوان ابزارهای تصدی‌گری دولت) در چارچوب و سازمان مستقل از دستگاهها و سازمانهای اعمال حاکمیت دولت
- ۵- برقراری نظام شفاف و مناسب تحلیل هزینه - فایده تحقق اهداف اقتصادی و غیر اقتصادی دولت در شرکتهای دولتی، به منظور فراهم آمدن امکان ایجاد نظم منطقی، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در این شرکتها
- ۶- رفع کلیه امتیازها و استثنائات غیر ضرور قانونی، اداری و نظارتی متعلق به شرکتهای دولتی، به منظور شکل‌گیری شرایط رقابت برای شرکتهای دولتی
- ۷- تقویت و گسترش بازار سرمایه
- ۸- پیشگیری ایجاد انحصار و اولویت دادن آن نسبت به مبارزه با انحصار
- ۹- تقویت عوامل و نهادهای اجرایی، سیاست‌گذاری و مدیریت امر خصوصی‌سازی

◀ فصل هفتم: بخش پولی، ارزی و تورم

◀ چشم‌انداز آینده

گزینه مطلوب

طبق نظریه‌های اقتصادی، نرخ مطلوب عرضه پول باید اندکی بالاتر از رشد بالقوه و بلندمدت اقتصادی باشد. بنابر این، اگر عرضه پول با نرخ فعلی رشد کند، افزایش تقاضا ناشی از رشد پول را ایجاد خواهد کرد و علی‌رغم افزایش عرضه پول، سطح عمومی قیمت‌ها طی چند دهه ثابت خواهد بود. با توجه به موارد فوق، حد مطلوب نرخ رشد نقدینگی در کشور، با توجه به گزینه‌های مختلف که برای نرخ رشد اقتصادی در سال‌های آینده، انجام شده است، دو مورد به شرح زیر می‌باشد:

در گزینه اول، که در آن رشد تولید ناخالص داخلی هشت و شش دهم درصد (۸/۶٪) می‌باشد، حد مطلوب رشد نقدینگی شانزده درصد (۱۶٪) پیش‌بینی شده است.

در گزینه دوم که مبتنی بر رشد تولید هفت درصد (۷٪) می‌باشد، حد مطلوب رشد نقدینگی حدود هفده درصد (۱۷٪) می‌باشد. بنابر این با توجه به گزینه‌های مختلف و ملاحظه ساختار اقتصادی کشور، حد مطلوب نقدینگی برای دوره (۹۴-۱۳۸۴) به طور متوسط شانزده تا هفده درصد (۱۶٪-۱۷٪) پیش‌بینی شده است.

در خصوص تورم، اصولاً حد مطلوب تورم باید اندکی بالاتر از صفر درصد باشد، اما این امر به ندرت، به ویژه برای کشورهای نظیر ایران اتفاق می‌افتد. زیرا بخش عظیمی از رشد قیمت‌ها، ناشی از افزایش نقدینگی است و از آنجا که در کشور، نقدینگی رشد بالایی داشته است، در نتیجه امکان رسیدن به حد مطلوب مشکل می‌باشد. به هر حال در بلندمدت، هر گونه رشد نقدینگی بیشتر از رشد بالقوه تولید، به تورم منجر خواهد شد. با ملاحظه نکات مذکور و گزینه‌های مختلف که برای رشد اقتصادی در نظر گرفته شده است، حد مطلوب نرخ تورم، به طور متوسط بین (۵-۸٪) برای دوره (۹۴-۱۳۸۴) پیش‌بینی شده است.

خطوط راهبردی

- تلاش برای دستیابی به تعادل در بازار وجوه (تسهیلات) کشور انجام شود.
- زمینه ایجاد رقابت در بازارهای پولی فراهم شود. در این راستا، صدور مجوزهای تأسیس بانکهای خصوصی ادامه یابد تا زمینه رقابت بین بانکها و مؤسسات مالی غیر بانکی فراهم گردد.
- ساماندهی صندوقهای قرض الحسنه و مؤسسات اعتباری غیر بانکی، در چارچوب نظارت بانک مرکزی
- زمینه‌های لازم برای استفاده از ابزارهای غیر مستقیم سیاستهای پولی فراهم شود.
- کنترل نرخ تورم، به دلیل آثار اقتصادی و اجتماعی آن

◀◀ فصل هشتم: بازار بورس و اوراق مشارکت

◀ چشم‌انداز آینده

اهداف گزینه مطلوب بازار بورس

- در این بازار می‌بایست نوسانهای کوتاه‌مدت قیمت حذف شوند، در نتیجه هزینه‌های معاملاتی به حداقل برسند و کارایی عملیاتی به وجود آید.
- شرکتهای بورس بایستی بتوانند در مورد میزان سرمایه‌گذاری‌ها، قدرت هدایت و تصمیم‌گیری داشته باشند.
- بازار بورس باید به گونه‌ای باشد که در هر مقطع زمانی آن خریداران و فروشندگان وجود داشته باشند. در این صورت استقلال رأی و ارزیابی وجود دارد و حجم معاملات افزایش می‌یابد.
- بازار سرمایه بایستی بتواند شرکتهای کارا و سودآور را، از شرکتهای و پروژه‌های غیر سودآور، تشخیص دهد.
- وجود رقابت در بازار بورس

راهبردهای بازار بورس

- لزوم ایجاد بازار اولیه در بورس سهام
- ارزیابی و خرید و فروش اطلاعات توسط نیروهای مربوطه
- روشهای پردازش الکترونیکی اطلاعات بازار سهام و انتقال اطلاعات، وجود داشته باشد.
- قوانین و مقررات به صورتی باشند که هیچ گونه مشکل و مانعی در انجام معاملات و سرعت آن وجود نداشته باشد.

- در دسترس بودن اطلاعات به صورت شفاف و بدون هیچ هزینه‌ای در بازار بورس
- نهادها و واسطه‌های مالی متنوع همانند بانکهای سرمایه‌گذاری فعال شوند.
- ورود سرمایه‌گذاران خارجی در بازار اوراق بهادار
- استقلال بازار بورس اوراق بهادار از نظام بانکی
- عدم وجود بازار غیر رسمی
- تعیین قیمت پایه اوراق بهادار توسط پذیرهنویسان خصوصی
- وجود بورسهای منطقه‌ای گسترده در سطح کشور، بورسهای بین‌المللی، بورسهای فرعی و بورس کالا

- به روز شدن قانون بورس اوراق بهادار
- استفاده از مناطق آزاد، جهت استفاده از سرمایه‌های خارجی در بورس اوراق بهادار

اهداف گزینه مطلوب اوراق مشارکت

- تعیین و مشخص شدن سود طرحهای مختلف مشمول اوراق مشارکت، متناسب با بازده کل طرحها
- به صورت متغیر و غیر ثابت، به طوری که بر بار مالی دولت و تورم نیفزاید.
- استفاده صحیح از ابزار اوراق مشارکت در جهت تجهیز و تخصیص منابع سرمایه‌ای
- عملکرد صحیح اوراق مشارکت در مقابل رقبای خود، نظیر سهام و سپرده‌های بانکی به طوری که منجر به بروز مشکل در سایر بازارها نگردد.
- مشارکت بخش خصوصی را فراهم نماید.

- منجر به افزایش تورم نگردد.
- فرهنگ استفاده از اوراق مشارکت، به طور صحیح در جامعه جا افتد.

راهبردهای اوراق مشارکت

- انتخاب طرحهای مولد، اشتغالزا، انتفاعی و از همه مهم‌تر با بازدهی سریع برای اوراق مشارکت
- با توجه به درجه‌بندی اوراق از نظر ضمانت و تعهد بازگشت سرمایه خریداران اوراق، ضروری است میان اوراق منتشره بخش دولتی و غیر دولتی تفاوت قائل شود.
- لازم است به منظور ایجاد رقابت سالم و منطقی در بازارهای مالی، تغییراتی را در نرخ سود اوراق مشارکت، نرخ سود سپرده بانکی، هزینه تمام شده اوراق مشارکت و هزینه تمام شده اخذ تسهیلات بانکی، با توجه به ارتباط متقابل بین آنها ایجاد نمود.
- لزوم بازنگری در شرایط اوراق مشارکت طرحهای عمرانی دولت، به منظور مطلوب نمودن شرایط اوراق بخش غیر دولتی
- لزوم استفاده از مؤسسات ملی و اعتباری در کنار بانکها و سازمان بورس اوراق بهادار
- تعیین میزان سرمایه ثابت ناخالص در پایان هر سال و در نظر گرفتن درصدی از آن، به عنوان ملاکی برای تعیین سقف مطلوب انتشار اوراق مشارکت در سال بعد
- یکی از اجزای کنترل پایه پولی، مشخص بودن بدهی سیستم بانکی و به تبع آن کنترل میزان تسهیلات اعطایی سیستم بانکی به بخش غیر دولتی می‌باشد. لذا هر ساله می‌توان با تعیین درصدی از میزان تسهیلات اعطایی پیش‌بینی شده در برنامه پنج ساله، به بخش غیر دولتی، از طریق انتشار اوراق مشارکت، برای تأمین مالی بخش خصوصی اقدام لازم به عمل آورد.
- به منظور تعیین قیمت واقعی اوراق بهادار، می‌بایست اوراق مشارکت نیز بر اساس مکانیزم عرضه و تقاضا در بازار اوراق بهادار تهران، مورد معامله قرار گیرد تا به بازار ثبات بیشتری بدهد.
- آگاهی عمومی جامعه در خصوص اوراق مشارکت بالا رود.
- تعریف صحیح اوراق مشارکت در مقایسه با اوراق قرضه، مشخص شود.

◀ فصل نهم: تجارت خارجی

◀ چشم‌انداز آینده

گزینه مطلوب

خطوط راهبردی

- افزایش جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، حداقل به میزان ۱/۵ میلیارد دلار در سال (متوسط جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی توسط کشورهای در حال توسعه در سال ۲۰۰۰)
- ایفای نقش فعال در روند جهانی شدن از طریق عضویت در سازمان تجارت جهانی
- آزادسازی مالی و تجاری، از طریق گسترش بازارهای مالی، اصلاح قوانین و مقررات ناظر بر فعالیتهای تجاری و فراهم آوردن شرایط مناسب برای ورود سرمایه‌های خارجی
- فراهم ساختن زمینه مناسب برای جلب سرمایه و انتقال تکنولوژی خارجی
- تقویت روابط با دنیای خارج، از طریق عضویت در مجامع و اتحادیه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی
- تسهیل و تسریع در خصوصی‌سازی، لغو انحصارات و فراهم آوردن شرایط مناسب برای مشارکت بخش خصوصی
- افزایش توان کشور در مقابله با شوکهای خارجی
- بسترسازی برای مقابله با خسارتهای احتمالی ناشی از عضویت در سازمان تجارت جهانی
- توجه اساسی به موقعیت ممتاز ایران در ترانزیت کالا به کشورهای آسیای میانه و جذب گردشگران خارجی، به منظور افزایش درآمدهای ارزی کشور
- اتخاذ سیاستهای راهبردی توسعه صادرات و جلب سرمایه‌های خارجی در مناطق آزاد
- تنوع بخشیدن به کالاهای صادراتی، به منظور کاهش تمرکز کالایی و کشوری

◀ فصل دهم: توزیع درآمد

◀ چشم‌انداز آینده

گزینه مطلوب [بر اساس رشد اقتصادی هشت و شش دهم درصدی (۸/۶٪)]

- کاهش ضریب جینی، از ۰/۴۲۸ در سال ۱۳۸۰، به ۰/۳۷ در سال ۱۳۹۴، و متوسط ۰/۳۷۴ برای دوره (۱۳۸۴-۹۴)
- کاهش نسبت دهک بالایی به پایینی، از ۱۹/۴ در سال ۱۳۸۰، به ۱۴ در سال ۱۳۹۴، به قسمی که متوسط آن طی دوره (۱۳۸۴-۹۴) به ۱۴/۳ خواهد رسید.
- کاهش نسبت بیست درصد (۲۰٪) بالایی به بیست درصد (۲۰٪) پایینی از ۹/۹ در سال ۱۳۸۰، به ۷/۱ در سال ۱۳۹۴، به قسمی که متوسط آن طی دوره (۱۳۸۴-۹۴) به ۷/۳ خواهد رسید.

چالشهای اساسی

- ایجاد نظام جامع تأمین و رفاه اجتماعی
- کاهش فقر، بیکاری و نابرابری
- افزایش سرمایه انسانی در اقشار کم درآمد و رفع عدم تعادلهای منطقه‌ای، از طریق متعادل نمودن توزیع امکانات عمومی (فرهنگی، آموزشی و اجتماعی)
- متشکل نمودن سازمانهای حمایتی و امدادی زیر نظر یک مرجع واحد، به منظور حذف فعالیتهای موازی و تمرکز در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی کلان
- اصلاح نظام ناکارآمد و غیر هدفمند یارانه‌ها

خطوط راهبردی

اهم سیاستهای پیشنهادی به منظور مواجهه با مشکلات و چالشهای اساسی در این بخش به شرح ذیل می‌باشد:

- هدفمند نمودن یارانه‌ها به سمت گروههای آسیب‌پذیر و اقشار نیازمند جامعه

- استقرار نظام شناسایی خانوارهای کم درآمد و متوسط (به منظور تسریع در هدفمند شدن یارانه‌ها)
- تبیین شاخصهای کمی و قابل استحصال عدالت اجتماعی، در یک تفاهم عمومی بین مسئولین و سیاستگذاران، و تولید اطلاعات مورد نیاز برای اندازه‌گیری شاخصهای فوق، توسط مراکز تولید اطلاعات (مرکز آمار ایران و بانک مرکزی)
- اصلاح قیمت‌های نسبی، بخصوص قیمت حامل‌های انرژی^۱
- برپایی نظام جامع، فراگیر و کارآمد تأمین اجتماعی، با هدف تأمین رفاه جامعه و پاسخگویی به نیازهای اساسی مردم و تحقق عدالت اجتماعی
- سازماندهی نهادها و دستگاه‌های حمایتی و امدادی دولتی نظیر: سازمان تأمین اجتماعی، کمیته امداد امام خمینی (ره)، سازمان بهزیستی، بنیاد شهید و ... در قالب تشکیلات واحدی در سطح وزارتخانه با عنوان «وزارت رفاه و تأمین اجتماعی»
- تأمین حداقل معیشت مردم و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، حداقل معیشت شامل: بهره‌مندی از بهداشت عمومی، برخورداری از آموزش و پرورش عمومی، داشتن حداقل سرپناه قابل قبول و امنیت غذایی می‌باشد.
- توسعه کارآفرینی و توانمندسازی فقرا و اقشار کم درآمد
- توجه به توسعه مناطق روستایی و محروم کشور، به منظور رفع عدم تعادل‌های منطقه‌ای
- پشتیبانی حقوقی از اقشار ضعیف جامعه، بخصوص زنان شاغل، حقوق‌بگیران بخش خصوصی و شاغلینی که از پایگاه سیاسی - اجتماعی محکمی برخوردار نیستند.
- حذف زمینه‌های مربوط به کسب درآمدهای بادآورده و درآمدهای ناشی از امتیازهای خاص
- ایجاد فرصت‌های برابر اجتماعی برای کسب آموزش و مهارت و دسترسی به سرمایه‌های مالی و فیزیکی از طریق بازارهای مناسب

۱- میزان یارانه حامل‌های انرژی در بودجه مصوب سال ۱۳۸۲، معادل ۱۰۳۸۸۶ میلیارد ریال بوده است که این رقم (۲۶/۳٪)

از کل بودجه عمومی دولت می‌باشد.

- نهادینه کردن امنیت غذا و بهبود تغذیه مردم و ارتقای سلامت جامعه
- ایجاد نظام مالیاتی مناسب و کارا جهت بهبود توزیع درآمدها

جدول شماره ۱۱- نتایج حاصل از گزینه رشد اقتصادی مطلوب

متوسط دوره (۹۴-۱۳۸۴)	۱۳۹۴	۱۳۸۰	موضوع	
			۰/۳۷۴	۰/۳۷
۱۴/۳	۱۴	۱۹/۴	نسبت هزینه دهک ثروتمندترین به دهک فقیرترین	
۳۷	۷/۱	۹/۹	نسبت هزینه (۲۰٪) ثروتمندترین به (۲۰٪) فقیرترین	

◀ فصل یازدهم: بخش علم و فناوری

◀ چشم‌انداز آینده

گزینه مطلوب تحقیق و توسعه

چشم‌انداز مطلوب آینده بخش پژوهش، شرایطی است که به اتکای فعالیتهای تحقیق و توسعه همگام با روند توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور، کارایی و محتوای این فعالیتها و اشاعه دستاوردهای تحقیقاتی افزایش یابد و استفاده از منابع در این بخش، با افزایش کارایی در عرصه عملی فعالیتهای مختلف اقتصادی و اجتماعی همراه باشد. در این گزینه، متوسط سالانه نرخ رشد هزینه‌های تحقیق و توسعه بیست و دو و پنج دهم درصد (۲۲/۵٪) در بخش دولتی و در بخش خصوصی دوازده درصد (۱۲٪) می‌باشد. نرخ رشد مطلوب، با این فرض تهیه شده که ساختارهای اقتصادی و اجتماعی، روندی افزایشی را، با توجه به جهت‌گیریهای علمی در جهان آینده تجربه نمایند.

از دیگر شاخصهایی که بر اساس آن می‌توان وضعیت تولید علم و فناوری را بهبود بخشید، نسبت تعداد محقق در میلیون نفر است که در حال حاضر در ایران ۳۴۰ نفر می‌باشد. در وضعیت مطلوب و در افق ۱۳۹۴، رساندن این شاخص به مرز ۱۵۰۰ نفر می‌تواند گویای تحول در این بخش باشد. در این صورت، تعداد محققین بر اساس جمعیت کشور (حدود ۷۷ میلیون نفر) به ۱۲۰ هزار نفر افزایش خواهد یافت.

جدول شماره ۱۲- پیش‌بینی روند هزینه تحقیق و توسعه به تولید ناخالص داخلی (درصد)

عنوان	۱۳۸۱	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۴
نسبت هزینه تحقیق و توسعه به تولید ناخالص داخلی	۰/۸	۱/۲	۲	۳
نسبت هزینه تحقیق و توسعه به تولید ناخالص داخلی در بخش دولتی	۰/۴۳	۰/۷۵	۱/۲۵	۲
نسبت هزینه تحقیق و توسعه به تولید ناخالص داخلی در بخش خصوصی	۰/۳۷	۰/۵	۰/۷۵	۱

خطوط راهبردی تحقیق و توسعه

افزایش ظرفیتهای کمی و کیفی پژوهشی و مأموریت‌گرا کردن پژوهش

- فراهم آوردن شرایط برای تبدیل دانشگاههای آموزشی به دانشگاههای پژوهشی و کارآفرین و تغییر نقش آنها، از انتقال دانش به ایجاد زمینه‌های ابداع، نوآوری و خلق صنعت. لازم است قابلیت انجام کار به صورت مستقل، از اهداف اصلی دانشگاههای کشور، در راستای آموزش دانشجویان باشد و دانشگاهها بر اساس نیازمندیهای تخصصی بازار، نیروی انسانی تربیت کنند.
- لزوم تقویت واحدهای تحقیق و توسعه صنایع بخش خصوصی و ارتباط نزدیک واحدهای مذکور با تولید، به منظور فراهم آوردن زمینه‌های اجرایی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در پژوهش
- حمایت از پژوهشهای توسعه‌ای موفق در واحدهای تحقیق و توسعه صنایع، جهت کمک به افزایش نوآوری در محصولات صنعتی

- بیمه فرایند فعالیتهای پژوهشی سفارشی (دارای متقاضی) به طوری که خسارتهای وارده به دستگاههای پژوهشی (به ویژه دستگاههای پژوهشی غیر دولتی) ناشی از عدم انجام تعهدات مالی سفارش دهنده (به ویژه دولتی) جبران گردد.
- فراهم کردن زمینههای ایجاد دیده‌بان علمی و توسعه فرهنگ ارزیابی نتایج فعالیتهای پژوهشی، به کمک نهادهای مستقل علمی، به ویژه نهادهای علمی غیر دولتی نظیر انجمنهای علمی
- اصلاح قوانین و مقررات موجود و تنظیم و تصویب قوانین شفاف و مؤثر در امر تحقیقات، شامل ضوابط ارتباط مالی بین بخشهای دولتی و خصوصی

توسعه بخش فناوری به عنوان مکمل بخش پژوهش و ارتباط مستمر آن با بخش تولید

- تشویق ایرانیانی که موفق به ثبت جواز علمی Patent در مراجع بین‌المللی می‌شوند.
- تصویب و اجرای قانون مالکیت فکری در کشور، به منظور توسعه بازار تحقیقات، و امکان انتقال حقوق مالکیت صاحبان افکار و محصولات نو به تولیدکنندگان و بهره‌برداران
- حرفه‌ای کردن پژوهش از طریق اصلاح ساختار مراکز تحقیقاتی و ساماندهی فعالیتهای فناوری در مؤسسات تحقیقات حرفه‌ای و شرکتهای تحقیقاتی و خدمات مهندسی، به منظور توسعه بخش فناوری در کشور
- تضمین سرمایه‌گذاری بخش خصوصی توسط دولت برای یک بار، در صورتی که سرمایه‌گذاری بر اساس نتایج و یافته‌های تحقیقاتی داخلی انجام پذیرد، به طوری که هر نوع خسارتی ناشی از اقدام به تولید در مرحله صنعتی، در بار اول توسط دولت پرداخت شود.
- ایجاد نهادهای مالی ریسک‌پذیر، برای سرمایه‌گذاری در فناوری حاصل از پژوهشهای داخلی
- حمایت مالیاتی از مراکز یا شرکتهای توسعه فناوری
- حمایت مالی از تحقیقات مربوط به تجاری کردن فناوری در پارکها، مراکز رشد فناوری یا مراکز تحقیق و توسعه
- طراحی و اجرای نظام مهندسان محقق

- ایجاد و گسترش صندوق سرمایه‌گذاری جهت حمایت از طرحهایی که از نتیجه پژوهش به مرحله تولید می‌رسند.

گسترش به‌کارگیری فناوری ارتباطات و اطلاعات

- به‌کارگیری این فناوری، موجب ظهور روند جدیدی در اداره امور کار، تولید، مبادله و آموزش، افزایش دانایی نوشته شده و کاهش هزینه‌های انتشار دانایی می‌گردد.

هماهنگی سیاستهای اقتصادی با سیاستهای علم و فناوری

- برای جذب نتایج علمی و پژوهشی، شرایط اقتصادی باید به گونه‌ای باشد که رشد و کارآفرینی را تسهیل کند. عواملی مانند تعیین و اعلام اولویتهای سرمایه‌گذاری، ایجاد فضای رقابتی و گسترش فعالیت بخش خصوصی، گسترش سرمایه‌گذاری خارجی، حمایت از حقوق مالکیت، از جمله مالکیت فکری و وجود انگیزه‌های اقتصادی برای تبدیل دانایی و مهارت به رشد و توسعه، ضروری است. در این راستا، وضع مقررات و مالیاتهای مناسب برای تجارت اطلاعات و دانایی در سطح بین‌الملل و توجه به صنایع دانایی‌بر به جای صنایع سنتی، اهمیت دارد.

- جهت ارتقای اثربخشی هزینه‌های تحقیق و توسعه و کمک به رشد اقتصادی، لازم است سرمایه‌گذاری پژوهشی، بر اساس اولویتهای سرمایه‌گذاری اقتصادی کشور جهت‌گیری شود.

توجه بیشتر به توسعه علم و فناوری در بخش خصوصی

با توجه به این که بخش خصوصی، ماهیتاً اقدام به سرمایه‌گذاری در زمینه‌هایی از پروژه‌های پژوهشی می‌نماید، که نتایج آن در چرخه اقتصادی کشور وارد شده و به صورت افزایش ارزش افزوده بازتاب می‌یابد، لازم است فعالیت‌های بخش خصوصی در حوزه علم و فناوری تقویت شود.

تعیین اولویت رشته‌ای تحقیقات در بخش دولتی

لازم است دولت در چند رشته پایه‌ای، اولویتهای لازم را مشخص و سرمایه‌گذاری نماید.

گزینه روند مطلوب توسعه انسانی

چشم‌انداز مطلوب توسعه انسانی، شرایطی است که ایران، در افق سال ۱۳۹۴، خود را به سطح کشورهای توسعه انسانی سطح بالا ارتقا دهد. در توسعه انسانی سطح بالا، مجموع اجزای تشکیل دهنده شاخص توسعه انسانی، بالاتر از (۸۰٪) باشد. به بیان دیگر، مجموعه امکانات، رفاه مادی و معنوی و سطح کیفیت زندگی در سال ۱۳۹۴، باید به وجود آورنده شرایط مطلوبی باشد. بر اساس برآوردهای جمعیتی، در سال ۱۳۹۴ امید زندگی به ۷۴/۵ سال افزایش می‌یابد. با این رقم، شاخص امید زندگی به ۰/۸۲۵ افزایش می‌یابد. چنانچه شاخص ثبت نام ناخالص کلیه مقاطع تحصیلی، از ۰/۷۳۹ در سال ۱۳۸۰، به ۰/۸۲۵ در سال ۱۳۹۴، افزایش یابد (که این فرض با توجه به نرخ پوشش بالای تحصیلی با احتمال بالایی محقق خواهد شد)، در این صورت شاخص درآمدی باید از ۰/۶۸ به ۰/۷۸۳ افزایش پیدا کند که رشد سالانه آن معادل ۱/۱ برای رسیدن به هدف فوق می‌باشد. در ده سال گذشته، روند این شاخص سالانه حدود (۱٪) بوده است. استفاده از سرمایه انسانی در فرایند تولید کالا و خدمات در تحول شاخص توسعه انسانی، نقش عمده‌ای دارد و امروزه در اغلب نظریه‌های جدید رشد اقتصادی، مورد تأکید سیاستگذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی قرار می‌گیرد. این عامل هم راندمان تولید را افزایش می‌دهد و هم از طریق خلاقیت و نوآوری، تأثیری دو چندان بر تولید و درآمد به جا می‌گذارد. بر اساس آخرین برآوردها، متوسط میانگین سالهای تحصیل در ایران در سال ۱۳۷۵، برای افراد ۱۵ سال به بالا ۵/۶ سال، و میانگین سالهای تحصیل افراد ۲۵ سال به بالا، ۴/۶ سال می‌باشد. به دلیل موانع ساختاری، جمعیتی و محرومیتها، هنوز فاصله زیادی با کشورهای جهان وجود دارد و تحولات اساسی در حوزه‌های مختلف تصمیم‌گیری باید انجام شود و تأثیری شگرف بر انباشت سرمایه انسانی و بهبود شاخص توسعه انسانی، به جا می‌گذارد.

جدول شماره ۱۳ - پیش‌بینی روند شاخص توسعه انسانی

سال	روند مطلوب شاخص توسعه انسانی
۱۳۸۱	۰/۷۳۱
۱۳۸۵	۰/۷۵۴
۱۳۹۰	۰/۷۸۵
۱۳۹۴	۰/۸۱۱

خطوط راهبردی توسعه انسانی

- بهبود شاخصهای آموزش، از طریق ایجاد تسهیلات لازم جهت بالا بردن نرخ ثبت نام در مقاطع مختلف تحصیلی در تمام نقاط کشور، با توجه به نیازهای بازار کار و اتخاذ سیاستهای مناسب جهت تقویت و گسترش فعالیتهای مربوط به آموزش بزرگسالان
- بهبود شاخص توسعه انسانی تعدیل یافته، بر اساس توزیع درآمد با هدف دسترسی طبقات متوسط و پایین درآمدی به فرصتها و منابع اقتصادی، به ویژه از طریق ارائه تسهیلات برای مشارکت این طبقات در اداره واحدهای تولیدی کوچک و متوسط در فرایند خصوصی سازی
- ایجاد فرصتهای شغلی برای گروههای فقیر و تداوم پرداخت یارانههای آموزشی و بهداشتی، به منظور کاهش فقر درآمدی و در نتیجه کاهش فقر انسانی
- ارتقای وضعیت توسعه انسانی زنان، از طریق بر طرف ساختن موانع فرهنگی، حقوقی و اقتصادی و مشارکت آنان در عرصه‌های مدیریتی، در سطوح سیاسی، اجتماعی، علمی و فنی
- کاهش پراکندگی توسعه انسانی، از طریق اولویت تخصیص منابع و امکانات اقتصادی به نفع استانهای با توسعه انسانی پایین‌تر، به ویژه از طریق ایجاد فرصتهای شغلی مناسب در مناطق محروم و انجام سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی
- افزایش نرخ باسوادی زنان در مناطق محروم، از طریق فرهنگ‌سازی و ایجاد الگوهای مناسب
- ایجاد شرایط برابر، جهت دسترسی به فرصتها در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی
- گسترش بسط انتخابهای انسانی، از طریق مشارکت بیشتر در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی
- تقویت چتر حمایت اجتماعی در مفهوم وسیع آن جهت مبارزه با فقر
- گسترش بازارهای رقابتی و جلوگیری از انحصارات، جهت دسترسی به فرصتهای برابر سرمایه‌گذاری، تولید و تجارت در عرصه‌های اقتصادی

گزینه مطلوب فناوری اطلاعات و ارتباطات

بر اساس روند موجود، نرخ رشد ارتباطات در اقتصاد ایران چشمگیر است و در دهه گذشته، از نرخ رشد بالایی برخوردار بوده است. با توجه به این که نرخ رشد جمعیت حدود یک و نیم درصد (۱/۵٪)، و نرخ رشد تلفنهای دایر شده در پنج سال گذشته بیست و سه درصد (۲۰/۳٪)، و نرخ رشد ضریب نفوذ تلفن در ده سال اخیر، چهارده و شش دهم درصد (۱۴/۶٪) می‌باشد، پیش‌بینی می‌شود بر اساس روند فعلی، ضریب نفوذ تلفن در سال ۱۳۸۵ سی و دو درصد (۳۲٪)، در سال ۱۳۸۸ (۴۶٪) و در سال ۱۳۹۴، نود و شش و نه دهم درصد (۹۶/۹٪) شود. با نرخهای رشد موجود، تعداد تلفن در سال ۱۳۹۴ معادل ۷۶/۴ میلیون خط تلفن و جمعیت حدود ۷۸/۲ میلیون نفر خواهد بود.

در گزینه مطلوب، اصلاحات ساختاری، کاهش هزینه ارتباطات و اطلاعات و بهبود کیفیت خدمات‌رسانی در اولویت است.

- ۱- دستیابی به سرانه ۱۱۵ روزنامه برای هر هزار نفر
- ۲- گسترش خدمات‌رسانی اینترنت، از ۳۳ نفر در هزار فعلی، به ۳۵۰ نفر در هزار در سال ۱۳۹۴ (معادل سطح فعلی خدمات اینترنتی کشورهای توسعه یافته)
- ۳- افزایش تعداد تلویزیون، از ۱۶۳ دستگاه در هزار نفر در سال ۱۳۷۹ به ۵۷۰ دستگاه در هزار نفر در سال ۱۳۹۴
- ۴- افزایش ضریب تلفن ثابت به ۱۶۳، تلفن همراه به ۱۰۳ و ضریب کلی نفوذ تلفن به ۲۶۶

خطوط راهبردی فناوری اطلاعات و ارتباطات

- ۱- خصوصی‌سازی فعالیتهای مخابراتی جهت ایجاد رقابت، توسعه خدمات سیار و جهانی شدن
- ۲- گسترش، بهبود و ارتقای خدمات اینترنت، تلفن همراه، کارتهای تلفن و سایر خدمات بین‌المللی، از طریق ایجاد زیرساختهای مورد نیاز و سرمایه‌گذاری زیربنایی
- ۳- ارتقای کیفیت خدمات ارتباطات و اطلاعات، از طریق تنظیم و اجرای قوانین و مقررات و فراهم‌سازی بسترهای قانونی رشد کیفی مطبوعات و رسانه‌های جمعی

- ۴- آموزش و تقویت نیروی انسانی و تقویت تخصص‌گرایی و حرفه‌ای در عرصه مطبوعات، رسانه‌های جمعی و شبکه اینترنت
- ۵- ایجاد بستر مناسب جهت شکل‌گیری و حمایت بدون تبعیض از مطبوعات مستقل، در قالب ابزارهای قانونی و حقوقی و در مقابل مطبوعات دولتی
- ۶- کاهش نقش انحصاری دولت در عرصه ارتباطات، رسانه‌ها و مطبوعات، و ایجاد فضای رقابتی در این عرصه
- ۷- سازماندهی اجرایی ارتباطات و حضور مؤثر در ارائه خدمات در بازارهای جهانی
- ۸- ایجاد نهادهای مناسب صنفی و مدنی، جهت کارآمد نمودن نظام رسانه‌ای، مطبوعاتی و اینترنتی در راستای انتقال سریع اطلاعات
- ۹- گسترش شبکه‌های بین‌المللی تلویزیونی
- ۱۰- تقویت نقش خودتنظیمی مطبوعات و رسانه‌ها
- ۱۱- ساماندهی نظام توزیع اطلاعات، در قالب سرمایه‌گذاری مناسب در مطبوعات، رسانه‌ها، شبکه‌های اینترنت و تقویت نهادهای خصوصی در این عرصه

جدول شماره ۱۴- گزینه مطلوب دسترسی به ارتباطات

سال	ضریب نفوذ تلفن ثابت	ضریب نفوذ تلفن همراه	ضریب نفوذ کل	دسترسی به تلویزیون در هر هزار نفر	دسترسی به اینترنت در هر هزار نفر	سرانه روزنامه در هر هزار نفر
۱۳۸۴	۲۹	۹	۳۸	۱۹۰	۶۰	۴۵
۱۳۸۵	۳۵	۱۲	۴۶	۲۱۵	۹۰	۵۰
۱۳۹۰	۸۱	۴۰	۱۲۱	۳۵۰	۲۴۰	۷۵
۱۳۹۴	۱۶۳	۱۰۳	۲۶۶	۵۷۰	۳۵۰	۱۱۵

الف: گزینه مطلوب ۱ (رشد سریع با رویکرد هم‌پیوندی)

بر اساس این گزینه فرض شده است که:

- ۱- نسبت صادرات کالای غیر نفتی در تولید ناخالص داخلی، از پنج و دو دهم درصد (۵/۲٪) در سال پایه، به ده درصد (۱۰٪) در سال افق افزایش یابد.
- ۲- سهم صادرات صنعتی در صادرات کالاهای غیر نفتی، از چهل و نه درصد (۴۹٪) به هفتاد و پنج درصد (۷۵٪) افزایش یابد.
- ۳- نسبت سرمایه‌گذاری خارجی به تولید ناخالص داخلی، از شش دهم درصد (۰/۶٪) به دو درصد (۲٪) برسد. دو فرض اخیر، بر اساس مقایسه شاخصهای مورد نظر در اقتصادهای بین‌المللی مشابه اقتصاد ایران نتیجه‌گیری شده است.
- ۴- واردات کالا معادل صادرات کالا در نظر گرفته شده است، تا تراز تجاری از تعادل برخوردار باشد.
- ۵- در ارتباط با صادرات نفت خام، فرض شده است که اولاً، با وجود افزایش تولید نفت خام به ۴/۴ میلیون بشکه در روز، تغییر قابل ملاحظه‌ای در میزان صادرات نفت خام ایجاد نشود. ثانیاً، با توجه به رشد سریع اقتصادی و روند سریع صنعتی شدن، مصرف داخلی نفت خام معادل صادرات آن باشد.

ب: گزینه مطلوب ۲ (رشد متعادل با رویکرد هم‌پیوندی)

بر اساس این گزینه فرض شده است که:

- ۱- نسبت صادرات کالای غیر نفتی در تولید ناخالص داخلی، از پنج و دو دهم درصد (۵/۲٪) در سال پایه به هفت درصد (۷٪) در سال افق افزایش یابد.
 - ۲- سهم صادرات صنعتی در صادرات کالاهای غیر نفتی، از چهل و نه درصد (۴۹٪) به شصت درصد (۶۰٪) افزایش یابد.
 - ۳- نسبت سرمایه‌گذاری خارجی به تولید ناخالص داخلی، از شش دهم درصد (۰/۶٪) به یک درصد (۱٪) برسد. دو فرض اخیر، بر اساس مقایسه شاخصهای مورد نظر در اقتصادهای بین‌المللی مشابه اقتصاد ایران نتیجه‌گیری شده است.
- فروض ۴ و ۵ گزینه مطلوب ۱ در این گزینه نیز در نظر گرفته شده‌اند.

فرایندهای پیش بینی، چشم انداز و برنامه ریزی

◀ مقدمه

چشم‌انداز همانند پیش‌بینی، با آینده سر و کار دارد ولی فراتر از پیش‌بینی است، و دربرگیرنده شبکه‌سازیه‌ها و آماده‌سازیه‌های مربوط به تصمیم‌گیری درباره آینده است. پیش‌بینی، تنها برآوردی از آینده است و خطی بودن سیر امور در پیش‌بینی‌ها، یک فرض پذیرفته شده است، در حالی که سیر امور لزوماً خطی نیست و دارای حلقه‌های بازخوردی بی‌شماری است.

در پیش‌بینی، گزینه‌های زیادی از آینده مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و کار پیش‌بینی با تعریف و انتخاب آینده‌های ممکن، پایان می‌پذیرد و نتایج حاصل از پیش‌بینی، متضمن پیامی برای زمان حال نیست.

پیش‌بینی‌ها می‌توانند نیازگرا **needs-oriented** باشند و نه تنها برای توجیه‌پذیری یک گزینه، بلکه برای تعیین نیازها نیز به کار گرفته شوند. پیش‌بینی بر خلاف پیش‌گویی، برای زمان یا دوره معینی از آینده صورت می‌گیرد که این زمان یا دوره، باید از آغاز معین و شناخته شده باشد در حالی که پیش‌گویی برآورد و تخمینی برای هر دوره زمانی بعد از دوره جاری است. یک پیش‌بینی تکنولوژیکی را می‌توان «پیش‌گویی درباره ویژگی‌های ماشینها، روشها یا تکنیکهای سودمند در آینده» تعریف کرد.

چشم‌انداز، عبارت است از ارائه‌ی گزاره‌هایی خردمندانانه درباره آینده، و تفسیر این گزاره‌ها به گونه‌ای که به عمل آگاهانه و به فرایندهای یادگیری جمعی و پاسخ‌گویی به چالش‌های آینده کمک نماید. در ارائه‌ی این گزاره‌ها، چشم‌انداز، بر آمیزه‌ای از ارزش‌دوایی مبتنی بر ایدئولوژی نظام و واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی جامعه تکیه دارد.

◀ گامهای آغازین تاریخی

فکر کردن درباره آینده و حوادث آینده، تاریخی طولانی دارد. بشر در همه دورانها علاقمند بوده است که بداند در آینده چه چیزی رخ می‌دهد. همین گرایش، منشأ موفقیت معابد یونانی در عهد باستان بود. (معبد دلفی)

این حقیقت همچنان پابرجاست، که آینده غیر قابل پیش‌بینی است، ولی با این وجود می‌توان پاره‌ای از تحولات آینده را پیش‌بینی کرد و درباره گزینه‌های آینده هم فکر کرد. از این رو، امکاناتی وجود دارد که خود را برای آینده آماده کنیم (البته به طور محدود)، یا تلاش کنیم که به صورتی فعال آینده را شکل بدهیم.

در گذشته، از «یک آینده» **the future** صحبت می‌شد و درباره چیزهایی که در آینده رخ می‌دهد، تصوراتی وجود داشت. به طور کلی نقطه نظر تاریخی این بود که، زمان حالی وجود دارد (اکنون)، و چیزی در پیش است که به آن آینده گفته می‌شود و تنها یک آینده امکان‌پذیر به نظر می‌رسد. بعضی آن را سرنوشت می‌نامیدند (**fate**)، و بیشتر ادیان هم بر وجود تنها یک آینده ممکن تأکید داشتند. (نمودار شماره ۱)

نمودار شماره ۱ - ذهنیت سنتی - آینده‌ای واحد

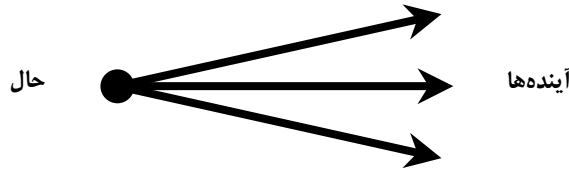


پیشرفت‌های علمی دو قرن اخیر، نظر مردم را تغییر داد. این که بشر قادر است، این سرنوشت را تغییر دهد، پذیرفته شد. تحقیق در عملیات برای اولین بار این حقیقت را فرموله کرد که می‌توان با اقدام‌های امروز، آینده را فعالانه ساخته و پرداخته کرد. این رویکردها، تا به آن جا به افراط کشیده شدند که، بعضی افراد مدعی مهندسی اجتماعی شدند و یافته‌های مهندسی فنی را به حوزه علوم اجتماعی تعمیم دادند، و ادعا کردند که با کاربرد روش‌های علمی، می‌توان جوامع را به طور کامل «ساخت».

بعد از جنگ دوم جهانی، روش‌هایی برای جستجوی یک آینده خاص طراحی شد که به کمک آن بتوان از آینده خبر داد. اولین تلاش‌های هرمن کاهن **Herman Kahn** بری طراحی سناریوها در سال ۱۹۶۷، با همین ذهنیت صورت گرفت و از این رو تنها یک امکان برای گزینه آینده بیان شد، درست همان طور که تنها یک زمان حال وجود دارد، تنها یک آینده هم قابل تحقق است.

این گونه نگاه به آینده نادرست است. ما می‌پذیریم که نمی‌توانیم آینده‌ای را که کم و بیش بر ما نامعلوم و ناشناخته است، جستجو کنیم. ولی همواره چیزهایی وجود خواهند داشت که می‌توانیم به طور نسبتاً دقیق انتظار وقوعشان را داشته باشیم، و چیزهای دیگری هم هستند که خارق‌العاده و اعجاب‌انگیزند. از این رو، از نقطه نظر زمان حال، همواره بیش از یک امکان یعنی چند آینده یا گزینه‌های آینده یا آینده‌پذیرهای *futuribles* وجود دارند که از بین آنها تنها یک گزینه تحقق خواهد یافت، به عنوان «یک حال» که بعداً به عنوان «یک گذشته» از آن یاد خواهد شد (نمودار شماره ۲).

نمودار شماره ۲- آینده‌های زیادی امکان‌پذیر است.



پیش‌بینی *forecasting* برآوردی از آینده است. پیش‌گویی *prediction*، کلی‌تر از پیش‌بینی است و عبارت است از برآوردهایی برای هر دوره زمانی - پیش از، ضمن یا بعد از دوره جاری. از این رو به طور نمونه، یک پیش‌بینی تکنولوژیکی را می‌توان «پیشگویی درباره ویژگی‌های آینده ماشینها و رویه‌ها یا تکنیکهای سودمند» تعریف کرد.

چشم‌انداز *Foresight*، فرایندی است که ضمن آن تلاش سیستماتیکی صورت می‌گیرد تا کاوشی در آینده بلندمدت‌تر، با هدف تعیین زمینه‌های کلیدی‌تر به عمل آید. چشم‌انداز، دربرگیرنده وسایل کیفی و کمی برای پی‌جویی نشانه‌ها و شاخصهای روندهای در حال شکل‌گیری است، و هر گاه به طور مستقیم با تحلیل آثار سیاستی این تحولات هم همراه باشد، بسیار سودمندتر خواهد بود.

چشم‌انداز، به ما آمادگی رویارویی با نیازها و فرصتهای آینده را می‌دهد.

چشم‌انداز آمیزه‌ای از جهت‌گیری بر پایه نیاز (نیازمداری = *need-orientation*) و پیش‌برنده‌های توسعه *development drivers* است که این دو نیرو را نیروی پیش‌برنده *push* و نیروی کشش *pull* می‌نامند. چشم‌انداز، قادر به تعریف و تعیین سیاستها برای دولت نیست، بلکه می‌تواند به شکل‌گیری سیاستهایی که در اجرا، تغییر زمان و شرایط، مناسب‌تر، قابل انعطاف‌تر و قاطع‌ترند، کمک نماید. از این رو

است که چشم‌انداز، به شدت با برنامه‌ریزی مرتبط است. چشم‌انداز، برنامه‌ریزی نیست، بلکه صرفاً گامی در برنامه‌ریزی است.

چشم‌انداز، تنها درباره «گزینه‌ها» نیست، بلکه می‌تواند به صورتی استراتژیک برای گزینش بازنده‌هایی هم که باید از میدان عمل خارج شوند، مورد استفاده قرار گیرد.

چشم‌انداز را به این دلیل تهیه می‌کنیم که اطلاعات بیشتری درباره آن چیزهایی که در آینده حادث می‌شوند به دست آوریم، تا به این وسیله تصمیمات امروز ما بیشتر از پیش، عالمانه و مبتنی بر تخصص باشند. چشم‌انداز چیزی بیشتر از تشخیص مسیر تحولات آینده **prognosis** یا پیش‌بینی است. نباید فراموش کرد که اطلاعات حاصل از چشم‌انداز، حقایق **facts** نیستند، بلکه داده‌های قابل انعطاف **flexible data** و غالباً عقاید و باورها هستند.

چشم‌انداز، دربرگیرنده وعده، یا امید مدیریت کردن نااطمینانی‌ها از طریق تعاملی ژرف بین ذی‌نفعان است و این به طور ضمنی به معنای اتخاذ نقش فعالی در شکل دادن به آینده است. یکی از نتایج احتمالی مطالعات چشم‌انداز، می‌تواند این باشد که تشخیص امروزی ما را باطل کند، چرا که بر پایه اطلاعات چشم‌انداز، جهت‌گیری‌ها و تصمیمات جدید در مورد آینده، ممکن است حاصل گردد.

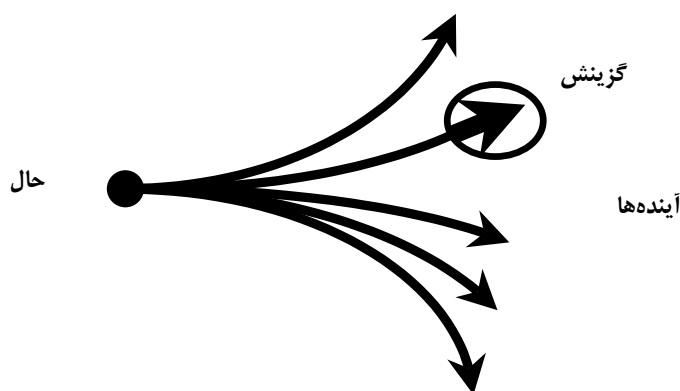
تلاش‌های اولیه در برنامه‌ریزی آینده مبتنی بر طراحی مدل‌های ادراکی از آینده بود که فرض پایه‌ای آنها این بود که آینده، امتداد خطی روندهای فعلی، به صورتی مقدر و از پیش تعیین شده است. این رویکردها موفقیتی به دست نیاوردند، زیرا بسیار ساده‌انگارانه بودند و معیار ارزیابی آنها صحت پیش‌بینی‌ها بود، یعنی این که پیش‌بینی در طول زمان، درست یا غلط از آب در می‌آید. بحثها و جدلهای زیادی صورت گرفت و تعداد متغیرها برای انطباق بیشتر با پیچیدگی پویایی‌های واقعی اجتماعی، اقتصادی و تکنولوژیکی، افزایش پیدا کرد، ولی همه این پیشرفتهای از نقطه نظر تشخیص مسیر تحولات آینده، ناکافی بود. بالاخره این باور شکل گرفت که در تهیه چشم‌انداز، متدولوژی واحدی وجود ندارد، و آمیزه‌ای از روشها و ابزارهاست که بیشترین نتایج را به بار می‌آورد.

آینده، در نتیجه تأثیرات متقابل عوامل آشکار و پنهان مؤثر بر سیستم مورد نظر ما شکل می‌گیرد. به عنوان نمونه، تحولات یک حوزه، حوزه‌های دیگر را به طور غیر مستقیم، و فراتر از آنچه که قابل انتظار است، تحت تأثیر قرار می‌دهد. پیشرفتهای الکترونیک، بیوتکنولوژی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، در حالی

که در نظر اول نمی‌توان این تأثیر را ارزیابی کرد. یادآوری این نکته ضروری است که در آینده‌نگری و چشم‌انداز، تنها بخشها، ساختارها یا شرایط چارچوبی قابل رؤیت یا شناخته شده را، می‌توان درک نمود، به حساب آورد و تا اندازه‌ای تحت تأثیر قرار داد. هر گاه یافته‌های نظریه سیستمها نیز به کار گرفته شود، تأثیرات متقابل سیستمها نیز باید مورد توجه قرار گیرد. در پژوهش آینده‌ها، وقتی یافته‌های مربوط به نظریه بی‌شکلی (هیولا=chaos) به ظهور رسید، نااطمینانی‌هایی پیدا شدند. افکار جدیدی که در دهه ۱۹۹۰، در مورد چشم‌انداز مطرح شدند، منکر تأثیرگذاری مستقیم بر روی آینده نبودند، بلکه آشکار ساختند که امکان تأثیر بر تحولات آینده، محدود است و تنها می‌توان بخشی از آن تأثیرات را تخمین زد. با وجود این، آینده را می‌توان «پیشاپیش ردگیری» کرد. پیش‌بینی این تغییرات پیش از آن که به واقعیت تبدیل شوند، از آن رو اهمیت دارد که، انسان در آینده‌ای متحول، تغییراتی را از نظر اجتماعی و روان‌شناختی باید بپذیرد، که بسیار زیاد و شدید است.

مطالعه چشم‌انداز، در اولین گام با تعریف و تبیین تنها گزینه یا گزینه‌های مختلف آینده، آغاز می‌شود ولی فراتر از آن هم با تعریف و شناخت محتمل‌ترین آینده، آینده ممکن و آینده خوشبینانه ادامه پیدا می‌کند (نمودار شماره ۳).

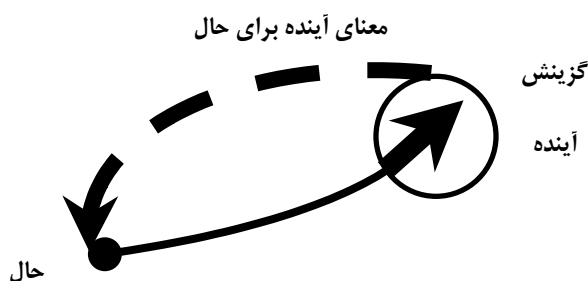
نمودار شماره ۳- گزینش یکی از گزینه‌های مختلف آینده



در مطالعه چشم‌انداز، چند گام اساسی وجود دارد: اول بررسی حوزه‌هایی است که از بعضی جهت‌های «مهم» تلقی می‌شوند، سپس بررسی همان حوزه‌های مشخص شده به صورت تفصیلی‌تر (این گام دوم

به پیش‌بینی نزدیک است). ارزیابی‌هایی که در چشم‌انداز صورت می‌گیرد بر پایه معیارهایی مانند اهمیت اقتصادی یا توسعه پایدار است. با کاربرد معیارها، یکی از گزینه‌ها انتخاب می‌شود تا به صورت تفصیلی‌تر مورد بررسی قرار گیرد، و از این طریق نتایجی برای زمان حال و امروز به دست آید (نمودار شماره ۴).

نمودار شماره ۴- نتیجه‌گیری از آینده برای اکنون



در مطالعه چشم‌انداز، هر گاه لازم آید (که غالباً چنین است)، گزینه‌های دیگر آینده هم مورد بررسی قرار می‌گیرند، مانند وقتی که بیش از یک گزینه مطلوب وجود داشته باشد. با بررسی‌های بیشتر، پرسشهایی را می‌توان به شرح زیر مطرح کرد:

- معنای این گزینه برای امروز چیست؟
- آیا چیزی باید تغییر کند؟
- اگر پاسخ مثبت است، چه چیزی باید تغییر کند؟
- چه کسی باید این تغییر را انجام دهد؟
- چرا؟
- این گزینه چه واکنشها و تحریکاتی را سبب می‌شود؟
- این تغییر در کجا ضرورت پیدا می‌کند؟
- با انجام این تغییرات، گزینه آینده چگونه تغییر می‌کند؟
- اگر این تغییرات ضروری نیستند، آیا گزینه آینده به همان صورتی که قبلاً تصور شده بود، در واقع رخ می‌دهد؟

- بر چه کسی تأثیر می‌گذارد؟

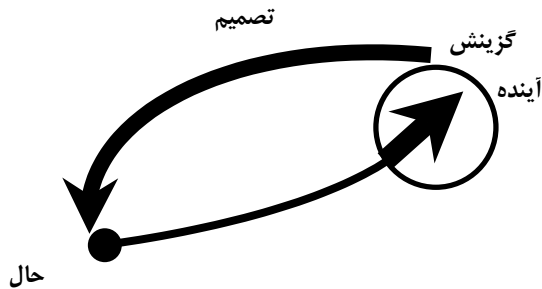
- چه آثاری به بار می‌آورد؟

به طوری که دیده می‌شود، چشم‌انداز، در حقیقت بیشتر از آنچه که از آینده خبر می‌دهد، از زمان حال

سخن می‌گوید.

بر پایه مفروضات و تصورات، باید به آماده‌سازی، و اتخاذ یک تصمیم پرداخت. (نمودار شماره ۵)

نمودار شماره ۵- تصمیم‌گیری برای یکی از گزینه‌ها



در این مرحله، با کاربرد معیارهای مورد نظر تصمیم‌گیران، ارزیابی به عمل می‌آید و با توجه به تحول خاص مناسب این تصمیم، گزینه به یک هدف تبدیل می‌شود (نمودار شماره ۶). این گزینه می‌تواند گزینه‌ای برخاسته از «چشم‌انداز» باشد، و یا عمدتاً از وسایل و مقدمات دیگری برخاسته باشد. این گزینه می‌تواند یک سناریو یا چیزی متفاوت باشد. حتی یک استراتژی صبر و انتظار هم تصمیمی است درباره یک گزینه، یعنی گزینه عدم مداخله، و انتظار آینده‌ای که «طبق روال معمول» به بار می‌آید.

نمودار شماره ۶- تعریف و تبیین یک هدف



در حوزه عمل چشم‌انداز، آنچه که ضرورت پیدا می‌کند، تجسم گزینه‌هایی از آینده و پی‌گیری هدفهای فرایندی آنها از طریق شبکه‌سازی پیشرفته در بین کلیه ذی‌نفعان است، که خود، نشان از این حقیقت دارد که بهترین چشم‌انداز آن است که، به صورت فعالیتی جمعی تهیه و تنظیم شده باشد.

چشم‌انداز نه تنها به آینده نظر دارد، و همه ابزارهای پژوهش آینده (آینده‌پژوهی)، را به کار می‌گیرد، بلکه بازگویی اقدام‌های زمان حال نیز می‌باشد. ولی باید توجه کرد که چشم‌انداز برنامه‌ریزی نیست، بلکه نتایج حاصل از چشم‌انداز، «اطلاعات» مربوط به آینده را فراهم می‌سازد و از این رو یک گام در برنامه‌ریزی و آماده‌سازی تصمیمات برنامه‌ای است.

فعالیت‌های چشم‌انداز را می‌توان فرایندهای یادگیری اجتماعی دانست، که به صورت تعاملات جمعی در بین کارشناسان، سیاست‌گذاران، صنعت‌گران و اعضای سازمان‌های غیر دولتی و ... به نظم در می‌آیند. تهیه‌کنندگان چشم‌انداز باید قادر به «خواندن»، تفسیر و شکل دادن به ظرفیتها، استعدادها، علائق و اهداف مردم و جامعه باشند.

غالباً این سؤال مطرح می‌شود که فواید چشم‌انداز، در فرایند تهیه چشم‌انداز عاید می‌شود، یا در محصولات و نتایج چشم‌انداز، یعنی در گزارش‌هایی که در این رابطه منتشر می‌گردند. واقعیت این است که این دو فایده به گونه‌ای دقیق و ظریف در هم آمیخته‌اند.

برای آن که فعالیت تهیه و تنظیم چشم‌انداز، فعالیتی ثمربخش باشد، معمولاً از فرایندهای مشورتی استفاده می‌شود، چرا که دامنه و گستره چشم‌انداز، نظرخواهی از گروه‌های وسیع ذی‌نفعان را الزامی می‌سازد، زیرا همین گروه‌ها هستند که محتوای قابل انتشار گزارش‌های چشم‌انداز را تأیید می‌کنند، و به شکل‌گیری توصیه‌های سیاستی مربوط به چشم‌انداز، کمک می‌کنند. بدون وجود هدف‌های فرایندی که به خلق و تولید «محصولات» رسمی مربوط می‌شوند، فرایند تهیه چشم‌انداز، فاقد جهت خواهد بود و در تولید محصولات قابل تحویل دچار مشکل خواهد شد. از این رو ضروری است که در هر نوع فعالیت تهیه چشم‌انداز، مسئله دوگانه محصول - فرایند **product vs. process** به خوبی درک، و جداگانه حل و فصل شود.

نکات مهم و کلیدی که در هر فعالیت تهیه چشم‌انداز مطرح‌اند، به شرح زیر است:

- نحوه تعیین و ترتیب اولویتها؟
- چه کسانی را درگیر کنیم، تا چه اندازه و چگونه؟
- آثار و نتایج کدامند، نتایج محتوا مهم‌تر است یا نتایج فرایند؟
- آیا نتایج حاصل از چشم‌انداز، توجیه‌کننده نهاده‌ها و هزینه‌های سنگین آن هستند؟

پس از آن که تجربه تهیه و تنظیم چشم‌انداز پایان می‌گیرد، آنچه که بسیار اهمیت دارد شبکه‌سازی است. چشم‌انداز، تنها تفکری درباره آینده‌ها، و اجرا در زمان حال نیست، بلکه به نحوه‌ی کنار آمدن با گذشته نیز مربوط می‌شود.

تقاضا برای فعالیتهای استراتژیک آینده‌نگر از جانب فعالان مختلف، در همه حوزه‌های سیاستی و در همه سطوح تدبیر، در حال افزایش است. چشم‌انداز، دارای این قابلیت است که این تقاضاها را ارضا نماید، نه تنها به دلیل ارزش ذاتی آن در ارائه‌ی اطلاعات استراتژیک غیر قابل دسترسی برای تصمیم‌گیران، بلکه به عنوان ابزار یک بسیج اجتماعی، اقتصادی گسترش دهنده آگاهی، و به وجود آورنده اجماع درباره راههای مناسب بهره‌برداری از فرصتها و کاهش مخاطرات در توسعه و تحول آینده امور.

برنامه‌ریزی **Planning**: برنامه‌ریزی تنها در حوزه‌هایی ممکن و عملی است، که انسان بتواند به طور مستقیم آن حوزه‌ها یا عوامل و عناصر آنها، را در طول دوره زمانی معین و با راهکارها، ابزارها و وسایل در دسترس، شناخته شده و تأیید شده از نظر علمی، تحت تأثیر قرار دهد، یعنی مواردی که عملاً تحت تأثیر اقدامهای انسان قرار می‌گیرند، **Plannables**. برای افزایش سواد و سلامت، کاهش بیکاری و تورم، توسعه تولید و صادرات، ثبات نرخ ارز و حفظ ارزش پول، توسعه زیربنای فیزیکی و اجتماعی، ارتقای سطح زندگی و امنیت انسانی، و ... می‌توان برنامه‌ریزی کرد و از طریق اعمال سیاستهای مناسب و اجرای پروگرامها و پروژه‌های معنی‌دار و هدفمند، در طول یک دوره زمانی معین، به آن هدفها رسید. اما برای ارتقای فرهنگ جامعه و افزایش درجه خوشبختی و سعادت، ابزارها و مدل‌هایی خارج از حوزه سیستمها و الگوهای برنامه‌ریزی مرسوم، باید تعبیه و طراحی شوند که حوزه عمل و تأثیر آنها از نظر علمی، محرز و مشخص باشد.

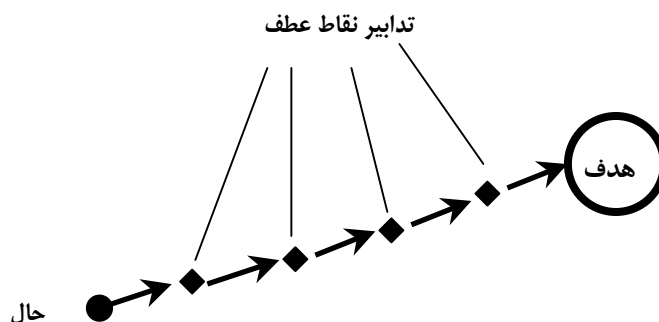
در چشم‌انداز، سعی می‌شود رخدادهایی را که نمی‌توان به هیچ‌وجه یا به طور مستقیم، تحت تأثیر قرار داد، مشخص نمود (از جمله، تغییرات اقلیم، خسوف ماه، تحولات جمعیتی کره زمین به طور کلی، زمان فعال شدن یک آتشفشان، زمان وقوع یک زلزله و زمان عرضه یک نوآوری به بازار).

تمرکز اصلی برنامه‌ریزی بر حاصل و نتیجه آن، یعنی خود «برنامه» است، در حالی که چشم‌انداز لزوماً، به یک برنامه رسمی منتهی نمی‌شود، گرچه می‌تواند در انتقال دانایی به تصمیم‌گیران برای تهیه و

تنظیم یک برنامه کمک کند. هر سه مفهوم پیش‌بینی، چشم‌انداز و برنامه‌ریزی، با ایجاد دانایی و فرایندهای یادگیری سازمانی یا بازتابی، دارای همپوشانی‌هایی هستند.

نتیجه برنامه‌ریزی، همواره یک چیز عملی یعنی «برنامه» است. در یک برنامه عملیاتی، آنچه که باید انجام شود، به اختصار بیان می‌شود. به همین جهت برنامه دربرگیرنده نقاط عطف یا هدف‌های کمی است که باید به آن رسید و تدابیری که بر حسب وظیفه، هدف، شرایط چارچوبی، و استفاده‌کنندگان باید به اجرا درآیند (نمودار شماره ۷).

نمودار شماره ۷- برنامه‌ریزی



برنامه‌ریزی بلندمدت و چشم‌انداز، غالباً دارای افق‌های مشابهی هستند. از این رو در تهیه و تنظیم برنامه‌ها، چشم‌انداز، یکی از ابزارهایی است که مورد استفاده قرار می‌گیرد. برنامه‌ریزی، تدارک و آمادگی دقیقی است برای آن چیزهایی که در آینده قابل پیش‌بینی، حادث می‌شوند. برنامه‌ریزی بلندمدت در نگاهها به معنای ۳ تا ۵ سال است، در حالی که افق (منظر = perspective) چشم‌انداز، ۱۰، ۲۰، ۳۰ سال یا بیشتر است.

تفاوت بین چشم‌انداز و برنامه‌ریزی، این است که برنامه‌ریزی معمولاً معین‌تر است زیرا آن برنامه‌ای تعهدآور است. چشم‌انداز، حتی در مرحله اجرا هم، تعهدی برای شرکت‌کنندگان ندارد. چشم‌انداز می‌تواند منجر به یک برنامه، یک نقطه عطف، تدابیر، اقدامات و وظایفی برای فعالان مختلف گردد، ولی این امر ضروری و الزامی نیست. به این جهت است که چشم‌انداز، بیشتر وسیله‌ای برای ادغام افکار جدید است،

بدون آن که هدفهای کمی معین یا اقدامهای مشخصی را الزامی کند. این بازبودن چشم‌انداز، به انعطاف و خلاقیت میدان می‌دهد تا راهها و مسیرهای جدید پیدا شوند - راهها و مسیرهایی که لزوماً مرتبط با افکار و ایده‌های موجود نیستند.

در چشم‌انداز، افکار و ایده‌ها، بدون توجه و اهمیت دادن به منشأ آنها جمع‌آوری می‌شوند. این امر به ویژه در کشورهایی که از یک زمینه برنامه‌ریزی سوسیالیستی گذر می‌کنند، دارای اهمیت است. در نگاه اول، چشم‌انداز برای آنها شبیه به برنامه‌ریزی (پنج‌ساله) بود، به ویژه در کشورهای اروپای شرقی دارای زمینه‌های برنامه‌ریزی سوسیالیستی، قبول و درک این امر مشکل بود که چشم‌انداز، قرار نیست به تولید یک برنامه پنج‌ساله، با بودجه‌های معین برای هر بخش بیانجامد.

چشم‌انداز، «اطلاعات» برای برنامه‌ریزی فراهم می‌کند، ولی برنامه‌ها توسط ذی‌نفعان دیگری مورد تصمیم‌گیری قرار می‌گیرند.

◀ چالشهای روش‌شناختی چشم‌انداز

چالشهای بعدی چشم‌انداز، عبارتند از تدوین و توسعه متدولوژیهای جدید برای رویکردهای جدید چشم‌انداز، استفاده از روشهای پیش‌بینی‌های سنتی و همچنین ایجاد پیوند با برنامه‌ریزی اختلاط روشها بسیار سودمند است، ولی بعضی اوقات ادغام و ارزیابی آنها مشکل است. چگونه می‌توان نتایج پیش‌بینی را در کارگاههای آینده مورد استفاده قرار دارد، بدون آن که خلاقیت چشم‌انداز را تخریب کنند؟

وقتی که حاصل فعالیتهای چشم‌انداز، ارتباط و همکاری است، چگونه می‌توان این حاصل را با برنامه‌ریزی پیوند زد؟ آیا مردم می‌توانند واقعاً از وظایف آینده آگاه شوند، بدون آن که از چارچوب فکری زمان حال خارج شوند؟

چگونه می‌توان داناییهای سربسته **tacit** یا ضمنی **implicit** را فعال کرد؟ آیا می‌توان به نتایج آشکار و شفاف، به عنوان انگیزه عمل اکتفا کرد، یا دست آخر برنامه‌های ثابتی مورد نیازند که، در آنها مشخص شود که چگونه و چه زمانی باید چه کارهایی را انجام داد؟ چگونه می‌توان به شرکت کنندگان در چشم‌انداز، انگیزه‌هایی دائمی داد؟ همه گرفتار کار هستند و کارهای دیگری دارند که انجام دهند. آیا

اینترنت را می‌توان واقعاً به عنوان ابزار مشارکت پذیرفت؟ یا این که صرفاً جوانان دیپلمه از طریق اینترنت مشارکت می‌کنند؟ آیا کارگاه‌های آینده به اضافه اینترنت کافی هستند؟ آیا می‌توان هدف‌های متفاوت شرکت کنندگان مختلف را واقعاً تحقق بخشید؟

دست آخر اینکه، موفقیت فعالیت چشم‌انداز چیست؟ آیا می‌توان موفقیت را تنها با چشم‌اندازهای هادی **lead vision** محصول آن اندازه‌گیری نمود؟ چگونه می‌توان نتایج چشم‌انداز را در قالب نوعی «تفکر استراتژیک» تفسیر و ترجمه کرد؟

◀◀ «FUTUR» چشم‌انداز آینده آلمان در زمینه سیاست فناوری و پژوهش

FUTUR پروگرام وزارت آموزش و پژوهش فدرال آلمان **BMBF** است که توسط کنسرسیومی از مؤسسات پژوهشی آلمان، به اجرا در می‌آید. این پروگرام در سال ۱۹۹۹، آغاز شده و در بهار سال ۲۰۰۱، تجدید ساختار پیدا کرده است.

محورهای این پروگرام عبارتند از: آموزش و پرورش، اخلاقیات، مسائل اجتماعی، اشتغال و سیاست آموزش یا تخصیص منابع. تعداد ۱۲ محور وسیع **fucus themes** از کارگاه‌های مختلف فعال، تا بهار سال ۲۰۰۲ میلادی، در این پروگرام انتخاب شدند. تعداد محورها به تدریج در نوعی رقابت و مسابقه کاهش پیدا کرد و دست آخر پنج چشم‌انداز هادی **lead vision** توسط **BMBF** انتخاب شد. هر گاه این پروگرام در این پنج چشم‌انداز هادی، موفقیت‌آمیز باشد، بعداً آن پنج یا هفت محور باقی مانده نیز به صورت اولویت دوم در دستور کار قرار گرفته و ادامه پیدا می‌کنند.

در آغاز، تصمیم گرفته شد که بیشتر مباحثات **FUTUR** از طریق اینترنت انجام شود، ولی بدون پشتیبانی گروه‌های فیزیکی **physical group**، «گروه‌های کاری مجازی» **virtual work groups**، نمی‌توانند واقعاً به طرز کارآمدی کار کنند. لذا از آن جهت که بیشتر شرکت کنندگان در گروه‌های کاری مجازی، تنها یک برنامه **platform** در اختیار داشتند، بدون روش‌شناسی یا موضوعه‌ایی که بر روی آنها کار کنند، پروگرام **FUTUR** مورد تجدید نظر قرار گرفت و در یک تجدید ساختار، تصمیم گرفته شد که بیشتر کارها رو در رو **face to face** در گروه‌های کاری فیزیکی انجام شود. بیشتر نتایج به دست آمده، از شفافیت برخوردارند و بر روی اینترنت رفته‌اند.

آمیزه‌ای از روشها برای شناسایی و جلب مشارکت مردم، به اجرا درآمده است (ثبت نام، معرفی دیگران برای ثبت نام، مصاحبه و پایگاههای اطلاعاتی موجود در حوزه‌های مختلف). ضروری تشخیص داده شد که از غیر متخصصانی **non-expert** هم که به این کار علاقمندند، استفاده شود.

در **FUTUR** یک حلقه داخلی از شرکت کنندگان که از «دانیهای عمومی» برخوردارند تشکیل شده، که کار آنها تعریف حوزه‌های وسیع نوآوری و شرکت در کارگاهها است. علاوه بر این یک حلقه خارجی بزرگ‌تر هم تشکیل شده است که مرکب از متخصصان حوزه‌های انتخاب شده در فرایند کار می‌باشد که وظیفه آنها ارزیابی نتایج مختلف برقراری ارتباطات لازم در مراحل مختلف پروگرام، از طریق اینترنت است.

در این فرایند جدید کارها با تشکیل کارگاهها در آغاز تابستان سال ۲۰۰۱ میلادی شروع شد. فعالان حلقه داخلی از صنعت، علم، رسانه‌ها و دیگر حوزه‌ها دعوت شدند. این اشخاص از پایگاههای اطلاعاتی یا از طریق ثبت نام بر پایه دانایی عمومی گسترده‌ترشان انتخاب شدند. تصویری که درباره آنها وجود دارد این است که قرار نیست «متخصص» به معنای محدود باشند. از فهرست اولیه، نوعی ثبت نام به عمل آمد، به طوری که حدود ۷۰۰ نفر در این مرحله شناسایی شدند.

کارگاهها بسیار باز بودند، مثلاً به عنوان دست‌گرمی **warm-up** از شرکت کنندگان سؤال شد که جامعه در سال ۲۰۲۰ میلادی چگونه به نظرشان می‌آید. سپس از شرکت کنندگان پرسیده شد که حوزه خاص آنها چگونه توسعه و تحول پیدا می‌کند. پرسشهای مربوط به آینده در یک نشست مدیریت طوفان فکری، باید به صورت مکتوب درآید. این بخش از فرایند را «جمع‌آوری روند» **trend collection** نامیده‌اند.

پس از کارگاهها، این «روندها» غالباً به صورت پرسشهایی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت، و توسط کنسرسیوم طبقه‌بندی شد. این طبقه‌بندی بر حسب سئوالهای «جدید»، بر حسب معیارهای مختلف و یک بار دیگر بر حسب محتوا صورت گرفت.

این موضوعات، دسته‌بندی شد و «عناوینی» به اسم «خوشه‌های روند» **trend clusters** فرمول‌بندی شدند. این عناوین در یک کنفرانس عمومی، به عنوان موضوعات محوری، مورد استفاده قرار گرفتند.

کنفرانس عمومی در ۲۶ سپتامبر در برلین برگزار شد، و هدف آن تعیین و تأیید محورها و تشریح آنها بود. از گروهها خواسته شد که درباره محورهای خود، «شرحی» **profile** بنویسند. سپس «مسابقه‌ای» سازماندهی شد که شرحی جالب توجه بر اساس معیارهای داده شده، نوشته شود. همه گروهها، معیارها را رعایت کردند و از آنجا که تنها ۱۲ گروه قرار بود در مرحله اول، **FUTUR** ادامه فعالیت بدهند، گروههایی که باید ادغام شوند تعیین و معرفی شدند. بقیه گروهها به دلیل عدم وجود مطالعات کافی در محور مورد نظر آنها، یا به دلیل فقدان تمرکز کافی بر روی محور، از جمع گروهها حذف شدند. در **BMBF** به محورهای پیشنهادی نمره داده شد و از شرکت کنندگان اینترنتی، که تعدادشان به ۱۳۰۰ نفر رسیده بود خواسته شد، به محورها نمره بدهند، که حدود ۲۰۰ شرکت کننده در این خصوص رأی دادند. شخص وزیر، حرف آخر را در مورد گروههای محور ارائه کرد. محورها دست آخر به این شرح انتخاب شدند:

- ۱- آلمان، مکانی برای یادگیری
- ۲- مدل‌های سازمانی برای دانایی
- ۳- تحرک پایدار
- ۴- درمان ۲۰۲۰
- ۵- منابع طبیعی به عنوان محیط زیست انسانی
- ۶- محصولات و سیستمهای هوشمند برای جامعه فردا
- ۷- زندگی در جهان **net**
- ۸- برنامه‌ریزی آینده و طراحی کار برای ارزش دادن به زندگی در جامعه دانایی
- ۹- تغذیه
- ۱۰- تولید کشاورزی پایدار در مسئولیت جهانی **agroproduction**
- ۱۱- عدم تمرکز به عنوان استراتژی اقتصاد - صنایع - زندگی پایدار
- ۱۲- ترویج و تشویق استعدادهای بین فرهنگی

پنج کارگاه همزمان برای انتخاب افقها و منظرهای پنج حوزه و ارزیابی آنها در نوامبر و دسامبر ۲۰۰۱ میلادی برگزار شد. «کارگاههای آینده» روشی است برای توسعه و تکمیل آینده‌های مطلوب **desirable** و جستجوی راههای عملی کردن آنها. این کارگاهها در سه مرحله کارشان را انجام می‌دهند:

اول مرحله انتقادی، دوم مرحله کمال طلبی **utopian phase**، و سوم مرحله واقعی کردن و تحقق بخشی، **realization**. حاصل این کارگاهها نهادهایی بود برای کارهای بعدی گروههای محوری. حوزه‌های کاری که ۱۲ محور پیشین را پوشش می‌دادند، عبارتند از:

۱- آینده سلامت و شادکامی

۲- موازنه کار و زندگی

۳- سالمندی در جامعه‌ای پایدار

۴- مجموعه‌های شهری فردا

۵- قلمروهای یادگیری آینده

در ژانویه و فوریه ۲۰۰۲ میلادی، گروههای محور، جزئیات موضوعات محوری یا حوزه‌های نوآوری را از ۱۲ حوزه نوآوری تعیین کردند. آنها مشروح عناوین را بیان کردند، و منظر هر یک را به همراه شرایط چارچوبی موضوعها، تجزیه و تحلیل کردند.

این کار، آماده‌سازی برای سناریوهایی است که بر پایه نتایج در بهار ۲۰۰۲ میلادی تنظیم می‌شوند. پنج چشم‌انداز هادی **lead vision** نیز تهیه و تنظیم می‌شوند که چارچوب پروگرامها و پروژه‌های جدید پژوهش را تعیین می‌کنند.

برای این پروگرامها برنامه‌ریزی صورت می‌گیرد و فراخوانهای مناقصه توسط **BMBF** تنظیم می‌شود. این کار و همچنین تأمین بودجه برای پروگرام، مربوط به قلمرو برنامه‌ریزی است و به طور مستقیم با فرایند **FUTUR** مرتبط نیست. خود **BMBF** و سازمانهای مدیریت پروژه، بر روی این برنامه‌ها کار می‌کنند.

تنها تعداد معدودی از افراد فرایند چشم‌انداز، در این مرحله مشارکت داده شده‌اند که بتوانند پیوندی را بین چشم‌انداز و برنامه‌ریزی برقرار کنند.

مدیریت فرایند FUTUR به همان اندازه خود فرایند، بازتابنده و خودآموزنده است. این به آن معناست که، اشتباه امکانپذیر است ولی باید از اشتباه چیز یاد گرفت. یادگیری در ذات و ساختار FUTUR تعبیه شده است. از این رو امکان دارد که آمیزه روشها در دور بعدی تغییر پیدا کند.

چارچوب زمانی این پروگرام ۱/۵ سال است، و این مدت بسیار کوتاهی برای چنین فعالیتی به نظر می‌رسد. مشکل عمده این است که در چنین زمان کوتاهی، چگونه می‌توان شرکت کنندگان را متقاعد ساخت که مشارکت در این فعالیت مفید است.

FUTUR هنوز در آغاز کار است - این تجربه هنوز می‌تواند شکست بخورد.

منابع مورد استفاده

۱- مردوخ، بایزید، پیشگفتار «ویژه‌نامه آینده‌پژوهی و آینده‌نگری»، مجله برنامه و بودجه، سال اول، ضمیمه ۱۱ اسفند ۱۳۷۵.

۲- Cuhls, Kerstin, From Forecasting to Foresight Processes- New Participative Foresight Activities in Germany, Journal of Forecasting, Vol.22.No 2-3, 2003.

باورها و امیدها در

چشم‌انداز بلندمدت توسعه ایران

◀ مقدمه

چشم‌اندازهای توسعه، به همان میزان که از لحاظ دامنه زمانی، از حال حاضر فاصله می‌گیرند و به سوی آینده بسط می‌یابند، برای دفاع از خود، از مبانی نظری و تئوریهایی متعارف و شناخته شده توسعه فاصله می‌گیرند و بیشتر بر پایه ترکیبی از «اصول و ارزشها» و یا «باورها و امیدهای» طراحان و تصمیم‌گیران اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ذی‌ربط استوار می‌گردند. چشم‌انداز بلندمدت توسعه ایران اسلامی نیز، از این قاعده مستثنا نبوده و از این رو در یک تجزیه و تحلیل دقیق می‌توان آن را تلاشی سیستماتیک متکی بر باورها، در مسیر تحقق امیدهای زیر دانست:

اگر چه باورهای مزبور به عنوان چشم‌انداز توسعه در حال حاضر از مقبولیت نسبی نظری نیز برخوردار است، ولی برای آینده تنها انتخاب، قبول یا رد آن است:

◀ ۱- باورها

- ۱-۱ حرکت در مسیر تحقق جامعه آرمانی جمهوری اسلامی ایران، یک اصل است. جامعه آرمانی مورد نظر که در چارچوب چشم‌انداز بلندمدت توسعه ایران پیگیری می‌شود، جامعه‌ایست که در آن بر پایه اصول اساسی اسلام، کرامت و آزادی انسان حفظ و شرایط رشد او در حرکت به سوی نظام الهی فراهم آمده است.
- ۱-۲ توسعه، در مفهوم مورد نظر آن در چشم‌انداز بلندمدت جمهوری اسلامی ایران، نوعی فرایند گسترش آزادی واقعی است، که مردم از آن سود می‌جویند. این نگرش به توسعه، با دیدگاههای محدود از آن که توسعه را برابر رشد تولید ناخالص داخلی و یا افزایش درآمد سرانه افراد، می‌داند، تباین دارد.
- ۱-۳ توسعه زمانی محقق می‌شود، که یک نظام اقتصادی و سیاسی در چالش اصلی خود یا عوامل اصلی ضد آزادی به صورت پایدار و معنی‌دار پیروز شده باشد. این رویکرد، بر این باور است که عواملی چون: فقر و ظلم، تضعیف موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی یک

ملت، محدود شدن فرصتهای اقتصادی، محرومیت‌های نظام ضد اجتماعی، بی‌توجهی به تأمین مناسب امکانات عمومی و عدم تسامح و یا دخالت‌های بیش از حد دولتها، از جمله مهم‌ترین عوامل ضد آزادی‌اند.

۱-۴ توسعه قابل دفاع، توسعه انسانی است که بسیار فراتر از بهبود مستقیم کیفیت زندگی است، اگر چه هر توسعه‌ای از کیفیت برتر زندگی برخوردار می‌باشد. در این توسعه ایجاد فرصتهای اجتماعی به طور مستقیم سهم مؤثری در گسترش قابلیت‌های انسانی و بهبود میزان مشارکت وی در فرایند کلی توسعه بازی می‌نماید.

۱-۵ سازوکار بازار، که عشق و علاقه در موافقت و مخالفت آن همچنان در ادبیات اقتصادی و توسعه بسیار فراوان است، یک نظم پایه‌ای قابل قبول روابط انسانی و تعالی فعالیت‌های اجتماعی وی است. بنابر این پابرجایی و یا رشد مشکلات اقتصادی و اجتماعی تجربیات توسعه گذشته راه، نه در وجود بازار، بلکه باید عمیقاً به ترتیبات سیاسی و اجتماعی وابسته دانست.

۱-۶ اگر چه کارایی سیستم بازار قابل تردید نیست، ولی ماحصل کارایی آن نمی‌تواند به خودی خود موجب تضمین برابری توزیعی گردد. مشکلات فضای نابرابری آزادیها، زمانی که نارسائیهها به طور همزمان (مطلوبیت، بیسوادی و بیکاری) عارض یک نظام اجتماعی می‌گردد، بزرگتر جلوه می‌نماید.

۱-۷ قدرت وسیع سازوکار بازارها باید به وسیله ایجاد فرصتهای اجتماعی اساسی جهت برابری اجتماعی و عدالت تکمیل گردد. از این رو حتی زمانی که نیاز مبرم به اصلاحات اقتصادی برای ایجاد فضای بیشتر برای بازار احساس می‌شود، این امکانات غیر بازاری مستلزم تصمیم قاطعانه و دقیق دولتی است.

۱-۸ عقلانیت سازوکار بازار با کالاهای خصوصی همخوانی دارد، نه با کالاهای عمومی. مع‌هذا در تأمین نیازهای عمومی و تأمین اجتماعی فراتر از محدودیت‌های مالی و کسری بودجه، باید نگران مسئله انگیزه‌ها و اثرات منفی و بازدارنده‌ای که یک سیستم تأمین اجتماعی می‌تواند در ابتکار عمل و انحراف تلاش‌های فردی داشته باشد، بود. از

این رو در بحث کالاهای عمومی و تأمین اجتماعی، ضرورت دوراندیشی مالی و اهمیت نظام انگیزه‌ها، دو اصل پایه‌ای شکل‌گیری نظام چشم‌انداز بلندمدت توسعه، محسوب می‌گردد.

۱-۹ مبانی حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، برای هر سه موضوع اختلاف برانگیز زیر، در رابطه با آزادیهای سیاسی و مدنی با توسعه ملی، پاسخ روشن دارد:
- آزادیها و احترام به حقوق مدنی، نه تنها به رشد و توسعه ملی آسیب نمی‌رساند، بلکه از عوامل مهم آن محسوب می‌شود.

- آزادیهای سیاسی و رفع نیازهای اقتصادی، مکمل هم محسوب می‌گردد.
- آزادیهای سیاسی و مردم‌سالاری، اولویت و ارزشی برخوردار است از قلب فرهنگ دینی و ملی کشور، محسوب می‌گردد.

۱-۱۰ برای کشورهای در حال توسعه به طور عام، و ایران به طور خاص، تعامل مؤثر و نزدیک با اقتصاد جهانی، مهم‌ترین شرط لازم دستیابی به رشد و توسعه پایدار و مستمر است.

۱-۱۱ کسب مقبولیت سیاسی در جامعه جهانی، و تأثیرگذاری بر مدیریت نظم جهانی، مهم‌ترین ضرورت تعامل موفق اقتصادی است.

۱-۱۲ باز بودن برای فعالیتهای اقتصادی بین‌المللی، نقش کاملاً تعیین‌کننده‌ای در عملکرد بهتر اقتصاد ملی بازی می‌کند.

۱-۱۳ رقابت بیشتر در اقتصاد داخلی، احتمال رقابت‌پذیری خارجی را توسعه می‌دهد.

۱-۱۴ چشم‌انداز مطلوب و بلندمدت توسعه ایران، دفاع از باورهای زیر است:

الف: حرکت تهاجمی به خارج به جای ایجاد جذابیت ملی

ب: جهانگرایی در مقابل اتکا به بازارهای داخلی

ج: اتکا بر فرایندهای فناوری به جای اتکا بر دارایی‌ها و منابع

د: توسعه ریسک‌پذیری فردی در مقابل حرکت و تلاشهای جمعی

ه: توسعه آینده کاملاً امکان‌پذیر، و مشروط به تصمیمات راهبردی است.

- ۱-۱۵ از لحاظ روش‌شناسی، چشم‌انداز توسعه کشور، بر این باور استوار است که: مدیریت اقتصادی در قالب‌های غیر مبتنی بر نگرش‌های راهبردی، و بدون تعهد به آرمان‌های بلندمدت، در نهایت کشور را به مسیر روزمرگی، تسلسل، تراکم دشواریها و تنگناها سوق خواهد داد.
- ۱-۱۶ امروزه برنامه‌ریزی فرایندها متکی بر این نیست که عدم تعادل را چگونه باید به تعادل کشانید، بلکه اصل بر این است که فرایندهای توأمان تعادل - عدم تعادل که هم زمان در هم تنیده‌اند را، چگونه باید مدیریت و راهبردی کرد.
- ۱-۱۷ چشم‌انداز بلندمدت توسعه ایران، با توجه به اهمیتی که از آن سخن گفته شد، از میان نگاه‌های به آینده، با نگاه آینده‌ساز **Proactive**، تهیه و تنظیم شده است. این انتخاب بر این باور استوار است که، نگاه آینده‌ساز از آثار نامطلوب بحران‌های احتمالی خواهد کاست.
- ۱-۱۸ توسعه اقتصاد ایران با چالش‌های متعددی برای آینده روبه‌روست، اما همان گونه که قبلاً خاطر نشان گردید، برای تجربه جامعه‌ای امن و آزاد، دو چالش اصلی ایجاد شغل، فعالیت مولد و درآمد در جریان رشد پیوسته و پایدار، و ارتقای موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی مهم‌ترین هستند.
- ۱-۱۹ با عنایت به نقش تعیین کننده و پایدار اسلامیت نظام در تأمین و تضمین امنیت ملی کشور، رویکرد اقتصادی و بین‌المللی برای تقویت شرایط امنیت و اقتدار ملی، نه تنها کاملاً توجیه‌پذیر است، بلکه یک الزام در مرحله کنونی زندگی اجتماعی ملت بزرگ ایران است.
- ۱-۲۰ نهایتاً چشم‌انداز توسعه ایران بر این باور استوار است که تحقق جهت‌گیری‌های راهبردی زیر، به خوبی انتقال کیفی مورد نظر در ساختار اقتصادی کشور، و ظرفیت پاسخگویی به چالش‌های مهم پیش رو و تحقیق جامعه آرمانی را خواهد داشت:
- رشد مستمر و پایدار (با شتاب مناسب)
 - توسعه مبتنی بر دانایی

- تعامل فعال با اقتصاد جهانی
- بهبود رقابت‌پذیری اقتصاد ایران (در سطح ملی، جهانی و منطقه‌ای)
- تأمین امنیت انسانی و عدالت اجتماعی
- ارتقای چشمگیر کیفیت زندگی مردم ایران
- توجه ویژه به استانداردهای محیط زیست و توسعه پایدار
- عنایت کامل به توسعه فرهنگی کشور
- توسعه کیفی مدیریت دولت و ظرفیتهای توسعه‌ای آن
- توسعه قضایی مناسب و پویا
- حفظ و بهبود سطح تعادل و توازن منطقه‌ای کشور بر اساس آمایش سرزمین

◀◀ ۲- امیدها

- ۲-۱ زمینه‌سازی و دستیابی به اجمال ملی در مورد باورها و مسیر حرکت بلندمدت توسعه ایران
- ۲-۲ ایجاد اراده سیاسی لازم و مسئولیت‌پذیری سطح بالا، در قبال اصلاحات اساسی در باورها و اقدامها
- ۲-۳ حفظ و دفاع از یکپارچگی ملی متکی بر نقاط قوت قانون اساسی کشور، در مراحل انتقالی و سخت تحقق چشم‌انداز توسعه

چارچوبی برای تحلیل

چشم‌انداز بلندمدت

اقتصادی – اجتماعی ایران

◀ مقدمه

تهیه و تدوین برنامه چهارم، با توجه به ضرورتها و الزامات ناشی از آرمانهای قانون اساسی، تحولات بین‌المللی، فضای نوین اقتصاد جهانی و نیازهای توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور، در مرحله کنونی از جمله رشد سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال و در بلندمدت، برپایی اقتصادی توانمند، پویا و بالنده با هدف تحقق صادرات انبوه به جای صدور مواد و کالاهای نخستین - به ویژه نفت خام - مستلزم داشتن رویکردی منطقی نسبت به تحولات پیش رو، و ترسیم چشم‌انداز آینده در افق بلندمدت **Vision** است.

جهان در قرن بیست و یکم، دنیایی آکنده از رقابت، توسعه بازارها، ظهور و رواج تکنولوژی‌های برتر و گسترش تجارت است. بنابر این شرط توفیق در این عرصه، بهره‌گیری از فرصتها و رویارویی با چالشهای پیش رو است، و این همه ایجاب می‌کند که فرایند توسعه اقتصادی - اجتماعی با رویکردی راهبردی نسبت به تشخیص شرایط جدید بین‌المللی و با شناخت دگرگونیها در ترکیب و روند مناسبات سیاسی - اقتصادی جهانی و منطقه‌ای، و همچنین با نگرش به مهم‌ترین مسائل و تنگناهای اقتصاد ملی، مسیر انجام تحولات ساختاری - تکنولوژیک و پاسخگویی به الزامات رشد پایدار و با ثبات اقتصاد کشور را هموار سازد.

بدیهی است اتخاذ رهیافتی استراتژیک نسبت به تعیین اولویتها و جهت‌گیری‌های اساسی آینده کشور، در متن تحولات بین‌المللی - منطقه‌ای، تنها نمی‌تواند به برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت بسنده کند و ناگزیر باید بر برنامه‌ریزی‌های بلندمدت، ارائه‌ی دورنما و تحلیل چشم‌اندازهای با افق دوردست، با هدفگذاری و سمت‌گیریهای روشن و مشخص متکی باشد. برنامه‌ریزی‌های بلندمدت، با تجسم بخشیدن به مبانی اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی جامعه آرمانهای آینده، زمینه شکل‌گیری تحولات و اصلاحات و بازآرایی اقتصاد ملی و چارچوبهای طراحی و اجرای برنامه‌های میان‌مدت و کوتاه‌مدت را فراهم می‌آورد. مدیریت اقتصادی در قالبهای غیر مبتنی بر نگرشهای راهبردی، و بدون تعهد به آرمانها و آماجهای بلندمدت، در نهایت، کشور را به مسیر نوعی روزمرگی و تسلسل و تراکم دشواریها و تنگناها سوق خواهد داد.

شایان توجه است که برنامه بلندمدت راهبردی، در مجموع اقتصاد ملی و در بخشهای مختلف آن به هیچ روی به معنای تجمیع چند برنامه میان مدت نیست و در واقع، هدف نهایی آن معطوف به تبیین گزینه‌های استراتژیک و جهت‌های اصلی تحولات ساختاری - نهادی و ارائه‌ی عرصه‌های انتخاب برای تدوین برنامه‌های میان مدت، در مسیر حرکت به طرف جامعه آرمانی است. از همین رو برنامه‌های بلندمدت را می‌توان با تمثیلی ساده، به افروختن نوری در تاریکی آینده تشبیه کرد که حرکتها و ساماندهیهای کوتاه مدت و میان مدت را، با کمترین انحراف و اتلاف در تخصیص منابع، به سوی نقطه راهنما هدایت می‌کند.

در همین حال برنامه استراتژیک بلندمدت، چشم‌اندازهای آینده کشور را با ملاحظه روندها و گرایشهای راهبردی سیاسی - اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی، در سطوح بین‌المللی و ملی، مطرح می‌کند و به اعتبار این برنامه، تحلیل چشم‌انداز، تفاوت‌های اساسی با شکل موسوم برنامه‌ریزی‌های میان مدت و بلندمدت اجرایی دارد. هدف از تهیه چنین برنامه‌ای از یک سو، آگاهی از گرایشهای مسلط و تعیین کننده در حوزه مسائل مربوط به امنیت و بقای ملی در آینده است و از سوی دیگر، شناخت عوامل بحران‌زا و ارائه‌ی راهکارهای مناسب برای غلبه بر بحرانها است، که ناگزیر باید با ارائه‌ی چارچوبی برای مدیریت استراتژیک و طرح راهبردهای بلندمدت توسعه اقتصادی - صنعتی کشور با نگرشی به فرصتها و چالشهای پیش رو توأم باشد. طبعاً طی کردن مرحله گذار از وضع موجود، و رسیدن به وضع مطلوب در افق بلندمدت، مستلزم دگرگونی در ساختارها و نهادها و همچنین تنظیم حرکتها به گونه‌ای بهینه و به نحوی است که بتواند زمینه‌های رشدی پیوسته و پایدار، مبتنی بر تحولات عمیق تکنولوژیک را فراهم آورد. در سازماندهی تنظیم این برنامه، ناگزیر باید دیدگاهی استراتژیک را اتخاذ کرد، که الزاماً دو زمینه زیر را در بر می‌گیرد:

- مطالعات تخصصی استراتژیک که جنبه عام و راهبردی دارد.

- تدوین راهبردهای برنامه‌ای بلندمدت، که به طور خاص معطوف به تدوین چارچوب برنامه‌ها در سطوح کلان بخشی و منطقه‌ای است.

در آینده‌نگری اقتصاد ایران، چند نکته حائز اهمیت است:

- ۱- ویژگی‌های ممتاز جغرافیایی اقتصادی ایران و قرار گرفتن آن در مرکز ذخائر نفت و گاز جهان [بیش از هفتاد درصد (۷۰٪)] و دسترسی به بازارهای منطقه‌ای، در حدود ۳۰۰ میلیون نفر در شرایط کنونی و در افق بلندمدت، بیش از نیم میلیارد جمعیت توأم با اهمیتی که مکان و موقعیت مکانی **Location** در محاسبات بنگاه‌های بزرگ صنعتی - تجاری جهان، در یافتن محل مناسب برای سرمایه‌گذاری، تولید صنعتی و تجارت پیدا کرده است. اگر چه در تحولات اقتصاد بین‌المللی، دگرگونی در فناوری، کاهش هزینه حمل و نقل، سرعت ارتباطات و جریان اطلاعات، منجر به کاسته شدن اثر فواصل مکانی شده است، با این حال در تعاملات اقتصادی مناطق جهان از جمله روانه‌های مربوط به تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سرمایه‌گذاری‌های مالی و جریان تکنولوژی، هنوز فاصله‌ها و موقعیت مکانی، نقش پراهمیتی دارد و از همین روی ایران، از دیدگاه شکل‌گیری یک شبکه بزرگ تولید و تجارت مواد و کالاهای واسطه‌ای و قطعات و کارافزارهای صنعتی **Supply Network**، در حوزه‌های اطراف خود، و دسترسی به بازار وسیع منطقه، بالقوه دارای استعداد و امتیاز توسعه‌ای فوق‌العاده‌ای است، و می‌تواند از طریق پیوند با اقتصاد جهانی و نفوذ در شبکه‌های ارزش بین‌المللی، به یک قطب بزرگ تولید صنعت و تجارت در منطقه تبدیل شود.
- ۲- ایران در سالهای آینده ضرورتاً، عضوی از سازمان تجارت جهانی خواهد شد. اهمیت این مطلب از آن باب است که، در شرایط کنونی بیش از نود درصد (۹۰٪) ارزش مبادلات کالا و خدمات جهان (زائد بر ۱۴ هزار میلیارد دلار)، در بین اعضای این سازمان با حضور ۱۴۶ کشور انجام می‌پذیرد و ایران، در سالهای آینده نمی‌تواند از ورود در چنین باشگاهی صرفنظر نماید، و ناگزیر باید مراحل الحاق به چنین سازمانی را، از دیدگاه اصلاحات نهادی و سیاستی بپذیرد و به آن عمل نماید. نخستین گام برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی برای کشوری چون ایران، که بخش اعظم فعالیت‌های اقتصادی آن با نهاد دولت و تصدی‌گریهای آن، پیونده خورده است، اصلاح نهادهای عمومی، کوچک کردن دولت و کارآمد کردن آن، توسعه بخش خصوصی و آزادسازی در وجوه مختلف اقتصادی است.

۳- در فرایند جهانی شدن اقتصاد، گسترش تجارت در ابعاد وسیع، یکی از ویژگی‌های مهم دهه‌های آینده خواهد بود. نسبت تجارت به تولید ناخالص داخلی جهان، که در سال ۱۹۵۰ معادل هفت یا هشت درصد (۷٪ یا ۸٪) بوده و در شرایط کنونی به بیست و دو تا بیست و سه درصد (۲۲٪ تا ۲۳٪) رسیده است، بنابر پیش‌بینی رئیس سابق سازمان تجارت جهانی، در دو دهه آینده به حدود پنجاه درصد (۵۰٪) افزایش خواهد یافت. این مطلب به آن معنا است که ارزش صادرات کالایی جهان، در بیست سال بعد، به حدود ۳۰ هزار میلیارد دلار خواهد رسید. اگر با توجه به موقعیت ممتاز جغرافیایی ایران، پهنه گسترده سواحل جنوبی و شمالی، و همچنین اهمیت آن به منزله گذرگاه اصلی در کریدور شمال - جنوب چنین فرض شود که تنها ده درصد (۱۰٪) از این مبادلات تجاری از مسیر ایران بگذرد، ایران در این افق زمانی باید بتواند زمینه‌های لازم برای ایجاد پایگاههای تجاری، و ترانزیت منطقه‌ای و بین‌المللی را در حد ۳۰۰۰ میلیارد دلار در سال هدف (سال میلادی ۲۰۲۰)، فراهم آورد.

۴- اقتصاد ایران اکنون در وضعیتی است که ضرورتاً، تمایل به اصلاحات و گرایشهای سیاسی در جهت آزادسازی، جلب سرمایه‌های خارجی، گسترش سرمایه‌گذاری‌های داخلی، توسعه و تعمیق فرایند صنعتی شدن، رشد مبادلات تجاری با خارج در چارچوب نهادسازی‌ها و تغییرات ساختاری پیش‌بینی شده در برنامه سوم عمرانی، در آن قوت گرفته است. بنابر این، چشم‌انداز، با ملاحظه امتیازات بر شمرده کشور، باید ضمن بیان فرصتها و چالشهای آینده، چارچوب معناداری را برای ادغام متقارن اقتصاد ایران در اقتصاد جهانی، مطرح نماید و همین مطلب نیز می‌تواند، به منزله محور اصلی موضوعی برنامه چهارم و متضمنات آن، از دیدگاه نهادآرایی‌های نوین و مناسب، انتخاب، و در فرایند تدوین برنامه چهارم به کار گرفته شود.

◀◀ حوزه‌های موضوعی تحلیل چشم‌انداز آینده ایران

فضا و تحولات اقتصادی بین‌المللی

- دگرگونی‌های ساختاری در روابط بین‌المللی

- ویژگی‌های نظم جدید اقتصاد جهانی (درهم‌آمیزی بین‌المللی و همگرایی‌های منطقه‌ای)

- گسترش بازار و رقابت بین‌المللی

- تکنولوژی‌های نو

- جهانی شدن فعالیتهای بنگاهی

- آزادسازی، توسعه بخش خصوصی و کاهش سهم و نقش دولتها

- نظامهای نوین سازماندهی صنعتی

- آزادسازی و توسعه بازارهای مالی

- همگرایی‌های منطقه‌ای

...

- روند درهم‌آمیزی کشورهای در حال توسعه با اقتصاد جهانی

- پیوند با اقتصاد جهانی: تکنولوژی، بازار و سرمایه

- شکل‌های گوناگون درهم‌آمیزی بین‌المللی

- بررسی تطبیقی درهم‌آمیزی بین‌المللی

...

- الزامات درهم‌آمیزی بین‌المللی و همگرایی‌های منطقه‌ای

- رشد و همگرایی‌های اقتصادی

- برونگرایی و باز بودن نظام اقتصادی

- نقش و سهم دولت و شرکتهای دولتی

- آزادسازی مالی

- مدیریت اقتصادی

- توسعه منابع انسانی و آموزش

...

- چشم‌انداز آینده اقتصاد جهانی

- موقعیت ایران از دیدگاه ادغام استراتژیک در اقتصاد جهانی

- روابط و مناسبات سیاسی بین‌المللی و منطقه‌ای
- ژئواکونومیک نفت و گاز
- ساختار تولید و تجارت
- ...
- ارزیابی عملکرد اقتصاد ایران، از دیدگاه درهم‌آمیزی با اقتصاد جهانی
- روندهای تجارت خارجی
- روندهای سرمایه‌گذاری خارجی
- موانع ساختاری، سیاسی و عملکردی
- ...
- ضرورت درهم‌آمیزی اقتصاد ایران با اقتصاد جهانی
- جمعیت و اشتغال
- کاهش درآمدزایی بخش نفت
- رشد و توسعه اقتصادی - صنعتی
- ...
- درهم‌آمیزی اقتصاد ایران با اقتصاد جهانی: الزامات و راهبردها
- امتیازها و محدودیتها
- الزامات و راهبردها
- ...
- شناخت ویژگی‌های اقتصاد ایران
- سرزمین و جمعیت
- ساختار تولید و بازرگانی خارجی
- سرمایه انسانی، مهارت‌ها، درجه پیشرفت فنی و قدرت جذب اقتصادی
- توسعه انسانی
- وابستگی‌های اقتصادی - انرژی، غذا و تکنولوژی

- موقعیت ایران در مقایسات بین‌المللی

فضای سیاسی و جهت‌های کلی تحولات اقتصادی - اجتماعی دو دهه اخیر

- جهت‌گیری‌های توسعه‌ای

- چارچوب مدیریت اقتصادی - دگرگونی‌های سیاستی

- روند و گرایشها

- روندهای اقتصادی - کلان (تولید، مصرف، سرمایه‌گذاری، تجارت، جمعیت، اشتغال، بهره‌وری و ...)

- روندهای اقتصادی - بخشی (بخشهای استراتژیک شامل انرژی، صنعت، آب، کشاورزی و ارتباطات و ...)

- روندهای اجتماعی - فرهنگی (توزیع درآمد، نابرابری‌های شهر و روستا، آموزش، بهداشت، زنان، جوانان، تأمین اجتماعی و ...)

- روندهای آمایشی - منطقه‌ای

- تنگناها و محدودیتها (ساختاری، نهادی، سیاسی، عملکردی و ...)

آینده‌نگری و گزینه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی

- دیدگاهها و خاستگاه‌های اقتصادی - اجتماعی

- شناخت تصویر جامعه آرمانی (قانون اساسی و سایر منابع)

- سازماندهی دولت و نظام اقتصادی کشور

- نقش بخش دولتی

- قلمرو فعالیتهای بخش خصوصی

تصویر بلندمدت اقتصاد ایران

- قانونمندی‌های رشد اقتصادی - صنعتی و تحولات ساختاری

- ملاحظات تأثیرگذار در تصویر آینده اقتصادی - اجتماعی کشور

- ملاحظات جمعیتی (جمعیت، اشتغال، بهره‌وری، بیکاری)
- ملاحظات اقتصادی (رشد، تحول تکنولوژیک و دگرگونی ساختاری)
- ملاحظات آمایشی
- ملاحظات اجتماعی
- ...

- گزینه‌های رشد (تولید، سرمایه‌گذاری، تجارت، جمعیت، اشتغال، بهره‌وری و ...)
- توسعه منطقه‌ای، تأمین اجتماعی، امنیت غذایی و ...
- ...

الزامات و راهبردهای تحقق هدفهای استراتژیک بلندمدت

- توسعه سیاسی و جامعه مدنی
- اصلاحات دیدگاهی و تجدید ساختار اقتصاد ملی
- فضاسازی برای گسترش فعالیتهای اقتصادی صنعتی (چارچوب مدیریت اقتصادی)
- تنظیم روابط بین‌المللی، همکاری‌های فنی و جلب سرمایه‌های خارجی
- هماهنگی و اصلاح جهت‌گیری‌های مالی، پولی و تجاری
- تجهیز منابع، توسعه نیروی انسانی و افزایش کارایی (توسعه علوم و تکنولوژی)

راهبردها

- توسعه بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری خارجی
- برون‌گرایی و توسعه صادرات صنعتی
- رقابت‌پذیری و سازمان صنعتی
- ارتقای توانمندی‌های تکنولوژیک
- توسعه صنعتی و توسعه پایدار
- توسعه منطقه‌ای
- امنیت انسانی

◀ چارچوب تدوین طرح راهبردی توسعه اقتصادی - صنعتی ایران Vision

◀ ۱- عوامل تأثیرگذار بر رویکرد آینده اقتصادی - صنعتی کشور

طراحی تصویر و منظر آینده توسعه اقتصادی - صنعتی ایران، ناگزیر از الزامات و ملاحظات زیر تأثیر می‌پذیرد:

- دگرگونی در ساختار مناسبات و روابط اقتصادی - صنعتی در فضای نوین اقتصاد جهانی (تغییر نقش دولت، توسعه بخش خصوصی، مقررات‌زدایی و آزادسازی، گسترش تجارت و تشدید رقابت بین‌المللی، تغییر در دیدمانهای اقتصادی - فنی صنعت و تولید صنعتی در جهان، ورود به عصر اطلاعات و انفورماتیک و ...)

- دگرگونی در دیدمانهای توسعه اقتصادی - صنعتی در جهان با تکیه بر رشد برون‌نگر و توسعه مشارکت سیاسی و اقتصادی

- دگرگونی در نقش دولت و نهادارایی‌های نوین در بخش عمومی، با هدف آینده‌نگری و بسترسازیهای مناسب

- ارزیابی عملکردهای سیاستی گذشته در حوزه‌های اقتصادی - صنعتی

- ارزیابی عملکرد اقتصادی - صنعتی کشور طی دو دهه گذشته و موانع ساختاری - نهادی توسعه اقتصادی - صنعتی

- ارزیابی برتری‌ها و امتیازات نسبی اقتصادی - صنعتی کشور

- ارزیابی گزینه تداوم روند موجود، ضرورت‌ها و چالشهای آینده

◀ ۲- ویژگی‌های جامعه آرمانی و اصول و ارزشهای متعالی حاکم بر فرایند رشد و توسعه

اقتصادی - اجتماعی کشور (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سیاستهای کلی نظام)

COREVALUES

- کرامت و توسعه انسانی

- اقتصاد و امنیت ملی

- نیازهای اساسی جمعیت

- عدالت اجتماعی
- ارتقای توانمندی‌های علوم، تحقیقات و فناوری
- حفظ محیط زیست و توسعه پایدار

۳- تصویر و رویکرد استراتژیک توسعه اقتصادی - اجتماعی ایران در دو دهه آینده

MACROVISION

درآمد سرانه در سال هدف و دگرگونی‌های ساختاری ملازم آن

۳-۱- ساختار اقتصادی

- ساختار تولید ملی و سهم بخشهای اقتصادی در تولید، تجارت و اشتغال
 - سهم سرمایه‌گذاری در تولید ناخالص داخلی
 - بهره‌وری عوامل تولید
 - سهم دولت و بخش خصوصی در هزینه ملی
 - توزیع درآمد و بیکاری
 - حجم تجارت و سهم آن در تولید ناخالص داخلی
- #### ۳-۲- سطح درهم‌آمیزی و نفوذ در اقتصاد جهانی
- حجم و سهم تجارت ایران در تجارت جهانی
 - سهم سرمایه‌گذاری خارجی در مجموع سرمایه‌گذاری کشور
 - سهم صادرات صنعتی در مجموع صادرات کشور
 - سهم ایران در مجموع روانه و انباره‌ی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان، در سال هدف

۳-۳- دانش، تحقیقات، تکنولوژی و سرمایه انسانی

- سهم هزینه ناخالص تحقیقات صنعتی در تولید ناخالص داخلی
- سهم نیروی کار با تحصیلات دانشگاهی در مجموع نیروی کار

- سهم صادرات خدمات در مجموع صادرات کالا و خدمات
- نسبت متوسط بهره‌وری نیروی کار در ایران به بهره‌وری نیروی کار در کشورهای OECD

۴- تصویر و رویکرد استراتژیک آینده بخش صنعت و توسعه صنعتی در ایران

INDUSTRIAL VISION

هدف از توسعه صنعتی در دو دهه آینده، استقرار یک بخش صنعتی رقابت‌پذیر، پویا، انعطاف‌پذیر، توانمند و بالنده است.

۴-۱- ساختار صنعتی

- ارزش افزوده صنعت
- سهم ارزش افزوده صنعت در تولید ناخالص داخلی
- سهم ارزش افزوده خدمات صنعتی در کل ارزش افزوده بخش خدمات
- ارزش صادرات نفتی
- سهم صادرات صنعتی در کل صادرات
- سرانه محصول و صادرات صنعتی
- شاغلین در بخش صنعت
- سهم شاغلین بخش صنعت در کل اشتغال کشور

۴-۲- دانش، تحقیقات و فناوری در بخش صنعت

- سهم هزینه ناخالص تحقیقات صنعتی به ارزش افزوده بخش صنعت
- سهم نیروی کار تحصیل‌کرده (تحصیلات دانشگاهی به ویژه در رشته‌های علوم و مهندسی) و نیروی کار ماهر در کل نیروی انسانی بخش صنعت
- سهم صنایع با ارزش افزوده بالا و دانش‌بر، در مجموع ارزش افزوده بخش صنعت
- متوسط بهره‌وری نیروی کار بخش صنعت ایران، به میانگین بهره‌وری نیروی کار بخش صنعت کشورهای OECD

◀ ۵- ویژگی‌های فرایند رشد صنعتی

- پایداری و استمرار رشد صنعتی
- رقابت‌پذیری
- نفوذ در اقتصاد جهانی و شکل‌گیری حوزه‌های برتر تولید صنعتی

تحليل چشم انداز توسعه کشور

در افق ۲۰ ساله

◀ طرح موضوع

چشم‌اندازها، مستقل از دامنه و گستره‌ای که در ابعاد مختلف زندگی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هر نظامی در بر می‌گیرند، همواره بسیار فراتر از دیدگاه‌های کوتاه مدت، میان مدت و حتی بلندمدت متعارف، افق‌های نوین و متفاوتی، پیش روی برنامه‌ریزان می‌کشایند و تهدیدها و فرصتهایی حتی فراتر از یک نسل را برای گریز از گزینه‌های نادرست و تمرکز همه جانبه امکانات، استعدادها و اقتدار یک ملت در جهت تحقق خواسته‌های خود امکان‌پذیر می‌سازد.

اگر چه در شرایط ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی متفاوت، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری یک چشم‌انداز توسعه، متفاوت است، ولی در یک جمع‌بندی کلی:

- ۱- ترکیبی از آرمانها و ویژگی‌های جامعه ایده‌آل یک ملت (که اصولاً باید آن را در حقوق اساسی ملتها جستجو کرد)
- ۲- شرایط اقتصادی - اجتماعی موجود
- ۳- تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای و ویژگی‌های اقتصادی و فناوری فضای جهانی، تصویر قابل قبول، منطقی و تا حدود امکان، آرمان خواهانه جامعه آینده و مراحل دستیابی به آن را به نمایش می‌گذارد.

اگر چه تحقق هر چشم‌اندازی از وضع موجود و حال آغاز می‌شود، ولی تدوین چشم‌اندازها، همواره با این پیش فرض آغاز می‌گردد که تحولات ساختاری و شکل‌گیری شرایطی کاملاً متفاوت از وضع موجود در دوره زمانی یک چشم‌انداز، امکان‌پذیر و به اندازه کافی امید بخش و برانگیزاننده است.

◀ فصل اول: مبانی ارزشی چشم‌انداز

◀ ۱- ویژگی‌های جامعه آرمانی برگرفته از قانون اساسی

جامعه آرمانی مورد نظر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جامعه‌ای است که در آن بر پایه اصول اساسی اسلام، کرامت و آزادی انسان حفظ، و شرایط رشد او در حرکت به سوی نظام الهی،

فراهم آمده است. در چنین جامعه‌ای، اقتصاد وسیله است و در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست.

خصوصیات اساسی جامعه مورد بحث در قانون اساسی به شرح زیر است:

۱- استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

۲- آزادی به منزله عامل تحقق استقلال و استعداد‌های ملی

۳- وجود عدالت اجتماعی و نبودن فقر و محرومیت

۴- تأمین نیازهای انسانی، در جریان رشد و تکامل او

۵- بالندگی تولید و اشتغال کامل مولد

استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

الزامهای استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عبارتند از:

الف: ثبات سیاسی و نظم حقوقی و نهادی معطوف به توسعه اقتصادی متکی به مشارکت عامه

ب: توان داخلی برای گسترش مناسب ظرفیتهای تولیدی، با توجه به معیارهای اقتصادی

ج: توان سازماندهی اقتصادی مؤثر، به ویژه در روابط بین‌المللی، برای تأمین بهتر منافع ملی

د: توان توسعه علوم، فناوری و استفاده مؤثر از فناوری‌های نوین

ه: توان تأمین و نگهداشت سرمایه انسانی

و: تأمین مطمئن و اقتصادی کالاها و خدمات مورد نیاز جامعه رو به رشد ایران، از طریق پیوستگی

معقول با دنیای خارج

ز: برخورداری از توان دفاعی برای حفظ استقلال سیاسی و تمامیت ارضی

آزادی به منزله عامل تحقق استقلال و استعداد‌های ملی

الف: تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون

ب: مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش

ج: ممنوعیت تفتیش عقاید و عدم مؤاخذة و تعرض به افراد، به صرف عقیده‌ای خاص

د: تأمین آزادی احزاب، جمعیتها، انجمنهای سیاسی، صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده، در چارچوب اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و قانونی

ه: رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری

تأمین نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل

نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل، آن چنان که در قانون اساسی آمده است، مشتمل بر دو گروه، نیازهای فردی و نیازهای اجتماعی است.

الف: نیازهای فردی

خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت و درمان، آموزش و پرورش، تشکیل خانواده، شغل، مالکیت مشروع، حق دادخواهی قانونی و فرصت برای خودسازی معنوی، سیاسی، اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار.

ب: نیازهای اجتماعی

فرهنگ متعالی، تأمین اجتماعی، امنیت قضایی، توان دفاعی، فناوری پیشرفته و محیط زیست سالم.

عدالت اجتماعی و نبود فقر و محرومیت

ویژگی‌های عدالت اجتماعی و رفع فقر و محرومیت عبارتند از:

الف: برابری فرصتها و امکانات در دستیابی به آموزش، اشتغال، سرمایه و ابزار کار برای همه

ب: تأمین حداقل قابل قبول نیازهای اساسی مردم

ج: کاهش تفاوت‌های بین درآمد و ثروت به حداقل ممکن و متناسب با توسعه سالم اقتصادی - اجتماعی

د: تعادل نسبی اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی بین مناطق و استانهای کشور

بالندگی تولید و اشتغال کامل مولد

رشد مستمر تولید در تمامی شرایط، از ضروریات توسعه است. چنین رشدی باید دارای ویژگی‌های ذیل باشد:

- الف: اتکا به اقتصادی مولد، و دانش - پایه و رقابتی
- ب: استفاده از فناوری‌های نوین و مشارکت فعال نیروی کار جامعه، در ایجاد رشد
- ج: فراهم کردن موجبات ارتقای سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی کشور، در جریان رشد و بهبود توان توسعه فناوری
- د: توسعه و ساماندهی نهادهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به منظور تحقق رشد مستمر، با توجه به تحولات جهانی
- ه: استفاده حداکثر از امکانات، فرصتهای بین‌المللی و بازارهای جهانی در مسیر رشد اقتصادی

۲- مرحله کنونی رشد کشور، در راستای جامعه آرمانی و در افق چشم‌انداز

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در اصل چهل و سوم، به «رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور، در هر یک از مراحل رشد» اشاره نموده است.

جهان امروز جهانی است که:

- انسان به مرزهای بسیار بالای علوم و فناوری دست یافته است.
- عرضه علوم و فناوری دارای خصلتی متمرکز و شبه انحصاری است.
- بدون دسترسی مستمر به علوم و فناوری پیشرفته، تداوم سازندگی و شکوفایی اقتصادی و اجتماعی، امکان ناپذیر است.
- بستگی‌های متقابل جهانی، امری احتراز ناپذیر و برای رشد و تعالی اقتصادی ضرورتی است مسلم
- کشورهای کم توسعه یافته امروز می‌توانند با اتخاذ استراتژیها و برنامه‌ریزی‌های مناسب و صحیح، متکی بر استفاده از امکانات خویش و دست آوردهای انسانی عصر حاضر، فقر و محرومیت را ریشه‌کن سازند.

ایران امروز جامعه‌ای است که:

- فناوری در دسترس جامعه علی‌رغم پیشرفتهای محسوس آن، در سطحی پایین قرار دارد.
 - وجود منابع غنی نفت و گاز و سایر کانیها، امکان مالی دسترسی به دستاوردهای پیشرفته جهان امروز را برای جامعه، فراهم آورده است.
 - زیرساختهای اجتماعی، فیزیکی، تشکیلاتی و حقوقی لازم برای رشد و توسعه پایدار وجود دارد.
 - استقلال سیاسی حاصل آمده و می‌تواند پایه تنظیم و اجرای برنامه‌های مناسب توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور قرار گیرد.
 - نیروی انسانی متخصص، برای اجرای برنامه‌های توسعه و گسترش توان علمی و فناوری در جامعه وجود دارد.
- با توجه به ویژگی‌های جهان امروز و شرایط کنونی جامعه ایران، الزامهای مرحله‌ای رشد جامعه ایران در افق چشم‌انداز، در برگیرنده خطوط کلی زیر است:
- ۱- گسترش و تعمیق فرایند و فرهنگ توسعه صنعتی کشور، خدمات مولد ارزش افزوده بالا، جایگیری در حوزه‌های مناسب و برتر در تقسیم کار جهانی، در راستای ارتقای موقعیت و منزلت منطقه‌ای و بین‌المللی ایران
 - ۲- ظرفیت‌سازی و توانمندسازی جامعه، با تکیه بر علوم و فناوری‌های نوین
 - ۳- وجود دولتی توانمند، کارآمد، خردمند و معطوف به رشد و توسعه، در فضای جدید جامعه جهانی
 - ۴- احترام به حقوق خصوصی و ایجاد ساختارهای انگیزشی مناسب فردی و اجتماعی، برای شکل‌گیری رشد پایدار و تحقق امنیت انسانی

◀ فصل دوم: واقعیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی موجود جامعه

◀ ۱- ظرفیت‌های اساسی

۱-۱- سرمایه انسانی و اجتماعی

- برخورداری از جمعیت و نیروی کار جوان، که می‌تواند به عامل مثبتی برای تسهیل و تسریع فرایند رشد و توسعه اقتصادی، صنعتی کشور تبدیل شود.

- برخورداری از سرمایه انسانی، توانمندی‌ها و ظرفیت متخصصان و دانشمندان تراز اول، در رشته‌های پزشکی، فنی - مهندسی و ...

- برخورداری از ظرفیت‌ها، چارچوب‌های حقوقی و نهادهای لازم برای رشد و توسعه سیاسی، سبقت و برتری کشور نسبت به سایر کشورهای منطقه خاورمیانه در زمینه تشکیل نظام دموکراتیک، مردم سالاری و مشارکت سیاسی، اجتماعی و استقرار جامعه مدنی

- وجود ظرفیت‌ها و زیرساخت‌های اجتماعی، در بر گیرنده نظام‌های فنی، مدیریتی، حقوقی و اداری

- برخورداری از ظرفیت‌های فرهنگی در حوزه اندیشه پردازی و ابتکار طرح دیدمان‌های آینده‌ساز، مانند نظریه گفت و گوی تمدن‌ها در منطقه و جهان

- وجود حدود ۲/۱ میلیون نفر دانش آموختگان دارای تحصیلات عالی، که بیش از ۱/۸ میلیون نفر از آنان در بخش‌های مختلف تولیدی و خدماتی شاغل بوده و حدود ۳۰۰ هزار نفر بیکار و در جستجوی کار می‌باشند.

- حضور حدود ۱/۶ میلیون نفر دانشجو، در بخش دولتی و غیر دولتی

- وجود ۵۵/۶ هزار نفر اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها در بخش دولتی، که حدود (۳۸٪) آنان تمام وقت هستند.

- اشتغال به تحصیل حدود ۱۷/۷ میلیون نفر دانش آموز، در دوره‌های آموزشی ابتدایی تا متوسطه

۲-۱- تولید ملی

- تولید ناخالص داخلی ایران، در حال حاضر حدود ۱۲۰ میلیارد دلار (و بر مبنای برابری قدرت خرید حدود ۴۳۰ میلیارد دلار) است و در گروه کشورهای با درآمد متوسط پایین قرار دارد.

۳-۱- منابع هیدروکربور و سایر کانیها

منابع انرژی فسیلی (نفت و گاز)

ایران با دارا بودن (۱۶/۸٪) از سهم ذخایر گاز طبیعی دنیا، بعد از کشور روسیه، مقام دوم را در جهان دارد. در حالی که از نظر تولید گاز طبیعی، تنها (۲/۷٪) از تولید جهانی را به خود اختصاص داده است. ذخایر نفت کشور، معادل ۱۳/۵ میلیارد تن و سهم آن در ذخایر نفت جهان، برابر (۹/۴٪) است. از لحاظ ظرفیت تولید نیز، تولید سالانه کشور معادل ۰/۱۹ میلیارد تن و سهم آن در تولید جهان (۵/۲٪) است. نسبت ذخایر به تولید سالانه برابر ۷۳/۲ است. ایران از نظر ذخایر نفت، رتبه پنجم را در جهان دارد و از لحاظ تولید و صادرات، در بین کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) در رتبه دوم قرار دارد. با توجه به ذخایر غنی گاز در میدین مشترک، امکان شایان توجهی برای تولید هر چه بیشتر، صدور و همچنین تبدیل مصارف داخلی به گاز طبیعی، با عنایت به ملاحظات اقتصادی و زیست‌محیطی، وجود دارد.

سایر کانیها

ایران با (۱۵٪) ذخایر سرب، (۳/۵٪) ذخایر مس و (۲٪) ذخایر روی و منابع معدنی دیگری چون سنگ آهن، زغال سنگ، کرومیت، منگنز، و سنگهای ساختمانی و تزئینی از موقعیت ویژه‌ای در جهان برخوردار است.

۴-۱- ظرفیتهای و امکانات صنعتی

- برخوردارى از تجربه بیش از نیم قرن تلاش صنعتی، در زمینه ایجاد و بهره‌برداری از صنایع نوین، در بر گیرنده ساختاری با ۴۰۰ هزار واحد صنعتی، با بیش از ۲ میلیون کارکنان شاغل در این واحدها،

(که از این تعداد نزدیک به ۳۰۰ واحد بزرگ (با بیش از ۵۰۰ نفر کارکن) و حدود ۱۰۰ واحد متوسط (با تعداد ۱۰۰ تا ۵۰۰ نفر کارکن) است).

۵-۱- ظرفیت حمل و نقل

- شبکه جاده‌ای کشور متشکل از ۸۹۰ کیلومتر آزاد راه، ۳۷۶۰ کیلومتر بزرگ راه، ۲۳۲۵۰ کیلومتر راه اصلی و ۴۱۸۰۰ کیلومتر راه فرعی است.

- شبکه ریلی کشور، شامل ۷۱۵۰ کیلومتر راه آهن اصلی و ۲۱۰۰ کیلومتر راه آهن فرعی و صنعتی است.

- مجموع ظرفیت بنادر جنوب و شمال کشور بیش از ۴۶/۵ میلیون تن در سال با امکانات تخلیه و بارگیری است.

- امکانات فرودگاهی کشور، متشکل از ۲۲ فرودگاه بین‌المللی و ۳۷ فرودگاه داخلی با ظرفیت سالانه حدود ۶۰ میلیون مسافر است.

۶-۱- ظرفیتهای نیروگاهی

- در حال حاضر ظرفیت نصب شده نیروگاهی کشور، معادل ۲۸۸۹۲ مگاوات است که از این مقدار، حدود ۳۰۲۷ مگاوات نیروگاه آبی، ۱۴۱۳۹ مگاوات نیروگاه بخاری، ۱۱۳۲۵ مگاوات نیروگاه گازی و سیکل ترکیبی و ۴۰۱ مگاوات، نیروگاه دیزلی است.

- با توجه به منابع سرشار گاز در کشور، امکان توسعه نیروگاهها به میزان شایان توجهی وجود دارد. به لحاظ ظرفیتهای «برق آبی» نیز، ۶۴۴۰ مگاوات نیروگاه آبی در دست اجرا، و بیش از ۱۰ هزار مگاوات دیگر قابل احداث می‌باشد.

۷-۱- تنوع اقلیمی، وسعت خاک و منابع کشاورزی

- تنوع آب و هوایی در ۱۴ اقلیم گوناگون به نحوی است که ایران را در رتبه هشتم، به لحاظ تنوع تولید زراعی و باغی در جهان قرار داده است.

- از مجموع ۲۰ میلیون هکتار اراضی که شامل اکثریت اراضی مزروعی کشور است، ۱۸/۵ میلیون هکتار در چرخه بهره‌برداری قرار دارند. از این مقدار ۱/۳ میلیون هکتار (۶/۵٪) بدون محدودیت برای کشت، ۹/۵ میلیون هکتار (۴۸٪) با محدودیت کم تا متوسط برای کشت، ۸ میلیون هکتار (۴۰/۵٪) دارای محدودیت زیاد برای کشت است و (۵٪) بقیه مخلوطی از انواع محدودیتها است.
- بر خورداری از ۱۲/۴ میلیون هکتار جنگل و ۹۰ میلیون هکتار مرتع
- امکان استفاده از ۱۳۰ میلیارد متر مکعب آب از منابع آبی کشور
- وجود ذخائر ژنتیکی قابل توجه تا حدود ۱۰۰۰۰ گونه گیاهی و رقم قابل ملاحظه‌ای از توده‌های نژادی حیوانی
- وجود منابع آبی شامل دریا، دریاچه‌ها و رودخانه‌ها با امکانات صید و پرورش آبزیان و مصارف دیگر
- امکانات اکوتوریسم (گردشگری طبیعی) و سایر منابع گردشگری و وجود زمینه‌های لازم برای ایجاد صنایع و فعالیتهای مرتبط با آن

۸-۱- ظرفیتهای ارتباطات و فناوری اطلاعات ICT

- شبکه دسترسی مخابرات کشور شامل ۱۳ میلیون خط تلفن ثابت و ۲/۲ میلیون مشترک همراه و بیش از ۱۸۰۰ پورت دینام می‌باشد. همچنین بیش از ۳۶ هزار روستا در کشور از ارتباط مخابراتی برخوردار هستند.
- شبکه فعال فیبر نوری اصلی کشور که مهم‌ترین شبکه زیرساخت مخابراتی است، حدود ۱۳ هزار کیلومتر است که شامل خط TAE و امکان بهره‌برداری از شبکه جهانی FIAG می‌باشد.

۹-۱- تنوع قومی و قابلیتهای ناشی از آن

- تنوع قومی موجود در کشور و تنوع مظاهر فرهنگی در حوزه‌های مختلف ایران جاذبه‌های زیادی از نظر جلب سیاحان و گسترش صنعت جهانگردی و ایران‌گردی به وجود آورده است.
- سابقه تاریخی دفاع از مرزها در برابر تهاجم بیگانه، یکی از خصوصیات ناشی از تنوع قومی در ایران است که همچنان به عنوان عامل مثبتی در استحکام ملی و پایداری رشد تأثیرگذار خواهد بود.

۱۰-۱- موقعیت جغرافیایی و استراتژیک

- موقعیت مناسب ژئوپولیتیکی کشور، از جهت دسترسی به بازارهای منطقه‌ای و جهانی، نقش آفرینی منطقه‌ای، به لحاظ قرار گرفتن در مسیر ارتباطی شرق و غرب و کشورهای آسیای میانه و آبهای گرم خلیج فارس، قرار گرفتن بین دو کانون مهم انرژی، همراه با دسترسی به آبهای آزاد، و همسایگی با ۱۵ کشور و همچنین استقرار در بزرگترین جغرافیای پیوستگی اسلامی

۱۱-۱- میراث فرهنگی و پیشینه تاریخی غنی

- وجود تمدن و فرهنگی غنی، با سابقه طولانی و شکوهمند تاریخی، که سهم چشمگیری در گشودن افقهای بلند در میراث علمی و فکری بشر داشته است. این تأثیرگذاری تا به آنجا است که ایرانیان را به ملتی پیشرو در منطقه خاورمیانه، تبدیل نموده است.

- بیش از ۱۰۰ هزار اثر تاریخی، و بیش از یک میلیون اثر شبه تاریخی، در سراسر کشور شناسایی شده، که ایران را در زمره‌ی ۱۰ کشور برخوردار از میراث فرهنگی غنی در جهان قرار داده است.

- برخورداری از جلوه‌های ویژه فرهنگی و زیارتی، با قابلیت‌های درخور توجه برای توسعه جهانگردی

۱۲-۱- ظرفیتهای پژوهش و فناوری

- وجود ۱۴۸۶ واحد فعال تحقیق و توسعه در کشور، با جمعاً ۲۱۳۵۸ نفر کادر تمام وقت، که از این تعداد ۷۷۹ واحد، خصوصی بوده‌اند.

- وجود زمینه گسترش اطلاعات و ارتباطات در کشور، با توجه به استقرار در منطقه‌ای با فاصله زیاد از حلقه‌های اینترنتی **Hub** جهان و وجود ظرفیتهای تخصصی در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات

۱۳-۱- ظرفیت برقراری امنیت سرزمین

- وجود توانایی‌های لازم برای دفاع از استقلال و تمامیت ارضی کشور و بهره‌برداری از ظرفیتهای اقتصادی، زیربنایی و انسانی

۱-۱۴- ظرفیت چشمگیر و پتانسیل نشده در زمینه هم‌پیوندی با اقتصاد جهانی

- برخورداری از سابقه بیش از یک قرن تولید و صدور نفت و در نتیجه تعامل تجاری و مبادلاتی با جهان خارج و شکل‌گیری ظرفیتهای و منابع و امکانات تجاری و مبادلاتی در کشور که می‌تواند در فرایند گذار به گسترش و تعمیق درهم‌آمیزیهای بین‌المللی عامل مثبت و یقین‌کننده‌ای قلمداد شود.

- بالا بودن نسبت تجارت به تولید ناخالص داخلی کشور در مقایسه با متوسط عملکرد در سطح جهانی و برخورداری از قابلیت پذیرش فرهنگ برون‌گرایی استقرار رویکردهای نوین نهادی- سیاسی.

۲- مسائل اساسی و کلیدی

۲-۱- ساختار جمعیتی جوان کشور

- در شرایط کنونی، از هر ۳ نفر ایرانی، یک نفر در گروه سنی ۲۹-۲۰ ساله قرار دارد. جمعیت گروه سنی ۲۹-۲۰ ساله کشور، که در سال ۱۳۷۵ حدود ۱۰ میلیون نفر بود، در سال ۱۳۸۰، به ۱۲ میلیون نفر افزایش یافت و با ادامه این روند پیش‌بینی می‌شود در ظرف ۵ سال آینده، به حدود ۱۷ میلیون نفر افزایش یابد. تأمین نیازهای این گروه سنی، در حوزه‌های اشتغال و معیشت و مسکن، از چالشهای اساسی کنونی در این مقطع محسوب می‌شود و عدم تأمین این نیازها، با ملاحظه سواد و توقعات این گروه، می‌تواند منشأ آسیبها و بحرانهای اجتماعی باشد.

۲-۲- تشدید روند شهرنشینی

- تشدید روند شهرنشینی و شهرگرایی، ناشی از مازاد جمعیت و نیروی کار مناطق روستایی و نواحی کمتر رشد یافته، به شهرها و کانونهای بزرگ شهرنشینی، بخصوص در سالهای (۷۵ - ۱۳۵۵)، زمینه تشدید آهنگ رشد، توسعه سریع کالبدی شهرهای بزرگ و تغییر نظام اجتماعی زیست می‌شود.

جمعیت شهرنشین طی دو دهه مذکور، با نرخ رشد سالانه‌ای در حد (۴/۳٪) افزایش یافته و از ۱۵/۹ میلیون نفر به ۳۶/۸ میلیون نفر بالغ شده است. این تحول موجبات شکل‌گیری انتظارات و خواسته‌های فردی و اجتماعی نوینی شده است که تأمین آن از جمله چالشهای مدیریت اقتصادی، اجتماعی کشور است.

نابرابری‌های روزافزون بین جوامع روستایی و شهری، زمینه ساز تداوم شدیدتر جریانهای مهاجرت و گسترش حاشیه نشینی در اطراف شهرهای بزرگ می شود. استمرار این فرایند موجب گسترش سریع کالبدی شهرهای بزرگ و ادغام شهرهای همجوار در این مراکز می شود و مدیریت مجموعه شهری را با مشکل مواجه می سازد.

سرریز مهاجران و بالا رفتن آهنگ طبیعی رشد جمعیت در فاصله سالهای (۸۰-۱۳۳۵) شمار کانونهای شهرنشینی را از ۱۹۹ نقطه به ۹۰۰ نقطه افزایش داده است.

۲-۳- بالا بودن و ساختار نامتعادل بیکاری

- وجود نزدیک به سه میلیون نفر بیکار در شرایط کنونی یکی از مسائل مهم کشور است.
- نرخ بیکاری زنان در سال ۱۳۸۰ معادل ۱/۵ برابر مردان بوده است که با توجه به عدم تغییر ساختار جنسیتی، در صورت ادامه روند موجود، نسبت فوق در همین حد باقی خواهد ماند.

۲-۴- ناکافی بودن سرمایه گذاری

- میانگین رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی طی دوره (۸۰-۱۳۶۸)، حدود (۳٪) بوده است. طی این مدت، نسبت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی به تولید ناخالص داخلی (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱) از حدود (۱۱/۴٪) به (۱۵/۱٪) افزایش یافته است. این شاخص عموماً در کشورهای در حال توسعه بیشتر از کشورهای توسعه یافته می باشد. در سال ۲۰۰۰، نسبت یاد شده در کشور مالزی (۲۶/۸٪)، کره جنوبی (۲۸/۲٪)، فرانسه (۲۰/۶٪) و انگلستان (۱۷/۹٪) بوده است. در کشورهای نواحی صنعتی در بعضی مقاطع نسبت مزبور تا (۳۹٪) نیز افزایش یافته است.

۲-۵- فقر و نابرابری

- اگر چه درصد خانوارهای زیر خط فقر در سالهای اخیر، روندی کاهشی داشته است، لیکن هنوز حدود (۱۸٪) از جامعه شهری و (۲۲٪) از جامعه روستایی، زیر خط فقر نسبی و (۱۱٪) از جامعه شهری و (۲۲٪) از جامعه روستایی، زیر خط فقر مطلق قرار دارند.

- نسبت هزینه دهک بالا به دهک پایین گروههای هزینه‌ای در ایران حدود ۱۹ برابر است، در حالی که همین نسبت در کشور تایلند ۱۵ برابر، در فیلیپین ۱۴ برابر، در اندونزی ۸ برابر و در پاکستان ۷/۵ برابر است.

۲-۶- اختلال در توسعه سرمایه انسانی و آسیبهای اجتماعی و فرهنگی

- نظام آموزشی ناکارآمد، فقدان زمینه‌های بروز خلاقیت، تکیه بر محفوظات در نظام آموزشی و بروز پدیده کنکور به عنوان یک معضل اجتماعی و فرهنگی

- عدم استفاده کارآمد از مشارکت متفکران و فرهیختگان کشور و عدم بهره‌برداری از مجموع توانمندی‌ها و ظرفیتهای فکری و فرهنگی جامعه، در جریان توسعه و اداره کشور

- مهاجرت سالانه بخشی از متخصصان کشور و کاسته شدن از توانایی‌های علمی جامعه (فرار مغزها)

- سست شدن بنیاد خانواده، آسیب دیدن بسیاری از ارزشهای اخلاقی و تبدیل شدن ناهنجاریهای رفتاری به هنجارهای فرهنگی

- شیوع روزافزون اعتیاد به مواد مخدر در جامعه، به ویژه در میان جوانان و آسیبهای جبران ناپذیر فرهنگی و اقتصادی ناشی از آن

- کاهش سرمایه اجتماعی و تنزل اعتماد عمومی، تعهدات اجتماعی، هنجارهای اخلاقی و تقید به ارزشهای اسلامی و روابط بین گروهی و خانوادگی

- ضعف نظم اجتماعی، انضباط اخلاقی و وجدان کاری، کاهش روحیه مشارکت و جامعه‌پذیری

- رواج رشوه‌خواری و فساد مالی، در اثر گسترش حوزه‌های انحصار و از جمله مداخله و کنترل دولت در امور اقتصادی و وجود نهادهای ناسالم در کشور

۲-۷- عدم توازن توسعه منطقه‌ای

- شاخصهای توسعه انسانی استانهای کشور، که بر اساس متغیرهای درآمد سرانه، بهداشت و آموزش محاسبه می‌شود، بیانگر آن است که ۹ استان دارای شاخص توسعه انسانی بین ۰/۷۵ تا ۰/۸۴۲ (توسعه انسانی بالا)، ۱۳ استان با شاخص ۰/۶۵ تا ۰/۷۴۷ (توسعه انسانی متوسط) و ۶ استان با شاخص ۰/۵۴۵ تا ۰/۶۴۹ (توسعه انسانی پایین) هستند.

- توسعه نامتوازن منطقه‌ای در کشور، به گونه‌ای است که در برخی از مناطق، جمعیت از ظرفیتهای ایجاد شده و قابلیت‌های بالقوه آنها بیشتر است و در پاره‌ای دیگر جمعیت مناطق، پایین‌تر از توانایی‌ها و موقعیتهای بالقوه آنها است.

- حدود (۷۰٪) از ذخایر معدنی، در نواحی جنوب شرقی و میانی کشور قرار دارد، در حالی که قسمت عمده‌ای از این نواحی، جزو مناطق کم تراکم از لحاظ جمعیتی هستند. در بخشهایی از مناطق مجهز کشور که در نیمه شرقی کشور مستقرند، از امکانات تجهیز شده به طور کامل استفاده نمی‌شود. محورها و مناطق مجهز به شبکه‌های زیربنایی، عمدتاً در مناطق مرکزی و غربی کشور شکل گرفته است. سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان، به رغم موقعیت استثنایی آنها در شبکه حمل و نقل دریایی جهان، برای فراهم‌سازی امکان دسترسی همسایگان شمالی محصور در خشکی، در زمره کم تراکم ترین مناطق کشور هستند و بافت شهری در این مناطق ضعیف و به نحوی است که حتی یک مرکز جمعیتی ۵۰ هزار نفری در این نواحی وجود ندارد و بخش وسیعی از این سواحل فاقد دسترسی به ساده‌ترین امکانات و تجهیزات زیربنایی‌اند و از توسعه نیافته‌ترین مناطق کشور محسوب می‌شوند.

۲-۸- ضعف اقتصاد دانایی

- ایران به رغم برخورداری از جمعیت جوان و دانش آموخته، طی دو دهه گذشته نتوانسته است این منابع را به ظرفیت تولید عدم و کاربر آن در حوزه‌های صنعتی تبدیل کند و بنابر این از لحاظ استقرار اقتصاد متکی به دانش و فناوری‌های جدید اکنون با کاهش‌های اساسی به شرح زیر مواجه است:

- براساس گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۱، ایران در بین ۷۴ کشور ارزیابی شده، رتبه پنجاهم را در شاخص دستیابی فناوری TAI کسب نموده است. شمار جوازهای علمی ثبت شده Patent به ازای هر یک میلیون جمعیت در سال ۱۹۹۸ در ایران یک جواز، در ژاپن ۹۹۴ جواز و در کره جنوبی ۷۷۹ جواز بوده است.

- در سال ۲۰۰۰، شمار میزبان اینترنت برای هر ۱۰۰۰ نفر در ایران، ناچیز اما برای نمونه در آمریکا و فنلاند، این ضریب نفوذ به ترتیب ۱۷۹ و ۲۰۰ بوده است.

- در سال ۲۰۰۰، تنها حدود (۲٪) از صادرات صنعتی ایران در شمار صادرات با فناوری برتر **Hi-tech** قرار گرفته در حالی که متوسط این رقم در جهان در این سال حدود (۲۰٪) بوده است.
- در سال ۱۳۸۰، نسبت سرمایه‌گذاری در تحقیقات به تولید ناخالص داخلی (۶۴٪) بوده است. نسبت مخارج تحقیقاتی و آزمایشگاهی در واحدهای صنعتی (۱۰ نفر کارکن و بیشتر) به ارزش افزوده آنها طی سالهای ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸ بین (۲٪) تا (۲۵٪) بوده است. مقایسه نسبتهای یاد شده با سایر کشورها، نشان دهنده تشابه وضعیت ایران با کشورهای توسعه نیافته است.
- در سال ۲۰۰۱، شاخص دانشجو در رشته‌های علوم در ایران، نسبت به کل جمعیت دانشجو (۶/۵٪) بوده است. این شاخص در بالاترین سطح (فنلاند)، (۲۷/۴٪) بوده است.
- در سال ۲۰۰۱، متوسط سالهای آموزش رسمی جمعیت ۱۵ سال به بالا در ایران ۵/۳ سال و در بالاترین سطح (ایالات متحده) ۱۲ سال بوده است.
- گسترش چشمگیر کمی آموزش عالی، بدون تناسب با توانمندی‌ها و ظرفیتهای آموزشی کشور، موجبات تنزل کیفیت آموزش عالی را فراهم آورده است.

۹-۲- ناکارآمدی نظام اداری و اجرایی کشور

- بزرگ شدن بی‌قواره دولت و اتکا به ساختارهای انگیزشی نامناسب و غیر مؤثر و تفکر غیر علمی در اداره امور عمومی، عامل اصلی ناکارآمدی نظام اداری و اجرائی و تنزل کم و کیف خدمات عمومی است.
- وجود شوراها و مراجع متعدد تصمیم‌گیری در کشور، باعث تأخیر، تداخل، تعارض و کاهش کیفیت تصمیمات شده است.
- عدم تناسب میان اختیارات و مسئولیتهای محوله به مدیران، عدم اتکا به حد بهینه‌ای از تمرکز و عدم تمرکز در اداره امور، غیر ذاتی بودن اختیارات مقامات محلی و تمرکز بیش از حد اختیارات در حوزه‌های مرکزی، موجب کاهش کیفیت تصمیمات متخذه و پرداختن به امور اجرایی در ستاد دستگاهها شده است.

- نبود نظام کارآمد ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی، عدم پی‌گیری تحقق اهداف برنامه‌ها و نتایج فعالیتها و عدم قانونمندی، ضابطه‌گرایی و شایسته‌سالاری در انتصاب و ارتقای مدیران و کارکنان، از دیگر مشکلات نظام اداری و اجرایی کشور است.

- نظام اداری در جذب و نگهداری کارکنان توانمند، کارآمد و متخصص، از توانایی‌های لازم برخوردار نیست.

- شیوه‌های کنونی مدیریت دولتی و عدم رعایت اصل شایسته‌سالاری، ساختار انگیزشی نامناسب و نبود چشم‌انداز ترفیع، شرایط عدم تحرک را در کارکنان دولت به وجود آورده است.

- فقدان پیوند و همبستگی مناسب، میان ارائه خدمات به مردم و جامعه، وضعیت استخدامی مدیران و کارکنان، باعث شده است که رضایت و عدم رضایت مردم در سرنوشت استخدامی آنان تأثیر نداشته و دستگاه‌های اجرایی در قبال جامعه پاسخگو نباشند.

- ساختار انحصاری فعالیت‌های تصدی‌گری دولت همراه با سیاست مداخله‌گرانه و حمایتی بخش عمومی فرایند رقابت و رقابت‌پذیری را در اقتصاد کشور محدود کرده است. این پدیده باعث پیامدهای نامناسبی از جهت کاهش کارایی فعالیتها، کاهش کیفیت محصولات تولیدی هزینه تولید، عدم دسترسی به بازار کار جهان، تشدید عقب ماندگی در حوزه‌های مرتبط با دانش و فناوری، شکل‌گیری اقتصادی زیرزمینی و ایجاد فساد اقتصادی گردیده است.

۲-۱۰- وابستگی ساختار اقتصادی به تولید و صادرات نفت

- وابستگی ساختار اقتصادی به تولید و صادرات نفت و اثرگذاری آن بر نوسانات رشد اقتصادی و شکل‌گیری شرایطی بی‌ثبات

- در شرایط فعلی، سهم عمده‌ای از منابع بودجه و صادرات کشور، به نفت وابسته است، به گونه‌ای که در سال ۱۳۸۱، حدود (۶۰٪) از منابع بودجه و حدود (۸۰٪) از صادرات کالا، به گونه مستقیم از منبع صادرات نفت تأمین شده است.

۲-۱۱- فضا و شرایط نامناسب، برای مشارکت و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی

- در وضعیت کنونی، از دیدگاه اقتصادی، مهم‌ترین مسئله کشور، شرایط حاکم بر امنیت سرمایه و سرمایه‌گذاری است. فضای سرمایه‌گذاری، به مجموعه‌ای از شرایط رفتاری - نهادی - سیاستی اطلاق می‌شود که بر بازده و خطرات سرمایه‌گذاری و در نتیجه بر کم و کیف سرمایه‌گذاری‌ها، اثرگذار است. این شرایط، هم می‌تواند جنبه بالفعل و واقعی داشته باشد و هم جنبه منتظر و بالقوه. در دو دهه گذشته، توسعه مالکیت، مدیریت، مقررات و کنترل‌های دولتی، نارسایی‌های نظام حقوقی - قضایی کشور در ارتباط با تعریف و تضمین حقوق مالکیت خصوصی و تنفیذ کم هزینه و مؤثر قراردادها، نامشخص ماندن نظام ارزشی انگیزه در زمینه کسب سود، تراکم و تکاثر سرمایه و ضوابط گسترش واحدهای تولیدی و دیگر عناصر پایه‌ای رشد، وجود ابهام‌های نهادی، حقوقی و قانونی در زمینه روابط اجتماعی، در حوزه فعالیتهای اقتصادی، همراه با تغییرات حقوقی و قانونی در زمینه روابط اجتماعی، به ویژه در حوزه‌های فعالیتهای اقتصادی، همراه با تغییرات پیاپی سیاستها و شرایط تورمی و بی‌ثباتی اقتصادی، به بیرون رانده شدن بخش خصوصی از مدار فعالیتهای مولد، محدود کردن عملکرد بازار رقابت، کاهش کارایی و نوآوری، افزایش هزینه مبادلات، تضعیف خلاقیت‌های تولیدی و در مجموع به کند کردن فرایند رشد اقتصادی منجر شده است.

- در عموم مطالعاتی که در زمینه ریسک کشورها، شرایط و فضای کسب و کار نهادهای بین‌المللی، در مورد مجموعه کشورهای جهان، به منزله شاخصی برای ارزیابی فضای سرمایه‌گذاری به عمل آورده اند، ایران موقعیت نازلی در رتبه‌بندی‌ها داشته است.

۲-۱۲- هم‌پیوندی نامتقارن با اقتصاد جهانی

- اقتصاد ایران به لحاظ نفت، اقتصادی برون‌گرا محسوب می‌شود، لیکن در هم‌آمیزی اقتصاد کشور با اقتصاد جهانی، به لحاظ سهم قابل ملاحظه نفت در ترکیب صادرات کالایی، از نوع ادغام‌های غیرمتقارن است. در همین حال، عملکرد اقتصاد کشور از دیدگاه در هم‌آمیزی با اقتصاد جهانی به لحاظ سهم پایین صادرات غیر نفتی در تولید ناخالص داخلی و همچنین سهم اندک صادرات صنعتی در مجموع صادرات کالایی و جلب و جذب اندک سرمایه‌های خارجی طی دو دهه گذشته، بسیار

محدود بوده است. تمرکز صادرات کشور و سهم بالای نفت در صادرات کالایی که مبین عدم تنوع کافی و توسعه نیافتگی ساختار تولید است، شکنندگی و آسیب پذیری قابل ملاحظه‌ای را از دیدگاه تجاری و تولیدی، برای اقتصاد کشور ایجاد کرده است. این مطلب همراه با فضای سیاستی داخلی، تغییرات پیاپی در سیاستهای اقتصادی و پیامدهای نامطلوب آن از لحاظ ثبات اقتصادی از جمله موانع عمده درهم‌آمیزی بین‌المللی و ادغام استراتژیک کشور در اقتصاد جهانی است. در همین حال، از دیدگاه اتخاذ استراتژیهای تجاری - صنعتی جایگزینی واردات، برقراری موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای، ملاحظات دیدگاهی نظیر خودکفایی، خوداتکایی، شیوه‌های مدیریت اقتصادی و نظایر آن، اقتصاد ایران را باید در زمره اقتصادهای درون‌گرا قلمداد کرد. سهم ایران در تجارت بین‌المللی، باتوجه به جمعیت، وسعت، منابع و موقعیت ژئو اکونومیک در منطقه و جهان، اندک است و بنابر این، اقتصاد ایران از دیدگاه رشد، تجارت، جلب و جذب منابع و سرمایه‌های خارجی و درهم‌آمیزی با اقتصاد جهانی از امکانات قابل ملاحظه استفاده نشده‌ای برخوردار است.

- هم‌پیوندی با اقتصاد جهانی، با شاخصهایی همچون تغییرات نسبت تجارت خارجی به تولید ناخالص داخلی و همچنین تغییر در سرعت هم‌پیوندی (تفاوت نرخ رشد تجارت خارجی و نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت) می‌توان نشان داد. در مورد اول طی دوره ۱۳۵۹ تا ۱۳۷۸، تغییر شاخص معادل (۶۳/۳٪-) و در مورد دوم، معادل (۹/۵٪-) بوده است، که بیانگر سیر شدید نزولی درهم‌آمیزی با اقتصاد جهانی است. در همین حال نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی، در مقاطع ۱۳۶۹ و ۱۳۷۹ نزدیک به صفر بوده است.

۱۳-۲- بحران آلودگی زیست‌محیطی و تخریب منابع طبیعی

- استقرار جمعیت و فعالیتها، بیش از ظرفیت تحمل بعضی از زیست‌بومها و حوزه‌های آبخیز
- بهره‌برداری ناپایدار از منابع طبیعی ناشی از الگوهای تولید و مصرف ناسازگار با تعادلهای محیطی
- آلوده شدن رودخانه‌ها و تالابهای کشور، به گونه‌ای که خود پالایی و ظرفیتهای تحمل آنها کاهش یافته و در مواردی رو به تخریب گذاشته است.
- افزایش آلودگیها در سواحل شمالی و جنوبی کشور و صدمه به زیستگاهها و منابع دریایی ارزشمند

- کاهش تنوع زیستی
- افزایش آلودگی هوا، ناشی از سوخته‌های فسیلی
- افزایش آلودگی محیط، تخلیه زباله‌ها و فاضلاب‌های تصفیه نشده شهری و صنعتی به محیط و برهم خوردن تعادل بوم‌شناختی شهرهای بزرگ و کوچک و حتی روستاها
- کاهش تولیدات و خدمات زیست‌بوم‌ها که ارزش سالانه آنها بسیار زیاد می‌باشد.

۲-۱۴- پراکندگی و ناکارآمدی نظام تأمین اجتماعی

- عدم جامعیت در ارائه خدمات و همگانی نبودن نظام تأمین اجتماعی، به گونه‌ای که بخش قابل ملاحظه‌ای از جمعیت کشور، فقط در سطحی محدود از خدمات درمانی برخوردار بوده و از مزایایی چون بیمه بازنشستگی، از کار افتادگی، بیکاری و نظایر آن بی‌بهره‌اند.
- تقسیم کار نامناسب و ناهماهنگ بین نهادها و دستگاه‌های بیمه‌ای، حمایتی و امدادی، نظیر سازمان تأمین اجتماعی، کمیته امداد امام خمینی (ره)، سازمان بهزیستی و بنیاد شهید
- شفاف نبودن فرایند حمایت و کارکردهای دوگانه و چندگانه در برخی نهادهای حمایتی و همچنین ساختار تشکیلاتی چند لایه و غیر کارآمد و بوروکراسی‌های اداری در دستگاه‌های حمایتی و امدادی
- فقدان نظام اطلاعاتی کارآمد و به هنگام برای جهت دادن به فعالیتهای بیمه‌ای، حمایتی و امدادی
- هدفمند نبودن نظام یارانه‌ای کشور و در نتیجه ناهماهنگی آن با نظام تأمین اجتماعی
- ناکارآمدی سازمانهای سرمایه‌گذاری وابسته به نظام تأمین اجتماعی، به منزله ابزارهای اصلی تجهیز و توسعه امکانات مالی و تضمین زیست‌مندی کارکردها و ارائه خدمات تأمین اجتماعی

۲-۱۵- پایین بودن بهره‌وری نیروی کار

- بهره‌وری نیروی کار و روند تغییرات آن از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. بهره‌وری نیروی کار در سال ۱۳۸۰، برابر (۸۷/۳٪) سال ۱۳۵۵ است. تجربه کشورهای موفق، نظیر کره جنوبی و تایوان، حاکی از افزایش چشمگیر شاخص مذکور، در روند توسعه آنها بوده است. بهره‌وری نیروی کار در کشورهای فوق طی دوره (۹۸۰-۱۹۹۷)، به ترتیب، ۲/۵ و ۲/۲ برابر شده است.

- در سال ۱۹۹۶ بهره‌وری نیروی کار در ایران ۷۱۸۷ دلار، در کره جنوبی ۲۸۱۶۶ دلار، تایوان ۳۳۴۳۸ دلار، هنگ کنگ ۴۴۴۱۲ دلار، آمریکا ۴۹۹۰۵ دلار، ژاپن ۳۹۴۳۹ دلار و کانادا ۴۲۳۸۴ دلار بوده است.

۲-۱۶- تقلیل کاهش ارتباط و مناسبات دولت و مردم و کاهش مقبولیت سیاسی

- پدیده رشد کم اقتصادی، با تأثیرگذاری بر ناکارآمدی دولت در ایفای تعهدات خود، عدم پاسخگویی مناسب به مطالبات و خواسته‌های مردم و در نتیجه کاهش مقبولیت سیاسی
- بروز طیف وسیعی از شکافهای ایدئولوژیک، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی، اقتصادی و غیره در شکلهای مستقیم و غیر مستقیم و به صورت شدید و گاه تخریب کننده در صحنه‌های سیاست و رقابت و منازعات سیاسی
- ظرفیتهای محدود و موانع موجود در نظام سیاسی و فرهنگ سیاسی حاکم برای پذیرش و تنظیم مشارکت سیاسی گروههای طالب مشارکت و تبدیل فضای سیاسی به عرصه منازعه و تخصم و حرکت به سمت محدودسازی و محروم‌سازی سیاسی و بعضاً انسداد سیاسی
- تغییر فضای بین‌المللی، ظهور شکلهای جدیدی از فشارها و مداخلات نیروهای خارجی برای تأثیرگذاری بر ساختارها و فرایندهای سیاسی و به ایجاد شکاف وسیع‌تر بین دولت و مردم
- عدم اصلاح قانون احزاب و فراهم نشدن امکانات مشارکت مردم در امور سیاسی
- فراهم نشدن زمینه‌های مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف و اجرا نشدن کامل مفاد ماده (۱۵۸) قانون برنامه سوم توسعه

◀ فصل سوم: بستر جهانی و روندهای عمومی

بر اساس بررسیهای به عمل آمده، تبعات سیاسی تحولات در نظم جهانی در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و به عبارت دیگر گرایشهای توسعه یا فضای حاکم بین‌المللی برای توسعه در قرن بیست و یکم را، می‌توان به شرح زیر ارائه نمود:

الف - در عرصه اقتصاد

همگرایی سیاستها

سیاستهای اقتصادی دولتها، با نگاه به الزامهای همگرایی در نظم اقتصاد جهانی شکل می‌گیرد، لذا اهداف رشد و توسعه پایدار، با رعایت این اصل میسر می‌گردد. ایجاد بلوکهای منطقه‌ای تجاری و تولیدی، راه را برای همگرایی سیاستهای اقتصادی بین‌المللی هموار می‌سازد. این بلوکها به منزله پل ارتباطی بین اقتصادهای ملی و اقتصادهای بزرگ و پیشرفته در فرایند تحولات اقتصادی بین‌المللی محسوب می‌شوند.

جهانی شدن تولید

تخصیص منابع ملی (سرمایه‌گذاری در بخشهای مختلف تولیدی) با توجه به تقاضا در بازارهای بین‌المللی و مشارکت شرکتهای بین‌المللی، جهت پیدا می‌کند، به عبارت دیگر تولید در اقتصادهای ملی، بر پایه ملاحظات فرا ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی هدایت می‌شود. استراتژی توسعه صنعتی، در اقتصادهای ملی نیز متأثر از چشم‌انداز توسعه صنعتی منطقه‌ای می‌گردد، که با توجه به میزان برخورداری از عوامل و منابع تولید، در چارچوب اولویتهای استراتژیک قدرتهای بزرگ اقتصادی، جهت‌های معینی می‌یابد.

نظام جدید تقسیم کار بین‌المللی

اولویتها در ساختار تولید ملی، در چارچوب مزیت‌های نسبی منطقه‌ای و بین‌المللی، اصل تقسیم بین‌المللی کار و با مشارکت قدرتهای بزرگ اقتصادی تعیین می‌شود. کشورهای در حال توسعه، می‌توانند با شناخت فرصتها و چالشهای اقتصاد ملی، در جهت‌گیری‌های تولیدی خود با چشم‌انداز منطقه‌ای، تأثیرگذار باشند و هدایت منابع ملی و بین‌المللی را در آن مسیر، هدایت کنند.

بهره‌مندی از علوم و فناوری‌های پیشرفته

بهره‌مندی از علوم و فناوری پیشرفته، بدون تمکین به قواعد بازی در عرصه روابط بین‌الملل و دیپلماسی بین‌المللی، به راحتی میسر نخواهد بود. روندها در علوم و فناوری، حکایت از ایجاد تحول در

ساختار تولید، تجارت و حتی در ابعاد اجتماعی و فرهنگی دارد. فناوری، حاصل ترکیب موزون مهارتها، دانشها (دانش چرایی و چگونگی)، اطلاعات و سخت‌افزار مدیریت است. فناوری که عمده‌تاً از دنیای علم، در ارتباط با صنعت نشأت می‌گیرد، مسلماً چالشهای فرهنگی را با خود به همراه می‌آورد و کشورهای درحال توسعه، می‌توانند با ارتقای سطح آموزشهای اجتماعی جامعه، می‌توانند در حفظ ارزشهای فرهنگی اقدام کنند، و از این فناوریها می‌توانند در جهت تقویت بنیه فرهنگی و اشاعه فرهنگ خود در جامعه استفاده کنند. فناوری جدید در واقع بر الگوی تولید جامعه تأثیر شگرف خواهد گذاشت و اقتصادهای درحال توسعه، باید فرصتهای بالقوه اقتصادی خود را در ارتباط با به‌کارگیری این نوآوریهای علمی، تعریف نمایند. بدون در نظر گرفتن نقش کلیدی علم و فناوری جدید، تعیین فرصت بالقوه در عرصه‌های مختلف تولیدی و اجتماعی دیگر معنا و مفهومی ندارد.

دگرگونی در قلمرو فعالیت دولت

شکل‌گیری قلمرو فعالیتهای دولت در حوزه‌های امنیتی و تدارک کالاهای عمومی هماهنگ با توافقنامه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، یکی از پیامدهای آشکار نظم نوین جهانی است. هر چند در تجربه تاریخی دیده شده است که دولتها رعایت ملاحظات کارایی اقتصادی را به شکل کوچک کردن اندازه دولت، در برنامه اصلاحات اقتصادی قرار داده‌اند، لیکن در قرن حاضر، این تأکید صرفاً به خاطر ملاحظات کارایی در اقتصاد ملی نیست، بلکه ابعاد بین‌المللی پیدا کرده است.

بی‌ثباتی داخلی و منطقه‌ای

در فرایند تحولات اقتصاد جهانی، افزایش روند بی‌ثباتی داخلی و منطقه‌ای، برای جوامعی که نظامهای سیاسی آنها فاقد انسجام است و رشد جمعیت بالا و شهرنشینی سریع را تجربه می‌کنند، یک خطر جدی محسوب می‌شود. این ساختارهای بی‌ثبات، می‌تواند فرصتهای جهانی شدن اقتصاد را به چالشهای جدی تبدیل کند.

اهمیت خاورمیانه و منطقه خلیج فارس

اهمیت ژئواکونومیک و ژئوپولیتیک خاورمیانه و منطقه خلیج فارس، به دلیل وجود ذخایر عمده انرژی جهان در این منطقه، یک امتیاز اساسی برای کشورهای این حوزه محسوب می‌شود، لذا فرصت مشارکت فعال در اقتصاد جهانی و تقسیم بین‌المللی تولید و تجارت، برای کشورهای این حوزه فراهم است.

کمبود منابع آب شیرین در خاورمیانه و منطقه خلیج فارس

خاورمیانه و آسیای جنوبی به دلیل کمبود منابع آب شیرین، در آینده در معرض چالش‌های جدی قرار دارند. بنابر این، مسئله مدیریت منابع آب منطقه مذکور، در آینده از اولویت استراتژیک برخوردار خواهد بود.

الزامها و قانونمندی‌های مهم در نظم جدید جهانی در عرصه اقتصاد

- کسب موقعیت سیاسی در جامعه جهانی و تأثیرگذاری بر مدیریت نظم جهانی بدون ایجاد یک وجهه مقبول بین‌المللی، که قدرتهای بزرگ در تجلی آن نقش اساسی ایفا می‌کنند، راهکارهای سیاسی، هر چند که علمی باشند، تضمینی برای تحرک اقتصاد ملی در فضای جدید تحولات اقتصادی بین‌المللی نخواهند بود.

- عضویت در سازمان تجارت جهانی

پیوستن به سازمان مذکور، از جمله جهت‌های استراتژیک دراز مدت، در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، در چارچوب ملاحظات مرتبط با نظم نوین جهانی است. مجوز ورود به اقتصاد جهانی که در آن اقتصاد ملی بتواند از مزایای آن استفاده کند، عضویت در سازمان تجارت جهانی است. فرایند عضویت در این سازمان، به ملاحظات اقتصادی و مناسبات سیاسی بستگی دارد. بدون شک، حل مسائل سیاسی با قدرتهای بزرگ، یکی از عوامل مهم راه‌یابی به این سازمان است.

- آزادسازی اقتصادی

آزادسازی تجاری و همچنین آزادی جریان ورود و خروج سرمایه، سازگار با موافقتنامه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تجاری و گمرکی و موافقتنامه‌های سرمایه‌گذاری، از جمله اقدامهای مهم در پیوستن به اقتصاد جهانی است.

ب - در عرصه سیاست

سلسله مراتب قدرت

شواهد موجود، حاکی از وجود نوعی سلسله مراتب قدرت در سطح نظام بین‌المللی است: ابر قدرت (آمریکا، تأثیرگذار بر ساختار نظم جهانی)، قدرتهای بزرگ (روسیه، اتحادیه اروپا، و چین و تا اندازه‌ای هند، ژاپن، برزیل در آینده با تأثیرگذاری نسبی و عمدتاً منطقه‌ای بر ساختار نظم جهانی)، قدرتهای متوسط (که درجه تأثیرگذاری آنها بر نظم جهانی قابل توجه نیست)، قدرتهای کوچک (تأثیرپذیر از قواعد نظم جهانی).

فقدان رقیب برای ابر قدرت

تحولات اخیر جهانی، حقایقی را نشان می‌دهد که دلالت بر یک‌تازی آمریکا، در جهت‌دهی به نظم نوین اقتصادی و سیاسی دارد. دوام این اقتدار در آینده، بستگی به رویارویی قدرتهای اقتصادی دنیای غرب و شرق با آمریکا خواهد داشت. روند تحولات نشان می‌دهد که موضوعهای مورد اختلاف این قدرتها، بیشتر در خصوص تعیین قلمرو نفوذ اقتصادی آنها، در اقتصادهای نوظهور، کشورهای در حال توسعه و در شرایط فعلی، اقتصاد انرژی جهانی است.

مشارکت فعال کشورهای در حال توسعه در حل مناقشات منطقه‌ای

تنش‌زدایی و مشارکت فعال دولتهای کشورهای در حال توسعه برای رفع مناقشات و مسائل امنیتی منطقه‌ای و بین‌المللی در چارچوب مقررات سازمان ملل و توافقات بین‌المللی، قاعده و روند جدیدی در نظم جهانی است که کشورهای در حال توسعه، می‌توانند برای حصول به همگرایی‌های منطقه‌ای، از فرصتهای اقتصادی منطقه‌ای و جهانی بهره‌مند شوند.

سیطره قوانین و هنجارهای بین‌المللی

دولت‌های ملی در تنظیم و اجرای قوانین داخلی ناگزیر باید از قوانین، قواعد، استانداردها و هنجارهای بین‌المللی تبعیت نمایند.

الزامها و قانونمندی‌های سیاسی بین‌المللی

- تحول نقش منطقه‌ای دولتها

جهان آینده، جهان مناطق خواهد بود، نه جهان واحدهای ملی، هر واحدی که تعلق منطقه‌ای نداشته باشد، به طور طبیعی از ضریب امنیتی کمتری برای حفظ خود و تأمین منافعش برخوردار خواهد بود.

- ماهیت منطقه‌ای و بین‌المللی اقدامهای ملی

اقدامهای دولتهای ملی، در قالب نظم گروهی کشورها، سلسله مراتب قدرت و پیمانهای منطقه‌ای، از مقبولیت برخوردار می‌شود. در شرایط جدید، روند تحولات بین‌المللی، در راستای حاکمیت هنجارهای بین‌المللی و نظم بخشیدن اقدامهای ملی در آن جهت است. به عبارت دیگر، مسائلی نظیر محیط زیست، مبارزه با تروریسم، مواد مخدر، حقوق بشر در ابعاد مختلف، حقوق اجتماعی و مسائل حاکمیتی، از زاویه جهانی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و کشورها در هماهنگی با این هنجارها است که باید اقدامهای ملی خود را سامان دهند.

- تقویت بنیانهای استقرار دموکراسی، در چارچوب مفاهیم شناخته شده و مقبول بین‌المللی

در قرن بیست و یکم، اقتدار ملی در تعیین حقوق و آزادی انسانها کمرنگ شده و نظم جهانی در تعیین و تشخیص حقوق و آزادیهای انسانی، اهمیت بیشتری پیدا کرده است. رعایت اصول و مبانی حقوق بشر، به صورتی که موافق هنجارهای بین‌المللی باشد، اکنون بیش از پیش مورد تأکید قرار گرفته و کشورهایی که از این قواعد پیروی نمایند، ناگزیر با فشارهای بین‌المللی مواجه خواهند شد.

اهمیت طرح این مباحث از آن رو است که اکنون در شرایط نوین مناسبات سیاسی و اقتصادی بین‌المللی، نوعی گرایشهای مسلط و قانونمندی‌ها شکل گرفته، که همه کشورها و از جمله کشورهای در حال توسعه، به نحو اجتناب‌ناپذیری در فرایند توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود، باید از آن آگاه

باشند تا بتوانند از فرصتهایی که در جریان جهانی شدن اقتصاد برای همه کشورها پیش آمده، بهره‌مند گردند. ایران نیز از این قاعده کلی مستثنا نیست.

◀ فصل چهارم: محورهای اساسی چشم‌انداز جامعه

در این فصل محورهای اساسی چشم‌انداز آینده کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد. این محورها در واقع چالشهای پیش روی کشور هستند، که اگر به نحو مطلوب به آنها پرداخته نشود، در آینده به تهدیدهای اساسی در تمامی زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مبدل خواهند شد. محورهای مزبور عبارتند از:

- ۱- رشد مستمر و توسعه پایدار
- ۲- توسعه مبتنی بر دانایی
- ۳- هم‌پیوندی با اقتصاد جهانی
- ۴- رقابت‌پذیری اقتصاد
- ۵- امنیت انسانی و اجتماعی
- ۶- امنیت ملی
- ۷- ارتقای کیفیت سطح زندگی
- ۸- محیط زیست و توسعه پایدار
- ۹- توسعه فرهنگی
- ۱۰- توسعه مدیریت دولت **Governance**
- ۱۱- امنیت و توسعه قضایی
- ۱۲- تعادل و توازن منطقه‌ای کشور بر اساس موازین آمایش سرزمین

۱- رشد مستمر و پایدار

۱-۱- مقدمه

در دنیا مفهوم رشد و توسعه، دستخوش تحولات بسیاری شده است، ولی نکته مهمی که در مفهوم توسعه وجود دارد، مفهوم بلندمدت آن است. از دیدگاه توسعه، هدف افزایش مداوم و مستمر تولید، افزایش سرانه واقعی است. توسعه بین شروع فرایند رشد و توسعه و تداوم آن در طول دوره بلندمدت، تفاوت قائل می‌شود. در ادبیات اقتصادی، رشد و توسعه دو مفهوم متفاوت هستند که تعاریف و معیارهای متفاوتی را می‌توانند دربرگیرند.

رشد اقتصادی

عبارت است از فرایندی پایدار، که در اثر آن ظرفیت تولیدی اقتصاد، طی زمان افزایش یافته، و سبب افزایش سطح درآمد ملی می‌گردد.

توسعه

توسعه در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، همواره یک پدیده اقتصادی تلقی می‌شد، ولی از دهه ۱۹۷۰، مفهوم توسعه دگرگون شد و یک مفهوم چند بعدی را دربرگرفت، که دستیابی به آن مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی، تسریع رشد مستمر اقتصادی، کاهش نابرابری‌ها و حذف فقر می‌باشد.

توسعه، فرایندی است که «قابلیت‌ها» و «استحقاق‌های» مردم را برای زندگی کردن، به روشی که ارزشمند است بسط می‌دهد.

بنابر این، توسعه به معنای ارتقای مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر و انسانی‌تر با توجه به قابلیت‌ها و استحقاق‌ها است.

توسعه یک مفهوم چند بعدی است و همه امور اقتصادی - فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه را، دربرمی‌گیرد و دستیابی به توسعه، مستلزم تغییرات اساسی در ساخت هر یک از ابعاد آن است.

توسعه یک کشور، مفهومی وسیع‌تر از رشد مقطعی اقتصادی است و مستلزم رشد مستمر بلندمدت تولید و درآمد سرانه واقعی هر کشور است.

دستیابی به رشد اقتصادی مستمر مستلزم تحقق شرایط ذیل است:

الف: اقتصادی

- نرخ رشد مستمر و بالای تولید سرانه
- نرخ رشد بالا و مستمر بهره‌وری عوامل تولید به ویژه بهره‌وری نیروی کار
- تعمیق و تراکم سرمایه‌های فیزیکی و انسانی
- پیشرفتهای فناوری

ب: ساختاری

- نرخ بالای تحولات ساخت اقتصادی، به مفهوم تحولات بخشهای اقتصادی و مقیاس بنگاههای تولیدی و تحولات حرفه‌ای بازار کار

- نرخ بالای تحولات اجتماعی و ایدئولوژیک، به مفهوم جانشینی روشهای جدید تفکر، عمل، تولید، توزیع و مصرف به جای روشهای قدیمی، ایجاد برابری بیشتر در فرصتها، بهبود کارایی دولت، نهادها و رفتارها، شامل تشویق و رقابت‌پذیری مؤثر، تحرک اجتماعی و اقتصادی کسب و کار و بهبود کیفیت زندگی

- حفظ محیط زیست و منابع طبیعی، به این مفهوم که در فرایند رشد مستمر، حفظ محیط زیست از تولید نمی‌کاهد، اما کیفیت را طوری تغییر می‌دهد که به نیازهای نسل حاضر، بدون به خطر انداختن توانایی نسلهای آتی برای ارضای نیازهایشان، پاسخ دهد.

ج: حرکت در جهت همگرایی و هم‌پیوندی جهانی و منطقه‌ای و گسترش اندازه بازار و استفاده از فرصتهای بین‌المللی

د: فراهم نمودن ثبات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی

در فضاها و محیطهای توسعه نیافته، وجود تکانه، التهاب و نوسان ناگهانی به علت ذات فرایند توسعه نیافتگی است. لذا دستیابی به توسعه، مستلزم ایجاد فضا و شرایط امن و با ثبات و بدون التهاب و تنش است.

لیکن در راستای دستیابی به رشد اقتصادی مستمر و توسعه پایدار، باید سه ارزش اصلی زیر به عنوان رهنمود عملی در نظر گرفته شوند:

د-۱- بهبود کیفیت زندگی و افزایش توان تأمین نیازهای اساسی مردم در این رابطه باید اذعان نمود که توسعه و رشد مستمر اقتصادی شرط لازم «بهبود کیفیت زندگی» است، اما شرط کافی نمی‌باشد.

د-۲- افزایش اعتماد به نفس جامعه اعتماد به نفس یعنی ایجاد شخصیت و ارج نهادن به ارزشهای انسانی، ماهیت و شکل اعتماد به نفس از یک جامعه به جامعه دیگر، یا از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر متفاوت است و اعتماد به نفس، باید با توجه به شرایط هر جامعه‌ای در آن ایجاد شود.

د-۳- آزادی و قدرت انتخاب آزادی در اینجا به مفهوم رهایی از قیود انسان به جهل، بدبختی و باورهای جزئی و وسعت بخشیدن به حدود متغیرهای انتخاب افراد است. آزادی دامنه انتخاب را ۴ برای جوامع و اعضای آن گسترش می‌دهد و محدودیت خارجی را در راه حصول پاره‌ای هدفهای اجتماعی که توسعه نامیده می‌شود به حداقل می‌رساند.

۲-۱- تبیین نقش و جایگاه رشد مستمر و توسعه پایدار

به طور کلی، رشد اقتصادی محصول عملکرد و کارکرد کلیه عوامل اقتصادی و غیر اقتصادی، در یک جامعه می‌باشد. عملکرد اقتصاد ایران در این زمینه حاکی از نکات ذیل است:

رشد نازل اقتصادی با نوسانهای شدید

عملکرد رشد اقتصادی سالانه ایران طی بیست ساله گذشته، حاکی از رشد حدود (۳/۹٪) همراه با نوسانات بسیار زیاد [از (۸/۸٪-) تا (۱۴/۴٪)] می‌باشد.

درآمد سرانه پایین

سطح درآمد سرانه و تولید سرانه در اقتصاد ایران پایین و رشد سالانه درآمد سرانه معادل (۰/۸٪) طی بیست ساله گذشته بوده است. سطح درآمد سرانه واقعی فعلی تقریباً معادل سالهای اولیه دهه ۶۰ شمسی می‌باشد.

رشد نازل فعالیت‌های اقتصادی

رشد سالانه فعالیت‌های اقتصادی طی بیست سال گذشته، در اغلب موارد پایین بوده است. رشد سالانه کشاورزی (۳/۹٪)، صنایع و معادن (۴/۶٪)، نفت و گاز (۵٪) و خدمات (۲/۸٪) بوده است.

نوسانات بخشی

سهم فعالیت‌های اقتصادی از تولید ناخالص داخلی، به ترتیب مربوط به خدمات، صنایع و معادن، کشاورزی و نفت و گاز می‌باشد. نوسانات بخش‌های صنایع و معادن، ساختمان، خدمات و نفت و گاز با نوسانهای تولید ناخالص داخلی، مشابهت زیادی دارد ولی نوسانات بخش کشاورزی مشابهت کمتری دارد.

رشد بدون برنامه و وابسته به نفت

عملکرد رشد اقتصادی ایران، حاکی از تأثیرپذیری شدید آن از تحولات خارج از کنترل برنامه‌های توسعه، همانند افزایش موقت درآمدهای نفتی کشور و عوامل غیر اقتصادی در منطقه و جهان به جای سیاستهای هدفمند و هوشیارانه برنامه‌ریزان بوده است.

عدم اصلاح ساختار حقیقی اقتصاد

در برنامه‌های توسعه ایران، ایجاد فضای رشد مستمر و مناسب اقتصادی، همواره با اصلاحات بخش مالی و پولی، به جای اصلاح ساختار بخش حقیقی اقتصاد پیگیری شده است. در حالی که تجربه کشورهای با رشد مستمر بالا در دنیا، مبین این نکته است که این کشورها اصلاحات را از بخش حقیقی اقتصاد شروع کردند.

تخصیص نامطلوب منابع

در ایران به دلیل دسترسی به منابع عظیم نفت و به دنبال آن، درآمدهای ارزی ناشی از فروش نفت خام به بازارهای جهانی، نرخ سرمایه‌گذاری فیزیکی که یکی از عوامل کلیدی و تعیین کننده رشد می‌باشد، همواره بالا بوده است. اما نحوه تخصیص این منابع عمدتاً توسط بخش عمومی صورت گرفته که عمدتاً از کیفیت و کارایی پایین برخوردار بوده، بنابر این علیرغم سرمایه‌گذاری‌های عظیم فیزیکی انجام شده توسط بخش عمومی زیر ساختها به طرز هشداردهنده‌ای ناکارا باقی مانده‌اند.

انتقال ناکارای پس‌اندازها به سرمایه‌گذاری

انتقال ناکارای پس‌اندازها به سرمایه‌گذاری، یکی از مسائل اقتصاد ایران در زمینه رشد اقتصادی است. سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، در شرایط فعلی در ایران، ناکافی و ناکارا است. قرار دادن نامناسب پس‌اندازها در مسیر پروژه‌های مولد توسط بخش مالی، که عمدتاً تحت سلطه سیستم بانکی کشور و تابع سیاستهای بخش عمومی می‌باشند، یکی از دلایل ناکافی بودن سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌باشد. بانکها، علی‌رغم تسلط بر بخش مالی، به اندازه کافی کارا نبوده‌اند تا بتوانند نقش حساسی را که باید در فرایند رشد و توسعه اقتصادی بازی کنند، ایفا نمایند، به طوری که همواره در ایران وام‌دهی عمدتاً کوتاه‌مدت و مرتبط با تجارت بوده و حجم بسیار کمی از آن، در جهت سرمایه‌گذاری مولد بلندمدت می‌باشد. فقدان رقابت کارا و سالم بین بانکها باعث فقدان نوآوری در خدمات دهی مالی شده و با توجه به ساختار اقتصاد در ایران، شرایط برای ورود در سطوح عملی و بین‌المللی رقابت فراهم نشده است. مسائل مذکور باعث ناکارآمدی بانکها شده است.

سیستم ناکارآمد دولتی

در گذشته، جهت‌گیری‌های اقتصادی به طرف سیستم ناکارآمد دولتی و عدم تخصیص بهینه این منابع توسط بخش عمومی بوده است، که باعث طولانی و غیر اقتصادی شدن پروژه‌های عمرانی شده است.

بی‌ثباتی فضای سیاسی منطقه و داخل کشور

محیط فضای اقتصاد ایران، همواره از آشوبها و زد و خوردهای اجتماعی داخلی، جنگهای منطقه‌ای (جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، جنگهای افغانستان، جنگ عراق و کویت و ...) در رنج بوده است. این حالت محیط اجتماعی و سیاسی، رونق و شکوفایی سرمایه‌گذاری مولد، بخصوص سرمایه‌گذاری خارجی را از بین برده است.

محیط ضعیف تجاری

قوانین و مقررات پیچیده، مجوزها و سایر اختلالات نهادی، در عملکرد رشد اقتصادی سهم قابل توجهی داشته‌اند. اغلب سرمایه‌گذاران خصوصی به دلیل فرایندهای پیچیده و دست‌وپاگیر اداری از کشور خارج شده و یا در بخشهای غیر مولد، سرمایه‌گذاری نموده‌اند و این موضوع باعث ایجاد رقابت ضعیف و اندک گردیده که منجر به ناکارایی بیشتر و عدم نوآوری سیستم اقتصادی گردیده است.

کیفیت پایین نیروی انسانی

ایران طی سالهای اجرای برنامه‌های توسعه خود نه تنها همواره از انباشت سرمایه انسانی اندک برخوردار بوده، بلکه کیفیت سیستم آموزشی آن نیز بسیار پایین بوده و اصولاً متناسب با نیازهای بنگاههای مولد نمی‌باشد. همچنین سیستم آموزشی کشور همواره در راستای وفق با جهان پویا و تغییرات سریع فنی، ناکام مانده و محصولات این سیستم برای دنیای امروز و فناوری موجود، پرورش داده نشده و نمی‌شوند.

۲- توسعه مبتنی بر دانایی

۲-۱- مقدمه

به‌کارگیری دانایی برای توسعه، یکی از چالشهای اساسی کشورهای در حال توسعه یا تازه صنعتی شده، در جهان معاصر است. دانایی و مؤلفه‌های آن به منظور افزایش رقابت پذیری در سطح جهانی،

تولید محصولات و خدمات جدید، امکان تداوم رشد پایدار در عرصه بین‌المللی، فراهم آوردن منابع جدید برای رشد و همچنین جهت افزایش بهره‌وری کل، مورد توجه قرار می‌گیرد.

دانایی عبارت است از «ذخیره انباشته شده‌ای از اطلاعات و مهارتها که از مصرف اطلاعات توسط گیرنده اطلاعات حاصل می‌شود». در تعریف دیگر «دانایی مخلوط سیالی از تجربیات، ارزشها، اطلاعات موجود و نگرشهای کارشناسی نظام یافته است، که چارچوبی برای ارزشیابی و بهره‌گیری از اطلاعات جدید به دست می‌دهد. دانایی در ذهن فرد به وجود می‌آید و به کار می‌رود. دانایی در سازمان نه تنها در مدارک و ذخائر دانایی بلکه در روشهای کاری، فرایندهای سازمانی، اعمال و هنجارها مجسم می‌شود.»

مؤلفه‌های اصلی دانایی عبارتند از:

- ۱- نظام انگیزشی اقتصادی و نهادی
- ۲- سرمایه انسانی
- ۳- فناوری اطلاعات و ارتباطات
- ۴- نوآوری و ایجاد جریان دانایی

نظام انگیزشی اقتصادی و نهادی

مهم‌ترین عامل در توسعه مبتنی بر دانایی، انگیزه‌سازی سرمایه‌گذاری تولید و تحقیق است که با شاخصهایی مانند آزادی، تجارت، فعالیت، حقوق مالکیت، میزان مداخلات تنظیمی، شفافیت، حساب‌دهی مبارزه با فساد و کنترل بازار سیاه، ارزیابی می‌شود.

سرمایه انسانی

عامل بسیار اساسی در توسعه مبتنی بر دانایی است. سرمایه انسانی، حاصل آموزش مناسب، ذخیره‌ای از مهارتها و سلامت جسمی و روانی است.

امروزه دامنه انتقال سرمایه انسانی بین کشورها، از سطوح عالی به انتقال مهارت و تخصص در زمینه‌های مختلف تغییر یافته است. با توجه به تحولات بازار کار، فناوری‌های نوین و سرعت پیشرفت علم، کشورهایی در بازارهای جهانی آینده امکان حضور خواهند داشت که نیروی انسانی متخصص، ماهر و سالم را برای ورود به این عرصه، آماده نموده باشند.

فناوری ارتباطات و اطلاعات

عامل مهم دیگر در توسعه مبتنی بر دانایی است که حاصل ترکیب موزون مهارتها، دانشها (دانش چرایی و چگونگی)، اطلاعات، سخت‌افزار و مدیریت در زمینه ارتباطات و اطلاعات است که در نهایت به تهیه کالا و عرضه خدمات می‌انجامد. فناوری ارتباطات و اطلاعات، ابزار دانایی در ابعاد تولید، انتشار و مصرف آن است.

فناوری ارتباطات و اطلاعات در صورتی که در شبکه‌های اقتصادی و اجتماعی به طور مؤثر مورد استفاده قرار گیرد، محرکی برای اقتصاد است و موجب بهبود ارتباطات و تبادل اطلاعات می‌شود. فناوری اطلاعات و ارتباطات، یک عامل قوی برای ایجاد رقابت است. علاوه بر آن، تجارت فناوری ارتباطات و اطلاعات به عنوان عاملی برای رشد بخش خصوصی و خدمات مخابراتی، خود به عنوان بخشی پویا از اقتصاد، محسوب می‌شود. فناوری مذکور موجب دسترسی به فرصتها و موقعیتهای جدید به ویژه در ارتباط با تجارت الکترونیکی و خدمات الکترونیکی، از جمله دولت الکترونیک می‌شود. فناوری ارتباطات و اطلاعات، نقش مهمی در ایجاد تحرک در شرکتهای کوچک و متوسط دارد و امکان فعالیت این گونه شرکتهای را در دنیای تجارت الکترونیک، فراهم آورده و با افزایش توانمندی‌های اقتصادی، گسترش فعالیتهای و تبدیل آنها به شرکتهای بزرگ‌تر، با امکان رقابت در سطوح بین‌المللی را فراهم می‌آورد.

نوآوری و ایجاد جریان دانایی

نوآوری، عبارت است از توانمندی ایجاد تغییر در محصولات، خدمات، فرایندها و روشهای موجود. نوآوری، منشأ رشد بهره‌وری در بلندمدت است و آنچه موجب نوآوری می‌شود، تحقیق و توسعه است. ایجاد جریان دانایی بین افراد، شرکتهای، سازمانها و نیز کشورها، هزینه‌های تحقیق و توسعه را کاهش، و فرایند نوآوری را تسریع می‌کند.

باید دانست که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اقتصاد کشورهای مبتنی بر دانایی، درونی شدن فعالیتهای تحقیق و توسعه در فعالیتهای اقتصادی است. در این گونه اقتصادها، آن دسته از صنایع که چگالی دانایی‌بری آنها بیش از دیگر صنایع باشد، و موجب گردد سهم صادرات فناوری عالی و

متوسط کشور، از کل صادرات قابل توجه باشد، به عنوان محور رشد قرار دارند. صنایع مذکور عمدتاً بر نتایج فعالیتهای تحقیق و توسعه، نوآوری و فناوری‌های پیشرفته قرار دارند.

اهمیت دانایی در توسعه ملی پایدار در نگاهی جهانی

به طور کلی، دانایی، موتور اصلی رشد و ایجاد ثروت در دنیای امروز است و بیش از عوامل سنتی، نظیر کار و سرمایه، در توسعه ملی نقش دارد. تنها در صورت درونی شدن علم، فناوری و مجموعه‌ای از دانایی‌ها در کشور، می‌توان به جایگاهی مناسب در صحنه بین‌المللی دست یافت و قدرت رقابت را برای ورود به بازارهای جدید افزایش داد.

رشد، تنها اثر توسعه مبتنی بر دانایی نیست. تغییرات ساختاری عمیق در اقتصاد (بازار کار، نهادهای پولی و مالی و ...) و نهادهای اجتماعی و فرهنگی، از دیگر آثار این رویکرد توسعه‌ای است. افزایش کیفیت زندگی انسانها (آموزش، سلامت، رفاه عمومی، و ...)، کاهش آسیبهای اجتماعی و گسترش محصولات علمی و فرهنگی، از دیگر آثار توسعه دانایی محور هستند، که به ویژه تحت تأثیر انباشت سرمایه انسانی قرار دارند.

بررسی تطبیقی و چشم‌انداز مطلوب

مهم‌ترین شاخصهای بیانگر وضعیت دانایی و مقدار کمی آنها در ایران، به شرح زیر است:

۱- میانگین سالهای تحصیل

یکی از شاخصهای مهم برای تشخیص وضعیت سطح علمی سرمایه انسانی در کشورها، تلقی می‌شود. این شاخص در ایران در سال ۱۳۷۵ برای افراد ۱۵ سال به بالا ۵/۶ سال و برای افراد ۲۵ سال به بالا ۴/۶ سال بوده است. نرخ ترکیبی ثبت نام ناخالص، به عنوان شاخصی مکمل تعریف می‌شود. این شاخص در کلیه سطوح تحصیلی در سال ۱۳۸۰ در ایران حدود (۷۱٪) بوده است.

۲- نرخ باسوادی افراد بزرگسال

یکی دیگر از شاخصهای مهم سرمایه انسانی است. نرخ باسوادی افراد بزرگسال در ایران در سال ۱۳۷۹، در حدود (۷۶٪) پیش‌بینی شده است.

۳- نسبت اعتبارات پژوهشی به تولید ناخالص داخلی

از مهم‌ترین شاخصهایی است که میزان توجه به تولید، انتشار و مصرف دانایی در کشورها را نشان می‌دهد. این شاخص در ایران در سال ۱۳۷۹، معادل (۰/۸۷٪) بوده است.

۴- نسبت دانشمندان و مهندسان در یک میلیون نفر جمعیت

نشان دهنده ظرفیتهای انسانی موجود در فعالیتهای تحقیق و توسعه است. این شاخص در ایران در سال ۱۳۷۹، به رقمی معادل ۳۳۶ نفر رسیده است. تعداد دستیاران تحقیقاتی در یک میلیون نفر جمعیت در همان سال نیز ۹۳ نفر بوده است.

۵- نسبت بهره‌گیران از اینترنت در هزار نفر جمعیت

ضریب نفوذ اینترنت، از جمله شاخصهای نشان دهنده وضعیت انتشار فناوری‌های نوین در کشور است. تعداد بهره‌گیران از اینترنت، در یک هزار نفر جمعیت در ایران، در سال ۱۳۸۰، ۱۶ نفر بوده است.

شاخصهای مذکور نشان دهنده سطح کمی وضعیت دانایی در کشور هستند. بدیهی است کیفیت و عمق سرمایه انسانی و فعالیتهای تحقیق و توسعه از جمله نکات بسیار مهم است، که در کنار رشد کمی باید بدان توجه نمود.

شاخصهای دانایی ایران و برخی کشورهای جهان در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول شماره ۱- شاخصهای دانایی در ایران و کشورهای منتخب

موضوع	ایران	مالزی	کره جنوبی	هند	چین	استرالیا	ژاپن	فنلاند
نرخ ترکیبی ثبت نام ناخالص در کلیه سطوح (درصد)	۷۱	۶۶	۹۰	۵۶	۷۳	۱۱۶	۸۲	۱۰۳
نرخ باسوادی افراد بزرگسال (درصد)	۷۶	۸۷	۹۷/۶	۵۶/۵	۸۳/۵	۹۹	۹۹	۹۹
نسبت اعتبارات پژوهشی به تولید ناخالص ملی (درصد)	*۰/۸۷	۰/۲۴	۲/۸۲	۰/۷۳	۰/۷	۱/۸	۲/۸	۲/۸
نسبت تعداد دانشمندان و مهندسان در میلیون نفر (نفر)	۳۳۶	۹۳	۲۱۹۳	۱۴۹	۴۵۴	۳۳۵۷	۴۹۰۹	۲۷۹۹
نسبت بهره‌گیران از اینترنت در هزار نفر (نفر)	۱۸	۲/۴	۴/۸	۰/۱	۰/۱	۱۲۶	۴۹	۲۰۰

* نسبت به تولید ناخالص داخلی

مأخذ: گزارش توسعه انسانی ۲۰۰۱

بررسی اجمالی این شاخصها نشان می‌دهد که:

- ۱- شکافهای عمیقی از لحاظ شاخصهای دانایی بین ایران و کشورهای پیشرفته وجود دارد.
- ۲- فاصله ایران با کشورهای تازه صنعتی شده، عمدتاً محدود، اما در بعضی موارد (مانند کره جنوبی) قابل توجه است.
- ۳- از نظر کمی، شکاف بین ایران و کشورهای تازه صنعتی شده در زمینه سرمایه انسانی، محدودتر از زمینه تحقیق و توسعه است، هر چند وضعیت نسبی کشور به لحاظ دستیابی به فناوری اطلاعات، مناسب‌تر ارزیابی می‌شود.
- ۴- نکته قابل ذکر آن که کشورهایی که گامهای مؤثری در رشد و توسعه، در دو دهه اخیر برداشته‌اند، اولاً به کیفیت سرمایه انسانی، توجه بیشتری مبذول داشته‌اند، و ثانیاً سرمایه انسانی و علوم و فناوری را کاربردی نموده، و از آن در اقتصاد و سایر زمینه‌ها به صورت مؤثرتر، بهره‌برداری کرده‌اند.

با توجه به وضعیت کلی کشور در امر دانایی، و نیز با توجه به شرایط جهانی، چشم‌انداز مطلوب، جهت توسعه مبتنی بر دانایی، به شرح زیر خواهد بود:

۱- افزایش بهره‌وری و توان رقابتی در زمینه‌های اقتصادی با استفاده از دستاوردهای مهم فناوری

۲- حل مشکلات کلان و بخشی، در سطوح ملی و منطقه‌ای با استفاده از یافته‌های علمی و پژوهشی

۳- کاهش عدم تعادل تراز پرداختهای فناوری، با افزایش صادرات فناوری، و کالاهای فناوری‌بر

۴- تسریع روند توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار، با استفاده از مزیت‌های ناشی از توسعه دانایی (به جای مزیت‌های ناشی از نفت)

۵- انباشت سرمایه انسانی با کیفیت مناسب، و بهره‌برداری مطلوب از سرمایه‌های انسانی موجود کشور

۶- آموزش مهارت‌های چند منظوره و متنوع در مجموعه نظام آموزشی، برای پاسخگویی به نیازهای منعطف بازار کار و توجه به آموزش مادام‌العمر

۷- ایجاد برابری در فرصت‌های آموزشی از نظر جنسیتی، منطقه‌ای و ...

۸- عمومی کردن آموزش در سطوح ابتدایی و راهنمایی

۹- کاهش مؤثر جمعیت بی‌سواد و افزایش نرخ باسوادی

۱۰- ایجاد نظام آماری کارآمد و پویا، مبتنی بر مشارکت توانمند و علمی تمام ارکان، در مسیر نیازهای آماری کشور

۱۱- ارتقای فرهنگ آماری، در جهت استفاده از آمار و تصمیم‌گیری‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها

۱۲- ایجاد مسئولیت و پاسخگویی آموزشی عالی به جامعه، در ارتباط با نیازهای متحول و بازار کار

۱۳- ایجاد پویایی درون‌زا، مبتنی بر برنامه‌ریزی آینده‌نگر، کنترل مداوم کیفیت و بهبود روشها در آموزش عالی

۳- هم‌پیوندی فعال با اقتصاد جهانی

۳-۱- مقدمه

برای کشورهای در حال توسعه به طور عام، و ایران به طور خاص، در هم آمیزی و پیوند با اقتصاد جهانی، از دیدگاه دسترسی به بازارهای گسترده، و همچنین فناوری پیشرفته، گسترش امکانات مبادلاتی کالاها، و جریان سرمایه خصوصی خارجی، فرصتهای جدیدی را مطرح می‌سازد که در مجموع می‌تواند فرایند رشد اقتصادی و توسعه صنعتی را در این کشورها، تسهیل و تسریع کند. اصلاحات اقتصادی و اتخاذ استراتژیهای برون‌گرا و معطوف به رشد و توسعه صادرات، در عین حال، هم فرایند جهانی شدن را تقویت می‌کند، و هم شرایط بهره‌مندی از مزایای یکپارچگی جهانی را مهیا می‌سازد. در تجربه‌های موفق، این گونه اصلاحات با افزایش کارایی، بهره‌وری، ایجاد فضای مساعد برای تجارت، گسترش صادرات و جلب و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، تأثیری اساسی بر شرایط اقتصادی و بهبود چشم‌اندازهای رشد اقتصادی - صنعتی کشورهای در حال توسعه، گذاشته است. جهانی شدن همراه با ایجاد فرصتهای تازه، چالشهایی را نیز برای کشورهای در حال توسعه، و از جمله ایران مطرح می‌سازد. در هم آمیزی با اقتصاد جهانی، مستلزم استقرار فضای آزادتر برای تجارت، سرمایه‌گذاری و محیطی اطمینان‌بخش برای کارگزاران اقتصادی داخلی و خارجی است. در فضای جدید اقتصاد جهانی، گسترش بازار و فرصتهای جدید سرمایه‌گذاری، با رقابتهای بسیار فشرده و شدید توأم است. کشورهایی که نتوانند خود را برای استفاده از فرصتهای مذکور مهیا سازند، این فرصتها می‌تواند به تهدیدهای جدی برای آنها مبدل شود، و ایران نیز از این قاعده مستثنا نخواهد بود.

۳-۲- هم‌پیوندی فعال با اقتصاد جهانی: موقعیت ایران

دو دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی را، می‌توان دوره به وجود آمدن فرصتهای جدیدی برای کشورهای در حال توسعه قلمداد کرد. در این دو دهه، شماری از کشورهای در حال توسعه که در پایان دهه ۱۹۷۰، دارای وضعیت اقتصادی مشابه، و در مواردی نازل‌تر از ایران بوده‌اند توانسته‌اند با اتخاذ رویکردهای منطقی و راهبردهای مناسب، از طریق همگرایی‌های منطقه‌ای، در هم آمیزی با اقتصاد جهانی و در نهایت گسترش و تعمیق فرایند صنعتی شدن، به تدریج از جرگه این کشورها خارج و به گروه کشورهای

پیشرفته صنعتی پیبوندند. چنان که امروز کشورهایی نظیر چین، کره جنوبی، مالزی، اندونزی، مکزیک، تایلند، تایوان و حتی ترکیه، به رغم برخی بحرانهای مقطعی و گذرا، که پاره‌ای از آنها در ذات پیشرفت اقتصادی - اجتماعی و عدم تعادل‌های ناشی از آن، نهفته است، و پاره‌ای دیگر نیز از تجربه‌های جدید و عدم آمادگی در مقابل پدیده جهانی شدن سرچشمه گرفته است، موفق شده‌اند به ارقام درآمد سرانه، تولید و تجارتی فزاینده و رو به رشد، دست یابند، و بسیاری از مشکلات و تنگناهایی را که ایران اکنون با آن دست به گریبان است، پشت سر گذارند.

مقایسه ارقام مربوط به عملکرد صادرات ایران با برخی از کشورهای نوظهور صنعتی، به منزله نشانه‌ای از قدرت نفوذ در بازارهای جهانی، رقابت‌پذیری و نهایتاً توانمندی‌های اقتصادی - صنعتی، حکایت از عقب افتادن ایران و فاصله گرفتن چشمگیر از کاروان کشورهای پیشرو و بالنده دارد. اطلاعات موجود بیانگر آن است که اگر چه مجموع صادرات نفتی و غیر نفتی ایران طی دو دهه ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰، دو برابر شده است، و صادرات غیر نفتی از ۶۴۵ میلیون دلار در سال ۱۳۵۹ (۱۹۸۰)، به ۴۱۱۹ میلیون دلار در سال ۱۳۷۹ (۲۰۰۰)، افزایش یافته است، اما قدر مطلق آن در مقایسه با رشد صادرات در کشورهای تازه صنعتی، بسیار ناچیز بوده و تناسبی با امکانات و توانایی‌های بالقوه ایران نداشته است.

در تمام این سالها درآمد حاصل از فروش نفت خام بین (۸۵٪) تا (۹۷٪) کل صادرات ایران را تشکیل می‌داده و صادرات کالاهای صنعتی در بهترین سالها (از جمله سال ۲۰۰۰)، از (۷٪) تا (۸٪) مجموع صادرات کشور فراتر نمی‌رفته است.

در همین دو دهه، کشورهای نوظهور صنعتی موفق شده‌اند، با انجام سرمایه‌گذاری‌های گسترده و با تغییر ساختار اقتصادی - تولیدی خود، به ارقام بسیار چشمگیر صادراتی نایل آیند که بین (۸۰٪) تا (۹۵٪) آن را، صادرات کالاهای ساخته شده صنعتی تشکیل می‌دهد. روشن است که در سال ۲۰۰۰ و در عرصه رقابتهای تجاری در سطح بین‌الملل، دستیابی به تولید و صادرات انبوه در حد ارقام بالای ۲۴۹/۳ میلیارد دلار برای چین، ۱۷۲/۲ میلیارد دلار برای کره جنوبی، ۱۶۶/۴ میلیارد دلار برای مکزیک و ...، حتی رقم ۲۶/۶ میلیارد دلار برای ترکیه، بدون نفوذ و پیوند با بازار جهانی و تولید با استانداردهای بین‌المللی مورد پذیرش آن، به هیچ ترتیب دیگری امکانپذیر نبوده و تنها از طریق مشارکت با بنگاههای خارجی و جلب و جذب سرمایه‌گذاری‌ها و همکاری‌های آنان ممکن شده است. ارقام مربوط به موجودی

سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در کشورهای یاد شده و مقایسه آن با وضعیت ایران، این نکته را با وضوح بیشتری آشکار می‌سازد. در حالی که در فاصله این دو دهه، موجودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران حدود (۲۰٪) کاهش داشته و از ۲۶۰۹ میلیون دلار در سال ۱۹۸۰ به ۲۱۱۵ میلیون دلار در سال ۲۰۰۰ میلادی، تنزل کرده است، دیگر کشورهای موفق در زمینه توسعه صادرات، توانسته‌اند حجم انبوهی از این سرمایه‌گذاری را به صورت ساختمان، ماشین‌آلات و تجهیزات تولیدی در کشور خود مستقر ساخته و اهرم مدیریتی نیرومندی را در توسعه اقتصادی - تجاری خویش به کار گیرند.

حاصل این فرایند را می‌توان در رشد بهره‌وری نیروی انسانی یا تولید سرانه شاغلان در مجموع فعالیتهای اقتصادی، مورد ارزیابی دقیق قرار داد. مقایسه وضعیت ایران با کشورهای منتخب نوصنتی، افت این شاخص را طی دو دهه در ایران در برابر صعود فوق‌العاده آن، در کشورهای یاد شده نشان می‌دهد. میزان بهره‌وری نیروی کار در ایران با (۲۹٪) کاهش، از ۹۳۱۰ دلار در سال ۱۹۸۰ به ۶۶۴۹ دلار در سال ۱۹۹۹ رسیده، در حالی که همین شاخص در مالزی و تایلند به ۲ برابر، در هنگ‌کنگ به ۳/۵ برابر و در کره جنوبی به ۴ برابر افزایش یافته است.

مفهوم این ارقام، صرف نظر از رشد تولید سرانه نیروی کار، نشانه‌ای از تعمیق جریان صنعتی شدن، دستیابی به تکنولوژی‌های برتر و ورود به بازار رقابتی در اختیار کشورهای پیشرفته صنعتی، از طریق درهم‌آمیزی با سرمایه و مدیریت بنگاهی خارجی است. نفوذ در بازار مذکور و جلب مشارکت شرکتهای بین‌المللی تولید کننده کالاهای صنعتی، که بخش اعظم تجارت کالایی جهان را در بخشهای مختلف در کنترل خود دارند، کار ساده و آسانی نیست، بلکه نیازمند وجود شرایط و فضای مناسبی در اقتصاد داخلی است که با معیارهایی چون امنیت سرمایه و سرمایه‌گذاری، انگیزه‌های مثبت ناشی از مزایای نسبی و رقابتی، امکانات سودآوری تولید و تجارت در شرایط ثبات وضعیت اقتصادی (از جمله پایین بودن نرخ تورم) و ... قابل تبیین و ارزیابی است.

در زمینه قابلیت شکوفایی امکانات بالقوه صنعتی - تجاری کشور، کافی است اشاره شود که ایران در مرکز جغرافیایی انرژی و یکی از وسیع‌ترین بازارهای جهان قرار دارد، که از طریق مرزهای آبی و خاکی با ۱۸ کشور، با جمعیتی بالغ بر نیم میلیارد نفر، در ارتباط مستقیم است. بنابر این، از دیدگاه شکل‌گیری، یک شبکه بزرگ تولید و تجارت مواد، کالاهای واسطه‌ای، قطعات، کارافزارهای صنعتی، ارائه خدمات و

پشتیبانیهای لجستیکی - صنعتی، در حوزههای اطراف خود و دسترسی به بازار وسیع منطقه - از جمله کشورهای ثروتمند حوزه خلیج فارس - دارای استعداد و امتیاز توسعه‌ای فوق‌العاده است. طبعاً این موقعیت، امکانات گسترده‌ای را از لحاظ ایجاد و توسعه صنایع به ویژه صنایع متوسط و خوشه‌های صنعتی، در پیوند با شبکه‌های ارزش جهانی، برای کشور فراهم می‌سازد.

عدم استفاده از این موقعیت ممتاز از سوی ایران، تاکنون باعث شده است که کشورهای و حوزه‌های جانشینی در شمال و جنوب با عهده‌دار شدن نقش رابط در پایگاه تجاری، به درآمدهای چشمگیر دست یابند. درآمدهایی که به سهولت می‌توانست نصیب ایران، صنعتگران، تجار و کارگزاران ایرانی گردد. برای آینده می‌توان، و باید از هم اکنون اقدام کرد. ایران در استراتژیهای خود باید تولید برای بازار جهانی را در پیوند بین بنگاهی، با تمام الزامهای و پیش نیازهای آن، مد نظر قرار دهد. مزیتها و امکانات ملی - منطقه‌ای پنهان و آشکار، به طور خودکار وظیفه بهترین انتخاب را در اختیار بنگاهها و اقتصاد کشور قرار خواهد داد.

فرایند توسعه اقتصادی - صنعتی آینده ایران و دستیابی به رشدی پایدار و پیوسته، که مستلزم ثبات اقتصادی، توسعه سرمایه‌های فیزیکی و انسانی، افزایش بهره‌وری، پویایی، تنوع ساختار تولید و رقابت‌پذیری و جای‌گیری درحوزه‌های برتر تولید صنعتی و تجارت، در نظام نوین تقسیم کار بین‌المللی است، با توجه به امتیازات برشمرده، می‌تواند فرایند درهم‌آمیزی و پیوند اقتصاد و صنعت کشور را با اقتصاد و صنعت جهانی، به گونه‌ای مطمئن و متقارن (صادرات کالاها و خدمات در برابر واردات کالاها و خدمات با تأکید بر نقش و سهم عمده کالاهای صنعتی) فراهم آورد، و مبانی امنیت و اقتدار ملی کشور را تحکیم و تقویت کند.

۴- رقابت‌پذیری اقتصاد

۴-۱- مقدمه

ملل مختلف جهان، قرن‌هاست برای استمرار و بهبود شرایط و استاندارد زندگی خود، با یکدیگر رقابت می‌کنند. البته رقابت، مفهومی چند بعدی است، که تعاریف و معیارهای متفاوتی را می‌تواند دارا باشد.

رقابت‌پذیری جهانی، مرجعی را برای ارزیابی مدیریت اقتصاد آینده ملل مختلف ارائه می‌نماید. از این‌رو، این مفهوم را تنها وسیله‌ای برای ارزیابی و اندازه‌گیری عملکرد اقتصاد در وضع موجود، نمی‌توان فرض کرد. رقابت‌پذیری، حاصل تلاشهای فکری وسیعی است که می‌توان آن را در چارچوب دو تعریف کلی زیر، خلاصه نمود:

تعریف علمی

«رقابت‌پذیری ملل، مفهوم مهمی در اقتصاد است که واقعیات و سیاستهای شکل دهنده توانایی‌های یک ملت را، برای ایجاد و یا حفظ محیطی که تولید ارزش و مازاد اقتصادی برای بنگاههای اقتصادی و بالندگی ملی در آن انجام می‌گیرد، بررسی و آن را بهبود می‌بخشد.»

اگر چه تعریف مزبور در حد علمی، جامع و مانع است، ولی برای کاربردی‌تر کردن آن می‌توان تعاریف ساده‌تر، و در عین حال از لحاظ اجرایی، تعاریف در دسترس‌تری را نیز مطرح ساخت.

تعریف کاربردی

«رقابت‌پذیری ملل، بررسی چگونگی حفظ و خلق محیط و فضایی است که رقابت‌پذیری بنگاههای اقتصادی یک کشور را، بهبود و استمرار می‌بخشد.»

این تعریف هر چند کامل نیست، ولی به عنوان یک خط فکری بر مبانی مهم زیر، تأکید دارد:

- رقابت‌پذیری یک ملت، بر اجرای سیاستهایی که سرانجام، محیط فعالیت بنگاههای اقتصادی و تولید را در هدف خود دارد، تأکید می‌ورزد.

- اصول اساسی که میان رقابت‌پذیری ملی و رقابت‌پذیری در سطح بنگاهها تفاوت ایجاد می‌کند، ناظر به مکانی است که ارزشهای اقتصادی در آنجا تولید می‌گردد. تعریف مزبور، تولید ارزش را خاص بنگاههای اقتصادی دانسته و برای محیط ملی، دو فرض حمایتی و یا غیر حمایتی را مطرح می‌کند. تفاوت مالکیتها در بخش خصوصی و دولتی عملاً خود را در کارایی‌های متفاوت بنگاهها در سیستمهای مختلف نشان می‌دهد.

- رقابت‌پذیری مفهومی ایستا نیست. مفهومی پویا است که اتکا بر آن، زمانی اطمینان بخش است که مستمراً رو به باز تولید و توسعه باشد. هیچ ملتی به دلایل مربوط به گذشته، نمی‌تواند از موفقیت‌های آینده اطمینان داشته باشد. ارزشها و مزیتها را باید خلق کرد و موجودیها کفایت نمی‌کند.

- سرانجام، رقابت‌پذیری موضوع افزایش بالندگی یک ملت است که بالندگی را با ترکیبی از شاخصهای بهبود سطح و کیفیت زندگی، انباشت سرمایه و ثروت می‌توان تعریف کرد. بالندگی بسیار مهم است، چرا که بر ابعاد و جنبه‌های غیر اقتصادی رقابت تأکید دارد. رقابت‌پذیری به هر قیمت، نظیر کاهش سود و بهره‌وری یک ملت و یا هر ساختار سیاسی و اجتماعی در طول زمان، قابل دفاع نیست.

۴-۲- چارچوب ارزیابی رقابت‌پذیری

با توجه به آنچه که گفته شد، رقابت‌پذیری محصول کنش متقابل چهار مجموعه عوامل زیر است، که به طور کلی می‌تواند محیط ملی یک کشور در این زمینه را تعریف کند:

الف: عملکرد اقتصادی

ب: کارایی دولت

ج: کارایی تجاری

د: توسعه زیربناها

قبل از ادامه بحث، تأکید بر یک یافته بزرگ در این زمینه، مهم است:

در مسیر بهبود رقابت‌پذیری، نسخه واحدی وجود ندارد. سیاستهای مختلفی را می‌توان از نمونه‌های موفق اقتباس کرد^۱، ولی هر کشور و دولتی ناگزیر است، این سیاستها را با شرایط محیطی خاص خود منطبق نماید. استراتژیهای رقابت‌پذیری موفق، زمانی قابل تجربه است که ویژگی‌های بازارهای جهانی را، با الزامهای ملی که تاریخ، نظام ارزشی و سنتهای جاری در یک کشور آنها را تعریف می‌کنند، سازگار نمایند.

۴-۳- مبانی نظری بهبود رقابت‌پذیری

کشورهای مختلف جهان، محیط ملی خود را، بر اساس آنچه که نیروهای اساسی چهارگانه رقابتی نام دارد، و محیط رقابتی یک کشور را شکل می‌بخشد، مدیریت می‌کنند. این نیروها اغلب محصول سنت، تاریخ و نظامهای ارزشی است و اغلب نیز به صورت دقیق تعریف نشده‌اند.

به هر حال، این ابعاد را برای دستیابی به نوعی تئوری کلی رقابت‌پذیری، که در عین حال قادر باشد، روابط میان هر چهار محور را نیز مشخص کند، می‌توان در هم ادغام کرد. این تئوری درصدد کمی کردن تمامی ابعاد رقابت‌پذیری کشورها نبوده، بلکه بیشتر در صدد تعریف ابعاد اصلی رقابت‌پذیری است که مشخص می‌سازد، یک کشور چگونه باید عمل کند. این ابعاد عبارتند از:

الف: ایجاد جذابیت ملی، در مقابل حرکت تهاجمی به خارج

ب: جهان‌گرایی، در مقابل اتکا به بازارهای داخلی

ج: اتکا بر دارایی‌ها و منابع، در مقابل اتکا بر فرایندهای فناوری

د: ریسک‌پذیری فردی، در مقابل حرکت و تلاش اجتماعی و جمعی

الف: ایجاد جذابیت ملی، در مقابل حرکت تهاجمی به خارج

رفتار کشورهای مختلف در مسیر مدیریت روابط اقتصادی خارجی آنها متفاوت است. سنت رقابت‌پذیری، کاملاً با حرکت تهاجمی کشورها به جهان خارج، در زمینه صادرات کالاها و خدمات و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مرتبط بوده است. آلمان، ژاپن و کره جنوبی، نمونه‌های خوبی از استراتژی مزبور محسوب می‌شوند.

ولی از سوی دیگر، در چارچوب یک استراتژی کاملاً نوین، پاره‌ای از ملل، توسعه توان رقابت‌پذیری خود را از طریق ایجاد جذابیت‌های داخلی دنبال می‌کنند. به طور مثال، ایرلند و سنگاپور، در حال توسعه جذابیت ملی خود، از طریق ایجاد انگیزه برای ورود سرمایه‌های خارجی هستند.

حرکت تهاجمی به بازارهای خارجی، برای کشور مربوطه، درآمد ایجاد می‌کند، ولی این مزیت به معنی ایجاد اشتغال جدید نیست. در حالی که ایجاد جذابیت، در فرایند ایجاد اشتغال جدید در کشور پذیرنده سرمایه مستقیم خارجی، بسیار مؤثرتر عمل می‌کند، اگر چه قابلیت درآمدسازی آن، به دلیل

هزینه ایجاد انگیزه‌های لازم، بسیار پایین‌تر است. این بدین معنی است که حتی در کشورهای ثروتمند جهان نیز، نمی‌توان قابلیت و اهمیت استراتژیهای نوین را نادیده گرفت. بنابر این، کشورهای مختلف جهان، باید برای توسعه قابلیت‌های رقابتی خود به هر دو استراتژی توجه کنند.

ب: جهان‌گرایی، در مقابل اتکا به اقتصاد ملی

نظامهای اقتصادی در کشورهای مختلف جهان، دارای بافت یکپارچه و سازگار نیستند. در اکثر موارد، این نظامها نوعی همزیستی میان بخشهای پیشرو و جهان‌گرا و اقتصادهای متکی بر بازارهای خود ارائه می‌نمایند.

اقتصاد سنتی، صنایع دستی، خدمات شخصی، خدمات قضایی و بهداشتی و عمومی را دربر می‌گیرد، این بخش از اقتصاد، ارزش افزوده خود را، در ارتباط با مصرف کننده نهایی داخلی تعریف می‌کند و عموماً گران، غیر اقتصادی و حمایت‌گر است.

در حالی که اقتصاد با گرایش جهانی، عملیات بین‌المللی و شرکتهایی را دربر می‌گیرد که صرفاً بر اساس تقاضای مصرف کننده نهایی ملی، فعالیت نمی‌کنند، بلکه فعالیت آنها، بر اساس استانداردهای مزیت نسبی، در سطح جهانی و رقابتی صورت می‌پذیرد.

سهم این دو بخش اقتصادی در اقتصادهای مختلف متفاوت است، ولی به طور متوسط می‌توان فرض کرد که در اقتصادهای اروپای غربی، دو سوم تولید ناخالص داخلی هنوز در بخش اول تولید می‌شود. کشورهای کوچکتر، بیشتر به اقتصاد جهانی متکی هستند و کشورهای بزرگتر نظیر آمریکا، متکی بر بازارهای داخلی خود زندگی می‌کنند، اگر چه روند جهانی شدن رو به توسعه است.

به طور کلی طی ۲۵ سال گذشته، سهم بخش جهانی اقتصادها به نحو چشمگیری افزایش یافته است، از جمله مهم‌ترین دستاوردهای این روند، کارکرد قوی‌تر نیروی قیمت‌ها، و مدیریت دستمزدها بوده است.

ج: اتکا بر دارایی‌ها و منابع، در مقابل اتکا بر فرایندهای فناوری

ملل مختلف جهان، محیط رقابتی خود را از دو طریق متفاوت، استفاده از منابع و یا بسط ظرفیتهای فناوری، توسعه بخشیده‌اند. برخی از کشورها از نظر منابع غنی هستند، ولی عملکردها نشان داده است که این برتری لزوماً به معنی رقابتی‌تر بودن نیست. نمونه‌های بارز این واقعیت را در روسیه، ایران، هند و برزیل و ... می‌توان مشاهده کرد. بر عکس ملل فقیری از لحاظ منابع طبیعی و انرژی نظیر سنگاپور، سوئیس، ژاپن و ... هستند که با تکیه بر توسعه ظرفیتهای فناوری به دستاوردهای بالایی نایل شده‌اند. به طور کلی در مقایسه جهانی، کشورها و ملل گروه دوم، رقابتی‌تر عمل کرده‌اند.

د: خطرپذیری فردی در مقابل حرکت اجتماعی و جمعی

چهارمین نیروی شکل دهنده قضاوت، در تفاوت‌های رقابتی میان کشورها را، باید در اختلاف میان سیستمهای اقتصادی آنها جستجو کرد. تفاوت میان مدل اقتصادی انگلوساکسون، که با تکیه بر فردگرایی وسیع و خطرپذیری افراد عمل می‌کند (با طیف وسیعی از سیاستها و راهبردها در زمینه مقررات‌زدایی، خصوصی‌سازی، مسئولیت‌پذیری فردی از طریق حداقل کردن سیستمهای رفاه عمومی) و بر عکس، مدل اروپایی که بر وفاق اجتماعی و تأکید گسترده بر سیستم رفاه عمومی استوار است، شکل‌دهنده تفاوت‌های رقابتی میان کشورها می‌باشد.

البته نباید فراموش کرد که ترکیبهای کاملاً متفاوتی از عوامل مزبور را، می‌توان به شرح زیر مورد توجه قرار داد:

- جهان‌گرایی همراه با افزایش خطرپذیری فردی
- اتکا به پویایی عوامل داخلی یک اقتصاد همزمان با توسعه گرایشهای اجتماعی
- راه سوم یعنی مدل‌های هلندی و نیوزیلندی

۴-۴- اثرات فرهنگ ملی بر رقابت‌پذیری

عوامل بسیار زیادی هستند که بر سطح رقابت‌پذیری کشورها تأثیر می‌گذارند. یکی از مهم‌ترین این عوامل، نظام ارزشی کشورهاست. در اوایل قرن بیستم، ماکس وبر، فیلسوف آلمانی، روابط متقابل فرهنگ و توسعه اقتصادی را، در کتاب معروف خود به نام اخلاق پروتستانی مورد مطالعه قرار داد. وی به

نتیجه‌ای رسید که همچنان معتبر است: «ملل مختلف جهان، با تولید کالا و خدمات خود با هم رقابت نمی‌کنند، بلکه در این عرصه، سیستم‌های آموزشی و ارزشی ملل نیز نقش بسیار مهمی را دارند.» در مسیر توسعه اقتصادی ملل مختلف جهان، ساختار نظام ارزشی آنها، طی چهار مرحله اصلی زیر، تغییر کرده است.

الف: کار سخت

عزم ملت برای تحقق اهداف تبیین شده ملی، کاملاً جزم و یکپارچه است (نظیر کره جنوبی).

ب: ثروت

اگر چه افراد همچنان سخت کار می‌کنند، ولی بیشتر به فکر افزایش درآمد خود هستند (نظیر سنگاپور).

ج: مشارکت اجتماعی

افراد کمتر متمایل به کارهای سخت هستند و بیشتر مشغول شکل‌دهی ساختار اجتماعی خود هستند (نظیر آمریکا و اروپا دهه ۱۹۶۰).

د: دستاوردهای فردی

افراد بیشتر به فکر توسعه زندگی شخصی خود هستند، بسیار بیشتر از آن که به فکر تغییرات اجتماعی باشند (نظیر آمریکا و اروپای امروز).

۵- امنیت انسانی و اجتماعی

۵-۱- مقدمه

حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم، مطالب جدیدی نیستند و در قوانین اساسی اغلب کشورها، تعیین و تضمین شده‌اند، لیکن در عمل، به طور کامل تحقق پیدا نکرده‌اند. دلیل این امر، گاه ایدئولوژیکی و گاهی فقدان صراحت و شفافیت اذهان و افکار، در مورد تعاریف و دامنه این آزادیهاست.

این حقوق نه تنها «غیر قابل تعریف و غیر قابل تحویل» نیستند، بلکه به خوبی قابل اندازه‌گیری‌اند. چنانچه یک هیئت از سازمان ملل متحد، بر اقدامهای دولتها در ایفای تعهدات خود، در چارچوب «کنوانسیون بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» نظارت می‌کند، و بیش از ۱۴۵ کشور گزارشهای خود را به این هیئت تسلیم می‌کنند.

توجه روزافزون به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، واکنشی است در قبال وضعیتی که در آن، هر شب یک پنجم جمعیت جهان، گرسنه سر بر بالین می‌گذارند، یک چهارم جمعیت جهان، فاقد آب آشامیدنی سالم و حتی عدم دسترسی به نیازهای ضروری هستند، و یک سوم جمعیت جهان، در فقر به‌سر می‌برند. این توجه از جنبه دیگری نیز ضرورت پیدا کرده، و آن این است که حقوق بشر، غیر قابل تفکیک است و برخورداری از کرامت انسانی، آزادی و برابری، بدون خوراک، بهداشت و سرپناه، امری غیر ممکن است.

تنزل شدید و روزافزون امنیت فراگیر انسانی، یکی از حساس‌ترین چالشهای سیاسی امروز است. در این مورد، نباید امنیت انسانی را با نیازهای اساسی یکی دانست. بدون تردید بقای انسان و از این رو تأمین نیازهای اساسی او، از جمله ابعاد مهم امنیت انسانی است. اما ابعاد دیگر این امر شامل مواردی همچون امنیت شخصی، مصونیت از خشونت، امنیت شغل و درآمد، امنیت زیست‌محیطی، حق تعیین سرنوشت و خودآگاهی، به همان اندازه اهمیت دارند.

بررسی‌ها نشان داده‌اند که احیا، حفظ و نگهداری امنیت جامعه انسانی را، نمی‌توان از طریق اقدامهای اصلی که در حواشی استراتژیهای توسعه متداول امروزی به عمل می‌آید، به دست آورد. بلکه تحقق آنها نیازمند دیدمان توسعه‌ای اساساً نوینی است که باید با اخلاقیات نوینی از توسعه مردم‌محور عجین شده باشد.

در این رویکرد، توسعه نه فقط بر حسب وسایل و لوازم توسعه، بلکه بر پایه دستاوردهای واقعی آن، یعنی بهبودهایی که در زمینه رفاه، عاید مردم می‌شود، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۵-۲- چالشهای اصلی امنیت فراگیر انسانی

امروزه، تنها تعداد انگشت شماری از شهروندان یک کشور احساس عدم امنیت خود را بر خاسته از حمله و تجاوزهای همسایه می‌دانند. قسمت اعظم نگرانیها و دغدغه‌های مردم مربوط است به آشوبهای اجتماعی، درگیریهای سیاسی و کشمکشهای داخلی کشور خودشان. از مجموع ۸۲ نزاع و درگیری که در یکی از سالهای اخیر در جهان وجود داشت، تنها ۳ مورد آن از نوع درگیریهای بین کشوری و ۷۹ مورد بقیه از نوع درگیریهای درون کشوری بود. در گذشته (۹۰٪) از تلفات جنگی، نظامی و تنها (۱۰٪) آن، غیر نظامی بود که این نسبت هم اکنون معکوس شده و قربانیان جنگها، تماشاگران بی‌گناهی هستند که جنگ و درگیری، به محله‌ها و خیابانهای آنها وارد می‌شود.

یکی دیگر از عوامل عمده عدم امنیت در حال حاضر فقر است، که حدود یک سوم نوع بشر را دربر گرفته است. فقیر بودن به معنای گرسنگی و فقدان غذا است. فقیر با هر جرعه از آبی که می‌آشامد، با خطر عفونت، بیماری و احتمالاً مرگ روبه‌رو می‌شود. فقیر بودن به معنای عدم دسترسی به مراقبتهای پزشکی به هنگام بیماری است. به معنای اسیر بیسواد و جهل بودن و محرومیت از دارایی، کار، درآمد و قدرت سیاسی است.

امروزه فقر و تنزل توسعه انسانی، به علت بیکاری یا کم‌کاری روزافزون، به یک تهدید واقعی برای تعداد رو به تزایدی از مردم تبدیل شده است. به عنوان نمونه بیش از ۴۰ میلیون فرصت شغلی، باید در منطقه خاورمیانه و شمال افریقا ظرف ۱۰ سال آینده، و تنها برای پاسخگویی به افزایش نیروی کار، و جلوگیری از افزایش بیکاران فعلی [معادل (۲۰٪) نیروی کار فعلی] ایجاد شود. این وظیفه اگر غیر ممکن نباشد، امری بسیار خطیر و عظیم است. سرعت بخشیدن به آهنگ رشد اقتصادی، هر چند به خودی خود امر مشکلی است، برای این منظور کافی نیست، زیرا رشد اقتصادی به طور فزاینده‌ای، به «رشدی بدون اشتغال» تبدیل شده است. رشد تولید در همه مناطق جهان، به استثنای آسیای شرقی، از ۱۹۷۰ به بعد، فراتر از رشد اشتغال بوده و در کشورهای صنعتی به عنوان نمونه، رشد تولید دو برابر رشد اشتغال بوده است.

نرخ بالای بیکاری، نه تنها موجب پایین نگه‌داشتن مزد در کشورهای در حال توسعه است، بلکه بر مزد و مزایای اجتماعی در کشورهای صنعتی هم فشار وارد می‌کند. با توجه به پوشش اندک نظامهای

تأمین اجتماعی، بی‌کار بودن برای بیشتر افراد، به معنای فقدان هرگونه درآمد است، و داشتن مزد پایین، در نتیجه کارهای موقت و پاره‌وقت نیز، برای بیشتر افراد، به مثابه ناتوانی در تأمین یک سطح زندگی آبرومند به رغم ساعات طولانی کار طاقت‌فرسا است.

به دلیل رشد ناچیز اقتصادی در سالهای گذشته، ماهیت سرمایه‌بر بودن بیشتر سرمایه‌گذاری‌های منجر به رشد، و عدم دسترسی فقرا به اعتبار و تسهیلات بانکی، توزیع درآمد، همچنان ناعادلانه است. این امر، به ویژه از نظر نابرابری اقتصادی با افزایش انتظارات که در نتیجه بهبودهای حاصله در آموزش، ارتباطات و حمل و نقل حاصل شده است، و همگی به گسترش و پذیرش هنجارها و ارزشهایی مانند عدالت، برابری و حقوق بشر در حوزه‌های مدنی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی منجر شده، نگران‌کننده است. فراموش‌شدگی، محرومیت و اختلاف طبقاتی، روز به روز کمتر قابل تحمل می‌شود، زیرا مردم اینک دریافته‌اند که این شرایط از الزامهای توسعه نبوده، بلکه «محصول بشر» و نتیجه یک انتخاب سیاسی‌اند. یأس و عسرت ناشی از این وضعیت، به صورت مهاجرت اقتصادی و پناهندگی، افزایش سطح جرائم و خشونت، و حتی تروریسم بروز می‌کند.

یکپارچگی اقتصاد جهانی و پیشرفتهایی که در این زمینه حاصل آمده است، فاصله بین کسانی که بخشی از «اقتصاد جهانی شده» هستند و کسانی که خارج از آن باقی مانده و فاقد دارایی، شغل، آموزش رسمی و فن‌آموزی یا معلول و بیمار هستند را، افزایش داده است.

در رابطه با چالشهای امنیت فراگیر انسانی، باید به چند موضوع زیر توجه کرد:

الف: گسترش مفهوم امنیت، از امنیت سرزمینی به امنیت انسانی

مفهوم امنیت را باید در دو مقوله امنیت سرزمینی، که تکیه بر ابزارها و وسایل و استراتژیهای نظامی دارد، و امنیت انسانی، که عمدتاً بر منابع و استراتژیهای توسعه‌ای مبتنی است، جستجو نمود. امنیت انسانی هم دارای دو بعد است: بعد اول، جنبه بقا و ادامه حیات دارد. به این معنا که افراد باید قادر به تضمین و تأمین معیشت پایه‌ای و از این طریق امنیت خویش باشند. بعد دوم، مربوط به پایداری است، و به این معناست که افراد باید در صورت بروز نوسانات و دگرگونی‌های شدید مادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در شرایط معیشتی‌شان، در امان و مورد حمایت باشند.

ب: توسعه پایدار انسانی

امنیت انسانی، تنها در صورتی تأمین می‌شود که توسعه با سه هدف کلی زیر، تحقق یابد: اول رشد اقتصادی در حدی که مورد نیاز است، دوم باززیستی و تجدید حیات زیست‌محیطی، و سوم مشارکت مردم. این سه هدف باید حداقل‌های تأمین شده، در همه سرمایه‌گذاری‌های دولتی و خصوصی و هدف‌گائی همه استراتژیها و تدابیر سیاستی باشند.

ج: رفع بدترین اشکال فقر

بعضی از هدفهای اجتماعی، در نتیجه فراموشکاری و غفلت، تحقق نیافته باقی می‌مانند و عبارتند از، تأمین آموزش پایه برای همگان، تأمین بهداشت پایه برای همگان، دسترسی به خدمات برنامه‌های تنظیم و بهداشت خانواده، دسترسی همگانی به آب آشامیدنی بهداشتی ارزان، و بالاخره دسترسی به اعتبارات و اطلاعات.

د: تضمین معیشت پایدار

با وخامت محیط زیست، پایه منابع طبیعی در دسترس مردم دچار تخریب می‌شود و با شدت گرفتن برنامه‌های اصلاح ساختاری و تعدیل اقتصادی، مشاغل زیادی از بین رفته و مزد، تحت فشار قرار می‌گیرد، مزایای اجتماعی وابسته به اشتغال حذف می‌گردد و نظامهای حمایتی خانوادگی و محله‌ای، به تدریج از بین می‌روند. در این شرایط، تقویت، تجهیز و توانمندسازی مردم برای کمک به خویشان، ایجاد تسهیلات برای دسترسی آنها به دارایی‌ها و فراهم کردن انگیزه‌های سیاسی در جهت ایجاد اشتغال، ضرورت پیدا می‌کند.

ه: تأمین امنیت انسانی برای زنان

امنیت انسانی، باید جامع و در برگیرنده هم مردان و هم زنان باشد، به ویژه آن که بهبود امنیت انسانی در بیشتر موارد به نقش زنان در توسعه و برخورداری آنها از سهم عادلانه‌ای از ثمرات توسعه، بستگی تام دارد. از این رو، استراتژی امنیت انسانی، باید معطوف به ایجاد تسهیلات برای زنان و رفع فقر از آنها باشد. راهکارهای این استراتژی از بین بردن فاصله‌های بین زنان و مردان در آموزش

عمومی، آموزشهای فنی - حرفه‌ای (فناوری)، دسترسی زنان به اعتبارات و حذف موانع قانونی، نهادی و اجتماعی است که بر سر راه مشارکت کامل آنها در توسعه وجود دارد. در چارچوب این استراتژی باید این تضمین فراهم شود که در شرایط بحرانی، زنان به قربانی همه قربانیان تبدیل نشوند.

و: تأمین رشد اقتصادی

تجربه توسعه نشان می‌دهد که تلاش در جهت تأمین رشد اقتصادی، به عنوان یک هدف و غایت، به خودی خود به توسعه انسانی پایدار منجر نمی‌گردد، هر چند جزء مهم آن به شمار می‌رود. نکته کلیدی این است که چارچوبهای جدیدی از رشد تعبیه گردد، که با دو عامل دیگر توسعه، یعنی محیط زیست و مردم، کاملاً سازگار و در تعاملی قوی باشد.

با توجه به مطالب بالا، ضروری است که امنیت، در چارچوب و گستره‌ای که قانون اساسی تعریف کرده است - امنیت انسانی - مورد توجه قرار گیرد و دربر گیرنده حقوق زیر باشد:

- امنیت فردی یا مصونیت از خشونت و تجاوز

- امنیت شغلی و درآمدی

- حق تعیین سرنوشت و آگاهی از هویت خود

علاوه بر اینها، از جمله دردهای دنیای معاصر، این است که بخشهایی از جمعیت، از این پندار رنج می‌برند که آنها به فراموشی سپرده شده‌اند. در حاشیه نگهداشتن و جدامانگی افراد از جریانهای رفاهی، تصمیم‌گیری و مشارکتهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، نوعی از استثمار جدید در دوران معاصر حکمفرما است که امنیت انسانی را خدشه‌دار می‌کند. متغیرهای این نوع استثمار جدید عبارتند از:

- انزوا

- جداسازی

- تنهایی

- فراموش‌شدگی

- طردشدگی یا محرومیت

در بعضی از جوامع، امروزه نه تنها از طریق عمل مستقیم، بلکه از طریق نادیده گرفتن، مداخله نکردن، اقدام نکردن و پنهان شدن مسئولین در پشت روشها و دستورالعملهای پیچیده و کمال طلبانه نظامهای اداری و گاه قانونی، امنیت انسانی نقض می‌شود.

جدول شماره ۲ - پاره‌ای از شاخصهای امنیت انسانی (سال ۲۰۰۰)

شاخص توسعه انسانی	
ایران	۰/۷۲۱
بالاترین (نروژ)	۰/۹۴۲
پائین‌ترین (سیرالیون)	۰/۳۷۵
کشورهای در حال توسعه	۰/۶۵۴
جهان	۰/۷۲۲
شاخص توسعه جنسیتی	
ایران	۰/۷۰۳
بالاترین (استرالیا)	۰/۹۵۶
پائین‌ترین (نیجر)	۰/۲۶۳
نرخ فعالیت زنان	
ایران	٪ ۲۹/۰
کشورهای در حال توسعه	٪ ۵۵/۸
جهان	٪ ۵۵/۳

مأخذ: Human Development Report 2000, UNDP, 2002

جدول شماره ۳ - الحاق ایران به کنوانسیونهای مربوط به امنیت انسانی

تعداد کشورهای ملحق نشده	تعداد کشورهای ملحق شده	ایران	موضوع
۹	۱۶۱	+	۱. کنوانسیون بین‌المللی امحای کلیه اشکال تبعیض نژادی
۷	۱۴۸	+	۲. کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی
۷	۱۴۵	+	۳. کنوانسیون بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
۳	۱۶۸	-	۴. کنوانسیون بین‌المللی امحای کلیه اشکال تبعیض علیه زنان
۱۱	۱۲۸	-	۵. کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با شکنجه و سایر تنبیهات غیر انسانی
۱	۱۹۱	-	۶. کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک
		-	۷. آزادی تشکل و مذاکره دست جمعی
		+	۸. الغای کار اجباری
		+	۹. الغای تبعیض در استخدام و اشتغال
		-	۱۰. الغای کار کودکان

مأخذ: Human Development Report 2000, UNDP, 2002

۶- امنیت ملی

۶-۱- مقدمه

تاریخ هیچ ملتی، روایتی مستمر و بلاانقطاع از تولد و حیات بی‌مات یک قدرت مطلقه پایدار و یک ثبات و آرامش مطلق نیست. هر قدرتی با مقاومت قرین است، به بیان دیگر، هر قدرتی، مقاومت‌ساز است. وجود همین مقاومت است که از انسداد کامل قدرت جلوگیری می‌کند. در هر حال نمی‌توان به تأمین و تحفظی مطلق و پایدار اندیشید. هر نوع امنیتی نسبی است. رویکردهای تمامیت‌نگر، ارمغانی جز ناامنی و بحران به همراه نداشته‌اند. «امنیت مطلق» افسانه‌ای Myth است، که جز در بستر گفتمانهای هیمنه و مرکزیت‌طلب، امکان نشد و حک، نیافته است. افزون این که، امنیت بیش از آن که واقعیتی بیرونی باشد، ماهیتی ذهنی و گفتمانی دارد. مفهوم «امنیت»، صرفاً در یک رابطه هم‌نشینی با مفاهیم دیگر همچون: «قدرت»، «منافع»، «اهداف»، «مصالح»، «تهدیدات» و نظایر آن، که همگی مفاهیمی مبهم، توسعه نیافته و سیال‌اند، مصداق و یا مصداقهای خود را می‌یابد. به دیگر سخن، نمی‌توان «ما وضع له» واحد و شفاف و جوهری حقیقی و لاینحصر برای مفهوم امنیت فرض کرد. میان «موضوع له» واژه «امنیت» و «مستعمل فیه» آن، نه به نحو تضمن و نه به نحو التزام، هیچ رابطه‌ای وجود ندارد.

در پرتو این واقعیتها، ضرورت ارائه «تحلیلی مشخص از شرایط مشخص امنیتی کشور» و ترسیم استراتژیهای مشخص برای ایجاد یک «جامعه امن» در شرایط موجود، کاملاً احساس می‌شود. از یک منظر کلی‌نگر، چنانچه یک نظام را ترکیبی سازواره از «فرایندها»، «کارکردها»، «نقشها»، «ساختارها»، «هنجارها و قواعد»، «محیط» و «بازیگران» تعریف نماییم، شاید بتوان ضریب تداوم و ثبات آن را به عواملی چند از جمله:

۱- توانایی آن نظام در حفظ و تثبیت مرکز ثقل و یا عامل انسجام، ثبات و مشروعیت بخش خود

(از رهگذر تولید و بازتولید مستمر قواعد ایستاری و ارزشی)

۲- تعریف دقایق و عناصر (مولفه‌ها) سازنده و پردازنده خود در بستر رابطه‌ای متقابل، سازواره،

منطقی و کارکردی نسبت به هم

- ۳- ایجاد استعداد استفاده‌شوندگی (بهره‌وری) و یا قابلیت در دسترس بودن (قابلیت تخصیص قدرتمندانه ارزشها، در سطح جامعه و حراست مقتدرانه از آنها، در مقابل حوادث و تهدیدات زمانه
- ۴- مهندسی حریم امنیتی منعطف (و نه شکننده) و تقویت ظرفیت هضم، سمت‌دهی و یا تطابق با حوادث و متغیرهای محیطی
- ۵- تقلیل و تخفیف استعداد «دگرسازی»، و طرد و افزایش آستانه تحمل نظام
- ۶- ترجیح «بازی با حاصل جمع جبری غیر صفر» در عرصه چالشهای سیاسی، و امنیتی
- ۷- افزایش استعداد مهار «دال‌های شناور» در جامعه، وابسته نمود. لکن بی تردید، هیچ یک از ملاحظات فوق، خارج از ظرف زمان و مکان خود، معنا نمی‌یابند و ما را به سرمنزل مقصود رهنمون نمی‌شوند.

۲-۶- مفاهیم کلیدی

امنیت

از بعد عینی، به معنی نبود تهدید نسبت به ارزشها، منافع و هدفها، و از بعد ذهنی، به معنی عدم ترس از مورد هجوم (فیزیکی و غیر فیزیکی) قرار گرفتن بنیانهای ملی (ارزشها، منافع و اهداف) است.

استراتژی ملی

هنر، فن و علم به کار بردن قدرت ملی، برای دستیابی به منافع و هدفهای ملی در تمام شرایط و در زمان صلح و جنگ است.

هدفهای ملی

تصویر آینده، امری است که مطلوب نهایی یک ملت می‌باشد.

قدرت ملی

جمع کل توانایی‌های بالقوه و بالفعل (نرم‌افزاری و سخت‌افزاری) هر ملتی است که ناشی از منافع موجود سیاسی، اقتصادی، نظامی، جغرافیایی، اجتماعی، علمی، فناوری و ایدئولوژیکی آن باشد.

تهدیدهای ملی

توانایی‌ها، نیتها و اقدامهای دشمنان بالفعل و بالقوه (داخلی و خارجی) برای ممانعت از دستیابی موفق به علایق و هدفهای امنیت ملی است.

منافع ملی

ارزشها و هدفهای اولیه، بنیادین و پایداری است که جامعه در پی تحصیل، حفظ، تثبیت و گسترش آنها در عرصه ملی و بین‌المللی است.

خط مشی ملی

انتخاب آگاهانه اهداف، ابزار و منافع است.

اصول ملی

شیوه‌های مداوم رفتار، مبتنی بر سنن و تمایلات ملی که راهنمای نسبتاً ثابتی برای طرز عمل ملت است.

اقتدار

ترکیبی از «قدرت» و «مشروعیت» است. به بیان دیگر، اقتدار چهره مقبول و مشروع قدرت است.

ارزشهای ملی

آن دسته از هنجارها، ایستارها و ارزشهایی است که پیرامون آنان، اجماعی عمومی حاصل آمده و «نظام صدقی» مسلطی را، در یک جامعه ایجاد کرده است.

مصالح ملی

مطلوب کلی و مداومی است که ملت به خاطر آن فعالیت می‌کند.

آرمانهای ملی

مجموعه ارزشهایی است که مردم یک کشور، خواستار دستیابی به آنها هستند.

۶-۳- اصول امنیت ملی

در حال حاضر کشور فاقد یک «استراتژی امنیت ملی» مشخص و مدون است. علل و عوامل بسیاری از ناکردگرایی‌ها، سوء تدبیرها، کنشهای موازی، کنشهای متقابل و کنشها و سویه‌های متشتت امنیتی در دو دهه گذشته راه، از یک سو می‌باید در نبود تعریف عملیاتی مشخص از مفهوم امنیت ملی و تهدیدهای ملی، و از جانب دیگر، در فقدان استراتژیهای مشخص و مدون امنیتی جستجو کرد. در چنین شرایطی، در انداختن طرحی نو در عرصه امنیت ملی کشور ضرورت دارد. اصول چنین طرحی به شرح زیر است:

الف: مفاهیم، زمان پرورده و زمینه پرورده‌اند، لذا مفاهیم باید بامصادق‌ها در ارتباط باشند.

ب: ترسیم و تدوین هر نوع استراتژی ملی باید در وقفه و برآیند منطقی میان «تهدیدها و فرصتها» صورت پذیرد.

ج: حفظ نظام، واجب‌ترین واجبات است. «حفظ» نیز، در گرو نوعی «بسط» و تثبیت درونی ارزشها و «رشد» و تولد مبنا و معنا می‌یابد.

د: استراتژیهای امنیت ملی کشور در بعد خارجی، باید از سه اصل: «عزت»، «حکمت» و «مصلحت» پیروی کند.

۷- ارتقای کیفیت سطح زندگی

۷-۱- مقدمه

کیفیت سطح زندگی عبارت است از تأمین و رفع نیازهای ضروری که افراد از طریق کالاها، خدمات و شرایط زندگی، از آن بهره‌مند می‌شوند. در واقع سطح زندگی جریانی از رفاه است که در واحد زمان

نصیب مردم می‌گردد. نیازهای ضروری هر فرد، ناشی از فرصتها و محدودیتهای زندگی او بوده، و بیانگر تعامل عوامل محیطی و شخصی است.

موضوع بهره‌مندی نیز شامل رضایتمندی، مالکیت یا دسترسی فرد به بعضی از مشخصه‌های یک زندگی مناسب است که فرد در حالت متعارف، می‌بایستی به آن دسترسی داشته باشد. شاخص سطح رفاه، متمایز از شاخص سطح زندگی است. زیرا شاخص سطح رفاه از نوع موجودی STOCK بوده، ولی شاخص سطح زندگی از نوع جریان FLOW است. بنابر این برای افزایش رفاه بایستی از طریق افزایش جریان (سطح زندگی) برنامه‌ریزی نمود.

۲-۷- چارچوب مفهومی

مفهوم کیفیت زندگی، شامل دو جزء اساسی است: یکی اوضاع و احوال عینی جامعه انسانی و دیگری دریافتهای ذهنی و تجربه‌های زندگی فرد یا افراد، از درون جامعه یا گروه‌های اجتماعی. در واقع، کیفیت زندگی بر دو جنبه عینی و ذهنی استوار است. نکته بسیار مهم این که، هم جنبه‌های عینی و کمی دارای بعد کیفی هستند، و هم جنبه‌های ذهنی و کیفی تا حدی کمی‌پذیر می‌باشند. چارچوب مفهومی کیفیت سطح زندگی، دارای سه قلمرو بوده و هر قلمرو دارای اجزایی است. این قلمروها عبارتند از:

- وجود یا ماهیت شخص، تعلق یا ارتباطات فرد با محیط و دسترسی یا دستیابی به اهداف و آرزوها
- بر اساس اصول قانون اساسی و متدولوژی متعارف شاخص مزبور، دارای ۳ گروه پایه و ۹ جزء می‌باشد:

الف: گروه پایه یک (نیازهای اساسی)

- ۱- تغذیه
- ۲- پوشاک
- ۳- مسکن
- ۴- بهداشت و درمان
- ۵- آموزش و پرورش

ب: گروه پایه دو (نیازهای حمایتی)

۶- تأمین اجتماعی

۷- اوقات فراغت و تفریحات

ج: گروه پایه سه (نیازهای محیطی)

۸- محیط زیست (پاکیزگی یا آلودگی آب، هوا، صوت)

۹- شرایط فعالیتهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی

گروه اول، به پنج دسته از نیازهای بشری اشاره می‌کنند که با مصرف کالاها و خدمات حاصل می‌شوند. گروه دوم، آن دسته از نیازهایی است که مردم انتظار دریافت آن را از دولت و نهادهای اجتماعی دارند. یعنی حمایت در مقابل کار بیش از اندازه و خطراتی که زندگی فرد و جامعه را تهدید می‌کنند. گروه سوم نیز به محیط زندگی افراد اشاره داشته و فراتر از حد نیازهای اساسی و حمایتی است.

۳-۷- تبیین نقش و جایگاه کیفیت سطح زندگی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور

مهم‌ترین اصلی که در سراسر قانون اساسی، می‌توان در این رابطه به آن استناد نمود، اصل ۴۳ می‌باشد. اصل مذکور اشاره به تأمین نیازهای اساسی برای همه از قبیل مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده دارد. تأمین شرایط و امکانات کار و آزادی انتخاب شغل، از جمله موارد دیگری است که در این اصل به آن توجه شده است.

سایر اصول قانون اساسی، که به نحوی می‌تواند با این موضوع ارتباط داشته باشند، عبارتند از:

- ایجاد رفاه، رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت

و تعمیم بیمه (اصل ۱۳ بند ۱۲)

- آزادی انتخاب شغل (اصل ۲۸)

- برخورداری از تأمین اجتماعی (اصل ۲۹)

- داشتن مسکن متناسب با نیاز (اصل ۳۱)

با توجه به اصول قانون اساسی، موارد کلی بحث ارتقای کیفیت و سطح زندگی، در واقع همان موارد

۹ گانه‌ای است که در بخش قبلی به آن اشاره شده است.

۷-۴- کیفیت زندگی در بخش سلامت

الف: طرح موضوع

امروزه در جهان، زندگی افراد بسیاری در دستان نظام سلامت قرار دارد. از زایمان بی‌خطر یک نوزاد سالم گرفته تا مراقبت همراه با احترام از یک فرد سالمند، نظام سلامت با حفظ و بهبود وضعیت سلامت افراد، خانواده‌ها و جوامع، در جهت ارتقای کیفیت زندگی آحاد جامعه، ایفای نقش می‌نماید. اهداف نظام سلامت، که در راستای ارتقای سطح زندگی افراد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشند، به شرح زیر قابل بررسی است.

- ارتقای سطح و توزیع سلامت
- پاسخگویی به انتظارات غیر پزشکی مردم و توزیع آن
- مشارکت عادلانه مردم در تأمین هزینه‌های سلامت

ب: تبیین نقش و جایگاه بهداشت در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور

در دنیای امروز، برخورداری از بهداشت و درمان، از حقوق مسلم انسانها به شمار می‌رود، زیرا بهبود بخشیدن به وضع تندرستی و تدارک خدمات بهداشتی و درمان، یکی از جنبه‌های اساسی توسعه اجتماعی و اقتصادی می‌باشد و باعث افزایش کارایی می‌شود.

بنابر این، سرمایه‌گذاری در بخش بهداشت، همچون دیگر بخشهای اجتماعی، در الگوی برنامه‌ریزی و توسعه منابع انسانی، جزو سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی تلقی می‌شود و از عوامل اساسی توسعه اقتصادی و اجتماعی به شمار می‌آید. توسعه، در اصل مرحله گذر از یک سطح زندگی، به سطح زندگی بالاتر است.

ج: بررسی تطبیقی وضعیت ایران (مقایسه با کشورهای منتخب بر اساس شاخصهای متعارف)

ج-۱: شاخص سطح و توزیع سلامت

از نظر شاخص، سطح سلامت، که بر مبنای امید به زندگی تعدیل شده، با ناتوانی در بدو تولد اندازه‌گیری می‌شود، بهترین عملکرد، مربوط به کشورهای ژاپن، استرالیا، فرانسه، سوئد و اسپانیا است.

ایران از این نظر، در میان ۱۹۰ کشور جهان در رتبه ۹۶ قرار گرفته است که کشورهای لبنان (با رتبه ۹۵) و روسیه (با رتبه ۹۱) در همسایگی آن قرار دارند. در مورد سایر کشورها، اسرائیل رتبه ۲۳، امارات عربی متحده رتبه ۵۸، آذربایجان رتبه ۶۵، قطر رتبه ۶۶، کویت رتبه ۶۸، ترکیه رتبه ۷۳، عمان رتبه ۷۲، مالزی رتبه ۸۹، مصر رتبه ۱۱۵، پاکستان رتبه ۱۲۴، عراق رتبه ۱۲۶ و یمن رتبه ۱۴۱ را کسب کرده‌اند.

علاوه بر سطح سلامت، توزیع سلامت بین افراد و گروهها (شهری، روستایی، مرد، زن، مناطق جغرافیایی و ...)، در کشورهای مختلف نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به شاخص توزیع سلامت، در سال ۲۰۰۰، کشورهای شیلی، انگلیس، ژاپن، نروژ و لهستان، بهترین جایگاه را در بین ۱۹۰ کشور جهان دارا بوده‌اند.

ایران از این نظر، رتبه ۱۱۳ را کسب نموده است. در این میان، از نظر شاخص توزیع سلامت، مالزی با رتبه ۴۹، کویت با رتبه ۵۴، قطر با رتبه ۵۹، امارات متحده عربی با رتبه ۹۲، عربستان با رتبه ۷۰، بحرین با رتبه ۷۲، آذربایجان با رتبه ۹۹، سوریه با رتبه ۱۰۷، ترکیه با رتبه ۱۰۹ و الجزایر با رتبه ۱۱۰، همگی وضعیتی بهتر از ایران داشته‌اند و کشورهای عراق با رتبه ۱۳۰، مصر با رتبه ۱۴۱، یمن با رتبه ۱۶۵ و پاکستان با رتبه ۱۸۳، بعد از ایران قرار گرفته‌اند.

ج-۲: پاسخ‌دهی به انتظارات غیر پزشکی مردم

از میان کشورهای جهان، از نظر شاخص پاسخگویی نظام سلامت، آمریکا، سوئیس، لوکزامبورگ، دانمارک و آلمان، بهترین وضعیت را داشته‌اند.

از این نظر، ایران در میان ۱۹۰ کشور در سال ۲۰۰۰، در مکان ۱۰۰ قرار گرفته است که به این ترتیب، نسبت به کشورهای قطر رتبه ۲۶، کویت رتبه ۲۹، امارات متحده عربی رتبه ۳۰، مالزی رتبه ۳۱، بحرین رتبه ۴۳، لبنان رتبه ۵۵، عربستان رتبه ۶۷، سوریه رتبه ۷۰، عمان رتبه ۸۳، الجزایر رتبه ۹۰ و ترکیه رتبه ۹۳، در وضعیت پایین‌تری قرار داشته، و نسبت به کشورهای مصر رتبه ۱۰۲، عراق رتبه ۱۰۳، پاکستان رتبه ۱۲۰، آذربایجان رتبه ۱۳۰، یمن رتبه ۱۸۰ و افغانستان رتبه ۱۸۱، از وضعیت بهتری برخوردار بوده است.

ج-۳: مشارکت عادلانه مردم در تأمین هزینه‌های بخش سلامت

در سال ۲۰۰۰، کشورهای کلمبیا، لوکزامبورگ، بلژیک، دانمارک و جیبوتی بهترین جایگاه را از نظر شاخص مشارکت عادلانه مردم، در تأمین هزینه‌های بخش سلامت، در بین ۱۹۰ کشور جهان دارا بوده‌اند.

ایران، از این نظر در رتبه ۱۱۲ جهان قرار داشته است که نشانگر وضعیت نامناسب آن نسبت به کشورهای امارات متحده عربی ۲۱، کویت ۳۱، عربستان سعودی ۳۷، اسرائیل ۳۹، ترکیه ۴۹، بنگلادش ۵۱، عراق ۶۵، بحرین ۷۵، پاکستان ۲۶، قطر ۷۰، الجزایر ۷۴ و لبنان ۱۰۱ می‌باشد. البته ایران نسبت به کشورهای آذربایجان ۱۱۸، مالزی ۱۲۲، مصر ۱۲۶، یمن ۱۳۱ و سوریه ۱۴۱، از وضعیت بهتری برخوردار بوده است.

۷-۵- کیفیت زندگی در بخش تأمین اجتماعی

الف: تعاریف و چارچوب مفهومی

مبنای تعریف تأمین اجتماعی، اصل ۲۹ قانون اساسی است. در اصل ۲۹ قانون اساسی، ابعاد مشخصی برای تأمین اجتماعی پیش‌بینی شده که عبارتند از: بهداشت و درمان، اشتغال و بیکاری، حوادث و سوانح و خدمات اجتماعی. همچنین خدمات اجتماعی به حوزه‌های بازنشستگی، از کار افتادگی، سالمندی، بی‌سرپرستی و در راه ماندگی محدود شده است. در استخراج و طبقه‌بندی شاخصهای تأمین اجتماعی، چارچوب فوق‌الذکر مورد نظر قرار گرفته است.

الف-۱: شاخص کیفیت مادی زندگی

شاخص کیفیت مادی زندگی، مقادیر سه شاخص، شامل: امید به زندگی در سال اول زندگی، نرخ مرگ و میر نوزادان و نرخ باسواد بودن است که با یک میانگین‌گیری ساده حسابی، به شکل یک کمیت ترکیب شده‌اند.

الف-۲: شاخص توسعه انسانی

- شاخص توسعه انسانی شاخص ترکیبی و مرکب از سه نماگر، به شرح زیر است:
- طول عمر، که با امید به زندگی در بدو تولد اندازه‌گیری می‌شود.
 - دسترسی به آموزش که مشتمل بر میزان باسوادی بزرگسالان (با ضریب وزنی دو سوم) و نرخ ترکیبی ثبت نام خالص در کلیه مقاطع تحصیلی (با ضریب وزنی یک سوم) است.
 - سطح زندگی قابل قبول و استاندارد، که با محصول ناخالص داخلی سرانه واقعی (بر حسب برابری قدرت و دلار) اندازه‌گیری می‌شود.

الف-۳: شاخصهای کیفیت زندگی

- شاخصهای خانواده و اوقات فراغت
- شاخصهای خدمات عمومی
- شاخصهای هزینه‌های عمومی
- شاخصهای ترکیبی توسعه انسانی و پیشرفت اجتماعی
- شاخصهای وفاق و یکپارچگی اجتماعی
- شاخصهای مسکن

الف-۴: شاخصهای خدمات اجتماعی

- شاخصهای رفاهی کودکان
- شاخصهای رفاهی سالمندان
- شاخصهای بیمه‌ای
- سایر شاخصهای حمایتی

الف-۵: شاخص عدالت اجتماعی

- شاخصهای درآمد عمومی
- شاخصهای توزیع و نابرابری درآمد

- شاخصهای فقر

- شاخصهای نابرابری جنسیتی

الف-۶: شاخصهای حوادث و سوانح

الف-۷: شاخصهای آموزش و کیفیت نیروی انسانی

- شاخصهای عمومی آموزش

- شاخصهای کیفیت آموزش

الف-۸: شاخصهای اشتغال و بیکاری

- شاخص نیروی کار

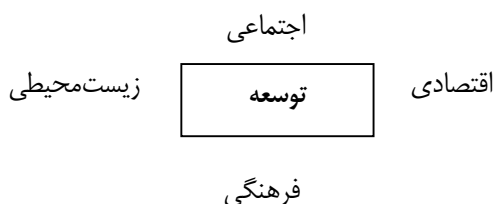
- شاخصهای اشتغال و بیکاری

- شاخصهای کیفیت اشتغال

- شاخصهای سرباری و تکفل

ب: تبیین نقش و جایگاه تأمین اجتماعی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور

توسعه، فرایندی است که طی آن باورهای فرهنگی، نهادهای اجتماعی، نهادهای اقتصادی و نهادهای سیاسی به صورت بنیادی متناسب با ظرفیتهای شناخته شده جدید متحول می‌شوند و طی این فرایند سطح رفاه جامعه ارتقا می‌یابد. ابعاد توسعه:



ب-۱: اهداف و اقدامهای دولت**ب-۱-۱: سه نیاز اصلی انسان**

- معیشت

- امنیت

- هویت

ب-۱-۲: اهداف

- برقراری امنیت از لحاظ داخلی و خارجی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی

- ایجاد آرامش خاطر در بین مردم و امید به آینده در آنها

- تأمین معاش مادی و کافی و پرورش و حفظ هویت فرهنگی مناسب کلیه آحاد جامعه

ب-۱-۳: اقدامها

- کاهش احتمال وقوع صدمات عمده (از طریق مدیریت صحیح اقتصادی یا اقدامهای اساسی در

پیش‌گیریهایی بهداشتی از معلولیتها و آسیبهای اجتماعی)

- کاهش اثرات ناشی از صدمات احتمالی آینده (از طریق حمایتهای بیمه‌ای)

۸- محیط زیست و توسعه پایدار**۸-۱- مقدمه**

محیط زیست یکی از ارکان اصلی توسعه پایدار محسوب می‌شود. در این نگاه به توسعه، محیط زیست از حاشیه به‌در آمده و از ارکان اصلی توسعه پایدار تلقی می‌شود. چنین جایگاهی در الگوی توسعه، تنها به معنی ارتقای سطح یک بخش نیست. بلکه در نگاهی نظام‌مند و کل‌نگر، ارتباطات متقابل و انطباق میان ارکان الگوی توسعه پایدار، باید به نحوی باشد که برآیند آنها بتواند از کاستیهای الگوهای پیشین توسعه بکاهد و برقوتهای توسعه‌ای بیافزاید، به گونه‌ای که پایداری فرایندهای توسعه بیشتر شود.

تعریف محیط زیست عبارت است از:

«تمام عوامل زنده و غیر زنده که فرد یا جمعیت را در هر مرحله از چرخه زندگی تحت تأثیر قرار می‌دهد. از محیط زیست، گاه برای مشخص کردن مجموعه شرایط خاصی که پیرامون پدیده ویژه‌ای مطرح است نیز استفاده می‌شود.»

ذکر این مطلب نیز لازم است که عوامل زنده و غیر زنده، در چارچوب روابط (قوانین) طبیعت، با یکدیگر ارتباط دارند که با افزایش توانایی‌های انسان، بعضی از آن قوانین تحت تأثیر قرار می‌گیرند. آنچه در این تعریف و اساساً در مباحث توسعه پایدار اکولوژیکی مطرح است، بر این مبنا قرار دارد که تحولات توسعه‌ای به گونه‌ای صورت گیرد که نظام طبیعت، پویایی تعادلی خود را از دست ندهد و ظرفیتهای تحمل زیست‌بومهای آن از بین نرود. ظرفیت تحمل عبارت است از:

«حداکثر فراوانی جمعیت انسان یا گونه یا فعالیتی که یک زیستگاه یا زیست‌بوم قادر به تأمین نیازهای آن می‌باشد، بدون آنکه به توان آن زیستگاه یا زیست‌بوم در تأمین همان فراوانی در آینده، آسیبی وارد شود.»

بر این اساس، تمرکز جمعیت و فعالیتها در مناطقی از کشور که زیست‌بومهای آنها توان محدودی در تأمین نیازها دارند، عملاً منجر به کاهش قابل ملاحظه (و احتمالاً از دست رفتن) ظرفیت تحمل زیست‌بومها می‌شود. در این صورت، فرایندهای اکولوژیک به صورتی درمی‌آیند که خدمات و تولیداتی که یک زیست‌بوم عرضه می‌کند، به شدت کاهش می‌یابد. بعضی از کالاها و خدماتی که زیست‌بومها ارائه می‌دهند، عبارت است از:

غذا، مصالح ساختمانی، گیاهان دارویی، ژنهای اصلی یا وحشی گیاهان و حیوانات اهلی که در فناوری زیستی، بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد، گردشگری طبیعی، حفاظت از چرخه‌های هیدرولوژیک، تنظیم اقلیم، پاک نمودن آب و هوا، حفظ ترکیبات گازی اتمسفر، گرده افشانی، تولید و حفظ خاک، انباشت و چرخش مواد غذایی اساسی، جذب و سم‌زدایی از آلاینده‌ها، ایجاد مناظر زیبا و ... خدمات و کالاهای مذکور بنا بر پیچیدگی زیست‌بوم، افزایش و کاهش می‌یابد، لیکن در هر حال نباید در اهمیت حیات‌بخش فرایندهای اکولوژیک تردید نمود. البته علاوه بر اهمیت حیاتی، خدمات و کالاهای محیط زیستی از ارزش اقتصادی نیز برخوردار هستند. بر اساس یک بررسی انجام شده، ارزش خدمات و کالاها و

کارکردهای زیست‌بومهای جهان در سال، ۳۳ هزار میلیارد دلار برآورد شده است، حال آنکه مجموع تولید ناخالص ملی تمام کشورها در یک سال، در اواخر دهه ۱۹۹۰، معادل ۱۸ هزار میلیارد دلار می‌باشد. جنبه دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، پیوستگی سطوح مختلف محیط زیست یعنی، محلی، کشوری، منطقه‌ای، قاره‌ای و جهانی می‌باشد. اکنون پیوستگی میان کاهش وسعت جنگلهای بارانی مناطق حاره و وضعیت آب و هوا پذیرفته شده است. همچنین رابطه افزایش درجه حرارت کره زمین با فعالیتهای تولید کننده گازهای گلخانه‌ای نیز مورد قبول بسیاری قرار گرفته است. پیوستگی سطوح مختلف، ناشی از نظام‌مند (سیستمی) بودن محیط زیست کره زمین است، که هم در سطح کلان و هم در لایه‌های پایین‌تر آن مطرح است. به این خاطر، کمک به جوامع محلی نیز گامی در رفع مشکلات در سطح جهان است. در نهایت فعالیتهای ناسازگار با محیط زیست، هم چون بوم‌زنگی است که به خود انسان برمی‌گردد، با این تفاوت که بسته به وضعیت زیست‌بومی که در آن قرار داریم، هر چه ظرفیت تحمل آن کمتر باشد، بوم‌زنگ بزرگ‌تر و خطرناک‌تر می‌شود.

۸-۲- حفظ محیط زیست و توسعه اقتصادی

با افزایش اهمیت محیط زیست در کشورهای توسعه یافته و تأکید بر ادغام ملاحظات زیست‌محیطی در فرایندهای توسعه، نقطه نظرات متفاوت و بعضاً متضادی، عمدتاً در کشورهای در حال توسعه شکل گرفت، مبنی بر اینکه رعایت ملاحظات محیط زیستی، باعث افزایش هزینه‌های بنگاههای اقتصادی می‌شود. لذا حفاظت محیط زیست در کشورهای در حال توسعه که با کمبود سرمایه مواجه‌اند، سیاست ضد رشد به حساب می‌آید. بر اساس این پندار، حفاظت از محیط زیست مربوط به مرحله‌ای می‌باشد که میزان قابل توجهی از توسعه یافتگی حاصل شده باشد. طرفداران چنین نقطه نظرانی در ایران کم نیستند. برخلاف چنین پنداری، تجربه‌های دو دهه اخیر حاکی از آن است که رعایت ملاحظات زیست‌محیطی در بسیاری از فعالیتهای اقتصادی مقرون به صرفه می‌باشد. به طور نمونه، از اواخر دهه ۱۹۸۰، بهره‌گیری از رویکرد مبتنی بر پیشگیری از آلاینده‌ها در فرایند تولید که به اسامی مختلفی موسوم است (تولید پاک‌تر، بهره‌وری سبز، کمینه‌سازی ضایعات و ...) باعث می‌شود تا با داده‌های کمتری، همان میزان بهره‌رساننده حاصل گردد. با توجه به اینکه آلاینده‌ها، چیزی جز ترکیبی از آب، انرژی و مواد نیستند که به معنی ضرر

برای واحد تولیدی می‌باشد، رویکرد پیشگیری از تولید آلاینده‌ها در بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه رواج یافته است.

علاوه بر شیوه یاد شده در ادغام حفظ محیط زیست و توسعه صنعتی در سطح یک واحد تولیدی، رویکرد جدیدی موسوم به اکولوژی صنعتی، در دههٔ اخیر مطرح گردیده که مبتنی بر سیستم اکولوژیک می‌باشد. به این معنا که در سیستم‌های طبیعی، مواد و انرژی در همه اشکال مورد استفاده قرار می‌گیرد و چیزی به نام دورریز در طبیعت باقی نمی‌ماند. با توجه به اینکه چرخه‌های طبیعت در شکل یک سیستم بسته عمل می‌کنند، لذا ضایعاتی از آن خارج نمی‌شوند، اما در سیستم‌های تولیدی متعارف در بخش صنعت، خروج ضایعات رایج است. در سیستم‌های تولیدی که به شکل خطی و باز عمل می‌کنند، منابع در حد نامحدود متصور می‌شوند و چنین پنداشته می‌شود که طبیعت قادر به جذب کلیه پسماندهای خارج شده از، ضایعات از طریق سیستم‌های تولیدی مزبور می‌باشد. در سیستم‌های تولیدی که به صورت نیمه‌باز هستند و در حال حاضر رواج یافته‌اند روشهایی هم چون بازیافت، کاهش می‌یابد. اما در سیستم‌های مبتنی بر اکولوژی صنعتی، ضایعات یک واحد، مورد استفاده واحد دیگر قرار می‌گیرد و به عنوان مواد و انرژی آن به کار گرفته می‌شود. در این حالت از یک سو بر میزان درآمد واحد اول افزوده می‌شود و از منابع طبیعت کمتر استفاده می‌شود و از سوی دیگر، به دلیل عدم ورود آلودگی‌ها به محیط، از هزینه‌های اجتماعی که قبلاً به جامعه تحمیل می‌شد جلوگیری می‌شود.

در حالتی که اکولوژی صنعتی (به ویژه در مورد شهرک‌های صنعتی) اجرا شود، همزیستی اکولوژیک واحدها، منجر به پیوستگی محیط زیست و توسعه صنعتی می‌شود (چنین امری در کالاندبورگ دانمارک از اوایل دهه ۱۹۶۰ به تدریج تجربه شده است).

۸-۳- چشم‌انداز محیط زیست

از نظر منافع ملی و سلامت و رفاه شهروندان، چه به لحاظ توسعه کشور و چه از نظر ضرورت همکاری‌های بین‌المللی و داشتن جایگاه مناسب، چشم‌انداز مطلوب محیط زیست در برنامه توسعه، بایست به گونه‌ای باشد که فرایندهای تنشی لغایت تخریبی اکولوژیکی متوقف شده و سلامت زیست‌بومها تضمین شود. افزون بر این، توجه به این نکته ضروری است که بنا بر ماهیت نظام‌مندی

طبیعت و قوانین آن، نمی‌توان گزینه‌های متنوعی برای چشم‌انداز محیط زیست ترسیم کرد. این امر در سطح کمی، به دلیل کمبود شدید اطلاعات بارزتر است. بر این اساس، چشم‌انداز مطلوب محیط زیست برای سال ۱۳۹۴ به شرح زیر می‌باشد:

نائل شدن به شرایطی که فرایندهای اکولوژیک زیست‌بومهای آبی و خشکی (اعم از مناطق چهارگانه تحت حفاظت و آزاد) به صورتی درآیند که تعادل پویای آنها از یک سو باعث حفظ زیستگاهها، گونه‌های گیاهی و جانوری شود و از سوی دیگر بهره‌برداری در حد ظرفیت تحمل از منابع محیط زیست، توسعه کشور را تضمین نماید. در چارچوب بین‌المللی نیز جایگاه کشور در موقعیت خوبی قرار گیرد.

در چنین چشم‌اندازی، ارکان زیر به وجود خواهد آمد:

- هوای سالم در شهرهای بزرگ کشور (در حد استانداردهای جهانی)
- کنترل و کاهش مؤثر مواد زائد خطرناک
- به حداقل رسیدن پسابهای شهری و صنعتی
- بهبود شرایط کمی و کیفی رودخانه‌های کشور
- بهبود شرایط بهبود یافته تالابهای عمده کشور (انزلی، ارومیه و ...)، به نحوی که خدمات و تولیدات آنها در حد مطلوب قرار گیرد.
- برقراری مدیریتهای کارآمد و کارای ساحلی در شمال و جنوب کشور و زیستگاهها و محیط زیست آبی سالم
- زیست‌بومهای جنگلی و مرتعی (به ویژه در منطقه شمال و زاگرس) روند سالم را می‌یابند.
- احیای زیستگاهها و زیست‌بومهای تخریب شده به تناسب صدمات وارده و یافتن قابلیت برگشت‌پذیری
- جمعیت گونه‌های جانوری و گیاهی افزایش یافته و در حد تضمین بقا قرار می‌گیرند.
- استقرار الگوهای پایدار تولید و مصرف در بخشهای مختلف
- دستیابی به منزلت بالای بین‌المللی، به دلیل انطباق وضعیت محیط زیست کشور با پیمانها و استانداردها

۹- توسعه فرهنگی

۹-۱- مقدمه

در طول دو دهه گذشته، مشخص شده است که وقتی اهداف توسعه اقتصادی، بدون توجه به محیط فرهنگی تعیین می‌شود، عدم توازن اقتصادی و فرهنگی سربرمی‌آورد و پتانسیل خلاقه مردم به طور جدی ضعیف می‌شود. اگر هدف از توسعه، پدید آوردن زندگی بهتر برای هر شخص باشد، در آن صورت، توسعه باید مبتنی بر استفاده بهینه از منابع انسانی هر جامعه، از طریق بیان آزاد علائق و تمایلات اعضای آن جامعه باشد. این امر به این معنا است که در تحلیل نهایی، اولویتها، انگیزه‌ها و اهداف را باید از فرهنگ استخراج کرد. (یونسکو ۱۹۸۸)

با این رویکرد، دهه جهانی توسعه فرهنگی که از ژانویه ۱۹۸۸ اعلام شد، چهار هدف را در دستور کار خود قرار داد.

۱- دفاع از بعد فرهنگی توسعه

۲- دفاع از هویت‌های فرهنگی و تعالی بخشیدن به آنها

۳- گسترش مشارکت در زندگی فرهنگی

۴- ارتقای همکاری فرهنگی بین‌المللی

تحولات فناوری در دهه اخیر و ورود جهان به دوره انفورماتیک، بر تعامل بیشتر در دو هدف فوق، یعنی دفاع از هویت‌های خرده‌فرهنگها در مقابل فرهنگ جهانی و ارتقای همکاری فرهنگی بین‌المللی، تأکید بیشتری گذاشته است. از این رو است که در عرصه فناوری‌های اطلاعاتی، سیاست‌های راهبردی توسط اندیشمندان حوزه فرهنگی تدوین می‌شود.

در اینجا، اشاره به تفاوت فرهنگ توسعه و توسعه فرهنگی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در فرهنگ توسعه، پذیرش الزام‌های توسعه در همه سطوح سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عمدتاً از طرق زیر صورت می‌گیرد.

- روش متمایز اندیشیدن و آموختن

- تبعیت از قوانین پنهان فرهنگی، که شیوه نگرش همه مردم را متحول می‌سازد.

- تمکین بر اصل برنامه‌ریزی جمعی و مشارکت همه مردم در امور خود از این منظر، کاربردهای تمامی نهادهای جامعه می‌باید دستخوش تغییر و تحول شود. برای مثال با نظام آموزش فعلی که کماکان روندی غیر مشارکتی و آمرانه دارد، نمی‌توان انتظار توسعه داشت. تربیت نیروی انسانی خلاق، نقاد، نقدپذیر و دارای افقهای گسترده جهانی از بدیهی‌ترین الزامهای توسعه همه‌جانبه است. همچنین توسعه اقتصادی بدون تغییر در نگرش دولت، مردم، مدیران و سایر اجزای ساختار اقتصادی امکان‌پذیر نخواهد بود.

توسعه فرهنگی نیز در دو وجه کلان و خرد مورد توجه و نظر است. وجه کلان توسعه فرهنگی، به روابطی اشاره دارد که تمامی عرصه‌ها را مورد چالش و تحول قرار می‌دهد و در شکل خرد، افزایش مصرف کالاهای فرهنگی، آزادی در انتخاب و نحوه به‌کارگیری محصولات مذکور مورد توجه است. این بخش که کمیت‌پذیر است، عمدتاً در شکل مقوله‌های فرهنگی مطرح می‌گردد. چرخه بازخورد این دو صورت از توسعه فرهنگی در نهایت به توسعه همه‌جانبه منجر می‌گردد. زیرا تحول در نگرش ارکان جامعه به کارآمد شدن ساختارها، از جمله تنوع و افزایش مصرف محصولات فرهنگی منجر می‌گردد و این افزایش مصرف، به تحول هر چه مطلوب‌تر تمامی اجزای جامعه منتهی می‌شود.

۹-۲- تعاریف

واژه فرهنگ، یکی از پر استفاده‌ترین واژه‌ها در زندگی اجتماعی است و عملاً حد و حدودی برای کاربرد این واژه نمی‌توان قائل شد، اما تعاریف متعدد فرهنگ را می‌توان در سه سطح مختلف طبقه‌بندی نمود.

- سطح اول

آن دسته از تعاریفی است که فرهنگ را به عنوان مجموعه‌ای از ویژگیهای فردی یا گروهی، مطلوب می‌داند. این امور مطلوب، مبتنی بر تقسیم‌بندی تلویحی دوگانه رفتارها، و نگرشها و هنجارهای موجود در هر جامعه است. این تقسیم‌بندی دوگانه، در تمام جوامع وجود دارد و بر اساس آن، خوب در مقابل بد، زشت در مقابل زیبا، شریف در مقابل سخیف، صداقت در مقابل دنائت، شرافت در مقابل رذالت و غیره قرار دارد. بر اساس این دسته از تعاریف، فرهنگ مجموعه‌ای از خوبیها، زیباییها و کلاً

مطلوبها است و در مقابل آن پستیها و رذالتها، به عنوان ضد فرهنگ قرار دارد. این مفهوم فرهنگ، عمدتاً در ادبیات و در افواه کاربرد دارد.

- سطح دوم

آن دسته از تعاریفی است که شیوه‌های زندگی اجتماعی انسان را مد نظر دارد. در این تعاریف، فرهنگ به معنای دنیای انسانی و شامل تمام تولیدات، اعم از مادی و غیر مادی است. و جامعه هم بخشی از فرهنگ است. این تعریف از فرهنگ، دامنه شمول بسیار وسیعی دارد و تقریباً تمام ساخته‌ها، بافته‌ها و یافته‌های انسانی را شامل می‌شود و عموماً، مورد استفاده جامعه شناسان و مردم‌شناسان است. از این رو، در بررسی سیر تطور انسان در تمایز با سایر موجودات، توصیف شکل و شیوه‌های زندگی اقوام مختلف و مقایسه آنها، بر قدرت نمادسازی انسان تأکید دارد و می‌توان این تعاریف را، کل‌گرایانه یا عام فرهنگ نامید.

بر حسب این تعاریف، فرهنگ دارای ویژگیهای اساسی زیر است:

- فرهنگ، محصول فعالیت‌های جمعی انسان در طول تاریخ است. بنابر این مشارکت اجتماعی برای تولید فرهنگ اجتناب‌ناپذیر است.

- فرهنگ دارای عینیتی مستقل از وجود انسان است.

- فرهنگ متمایز کننده جوامع و هویت‌بخش است.

- بی‌ثباتی، تغییر، خلاقیت و نوآوری، ذاتی فرهنگ است و فرهنگ مستمراً دستخوش تغییر و دگرگونی است.

- فرهنگ متراکم شونده است، زیرا انبان، دانش و تجربه دائماً متراکم می‌شوند.

- هنر و ادبیات به عنوان ناب‌ترین شکل بیان، هسته اصلی فرهنگ است.

- سطح سوم

سطح سوم از تعاریف فرهنگ، تعاریف تخصصی یا اسنادی از فرهنگ است. در این تعاریف یک یا چند مؤلفه از مفهوم کل‌گرایانه فرهنگ، مورد توجه قرار می‌گیرد. همچون تعاریفی که بر اساس آنها فرهنگ به عنوان مجموعه مشخص و معینی از آثار فکری و خلاقانه، که اندیشه و تجربه انسانی به گونه‌های مختلف آنها را ثبت و ضبط کرده است، در نظر گرفته می‌شود.

تعاریف تخصصی فرهنگ را می‌توان تعاریف خاص نامید.

۹-۳- فرهنگ و توسعه

ترکیب مفهوم توسعه و فرهنگ ایجاب می‌کند، سه رویکرد به مفهوم فرهنگ داشته باشیم. زمانی که از اصطلاح «فرهنگ توسعه» صحبت می‌شود، مراد زمینه اعتقادی، علمی، سطح فناوری موجود و روش زندگی در جامعه‌ای است که فرایند توسعه اقتصادی در آن رخ می‌دهد. به عبارت دیگر، اصطلاح فرهنگ توسعه، به طور تلویحی متضمن این نکته است که شکل توسعه یافتگی، تا حد زیادی تابع فرهنگ است و فرهنگ می‌تواند مانع و بازدارنده، یا مشوق رشد و توسعه اقتصادی باشد. یا این که سطح پیشرفت علمی و فناوریانه ارزشها و ایستارها و قابلیت ذهنی هر جامعه، مشروط کننده نوع و شکل توسعه اقتصادی است. آثار محققان توسعه در دهه‌های هفتاد و هشتاد قرن بیستم میلادی، همچون مک‌کله‌لند، اورهاگن، پیتر بائر، همگی بر تغییرهای الگوهای جامعه‌پذیری، انگیزه نیاز به پیشرفت و خصلتهای اخلاقی منطبق با توسعه اقتصادی تأکید داشت و البته بسیار پیشتر از این زمان، ماکس وبر تأثیر مجموعه پیچیده ایستارهای دینی بر توسعه اقتصادی را، در کتاب «اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری» تحلیل نموده بود.

زمانی که از اصطلاح توسعه فرهنگی صحبت می‌شود، عمدتاً فرایند توسعه، پیشرفت زندگی فرهنگی و ارزشها، اخلاقیات و رفتارهای مطلوب، مد نظر است و هدف، دستیابی به ارزشهای فرهنگی است. در «فرهنگ توسعه»، فرهنگ نقشی ندارد، مگر آن که مشوق یا بازدارنده توسعه باشد. رویکردی که در اینجا به فرهنگ وجود دارد، رویکردی ابزاری است و فرهنگ به عنوان ابزار نیل به توسعه، در نظر گرفته می‌شود. اما در توسعه فرهنگی، خود فرهنگ، هدف توسعه است. در این صورت داشتن انسانهایی پویا، سرزنده، آگاه، درست‌کردار و اخلاقی، و نیز مشارکت مردم در تمام امور، هدف توسعه و هدف تمام بخشهای اجتماعی و اقتصادی است.

لازم است اشاره شود که متناظر با تعاریف متفاوت از مفهوم فرهنگ، می‌توانیم شکل‌های مختلفی از توسعه فرهنگی داشته باشیم. اگر مفهوم عام و کل‌گرایانه فرهنگ، مینا قرار گیرد و فرهنگ به معنای کلیت زندگی اجتماعی مد نظر باشد، آن گاه مفاهیم توسعه فرهنگی، سیاست‌گذاری فرهنگی و

برنامه‌ریزی فرهنگی، به موضوعی فرابخشی تبدیل می‌شود و در بر گیرنده احکام، دستورالعملها، ضوابط، توصیه‌ها و برنامه‌هایی خواهد بود که تمام بخشها و حوزه‌ها اعم از اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را تحت شمول خواهد داشت. اما اگر مفهوم خاص فرهنگ (مجموعه‌ای از فعالیتهای مشخص، به ویژه فعالیتهای اوقات فراغت) را ملاک عمل قرار دهیم، توسعه فرهنگی، سیاست‌گذاری فرهنگی و برنامه‌ریزی فرهنگی، فضا و مفهوم دیگری می‌یابد. در اینجا، حقوق فرهنگی مردم و حق بهره‌وری از کالا و خدمات فرهنگی، جنبه محوری می‌یابد و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و توسعه فرهنگی، به معنای کوشش برای افزایش دسترسی مردم به امکانات فرهنگی، تقویت آفرینشها و زایشهای فرهنگی خواهد بود، و این امر بالطبع متضمن مشارکت مردم نیز می‌باشد.

بر مبنای تعریف عام از فرهنگ

- سیاستها و راهبردهای فرهنگی شامل اصول، اهداف، دستورالعملها، توصیه‌ها و خطمشی‌های حاکم بر سیاست‌گذاریها و برنامه‌های بخشی خواهد بود.
- این نوع سیاست‌گذاری فرهنگی، فرابخشی، فرادولتی، بلندمدت، آرمانگرایانه و هویت‌بخش است و چارچوب و محدوده سیاستها و برنامه‌های بخشی را ترسیم می‌کند.
- این نوع سیاست‌گذاری فرهنگی، کمک می‌کند تا برنامه‌ها و سیاستهای بخشی، مجموعه‌ای منسجم از ارزشها و آرمانها را راهنمای برنامه‌های خود قرار دهند.
- توسعه فرهنگی در این سطح، بستگی به میزان تحقق آرمانها و ارزشهای حاکم بر برنامه‌های بخشی دارد.

بر مبنای تعریف‌های خاص از فرهنگ

- سیاستها و استراتژی‌های فرهنگی منعکس کننده:
- میزان و حدود مداخله دولت (یا حمایت دولت) در تولید و توزیع کالا و خدمات فرهنگی، هنری و اقتصادی در این حوزه است.
- میزان مشارکت مردم در این حوزه است.

و در صورتی که واجد ویژگیهای زیر باشد، امکان عملی شدن آنها بیشتر است:

- انعطاف‌پذیر بوده و قابلیت انطباق با تغییرات در فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات را داشته باشد.
- آفرینش‌ها و زاینده‌های فرهنگی و تولید محتوای جذاب برای اوقات فراغت را، به عنوان موضوعات اصلی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی در نظر بگیرد.
- در راستای سیاستهای فرابخشی فرهنگی باشد.
- موضعی صریح، در زمینه کثرت اشکال بیان فرهنگی و هنری، و ارتباط بین کثرت و جذب فرهنگی داشته باشد.
- به جهانی شدن به معنای کمرنگ شدن حدود و مرزهای ملی، همگرایی جهانی به جای واگرایی، تضعیف نقش دولتها در نظارت بر مبادلات و مصارف فرهنگی و تأثیر فناوری‌های جدید اطلاعات و ارتباطات در تعیین سیستمها، خواسته‌ها و مشارکتهای مردمی و بالا رفتن توان تولید برنامه‌های متنوع برای گروههای مختلف مخاطبان، توجه کند.
- توسعه فرهنگی در چارچوب این تعریف، از فرهنگ به معنای بالا رفتن میزان توانایی مردم، در آفریدن شیوه‌هایی جهت بیان فرهنگی و هنری، و افزایش دسترسی جامعه به کالا و خدمات فرهنگی است.
- لازم به ذکر است که این تقسیم‌بندی، صرفاً در سطوح نظری و انتزاعی و برای مقاصد هم‌چون برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری معتبر است، چون می‌دانیم که در واقعیت، فرهنگ در برگیرنده کلیت زندگی بشر و فعالیتهای دنیاسازی و دنیاداری اوست.
- از آنجا که این گزارش در راستای اهداف برنامه چهارم تدوین شده، عمدتاً به موارد مربوط به فرهنگ و سیاست‌گذاری فرهنگی به معنای خاص آن توجه خواهد شد.

۹-۴- اهمیت فرهنگ در توسعه پایدار در نگاهی جهانی

در یک نگاه کلی، فرهنگ بنیان و سرچشمه اقتصاد است، لذا توسعه فرهنگ از توسعه اقتصادی جدایی‌ناپذیر است. از این منظر، فرهنگ سهم به‌سزایی در رشد اقتصادی دارد. بررسی آماری این نقش در

جدول شماره ۴ ارائه گردیده است. بخشی از افزایش سهم فرهنگ در رشد اقتصادی، ناشی از تحولات حاصل از فناوری‌های اطلاعاتی، و بخشی ناظر بر تغییرات راهبردی در سیاست‌های کلان کشورهاست. فرایندهای جهانی شدن که چالش‌های عمده‌ای را پیش روی فرهنگ جهانی قرار داده بر دو رویکرد عمده استوار است:

- همسان‌سازی فرهنگی

- مقاومت در مقابل همسان‌سازی

گزارش سال ۲۰۰۰ یونسکو، ضمن تأکید بر تنوع فرهنگها و خرده فرهنگها، جهان پیش رو را جهانی چند صدایی، مبتنی بر احترام بر فرهنگهای ملی و بومی دانسته است. ماهیت مشارکتی رسانه‌های جدید، امکان طرح میراث فرهنگی همه کشورها را، به طور نسبتاً عادلانه‌ای فراهم ساخته است. در این بستر، بروز و ظهور خلاقیتها و سهولت بیان عمومی در عرصه جهانی، از جمله حقوق عمومی همه فرهنگها تلقی می‌گردد.

ضرورت پذیرش اصل تکثر فرهنگی به عنوان بنیاد روابط بین‌المللی فرهنگی، و تحول در نقش دولت - ملت، بر نقش خرده فرهنگها، به عنوان عنصر مقوم فرهنگ ملی، در نظم نوین فرهنگی تأکید دارد. در این میان، کشورهایی که ظرفیت جامعه چند صدایی را در عرصه فرهنگی دارند، از سرمایه بیشتری برای یافتن جایگاه مناسب‌تر برخوردار خواهند بود.

در توسعه پایدار ملی توجه به مزیت‌های نسبی فرهنگ ایران، اعم از میراث غنی تاریخی، طبیعی، صنایع دستی با کیفیت بالا، هنرهای متنوع قومی و ملی، هنرمندان و اندیشمندان فرهنگی تراز اول جهانی، فرصتی است که نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد. در این میان، جایگاه هنر در فرهنگ جهانی از موقعیت ممتازی برخوردار است. زیرا تغییر حاصله در سرشت فرهنگ جهانی، از چارچوبی ادراکی نسبت به هنر، که ماهیتی ایدئولوژیک و ملی داشته، به ساختاری زیباشناسانه تغییر موضع داده است. این تغییر، با توجه به زبان خاص هنر، که اساساً زبانی جهانی و فرا ملی است، امکان رقابت‌پذیر کردن فرهنگ ایرانی - اسلامی را در جهان فراهم می‌سازد. بی‌تردید، یافتن جایگاه مناسب در عرصه اقتصاد جهانی، کاری بسیار دشوار است، ولی دستیابی به موقعیتی ممتاز و شایسته در نظام فرهنگ جهانی غیر ممکن نیست. این امر می‌تواند به رشد اقتصادی کشور کمکی شایان توجه نماید.

جدول شماره ۴- بازرگانی فرهنگی (روند مبادلات فرهنگی)

کشور	میلیون دلار آمریکا ۱۹۹۰	میلیون دلار آمریکا ۱۹۹۷	درصد از تولید ناخالص ملی ۱۹۸۰	درصد از تولید ناخالص ملی ۱۹۹۷
آمریکا	۱۱۲۹۰	۱۷۷۴۷۴	۰/۴	۲/۲
فرانسه	۵۱۱۷	۴۵۷۸۶	۰/۸	۳/۱
هندوستان	۱۸	۲۵۵۸	۰	۰/۶
ژاپن	۱۳۴۰۴	۷۰۲۶۱	۱/۲	۱/۷
ایران	-	-	-	-
کره	۱۲۶۳	۲۳۳۴۲	۱/۴	۶/۳
مالزی	-	۲۹۰۰۷	۱/۳	۳۶/۴

جدول بازرگانی فرهنگی کشورها، بیانگر افزایش کمی مبادلات، از ۲۹۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰، به ۲۳۱۵ میلیارد دلار، در سال ۱۹۹۷ بوده است. مقایسه وضعیت این چند کشور با جمهوری اسلامی ایران، حاکی از عدم استفاده ما از این ظرفیت بالقوه رشد اقتصادی است.

۹-۵- بررسی تطبیقی آمارهای فرهنگی

بر اساس قطعه‌نامه کنفرانس عمومی یونسکو در سال ۱۹۸۰، امور فرهنگی شامل فهرستی از ۱۱ مورد از مقوله آمارهای فرهنگی است. یعنی:

- ۱- میراث فرهنگی
- ۲- مطبوعات و انتشارات
- ۳- موسیقی
- ۴- هنرهای نمایشی
- ۵- هنرهای تجسمی
- ۶- سینما و عکاسی
- ۷- برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی
- ۸- فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی
- ۹- ورزش و بازیها
- ۱۰- طبیعت و محیط زیست
- ۱۱- مدیریت عمومی فرهنگ

به مقوله فوق، مقوله دوازدهمی افزوده می‌شود، که با فعالیتهای فرهنگی چند ارزشی مرتبط است، که نمی‌توان آنها را به صورت یک مقوله، در چارچوب آمارهای فرهنگی در نظر گرفت.

بررسی آمارهای فرهنگی، حاکی از وضعیت نامطلوب فعالیتهای فوق در ایران است، که در چند بخش به عنوان نمونه اکتفا شده است.

جدول شماره ۵- روند فعالیتهای فرهنگی روزنامه‌ها و کتابها*

ادبیات و هنر		کتابهای منتشر شده		کشور		
درصد از کل عنوان کتابها	درصد از کل کتابهای منتشر شده	تعداد نسخه (هر ۱۰۰۰ نفر)	۱۹۸۰	روزنامه شمارگان (هر ۱۰۰۰ نفر)	۱۹۸۰	کشور
۱۹۹۴-۹۶	۱۹۹۴-۹۶	۱۹۹۴-۹۶	۱۹۸۰	۱۹۹۸	۱۹۸۰	کشور
۲۶	-	-	-	۲۰۱	۲۷۰	آمریکا
۳۸	-	-	-	۱۴۵	۱۹۲	فرانسه
۴۰	-	-	-	۲۸	۲۱	هندوستان
۴	۳۲	۱۳	-	۲۶	۲۵	ایران
۳۹	۶۴	۳۱۷	۵۶۱	۵۷۷	۵۶۷	ژاپن
۲۵	۲۲	۳۱۰	۲۹۶	۳۹۴	۲۱۰	کره
۲۵	۱۵	۱۳۶	۵۸	۱۱۵	۵۹	مالزی

* منبع: World Culture Report 2000

جدول شماره ۶- روند فعالیتهای فرهنگی، سینما

تعداد فیلم سینمایی	تعداد تولید فیلمهای داستانی	تعداد سالن سینماهای مشترک هر (۱,۰۰۰,۰۰۰ نفر)	سرانه سالانه (نفر در سال)	میزان تماشای فیلم در سینما	کشور
۱۹۹۴-۹۸	۱۹۹۴-۹۸	۱۹۹۸	۱۹۹۴-۹۸	۱۹۸۱-۸۵	
۹	۶۶۱	۱۲۸	۵/۴	۴/۴	آمریکا
۸۱	۱۸۳	۸۱	۲/۹	۳/۱	فرانسه
-	۶۹۳	۱۴	۲/۹	۶/۴	هندوستان
-	۶۰	۴	۰/۴	۰/۶	ایران
۸	۲۴۹	۱۶	۱/۲	۱/۳	ژاپن
۰	۴۳	۱۲	۱	۱/۴	کره
-	۸	۱۶	۰/۷	-	مالزی

بررسی اجمالی شاخصهای فوق و سایر شاخصهای ذکر شده در مقوله‌های فرهنگی، حاکی از این امر

است که:

شاخص مصرف محصولات فرهنگی در کشورهای پیشرفته، بسیار قابل توجه است.

در ایران، فاصله قابل توجهی با کشورهای مانند کره، هند و مالزی در پاسخگویی به انتظارات وجود دارد.

شاخص انتشار کتابهای حوزه ادبیات و هنر در ایران، به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخصهای تولید فرهنگی، نسبت به کشورهای مورد بررسی از وضعیت بسیار نامطلوبی برخوردار است. کاهش تماشاگران سینما، و درصد اندک کتابهای ادبیات و هنر از کل کتابهای منتشر شده (به عنوان شاخصهای نمونه)، در فاصله دو دهه بررسی شده در ایران، بر ناکارآمدی سیاستهای اجرا شده تأکید دارد. با توجه به امکانات ایجاد شده در حوزه فناوری‌های اطلاعاتی، و نیز اقتصادی شدن هر چه بیشتر بخش فرهنگ، سهم فرهنگ ایران در فرهنگ جهانی، در وضعیتی مخاطره‌آمیز قرار دارد.

۱۰- توسعه مدیریت دولت Governance

۱۰-۱- مقدمه

بیش از هر چیز، معمای توسعه کشور، ریشه در ضعف و نارسایی‌های مدیریتی دارد. ساختارهای عقب‌مانده و ناکارآمد دولتی، به وخیم شدن شرایط دامن می‌زند. نظام اداری و مدیریت کشور، با اصلاحات و ایجاد تحولات اساسی همراهی نمی‌کند و سیاستهای مربوط را بی‌اثر و کم‌دوام می‌نماید. تدبیر و مدیریت شایسته و زمامداری خوب و نظام اداری سالم، توانمند و مسئولیت‌پذیر، از الزامهای تحقق هدفهای کلی چشم‌انداز بلندمدت آینده و برنامه چهارم توسعه کشور می‌باشد. اهتمام در برابر این چالش و اقدام در خصوص الزامها و راهبردهایی که ذکر خواهد شد، بر اساس چارچوب موضوعی چشم‌انداز آینده و سیاستهای کلی آن، به شرح ذیل باید منظور و راهبری گردد:

۱۰-۲- تعاریف و چارچوب مفهومی

نظام اداری و مدیریت عمومی: سامانه‌ای است در خدمت تحقق اصول و ارزشهای کارکردی زیر:

- ۱- توسعه فراگیر و پایدار کشور
- ۲- حاکمیت قانون
- ۳- مردم سالاری، رشد جامعه مدنی، عدالت و برابری

- ۴- تقویت ایمان و غیرت دینی، رشد اخلاق اسلامی، تهذیب نفس و سلامت اجتماعی
- ۵- ایجاد نظم، هماهنگی و انسجام در امور
- ۶- رشد روزافزون فضای برخوردار از نشاط، انگیزه خلاقیت، آزاد اندیشی عملی و دانش پژوهی
- این سامانه، باید به گونه‌ای طراحی و یا متحول گردد، که از هر گونه نقص و مسئله‌ای مرتبط با اوضاع داخلی خویش و یا محیط پیرامونی و یا تعامل این دو با هم، مبرا باشد. این سامانه باید بر محدودیتهای سنتی خود غلبه نماید، دانش‌گرایی را در خود توسعه بخشد، و توانمندی خود را برای حل مسائل پیچیده روز، افزایش دهد.

۱۰-۳- نقش زمامداری و دولت در افق چشم‌انداز

- ۱- تواناسازی و ایجاد تسهیلات، برای مشارکت تمامی عناصر جامعه در تحقق اهداف توسعه کشور
- ۲- ایجاد محیطی توانمندساز و تسهیل‌گر برای بازار و جامعه مدنی، در راستای ایفای نقش خلاق و تصمیم‌ساز آنها
- ۳- ایجاد تغییر در سامانه‌ها، ساختارها، قوانین و فرایندهای عمده و مهم، و توسعه ظرفیتهای ملی و محلی برای مدیریت شایسته‌تر منابع، و خدمت‌رسانی در سطح کیفی مطلوب
- ۴- تنظیم مناسب، شایسته و کارآمد نظامهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، در راه اعتلای قدرت ملی، و توسعه و گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، برای مقابله با چالشهای توسعه
- ۵- فراهم آوردن شرایط فکری، سیاسی و قانونی، برای فعالیت همه بخشها، به ویژه بخش خصوصی، و اعطای سهم لازم در قدرت سیاسی، متناسب با تعهدات و تکاپوی آنها در صحنه‌های اقتصادی و اجتماعی
- ۶- ساماندهی فضای فعالیتهای علمی کشور، بر اساس سیاستهای روشن و مشخص علمی، و ایجاد محیطی پژوهشی، آزاد اندیش و اندیشه پرور

۱۰-۴- چالش‌های فرآوری دولت، مدیریت دولتی و نظام اداری کشور در افق چشم‌انداز

اندازه دولت

برای شناسایی اندازه دولت، از دو شاخص زیر استفاده می‌شود.

نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی GDP

این نسبت در کشورمان از (۴۵٪) در سال ۱۳۶۲، به (۷۰/۴٪) در سال ۱۳۸۰، افزایش یافته است (با احتساب بودجه عمومی دولت و بودجه شرکت‌های دولتی).

نسبت شاغلین بخش عمومی به کل شاغلین کشور

این نسبت از (۱۹٪) در سال ۱۳۵۵، به (۳۳/۷٪) در سال ۱۳۸۰، افزایش یافته است. ضمناً تعداد کارکنان دولت از ۵۵۶,۸۷۳ نفر در سال ۱۳۵۷، به ۲,۳۲۸,۶۳۵ نفر در سال ۱۳۸۰، (حدود ۳ برابر) و تعداد شرکت‌های دولتی به میزان (۴۰٪)، افزایش یافته است، که نشان دهنده رشد فزاینده اندازه دولت طی دو دهه اخیر است.

این در حالی است که در ارتباط با شاخص مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی، امروزه علمای اقتصاد و مدیریت معتقدند که افزایش بیش از (۳۰٪) شاخص مذکور باعث کاهش بهره‌وری و کاهش رشد اقتصادی کشورها می‌گردد، و حداقل این نسبت نیز معادل (۱۵٪) است. از مهم‌ترین علل افزایش اندازه دولت، حاکمیت تفکر مدیریت سنتی بر اداره امور کشور است. بر مبنای این تفکر، دولت برای انجام وظایف خود، ناگزیر است که خدمات را خود، رأساً تولید نماید. با وجود چنین تفکری در اداره امور کشور، با افزایش جمعیت و تقاضا در کشور، راه حلی غیر از افزایش اندازه دولت، و در نتیجه کاهش بهره‌وری و افت اقتصادی وجود ندارد. این در حالی است که در دهه اخیر، دولتها به سمت اداره کشور بر مبنای مدیریت نوین و بازنگری لازم در وظایف و نقش دولت متناسب با تغییرات محیطی، تقویت بخش خصوصی و جلب مشارکت مردم در انجام امور مربوط به خود، فرهنگ‌سازی جهت تغییر نگرش مدیران دولتی، از رقابت با بخش غیر دولتی به تقویت و حمایت از آن، فراهم نمودن قوانین و مقررات و سیاست‌های تشویقی برای افزایش گرایش دستگاه‌های اجرایی، به واگذاری تصدی‌های اقتصادی، اجتماعی،

رفاهی و فرهنگی به بخش غیر دولتی و تنظیم اهداف کمی برای واگذاری و نظارت بر تحقق آن اهداف می‌باشد. پیامد استقرار این تفکر، توان مالی، انسانی، تجهیزاتی دولت برای انجام امور حاکمیتی در سطح مطلوب است.

سازماندهی و ساخت‌آفرینی

نبود وجود ضابطه و قانونمندی، جهت ایجاد تشکیلات و ساخت‌آفرینی در دولت و فقدان یک مرجع واحد جهت اتخاذ تصمیم نهایی در این خصوص، سبب شده است که بعضاً به طور سلیقه‌ای و مقطعی، و فارغ از ضوابط علمی و تجربی، به ایجاد یک ساختار تشکیلاتی و سازمانی جدید مبادرت شود، به طوری که ایجاد تشکیلات و سازماندهی‌های متعدد باعث ایجاد تداخل در وظایف دستگاه‌های اجرایی، و استمرار فعالیتهای دستگاه‌هایی که فاقد توجه و وجودی می‌باشند و افزایش سطوح مختلف تشکیلاتی شده است.

نظام تصمیم‌گیری

ایجاد شوراهای متعدد تصمیم‌گیری در کشور، باعث افزایش مدت زمان تصمیم‌گیری، افزایش تداخل بین مراجع تصمیم‌گیری و کاهش کیفیت تصمیمات گردیده است. به طوری که در حال حاضر ۹۰ شورای تصمیم‌گیری در کشور فعال است. بخش اعظم زمان مدیران عالی کشور، صرف شرکت در این شوراها می‌گردد. این در حالی است که برخی از نهادهای تصمیم‌گیری که در سالهای اخیر در درون قوه مجریه ایجاد شده‌اند، حتی حوزه‌های مشخصی برای تصمیم‌گیری ندارند. به عنوان نمونه در نظام تصمیم‌گیری اقتصادی، در حال حاضر حدود ۲۰ شورا در کشور فعال می‌باشند.

تمرکز و عدم تمرکز

عدم تناسب میان اختیارات و مسئولیتهای محوله به مدیران، و نبود حد بهینه‌ای از تمرکز و عدم تمرکز در اداره امور کشور، و غیر ذاتی بودن اختیارات مقامات محلی، و تمرکز بیش از حد اختیارات در حوزه‌های مرکزی، باعث کاهش کیفیت تصمیمات متخذه، و پرداختن به امور اجرایی در ستاد دستگاه‌های اجرایی شده است.

مدیریت

عدم تجدید نظر و به‌کارگیری الگوها و نظام‌های جدید مدیریتی در اداره امور کلان و بخش‌های مختلف کشور، فقدان نظام ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی، عدم پیگیری تحقق اهداف، برنامه‌ها و نتایج مورد انتظار، منطقی نبودن مدت زمان تصدی مدیریت در دستگاه‌های اجرایی، عدم قانونمندی، ضابطه‌گرایی و شایسته‌سالاری در انتصاب و ارتقای کارکنان، و عزل، نصب و تغییر مدیران، از جمله مهم‌ترین چالش‌های نظام اداری و اجرایی کشور در این بخش می‌باشد.

منابع انسانی

نظام اداری در جذب و نگهداری کارکنان توانمند، کارآمد و متخصص، از توانایی‌های لازم برخوردار نیست. عدم استقرار نظام رقابتی در جذب و انتخاب نیروی انسانی، و وجود مجاری و طرق مختلف ورود به خدمات دولتی، و غیر قابل مهار شدن توسعه کمی بخش غیر دولتی، با توجه به محدود بودن منابع کشور، باعث کاهش میزان حقوق و دستمزد کارکنان دولت، به منظور جبران خدمت آنان و در نتیجه کاهش انگیزه آنان، و عدم توفیق در جذب نیروهای توانمند و متخصص، شده است. نظام ارزشیابی کارکنان دولت، به منزله ابزاری برای ترغیب و تشویق کارکنان، به انجام وظایف در سطح کمی و کیفی مطلوب و ارتباط آن با روند پیشرفت شغلی و سرنوشت استخدامی، از کارآمدی کافی برخوردار نمی‌باشد. نبود برنامه آموزش کوتاه‌مدت و حین خدمت سبب شده است که، توانایی‌های کارکنان متناسب با تغییرات و تحولات علمی روز دنیا افزایش نیافته، و بعد از مدتی دانش و معلومات کارکنان در نظام اداری با یافته‌های جدید دنیا فاصله گیرد.

فناوری اداری و فرایندهای انجام کار

استفاده از رویه‌ها و روش‌های منسوخ و سنتی انجام کار، و عدم گرایش به تحول و نوسازی در فناوری شیوه‌های انجام کار، و در نتیجه غیر منطقی و طولانی بودن سیر مراحل و فرایندهای انجام کار، و فقدان زمانبندی انجام امور، و تأکید بیش از حد بر سازوکارهای کنترلی، حاکمیت طرز تلقی «عدم اعتماد» نسبت به مراجعان دستگاه‌های دولتی، حاکمیت رابطه به جای ضابطه در انجام امور ویژه در امور مربوط به مراجعان دستگاه‌های دولتی، و نازل بودن سطح کیفیت خدمات دستگاه‌های اجرایی، در مقایسه با

موارد مشابه در بخش غیر دولتی و استانداردهای جهانی، از مهم‌ترین چالشهای نظام اداری و اجرایی کشور در این بخش محسوب می‌گردد.

قوانین و مقررات

روح حاکم بر قوانین و مقررات اداری و استخدامی، به شکلی است که کارکنان بعد از استخدام هیچ نیازی به تلاش و تحرک در خود احساس نمی‌کنند. عدم برقراری پیوند و همبستگی میان جلب رضایت مردم و ارباب رجوع، و وضعیت استخدامی مدیران و کارکنان، باعث شده است که رضایت و عدم رضایت مردم، در سرنوشت استخدامی آنان تأثیر نداشته، و دستگاه‌های اجرایی در قبال جامعه پاسخگو نبوده و رفتار کارفرما - مآبانه، با مراجعین و مردم دارند. قوانین و مقررات استخدامی، فاقد جامع‌نگری لازم بوده، به طوری که این موضوع موجب تصویب اصلاحیه مکرر، اتخاذ تصمیمات ناسخ و منسوخ و متنوع در مورد موضوعات خاص شده است و طرز تلقی نامناسب از مفهوم «بازنشستگی» به سبب تغییر مکرر قوانین و مقررات مربوطه، موجب ورشکستگی صندوقهای بازنشستگی گردیده است.

۱۰-۵- چشم‌اندازهای نظام اداری و مدیریتی (دولت و زمامداری)

- ۱- متناسب نگاه داشتن اندازه دولت، تا حدی که از تمرکز در اداره امور، بوروکراسی غیر ضرور، افزایش هزینه‌ها، کاهش بهره‌وری و کاهش رشد اقتصادی کشور جلوگیری گردد، و هزینه‌های بخش دولتی، با احتساب اعتبارات دستگاهها و شرکتهای دولتی، که در قوانین بودجه سالیانه منظور می‌گردند، به (۵۰٪) تولید ناخالص داخلی برسد.
- ۲- بهبود ویژگی‌های ذیل در نظام اداری و مدیریتی دولت:
 - تنظیم و اداره یکپارچه و به دور از چندگانگی و ناسازگاری امور جامعه
 - قانونمندی، انصاف و بی‌طرفی در احقاق حقوق عامه
 - شفافیت و افزایش نمودار سیمای ضد فساد و تعقیب سلامت و صحت عمل در اداره امور
 - مشارکت‌جویی و مشارکت‌پذیری
 - عدالت‌جویی
 - پاسخگویی، مردم‌گرایی و حساس بودن نسبت به ضرورتهای و مقتضیات جامعه و جهان

- توانمندی در مدیریت پیچیدگیها، بحرانها و راهبری امور راهبردی و حیاتی کشور
 - تسهیل‌گری
 - خدمتگزاری
 - کارآفرینی و توسعه فضای اجتماعی قابلیت‌زا و کارآفرین
 - شایسته‌گرایی
 - دانش‌گرایی
 - نوگرایی و غلبه بر محدودیتهای سنتی و استقبال از تحول، بازآفرینی، تبدیل و نوسازی در فرایندها و ساختارها و ...
 - دسترسی صاحبان حق و نفع به اطلاعات، به ویژه در زمینه ارزیابی، قضاوت، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری
- ۳- برخورداری دولت از نظام تصمیم‌گیری شایسته و مؤثر در سطوح مختلف، و تحقق حد مطلوبی از ترکیب عقلانیت و دموکراسی در نظامها، نهادها و مراجع تصمیم‌گیری
- ۴- تمرکززدایی در نظام و مدیریت امور، طی مرحله توزیع اختیار، نهادینه ساختن فرایندهای غیر متمرکز تصمیم‌گیری، ایجاد ظرفیت برای استقرار مدیریت متمرکز سالم، شایسته و مطمئن در جهت تعالی اهداف توسعه کشور، تقسیم عادلانه و مؤثرتر نقش مسیریابی و هدف‌گذاری و اعطای اختیار به مقامات ملی، منطقه‌ای و محلی در قلمروهای مدیریتی خود
- ۵- متمرکز شدن بر کیفیت، سرعت، شفافیت، سلامت و کارایی در اداره و ارزیابی امور، با توجه به ملاحظات کارایی در اقتصاد ملی و ابعاد بین‌المللی مربوط (رقابت‌پذیری، عضویت در نهادهای بین‌المللی، جلب همکاری‌های بین‌المللی، ایفای نقش فعال منطقه‌ای و استفاده از دانیایی جهانی و همکاری با آن در راستای نیازهای محلی و جهانی)
- ۶- ایجاد نظام اداری و مدیریت دولتی پذیرای بهره‌گیری از دانش و فناوری اطلاعات و ارتباطات، بهره‌مندی از آن در حوزه‌های دارای اولویت از نظر توسعه مدیریت دولت و ارتقای سطح خدمت‌رسانی و اثربخشی نظام اداری در عرصه خدمت

- ۷- برخورداری نظام اداری از سامانه‌ها، خط‌مشی‌ها، الگوهای نوین و روزآمد مدیریت منابع انسانی و سرمایه‌های فکری و تکمیل آن با ضرورت‌هایی چون تعهد، پابندی، ماندگاری، سخت‌کوشی، بهره‌وری نیروهای دانشی، سرآمد و ارزش‌افزا و مدیریت مؤثر نیروهای مازاد، غیر لازم و غیر کارآمد
- ۸- توسعه ظرفیتها، استعداد‌های نظام اداری (نظام اداری توسعه یافته‌تر) و مدیریت دولتی برای تعامل بیشتر، افزایش مشارکت و جلب همکاری و همراهی بخش‌های مختلف جامعه (بخش خصوصی، سازمانهای غیر حکومتی و ...) در توسعه، تعالی و اداره امور کشور، و حمایت و پشتیبانی آنها در متن انجام نقش هدایتی و نظارت فعال و شایسته خود

۱۱- امنیت و توسعه قضایی

۱-۱۱- مقدمه

در دنیای امروز که جوامعی بسیار پیچیده و در مراحل مختلف رشد و توسعه شکل گرفته‌اند، تنها دولتی می‌تواند پایدار بماند که همه طبقات، به نوعی در فعالیتها و برنامه‌ریزی‌ها و اقدامهای اجرایی آن سهیم باشند. چنین دولتی باید همواره در جهتی حرکت کند که تأمین رفاه و امنیت یکایک افراد جامعه، ایجاد فرصت‌های برابر برای همگان، و تحقق عدالت اجتماعی تضمین شده، و اعتماد ملی به سوی آن جذب شده باشد. در چنین حکومتی، امنیت قضایی، احترام به حقوق و حریم خصوصی افراد، تحقق امنیت فردی و مصونیت از خشونت و تجاوز، رفع هر گونه تبعیض جنسیتی، قومی و گروهی و توسعه همه جانبه تعامل دولت و مردم، به منظور ایجاد اعتماد ملی، همگرایی و نشاط عمومی، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

حاکمیت قانون در روابط اجتماعی افراد، گروهها و طبقات اجتماعی، برابری افراد در برابر قانون، امنیت اجتماعی و شغلی افراد، آزادی آحاد ملت در انتخاب محل اقامت، شغل، عقاید سیاسی، اجتماعی و مذهبی، حفظ حرمت و حیثیت افراد، حق دادخواهی و مراجعه به دادگاه صالحه جهت احقاق حق و برائت کلیه افرادی که جرمی از آنان در دادگاه صالحه اثبات نشده است (اصول ۳۲ تا ۴۰ قانون اساسی

جمهوری اسلامی ایران)، مبانی اولیه امنیت قضایی است که پیش‌شرط اولیه توسعه اجتماعی تلقی می‌شود.

از طرف دیگر زد و خوردها و نا امنی‌های اجتماعی و اشکال پیچیده‌تر جرائم، نظیر ارتشا، آدم‌زدی، سوء استفاده از قدرت، تهدید، تلمیح و ارباب، به طور طبیعی رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی را متوقف می‌سازد و درآمدها را کاهش می‌دهد و علی‌الخصوص رشد و پیشرفت را برای طبقات پایین اجتماعی ناممکن می‌سازد. ثروتمندان می‌توانند محافظ شخصی استخدام کنند و خانه‌هایشان را با وسایل ایمنی مصونیت بخشند، لکن مردم عادی برای تأمین امنیت خود در برابر جنایات و جرایم ایزاری در اختیار ندارند. ناله مردم عادی در این خصوص، همواره بیان ترس دائمی از خشونت و ناامنی و ناتوانی است.

جرائم، به طور غیر مستقیم نیز بر زندگی اجتماعی تأثیرگذار است. کودکان خشونت دیده معمولاً در مدرسه عملکرد خوبی ندارند (موریسون و اورلاندو ۱۹۹۹). بررسی وضعیت جوامع شهری در اکوادور، مجارستان، فیلیپین و زامبیا، نشان داده است که شرایط دشوار اقتصادی، افزایش روزافزون قیمت‌ها و بیکاری، به کاهش مشارکت مردم در سازمان‌های اجتماعی، و در نتیجه تخریب سرمایه اجتماعی می‌انجامد. در عین حال، پیوندهای غیر رسمی تضعیف می‌شود و خشونت‌های گروهی، آشوبگری و جرائم، فزونی می‌یابد (موزر ۱۹۹۸). به این سبب خشونت و جرم، مردم را از دو ابزار مهم کاهش آسیب‌پذیری، یعنی سرمایه انسانی و اجتماعی، محروم می‌سازد. زنان، قربانیان اصلی خشونت‌ها هستند و این آسیب‌پذیری در گروه‌های کم درآمد و فقیر بیشتر است (موریسون و اورلاندو ۱۹۹۹).

عوامل برون‌زایی همچون فقر اقتصادی، تورم فزاینده، جهل و بی‌سوادی، بیکاری، سست گردیدن ارکان خانوادگی و تجرد، سستی مبانی اعتقادی، ایمانی و اخلاقی، توسعه نامناسب شهرنشینی و حاشیه‌نشینی و غیره که موجب افزایش جرم، جرم‌زایی و جرم‌خیزی و برخوردهای حقوقی می‌گردد، افزایش میزان تقاضا به خدمات قضایی را، در بر داشته و موجب عدم تعادل بین عرضه و تقاضای خدمات قضایی می‌گردد، که این امر زمان تشکیل پرونده تا زمان مختومه نمودن آن را طولانی‌تر می‌کند و متوسط زمان صرف شده جهت رسیدگی به پرونده را کاهش و احتمال بروز خطاهای قضایی را افزایش می‌دهد. دائماً بر تراکم و انباشت متقاضیان می‌افزاید، در نتیجه عدم تعادل بین عرضه و تقاضا و غیر

متعارف بودن سرعت رشد تقاضا نسبت به سرعت رشد عرضه، مانع تحول کیفی در بخش قضا می‌گردد. در حال حاضر، در پنجاه و سه درصد (۵۳٪) از بخشهای مستقل و کلیه شهرستانها، امکان دسترسی به خدمات قضایی فراهم گردیده است و با ایجاد شوراهای حل اختلاف، امکان دسترسی بیشتر مردم میسر شده است.

به طور متوسط، مدت زمانی که هر یک از ۵۶۱۸ نفر قاضی محاکم، برای رسیدگی به یک پرونده صرف می‌کنند، در حدود یک و نیم ساعت می‌باشد و هر قاضی عهده‌دار رسیدگی به هزار و چهارصد و دو (۱۴۰۲) پرونده در سال است، که به ۱۲۸۲ پرونده از آنها رسیدگی می‌کند و رسیدگی به ۱۲۰ پرونده، یعنی هشت و نیم درصد (۸/۵٪)، به سال بعد موکول شده و بر حجم پرونده‌های سال بعد می‌افزاید. با توجه به این که قضات به طور تمام وقت مشغول رسیدگی به پرونده‌ها می‌باشند، بنابر این فرصتی برای پرداختن به امر آموزش و ارتقای سطح تخصصی آنها باقی نمی‌ماند.

در نتیجه رسیدگی به پرونده‌ها، از سطح کیفی مطلوبی برخوردار نمی‌باشد. پایین بودن سطح تحصیلات کارکنان اداری (به طوری که از ۲۱۹۲۴ نفر کارکنان دادگستری، حدود (۷۰٪) دارای مدرک تحصیلی دیپلم و پایین‌تر می‌باشند) و نامناسب بودن قوانین شکلی و ماهوی، نظام حقوق و دستمزد و استخدامی و شرایط احراز پست و ارتقای قضات و کادر اداری، بالاخص شرایط احراز مقام قضاوت و ضعف شدید در توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات و آموزش و تحقیقات، کمبود و عدم تناسب فضای اداری متناسب با وظایف قضایی و عدم توجه به امر پیشگیری از وقوع جرم، کاهش کیفیت، افزایش تقاضا و طولانی شدن زمان رسیدگی به پرونده‌ها را تشدید می‌نماید و افزایش مراجعات، حجم عملیات پزشکی قانونی و زندانها را نیز به دنبال دارد.

به روز نبودن قوانین و مقررات، و فقدان روشهای نوین و فناوری پیشرفته، حراست از مالکیت‌های مشروع و ارائه‌ی مطلوب خدمات ثبتی را نیز با مشکل مواجه کرده است.

بازرسی و نظارت بر حسن اجرای قوانین، از نظام یکپارچه برخوردار نیست، و به دلیل فقدان استراتژی مشخص و مدون در این زمینه، و نبود شاخصهای شفاف و جامع و شرح وظایف و استانداردهای روشن، نظام بازرسی و نظارت از کارایی مناسبی برخوردار نیست.

۱۱-۲- چشم‌انداز (استمرار وضع موجود)

از آنجا که متوسط رشد تقاضا تحت تأثیر عوامل برون بخشی، حدود (۹/۶٪) در سال، یعنی حدود ۷ برابر رشد متوسط جمعیت می‌باشد، بنابر این پیش‌بینی می‌شود که تا پایان سال ۱۳۸۸ در حدود (۲۰/۶٪) از جمعیت کل کشور متقاضی خدمات قضایی خواهند بود که این نسبت در سال ۱۳۹۴ به حدود (۳۳/۲٪) خواهد رسید. بنابر این در سال ۱۳۸۸، به منظور پاسخگویی به این حجم تقاضا با شرایط و کیفیت کنونی نیاز به حدود ۱۱۰۰۰ نفر قاضی، و ۵۰،۰۰۰ نفر پرسنل اداری و حدود ۲،۱۴۰،۰۰۰ متر مربع فضای اداری و در سال ۱۳۹۴ به ۱۹،۰۰۰ نفر قاضی، ۸۶،۰۰۰ نفر پرسنل اداری و ۳،۴۰۰،۰۰۰ متر مربع فضای اداری خواهد بود.

با توجه به افزایش نرخ شهرنشینی [به طور متوسط (۲/۱۴٪)] بالاخص در کلان‌شهرها، به تبع آن افزایش حاشیه‌نشینی و با توجه به افزایش نرخ بیکاری و جمعیت بی‌کار، افزایش تورم که کاهش اعتماد به آینده را به همراه می‌آورد و امکان‌پذیری زندگی شرافتمندانه را ناممکن می‌نماید، افزایش ضریب نابرابری توزیع درآمد (ضریب جینی) و ناپایداری‌های شغلی و درآمدی که منجر به فقر و درماندگی، هنجارشکنی و بزهکاری و افزایش تنشها و تعارضات اجتماعی خواهد شد، همچنین تأکید برنامه‌ریزان بر افزایش «کارایی» که تعدیل نیروی انسانی واحدهای تولیدی و اقتصادی را به همراه دارد، رشد و گسترش امواج بیکاری عمومی، فراهم بودن زمینه‌های فساد اداری و رانتهای اقتصادی، اعتماد عمومی را کاهش می‌دهد و جرم‌خیزی و اقدامهای ناهنجار اجتماعی را مشروعیت می‌بخشد و تنشها و استرسهای اجتماعی را به دنبال می‌آورد و همه اینها، شکاف بین عرضه و تقاضای خدمات قضایی را عمیق‌تر می‌نماید.

۱۱-۳- چشم‌انداز مطلوب

نیل به امنیت پایدار اجتماعی و توسعه قضایی مطلوب، به نحوی که حقوق اساسی ملت تضمین شود و آحاد جامعه خود را در حمایت قانون و نظم اجتماعی احساس نماید، و «قانون» را تنها تنظیم‌کننده روابط خود و دیگران تلقی نماید، فرصتهای برابر برای حیات اجتماع و رقابت اقتصادی طبقات و گروههای مختلف اجتماعی، از طریق تحقق اصول و محورهای زیر میسر خواهد شد:

الف: اهداف

- ۱- توسعه امنیت قضایی (اصول ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵ و ۳۶ قانون اساسی)
- ۲- احترام به حقوق و حریم خصوصی افراد
- ۳- برائت کلیه افرادی که جرمی مرتکب نشده‌اند (اصل ۳۷ قانون اساسی).
- ۴- امنیت فردی و مصونیت از خشونت و تجاوز (اصل ۴۰ قانون اساسی)

ب: ارزشها

- ۱- عدالت
- ۲- رشد و گسترش کنترل‌های درون‌زا (وجدان، تدین، احترام افراد به حقوق دیگران)
- ۳- احساس مراقبت عمومی
- ۴- تأمین فرصت‌های یکسان برای گروه‌های مختلف اجتماعی
- ۵- اعمال مجازات و جریمه به منظور بازدارندگی از وقوع جرم
- ۶- استقلال قضات، در عین مسئولیت و پاسخگویی نسبت به شرایط عمومی اجرایی کشور

۱۲- تعادل و توازن منطقه‌ای کشور بر اساس آمایش سرزمین**۱۲-۱- مقدمه**

آمایش سرزمین به عنوان یک دیدگاه بلندمدت در توسعه کشور، به تبیین روابط منطقی بین بخش‌های مختلف اقتصادی - اجتماعی و بین مناطق کشور می‌پردازد و با استفاده از قابلیت‌ها و امکانات سرزمین چیدمان متناسب فعالیتها در پهنه سرزمین را ترسیم می‌نماید. در واقع ایجاد تعادل و توازن بین مناطق کشور یکی از دستاوردهای آمایش سرزمین به حساب می‌آید.

در این راستا تدوین نظریه پایه توسعه ملی که نقش و جایگاه مناسب کشور را در سطح منطقه و جهان با توجه به شرایط و امکانات داخلی و روندهای بین‌المللی ترسیم می‌نماید به عنوان پیش‌زمینه و سند بالادست آمایش سرزمین برای دستیابی به این چیدمان منطقی ضروری است.

۲-۱۲- تعاریف و چارچوب مفهومی

آمایش سرزمین را مهندسی ترتیبات بهره‌وری بهینه از ظرفیتهای اجتماعی و طبیعی تعبیر کرده‌اند به این ترتیب مقوله آمایش سرزمین به عنوان تلفیقی از سه علم اقتصاد جغرافیا و جامعه‌شناسی و به مثابه دیدگاه درازمدت ملی بر اساس ارزیابی روشنی از تحولات آینده و بر پایه سه ملاحظه‌ی اساسی زیر شکل می‌گیرد.

- ۱- امکانات و قابلیت‌ها و موانع و تنگناها که تعیین کننده تخصص‌ها و عملکردهای اصلی اقتصادی و اجتماعی و منشأ انتخاب فعالیت‌ها و ساختار کلی اقتصادی می‌باشد.
- ۲- ساختار فرهنگی هویت ملی که ناظر بر مشخصه‌های اعتقادی و رفتاری جامعه می‌باشد و بیان کننده ویژگی‌های عامل انسان در توسعه است.
- ۳- موقعیت ملی، منطقه‌ای و جایگاه بین‌المللی کشور که بیان کننده ویژگی‌های سرزمین است و خصوصیات فضا را در جهت‌گیریهایی توسعه ملحوظ می‌دارد.

در آغاز هزاره سوم میلادی جهان مجموعه‌ای از تحولات گسترده را تجربه می‌کند که زنجیره‌ای از تغییرات اساسی در ساختارهای سیاسی و اقتصادی را موجب گردیده است. در این تجربه، جهان در فرایند شکل‌بندی نظم دیگری است که اگر چه هنوز این فرایند به پایان نرسیده ولی ویژگی‌های آن، چشم‌اندازی کاملاً متفاوت با گذشته را ترسیم می‌کند. مهم‌ترین خصوصیتی که در حوزه آمایش، تأثیرگذار می‌باشد، روند جهانی شدن اقتصاد و یا اقتصادی شدن جهان است که اصطلاحاً با فرایندی به نام یکپارچگی **globalisation** شناخته شده است. گرچه هنوز بر سر این که دامنه این فرایند تا کجا تداوم خواهد داشت بحث‌ها ادامه دارد، اما ویژگی‌های بارز آن تا جایی که به مقوله مورد بحث مربوط می‌شود به شرح زیر می‌باشد:

- تحولات جدی در جغرافیایی اقتصادی نظام سرمایه‌داری
- یکپارچه شدن بازارها
- تحولات منطقه‌ای
- تغییرات ایجاد شده در شرایط داخلی

افزون بر فرایند یکپارچگی **globalisation** و ویژگی‌های برشمرده آن، آنچه که بر چشم‌انداز آمایش و توسعه و تعادل منطقه‌ای و نقش و جایگاه آن و به طور کلی دستاورد نهایی اثر می‌گذارد، به شرح زیر قابل تبیین می‌باشد.

- ۱- عمده شدن دیدگاه‌سازیهایی درازمدت توسعه نسبت به نتیجه‌گیری‌های مکانی و مدیریت فضایی توسعه
- ۲- تفوق یافتن دیدگاه برنامه‌ریزی ارشادی بر برنامه‌ریزی‌های دستوری
- ۳- افزایش اهمیت سطح ملی در تعیین چارچوبها و استراتژیهای کلی
- ۴- واگذاری سطوح تفصیلی‌تر تصمیم‌گیری‌ها به واحدهای منطقه‌ای
- ۵- طراحی و ایجاد روشهای کنترل و هماهنگی سطوح مختلف نظام برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری

۳-۱۲- تبیین نقش و جایگاه آمایش و تعادل منطقه‌ای در توسعه کشور

عدم تعادل‌های چشم‌گیر منطقه‌ای، ناهماهنگی‌های بین بخشی، رشد غول‌آسای تهران، به عنوان پایتخت، ناکارآمدی شبکه زیرساختی کشور و ... ضرورت توجه جدی به سرزمین (آمایش) و رخدادهای درون این سرزمین (تعادل منطقه‌ای) را الزامی نموده است. بنابر این ضرورت‌هایی که پرداختن به برنامه‌ریزی آمایش و توسعه و تعادل منطقه‌ای را الزامی ساخته‌اند، به روشنی نقش و جایگاه مقوله آمایش و توسعه منطقه‌ای را در چشم‌انداز بلندمدت کشور تبیین می‌کنند. مهم‌ترین این گونه ضرورتها به شرح زیر می‌باشند:

- عدم تعادل‌های موجود در سرزمین که بخشی ناشی از اتخاذ استراتژی قطب رشد در سالهای پیش از انقلاب و بخشی برخاسته از به کار نگرفتن راهبردهای مناسب سازماندهی فضا در سالهای پس از انقلاب می‌باشد، در آینده ساختار فضایی کشور را با مشکلات جدی رو به رو خواهد ساخت.
- عدم بهره‌برداری مناسب از امکانات و قابلیت‌های برخی از مناطق که این امر از یک سو موجب حاشیه‌ای شدن قسمتهایی از سرزمین و از سوی دیگر سبب اتکای بیشتر توسعه ملی به منابع نفت خواهد شد.

- فقدان هماهنگی‌های لازم بین بخشهای اقتصادی در سطح سرزمین، این ناهماهنگی موجب نبود پیوستگی و پیوند منطقی بین طرحهای عمرانی بزرگ کشور می‌شود.
- به دلیل به فراموشی سپرده شدن شرایط اجتماعی، قومی و فرهنگی مناطق (فقدان یکپارچگی فضا و وحدت ملی) در فرایند تهیه برنامه‌های توسعه ملی، طرحهای عمرانی بزرگ در حد ظرفیت مطلوب مناطق مورد استفاده قرار نمی‌گیرد.
- مسائل سیاسی - امنیتی، بعد دیگری است که در برنامه‌ریزی فضای ملی به آن پرداخته می‌شود. اتخاذ فعالیت و اسکان جمعیت در مناطق استراتژیک، که از نظر اقتصادی قابلیت چندانی ندارند در حیطةی این گونه برنامه‌ریزی‌های قرار می‌گیرد.
- عدم توجه به رعایت مسائل زیست‌محیطی و ضرورت بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی
- نظام اسکان جمعیت و سازماندهی سلسله مراتبی مراکز شهری و نواحی روستایی بر اساس توزیع فعالیتها و امکانات در پهنه سرزمین
- لزوم توجه به شرایط جهانی و منطقه‌ای و ضرورت لحاظ کردن این گونه متغیرها در برنامه‌ریزی‌های استراتژیک و بلندمدت با توجه به اهمیت روزافزون مسائل ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک رویکردی نوین در برنامه‌ریزی بلندمدت است که رویکردهای ناظر بر برنامه‌ریزی‌های کلاسیک فاقد آن می‌باشند.

۴-۱۲- رویکردهای نهادی - سیاستی

مجموعه بررسیهای به عمل آمده حاکی از آن است که «موقعیت جغرافیایی»، «منابع انرژی»، «ذخایر معدنی» و «منابع انسانی»، چهار مزیت اصلی ما برای حضور در فعالیتهای اقتصادی جهان و منطقه می‌باشند که این مزیتها و سایر ویژگی‌های سرزمین و شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی انتخاب راهبرد توسعه درون‌زا و برون‌نگر را برای توسعه بلندمدت کشور لازم می‌نمایند. همچنین با توجه به نتایج کلی تحلیل سازمان فضایی و با در نظر گرفتن اصول آمایش سرزمین و نتایج فضایی نظریه پایه توسعه ملی، سیاست کلان آمایش سرزمین به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

الف: جهت‌گیری‌های کلان آمایش سرزمین بر اساس نظریه پایه توسعه ملی

- گسترش و تجهیز کریدورها (دالانها)ی ارتباطی با عملکرد فرا ملی و مراکز جمعیتی مستقر در آنها برای استفاده از مزیت‌های موقعیت جغرافیایی و قابلیت‌های ترانزیتی کشور
- پیش‌بینی مراکز جمعیتی با امکان عملکردهای فرا ملی و بین‌المللی برای تقویت نقش منطقه‌ای کشور
- تقویت ظرفیتهای تولیدی در صنایع مورد تقاضای منطقه در نواحی و مکانهای متناسب با بازارهای مصرف آنها
- پیش‌بینی مراکز صنعتی مناسب برای تجهیز به خدمات تحقیقاتی و فناوری به منظور افزایش قابلیت کشور در ایفای نقش مرکزیت فناوری در منطقه
- تعیین و آماده‌سازی مسیرهای انتقال انرژی دریای خزر و نواحی شرقی آن تا مبادی خروجی غربی، جنوبی و شرقی
- تجهیز شبکه انتقال انرژی در داخل کشور به همراه افزایش قابلیت هر چه بیشتر ایفای نقش انتقال انرژی کشورهای منطقه از طریق معاوضه SWAP در راستای بهره‌برداری هر چه بیشتر از موقعیت ممتاز جغرافیایی کشور
- تجهیز مراکز جمعیتی و صنعتی و توسعه ظرفیتهای زیربنایی و تخصیص نواحی خاص در پایانه‌های دریایی کشور متناسب با نیازهای ناشی از امر بهره‌برداری مناسب از منابع معدنی
- تعیین مناطق آزاد و ویژه اقتصادی (در صورت نیاز) و انتخاب نقشهای تخصصی برای این مناطق و بر حسب اهداف و نیازهای ناشی از توسعه همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

ب: جهت‌گیریهای آمایش سرزمین با توجه به تحلیل سازمان فضایی و اصول آمایش سرزمین

با در نظر گرفتن تفاوت‌های عمده‌ای که بین دو منطقه «شمال و غرب» یعنی حاشیه‌ها و دامنه‌های دو سلسله جبال البرز و زاگرس و دشتهای ساحل دریای خزر از یک سو و منطقه «شرقی و جنوبی» شامل دشتهای مرکزی و جنوبی، سواحل دریای عمان و خلیج فارس و نوار شرقی کشور، از لحاظ تراکم

جمعیت، سطح برخورداری از شبکه‌ها و تجهیزات زیربنایی و ظرفیتهای تولیدی وجود دارد، جهت‌گیری کلی آمایش، به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

در منطقه اول آمایش درونی با تأکید بر افزایش ظرفیتهای تولیدی جهت حداکثر استفاده از ظرفیتهای زیربنایی و خدماتی موجود و در منطقه دوم، گسترش سازمان فضایی با تأکید بر تجهیز زیربناها و توسعه خدمات برای تحرک بخشیدن به منابع غنی و بالنسبه بهره‌برداری نشده آن.

در همین منطقه، با توجه به حجم بالای جمعیت این منطقه و افزایش قابل ملاحظه آن در بیست و پنج سال آینده، شکل‌گیری مراکز جمعیتی جدید و ارتقای مقیاس مراکز جمعیتی موجود اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. در توسعه فضایی منطقه اول، در قلمروهایی که تعدد و نزدیکی مراکز اجازه دهد، اولویت با توسعه گسترده و یا توسعه خطی نسبت به توسعه قطبی و متمرکز می‌باشد.

الگوی پیشنهادی توسعه فضایی برای منطقه دوم با توجه به تراکم پایین و پراکندگی مراکز جمعیتی، توسعه قطبی یا کانونی با هدف گسترش حوزه‌های نفوذ و ایجاد تحرک بیشتر در نواحی پیرامونی می‌باشد.

فرض کلی بر این است که افزایش ارتباط بین این کانونها زمینه تحرک بیشتر اقتصادی در محورهای رابط آنها را فراهم می‌سازد.

بر اساس جهت‌گیریهای مطرح شده، خطوط کلی آمایش سرزمین در دو منطقه فوق به طور همزمان و به تفکیک زیر توصیه می‌شود:

مناطق پرتراکم شمال و غرب کشور

- استفاده از مزاد ظرفیتهای زیربنایی در قلمروهایی که از «بیشترین برخورداری» و «برخورداری زیاد» بهره‌مند هستند، با نیت صرفه‌جویی در میزان و تسریع در بازدهی سرمایه‌گذاران. اولویتهای مکانی در این قلمرو پس از بررسیهای میدانی نتایج مطالعات تفصیلی تعیین خواهد شد.

- تقویت زیربناهای مناطق «با برخورداری متوسط» و «نسبتاً محدود» در مواردی که بهره‌برداری از قابلیتهای تولیدی و خدماتی ایجاب نماید.

- تجهیز مناطق «با برخورداری محدود» و «فاقد برخورداری» در مواردی که نگهداشت جمعیت به دلایل «دفاعی و امنیتی»، «زیست‌محیطی»، «حراست از میراث فرهنگی» و «خروج از انزوای نواحی محروم دارای قابلیت توسعه» ایجاب نماید.
- محدودیت توسعه مراکز زیست، در مناطقی که از نقطه نظرهای «امنیتی و دفاعی»، «حفاظت از محیط زیست»، «حراست از میراث‌های فرهنگی»، گسترش اسکان جمعیت و استقرار فعالیت در آنها توصیه نمی‌شود.
- مقیاس و نحوه استقرار فعالیتهای صنعتی در این نواحی با توجه به «اصول کارایی و بازدهی اقتصادی» و توجه به اصل «تقسیم کار بین مناطق بر اساس تخصص‌های منطقه‌ای» و الزامهای مربوط به «سازماندهی فرایندهای توسعه صنعتی» خواهد بود.
- نوع و نحوه استقرار فعالیتهای خدماتی در مراکز جمعیتی، به طور کلی بر اساس رتبه هر مرکز در نظام سلسله مراتب خدماتی پیشنهادی می‌باشد. در الگوهای توسعه‌محوری و گسترده، نحوه توزیع فعالیتهای خدماتی بر حسب مورد مشخص خواهد شد.

مناطق کم‌تراکم شرق و جنوب کشور

- تقویت مراکز جمعیتی کرمان، شیراز، بندرعباس، بوشهر و زاهدان به منظور ایجاد کمربندی از قطب‌های توسعه در نوار جنوب کشور با توجه به چشم‌انداز بهره‌برداری از منابع انرژی حوزه جنوبی و ذخایر معدنی دشتهای مرکزی و جنوبی سرزمین
- تقویت مراکز (به عنوان مثال چابهار، ایرانشهر، زابل، بیرجند، بم، سیرجان، جیرفت، رفسنجان، کنگان، بندر لنگه، میناب و ...) به عنوان کانونهای توسعه برای تقویت و تحرک بیشتر اقتصادی در این مناطق
- انتخاب نقاط استراتژیک (نظیر جاسک و ...) جهت تسریع و بسط توسعه در نواحی دور افتاده و حاشیه‌ای در سواحل جنوب با قابلیت تحرک در شبکه‌های ترانزیتی نواحی شرقی و جنوبی کشور
- مقیاس و نحوه استقرار فعالیتهای صنعتی در این مناطق با توجه به قابلیتهای معدنی، امکانات صادراتی، چشم‌انداز شبکه‌های ارتباطی با عملکرد بین‌المللی خواهد بود.

- نوع، مقیاس و نحوه استقرار فعالیتهای خدماتی در این مراکز بر اساس رتبه هر مرکز در نظام پیش‌بینی شده سلسله مراتب خدماتی بوده و ارتقای سطح خدمات این مناطق به رده‌های بالاتر قابل بررسی است.

- تقویت جمعیت در مرکز سواحل خلیج فارس و دریای عمان با توجه به چشم‌انداز توسعه صنایع انرژی و ظرفیتهای بازرگانی.

ج: اصلی‌ترین جهت‌گیریهای توسعه ملی در بخشهای مختلف

در چارچوب استراتژی توسعه درونزا و برون‌نگر، عمده‌ترین جهت‌گیریهای بلندمدت ملی در بخشهای مختلف عبارتند از:

در بخش کشاورزی

تجاری کردن فعالیتهای بخش کشاورزی با هدف تأمین نیازهای ملی، به ویژه در اقلام استراتژیک، و گسترش بازارهای مصرفی و صادرات محصولات کشاورزی، دامی و شیلاتی مهم‌ترین جهت‌گیری توسعه بخش کشاورزی می‌باشد. افزایش راندمان تولید، نوسازی اراضی و افزایش ضریب مکانیزاسیون، اصلاحات نهادی نظیر اصلاح نظام بهره‌برداری، توسعه شبکه‌های زیربنایی به ویژه در قطبهای کشاورزی، توجه به مزیت‌های نسبی تولید محصولات، استقرار فعالیتهای مکمل صنعتی و خدماتی (نظیر صنایع تبدیلی و خدمات بازاریابی) در کنار فعالیتهای کشاورزی و ... به عنوان سیاستهای بلندمدت در این راستا پیشنهاد می‌گردد.

در بخش آب

افزایش بهره‌وری از منابع موجود از طریق بهبود و اصلاح ساختار مدیریت و بهبود سیستم مصرف (در زمینه‌های کشاورزی، شرب و صنعت) و نیز توسعه و افزایش منابع جدید عمده‌ترین جهت‌گیریهای بخش آب در راستای توسعه ملی می‌باشند.

در بخش صنعت و معدن

عمده‌ترین اولویت صنعتی در چارچوب استراتژی توسعه درون‌زا و برون‌نگر عبارتند از: صنایع شیمیایی و پتروشیمی، صنایع متالوژی و ذوب فلزات، صنایع حمل و نقل، صنایع الکترونیک. در این راستا می‌بایستی مجموعه‌ای از سیاستها، جهت هر چه درونی‌تر کردن **internalized** ارزش افزوده و جلوگیری از صادرات مواد خام و نیز رقابتی کردن صنایع کشور به ویژه صنایع اولویت‌دار به عنوان صنایع پیشرو در دستور کار قرار گیرد.

در بخش بازرگانی

تقویت جایگاه کشور در نظام مبادلات تجاری درون قاره‌ای و برون قاره‌ای از طریق تقویت و تجهیز مبادی ورود و خروج کالا متناسب با سیستمها و شبکه‌های بین‌المللی مبادلات بازرگانی عرضه و تقاضای تولیدات و نیز مصارف داخلی آنها، تقویت روابط بین فعالیتهای بازرگانی با بخشهای صنعت و خدمات برتر، تقویت و تکمیل کردورهای ارتباطات بین‌المللی و بین منطقه‌ای، تقویت زیربنای حمل و نقل و ارتباطات و ... عمده‌ترین جهت‌گیری توسعه بخش بازرگانی محسوب می‌گردد.

در نظام اسکان جمعیت

ایجاد تمرکزهای فضایی متناسب با بهره‌وری بهینه از امکانات و قابلیتها در جهت سازماندهی یک اقتصاد درونزای برون‌نگر، اصلاح ساختار و سازماندهی شبکه نظام شهری در جهت تقویت نقش منطقه‌ای کشور، تقویت و ارتقای موقعیت مراکز شهری به منظور ایفای نقش مرکزیت در استانها و عملکرد مناسب ملی، ایجاد، تقویت و گسترش مراکز شهری بر روی محورهای توسعه و تقویت و تکمیل شبکه نظام سلسله مراتبی شهری، عمده‌ترین جهت‌گیری‌های بلندمدت توسعه نظام اسکان جمعیت می‌باشند.

در بخش انرژی

تغییر ترکیب مصرف انرژی از نفت به گاز، برق و انرژی‌های تجدید شونده، افزایش بهره‌برداری از میادین مشترک به جای میادین داخلی، ارتقای سطح همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در زمینه‌ی

خطوط لوله انتقال نفت و گاز و اتصال به شبکه‌های برق آفریقا و اروپا، عمده‌ترین جهت‌گیری‌های بلندمدت توسعه بخش انرژی می‌باشد.

در بخش گردشگری

جهت‌گیری‌های توسعه بخش گردشگری عبارتند از: تلاش در جهت حفظ جاذبه‌های زیست‌محیطی مناطق مختلف به عنوان نقاط بالقوه و بالفعل جذب گردشگران، ایجاد تسهیلات و تجهیزات گردشگری برای جهانگردان در طول مسیرهای اصلی گردشگری و شتاب بخشیدن به فرمت و بازسازی جاذبه‌های گردشگری.

در بخش‌های خدمات اجتماعی و فرهنگی

افزایش سطح کیفی و کارایی خدمات بهداشتی و آموزشی و ایجاد پوشش‌های گسترده و فراگیر برای تمام اقشار جامعه و تمام مناطق کشور، عمده‌ترین جهت‌گیری‌های خدمات اجتماعی و فرهنگی می‌باشند که با هدف ارتقای سطح کیفی نیروی انسانی در راستای تأمین نیازهای توسعه کشور تعقیب می‌شوند.

چشم‌انداز توسعه کشور

در افق ۲۰ ساله توسعه پایدار ملی

با رویکرد جهانی

◀ مقدمه

تهیه و تدوین برنامه چهارم توسعه، با توجه به ضرورتها و الزامهای ناشی از آرمانهای قانون اساسی، تحولات بین‌المللی، فضای نوین اقتصاد جهانی، تحولات علمی و فناوری‌های نو، بخصوص فناوری اطلاعات و نیازهای توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور در مرحله کنونی، از جمله رشد سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال، و در بلندمدت برپایی اقتصادی توانمند، پویا، بالنده و متکی بر مؤلفه‌های دانایی با هدف تحقق صادرات انبوه به جای صدور مواد و کالاهای نخستین - به ویژه نفت خام - مستلزم داشتن رویکردی منطقی نسبت به تحولات پیش رو و ترسیم چشم‌انداز آینده در افق بلندمدت Vision است.

جهان در قرن بیست و یکم دنیایی آکنده از رقابت، توسعه بازارها، ظهور و رواج فناوری‌های برتر و گسترش تجارت است. شرط توفیق در این عرصه، بهره‌گیری از فرصتها و رویارویی با چالشهای پیش رو است و این همه ایجاب می‌کند که فرایند توسعه اقتصادی - اجتماعی، با رویکردی راهبردی نسبت به تشخیص شرایط جدید بین‌المللی و با شناخت دگرگونی‌ها در ترکیب و روند مناسبات سیاسی - اقتصادی جهانی و منطقه‌ای و همچنین با نگرش به مهم‌ترین مسائل و تنگناهای اقتصاد ملی، مسیر انجام تحولات ساختاری - فناوری و پاسخگویی به الزامهای رشد و توسعه پایدار و با ثبات اقتصاد کشور را هموار سازد.

بدیهی است اتخاذ رهیافتی استراتژیک نسبت به تعیین اولویتها و جهت‌گیری‌های اساسی آینده کشور در متن تحولات بین‌المللی - منطقه‌ای، تنها نمی‌تواند به برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت بسنده کند، و ناگزیر باید بر برنامه‌ریزی‌های بلندمدت، ارائه دورنماها و تحلیل چشم‌اندازهای با افق دوردست با هدف‌گذاری و سمت‌گیری‌های روشن و مشخص متکی باشد. برنامه‌ریزی‌های بلندمدت با تجسم بخشیدن به مبانی اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی - زیست‌محیطی جامعه آرمانی آینده، زمینه شکل‌گیری تحولات و اصلاحات و بازآرایی اقتصاد ملی و چارچوبهای طراحی و اجرای برنامه‌های میان‌مدت و کوتاه‌مدت را فراهم می‌آورد.

مدیریت اقتصادی، در قالبهای غیر مبتنی بر نگرشهای راهبردی و بدون تعهد به آرمانها و آماجهای بلندمدت نیز، در نهایت کشور را به مسیر نوعی روزمرگی و تسلسل و تراکم دشواریها و تنگناها سوق

خواهد داد، که این امر اجرای توسعه مدیریتها را جهت پیشرفت کشور و مدیریت توسعه، بیش از پیش اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

شایان توجه است که برنامه بلندمدت راهبردی، در مجموع اقتصاد ملی و در بخشهای مختلف آن، به هیچ وجه به معنای تجميع چند برنامه میان‌مدت نیست و در واقع هدف نهایی آن، معطوف به تبیین گزینههای استراتژیک و جهات اصلی تحولات ساختاری - نهادی و ارائه‌ی عرصه‌های انتخاب برای تدوین برنامه‌های میان‌مدت در مسیر حرکت به طرف جامعه آرمانی است. از همین رو برنامه‌های بلندمدت را می‌توان با تمثیلی ساده، به افروختن نوری در تاریکی آینده تشبیه کرد که حرکتها و ساماندهی‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت را، با کمترین انحراف و اتلاف در تخصیص منابع، به سوی نقطه راهنما هدایت می‌کند.

در همین حال، برنامه استراتژیک بلندمدت، چشم‌اندازهای آینده کشور را با ملاحظه روندها و گرایشهای راهبردی سیاسی - اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی - زیست‌محیطی، در سطوح بین‌المللی و ملی مطرح می‌کند و به اعتبار این برنامه یا تحلیل چشم‌انداز، تفاوت‌های اساسی با شکل مرسوم برنامه‌ریزی‌های میان‌مدت و بلندمدت اجرایی دارد. هدف از تهیه چنین برنامه‌ای، از یک سو آگاهی از گرایشهای مسلط و تعیین‌کننده در حوزه مسائل مربوط به امنیت و بقای ملی در آینده است و از سوی دیگر، شناخت عوامل بحران‌زا و ارائه‌ی راهکارهای مناسب برای غلبه بر بحرانها است که ناگزیر باید با ارائه‌ی چارچوبی برای مدیریت استراتژیک و طرح راهبردهای بلندمدت توسعه همه جانبه کشور، با نگرشی به فرصتها و چالشهای پیش رو توأم باشد. طبعاً طی کردن مرحله گذار از وضع موجود، و رسیدن به وضع مطلوب در افق بلندمدت، مستلزم دگرگونی در ساختارها و نهادها و همچنین تنظیم حرکتها به‌گونه‌ای بهینه و به نحوی است که بتواند زمینه‌های رشدی پیوسته و پایدار مبتنی بر تحولات عمیق تکنولوژیک و مؤلفه‌های اقتصاد متکی بر دانایی را فراهم آورد. در سازماندهی تنظیم برنامه چهارم توسعه، ناگزیر باید دیدگاهی استراتژیک را اتخاذ کرد که الزاماً متکی بر داده‌های زیر است:

- مطالعات تخصصی استراتژیک که جنبه عام و راهبردی دارد.

- تدوین راهبردهای برنامه‌های بلندمدت، که به طور خاص معطوف به تدوین چارچوب برنامه‌ها در سطوح مختلف است.

تهیه چشم‌انداز بلندمدت جمهوری اسلامی ایران برای دوره بیست ساله (۱۴۰۴-۱۳۸۴)، با در نظر گرفتن سه عامل:

۱- آرمانها و ویژگی‌های جامعه ایده‌آل، ۲- شرایط اقتصادی، اجتماعی موجود کشور و ۳- تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای و ویژگی‌های اقتصادی و فناوری جهانی، انجام گرفته که نتایج آن در این مجموعه جمع‌بندی شده است.

این مجموعه در دو فصل ارائه شده است:

- فصل اول شامل مبانی کلی و دیدگاهی، و همچنین نتایج حاصل از گزینه‌های مختلف پیش‌بینی و آینده‌نگری در ده سال اول چشم‌انداز [دوره (۹۴-۱۳۸۴)]
- فصل دوم شامل پیشنهاد هدفها و سیاستهای کلی و همچنین الزامها و راهبردهای رسیدن به هدفها و سیاستهای کلی، در قالب محورهای اساسی چشم‌انداز

◀◀ فصل اول: آینده‌های ممکن در افق چشم‌انداز

◀ ۱- مبانی کلی و دیدگاهی

سالهاست که به هنگام شروع هر گونه فعالیت برنامه‌ریزی و مطالعه درباره آینده، در همه سطوح خرد و کلان، منطقه‌ای و ملی، کوتاه‌مدت و میان‌مدت، این پرسش برای برنامه‌ریزان مطرح می‌گردد که، بدون خطوط راهنمای آینده، چگونه می‌توان مسیر توسعه بخش، منطقه یا کشور را مشخص نمود؟

حاصل و برآیند تلاشهای برنامه‌ریزی در سطوح منطقه‌ای، بخشی و ملی در گذشته، به دلیل نداشتن تصویری از چشم‌انداز آینده، به حرکتی همسو و مورد توافق همگان نمی‌انجامید و هر گاه خطوط کلی سمت و سوی معینی، در ذهنهای استراتژیک تنها چند مقام و مسئول عالی رتبه کشور وجود می‌داشت، مجال و فرصت اعمال گسترده و فراگیر آن به وجود نمی‌آمد.

تهیه و تنظیم چشم‌انداز آینده، از آن رو که روندهای ممکن و مطلوب آینده را پیش‌بینی و ترسیم می‌نماید، به اتخاذ موضوع و تعیین شیوه‌های برخورد با حوادث و اتفاقات کمک می‌کند و بهره‌برداری درست و بهینه از منابع و فرصتها را امکانپذیر می‌کند.

همچنین به دلیل آن که برخی از رویدادها و تحولات آینده، خارج از کنترل می‌باشد، تهیه چشم‌انداز به جهت پیش‌بینی آنها و مقابله با چالش‌های آینده پیش روی، اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. چشم‌انداز، آمیزه‌ای از ارزش‌های داوریه‌های مبتنی بر ایدئولوژی نظام و واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی جامعه است. با توجه به این که ایدئولوژی‌ها و نگرش‌های مختلف و متفاوت، آینده‌های متفاوتی را ترسیم می‌کنند، نخستین گام در پویا برنامه‌ریزی و آینده‌نگری، پذیرش یک چشم‌انداز واحد است. این چشم‌انداز، تصویری از آینده مطلوب را ترسیم می‌کند که هر گاه در ذهن‌های اعضای جامعه جای بگیرد، مسیر حرکتها و دگرگونی‌های آن جامعه، هموارتر می‌گردد و به طور صریح یا به صورت ضمنی بر اولویتها و راهبردهای برنامه تأثیر می‌گذارد. هر گاه این چشم‌انداز به طور صریح تنظیم و ارائه شده باشد، می‌تواند برنامه‌ها را در مسیری هدایت نماید که مطلوب و مورد تأیید اکثریت جامعه است. از این رو، تهیه و تنظیم چشم‌انداز آینده اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی کشور، بستر مناسبی برای تهیه و تنظیم برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه، فراهم می‌سازد که هم فرایند برنامه‌ریزی پنج‌ساله را تسهیل و تسریع می‌نماید، و هم در مرحله اجرای برنامه، تحقق هدفهای آن را آسان‌تر و کم‌هزینه‌تر می‌سازد.

علاوه بر اینها، وضعیت عمومی جهان به گونه‌ای دستخوش تغییر گردیده است که روندهای گذشته که اساس و پایه تخمینها و پیش‌بینی‌های برنامه‌هاست، برای آینده قابل اتکا نخواهد بود. امروزه انسان در سراسر جهان وارد مرحله «بحران» شده، و بر خلاف گذشته که وضعیت سیستمها، وضعیت تعادل بود و استثناها «بحران» نامیده می‌شدند، امروزه اصل بر بحران است، و هیچ سیستمی در حال تعادل پایدار و بلندمدت نیست و انسان و جوامع انسانی باید زندگی همراه با بحران را تجربه کنند.

به سخن دیگر، امروزه برنامه‌ریزی فرایندها، متکی بر این نیست که عدم تعادل را چگونه باید به تعادل کشانید، بلکه اصل بر این است که، فرایند توأمان تعادل - عدم تعادل را، چگونه باید مدیریت و راهبری کرد.

در چنین شرایطی، سه نوع نگاه به آینده قابل تشخیص‌اند:

اول: نگاه انفعالی **Passive**، دوم: نگاه فعال **Active** و سوم: نگاه آینده‌ساز **Proactive**

لازمه نگاه‌های فعال و آینده‌ساز، حرکت بر پایه مدیریت چشم‌انداز است که مبتنی بر شناخت وضع موجود و عوامل آن، تحلیل محیط ملی و بین‌المللی و بالاخره ترسیم چشم‌انداز مطلوب می‌باشد. در چارچوب چشم‌انداز مطلوب، برنامه‌ریزی‌ها و حرکت‌های فردی و اجتماعی، در راستای آینده‌سازی جهت‌گیری پیدا می‌کنند و از آثار نامطلوب بحران کاسته خواهد شد.

نگاه آینده‌ساز فعال، می‌بایست کلیه قلمروهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی را به صورت یک کلیت، و همچنین نگاه تعاملی با منظومه خرد، کلان، ملی و فرا ملی فرایندها و قلمروها را دربر گیرد. از این رو در این نگاه، حذف قلمرو یا قلمروها و بها دادن به یکی و نادیده گرفتن دیگری، مطرح نیست و بین قلمروهای ممکن اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی نه تنها تقابلی نیست، بلکه چگونگی در هم آمیزی کارآمدتر آنها به عنوان یک دغدغه مطرح است.

در همین راستا تقابل بین کشاورزی و صنعت، فناوری بزرگ با کوچک، قلمرو ده با شهر، و برنامه‌ریزی ملی با منطقه‌ای، و تقابل اقتصاد ملی با اقتصاد جهانی، نه تنها وجود ندارد، بلکه دغدغه راهبردی این نگاه، چگونگی حضور این متغیرها، در قلمروها و بخشها به صورت فعال و پویا، در برنامه‌ریزی متکی به چشم‌انداز و چیدمان، و تعامل توسعه‌ای بین آنها می‌باشد.

ایران در سالهای پیش رو، با دو چالش اساسی رویارو خواهد بود.

- از یک سو کشور باید بتواند برای جمعیت جوان و جویای کار، از طریق استقرار جریان رشد پیوسته و پایدار، شغل و فعالیت مولد و درآمد ایجاد نماید.

- از سوی دیگر الزام‌های ناشی از ارتقای موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی کشور، حکم می‌کند که در سالهای آینده، فاصله ایجاد شده بین ایران و پاره‌ای از کشورهای پیشرو و نواخته صنعتی (و حتی شماری از همسایگان کشور) در حداکثر امکان خود کاهش یابد.

روی همین اصل در تدوین و تنظیم آینده‌های ممکن کشور در افق چشم‌انداز، بهبود روند بازار کار، هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی، افزایش بهره‌وری همراه با استقرار یک جریان رشد متناسب با هدف چیدمان تعاملی خردمندانه و هوشیارانه، همراه با عزت و حکمت اقتصاد ملی، رشد سریع با رویکرد هم‌پیوندی متقارن و دو سویه با اقتصاد جهانی، و تغییر در ساختار فناوری تولید برای جای‌گیری مناسب در تقسیم کار جهانی، مد نظر قرار گرفته است.

آینده‌های ممکن این برنامه در افق چشم‌انداز در سه گزینه:

۱- گزینه تداوم روند گذشته

۲- گزینه رشد سریع با رویکرد و هم‌پیوندی

۳- گزینه رشد معتدل با رویکرد هم‌پیوندی، تنظیم شده است.

گزینه تداوم روند گذشته، ناگزیر از پیش‌بینی آینده بر اساس ساختار کنونی کشور است. اما دو گزینه دیگر، به طور طبیعی از قاعده آینده‌نگری و هدف‌گذاریهای بلندمدت (با ملاحظه عملکرد اقتصادهای پیشرو و مقایسه آن با ایران) تبعیت می‌کند.

به این ترتیب، بر اساس روندهای گذشته متغیرهای کلان کشور، و در مقایسه با شاخصهای برخی از کشورهای نوظهور، نقاط قوت و ضعف اقتصاد کشور مورد شناسایی قرار گرفته، و سپس در یک بررسی مرتبط، هماهنگ و سازگار، رشد و توسعه آینده کشور در قالب متغیرهای مذکور، هدف‌گذاری شده است. در این هدف‌گذاری، امکانات و محدودیت‌های کشور مورد ارزیابی قرار گرفته، و تصویری از آینده مطلوب ارائه شده است که دسترسی به آن مستلزم عزم ملی و تلاش تمامی آحاد کشور خواهد بود.

رسیدن به این اهداف با وجودی که بسیار مشکل به نظر می‌آید، لیکن بنا به ضرورت‌های حیاتی اقتصاد کشور در این مرحله، و حفظ ثبات و ارتقای موقعیت کشور در منطقه و جهان، الزامی است. به علاوه تجربه سایر کشورهایی که این مسیر را پیموده‌اند، ثابت می‌کند که هدف‌های مطرح شده، قابل حصول است. طبعاً اتخاذ راهبردهای مشخص و سیاست‌های کلیدی متناظر با آن، شرط رسیدن به این اهداف خواهد بود.

آینده‌نگری‌های ارائه شده در این فصل، حاصل مطالعات تفصیلی در باب روند تحولات اقتصادی کلان در گذشته و مقایسه آن با کشورهای منتخب و ارائه‌ی آینده‌های ممکن و مطلوب اقتصاد ایران در افق ۱۳۹۴ است.

۲-۲-۱- فروض اساسی

داده‌های اطلاعاتی مطالعات این برنامه، مبانی محاسبات مختص به خود و نتایج مربوط به آن را ایجاد کرده است، که در گزینه‌های ذیل چگونگی آن به تصویر کشیده شده است. قطعاً در بررسی کلیت

بخشهای مختلف دولت و سپس مجموعه نظام، هر گونه تغییر کمی و کیفی در داده‌ها، می‌تواند نتایج را نیز تغییر دهد. مبانی محاسبات گزینه‌های ارائه شده در این برنامه، به شرح زیر است:

الف: مبانی محاسبات گزینه ادامه روند موجود

- ۱- سال ۱۳۸۱ به عنوان سال پایه در نظر گرفته شده و ادامه آن تا سال ۱۳۸۳ بر مبنای اهداف کمی برنامه سوم توسعه، فرض شده است و از سال ۱۳۸۴ تا سال افق، از یک الگوی اقتصادسنجی و همچنین شاخصهای مربوط به دهه (۸۰-۱۳۷۰) استفاده شده است.
- ۲- تولید نفت در سال افق، معادل سال پایه در نظر گرفته شده است. به این ترتیب با توجه به افزایش طبیعی مصرف داخلی، میزان نفت قابل صدور در سال ۱۳۹۴، معادل ۱/۷ میلیون بشکه در روز فرض شده است.

ب: مبانی محاسبات گزینه مطلوب ۱ (رشد سریع با رویکرد هم‌پیوندی)

- ۱- کاهش نرخ بیکاری به (۷٪) (در این صورت تورم از افزایش شتابنده‌ای برخوردار نخواهد بود).
- ۲- دو برابر شدن رشد شاخص بهره‌وری نیروی کار [از (۲/۲٪) دوره (۷۵-۱۳۴۵) به (۴/۴٪)]
- ۳- افزایش نرخ مشارکت به (۴۸٪) (بر اساس بالاترین نرخ تحقق یافته در گذشته و مقایسه‌های بین‌المللی در اقتصادهای مشابه)
- ۴- افزایش نسبت سرمایه‌گذاری به تولید، از (۲۷٪) در سال پایه، به (۳۷٪) (بر اساس بررسیهای به عمل آمده طی سالهای گذشته، از حدود (۱۰٪) توان بالقوه تولید کشور، استفاده به عمل نیامده است).
- ۵- افزایش تولید نفت خام به ۴/۴ میلیون بشکه در روز در سال ۱۳۹۴. به این ترتیب با توجه به روند سریع صنعتی شدن و همچنین رشد سریع اقتصادی، فرض شده است، از میزان تولید یاد شده، ۲/۲ میلیون بشکه در روز صرف تأمین نیازهای داخلی، و بقیه به خارج از کشور صادر شود.
- ۶- افزایش نسبت صادرات کالاهای غیر نفتی به تولید ناخالص داخلی از (۵/۲٪) به (۱۰٪)

- ۷- افزایش سهم صادرات صنعتی در صادرات کالاهای غیر نفتی، از (۴۹٪) به (۷۵٪) (بر اساس مقایسه‌های بین‌المللی در اقتصادهای مشابه)
- ۸- افزایش نسبت سرمایه‌گذاری خارجی به تولید ناخالص داخلی، از (۰/۶٪) به (۲٪) (بر اساس مقایسه‌های بین‌المللی در اقتصادهای مشابه)
- ۹- تعادل صادرات و واردات خدمات در سال افق (به عبارت دیگر خالص صادرات خدمات صفر فرض شده است).
- ۱۰- کاهش نرخ تورم به (۵٪) در سال ۱۳۹۴ (بر اساس مقایسه‌های بین‌المللی در اقتصادهای مشابه)
- ۱۱- در نظر گرفتن حدود (۲٪) اثرات ناشی از پولی شدن اقتصاد در هدف‌گذاری رشد نقدینگی (بر اساس مقایسه‌های بین‌المللی در اقتصادهای مشابه)

پ: مبانی محاسبات گزینه مطلوب ۲ (رشد معتدل با رویکرد هم‌پیوندی)

- ۱- افزایش رشد شاخص بهره‌وری نیروی کار، از (۲/۲٪) به (۳/۵٪)
- ۲- افزایش نرخ مشارکت به (۴۸٪) (بر اساس بالاترین نرخ تحقق یافته در گذشته و مقایسه‌های بین‌المللی با اقتصادهای مشابه)
- ۳- افزایش نسبت سرمایه‌گذاری به تولید، از (۲۷٪) در سال پایه، به (۳۷٪) [بر اساس بررسی‌های به عمل آمده طی سالهای گذشته، از حدود (۱۰٪) توان بالقوه تولید کشور استفاده به عمل نیامده است].
- ۴- افزایش نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، از (۳/۹٪) عملکرد گذشته به (۷٪)
- ۵- افزایش تولید نفت خام به ۴/۴ میلیون بشکه در روز در سال ۱۳۹۴. به این ترتیب با توجه به روند سریع صنعتی شدن و همچنین رشد سریع اقتصادی، فرض شده است، از میزان تولید یاد شده ۲/۲ میلیون بشکه در روز، صرف تأمین نیازهای داخلی و بقیه به خارج از کشور صادر شود.
- ۶- افزایش نسبت صادرات کالاهای غیر نفتی به تولید ناخالص داخلی، از (۵/۲٪) به (۷٪)

- ۷- افزایش سهم صادرات صنعتی در صادرات کالاهای غیر نفتی، از (۴۹٪) به (۶۰٪)
- ۸- افزایش نسبت سرمایه‌گذاری خارجی به تولید ناخالص داخلی، از (۰/۶٪) به (۱٪)
- ۹- تعادل صادرات و واردات خدمات در سال افق (به عبارت دیگر خالص صادرات خدمات معادل صفر فرض شده است).
- ۱۰- کاهش نرخ تورم به (۸٪) در سال ۱۳۹۴
- ۱۱- در نظر گرفتن حدود (۲٪) اثرات ناشی از پولی شدن اقتصاد، در هدف‌گذاری رشد نقدینگی (بر اساس مقایسه‌های بین‌المللی در اقتصادهای مشابه)

۳- بررسی نتایج

بررسی تداوم روندهای گذشته و پیش‌بینی آن برای آینده

- رشد تولید ناخالص در دوره (۹۴-۱۳۸۴) به طور متوسط سالانه معادل (۳/۹٪) خواهد بود و تولید ناخالص داخلی سرانه در این دوره از ۱۶۱۶۳ هزار ریال به ۲۰۷۲۹ هزار ریال افزایش خواهد یافت [معادل سالانه به طور متوسط (۲/۵٪)].

- مقایسه تطبیقی بین روند تغییرات درآمد سرانه ایران با برخی از کشورهای آسیای جنوب شرقی، (کره جنوبی - مالزی - تایلند - سنگاپور) گویای آن است که چنانچه افزایش آینده این متغیر براساس این گزینه صورت گیرد، شکاف و فاصله بین درآمد سرانه ایران با کشورهای مذکور در سال افق ۱۳۹۴ (۲۰۱۵ میلادی) گسترده‌تر خواهد شد. درآمد سرانه ایران به قیمت‌های ثابت ۱۹۹۵ در سال ۲۰۰۰ میلادی معادل ۱۶۴۹ دلار است. این رقم برای کره ۱۳۰۶۲ دلار، مالزی ۴۷۹۷ دلار، سنگاپور ۲۸۲۳۰ دلار و تایلند ۲۸۰۵ دلار است. افزایش متغیر مذکور برای ایران با نرخ یاد شده باعث خواهد شد تا در سال افق، درآمد سرانه کشور معادل ۲۳۸۰ دلار شود، که از درآمد سرانه کنونی کشورهای تایلند (۲۸۰۵ دلار) و ترکیه (۳۱۳۴ دلار) نیز کمتر است. نسبت فعلی درآمد سرانه کره به ایران حدود ۸ برابر، مالزی ۳ برابر، سنگاپور ۱۷ برابر و تایلند ۱/۷ برابر است که در صورت ادامه روند موجود، نسبت‌های مذکور در مورد کره به ۱۱/۵ برابر، مالزی ۴ برابر، سنگاپور ۲۴ برابر و تایلند ۲ برابر افزایش خواهد یافت.

- بیکاری در کشور از ۳ میلیون نفر به ۵/۳ میلیون نفر و نرخ بیکاری از (۱۳/۱٪) به (۱۷/۵٪) افزایش خواهد یافت. طی این دوره به طور متوسط سالانه ۵۱۲ هزار شغل ایجاد خواهد شد.
- رشد بهره‌وری نیروی کار مطابق روند تاریخی خود، در حدود (۱/۵٪) ثابت باقی خواهد ماند.
- صادرات کالاهای غیر نفتی، از حدود ۶/۳ میلیارد دلار به ۱۱ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت و نسبت آن به تولید ناخالص داخلی افزایش چندانی پیدا نمی‌کند.
- تراز تجاری که در سال ۱۳۸۱ مازادی معادل ۴/۴ میلیارد دلار داشت، در سال ۱۳۹۴ با ۱۹/۸ میلیارد دلار کسری مواجه خواهد شد.
- تفاضل رشد صادرات کالاهای غیر نفتی و تولید ناخالص داخلی در حد (۱/۷٪) ثابت باقی خواهد ماند و بنابر این هم‌پیوندی اقتصاد ایران با اقتصاد جهانی تغییری نخواهد کرد.
- رشد نقدینگی بر مبنای روندهای گذشته در دوره پیش‌بینی برابر (۲۷/۳٪) خواهد بود که همراه با فزونی پولی کنونی، با ملاحظه رشد اقتصادی دوره، به تورم سالانه‌ای معادل (۲۲٪) منجر خواهد شد.

در آینده‌نگری اقتصاد ایران دو گزینه مطلوب:

- ۱- گزینه رشد سریع با رویکرد هم‌پیوندی
- ۲- گزینه رشد معتدل با رویکرد هم‌پیوندی مطرح شده است. هدفگذاری مربوط به گزینه رشد سریع با رویکرد هم‌پیوندی به شرح زیر است:
- رشد تولید ناخالص داخلی در این گزینه طی دوره (۹۴-۱۳۸۴) معادل سالانه (۸/۶٪) و نرخ رشد متوسط سالانه تولید ناخالص داخلی سرانه معادل (۷/۲٪) هدفگذاری شده که این هدفگذاری، حاصل فروضی است که در جهت تغییر روند کمی و کیفی در بازار کار، از جمله افزایش بهره‌وری (به میزان ۲ برابر)، کاهش نرخ بیکاری از (۱۲/۸٪) به (۷٪) و افزایش نرخ مشارکت از (۳۷/۷٪) در سال ۱۳۸۱ به (۴۸٪) به کار گرفته شده است.
- در این گزینه با فرض متوسط رشد (۷/۲٪)، تولید سرانه، فاصله ایران با کشورهای یاد شده در بررسی نتایج گزینه ادامه روند موجود کاهش خواهد یافت و درآمد سرانه ایران با رقم ۴۶۷۹ دلار در سال ۱۳۹۴

با ترکیه و تایلند برابر شده، و در مورد کره جنوبی و مالزی نیز نسبت‌های اشاره شده به نصف ارقام یاد شده در گزینه تداوم روند موجود کاهش می‌یابد.

- بر اساس فرض این گزینه، سالانه حدود ۹۳۶ هزار فرصت شغلی جدید در اقتصاد کشور ایجاد خواهد شد.

- رشد بخش صنعت در این گزینه معادل (۱۴٪)، و رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی معادل (۱۱٪) هدفگذاری شده است.

- تحقق رشد تولید و سرمایه‌گذاری یاد شده، مستلزم تحقق رویکرد هم‌پیوندی متقارن خردمندان، مدیران و سریع با اقتصاد جهانی است. بنابر این در این گزینه صادرات کالاهای غیر نفتی از رشدی معادل (۱۵/۸٪) در سال، و واردات کالا از رشدی معادل (۷/۹٪) در سال، برخوردار بوده و نسبت صادرات صنعتی به کل صادرات غیر نفتی معادل (۷۵٪) هدفگذاری شده است. بر این اساس، تفاوت نرخ رشد صادرات کالاهای غیر نفتی و تولید ناخالص داخلی، از (۱/۷٪) طی دوره زمانی (۸۰-۱۳۷۰)، به (۷/۲٪) می‌رسد و لذا تعامل با اقتصاد جهانی افزایش می‌یابد.

- سرمایه‌گذاری خارجی در سال افق در این گزینه معادل ۶/۳ میلیارد دلار خواهد بود که تقریباً ۱۰ برابر عملکرد سال پایه است.

- نرخ تورم با ملاحظه الزامهای تعامل با اقتصاد جهانی در حد متوسط سالانه (۵٪) مهار خواهد شد و بنابر این رشد نقدینگی در حد متوسط سالانه (۱۶٪) هدفگذاری شده است.

تحقق هدفهای این گزینه با ملاحظه تجربه کشورهای در حال توسعه نوظخته (مانند چین و کره جنوبی) و قابلیت‌ها، برتری‌ها و مزیت‌های نسبی کشور، امکانپذیر است و شرط اساسی در این زمینه شکل‌گیری اراده معطوف به این رویکرد، جهت پیشرفت در مراجع تصمیم‌گیری سیاسی است.

در گزینه رشد معتدل با رویکرد هم‌پیوندی، رشد تولید ناخالص داخلی در حد (۷٪) در نظر گرفته شده است. در این گزینه، رشد بهره‌وری نسبت به گزینه پیشین کمتر هدفگذاری شده که در نتیجه نرخ بیکاری طی دوره آینده‌نگری از (۱۲/۸٪) به (۱۲/۱٪) کاهش خواهد یافت و شمار فرصت‌های جدید شغلی معادل ۷۷۷ هزار شغل در سال خواهد بود.

- رشد تولید ناخالص داخلی سرانه در این گزینه معادل (۵/۷٪) خواهد بود، که با این نرخ، درآمد سرانه در سال افق به ۳۷۳۴ دلار می‌رسد که به این ترتیب نسبت درآمد سرانه ایران به درآمد سرانه کشورهای یاد شده در گزینه تداوم روند موجود در حد سال ۲۰۰۰، ثابت باقی خواهد ماند.
- رشد بخش صنعت در این گزینه به طور متوسط سالانه (۱۲٪)، و رشد سرمایه‌گذاری حدود (۹٪) هدفگذاری شده است.
- رشد سالانه صادرات کالاهای غیر نفتی در این گزینه حدود (۱۰٪) بوده و واردات کالا از رشدی معادل (۴/۶٪) برخوردار است، و نسبت صادرات صنعتی به کل صادرات غیر نفتی معادل (۶۰٪) خواهد بود و تفاوت نرخ رشد صادرات کالاهای غیر نفتی و تولید ناخالص داخلی از (۱/۷٪) به (۳/۱٪) می‌رسد.

جدول شماره ۱- چگونگی کلیات تحول ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی ایران در افق چشم‌انداز

عناوین	ویژگی‌های نامناسب وضعیت موجود ایران	ویژگی‌های وضعیت مطلوب
۱- ویژگی‌های اقتصادی		
ساختار بازارها	ایستا و غیر قابل انعطاف همراه با قیمت‌گذاری اداری متغیرهای کلیدی اقتصاد	پویا و انعطاف‌پذیر
فضا و عرصه رقابت	ملی (ناکارآمد، انحصاری، حمایتی و تحت تأثیر فضای سیاسی)	ملی، جهانی و منطقه‌ای
ساختار سازمانی	دیوان‌سالاری اداری	شبکه‌ای، الکترونیکی
بافت اقتصادی تولید	سنتی، تجاری و متکی به منابع طبیعی	صنعتی و خدماتی متکی به دانایی
منبع ارزش اقتصادی	نفت، مواد خام و سرمایه فیزیکی	سرمایه‌های انسانی و اجتماعی
۲- ویژگی‌های کسب و کار		
ویژگی تولید	تولید کمتر از ظرفیت با کیفیت پایین با جهت‌گیری بازار داخلی	تولید محصول قابل انعطاف با سلیقه مشتری و تقاضای بازار و با کیفیت و استفاده بهینه از ظرفیتهای موجود با رویکرد جهانی
محركهای کلیدی رشد	سرمایه فیزیکی، نیروی کار، نفت و انرژی	سرمایه، فناوری و دانایی
محركهای کلیدی فناوری	مکانیزه کردن	فناوری اطلاعات و ارتباطات
منبع مزیت رقابتی	یارانه دولتی و ارزانی عوامل تولید	نوآوری، ابداع، کیفیت و سرعت در مدیریت زنجیره عرضه
اهمیت تحقیق و نوآوری	بسیار کم	متوسط و زیاد
روابط بنگاهی	ضعیف، متمرکز و منفرد	تشریک مساعی و دریافت خدمات از بیرون بنگاه
۳- ویژگی‌های مصرف‌کنندگان		
سلیقه‌ها	ایستا و با تغییر اندک	سریعاً در حال تغییر
مهارت‌ها	مهارت‌های خاص شغلی	دامنه وسیعی از مهارت‌ها با قابلیت انطباق بالا
نیازهای آموزشی	مهارت شغلی و مدرک تحصیلی	تحصیل و یادگیری در طول زندگی
روابط محل کار	اداری و ناهماهنگ	تشریک مساعی و کارگروهی
ماهیت اشتغال	ایستا و بدون خطرپذیری	همراه با مخاطره و فرصت

۴- ویژگی‌های دولت		
حمایت از فرصت‌های رشد	تحمیل مقررات با کنترل و نظارت نامناسب و توزیع نادرست رانت	رابطه دولت با صاحبان کسب و کار
انعطاف‌پذیر، توأم با ایجاد فضای رقابت‌پذیری	دستوری، همراه با کنترل و نظارت نامناسب و در نوسان	ماهیت قوانین و مقررات
هدفمند و توانمندساز	یارانه‌ای بدون هدف	خدمات دولتی
خلاقیت و کارآفرینی	بوروکرات	نقش مدیران
تأکید بر ستاده‌ها (هدفها و نتایج)	تأکید بر داده‌ها و فرایندها (بودجه و کنترل در قوانین و مقررات)	تأکید سیستمی
مدت‌دار و بر اساس شایستگی	مادام‌العمر	شیوه استخدامی
حداقل مداخله و حداکثر نقش بازار، توأم با هدایت و حداکثر حضور در قلمرو تولید کالاهای عمومی	حداکثر مداخله و حداقل نقش بازار	نقش دولت و میزان مداخله آن
سلسله مراتبی و پاسخگو	بوروکراتیک و غیر پاسخگو	نوع پاسخگویی
۵- ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی		
شایسته‌گرایی	همراه با تجمل‌گرایی، ظاهرسازی، عوام‌گرایی و رابطه‌گرایی	نظام ارزشها
حضور همه جانبه و مؤثر در سطح جهانی	درون‌گرا	ارتباطات
آینده‌نگر با پذیرش الگوهای نوین بومی شده	درب‌گیرنده گذشته‌گرایی با تکیه بر الگوهای سنتی	تغییرپذیری
امیدوار، با نشاط و تلاشگر برای ساختن آینده‌ای روشن	همراه با بی‌اعتمادی نسبت به آینده و بی‌تحریکی	رویکردهای فردی
توجه به خلاقیت و پرورش استعدادها برای یافتن مشکلات و حل آنها با بهره‌گیری از تفکر و اندیشه	تقویت محفوظات و دور کردن افراد از پرسشگری و پژوهش	آموزشی
در اولویت قراردادن منافع سازمان و جامعه	همراه با توجه به منافع فردی و بی‌توجهی به منافع سازمان و جامعه	منافع مادی
پشتکار و مسئولیت‌پذیری توأم با وجدان کار بالا	درب‌گیرنده وجدان ضعیف کار	فرهنگ کار

جدول شماره ۲- چشم‌انداز آینده شاخصهای کلان اقتصادی (گزینه ادامه روند موجود)

شرح	به قیمت‌های ثابت ۱۳۶۱		رشد متوسط سالانه (درصد)	به قیمت‌های ثابت ۱۳۸۱			رشد متوسط سالانه (درصد)
	۱۳۷۰	۱۳۸۰		۱۳۸۱	۱۳۸۴	۱۳۹۴	
	میلیارد ریال						
سرمایه گذاری، رشد و ساختار تولید ملی							
تولید ناخالص داخلی	۱۳۲۶۴/۱	۱۹۴۷۰/۶	۳/۹	۸۹۳۴۹۵/۷	۱۱۰۵۳۰۳/۵	۱۶۲۰۴۵۵/۲	۳/۹
تولید ناخالص داخلی سرانه (هزار ریال)	۲۳۷/۶	۳۰۱/۵	۲/۴	۱۳۶۰۸/۵	۱۶۱۱۵/۱	۲۰۷۲۸/۸	۲/۵
- کشاورزی	۳۱۲۰/۲	۴۲۱۵/۹	۳/۱	۱۰۵۰۲۷/۶	۱۲۱۹۳۷/۰	۱۶۵۴۷۱/۲	۳/۱
- نفت	۲۵۱۶/۷	۲۳۲۰/۹	-۰/۸	۱۶۶۵۱۶/۷	۱۸۸۱۴۶/۱	۱۸۸۱۴۶/۱	۰/۰
- صنایع و معادن	۲۸۰/۲۰	۴۸۷۶/۷	۵/۷	۱۷۳۰۵۷/۲	۲۲۳۴۹۷/۲	۳۹۵۸۵۳/۹	۵/۷
- (صنعت)	(۱۹۴۰/۰)	(۳۱۶۷/۶)	۵/۰	(۱۲۰۵۳۳/۹)	(۱۵۸۳۹۰/۲)	(۲۵۸۰۰۰/۹)	۵/۰
- خدمات	۴۸۵/۲	۸۰۵۷/۱	۵/۳	۴۴۸۸۹۴/۲	۵۶۷۸۳۳/۲	۸۷۰۹۸۴/۰	۴/۴
سرمایه گذاری	۱۹۴۲/۹	۲۹۶۹/۵	۴/۳	۲۳۹۰۳۱/۶	۳۳۱۵۹۱/۱	۴۸۶۱۳۶/۶	۳/۹
جمعیت و نیروی انسانی							
جمعیت (هزار نفر)	۵۵۸۳۷/۰	۶۶۵۸۴/۰	۱/۵	۶۵۶۵۷/۰	۶۸۵۸۸/۰	۷۸۱۷۴/۰	۱/۳
جمعیت ۱۰ ساله به بالا (هزار نفر)	۳۸۶۵۵/۰	۵۲۴۱۳/۰	۳/۱	۵۳۴۷۹/۰	۵۶۱۲۰/۰	۶۵۰۰۹/۰	۱/۵
عرضه نیروی کار (هزار نفر)	۱۴۷۳۶/۷	۱۹۴۹۳/۰	۲/۸	۲۰۱۷۳/۰	۲۲۶۰۵/۰	۳۰۰۲۷/۰	۲/۹
نرخ مشارکت (درصد)	۳۸/۱	۳۶/۵	-۰/۴	۳۷/۷	۴۰/۳	۴۶/۲	۱/۴
بهره وری نیروی کار (هزار ریال)	۱۰۱۲/۸	۱۱۵۲/۰	۱/۳	۵۰۷۹۲/۸	۵۶۲۳۵/۲	۶۵۴۲۰/۱	۱/۵
تقاضای نیروی کار (هزار نفر)	۱۳۰۹۶/۶	۱۶۹۰۱/۰	۲/۶	۱۷۵۹۱/۰	۱۹۶۵۵/۰	۲۴۷۷۰/۰	۲/۳
جمعیت بیکار (هزار نفر)	۱۶۴۰/۱	۲۵۹۲/۰	۴/۷	۲۵۸۲/۰	۲۹۵۰/۰	۵۲۵۷/۰	۵/۹
نرخ بیکاری (درصد)	۱۱/۱	۱۳/۳	۱/۸	۱۲/۸	۱۳/۱	۱۷/۵	
بخش خارجی							
صادرات کالا (میلیون دلار)	۱۸۶۶۱/۰	۲۳۹۰۴/۰	۲/۵	۲۸۱۸۶/۰	۲۱۳۳۴/۰	۲۳۳۲۰/۰	۰/۹
صادرات کالاهای غیر نفتی (میلیون دلار)	۲۶۴۹/۰	۴۵۶۵/۰	۵/۶	۵۳۷۹/۰	۶۳۳۴/۰	۱۰۹۲۰/۰	۵/۶
صادرات صنعتی (میلیون دلار)	۶۶۰/۰	۲۲۸۲/۶	۱۳/۲	۲۶۱۹/۷	۳۰۸۵/۰	۵۳۲۰/۰	۵/۶
واردات کالا (میلیون دلار)	۲۵۱۹۰/۰	۱۸۱۲۹/۰	-۳/۲	۲۳۷۸۶/۰	۲۹۴۳۷/۰	۴۳۱۶۰/۰	۳/۹
تراز تجاری (میلیون دلار)	-۶۵۲۹/۰	۵۷۷۵/۰	-	۴۴۰۰/۰	-۸۱۰۳/۰	-۱۹۸۴/۰	-
سرمایه گذاری خارجی (میلیون دلار)	۰/۰	۶۲۰/۹	-	۶۲۰/۹	۷۶۸/۱	۱۱۲۶/۵	۳/۹
شاخص هم پیوندی با اقتصاد جهانی			۱/۷				۱/۷
نقدینگی و تورم*							
نقدینگی	۲۸۶۲۸/۴	۳۲۰۹۵۷/۳	۲۷/۳	۴۱۷۵۲۴/۰	۸۳۰۰۵۳/۱	۹۲۷۶۶۲۳/۱	۲۷/۳
نرخ تورم (درصد)	۲۰/۷	۱۱/۴	-	۱۵/۸			۲۲/۰

۱۳۸۲/۵/۴

* اطلاعات این بخش به قیمت‌های جاری می باشد

جدول شماره ۳- چشم‌انداز آینده شاخصهای کلان اقتصادی (گزینه مطلوب ۱) رشد سریع با رویکرد جهانی

رشد متوسط سالانه (درصد)	به قیمت‌های ثابت ۱۳۸۱			رشد متوسط سالانه (درصد)	به قیمت‌های ثابت ۱۳۶۱		شرح	
	۱۳۸۴-۹۴	۱۳۸۴	۱۳۸۱		۱۳۷۰-۸۰	۱۳۸۰		۱۳۷۰
						۱۳۸۰		۱۳۷۰
							سرمایه گذاری، رشد و ساختار تولید ملی	
۸/۶	۲۵۲۲۰/۱۶	۱۱۰۵۳۰۲/۵	۸۹۳۴۹۵/۷	۳/۹	۱۹۴۷۰/۶	۱۳۲۶۴/۱	تولید ناخالص داخلی	
۷/۲	۳۲۲۶۲/۹	۱۶۱۱۵/۱	۱۳۶۰۸/۵	۲/۴	۳۰۱/۵	۲۳۷/۶	تولید ناخالص داخلی سرانه (هزار ریال)	
۴/۹	۱۹۶۷۳۹/۰	۱۲۱۹۳۷/۰	۱۰۵۰۲۷/۶	۳/۱	۴۲۱۵/۹	۳۱۲۰/۲	- کشاورزی	
۲/۱	۳۳۱۶۰۷/۵	۱۸۸۱۴۶/۱	۱۶۶۵۱۶/۷	-۰/۸	۳۳۲۰/۹	۲۵۱۶/۷	- نفت	
۱۱/۶	۶۸۱۴۳۹/۰	۲۲۷۳۹۷/۲	۱۷۳۰۵۷/۲	۵/۷	۴۸۷۶/۷	۲۸۰۲/۰	- صنایع و معادن	
۱۴/۰	(۵۸۷۱۸۷/۵)	(۱۵۸۳۹۰/۳)	(۱۲۰۵۳۳/۹)	۵/۰	(۳۱۶۷/۶)	(۱۹۴۰/۰)	- (صنعت)	
۹/۵	۱۴۱۲۴۱۶/۱	۵۶۷۸۳۳/۲	۴۴۸۸۹۴/۲	۵/۳	۸۰۵۷/۱	۴۸۲۵/۲	- خدمات	
۱۰/۹	۹۲۳۲۱۴/۶	۳۳۱۵۹۱/۱	۲۳۹۰۳۱/۶	۴/۳	۲۹۶۹/۵	۱۹۴۲/۹	سرمایه گذاری	
							جمعیت و نیروی انسانی	
۱/۳	۷۸۱۷۴/۰	۶۸۵۸۸/۰	۶۵۶۵۷/۰	۱/۵	۶۴۵۸۴/۰	۵۵۸۳۷/۰	جمعیت (هزار نفر)	
۱/۵	۶۵۰۰۹/۰	۵۶۱۲۰/۰	۵۳۴۷۹/۰	۳/۱	۵۲۴۱۳/۰	۳۸۶۵۵/۰	جمعیت ۱۰ ساله به بالا (هزار نفر)	
۳/۳	۳۱۲۰۴/۰	۲۲۶۰۵/۰	۲۰۱۷۲/۰	۲/۸	۱۹۴۹۳/۰	۱۴۷۲۶/۷	عرضه نیروی کار (هزار نفر)	
۱/۸	۴۸/۰	۴۰/۳	۳۷/۷	-۰/۴	۳۶/۵	۳۸/۱	نرخ مشارکت (درصد)	
۴/۴	۸۶۹۱۳/۴	۵۶۳۳۵/۲	۵۰۷۹۲/۸	۱/۳	۱۱۵۲/۰	۱۰۱۲/۸	بهره وری نیروی کار (هزار ریال)	
۴/۰	۲۹۰۱۹/۷	۱۹۶۵۵/۰	۱۷۵۹۱/۰	۲/۶	۱۶۹۰/۱۰	۱۳۰۹۶/۶	تقاضای نیروی کار (هزار نفر)	
-۳/۰	۲۱۸۴/۳	۲۹۵۰/۰	۲۵۸۲/۰	۴/۷	۲۵۹۲/۰	۱۶۴۰/۱	جمعیت بیکار (هزار نفر)	
	۷/۰	۱۳/۱	۱۲/۸	۱/۸	۱۳/۳	۱۱/۱	نرخ بیکاری (درصد)	
							بخش خارجی	
۷/۹	۴۷۵۲۷/۵	۲۲۲۵۱/۰	۲۸۱۸۶/۰	۲/۵	۲۳۹۰۴/۰	۱۸۶۶۱/۰	صادرات کالا (میلیون دلار)	
۱۵/۸	۳۱۵۲۷/۵	۷۲۵۱/۰	۵۳۷۹/۰	۵/۶	۴۵۶۵/۰	۲۶۴۹/۰	صادرات کالاهای غیر نفتی (میلیون دلار)	
۲۰/۹	۲۴۶۴۵/۶	۳۵۳۱/۲	۲۶۱۹/۷	۱۳/۲	۲۲۸۲/۶	۶۶۰/۰	صادرات صنعتی (میلیون دلار)	
۷/۹	۴۷۵۲۷/۵	۲۲۲۵۱/۰	۲۳۷۸۶/۰	-۳/۲	۱۸۱۲۹/۰	۲۵۱۹۰/۰	واردات کالا (میلیون دلار)	
-	۰/۰	۰/۰	۴۴۰/۰	-	۵۷۷۵/۰	-۶۵۲۹/۰	تراز تجاری (میلیون دلار)	
۲۳/۴	۶۳۰۵/۵	۷۶۸/۱	۶۲۰/۹	-	۶۲۰/۹	۰/۰	سرمایه گذاری خارجی (میلیون دلار)	
۷/۲				۱/۷			شاخص هم پیوندی با اقتصاد جهانی	
							نقدینگی و تورم*	
۱۶/۰	۳۶۶۱۷۲۵/۴	۸۳۰۰۵۴/۱	۴۱۷۵۲۴/۰	۲۷/۳	۳۲۰۹۵۷/۳	۲۸۶۲۸/۴	نقدینگی	
۵/۰			۱۵/۸	-	۱۱/۴	۲۰/۷	نرخ تورم (درصد)	

۱۳۸۲/۵/۴

* اطلاعات این بخش به قیمت‌های جاری می باشد

جدول شماره ۴- چشم‌انداز آینده شاخصهای کلان اقتصادی (گزیننه مطلوب ۲) رشد معتدل با رویکرد جهانی

میلیارد ریال							
رشد متوسط سالانه (درصد)	به قیمت‌های ثابت ۱۳۸۱			رشد متوسط سالانه (درصد)	به قیمت‌های ثابت ۱۳۶۱		شرح
	۱۳۹۴	۱۳۸۴	۱۳۸۱		۱۳۷۰-۸۰	۱۳۸۰	
							سرمایه گذاری، رشد و ساختار تولید ملی
۷/۰	۲۱۷۴۲۹۹/۳	۱۱۰۵۳۰۳/۵	۸۹۳۴۹۵/۷	۳/۹	۱۹۴۷۰/۶	۱۳۲۶۴/۱	تولید ناخالص داخلی
۵/۶	۲۷۸۱۳/۶	۱۶۱۱۵/۱	۱۳۶۰۸/۵	۲/۴	۳۰۱/۵	۲۳۷/۶	تولید ناخالص داخلی سرانه (هزار ریال)
۴/۹	۱۹۶۷۳۹۰	۱۲۱۹۳۷۰	۱۰۵۰۲۷/۶	۳/۱	۴۲۱۵/۹	۳۱۲۰/۲	- کشاورزی
۲/۱	۲۳۱۶۰۷/۵	۱۸۸۱۴۶/۱	۱۶۶۵۱۶/۷	-۰/۸	۲۳۲۰/۹	۲۵۱۶/۷	- نفت
۱۰/۷	۶۲۸۹۵۸/۶	۲۲۳۳۹۷/۳	۱۷۳۰۵۷/۳	۵/۷	۴۸۷۶/۷	۲۸۰۲/۰	- صنایع و معادن
۱۲/۰	(۴۹۱۹۳۵/۹)	(۱۵۸۳۹۰/۳)	(۱۲۰۵۳۳/۹)	۵/۰	(۳۱۶۷/۶)	(۱۹۴۰/۰)	- (صنعت)
۷/۰	۱۱۱۶۹۹۴/۲	۵۶۷۸۲۳/۲	۴۴۸۸۹۴/۳	۵/۳	۸۰۵۷/۱	۴۸۲۵/۲	- خدمات
۹/۳	۸۰۴۴۹۰/۷	۳۳۱۵۹۱/۱	۲۳۹۰۳۱/۶	۴/۳	۲۹۶۹/۵	۱۹۴۲/۹	سرمایه گذاری
							جمعیت و نیروی انسانی
۱/۳	۷۸۱۷۴/۰	۶۸۵۸۸/۰	۶۵۶۵۷/۰	۱/۵	۶۴۵۸۴/۰	۵۵۸۳۷/۰	جمعیت (هزار نفر)
۱/۵	۶۵۰۰۹/۰	۵۶۲۰/۰	۵۳۴۷۹/۰	۳/۱	۵۲۴۱۳/۰	۳۸۶۵۵/۰	جمعیت ۱۰ ساله به بالا (هزار نفر)
۳/۳	۳۱۲۰۴/۳	۲۲۶۰۵/۰	۲۰۱۷۳/۰	۲/۸	۱۹۴۹۳/۰	۱۴۷۳۶/۷	عرضه نیروی کار (هزار نفر)
۱/۸	۴۸/۰	۴۰/۳	۳۷/۷	-۰/۴	۳۶/۵	۳۸/۱	نرخ مشارکت (درصد)
۳/۵	۷۹۲۹۱/۷	۵۶۲۳۵/۲	۵۰۷۹۲/۸	۱/۳	۱۱۵۲/۰	۱۰۱۲/۸	بهره وری نیروی کار (هزار ریال)
۳/۴	۲۷۴۲۱/۵	۱۹۶۵۵/۰	۱۷۵۹۱/۰	۲/۶	۱۶۹۰۱/۰	۱۳۰۹۶/۶	تقاضای نیروی کار (هزار نفر)
۲/۵	۳۷۸۲/۸	۲۹۵۰/۰	۲۵۸۲/۰	۴/۷	۲۵۹۲/۰	۱۶۴۰/۱	جمعیت بیکار (هزار نفر)
	۱۲/۱	۱۳/۱	۱۲/۸	۱/۸	۱۳/۳	۱۱/۱	نرخ بیکاری (درصد)
							بخش خارجی
۴/۶	۳۵۰۲۵/۱	۲۲۲۵۱/۰	۲۸۱۸۶/۰	۲/۵	۲۳۹۰۴/۰	۱۸۶۶۱/۰	صادرات کالا (میلیون دلار)
۱۰/۱	۱۹۰۲۵/۱	۷۲۵۱/۰	۵۳۷۹/۰	۵/۶	۴۵۶۵/۰	۲۶۴۹/۰	صادرات کالاهای غیر نفتی (میلیون دلار)
۱۲/۴	۱۱۴۱۵/۱	۳۵۳۱/۲	۲۶۱۹/۷	۱۳/۲	۲۲۸۲/۶	۶۶۰/۰	صادرات صنعتی (میلیون دلار)
۴/۶	۳۵۰۲۵/۱	۲۲۲۵۱/۰	۲۳۷۸۶/۰	-۳/۲	۱۸۱۲۹/۰	۲۵۱۹۰/۰	واردات کالا (میلیون دلار)
-	۰/۰	۰/۰	۴۴۰۰/۰	-	۵۷۷۵/۰	-۶۵۲۹/۰	تراز تجاری (میلیون دلار)
۱۳/۵	۲۷۱۷/۹	۷۶۸/۱	۶۲۰/۹	-	۶۲۰/۹	۰/۰	سرمایه گذاری خارجی (میلیون دلار)
۳/۱				۱/۷			شاخص هم پیوندی با اقتصاد جهانی
							نقدینگی و تورم*
۱۷/۰	۳۹۸۹۹۲۲/۸	۸۳۰۰۵۳/۱	۴۱۷۵۲۴/۰	۲۷/۳	۳۲۰۹۵۷/۳	۲۸۶۲۸/۴	نقدینگی
۸/۰			۱۵/۸	-	۱۱/۴	۲۰/۷	نرخ تورم (درصد)

۱۳۸۲/۵/۴

* اطلاعات این بخش به قیمت‌های جاری می باشد

◀ فصل دوم: محورهای اساسی، هدفها و سیاستهای کلی، الزامها و راهبردها

◀ ۱- محورهای اساسی و دیدمان چشم‌انداز

تجربیات دو دهه آخر قرن بیستم نشانگر تحول اساسی در مفهوم توسعه بود، که چگونگی آن در الگوی توسعه پایدار تجلی یافته است. در دو دهه مزبور و در آغاز قرن بیستم، در عین تشدید رقابتهای گسترش بازارها، رواج فناوری‌های برتر، و ایجاد ساختارهای جدید مدیریتی مبتنی بر تشخیص چالشها و بهره‌گیری از فرصتها در سطح بین‌المللی، روندهای پیوستگیها در سطوح منطقه‌ای و جهانی جایگاه خاص یافته‌اند.

در دیدگاه الگوی توسعه پایدار، پیوستگی ابعاد اقتصادی، اجتماعی سیاسی و محیط زیستی، در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی در حال گسترش است. با چنین واقعیهایی، جهت‌گیریهای توسعه‌ای ملی می‌بایست کل‌نگر، همه‌سونگر، برون‌نگر (منطقه‌ای و جهانی) و آینده‌نگر باشد.

ایران، با قرار گرفتن در منطقه‌ای حساس و استراتژیک در جهان، و برخورداری از منابع طبیعی و انسانی سرشار، در چشم‌انداز آینده خود در معرض انتخابها و گزینه‌های مختلفی قرار دارد که هر یک از آنها طبعاً چالش متفاوتی را دربر دارد.

بهره‌برداری از فرصتها و مقابله با تهدیدهای احتمالی موجود در این چالشها متضمن الزامها و اتخاذ راهبردهایی است که بتواند اقتصاد و جامعه ایران را در مسیری هموار و در راستای تحقق اهداف آرمانی کشور در افق چشم‌انداز با تکیه بر محورهای اساسی زیر به پیش براند. این محورها در واقع چالشهای پیش روی کشور هستند، که اگر به نحو مطلوب به آنها پرداخته نشود در آینده به تهدیدهای اساسی در تمامی زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مبدل خواهند شد.

۱- رشد مستمر و پایدار

۲- توسعه مبتنی بر دانایی

۳- تعامل فعال با اقتصاد جهانی

۴- رقابت‌پذیری اقتصاد

- ۵- امنیت انسانی و عدالت اجتماعی
 - ۶- امنیت ملی
 - ۷- ارتقای کیفیت سطح زندگی
 - ۸- محیط زیست و توسعه پایدار
 - ۹- توسعه فرهنگی
 - ۱۰- توسعه مدیریت دولت **Governance**
 - ۱۱- امنیت و توسعه قضایی
 - ۱۲- تعادل و توازن منطقه‌ای کشور بر اساس موازین آمایش سرزمین
- با ملاحظه محورهای اساسی فوق در پی‌ریزی ساختارها و کارکردهای مختلف اقتصادی، اجتماعی کشور، می‌توان برآیند و کارکردهای توسعه‌ای از جامعه انتظار داشت، که دیدمان چشم‌انداز بلندمدت ایران در افق ۱۴۰۴، «توسعه پایدار ملی با رویکرد جهانی» نامگذاری شود.

۲- هدفها و سیاستهای کلی

هدفها و سیاستهای کلی چشم‌انداز بلندمدت جمهوری اسلامی ایران مضامینی هستند که از یک‌طرف تکیه بر محورهای اساسی یاد شده دارند و از سوی دیگر پدید آورنده الزامها و راهبردهای معطوف به بهره‌برداری مطلوب از فرصتهای پیش روی کشور به شمار می‌روند. به بیان دیگر، هدفها و سیاستهای کلی حلقه مفصلی و هم‌پیوندی پسین و پیشین فرایند برنامه‌ریزی (محورهای اساسی با الزامها و راهبردها) هستند. این هدفها و سیاستها عبارتند از:

- ۲-۱- استقرار رشد پیوسته و پایدار توأم با ثبات
- ۲-۲- تبدیل اقتصاد ایستا و غیر قابل انعطاف کنونی، به اقتصادی پویا و انعطاف‌پذیر
- ۲-۳- ایجاد شرایط مناسب برای افزایش بهره‌وری و تحقق رقابت‌پذیری در عرصه‌های اقتصاد کشور
- ۲-۴- زمینه‌سازی برای گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و تقویت پیوند دو سویه خردمندان، بالنده و متقارن با اقتصاد جهانی
- ۲-۵- فرایندسازی تبدیل عرصه‌های کشاورزی، صنعت و خدمات اقتصاد مبتنی بر منابع طبیعی، به اقتصادی متنوع، متکی به دانش و دانایی، سرمایه انسانی و فناوری‌های نوین
- ۲-۶- ایجاد فضای مناسب برای رشد فعالیتهای نوآورانه و ظرفیتهای فنی و کارآفرینی
- ۲-۷- تأمین حقوق مدنی و دسترسی به فرصتهای برابر، برای افراد جامعه و احترام به نهادینه شدن حقوق معنوی افراد
- ۲-۸- پرورش انسان دین‌باور، آگاه، انعطاف‌پذیر و ماهر، با قابلیت‌های مشارکت و فعالیت در فضای نوین رقابتی و نوآوری در حال تغییر
- ۲-۹- فرایندسازی تبدیل دولتی متکی به منابع نفت، تمرکزگرا با سامان غیر کارآمد، به دولتی خردمند، آینده‌نگر، توانمندساز، شفاف و پاسخگو
- ۲-۱۰- ایجاد شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناسب در راستای ارتقای کیفیت زندگی، رفع فقر و حمایت از گروههای آسیب‌پذیر و تحقق عدالت اجتماعی
- ۲-۱۱- ارتقای نقش و جایگاه زنان در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور

۱۲-۲- مشارکت همه جانبه سرمایه انسانی عظیم کشور از جمله جوانان و متخصصین داخل و خارج در توسعه کشور

۱۳-۲- پی‌ریزی سامان کارآمد ساختار سیاسی و محیط حقوقی متناسب با رشد و توسعه پایدار کشور

۱۴-۲- پایدارسازی فرایند توسعه با تکیه بر حفاظت از محیط زیست و بهره‌برداری عقلانی از منابع

۱۵-۲- تقویت شرایط امنیت و اقتدار ملی با تکیه بر رشد اقتصادی، مشارکت سیاسی، تمرکززدایی و تعادل منطقه‌ای

۳- الزامها و راهبردها

الزامها و راهبردها، مضامینی در جهت بهره‌برداری مطلوب از فرصتهای پیش روی کشور برای نیل به هدفها و سیاستهای کلی چشم‌انداز بلندمدت جمهوری اسلامی ایران هستند که منبعث از محورهای اساسی و سیاستهای کلی می‌باشند. این مضامین بر حسب محورهای اساسی عبارتند از:

۱-۳- رشد مستمر و پایدار

- ایجاد شرایط و فضای مناسب برای امنیت سرمایه و گسترش سرمایه‌گذاری و تولید از طریق:
- تضمین حقوق مالکیت خصوصی (مادی و معنوی)
- برقراری ثبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی
- سامان کارآمد قوانین، مقررات و نهادسازی و ایجاد ثبات نسبی در آن
- سامان کارآمد بازار کار و حقوق مربوط به آن، از جمله قوانین کار و تأمین اجتماعی
- تضمین جریان آزاد اطلاعات و نهادینه شدن آن و ایجاد شرایط رقابت
- گسترش و تعمیق کارآمد بازار سرمایه، بازار پول و ارز با رقابتی کردن نظام بانکی و کارکردهای آن
- و برقراری انضباط مالی و بودجه‌ای همراه با توسعه نهادها و ابزارهای آن

ارتقای کیفیت مدیریت اقتصادی از طریق:

- اصلاح نهادهای عمومی با تکیه بر شفافیت، حساب‌دهی و پاسخگویی در تصمیم‌گیری‌ها
- اعمال مدیریت و تخصیص کارآمد منابع و کاهش اتلاف و ضایعات
- گسترش فرایند تمرکززدایی و ایجاد تعادلهای منطقه‌ای در راستای توازن بخشیدن به جریان توسعه اقتصادی، اجتماعی کشور

۳-۲- توسعه مبتنی بر دانایی

استقرار انباشت سرمایه انسانی کارآمد، خلاقیت و کارآفرینی و نوآوری، توسعه (کاربرد) فناوری اطلاعات و ارتباطات و بسط کار و فعالیت ملی از طریق:

- ایجاد شرایط مناسب برای نهادینه کردن رویکردهای علمی، پذیرش تحول و نوآوری و خلاقیت، جهت باروری بیشتر سرمایه انسانی
- ارتقای مستمر سطح دانش و فناوری و کاستن از شکاف سطح آن با سطح جهانی
- بازآفرینی کلیه فرایندهای اداری - اجرایی و خدمات کشور با استفاده از فناوری اطلاعات، به‌منظور برپایی نظام پویای اقتصادی - اجتماعی و ارائه‌ی خدمات به هنگام شهروندان
- ایجاد نظام کارآمد اختراع، ابتکار، نوآوری، خلاقیت و کارآفرینی
- برپایی نظام اقتصادی، اجتماعی پویا به منظور بسط انگیزه‌ها و باورها جهت توسعه سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی و اقتصاد دانایی محور
- ایجاد شرایط مناسب برای باروری سرمایه‌های انسانی و شکل‌دهی سرمایه اجتماعی کارآمدتر برای کشور
- برپایی نظام پویای تولید و توزیع اطلاعات و ارتقای فناوری جهت کارآمد کردن ارتباطات، تعاملات و شبکه‌ای شدن قلمروها و نهادینه شدن جریان آزاد اطلاعات
- برپایی نظام آموزش و تحقیق کارآمد با تکیه بر خلاقیت، نوآوری مورد نیاز اقتصاد دانایی و در تعامل همه جانبه با دانش و فناوری جهانی

- ایجاد نظام نهادی و انگیزشی مناسب با استقرار حقوق مالکیت معنوی، در جهت شکل‌گیری بازار دانایی و تقویت مبادلات علمی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی
- بسط و توسعه فناوری‌های نوین و بهره‌وری متناسب با ظرفیتها و عرضه نیروی کار در جهت اشتغال‌زایی و مقابله با بحران بیکاری
- ایجاد هم‌پیوندی و تعامل علمی و فناوری بین بخشهای مختلف اقتصادی کشور

۳-۳- تعامل فعال با اقتصاد جهانی

اتخاذ سیاستهای مربوط به برقراری کارآمد شرایط آزادی تجارت خارجی و گسترش سرمایه‌گذاری خارجی از طریق:

- پی‌ریزی ساختار مناسب برای تعامل خلاق، مشارکت خردمندان و مؤثر در فرایندهای جهانی شدن
- رفع موانع غیر تعرفه‌ای و برقراری نظام تعرفه‌ای مناسب در چارچوب هماهنگ با نظامهای تعرفه‌ای جهان

- سامان کارآمد امور تولید، سازمان و فناوری کشور جهت پیوستن به سازمان تجارت جهانی و کسب درجه بالاتر در تأثیرگذاری بر فرایند نظم جهانی

- ایجاد تسهیلات اداری، گمرکی و قضایی برای روانسازی جریان تجارت و توسعه صادرات غیر نفتی
- ایجاد زیربناهای کالبدی و غیر کالبدی معطوف به توسعه تجارت، از جمله ایجاد و توسعه زیربناهای حمل و نقل و ارتباطات، پیوستن به کنوانسیونهای بین‌المللی، ایجاد پایگاههای مناسب برای ارائه خدمات تجارت بین‌المللی، ایجاد و توسعه سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای لازم برای تجارت الکترونیکی
- نهادسازی کارآمد امور مرتبط با قانون سرمایه‌گذاری خارجی در جهت توسعه سرمایه‌گذاری خارجی در چارچوب اهداف توسعه ملی

- توسعه سکوهای صادراتی و مناطق آزاد ویژه اقتصادی، از طریق تعریف جدید منابع درآمدی سازمانهای مناطق آزاد، و تمرکز کارکردهای این مناطق بر حوزه‌های هم‌پیوندی اقتصاد ایران با اقتصاد جهانی، و احتراز از رویکردهای توسعه منطقه‌ای، و منظومه‌ای کردن توسعه این مناطق با توسعه ملی

- اصلاح و تغییر قوانین، مقررات، استانداردها و رویه‌ها در بنگاهها و سازمانها و مؤسسه‌های عمومی و خصوصی برای سازگاری آنها با ضوابط و قواعد و هنجارهای پذیرفته شده بین‌المللی، جهت کارآمد کردن امور
- بسط و گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی با پی‌ریزی مناسبات سیاسی نوین و کارآمد با خارج متکی بر اصل تنش‌زدایی در روابط بین‌المللی
- گسترش و تجهیز دالانهای ارتباطی با عملکرد فرا ملی، و مراکز جمعیت مستقر در آن برای استفاده از مزیت‌های موقعیت جغرافیایی، ژئوپلتیکی و قابلیت‌های ترانزیتی کشور
- شناسایی و بهره‌برداری از مراکز جمعیتی، با امکان عملکردهای فرا ملی و بین‌المللی برای هم‌افزایی و تقویت نقش منطقه‌ای کشور
- شناسایی و آماده‌سازی مسیرهای انتقال انرژی دریای خزر و نواحی شرقی آن تا پایانه‌های خروجی در غرب، جنوب و شرق کشور

۳-۴- رقابت‌پذیری اقتصاد

- اتخاذ خط مشیها و راهبردهای مناسب در جهت ارتقای رقابت‌پذیری در سطح ملی و بنگاهها از طریق:
- ایجاد و توسعه زیربنای مدرن از جمله گسترش شالوده‌های ارتباطی، مخابراتی، انفورماتیک و نظایر آن
 - نوسازی صنعتی در راستای ساختار فناوری، مدیریتی، مالی و مهارتی بنگاهها
 - جایگیری در حوزه‌های برتر و بالنده در تقسیم کار بین‌المللی
 - ایجاد زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری آرایشهای مناسب بنگاهی در سطح استانداردهای بین‌المللی
 - ایجاد سازوکارها و زمینه‌های مناسب برای برقراری و همگرایی عوامل مؤثر در ارتقای بهره‌وری و نوآوری در منظومه دانشگاه و صنعت و دولت در سطح ملی و بین‌المللی
 - مشارکت در زنجیره‌های تولید و تجارت بین‌المللی در راستای ارتقای فناوری و گسترش بازار

- توسعه آموزش در کلیه سطوح به ویژه در مقطع دانشگاهی، در رشته‌های علوم و مهندسی و همچنین ارتقای مهارتها از طریق توسعه نظام آموزش نیروی کار
- ایجاد رابطه منطقی بین دستمزدها و بهره‌وری
- استقرار نظام مالی ارزیابی کیفیت، متناسب با استانداردهای بین‌المللی
- دگرگونی در ساختار حمایت‌های دولتی و معطوف کردن آن به ایجاد نهادهای پشتیبان در راستای ارتقای بهره‌وری و رقابت‌پذیری در سطح اقتصاد ملی و بنگاهها
- بهبود شرایط استفاده از نیروی انسانی کارآمد و دانش آموخته، با استقرار نظام شایسته‌گزینی
- افزایش کارایی و استفاده مؤثرتر از فناوری‌های موجود و توسعه و اشاعه فناوری نوین (ایجاد آمادگی روانی - سازمانی برای پذیرش فناوری‌های جدید)
- پی‌ریزی ساختار سیاسی و محیط حقوقی متناسب جهت مشارکت پایدار و نهادینه شده مردم در فرایند توسعه

۳-۵- امنیت انسانی و عدالت اجتماعی

- ایجاد زمینه‌های لازم برای ایجاد رشد و تعالی انسان ایرانی از طریق:
- آموزش و کسب مهارت و دسترسی به اطلاعات و دارایی‌های مادی و معنوی
- رفع موانع قانونی، نهادی و اجتماعی و کاستن از نابرابریها و تبعیض‌های جنسیتی در راستای مشارکت بیشتر زنان در فعالیتهای اقتصادی، سیاسی و اداری کشور
- ایجاد امنیت شغلی و درآمدی برای افراد در فضای توأم با کارایی، رقابت و برابری فرصتها
- برقراری عدالت اجتماعی بر پایه تساوی در برابر قانون و وجود فرصتهای یکسان و امکانات مساوی برای همه ایرانیان، توأم با رشد اقتصادی و توزیع کارآمد درآمد
- زمینه‌سازی برای شکل‌گیری مطلوب ابعاد هویتی، و پاسخگویی به نیازهای جوانان، متناسب با ظرفیتهای و الزامهای این دوره با تأکید بر ارتقای سرمایه انسانی و اجتماعی آنان، اوقات فراغت و جلب مشارکت اجتماعی جوانان

- زمینه‌سازی برای شکل‌گیری مطلوب ابعاد هویتی اقوام ایرانی و پاسخگویی به نیازهای آنان در قالب تقویت و استحکام انسجام ملی
- پی‌ریزی کارآمد توسعه امنیت غذایی، بهداشتی و رشد و توسعه متکی بر سلامت
- احترام به حقوق و حریم خصوصی افراد
- ایجاد امنیت فردی و مصونیت از خشونت و تجاوز و برخورد با رشد ناطمینانی در زندگی فردی و اجتماعی و پی‌ریزی امنیت لازم برای ثبات و اطمینان خاطر
- بسط ظرفیتهای ورزشی همراه با جامعیت، فراگیری و کفایت آن جهت ارتقای استعدادهای روحی، جسمی و فکری آحاد مردم به ویژه جوانان

۳-۶- امنیت ملی

برقراری امنیت ملی و سرزمینی از طریق:

- احترام به حقوق خصوصی شهروندان متضمن استقرار نهادهای دموکراتیک در حوزه سیاسی و آزادی اقتصادی
- تضمین آزادیهای قانونی فردی و اجتماعی و ایجاد زمینه مصونیت شهروندان از خشونت و تجاوز
- برقراری نظم و امنیت عمومی بر مبنای تضمین امنیت فردی و اجتماعی شهروندان
- تنش‌زدایی و ایجاد روابط مبتنی بر برابری حقوق با سایر کشورها، در چارچوب منافع ملی و حرکت برای برقراری صلح و امنیت بین‌المللی و پایدار بر مبنای نظریه گفت و گوی تمدنها
- تقویت اعتماد متقابل دولت و مردم به منظور افزایش مشروعیت سیاسی نظام
- فراهم آوردن زمینه حضور مؤثر جوانان در بسترهای مشارکت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی
- محدود کردن توسعه مراکز زیست و جلوگیری از گسترش اسکان جمعیت و استقرار فعالیت در مناطق حساس به جهات «امنیتی و دفاعی»، «حفظ محیط زیست» و «حراست از میراث فرهنگی»
- اتخاذ راهبردهای مناسب در سیاست خارجی و سازماندهی مؤثر روابط بین‌الملل از طریق:
- بسط و توسعه همکاری‌های توسعه‌ای و همزیستی فعال با جهان خارج و مقابله با انزوا، با سرلوحه قراردادن اصول: عزت، حکمت و مصلحت

- تعامل با دنیای خارج بر اساس احترام به قواعد و هنجارهای بین‌المللی، و اصل عدم مداخله در امور دیگران
- گسترش روابط منطقه‌ای و حرکت در جهت تقویت سازمانهای منطقه‌ای و اسلامی
- تأکید بر چند جانبه‌گرایی و تأکید بر نقش سازمانهای بین‌المللی
- بازرگاری و ساماندهی ساختار دستگاهها و نهادهای فعال در تجارت خارجی و فعال شدن دستگاه دیپلماسی در جهت بسط روابط اقتصادی بین‌المللی کشور
- جهت‌گیری سیاست خارجی در ارتباط با کشورهایی که موجب سرعت بخشیدن توسعه اقتصادی کشور می‌شوند.
- شناسایی فرصتها و محدودیتهای خارج از کشور توسط دستگاه دیپلماسی کشور، و معرفی آنها به بنگاههای اقتصادی داخلی و تشویق آنها برای فعالیت در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی
- فراهم کردن زمینه‌های تأثیرگذاری کارآمدتر سیاست خارجی در صحنه بین‌المللی، از طریق سامان بخشی به مناسبات داخلی

۳-۷- ارتقای کیفیت سطح زندگی

- ارتقای نقش سلامت در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور از طریق:
 - انجام سرمایه‌گذاری‌های لازم، پاسخ‌دهی به انتظارات مردم و جلب مشارکت آنان
 - گسترش آموزشهای همگانی سلامت و بهداشت
 - کاهش فقر استانی در حوزه‌های درآمدی، بهداشتی و آموزشی
 - برقراری تأمین اجتماعی در جامعه از طریق:
 - ایجاد پوشش بیمه‌ای فراگیر در راستای تضمین و تأمین معیشت پایه و کاهش آسیب‌پذیری‌های ناشی از حوادث، نوسانات و دگرگونی‌های شدید سیاسی و اقتصادی
 - توسعه نظامهای مددکاری اجتماعی و گسترش مشارکت توانمند نهادهای خودجوش مردمی
- NGOs**
- کمک به ایجاد نهادها، دستگاه‌های غیر دولتی مسئول دفاع از حقوق فردی، خانوادگی و اجتماعی فقرا و آسیب‌دیدگان اجتماعی

- کاهش تفاوت‌های ناحیه‌ای و کاهش فقر در مناطق محروم

۳-۸- محیط زیست و توسعه پایدار

برپایی نظم نوین اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کنار و در تعامل توسعه‌ای با نظم زیست‌محیطی از طریق:

- توسعه مشارکتهای مردمی در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی کشور
- حفاظت از منابع طبیعی در حوزه‌های درون مرزی و برون مرزی مشترک (خلیج فارس و دریای خزر) با تکیه بر گسترش همکاری‌های منطقه‌ای
- پیروی از قواعد، ترتیبات و مقاله‌نامه‌های بین‌المللی معطوف به حفاظت از محیط زیست، حفظ تنوع زیستی، کاهش آلاینده‌ها و عناصر آلوده کننده
- توقف فرایندهای تنشی و نهایتاً تخریبی اکولوژیکی، در راستای تأمین سلامت زیست‌بومهای آسیب دیده (در حوزه‌هایی که استقرار جمعیت و فعالیتها فراتر از تحمل ظرفیت بوده است).
- بهره‌برداری عقلایی از منابع و دارایی‌های طبیعی، با تکیه بر حفظ قدرت باززدایی اکوسیستمها و جلوگیری از تخریب منابع تجدیدناپذیر
- احیا و تکثیر زیستگاهها، گونه‌های جانوری و گیاهی و زیست‌بومها
- دگرگونی اساسی در شیوه تفکر، زندگی، تولید، مصرف و شهرنشینی جمعیت و تدوین قواعد، اصول و مبانی زیست‌محیطی و تطبیق سامان امور با آن

۳-۹- توسعه فرهنگی

- بسط توسعه‌ای باورها، تفکرات، سنتها و تلقی‌ها از طریق:
- ترویج و تعمیق فرهنگ کار، تولید و کارآفرینی
- تقویت و تعمیق فرهنگ و هویت اسلامی - ایرانی
- ایجاد زمینه‌های بالقوه و بالفعل تنوع و تکثر در زمینه‌های فرهنگی و هنری، به عنوان سرمایه‌های اصلی تولید و بازتولید اندیشه و موضوعات فرهنگی و هنری در سطح ملی و جهانی

- ایجاد زمینه‌های پذیرش تحول و نوسازی در عرصه اندیشه، و نظم‌بخشی به باورها و انجام تغییرات

- پی‌ریزی ارتباط مبتنی بر همدلی و تفاهم بین آحاد مردم

- اصلاح و نوسازی تفکرات، باورها و سنت‌های علمی

- ترویج و تضمین فرهنگ علمی جهت برپایی انسان متکی به خود و جامعه خودراهبر

- گسترش استفاده از ابزارهای نوین ارتباطی، و فهم صحیح از ماهیت رسانه‌های جدید و

فناوری‌های اطلاعاتی و به‌کارگیری کامل این ابزارها در راستای هدف‌های مورد نظر

- ارتقای بخش فرهنگی به منظور جبران عقب‌ماندگی‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، و متوازن

شدن سطح بخش فرهنگی با بخش‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی

- به‌کارگیری راهکارهای مناسب و قانونی برای بالا بردن جذابیت تولیدات فرهنگی داخلی، به عنوان

مهم‌ترین حربه در مقابله با امواج رو به تزاید فرهنگ جهانی

- تقویت حضور جلوه‌های بیان فرهنگ و هنر قومی در عرصه‌های ملی و ارتقای همکاری‌های

فرهنگی بین‌المللی

- ترویج و تعمیق فرهنگ قانون‌پذیری و احترام و تبعیت از قانون

- رشد فرهنگ معنویت، ایمان و اعتقاد و وجدان اجتماعی

- پی‌ریزی سامان امور و همچنین بسط و گسترش اطلاعات و علوم، جهت شکل‌دهی انسان

آینده‌نگر برای شکل‌دهی جامعه آینده‌نگر و آینده‌ساز

۳-۱- توسعه مدیریت دولت Governance

شکل‌دهی توسعه مدیریت در دولت با مؤلفه‌هایی همچون تدبیر، پاسخگویی، شفافیت، دانایی جهت

راهبری مدیریت توسعه کشور از طریق:

- برقراری شرایط دخالت اندک دولت در اداره امور اقتصادی در راستای بسط مشارکتها و فرصتها،

کاهش فساد مالی و رانت‌جویی

- ایجاد تعامل سازنده و پویا بین دیوانسالاری دولت و فعالیتهای اقتصادی مردم برای نیل به بسط مشارکت حداکثر مردم
- تقویت حاکمیت قانون و محدود کردن قلمرو فعالیتهای دولت به اجرای وظایف اصلی و حاکمیتی و حضور همه جانبه‌تر در این قلمروها با تکیه بر آینده‌نگری در تنظیم امور به جای مداخله مستقیم در فعالیتهای
- پی‌ریزی، تحکیم و حمایت از مالکیت فردی و خصوصی و تثبیت انگیزه‌های اقتصادی برای فعالیت بخش خصوصی
- اصلاح و بازنگری در قوانین و مقررات با جهت‌گیری حذف انحصارات دولتی، افزایش مشارکت مردمی، افزایش انگیزش و کارایی کارکنان دولت برای انجام امور در سطح کیفی مطلوب و تأمین رضایت مردم در نحوه ارائه‌ی خدمات عمومی
- استقرار اصول شایسته‌گزینی، شایسته‌پروری و شایسته‌سالاری در اداره امور کشور
- استقرار نظام ارزیابی عملکرد به منظور سنجش عملکرد، و توفیق در تحقق اهداف و برنامه‌های دولت در مقایسه با سایر دولتها و استفاده از نتایج حاصل در تدوین استراتژیها و برنامه‌های اجرایی کشور
- توسعه تعامل دولت و مردم به منظور افزایش اعتماد، همگرایی، نشاط ملی و سرمایه اجتماعی جهت تحرک بخشی به توسعه کشور

۳-۱۱- امنیت و توسعه قضایی

- برپایی امنیت فراگیر، جامع، با کفایت، در دسترس، شفاف و پاسخگو از طریق:
- اتخاذ ترتیبات نهادی برای حل اختلافهای میان بنگاهها، شهروندان و دولت
- پی‌ریزی امنیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برای آحاد مردم برای تحرک بخشی به توسعه کشور
- ایجاد نظام قضایی بالسویه در دسترس، سریع، ارزان، قابل پیش‌بینی، منصفانه و قاطع
- تخصصی کردن محاکم

- اصلاح فرایند انجام امور قضایی و اداری به وسیله توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، در راستای بهبود سیستمها و روشهای انجام کار
- به‌کارگیری تشکلهای صنفی و مجامع تخصصی، جهت داوری دعاوی حقوقی اختصاصی
- جایگزینی نسبی اخذ جرائم نقدی و انجام خدمات اجتماعی به جای حبس و متناسب‌سازی جریمه با جرم
- محدود ساختن عناوین مجرمانه و جداسازی آسیبهای اجتماعی از فهرستهای جرایم
- فراهم نمودن زمینه‌های لازم جهت استقلال و امنیت قضایی قضات
- ایجاد سازوکار و بستر لازم برای پیشگیری از وقوع جرم
- پایه‌گذاری و تضمین بنیادهای قانونی و حقوق مالکیت
- رفع هر گونه تبعیض جنسیتی، قومی و گروهی

۳-۱۲- تعادل و توازن منطقه‌ای کشور بر اساس موازین آمایش سرزمین

- بهره‌وری بهینه از ظرفیتهای اجتماعی و طبیعی سرزمین و چیدمان منطقی برنامه توسعه با رعایت هماهنگی بین ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی توسعه از طریق:
- ایجاد هماهنگی بین سطوح خرد و کلان فعالیتها در درون هر بخش، بین بخشی، بین مناطق، میان‌مدت و بلندمدت در اقتصاد کشور
- رعایت موازین زیست‌محیطی و بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی در راستای صیانت، انباشت و پایداری منابع
- تقویت زیرساختهای توسعه‌ای در مرزها، بنادر، جزایر کشور جهت بهره‌گیری کارآمد از موقعیت ژئوپلیتیکی کشور در تعامل همه جانبه با شرایط منطقه‌ای و جهانی، در راستای توسعه پایدار ملی با رویکرد جهانی
- رعایت موازین و ویژگی‌های اجتماعی، قومی و فرهنگی مناطق مختلف در توسعه همه جانبه کشور
- بارور کردن حداکثر ظرفیتهای محیطی و انسانی استانها و رفع عدم تعادل‌های سرزمینی

- توسعه همه جانبه مناطق کمتر توسعه یافته، مناطق مرزی و به ویژه مناطق در معرض تعامل همه‌جانبه با اقتصاد فرا ملی و جهانی، از طریق تقویت شبکه‌های زیرساختی ارتقای شاخصهای توسعه انسانی، شکوفایی مزیتها، تحرک‌بخشی به ساختارهای اقتصادی و اجتماعی در قالب توسعه پایدار ملی با رویکرد جهانی
- سازماندهی نظام اسکان جمعیت و توازن سلسله مراتبی مراکز شهری و روستایی در تعامل سه عنصر انسان، فضا و فعالیت و رعایت موازین آمایش سرزمین، تسهیل و تنظیم روابط درونی و بیرونی اقتصاد کشور، حفاظت از محیط زیست و میراث فرهنگی در استقرار جمعیت و فعالیت بر پهنه سرزمین
- رعایت موازین تعادل و توازن بین جمعیت، فعالیتهای اقتصادی و ظرفیتهای محیطی در شهرها و کلان‌شهرها به ویژه تهران
- گسترش فرایندهای تمرکززدایی و پی‌ریزی تقسیم کار مناسب توسعه‌ای بین مناطق مختلف کشور در راستای توسعه پایدار ملی با رویکرد جهانی
- انتخاب گزیده‌ای از مراکز جمعیتی با امکان عملکرد ملی و فرا ملی و تقویت پایه‌های علمی - تحقیقاتی آنها به منظور پی‌ریزی توسعه مبتنی بر دانایی
- تنظیم سند ملی توسعه استانی در چارچوب موازین کلی برنامه
- تنظیم سند ملی توسعه بخشی در چارچوب موازین کلی برنامه
- تعامل سازمان یافته بین اسناد توسعه استانی و بخشی در چارچوب موازین برنامه

جدول شماره ۱- برخی شاخصهای جمعیتی در کشورهای منتخب و مناطق مختلف جهان در سال ۲۰۰۲

کشور	جمعیت میلیون نفر	میزان خام موالید (در هزار)	میزان مرگ و میر (در هزار)	نرخ رشد طبیعی (درصد)	نرخ باروری کل (نفر)	نسبت جمعیت ۱۴-۰ ساله (درصد)	نسبت جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر (درصد)	امید به زندگی (سال)	ضریب شهر نشینی (درصد)
ژاپن	۱۲۷/۴	۹	۸	-۰/۲	۱/۳	۱۴	۱۸	۸۱	۷۸
کره جنوبی	۴۸/۴	۱۳	۵	-۰/۸	۱/۵	۲۲	۷	۸۶	۷۹
مالزی	۲۴/۴	۲۳	۴	۱/۹	۳/۲	۳۳	۴	۷۳	۵۷
اندونزی	۲۱۷	۲۲	۶	۱/۶	۲/۶	۳۱	۵	۶۸	۳۹
سری لانکا	۱۸/۹	۱۸	۶	۱/۲	۲/۰	۲۷	۶	۷۲	۳۰
مصر	۷۱/۲	۲۷	۷	۲/۰	۳/۵	۳۶	۴	۶۶	۴۳
ترکیه	۶۷/۳	۲۲	۷	۱/۵	۲/۵	۳۰	۶	۶۹	۶۶
آذربایجان	۸/۲	۱۴	۶	-۰/۸	۱/۹	۳۲	۵	۷۲	۵۱
سوریه	۱۷/۲	۳۱	۶	۲/۶	۴/۱	۴۱	۳	۷۰	۵۰
پاکستان	۱۴۳/۵	۳۰	۹	۱/۲	۴/۸	۴۲	۴	۶۳	۳۳
آمریکا	۲۸۷/۴	۱۵	۹	-۰/۶	۲/۱	۲۱	۱۳	۷۷	۷۵
فرانسه	۵۹/۵	۱۳	۹	-۰/۴	۱/۹	۱۹	۱۶	۷۹	۷۴
استرالیا	۱۹/۷	۱۳	۷	-۰/۶	۱/۷	۲۰	۱۲	۸۰	۸۵
ایران	۶۵/۳	۱۸	۶	۱/۲	۲/۵	۳۳	۵	۶۹	۶۶
کشورهای توسعه یافته	۱۱۹۷	۱۱	۱۰	-۰/۱	۱/۶	۱۸	۱۵	۷۶	۷۵
کشورهای در حال توسعه بدون چین	۳۷۳۷	۲۷	۹	۱/۹	۳/۵	۳۶	۴	۶۳	۴۱
کل دنیا	۶۲۱۵	۲۱	۹	۱/۳	۲/۸	۳۰	۷	۶۷	۴۷

مأخذ: World population data sheet of the population reference bureau (2002)

جدول شماره ۲- نرخ بیکاری

کشور	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲
چین	۳/۱	۳/۳	۳/۱	۳/۱	۳/۶	۴/۰
کره جنوبی	۲/۶	۶/۸	۶/۳	۴/۱	۳/۷	۳/۰
اندونزی	۴/۷	۵/۵	۶/۴	۶/۱	۸/۱	۹/۱
مالزی	۲/۴	۳/۲	۳/۴	۳/۱	۳/۶	۳/۵
فیلیپین	۷/۹	۹/۶	۹/۴	۱۰/۱	۹/۸	۱۱/۴
سنگاپور	۲/۵	۳/۲	۴/۶	۴/۴	۳/۳	۴/۴
تایلند	۱/۵	۴/۴	۲/۴	۳/۶	۳/۳	۲/۴
پاکستان	۶/۱	۵/۵	۶/۸	۷/۸	۸/۵	۹/۰
قزاقستان	۱۳/۰	۱۳/۱	۱۳/۵	۱۲/۸	۱۰/۴	۹/۴
ایران	۱۲/۰	۱۴/۹	۱۶/۲۸	۱۶/۵	۱۶/۶	۱۶/۸

مأخذ: Asian Development Outlook (2003)

جدول شماره ۳- رشد تولید ناخالص داخلی و ارزش افزوده بخشهای اقتصادی

کشور	رشد تولید (درصد)		رشد بخش کشاورزی (درصد)		رشد بخش صنایع (درصد)		رشد بخش صنعت (درصد)		رشد بخش خدمات (درصد)	
	۱۹۸۰-۹۰	۱۹۹۰-۲۰۰۱	۱۹۸۰-۹۰	۱۹۹۰-۲۰۰۱	۱۹۸۰-۹۰	۱۹۹۰-۲۰۰۱	۱۹۸۰-۹۰	۱۹۹۰-۲۰۰۱	۱۹۸۰-۹۰	۱۹۹۰-۲۰۰۱
چین	۱۰/۳	۱۰/۰	۵/۹	۴/۰	۱۱/۱	۱۲/۱	۱۰/۸	۱۲/۱	۱۲/۵	۸/۹
مصر	۵/۴	۴/۵	۲/۷	۳/۴	۳/۳	۴/۶	-	۶/۵	۷/۸	۴/۶
اندونزی	۶/۱	۳/۸	۳/۶	۱/۹	۷/۳	۴/۸	۱۲/۸	۶/۳	۶/۵	۳/۶
ژاپن	۱/۴	۱/۳	۱/۳	-۳/۱	۱/۴	-۰/۲	-	۰/۷	۴/۲	۲/۳
مالزی	۵/۳	۶/۵	۳/۴	۰/۳	۶/۸	۸/۰	۹/۳	۸/۸	۴/۹	۶/۷
فیلیپین	۱/۰	۱/۳	۱/۰	۱/۸	-۰/۹	۳/۲	۰/۲	۳/۰	۲/۸	۱/۴
کره جنوبی	۸/۹	۵/۷	۳/۰	۰/۲	۱۱/۴	۶/۳	۱/۲	۷/۶	۸/۴	۵/۶
سنگاپور	۶/۷	۷/۴	-۵/۳	-۱/۲	۵/۲	۷/۲	۶/۶	۶/۵	۷/۶	۷/۶
تایلند	۷/۶	۳/۹	۳/۹	۱/۷	۹/۸	۵/۴	۹/۵	۶/۵	۷/۳	۳/۸
ترکیه	۵/۳	۳/۳	۱/۲	۱/۱	۷/۷	۳/۴	۷/۹	۱/۴	۴/۵	۳/۷
انگلیس	۳/۲	۲/۷	۲/۴	-۱/۰	۳/۳	۱/۳	-	-	۳/۱	۳/۴
امریکا	۳/۵	۳/۴	۳/۲	۳/۵	۳/۰	۳/۷	-	۳/۴	۳/۴	۳/۷
ایران	۱/۷	۳/۶	۴/۵	۴/۰	۳/۳	-۲/۸	۴/۵	۵/۱	-۱/۰	۸/۵
کشورهای کم درآمد	۴/۵	۳/۴	۳/۰	۲/۶	۵/۵	۲/۹	۷/۷	۳/۰	۵/۵	۵/۱
کشورهای با درآمد متوسط	۲/۹	۳/۴	۳/۴	۱/۲	۳/۲	۳/۷	۳/۷	۵/۷	۳/۲	۳/۷
کشورهای با درآمد بالا	۳/۳	۲/۵	۱/۹	۱/۱	۳/۰	۱/۸	-	۳/۴	۰/۵	۳/۰

مأخذ: World Development Indicators (2003)

جدول شماره ۴ - سهم ارزش افزوده بخشهای اقتصادی در تولید ناخالص داخلی

کشور	بخش کشاورزی					بخش صنایع					بخش خدمات				
	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱
چین	۱۹	۱۹	۱۸	۱۶	۱۵	۵۰	۴۹	۴۹	۵۱	۵۱	۳۱	۳۲	۳۳	۳۳	۳۴
مصر	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۳۲	۳۲	۳۱	۳۳	۳۳	۵۱	۵۱	۵۲	۵۰	۵۰
اندونزی	۱۶	۱۸	۲۰	۱۷	۱۶	۴۴	۴۵	۴۳	۴۷	۴۷	۴۰	۳۷	۳۷	۳۶	۳۷
ژاپن	۲	۲	۲	۱	۱	۳۸	۳۷	۳۷	۳۴	۳۲	۶۰	۶۰	۶۱	۶۱	۶۵
مالزی	۱۶	۱۵	۱۴	۱۱	۸	۴۳	۴۴	۴۴	۴۷	۵۰	۴۱	۴۱	۴۲	۴۲	۴۲
فیلیپین	۱۸	۱۷	۱۷	۱۶	۱۵	۳۲	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۵۰	۵۲	۵۲	۵۳	۵۴
کره جنوبی	۵	۵	۵	۵	۴	۴۳	۴۴	۴۳	۴۲	۴۱	۵۲	۵۲	۵۱	۵۳	۵۵
سنگاپور	۰	۰	۰	۰	۰	۳۴	۳۵	۳۴	۳۵	۳۲	۶۶	۶۵	۶۵	۶۵	۶۸
تایلند	۱۱	۱۲	۱۱	۱۰	۱۰	۳۹	۳۸	۴۰	۴۰	۴۰	۵۰	۵۰	۴۹	۵۰	۵۰
ترکیه	۱۱	۱۲	۱۱	۱۰	۱۰	۳۹	۳۸	۴۰	۴۰	۴۰	۵۰	۵۰	۴۹	۵۰	۵۰
انگلیس	۲	۲	۲	۱	۱	۳۵	۳۲	۳۰	۲۹	۲۹	۶۳	۶۶	۶۸	۷۰	۷۰
آمریکا	۲	۲	۲	۲	۲	۲۷	۲۶	۲۶	۲۵	۲۵	۷۱	۷۲	۷۲	۷۳	۷۳
ایران	۲۰	۲۳	۲۱	۱۸	۱۹	۳۳	۳۰	۳۳	۳۳	۳۳	۴۷	۴۷	۴۶	۴۹	۴۸
کشورهای کم درآمد	۲۶	۲۶	۲۶	۲۵	۲۴	۳۱	۳۰	۳۰	۳۲	۳۲	۴۳	۴۴	۴۴	۴۳	۴۴
کشورهای با درآمد متوسط	۱۱	۱۱	۱۰	۱۰	۱۰	۳۵	۳۵	۳۴	۳۶	۳۶	۵۴	۵۴	۵۶	۵۴	۵۴
کشورهای با درآمد بالا	۲	۲	۲	۲	۲	۳۰	۲۹	۲۹	۲۹	۲۹	۶۸	۶۹	۶۹	۶۹	۶۹

مأخذ: Development Indicators (2003) World

جدول شماره ۵- درآمد ناخالص ملی و رشد تولید ناخالص داخلی سرانه

کشور	GNI میلیارد دلار بر حسب برابری قدرت خرید ۲۰۰۱	GNI دلار بر حسب برابری قدرت خرید ۲۰۰۱	رشد تولید ناخالص داخلی سرانه (درصد)					
			۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲
چین	۵۴۱۵	۴۲۶۰	۷/۸	۶/۸	۶/۲	۷/۳	۶/۸	۶/۵
کره جنوبی	۸۶۳	۱۸۱۱۰	۴	-۷/۶	۱۰	۸/۴	۲/۲	۴
اندونزی	۶۲۸	۲۹۴۰	۳	-۱۴/۷	-۰/۵	۳/۳	۱/۹	۱/۶
مالزی	۱۹۸	۸۳۴۰	۵	-۹/۷	۳/۷	۵/۸	-۱/۹	۱/۷
فیلیپین	۳۳۶	۴۳۶۰	۲/۹	-۲/۸	۱/۲	۱/۸	۱/۳	۱/۲
سنگاپور	۱۰۰	۲۴۹۱۰	۵/۱	-۳/۴	۶/۲	۸/۶	-۴/۹	-۰/۹
تایلند	۴۰۱	۶۵۵۰	-۲/۲	-۱۲	۳/۴	۳/۸	۱	۱/۷
پاکستان	۲۷۱	۱۹۲۰	-۰/۵	-۰/۴	۱/۹	۱/۶	۰/۳	-۰/۸
قزاقستان	۹۴	۶۳۷۰	۳/۴	-۰/۲	۳/۶	۱۰/۲	۱۳/۹	۷/۵
قرقیزستان	۱۳	۲۷۱۰	۸/۴	-۰/۷	۲/۲	۴		
ایران	۴۰۳	۶۲۳۰	۲	۲/۴	-۰/۳	۳/۴	۳/۷	۴/۸

مأخذ: Asian Development Outlook (2003)

جدول شماره ۶- نسبت سرمایه‌گذاری ناخالص به تولید ناخالص داخلی (درصد)

کشور	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲
چین	۳۸/۲	۳۷/۷	۳۷/۴	۳۷/۱	۳۸/۶	۳۸/۰
کره جنوبی	۳۴/۲	۲۱/۲	۲۶/۹	۲۸/۳	۲۷/۰	۲۶/۱
اندونزی	۳۱/۸	۱۶/۸	۱۱/۴	۱۵/۸	۱۷/۵	۱۴/۳
مالزی	۴۳/۰	۲۶/۷	۲۲/۴	۲۷/۱	۲۳/۸	۲۴/۴
فیلیپین	۲۳/۸	۱۹/۳	۱۷/۰	۱۷/۴	۱۶/۶	۱۵/۶
سنگاپور	۳۸/۶	۳۲/۲	۳۲/۴	۳۲/۳	۲۴/۲	۲۰/۶
تایلند	۳۳/۷	۲۰/۴	۲۰/۵	۲۲/۷	۲۳/۹	۲۳/۹
هند	۲۴/۶	۲۲/۶	۲۵/۵	۲۴/۰	۲۳/۷	۲۳/۹
پاکستان	۱۷/۹	۱۷/۷	۱۵/۶	۱۶/۰	۱۵/۹	۱۳/۹
قزاقستان	۱۵/۶	۱۵/۸	۱۷/۸	۱۸/۱	۲۶/۹	
قرقیزستان	۲۱/۷	۱۵/۴	۱۸/۰	۲۰/۰	۱۸/۰	۱۷/۰
ایران	۲۹/۲	۳۰/۴	۳۰/۵	۲۶/۶	۲۷/۵	۲۶/۸

مأخذ: Asian Development Outlook 2003

جدول شماره ۷- شاخصهای هم‌پیوندی جهانی

نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به GDP		نرخ رشد تجارت منهای رشد GDP	نسبت تجارت کالا به GDP (درصد)		کشور
۲۰۰۱	۱۹۹۰	۱۹۹۰-۲۰۰۱	۲۰۰۱	۱۹۹۰	
۴/۹	۱/۳	۶/۴	۴۴/۰	۳۲/۵	چین
۰/۵	۱/۷	-۱/۲	۱۷/۱	۳۶/۸	مصر
۳/۲	۱/۰	۱/۲	۶۰/۱	۴۱/۵	اندونزی
۱/۱	۱/۷	۲/۷	۱۸/۲	۱۷/۱	ژاپن
۵/۷	۵/۳	۳/۷	۱۸۴/۰	۱۳۳/۴	مالزی
۲/۷	۱/۲	۳/۸	۸۸/۹	۴۷/۷	فیلیپین
۱/۵	۰/۷	۷/۱	۶۹/۱	۵۳/۴	کره جنوبی
۳۲	۲۰/۷		۲۷۷/۶	۳۰۹/۵	سنگاپور
۳/۵	۳/۰	۲/۸	۱۱۰/۹	۶۵/۷	تایلند
۲/۵	۰/۵	۷/۱	۴۸/۶	۲۳/۴	ترکیه
۰/۱	۰/۰	-۸/۷	۱۷/۱	۳۲/۹	ایران

مأخذ: World Development Indicators 2003

جدول شماره ۸- روند صادرات

رشد صادرات کالا (درصد)						نسبت صادرات کالا به GDP (درصد) ۲۰۰۱	کشور
۲۰۰۲	۲۰۰۱	۲۰۰۰	۱۹۹۹	۱۹۹۸	۱۹۹۷		
۲۲/۳	۶/۸	۲۷/۹	۶/۱	-۰/۵	۲۰/۹	۲۳	چین
۷/۵	-۱۴	۲۱/۲	۹/۹	-۴/۷	۶/۷	۳۵/۷	کره جنوبی
۱/۱	-۱۲/۳	۲۷/۶	۱/۷	-۱۰/۵	۱۲/۲	۳۹/۶	اندونزی
۳۰	۳۰	۳۶/۸	۳۶	۴/۳	۸/۷	۱۴۰/۴	مالزی
۱۲/۲	-۱۶/۲	۹	۱۹/۱	۱۶/۹	۲۲/۸	۴۷	فیلیپین
۳/۲	-۱۱	۳۰	۵/۴	-۱۲	-۰/۲	۱۳۲	سنگاپور
۵/۸	-۶/۹	۱۹/۵	۷/۴	-۶/۸	۳/۸	۵۶	تایلند
۱۱/۴	۰/۱	۱۹/۶	۹/۵	-۳/۹	۴/۵	۹/۲	هند
۲/۲	۹/۱	۸/۸	-۱۰/۷	۴/۲	-۲/۶	۱۵/۵	پاکستان
۱۲	-۲/۸	۵۵/۱	۲	-۱۴/۹	۹/۷	۳۸/۷	قزاقستان
۳/۷	-۶	۱۰/۴	-۱۳/۵	-۱۵/۲	۱۸/۸	۳۶/۷	قرقیزستان
۱۷/۹	-۱۶	۳۵/۳	۶۰/۳	-۲۸/۶	-۱۷/۹	۲۲/۲	ایران

مأخذ: World Development Report 2003

Asian Development Outlook 2003

جدول شماره ۹- روند تجارت خارجی

نسبت صادرات صنعتی به کل صادرات کالا (درصد)		نسبت صادرات کالا و خدمات به GDP (درصد)		نسبت واردات کالا و خدمات به GDP (درصد)		کشور
۱۹۹۹	۱۹۹۰	۱۹۹۹	۱۹۹۰	۱۹۹۹	۱۹۹۰	
۸۸	۷۲	۲۲	۱۸	۱۹	۱۴	چین
۳۷	۴۲	۱۶	۲۰	۲۴	۳۳	مصر
۵۴	۳۵	۳۵	۲۵	۲۷	۲۴	اندونزی
۹۴	۹۶	۱۰	۱۱	۹	۱۰	ژاپن
۸۰	۵۴	۱۲۲	۷۵	۹۷	۷۲	مالزی
۴۱	۳۸	۵۱	۲۸	۵۰	۳۳	فیلیپین
۹۱	۹۴	۴۲	۲۹	۳۰	۳۵	کره جنوبی
۸۶	۷۲			۲۰۲	۱۹۵	سنگاپور
۷۴	۶۳	۵۷	۳۴	۴۵	۴۲	تایلند
۷۸	۶۸	۲۳	۱۳	۲۷	۱۸	ترکیه
۵۵	۱۸/۴	۲۱	۲۲	۱۶	۲۴	ایران

مأخذ: World Development Indicators 2003

جدول شماره ۱۰ - نسبت هزینه‌های دولت به تولید ناخالص داخلی (درصد)

کشور	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲
چین	۱۳/۶	۱۵/۱	۱۷/۲	۱۷/۸	۲۰/۱	۲۱/۵
کره جنوبی	۲۲/۱	۲۶	۲۵/۱	۲۴/۸	۲۴/۸	۲۲/۰
اندونزی	۱۷/۴	۱۸/۱	۲۱/۱	۱۷/۲	۲۳/۸	۱۹/۴
مالزی	۲۱/۰	۲۱/۸	۲۲/۷	۲۳/۸	۲۹/۳	۲۸/۷
فیلیپین	۱۹/۴	۱۹/۲	۱۹/۸	۱۹/۶	۱۹/۵	۱۹/۶
سنگاپور	۱۹/۶	۲۰/۰	۱۸/۲	۱۷/۷	۱۸/۰	۱۷/۶
تایلند	۲۰/۱	۱۷/۹	۱۷/۸	۱۷/۶	۱۷/۲	۱۸/۲
هند	۲۵/۸	۲۶/۶	۲۸/۲	۲۸/۳	۲۹/۵	۳۰/۴
پاکستان	۲۲/۳	۲۳/۷	۲۲/۰	۲۳/۶	۲۱/۳	۲۲/۰
قزاقستان	۲۰/۴	۲۶/۲	۲۳/۲	۲۳/۱	۲۳/۴	۲۱/۹
قرقیزستان	۲۵/۳	۲۸/۸	۳۰/۴	۲۴/۹	۲/۸	۲۵/۶
ایران	۲۳/۷	۲۲/۰	۲۲/۱	۱۸/۸	۱۹/۳	۲۳/۷

مأخذ: Asian Development Outlook 2003

جدول شماره ۱۱ - نرخ رشد نقدینگی (درصد)

کشور	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲
چین	۱۹/۶	۱۴/۸	۱۴/۷	۱۲/۳	۱۴/۴	۱۶/۸
کره جنوبی	۱۴/۱	۲۷/۰	۲۷/۴	۲۵/۴	۱۳/۲	۱۰/۴
اندونزی	۲۳/۲	۶۲/۳	۱۱/۹	۱۵/۶	۱۳/۰	۴/۷
مالزی	۲۲/۷	۱/۵	۱۳/۷	۵/۲	۲/۲	۵/۸
فیلیپین	۲۰/۹	۷/۴	۱۹/۳	۴/۶	۶/۸	۹/۵
سنگاپور	۱۰/۲	۳۰/۲	۸/۵	-۲/۰	۵/۹	-۰/۳
تایلند	۲/۰	۶/۰	۱/۳	۲/۲	۴/۶	-۰/۱
هند	۱۸/۰	۱۹/۴	۱۴/۶	۱۶/۸	۱۴/۲	۱۵/۷
پاکستان	۱۲/۲	۱۴/۵	۶/۲	۹/۴	۹/۰	۱۴/۸
قزاقستان	۲۸/۱	-۰/۱	۴۸/۸	۴۴/۹	۴۵/۱	۳۳/۰
قرقیزستان	۲۵/۴	۱۷/۲	۳۳/۹	۱۲/۱	۱۱/۳	۲۴/۱
ایران	۲۰/۱	۱۹/۴	۲۰/۱	۲۹/۳	۲۸/۸	۳۰/۱

مأخذ: Asian Development Outlook 2003

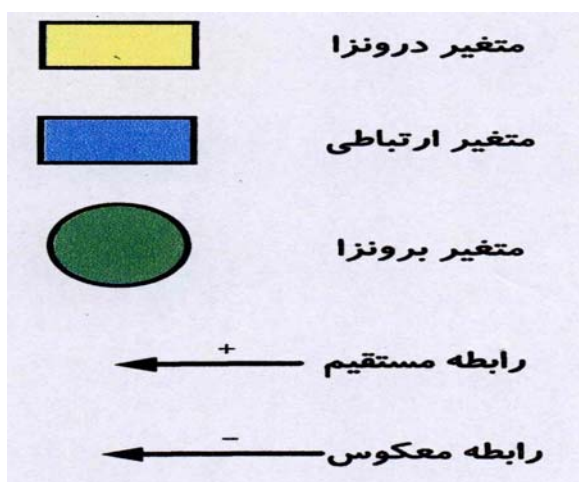
جدول شماره ۱۲- نرخ تورم (درصد)

کشور	۱۹۷۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲
چین	۳/۲	۱/۸	-۰/۹	۰/۶	۱/۱	-۰/۱
کره جنوبی	۴/۴	۷/۵	۰/۸	۲/۳	۴/۱	۲/۷
اندونزی	۴۲/۹	۵۸/۴	۲۰/۴	۳/۷	۱۱/۵	۱۱/۹
مالزی	۲/۷	-۱۱/۸	۲/۸	۱/۶	۱/۴	۱/۸
فیلیپین	۵/۹	۹/۷	۶/۷	۴/۴	۶/۱	۳/۱
سنگاپور	۲/۰	-۰/۳	۰/۱	۱/۳	۱/۰	-۰/۴
تایلند	۵/۶	۸/۱	۰/۳	۱/۶	۱/۶	۰/۷
هند	۴/۴	۵/۹	۳/۳	۷/۲	۳/۶	۲/۸
پاکستان	۱۱/۸	۷/۸	۵/۷	۳/۶	۴/۴	۳/۵
قزاقستان	۷/۴	۷/۱	۸/۳	۱۳/۲	۸/۴	۵/۹
قرقیزستان	۲۳/۴	۱۰/۱	۳۵/۹	۱۸/۷	۶/۹	۲/۰
ایران	۳/۱۷	۱۸/۱	۲۰/۱	۱۲/۶	۱۱/۴	۱۵/۸

مأخذ: Asian Development Outlook 2003

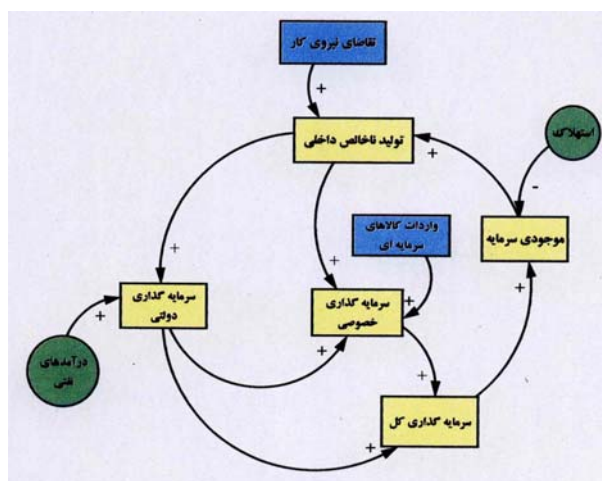
◀ روابط علت و معلولی الگو

◀ توضیح نمادها



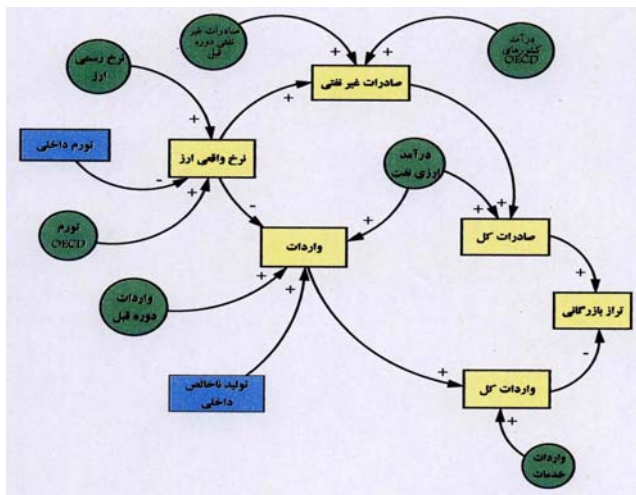
◀ بخش رشد اقتصادی و سرمایه گذاری

نمودار شماره ۱- بخش رشد اقتصادی و سرمایه گذاری



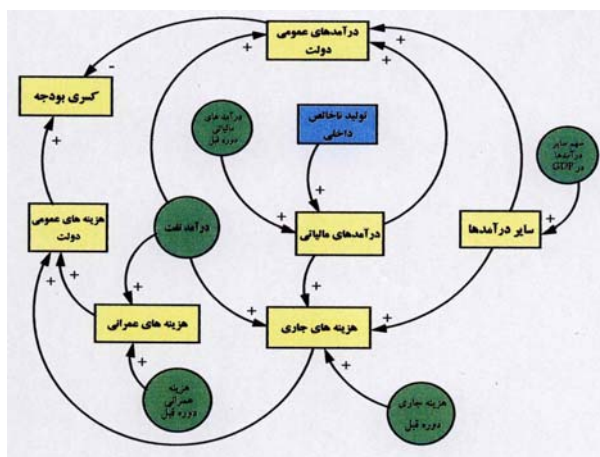
بخش تجارت خارجی و نرخ ارز

نمودار شماره ۲- بخش تجارت خارجی و نرخ ارز



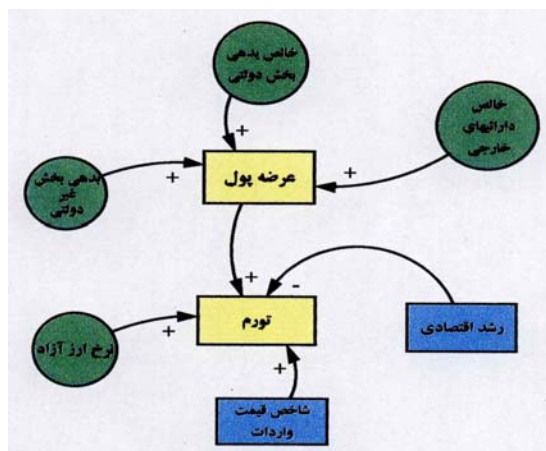
بخش بودجه دولت

نمودار شماره ۳- بخش بودجه دولت



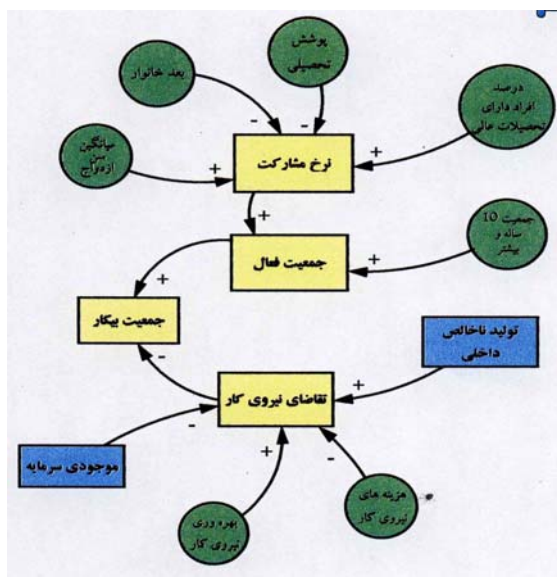
بخش پولی و تورم

نمودار شماره ۴- بخش پولی و تورم



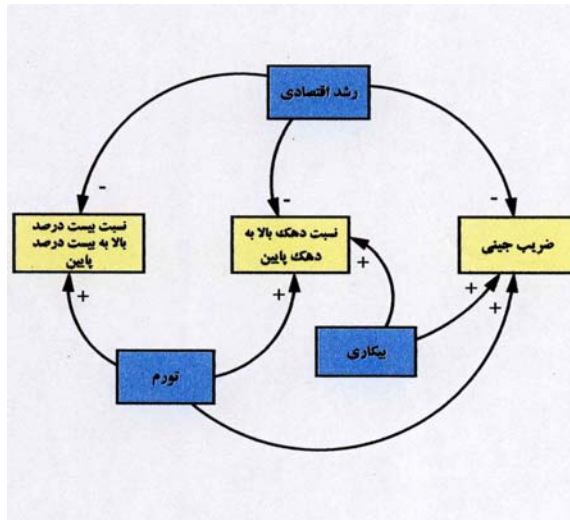
بخش بازار کار

نمودار شماره ۵- بخش بازار کار



◀ بخش توزیع درآمد

نمودار شماره ۶- بخش توزیع درآمد



◀ شرح معادلات الگو

◀ رشد اقتصادی

$$D(\text{LOG}(\text{GDPFC})) = -0.3157908797 * (\text{LOG}(\text{GDPFC}(-1))) - 0.4301780817 * \text{LOG}(\text{K}(-1)) - 0.8667443721 * \text{LOG}(\text{LT}(-1)) + 8.805873006 + 0.4395886201 * D(\text{LOG}(\text{GDPFC}(-1))) - 0.02971391455 * D(\text{LOG}(\text{K}(-1))) - 0.2985299737 * D(\text{LOG}(\text{LT}(-1))) + 0.1203207755 - 0.1282778431 * \text{DR}$$

$$\text{RGDPFC} = ((\text{GDPFC} / \text{GDPFC}(-1)) - 1) * 100$$

جدول شماره ۱۳ - رشد اقتصادی

انگلیسی	فارسی
GDPFC	تولید ناخالص داخلی به قیمت عوامل به قیمت ثابت
K	موجودی سرمایه به قیمت ثابت
LT	اشتغال
DR	متغیر مجازی انقلاب

◀ توزیع درآمد

$$\begin{aligned}
 D(\text{LOG}(\text{GINI})) = & - 0.1781726498 * (\text{LOG}(\text{GINI}(-1))) + 0.5175799698 * \text{LOG}(\text{GDPFC}(-1)) - \\
 & 0.1568153324 * \text{LOG}(\text{CPI}(-1)) - 0.3636537349 * \text{LOG}(\text{UR}(-1)) + \\
 & 0.4203794994 * \text{LOG}(\text{EXRM}(-1)) - 0.04753442956 * \text{TREND} - 4.499321878 - \\
 & 0.3317548359 * D(\text{LOG}(\text{GINI}(-1))) + 0.1569870913 * D(\text{LOG}(\text{GDPFC}(-1))) - \\
 & 0.08579647267 * D(\text{LOG}(\text{CPI}(-1))) + 0.04916014602 * \\
 & D(\text{LOG}(\text{UR}(-1))) + 0.04515465721 * D(\text{LOG}(\text{EXRM}(-1))) + 0.002929067668 - \\
 & 0.1634969411 * D61
 \end{aligned}$$

جدول شماره ۱۴ - توزیع درآمد

انگلیسی	فارسی
GINI	ضریب جینی
GDPFC	تولید ناخالص داخلی به قیمت عوامل به قیمت ثابت
CPI	شاخص قیمت مصرف کننده (۱۳۶۱=۱)
UR	نرخ بیکاری
EXRM	نرخ ارز بازار آزاد
TREND	روند زمانی

◀ مصرف و سرمایه گذاری

$$D(\text{LOG}(\text{CGC})) = -0.08352555437 * (\text{LOG}(\text{CGC}(-1)) - 0.9379640113 * \text{LOG}(\text{OGREVC}(-1)) - 0.681265033 * \text{LOG}(\text{TTC}(-1)) + 4.302625997) - 0.05373257199 * D(\text{LOG}(\text{CGC}(-1))) + 0.03814273906 * D(\text{LOG}(\text{OGREVC}(-1))) - 0.03863107034 * D(\text{LOG}(\text{TTC}(-1))) + 0.148972407 - 0.1206958916 * \text{DR}$$

$$D(\text{LOG}(\text{CPCP})) = -0.1231657065 * (\text{LOG}(\text{CPCP}(-1)) - 0.7700027638 * \text{LOG}(\text{DINCP}(-1)) - 0.3559292772 * \text{LOG}(\text{M2CP}(-1)) + 2.065263527 * \text{LOG}(\text{GINI}(-1)) + 0.8838278167) + 0.2859525519 * D(\text{LOG}(\text{CPCP}(-1))) + 0.2648426446 * D(\text{LOG}(\text{DINCP}(-1))) + 0.07126656175 * D(\text{LOG}(\text{M2CP}(-1))) - 0.02161657425 * D(\text{LOG}(\text{GINI}(-1)))$$

$$\text{DINC} = (\text{GDPFC} - \text{TTC})$$

$$\text{DINCP} = \text{DINC} / \text{POP}$$

$$\text{M2CP} = \text{M2C} / \text{POP}$$

$$\text{CPC} = (\text{CPCP} * \text{POP})$$

$$\text{CTC} = \text{CGC} + \text{CPC}$$

$$D(\text{LOG}(\text{IGC})) = -0.214443078 * (\text{LOG}(\text{IGC}(-1)) - 0.8216640313 * \text{LOG}(\text{GDPFC}(-1)) - 0.5667744746 * \text{LOG}(\text{OGREVC}(-1)) - 0.6457717469 * \text{DW}(-1) + 5.409508586) - 0.008550636745 * D(\text{LOG}(\text{IGC}(-1))) + 0.5688614404 * D(\text{LOG}(\text{GDPFC}(-1))) + 0.02257397547 * D(\text{LOG}(\text{OGREVC}(-1))) - 0.01772724327 * D(\text{DW}(-1)) + 0.1477545589 - 0.1884014418 * \text{DR}$$

$$D(\text{LOG}(\text{IPC})) = -0.9877620152 * (\text{LOG}(\text{IPC}(-1)) - 0.5484337778 * \text{LOG}(\text{GDPFC}(-1)) - 0.2991384505 * \text{LOG}(\text{IGC}(-1)) - 0.09721547133 * \text{LOG}(\text{CPI}(-1)) + 0.3166224142) + 0.3753412711 * D(\text{LOG}(\text{IPC}(-1))) + 0.3568061982 * D(\text{LOG}(\text{GDPFC}(-1))) + 0.1447510226 * D(\text{LOG}(\text{IGC}(-1))) - 0.3272867132 * D(\text{LOG}(\text{CPI}(-1))) + 0.02118474764 + 0.1363979848 * \text{DW}$$

$$\text{ITC} = \text{IGC} + \text{IPC}$$

جدول شماره ۱۵- مصرف و سرمایه‌گذاری

انگلیسی	فارسی
CGC	مصرف بخش دولتی به قیمت ثابت
OGREVC	درآمدهای نفت و گاز به قیمت ثابت
TTC	درآمدهای مالیاتی به قیمت ثابت
CPCP	مصرف سرانه بخش خصوصی به قیمت ثابت
DINCP	درآمد قابل تصرف سرانه به قیمت ثابت
M2CP	سرانه نقدینگی به قیمت ثابت
GINI	ضریب جینی
GDPFC	تولید ناخالص داخلی واقعی به قیمت عوامل به قیمت ثابت
POP	جمعیت
IGC	سرمایه‌گذاری بخش دولتی به قیمت ثابت
DW	متغیر مجازی جنگ
DR	متغیر مجازی انقلاب
IPC	سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به قیمت ثابت
CPI	شاخص قیمت مصرف کننده
ITC	کل سرمایه‌گذاری به قیمت ثابت

◀ صادرات و واردات

$$D(\text{LOG}(\text{XWOG})) = 0.1610606436 * (\text{LOG}(\text{XWOG}(-1)) - 0.8320880985 * \text{LOG}(\text{GDPFC}(-1)) - 0.3611631903 * \text{LOG}(\text{REXRM}(-1)) + 0.251859525 * \text{LOG}(\text{PX}(-1)/\text{PM}(-1)) + 2.511126054 * \text{DW}(-1) + 4.443230375) - 0.1682739093 * D(\text{LOG}(\text{XWOG}(-1))) + 1.237828975 * D(\text{LOG}(\text{GDPFC}(-1))) - 0.4349356347 * D(\text{LOG}(\text{REXRM}(-1))) - 0.1105776323 * D(\text{LOG}(\text{PX}(-1)/\text{PM}(-1))) - 0.5744366301 * D(\text{DW}(-1)) + 0.007581954308$$

$$D(\text{LOG}(\text{M})) = - 0.02160647112 * (\text{LOG}(\text{M}(-1)) - 1.477999209 * \text{LOG}(\text{GDPFC}(-1)) + 2.740153574 * \text{LOG}(\text{REXRM}(-1)) - 2.455982422 * \text{LOG}(\text{PX}(-1)/\text{PM}(-1)) - 9.300199508) + 0.277113384 * D(\text{LOG}(\text{M}(-1))) + 1.062884335 * D(\text{LOG}(\text{GDPFC}(-1))) + 0.2805343665 * D(\text{LOG}(\text{REXRM}(-1))) + 0.196704287 * D(\text{LOG}(\text{PX}(-1)/\text{PM}(-1))) - 0.0541584053 * \text{DW}$$

$$\text{REXRM} = (\text{EXRM} * \text{CPIOECD}) / \text{CPI}$$

جدول شماره ۱۶- صادرات و واردات

انگلیسی	فارسی
XWOG	صادرات بدون نفت و گاز به قیمت ثابت
GDPFC	تولید ناخالص داخلی به قیمت عوامل به قیمت ثابت
REXRM	نرخ ارز واقعی (بازار آزاد)
	شاخص قیمت خرده فروشی کشورهای OECD $\text{REXRM} = \frac{\text{نرخ ارز بازار آزاد} * \text{شاخص قیمت خرده فروشی ایران}}{\text{شاخص قیمت خرده فروشی OECD}}$
PX	شاخص قیمت کالاهای صادراتی (۱۰۰=۶۹)
PM	شاخص قیمت کالاهای وارداتی (۱۰۰=۶۹)
M	کل واردات به قیمت ثابت
DW	متغیرهای مجازی دوران جنگ (۱=۶۷-۵۹ و بقیه صفر)

◀ اشتغال و بیکاری

$$D(\text{LOG}(\text{LFLS})) = -0.04516859787 * (\text{LOG}(\text{LFLS}(-1)) - 0.147542544 * \text{LOG}(\text{YFLS}(-1)) + 0.2546881478 * \text{LOG}(\text{RWB}(-1)) - 15.02855668) + 0.6550445886 * D(\text{LOG}(\text{LFLS}(-1))) - 0.01959396381 * D(\text{LOG}(\text{YFLS}(-1))) + 0.01749705193 * D(\text{LOG}(\text{RWB}(-1))) - 0.0007943099949$$

$$D(\text{LOG}(\text{LFISH})) = -0.2091761562 * (\text{LOG}(\text{LFISH}(-1)) - 1.078506988 * \text{LOG}(\text{YFISH}(-1)) + 0.04311638898 * \text{LOG}(\text{KFISH}(-1)) + 1.002376757 * \text{LOG}(\text{WFISH}(-1)) - 18.7913981) + 0.5216159765 * D(\text{LOG}(\text{LFISH}(-1))) - 0.4706447019 * D(\text{LOG}(\text{YFISH}(-1))) + 0.1771710314 * D(\text{LOG}(\text{KFISH}(-1))) + 0.1485568528 * D(\text{LOG}(\text{WFISH}(-1))) + 0.01453528505 + 0.01807523595 * \text{DW}$$

$$D(\text{LOG}(\text{LFOR})) = 0.2274991188 * (\text{LOG}(\text{LFOR}(-1)) - 1.029291047 * \text{LOG}(\text{YFOR}(-1)) + 0.08357334592 * \text{LOG}(\text{KFOR}(-1)) + 0.9618390966 * \text{LOG}(\text{WFOR}(-1)) - 18.49761045) + 0.167266451 * D(\text{LOG}(\text{LFOR}(-1))) + 0.3034870494 * D(\text{LOG}(\text{YFOR}(-1))) - 0.1159940835 * D(\text{LOG}(\text{KFOR}(-1))) - 0.113669324 * D(\text{LOG}(\text{WFOR}(-1))) + 0.06375755391 - 0.09650030816 * \text{DW}$$

$$D(\text{LOG}(\text{LOILG})) = -0.1215641628 * (\text{LOG}(\text{LOILG}(-1)) - 0.637068807 * \text{LOG}(\text{YOILG}(-1)) - 1.25109788 * \text{LOG}(\text{KOILG}(-1)) + 0.1270466201 * \text{LOG}(\text{WOILG}(-1))) - 0.009815487917 * D(\text{LOG}(\text{LOILG}(-1))) - 0.002041863448 * D(\text{LOG}(\text{YOILG}(-1))) - 0.487131994 * D(\text{LOG}(\text{KOILG}(-1))) + 0.03597977202 * D(\text{LOG}(\text{WOILG}(-1))) - 0.1058875623 * \text{DRW}$$

$$D(\text{LOG}(\text{LMAN})) = -0.2699529623 * (\text{LOG}(\text{LMAN}(-1)) - 0.5378640693 * \text{LOG}(\text{YMAN}(-1)) - 0.1692329582 * \text{LOG}(\text{KMAN}(-1)) + 0.5877997195 * \text{LOG}(\text{WBM}(-1)) - 0.2102807188 * \text{LOG}(\text{RPMI}(-1)) - 0.01695118805 * \text{LOG}(\text{RMW}(-1)) - 15.96143727) + 0.1031370111 * D(\text{LOG}(\text{LMAN}(-1))) - 0.2043961113 * D(\text{LOG}(\text{YMAN}(-1))) - 0.1139283688 * D(\text{LOG}(\text{KMAN}(-1))) + 0.012535217 * D(\text{LOG}(\text{WBM}(-1))) - 0.06745800683 * D(\text{LOG}(\text{RPMI}(-1))) + 0.01245580984 * D(\text{LOG}(\text{RMW}(-1))) + 0.1048215998 - 0.07429538237 * \text{DR}$$

$$D(\text{LOG}(\text{LMIN})) = -0.5273463136 * (\text{LOG}(\text{LMIN}(-1)) - 0.313436587 * \text{LOG}(\text{YMIN}(-1)) - 0.3301189801 * \text{LOG}(\text{KMIN}(-1)) + 0.3537670364 * \text{LOG}(\text{WMIN}(-1)) - 12.38331862) + 0.9093370766 * D(\text{LOG}(\text{LMIN}(-1))) - 0.4408852089 * D(\text{LOG}(\text{YMIN}(-1))) + 0.0317414082 * D(\text{LOG}(\text{KMIN}(-1))) + 0.1719255631 * D(\text{LOG}(\text{WMIN}(-1))) + 0.01446630614$$

$$D(\text{LOG}(\text{LWAT})) = - 0.02673638159 * (\text{LOG}(\text{LWAT}(-1)) - 0.7553829401 * \text{LOG}(\text{YWAT}(-1)) + 0.1042354231 * \text{LOG}(\text{KWAT}(-1)) + 0.4046496301 * \text{LOG}(\text{WWAT}(-1)) - 13.48014664) + 0.3876102053 * D(\text{LOG}(\text{LWAT}(-1))) + 0.01306137071 * D(\text{LOG}(\text{YWAT}(-1))) + 0.1655498868 * D(\text{LOG}(\text{KWAT}(-1))) - 0.3312693188 * D(\text{LOG}(\text{WWAT}(-1))) + 0.04043175862 - 0.009537090765 * DW$$

$$D(\text{LOG}(\text{LEL})) = 0.04389494865 * (\text{LOG}(\text{LEL}(-1)) - 0.9599951551 * \text{LOG}(\text{YEL}(-1)) - 0.3174476632 * \text{LOG}(\text{KEL}(-1)) + 1.021811892 * \text{LOG}(\text{WEL}(-1)) - 18.25800231) + 0.1353239106 * D(\text{LOG}(\text{LEL}(-1))) + 0.3094588606 * D(\text{LOG}(\text{YEL}(-1))) + 0.2291208824 * D(\text{LOG}(\text{KEL}(-1))) - 0.08452881404 * D(\text{LOG}(\text{WEL}(-1))) - 0.006498049314 + 0.007653511114 * DR$$

$$D(\text{LOG}(\text{LBUILD})) = - 1.25023957 * (\text{LOG}(\text{LBUILD}(-1)) - 0.9449023504 * \text{LOG}(\text{YBUILD}(-1)) - 0.03345479196 * \text{LOG}(\text{KBUILD}(-1)) + 0.9988686034 * \text{LOG}(\text{WBUILD}(-1)) - 20.76101361) + 1.366401563 * D(\text{LOG}(\text{LBUILD}(-1))) - 1.014070263 * D(\text{LOG}(\text{YBUILD}(-1))) + 0.08121577252 * D(\text{LOG}(\text{KBUILD}(-1))) + 0.9903252478 * D(\text{LOG}(\text{WBUILD}(-1)))$$

$$D(\text{LOG}(\text{LTC})) = 0.01528205891 * (\text{LOG}(\text{LTC}(-1)) - 1.297299651 * \text{LOG}(\text{YTC}(-1)) + 0.4307629638 * \text{LOG}(\text{KTC}(-1)) + 0.8129033586 * \text{LOG}(\text{WTC}(-2)) - 1.948109721) + 0.303201333 * D(\text{LOG}(\text{LTC}(-1))) + 0.1410342724 * D(\text{LOG}(\text{YTC}(-1))) + 0.09013082527 * D(\text{LOG}(\text{KTC}(-1))) - 0.03843971252 * D(\text{LOG}(\text{WTC}(-2))) + 0.02771741228$$

$$D(\text{LOG}(\text{LBUS})) = 0.04685859774 * (\text{LOG}(\text{LBUS}(-1)) - 0.3754258172 * \text{LOG}(\text{YBUS}(-1)) - 0.5129755388 * \text{LOG}(\text{KBUS}(-1)) + 1.081823132 * \text{LOG}(\text{WBUS}(-1)) - 19.82266977) + 0.3137896911 * D(\text{LOG}(\text{LBUS}(-1))) + 0.2444886543 * D(\text{LOG}(\text{LBUS}(-2))) + 0.02292237176 * D(\text{LOG}(\text{YBUS}(-1))) + 0.02039944251 * D(\text{LOG}(\text{YBUS}(-2))) - 0.01752828164 * D(\text{LOG}(\text{KBUS}(-1))) - 0.02070458225 * D(\text{LOG}(\text{KBUS}(-2))) - 0.05250777267 * D(\text{LOG}(\text{WBUS}(-1))) - 0.02742810147 * D(\text{LOG}(\text{WBUS}(-2))) + 0.0191311446 - 0.001245543421 * DR$$

$$D(\text{LOG}(\text{LFM})) = - 0.04675227861 * (\text{LOG}(\text{LFM}(-1)) - 0.9473579128 * \text{LOG}(\text{YFM}(-1)) + 0.09938549659 * \text{LOG}(\text{KFM}(-1)) + 1.198217923 * \text{LOG}(\text{WFM}(-1)) - 22.0312085) + 0.4167574631 * D(\text{LOG}(\text{LFM}(-1))) - 0.2984086659 * D(\text{LOG}(\text{LFM}(-2))) + 0.04453865917 * D(\text{LOG}(\text{YFM}(-1))) + 0.1310680673 * D(\text{LOG}(\text{YFM}(-2))) + 0.03048104876 * D(\text{LOG}(\text{KFM}(-1))) + 0.02326271828 * D(\text{LOG}(\text{KFM}(-2))) - 0.2059214393 * D(\text{LOG}(\text{WFM}(-1))) - 0.2366977706 * D(\text{LOG}(\text{WFM}(-2))) + 0.06265331646 - 0.02555219274 * DR$$

$$D(\text{LOG}(\text{LPSO})) = 0.3610457169 * (\text{LOG}(\text{LPSO}(-1)) - 0.8847004556 * \text{LOG}(\text{YPS}(-1)) - 0.02744254273 * \text{LOG}(\text{KPS}(-1)) + 0.8924380965 * \text{LOG}(\text{WPS}(-1)) - 19.70007103) + 0.4953853827 * D(\text{LOG}(\text{LPSO}(-1))) + 0.3722341023 * D(\text{LOG}(\text{YPS}(-1))) + 0.03501875715 * D(\text{LOG}(\text{KPS}(-1))) - 0.3768773732 * D(\text{LOG}(\text{WPS}(-1))) - 0.004952556929 * \text{DW}$$

$$\text{LAG} = \text{LFLS} + \text{LFISH} + \text{LFOR}$$

$$\text{LMM} = \text{LMAN} + \text{LMIN} + \text{LWAT} + \text{LEL} + \text{LOILG} + \text{LBUILD}$$

$$\text{LS} = \text{LTC} + \text{LBUS} + \text{LFM} + \text{LPSO}$$

$$\text{LT} = \text{LAG} + \text{LMM} + \text{LS}$$

$$\text{DLFLS} = \text{LFLS} - \text{LFLS}(-1)$$

$$\text{DLFISH} = \text{LFISH} - \text{LFISH}(-1)$$

$$\text{DLFOR} = \text{LFOR} - \text{LFOR}(-1)$$

$$\text{DLAG} = \text{DLFLS} + \text{DLFISH} + \text{DLFOR}$$

$$\text{DLMAN} = \text{LMAN} - \text{LMAN}(-1)$$

$$\text{DLMIN} = \text{LMIN} - \text{LMIN}(-1)$$

$$\text{DLWAT} = \text{LWAT} - \text{LWAT}(-1)$$

$$\text{DLEL} = \text{LEL} - \text{LEL}(-1)$$

$$\text{DLBUILD} = \text{LBUILD} - \text{LBUILD}(-1)$$

$$\text{DLOILG} = \text{LOILG} - \text{LOILG}(-1)$$

$$\text{DLMM} = \text{DLMAN} + \text{DLMIN} + \text{DLWAT} + \text{DLEL} + \text{DLBUILD} + \text{DLOILG}$$

$$\text{DLTC} = \text{LTC} - \text{LTC}(-1)$$

$$\text{DLBUS} = \text{LBUS} - \text{LBUS}(-1)$$

$$\text{DLFM} = \text{LFM} - \text{LFM}(-1)$$

$$\text{DLPSO} = \text{LPSO} - \text{LPSO}(-1)$$

$$\text{DLS} = \text{DLTC} + \text{DLBUS} + \text{DLFM} + \text{DLPSO}$$

$$\text{DLT} = \text{DLAG} + \text{DLMM} + \text{DLS}$$

$$\text{RLFLS} = ((\text{LFLS} / \text{LFLS}(-1)) - 1) * 100$$

$$\text{RLFISH} = ((\text{LFISH} / \text{LFISH}(-1)) - 1) * 100$$

$$\text{RLFOR} = ((\text{LFOR} / \text{LFOR}(-1)) - 1) * 100$$

$$\text{RLAG} = ((\text{LAG} / \text{LAG}(-1)) - 1) * 100$$

$$\text{RLMAN} = ((\text{LMAN} / \text{LMAN}(-1)) - 1) * 100$$

$$\text{RLMIN} = ((\text{LMIN} / \text{LMIN}(-1)) - 1) * 100$$

$$\text{RLWAT} = ((\text{LWAT} / \text{LWAT}(-1)) - 1) * 100$$

$$\text{RLEL} = ((\text{LEL} / \text{LEL}(-1)) - 1) * 100$$

$$\text{RLOILG} = ((\text{LOILG} / \text{LOILG}(-1)) - 1) * 100$$

$$\text{RLBUILD} = ((\text{LBUILD} / \text{LBUILD}(-1)) - 1) * 100$$

$$RLMM = ((LMM/LMM(-1)) - 1) * 100$$

$$RLTC = ((LTC/LTC(-1)) - 1) * 100$$

$$RLBUS = ((LBUS/LBUS(-1)) - 1) * 100$$

$$RLFM = ((LFM/LFM(-1)) - 1) * 100$$

$$RLPSO = ((LPSO/LPSO(-1)) - 1) * 100$$

$$RLS = ((LS/LS(-1)) - 1) * 100$$

$$RLT = ((LT/LT(-1)) - 1) * 100$$

جدول شماره ۱۷- تقاضای نیروی کار

انگلیسی	فارسی
FLS	زراعت و دامپروری
FISH	ماهیگیری
FOR	جنگلداری
OILG	نفت و گاز
MAN	صنعت
MIN	معدن
WAT	آب
EL	برق
BUILD	ساختمان
TC	حمل و نقل و انبارداری و ارتباطات
BUS	بازرگانی، رستوران و هتلداری
FM	خدمات مؤسسات مالی، پولی، ملکی، حقوقی و تجاری
PSO	خدمات عمومی، اجتماعی، شخصی، خانگی و اظهار نشده (سایر)
PS	خدمات عمومی، اجتماعی، شخصی و خانگی
متغیرهای به کار رفته در مدل‌های توابع تقاضای نیروی کار	
Y	ارزش افزوده هر بخش
W	دستمزدهای واقعی هر بخش
K	موجودی سرمایه هر بخش
RMW	حداقل دستمزد واقعی
RPMI	شاخص قیمت واقعی مواد خام صنعتی
L	اشتغال
DW	متغیر مجازی جنگ تحمیلی
DR	متغیر مجازی انقلاب اسلامی
DRW	متغیر مجازی جنگ و انقلاب
RWB	شاخص دستمزد واقعی کارگران ساختمانی
WBM	دستمزد واقعی کارکنان کارگاههای بزرگ صنعتی

◀ پول، ارز و تورم

$$D(\text{LOG}(\text{M2C})) = -0.1292508927 * (\text{LOG}(\text{M2C}(-1)) - 2.245986653 * \text{LOG}(\text{GDPFC}(-1)) + 0.1946397587 * \text{LOG}(\text{EXRM}(-1)) + 2.901972133 * \text{LOG}(\text{CPI}(-1)/\text{CPI}(-2)) + 10.89235266) + 0.03686119262 * D(\text{LOG}(\text{M2C}(-1))) + 0.009210551338 * D(\text{LOG}(\text{GDPFC}(-1))) + 0.02346247098 * D(\text{LOG}(\text{EXRM}(-1))) - 0.0390070853 * D(\text{LOG}(\text{CPI}(-1)/\text{CPI}(-2))) + 0.07500368546$$

$$D(\text{LOG}(\text{M2S})) = -0.4461286615 * (\text{LOG}(\text{M2S}(-1)) - 0.5644635741 * \text{LOG}(\text{PDB}(-1)) - 0.4225633154 * \text{LOG}(\text{GDB}(-1)) - 0.05223920901 * \text{LOG}(\text{OGREV}(-1)) - 0.3882143342) + 0.4018518381 * D(\text{LOG}(\text{M2S}(-1))) + 0.08258848003 * D(\text{LOG}(\text{PDB}(-1))) - 0.0359624097 * D(\text{LOG}(\text{GDB}(-1))) + 0.02281398652 * D(\text{LOG}(\text{OGREV}(-1)))$$

" INFLATION "

$$D(\text{LOG}(\text{CPI})) = -0.2385501251 * (\text{LOG}(\text{CPI}(-1)) + 0.3443003795 * \text{LOG}(\text{GDPFC}(-1)) - 0.3101873961 * \text{LOG}(\text{M2}(-1)) - 0.5209743758 * \text{LOG}(\text{PM}(-1)) - 0.151152607 * \text{LOG}(\text{EXRM}(-1)) - 0.3257304486) + 0.3871851186 * D(\text{LOG}(\text{CPI}(-1))) - 0.06724081787 * D(\text{LOG}(\text{GDPFC}(-1))) + 0.1016438693 * D(\text{LOG}(\text{M2}(-1))) + 0.1945058813 * D(\text{LOG}(\text{PM}(-1))) + 0.006897729686 * D(\text{LOG}(\text{EXRM}(-1))) + 0.03804397139$$

$$\text{RCPI} = ((\text{CPI}/\text{CPI}(-1)) - 1) * 100$$

" EXCHANGE RATE "

$$D(\text{LOG}(\text{EXRM})) = 0.04355639015 * (\text{LOG}(\text{EXRM}(-1)) - 0.4245061151 * \text{LOG}(\text{M2}(-1)) - 0.9650394801 * \text{LOG}(\text{GDPFC}(-1)) - 1.000885041 * \text{LOG}(\text{CPI}(-1)/\text{CPIOECD}(-1)) + 0.4596129426 * \text{LOG}(\text{OGREV}(-1)) + 3.577688838) - 0.2287186918 * D(\text{LOG}(\text{EXRM}(-1))) + 0.3604363302 * D(\text{LOG}(\text{M2}(-1))) - 1.802046064 * D(\text{LOG}(\text{GDPFC}(-1))) + 0.1111192472 * D(\text{LOG}(\text{CPI}(-1)/\text{CPIOECD}(-1))) - 0.09308234362 * D(\text{LOG}(\text{OGREV}(-1))) + 0.169349766$$

جدول شماره ۱۸- بخش پول، ارز و تورم

انگلیسی	فارسی
M2C	تقاضای واقعی پول
GDPFC	تولید ناخالص داخلی به قیمت عوامل به قیمت ثابت
EXRM	نرخ ارز بازار آزاد
EXRO	نرخ ارز رسمی
M2S	قیمت جاری M_2 (عرضه پول)
PDB	بدهی بخش خصوصی به سیستم بانکی
GDB	بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی
CPIOECD	شاخص بهای کالاهای مصرفی در کشورهای OECD
OGREV	درآمدهای نفتی (و گاز) دولت - قیمت جاری
CPI	شاخص قیمت مصرف کننده ۱۰۰-۱۳۶۱
PM	شاخص قیمت کالاهای وارداتی

◀ بودجه دولت

$$D(\text{LOG}(\text{OGREVC})) = -0.7511433161 * (\text{LOG}(\text{OGREVC}(-1))) - 0.9411309499 * \text{LOG}(\text{VAOILC}(-1)) - 0.2533719234 + 0.21437577 * D(\text{LOG}(\text{OGREVC}(-1))) - 0.0804840456 * D(\text{LOG}(\text{VAOILC}(-1)))$$

$$D(\text{LOG}(\text{TCORC})) = -0.9575691107 * (\text{LOG}(\text{TCORC}(-1))) - 0.9402906576 * \text{LOG}(\text{GDPNOAC}(-1)) - 0.5151094775 * \text{LOG}(\text{OGREVC}(-1)) + 6.765581357 + 0.04729325098 * D(\text{LOG}(\text{TCORC}(-1))) + 0.9568725194 * D(\text{LOG}(\text{GDPNOAC}(-1))) - 0.1086505212 * D(\text{LOG}(\text{OGREVC}(-1))) + 0.03355754797$$

$$D(\text{LOG}(\text{TPAYC})) = -0.422593632 * (\text{LOG}(\text{TPAYC}(-1)) - 2.204268191 * \text{LOG}(\text{GDPMAC}(-1)) + 16.00886177) + 0.1137118722 * D(\text{LOG}(\text{TPAYC}(-1))) - 0.1758408234 * D(\text{LOG}(\text{GDPMAC}(-1)))$$

$$D(\text{LOG}(\text{TOCUC})) = -0.03289048262 * (\text{LOG}(\text{TOCUC}(-1)) - 3.506667987 * \text{LOG}(\text{VATRHC}(-1)) + 20.8101328) + 0.3055508466 * D(\text{LOG}(\text{TOCUC}(-1))) - 0.3787616174 * D(\text{LOG}(\text{TOCUC}(-2))) + 0.0319821649 * D(\text{LOG}(\text{VATRHC}(-1))) - 0.1634010254 * D(\text{LOG}(\text{VATRHC}(-2))) + 0.02961276577 + 0.01947138482 * DR$$

$$D(\text{LOG}(\text{TRESC})) = -0.383030155 * (\text{LOG}(\text{TRESC}(-1)) - 0.38528124 * \text{LOG}(\text{VASMC}(-1)) + 0.5515597893) + 0.03847006317 * D(\text{LOG}(\text{TRESC}(-1))) + 1.141679707 * D(\text{LOG}(\text{VASMC}(-1))) - 0.1093404625 * DW$$

$$D(\text{LOG}(\text{TOINC})) = -0.1405859283 * (\text{LOG}(\text{TOINC}(-1)) - 9.647136546 * \text{LOG}(\text{GDPMAC}(-1)) + 88.61648889) - 0.26969822 * D(\text{LOG}(\text{TOINC}(-1))) - 0.5571022289 * D(\text{LOG}(\text{GDPMAC}(-1))) - 0.04989585486$$

$$D(\text{LOG}(\text{TWC})) = -0.03423395014 * (\text{LOG}(\text{TWC}(-1)) - 1.208298112 * \text{LOG}(\text{GDPFC}(-1)) - 1.112305119 * \text{LOG}(\text{M2}(-1) * 100 / \text{CPI}(-1)) + 4.183417276 * DR(-1) + 13.32853111) + 0.2292829837 * D(\text{LOG}(\text{TWC}(-1))) - 0.008550483047 * D(\text{LOG}(\text{TWC}(-2))) + 0.5382277306 * D(\text{LOG}(\text{GDPFC}(-1))) - 0.5174926884 * D(\text{LOG}(\text{GDPFC}(-2))) + 0.4644045767 * D(\text{LOG}(\text{M2}(-1) * 100 / \text{CPI}(-1))) - 0.6123708435 * D(\text{LOG}(\text{M2}(-2) * 100 / \text{CPI}(-2))) - 0.0172572119 * D(\text{DR}(-1)) + 0.04715442888 * D(\text{DR}(-2))$$

$$D(\text{LOG}(\text{TMC})) = -0.04799787942 * (\text{LOG}(\text{TMC}(-1)) - 0.7800734901 * \text{LOG}(\text{M}(-1))) - 0.06301496477 * D(\text{LOG}(\text{TMC}(-1))) + 0.4325108991 * D(\text{LOG}(\text{M}(-1)))$$

$$D(\text{LOG}(\text{TCSC})) = - 0.4508936696*(\text{LOG}(\text{TCSC}(-1)) - 0.2189136483*\text{LOG}(\text{CPC}(-1)) - 2.205345204) + 0.2132463689*D(\text{LOG}(\text{TCSC}(-1))) + 0.1947876411*D(\text{LOG}(\text{TCSC}(-2))) + 1.45459262*D(\text{LOG}(\text{CPC}(-1))) + 0.3760396691*D(\text{LOG}(\text{CPC}(-2))) + 0.2351367271*DW$$

$$D(\text{LOG}(\text{MREVC})) = -0.6753993582*(\text{LOG}(\text{MREVC}(-1)) - 1.101581032*\text{LOG}(\text{OGREVC}(-2))) + 4.895906949 - 0.06434465334*D(\text{LOG}(\text{MREVC}(-1))) + 0.4120129068*D(\text{LOG}(\text{OGREVC}(-2))) + 0.0259497808 - 1.335411456*D79$$

$$D(\text{LOG}(\text{SGREVC})) = -0.2344946293*(\text{LOG}(\text{SGREVC}(-1)) - 1.945983716*\text{LOG}(\text{GDPFC}(-1))) + 13.75747187 - 0.2916571853*D(\text{LOG}(\text{SGREVC}(-1))) + 0.008338224317*D(\text{LOG}(\text{SGREVC}(-2))) + 1.216667532*D(\text{LOG}(\text{GDPFC}(-1))) - 0.7845150058*D(\text{LOG}(\text{GDPFC}(-2))) + 0.04649013059 + 1.497156523*D78$$

$$D(\text{LOG}(\text{RREVC})) = - 0.07580456979*(\text{LOG}(\text{RREVC}(-1)) - 3.835318367*\text{LOG}(\text{GDPFC}(-1))) + 31.02103524 + 0.05110611876*D(\text{LOG}(\text{RREVC}(-1))) + 0.01861056477*D(\text{LOG}(\text{RREVC}(-2))) - 0.3671886026*D(\text{LOG}(\text{GDPFC}(-1))) + 1.019195684*D(\text{LOG}(\text{GDPFC}(-2))) + 0.02219095732 - 0.05208521713*DW$$

$$D(\text{LOG}(\text{AREVC})) = - 0.1425906689*(\text{LOG}(\text{AREVC}(-1)) - 1.71147938*\text{LOG}(\text{GDPFC}(-1)) - 0.3253886631*DW(-1) + 10.77547832) - 0.2252711675*D(\text{LOG}(\text{AREVC}(-1))) - 0.06541096714*D(\text{LOG}(\text{AREVC}(-2))) + 0.8600854445*D(\text{LOG}(\text{GDPFC}(-1))) + 0.6799941816*D(\text{LOG}(\text{GDPFC}(-2))) + 0.06497235007*D(DW(-1)) + 0.1058417232*D(DW(-2)) - 0.03790316474 + 0.0859790933*DR$$

$$D(\text{LOG}(\text{CUREXC})) = -0.1465963685*(\text{LOG}(\text{CUREXC}(-1)) - 1.631445587*\text{LOG}(\text{OGREVC}(-1)) - 0.5286399006*\text{LOG}(\text{NOGREVC}(-1)) + 8.603109763) + 0.1512704795*D(\text{LOG}(\text{CUREXC}(-1))) - 0.03136243778*D(\text{LOG}(\text{OGREVC}(-1))) - 0.07485100443*D(\text{LOG}(\text{NOGREVC}(-1))) + 0.05937289368*DW$$

$$D(\text{LOG}(\text{DEVEXC})) = 0.1042842844*(\text{LOG}(\text{DEVEXC}(-1)) - 1.268596683*\text{LOG}(\text{OGREVC}(-1)) - 0.2695176718*\text{LOG}(\text{NOGREVC}(-1)) - 1.067018095*DW(-1) + 5.428408353) + 0.1069274194*D(\text{LOG}(\text{DEVEXC}(-1))) + 0.2393475302*D(\text{LOG}(\text{OGREVC}(-1))) - 0.1468618117*D(\text{LOG}(\text{NOGREVC}(-1))) - 0.06576149606*D(DW(-1))$$

$$\text{OGREV} = \text{OGREVC} * \text{VAOILDEFLATOR}$$

$$\text{TPAY} = \text{TPAYC} * \text{GDPDEFLATOR}$$

$$\text{TOCU} = \text{TOCUC} * \text{GDPDEFLATOR}$$

$$\text{TRES} = \text{TRESC} * \text{GDPDEFLATOR}$$

$$\text{TOIN} = \text{TOINC} * \text{GDPDEFLATOR}$$

$$TIC=TPAYC+TOCUC+TRES+TOINC$$

$$TI=TPAY+TOCU+TRES+TOIN$$

$$TCOR=TCORC*GDPDEFLATOR$$

$$TW=TWC*GDPDEFLATOR$$

$$TDC=TIC+TCORC+TWC$$

$$TD=TI+TCOR+TW$$

$$TCS=TCSC*GDPDEFLATOR$$

$$TM=TMC*GDPDEFLATOR$$

$$TIDC=TCSC+TMC$$

$$TID=TCS+TM$$

$$TTC=TDC+TIDC$$

$$TT=TD+TID$$

$$MREV=MREVC*GDPDEFLATOR$$

$$SGREV=SGREVC*GDPDEFLATOR$$

$$RREV=RREVC*GDPDEFLATOR$$

$$OTRC=MREVC+SGREVC+RREVC$$

$$OTR=MREV+SGREV+RREV$$

$$AREV=AREVC*GDPDEFLATOR$$

$$NOGREVC=TTC+OTRC+AREVC$$

$$NOGREV=TT+OTR+AREV$$

$$TREV=OGREVC+NOGREVC$$

$$TREV=OGREV+NOGREV$$

$$CUREX=CUREXC*CGDEFLATOR$$

$$DEVEX=DEVEXC*IGDEFLATOR$$

$$TEXC=CUREXC+DEVEXC$$

$$TEX=CUREX+DEVEX$$

$$GBDEFICIT=TREV-TEX$$

$$GBDEFICITC=TREVC-TEXC$$

جدول شماره ۱۹ - بودجه دولت

انگلیسی	فارسی
SGREV	درآمد حاصل از خدمات و فروش کالا به قیمت ثابت
RREVC	سایر درآمدهای متفرقه به قیمت ثابت
AREVC	درآمدهای اختصاصی به قیمت ثابت
CUREXC	مخارج جاری دولت به قیمت ثابت
DEVEXC	مخارج عمرانی دولت (تملك دارایی‌های سرمایه‌ای) به قیمت ثابت
OGREVC	درآمد ناشی از نفت و گاز به قیمت ثابت
NOGREVC	درآمد غیر از نفت و گاز به قیمت ثابت
TDC	مالیاتهای مستقیم به قیمت ثابت
TIDC	مالیاتهای غیر مستقیم به قیمت ثابت
TTC	کل درآمدهای مالیاتی به قیمت ثابت
TEXC	کل مخارج دولت به قیمت ثابت
OGREVC	درآمد ناشی از نفت و گاز به قیمتهای ثابت
VAOILC	ارزش افزوده بخش نفت به قیمت ثابت
TCORC	مالیات بر شرکتها به قیمت ثابت
GDPNOAC	تولید ناخالص داخلی منهای ارزش افزوده بخش کشاورزی و نفت
TPAYC	مالیات بر حقوق و دستمزد به قیمت ثابت
GDPMAC	تولید ناخالص داخلی منهای ارزش افزوده بخش کشاورزی
TOCUC	مالیات مشاغل به قیمت ثابت
VATRHC	ارزش افزوده بازرگانی، رستوران و هتلداری به قیمت ثابت
VASMC	ارزش افزوده مستغلات به قیمت ثابت
TRESC	مالیات مستغلات به قیمت ثابت
TOINC	سایر مالیات بر درآمد به قیمت ثابت
TWC	مالیات بر ثروت به قیمت ثابت
TMC	مالیات بر واردات به قیمت ثابت
DR	متغیر مجازی انقلاب
GDPFC	تولید ناخالص داخلی به قیمت عوامل به قیمت ثابت
TCSC	مالیات بر مصرف و فروش به قیمت ثابت
CPC	مخارج مصرفی خصوصی به قیمت ثابت
DW	متغیر مجازی جنگ
D79	متغیر مجازی برای سال ۱۳۷۹
MREVC	درآمد حاصل از انحصارات و مالکیت دولت
M	کل واردات به قیمت ثابت

سند چشم انداز بلندمدت توسعه

جمهوری اسلامی ایران

◀ مقدمه

تلاش برای دست یافتن به آینده‌ای بهتر، و طراحی و تبیین ویژگی‌ها، و ترسیم موقعیت جامعه‌ای که نسل‌های امروز و آینده بتوانند آگاهانه و با اتکای به نفس، در مسیر تحقق آن گام بردارند، نه تنها لازمه پویایی و امید مردم این سرزمین است، بلکه برآمده از اصول و آرمانهایی است که، در اندیشه و فرهنگ اسلامی و انقلابی جای دارد، و رویکرد و رفتار دولت و دستگاه اجرایی کشور را، در چارچوب آن، هدفدار و معنادار می‌کند.

توانایی‌ها و ظرفیتهای جمهوری اسلامی ایران، و شایستگی‌های ملت شریف ایران، برای نیل به این مهم بسیار است، چنان که دشواریهای تحقق جامعه‌ای آرمانی نیز، از نظرهای کارشناسانه به دور نیست. اکنون می‌توان، و باید گفت به رغم آن که تلاشهای ملی با تهدیدها و موانع خارجی و کاستی‌ها و ناسازگاریهای محیطی بسیاری روبه‌رو بوده است، با این حال با اتکا به موقعیت، اعتبار و امکانات جدیدی که کشور ما در شرایط متحول و غیر قابل پیش‌بینی جهان کنونی دارد، اهتمام به این ضرورت در آستانه برنامه چهارم توسعه، اولویت یافته است. اکنون اندیشیدن و گام برداشتن طبق برنامه در مسیر تحقق جامعه‌ای نمونه و توسعه یافته، برای کشور یک فریضه و الزام اساسی به حساب می‌آید.

برای تحقق این اندیشه و الزام، می‌بایست کشور، راهنمای عمل داشته باشد، این راهنمای عمل به زبان برنامه، سند چشم‌انداز بلندمدت کشور است.

این چشم‌انداز ما را به ساحتی مطلوب با توجه به امکانات، فرصتها و محدودیتها رهنمون می‌سازد. در این چشم‌انداز بر اساس واقعیتها، کشور می‌تواند علاوه بر جنبه‌های اخلاقی، معنوی، سیاسی و فرهنگی، به لحاظ اقتصادی و علمی، دارای مشخصات زیر باشد:

- تبدیل به قدرت اول منطقه به لحاظ اقتصادی، فنی و علمی
- دارای میزان تورم و نرخ بیکاری یک رقمی
- برخوردار از زیربناها و ساختارهای لازم برای تداوم رشد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی

«چشم‌انداز» مبتنی بر ارزش‌دوایی‌هایی است که به وضعیت مطلوب اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی جامعه، در عین توجه به واقعیتهای آن اشاره دارد. پذیرش چنین «چشم‌انداز واحد ملی»، نخستین گام در توفیق برنامه‌ریزی است.

این چشم‌انداز، تصویری از آینده مطلوب را ترسیم می‌کند که هر گاه در ذهن آحاد جامعه جای بگیرد، مسیر تحولات و دگرگونی‌های جامعه را هموارتر می‌کند. در چارچوب چشم‌انداز مطلوب است که، برنامه‌ریزی‌ها و حرکت‌های فردی و اجتماعی به سوی آینده آرمانی جهت پیدا می‌کنند.

لازمه یک نگاه فعال و آینده‌ساز، حرکت بر پایه مدیریت چشم‌انداز است، که بر شناخت وضع موجود و عوامل آن، تحلیل محیط ملی و بین‌المللی، و سرانجام ترسیم چشم‌انداز مطلوب، متکی است.

اگر چه «چشم‌انداز» هر اندازه که از وضع حاضر دور باشد، از کم و کیف تحولی همه جانبه‌تر و ساختاری‌تر در همه ابعاد برخوردار می‌شود، و تمامی متغیرهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور را در بر می‌گیرد، اما در هر حال، ناگزیر باید از وضع موجود آغاز کند، و با اتکا بر نقاط قوت، امتیازات و امکانات کشور، با اتخاذ سیاست‌های مناسب، بر نقاط ضعف و تهدیدها غلبه نماید.

بررسی وضع موجود اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران، دارای این ویژگی‌های برجسته است:

- برخورداری از تمدن و فرهنگی غنی با وحدت جوامع و اقوام گوناگون، یکپارچگی سرزمین و پیشینه تاریخی طولانی، که سهم شایان توجهی در تعمیق و گسترش میراث فرهنگی، علمی و فکری بشر داشته است.

- داشتن موقعیت استثنایی و برتر جغرافیایی و ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک

- برخورداری از میراث با ارزش تاریخی، فرهنگی و طبیعی

- برخورداری از سرمایه‌های انسانی، اجتماعی، پژوهشی و فناوری گسترده

- برخورداری از خلاقیت و استعداد ویژه انسانی، از جمله جمعیت جوان، دانش‌آموخته و هوشمند و نیروی ممتاز متخصص در داخل و خارج کشور

- برخورداری از استقلال سیاسی و تجربه انقلاب اسلامی

- بهره‌مندی از تنوع اقلیمی، وسعت سرزمین و گونه‌های مختلف گیاهی و جانوری و منابع کشاورزی با تنوع محصولات و منابع ژنتیکی

- برخورداری از ذخایر غنی هیدروکربورها (نفت و گاز) و کانی‌های فلزی و غیر فلزی و منابع طبیعی گسترده و تعیین‌کننده در رشد کشور

- برخورداری از زیربناهای گسترده کالبدی و غیر کالبدی، از جمله زیربناهای فیزیکی (شبکه‌های حمل و نقل) و ساختارهای اجتماعی، حقوقی، قانونی و تشکیلاتی

- برخورداری از تجربه نیم قرن فعالیت صنعتی و انباشت سرمایه فیزیکی ارزشمند

- برخورداری از توانایی نوین علمی، پژوهشی و آموزشی

- برخورداری از نیم قرن تجربه برنامه‌ریزی توسعه در کشور

به رغم بهره‌مندی از ظرفیتهای یاد شده، کشور با مشکلات و تنگناهایی نیز روبه‌رو است که اهم آنها به شرح زیر است:

- مهاجرت مداوم بخشی از نیروهای متخصص و کاسته شدن از توانایی‌های علمی کشور

- وجود نزدیک به ۲/۵ میلیون نفر بیکار و ساختار نامتعادل بازار کار

- خشکی سرزمین و محدودیت منابع آب

- وابستگی شدید بودجه دولت به منابع حاصل از صادرات نفت

- توزیع نامتعادل جمعیت، تمرکز و ساختار قطبی جمعیت

- عدم تعادل بین جوامع شهری و روستایی

- ناهنجاری در بخشی از مناسبات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی

- ساختار اقتصاد سنتی، تجاری و متکی به منابع طبیعی و غیر کارآمد

- نازل بودن نسبت سرمایه‌گذاری به تولید، و اتکا به بازارهای داخلی

- اقتصاد درونگرا، ساختار انعطاف‌ناپذیر بازارها، بی‌توجهی و بهره‌گیری نکردن از بسیاری از مزیت‌های موجود

در تدوین و تنظیم آینده ممکن کشور، در افق چشم‌انداز ملی، بهبود روندهای بازار کار به لحاظ کمی و کیفی، توسعه منابع علمی و فرهنگی کشور، افزایش بهره‌وری همراه با استقرار یک جریان رشد سریع و

متناسب با هدف رویکرد تعاملی خردمندان و هشیارانه مبتنی بر عزت، حکمت و مصلحت اقتصاد ملی با اقتصاد جهانی، و تغییر در ساختار فناوری تولید، برای جایگیری مناسب در تقسیم کار جهانی مد نظر قرار گرفته است.

رسیدن به هدفهای مورد نظر چشم‌انداز بلندمدت، با وجودی که روندی دشوار و پیچیده است، لیکن بنا به ضرورت‌های حیاتی برای شکوفایی اقتصاد کشور در این مرحله، و حفظ ثبات، امنیت و ارتقای جایگاه ایران در منطقه و جهان، امری اجتناب‌ناپذیر است. به علاوه تجربه سایر کشورهایی که این مسیر را پیموده‌اند، نشان می‌دهد که نیل به هدفهای مطرح شده در این چشم‌انداز، در پرتو تدبیر، تلاش و انسجام ملی، قابل حصول است. طبعاً اتخاذ راهبردهای مشخص و سیاست‌های کلیدی متناظر با آن، شرط رسیدن به این هدفها خواهد بود. دستاوردهای مشخص و قابل قبول در قلمروها و محورهایی همچون، رشد مستمر و پایدار، توسعه مبتنی بر دانایی، تعامل فعال با اقتصاد جهانی، رقابت‌پذیری اقتصاد، امنیت انسانی و عدالت اجتماعی، امنیت ملی، ارتقای کیفیت زندگی، حفظ محیط زیست و توسعه پایدار، توسعه مدیریت دولتی، امنیت و توسعه قضایی و تعادل منطقه‌ای کشور، بر اساس موازین آمایش سرزمین، شروط اساسی برای تحقق اهداف مورد نظر خواهد بود.

بر این پایه، الزامهای اساسی در دستیابی به هدفهای چشم‌انداز، دربرگیرنده خطوط کلی زیر خواهد بود:

- گسترش و تعمیق فرایند فرهنگ توسعه صنعتی کشور، خدمات مولد ارزش افزوده بالا، و جایگیری در حوزه‌های مناسب و برتر در جهان، در جهت ارتقای موقعیت و منزلت منطقه‌ای و بین‌المللی ایران
- ظرفیت‌سازی و توانمندسازی جامعه، با تکیه بر علوم و فناوری‌های نوین
- نظام دولتی توانمند و منعطف نسبت به الزامهای رشد و توسعه همه جانبه، در فضای جدید ملی و بین‌المللی
- احترام به حقوق مالکیت خصوصی، و ایجاد ساختارهای انگیزشی مناسب فردی و اجتماعی برای شکل‌گیری رشد پایدار و تحقق امنیت انسانی

در سند پیوست، ابتدا به ویژگی‌های جامعه مطلوب در چشم‌انداز توسعه همه جانبه ایران، اشاره می‌شود و سپس به سیاستهای کلی برای دستیابی به هدفهای این چشم‌انداز، پرداخته خواهد شد. در پایان نیز شاخصهای اقتصادی در دوره (۹۴-۱۳۸۴) در دو گزینه ادامه روند موجود، و گزینه مطلوب، مورد مقایسه قرار خواهد گرفت.

امید است با بررسی و تأیید سند چشم‌انداز، و سیاستهای کلی مترتب بر آن، و با فراهم ساختن همه پیش‌نیازهای گوناگون، در پرتو عزم ملی، کشور بتواند به اهداف مورد نظر این سند، در قالب اجرای برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور نائل آید.

مفاد این سند در جلسه مورخ ۱۳۸۲/۵/۲۹ به تأیید هیئت دولت رسید.

◀◀ سند چشم‌انداز بلندمدت جمهوری اسلامی ایران

◀ ۱- ویژگی‌های جامعه مطلوب در چشم‌انداز توسعه ایران

با توجه به فراهم بودن زیرساخت‌های لازم برای مرحله جهش اولیه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، هدفها و ویژگی‌های جامعه مطلوب در افق چشم‌انداز توسعه بلندمدت جمهوری اسلامی ایران (سال ۱۴۰۴)، به شرح زیر است:

- جامعه‌ای متکی بر اصول اخلاقی و ارزشهای دینی، ملی، انقلابی و متکی بر مردم‌سالاری دینی، همراه با پاسداری از آزادیهای مشروع و حقوق انسانی و مدنی
- ایرانی امن، مستقل، مقتدر، همراه با تقویت سامان دفاعی، مبتنی بر بازدارندگی مثبت و پیوستگی مردم و حکومت
- کشوری دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در مقیاس منطقه‌ای، توسعه یافته همراه با رشد پرشتاب علمی، کاهش نرخ بیکاری و ارتقای سطح و کیفیت زندگی مردم
- جامعه‌ای متعادل از هر نظر، برخوردار از سلامت و بهره‌مند از عدالت اجتماعی، نظام تأمین اجتماعی پویا و کارآمد، فرصتهای برابر، رفع فقر، فساد و تبعیض و استواری نهاد خانواده
- جامعه‌ای فعال، مؤثر، مسئولیت‌پذیر، دین‌باور، رضایتمند و علاقمند به نظام اسلامی، و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن
- جامعه‌ای برخوردار از روابط گسترش‌یابنده در تعامل با جهان، مبتنی بر منافع ملی و اصول «حکمت، عزت و مصلحت»
- جامعه‌ای سالم و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب

۲- سیاست‌های کلی نظام در دوره چشم‌انداز

الف: امور فرهنگی

- ۱- تقویت روحیه ایمان و ایثار و عنصر فداکاری به عنوان عامل اصلی اقتدار ملی، تبیین مبانی ارزشی و تقویت اعتماد به نفس ملی
- ۲- ایجاد جامعه‌ای سالم، اخلاقی، مبتنی بر ارزشهای اسلامی، فرهنگ‌مدار و شهروندانی آگاه، عزت‌مند، و برخوردار از ملاکهای درستکاری و احساس رضایتمندی
- ۳- رشد و اعتلای فرهنگ و هنر ایران و اسلام به عنوان عناصر هویت ملی
- ۴- پیشبرد راهبرد گفت و گوی میان تمدن‌ها و فرهنگ‌ها در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی
- ۵- ارتقای نقش و جایگاه زنان در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور و تقویت نهاد خانواده
- ۶- نهادسازی در جهت تولید و ترویج علم و تحقیق و افزایش سهم کشور در تولیدات علمی جهان، و گسترش و تعمیق نهضت نرم‌افزاری، و تأکید بر رویکرد خلاقیت و نوآوری
- ۷- توسعه علوم و فناوری‌های جدید، شامل: فناوری زیستی، ریزفناوری، فناوری فرهنگی، فناوری زیست‌محیطی و فناوری مواد جدید
- ۸- توسعه ارتباطات و زیرساخت‌های ارتباطی و فناوری اطلاعات، متناسب با پیشرفتهای جهانی

ب: امور اجتماعی - سیاسی و دفاعی

- ۹- تضمین حقوق مدنی و انسانی، و دسترسی به فرصتهای برابر برای افراد جامعه، و احترام به نهادینه شدن حقوق معنوی افراد
- ۱۰- توسعه و تجهیز منابع انسانی آگاه، انعطاف‌پذیر و ماهر با قابلیت‌های مشارکت و فعالیت در فضای نوین رقابتی و نوآوری و در حال تغییر
- ۱۱- حاکمیت بخشیدن رویکرد و مبانی علمی و فنی، تمرکززدایی، شفاف‌سازی و پاسخگویی بر همه سطوح و فرایندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری حوزه‌های حاکمیت کشور

- ۱۲- بهبود کیفیت زندگی، سلامت، امنیت غذایی، تربیت بدنی، رفع فقر و حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر و تحقق عدالت اجتماعی
- ۱۳- بهبود ساختار سیاسی، قضایی و ایجاد محیط حقوقی مناسب برای توسعه کشور
- ۱۴- تقویت امنیت و اقتدار ملی با تکیه بر رشد اقتصادی، مشارکت سیاسی و تعادل منطقه‌ای
- ۱۵- ارتقای توان آمادگی دفاعی نیروهای مسلح برای بازدارندگی، ابتکار عمل و مقابله مؤثر در برابر تهدیدها، حفاظت از منافع ملی، انقلاب اسلامی و منابع حیاتی کشور
- ۱۶- دگرگونی در نظام پرداخت یارانه‌ها و پرداخت‌های انتقالی دولت و شفاف‌سازی یارانه‌های پنهان در اقتصاد کشور، همراه و همزمان با اجرای سیاست‌های جبرانی و تقویت نظام‌های جامع تأمین اجتماعی، و حمایت از قشرهای محروم
- ۱۷- تغییر نقش و اندازه دولت به سطح دولتی سیاست‌گذار، تسهیل‌کننده، کارآفرین و کوچک
- ۱۸- تأمین حقوق قانونی اقوام و اقلیتها مصرح در قانون اساسی، در چارچوب همگرایی و تقویت وفاق ملی
- ۱۹- جهت‌گیری روابط خارجی و اتخاذ دیپلماسی فعال برای گسترش همکاری، و حضور کارآمد در مجموعه‌ها و معاهدات منطقه‌ای و بین‌المللی
- ۲۰- توسعه همکاری‌های همه‌جانبه با کشورهای دوست، منطقه و اسلامی و مشارکت بین‌المللی برای حفظ صلح
- ۲۱- توسعه نظم و امنیت عمومی
- ۲۲- تعمیم عدالت از طریق توسعه قضایی، به منظور دستیابی آحاد جامعه به حقوق شهروندی
- ۲۳- توسعه قانونگرایی، تقویت انضباط اجتماعی و وجدان کار
- ۲۴- توجه به نیازها و ضرورت‌های جوانان، و فراهم کردن شرایط مناسب برای مشارکت آنها در فعالیتهای اجتماعی و حمایت از استعداد‌های درخشان
- ۲۵- تقویت مبانی جامعه مدنی، مشارکت همگانی، اخلاق و روحیه کار گروهی و سازگاری رقابت‌پذیری در کلیه روابط اجتماعی و سیاسی

ج: امور اقتصادی

- ۲۶- تحقق رشد اقتصادی سریع، پیوسته و با ثبات
- ۲۷- ایجاد اشتغال مولد و کاهش نرخ بیکاری
- ۲۸- تحقق رقابت‌پذیری اقتصاد کشور در سطح بازارهای داخلی و خارجی
- ۲۹- ایجاد سازوکارهای انگیزشی برای رشد بهره‌وری عوامل تولید (انرژی، سرمایه، نیروی کار، آب و ...)
- ۳۰- تعامل فعال با جهان در تمام عرصه‌ها و هم‌پیوندی و اثربخشی در سطح اقتصاد جهانی
- ۳۱- پشتیبانی از کارآفرینی، فعالیتهای نوآورانه و ظرفیتهای فنی و پژوهشگری
- ۳۲- تأمین امنیت غذایی کشور با تأکید بر خودکفایی نسبی در تولید محصولات کشاورزی
- ۳۳- دستیابی به اقتصاد متنوع، متکی به دانایی، سرمایه انسانی و فناوری‌های نوین
- ۳۴- حضور مؤثر در بازارهای منطقه‌ای و جهانی، و مشارکت فعال در تقسیم کار بین‌المللی
- ۳۵- ایجاد سازوکارهای انگیزشی برای توسعه صادرات غیر نفتی و رفع موانع تولید قابل رقابت در عرصه بازارهای جهانی
- ۳۶- ایجاد فضای مناسب، امن و اطمینان‌بخش برای فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی با تکیه بر احترام به حقوق مالکیت دارایی‌های مادی و غیر مادی
- ۳۷- اتکا به مزیت‌های نسبی و رقابتی، و خلق مزیت‌های جدید
- ۳۸- توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی، به عنوان محرک اصلی رشد اقتصادی
- ۳۹- تلاش برای مهار تورم، و افزایش قدرت خرید گروه‌های متوسط و کم‌درآمد جامعه
- ۴۰- نظم و انضباط مالی و بودجه‌ای و تعادل بین منابع و مصارف دولت
- ۴۱- ارتقای ظرفیت و توانمندی‌های بخش تعاونی، تسهیل فرایند دستیابی آن به منابع، اطلاعات و فناوری، تسهیل ارتباطات و توسعه پیوندهای فنی، اقتصادی و مالی بین انواع تعاونیها
- ۴۲- توسعه حضور بخش‌های تعاونی و خصوصی در همه بخش‌های اقتصادی، و محدود کردن تصدی دولت در فعالیتهای اقتصادی در سقف عناوین مصرح در صدر اصل ۴۴ قانون اساسی و حداکثر حضور کارآمد در قلمروهای امور حاکمیتی

د: آمایش سرزمین، امور زیست‌محیطی و توسعه پایدار

- ۴۳- پایدارسازی فرایند توسعه با تکیه بر حفاظت از محیط زیست و بهره‌برداری بهینه از منابع
- ۴۴- تحقق توسعه پایدار، مبتنی بر دانایی در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی کشور، به نحوی که ضمن ارتقای کیفیت زندگی، حقوق نسلهای کنونی و آینده نیز محفوظ بماند.
- ۴۵- آمایش سرزمین بر مبنای مزیت‌های نسبی مناطق، به نحوی که هر ایرانی به منطقه‌ای که در آن با عزت و آرامش زندگی می‌کند، افتخار نماید.
- ۴۶- شناخت عناصر سازنده فرهنگ، هنر، دانش و تمدن اسلامی و ایرانی، به عنوان عناصر هویت ملی، و بهره‌گیری از مزیت‌های تاریخی و فرهنگی مناطق مختلف کشور، برای مشارکت فعال مناطق در توسعه پایدار
- ۴۷- سازماندهی فضای ملی، ایجاد تعادل منطقه‌ای و تقویت نقش منطقه‌ای کشور، با بهره‌گیری از قابلیت‌ها و مزیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و طبیعی سرزمین، با هدف ارتقای جایگاه بین‌المللی کشور

۳- آینده‌های ممکن در افق چشم‌انداز

اجرای سیاست‌های کلی مندرج در این سند، در قالب عملیات توأم با درایت و مدیریت خردمندانه، علمی و همه‌جانبه و توجه به دیپلماسی هدفمند کشور، همراه با حفظ منابع ملی، باعث تحولات چشمگیری در همه شئون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور خواهد شد. رسیدن به هدفهای یاد شده مستلزم برداشتن گام‌های بزرگ، توأم با نهادسازی پیشرفته، و استفاده از تجربیات کشورهای است که این مسیر را پیموده‌اند.

مقایسه شاخصهای مهم اقتصادی در دوره (۹۴-۱۳۸۴) در دو گزینه ادامه روند موجود، و گزینه مطلوب به شرح زیر می‌باشد:

جدول شماره ۱- مقایسه شاخصهای اقتصادی در دوره (۹۴-۱۳۸۴) در دو گزینه ادامه روند موجود، و گزینه مطلوب چشم‌انداز

گزینه مطلوب	ادامه روند موجود	موضوع
۸/۶	۳/۹	رشد متوسط سالانه تولید ناخالص داخلی (درصد)
۷/۲ (دو برابر سال پایه)	۲/۵	رشد متوسط سالانه درآمد سرانه (درصد)
۱۰/۹	۳/۹	رشد متوسط سالانه سرمایه‌گذاری (درصد)
۴/۴	۱/۵	رشد متوسط سالانه بهره‌وری نیروی کار (درصد)
۷/۰	۱۷/۵	نرخ بیکاری (درصد) در پایان دوره
۲۱۸۴	۵۲۵۷	جمعیت بیکار (هزار نفر) در پایان دوره
۳۱۵۲۷	۱۰۹۲۰	صادرات کالاهای غیر نفتی (میلیون دلار) در سال پایان دوره
۲۳۶۴۵	۵۳۲۰	صادرات صنعتی (میلیون دلار) در سال پایان دوره
۰	-۱۹۸۴۰	تراز تجاری (میلیون دلار) در سال پایان دوره
۶۳۰۶	۱۱۲۶/۵	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (میلیون دلار) در سال پایان دوره
۱۶/۰	۲۷/۳	رشد متوسط سالانه نقدینگی (درصد)
۵/۰	۲۲/۰	نرخ متوسط سالانه تورم (درصد)
۱۴/۰	۲۲/۷	نسبت هزینه دهک ثروتمندترین به دهک فقیرترین افراد جامعه در پایان دوره

سند چشم انداز

جمهوری اسلامی ایران

در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی

(ابلاغیه مقام معظم رهبری)

« بخشنامه شماره ۱۰۱/۱۹۳۰۰۰ مورخ ۱۳۸۲/۹/۲۰ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، موضوع ابلاغ سند چشم‌انداز و سیاستهای کلی برنامه چهارم توسعه

اکنون که همت مجموعه کارشناسی دولت، در تدوین اولیه سند چشم‌انداز، و سیاستهای کلی برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران، پس از تأیید در هیئت محترم دولت، و پس از بررسی همه جانبه در مجمع تشخیص مصلحت نظام، مورد تصویب مقام معظم رهبری قرار گرفته و ابلاغ فرموده‌اند، این اسناد جهت اطلاع و اقدام آن دستگاه ابلاغ می‌گردد.

لازم است جهت‌گیریهای مندرج در سند چشم‌انداز، و سیاستهای کلی نظام در تدوین کلیه لوایح برنامه‌ای، بودجه‌ای و عملیات اجرایی آن دستگاه مورد عمل قرار گیرد.

رجاء واثق دارد استفاده از ثمره این تلاشها و تکیه بر وفاق همگانی در مراحل تصمیم‌سازی، سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌های مربوط به سند چشم‌انداز و سیاستهای کلی نظام در سطوح ملی، استانی، بخشی، دستگاهی و ... انشاءالله، موجبات پیوند دولت و مردم را فراهم، و شرایط لازم را برای تحقق اهداف مورد نظر در چشم‌انداز، بیش از پیش فراهم خواهد ساخت.

خداوند، عزت و رحمت خود را برای مردمانی که در کمال اخوت و برادری و عزم، کمر همت به تمشیت زندگی و امور حیات خود در مسیر رضایت حق بسته‌اند، نازل نموده و خواهد نمود. انشاءالله سربلندی و عزت مردم ایران اسلامی، قرین کارنامه همه ما خواهد بود.

« چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی، ابلاغی مقام معظم رهبری

با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی شده و مدبرانه‌ی جمعی و در مسیر تحقق آرمانها و اصول قانون اساسی، در چشم‌انداز بیست ساله:

ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین الملل.

جامعه ایرانی در افق این چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت:

- توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزشهای اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادیهای مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسانها و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی

- برخوردار از دانش پیشرفته، توانا و تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی

- امن، مستقل، مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه جانبه و پیوستگی مردم و حکومت

- برخوردار از سلامت، رفاه و امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصتهای برابر، توزیع مناسب نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب

- فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایت‌مند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه‌ی تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن

- دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه‌ی آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه)، با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل

- الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام، با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعه‌ی کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای

براساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره)

- دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت

ملاحظه:

در تهیه، تدوین و تصویب برنامه‌های توسعه و بودجه‌های سالیانه، این نکته مورد توجه قرار گیرد که: شاخصهای کمی کلان آنها، از قبیل: نرخ سرمایه‌گذاری، درآمد سرانه، تولید ناخالص ملی، نرخ اشتغال و تورم، کاهش فاصله درآمد میان دهکهای بالا و پایین جامعه، رشد فرهنگ و آموزش و پژوهش و

توانایی‌های دفاعی و امنیتی، باید متناسب با سیاستهای توسعه و اهداف و الزامات چشم‌انداز، تنظیم و تعیین گردد و این سیاستها و هدفها به صورت کامل مراعات شود.

« نامه مقام معظم رهبری در مورخ ۱۳۸۲/۹/۱۱، موضوع ابلاغ سیاستهای کلی

برنامه چهارم توسعه

جناب آقای خاتمی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام و تحیت

در پی ابلاغ سند چشم‌انداز بیست ساله، که به حول و قوه الهی و توجه‌های حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه، خواهد توانست مسیر توسعه و سازندگی کشور را در جهت هدفهای والای جمهوری اسلامی، نمایان و مشخص سازد، اینک سیاستهای کلی برنامه چهارم، که نخستین برنامه دوران بیست ساله است، برابر اصل ۱۱۰ قانون اساسی ابلاغ می‌گردد.

انتظار می‌رود چارچوب این سیاستها و نقاط مورد تکیه در آن، بتواند به تدوین برنامه‌ای جامع و عملیاتی برای دوره پنج‌ساله بیانجامد. بی‌گمان، اهتمام و دقت نظر جنابعالی و هیئت محترم دولت، و از آن پس مجلس شورای اسلامی، می‌توانند در این باره نقش تعیین کننده خود را ایفا کنند.

تأکید بر این معنا، به این علت ضرورت می‌یابد که، برخی از سیاستهای کلی مصرح در برنامه سوم، از توجه کافی در تقنین و اجرا برخوردار نگشت. مجمع محترم تشخیص مصلحت، و نیز خود دستگاه‌های تقنینی و اجرایی می‌توانند، این کمبود را به نحو شایسته‌ای در این برنامه برطرف کنند.

لازم می‌دانم از مجمع محترم تشخیص مصلحت، و هیئت محترم دولت و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و دبیرخانه مجمع و نیز کارشناسان فعال و همکار با این مجموعه‌ها که در تنظیم سیاستهای کلی برنامه چهارم نقش‌آفرینی کردند، صمیمانه سپاسگزاری کنم.

نسخه حاوی مجموعه سیاستها، همزمان برای مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت

ارسال می‌شود.

سید علی خامنه‌ای

سیاستهای کلی برنامه چهارم توسعه

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

جمهوری اسلامی ایران

(ابلاغیه مقام معظم رهبری)

آذرماه ۱۳۸۲

« سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران، ابلاغی مقام معظم

رهبری

« امور فرهنگی، علمی و فناوری

۱- اعتلا و عمق بخشیدن به معرفت و بصیرت دینی بر اساس تعالیم قرآنی و مکتب اهل بیت

(ع)

- استوار کردن ارزشهای انقلاب اسلامی در اندیشه و عمل

- تقویت فضایل اخلاقی، روحیه ایمان، ایثار و امید به آینده

- برنامه‌ریزی برای اصلاح رفتارهای فردی و اجتماعی

۲- زنده و نمایان نگاهداشتن اندیشه دینی و سیاسی حضرت امام (ره)، و برجسته کردن نقش آن

به عنوان یک معیار اساسی در تمام سیاست‌گذاریها و برنامه‌ریزیها

۳- تقویت وجدان کاری و انضباط اجتماعی و روحیه کار و ابتکار، کارآفرینی، درستکاری و

قناعت، و اهتمام به ارتقای کیفیت تولید

- فرهنگ‌سازی برای استفاده از تولیدات داخلی، افزایش تولید و صادرات کالا و خدمات

۴- ایجاد انگیزه و عزم ملی برای دستیابی به اهداف مورد نظر در افق چشم‌انداز

۵- تقویت وحدت و هویت ملی مبتنی بر اسلام و انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی و

آگاهی کافی درباره تاریخ ایران، فرهنگ، تمدن و هنر ایرانی - اسلامی و اهتمام جدی به

زبان فارسی

۶- تعمیق روحیه دشمن‌شناسی و شناخت ترفندها و توطئه‌های دشمنان علیه انقلاب اسلامی و

منافع ملی، ترویج روحیه ظلم‌ستیزی و مخالفت با سلطه‌گری استکبار جهانی

۷- سالم‌سازی فضای فرهنگی، رشد آگاهیها و فضایل اخلاقی و اهتمام به معروف و نهی از

منکر

- اطلاع‌رسانی مناسب برای تحقق ویژگی‌های مورد نظر در افق چشم‌انداز

- ۸- مقابله با تهاجم فرهنگی
- گسترش فعالیتهای رسانه‌های ملی در جهت تبیین اهداف و دستاوردهای ایران اسلامی برای جهانیان
- ۹- سازماندهی و بسیج امکانات و ظرفیتهای کشور در جهت افزایش سهم کشور در تولیدات علمی جهان
- کسب فناوری، به ویژه فناوری‌های نو، شامل ریزفناوری و فناوری‌های زیستی، اطلاعات و ارتباطات، زیست‌محیطی، هوافضا و هسته‌ای
- ۱۰- اصلاح نظام آموزشی کشور، شامل: آموزش و پرورش، آموزش فنی و حرفه‌ای، آموزش عالی، و کارآمد کردن آن برای تأمین منابع انسانی مورد نیاز، در جهت تحقق اهداف چشم‌انداز
- ۱۱- تلاش در جهت تبیین و استحکام مبانی مردم‌سالاری دینی و نهادینه کردن آزادیهای مشروع از طریق آموزش، آگاهی‌بخشی و قانونمند کردن آن

۴ امور اجتماعی، سیاسی، دفاعی و امنیتی

- ۱۲- تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی و ایجاد فرصتهای برابر و ارتقای سطح شاخصهایی از قبیل آموزش، سلامت، تأمین غذا، افزایش درآمد سرانه و مبارزه با فساد
- ۱۳- ایجاد نظام جامع تأمین اجتماعی برای حمایت از حقوق محرومان و مستضعفان و مبارزه با فقر و حمایت از نهادهای عمومی و مؤسسات و خیریه‌های مردمی با رعایت ملاحظات دینی و انقلابی
- ۱۴- تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و در صحنه‌های اجتماعی و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده آنان
- ۱۵- تقویت هویت ملی جوانان متناسب با آرمانهای انقلاب اسلامی
- فراهم کردن محیط رشد فکری و علمی و تلاش در جهت رفع دغدغه‌های شغلی، ازدواج، مسکن و آسیبهای اجتماعی آنان
- توجه به مقتضیات دوره جوانی و نیازها و توانایی‌های آنان

- ۱۶- ایجاد محیط و ساختار مناسب حقوقی، قضایی و اداری برای تحقق اهداف چشم‌انداز
- ۱۷- اصلاح نظام اداری و قضایی در جهت: افزایش تحرک و کارایی، بهبود خدمت‌رسانی به مردم، تأمین کرامت و معیشت کارکنان، به‌کارگیری مدیران و قضات لایق و امین و تأمین شغلی آنان، حذف یا ادغام مدیریتهای موازی، تأکید بر تمرکززدایی در حوزه‌های اداری و اجرایی، پیشگیری از فساد اداری و مبارزه با آن و تنظیم قوانین مورد نیاز
- ۱۸- گسترش و عمق بخشیدن به روحیه تعاون و مشارکت عمومی و بهره‌مند ساختن دولت از همدلی و توانایی‌های عظیم مردم
- ۱۹- آمایش سرزمینی مبتنی بر اصول ذیل:
- ملاحظات امنیتی و دفاعی
 - کارایی و بازدهی اقتصادی
 - وحدت و یکپارچگی سرزمین
 - گسترش عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌ای
 - حفاظت محیط زیست و احیای منابع طبیعی
 - حفظ هویت اسلامی، ایرانی و حراست از میراث فرهنگی
 - تسهیل و تنظیم روابط درونی و بیرونی اقتصاد کشور
 - رفع محرومیتها، خصوصاً در مناطق روستایی کشور
- ۲۰- تقویت امنیت و اقتدار ملی، با تأکید بر رشد علمی و فناوری، مشارکت و ثبات سیاسی، ایجاد تعادل میان مناطق مختلف کشور، وحدت و هویت ملی، قدرت اقتصادی و دفاعی و ارتقای جایگاه جهانی ایران
- ۲۱- هویت‌بخشی به سیمای شهری و روستا
- بازآفرینی و روزآمدسازی معماری ایرانی - اسلامی
 - رعایت معیارهای پیشرفته برای ایمنی بناها و استحکام ساخت و سازها
- ۲۲- تقویت و کارآمد کردن نظام بازرسی و نظارت
- اصلاح قوانین و مقررات در جهت رفع تداخل میان وظایف نهادهای نظارت و بازرسی

- ۲۳- اولویت دادن به ایثارگران انقلاب اسلامی در عرضه منابع مالی و فرصتها و امکانات و مسئولیتهای دولتی در صحنه‌های مختلف فرهنگی و اقتصادی
- ۲۴- ارتقای توان دفاعی نیروهای مسلح برای بازدارندگی، ابتکار عمل و مقابله مؤثر در برابر تهدیدها و حفاظت از منافع ملی و انقلاب اسلامی و منابع حیاتی کشور
- ۲۵- توجه ویژه به حضور و سهم نیروهای مردمی در استقرار امنیت و دفاع از کشور و انقلاب با تقویت کمی و کیفی بسیج مستضعفین
- ۲۶- تقویت، توسعه و نوسازی صنایع دفاعی کشور، با تأکید بر گسترش تحقیقات و سرعت دادن به انتقال فناوری‌های پیشرفته
- ۲۷- توسعه نظم و امنیت عمومی، و پیشگیری و مقابله مؤثر با جرائم و مفاسد اجتماعی و امنیتی از طریق تقویت و هماهنگی دستگاه‌های قضایی، امنیتی و نظامی، و توجه جدی در تخصیص منابع به وظایف مربوط به اعمال حاکمیت دولت

◀ امور مربوط به مناسبات سیاسی و روابط خارجی

- ۲۸- ثبات در سیاست خارجی بر اساس قانون اساسی و رعایت عزت، حکمت و مصلحت و تقویت روابط خارجی از طریق:
- گسترش همکاری‌های دو جانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی
 - ادامه پرهیز از تشنج در روابط با کشورها
 - تقویت روابط سازنده با کشورهای غیر متخاصم
 - بهره‌گیری از روابط برای افزایش توان ملی
 - مقابله با افزون خواهی و اقدام متجاوزانه در روابط خارجی
 - تلاش برای رهایی منطقه از حضور نظامی بیگانگان
 - مقابله با تک قطبی شدن جهان
 - حمایت از مسلمانان و ملت‌های مظلوم و مستضعف، به ویژه ملت فلسطین
 - تلاش برای همگرایی بیشتر میان کشورهای اسلامی

- تلاش برای اصلاح ساختار سازمان ملل
- ۲۹- بهره‌گیری از روابط سیاسی با کشورها برای نهادینه کردن روابط اقتصادی، افزایش جذب منابع و سرمایه‌گذاری خارجی و فناوری پیشرفته و گسترش بازارهای صادراتی ایران و افزایش سهم ایران از تجارت جهانی و رشد پرشتاب اقتصادی مورد نظر در چشم‌انداز
- ۳۰- تحکیم روابط با جهان اسلام و ارائه‌ی تصویر روشن از انقلاب اسلامی و تبیین دست‌آوردها و تجربیات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جمهوری اسلامی، و معرفی فرهنگ غنی و هنر و تمدن ایرانی و مردم‌سالاری دینی
- ۳۱- تلاش برای تبدیل مجموع کشورهای اسلامی و دوست منطقه، به یک قطب منطقه‌ای اقتصادی، علمی، فناوری و صنعتی
- ۳۲- تقویت و تسهیل حضور فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مجامع جهانی و سازمانهای فرهنگی بین‌المللی
- ۳۳- تقویت هویت اسلامی و ایرانی ایرانیان خارج از کشور، کمک به ترویج زبان فارسی در میان آنان، حمایت از حقوق آنان، و تسهیل مشارکت آنان در توسعه ملی

◀ امور اقتصادی

- ۳۴- تحقق رشد اقتصادی پیوسته، با ثبات و پرشتاب متناسب با اهداف چشم‌انداز
- ایجاد اشتغال مولد و کاهش نرخ بیکاری
- ۳۵- فراهم نمودن زمینه‌های لازم برای تحقق رقابت‌پذیری کالاها و خدمات کشور در سطح بازارهای داخلی و خارجی و ایجاد سازوکارهای مناسب برای رفع موانع توسعه صادرات غیر نفتی
- ۳۶- تلاش برای دستیابی به اقتصادی متنوع و متکی بر منابع دانش و آگاهی، سرمایه انسانی و فناوری نوین
- ۳۷- ایجاد سازوکار مناسب برای رشد بهره‌وری عوامل تولید (انرژی، سرمایه، نیروی کار، آب و خاک و ...)

- پشتیبانی از کارآفرینی، نوآوری و استعدادهای فنی و پژوهشی
- ۳۸- تأمین امنیت غذایی کشور با تکیه بر تولید از منابع داخلی و تأکید بر خودکفایی در تولید محصولات اساسی کشاورزی
- ۳۹- مهار تورم و افزایش قدرت خرید گروههای کم درآمد و محروم و مستضعف و کاهش فاصله بین دهکهای بالا و پایین درآمدی جامعه و اجرای سیاستهای مناسب جبرانی
- ۴۰- توجه به ارزش اقتصادی، امنیتی، سیاسی و زیست محیطی آب در استحصال، عرضه، نگهداری و مصرف آن
- مهار آبهایی که از کشور خارج می شود و اولویت استفاده از منابع آبهای مشترک
- ۴۱- حمایت از تأمین مسکن گروههای کم درآمد و نیازمند
- ۴۲- حرکت در جهت تبدیل ذخایر نفت و گاز به دارایی های مولد به منظور پایدارسازی فرایند توسعه و تخصیص و بهره برداری بهینه از منابع
- ۴۳- توسعه روستاها
- ارتقای سطح درآمد و زندگی روستائیان و کشاورزان و رفع فقر، با تقویت زیرساختهای مناسب تولید و تنوع بخشی و گسترش فعالیتهای مکمل، به ویژه صنایع تبدیلی و کوچک و خدمات نوین، با تأکید بر اصلاح نظام قیمت گذاری محصولات
- ۴۴- هم افزایی و گسترش فعالیتهای اقتصادی در زمینه هایی که دارای مزیت نسبی هستند از جمله صنعت، معدن، تجارت، مخابرات، حمل و نقل و گردشگری، به ویژه صنایع نفت، گاز و پتروشیمی و خدمات مهندسی پشتیبان آن، صنایع انرژی بر و زنجیره پایین دستی آنها، با اولویت سرمایه گذاری در ایجاد زیربناها و زیرساختهای مورد نیاز و ساماندهی سواحل و جزایر ایرانی خلیج فارس در چارچوب سیاستهای آمایش سرزمین
- ۴۵- تثبیت فضای اطمینان بخش برای فعالان اقتصادی و سرمایه گذاران با اتکا به مزیت های نسبی و رقابتی و خلق مزیت های جدید و حمایت از مالکیت و کلیه حقوق ناشی از آن
- ۴۶- ارتقای بازار سرمایه ایران و اصلاح ساختار بانکی و بیمه ای کشور، با تأکید بر کارایی، شفافیت، سلامت و بهره مندی از فناوری های نوین

- ایجاد اعتماد و حمایت از سرمایه‌گذاران با حفظ مسئولیت‌پذیری آنان
 - تشویق رقابت و پیشگیری از وقوع بحرانها و مقابله با جرمهای مالی
 - ۴۷- توانمندسازی بخشهای خصوصی و تعاونی به عنوان محرک اصلی رشد اقتصادی و کاهش تصدی دولت، همراه با حضور کارآمد دولت در قلمرو امور حاکمیتی در چارچوب سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی که ابلاغ خواهد شد.
 - ۴۸- ارتقای ظرفیت و توانمندی‌های بخش تعاونی، از طریق تسهیل فرایند دستیابی به منابع، اطلاعات، فناوری، ارتباطات و توسعه پیوندهای فنی، اقتصادی و مالی آن
 - ۴۹- توجه و عنایت جدی بر مشارکت عامه مردم در فعالیتهای اقتصادی کشور و رعایت جهات زیر در امور واگذاری مؤسسات اقتصادی دولت به مردم:
 - امر واگذاری در جهت تحقق اهداف برنامه باشد و خود، هدف قرار نگیرد.
 - در چارچوب قانون اساسی صورت پذیرد.
 - موجب تهدید امنیت ملی و یا تزلزل حاکمیت ارزشهای اسلامی و انقلابی نگردد.
 - به خدشه‌دار شدن حاکمیت نظام یا تضییع حق مردم و یا ایجاد انحصار نینجامد.
 - به مدیریت سالم و اداره درست کار توجه شود.
 - ۵۰- اهتمام به نظم و انضباط مالی و بودجه‌ای و تعادل بین منابع و مصارف دولت
 - ۵۱- تلاش برای قطع اتکای هزینه‌های جاری دولت به نفت، و تأمین آن از محل درآمدهای مالیاتی و اختصاص عواید نفت برای توسعه سرمایه‌گذاری بر اساس کارایی و بازدهی
 - ۵۲- تنظیم سیاستهای پولی، مالی و ارزی با هدف دستیابی به ثبات اقتصادی و مهار نوسانات
- ملاحظه:

شاخصهای کمی و نحوه انطباق محتوای برنامه‌ها و بودجه‌های سالانه، متناسب با سیاستهای کلی برنامه چهارم تهیه و ارائه شود.

مقایسه سیاستهای کلی ابلاغیه مقام معظم رهبری و

احکام برنامه چهارم توسعه

(مصوب مجلس شورای اسلامی، ارسالی به

مجمع تشخیص مصلحت نظام)

« مقایسه سیاستهای کلی ابلاغ شده مقام معظم رهبری و احکام برنامه چهارم توسعه (مصوب مجلس شورای اسلامی^۱)، ارسالی به مجمع تشخیص مصلحت نظام)

احکام متناظر در برنامه چهارم توسعه	ابلاغی مقام معظم رهبری
ماده ۱۰۹	<p>- امور فرهنگی، علمی و فناوری:</p> <p>۱- اعتلا و عمق و گسترش معرفت و بصیرت دینی بر پایه قرآن و مکتب اهل بیت (ع)</p> <p>- استوار کردن ارزشهای انقلاب اسلامی در اندیشه و عمل</p> <p>- تقویت فضایل اخلاقی و ایمان، روحیه ایثار و امید به آینده</p> <p>- برنامه‌ریزی برای بهبود رفتارهای فردی و اجتماعی</p>
ماده ۱۰۹	<p>۲- زنده و نمایان نگاهداشتن اندیشه دینی و سیاسی حضرت امام خمینی (ره) و برجسته کردن نقش آن به عنوان یک معیار اساسی در تمام سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها</p>
مواد ۹۹ و ۱۲۲	<p>۳- تقویت وجدان کاری و انضباط اجتماعی و روحیه کار و ابتکار، کارآفرینی، درستکاری و قناعت و اهتمام به ارتقای کیفیت تولید</p>
ماده ۳۷	<p>- فرهنگسازی برای استفاده از تولیدات داخلی، افزایش تولید و صادرات کالا و خدمات</p>
میثاق و منشور ملی تحقق اهداف برنامه	<p>۴- ایجاد انگیزه و عزم ملی برای دستیابی به اهداف مورد نظر در افق چشم‌انداز</p>
مواد ۱۰۹ و ۱۱۲	<p>۵- تقویت وحدت و هویت ملی مبتنی بر اسلام و انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی و آگاهی کافی درباره تاریخ ایران، فرهنگ، تمدن و هنر ایرانی - اسلامی و اهتمام جدی به زبان فارسی</p>
ماده ۱۲۲	<p>۶- تمیق روحیه دشمن‌شناسی و شناخت ترفندها و توطئه‌های دشمنان علیه انقلاب اسلامی و منافع ملی، ترویج روحیه ظلم‌ستیزی و مخالفت با سلطه‌گری استکبار جهانی</p>
ماده ۱۰۹	<p>۷- سالم‌سازی فضای فرهنگی، رشد آگاهی‌ها و فضایل اخلاقی و اهتمام به امر معروف و نهی از منکر</p> <p>- اطلاع‌رسانی مناسب برای تحقق ویژگی‌های مورد نظر در افق چشم‌انداز</p>

ماده ۱۰۹	۸- مقابله با تهاجم فرهنگی گسترش فعالیت رسانه‌های ملی در جهت تبیین اهداف و دستاوردهای ایران اسلامی برای جهانیان
مواد ۴۳، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۲	۹- سازماندهی و بسیج امکانات و ظرفیتهای کشور در جهت افزایش سهم کشور در تولیدات علمی جهان - تقویت نهضت نرم‌افزاری و ترویج پژوهش - کسب فناوری، به ویژه فناوری‌های نو، شامل ریزفناوری و فناوری‌های زیستی، اطلاعات و ارتباطات زیست‌محیطی، هوافضا و هسته‌ای
مواد ۴۸، ۴۹، ۵۰	۱۰- اصلاح نظام آموزشی کشور، شامل: آموزش و پرورش، آموزش فنی و حرفه‌ای، آموزش عالی و کارآمد کردن آن برای تأمین منابع انسانی مورد نیاز در جهت تحقق اهداف چشم‌انداز ۱۱- تلاش در جهت تبیین و استحکام مبانی مردم‌سالاری دینی و نهادینه کردن آزادی‌های مشروع از طریق آموزش، آگاهی‌بخشی و قانونمند کردن آن - امور اجتماعی، سیاسی، دفاعی و امنیتی:
مواد ۱۹، ۳۷، ۵۲، ۵۳، ۸۵، ۸۶، ۸۹، ۹۱، ۹۶، ۱۰۲، ۱۵۱ ماده ۹۶	۱۲- تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی و ایجاد فرصتهای برابر و ارتقای سطح شاخصهایی از قبیل آموزش، سلامت، تأمین غذا، افزایش درآمد سرانه و مبارزه با فساد ۱۳- ایجاد نظام جامع تأمین اجتماعی، برای حمایت از حقوق محرومان و مستضعفان و مبارزه با فقر و حمایت از نهادهای عمومی و مؤسسات و خیریه‌های مردمی، با رعایت ملاحظات دینی و انقلابی
مواد ۹۹، ۱۰۲، ۱۱۴	۱۴- تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و در صحنه‌های اجتماعی، و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده آنان ۱۵- تقویت هویت ملی جوانان، متناسب با آرمانهای انقلاب اسلامی - فراهم کردن محیط رشد فکری و علمی و تلاش در جهت رفع دغدغه‌های شغلی، ازدواج، مسکن و آسیبهای اجتماعی آنان - توجه به مقتضیات دوره جوانی، نیازها و توانایی‌های آنان
مواد ۲۲، ۳۳، ۳۴، ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۱۳۳، ۱۵۱ مواد ۱۳۳، ۱۵۱	۱۶- ایجاد محیط و ساختار مناسب حقوقی، قضایی و اداری برای تحقق اهداف چشم‌انداز ۱۷- اصلاح نظام اداری و قضایی در جهت: افزایش تحرک و کارایی، بهبود خدمت‌رسانی به مردم، تأمین کرامت و معیشت کارکنان، به‌کارگیری مدیران و قضات لایق و امین و تأمین شغلی آنان، حذف یا ادغام مدیریتهای موازی، تأکید بر تمرکززدایی در حوزه‌های اداری و اجرایی، پیشگیری از فساد اداری و مبارزه با آن و تنظیم قوانین مورد نیاز

مواد ۹۹، ۱۰۷، ۱۲۲، ۱۳۹، ۱۴۳	۱۸- گسترش و عمق بخشیدن به روحیه تعاون و مشارکت عمومی و بهره‌مند ساختن دولت از همدلی و توانایی‌های عظیم مردم
مواد ۷۳، ۷۵، ۷۶	۱۹- آمایش سرزمینی مبتنی بر اصول ذیل: - ملاحظات امنیتی و دفاعی - کارایی و بازدهی اقتصادی - وحدت و یکپارچگی سرزمین - گسترش عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌ای - حفاظت محیط زیست و احیای منابع طبیعی - حفظ هویت اسلامی، ایرانی و حراست از میراث فرهنگی - تسهیل و تنظیم روابط درونی و بیرونی اقتصاد کشور - رفع محرومیتها، خصوصاً در مناطق روستایی کشور
مواد ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵	۲۰- تقویت امنیت و اقتدار ملی، با تأکید بر رشد علمی و فناوری، مشارکت و ثبات سیاسی، ایجاد تعادل میان مناطق مختلف کشور، وحدت و هویت ملی، قدرت اقتصادی و دفاعی و ارتقای جایگاه جهانی ایران
مواد ۳۱، ۱۱۲، ۱۱۶	۲۱- هویت‌بخشی به سیمای شهر و روستا - بازآفرینی و روزآمدسازی معماری ایرانی - اسلامی - رعایت معیارهای پیشرفته برای ایمنی بناها و استحکام ساخت و سازها
ماده ۱۶۲	۲۲- تقویت و کارآمد کردن نظام بازرسی و نظارت - اصلاح قوانین و مقررات در جهت رفع تداخل میان وظایف نهادهای نظارتی و بازرسی
ماده ۱۰۰	۲۳- اولویت دادن به ایثارگران انقلاب اسلامی در عرضه منابع ملی و فرصت‌ها و امکانات و مسئولیت‌های دولتی، در صحنه‌های مختلف فرهنگی و اقتصادی
ماده ۱۲۴	۲۴- ارتقای توان دفاعی نیروهای مسلح برای بازدارندگی، ابتکار عمل و مقابله مؤثر در برابر تهدیدها و حفاظت از منابع ملی و انقلاب اسلامی و منابع حیاتی کشور
ماده ۱۲۴	۲۵- توجه ویژه به حضور و سهم نیروهای مردمی در استقرار امنیت و دفاع از کشور و انقلاب، با تقویت کمی و کیفی بسیج مستضعفین
ماده ۱۲۴	۲۶- تقویت، توسعه و نوسازی صنایع دفاعی کشور با تأکید بر گسترش تحقیقات و سرعت دادن به انتقال فناوری‌های پیشرفته
مواد ۱۲۲، ۱۳۸	۲۷- توسعه نظم و امنیت عمومی و پیشگیری و مقابله مؤثر با جرایم و مفاسد اجتماعی و امنیتی، از طریق تقویت و هماهنگی دستگاه‌های قضایی، امنیتی و نظامی و توجه جدی در تخصیص منابع به وظایف مربوط به اعمال حاکمیت دولت

<p>مواد ۸۳ تا ۸۶ برنامه سوم تنفیذ شده در برنامه چهارم</p>	<p>۲۸- ثبات در سیاست خارجی بر اساس قانون اساسی و رعایت عزت، حکمت و مصلحت و تقویت روابط خارجی از طریق:</p> <ul style="list-style-type: none"> - گسترش همکاری‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی - ادامه پرهیز از تشنج در روابط با کشورها - تقویت روابط سازنده با کشورهای غیر متخاصم - بهره‌گیری از روابط برای افزایش توان ملی - مقابله با افزون خواهی و اقدام متجاوزانه در روابط خارجی - تلاش برای رهایی منطقه از حضور نظامی بیگانگان - مقابله با تک قطبی شدن جهان - حمایت از مسلمانان و ملت‌های مظلوم و مستضعف به ویژه ملت فلسطین - تلاش برای همگرایی بیشتر میان کشورهای اسلامی - تلاش برای اصلاح ساختار سازمان ملل
<p>مواد ۲۲، ۲۴، ۳۳، ۴۰، ۴۸</p>	<p>۲۹- بهره‌گیری از روابط سیاسی با کشورها، برای نهادینه کردن روابط اقتصادی، افزایش جذب منابع و سرمایه‌گذاری خارجی و فناوری پیشرفته و گسترش بازارهای صادراتی ایران، و افزایش سهم ایران از تجارت جهانی و رشد پرشتاب اقتصادی مورد نظر در چشم‌انداز</p>
<p>مواد ۶۲، ۶۶، ۱۱۲، ۱۱۷</p>	<p>۳۰- تحکیم روابط با جهان اسلام و ارائه‌ی تصویر روشن از انقلاب اسلامی و تبیین دست‌آوردها و تجربیات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جمهوری اسلامی و معرفی فرهنگ غنی و هنر و تمدن ایرانی و مردم‌سالاری دینی</p>
<p>ماده ۳۳ و مواد ۸۳ تا ۸۶ برنامه سوم</p>	<p>۳۱- تلاش برای تبدیل مجموعه کشورهای اسلامی و کشورهای دوست منطقه، به یک قطب منطقه‌ای اقتصادی، علمی، فناوری و صنعتی</p>
<p>مواد ۸۳ تا ۸۶ برنامه سوم</p>	<p>۳۲- تقویت و تسهیل حضور فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، در مجامع جهانی و سازمان‌های فرهنگی بین‌المللی</p>
<p>ماده ۱۱۶ و مواد ۸۳ تا ۸۶ برنامه سوم</p>	<p>۳۳- تقویت هویت اسلامی و ایرانی ایرانیان خارج از کشور، کمک به ترویج زبان فارسی در میان آنان، حمایت از حقوق آنان، و تسهیل مشارکت آنان در توسعه ملی</p>
<p>ماده ۲۲</p>	<p>- امور اقتصادی:</p>
<p>ماده ۲۲</p>	<p>۳۴- تحقق رشد اقتصادی پیوسته، باثبات و پرشتاب، متناسب با اهداف چشم‌انداز - ایجاد اشتغال مولد و کاهش نرخ بیکاری</p>
<p>مواد ۲۲، ۳۳، ۳۷</p>	<p>۳۵- فراهم نمودن زمینه‌های لازم برای تحقق رقابت‌پذیری کالاها و خدمات کشوری در سطح بازارهای داخلی و خارجی، و ایجاد سازوکارهای مناسب برای رفع موانع توسعه صادرات غیر نفتی</p>

ماده ۴۳	۳۶- تلاش برای دستیابی به اقتصاد متنوع و متکی بر منابع دانش و آگاهی، سرمایه انسانی و فناوری نوین
مواد ۳، ۸، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۴۶، ۴۵	۳۷- ایجاد سازوکار مناسب برای رشد بهره‌وری عوامل تولید (انرژی، سرمایه، نیروی کار و ...) - پشتیبانی از کارآفرینی، نوآوری و استعدادهای فنی و پژوهشی
مواد ۱۹، ۸۵، ۹۶	۳۸- تأمین امنیت غذایی کشور، با تکیه بر تولید از منابع داخلی و تأکید بر خودکفایی در تولید محصولات اساسی کشاورزی
مواد ۱۱، ۹۶، ۱۹، ۹۷، ۹۸، ۱۰۲	۳۹- مهار تورم و افزایش قدرت خرید گروههای کم‌درآمد و محروم و مستضعف و کاهش فاصله بین دهکهای بالا و پایین درآمدی جامعه و اجرای سیاستهای مناسب جبرانی
مواد ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۵۹، ۶۷	۴۰- توجه به ارزش اقتصادی، امنیتی، سیاسی و زیست‌محیطی آب در استحصال، عرضه، نگهداری و مصرف آن
مواد ۳۰، ۱۰۰	- مهار آبهایی که از کشور خارج می‌شود و اولویت استفاده از منابع آبهای مشترک
مواد ۱، ۲، ۳، ۴	۴۱- حمایت از تأمین مسکن گروههای کم‌درآمد و نیازمند
مواد ۲۰، ۲۸، ۳۹، ۷۳	۴۲- حرکت در جهت تبدیل درآمد نفت و گاز به دارایی‌های مولد، به منظور پایدارسازی فرایند توسعه و تخصیص و بهره‌برداری بهینه از منابع
مواد ۲۴، ۲۸، ۳۳، ۳۵	۴۳- توسعه روستاها - ارتقای سطح درآمد و زندگی روستائیان و کشاورزان و رفع فقر، با تقویت زیرساختهای مناسب تولید و تنوع بخشی و گسترش فعالیتهای مکمل، به ویژه صنایع تبدیلی و کوچک و خدمات نوین، با تأکید بر اصلاح نظام قیمت‌گذاری محصولات
مواد ۲۴، ۲۸، ۳۳، ۳۵	۴۴- هم‌افزایی و گسترش فعالیتهای اقتصادی در زمینه‌هایی که دارای مزیت نسبی هستند از جمله صنعت، معدن، تجارت، مخابرات، حمل و نقل و گردشگری، به ویژه صنایع نفت، گاز و پتروشیمی و خدمات مهندسی پشتیبان آن، صنایع انرژی‌بر و زنجیره پایین‌دستی آنها، با اولویت سرمایه‌گذاری در ایجاد زیربنای و زیرساختهای مورد نیاز، و ساماندهی سواحل و جزایر ایرانی خلیج فارس در چارچوب سیاستهای آمایش سرزمین
مواد ۷، ۸، ۲۲، ۲۷، ۳۸، ۴۵	۴۵- تثبیت فضای اطمینان‌بخش برای فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران، با اتکا به مزیت‌های نسبی و رقابتی و خلق مزیت‌های جدید و حمایت از مالکیت و کلیه حقوق ناشی از آن
مواد ۱۶، ۱۷، ۴۱	۴۶- ارتقای بازار سرمایه ایران و اصلاح ساختار بانکی و بیمه‌ای کشور با تأکید بر کارایی، شفافیت، سلامت و بهره‌مندی از فناوری‌های نوین
	- ایجاد اعتماد و حمایت از سرمایه‌گذاران، با حفظ مسئولیت‌پذیری آنان
	- تشویق رقابت و پیشگیری از وقوع بحرانها و مقابله با جرمهای مالی

<p>مواد ۳۸، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۸</p> <p>مواد ۸، ۵۶</p> <p>ماده ۸</p> <p>ماده ۲</p> <p>مواد ۱، ۲</p> <p>مواد ۱، ۳، ۴، ۱۲، ۱۴، ۹۶</p>	<p>۴۷- توانمندسازی بخشهای خصوصی و تعاونی به عنوان محرک اصلی رشد اقتصادی، و کاهش تصدی دولت همراه با حضور کارآمد آن در قلمرو امور حاکمیتی، در چارچوب سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی که ابلاغ خواهد شد.</p> <p>۴۸- ارتقای ظرفیت و توانمندی‌های بخش تعاونی از طریق تسهیل فرایند دستیابی به منابع، اطلاعات، فناوری، ارتباطات و توسعه پیوندهای فنی، اقتصادی و مالی آن</p> <p>۴۹- توجه و عنایت جدی بر مشارکت عامه مردم در فعالیتهای اقتصادی کشور و رعایت جهت‌های زیر در امر واگذاری مؤسسات اقتصادی دولت به مردم</p> <p>- امر واگذاری در جهت تحقق اهداف برنامه باشد و خود، هدف قرار نگیرد.</p> <p>- در چارچوب قانون اساسی صورت پذیرد.</p> <p>- موجب تهدید امنیت ملی و یا تزلزل حاکمیت ارزشهای اسلامی و انقلابی نگردد.</p> <p>- به خدشه‌دار شدن حاکمیت نظام یا تضییع حق مردم و یا ایجاد انحصار نیانجامد.</p> <p>- به مدیریت سالم و اداره درست کار توجه شود.</p> <p>۵۰- اهتمام به نظم و انضباط مالی و بودجه‌ای و تعادل بین منابع و مصارف دولت</p> <p>۵۱- تلاش برای قطع اتکای هزینه‌های جاری به نفت، و تأمین آن از محل درآمدهای مالیاتی، و اختصاص عواید نفت برای توسعه سرمایه‌گذاری، بر اساس کارایی و بازدهی</p> <p>۵۲- تنظیم سیاستهای پولی، مالی و ارزی با هدف دستیابی به ثبات اقتصادی و مهار نوسانات</p>
<p>ملاحظه: شاخصهای کمی و نحوه انطباق محتوای برنامه‌ها و بودجه‌های سالانه، متناسب با سیاستهای کلی برنامه چهارم تهیه و ارائه شود.</p>	

مبانی نظری چشم‌انداز

سیاست‌های کلی نظام

و برنامه چهارم توسعه

◀ مقدمه

تهیه و تدوین برنامه چهارم توسعه، با توجه به ضرورتها و الزامهای ناشی از آرمانهای مطرح شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تحولات بین‌المللی، فضای نوین اقتصاد جهانی و نیازهای توسعه اقتصادی، اجتماعی کشور در مرحله کنونی، از جمله رشد سرمایه‌گذاری، تولید، اشتغال و در بلندمدت برپایی اقتصادی توانمند، پویا و بالنده، با هدف تحقق صادرات انبوه به جای صدور مواد و کالاهای نخستین، به ویژه نفت خام، ناگزیر باید بر رویکردی منطقی نسبت به تحولات پیش رو و ترسیم چشم‌انداز آینده در افق بلندمدت **Vision** استوار می‌شد.

جهان در قرن بیست و یکم دنیایی آکنده از رقابت، توسعه بازارها، ظهور و رواج فناوری‌های برتر و گسترش تجارت است. بنابر این شرط توفیق در این عرصه، بهره‌گیری از فرصتها و رویارویی با چالشهای پیش رو است، و این همه ایجاب می‌کند که فرایند توسعه اقتصادی، اجتماعی با رویکردی راهبردی نسبت به تشخیص شرایط جدید بین‌المللی و با شناخت دگرگونیها در ترکیب و روند مناسبات سیاسی، اقتصادی جهانی و منطقه‌ای، و همچنین با نگرش به مهم‌ترین مسائل و تنگناهای اقتصاد ملی، مسیر انجام تحولات ساختاری، فناوری و پاسخگویی به الزامات رشد پایدار و با ثبات اقتصاد کشور را هموار سازد.

بدیهی است اتخاذ رهیافتی استراتژیک، نسبت به تعیین اولویتها و جهت‌گیری‌های اساسی آینده کشور، در متن تحولات بین‌المللی - منطقه‌ای، تنها نمی‌تواند به برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت بسنده کند، و ناگزیر باید بر برنامه‌ریزی‌های بلندمدت، ارائه‌ی دورنماها و تحلیل چشم‌اندازهای به افق دور دست، با هدف‌گذاری روشن و مشخص متکی باشد. برنامه‌ریزی‌های بلندمدت با تجسم بخشیدن به مبانی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه آرمانی آینده، زمینه شکل‌گیری تحولات و اصلاحات و بازآرایی اقتصاد ملی و چارچوبهای طراحی و اجرای برنامه‌های میان‌مدت و کوتاه‌مدت را فراهم می‌آورد. مدیریت اقتصادی در قالبهای غیر مبتنی بر نگرشهای راهبردی و بدون تعهد به آرمانها و آمجهای بلندمدت، در نهایت کشور را به مسیر نوعی روزمرگی و تسلسل و تراکم دشواریها و تنگناها سوق خواهد داد.

شایان توجه است که برنامه بلندمدت راهبردی در مجموع اقتصاد ملی و در بخشهای مختلف آن، به هیچ وجه به معنای تجمیع برنامه‌های میان‌مدت نیست، و در واقع هدف نهایی آن معطوف به تبیین گزینه‌های استراتژیک و جهت‌های اصلی تحولات ساختاری - نهادی، و ارائه‌ی عرصه‌های انتخاب برای تدوین برنامه‌های میان‌مدت، در مسیر حرکت به طرف جامعه آرمانی است. از این رو برنامه‌های بلندمدت را می‌توان، به افروختن نوری در تاریکی آینده تشبیه کرد که حرکتها و ساماندهیهای کوتاه‌مدت و میان‌مدت را با کمترین انحراف و اتلاف در تخصیص منابع، به سوی نقطه راهنما هدایت می‌کند.

در همین حال برنامه استراتژیک بلندمدت، چشم‌اندازهای آینده کشور را با ملاحظه روندها و گرایشهای راهبردی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سطوح بین‌المللی و ملی، مطرح می‌کند و به این دلیل، این برنامه یا تحلیل چشم‌انداز، تفاوت‌های اساسی با شکل مرسوم برنامه‌ریزی‌های میان‌مدت و بلندمدت اجرایی دارد. هدف از تهیه چنین برنامه‌ای از یک سو، آگاهی از گرایشهای مسلط و تعیین کننده در حوزه مسائل مربوط به امنیت و بقای ملی در آینده است و از سوی دیگر، شناخت عوامل بحران‌زا و ارائه‌ی راهکارهای مناسب برای غلبه بر بحرانها می‌باشد، که ناگزیر باید با ارائه‌ی چارچوبی برای مدیریت استراتژیک و طرح راهبردهای بلندمدت توسعه اقتصادی، صنعتی کشور با نگرشی به فرصتها و چالشهای پیش رو توأم باشد. طبعاً، طی کردن مرحله گذار از وضع موجود، و رسیدن به وضع مطلوب در افق بلندمدت مستلزم دگرگونی در ساختارها، نهادها و همچنین تنظیم حرکتها به گونه‌ای بهینه و به نحوی است که بتواند زمینه‌های استقرار رشدی پایدار و درون‌زا و مبتنی بر تحولات عمیق فناوری و مؤلفه‌های اقتصاد متکی بر دانایی را فراهم آورد. در سازماندهی تنظیم برنامه چهارم توسعه، ناگزیر باید دیدگاهی استراتژیک را اتخاذ کرد، که الزاماً متکی بر داده‌های زیر است:

- ۱- مطالعات تخصصی استراتژیک که جنبه عام و راهبردی دارد.
- ۲- تدوین راهبردهای برنامه‌های بلندمدت که به طور خاص، معطوف به تدوین چارچوب برنامه‌ها در سطوح مختلف است.

این مجموعه در سه بخش ارائه شده است:

بخش اول: شامل مبانی کلی و دیدگاهی و همچنین ویژگی‌های چشم‌انداز بلندمدت جمهوری

بخش دوم: شامل هدفها (محورها) و سیاستهای کلی و همچنین الزامات و راهبردهای رسیدن به آنها
بخش سوم: مبانی و ویژگی‌های سند لایحه برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
جمهوری اسلامی ایران

◀ بخش اول: مبانی و ویژگی‌های چشم‌انداز بلندمدت جمهوری اسلامی ایران

◀ ۱- موازین کلی چشم‌انداز

تلاش برای دست یافتن به آینده‌ای بهتر، و طراحی و تبیین ویژگیها، و ترسیم موقعیت جامعه‌ای که نسلهای امروز و آینده، بتوانند آگاهانه و با اتکای به نفس، در مسیر تحقق آن گام بردارند، نه تنها لازمه پویایی و امید مردم این سرزمین است، بلکه برآمده از اصول و آرمانهایی است که در اندیشه و فرهنگ اسلامی و انقلابی جای دارد و رویکرد و رفتار دولت و دستگاه اجرایی کشور را در چارچوب آن، هدفدار و معنادار می‌کند.

توانایی‌ها و ظرفیتهای جمهوری اسلامی ایران، و شایستگی‌های ملت شریف ایران، برای نیل به این مهم بسیار است. چنان که دشواریهای تحقق جامعه‌ای آرمانی نیز، از نظرهای کارشناسانه دور نیست. اکنون باید گفت، به رغم آن که تلاشهای ملی با تهدیدها و موانع خارجی و کاستی‌ها و ناسازگاریهای محیطی بسیاری روبه‌رو بوده است، اما با اتکا به موقعیت، اعتبار و امکانات جدیدی که کشور ما در شرایط متحول و غیر قابل پیش‌بینی جهان کنونی دارد، اهتمام به این ضرورت در آستانه برنامه چهارم توسعه کشور، اولویت یافته است. اکنون اندیشیدن و گام برداشتن، طبق برنامه در مسیر تحقق جامعه‌ای نمونه و توسعه یافته، برای کشور یک فریضه و الزام اساسی به حساب می‌آید.

برای تحقق این اندیشه و الزام، می‌بایست کشور راهنمای عمل داشته باشد، این راهنمای عمل به زبان برنامه، سند چشم‌انداز بلندمدت کشور است.

«چشم‌انداز»، مبتنی بر ارزش داوریهایی است که به وضعیت مطلوب اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی جامعه در عین توجه به واقعیت‌های آن اشاره دارد. پذیرش چنین «چشم‌انداز واحد ملی» نخستین گام در توفیق برنامه‌ریزی است.

این چشم‌انداز، تصویری از آینده مطلوب را ترسیم می‌کند، که هر گاه در ذهن آحاد جامعه، جای بگیرد، مسیر تحولات و دگرگونی‌های جامعه را هموارتر می‌کند. در چارچوب چشم‌انداز مطلوب است که برنامه‌ریزی‌ها و حرکت‌های فردی و اجتماعی به سوی آینده آرمانی، جهت‌گیری پیدا می‌کند. لازمه یک نگاه فعال و آینده‌ساز، حرکت بر پایه مدیریت چشم‌انداز است، که بر شناخت وضع موجود و عوامل آن، تحلیل محیط ملی و بین‌المللی، و سرانجام ترسیم چشم‌انداز مطلوب متکی است. اگر چه «چشم‌انداز»، هر اندازه که از وضع حاضر دور باشد، از کم و کیف تحولی همه‌جانبه‌تر و ساختاری‌تر در همه ابعاد برخوردار می‌شود، و تمامی متغیرهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور را در بر می‌گیرد، اما در هر حال، ناگزیر باید از وضع موجود آغاز کند، و با اتکای بر نقاط قوت، امتیازات و امکانات کشور، با اتخاذ سیاست‌های مناسب، بر نقاط ضعف و تهدیدها غلبه نماید. بررسی وضع موجود اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران، دارای این ویژگی‌های برجسته است:

- برخورداری از تمدن و فرهنگی غنی، با وحدت جوامع و اقوام گوناگون، یکپارچگی سرزمین و پیشینه تاریخی طولانی، که سهم شایان توجهی در تعمیق و گسترش میراث فرهنگی، علمی و فکری بشر داشته است.
- داشتن موقعیت استثنایی و برتر جغرافیایی و ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک
- برخورداری از میراث با ارزش تاریخی، فرهنگی و طبیعی
- برخورداری از سرمایه‌های انسانی، اجتماعی، پژوهشی و فناوری گسترده
- برخورداری از خلاقیت و استعداد ویژه انسانی، از جمله جمعیت جوان، دانش‌آموخته، هوشمند و نیروی ممتاز متخصص در داخل و خارج کشور
- برخورداری از استقلال سیاسی و تجربه انقلاب اسلامی
- بهره‌مندی از تنوع اقلیمی، وسعت سرزمین و گونه‌های مختلف گیاهی و جانوری و منابع کشاورزی با تنوع محصولات و منابع ژنتیکی
- برخورداری از ذخایر غنی هیدروکربورها (نفت و گاز) و کانیه‌های فلزی و غیر فلزی و منابع طبیعی گسترده و تعیین کننده در رشد کشور

- برخورداری از زیربناهای گسترده کالبدی و غیر کالبدی، از جمله زیربناهای فیزیکی (شبکه‌های حمل و نقل) و ساختارهای اجتماعی، حقوقی، قانونی و تشکیلاتی

- برخورداری از تجربه نیم قرن فعالیت صنعتی، و انباشت سرمایه فیزیکی ارزشمند

- برخورداری از توانایی نوین علمی، پژوهشی و آموزشی

- برخورداری از نیم قرن تجربه برنامه‌ریزی توسعه در کشور

به رغم بهره‌مندی از ظرفیتهای یاد شده، کشور با مشکلات و تنگناهایی روبه‌رو است که اهم آنها به شرح زیر است:

- مهاجرت متداوم بخشی از نیروهای متخصص، و کاسته شدن از توانایی‌های علمی کشور

- وجود نزدیک به ۲/۵ میلیون نفر بیکار، و ساختار نامتعادل بازار کار

- خشکی سرزمین و محدودیت منابع آب

- وابستگی شدید بودجه دولت به منابع حاصل از صادرات نفت

- توزیع نامتعادل جمعیت، تمرکز و ساختار قطبی جمعیت

- عدم تعادل بین جوامع شهری و روستایی

- ناهنجاری در بخشی از مناسبات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی

- ساختار اقتصاد سنتی، تجاری و متکی به منابع طبیعی و غیر کارآمد

- نازل بودن نسبت سرمایه‌گذاری به تولید، و اتکا به بازارهای داخلی

- اقتصاد درونگرا، ساختار انعطاف‌ناپذیر بازارها، بی‌توجهی و عدم بهره‌گیری از بسیاری از مزیت‌های موجود

از دیدگاه جایگاه اقتصاد کشور در منطقه و جهان، بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد، طی دو دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، شماری از کشورهای در حال توسعه، که در پایان دهه ۱۹۷۰ دارای وضعیت اقتصادی مشابه و در مواردی نازل‌تر از ایران بوده‌اند توانسته‌اند، با اتخاذ رویکردهای منطقی و راهبردهای مناسب، از طریق رشد تولید ناخالص داخلی و صنعتی شدن، به تدریج خود را از جرگه این کشورها خارج، و به گروه کشورهای پیشرفته صنعتی نزدیک‌تر سازند. چنان که امروز کشورهایی نظیر چین، کره جنوبی، مالزی، اندونزی، مکزیک، تایلند، تایوان و حتی ترکیه، به رغم بحرانهای مقطعی و گذرا، که پاره‌ای از آنها

در ذات پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و عدم تعادل‌های ناشی از آن نهفته است، و پاره‌ای دیگر نیز از تجربه‌های جدید و عدم آمادگی در مقابل پدیده جهانی شدن، سرچشمه گرفته است، موفق شده‌اند به ارقام درآمد سرانه، تولید و تجارت فزاینده و رو به رشد دست یابند و بسیاری از مشکلات و تنگناهایی را که ایران اکنون با آن دست به گریبان است، پشت سر گذارند.

مقایسه ارقام مربوط به عملکرد صادرات ایران با برخی از کشورهای نوظهور صنعتی، به منزله نشانه‌ای از قدرت نفوذ در بازارهای جهانی، رقابت‌پذیری و نهایتاً توانمندی‌های اقتصادی، صنعتی حکایت از عقب افتادن ایران و فاصله گرفتن چشمگیر از کاروان کشورهای پیشرو و بالنده دارد. اطلاعات موجود بیانگر آن است که اگر چه مجموع صادرات نفتی و غیر نفتی ایران طی دو دهه ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰، دو برابر شده است و صادرات غیر نفتی از ۶۴۵ میلیون دلار در سال ۱۳۵۹ (۱۹۸۰)، به ۴۱۱۹ میلیون دلار در سال ۱۳۷۹ (۲۰۰۰) افزایش یافته است، اما قدر مطلق آن در مقایسه با رشد صادرات در کشورهای تازه‌صنعتی بسیار ناچیز بوده و تناسبی با امکانات و توانایی‌های بالقوه ایران نداشته است. در تمام این سالها درآمد حاصل از فروش نفت خام بین هشتاد و پنج تا نود و هفت درصد (۸۵٪ تا ۹۷٪) کل صادرات ایران را تشکیل می‌داده و صادرات کالاهای صنعتی در بهترین سالها، از جمله سال ۲۰۰۰، از هفت تا هشت درصد (۷٪ تا ۸٪) مجموع صادرات کشور فراتر نمی‌رفته است.

در این دو دهه، کشورهای نوظهور صنعتی موفق شده‌اند با انجام سرمایه‌گذاری‌های گسترده و با تغییر ساختار اقتصادی - تولیدی خود، به ارقام بسیار چشمگیر صادراتی نایل آیند، که بین هشتاد تا نود و پنج درصد (۸۰٪ تا ۹۵٪) آن را صادرات کالاهای ساخته شده صنعتی تشکیل می‌دهد. روشن است که در سال ۲۰۰۰ میلادی و در عرصه رقابتهای تجاری در سطح بین‌المللی، دستیابی به تولید و صادرات انبوه، در حد ارقام بالای ۳/۳۴۹ میلیارد دلار برای چین، ۲/۱۷۲ میلیارد دلار برای کره جنوبی، ۴/۱۶۶ میلیارد دلار برای مکزیک و ...، حتی رقم ۶/۲۶ میلیارد دلار برای ترکیه، بدون نفوذ و پیوند با بازار جهانی و تولید با استانداردهای بین‌المللی مورد پذیرش آن، به هیچ ترتیب دیگری امکانپذیر نبوده و تنها از طریق مشارکت با بنگاههای خارجی و جلب و جذب سرمایه‌گذاری‌ها و همکاری‌های آنان ممکن شده است. ارقام مربوط به موجودی سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در کشورهای یاد شده، و مقایسه آن با وضعیت ایران، این نکته را با وضوح بیشتری آشکار می‌سازد. در حالی که در فاصله این دو دهه موجودی

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران حدود بیست درصد (۲۰٪) کاهش داشته، و از ۲۶۰۹ میلیون دلار در سال ۱۹۸۰، به ۲۱۱۵ میلیون دلار در سال ۲۰۰۰ میلادی پایین آمده است، دیگر کشورهای موفق در زمینه صادرات، توانسته‌اند حجم انبوهی از این سرمایه‌گذاری را به صورت ساختمان، ماشین‌آلات و تجهیزات تولیدی در کشور خود مستقر، و اهرم مدیریتی نیرومندی را در توسعه اقتصادی - تجاری خویش به کار گیرند.

حاصل این فرایند را می‌توان در رشد بهره‌وری نیروی انسانی، یا تولید سرانه شاغلان در مجموع فعالیتهای اقتصادی، مورد ارزیابی دقیق‌تر قرار داد. مقایسه وضعیت ایران با کشورهای منتخب نوصنتی، افت این شاخص را طی دو دهه در ایران، در برابر صعود فوق‌العاده آن در کشورهای یاد شده، نشان می‌دهد. میزان بهره‌وری نیروی کار در ایران با بیست و نه درصد (۲۹٪) کاهش از ۹۳۱۰ دلار در سال ۱۹۸۰، به ۶۶۴۹ دلار در سال ۱۹۹۹، رسیده، در حالی که همین شاخص در مالزی و تایلند به ۲ برابر، در هنگ‌کنگ به ۳/۵ برابر و در کره جنوبی به ۴ برابر، افزایش یافته است.

مفهوم این ارقام، صرف نظر از رشد تولید سرانه نیروی کار، نشانه‌ای از تعمیق جریان صنعتی شدن، دستیابی به فناوری‌های برتر و ورود به بازار رقابتی در اختیار کشورهای پیشرفته صنعتی، از طریق درهم‌آمیزی با سرمایه و مدیریت بنگاهی خارجی است. نفوذ در این بازار و جلب مشارکت شرکتهای بین‌المللی تولید کننده کالاهای صنعتی، که بخش اعظم تجارت کالای جهانی را در بخشهای مختلف در کنترل خود دارند، کار آسانی نیست، بلکه نیازمند وجود شرایط و فضای مناسبی در اقتصاد داخلی است که با معیارهایی چون امنیت سرمایه و سرمایه‌گذاری، انگیزه‌های مثبت ناشی از مزایای نسبی و رقابتی، امکانات سودآوری تولید و تجارت در شرایط ثبات وضعیت اقتصادی (از جمله پایین بودن نرخ تورم و ...) قابل تبیین و ارزیابی است.

در زمینه قابلیت شکوفایی امکانات بالقوه صنعتی - تجاری کشور، کافی است اشاره شود که ایران در مرکز جغرافیایی انرژی و تجارت منطقه وسیعی قرار دارد که از طریق مرزهای آبی و خاکی با ۱۸ کشور، و با جمعیتی بالغ بر نیم میلیارد نفر، به منزله یکی از وسیع‌ترین بازارهای جهان در ارتباط مستقیم است و بنابر این از دیدگاه شکل‌گیری یک شبکه بزرگ تولید و تجارت مواد و کالاهای واسطه‌ای و قطعات و کارافزارهای صنعتی و نیز ارائه‌ی خدمات و پشتیبانی‌های لژیستیک - صنعتی در حوزه‌های اطراف خود،

و دسترسی به بازار وسیع منطقه، از جمله کشورهای ثروتمند خلیج فارس، دارای استعداد و امتیاز توسعه‌ای فوق‌العاده است. طبعاً این موقعیت، امکانات گسترده‌ای را از لحاظ ایجاد و توسعه صنایع، به‌ویژه صنایع متوسط و خوشه‌های صنعتی، در پیوند با شبکه‌های ارزش جهانی برای کشور فراهم می‌سازد. عدم استفاده از این موقعیت ممتاز از سوی ایران، تاکنون باعث شده است که کشورها و حوزه‌های جانشینی در شمال و جنوب با عهده‌دار شدن نقش رابط در یک پایگاه تجاری به درآمدهای چشمگیر دست یابند، درآمدهایی که، به سهولت می‌توانست نصیب ایران، صنعتگران، تجار و کارگزاران ایرانی گردد. برای آینده باید از اکنون اقدام کرد. راهبرد توسعه اقتصادی - صنعتی ایران باید تولید برای بازار جهانی را، در پیوند بین بنگاهی با تمام الزامات و پیش‌نیازهای آن مد نظر قرار دهد. مزیتها و امکانات ملی و منطقه‌ای پنهان و آشکار به طور خودکار، وظیفه بهترین انتخاب را در اختیار بنگاهها و اقتصاد کشور قرار خواهند داد.

بررسی وضعیت موجود اقتصادی و اجتماعی کشور از یک سو، و جایگاه اقتصادی کشور در جهان و منطقه از سوی دیگر، نشان می‌دهد که اقتصاد و جامعه ایران در سالهای پیش رو با دو چالش عمده روبه‌رو خواهد بود. از یک سو، فرایند رشد اقتصادی ایران باید به گونه‌ای سازمان یابد که بتواند به ابعاد گسترده و الزامات کمی و کیفی ایجاد اشتغال در سالهای آینده، از جمله رشد جمعیت، افزایش آهنگ مشارکت زنان در بازار کار و در نتیجه افزایش عرضه نیروی کار و همچنین افزایش بیکاری ناشی از رشد بهره‌وری نیروی کار، در یک اقتصاد در حال گذار پاسخگو باشد، و از سوی دیگر سرعت رشد باید متناسب با ظرفیتهای بالفعل و بالقوه در حدی باشد که، موجبات احیا و ارتقای موقعیت و جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی کشور و تحقق هدف تبدیل ایران، به قدرت اقتصادی برتر منطقه را فراهم سازد.

۴-۲ ویژگی‌های چشم‌انداز بلندمدت جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی

در چشم‌انداز بیست ساله:

«ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام، و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل»

در سند چشم‌انداز بلندمدت در افق ۱۴۰۴، که پس از بررسی و تصویب در هیئت دولت و مجمع تشخیص مصلحت نظام از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ شده است، جامعه ایرانی در افق چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت:

- توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسانها و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی

- برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی

- امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت
- برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب

- فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایتمند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن

- دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه)، با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل

- الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام، با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای براساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره)

- دارای تعامل سازنده مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت
بر اساس همین ابلاغیه در تهیه، تدوین و تصویب برنامه‌های توسعه و بودجه‌های سالیانه، شاخص‌های

کمی کلان از قبیل نرخ سرمایه‌گذاری، درآمد سرانه، تولید ناخالص ملی، نرخ اشتغال و تورم، کاهش فاصله درآمد میان دهک‌های بالا و پایین جامعه، رشد فرهنگ، آموزش و پژوهش و توانایی‌های دفاعی و

امنیتی، باید متناسب با سیاستهای توسعه و اهداف و الزامهای چشم‌انداز، تنظیم و تعیین گردد و این سیاستها و هدفها به صورت کامل مراعات شود.

۳- آینده‌های ممکن در افق چشم‌انداز

در تدوین و تنظیم آینده کشور در افق چشم‌انداز ملی، بهبود روندهای بازار کار، به لحاظ کمی و کیفی، توسعه منابع علمی و فرهنگی کشور، افزایش بهره‌وری همراه با استقرار یک جریان رشد سریع و متناسب با هدف رویکرد تعاملی خردمندانه و هوشیارانه مبتنی بر عزت، حکمت و مصلحت اقتصاد ملی با اقتصاد جهانی، و تغییر در ساختار فناوری تولید، برای جایگیری مناسب در تقسیم کار جهانی مد نظر قرار گرفته است.

مهم‌ترین ویژگی‌های بازار کار کشور را در سالهای آینده، که ناگزیر در ترسیم چشم‌انداز بلندمدت و هدف‌گذاریهای کمی برنامه چهارم، اثرگذار بوده می‌توان چنین برشمرد:

- آهنگ رشد در خور توجه عرضه نیروی کار، ناشی از رشد بالا، اما رو به کاهش جمعیت در سن کار، همراه با میزان پایین، اما رو به افزایش مشارکت زنان در نیروی کار

- تغییر در ترکیب عرضه نیروی کار، و شکل‌گیری آمیخته جدیدی از نیروی کار جوان‌تر، تحصیل‌کرده‌تر و با مهارتهای بالاتر، و سهم بیشتر زنان در نیروی کار و الزامات آن از جهت تغییر در تقاضای نیروی کار، ترکیب مشاغل و ساختار بخشی اقتصاد ملی

- رشد بالقوه بالاتر بهره‌وری نیروی کار به منزله یکی از نتایج و توابع مهم مرحله انتقالی و گذار اقتصادی، و ضرورت رشد اقتصادی بالاتر، برای جذب عرضه اضافی نیروی کار ناشی از افزایش بهره‌وری

اکنون با ملاحظه گرایشهای حاکم بر بازار کار کشور، و هدف دستیابی به موقعیت اقتصادی برتر در منطقه، این پرسش مطرح می‌شود که آیا ادامه روند بلندمدت رشد اقتصادی کشور در گذشته، می‌تواند به چالشهای پیش روی اقتصاد و جامعه ایران پاسخگو باشد؟

اقتصاد ایران با تأثیرپذیری از مجموعه‌ای از عوامل خارجی و داخلی و از جمله چالشهای انقلاب، جنگ و حصر اقتصادی، گرفتاری در تله وابستگی به اقتصاد نفتی، و نقش دوگانه آن در ایجاد چرخه‌های

برون‌زاد رونق و رکود متناوب، شکل‌گیری رویکردهای نهادی - سیاستی درون‌نگر با سهم غالب دولت در اقتصاد ملی، بافتهای تولیدی غیر متنوع و تجارت نامتقارن با جهان خارج، تاکنون نتوانسته است به روند رشد اقتصادی با ثبات و پایداری در بلندمدت دست یابد. عملکرد رشد اقتصادی کشور در سه برنامه عمرانی، که از سال ۱۳۶۸ به اجرا درآمده و آخرین آن اکنون در دست اجراست، به ترتیب معادل شش و سه دهم درصد (۳/۶٪)، سه و سه دهم درصد (۳/۳٪) و حدود پنج و نیم درصد (۵/۵٪) در سه سال اول برنامه سوم توسعه بوده است. با توجه به این که عملکرد رشد در دهه اول پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران، به طور متوسط ۲/۲- در سال بوده است، بنابر این در دوره‌ای حدود ربع قرن، رشد متوسط سالانه اقتصاد ایران حدود یک و هفت دهم درصد (۱/۷٪)، و رشد جمعیت در همین دوره به طور متوسط هر سال تقریباً دو و هفت دهم درصد (۲/۷٪) بوده است که بیانگر کاهش درآمد سرانه حقیقی در حدود یک درصد (۱٪) در سال است. روی همین اصل در مطالعات و بررسیهای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور که در زمینه چشم‌انداز آینده، در گزینه تداوم روند انجام شده، ادامه عملکرد اقتصادی کشور در دهه ۱۳۷۰، و از جمله متوسط رشد سالانه تولید ناخالص داخلی در این دهه، سه و نه دهم درصد (۳/۹٪)، به منزله مأخذ و مبنای محاسبات و پیش‌بینی‌های اقتصادی برای دوره (۹۴-۱۳۸۴) مطرح و به کار گرفته شده است. در این گزینه رویکرد برآورد آینده‌های ممکن، «پیش‌بینی» می‌باشد. در این روش با بررسی دقیق وضعیت موجود و بر اساس امکانات و قابلیت‌ها و فرصتهای موجود، در چارچوب یک الگوی اقتصادسنجی، تصویری از آینده شاخصهای کلان اقتصادی، ترسیم شده است.

شایان توجه است که عملکرد رشد اقتصادی ایران، در دهه ۱۳۷۰، از متوسط عملکرد رشد سالانه منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، سه و دو دهم درصد (۳/۲٪)، و همچنین عملکرد رشد پاره‌ای از کشورهای پیشروی منطقه، از جمله ترکیه سه و نیم درصد (۳/۵٪)، فراتر بوده است. با این حال نتایج این سناریو نشان داده است که ایران، در افق چشم‌انداز در موقعیتی قرار خواهد گرفت که در آن شمار بیکاران از ۲/۶ میلیون نفر کنونی، به ۵/۲ میلیون نفر، و نرخ تورم به متوسط سالانه‌ای در حد بیست و دو درصد (۲۲٪) در دوره (۹۴-۱۳۸۴) افزایش یافته و بخش خارجی اقتصاد در همه سالهای دوره، با کسری مزم

تراز تجاری و سرانجام نیز با یک کسری بزرگ حدود ۲۰ میلیارد دلاری در سال ۱۳۹۴ مواجه خواهد شد. نتایج این تمرین به وضوح نشان می‌دهد که ادامه روند گذشته در افقهای میان‌مدت و بلندمدت، اقتصاد و جامعه ایران را با چالشها و آسیب‌پذیریهای اقتصادی و اجتماعی و عدم توازنهای سخت و شکننده‌ای روبه‌رو خواهد ساخت و برای مواجهه و مقابله با آن ناگزیر باید آهنگ و ترکیب، دینامیسم و استراتژی رشد اقتصادی ایران به گونه‌ای انتخاب شود که بتواند:

- موجبات کاهش بیکاری را در میان‌مدت و بلندمدت و در شرایط افزایش بهره‌وری و گسترش میزان مشارکت زنان در نیروی کار فراهم آورد.
 - با توسعه و تعمیق فرایند صنعتی شدن کشور، زمینه‌های کاهش وابستگی به نفت، و شرایط شکل‌گیری بافتهای تولیدی متنوع و تجارت نامتقارن با جهان را ایجاد کند.
 - با بهره‌گیری از همه برتریها و ظرفیتهای بالفعل و بالقوه کشور و سرعت دادن به جریان افزایش تولید ملی، امکانات احیا و ارتقای موقعیت ایران را در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم سازد.
 - با تغییر در سهم انباشت و بهره‌وری کل عوامل، به منزله منابع اصلی رشد، و با تکیه بر توسعه سرمایه انسانی، ارتقای کیفیت سرمایه‌گذاری‌ها و گسترش ظرفیتهای جذب و کاربرد دانش، زمینه‌های ایجاد جریان رشدی پایدار، غیر تورمی و درون‌زاد را فراهم آورد.
- به این ترتیب با اتخاذ رویکرد آینده‌نگری (که در آن ابتدا تصویری از وضع مطلوب و آرمانی در نظر گرفته می‌شود و توانایی‌ها و قابلیت‌های لازم برای رسیدن به آن ایجاد می‌شود) و با به‌کارگیری روشهای حسابداری رشد، آهنگ رشد اقتصادی در افق چشم‌انداز (دو برنامه عمرانی آینده) سالانه هشت و شش دهم درصد (۸/۶٪)، و در برنامه چهارم هشت درصد (۸٪)، انتخاب شد. بنابر این پارادایم رشد اقتصادی

۱- در همین حال محاسبات ساده نشان می‌دهد که هر گاه روند رشد دهه (۲۰۰۰-۱۹۹۱) میلادی برای همه کشورها و مناطق جهان و از جمله ایران در دوره (۲۰۱۵-۲۰۰۰) تکرار شود، تولید ناخالص داخلی سرانه ایران از ۱۶۴۹ دلار در سال ۲۰۰۰ به ۲۳۸۸ دلار در سال ۲۰۱۵ افزایش خواهد یافت، لیکن در این دوره، متوسط تولید ناخالص داخلی سرانه منطقه خارومیانه و جهان به ترتیب از ۲۲۳۵ و ۵۱۹۹ دلار به ۴۰۲۵ و ۶۹۹۷ دلار افزایش می‌یابد و بدین ترتیب بر فاصله اقتصادی ایران با منطقه و جهان افزوده خواهد شد.

ایران، در افق چشم‌انداز و در دوره برنامه چهارم به منزله مرحله گذار اقتصادی، تبدیل رشد القایی نفت به رشدی سریع، پایدار و درون‌زاد است.

رشد اقتصادی هدف‌گذاری شده در این گزینه، حاصل فرضی است که در جهت تغییر روند کمی و کیفی بازار کار، از جمله افزایش بهره‌وری (به میزان ۲ برابر)، کاهش نرخ بیکاری از دوازده و سه دهم درصد (۱۲/۳٪) به هفت درصد (۷٪)، و افزایش نرخ مشارکت از سی و هفت و یک دهم درصد (۳۷/۱٪) در سال ۱۳۸۱، به چهل و هشت درصد (۴۸٪) به کار گرفته شده است. در این گزینه، نرخ تورم با ملاحظه الزامات تعامل با اقتصاد جهانی، در حد متوسط سالانه پنج درصد (۵٪)، مهار خواهد شد و بنابر این رشد نقدینگی در حد متوسط سالانه شانزده درصد (۱۶٪)، هدف‌گذاری شده است.

همچنین با فرض متوسط رشد هفت و دو دهم درصد (۷/۲٪) در سال تولید سرانه، فاصله ایران با کشورهای منتخب، کاهش خواهد یافت. رشد سالانه تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی معادل یازده درصد (۱۱٪) خواهد بود و سالانه حدود ۹۳۶ هزار فرصت شغلی جدید در اقتصاد کشور، ایجاد خواهد شد. تحقق رشد تولید و سرمایه‌گذاری یاد شده، مستلزم تحقق رویکرد تعامل فعال و متقارن خردمندان، مدیران و سریع، با اقتصاد جهانی است. بنابر این در این گزینه، صادرات کالاهای غیر نفتی از رشد معادل پانزده و هشت دهم درصد (۱۵/۸٪) [۳۱/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۴]، و واردات کالا از رشدی معادل هفت و نه دهم درصد (۷/۹٪) در سال برخوردار خواهد شد. نسبت صادرات صنعتی به کل صادرات غیر نفتی معادل هفتاد و پنج درصد (۷۵٪)، و تفاوت نرخ رشد صادرات کالاهای غیر نفتی و تولید ناخالص داخلی از یک و هفت دهم درصد (۱/۷٪) طی دوره (۸۰-۱۳۷۰) به هفت و دو دهم درصد (۷/۲٪) می‌رسد. لذا تعامل با اقتصاد جهانی افزایش می‌یابد. توزیع درآمد نیز بهبود خواهد یافت، به طوری که نسبت هزینه‌های ثروتمندترین دهک به فقیرترین دهک از ۲۲/۷ برابر به ۱۴ برابر کاهش می‌یابد.

رسیدن به اهداف مورد نظر چشم‌انداز بلندمدت، با وجودی که روندی دشوار و پیچیده است، لیکن بنا به ضرورت‌های حیاتی برای شکوفایی اقتصاد کشور در این مرحله و حفظ ثبات و امنیت و ارتقای جایگاه ایران، در منطقه و جهان، امری اجتناب‌ناپذیر است. به علاوه تجربه سایر کشورهایی که این مسیر را پیموده‌اند، نشان می‌دهد که نیل به اهداف مطرح شده در این چشم‌انداز در پرتو تدبیر، تلاش و انسجام ملی قابل حصول است. طبعاً، اتخاذ راهبردهای مشخص و سیاست‌های کلیدی متناظر با آن، شرط رسیدن

به این اهداف خواهد بود. دستاوردهای مشخص و قابل قبول در قلمروها و محورهایی چون، رشد مستمر و پایدار، توسعه مبتنی بر دانایی، تعامل فعال با اقتصاد جهانی، رقابت‌پذیری اقتصاد، امنیت انسانی و عدالت اجتماعی، امنیت ملی، ارتقای کیفیت زندگی، حفظ محیط زیست و توسعه پایدار، توسعه فرهنگی، توسعه مدیریت دولتی، امنیت و توسعه قضایی و تعادل منطقه‌ای کشور، بر اساس موازین آمایش سرزمین، شروط اساسی برای تحقق اهداف مورد نظر خواهد بود.

بر این پایه، الزامات اساسی در دستیابی به هدفهای چشم‌انداز، در برگیرنده خطوط کلی زیر خواهد بود:

- گسترش و تعمیق فرایند فرهنگ توسعه صنعتی کشور، خدمات مولد ارزش افزوده بالا و جایگیری در حوزه‌های مناسب و برتر جهان، در جهت ارتقای موقعیت و منزلت منطقه‌ای و بین‌المللی ایران
- افزایش سهم بهره‌وری (نیروی کار، سرمایه و کل عوامل تولید) در تأمین و رشد اقتصادی
- ظرفیت‌سازی و توانمندسازی جامعه، با تکیه بر علوم و فناوری‌های نوین
- نظام دولتی توانمند و انعطاف‌پذیر نسبت به الزامهای رشد و توسعه همه‌جانبه در فضای جدید ملی و بین‌المللی
- احترام به حقوق مالکیت خصوصی، ایجاد ساختارهای انگیزشی مناسب فردی و اجتماعی برای شکل‌گیری رشد پایدار و تحقق امنیت انسانی

◀ بخش دوم: محورهای اساسی و سیاستهای کلی، هدفها و الزامات (راهبردها)

◀ ۱- محورهای اساسی

تجربیات دو دهه آخر قرن بیستم نشانگر تحول اساسی در مفهوم توسعه بود، که چگونگی آن در الگوی توسعه پایدار، تجلی یافته است. در دو دهه مزبور و در آغاز قرن بیستم، در عین تشدید رقابتهای گسترش بازارها، رواج فناوری‌های برتر، و ایجاد ساختارهای جدید مدیریتی، مبتنی بر تشخیص چالشها و بهره‌گیری از فرصتها در سطح بین‌المللی، روندهای پیوستگیها در سطوح منطقه‌ای و جهانی، جایگاه خاص یافته‌اند.

در دیدگاه الگوی توسعه پایدار، پیوستگی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و محیط زیستی، سیاسی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی در حال گسترش است. با چنین واقعیهایی، جهت‌گیری‌های توسعه‌ای ملی می‌بایست کل‌نگر، همه‌سونگر، برون‌نگر (منطقه‌ای و جهانی) و آینده‌نگر باشد.

ایران با قرار گرفتن در منطقه‌ای حساس و استراتژیک در جهان و برخورداری از منابع طبیعی و انسانی سرشار، در چشم‌انداز آینده خود در معرض انتخابها و گزینه‌های مختلفی قرار دارد که هر یک از آنها طبعاً چالشهای متفاوتی را در بر دارد.

بهره‌برداری از فرصتها و مقابله با تهدیدهای احتمالی موجود در این چالشها، متضمن الزامات و اتخاذ راهبردهایی است که بتواند اقتصاد و جامعه ایران را در مسیری هموار و در راستای تحقق اهداف آرمانی کشور، در افق چشم‌انداز، با تکیه بر محورهای اساسی زیر به پیش راند. این محورها که در واقع چالشهای پیش روی کشور هستند و اگر به نحو مطلوب به آنها پرداخته نشود، در آینده به تهدیدهای اساسی در تمامی زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مبدل خواهند شد عبارتند از:

- ۱- رشد مستمر و پایدار
- ۲- توسعه مبتنی بر دانایی
- ۳- تعامل فعال با اقتصاد جهانی
- ۴- رقابت‌پذیری اقتصاد
- ۵- امنیت انسانی و عدالت اجتماعی
- ۶- امنیت ملی
- ۷- ارتقای کیفیت سطح زندگی
- ۸- محیط زیست و توسعه پایدار
- ۹- توسعه فرهنگی
- ۱۰- نوسازی دولت و ارتقای اثربخشی حاکمیت
- ۱۱- امنیت و توسعه قضایی
- ۱۲- تعادل و توازن منطقه‌ای کشور، بر اساس موازین آمایش سرزمین

مبانی و ویژگی‌های هر یک از دوازده محور فوق، در گزارش مستندات چشم‌انداز بلندمدت جمهوری اسلامی ایران، تبیین شده است.

۲- سیاستهای کلی

سیاستهای کلی چشم‌انداز بلندمدت جمهوری اسلامی ایران، مضامینی هستند که از یک طرف، تکیه بر محورهای یاد شده دارند، و از سوی دیگر پدید آورنده الزامات و راهبردهای معطوف به بهره‌برداری مطلوب از فرصتهای پیش روی کشور، به شمار می‌روند. به عبارت دیگر هدفها و سیاستهای کلی، حلقه مفصلی و هم‌پیوندی پسین و پیشین فرایند برنامه‌ریزی (محورهای اساسی با الزامات و راهبردها) هستند. سیاستهای کلی نظام مشتمل بر پنجاه و دو مورد در قلمروهای امور فرهنگی، علمی و فناوری، امور اجتماعی، سیاسی، دفاعی و امنیتی، امور مربوط به مناسبات سیاسی و روابط خارجی و امور اقتصادی به تصویب مقام معظم رهبری رسیده است. مهم‌ترین این سیاستها عبارتند از:

- استقرار رشد پیوسته و پایدار توأم با ثبات
- تبدیل اقتصاد ایستا و غیر قابل انعطاف کنونی به اقتصادی پویا و انعطاف‌پذیر
- ایجاد شرایط مناسب برای افزایش بهره‌وری و تحقق رقابت‌پذیری در عرصه‌های اقتصاد کشور
- زمینه‌سازی برای گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، و تقویت پیوند دوسویه خردمندان، بالنده و متقارن با اقتصاد جهانی
- فرایندسازی تبدیل عرصه‌های کشاورزی، صنعت و خدمات اقتصادی، مبتنی بر منابع طبیعی به اقتصادی متنوع، متکی به دانش و دانایی، سرمایه انسانی و فناوری‌های نوین
- ایجاد فضای مناسب برای رشد فعالیتهای نوآورانه و ظرفیتهای فنی و کارآفرینی
- تأمین حقوق مدنی و دسترسی به فرصتهای برابر، برای افراد جامعه و احترام به نهادینه شدن حقوق معنوی افراد
- پرورش انسان دین‌باور، آگاه، انعطاف‌پذیر و ماهر، با قابلیت‌های مشارکت و فعالیت در فضای نوین رقابتی و نوآوری در حال تغییر

- فرایندسازی تبدیل دولتی متکی به منابع نفت و تمرکزگرا با سامان غیر کارآمد، به دولتی خردمند، آینده‌نگر، توانمندساز، شفاف و پاسخگو
- ایجاد شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناسب، در راستای ارتقای کیفیت زندگی، رفع فقر و حمایت از گروههای آسیب‌پذیر و تحقق عدالت اجتماعی
- ارتقای نقش و جایگاه زنان در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور
- مشارکت همه‌جانبه سرمایه انسانی عظیم کشور، از جمله جوانان و متخصصین داخل و خارج در توسعه کشور
- پی‌ریزی سامان کارآمد ساختار سیاسی، و محیط حقوقی متناسب با رشد و توسعه پایدار کشور
- پایدارسازی فرایند توسعه، با تکیه بر حفاظت از محیط زیست و بهره‌برداری عقلانی از منابع
- تقویت شرایط امنیت و اقتدار ملی، با تکیه بر رشد اقتصادی، مشارکت سیاسی، تمرکززدایی و تعادل منطقه‌ای

۳- الزامها (راهبردها) و سیاستهای برنامه

الزامها و راهبردها، مضامینی در جهت بهره‌برداری مطلوب از فرصتهای پیش روی کشور، برای نیل به هدفها و سیاستهای کلی چشم‌انداز هستند، که منبعث از محورهای اساسی و سیاستهای کلی می‌باشند. نود و پنج مورد الزامها و راهبردها، و همچنین سیاستهای مربوط مبنای اصلی احکام پیشنهادی لایحه برنامه چهارم توسعه بوده است.

بخش سوم: سند لایحه برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور

مقدمه

لایحه برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، که مهم‌ترین مرحله تحقیق جامعه آرمانی چشم‌انداز توسعه کشور محسوب می‌شود، در پی تحکیم مبانی و بسترهای

رشدی است که فرصتهای مدیریت بهتر ایران فردا، و احکام مورد نیاز ایجاد مبانی جدید توسعه‌ای ایران را، فراهم خواهد آورد.

مهم‌ترین ویژگی این برنامه، نظم منطقی و پیوستگی آن است، که آن را از سه برنامه دیگر، متمایز می‌سازد. این برنامه متکی به چشم‌انداز بلندمدت، و سیاستهای کلی مصوب مقام معظم رهبری است که در چارچوب الزامات کلی چشم‌انداز، تهیه و تدوین شده است.

سند برنامه چهارم توسعه، با چهار هدف کلی:

۱- توسعه دانش پایه، عدالت‌محور و در تعامل با جهان

۲- تأمین مطمئن امنیت ملی و بازدارندگی همه‌جانبه

۳- صیانت از هویت و فرهنگ اسلامی - دینی

۴- حاکمیت مؤثر و استقرار دولت شایسته

که در سه سطح زیر تهیه و تدوین و ارائه می‌گردد:

لایحه برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، در واقع سطح اول سند مذکور است که از هفت بخش و پانزده فصل و دویست و چهل و هفت ماده تشکیل گردیده است. از دویست و چهل و هفت ماده یاد شده، هشتاد و پنج ماده، مربوط به مواد تنفیذ شده از قانون برنامه سوم توسعه، می‌باشد.

سطح دوم سند برنامه شامل سندهای توسعه بخشی، ویژه (فرابخشی) و استانی است. در این سطح، کلیه دستگاه‌های اجرایی موظف‌اند، اسناد توسعه بخش مربوط به خود را حداکثر تا پایان سال ۱۳۸۳ تهیه، تدوین و به تصویب دولت برسانند. این اسناد در واقع مبنای اصلی تهیه و تنظیم برنامه‌ها و بودجه‌های سالانه خواهند بود. همچنین برای شماری از مسائل مهم و کلیدی فرابخشی، سندهای توسعه ویژه تهیه و تدوین خواهد شد، که پس از تصویب دولت به اجرا درمی‌آید. از شوراهای برنامه‌ریزی استانی نیز خواسته شده است با همکاری و تعامل کلیه دستگاه استانی، برنامه پنج ساله استان را تهیه و پس از تصویب شورای برنامه‌ریزی استان، به تصویب نهایی دولت برسانند. سازوکار لازم برای اجرایی شدن این سندها، در لایحه برنامه مشخص شده است.

سطح سوم سند برنامه چهارم توسعه، شامل تهیه آیین‌نامه‌های اجرایی و مدیریت اجرای سندهای توسعه است که تسهیل کننده اجرای احکام برنامه می‌باشد.

برنامه چهارم توسعه به عنوان نخستین گام در رسیدن به اهداف تعیین شده در چشم‌انداز بلندمدت کشور، به گونه‌ای تدوین شده است که بتواند نرخ بیکاری و نرخ تورم را که از مهم‌ترین شاخصهای اقتصادی است، به عددی یک رقمی تبدیل کند. در این ارتباط رسیدن به نرخ بیکاری هشت درصد (۸٪)، و نرخ تورم نه و نه دهم درصد (۹/۹٪)، به عنوان مهم‌ترین اهداف برنامه چهارم توسعه، مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به پیش‌بینی به عمل آمده در خصوص نرخ مشارکت نیروی کار [رسیدن به حدود چهل و سه درصد (۴۳٪) در پایان برنامه]، جمعیت شاغل می‌بایست از متوسط رشدی معادل چهار و سه دهم درصد (۴/۳٪) در سال برخوردار باشد، و به طور متوسط سالانه حدود ۸۹۷ هزار نفر بر جمعیت شاغل کشور افزوده شود. یکی دیگر از اهداف تعیین شده در این برنامه، رشد بهره‌وری نیروی کار به میزان سه و نیم درصد (۳/۵٪) در سال می‌باشد. رشد اقتصادی مورد نیاز برای تحقق هدف تعیین شده برای اشتغال حدود هشت درصد (۸٪) برآورد شده است. برای تحقق رشد اقتصادی مذکور لازم است، اولاً سرمایه‌گذاری ناخالص به قیمت ثابت به طور متوسط سالانه دوازده و دو دهم درصد (۱۲/۲٪) افزایش یابد، ثانیاً بهره‌وری کل عوامل نیز به طور متوسط سالانه دو و نیم درصد (۲/۵٪) افزایش یابد. به عبارت دیگر، حدود سی و یک و سه دهم درصد (۳۱/۳٪) رشد اقتصادی می‌بایست از طریق ارتقای بهره‌وری کل عوامل، و مابقی از طریق استفاده بیشتر از عوامل تولید به دست آید. با توجه به این که در گذشته، ارتقای بهره‌وری کل عوامل، نقشی در تأمین رشد اقتصادی کشور نداشته است، نتیجتاً افزایش سریع بهره‌وری کل عوامل، مستلزم اصلاح مدیریت اقتصادی کشور است، تا هم تخصیص منابع به شکل بهتری صورت گیرد، و هم استفاده بهینه از منابع موجود عملی گردد. تحقق رشد سرمایه‌گذاری پیش‌بینی شده در برنامه، در گروی جذب بیشتر سرمایه خارجی و تجهیز منابع مالی بخش خصوصی داخلی می‌باشد. بنابر این، بیشتر تلاشها می‌بایست متوجه ایجاد بسترهای مناسب برای تشویق سرمایه‌گذاری خصوصی، جذب سرمایه خارجی و ارتقای بهره‌وری کل عوامل باشد.

در برنامه‌های گذشته، سرمایه‌گذاری و پس‌انداز مورد نیاز برای تأمین آن، در قالب یک الگوی اقتصادسنجی مورد بررسی قرار می‌گرفت، ولی منابع لازم برای تأمین پس‌انداز مزبور مورد بررسی کافی

قرار نمی‌گرفت. در برنامه چهارم توسعه، منابع لازم برای تأمین رشد سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای ایجاد رشد اقتصادی سالانه، به طور متوسط هشت درصد (۸٪)، به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته که نتایج آن در جدول شماره ۷ پیوست لایحه برنامه چهارم، منعکس می‌باشد. در این بررسی منابع به دو بخش کلی منابع داخلی و منابع خارجی تقسیم شده است که منابع داخلی، شامل بودجه عمومی دولت (پس‌انداز دولت)، بودجه شرکتهای دولتی، و منابع بخش خصوصی و منابع خارجی شامل تسهیلات فاینانس و بیع متقابل و سرمایه‌گذاری خارجی می‌گردد.

کل سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای تأمین رشد هشت درصد (۸٪)، طی برنامه به قیمت‌های جاری معادل ۴۱۱۸/۶ تریلیون ریال (برابر ۳۸۷ میلیارد دلار) می‌باشد که از این مبلغ نود و دو درصد (۹۲٪) [۳۷۹۲/۵ تریلیون ریال، معادل ۳۵۶ میلیارد دلار] از محل منابع داخلی و هشت درصد (۸٪) [۳۲۶ تریلیون ریال، معادل ۳۱ میلیارد دلار] از محل منابع خارجی تأمین خواهد شد. سهم بخشهای دولتی و غیر دولتی در سرمایه‌گذاری هدف‌گذاری شده نیز، به ترتیب سی و سه و سه دهم درصد (۳۳/۳٪) و شصت و شش و هفت دهم درصد (۶۶/۷٪) می‌باشد.

همان طور که اشاره شد، سرمایه‌گذاری فوق‌الذکر با فرض این که بهره‌وری کل عوامل تولید سالانه، به طور متوسط دو و نیم درصد (۲/۵٪) افزایش یابد، و در مجموع سی و یک و سه دهم درصد (۳۱/۳٪) از رشد تولید از محل ارتقای بهره‌وری محقق گردد، هدف‌گذاری شده است. بدیهی است در صورت کاهش نرخ رشد بهره‌وری، سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای تأمین رشد اقتصادی هشت درصد (۸٪) بیشتر خواهد بود. با استفاده از الگوی تابع تولیدی که به همین منظور تهیه شده است، چنانچه رشد بهره‌وری کل عوامل تولید از دو و نیم درصد (۲/۵٪) به دو درصد (۲٪) کاهش یابد، برای تأمین رشد اقتصادی مورد نیاز، رشد سرمایه‌گذاری باید از دوازده و دو دهم درصد (۱۲/۲٪) به هفده و شش دهم درصد (۱۷/۶٪) افزایش یابد. کل سرمایه‌گذاری مورد نیاز در این حالت به ۴۹۴۲/۴ تریلیون ریال (معادل ۴۶۴ میلیارد دلار) افزایش خواهد یافت.

با توجه به محدودیت منابع داخلی مابه‌التفاوت سرمایه‌گذاری مورد نیاز در این حالت، نسبت به حالت قبل، یعنی ۷۷ میلیارد دلار، ناگزیر باید از منابع خارجی تأمین گردد، که این امر مانده تعهدات ارزی در پایان برنامه چهارم توسعه را، به حدود سه برابر حالت قبل افزایش خواهد داد. گزینه دیگر می‌تواند کاهش

نرخ رشد اقتصادی پیش‌بینی شده باشد، که این گزینه مغایر اهداف تعیین شده در چشم‌انداز بلندمدت، یعنی دستیابی به جایگاه اول اقتصادی منطقه می‌باشد. به عبارت دیگر رشد اقتصادی هشت درصد (۸٪) و بیشتر برای تحقق اهداف چشم‌انداز، امری ضروری است که لازمه آن نیز افزایش بهره‌وری است. در لایحه برنامه چهارم توسعه، در ماده (۶)، احکامی در ارتباط با ارتقای بهره‌وری آورده شده است که اجرای آن، نیاز به عزم عمومی دارد. همچنین امید می‌رود با ایجاد فضای آرام سیاسی در داخل کشور و بهبود روابط خارجی و ثبات بخشیدن به آن، ریسک سرمایه‌گذاری را در آینده کاهش دهیم تا زمینه‌های جذب سرمایه خارجی و تشویق سرمایه‌گذاری خصوصی، در کشور فراهم آید.

هدفها و راهبردهای

برنامه چهارم توسعه

۱- رشد مستمر و پایدار

۱-۱- گسترش سرمایه‌گذاری و تولید از طریق:

- اولویت‌بندی و تسریع در اجرا و بهره‌برداری از طرح‌های نیمه‌تمام دولتی
- محدود کردن سرمایه‌گذاری دولتی در حوزه‌های حاکمیتی و سرمایه‌گذاری مشترک عمومی و خصوصی به منظور تشویق فعالیت بخش خصوصی
- واگذاری طرح‌های دولتی با چشم‌انداز سوددهی تجاری به بخش خصوصی
- اداره شرکت‌های دولتی به صورت تجاری و رقابتی و واگذاری مدیریت آنها به بخش خصوصی (براساس پیمان خرید خدمات)
- حذف موانع ورود بخش غیر دولتی به حوزه‌های تصدی‌گری اقتصادی، تجاری دولت به منظور رفع انحصارات دولتی
- تعریف و تضمین حقوق مالکیت خصوصی در جهت درونی کردن بازده‌های اجتماعی حاصل از سرمایه‌گذاری‌های نوآورانه در فعالیتهای اقتصادی
- ایجاد نهادهای پشتیبانی برای تشویق فعالیتهای تحقیق و توسعه و گسترش نوآوری، توسعه فناوری، توسعه سرمایه انسانی، ارتقای بهره‌وری و رقابت‌پذیری
- ایجاد نهادهای جدید و حمایت از نهادهای موجود و تأمین تسهیلات مناسب، برای توسعه کارآفرینی و تشویق کارآفرینان

۱-۲- ایجاد فضای مناسب برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از طریق:

- متکی نمودن سرمایه‌گذاری به یک چشم‌انداز بلندمدت توسعه و طرح‌های هادی، در حوزه‌های مختلف مبتنی بر وفاق عمومی
- اصلاح ساختارهای حقوقی، قضایی، مالی، سیاسی و اداری در جهت ایجاد امنیت برای سرمایه‌گذاری و ثبات اقتصادی

- گسترش و تعمیق بازار سرمایه، ساماندهی بازار پولی، رقابتی کردن نظام بانکی، خصوصی کردن بانکها و استقرار نظام انعطاف‌پذیر ارز و نرخهای آن با ثبات رقابتی
- برقراری نرخهای سود حقیقی مثبت
- استقرار نهادهای بازار مبتنی بر سود، انگیزه و رقابت در جهت توسعه بخش خصوصی
- رقابتی کردن مقررات و قوانین مربوط به جلب و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، بخصوص در سرمایه‌گذاری‌های معطوف به صادرات
- ایجاد شرایط و تسهیلات مناسب برای پیوند بنگاههای تجاری، صنعتی و خدماتی داخلی، با زنجیره‌های ارزشی جهانی
- ایجاد زمینه‌های لازم برای گسترش بیمه‌های تضمینی و اعتباری، بیمه پروژه‌های موضوع وامها، تسهیلات تأمین مالی و سرمایه‌گذاری‌ها و بیمه محصولات کشاورزی
- اصلاح و توسعه نهادهای مالی و بانکداری، به منظور پشتیبانی از سرمایه‌گذاری و تولید و توسعه نهادهای تعاونی و خصوصی

۱-۳- افزایش رشد بهره‌وری نیروی کار از طریق:

- احترام به فرهنگ کار به عنوان یک ارزش، با استفاده از رسانه‌های عمومی و روشهای آموزشی و نیز ایجاد امنیت سرمایه‌گذاران و مبارزه با رانت‌جویی
- بازنگری و اصلاح قانون کار، در جهت انعطاف‌پذیری روابط کارگر و کارفرما
- کاهش مداخله دولت در روابط کار با ایجاد زمینه‌های مناسب، برای تشکیل تشکلهای واقعی صنفی کارگری و کارفرمایی و احترام به توافقات دو جانبه این تشکلهای
- استقرار نظام شایسته‌سالاری در استخدام، انتصاب و ارتقای نیروی کار در بخش عمومی، همراه با کاهش تبعیض جنسیتی، قومی و ایدئولوژیک
- کاهش هزینه‌های مبادله، با ممانعت از مداخله نهادهای غیر اقتصادی (سیاسی، امنیتی، قضایی) در فعالیت بنگاههای اقتصادی
- ایجاد ارتباط منطقی بین دستمزدها و کارایی نیروی کار، و اجتناب از تعیین دستوری دستمزدها

- ارتقای نقش مراکز کاربایی در انطباق تخصص و مهارت نیروی کار با مهارت مورد نیاز مشاغل
- ایجاد ارتباط منطقی بین نیازهای بازار کار و نظام آموزشی کشور
- زمینه‌سازی برای افزایش سهم شاغلین متخصص، با هدف استفاده از مزیت‌های تعامل فعال با اقتصاد جهانی
- استفاده مطلوب از ظرفیتهای موجود، با ایجاد تنوع در فعالیتهای و ارتقای کیفیت محصولات
- کم کردن انحراف بین قیمت‌های دستوری و واقعی عوامل تولید
- استفاده مؤثر و بهینه از عوامل سخت‌افزاری در فرایند تولید، با ایجاد انگیزه و جذب نیروی کار متخصص

۱-۴- افزایش مشارکت نیروی کار از طریق:

- ایجاد شرایط مناسب جهت مشارکت بیشتر زنان در امور اقتصادی و ایفای نقش شایسته از سوی آنان به عنوان بخشی از جمعیت
- پیش‌بینی تمهیدات لازم به منظور تقویت مهارت‌های زنان، متناسب با سایر عوامل توسعه، از طریق گسترش آموزش‌های کاربران حرفه‌ای، با تأکید بر استفاده صحیح از سرمایه‌گذاری انجام شده در بخش آموزش عالی
- توسعه صنایع کوچک، سازماندهی و متشکل کردن آنها، به ویژه برای زنان
- گسترش فعالیتهای تحقیق و توسعه در زمینه‌های فنآوری متناسب با شرایط بازار کار کشور
- گسترش مشاغل مولد فردی، کارآفرینی و مشاغل مولد برای نیروی کار مازاد روستایی
- حمایت از توسعه بخش تعاونی و توسعه فرهنگ تعاون و کارآفرینی، بخصوص در تعاونیهای تولیدی و اشتغالزا
- حمایت از صدور خدمات فنی - مهندسی، کالا و خدمات فرهنگی و نیروی کار

۱-۵- ایجاد فرصتهای شغلی جدید و کاهش نرخ بیکاری از طریق:

- راه‌اندازی شبکه متمرکز اطلاع‌رسانی بازار کار به متقاضیان کار، کارفرمایان، کارآفرینان، سرمایه‌گذاران و برنامه‌ریزان در سطح کشور

- حمایت‌های لازم جهت ایجاد توسعه مراکز مشاوره شغلی و کاربایی غیر دولتی
- حمایت از ایجاد و تقویت سازندگان فرعی مرتبط با صنایع بزرگ داخلی، جهت گسترش و توزیع فرصت‌های شغلی
- تشویق کارفرمایان کارگاهها و بهره‌برداران کشاورزی موجود به استخدام نیروی کار جدید و متخصص، از طریق تخفیف در میزان حق بیمه سهم کارفرما، و پیش‌بینی اعتبار لازم در بودجه کل کشور، و همچنین کاهش مالیات کارفرمایان به میزان مالیات به حقوق دریافتی از کارکنان جدید
- حمایت از ایجاد و گسترش واحدهای سازنده قطعات و خدمات مهندسی، با تشویق کارآفرینی در مناطق روستایی، در راستای توسعه مشاغل غیر کشاورزی و خدمات مهندسی کشاورزی در روستاها
- حمایت از شکل‌گیری صنایع تبدیل کشاورزی، و بازاریابی برای این قبیل محصولات، به منظور گسترش و ترویج فرصت‌های شغلی برای نیروی کار مناطق توسعه نیافته و جوامع عشایری، با اجرای برنامه‌های آموزشی
- حمایت از توسعه تعاونی‌ها، به ویژه تعاونی‌هایی با اعضای فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و دارندگان مهارت‌های فنی و حرفه‌ای
- انجام اقدامات ضروری، به منظور افزایش اشتغال نیروی کار ایرانی در خارج از کشور
- حمایت از شکل‌گیری واحدهای تولید کالا و خدمات، در حوزه‌های مختلف مرتبط با فناوری اطلاعات و ارتباطات

۱-۶- برقراری انضباط مالی و بودجه از طریق:

- افزایش سهم اعتبارات هزینه‌ای تأمین شده از محل درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدها
- اخذ بهره مالکانه از مواد طبیعی تجدیدناپذیر
- اخذ جریمه متناسب از فعالیتهای دارای آثار بیرونی منفی بر محیط زیست و منابع طبیعی
- برقراری مالیات ویژه بر ارزش افزوده نفت
- اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده

۷-۱- مهار تورم از طریق:

- کنترل رشد حجم نقدینگی در سطح رشد متوسط سالانه شانزده درصد (۱۶٪)
- رفع موانع اجرایی قانون پولی و بانکی، به منظور تبیین رابطه بین دولت و بانک مرکزی، و تأکید بر وظایف، اختیارات و نقش بانک مرکزی، در اجرای سیاستهای پولی و تفکیک سیاستهای پولی از سیاستهای مالی و بودجه‌ای
- عدم تأمین مالی کسری بودجه دولت از طریق استقراض از بانک مرکزی
- استفاده از ابزارهای غیر مستقیم در کنترل حجم پول، تشویق پس‌انداز داخلی و گسترش بازارهای مالی
- انعطاف‌پذیری در استفاده از نرخهای سود سپرده‌ها، جهت جبران تورم، و همچنین ایجاد انگیزه برای پس‌انداز و تجهیز منابع برای سرمایه‌گذاری
- گسترش شرایط رقابتی بین بانکها و تشویق و تسهیل تأسیس مؤسسات اعتباری غیر بانکی خصوصی
- به کار گرفتن بازار بین بانکی برای تسهیل فعالیتهای بانکی و پولی
- طراحی و اعمال مدیریت مطلوب بدهیها و داراییهای خارجی

۸-۱- گسترش بازارهای مالی از طریق:

- گسترش استفاده از ابزار تنظیمی و نظارتی قانونمند، شفاف و کارآمد، سریع و مطمئن برای تحت پوشش قرار دادن فعالیت سرمایه‌گذاران، ناشران اوراق بهادار، واسطه‌های مالی، ابزارهای مالی و بازارهای اوراق بهادار
- پیش‌بینی تمهیدات لازم برای ایجاد نهادهای مربوط به بازار دست اول، و تدوین قوانین و مقررات عملیات مالی لازم در بازارهای مزبور، از جمله ضوابط انتشار و عرضه عمومی اوراق بهادار در کشور
- گسترش بازارهای فرعی شامل بازار خارج از بورس، بازارهای تخصصی (بورس کالا) و سطح پوشش جغرافیایی بورس اوراق بهادار در کشور

- ایجاد تنوع ابزاری در بازار متشکل سرمایه کشور، با بهره‌گیری از بازارهایی چون اوراق سهام، اوراق مشارکت (ریالی و ارزی)، قراردادهای آتی و سلف (ریالی و ارزی) و ابزارهای مشتقه از جمله اختیار معامله

- تدوین مقررات لازم برای استفاده بهینه از صنعت بیمه در بازارهای مالی، و تنظیم مقررات ناظر بر سپرده‌گذاری و جوه بیمه در بازارهای مالی

- یکپارچه‌سازی سیستمهای خدمات‌رسانی بانکی و بیمه‌ای، با استفاده از فناوری‌های جدید

- فراهم کردن شرایط استفاده از کارتهای اعتباری، به جای مبادله پول

- توسعه صنعت بیمه، برای پوشش دادن به ریسک سرمایه‌گذاری

۹-۱- توانمندسازی بخشهای تعاونی و خصوصی و ساماندهی شرکتهای دولتی از طریق:

- پرهیز از گسترش حجم دولت و تلاش در جهت کوچک‌سازی حجم و دخالتهای دولت در اقتصاد با بازنگری در تعریف و شرح وظایف دستگاهها و نهادهای دولتی

- سامان قلمرو و نحوه حضور بخشهای عمومی در اقتصاد

- ایجاد تلقی و دیدگاه واحد نسبت به ارتقای کارایی فعالیتها، به عنوان هدف خصوصی‌سازی

- ایجاد شرایط لازم برای حضور بنگاههای اقتصادی دولتی در بازارها و فعالیتهای منطقه‌ای و بین‌المللی

۲- توسعه مبتنی بر دانایی

۲-۱- مبتنی ساختن توسعه اقتصادی، به علم و فناوری از طریق

- فعال‌سازی بازار دانایی، با برقراری ساز و کار ثبت مالکیت فکری و تسهیل در مبادله منافع اقتصادی دستاوردهای فناوری

- تکیه بیشتر بر بخش خصوصی در فعالیتهای پژوهشی و فناوری

- توسعه فناوری‌های بومی (کوچک و متوسط مقیاس)

- افزایش سهم ارزش افزوده فعالیتهای پژوهشی و فناوری در تولید ناخالص داخلی

۲-۲- ارتقای شاخص تولید علم و شاخص دستیابی به فناوری در رده‌بندی جهانی از طریق:

- دسته‌بندی مأموریتها و تقسیم کار ملی دستگاه‌های فعال حوزه فناوری و پژوهش، و ارزیابی فعالیتهای دستگاهها بر اساس شاخصهای شناخته شده جهانی
- نوسازی ساختارها و شیوه‌های مدیریت، در حوزه پژوهش و فناوری (شبکه‌ها و نهادهای دیده‌بان علمی)
- کاهش فاصله فناوری‌های مورد استفاده در کشور با فناوری روز دنیا

۲-۳- توسعه فناوری اطلاعات ملی مکانی به عنوان زیرساخت اقتصاد دیجیتال از طریق:

- ایجاد زیرساختهای اطلاعات ملی مکانی برای تجاری‌سازی نتایج تحقیقات (توسعه ساختارهای حوزه فناوری شامل: نهادهای مالی خطرپذیر، شرکتهای توسعه فناوری، پارکها و مراکز رشد علم و فناوری، دانشگاههای پژوهشی)
- مقررات‌زدایی در جهت تسهیل فعالیتهای پژوهشی و فناوری
- ایجاد تنوع خدمات و تسهیل و تسریع دستیابی به ارتباطات مورد نیاز و مطمئن

۲-۴- ایجاد فرصتهای برابر آموزشی از طریق:

- پیگیری راهبرد «آموزش برای همه» به عنوان یک راهبرد ملی
- عمومی کردن آموزش ابتدایی و راهنمایی تحصیلی
- تنوع بخشیدن به خدمات آموزشی با حمایت از آموزشهای از راه دور، مجازی و آموزشهای پودمانی

۲-۵- بهبود کیفیت آموزش در تمامی سطوح با توجه به پیشرفت فناوری از طریق:

- اصلاح برنامه‌های آموزشی با روزآمد نمودن آنها و انطباق برنامه‌ها با نیازهای جامعه و بازار کار
- استفاده از فناوری‌های جدید در محتوای آموزشها و روشهای آموزشی
- تغییرات اساسی محتوا و روشهای آموزشی با هدف اثربخشی بر فرایند یاددهی و یادگیری
- مهندسی مجدد نظام آموزشی فنی و حرفه‌ای در مجموعه نظام آموزشی کشور، با توجه به تحولات جهانی و ضرورتهای داخلی با به‌کارگیری فناوری‌های جدید ارتباطی و اطلاعاتی

- ایجاد دانشگاه‌های پژوهش محور، و پاسخگو به جامعه
- بهبود ساختار و کیفیت نیروی انسانی شاغل در بخش آموزش
- تدوین و اصلاح قوانین و مقررات لازم برای تنوع بخشی به منابع مالی و خودگردانی واحدهای آموزشی
- اصلاح فرایند تنظیم استانداردها و نظارت بر آموزشها
- گسترش ارتباطات علمی با مراکز و نهادهای آموزشی و تحقیقاتی معتبر بین‌المللی

۲-۶- تحول و بهبود ساختار تشکیلات اداری با رویکرد استقلال و محوریت مؤسسات آموزشی

از طریق:

- سازماندهی نظام واحد سیاست گذاری کلان در بخشهای آموزشی
- اصلاح مدیریت و روش اداره مؤسسات آموزشی
- مهندسی مجدد نظام آموزش فنی و حرفه‌ای در مجموعه آموزشی کشور، با توجه به تحولات جهانی و ضرورتهای داخلی
- اصلاح ساختار سازمانی و تشکیلاتی ستادهای آموزشی، با هدف ارتقای توان کارشناسی، کاهش تصدیها و کوچک سازی تشکیلات

۲-۷- توسعه ظرفیت تولید آمار، ارتقای کیفیت آمار و اطلاع رسانی آماری از طریق:

- فعال سازی نظام آماری کشور
- تمرکززدایی در تولید آمار
- ساماندهی آمارهای ثبتی
- بهره گیری از فناوری اطلاعات
- تقویت پایگاه اطلاعاتی آماری کشور
- تشویق و ترغیب بخش خصوصی، در جهت مشارکت در فرایند تولید و اطلاع رسانی آماری و توسعه پژوهشهای آماری
- ترویج و ارتقای فرهنگ آماری کشور، و جلب مشارکت و همکاری مردم در فرایند تولید آمار

۳- تعامل فعال با اقتصاد جهانی

۳-۱- تعامل مؤثر و مشارکت خردمندان در فرایند جهانی شدن از طریق:

- ایجاد تسهیلات اداری، مالی، خدمات بانکی و بیمه‌ای گمرکی و قضایی برای روان‌سازی جریان تجارت، و توسعه صادرات غیر نفتی
- تداوم راهبرد جهش صادرات غیر نفتی
- مشارکت در زنجیره‌های تولید و تجارت بین‌الملل، در راستای ارتقای فناوری و گسترش بازار
- شناسایی فرصت‌ها و محدودیت‌های خارج از کشور، و معرفی آنها به بنگاه‌های اقتصادی داخلی و تشویق آنها برای حضور فعال در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی
- کمک به تبدیل شرکتهای صادراتی، به شرکتهای صادراتی بزرگ و بین‌المللی
- ترویج فرهنگ ضرورت توسعه صادرات در سطوح آموزشی و رسانه‌های عمومی
- فرهنگ‌سازی، با هدف تولید برای صادرات
- اصلاح و به روز کردن قوانین ضد رقابت مکارانه (دامپینگ)

۳-۲- ساماندهی کارآمد امور تولید و فناوری کشور جهت پیوستن به سازمان تجارت جهانی از

طریق:

- تسهیل شرایط تجارت خارجی مؤسسات مالی (بانکی، بیمه‌ای، کارگزاری، و ...)، با جلب مشارکت بخش غیر دولتی و مؤسسات بین‌المللی، در یک فضای رقابتی
- تقویت بخش خصوصی در تجارت نفت و فرآورده‌های نفتی
- توسعه تجارت خدمات، در راستای بهره‌گیری از مزیت‌های جغرافیایی، انسانی، فنی و فناوری ارتباطات و اطلاعات کشور
- کاهش هزینه‌های صادرات، به منظور رقابتی نمودن کالاها و خدمات صادراتی
- برقراری نظام تعرفه‌ای هماهنگ با نظام تعرفه‌ای جهان

- اصلاح و تغییر قوانین و مقررات و استانداردها در بنگاهها، سازمانها، مؤسسات عمومی، دولتی و خصوصی، و هماهنگ کردن آنها با ضوابط و قواعد و هنجارهای پذیرفته شده بین‌المللی، جهت کارآمد کردن امور

- ایجاد ظرفیتهای جدید «ویژه صادرات» در بخشهای صنعت، معدن، کشاورزی و خدمات

- تلاش در جهت توازن بخشی به تراز تجاری بدون نفت

- تنظیم سیاستهای پولی و مالی متناسب با الزامهای جهش صادراتی، آزادسازی تدریجی بخش خدمات، جهت دسترسی و تأمین نهادهای بخشهای تولیدی، در شرایط برابر با صادرکنندگان سایر کشورهای جهان

- ساماندهی بازارهای داخلی و رقابتی کردن کلیه بازارها، جهت ایجاد مزیت‌های رقابتی صادراتی

- هدایت سرمایه‌گذاری‌های صنعتی به فعالیتهای دارای مزیت رقابتی، از طریق کاهش تدریجی حقوق ورودی

- انطباق مقررات، قوانین و رویه‌های گمرکی و سیستم طبقه‌بندی و ارزش‌گذاری کالا، با آخرین سیستم‌های بین‌المللی گمرکی

- انطباق تدریجی ضوابط فنی و استانداردهای ملی، با استانداردهای بین‌المللی

- تضمین تولید و گردش آزاد آمار و اطلاعات برای تجارت

- ارتقای سهم تجارت فناوری و ارتباطات در تجارت خارجی کشور

۳-۳- بسط و گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از طریق:

- ایجاد زیربنای کالبدی و غیر کالبدی معطوف به توسعه تجارت، از جمله ایجاد و توسعه زیربنای حمل و نقل و ارتباطات، پیوستن به کنوانسیون‌های بین‌المللی، ایجاد پایگاههای مناسب برای ارائه خدمات تجارت بین‌المللی، ایجاد و توسعه سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای لازم برای تجارت الکترونیکی

- توسعه سکوی صادراتی در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، از طریق تعریف جدید منابع درآمدی سازمانهای مناطق آزاد، و تمرکز کارکردهای این مناطق بر حوزه‌های هم‌پیوندی اقتصاد ایران با

اقتصاد جهانی، و احتراز از رویکردهای توسعه منطقه‌ای، و منظومه‌ای کردن توسعه این مناطق با توسعه ملی

- گسترش و تجهیز دالانهای ارتباطی، با عملکرد فرا ملی و شناسایی مراکز جمعیتی مستقر در آن، برای استفاده از مزیت‌های موقعیت جغرافیایی، ژئوپلیتیکی و قابلیت‌های ترانزیتی کشور

- شناسایی و آماده‌سازی مسیرهای انتقال انرژی دریای خزر و نواحی شرقی آن، تا پایانه‌های خروجی در غرب و جنوب شرقی کشور

- تجهیز مناطق آزاد به خدمات زیربنایی، بازرگانی و پشتیبان تولید، به عنوان مراکز اصلی ورود کشور به بازارهای جهانی و منطقه‌ای، متناسب با نقش و عملکرد این مناطق در ساختار اقتصاد ملی

- سازماندهی فضایی و تقسیم کار تخصصی بین مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور، با تأکید بر نواحی جنوبی، شمالی و محور شرق کشور، در چارچوب ملاحظات و راهبردهای آمایش سرزمین

- اصلاح و ارتقای ساختار نظام اجرایی و تشکیلاتی نحوه اداره و بهره‌برداری، از مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور

- تقویت زیرساخت‌های توسعه‌ای در مرزها، بنادر و جزایر، جهت بهره‌گیری کارآمد از موقعیت ژئوپلیتیکی کشور، و در تعامل همه‌جانبه با شرایط منطقه‌ای و جهانی

- ارتقای عملکرد مناطق آزاد تجاری - صنعتی کشور، با رویکرد توسعه صادرات، اشتغال فناوری‌های جدید، جذب سرمایه‌های خارجی و بسط و گسترش تعامل علمی، فرهنگی با سایر کشورها

- ظرفیت‌سازی برای تجارت کشور، جهت حضور مؤثر در ترتیبات چندجانبه و یا دوجانبه بهره‌گیری مؤثر از مزیت‌های منطقه‌ای ایران، و ایفای نقش مرکزیت منطقه غرب آسیا و خاورمیانه

HUB

- حضور فعال در اتحادیه‌ها و پیمان‌های تجاری منطقه‌ای، جهت ادغام در بازار منطقه

۳-۴- افزایش سرمایه‌گذاری خارجی در چارچوب اهداف توسعه ملی از طریق:

- تأکید بر گسترش ثبات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی

- نهادسازی کارآمد امور مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی

- ایجاد نظام قضایی سازگار با نیازهای سرمایه‌گذاری و تسهیلات مالی خارجی، و تخصصی کردن محاکم

- تضمین جریان آزاد و شفاف اطلاعات مورد نیاز سرمایه‌گذار

- گسترش و کارآمدسازی بازارهای سرمایه، پول، کار و کالا

- تکمیل زیربناها و ساماندهی مناطق آزاد ویژه اقتصادی، به سمت افزایش جذب سرمایه‌های خارجی و تسهیلات مالی با رویکرد توسعه صادرات

- شناسایی، آماده‌سازی و معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری خارجی، در چارچوب اهداف توسعه در عرصه‌های مختلف و اولویت‌دار

- تضمین حقوق مالکیت اشخاص حقیقی و حقوقی، اعم از مادی و آثار فکری (معنوی)

- جذب منابع مالی و انسانی ایرانیان مقیم خارج از کشور

- گسترش روابط منطقه‌ای و تقویت سازمان‌های منطقه‌ای، اسلامی و بین‌المللی

۳-۵- ساماندهی و کارآمد کردن امور مرتبط با سرمایه‌گذاری‌ها و تسهیلات مالی خارجی از

طریق:

- اصلاح و تغییر قوانین، مقررات، استانداردها و رویه‌های مربوط به سرمایه‌گذاری‌ها و تسهیلات مالی خارجی

- بسط و گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، با پی‌ریزی مناسبات سیاسی نوین و کارآمد با خارج، متکی بر اصل تنش‌زدایی در روابط بین‌المللی

- ایجاد شرایط مناسب برای ارتقای سرمایه‌های انسانی

- تقویت و حمایت همه‌جانبه دولت از توسعه سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی، و ایفای نقش فعال تشکلهای غیر دولتی در این زمینه

- تأکید بر تأمین امنیت فردی، شغلی، اجتماعی و درآمدی، بر اساس کارایی و برابری فرصتها

- سامان کارآمد بازار کار و حقوق مربوط به آن، از جمله قوانین کار و تأمین اجتماعی

- ترویج و تعمیق فرهنگ کار، تولید و کارآفرینی

- فعال شدن دیپلماسی اقتصادی خارجی
- اصلاح و ارتقای ساختار نظام اجرایی و تشکیلاتی، نحوه اداره و بهره‌برداری از مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور
- تقویت و حمایت از حضور تشکلهای غیر دولتی و بخش خصوصی، در سرمایه‌گذاری‌های خارجی
- تأکید بر سرمایه‌گذاری مشترک با رویکرد توسعه صادرات
- ۳-۶- حمایت از سرمایه‌گذاری در خارج از کشور در راستای اهداف توسعه ملی:
- شناسایی فرصتهای سرمایه‌گذاری در خارج از کشور، در جهت گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی
- فعال شدن دیپلماسی اقتصادی خارجی

۴- رقابت‌پذیری اقتصاد ◀

- ۴-۱- جایگیری در حوزه‌های برتر و بالنده، در تقسیم کار بین‌المللی از طریق:
- نوسازی ساختارهای فناوری، مدیریتی، مالی و مهارتی بنگاههای اقتصادی
- مشارکت فعال در زنجیره‌های تولید و تجارت بین‌المللی، در راستای ارتقای فناوری و گسترش بازار
- شکل‌دهی آرایشهای مناسب بنگاهی به لحاظ سازماندهی (شبکه‌ها، زنجیره‌ها، خوشه‌ها)، و اندازه (کوچک، متوسط و بزرگ)
- انطباق نظامهای ارزیابی کیفیت، با استانداردهای بین‌المللی
- مشارکت فعال در همکاری‌های منطقه‌ای و جهانی
- شناسایی و تعیین عوامل بازدارنده و ارتقا دهنده سطح رقابت‌پذیری و تنظیم سیاستهای کارآمد، در جهت حذف عوامل بازدارنده و تقویت عوامل ارتقا دهنده رقابت‌پذیری
- شناسایی و تعیین محورهای اصلی مزیت‌های رقابتی و نسبی، و برنامه‌ریزی برای بهره‌گیری مطلوب از مزیت‌های نسبی، و خلق مزیت‌های رقابتی جدید
- توسعه و ارتقای سطح استانداردهای ملی و مشارکت فعال در تدوین استانداردهای بین‌المللی

- افزایش مستمر انطباق محصولات با استانداردهای ملی و بین‌المللی

۴-۲- ارتقای سطح فناوری و جذب فناوری‌های برتر در بخشهای مختلف اقتصادی از طریق:

- افزایش کارایی و استفاده مؤثرتر از فناوری‌های موجود، و ایجاد آمادگی روانی سازمانی برای پذیرش فناوری‌های جدید

- برقراری و همگرایی عوامل مؤثر در ارتقای بهره‌وری و نوآوری در منظومه دانشگاه و بخشهای اقتصادی دولت، در سطح ملی و بین‌المللی

- توسعه آموزش در کلیه سطوح به ویژه در مقطع دانشگاهی، در رشته‌های علوم و مهندسی و همچنین، ارتقای مهارتها از طریق توسعه نظام آموزش نیروی کار

۴-۳- ارتقای بهره‌وری کل عوامل تولید از طریق:

- بهبود شرایط استفاده از نیروی انسانی کارآمد و دانش آموخته با استقرار نظام شایسته‌سالاری

- دگرگونی در ساختار حمایت‌های دولتی، و معطوف کردن آن به ایجاد نهادهای پشتیبانی در راستای ارتقای بهره‌وری

- ایجاد رابطه منطقی بین دستمزدها و بهره‌وری

- هدفمند کردن یارانه‌ها و سیاستهای حمایتی تولید، به منظور تقویت بنیانهای رقابت‌پذیری و شکوفایی مزیت‌های نسبی و رقابتی

- حذف قیمت‌گذاری توسط دولت برای کالاها و خدمات، و حاکم نمودن منطق اقتصادی بر قیمت‌گذاری کالاها و خدمات عمومی و انحصاری

- محدود کردن تعیین قیمت‌های تضمینی به محصولات استراتژیک سبد امنیت غذایی، و تعیین قیمت‌های مزبور بر اساس اصول اقتصادی، و بهره‌برداری بهینه از منابع، با استقرار نظام جامع آموزشی و ترویج بهره‌برداران به منظور کاهش هزینه‌ها

- شکل‌دهی آرایشهای مناسب بنگاهی به لحاظ سازماندهی (شبکه‌ها، خوشه‌ها و زنجیره‌ها)، و به لحاظ اندازه (کوچک، متوسط و بزرگ)

- استفاده از قابلیت اعمال سیاستها، اجرا، نظارت و تولید اطلاعات سریع و مطمئن فناوری اطلاعات، در ارتقای بهره‌وری

۴-۴- ایجاد فضا و بسترهای مناسب برای تقویت و تحکیم رقابت‌پذیری ملی از طریق:

- پی‌ریزی ساختار سیاسی و محیط حقوقی و قضایی مناسب جهت مشارکت پایدار و نهادینه مردم برای رقابتی کردن اقتصاد در فرایند توسعه

- ایجاد و توسعه زیربناهای مدرن از جمله گسترش شالوده ارتباطی - مخابراتی - انفورماتیک ICT و نظایر آن، با تأکید بر الزامهای مزیت‌های رقابتی و نسبی کشور

- احترام به حقوق خصوصی افراد و توسعه نهادهای قانونی قضایی و امنیتی در جهت سازگاری آنها برای رقابت‌پذیری

- حذف و یا کنترل انحصارات موجود دولتی و جلوگیری از شکل‌گیری انحصار در فعالیتهای اقتصادی

- به حداقل رساندن مداخلات دولت در امور اقتصادی و افزایش کارآمدی آن، و محوریت بخشیدن به بخش خصوصی در توسعه اقتصادی کشور

- سازگارسازی نظامهای قانونی و حقوقی کشور با نظامها و کنوانسیونهای بین‌المللی، در جهت تقویت رقابت‌پذیری

- توسعه خدمات بازرگانی، فنی، مالی، بانکی و بیمه‌ای، و یکپارچه سازی سیستمهای خدمات‌رسانی آنها

- حذف تبعیض‌های اقتصادی، و اجتناب از اعطای امتیازات اقتصادی به اشخاص یا گروههای خاص

۵- امنیت انسانی و عدالت اجتماعی: ◀

۵-۱- ایجاد زمینه برای رشد و تعالی افراد جامعه از طریق:

- آموزش و ارتقای مهارت‌های انسانی، و برابرسازی دسترسی به اطلاعات، و دارایی‌های مادی و

- ارتقای سرمایه اجتماعی (اعتماد، وفاق، ایثار، صداقت، قانون‌گرایی، وجدان اجتماعی و ...)
- احترام به حقوق و حریم خصوصی افراد
- تساوی افراد در برابر قانون
- اعمال یکسان و بیطرفانه قوانین و مقررات، در مورد افراد و گروه‌های سیاسی، اجتماعی و اقوام
- الگوسازی از راهبران دینی، ملی و منطقه‌ای، و ترویج شایستگی‌ها و کمالات اخلاقی آنان
- ارتقای اعتماد عمومی به امکان‌پذیر بودن پیشرفت، بر مبنای شایستگی‌های فردی
- ترویج فرهنگ کار، قناعت و میل به پیشرفت
- الگوسازی از کارآفرینان، و ترویج فرهنگ و روحیه کارآفرینی

۵-۲- تأمین حفظ و ارتقای حقوق شهروندی از طریق:

- حفظ و ارتقای منزلت اجتماعی و پیشگیری از بروز بحران‌های منزلتی
- پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی علی‌الخصوص در میان جوانان، نوجوانان و زنان
- هدایت کنترل‌های اجتماعی امنیتی به سمت کنترل‌های نامحسوس
- ملاحظه عرفها، خرده‌فرهنگ‌های مقبول و ارزش‌های اجتماعی مناطق، در اجرا و پیاده‌سازی سیاست‌های اجتماعی، اقتصادی و امنیتی
- اعمال نگرش‌های ملاحظت‌آمیز و حمایتی، نسبت به آسیب‌دیدگان اجتماعی، مجرمین و زندانیان
- جلوگیری از اقدام‌های سازمان‌یافته گروه‌های افراطی و نیروهای خودسر مخل نظم عمومی
- گسترش استفاده از فناوری نوین، و بهبود سیستم‌ها و روش‌ها، و ارائه‌ی خدمات امنیتی انتظامی برای مردم
- تقویت جامعه‌پذیری نسل جوان و نوجوان از طریق همکاری با نهادهای آموزشی، فرهنگی، اجتماعی در رسانه‌های جمعی

۵-۳- کاهش نابرابریها و تبعیض‌های جنسیتی از طریق:

- دسترسی برابر زنان و مردان به منابع و فرصت‌ها
- اصلاح قوانین و مقررات (قانون مدنی، قانون کار و ...)، در جهت برابریهای جنسیتی

- افزایش نقش زنان در تصمیم‌گیری
- ارتقای آموزشهای فنی و حرفه‌ای برای افزایش توانمندی‌های زنان
- حمایت و گسترش دوره‌های کارآفرینی زنان
- تقویت و حمایت از نهادهای غیر دولتی مدافع حقوق زنان
- تعادل جنسیتی در بازار کار
- ظرفیت‌سازی در بخش خدمات، با هدف اشتغال دختران دانش‌آموخته
- گسترش تأمین اجتماعی برای زنان فاقد شغل و پوشش حمایتی
- افزایش مشارکت زنان در نهادهای مدنی
- واگذاری بخشی از فعالیتهای دولتی بخش آموزش بهداشت، درمان و بهزیستی، به زنان
- به‌کارگیری سیاستهای تشویقی، جهت معرفی و حمایت از اندیشمندان و فرهیختگان زن
- حمایت از زنان سرپرست خانوار
- حمایت از مراکز پژوهشی در حوزه زنان
- تقویت مهارتهای زنان، از نظر دستیابی به مهارتهای فنی، آموزشهای کاربردی و حرفه‌ای
- حمایت از سرمایه‌گذاری وابسته به کشاورزی، و منابع روستایی و صنایع تبدیلی کشاورزی، با تأکید بر مشارکت زنان روستایی، و جذب آنان در مشاغل غیر کشاورزی
- حمایت از تأمین مسکن ارزان، برای زنان سرپرست خانوار
- تأمین مدارس شبانه‌روزی برای دانش‌آموزان دختر روستایی، و تأمین هزینه ایاب و ذهاب آنان
- گسترش آگاهیهای عمومی زنان و دختران، در زمینه‌های حقوقی، از طریق کتب آموزشی
- رفع تبعیض جنسیتی، در ارتقای کارکنان دولت به پستهای تصمیم‌گیری
- اصلاح برنامه‌های رسانه‌ها، در جهت ارتقای باور عمومی به شایستگی زنان
- تعمیق و گسترش خدمات بهداشتی به زنان، در دوران بارداری و زایمان
- حمایت از زنانی که شوهران مبتلا به ایدز دارند.
- تأمین بهداشت روانی زنان، از طریق ارائه‌ی خدمات مشاوره و مددکاری اجتماعی ویژه
- توسعه ورزش همگانی زنان

- بهبود تغذیه زنان

۴-۵- برقراری عدالت اجتماعی بر پایه تساوی در برابر قانون از طریق:

- توسعه حقوق شهروندی، و مشارکت برای رفع ابهام، تناقض و تفسیر سلیقه‌ای از قوانین

- آموزش عمومی و ترویج فرهنگ قانون‌مداری، نظم، مدارا و زندگی سالم

- اعمال قاطعانه، عادلانه و فراگیر قانون

۵-۵- ایجاد امنیت فردی و مصونیت از خشونت و تجاوز و کاهش ناامنی در زندگی فردی از

طریق:

- ارتقای کیفی نیروی انسانی نهادهای حافظ نظم و امنیت کشور

- پیش‌بینی، پیشگیری و کنترل جرائم و تخلفات، با به‌کارگیری فضاهای مجازی، امکانات

الکترونیک و گسترش جامعه شبکه‌ای

- کاهش عوامل جرم‌خیز و فرصت‌های ارتکاب جرم، از طریق رفع خلاءها و نواقص قانونی، و تحقق

اصل بیست و نهم قانون اساسی

- افزایش هزینه‌ها و ریسک اقدام به جرم

- ساماندهی رفاه اجتماعی به منظور پیشگیری از موقعیتهای جرم‌خیز

- ایجاد تناسب بین جرم و مجازات، و تأمین بازدارندگی با استراتژی مجازات‌های جایگزین

- توسعه سرمایه اجتماعی و باورهای فرهنگی و سنتی، به منظور کاهش عوامل جرم‌خیز

- ارتقای استانداردهای حرفه‌ای کشف جرم

- متناسب‌سازی قابلیت‌ها، سیستم‌ها و اقدام‌ها در حوزه قضایی، امنیت عمومی و انضباط اجتماعی، با

شرایط جامعه جوان و حضور فزاینده زنان

- پاکسازی چهره محیط‌های عمومی از مظاهر ناهنجاری

۶-۵- ایجاد امنیت شغلی از طریق:

- تأمین خدمات مشاوره و مددکاری حقوقی برای شاغلین

- اعمال حمایت‌های قانونی و حقوقی در برابر بیکاری
- گسترش بیمه‌های بیکاری
- بسط و ترویج فرهنگ شایسته‌سالاری، و مقابله با فرهنگ ظاهرسازی و چابلوسی
- تأمین و گسترش آموزش‌های مربوط به سلسله مراتب اداری، انعطاف‌پذیری و افزایش تحمل و بردباری بین کارگر و کارفرما
- گسترش فرهنگ کار، قناعت و شایسته‌سالاری در روابط شغلی

۵-۷- افزایش اعتماد عمومی از طریق:

- اعمال قاطعانه، عادلانه و فراگیر قانون
- تقویت اقتدار حاکمیت
- انسجام هدفمند دستگاه‌های اجرایی، و پای‌بندی مسئولان و مدیران به تعهدات خود، و مدیران گذشته
- استقبال از افزایش تقاضای اجتماعی برای مشارکت شهروندان در مدیریت و هدایت مسائل، در قالب نهادهای محلی و غیر محلی
- توسعه نهادها و فرایندهای درونی‌سازی، نهادینه‌سازی و جامعه‌پذیری، در رابطه با ارزشها و هنجارهای ملی و اسلامی، و کاهش دخالت‌های حاکمیت در امور اجتماعی
- خودداری رسانه‌های عمومی از اقدامهایی که منجر به کاهش اعتماد عمومی می‌گردد.
- ضابطه‌مندی، ترویج و گسترش ساده‌زیستی مسئولان، و احتراز آنان از بهره‌مندی امکانات اختصاصی
- ترویج صداقت و راستگویی در روشها، و خودداری از ارائه‌ی اخبار و گزارش‌های نادرست

۵-۸- کاهش نابرابریها و تبعیض‌های قومیتی از طریق:

- تقویت دانش قوم‌شناسی اقوام ایرانی، و حمایت از مراکز پژوهشی مربوطه
- حفظ هویت اقوام ایرانی در قالب هویت ملی
- اصلاح محتوای کتب درسی در جهت حذف مطالب تفرقه‌آفرین

- اصلاح ساختار سرشماری کشور، در جهت گردآوری منظم اطلاعات از ویژگی‌های قومیتی
- تأسیس دوره‌های زبان‌شناسی و فرهنگ‌شناسی اقوام ایرانی در دانشگاهها
- تبدیل دروس «ادبیات فارسی» دانشگاهها به «ادبیات ایرانی زبان فارسی و زبانهای قومی»
- تأکید بر پروژه‌های عمرانی کوچک متناسب با ظرفیتهای محلی، با رویکرد توانمندسازی محلی
- فراهم کردن زمینه مشارکت هر چه بیشتر اقوام و جوامع محلی، در سرنوشت سیاسی خود
- نظارت جدی بر رسانه‌ها، به منظور ممانعت از اشاعه فرهنگ تفرقه‌آمیز و تحقیر کننده اقوام ایرانی

۶- امنیت ملی

۶-۱- پی‌ریزی سیاست خارجی بدون تنش، برای اثربخشی سیاستهای توسعه ملی از طریق:

- تنش‌زدایی روابط سیاسی با کشورهای جهان
- بسط مراودات با کشورهای اسلامی
- برقراری روابط دوستانه با همسایگان
- بسط روابط تجاری و پی‌ریزی تعاملات دوجانبه اقتصادی با همسایگان
- ارتقای دانش و توانمندی‌های کار دیپلماتیک کشور
- حمایت از مراکز پژوهشی و سازمانهای غیر دولتی، در نقد و تحلیل عملکرد سیاست خارجی کشور

۶-۲- حرکت همه جانبه به سوی لغو تحریمها، و برخورداری از امکانات بیشتر برای انتخابهای

توسعه ملی در ابعاد تکنولوژیکی و دسترسی به بازارهای جهانی و تأمین منابع مالی لازم از طریق:

- بسیج توان دیپلماسی کشور برای جلب آرای کشورهای جهان
- احتراز از اقدامهای تحریک‌آمیز و تنش‌زا، و جلوگیری از حملات بهانه‌جویانه دولتهای معارض و دستگاه‌های تبلیغات
- ساماندهی سیاستهای تبلیغاتی، قضایی، اجرایی و مدیریتی، با هدف ممانعت از سوء استفاده دستگاه‌های تبلیغاتی

- اتخاذ راهکارهای اجرایی، به منظور ارتقا، مشروعیت و منزلت جمهوری اسلامی در افکار عمومی جهان

- حمایت از گسترش مرادوات علمی، فنی و دانشگاهی نهادهای غیر دولتی با مجامع بین‌المللی

۳-۶- اعمال اصول عزت، حکمت و مصلحت در سیاست خارجی، از طریق پویایی و فعال‌سازی دیپلماسی، و محدودیت فعالیت‌های مربوطه برای حفظ امنیت ملی از طریق:

- ارتقای توانمندی‌های کادر سیاسی

- تبیین مبانی تئوریک امنیت ملی در هدفگذاری سیاست خارجی

- نهادینه ساختن اطلاع مستمر کادر سیاسی از موفقیت‌ها و توانمندی‌های علمی، اقتصادی فرهنگی، نظامی و ...

- تبیین مبانی تئوریک انقلاب اسلامی، و مصادیق اصول عزت، حکمت و مصلحت در روابط خارجی

۴-۶- ارتقای توان بازدارندگی نیروهای مسلح و دستیابی به فناوری‌های برتر از طریق:

- ارتقای سطح دانش و مهارت‌های نیروهای مسلح

- محوریت فناوری‌های نوین در صنایع دفاعی، و انتقال دانش فنی مورد نیاز

- ارتقای تحرک عملیاتی یگان‌های رزمی و افزایش آمادگی رزمی

- سازماندهی واحدهای واکنش سریع

- افزایش توان اطلاعات رزمی نیروهای مسلح

- تقسیم مسئولیت بین واحدهای ارتش و سپاه و انسجام واحدهای اصلی

- گسترش حضور نظامی و غیر نظامی کشور، در دریای جنوب و شمال

- ارتقای توانایی‌های الکترونیک، شناورهای تندرو و موشک‌های ساحل دریا، و نیز تقویت توانایی‌های

موشکی عملیات دید در شب

۵-۶- تأمین، حفظ و ارتقای حضور میلیونی مردم در صحنه‌های دفاعی از طریق:

- تقویت کمی و کیفی ارتش بیست میلیونی

- ارتقای سطح آموزشهای عقیدتی، فنی و عملیاتی در نیروهای بسیج
 - ظرفیت‌سازی در به‌کارگیری نیروهای بسیج در امور سازندگی، خدماتی و امدادی
 - ارتقای منزلت‌های اجتماعی بسیجیان
 - تقویت بسیج، از طریق فراهم آوردن زمینه‌های مشارکت هر چه بیشتر جوانان در فعالیتهای بسیج
- ۶-۶- گسترش وفاق ملی، توجه به ملاحظات امنیتی و پرهیز از تعمیق اختلافات قومی، سیاسی و منطقه‌ای از طریق:
- تعریف مبانی امنیت ملی، منافع و مصالح ملی و تبیین مصادیق آنها در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، اجرایی و مدیریتی
 - تقویت مشترکات قومی، مذهبی، سیاسی و منطقه‌ای در بین گروه‌های مختلف اجتماعی، و احتراز از دامن زدن به موارد مورد اختلاف
 - انجام اقدامهای تقویت‌کننده اشتراکات و وحدت ملی
 - آسیب‌شناسی وفاق ملی، و اتخاذ تدابیر لازم به منظور غلبه بر آسیبهای مذکور
 - شناسایی عرصه‌هایی که با تقویت آنها می‌توان وفاق ملی را گسترش داد، و برنامه‌ریزی برای تقویت آن
 - دامن زدن به رقابت‌های سازنده فرا ملی و منطقه‌ای
 - ساماندهی سیاست‌های تبلیغاتی، فرهنگی و رسانه‌ای، به منظور احتراز اکید از دامن زدن به اختلافات قومی، سیاسی و منطقه‌ای
 - ارتقای توان تحلیل، دانش، نگرش و توانمندسازی مردمی در راستای تحقق وحدت ملی
- ۶-۷- ارتقای ثبات اجتماعی، توجه به مستضعفین و حفظ منافع حامیان واقعی انقلاب از طریق:
- هدایت نخبگان و استعداد‌های درخشان، جهت کسب دانش و مهارت‌های مدیریتی، و ایجاد نگرش مثبت در آنها جهت تصدی مناصب مدیریتی، در راستای نهادهای سازی شایسته‌سالاری
 - افزایش کمی و کیفی نهادهای غیر دولتی عهده‌دار مسئولیتهای اجتماعی
 - توزیع عادلانه درآمد و احتراز از تعمیق شکاف اجتماعی

- بسط و گسترش فرهنگ مدارا، انعطاف‌پذیری و تحمل اجتماعی
- محوریت‌زدایی و توجه ویژه به گروهها و مناطق غیر برخوردار، به منظور زدودن عوامل اغتشاشات و بی‌ثباتی اجتماعی
- توجه ویژه به مستضعفین، به عنوان تجلی مفهوم دموکراسی در عرصه‌های اقتصادی، و محوریت منافع و مصالح آنان در کلیه تصمیمات

۶-۸- ارتقای توان و آمادگی رزمی نیروهای مسلح کشور از طریق:

- آموزش مداوم نیروهای مسلح با فناوری‌های برتر نظامی، و تقویت توان عملیاتی کشور
- احتراز از ورود نیروهای مسلح به عرصه تنش‌های سیاسی، قومی و منطقه‌ای
- حفظ و ارتقای منزلت اجتماعی نیروهای مسلح
- انسجام و هماهنگی برنامه‌ها، فعالیتها و اقدامها، در نیروهای مسلح
- ارتقای تحقیقات توسعه‌ای و کاربردی در نیروهای مسلح
- گسترش توانایی جمع‌آوری اطلاعات تاکتیکی، الکترونیکی و انسانی از کشورهای هدف
- تقویت روشهای پدافند عامل و غیر عامل
- توسعه و تقویت کمی و کیفی پدافند موشکی، پدافند هوایی
- تقویت پوشش رادار ملی

۶-۹- توجه به ملاحظات امنیتی و استراتژیک در تصمیمات توسعه‌ای و مدیریت کشور از طریق:

- رعایت جوانب امنیتی، دفاعی و استراتژیک در تهیه، تصویب و اجرای طرحهای بزرگ ملی (فروودگاهها، بزرگراهها، ریلها و سدها)، با لحاظ اقتصادی هزینه فایده آن
- اتخاذ تدابیر پیشگیرانه امنیتی در تصمیمات سیاسی، اقتصادی و مدیریت کشور
- توجه به ملاحظات فرهنگی و امنیت اجتماعی در اجرای برنامه‌های جامع اقتصادی و منطقه‌ای
- اعمال ملاحظات استراتژیک و امنیتی در آمایش سرزمین، و طراحی نحوه استقرار و جانمایی مراکز جمعیتی و صنعتی بخصوص در مناطق حساس
- تقویت همگرایی ملی

۷- ارتقای سلامت و بهبود کیفیت زندگی

۷-۱- برابری فرصتها و امکانات دستیابی به آموزش، اشتغال، سرمایه و کار آبرومندانه از طریق:

- برابرسازی فرصتهای استخدام مطمئن پایدار
- گسترش تسهیلات بانکی، وجوه اداره شده و تأمین ابزار کار برای افراد خلاق و کارآمد
- فراهم کردن آموزش عمومی رایگان، بخصوص در مناطق محروم و برای اقشار آسیب‌پذیر
- گسترش مدارس پیش‌دانشگاهی (امکانات دسترسی به کلاسهای کنکور و تسهیلات لازم برای موفقیت در کنکور دانشگاهها و مناطق محروم و کمتر توسعه یافته)
- گسترش فرصتهای آموزشی عملی و آموزش عالی بهداشت و درمان، در مناطق محروم و کمتر توسعه یافته، به منظور تسهیل دسترسی ساکنین آن مناطق
- توانمندسازی گروههای کم‌توان اجتماعی، قومی، جنسیتی و محلی، به منظور بهره‌مندی از فرصتهای یکسان و رقابت در عرصه‌های اجتماعی

۷-۲- تعادل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بین مناطق و استانهای کشور از طریق:

- فراهم آوردن زیرساختهای توسعه‌ای در مناطق محروم و کمتر توسعه یافته، و افزایش جاذبه‌های به‌کارگیری نیروی انسانی متخصص در این مناطق
- به‌کارگیری سیاستهای اعزام نیروهای متخصص به مناطق کمتر توسعه یافته
- اعطای بخشودگی‌های تسهیلات، برای سرمایه‌گذاری در مناطق کمتر توسعه یافته
- توجه ویژه سیاست‌گذاران به مناطق کمتر توسعه یافته، و اعمال تعادلهای منطقه‌ای

۷-۳- توزیع عادلانه درآمد از طریق:

- اعمال سیاستهای مالیاتی با هدف بازتوزیع عادلانه درآمدها
- توجه ویژه به مناطق محروم، کمتر توسعه یافته، اقشار محروم و تلاش برای افزایش درآمد آنان
- مقابله با رانت‌های اقتصادی و فساد اداری و اعمال قوانین مبارزه با پول‌شویی
- اعمال مقررات قانونی مهارکننده جابه‌جایی و سودآوری پولهای کثیف

- اعطای یارانه‌های هدفمند، و تأمین تسهیلات اجتماعی به اقشار فقیر و کم‌درآمد
- اعمال سیاستهای مالیات بر مصرف، به منظور متعادل ساختن مصرف دهکهای بالای درآمدی
- طراحی سیستم مالیاتی برای تعدیل درآمدهای ناشی از نوسانات اقتصادی، و تصمیمات رانت‌آفرین اجرایی

۴-۷- افزایش تأمین نیازهای اساسی مردم (مسکن، خوراک، آموزش، سلامت، شغل و حقوق شهروندی) از طریق:

- ساخت مسکن ارزان قیمت
- تدارک تسهیلات هدایت شده جهت تأمین مسکن فقرا
- اولویت سرمایه‌گذاری در مسکن روستایی
- تأمین مسکن استیجاری و حداقل سرپناه برای بینوایان
- اعطای یارانه‌های هدفمند جهت تأمین سبد غذایی مطلوب اقشار فقیر
- تضمین تأمین خدمات بهداشتی و درمانی ضروری، برای گروههای کم‌درآمد و فقیر
- گسترش برنامه‌های اشتغال حمایت شده برای فقرا

۵-۷- تأمین حفظ و ارتقای سلامت افراد و جامعه از طریق:

- برنامه‌ریزی برای تغییر شیوه زندگی مردم با هدف پیشگیری از عوامل خطر ساز سلامت
- پیشگیری از عوامل اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی تهدید کننده سلامت
- اولویت‌بندی سیاستها و برنامه‌های سلامتی، بر اساس الگوی بار بیماری و تعهدات بین‌المللی
- توسعه آموزش همگانی سلامت
- استمرار سیاست تحدید موالید
- ایجاد و توسعه بیمه‌های سلامت‌نگر، و تأکید بر روشهای پرداخت سرانه
- توجه ویژه به برنامه‌ریزی سلامت جوانان و نوجوانان (مهم‌ترین گروه سنی جمعیت کشور در بهترین سن فراگیری، مروج شیوه زندگی سالم در خانواده و به عنوان والدین فردا)

۶-۷- افزایش پاسخگویی به نیازهای غیر پزشکی آحاد جامعه از طریق:

- تأکید بر واگذاری ارائه‌ی خدمات سلامت‌بخش غیر دولتی، با بهره‌گیری از نظام مناسب خریدخدمات، به منظور افزایش کارایی و بهبود مستمر کیفیت خدمات و در جهت افزایش پاسخگویی
- تفکیک فرایندهای سیاست‌گذاری، اجرا، نظارت، ارزشیابی و تقویت‌ساز، و کارهای حاکمیتی در ابعاد آموزشی، پژوهشی و خدمات سلامت
- افزایش مشارکت سایر بخشهای توسعه با محوریت ارتقای سلامت جامعه، در راستای انجام مأموریت‌های محوله خود
- طراحی و عملیاتی‌سازی نظام جامع اطلاعات در بخش سلامت

۷-۷- عادلانه ساختن دریافت خدمات سلامت بر حسب جنسیت، اقوام، گروههای اجتماعی و

مناطق جغرافیایی از طریق:

- پوشش فراگیر و الزامی بیمه سلامت برای آحاد جمعیت مقیم (موقت و دائم)، در پهنه جغرافیای کشور
- ساماندهی نظام ارائه‌ی خدمات (سطح‌بندی، نظام ارجاع و ...)، بر اساس اختصاص بهینه منابع، برای جمعیت تعریف شده، و برای تأمین خدمات سطح‌بندی شده
- توزیع عادلانه منابع، بر اساس مخاطرات و سطح سلامتی مناطق جغرافیایی، و گروههای مختلف اجتماعی کشور
- تأکید بر نیازسنجی علمی، به عنوان مبنای اصلی تعیین کمیت و کیفیت منابع مورد نیاز بخش سلامت

۸-۷- پایدارسازی فرایند تأمین منابع، و مشارکت عادلانه مردم در تأمین آن از طریق:

- افزایش سهم دولت در تأمین منابع مالی بخش سلامت

- افزایش نقش نظام بیمه‌ای در مدیریت منابع بخش سلامت، و مشارکت عادلانه مردم در تأمین منابع، بر اساس سطح درآمد، و مستقل از خطر بیماری، و هماهنگی بیمه‌های تجاری، مازاد، و مکمل درمانی با سیاستهای بخش سلامت و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
- افزایش مشارکت بخشهای توسعه، در تأمین منابع مالی بخش سلامت، متناسب با مخاطرات سلامتی ناشی از عملکرد آنان
- حضور فعال در بازارهای جهانی خدمات سلامت و پزشکی، به منظور فعلیت بخشیدن به توانایی‌های بالقوه نظام سلامتی کشور، و تبدیل جمهوری اسلامی ایران، به مرکز رفع نیازهای سلامت و پزشکی منطقه
- توجه به بهره‌وری و ارتقای کارایی عملکرد منابع بخش سلامت
- ایجاد و تقویت سازوکارهای ضروری، جهت بررسی فناوریها و مداخلات تشخیصی و درمانی جدید

۷-۹- ارتقای امنیت غذا و تغذیه از طریق:

- توجه به تحقق امنیت غذایی و سلامت تغذیه‌ای جامعه در سیاستهای کلان اقتصادی
- افزایش رشد کمی و ارتقای کیفی تولیدات کشاورزی، به منظور تأمین سبد مطلوب غذایی در راستای توسعه پایدار
- هدفمند نمودن یارانه‌ها به منظور دستیابی به سبد مطلوب غذایی
- ارتقای سلامت و ایمنی مواد غذایی، در کلیه مراحل از تولید تا مصرف
- حفاظت از منابع آب و خاک، و بهره‌برداری مناسب از آنها، در جهت تأمین مواد غذایی
- ارتقای فرهنگ، دانش غذا و تغذیه در کشور
- پیشگیری، تأمین و کنترل ریزمغذی‌ها
- پایش مستمر امنیت غذا و تغذیه در کشور
- گسترش نظام جامع کاهش ضایعات مواد غذایی (تولید، فرآوری، توزیع و بازیافت)

۸- محیط زیست و توسعه پایدار

۸-۱- اشاعه فرهنگ و اخلاق زیست‌محیطی از طریق:

- ارتقای آگاهی‌های زیست‌محیطی، با تأکید بر گروه‌های اولویت‌دار
- افزایش مشارکت مردمی و مشارکت دستگاه‌های مختلف

۸-۲- توسعه سازگار بخشها با محیط زیست

- پیشگیری از تولید آلاینده‌ها در فرایندهای تولیدی و خدماتی، و استفاده مجدد از ضایعات وارده بر محیط
- ارزیابی راهبردی زیست‌محیطی سیاستها، برنامه‌ها و طرحهای مرتبط با محیط زیست، در بخشهای صنعت، معدن، کشاورزی، آب، راه و ترابری، نفت و شهرسازی
- پایدارسازی الگوهای تولید و مصرف
- ارزیابی زیست‌محیطی پروژه‌های سرمایه‌گذاری دولتی و غیر دولتی
- تدوین ضوابط و استانداردهای زیست‌محیطی بخشهای مختلف
- افزایش سهم فناوری‌های پاک و انرژی‌های تجدید پذیر
- گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و اجرای تعهدات

۸-۳- حفاظت و تنوع زیستی از طریق:

- استقرار مدیریت زیستی بومی
- ایجاد نظامهای تحقیقاتی و اطلاعاتی تنوع زیستی
- بهره‌برداری پایدار از منابع تنوع زیستی
- گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و اجرای تعهدات

۸-۴- حفاظت، احیا و توسعه منابع طبیعی از طریق:

- اعمال رویکرد مدیریت یکپارچه (نظام‌مند) منابع طبیعی کشور، بر اساس حوزه‌های آبریز

- اصلاح نظام بهره‌برداری از منابع طبیعی و منابع آب و خاک، و مهار عوامل ناپایداری منابع در محدوده حوزه‌های آبریز
- گسترش مشارکتهای مردمی در مدیریت پایدار، و حفاظت از منابع طبیعی
- گسترش مدیریت پایدار منابع طبیعی در عرصه‌های فاقد مدیریت
- ملحوظ نمودن توان طبیعی عرصه‌های منابع طبیعی، و اصلاح کاربریهای نامناسب موجود
- تدوین و اجرای برنامه جامع پیشگیری، مقابله با حوادث غیر مترقبه و بلایای طبیعی
- صیانت و احیای منابع طبیعی، تا رسیدن به توان اکولوژیک اکوسیستمها
- ایجاد عزم ملی و گسترش مشارکتهای مردمی ساکن در عرصه‌های حوزه های آبخیز، در حفاظت و توسعه پایدار منابع طبیعی

۸-۵- توانمندسازی بخش محیط زیست کشور

- تدوین و اجرای برنامه تحول سازمان و ادارات کل حفاظت محیط زیست
- ایجاد و فعال شدن واحدهای محیط زیستی در دستگاه‌های دولتی و عمومی
- ارتقای آموزش محیط زیستی دانشگاهی

۹- توسعه فرهنگی ◀

۹-۱- بسط و ارتقای ارزشها، باورها، سنتها و هنجارها از طریق:

- ترویج و تعمیق فرهنگ معنویت، ایمان، قانون‌پذیری، وجدان اجتماعی و نظم‌گرایی
- تقویت و تحکیم فرهنگ و هویت دینی و ملی، انسجام اجتماعی، زبان فارسی و سنتهای مشترک فرهنگی - اجتماعی، ضمن احترام به ویژگی‌های فرهنگ قومی و منطقه‌ای
- تقویت بنیاد خانواده با توجه به تعالیم میراث معنوی جامعه ایرانی
- ترویج و تعمیق فرهنگ کار، کارآفرینی و بهره‌وری
- گسترش و ترویج روحیه نشاط، شادابی و امیدواری اجتماعی
- تقویت و تعمیق حس همبستگی، همدلی، مفاهمه و تعلق اجتماعی

- ایجاد زمینه‌های پذیرش تحول و نوسازی در عرصه فکر و عمل، گسترش روحیه نقد و انتقادپذیری و صیانت از حقوق شهروندان

۹-۲- ایجاد شرایط و فضای مناسب برای اعتلا و گسترش فرهنگ، هنر و اندیشه از طریق:

- ایجاد زمینه‌های تنوع و تکثر در آفرینش‌های فرهنگی و هنری، به عنوان سرمایه‌های اصلی تولید و بازتولید آثار و محصولات فرهنگی و هنری در سطح ملی و جهانی

- گسترش استفاده از ابزارها و فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی در عرصه فعالیت‌های فرهنگی، هنری و اطلاع‌رسانی

- جبران عقب ماندگی‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری بخش فرهنگ، به منظور متوازن شدن آن با سایر بخشها

- به‌کارگیری راهکارهای مناسب و قانونی برای بالابردن جذابیت تولیدات فرهنگی و هنری داخلی، به عنوان مهم‌ترین عامل در مصون‌سازی جامعه، نسبت به جریان جهانی‌سازی فرهنگ

- تقویت حضور جلوه‌های بیان فرهنگ و هنر قومی در عرصه‌های ملی

- ارتقای سطح همکاری‌های فرهنگی و هنری بین‌المللی

- بسط زمینه‌های مشارکت مردم، نهادهای غیر دولتی، صنفی و حرفه‌ای در امور فرهنگی، هنری، گردشگری، اطلاع‌رسانی، میراث فرهنگی، وقف و امور خیریه

- عنایت ویژه به آثار و کارکردهای اقتصادی بخش فرهنگ، و احصای سهم بخش فرهنگ در اقتصاد ملی

- ایجاد ساختارها و راهکارهای اجرایی در توسعه همکاری‌های فرابخشی فرهنگ و هنر

- تأمین محیط حقوقی مناسب، امنیت و منزلت اجتماعی اصحاب فرهنگ و هنر

- ارتقای اهتمام ملی برای حفظ و صیانت از میراث فرهنگی کشور

- توسعه گردشگری، در جهت رشد و افزایش توان اقتصادی و بهبود مناسبات فرا ملی، به عنوان یکی از مهم‌ترین مزیت‌های اقتصاد فرهنگ

- رفع موانع و تقویت زمینه‌های رقابت‌پذیری، در عرصه فعالیت‌های فرهنگی و هنری ملی و جهانی

- ارتقای سطح کیفی مدیریت و توسعه منابع انسانی بخش فرهنگ
- ایجاد فرصتهای برابر، و افزایش آثار و محصولات فرهنگی و هنری، با تأکید بر ساماندهی مجدد نظامهای توزیع و مصرف
- حذف موازی کاری، تداخل وظایف، نابسامانی سازمانی و تشکیلاتی در نهادهای فرهنگی دولتی و غیر دولتی
- تقویت نقش و تأثیر فرهنگی مساجد و اماکن مذهبی، با گسترش و تنوع بخشی به فعالیتهای آموزشی، فرهنگی، تبلیغی و اجتماعی در آنها
- ترویج و ارتقای فرهنگ آماری و جلب مشارکت و همکاری مردم در فرایند تولید آمار، و استفاده از آن در تصمیم گیری ها، سیاست گذاریها و برنامه ریزی ها

۹-۳- اعتلای کیفی ورزشی در کشور از طریق:

- ترویج فرهنگ ورزش در جامعه با استفاده از امکانات مختلف رسانه ای
- توسعه کمی و کیفی دسترسی به ورزش تعلیم و تربیتی، و ورزش همگانی
- توسعه کمی و کیفی نظام استعدادیابی و پرورش همگانی
- ایجاد زمینه مناسب برای مشارکت بخشهای غیر دولتی، تعاونی و خصوصی در ورزش
- تربیت نیروی انسانی کیفی مورد نیاز بخشهای ورزشی با توجه به دست آوردهای نوین علمی به ویژه مریبان زن
- بازنگری و اصلاح ساختار تربیت بدنی و مدیریت ورزشی و تقسیم وظیفه ملی

۹-۴- توسعه صنعت جهانگردی از طریق:

- تنوع بخشیدن به جاذبه های گردشگری در زمینه های تاریخی، طبیعی، مذهبی، ورزشی، عشایری، روستایی و ...
- ارتقای فرهنگ عمومی در جذب و پذیرش جهانگردی
- انجام تبلیغات مناسب در جهت شناساندن جاذبه ها و امکانات کشور در بازارهای هدف
- نهادسازی و ارتقای فعالیتهای بخش خصوصی، برای افزایش رقابت پذیری در بازارهای هدف

- توسعه زیرساختهای مناسب اقامتی و پذیرایی از طریق مشارکت بخش خصوصی، و توسعه زیرساختهای میان‌راهی از طریق مشارکت بخش دولتی و بخش خصوصی
- آموزش نیروی انسانی فعال برای حفظ میراث فرهنگی، و ارتقای سطح خدمات قابل ارائه به جهانگردان
- ایجاد و توسعه سیستم اطلاع‌رسانی گردشگری با استفاده از فناوری‌های نوین
- بهبود کیفیت خدمات گردشگری از طریق بهبود روشها، و اعمال نظرات دقیق همراه با تدوین استانداردهای مورد نیاز
- ارتقای سطح خدمات بانکی، از جمله ایجاد امکان استفاده از کارتهای اعتباری بین‌المللی، و تأمین بانک توسعه گردشگری
- توسعه فعالیتهای حفاظتی و حمایتی حقوقی، از آثار تاریخی و فرهنگی کشور

۹-۵- ساماندهی امور جوانان و ارتقای سطح مشارکت آنها در توسعه کشور از طریق:

- تقویت مهاجرتهای جوانان، متناسب با نیازهای جامعه و تحولات فناوری از طریق گسترش آموزشهای کاربردی
- گسترش فعالیتهای اجتماعی، هنری و ورزشی جوانان، متناسب با مقتضیات دوره جوانی
- ساماندهی و گسترش تشکلهای و سازمانهای غیر دولتی جوانان، و همکاری با مراجع ذی‌ربط، به منظور شناسایی و واگذاری فعالیتهای ذی‌ربط دستگاه‌های اجرایی، به تشکلهای و سازمانهای مذکور

۹-۶- ارتقای نقش زنان در جامعه، و توسعه فرصتها برای آنان از طریق:

- تقویت مهارتهای زنان، متناسب با نیازهای جامعه و تحولات فناوری از طریق گسترش آموزشهای کاربردی حرفه‌ای
- شناسایی و سرمایه‌گذاری در فرصتهای اشتغالزای برای زنان
- بازنگری و اصلاح قوانین و مقررات درباره زنان، به ویژه قوانین مربوط به خانواده
- اصلاح برنامه‌های رسانه‌ها، در جهت ارتقای باورهای عمومی نسبت به شایستگی زنان، و فراهم آمدن امکان استفاده متناسب زنان و مردان از خدمات

- ارتقای کیفیت زندگی زنان، از طریق بهبود وضعیت تغذیه و تأمین بهداشت روانی زنان
- گسترش سایتهای حمایتی از گروههای آسیب‌پذیر زنان، به ویژه زنان سرپرست خانواده

◀ ۱۰- توسعه مدیریت دولت

۱۰-۱- تغییر و تعیین مقیاس و موضوع فعالیتها و وظایف دولت از طریق:

- حمایت از حوزه‌های حاکمیتی، توجه و تأکید و تجهیز سازوکارهای انجام وظایف حاکمیتی دولت در پهنه کشور، با امکان برخورداری و دسترسی همگان به آنها (امنیت، حفاظت محیط زیست و ...)
- اتخاذ تدابیر و طراحی و به‌کارگیری الگوها و روشهایی که به ایفای نقش کلیدی دولت، در عرصه سیاست‌گذاری و نقش حاشیه‌ای آن در عرصه تصدی و اداره امور اقتصادی، بیانجامد.
- توجه و حمایت از فرایند تولید، تأمین و توزیع هدفمند کالاها و خدمات عمومی، که باید فرصت برخورداری عادلانه مردم از آنها فراهم گردد.
- واگذاری تمام اموری که مردم می‌توانند در اشکال حقیقی و حقوقی مناسب، عهده‌دار آن شوند، در فضا و بازار رقابتی و دور از هر گونه انحصار
- توجه و اقدام جدی در تقویت حوزه‌های مدیریتی (سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی) و اخلاقی و پاسخگویی مدیریت دولت، همپای واگذاری امور به بخشهای خصوصی و تعاونی
- سازماندهی مدیریت دولت برای حمایت از ایجاد و تقویت مؤسسات و سازمانهای غیر دولتی NGO و بخش خصوصی و تعاونی در سطوح ستادی و اجرایی مربوط
- اتخاذ و اعمال تدابیر لازم برای قرار دادن اقدامهای کلیه نهادهای عمومی در قلمرو فلسفه وجودی و مأموریت‌های اولیه و قانونی آنها
- اتخاذ و اعمال تدابیر لازم در زمینه استقرار رویه‌های متحد پاسخگویی دستگاه‌های دولتی، و نهادها و سازمانهایی که به هر نحو، از بودجه عمومی دولت استفاده می‌نمایند، در برابر مراجع قانونی ذی‌صلاح، با استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات
- ایجاد بسترهای فرهنگی، اجتماعی و حقوقی قانونی مناسب جهت تضمین موفقیت دولت، در تغییر نقش خود

- بازمهندسی نظام همکاری‌ها و تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی دولت، در راستای ایفای مؤثر نقش‌های نوین محول به دولت، و اتخاذ سیاست‌های روشن و شایسته در مدیریت تعاملات مذکور
- اعمال حمایت‌های لازم برای تحمل هزینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حاصل از تغییر نقش دولت و واگذاری امور به بخش‌های غیر دولتی در دوران گذار
- تضمین تولید و گردش آزاد اطلاعات در کلیه زمینه‌ها و فعالیتهای مرتبط با مردم

۱۰-۲- دگرگونی در رویکرد مدیریت دولت، از تمرکز به عوامل درونی و چشم‌انداز کوتاه‌مدت، به رویکردی نظام‌یافته برای اخذ تصمیمات بنیادی از طریق:

- ترویج آموزه‌های مربوط به فلسفه و علم مدیریت استراتژیک (در ابعاد تفکر، طرح و برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی)، در میان مدیران و کارشناسان ارشد کشور
- بازنگری در نظام‌های مدیریتی، ساختارهای سازمانی، فرایندهای اصولی و فرهنگ و ارزش‌های سازمانی دستگاه‌ها، برای پذیرش و به‌کارگیری رویکرد مدیریت استراتژیک، در مدیریت امور
- طراحی و استقرار سامانه ارزیابی استراتژیک در مدیریت دولت، برای سنجش میزان اثربخشی تصمیمات و اقدام‌های دولت، و ایجاد فرصت مقایسه عملکرد دولت، در همه بخش‌ها و با سایر دولتها، بر اساس شاخص‌های بین‌المللی
- نظم بخشیدن به مدیریت و فرایند ساخت‌آفرینی، و تأسیس و تشکیل دستگاه‌های دولتی، و توسعه و تشکیلات دولت، با محوریت رئیس‌جمهور و هیئت وزیران
- نوسازی، اصلاح و توسعه نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در مدیریت دولت و بازنگری در مراجع و نهادهای جمعی تصمیم‌گیری موجود، بر پرتو اصل کارآمدی نظام‌های تصمیم‌گیری (تصمیمات مبتنی بر اطلاعات، عینیت و تعهدات شفاف)

۱۰-۳- اتخاذ نگرش نظام‌مند در اداره امور از طریق:

- ترویج و تفکر استقرار سامانه مناسب مبتنی بر کل‌نگری و نظام‌گرایی، و دور از دیدگاه‌های صرف سازمانی بخشی و متکی به اصل تعامل محیطی

- ایجاد سازوکارهای لازم برای استقرار نظامهای نتیجه‌محور، با تأکید بر اثربخشی و هدف‌گرایی در اداره امور، و استفاده از بازخورهای آن در بازسازی و بازمهندسی نظامها
- تحول در سامانه‌های حقوقی قانونی و اجرایی اداری و سازمانها، مأموریتها، صلاحیتها و مقررات مورد عمل دستگاه‌های نظارتی و بازرسی کشور، برای تحقق اصل نتیجه‌گرایی و رویکرد مدیریت نتایج در اداره امور
- تعیین مؤلفه‌های اصولی و اساسی در سامانه‌های مدیریت دولت، و تمرکز، تأکید و توجه بر آنها در تغییر، تبدیل و تحول در مؤلفه‌های مربوط

۱۰-۴- بهره‌برداری مطلوب از امکانات شبکه‌های ملی و جهانی اطلاعات، دانش و مدیریت اخلاقی از طریق:

- دستیابی به درک و برداشتی درست و قطعی از مؤلفه جهانی شدن، و اتخاذ تدابیر شایسته و روشن برای برخورد فعال با آن
- دستیابی به اصول، الگوها و راهکارهای لازم برای تبدیل نظامهای مدیریت، بسته به نظامهای باز و تعاملی در اداره امور
- ایجاد تغییر در نگرش و شیوه مدیریت دولت، مبتنی بر لحاظ سایر مراتب (علم، دانش، آگاهی، اطلاعات، شبکه‌ها، اصول و هنجارهای اخلاقی و اعتماد)، در کنار سلسله مراتب اختیار و قدرت و مؤلفه رسمیت در اداره مؤثر امور

۱۰-۵- ارتقای سطح کارکردها، مهارتها و قابلیت‌های مدیران از طریق:

- تبیین کارکردهای نوین مورد انتظار، از سطوح مختلف مدیران دولتی و پرورش مدیران تراز این کارکردها و انتظارت
- اعطای اختیارات لازم متناسب با مسئولیتهای محول و کارکردها و نقشهای مورد انتظار، و اتخاذ تدابیر حمایتی لازم، برای حمایت از مدیران خلاق، مبتکر، کارآفرین و خدمتگزار
- ایجاد و توسعه نگاه حرفه‌ای و تخصصی، به امر مدیریت و توجه سازمان یافته به امور حرفه‌ای، معنوی و مادی مدیران در کشور

- تعیین استانداردهای اجرای کارکردهای مدیریتی مورد انتظار، و استقرار نظام جذب، استخدام و پرورش توسعه مدیران تراز کارکردها و مقتضیات و نیازهای زمان
- اتخاذ تدابیر و ایجاد سازوکارهای لازم، برای افزایش ارزش دانشگاهی و روزآمدی دانش و معلومات حرفه‌ای مدیران و کارکنان در دولت
- ایجاد سامانه‌ها و مدیریت مؤثر دانش غیر مدون و تجربی مدیریت در دولت، مشتمل بر شناخت تجربیات موفق، مستندسازی آنها، سازماندهی، ذخیره و راههای انتقال و برخورداری از آن، در توسعه مدیریت دولت
- تعیین عناصر شایستگی و توسعه نظام و گسترش دامنه شایسته‌یابی در مدیریت دولت، و استقرار نظام ارزیابی عملکرد مدیران، و تأثیر نتایج آن در تداوم خدمت آنان
- ایجاد و توسعه فکر، سامانه‌ها، روشها و ضوابط جذب، توسعه، نگهداری و بهره‌گیری از برترین سرمایه‌های انسانی و فکری در دولت، و مدیریت آن

۱۰-۶- ارتقای قدرت پاسخگویی مدیران از طریق:

- دستیابی به اصول، الگوها، نظامها و روشهای لازم برای تحقق امر پاسخگویی و پذیرش ستایشها و سرزنشهای متناسب با تصمیمات و اقدامهای مدیران و کارکنان در دولت
- تعیین حد بهینه‌ای از تمرکز و عدم تمرکز اداری در اداره امور، و اعطای اختیارات لازم به مدیران در هر سطح و محل، در راستای افزایش امکان پاسخگویی مستقیم و مدیریتی به مردم، و جوابگویی به مراجع ذیصلاح
- ایجاد سازوکارهای فرهنگی، حقوقی و اجرایی لازم، برای استقرار تفکر و رویکرد شهروندمداری و رضایت مردم در ارائه خدمات عمومی، و نهادینه کردن نتیجه قضاوت، مردم در سرنوشت کارگزاران دولت
- توسعه فرهنگ و افزایش امکان عمل به اصل «اعتماد به مردم» در اخذ تصمیمات و انجام امور، به جای برخورد دیوانسالارانه و توسل به کاغذبازی، با رعایت اصل مسئولیت و پاسخگویی و رعایت ضوابط و مقررات

- اتخاذ تدابیر، تنظیم الگو، سامانه‌ها و روشهای لازم برای تأمین سلامت اداری و اجرایی، و افزایش ریسک و هزینه‌های اقدام مجرمانه و انجام عمل خلاف، در سازمانها و حوزه‌های مدیریت دولت

۱۰-۷- استقرار نظام شایسته‌گزینی از طریق:

- دستیابی به اصول، الگوها و سامانه‌هایی که موجبات اعمال مدیریت سرمایه‌های انسانی را در مدیریت دولت فراهم آورده، اصل شایستگی را در انتخاب، آموزش، توسعه و تحفظ نیروی انسانی در دولت، محقق نماید و شرایط مناسب را برای باروری نیروی انسانی و شکل‌گیری سرمایه‌های اجتماعی ایجاد کند.

۱۰-۸- بهبود شیوه تصمیم‌گیری در اداره امور از طریق:

- دستیابی به الگویی از عدم تمرکز و توزیع اختیار که با اجرای آن، اختیارات ذاتی به مدیران در مناطق و استانها منتقل گردد، و کارآمدی مدیریت دولت با حفظ یگانگی و یکپارچگی آن در شرایط ناهمگونی مناطق و گروههای جامعه، ارتقا یابد.

- دستیابی به الگوها و روشهای مناسب مدیریت مشارکت، به عنوان شکل برتر اداره امور - طرح و تحقق رویکرد گسترش همکاری دولت با سازمانهای غیر دولتی و سایر بخشهای جامعه مدنی، برای افزایش کارآمدی مدیریت دولت، در مواجهه با چالشها و استفاده از فرصتها و منابع ملی

۱۰-۹- اصلاح شیوه ارائه و مدیریت خدمات دولتی از طریق:

- دستیابی به الگو و روشهای استفاده و به‌کارگیری فناوری‌های نوین، در انجام وظایف دولت و تولید و تأمین خدمات عمومی محول به آن

- لغو انحصارات غیر ضرور در حوزه عمل دولت، و واگذاری امور و بنگاههای اقتصادی به بخش خصوصی کار آزموده، متناسب با محدودیتهای نظام اجتماعی

- تغییر رویکرد، طراحی و استقرار سامانه‌های متناسب با آن در جذب، استخدام، تداوم خدمت، به‌کارگیری و خروج از خدمت نیروی انسانی در دولت، متناسب با «روند تغییر در نقش دولت»، «تغییرات در سطح و نوع فناوری‌های مورد استفاده»، «عمر طرحها و برنامه‌ها و ضرورت انجام

فعالیتها» و «رضایت مردم از عملکرد کارکنان دولت»، ضمن استقرار نظامهای حمایتی مؤثر تأمین اجتماعی

- ایجاد و استقرار سامانه‌های مؤثر «مدیریت شکایت مردم» و امکان و الزام اصلاح قوانین، مقررات، روشها، هنجارها و استانداردها بر اساس نتایج حاصل از آن مدیریت

- ایجاد و به روز رسانی و به‌کارگیری سیستم کد ملی جغرافیایی پستی، و کد شناسایی فردی در کلیه فعالیتها

۱۱- امنیت و توسعه قضایی

۱۱-۱- استقرار نظام شفاف و پاسخگوی قضایی در کشور از طریق:

- ارائه خدمات سریع، ارزان، منصفانه و قاطع

- توسعه و تقویت نظارت و بازرسی و هماهنگی احکام قضایی، و بسط و گسترش آرای وحدت رویه قضایی

- ایجاد و توسعه نهادهای واحدهای شبه قضایی، به منظور کاستن از حجم تقاضا برای خدمات محاکم قضایی

- تأمین حقوق فردی و اجتماعی مردم، از طریق توسعه کانون وکلا و مشاورین حقوقی، و واحدهای معاضدت قضایی

- توسعه نظام پژوهشهای کاربردی بخش قضایی، از طریق تعامل و همکاری با مراکز علمی، پژوهشی و فرهنگی

- همگرایی و هماهنگی با نهاد ملی حقوق بشر اسلامی، در جهت نظارت بر رعایت و جلوگیری از نقض حقوق اسلامی - انسانی افراد حقیقی و حقوقی

۱۱-۲- ارتقای حاشیه امنیت قضایی افراد از طریق

- اصلاح نظام زندانبانی، و حرکت به سمت تبدیل زندانها به مراکز آموزش مهارتها و انعطاف‌پذیری زندانیان

- نهادینه شدن نظام اعتراضات قانونی مردم، و تفکیک آن از هرج و مرج اجتماعی
- کاهش تزاخم بین پلیس و مردم، با نوین‌سازی و تخصصی کردن سیستم‌های تشکیلاتی و اطلاعاتی سازمان و پلیس
- نهادینه ساختن مشارکت و نظارت‌های مردمی، به منظور تعمیق مردم‌سالاری، با رویکرد تقویت امنیت ملی
- ارتقای منزلت اجتماعی پلیس، و افزایش اعتماد مردم به نیروی انتظامی
- ایجاد زمینه‌های لازم برای کاهش چالش‌های قومی، قبیله‌ای و مذهبی بر پایه نظامات مدیریتی تقویت شده مناطق، در قالب عادلانه کردن نظام تخصیص منابع، اعمال سیاست‌های منطقی تصمیمات کشوری، و بسط و گسترش ملی و تقدم منافع ملی بر منابع محلی
- توجه به مطالبات اصولی مردم، و جهت دادن آنها در چارچوب قوانین و مقررات، با رویکرد افزایش ثبات سیاسی، اجتماعی و تعمیق امنیت عمومی
- افزایش ضریب نظم و امنیت، از طریق تقویت و بسط اختیارات تشکیلات قوام یافته محلی (شورای اسلامی)
- تقویت نهادهای مشاوره اجتماعی در نیروی انتظامی و قوه قضائیه، به منظور کاهش حجم دعاوی

۱۲- تعادل و توازن منطقه‌ای کشور بر اساس موازین آمایش سرزمین

۱۲-۱- تقویت تمرکززدایی در برنامه‌ریزی و توسعه استان با رعایت اصل کوچک‌سازی دولت از طریق:

- گسترش اختیارات، همراه با تقویت ابعاد پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری مدیریت توسعه استان
- تأکید بر فرایندهای ارزشیابی، و نظارت بر روند تمرکززدایی در برنامه‌ریزی و توسعه استان
- حمایت از ایجاد و گسترش نهادهای عمومی غیر دولتی، مدنی و روند خصوصی‌سازی امور تصدی‌گری در استانها
- واگذاری سهم بیشتری از اعتبارات سرمایه‌گذاری و هزینه‌ای ملی به استانها، با تأکید بر ابعاد برنامه‌ریزی و اجرایی وظایف، در چارچوب سیاست‌های کلان ملی و بخشی کشور

۱۲-۲- برقراری سازوکار هماهنگی فرا استانی، در زمینه امور مشترک عمرانی و توسعه‌ای از

طریق:

- تقسیم کشور به حوزه‌های برنامه‌ریزی، جهت اجرای طرحهای سرمایه‌گذاری فرا استانی
- تفکیک وظایف دولت به سطوح فرا استانی، استانی و محلی

۱۲-۳- ایجاد سازوکارهای مناسب منابع و مصارف استانی، در چارچوب قوانین پایه‌ای کشور از

طریق:

- تجهیز پس‌اندازها و سرمایه‌های محلی در قالب نهادهای مالی - پولی استانی، و در چارچوب سیاستهای کلان کشور
- واگذاری سهم بیشتری از درآمدهای ملی به استانها

۱۲-۴- هویت بخشیدن به منابع درآمدی استان به عنوان بخشی از سازوکار درآمد عمومی

کشور از طریق:

- بازنگری و اصلاح نظام درآمد - هزینه استان، متناسب با ظرفیتهای ایجاد شده، و نهادهای شکل گرفته در استان

۱۲-۵- افزایش نقش نهادهای مدنی و شوراهای اسلامی، در فرایند برنامه‌ریزی و اجرایی

استان از طریق:

- ایجاد فرایند توسعه محلی (شهرستانی)، به عنوان گامی در گسترش تمرکززدایی و بسط مشارکتهای مردمی در مدیریت توسعه شهری و روستایی
- واگذاری بخشی از وظایف استانی به سطوح محلی (شهرستانی)

۱۲-۶- برقراری نقش و سهم مناسب برای استانها، متناسب با قابلیتها و مزیت‌های نسبی و

رقابتی آنها از طریق:

- تدوین الگوی توسعه منطقه‌ای جهت توزیع بهینه فضایی سرمایه‌گذاری‌ها (با تأکید به بخش خصوصی) در استانها

- مدیریت و کنترل زمینه‌های عدم تعادل در فرایند توسعه استانی
- تهیه و تنظیم اسناد توسعه میان‌مدت استان (هر استان یک سند)

۷-۱۲- تعدیل شکاف سطح توسعه‌یافتگی، میان مناطق کمتر توسعه یافته با مناطق توسعه یافته کشور از طریق:

- استمرار نقش دولت در توسعه زیربنایها، خدمات اجتماعی، و ایجاد زمینه‌های انگیزشی لازم برای بخش خصوصی در مناطق کمتر توسعه یافته، و تقویت نقش و حضور بخش عمومی غیر دولتی و بخش خصوصی و مردمی در استانهای توسعه یافته
- برقراری سازوکارهای مالی - پولی ویژه، برای توسعه مناطق کمتر توسعه یافته، به شیوه غیر متمرکز و پرهیز از تمرکززدایی در این زمینه

۸-۱۲- ارتقای همبستگی ملی، مبتنی بر حفظ و تقویت ارزشهای سازنده و گسترش تعامل فرهنگی بین اقوام و مناطق از طریق:

- جلب مشارکت نیروها و متخصصان محلی، در امور مدیریت و توسعه استان، به ویژه در مناطق کمتر توسعه یافته و قومیت نشین کشور

۹-۱۲- بهره‌گیری مناسب از موقعیت و توانمندی‌های عرصه‌های مختلف سرزمین، برای توسعه علم و فناوری و هم‌پیوندی با اقتصاد جهانی از طریق:

- تعیین مراکز و پارکهای علمی - تحقیقاتی و تعیین تخصصها و شعاع عمل هر یک، با توجه به تخصصهای منطقه‌ای و ظرفیتهای علمی و زیربنایی آنها
- تعیین مناطق ویژه و آزاد اقتصادی، در راستای تسهیل پیوند با اقتصادهای بیرونی، و دامن زدن به توسعه منطقه‌ای

۱۲-۱۰- استفاده بهینه از ظرفیتهای ایجاد شده در اثر سرمایه‌گذاری‌های ملی و فرا ملی، در

راستای اشاعه فضای توسعه در منطقه از طریق:

- تهیه طرح آمایش و سازماندهی استقرار جمعیت، و فعالیتهای و گسترش فضای توسعه، در منطقه پارس جنوبی

- مکان‌یابی و تهیه طرح توسعه دالان انرژی، برای استقرار صنایع مرتبط با منابع انرژی کشور (با تأکید بر منابع گازی پارس جنوبی)

- تهیه پروگرامهای لازم، جهت استفاده شیوه‌های نوین معیشت و فعالیت در مناطق متأثر از سرمایه‌گذاری‌های عمده عمرانی (دشتهای و مناطق پیرامون سدها، و ...)، با رعایت اولویتهای توسعه منطقه‌ای

۱۲-۱۱- بهره‌گیری از قابلیت‌های ترانزیتی و موقعیت منطقه‌ای کشور، در راستای تقویت اقتصاد

ملی و ارتقای نقش منطقه‌ای کشور از طریق:

- اولویت‌بندی محورهای خاص در کریدورهای شرقی - غربی و شمالی - جنوبی کشور، و تدوین برنامه توسعه مبادی، شبکه‌های ارتباطی و نقاط خاص واقع بر این محورها.

۱۲-۱۲- استفاده مناسب از قابلیت‌ها و توان کلان‌شهرها در جهت تقویت نقش منطقه‌ای و

ارتقای جایگاه بین‌المللی کشور از طریق:

- جداسازی مدیریت توسعه برنامه‌ریزی و اجرا، در کلان‌شهرهای کشور، از محدوده‌های استانی
- تعیین کلان‌شهرها با توان بالقوه ایفای نقش فرا ملی و بین‌المللی، تعیین حوزه عملکرد آنها و بازنگری در نقش و مأموریت‌های هر یک، جهت پذیرش تدریجی نقش جدید، و انتقال وظایف ملی و منطقه‌ای آنها به سطوح پایین، متناسب با افق زمانی برنامه

۱۲-۱۳- تدوین پروگرامها و تهیه طرحهای عمرانی کشور، بر مبنای یک دیدگاه هماهنگ، و با

ملاحظات اثرات سرزمین از طریق:

- تدوین استراتژی سازماندهی فضایی بخشهای مختلف اقتصادی - اجتماعی

- ایجاد سازگاری لازم بین دیدگاههای توسعه فضایی بخشها با یکدیگر، در تعامل با ویژگیهای مناطق و سرزمین

- تعیین تخصصهای منطقه‌ای، و تقسیم کار بین آنها، بر اساس هماهنگ‌سازی دیدگاههای بخشی

- تعیین اولویتهای سرمایه‌گذاری بر بهینه سرزمین، بر مبنای موازن آمایش

- ایجاد پایگاه اطلاعات سرزمینی و مکانی، جهت به روز رسانی طرحهای آمایش

۱۲-۱۴- آماده‌سازی عرصه‌های مختلف سرزمین، برای پذیرش فعالیتهای جدید از طریق:

- تجهیز عرصه‌های دارای قابلیت به شبکه‌های اصلی زیربنایی (راه و انرژی)، جهت جذب سرمایه‌گذاری‌های جدید.

۱۲-۱۵- پراکنش مناسب فرصتهای شغلی در مناطق مختلف، با توجه به قابلیتهای هر منطقه از

طریق:

- بسترسازی برای استفاده از ظرفیتهای زیربنایی ایجاد شده، در جهت توسعه فعالیتهایی که نیاز به بازدهی اقتصادی سریع دارند.

- تکمیل حلقه‌های ناقص شبکه‌های زیربنایی، در مناطق بالنسبه توسعه یافته

- توسعه و تجهیز شبکه‌های زیربنایی در مناطق کمتر توسعه یافته، در جهت آماده‌سازی آنها برای پذیرش فعالیتهای جدید

۱۲-۱۶- تقویت پیوند مناطق مرزی با اقتصاد ملی از طریق:

- آمایش مناطق مرزی با هدف ارتقای شاخصهای توسعه‌ای این مناطق، و تقویت آنها با اقتصاد ملی

- تعیین و اولویت‌بندی گزیده‌ای از مناطق مرزی دارای قابلیت، برای گسترش مبادلات بیرونی و تقویت پیوند آنها با اقتصادهای فرا ملی

هدفها و راهبردهای

برنامه چهارم توسعه

۱- رشد مستمر و پایدار

۱-۱- گسترش سرمایه‌گذاری و تولید از طریق:

- اولویت‌بندی و تسریع در اجرا و بهره‌برداری از طرح‌های نیمه‌تمام دولتی
- محدود کردن سرمایه‌گذاری دولتی در حوزه‌های حاکمیتی و سرمایه‌گذاری مشترک عمومی و خصوصی به منظور تشویق فعالیت بخش خصوصی
- واگذاری طرح‌های دولتی با چشم‌انداز سوددهی تجاری به بخش خصوصی
- اداره شرکت‌های دولتی به صورت تجاری و رقابتی و واگذاری مدیریت آنها به بخش خصوصی (براساس پیمان خرید خدمات)
- حذف موانع ورود بخش غیر دولتی به حوزه‌های تصدی‌گری اقتصادی، تجاری دولت به منظور رفع انحصارات دولتی
- تعریف و تضمین حقوق مالکیت خصوصی در جهت درونی کردن بازده‌های اجتماعی حاصل از سرمایه‌گذاری‌های نوآورانه در فعالیتهای اقتصادی
- ایجاد نهادهای پشتیبانی برای تشویق فعالیتهای تحقیق و توسعه و گسترش نوآوری، توسعه فناوری، توسعه سرمایه انسانی، ارتقای بهره‌وری و رقابت‌پذیری
- ایجاد نهادهای جدید و حمایت از نهادهای موجود و تأمین تسهیلات مناسب، برای توسعه کارآفرینی و تشویق کارآفرینان

۱-۲- ایجاد فضای مناسب برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از طریق:

- متکی نمودن سرمایه‌گذاری به یک چشم‌انداز بلندمدت توسعه و طرح‌های هادی، در حوزه‌های مختلف مبتنی بر وفاق عمومی
- اصلاح ساختارهای حقوقی، قضایی، مالی، سیاسی و اداری در جهت ایجاد امنیت برای سرمایه‌گذاری و ثبات اقتصادی

- گسترش و تعمیق بازار سرمایه، ساماندهی بازار پولی، رقابتی کردن نظام بانکی، خصوصی کردن بانکها و استقرار نظام انعطاف‌پذیر ارز و نرخهای آن با ثبات رقابتی
- برقراری نرخهای سود حقیقی مثبت
- استقرار نهادهای بازار مبتنی بر سود، انگیزه و رقابت در جهت توسعه بخش خصوصی
- رقابتی کردن مقررات و قوانین مربوط به جلب و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، بخصوص در سرمایه‌گذاری‌های معطوف به صادرات
- ایجاد شرایط و تسهیلات مناسب برای پیوند بنگاههای تجاری، صنعتی و خدماتی داخلی، با زنجیره‌های ارزشی جهانی
- ایجاد زمینه‌های لازم برای گسترش بیمه‌های تضمینی و اعتباری، بیمه پروژه‌های موضوع وامها، تسهیلات تأمین مالی و سرمایه‌گذاری‌ها و بیمه محصولات کشاورزی
- اصلاح و توسعه نهادهای مالی و بانکداری، به منظور پشتیبانی از سرمایه‌گذاری و تولید و توسعه نهادهای تعاونی و خصوصی

۱-۳- افزایش رشد بهره‌وری نیروی کار از طریق:

- احترام به فرهنگ کار به عنوان یک ارزش، با استفاده از رسانه‌های عمومی و روشهای آموزشی و نیز ایجاد امنیت سرمایه‌گذاران و مبارزه با رانت‌جویی
- بازنگری و اصلاح قانون کار، در جهت انعطاف‌پذیری روابط کارگر و کارفرما
- کاهش مداخله دولت در روابط کار با ایجاد زمینه‌های مناسب، برای تشکیل تشکلهای واقعی صنفی کارگری و کارفرمایی و احترام به توافقات دو جانبه این تشکلهای
- استقرار نظام شایسته‌سالاری در استخدام، انتصاب و ارتقای نیروی کار در بخش عمومی، همراه با کاهش تبعیض جنسیتی، قومی و ایدئولوژیک
- کاهش هزینه‌های مبادله، با ممانعت از مداخله نهادهای غیر اقتصادی (سیاسی، امنیتی، قضایی) در فعالیت بنگاههای اقتصادی
- ایجاد ارتباط منطقی بین دستمزدها و کارایی نیروی کار، و اجتناب از تعیین دستوری دستمزدها

- ارتقای نقش مراکز کاربایی در انطباق تخصص و مهارت نیروی کار با مهارت مورد نیاز مشاغل
- ایجاد ارتباط منطقی بین نیازهای بازار کار و نظام آموزشی کشور
- زمینه‌سازی برای افزایش سهم شاغلین متخصص، با هدف استفاده از مزیت‌های تعامل فعال با اقتصاد جهانی
- استفاده مطلوب از ظرفیتهای موجود، با ایجاد تنوع در فعالیتهای و ارتقای کیفیت محصولات
- کم کردن انحراف بین قیمت‌های دستوری و واقعی عوامل تولید
- استفاده مؤثر و بهینه از عوامل سخت‌افزاری در فرایند تولید، با ایجاد انگیزه و جذب نیروی کار متخصص

۱-۴- افزایش مشارکت نیروی کار از طریق:

- ایجاد شرایط مناسب جهت مشارکت بیشتر زنان در امور اقتصادی و ایفای نقش شایسته از سوی آنان به عنوان بخشی از جمعیت
- پیش‌بینی تمهیدات لازم به منظور تقویت مهارت‌های زنان، متناسب با سایر عوامل توسعه، از طریق گسترش آموزش‌های کاربران حرفه‌ای، با تأکید بر استفاده صحیح از سرمایه‌گذاری انجام شده در بخش آموزش عالی
- توسعه صنایع کوچک، سازماندهی و متشکل کردن آنها، به ویژه برای زنان
- گسترش فعالیتهای تحقیق و توسعه در زمینه‌های فنآوری متناسب با شرایط بازار کار کشور
- گسترش مشاغل مولد فردی، کارآفرینی و مشاغل مولد برای نیروی کار مازاد روستایی
- حمایت از توسعه بخش تعاونی و توسعه فرهنگ تعاون و کارآفرینی، بخصوص در تعاونیهای تولیدی و اشتغالزا
- حمایت از صدور خدمات فنی - مهندسی، کالا و خدمات فرهنگی و نیروی کار

۱-۵- ایجاد فرصتهای شغلی جدید و کاهش نرخ بیکاری از طریق:

- راه‌اندازی شبکه متمرکز اطلاع‌رسانی بازار کار به متقاضیان کار، کارفرمایان، کارآفرینان، سرمایه‌گذاران و برنامه‌ریزان در سطح کشور

- حمایت‌های لازم جهت ایجاد توسعه مراکز مشاوره شغلی و کاربایی غیر دولتی
- حمایت از ایجاد و تقویت سازندگان فرعی مرتبط با صنایع بزرگ داخلی، جهت گسترش و توزیع فرصت‌های شغلی
- تشویق کارفرمایان کارگاهها و بهره‌برداران کشاورزی موجود به استخدام نیروی کار جدید و متخصص، از طریق تخفیف در میزان حق بیمه سهم کارفرما، و پیش‌بینی اعتبار لازم در بودجه کل کشور، و همچنین کاهش مالیات کارفرمایان به میزان مالیات به حقوق دریافتی از کارکنان جدید
- حمایت از ایجاد و گسترش واحدهای سازنده قطعات و خدمات مهندسی، با تشویق کارآفرینی در مناطق روستایی، در راستای توسعه مشاغل غیر کشاورزی و خدمات مهندسی کشاورزی در روستاها
- حمایت از شکل‌گیری صنایع تبدیل کشاورزی، و بازاریابی برای این قبیل محصولات، به منظور گسترش و ترویج فرصت‌های شغلی برای نیروی کار مناطق توسعه نیافته و جوامع عشایری، با اجرای برنامه‌های آموزشی
- حمایت از توسعه تعاونی‌ها، به ویژه تعاونی‌هایی با اعضای فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و دارندگان مهارت‌های فنی و حرفه‌ای
- انجام اقدامات ضروری، به منظور افزایش اشتغال نیروی کار ایرانی در خارج از کشور
- حمایت از شکل‌گیری واحدهای تولید کالا و خدمات، در حوزه‌های مختلف مرتبط با فناوری اطلاعات و ارتباطات

۱-۶- برقراری انضباط مالی و بودجه از طریق:

- افزایش سهم اعتبارات هزینه‌ای تأمین شده از محل درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدها
- اخذ بهره مالکانه از مواد طبیعی تجدیدناپذیر
- اخذ جریمه متناسب از فعالیتهای دارای آثار بیرونی منفی بر محیط زیست و منابع طبیعی
- برقراری مالیات ویژه بر ارزش افزوده نفت
- اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده

۷-۱- مهار تورم از طریق:

- کنترل رشد حجم نقدینگی در سطح رشد متوسط سالانه شانزده درصد (۱۶٪)
- رفع موانع اجرایی قانون پولی و بانکی، به منظور تبیین رابطه بین دولت و بانک مرکزی، و تأکید بر وظایف، اختیارات و نقش بانک مرکزی، در اجرای سیاستهای پولی و تفکیک سیاستهای پولی از سیاستهای مالی و بودجه‌ای
- عدم تأمین مالی کسری بودجه دولت از طریق استقراض از بانک مرکزی
- استفاده از ابزارهای غیر مستقیم در کنترل حجم پول، تشویق پس‌انداز داخلی و گسترش بازارهای مالی
- انعطاف‌پذیری در استفاده از نرخهای سود سپرده‌ها، جهت جبران تورم، و همچنین ایجاد انگیزه برای پس‌انداز و تجهیز منابع برای سرمایه‌گذاری
- گسترش شرایط رقابتی بین بانکها و تشویق و تسهیل تأسیس مؤسسات اعتباری غیر بانکی خصوصی
- به کار گرفتن بازار بین بانکی برای تسهیل فعالیتهای بانکی و پولی
- طراحی و اعمال مدیریت مطلوب بدهیها و دارایی‌های خارجی

۸-۱- گسترش بازارهای مالی از طریق:

- گسترش استفاده از ابزار تنظیمی و نظارتی قانونمند، شفاف و کارآمد، سریع و مطمئن برای تحت پوشش قرار دادن فعالیت سرمایه‌گذاران، ناشران اوراق بهادار، واسطه‌های مالی، ابزارهای مالی و بازارهای اوراق بهادار
- پیش‌بینی تمهیدات لازم برای ایجاد نهادهای مربوط به بازار دست اول، و تدوین قوانین و مقررات عملیات مالی لازم در بازارهای مزبور، از جمله ضوابط انتشار و عرضه عمومی اوراق بهادار در کشور
- گسترش بازارهای فرعی شامل بازار خارج از بورس، بازارهای تخصصی (بورس کالا) و سطح پوشش جغرافیایی بورس اوراق بهادار در کشور

- ایجاد تنوع ابزاری در بازار متشکل سرمایه کشور، با بهره‌گیری از بازارهایی چون اوراق سهام، اوراق مشارکت (ریالی و ارزی)، قراردادهای آتی و سلف (ریالی و ارزی) و ابزارهای مشتقه از جمله اختیار معامله

- تدوین مقررات لازم برای استفاده بهینه از صنعت بیمه در بازارهای مالی، و تنظیم مقررات ناظر بر سپرده‌گذاری و جوه بیمه در بازارهای مالی

- یکپارچه‌سازی سیستمهای خدمات‌رسانی بانکی و بیمه‌ای، با استفاده از فناوری‌های جدید

- فراهم کردن شرایط استفاده از کارتهای اعتباری، به جای مبادله پول

- توسعه صنعت بیمه، برای پوشش دادن به ریسک سرمایه‌گذاری

۹-۱- توانمندسازی بخشهای تعاونی و خصوصی و ساماندهی شرکتهای دولتی از طریق:

- پرهیز از گسترش حجم دولت و تلاش در جهت کوچک‌سازی حجم و دخالتهای دولت در اقتصاد با بازنگری در تعریف و شرح وظایف دستگاهها و نهادهای دولتی

- سامان قلمرو و نحوه حضور بخشهای عمومی در اقتصاد

- ایجاد تلقی و دیدگاه واحد نسبت به ارتقای کارایی فعالیتها، به عنوان هدف خصوصی‌سازی

- ایجاد شرایط لازم برای حضور بنگاههای اقتصادی دولتی در بازارها و فعالیتهای منطقه‌ای و بین‌المللی

۲- توسعه مبتنی بر دانایی

۲-۱- مبتنی ساختن توسعه اقتصادی، به علم و فناوری از طریق

- فعال‌سازی بازار دانایی، با برقراری ساز و کار ثبت مالکیت فکری و تسهیل در مبادله منافع اقتصادی دستاوردهای فناوری

- تکیه بیشتر بر بخش خصوصی در فعالیتهای پژوهشی و فناوری

- توسعه فناوری‌های بومی (کوچک و متوسط مقیاس)

- افزایش سهم ارزش افزوده فعالیتهای پژوهشی و فناوری در تولید ناخالص داخلی

۲-۲- ارتقای شاخص تولید علم و شاخص دستیابی به فناوری در رده‌بندی جهانی از طریق:

- دسته‌بندی مأموریتها و تقسیم کار ملی دستگاه‌های فعال حوزه فناوری و پژوهش، و ارزیابی فعالیتهای دستگاهها بر اساس شاخصهای شناخته شده جهانی
- نوسازی ساختارها و شیوه‌های مدیریت، در حوزه پژوهش و فناوری (شبکه‌ها و نهادهای دیده‌بان علمی)
- کاهش فاصله فناوری‌های مورد استفاده در کشور با فناوری روز دنیا

۲-۳- توسعه فناوری اطلاعات ملی مکانی به عنوان زیرساخت اقتصاد دیجیتال از طریق:

- ایجاد زیرساختهای اطلاعات ملی مکانی برای تجاری‌سازی نتایج تحقیقات (توسعه ساختارهای حوزه فناوری شامل: نهادهای مالی خطرپذیر، شرکتهای توسعه فناوری، پارکها و مراکز رشد علم و فناوری، دانشگاههای پژوهشی)
- مقررات‌زدایی در جهت تسهیل فعالیتهای پژوهشی و فناوری
- ایجاد تنوع خدمات و تسهیل و تسریع دستیابی به ارتباطات مورد نیاز و مطمئن

۲-۴- ایجاد فرصتهای برابر آموزشی از طریق:

- پیگیری راهبرد «آموزش برای همه» به عنوان یک راهبرد ملی
- عمومی کردن آموزش ابتدایی و راهنمایی تحصیلی
- تنوع بخشیدن به خدمات آموزشی با حمایت از آموزشهای از راه دور، مجازی و آموزشهای پودمانی

۲-۵- بهبود کیفیت آموزش در تمامی سطوح با توجه به پیشرفت فناوری از طریق:

- اصلاح برنامه‌های آموزشی با روزآمد نمودن آنها و انطباق برنامه‌ها با نیازهای جامعه و بازار کار
- استفاده از فناوری‌های جدید در محتوای آموزشها و روشهای آموزشی
- تغییرات اساسی محتوا و روشهای آموزشی با هدف اثربخشی بر فرایند یاددهی و یادگیری
- مهندسی مجدد نظام آموزشی فنی و حرفه‌ای در مجموعه نظام آموزشی کشور، با توجه به تحولات جهانی و ضرورتهای داخلی با به‌کارگیری فناوری‌های جدید ارتباطی و اطلاعاتی

- ایجاد دانشگاه‌های پژوهش محور، و پاسخگو به جامعه
- بهبود ساختار و کیفیت نیروی انسانی شاغل در بخش آموزش
- تدوین و اصلاح قوانین و مقررات لازم برای تنوع بخشی به منابع مالی و خودگردانی واحدهای آموزشی
- اصلاح فرایند تنظیم استانداردها و نظارت بر آموزشها
- گسترش ارتباطات علمی با مراکز و نهادهای آموزشی و تحقیقاتی معتبر بین المللی

۲-۶- تحول و بهبود ساختار تشکیلات اداری با رویکرد استقلال و محوریت مؤسسات آموزشی

از طریق:

- سازماندهی نظام واحد سیاست گذاری کلان در بخشهای آموزشی
- اصلاح مدیریت و روش اداره مؤسسات آموزشی
- مهندسی مجدد نظام آموزش فنی و حرفه‌ای در مجموعه آموزشی کشور، با توجه به تحولات جهانی و ضرورتهای داخلی
- اصلاح ساختار سازمانی و تشکیلاتی ستادهای آموزشی، با هدف ارتقای توان کارشناسی، کاهش تصدیها و کوچک سازی تشکیلات

۲-۷- توسعه ظرفیت تولید آمار، ارتقای کیفیت آمار و اطلاع رسانی آماری از طریق:

- فعال سازی نظام آماری کشور
- تمرکززدایی در تولید آمار
- ساماندهی آمارهای ثبتی
- بهره گیری از فناوری اطلاعات
- تقویت پایگاه اطلاعاتی آماری کشور
- تشویق و ترغیب بخش خصوصی، در جهت مشارکت در فرایند تولید و اطلاع رسانی آماری و توسعه پژوهشهای آماری
- ترویج و ارتقای فرهنگ آماری کشور، و جلب مشارکت و همکاری مردم در فرایند تولید آمار

۳- تعامل فعال با اقتصاد جهانی

۳-۱- تعامل مؤثر و مشارکت خردمندان در فرایند جهانی شدن از طریق:

- ایجاد تسهیلات اداری، مالی، خدمات بانکی و بیمه‌ای گمرکی و قضایی برای روان‌سازی جریان تجارت، و توسعه صادرات غیر نفتی
- تداوم راهبرد جهش صادرات غیر نفتی
- مشارکت در زنجیره‌های تولید و تجارت بین‌الملل، در راستای ارتقای فناوری و گسترش بازار
- شناسایی فرصت‌ها و محدودیت‌های خارج از کشور، و معرفی آنها به بنگاه‌های اقتصادی داخلی و تشویق آنها برای حضور فعال در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی
- کمک به تبدیل شرکتهای صادراتی، به شرکتهای صادراتی بزرگ و بین‌المللی
- ترویج فرهنگ ضرورت توسعه صادرات در سطوح آموزشی و رسانه‌های عمومی
- فرهنگ‌سازی، با هدف تولید برای صادرات
- اصلاح و به روز کردن قوانین ضد رقابت مکارانه (دامپینگ)

۳-۲- ساماندهی کارآمد امور تولید و فناوری کشور جهت پیوستن به سازمان تجارت جهانی از

طریق:

- تسهیل شرایط تجارت خارجی مؤسسات مالی (بانکی، بیمه‌ای، کارگزاری، و ...)، با جلب مشارکت بخش غیر دولتی و مؤسسات بین‌المللی، در یک فضای رقابتی
- تقویت بخش خصوصی در تجارت نفت و فرآورده‌های نفتی
- توسعه تجارت خدمات، در راستای بهره‌گیری از مزیت‌های جغرافیایی، انسانی، فنی و فناوری ارتباطات و اطلاعات کشور
- کاهش هزینه‌های صادرات، به منظور رقابتی نمودن کالاها و خدمات صادراتی
- برقراری نظام تعرفه‌ای هماهنگ با نظام تعرفه‌ای جهان

- اصلاح و تغییر قوانین و مقررات و استانداردها در بنگاهها، سازمانها، مؤسسات عمومی، دولتی و خصوصی، و هماهنگ کردن آنها با ضوابط و قواعد و هنجارهای پذیرفته شده بین‌المللی، جهت کارآمد کردن امور

- ایجاد ظرفیتهای جدید «ویژه صادرات» در بخشهای صنعت، معدن، کشاورزی و خدمات

- تلاش در جهت توازن بخشی به تراز تجاری بدون نفت

- تنظیم سیاستهای پولی و مالی متناسب با الزامهای جهش صادراتی، آزادسازی تدریجی بخش خدمات، جهت دسترسی و تأمین نهادهای بخشهای تولیدی، در شرایط برابر با صادرکنندگان سایر کشورهای جهان

- ساماندهی بازارهای داخلی و رقابتی کردن کلیه بازارها، جهت ایجاد مزیت‌های رقابتی صادراتی

- هدایت سرمایه‌گذاری‌های صنعتی به فعالیتهای دارای مزیت رقابتی، از طریق کاهش تدریجی حقوق ورودی

- انطباق مقررات، قوانین و رویه‌های گمرکی و سیستم طبقه‌بندی و ارزش‌گذاری کالا، با آخرین سیستم‌های بین‌المللی گمرکی

- انطباق تدریجی ضوابط فنی و استانداردهای ملی، با استانداردهای بین‌المللی

- تضمین تولید و گردش آزاد آمار و اطلاعات برای تجارت

- ارتقای سهم تجارت فناوری و ارتباطات در تجارت خارجی کشور

۳-۳- بسط و گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از طریق:

- ایجاد زیربنای کالبدی و غیر کالبدی معطوف به توسعه تجارت، از جمله ایجاد و توسعه زیربنای حمل و نقل و ارتباطات، پیوستن به کنوانسیون‌های بین‌المللی، ایجاد پایگاههای مناسب برای ارائه خدمات تجارت بین‌المللی، ایجاد و توسعه سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای لازم برای تجارت الکترونیکی

- توسعه سکوی صادراتی در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، از طریق تعریف جدید منابع درآمدی سازمانهای مناطق آزاد، و تمرکز کارکردهای این مناطق بر حوزه‌های هم‌پیوندی اقتصاد ایران با

اقتصاد جهانی، و احتراز از رویکردهای توسعه منطقه‌ای، و منظومه‌ای کردن توسعه این مناطق با توسعه ملی

- گسترش و تجهیز دالانهای ارتباطی، با عملکرد فرا ملی و شناسایی مراکز جمعیتی مستقر در آن، برای استفاده از مزیت‌های موقعیت جغرافیایی، ژئوپلیتیکی و قابلیت‌های ترانزیتی کشور

- شناسایی و آماده‌سازی مسیرهای انتقال انرژی دریای خزر و نواحی شرقی آن، تا پایانه‌های خروجی در غرب و جنوب شرقی کشور

- تجهیز مناطق آزاد به خدمات زیربنایی، بازرگانی و پشتیبان تولید، به عنوان مراکز اصلی ورود کشور به بازارهای جهانی و منطقه‌ای، متناسب با نقش و عملکرد این مناطق در ساختار اقتصاد ملی

- سازماندهی فضایی و تقسیم کار تخصصی بین مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور، با تأکید بر نواحی جنوبی، شمالی و محور شرق کشور، در چارچوب ملاحظات و راهبردهای آمایش سرزمین

- اصلاح و ارتقای ساختار نظام اجرایی و تشکیلاتی نحوه اداره و بهره‌برداری، از مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور

- تقویت زیرساخت‌های توسعه‌ای در مرزها، بنادر و جزایر، جهت بهره‌گیری کارآمد از موقعیت ژئوپلیتیکی کشور، و در تعامل همه‌جانبه با شرایط منطقه‌ای و جهانی

- ارتقای عملکرد مناطق آزاد تجاری - صنعتی کشور، با رویکرد توسعه صادرات، اشتغال فناوری‌های جدید، جذب سرمایه‌های خارجی و بسط و گسترش تعامل علمی، فرهنگی با سایر کشورها

- ظرفیت‌سازی برای تجارت کشور، جهت حضور مؤثر در ترتیبات چندجانبه و یا دوجانبه بهره‌گیری مؤثر از مزیت‌های منطقه‌ای ایران، و ایفای نقش مرکزیت منطقه غرب آسیا و خاورمیانه

HUB

- حضور فعال در اتحادیه‌ها و پیمان‌های تجاری منطقه‌ای، جهت ادغام در بازار منطقه

۳-۴- افزایش سرمایه‌گذاری خارجی در چارچوب اهداف توسعه ملی از طریق:

- تأکید بر گسترش ثبات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی

- نهادسازی کارآمد امور مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی

- ایجاد نظام قضایی سازگار با نیازهای سرمایه‌گذاری و تسهیلات مالی خارجی، و تخصصی کردن محاکم
- تضمین جریان آزاد و شفاف اطلاعات مورد نیاز سرمایه‌گذار
- گسترش و کارآمدسازی بازارهای سرمایه، پول، کار و کالا
- تکمیل زیربناها و ساماندهی مناطق آزاد ویژه اقتصادی، به سمت افزایش جذب سرمایه‌های خارجی و تسهیلات مالی با رویکرد توسعه صادرات
- شناسایی، آماده‌سازی و معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری خارجی، در چارچوب اهداف توسعه در عرصه‌های مختلف و اولویت‌دار
- تضمین حقوق مالکیت اشخاص حقیقی و حقوقی، اعم از مادی و آثار فکری (معنوی)
- جذب منابع مالی و انسانی ایرانیان مقیم خارج از کشور
- گسترش روابط منطقه‌ای و تقویت سازمان‌های منطقه‌ای، اسلامی و بین‌المللی

۳-۵- ساماندهی و کارآمد کردن امور مرتبط با سرمایه‌گذاری‌ها و تسهیلات مالی خارجی از

طریق:

- اصلاح و تغییر قوانین، مقررات، استانداردها و رویه‌های مربوط به سرمایه‌گذاری‌ها و تسهیلات مالی خارجی
- بسط و گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، با پی‌ریزی مناسبات سیاسی نوین و کارآمد با خارج، متکی بر اصل تنش‌زدایی در روابط بین‌المللی
- ایجاد شرایط مناسب برای ارتقای سرمایه‌های انسانی
- تقویت و حمایت همه‌جانبه دولت از توسعه سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی، و ایفای نقش فعال تشکلهای غیر دولتی در این زمینه
- تأکید بر تأمین امنیت فردی، شغلی، اجتماعی و درآمدی، بر اساس کارایی و برابری فرصتها
- سامان کارآمد بازار کار و حقوق مربوط به آن، از جمله قوانین کار و تأمین اجتماعی
- ترویج و تعمیق فرهنگ کار، تولید و کارآفرینی

- فعال شدن دیپلماسی اقتصادی خارجی
- اصلاح و ارتقای ساختار نظام اجرایی و تشکیلاتی، نحوه اداره و بهره‌برداری از مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور

- تقویت و حمایت از حضور تشکلهای غیر دولتی و بخش خصوصی، در سرمایه‌گذاری‌های خارجی
- تأکید بر سرمایه‌گذاری مشترک با رویکرد توسعه صادرات

۳-۶- حمایت از سرمایه‌گذاری در خارج از کشور در راستای اهداف توسعه ملی:

- شناسایی فرصتهای سرمایه‌گذاری در خارج از کشور، در جهت گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

- فعال شدن دیپلماسی اقتصادی خارجی

۴- رقابت‌پذیری اقتصاد

۴-۱- جایگیری در حوزه‌های برتر و بالنده، در تقسیم کار بین‌المللی از طریق:

- نوسازی ساختارهای فناوری، مدیریتی، مالی و مهارتی بنگاههای اقتصادی
- مشارکت فعال در زنجیره‌های تولید و تجارت بین‌المللی، در راستای ارتقای فناوری و گسترش بازار
- شکل‌دهی آرایشهای مناسب بنگاهی به لحاظ سازماندهی (شبکه‌ها، زنجیره‌ها، خوشه‌ها)، و اندازه (کوچک، متوسط و بزرگ)

- انطباق نظامهای ارزیابی کیفیت، با استانداردهای بین‌المللی

- مشارکت فعال در همکاری‌های منطقه‌ای و جهانی

- شناسایی و تعیین عوامل بازدارنده و ارتقا دهنده سطح رقابت‌پذیری و تنظیم سیاستهای کارآمد، در جهت حذف عوامل بازدارنده و تقویت عوامل ارتقا دهنده رقابت‌پذیری

- شناسایی و تعیین محورهای اصلی مزیت‌های رقابتی و نسبی، و برنامه‌ریزی برای بهره‌گیری مطلوب از مزیت‌های نسبی، و خلق مزیت‌های رقابتی جدید

- توسعه و ارتقای سطح استانداردهای ملی و مشارکت فعال در تدوین استانداردهای بین‌المللی

- افزایش مستمر انطباق محصولات با استانداردهای ملی و بین‌المللی

۴-۲- ارتقای سطح فناوری و جذب فناوری‌های برتر در بخشهای مختلف اقتصادی از طریق:

- افزایش کارایی و استفاده مؤثرتر از فناوری‌های موجود، و ایجاد آمادگی روانی سازمانی برای پذیرش فناوری‌های جدید

- برقراری و همگرایی عوامل مؤثر در ارتقای بهره‌وری و نوآوری در منظومه دانشگاه و بخشهای اقتصادی دولت، در سطح ملی و بین‌المللی

- توسعه آموزش در کلیه سطوح به ویژه در مقطع دانشگاهی، در رشته‌های علوم و مهندسی و همچنین، ارتقای مهارتها از طریق توسعه نظام آموزش نیروی کار

۴-۳- ارتقای بهره‌وری کل عوامل تولید از طریق:

- بهبود شرایط استفاده از نیروی انسانی کارآمد و دانش آموخته با استقرار نظام شایسته‌سالاری

- دگرگونی در ساختار حمایت‌های دولتی، و معطوف کردن آن به ایجاد نهادهای پشتیبانی در راستای ارتقای بهره‌وری

- ایجاد رابطه منطقی بین دستمزدها و بهره‌وری

- هدفمند کردن یارانه‌ها و سیاست‌های حمایتی تولید، به منظور تقویت بنیانهای رقابت‌پذیری و شکوفایی مزیت‌های نسبی و رقابتی

- حذف قیمت‌گذاری توسط دولت برای کالاها و خدمات، و حاکم نمودن منطق اقتصادی بر قیمت‌گذاری کالاها و خدمات عمومی و انحصاری

- محدود کردن تعیین قیمت‌های تضمینی به محصولات استراتژیک سبد امنیت غذایی، و تعیین قیمت‌های مزبور بر اساس اصول اقتصادی، و بهره‌برداری بهینه از منابع، با استقرار نظام جامع آموزشی و ترویج بهره‌برداران به منظور کاهش هزینه‌ها

- شکل‌دهی آرایش‌های مناسب بنگاهی به لحاظ سازماندهی (شبکه‌ها، خوشه‌ها و زنجیره‌ها)، و به لحاظ اندازه (کوچک، متوسط و بزرگ)

- استفاده از قابلیت اعمال سیاستها، اجرا، نظارت و تولید اطلاعات سریع و مطمئن فناوری اطلاعات، در ارتقای بهره‌وری

۴-۴- ایجاد فضا و بسترهای مناسب برای تقویت و تحکیم رقابت‌پذیری ملی از طریق:

- پی‌ریزی ساختار سیاسی و محیط حقوقی و قضایی مناسب جهت مشارکت پایدار و نهادینه مردم برای رقابتی کردن اقتصاد در فرایند توسعه

- ایجاد و توسعه زیربناهای مدرن از جمله گسترش شالوده ارتباطی - مخابراتی - انفورماتیک ICT و نظایر آن، با تأکید بر الزامهای مزیت‌های رقابتی و نسبی کشور

- احترام به حقوق خصوصی افراد و توسعه نهادهای قانونی قضایی و امنیتی در جهت سازگاری آنها برای رقابت‌پذیری

- حذف و یا کنترل انحصارات موجود دولتی و جلوگیری از شکل‌گیری انحصار در فعالیتهای اقتصادی

- به حداقل رساندن مداخلات دولت در امور اقتصادی و افزایش کارآمدی آن، و محوریت بخشیدن به بخش خصوصی در توسعه اقتصادی کشور

- سازگارسازی نظامهای قانونی و حقوقی کشور با نظامها و کنوانسیونهای بین‌المللی، در جهت تقویت رقابت‌پذیری

- توسعه خدمات بازرگانی، فنی، مالی، بانکی و بیمه‌ای، و یکپارچه سازی سیستمهای خدمات‌رسانی آنها

- حذف تبعیض‌های اقتصادی، و اجتناب از اعطای امتیازات اقتصادی به اشخاص یا گروههای خاص

۵- امنیت انسانی و عدالت اجتماعی: ◀

۵-۱- ایجاد زمینه برای رشد و تعالی افراد جامعه از طریق:

- آموزش و ارتقای مهارت‌های انسانی، و برابرسازی دسترسی به اطلاعات، و دارایی‌های مادی و

- ارتقای سرمایه اجتماعی (اعتماد، وفاق، ایثار، صداقت، قانون‌گرایی، وجدان اجتماعی و ...)
- احترام به حقوق و حریم خصوصی افراد
- تساوی افراد در برابر قانون
- اعمال یکسان و بیطرفانه قوانین و مقررات، در مورد افراد و گروه‌های سیاسی، اجتماعی و اقوام
- الگوسازی از راهبران دینی، ملی و منطقه‌ای، و ترویج شایستگی‌ها و کمالات اخلاقی آنان
- ارتقای اعتماد عمومی به امکانپذیر بودن پیشرفت، بر مبنای شایستگی‌های فردی
- ترویج فرهنگ کار، قناعت و میل به پیشرفت
- الگوسازی از کارآفرینان، و ترویج فرهنگ و روحیه کارآفرینی

۵-۲- تأمین حفظ و ارتقای حقوق شهروندی از طریق:

- حفظ و ارتقای منزلت اجتماعی و پیشگیری از بروز بحرانهای منزلتی
- پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی علی‌الخصوص در میان جوانان، نوجوانان و زنان
- هدایت کنترل‌های اجتماعی امنیتی به سمت کنترل‌های نامحسوس
- ملاحظه عرفها، خرده‌فرهنگ‌های مقبول و ارزشهای اجتماعی مناطق، در اجرا و پیاده‌سازی سیاست‌های اجتماعی، اقتصادی و امنیتی
- اعمال نگرش‌های ملاحظت‌آمیز و حمایتی، نسبت به آسیب‌دیدگان اجتماعی، مجرمین و زندانیان
- جلوگیری از اقدام‌های سازمان‌یافته گروه‌های افراطی و نیروهای خودسر مخل نظم عمومی
- گسترش استفاده از فناوری نوین، و بهبود سیستم‌ها و روش‌ها، و ارائه‌ی خدمات امنیتی انتظامی برای مردم
- تقویت جامعه‌پذیری نسل جوان و نوجوان از طریق همکاری با نهادهای آموزشی، فرهنگی، اجتماعی در رسانه‌های جمعی

۵-۳- کاهش نابرابریها و تبعیض‌های جنسیتی از طریق:

- دسترسی برابر زنان و مردان به منابع و فرصت‌ها
- اصلاح قوانین و مقررات (قانون مدنی، قانون کار و ...)، در جهت برابریهای جنسیتی

- افزایش نقش زنان در تصمیم‌گیری
- ارتقای آموزشهای فنی و حرفه‌ای برای افزایش توانمندی‌های زنان
- حمایت و گسترش دوره‌های کارآفرینی زنان
- تقویت و حمایت از نهادهای غیر دولتی مدافع حقوق زنان
- تعادل جنسیتی در بازار کار
- ظرفیت‌سازی در بخش خدمات، با هدف اشتغال دختران دانش‌آموخته
- گسترش تأمین اجتماعی برای زنان فاقد شغل و پوشش حمایتی
- افزایش مشارکت زنان در نهادهای مدنی
- واگذاری بخشی از فعالیتهای دولتی بخش آموزش بهداشت، درمان و بهزیستی، به زنان
- به‌کارگیری سیاستهای تشویقی، جهت معرفی و حمایت از اندیشمندان و فرهیختگان زن
- حمایت از زنان سرپرست خانوار
- حمایت از مراکز پژوهشی در حوزه زنان
- تقویت مهارتهای زنان، از نظر دستیابی به مهارتهای فنی، آموزشهای کاربردی و حرفه‌ای
- حمایت از سرمایه‌گذاری وابسته به کشاورزی، و منابع روستایی و صنایع تبدیلی کشاورزی، با تأکید بر مشارکت زنان روستایی، و جذب آنان در مشاغل غیر کشاورزی
- حمایت از تأمین مسکن ارزان، برای زنان سرپرست خانوار
- تأمین مدارس شبانه‌روزی برای دانش‌آموزان دختر روستایی، و تأمین هزینه ایاب و ذهاب آنان
- گسترش آگاهیهای عمومی زنان و دختران، در زمینه‌های حقوقی، از طریق کتب آموزشی
- رفع تبعیض جنسیتی، در ارتقای کارکنان دولت به پستهای تصمیم‌گیری
- اصلاح برنامه‌های رسانه‌ها، در جهت ارتقای باور عمومی به شایستگی زنان
- تعمیق و گسترش خدمات بهداشتی به زنان، در دوران بارداری و زایمان
- حمایت از زنانی که شوهران مبتلا به ایدز دارند.
- تأمین بهداشت روانی زنان، از طریق ارائه‌ی خدمات مشاوره و مددکاری اجتماعی ویژه
- توسعه ورزش همگانی زنان

- بهبود تغذیه زنان

۴-۵- برقراری عدالت اجتماعی بر پایه تساوی در برابر قانون از طریق:

- توسعه حقوق شهروندی، و مشارکت برای رفع ابهام، تناقض و تفسیر سلیقه‌ای از قوانین

- آموزش عمومی و ترویج فرهنگ قانون‌مداری، نظم، مدارا و زندگی سالم

- اعمال قاطعانه، عادلانه و فراگیر قانون

۵-۵- ایجاد امنیت فردی و مصونیت از خشونت و تجاوز و کاهش ناامنی در زندگی فردی از

طریق:

- ارتقای کیفی نیروی انسانی نهادهای حافظ نظم و امنیت کشور

- پیش‌بینی، پیشگیری و کنترل جرائم و تخلفات، با به‌کارگیری فضاهای مجازی، امکانات

الکترونیک و گسترش جامعه شبکه‌ای

- کاهش عوامل جرم‌خیز و فرصت‌های ارتکاب جرم، از طریق رفع خلاءها و نواقص قانونی، و تحقق

اصل بیست و نهم قانون اساسی

- افزایش هزینه‌ها و ریسک اقدام به جرم

- ساماندهی رفاه اجتماعی به منظور پیشگیری از موقعیتهای جرم‌خیز

- ایجاد تناسب بین جرم و مجازات، و تأمین بازدارندگی با استراتژی مجازات‌های جایگزین

- توسعه سرمایه اجتماعی و باورهای فرهنگی و سنتی، به منظور کاهش عوامل جرم‌خیز

- ارتقای استانداردهای حرفه‌ای کشف جرم

- متناسب‌سازی قابلیت‌ها، سیستم‌ها و اقدام‌ها در حوزه قضایی، امنیت عمومی و انضباط اجتماعی، با

شرایط جامعه جوان و حضور فزاینده زنان

- پاکسازی چهره محیط‌های عمومی از مظاهر ناهنجاری

۶-۵- ایجاد امنیت شغلی از طریق:

- تأمین خدمات مشاوره و مددکاری حقوقی برای شاغلین

- اعمال حمایت‌های قانونی و حقوقی در برابر بیکاری
- گسترش بیمه‌های بیکاری
- بسط و ترویج فرهنگ شایسته‌سالاری، و مقابله با فرهنگ ظاهرسازی و چابلوسی
- تأمین و گسترش آموزش‌های مربوط به سلسله مراتب اداری، انعطاف‌پذیری و افزایش تحمل و بردباری بین کارگر و کارفرما
- گسترش فرهنگ کار، قناعت و شایسته‌سالاری در روابط شغلی

۵-۷- افزایش اعتماد عمومی از طریق:

- اعمال قاطعانه، عادلانه و فراگیر قانون
- تقویت اقتدار حاکمیت
- انسجام هدفمند دستگاه‌های اجرایی، و پای‌بندی مسئولان و مدیران به تعهدات خود، و مدیران گذشته
- استقبال از افزایش تقاضای اجتماعی برای مشارکت شهروندان در مدیریت و هدایت مسائل، در قالب نهادهای محلی و غیر محلی
- توسعه نهادها و فرایندهای درونی‌سازی، نهادینه‌سازی و جامعه‌پذیری، در رابطه با ارزشها و هنجارهای ملی و اسلامی، و کاهش دخالت‌های حاکمیت در امور اجتماعی
- خودداری رسانه‌های عمومی از اقدامهایی که منجر به کاهش اعتماد عمومی می‌گردد.
- ضابطه‌مندی، ترویج و گسترش ساده‌زیستی مسئولان، و احتراز آنان از بهره‌مندی امکانات اختصاصی
- ترویج صداقت و راستگویی در روشها، و خودداری از ارائه‌ی اخبار و گزارش‌های نادرست

۵-۸- کاهش نابرابریها و تبعیض‌های قومیتی از طریق:

- تقویت دانش قوم‌شناسی اقوام ایرانی، و حمایت از مراکز پژوهشی مربوطه
- حفظ هویت اقوام ایرانی در قالب هویت ملی
- اصلاح محتوای کتب درسی در جهت حذف مطالب تفرقه‌آفرین

- اصلاح ساختار سرشماری کشور، در جهت گردآوری منظم اطلاعات از ویژگی‌های قومیتی
- تأسیس دوره‌های زبان‌شناسی و فرهنگ‌شناسی اقوام ایرانی در دانشگاهها
- تبدیل دروس «ادبیات فارسی» دانشگاهها به «ادبیات ایرانی زبان فارسی و زبانهای قومی»
- تأکید بر پروژه‌های عمرانی کوچک متناسب با ظرفیتهای محلی، با رویکرد توانمندسازی محلی
- فراهم کردن زمینه مشارکت هر چه بیشتر اقوام و جوامع محلی، در سرنوشت سیاسی خود
- نظارت جدی بر رسانه‌ها، به منظور ممانعت از اشاعه فرهنگ تفرقه‌آمیز و تحقیر کننده اقوام ایرانی

۶- امنیت ملی

۶-۱- پی‌ریزی سیاست خارجی بدون تنش، برای اثربخشی سیاستهای توسعه ملی از طریق:

- تنش‌زدایی روابط سیاسی با کشورهای جهان
- بسط مراودات با کشورهای اسلامی
- برقراری روابط دوستانه با همسایگان
- بسط روابط تجاری و پی‌ریزی تعاملات دوجانبه اقتصادی با همسایگان
- ارتقای دانش و توانمندی‌های کار دیپلماتیک کشور
- حمایت از مراکز پژوهشی و سازمانهای غیر دولتی، در نقد و تحلیل عملکرد سیاست خارجی کشور

۶-۲- حرکت همه جانبه به سوی لغو تحریمها، و برخورداری از امکانات بیشتر برای انتخابهای

توسعه ملی در ابعاد تکنولوژیکی و دسترسی به بازارهای جهانی و تأمین منابع مالی لازم از طریق:

- بسیج توان دیپلماسی کشور برای جلب آرای کشورهای جهان
- احتراز از اقدامهای تحریک‌آمیز و تنش‌زا، و جلوگیری از حملات بهانه‌جویانه دولتهای معارض و دستگاه‌های تبلیغات
- ساماندهی سیاستهای تبلیغاتی، قضایی، اجرایی و مدیریتی، با هدف ممانعت از سوء استفاده دستگاه‌های تبلیغاتی

- اتخاذ راهکارهای اجرایی، به منظور ارتقا، مشروعیت و منزلت جمهوری اسلامی در افکار عمومی جهان

- حمایت از گسترش مرادوات علمی، فنی و دانشگاهی نهادهای غیر دولتی با مجامع بین‌المللی

۳-۶- اعمال اصول عزت، حکمت و مصلحت در سیاست خارجی، از طریق پویایی و فعال‌سازی دیپلماسی، و محدودیت فعالیت‌های مربوطه برای حفظ امنیت ملی از طریق:

- ارتقای توانمندی‌های کادر سیاسی

- تبیین مبانی تئوریک امنیت ملی در هدفگذاری سیاست خارجی

- نهادینه ساختن اطلاع مستمر کادر سیاسی از موفقیتها و توانمندی‌های علمی، اقتصادی فرهنگی، نظامی و ...

- تبیین مبانی تئوریک انقلاب اسلامی، و مصادیق اصول عزت، حکمت و مصلحت در روابط خارجی

۴-۶- ارتقای توان بازدارندگی نیروهای مسلح و دستیابی به فناوری‌های برتر از طریق:

- ارتقای سطح دانش و مهارت‌های نیروهای مسلح

- محوریت فناوری‌های نوین در صنایع دفاعی، و انتقال دانش فنی مورد نیاز

- ارتقای تحرک عملیاتی یگانهای رزمی و افزایش آمادگی رزمی

- سازماندهی واحدهای واکنش سریع

- افزایش توان اطلاعات رزمی نیروهای مسلح

- تقسیم مسئولیت بین واحدهای ارتش و سپاه و انسجام واحدهای اصلی

- گسترش حضور نظامی و غیر نظامی کشور، در دریای جنوب و شمال

- ارتقای توانایی‌های الکترونیک، شناورهای تندرو و موشک‌های ساحل دریا، و نیز تقویت توانایی‌های

موشکی عملیات دید در شب

۵-۶- تأمین، حفظ و ارتقای حضور میلیونی مردم در صحنه‌های دفاعی از طریق:

- تقویت کمی و کیفی ارتش بیست میلیونی

- ارتقای سطح آموزشهای عقیدتی، فنی و عملیاتی در نیروهای بسیج
 - ظرفیت‌سازی در به‌کارگیری نیروهای بسیج در امور سازندگی، خدماتی و امدادی
 - ارتقای منزلت‌های اجتماعی بسیجیان
 - تقویت بسیج، از طریق فراهم آوردن زمینه‌های مشارکت هر چه بیشتر جوانان در فعالیتهای بسیج
- ۶-۶- گسترش وفاق ملی، توجه به ملاحظات امنیتی و پرهیز از تعمیق اختلافات قومی، سیاسی و منطقه‌ای از طریق:
- تعریف مبانی امنیت ملی، منافع و مصالح ملی و تبیین مصادیق آنها در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، اجرایی و مدیریتی
 - تقویت مشترکات قومی، مذهبی، سیاسی و منطقه‌ای در بین گروه‌های مختلف اجتماعی، و احتراز از دامن زدن به موارد مورد اختلاف
 - انجام اقدامهای تقویت‌کننده اشتراکات و وحدت ملی
 - آسیب‌شناسی وفاق ملی، و اتخاذ تدابیر لازم به منظور غلبه بر آسیبهای مذکور
 - شناسایی عرصه‌هایی که با تقویت آنها می‌توان وفاق ملی را گسترش داد، و برنامه‌ریزی برای تقویت آن
 - دامن زدن به رقابت‌های سازنده فرا ملی و منطقه‌ای
 - ساماندهی سیاست‌های تبلیغاتی، فرهنگی و رسانه‌ای، به منظور احتراز اکید از دامن زدن به اختلافات قومی، سیاسی و منطقه‌ای
 - ارتقای توان تحلیل، دانش، نگرش و توانمندسازی مردمی در راستای تحقق وحدت ملی
- ۶-۷- ارتقای ثبات اجتماعی، توجه به مستضعفین و حفظ منافع حامیان واقعی انقلاب از طریق:
- هدایت نخبگان و استعداد‌های درخشان، جهت کسب دانش و مهارت‌های مدیریتی، و ایجاد نگرش مثبت در آنها جهت تصدی مناصب مدیریتی، در راستای نهاده‌سازی شایسته‌سالاری
 - افزایش کمی و کیفی نهادهای غیر دولتی عهده‌دار مسئولیتهای اجتماعی
 - توزیع عادلانه درآمد و احتراز از تعمیق شکاف اجتماعی

- بسط و گسترش فرهنگ مدارا، انعطاف‌پذیری و تحمل اجتماعی
- محوریت‌زدایی و توجه ویژه به گروهها و مناطق غیر برخوردار، به منظور زدودن عوامل اغتشاشات و بی‌ثباتی اجتماعی
- توجه ویژه به مستضعفین، به عنوان تجلی مفهوم دموکراسی در عرصه‌های اقتصادی، و محوریت منافع و مصالح آنان در کلیه تصمیمات

۶-۸- ارتقای توان و آمادگی رزمی نیروهای مسلح کشور از طریق:

- آموزش مداوم نیروهای مسلح با فناوری‌های برتر نظامی، و تقویت توان عملیاتی کشور
- احتراز از ورود نیروهای مسلح به عرصه تنشهای سیاسی، قومی و منطقه‌ای
- حفظ و ارتقای منزلت اجتماعی نیروهای مسلح
- انسجام و هماهنگی برنامه‌ها، فعالیتها و اقدامها، در نیروهای مسلح
- ارتقای تحقیقات توسعه‌ای و کاربردی در نیروهای مسلح
- گسترش توانایی جمع‌آوری اطلاعات تاکتیکی، الکترونیکی و انسانی از کشورهای هدف
- تقویت روشهای پدافند عامل و غیر عامل
- توسعه و تقویت کمی و کیفی پدافند موشکی، پدافند هوایی
- تقویت پوشش رادار ملی

۶-۹- توجه به ملاحظات امنیتی و استراتژیک در تصمیمات توسعه‌ای و مدیریت کشور از طریق:

- رعایت جوانب امنیتی، دفاعی و استراتژیک در تهیه، تصویب و اجرای طرحهای بزرگ ملی (فروودگاهها، بزرگراهها، ریلها و سدها)، با لحاظ اقتصادی هزینه فایده آن
- اتخاذ تدابیر پیشگیرانه امنیتی در تصمیمات سیاسی، اقتصادی و مدیریت کشور
- توجه به ملاحظات فرهنگی و امنیت اجتماعی در اجرای برنامه‌های جامع اقتصادی و منطقه‌ای
- اعمال ملاحظات استراتژیک و امنیتی در آمایش سرزمین، و طراحی نحوه استقرار و جانمایی مراکز جمعیتی و صنعتی بخصوص در مناطق حساس
- تقویت همگرایی ملی

۷- ارتقای سلامت و بهبود کیفیت زندگی

۷-۱- برابری فرصتها و امکانات دستیابی به آموزش، اشتغال، سرمایه و کار آبرومندانه از طریق:

- برابرسازی فرصتهای استخدام مطمئن پایدار
- گسترش تسهیلات بانکی، وجوه اداره شده و تأمین ابزار کار برای افراد خلاق و کارآمد
- فراهم کردن آموزش عمومی رایگان، بخصوص در مناطق محروم و برای اقشار آسیب‌پذیر
- گسترش مدارس پیش‌دانشگاهی (امکانات دسترسی به کلاسهای کنکور و تسهیلات لازم برای موفقیت در کنکور دانشگاهها و مناطق محروم و کمتر توسعه یافته)
- گسترش فرصتهای آموزشی عملی و آموزش عالی بهداشت و درمان، در مناطق محروم و کمتر توسعه یافته، به منظور تسهیل دسترسی ساکنین آن مناطق
- توانمندسازی گروههای کم‌توان اجتماعی، قومی، جنسیتی و محلی، به منظور بهره‌مندی از فرصتهای یکسان و رقابت در عرصه‌های اجتماعی

۷-۲- تعادل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بین مناطق و استانهای کشور از طریق:

- فراهم آوردن زیرساختهای توسعه‌ای در مناطق محروم و کمتر توسعه یافته، و افزایش جاذبه‌های به‌کارگیری نیروی انسانی متخصص در این مناطق
- به‌کارگیری سیاستهای اعزام نیروهای متخصص به مناطق کمتر توسعه یافته
- اعطای بخشودگی‌های تسهیلات، برای سرمایه‌گذاری در مناطق کمتر توسعه یافته
- توجه ویژه سیاست‌گذاران به مناطق کمتر توسعه یافته، و اعمال تعادل‌های منطقه‌ای

۷-۳- توزیع عادلانه درآمد از طریق:

- اعمال سیاستهای مالیاتی با هدف بازتوزیع عادلانه درآمدها
- توجه ویژه به مناطق محروم، کمتر توسعه یافته، اقشار محروم و تلاش برای افزایش درآمد آنان
- مقابله با رانت‌های اقتصادی و فساد اداری و اعمال قوانین مبارزه با پول‌شویی
- اعمال مقررات قانونی مهارکننده جابه‌جایی و سودآوری پولهای کثیف

- اعطای یارانه‌های هدفمند، و تأمین تسهیلات اجتماعی به اقشار فقیر و کم‌درآمد
- اعمال سیاستهای مالیات بر مصرف، به منظور متعادل ساختن مصرف دهکهای بالای درآمدی
- طراحی سیستم مالیاتی برای تعدیل درآمدهای ناشی از نوسانات اقتصادی، و تصمیمات رانت‌آفرین اجرایی

۴-۷- افزایش تأمین نیازهای اساسی مردم (مسکن، خوراک، آموزش، سلامت، شغل و حقوق شهروندی) از طریق:

- ساخت مسکن ارزان قیمت
- تدارک تسهیلات هدایت شده جهت تأمین مسکن فقرا
- اولویت سرمایه‌گذاری در مسکن روستایی
- تأمین مسکن استیجاری و حداقل سرپناه برای بینوایان
- اعطای یارانه‌های هدفمند جهت تأمین سبد غذایی مطلوب اقشار فقیر
- تضمین تأمین خدمات بهداشتی و درمانی ضروری، برای گروههای کم‌درآمد و فقیر
- گسترش برنامه‌های اشتغال حمایت شده برای فقرا

۵-۷- تأمین حفظ و ارتقای سلامت افراد و جامعه از طریق:

- برنامه‌ریزی برای تغییر شیوه زندگی مردم با هدف پیشگیری از عوامل خطر ساز سلامت
- پیشگیری از عوامل اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی تهدید کننده سلامت
- اولویت‌بندی سیاستها و برنامه‌های سلامتی، بر اساس الگوی بار بیماری و تعهدات بین‌المللی
- توسعه آموزش همگانی سلامت
- استمرار سیاست تحدید موالید
- ایجاد و توسعه بیمه‌های سلامت‌نگر، و تأکید بر روشهای پرداخت سرانه
- توجه ویژه به برنامه‌ریزی سلامت جوانان و نوجوانان (مهم‌ترین گروه سنی جمعیت کشور در بهترین سن فراگیری، مروج شیوه زندگی سالم در خانواده و به عنوان والدین فردا)

۶-۷- افزایش پاسخگویی به نیازهای غیر پزشکی آحاد جامعه از طریق:

- تأکید بر واگذاری ارائه‌ی خدمات سلامت‌بخش غیر دولتی، با بهره‌گیری از نظام مناسب خریدخدمات، به منظور افزایش کارایی و بهبود مستمر کیفیت خدمات و در جهت افزایش پاسخگویی
- تفکیک فرایندهای سیاست‌گذاری، اجرا، نظارت، ارزشیابی و تقویت‌ساز، و کارهای حاکمیتی در ابعاد آموزشی، پژوهشی و خدمات سلامت
- افزایش مشارکت سایر بخشهای توسعه با محوریت ارتقای سلامت جامعه، در راستای انجام مأموریت‌های محوله خود
- طراحی و عملیاتی‌سازی نظام جامع اطلاعات در بخش سلامت

۷-۷- عادلانه ساختن دریافت خدمات سلامت بر حسب جنسیت، اقوام، گروههای اجتماعی و

مناطق جغرافیایی از طریق:

- پوشش فراگیر و الزامی بیمه سلامت برای آحاد جمعیت مقیم (موقت و دائم)، در پهنه جغرافیای کشور
- ساماندهی نظام ارائه‌ی خدمات (سطح‌بندی، نظام ارجاع و ...)، بر اساس اختصاص بهینه منابع، برای جمعیت تعریف شده، و برای تأمین خدمات سطح‌بندی شده
- توزیع عادلانه منابع، بر اساس مخاطرات و سطح سلامتی مناطق جغرافیایی، و گروههای مختلف اجتماعی کشور
- تأکید بر نیازسنجی علمی، به عنوان مبنای اصلی تعیین کمیت و کیفیت منابع مورد نیاز بخش سلامت

۸-۷- پایدارسازی فرایند تأمین منابع، و مشارکت عادلانه مردم در تأمین آن از طریق:

- افزایش سهم دولت در تأمین منابع مالی بخش سلامت

- افزایش نقش نظام بیمه‌ای در مدیریت منابع بخش سلامت، و مشارکت عادلانه مردم در تأمین منابع، بر اساس سطح درآمد، و مستقل از خطر بیماری، و هماهنگی بیمه‌های تجاری، مازاد، و مکمل درمانی با سیاستهای بخش سلامت و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
- افزایش مشارکت بخشهای توسعه، در تأمین منابع مالی بخش سلامت، متناسب با مخاطرات سلامتی ناشی از عملکرد آنان
- حضور فعال در بازارهای جهانی خدمات سلامت و پزشکی، به منظور فعلیت بخشیدن به توانایی‌های بالقوه نظام سلامتی کشور، و تبدیل جمهوری اسلامی ایران، به مرکز رفع نیازهای سلامت و پزشکی منطقه
- توجه به بهره‌وری و ارتقای کارایی عملکرد منابع بخش سلامت
- ایجاد و تقویت سازوکارهای ضروری، جهت بررسی فناوریها و مداخلات تشخیصی و درمانی جدید

۷-۹- ارتقای امنیت غذا و تغذیه از طریق:

- توجه به تحقق امنیت غذایی و سلامت تغذیه‌ای جامعه در سیاستهای کلان اقتصادی
- افزایش رشد کمی و ارتقای کیفی تولیدات کشاورزی، به منظور تأمین سبد مطلوب غذایی در راستای توسعه پایدار
- هدفمند نمودن یارانه‌ها به منظور دستیابی به سبد مطلوب غذایی
- ارتقای سلامت و ایمنی مواد غذایی، در کلیه مراحل از تولید تا مصرف
- حفاظت از منابع آب و خاک، و بهره‌برداری مناسب از آنها، در جهت تأمین مواد غذایی
- ارتقای فرهنگ، دانش غذا و تغذیه در کشور
- پیشگیری، تأمین و کنترل ریزمغذی‌ها
- پایش مستمر امنیت غذا و تغذیه در کشور
- گسترش نظام جامع کاهش ضایعات مواد غذایی (تولید، فرآوری، توزیع و بازیافت)

۸- محیط زیست و توسعه پایدار

۸-۱- اشاعه فرهنگ و اخلاق زیست‌محیطی از طریق:

- ارتقای آگاهی‌های زیست‌محیطی، با تأکید بر گروه‌های اولویت‌دار
- افزایش مشارکت مردمی و مشارکت دستگاه‌های مختلف

۸-۲- توسعه سازگار بخشها با محیط زیست

- پیشگیری از تولید آلاینده‌ها در فرایندهای تولیدی و خدماتی، و استفاده مجدد از ضایعات وارده بر محیط
- ارزیابی راهبردی زیست‌محیطی سیاستها، برنامه‌ها و طرحهای مرتبط با محیط زیست، در بخشهای صنعت، معدن، کشاورزی، آب، راه و ترابری، نفت و شهرسازی
- پایدارسازی الگوهای تولید و مصرف
- ارزیابی زیست‌محیطی پروژه‌های سرمایه‌گذاری دولتی و غیر دولتی
- تدوین ضوابط و استانداردهای زیست‌محیطی بخشهای مختلف
- افزایش سهم فناوری‌های پاک و انرژی‌های تجدید پذیر
- گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و اجرای تعهدات

۸-۳- حفاظت و تنوع زیستی از طریق:

- استقرار مدیریت زیستی بومی
- ایجاد نظامهای تحقیقاتی و اطلاعاتی تنوع زیستی
- بهره‌برداری پایدار از منابع تنوع زیستی
- گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و اجرای تعهدات

۸-۴- حفاظت، احیا و توسعه منابع طبیعی از طریق:

- اعمال رویکرد مدیریت یکپارچه (نظام‌مند) منابع طبیعی کشور، بر اساس حوزه‌های آبریز

- اصلاح نظام بهره‌برداری از منابع طبیعی و منابع آب و خاک، و مهار عوامل ناپایداری منابع در محدوده حوزه‌های آبریز
- گسترش مشارکتهای مردمی در مدیریت پایدار، و حفاظت از منابع طبیعی
- گسترش مدیریت پایدار منابع طبیعی در عرصه‌های فاقد مدیریت
- ملحوظ نمودن توان طبیعی عرصه‌های منابع طبیعی، و اصلاح کاربریهای نامناسب موجود
- تدوین و اجرای برنامه جامع پیشگیری، مقابله با حوادث غیر مترقبه و بلایای طبیعی
- صیانت و احیای منابع طبیعی، تا رسیدن به توان اکولوژیک اکوسیستمها
- ایجاد عزم ملی و گسترش مشارکتهای مردمی ساکن در عرصه‌های حوزه های آبخیز، در حفاظت و توسعه پایدار منابع طبیعی

۸-۵- توانمندسازی بخش محیط زیست کشور

- تدوین و اجرای برنامه تحول سازمان و ادارات کل حفاظت محیط زیست
- ایجاد و فعال شدن واحدهای محیط زیستی در دستگاه‌های دولتی و عمومی
- ارتقای آموزش محیط زیستی دانشگاهی

۹- توسعه فرهنگی

۹-۱- بسط و ارتقای ارزشها، باورها، سنتها و هنجارها از طریق:

- ترویج و تعمیق فرهنگ معنویت، ایمان، قانون‌پذیری، وجدان اجتماعی و نظم‌گرایی
- تقویت و تحکیم فرهنگ و هویت دینی و ملی، انسجام اجتماعی، زبان فارسی و سنتهای مشترک فرهنگی - اجتماعی، ضمن احترام به ویژگی‌های فرهنگ قومی و منطقه‌ای
- تقویت بنیاد خانواده با توجه به تعالیم میراث معنوی جامعه ایرانی
- ترویج و تعمیق فرهنگ کار، کارآفرینی و بهره‌وری
- گسترش و ترویج روحیه نشاط، شادابی و امیدواری اجتماعی
- تقویت و تعمیق حس همبستگی، همدلی، مفاهمه و تعلق اجتماعی

- ایجاد زمینه‌های پذیرش تحول و نوسازی در عرصه فکر و عمل، گسترش روحیه نقد و انتقادپذیری و صیانت از حقوق شهروندان

۹-۲- ایجاد شرایط و فضای مناسب برای اعتلا و گسترش فرهنگ، هنر و اندیشه از طریق:

- ایجاد زمینه‌های تنوع و تکثر در آفرینش‌های فرهنگی و هنری، به عنوان سرمایه‌های اصلی تولید و بازتولید آثار و محصولات فرهنگی و هنری در سطح ملی و جهانی

- گسترش استفاده از ابزارها و فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی در عرصه فعالیت‌های فرهنگی، هنری و اطلاع‌رسانی

- جبران عقب ماندگی‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری بخش فرهنگ، به منظور متوازن شدن آن با سایر بخشها

- به‌کارگیری راهکارهای مناسب و قانونی برای بالابردن جذابیت تولیدات فرهنگی و هنری داخلی، به عنوان مهم‌ترین عامل در مصون‌سازی جامعه، نسبت به جریان جهانی‌سازی فرهنگ

- تقویت حضور جلوه‌های بیان فرهنگ و هنر قومی در عرصه‌های ملی

- ارتقای سطح همکاری‌های فرهنگی و هنری بین‌المللی

- بسط زمینه‌های مشارکت مردم، نهادهای غیر دولتی، صنفی و حرفه‌ای در امور فرهنگی، هنری، گردشگری، اطلاع‌رسانی، میراث فرهنگی، وقف و امور خیریه

- عنایت ویژه به آثار و کارکردهای اقتصادی بخش فرهنگ، و احصای سهم بخش فرهنگ در اقتصاد ملی

- ایجاد ساختارها و راهکارهای اجرایی در توسعه همکاری‌های فرابخشی فرهنگ و هنر

- تأمین محیط حقوقی مناسب، امنیت و منزلت اجتماعی اصحاب فرهنگ و هنر

- ارتقای اهتمام ملی برای حفظ و صیانت از میراث فرهنگی کشور

- توسعه گردشگری، در جهت رشد و افزایش توان اقتصادی و بهبود مناسبات فرا ملی، به عنوان یکی از مهم‌ترین مزیت‌های اقتصاد فرهنگ

- رفع موانع و تقویت زمینه‌های رقابت‌پذیری، در عرصه فعالیت‌های فرهنگی و هنری ملی و جهانی

- ارتقای سطح کیفی مدیریت و توسعه منابع انسانی بخش فرهنگ
- ایجاد فرصتهای برابر، و افزایش آثار و محصولات فرهنگی و هنری، با تأکید بر ساماندهی مجدد نظامهای توزیع و مصرف
- حذف موازی کاری، تداخل وظایف، نابسامانی سازمانی و تشکیلاتی در نهادهای فرهنگی دولتی و غیر دولتی
- تقویت نقش و تأثیر فرهنگی مساجد و اماکن مذهبی، با گسترش و تنوع بخشی به فعالیتهای آموزشی، فرهنگی، تبلیغی و اجتماعی در آنها
- ترویج و ارتقای فرهنگ آماری و جلب مشارکت و همکاری مردم در فرایند تولید آمار، و استفاده از آن در تصمیم گیری ها، سیاست گذاریها و برنامه ریزی ها

۹-۳- اعتلای کیفی ورزشی در کشور از طریق:

- ترویج فرهنگ ورزش در جامعه با استفاده از امکانات مختلف رسانه ای
- توسعه کمی و کیفی دسترسی به ورزش تعلیم و تربیتی، و ورزش همگانی
- توسعه کمی و کیفی نظام استعدادیابی و پرورش همگانی
- ایجاد زمینه مناسب برای مشارکت بخشهای غیر دولتی، تعاونی و خصوصی در ورزش
- تربیت نیروی انسانی کیفی مورد نیاز بخشهای ورزشی با توجه به دست آوردهای نوین علمی به ویژه مریبان زن
- بازنگری و اصلاح ساختار تربیت بدنی و مدیریت ورزشی و تقسیم وظیفه ملی

۹-۴- توسعه صنعت جهانگردی از طریق:

- تنوع بخشیدن به جاذبه های گردشگری در زمینه های تاریخی، طبیعی، مذهبی، ورزشی، عشایری، روستایی و ...
- ارتقای فرهنگ عمومی در جذب و پذیرش جهانگردی
- انجام تبلیغات مناسب در جهت شناساندن جاذبه ها و امکانات کشور در بازارهای هدف
- نهادسازی و ارتقای فعالیتهای بخش خصوصی، برای افزایش رقابت پذیری در بازارهای هدف

- توسعه زیرساختهای مناسب اقامتی و پذیرایی از طریق مشارکت بخش خصوصی، و توسعه زیرساختهای میان‌راهی از طریق مشارکت بخش دولتی و بخش خصوصی
- آموزش نیروی انسانی فعال برای حفظ میراث فرهنگی، و ارتقای سطح خدمات قابل ارائه به جهانگردان
- ایجاد و توسعه سیستم اطلاع‌رسانی گردشگری با استفاده از فناوری‌های نوین
- بهبود کیفیت خدمات گردشگری از طریق بهبود روشها، و اعمال نظرات دقیق همراه با تدوین استانداردهای مورد نیاز
- ارتقای سطح خدمات بانکی، از جمله ایجاد امکان استفاده از کارتهای اعتباری بین‌المللی، و تأمین بانک توسعه گردشگری
- توسعه فعالیتهای حفاظتی و حمایتی حقوقی، از آثار تاریخی و فرهنگی کشور

۹-۵- ساماندهی امور جوانان و ارتقای سطح مشارکت آنها در توسعه کشور از طریق:

- تقویت مهاجرتهای جوانان، متناسب با نیازهای جامعه و تحولات فناوری از طریق گسترش آموزشهای کاربردی
- گسترش فعالیتهای اجتماعی، هنری و ورزشی جوانان، متناسب با مقتضیات دوره جوانی
- ساماندهی و گسترش تشکلهای و سازمانهای غیر دولتی جوانان، و همکاری با مراجع ذی‌ربط، به منظور شناسایی و واگذاری فعالیتهای ذی‌ربط دستگاه‌های اجرایی، به تشکلهای و سازمانهای مذکور

۹-۶- ارتقای نقش زنان در جامعه، و توسعه فرصتها برای آنان از طریق:

- تقویت مهارتهای زنان، متناسب با نیازهای جامعه و تحولات فناوری از طریق گسترش آموزشهای کاربردی حرفه‌ای
- شناسایی و سرمایه‌گذاری در فرصتهای اشتغالزای برای زنان
- بازنگری و اصلاح قوانین و مقررات درباره زنان، به ویژه قوانین مربوط به خانواده
- اصلاح برنامه‌های رسانه‌ها، در جهت ارتقای باورهای عمومی نسبت به شایستگی زنان، و فراهم آمدن امکان استفاده متناسب زنان و مردان از خدمات

- ارتقای کیفیت زندگی زنان، از طریق بهبود وضعیت تغذیه و تأمین بهداشت روانی زنان
- گسترش سایتهای حمایتی از گروههای آسیب‌پذیر زنان، به ویژه زنان سرپرست خانواده

◀ ۱۰- توسعه مدیریت دولت

۱۰-۱- تغییر و تعیین مقیاس و موضوع فعالیتها و وظایف دولت از طریق:

- حمایت از حوزه‌های حاکمیتی، توجه و تأکید و تجهیز سازوکارهای انجام وظایف حاکمیتی دولت در پهنه کشور، با امکان برخورداری و دسترسی همگان به آنها (امنیت، حفاظت محیط زیست و ...)
- اتخاذ تدابیر و طراحی و به‌کارگیری الگوها و روشهایی که به ایفای نقش کلیدی دولت، در عرصه سیاست‌گذاری و نقش حاشیه‌ای آن در عرصه تصدی و اداره امور اقتصادی، بیانجامد.
- توجه و حمایت از فرایند تولید، تأمین و توزیع هدفمند کالاها و خدمات عمومی، که باید فرصت برخورداری عادلانه مردم از آنها فراهم گردد.
- واگذاری تمام اموری که مردم می‌توانند در اشکال حقیقی و حقوقی مناسب، عهده‌دار آن شوند، در فضا و بازار رقابتی و دور از هر گونه انحصار
- توجه و اقدام جدی در تقویت حوزه‌های مدیریتی (سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی) و اخلاقی و پاسخگویی مدیریت دولت، همپای واگذاری امور به بخشهای خصوصی و تعاونی
- سازماندهی مدیریت دولت برای حمایت از ایجاد و تقویت مؤسسات و سازمانهای غیر دولتی NGO و بخش خصوصی و تعاونی در سطوح ستادی و اجرایی مربوط
- اتخاذ و اعمال تدابیر لازم برای قرار دادن اقدامهای کلیه نهادهای عمومی در قلمرو فلسفه وجودی و مأموریتهای اولیه و قانونی آنها
- اتخاذ و اعمال تدابیر لازم در زمینه استقرار رویه‌های متحد پاسخگویی دستگاه‌های دولتی، و نهادها و سازمانهایی که به هر نحو، از بودجه عمومی دولت استفاده می‌نمایند، در برابر مراجع قانونی ذی‌صلاح، با استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات
- ایجاد بسترهای فرهنگی، اجتماعی و حقوقی قانونی مناسب جهت تضمین موفقیت دولت، در تغییر نقش خود

- بازمهندسی نظام همکاری‌ها و تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی دولت، در راستای ایفای مؤثر نقش‌های نوین محول به دولت، و اتخاذ سیاست‌های روشن و شایسته در مدیریت تعاملات مذکور
- اعمال حمایت‌های لازم برای تحمل هزینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حاصل از تغییر نقش دولت و واگذاری امور به بخش‌های غیر دولتی در دوران گذار
- تضمین تولید و گردش آزاد اطلاعات در کلیه زمینه‌ها و فعالیتهای مرتبط با مردم

۱۰-۲- دگرگونی در رویکرد مدیریت دولت، از تمرکز به عوامل درونی و چشم‌انداز کوتاه‌مدت، به رویکردی نظام‌یافته برای اخذ تصمیمات بنیادی از طریق:

- ترویج آموزه‌های مربوط به فلسفه و علم مدیریت استراتژیک (در ابعاد تفکر، طرح و برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی)، در میان مدیران و کارشناسان ارشد کشور
- بازنگری در نظام‌های مدیریتی، ساختارهای سازمانی، فرایندهای اصولی و فرهنگ و ارزش‌های سازمانی دستگاه‌ها، برای پذیرش و به‌کارگیری رویکرد مدیریت استراتژیک، در مدیریت امور
- طراحی و استقرار سامانه ارزیابی استراتژیک در مدیریت دولت، برای سنجش میزان اثربخشی تصمیمات و اقدام‌های دولت، و ایجاد فرصت مقایسه عملکرد دولت، در همه بخش‌ها و با سایر دولت‌ها، بر اساس شاخص‌های بین‌المللی
- نظم بخشیدن به مدیریت و فرایند ساخت‌آفرینی، و تأسیس و تشکیل دستگاه‌های دولتی، و توسعه و تشکیلات دولت، با محوریت رئیس‌جمهور و هیئت وزیران
- نوسازی، اصلاح و توسعه نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در مدیریت دولت و بازنگری در مراجع و نهادهای جمعی تصمیم‌گیری موجود، بر پرتو اصل کارآمدی نظام‌های تصمیم‌گیری (تصمیمات مبتنی بر اطلاعات، عینیت و تعهدات شفاف)

۱۰-۳- اتخاذ نگرش نظام‌مند در اداره امور از طریق:

- ترویج و تفکر استقرار سامانه مناسب مبتنی بر کل‌نگری و نظام‌گرایی، و دور از دیدگاه‌های صرف سازمانی بخشی و متکی به اصل تعامل محیطی

- ایجاد سازوکارهای لازم برای استقرار نظامهای نتیجه‌محور، با تأکید بر اثربخشی و هدف‌گرایی در اداره امور، و استفاده از بازخورهای آن در بازسازی و بازمهندسی نظامها
- تحول در سامانه‌های حقوقی قانونی و اجرایی اداری و سازمانها، مأموریتها، صلاحیتها و مقررات مورد عمل دستگاه‌های نظارتی و بازرسی کشور، برای تحقق اصل نتیجه‌گرایی و رویکرد مدیریت نتایج در اداره امور
- تعیین مؤلفه‌های اصولی و اساسی در سامانه‌های مدیریت دولت، و تمرکز، تأکید و توجه بر آنها در تغییر، تبدیل و تحول در مؤلفه‌های مربوط

۱۰-۴- بهره‌برداری مطلوب از امکانات شبکه‌های ملی و جهانی اطلاعات، دانش و مدیریت اخلاقی از طریق:

- دستیابی به درک و برداشتی درست و قطعی از مؤلفه جهانی شدن، و اتخاذ تدابیر شایسته و روشن برای برخورد فعال با آن
- دستیابی به اصول، الگوها و راهکارهای لازم برای تبدیل نظامهای مدیریت، بسته به نظامهای باز و تعاملی در اداره امور
- ایجاد تغییر در نگرش و شیوه مدیریت دولت، مبتنی بر لحاظ سایر مراتب (علم، دانش، آگاهی، اطلاعات، شبکه‌ها، اصول و هنجارهای اخلاقی و اعتماد)، در کنار سلسله مراتب اختیار و قدرت و مؤلفه رسمیت در اداره مؤثر امور

۱۰-۵- ارتقای سطح کارکردها، مهارتها و قابلیت‌های مدیران از طریق:

- تبیین کارکردهای نوین مورد انتظار، از سطوح مختلف مدیران دولتی و پرورش مدیران تراز این کارکردها و انتظارت
- اعطای اختیارات لازم متناسب با مسئولیتهای محول و کارکردها و نقشهای مورد انتظار، و اتخاذ تدابیر حمایتی لازم، برای حمایت از مدیران خلاق، مبتکر، کارآفرین و خدمتگزار
- ایجاد و توسعه نگاه حرفه‌ای و تخصصی، به امر مدیریت و توجه سازمان یافته به امور حرفه‌ای، معنوی و مادی مدیران در کشور

- تعیین استانداردهای اجرای کارکردهای مدیریتی مورد انتظار، و استقرار نظام جذب، استخدام و پرورش توسعه مدیران تراز کارکردها و مقتضیات و نیازهای زمان
- اتخاذ تدابیر و ایجاد سازوکارهای لازم، برای افزایش ارزش دانشگاهی و روزآمدی دانش و معلومات حرفه‌ای مدیران و کارکنان در دولت
- ایجاد سامانه‌ها و مدیریت مؤثر دانش غیر مدون و تجربی مدیریت در دولت، مشتمل بر شناخت تجربیات موفق، مستندسازی آنها، سازماندهی، ذخیره و راههای انتقال و برخورداری از آن، در توسعه مدیریت دولت
- تعیین عناصر شایستگی و توسعه نظام و گسترش دامنه شایسته‌یابی در مدیریت دولت، و استقرار نظام ارزیابی عملکرد مدیران، و تأثیر نتایج آن در تداوم خدمت آنان
- ایجاد و توسعه فکر، سامانه‌ها، روشها و ضوابط جذب، توسعه، نگهداری و بهره‌گیری از برترین سرمایه‌های انسانی و فکری در دولت، و مدیریت آن

۱۰-۶- ارتقای قدرت پاسخگویی مدیران از طریق:

- دستیابی به اصول، الگوها، نظامها و روشهای لازم برای تحقق امر پاسخگویی و پذیرش ستایشها و سرزنشهای متناسب با تصمیمات و اقدامهای مدیران و کارکنان در دولت
- تعیین حد بهینه‌ای از تمرکز و عدم تمرکز اداری در اداره امور، و اعطای اختیارات لازم به مدیران در هر سطح و محل، در راستای افزایش امکان پاسخگویی مستقیم و مدیریتی به مردم، و جوابگویی به مراجع ذیصلاح
- ایجاد سازوکارهای فرهنگی، حقوقی و اجرایی لازم، برای استقرار تفکر و رویکرد شهروندمداری و رضایت مردم در ارائه خدمات عمومی، و نهادینه کردن نتیجه قضاوت، مردم در سرنوشت کارگزاران دولت
- توسعه فرهنگ و افزایش امکان عمل به اصل «اعتماد به مردم» در اخذ تصمیمات و انجام امور، به جای برخورد دیوانسالارانه و توسل به کاغذبازی، با رعایت اصل مسئولیت و پاسخگویی و رعایت ضوابط و مقررات

- اتخاذ تدابیر، تنظیم الگو، سامانه‌ها و روشهای لازم برای تأمین سلامت اداری و اجرایی، و افزایش ریسک و هزینه‌های اقدام مجرمانه و انجام عمل خلاف، در سازمانها و حوزه‌های مدیریت دولت

۱۰-۷- استقرار نظام شایسته‌گزینی از طریق:

- دستیابی به اصول، الگوها و سامانه‌هایی که موجبات اعمال مدیریت سرمایه‌های انسانی را در مدیریت دولت فراهم آورده، اصل شایستگی را در انتخاب، آموزش، توسعه و تحفظ نیروی انسانی در دولت، محقق نماید و شرایط مناسب را برای باروری نیروی انسانی و شکل‌گیری سرمایه‌های اجتماعی ایجاد کند.

۱۰-۸- بهبود شیوه تصمیم‌گیری در اداره امور از طریق:

- دستیابی به الگویی از عدم تمرکز و توزیع اختیار که با اجرای آن، اختیارات ذاتی به مدیران در مناطق و استانها منتقل گردد، و کارآمدی مدیریت دولت با حفظ یگانگی و یکپارچگی آن در شرایط ناهمگونی مناطق و گروههای جامعه، ارتقا یابد.

- دستیابی به الگوها و روشهای مناسب مدیریت مشارکت، به عنوان شکل برتر اداره امور - طرح و تحقق رویکرد گسترش همکاری دولت با سازمانهای غیر دولتی و سایر بخشهای جامعه مدنی، برای افزایش کارآمدی مدیریت دولت، در مواجهه با چالشها و استفاده از فرصتها و منابع ملی

۱۰-۹- اصلاح شیوه ارائه و مدیریت خدمات دولتی از طریق:

- دستیابی به الگو و روشهای استفاده و به‌کارگیری فناوری‌های نوین، در انجام وظایف دولت و تولید و تأمین خدمات عمومی محول به آن

- لغو انحصارات غیر ضرور در حوزه عمل دولت، و واگذاری امور و بنگاههای اقتصادی به بخش خصوصی کار آزموده، متناسب با محدودیتهای نظام اجتماعی

- تغییر رویکرد، طراحی و استقرار سامانه‌های متناسب با آن در جذب، استخدام، تداوم خدمت، به‌کارگیری و خروج از خدمت نیروی انسانی در دولت، متناسب با «روند تغییر در نقش دولت»، «تغییرات در سطح و نوع فناوری‌های مورد استفاده»، «عمر طرحها و برنامه‌ها و ضرورت انجام

فعالیتها» و «رضایت مردم از عملکرد کارکنان دولت»، ضمن استقرار نظامهای حمایتی مؤثر تأمین اجتماعی

- ایجاد و استقرار سامانه‌های مؤثر «مدیریت شکایت مردم» و امکان و الزام اصلاح قوانین، مقررات، روشها، هنجارها و استانداردها بر اساس نتایج حاصل از آن مدیریت

- ایجاد و به روز رسانی و به‌کارگیری سیستم کد ملی جغرافیایی پستی، و کد شناسایی فردی در کلیه فعالیتها

۱۱- امنیت و توسعه قضایی

۱۱-۱- استقرار نظام شفاف و پاسخگوی قضایی در کشور از طریق:

- ارائه خدمات سریع، ارزان، منصفانه و قاطع

- توسعه و تقویت نظارت و بازرسی و هماهنگی احکام قضایی، و بسط و گسترش آرای وحدت رویه قضایی

- ایجاد و توسعه نهادهای واحدهای شبه قضایی، به منظور کاستن از حجم تقاضا برای خدمات محاکم قضایی

- تأمین حقوق فردی و اجتماعی مردم، از طریق توسعه کانون وکلا و مشاورین حقوقی، و واحدهای معاضدت قضایی

- توسعه نظام پژوهشهای کاربردی بخش قضایی، از طریق تعامل و همکاری با مراکز علمی، پژوهشی و فرهنگی

- همگرایی و هماهنگی با نهاد ملی حقوق بشر اسلامی، در جهت نظارت بر رعایت و جلوگیری از نقض حقوق اسلامی - انسانی افراد حقیقی و حقوقی

۱۱-۲- ارتقای حاشیه امنیت قضایی افراد از طریق

- اصلاح نظام زندانبانی، و حرکت به سمت تبدیل زندانها به مراکز آموزش مهارتها و انعطاف‌پذیری زندانیان

- نهادینه شدن نظام اعتراضات قانونی مردم، و تفکیک آن از هرج و مرج اجتماعی
- کاهش تزاخم بین پلیس و مردم، با نوین‌سازی و تخصصی کردن سیستم‌های تشکیلاتی و اطلاعاتی سازمان و پلیس
- نهادینه ساختن مشارکت و نظارت‌های مردمی، به منظور تعمیق مردم‌سالاری، با رویکرد تقویت امنیت ملی
- ارتقای منزلت اجتماعی پلیس، و افزایش اعتماد مردم به نیروی انتظامی
- ایجاد زمینه‌های لازم برای کاهش چالش‌های قومی، قبیله‌ای و مذهبی بر پایه نظامات مدیریتی تقویت شده مناطق، در قالب عادلانه کردن نظام تخصیص منابع، اعمال سیاست‌های منطقی تصمیمات کشوری، و بسط و گسترش ملی و تقدم منافع ملی بر منابع محلی
- توجه به مطالبات اصولی مردم، و جهت دادن آنها در چارچوب قوانین و مقررات، با رویکرد افزایش ثبات سیاسی، اجتماعی و تعمیق امنیت عمومی
- افزایش ضریب نظم و امنیت، از طریق تقویت و بسط اختیارات تشکیلات قوام یافته محلی (شورای اسلامی)
- تقویت نهادهای مشاوره اجتماعی در نیروی انتظامی و قوه قضائیه، به منظور کاهش حجم دعاوی

۱۲- تعادل و توازن منطقه‌ای کشور بر اساس موازین آمایش سرزمین

۱۲-۱- تقویت تمرکززدایی در برنامه‌ریزی و توسعه استان با رعایت اصل کوچک‌سازی دولت از طریق:

- گسترش اختیارات، همراه با تقویت ابعاد پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری مدیریت توسعه استان
- تأکید بر فرایندهای ارزشیابی، و نظارت بر روند تمرکززدایی در برنامه‌ریزی و توسعه استان
- حمایت از ایجاد و گسترش نهادهای عمومی غیر دولتی، مدنی و روند خصوصی‌سازی امور تصدی‌گری در استانها
- واگذاری سهم بیشتری از اعتبارات سرمایه‌گذاری و هزینه‌ای ملی به استانها، با تأکید بر ابعاد برنامه‌ریزی و اجرایی وظایف، در چارچوب سیاست‌های کلان ملی و بخشی کشور

۱۲-۲- برقراری سازوکار هماهنگی فرا استانی، در زمینه امور مشترک عمرانی و توسعه‌ای از

طریق:

- تقسیم کشور به حوزه‌های برنامه‌ریزی، جهت اجرای طرحهای سرمایه‌گذاری فرا استانی
- تفکیک وظایف دولت به سطوح فرا استانی، استانی و محلی

۱۲-۳- ایجاد سازوکارهای مناسب منابع و مصارف استانی، در چارچوب قوانین پایه‌ای کشور از

طریق:

- تجهیز پس‌اندازها و سرمایه‌های محلی در قالب نهادهای مالی - پولی استانی، و در چارچوب سیاستهای کلان کشور
- واگذاری سهم بیشتری از درآمدهای ملی به استانها

۱۲-۴- هویت بخشیدن به منابع درآمدی استان به عنوان بخشی از سازوکار درآمد عمومی

کشور از طریق:

- بازنگری و اصلاح نظام درآمد - هزینه استان، متناسب با ظرفیتهای ایجاد شده، و نهادهای شکل گرفته در استان

۱۲-۵- افزایش نقش نهادهای مدنی و شوراهای اسلامی، در فرایند برنامه‌ریزی و اجرایی

استان از طریق:

- ایجاد فرایند توسعه محلی (شهرستانی)، به عنوان گامی در گسترش تمرکززدایی و بسط مشارکتهای مردمی در مدیریت توسعه شهری و روستایی
- واگذاری بخشی از وظایف استانی به سطوح محلی (شهرستانی)

۱۲-۶- برقراری نقش و سهم مناسب برای استانها، متناسب با قابلیتها و مزیت‌های نسبی و

رقابتی آنها از طریق:

- تدوین الگوی توسعه منطقه‌ای جهت توزیع بهینه فضایی سرمایه‌گذاری‌ها (با تأکید به بخش خصوصی) در استانها

- مدیریت و کنترل زمینه‌های عدم تعادل در فرایند توسعه استانی
- تهیه و تنظیم اسناد توسعه میان‌مدت استان (هر استان یک سند)

۱۲-۷- تعدیل شکاف سطح توسعه‌یافتگی، میان مناطق کمتر توسعه یافته با مناطق توسعه یافته کشور از طریق:

- استمرار نقش دولت در توسعه زیربنایها، خدمات اجتماعی، و ایجاد زمینه‌های انگیزشی لازم برای بخش خصوصی در مناطق کمتر توسعه یافته، و تقویت نقش و حضور بخش عمومی غیر دولتی و بخش خصوصی و مردمی در استانهای توسعه یافته
- برقراری سازوکارهای مالی - پولی ویژه، برای توسعه مناطق کمتر توسعه یافته، به شیوه غیر متمرکز و پرهیز از تمرکززدایی در این زمینه

۱۲-۸- ارتقای همبستگی ملی، مبتنی بر حفظ و تقویت ارزشهای سازنده و گسترش تعامل فرهنگی بین اقوام و مناطق از طریق:

- جلب مشارکت نیروها و متخصصان محلی، در امور مدیریت و توسعه استان، به ویژه در مناطق کمتر توسعه یافته و قومیت نشین کشور

۱۲-۹- بهره‌گیری مناسب از موقعیت و توانمندی‌های عرصه‌های مختلف سرزمین، برای توسعه علم و فناوری و هم‌پیوندی با اقتصاد جهانی از طریق:

- تعیین مراکز و پارکهای علمی - تحقیقاتی و تعیین تخصصها و شعاع عمل هر یک، با توجه به تخصصهای منطقه‌ای و ظرفیتهای علمی و زیربنایی آنها
- تعیین مناطق ویژه و آزاد اقتصادی، در راستای تسهیل پیوند با اقتصادهای بیرونی، و دامن زدن به توسعه منطقه‌ای

۱۲-۱۰- استفاده بهینه از ظرفیتهای ایجاد شده در اثر سرمایه‌گذاری‌های ملی و فرا ملی، در

راستای اشاعه فضای توسعه در منطقه از طریق:

- تهیه طرح آمایش و سازماندهی استقرار جمعیت، و فعالیتهای و گسترش فضای توسعه، در منطقه پارس جنوبی

- مکان‌یابی و تهیه طرح توسعه دالان انرژی، برای استقرار صنایع مرتبط با منابع انرژی کشور (با تأکید بر منابع گازی پارس جنوبی)

- تهیه پروگرامهای لازم، جهت استفاده شیوه‌های نوین معیشت و فعالیت در مناطق متأثر از سرمایه‌گذاری‌های عمده عمرانی (دشتهای و مناطق پیرامون سدها، و ...)، با رعایت اولویتهای توسعه منطقه‌ای

۱۲-۱۱- بهره‌گیری از قابلیت‌های ترانزیتی و موقعیت منطقه‌ای کشور، در راستای تقویت اقتصاد

ملی و ارتقای نقش منطقه‌ای کشور از طریق:

- اولویت‌بندی محورهای خاص در کریدورهای شرقی - غربی و شمالی - جنوبی کشور، و تدوین برنامه توسعه مبادی، شبکه‌های ارتباطی و نقاط خاص واقع بر این محورها.

۱۲-۱۲- استفاده مناسب از قابلیت‌ها و توان کلان‌شهرها در جهت تقویت نقش منطقه‌ای و

ارتقای جایگاه بین‌المللی کشور از طریق:

- جداسازی مدیریت توسعه برنامه‌ریزی و اجرا، در کلان‌شهرهای کشور، از محدوده‌های استانی
- تعیین کلان‌شهرها با توان بالقوه ایفای نقش فرا ملی و بین‌المللی، تعیین حوزه عملکرد آنها و بازنگری در نقش و مأموریت‌های هر یک، جهت پذیرش تدریجی نقش جدید، و انتقال وظایف ملی و منطقه‌ای آنها به سطوح پایین، متناسب با افق زمانی برنامه

۱۲-۱۳- تدوین پروگرامها و تهیه طرحهای عمرانی کشور، بر مبنای یک دیدگاه هماهنگ، و با

ملاحظات اثرات سرزمین از طریق:

- تدوین استراتژی سازماندهی فضایی بخشهای مختلف اقتصادی - اجتماعی

- ایجاد سازگاری لازم بین دیدگاههای توسعه فضایی بخشها با یکدیگر، در تعامل با ویژگیهای مناطق و سرزمین

- تعیین تخصصهای منطقه‌ای، و تقسیم کار بین آنها، بر اساس هماهنگ‌سازی دیدگاههای بخشی

- تعیین اولویتهای سرمایه‌گذاری بر بهینه سرزمین، بر مبنای موازن آمایش

- ایجاد پایگاه اطلاعات سرزمینی و مکانی، جهت به روز رسانی طرحهای آمایش

۱۲-۱۴- آماده‌سازی عرصه‌های مختلف سرزمین، برای پذیرش فعالیتهای جدید از طریق:

- تجهیز عرصه‌های دارای قابلیت به شبکه‌های اصلی زیربنایی (راه و انرژی)، جهت جذب سرمایه‌گذاری‌های جدید.

۱۲-۱۵- پراکنش مناسب فرصتهای شغلی در مناطق مختلف، با توجه به قابلیتهای هر منطقه از

طریق:

- بسترسازی برای استفاده از ظرفیتهای زیربنایی ایجاد شده، در جهت توسعه فعالیتهایی که نیاز به بازدهی اقتصادی سریع دارند.

- تکمیل حلقه‌های ناقص شبکه‌های زیربنایی، در مناطق بالنسبه توسعه یافته

- توسعه و تجهیز شبکه‌های زیربنایی در مناطق کمتر توسعه یافته، در جهت آماده‌سازی آنها برای پذیرش فعالیتهای جدید

۱۲-۱۶- تقویت پیوند مناطق مرزی با اقتصاد ملی از طریق:

- آمایش مناطق مرزی با هدف ارتقای شاخصهای توسعه‌ای این مناطق، و تقویت آنها با اقتصاد ملی

- تعیین و اولویت‌بندی گزیده‌ای از مناطق مرزی دارای قابلیت، برای گسترش مبادلات بیرونی و تقویت پیوند آنها با اقتصادهای فرا ملی



الزامهای مربوط به

هدفهای کیفی و کمی

برنامه چهارم توسعه

◀ الف - رشد اقتصادی سریع، مستمر و پایدار

- ۱- ایجاد شرایط و فضای مناسب برای امنیت سرمایه و گسترش سرمایه‌گذاری و تولید
- ۲- ارتقای بهره‌وری (بهره‌وری نیروی کار، سرمایه و کل عوامل تولید)
- ۳- گسترش فرصت‌های شغلی
- ۴- تقویت انضباط مالی و بودجه‌ای
- ۵- ساماندهی شرکتهای دولتی، خصوصی‌سازی و توانمندسازی بخشهای خصوصی و تعاونی
- ۶- مهار تورم
- ۷- گسترش، تعمیق و اصلاح بازارهای مالی
- ۸- تأمین تعادل و پویایی مبادلات مالی بخش خارجی اقتصاد کشور
- ۹- نوسازی ساختاری نظام پولی و بانکی
- ۱۰- اصلاحات ساختاری در بازار بیمه

◀ ب - توسعه مبتنی بر دانایی

- ۱- تثبیت نقش محوری پژوهش و فناوری و استقرار نظام حقوق مالکیت فکری در توسعه پایدار و فعال ساختن بازار دانایی
- ۲- ارتقای موقعیت ایران از نظر شاخص تولید علم و توسعه فناوری در رده‌بندی جهانی
- ۳- افزایش سهم پژوهش و فناوری در ارتقای شاخص بهره‌وری و توان رقابت در عرصه جهانی
- ۴- استفاده مناسب از علم و فناوری و اطلاعات ملی و مکانی در مواجهه با تهدیدها و بهره‌برداری از فرصت‌های آینده
- ۵- برابرسازی فرصت‌های آموزشی و بهبود کیفیت آموزش در تمامی دوره‌های آموزشی
- ۶- توسعه ظرفیت تولید آمار، ارتقای کیفیت آمار و اطلاع‌رسانی

ج - تعامل فعال با اقتصاد جهانی

- ۱- تعامل و مشارکت مؤثر در عرصه اقتصاد جهانی
- ۲- سازماندهی کارآمد امور تولید و فناوری کشور، جهت پیوستن به مؤسسات اقتصادی بین‌المللی
- ۳- بسط و گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی
- ۴- تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری‌ها و ساماندهی و کارآمد کردن تسهیلات مالی خارجی
- ۵- جذب منابع انسانی، تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری‌های ایرانیان مقیم خارج از کشور
- ۶- بهره‌گیری از فرصت‌های سرمایه‌گذاری توسط بخش غیر دولتی در خارج از کشور، و صدور خدمات فنی و مهندسی

د - رقابت‌پذیر کردن اقتصاد

- ۱- تجدید ساختار و نوسازی بخش‌های اقتصادی در جهت رقابت‌پذیر کردن اقتصاد
- ۲- ارتقای سطح و جذب فناوری‌های برتر در بخش‌های مختلف اقتصادی
- ۳- ایجاد فضا و بسترهای مناسب برای تقویت و تحکیم رقابت‌پذیری ملی

ه - ارتقای امنیت انسانی و عدالت اجتماعی

- ۱- گسترش زمینه‌های رشد و تعالی افراد جامعه
- ۲- ارتقای حقوق شهروندی
- ۳- کاهش نابرابری‌های جنسیتی
- ۴- تساوی افراد و گروه‌های اجتماعی در برابر قانون، بهره‌مندی یکسان از فرصت‌ها، امکانات و امتیازات
- ۵- توسعه و تقویت امنیت فردی در اشکال مختلف، مقابله با خشونت و گسترش و تحکیم اخلاق اجتماعی
- ۶- ارتقای امنیت شغلی

- ۷- تحکیم و گسترش سرمایه‌های اجتماعی
- ۸- حفظ هویت ملی با تأکید بر حقوق اقوام ایرانی
- ۹- پیشگیری و کاهش آسیبهای اجتماعی
- ۱۰- گسترش و تعمیق فرهنگ ایثار در جامعه
- ۱۱- پیشگیری و کاهش فقر و محرومیت
- ۱۲- توزیع عادلانه درآمد
- ۱۳- گسترش تأمین اجتماعی و بهبود وضعیت رفاه اجتماعی مردم

◀ و - امنیت ملی

- ۱- تضمین حقوق مدنی افراد
- ۲- بهبود ساختار سیاسی و ایجاد محیط حقوقی مناسب برای توسعه کشور
- ۳- تقویت امنیت و اقتدار ملی با تکیه بر رشد اقتصادی، مشارکت سیاسی و تعادل منطقه‌ای
- ۴- توسعه قانونگرایی، نظم و امنیت عمومی، تقویت انضباط اجتماعی و وجدان کار
- ۵- تقویت مبانی جامعه مدنی، مشارکت همگانی، اخلاق و روحیه کارگروهی و سازگاری و رقابت‌پذیری در کلیه روابط اجتماعی و سیاسی
- ۶- پی‌ریزی سیاست خارجی و دیپلماسی کشور برای اثربخشی سیاستهای توسعه ملی
- ۷- ساماندهی سیاست خارجی کشور، در راستای بهره‌مندی از فناوری‌های نوین، و دسترسی به بازارهای جهانی و تأمین منابع مالی
- ۸- گسترش روابط خارجی و تعامل با جهان، مبتنی بر منافع ملی و اصول حکمت، عزت و مصلحت
- ۹- ارتقای توان بازدارندگی نیروهای مسلح، با تجهیز منابع انسانی و دستیابی به فناوری‌های برتر و افزایش ظرفیتهای صنایع دفاعی
- ۱۰- ارتقای توان آمادگی نیروهای مسلح کشور، جهت ابتکار عمل و پاسخگویی مؤثر در برابر هرگونه تهدید خارجی

۱۱- ارتقای حضور بسیجی مردم در صحنه‌های دفاعی

◀◀ ز - ارتقای سلامت و بهبود کیفیت زندگی

- ۱- ارتقای سطح تأمین نیازهای اساسی مردم (مسکن، خوراک، آموزش، سلامت، شغل و حقوق شهروندی)
- ۲- تأمین، حفظ و ارتقای سلامت افراد و جامعه
- ۳- اصلاح ساختار نظام سلامتی جامعه در راستای ایجاد یک نظام پاسخگو، برای ارائه‌ی خدمات سلامتی به آحاد جامعه
- ۴- عادلانه ساختن دریافت خدمات سلامت برای آحاد جامعه
- ۵- مشارکت عادلانه مردم در تأمین هزینه‌های بخش سلامت
- ۶- ارتقای امنیت غذا و تغذیه
- ۷- خودکفایی در محصولات اساسی کشاورزی
- ۸- اعتلای کیفی ورزشی در کشور

◀◀ ح - حفظ محیط زیست در راستای توسعه پایدار

- ۱- اشاعه فرهنگ و اخلاق زیست محیطی
- ۲- توسعه سازگار بخشها با محیط زیست
- ۳- حفاظت و احیای تنوع زیستی
- ۴- حفاظت، احیا و توسعه منابع طبیعی
- ۵- توانمندسازی و ارتقای جایگاه امور زیست محیطی کشور

◀◀ ط - توسعه فرهنگی

- ۱- غنی سازی و ارتقای ارزشها، باورها، سنتها و هنجارها

- ۲- ایجاد شرایط و فضای مناسب برای اعتلا و گسترش فرهنگ، هنر و اندیشه
- ۳- تقویت پیوندهای سازنده با سایر فرهنگها، از طریق بسط و گسترش ایرانگردی و جهانگردی
- ۴- ساماندهی امور جوانان، و ارتقای سطح مشارکت آنها در توسعه کشور
- ۵- ارتقای نقش زنان در جامعه، و توسعه فرصتها برای آنان

◀ ی - کارآمد کردن اداره امور کشور

- ۱- متناسب سازی اندازه، فعالیتها و وظایف دولت
- ۲- ساماندهی مدیریت دولت با رویکردی نظام یافته برای اخذ تصمیمات بنیادی
- ۳- اتخاذ نگرش نظام مند در اداره امور کشور
- ۴- بهره برداری مطلوب از امکانات شبکه های ملی و جهانی اطلاعات، دانش و مدیریت اخلاقی
- ۵- ارتقای سطح کارکردها، مهارتها و قابلیت های مدیران
- ۶- ارتقای پاسخگویی مدیران
- ۷- بهبود شیوه تصمیم گیری در اداره امور، و استقرار نظام شایسته گزینی
- ۸- استقرار دولت الکترونیکی، جهت ارائه ی خدمات برتر

◀ ک - توسعه قضایی

- ۱- تأمین حقوق فردی و اجتماعی و گسترش عدالت و تضمین آزادیهای قانونی و مشروع
- ۲- تمهید شرایط لازم برای افزایش اعتماد عمومی نسبت به نظام قضایی کشور
- ۳- توسعه و استقرار نظام قضایی پویا، متناسب با نیازهای کشور
- ۴- پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین
- ۵- ساماندهی و افزایش اثربخشی نظام نظارت و بازرسی
- ۶- ساماندهی و بهینه سازی خدمات قضایی به منظور کاهش مراجعه مردم به محاکم

« ل - تعادل و توازن منطقه‌ای بر اساس موازین آمایش سرزمین

- ۱- تمرکززدایی در برنامه‌ریزی، مدیریت و هدایت فرایند توسعه استان، با رعایت اصل کوچک‌سازی دولت
- ۲- هماهنگی بین استانی در زمینه تصمیم‌گیری و استفاده از منابع و قابلیت‌های مشترک در امور عمرانی و توسعه‌ای، و با توجه به دیدگاه‌های آمایشی
- ۳- تمرکززدایی امور مالی و برقراری کامل نظام درآمد - هزینه استان
- ۴- نهادینه‌سازی نقش مشارکتی نهادهای مدنی و شوراهای اسلامی شهر و روستا در فرایند تصمیم‌گیری، نظارت و اجرا
- ۵- هدایت توسعه اقتصادی، اجتماعی متعادل در استانهای کشور، متناسب با قابلیت‌ها و مزیت‌های نسبی و رقابتی آنها
- ۶- تعدیل سطح توسعه‌یافتگی میان مناطق کمتر توسعه یافته با مناطق توسعه یافته کشور
- ۷- بهره‌گیری از آثار انتشاری سرمایه‌گذاری‌های ملی و فرا ملی در توسعه منطقه
- ۸- بهره‌گیری مناسب از موقعیت و توانمندی‌های عرصه‌های مختلف سرزمین، برای توسعه علم و فناوری و تعامل فعال با اقتصاد جهانی
- ۹- استفاده مناسب از قابلیت‌ها و توان کلان‌شهرها در جهت تقویت نقش منطقه‌ای، و ارتقای جایگاه بین‌المللی کشور
- ۱۰- تدوین پروگرامها، و تهیه طرحهای عمرانی کشور بر مبنای یک دیدگاه هماهنگ و با ملاحظات اثرات سرزمینی
- ۱۱- آماده‌سازی عرصه‌های مختلف سرزمین، برای پذیرش فعالیت‌های جدید، و ایجاد فرصت‌های شغلی متناسب با قابلیت هر منطقه
- ۱۲- تقویت همگرایی‌های ملی و ارتقای نقش منطقه‌ای کشور، پیوند مناطق مرزی با اقتصاد ملی و فرا ملی و بهره‌گیری از قابلیت‌های ترانزیتی کشور

۱۳- بهره‌گیری از قابلیت‌های محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناطق روستایی کشور با نگرش توسعه یکپارچه شهر و روستا



پیوست یک

برخی از مفاهیم برنامه‌ریزی

◀ چشم‌انداز بلندمدت

چشم‌انداز، آمیزه‌ای از ارزش‌های داوریهی مبتنی بر ایدئولوژی نظام، و واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی جامعه است. با توجه به این که ایدئولوژیها و نگرشهای مختلف و متفاوت، آینده‌های متفاوتی را ترسیم می‌کنند، نخستین گام در پویای برنامه‌ریزی بلندمدت و آینده‌نگری، پذیرش چشم‌انداز واحدی است که، تصویر سازگاری از آینده ممکن و مطلوب را ترسیم نماید. به عبارت دیگر، هدف نهایی چشم‌انداز، معطوف به تبیین‌گزینه‌های استراتژیک و جهت‌های اصلی تحولات ساختاری - نهادی و ارائه‌ی عرصه‌های انتخاب، برای تدوین برنامه‌های میان‌مدت در مسیر حرکت به طرف جامعه آرمانی است.

◀ هدفهای آرمانی

این هدفها که برگرفته از تصویر مطلوب چشم‌انداز بلندمدت کشور است، بیان انتظارات و مقاصدی دست‌یافتنی است که تحقق آن در گرو وفاق عمومی، اراده ملی و تلاش خستگی‌ناپذیر رهبران جامعه و آحاد مردم خواهد بود. هدفهای آرمانی باید از ویژگیهای زیر برخوردار باشند:

- جامع، تحول‌گرا، آینده‌نگر و پویا باشند.
- بیانگر خصوصیات و ویژگیهای اصلی جامعه آینده و ارزشها و آرمانهای نظام باشند.
- برخاسته از نیازهای اساسی جامعه، در تحقق چشم‌انداز باشند.
- توانایی ایجاد وفاق عمومی و انگیزه برای مشارکت ملی را داشته باشند.
- در یک دوره بلندمدت پایدار باشند.
- پاسخگوی مؤلفه‌های «قوت و فرصت» و «رافع نقاط ضعف و تهدیدات» باشند.

◀ محورهای اساسی چشم‌انداز

محورهای اساسی چشم‌انداز، مضامینی است که جهت‌گیری‌های عمده و خطوط اساسی تحول بلندمدت نظام را در عرصه‌های مختلف و در مسیر حرکت به طرف جامعه آرمانی مشخص می‌کند. این محورها (هدفهای بلندمدت)، که برگرفته از نتایج مطالعات چشم‌انداز بلندمدت است، در واقع چالشهای

پیش روی کشور است، که برای تحقق چشم‌انداز مطلوب آینده، تحقق این هدفهای بلندمدت باید وجهه همت قرار داده شود.

◀ سیاستهای کلی نظام

به موجب اصل یکصد و دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تعیین سیاستهای کلی نظام جمهوری اسلامی ایران، از وظایف و اختیارات مقام معظم رهبری است. سیاستهای کلی، راهبردهای عمده و کلانی است که از بین مسیرهای متعدد قابل دستیابی انتخاب می‌شوند، تا بتوان در بلندمدت به کمک آنها چشم‌انداز و اهداف مرتبط با آن را محقق ساخت. مقام معظم رهبری، شاخصهایی را برای تعیین سیاستها به شرح زیر قائل شده‌اند:

- کلی‌گویی نباشند.
- جهت‌دار، مشخص و شفاف باشند.
- قابل حمل به معانی مختلف نباشند.
- به تناسب نیازهای کشور باشند.
- نسبت به اقتضانات جهانی و داخلی انعطاف‌پذیر باشند.
- عناوین سیاستها محدود باشند.

◀ استراتژی (راهبرد)

چارچوبی است که مجموعه حرکات و اقدامهای اصلی را برای دستیابی به اهداف ترسیم کرده، و نظام کلی اولویت‌گذاری را برای به دست آوردن موقعیتهای مطلوب و خنثی کردن تهدیدها، در حال و آینده بیان می‌دارد. تدوین استراتژی مستلزم برگزیدن جهت‌گیری کلی توسعه‌ای از میان چارچوبهای جایگزین است و مبانی و معیارهایی را در اختیار مدیریت خواهد گذاشت که، توان اجرایی و امکان برخورد بهینه با تغییرات محیطی را فراهم می‌سازد.

◀ احکام برنامه

سیاستها و تدابیری است که همسو و سازگار با اهداف برنامه است و برای مشروعیت یافتن لازم است در مراجع تصمیم‌گیری (دولت و مجلس) مورد تصویب قرار گیرد. راهبرد (استراتژی) همان طور که، جهت‌گیری کلی و چارچوب تخصیص منابع یک برنامه را مشخص می‌کند، سیاستها، چارچوبها و خطوط راهنمای تصمیم‌گیری در انتخاب گزینه‌های مختلف اجرایی استراتژی را نیز، برای تحقق هدف فراهم می‌کند. سیاستها، به صورت مجموعه‌ای از معیارها و تدابیر قانونی، فنی، اجرایی، پولی و مالی هستند که اتخاذ آنها تمهیدات و تسهیلات لازم، جهت تحقق هدفهای برنامه را فراهم می‌سازد. مثلاً برای تشویق پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، که هدف رشد اقتصادی بالاتر را تعقیب می‌کند، سیاستهای پولی (سود بانکی و اعتبارات)، و سیاستهای معطوف به جلب سرمایه‌گذاری خارجی و یا توسعه و تعمیق بازار سرمایه داخلی و نظایر آن اتخاذ شود.

◀ پروگرامهای اجرایی

پروگرامهای اجرایی، مجموعه‌ای از فعالیتهای اصلی و تبعی و طرحها و پروژههای مشخص است که برای حذف یک مانع توسعه و یا برای ایجاد یک قطب توسعه طراحی می‌شوند. پروگرامها می‌توانند فرابخشی (کارآمد کردن دولت) یا بخشی (توسعه خدمات درمانی) باشند. در «برنامه‌ریزی هسته‌های خط‌دهنده» که تحت عنوان «Core Planning» در ادبیات توسعه مطرح شده است، هسته‌های خط‌دهنده و پروگرامهای اجرایی، کانونهای اصلی اقدام را در برنامه مشخص می‌سازند.

◀ هدفهای کلی

در برنامه‌ریزی توسعه، هدف عبارت است از غایت خواسته‌های جامعه اعم از اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که منبعث از نظام ارزشهای حاکم بر جامعه است و برنامه‌ها، برای دستیابی به آنها تدوین می‌شود. هدف، ممکن است کیفی و یا کمی باشد ولی دارای این ویژگی است که در پایان زمان برنامه می‌توان درجه نسبی تحقق آن را تعیین کرد.

هدفهای کلی برنامه که در چارچوب هدفهای آرمانی تعیین می‌گردند، ناظر به دوره زمانی برنامه است و باید طی برنامه حتی‌المقدور محقق شوند. هدفهای کلی برنامه را مدیریت عالی نظام مشخص کرده، و نظام برنامه‌ریزی با مرکزیت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ممکن است قبلاً برای تأمین سازگاری و تناسب اهداف، مورد مشورت مدیریت عالی نظام قرار گیرند.

هدفهای کلی برنامه، لازم است به گونه‌ای مشخص شوند که قابلیت کمی شدن در مراحل بعدی برنامه‌ریزی را داشته باشند.

◀ هدفهای کیفی برنامه

هدفهایی است که هر بخش در ارتباط با زمینه‌های مختلف فعالیت خود، به طور کیفی تنظیم می‌کند. این اهداف نظیر افزایش کارایی اقتصادی بخش، افزایش کیفیت محصولات یا خدمات بخش و ... است که بر اساس اهداف کلی برنامه توسعه و همچنین تحلیل عملکرد گذشته و موجود بخش، پیش‌بینی می‌شود. هدفهای کیفی برنامه، باید به نحوی تعیین شود که در پایان دوره برنامه، بتوان میزان نسبی تحقق اهداف را مشخص کرد.

◀ هدفهای کمی برنامه

هدفهای کمی بر اساس شاخصهای کمی، هدفگذاری و برای تحقق اهداف کیفی کلان و یا بخش تعیین می‌شوند و بر اساس آنها وضعیت مطلوب، به صورت مقداری یا ارزشی در طول دوره برنامه‌ریزی مشخص می‌گردد. در تعیین اهداف باید توجه کرد که این اهداف با توجه به تحلیل دقیق عملکرد گذشته از یک سو، و استراتژی کلی برنامه از سوی دیگر، تدوین می‌گردند. برای مثال هدفهای کمی برنامه عبارتند از: هفت درصد (۷٪) رشد تولید ناخالص داخلی، تنزل نرخ بیکاری به نه درصد (۹٪) در سال پایانی برنامه، کنترل تورم در حد ده درصد (۱۰٪) در طول برنامه و ...

◀ جداول منابع و مصارف

استراتژیهای هر برنامه، چارچوب تخصیص منابع را مشخص خواهد کرد. در هر برنامه توسعه، لازم است تصویری از منابع و مصارف ارزی محتمل، شامل: میزان درآمدهای ارزی حاصل از صدور کالا و خدمات، هزینه‌های ارزی مرتبط با واردات کالا و خدمات و همچنین تراز ارزی ارائه شود. در زمینه منابع و مصارف ریالی در بخش دولتی نیز لازم است، تصویری از میزان درآمد دولت (بر حسب منشأ درآمد) و مخارج دولت (بر حسب مقصد هزینه) تنظیم و ارائه گردد. این اطلاعات، راهنمایی خواهد بود تا مدیران اجرایی کشور برای حصول به هدفهای برنامه‌ای بخش ذی‌ربط، برای تجهیز منابع غیر دولتی تدابیری بیاندیشند.

◀ مدیریت امور توسعه

امور توسعه در کشور، ضرورتها و الزاماتی دارد که نمی‌توان انجام این امور را در همان تشکیلاتی به‌انجام رسانید که امور حاکمیت، امور باز توزیع درآمد و یا امور بنگاههای دولتی را مدیریت می‌کند. چارچوبهای حقوقی، سازمانی، تشکیلاتی، پرسنلی و مالی در امور توسعه، کاملاً متفاوت از سایر امور مدیریت کلان جامعه است، لذا باید تشکیلات متناسب برای این کار طراحی و به کار گرفته شود.

۲

پیوست دو

لایحه برنامه چهارم توسعه

(مصوب هیئت وزیران تقدیمی به مجلس شورای اسلامی)

«همراه با درج مواد تنفیذی

”قانون برنامه سوم توسعه با اعمال آخرین اصلاحات“ و

”قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت“»

◀ مقدمه

لایحه برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران که مهم‌ترین مرحله تحقق جامعه آرمانی چشم‌انداز توسعه کشور محسوب می‌شود، در پی تحکیم مبانی و بسترهای رشدی است که فرصت‌های مدیریتی بهتر ایران فردا و احکام مورد نیاز ایجاد مبانی جدید توسعه‌ای ایران را فراهم خواهد آورد.

در میان ویژگی‌های خاص برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران، تهیه و تنظیم این برنامه در چارچوب چشم‌انداز بلندمدت کشور که پس از بررسی و تایید مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب مقام معظم رهبری رسیده است، از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار است.

با عنایت به الزامات حاکم بر تحقق چشم‌انداز بلندمدت کشور و ویژگی‌های کنونی رشد و توسعه کشور، مأموریت‌های نظام برنامه‌ریزی کشور را طی دو دهه آینده می‌توان به شرح زیر تبیین نمود:

- برنامه پنجساله چهارم: رشد پایدار اقتصادی دانایی محور
 - برنامه پنجساله پنجم: تثبیت مبانی رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی
 - برنامه‌های ششم و هفتم: توسعه مستمر پایدار و دانش بنیان کشور و تأمین عدالت اجتماعی
- سند برنامه چهارم توسعه با چهار هدف کلی:
- توسعه دانش پایه، عدالت محور و در تعامل با جهان
 - تأمین مطمئن امنیت ملی و بازدارندگی همه جانبه
 - صیانت از هویت و فرهنگ اسلامی - ایرانی
 - حاکمیت مؤثر و استقرار دولت شایسته
- در سه سطح ذیل تهیه و تدوین و ارائه گردیده است:
- سطح اول شامل لایحه برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی می‌باشد که از هفت بخش و پانزده فصل و ۲۴۷ ماده تشکیل گردیده است که مصوب هیئت وزیران می‌باشد و توسط ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده است.

- سطح دوم سند برنامه شامل سندهای توسعه بخشی، ویژه (فرابخشی) و استانی است. در این سطح کلیه دستگاههای اجرایی موظفاند اسناد توسعه بخش مربوط به خود را حداکثر تا پایان سال ۱۳۸۳ تهیه و تدوین و به تصویب هیئت وزیران برسانند. این اسناد در واقع مبنای اصلی تهیه و تنظیم برنامهها و بودجههای سالانه خواهند بود.

همچنین برای تعدادی از مسائل مهم و ویژه (فرابخشی)، سندهای توسعه تهیه و تدوین خواهد شد که پس از تصویب هیئت وزیران به اجرا در خواهد آمد.

شوراهای برنامه‌ریزی استانها موظفاند با همکاری و تعامل کلیه دستگاههای استانی برنامه پنجساله استان را تهیه و پس از تصویب شورای برنامه‌ریزی استان به تصویب نهایی هیئت وزیران برسانند. ساز و کار لازم برای اجرایی شدن این سندها در لایحه برنامه مشخص شده است.

- سطح سوم سند برنامه چهارم، شامل تهیه آیین‌نامه‌های اجرایی و مدیریت اجرای سندهای توسعه است که تسهیل کننده اجرای احکام برنامه می‌باشد.

امید است با استفاده از ظرفیتهای تاریخی توسعه در کشور، استفاده از تحولات پیرامونی و جهانی بخصوص بهره‌گیری از فناوریهای نوین در رشد و توسعه اقتصادی کشور، استفاده کارا تر از منابع، سرمایه‌های انسانی دانش مدار و مهارت یافته، تعمیق رویکرد اقتصاد دانایی محور و بالاخره به‌کارگیری ساز و کاری پویا در فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در جهت تأمین و حفظ رشد ملی در انطباق با تحولات پرشتاب کنونی جهان به نتایج مورد انتظار دست یابیم.

بخش اول

رشد اقتصاد ملی دانایی محور

در تعامل با اقتصاد جهانی

فصل اول

بسترسازی برای رشد سریع اقتصادی

◀ ماده ۱

به منظور ایجاد ثبات در میزان عواید ارزی حاصل از نفت در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و تبدیل دارایی‌های حاصل از فروش نفت به دیگر انواع ذخایر و سرمایه‌گذاری و فراهم کردن امکان تحقق فعالیتهای پیش‌بینی شده در برنامه دولت مکلف است با ایجاد "حساب ذخیره ارزی حاصل از عواید نفت" اقدامهای زیر را معمول دارد:

الف - از سال ۱۳۸۴ مازاد عواید حاصل از نفت نسبت به ارقام پیش‌بینی شده در جدول شماره (۸) این لایحه در حساب سپرده دولت نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان "حساب ذخیره ارزی حاصل از عواید نفت" نگهداری می‌شود.

ب - معادل مانده "حساب ذخیره ارزی حاصل از درآمد نفت خام" موضوع ماده (۶۰) "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ با اصلاحات آن" که در پایان سال ۱۳۸۳ و همچنین مانده مطالبات دولت از اشخاص ناشی از تسهیلات اعطایی از محل موجودی حساب یاد شده در ابتدای سال ۱۳۸۴ از طریق شبکه بانکی به "حساب ذخیره ارزی حاصل از عواید نفت" واریز می‌گردد.

ج - در طول سالهای برنامه چهارم توسعه، در صورتی که عواید ارزی حاصل از نفت کمتر از ارقام مندرج در جدول شماره (۸) این لایحه باشد، دولت می‌تواند در فواصل زمانی سه ماهه از موجودی حساب ذخیره ارزی برداشت نماید. معادل ریالی این وجوه به حساب درآمد عمومی دولت واریز می‌گردد.

د - به دولت اجازه داده می‌شود حداکثر معادل پنجاه درصد (۵۰٪) مانده موجودی حساب ذخیره ارزی برای سرمایه‌گذاری و تامین بخشی از اعتبار مورد نیاز طرح‌های تولیدی و کارآفرینی صنعتی،

معدنی، کشاورزی، حمل و نقل، خدمات، فناوری و اطلاعات و خدمات فنی- مهندسی بخش غیردولتی که توجیه فنی و اقتصادی آنها به تایید وزارتخانه‌های تخصصی ذی‌ربط رسیده است از طریق شبکه بانکی داخلی و بانکهای ایرانی خارج از کشور به صورت تسهیلات با تضمین کافی استفاده نماید.

هـ - حداقل ده درصد (۱۰٪) از منابع قابل تخصیص حساب ذخیره ارزی به بخش غیردولتی در اختیار بانک کشاورزی قرار می‌گیرد تا جهت طرح‌های سرمایه‌گذاری موجه کشاورزی توسط بانک کشاورزی در اختیار بخش غیردولتی قرار گیرد.

اصل و سود این تسهیلات به صورت ارزی به حساب ذخیره ارزی واریز می‌گردد.

و - استفاده از وجوه حساب ذخیره ارزی برای تامین مصارف بودجه عمومی دولت صرفاً در صورت کاهش عواید ارزی حاصل از نفت نسبت ارقام مصوب و عدم امکان تامین اعتبارات مصوب از محل منابع درآمدهای عمومی (مالیات و سایر درآمدها) و واگذاری دارایی‌های مالی مجاز خواهد بود و استفاده از آن برای تامین کسری ناشی از عواید غیرنفتی بودجه عمومی دولت ممنوع است.

ز - آیین‌نامه اجرایی این ماده به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و قبل از لازم الاجرا شدن این لایحه به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

۴ ماده ۲

دولت مکلف است برای برقراری انضباط مالی و بودجه‌ای اقدامهای ذیل را به عمل آورد:

الف - نسبت اعتبارات هزینه‌ای تأمین شده از محل درآمدهای غیرنفتی دولت را به گونه‌ای افزایش دهد که تا پایان برنامه چهارم، اعتبارات هزینه‌ای دولت به طور کامل از طریق درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهای غیرنفتی تأمین گردد.

ب - لایحه بودجه سالانه را به نحوی تنظیم نماید که کسری بودجه از طریق استقراض از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سیستم بانکی تأمین نگردد.

◀ ماده ۳

به منظور تنظیم روابط بین دولت و شرکت ملی نفت ایران و اعمال مالکیت دولت بر منابع نفت و گاز کشور موارد ذیل مقرر می‌گردد:

الف- مالکیت منابع نفتی ایران با دولت جمهوری اسلامی ایران است که این حق مالکیت، بر اساس "قانون نفت مصوب ۱۳۶۶" از طریق وزارت نفت اعمال می‌شود.

ب- نفت تولیدی حاصل از عملیات نفتی شرکت ملی نفت ایران در منابع نفتی جمهوری اسلامی ایران و نیز عملیات شرکتهای دولتی تابعه و وابسته به آن و همچنین نفت تولیدی حاصل از عملیات نفتی پیمانکاران طرف قرارداد با شرکتهای یاد شده در این منابع، با وضع حقوق دولتی مقرر در این ماده، متعلق به شرکت ملی نفت ایران است و این شرکت مکلف است حقوق دولتی را به ترتیب مقرر در این قانون مقدم بر سایر هزینه‌های خود حسب مورد پرداخت و یا با خزانه‌داری کل کشور تسویه کند.

ج- حقوق دولتی نفت که پس از استخراج و فروش به حساب بستانکار دولت (خزانه‌داری کل کشور) منظور می‌شود عبارتست از:

۱- بهره مالکانه که برای نفت خام معادل پنجاه درصد (۵۰٪) درآمد حاصل از فروش آن تعیین می‌شود.

۲- بهره مالکانه گاز طبیعی که به ازای استخراج هر متر مکعب گاز طبیعی ۸۵ ریال تعیین می‌شود. این رقم سالانه متناسب با تغییر نرخ رسمی تسعیر ارز اصلاح خواهد شد.

۳- حقوق ویژه که به صورت درصدی از درآمد حاصل از فروش نفت خام و متناسب با قیمت فروش هر بشکه نفت خام پس از کسر ارقام یارانه مذکور در بند "ه" این ماده که توسط هیئت وزیران تعیین و در لوائح بودجه سنواتی درج می‌شود.

میزان حقوق ویژه باید به نحوی تعیین شود که منابع لازم برای تداوم تولید، توسعه ظرفیت، بازپرداخت تعهدات و انجام سرمایه‌گذاریهای منظور در برنامه را برای ارتقای قدرت رقابت

اقتصادی و حفظ جایگاه ایران در بازارهای نفت و گاز و تأمین نیازهای داخلی فراهم آورد و عملیات شرکت همراه با سود متعارف باشد.

تبصره ۱- بهره مالکانه نفت خام تولیدی از میدانهای خشکی و دریایی مشترک با کشورهای همسایه و میدانهای دریایی به ترتیب معادل هشتاد و نود درصد (۸۰٪ و ۹۰٪) نصاب فوق خواهد بود.

تبصره ۲- بابت گاز تزریقی به میدانهای نفتی بهره مالکانه دریافت نمی‌شود. بابت گاز سوزانده شده از اول سال ۱۳۸۸ بهره مالکانه دریافت خواهد شد.

تبصره ۳- مبنای محاسبه حقوق دولتی نفت خام برای محموله‌های صادراتی معادل درآمد حاصل از فروش در مبادی اولیه صادرات بوده و برای نفت خام تحویلی به پالایشگاههای داخلی در هر ماه برابر نود و پنج درصد (۹۵٪) متوسط بهای محموله‌های صادراتی از مبادی اولیه در همان ماه خواهد بود.

د- به دولت اجازه داده می‌شود، به منظور صیانت از منابع تجدید ناپذیر و صرفه‌جویی در مصرف و بهینه‌سازی مصرف انرژی، ده درصد (۱۰٪) از درآمد محاسباتی ناشی از افزایش مقادیر صادرات نفت خام و فرآورده‌های پالایش نفتی نسبت به مقادیر مشابه سال ۱۳۸۳ و قیمت سال ۱۳۸۳، به عنوان جایزه افزایش صادرات به شرکت ملی نفت ایران اختصاص دهد تا صرف سرمایه‌گذاری و کمک به طرحهای بهینه‌سازی انرژی شود. جایزه صادراتی همانند یارانه حاملهای انرژی از حقوق ویژه موضوع بند "ج-۳" کسر و در لوایح بودجه سنواتی درج می‌شود.

طرحهای فوق‌الذکر پس از تصویب شورای اقتصاد و مبادله موافقت‌نامه با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور اجرا خواهد شد.

ه- در مواردی و تا زمانی که طبق مقررات قانونی و تصمیم مراجع ذی‌صلاح، فرآورده‌های نفتی و گاز طبیعی برای مصارف داخلی کشور، به قیمتی کمتر از بهای تمام شده (قیمت منطقه‌ای با اضافه کردن هزینه‌های انتقال، توزیع و فروش، مالیات و عوارض تکلیفی و سود متعارف انتقال و توزیع) عرضه می‌شود، مابه‌التفاوت قیمت‌های تکلیفی فروش با قیمت تمام شده به عنوان یارانه حاملهای انرژی محسوب و توسط شرکتهای ذی‌ربط حسب مورد در دفاتر قانونی آنان به حساب بدهی دولت منظور می‌شود. شرکت ملی نفت ایران موظف است، با انتقال این بدهیها به حساب خود با

شرکتهای طرف معامله خود تسویه حساب کرده و کل بدهیها را در دفاتر قانونی خود جمعاً به بدهکار "حساب دولت" (خزانه‌داری کل کشور) منظور کند.

تسویه این بدهی دولت به شرکت ملی نفت ایران، در هر سال مالی در مرحله نخست به ترتیب مقرر در بند "ج-۳" این ماده انجام شده و در صورت عدم تکافو، از سود سهم دولت و بهره مالکانه گاز در همان سال کاسته شده و بدهی دولت بابت یارانه حاملهای انرژی تسویه می‌شود.

چنانچه اقلام فوق‌الذکر جبران تأمین یارانه فوق‌الذکر را ننماید، مابه‌التفاوت آن در لویح بودجه سالانه منظور و از محل منابع بودجه عمومی دولت قابل تأمین و پرداخت خواهد بود.

تبصره - در طول سالهای برنامه چهارم و تا زمانی که قیمت فروش داخلی بنزین کمتر از قیمت تمام شده عرضه بنزین وارداتی باشد، مابه‌التفاوت (یارانه) آن در لویح بودجه سالانه منظور و از محل بودجه عمومی دولت قابل تأمین و پرداخت خواهد بود.

و- به شرکت ملی نفت ایران اجازه داده می‌شود که با تصویب هیئت وزیران از محل منابع ارزی موضوع بند "ح" این ماده نسبت به واردات فرآورده‌های نفتی مورد نیاز کشور اقدام کرده و تا پایان سال مالی با مراعات این قانون نسبت به تسویه حساب با خزانه‌داری کل کشور اقدام کند.

ز- سی درصد (۳۰٪) از سود خالص (سود ویژه) سالانه شرکت ملی نفت ایران پس از کسر مالیات بر عملکرد بر طبق قانون "مالیتهای مستقیم مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحیه‌های آن" به عنوان سهم دولت به حساب بستانکار دولت (خزانه‌داری کل کشور) و بقیه به عنوان اندوخته‌های قانونی و سرمایه‌ای شرکت منظور می‌شود.

ح- برای تسهیل امور جاری خزانه‌داری کل کشور، شرکت ملی نفت ایران مکلف است صد درصد (۱۰۰٪) وجوه حاصل از صادرات نفت خام را به ترتیب مورد عمل در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به عنوان علی‌الحساب بهره مالکانه، حقوق ویژه، مالیات عملکرد شرکت ملی نفت ایران و سود سهم دولت در این شرکت از طریق بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به حساب خزانه‌داری کل کشور واریز کرده و در مقاطع سه ماهه بر اساس مفاد این ماده با خزانه‌داری کل کشور تسویه حساب کند.

ط- شرکت ملی نفت ایران مکلف است سرمایه‌گذاریهای لازم در اجرای وظایف قانونی خود را با تأکید بر طرحهای افزایش بازیافت نفت خام، نگهداشت سطح تولید از مخازن فعلی نفت و گاز، اکتشاف و توسعه ظرفیت تولید نفت و گاز و ایجاد تأسیسات مرتبط با اولویت میدانهای مشترک با کشورهای همسایه در چارچوب بودجه مصوب شرکت اجرا کند.

پرداخت هزینه‌های یاد شده و بازپرداخت کلیه تعهدات شرکت که قبل و بعد از اجرای این لایحه ایجاد شده و یا می‌شود اعم از ریالی و ارزی بایستی از محل منابع داخلی و سایر منابع شرکت ملی نفت ایران انجام شود و تجهیز منابع از داخل و خارج از کشور برای انجام سرمایه‌گذاریهای بالا نیز بر عهده شرکت ملی نفت ایران است.

ی- در دوره زمانی اجرای این لایحه کلیه قوانین و مقررات خاص و عام مغایر با این ماده ملغی‌الاثرب است و روابط مالی و حقوقی فی‌مابین دولت (وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی) و شرکت ملی نفت ایران در مورد دریافت انواع مالیاتها و عوارض صرفاً طبق احکام مقرر در این ماده، قانون "مالیاتها مستقیم مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحیه‌های بعدی آن" و قانون "اصلاح موادی از قانون برنامه سوم و چگونگی برقراری عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا و ارائه‌دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی مصوب ۱۳۸۱" خواهد بود و پرداخت هر مبلغ توسط شرکت ملی نفت ایران و شرکتهای دولتی تابعه و وابسته به آن که طبق مقررات قانونی که پس از تصویب این لایحه وضع می‌گردد در بدهکار "حساب دولت" (خزانه‌داری کل کشور) موضوع بند "ج" این ماده منظور می‌شود.

ک- آیین‌نامه اجرایی این ماده از جمله تعاریف مذکور در آن و نیز تعیین درصد مذکور در بند "ج-۳" این ماده، حقوق ویژه و سازوکار تسویه حساب بین خزانه‌داری کل و شرکت ملی نفت ایران به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های نفت و امور اقتصادی و دارایی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

◀ ماده ۴

به منظور به حداکثر رساندن بهره‌وری از منابع تجدیدناپذیر انرژی، شکل‌دهی مازاد اقتصادی، انجام اصلاحات اقتصادی، بهینه‌سازی و ارتقای فناوری در تولید، مصرف و نیز تجهیزات و تأسیسات مصرف‌کننده انرژی و برقراری عدالت اجتماعی، دولت مکلف است ضمن فراهم آوردن مقدمات از جمله گسترش حمل و نقل عمومی و عملیاتی کردن سیاستهای مستقیم جبرانی اقدامهای ذیل را از ابتدای برنامه چهارم به اجرا گذارد:

الف- نسبت به قیمت‌گذاری نفت کوره، نفت گاز و بنزین بر مبنای قیمت‌های عمده فروشی خلیج فارس، اقدام کرده و از محل منابع حاصله اقدامات ذیل را به عمل آورد:

- ۱- کمک مستقیم و جبرانی از طریق نظام تأمین اجتماعی به اقشار آسیب پذیر
- ۲- مقاوم‌سازی ساختمانها و مسکن شهری و روستایی در مقابل زلزله و بهینه‌سازی ساخت و سازها در مصرف انرژی
- ۳- کمک به گسترش و بهبود کیفیت حمل و نقل عمومی (درون شهری و برون شهری - ریلی و جاده‌ای)، تولید خودروهای دوگانه سوز و همچنین توسعه عرضه گاز طبیعی فشرده با قیمت‌های یارانه‌ای به حمل و نقل عمومی درون شهری
- ۴- کاهش نقاط حادثه‌خیز جاده‌ای و تجهیز شبکه اورژانس کشور
- ۵- اجرای طرحهای بهینه‌سازی و کمک به اصلاح و ارتقای فناوری وسایل، تجهیزات کارخانجات و سامانه‌های مصرف‌کننده انرژی در جهت کاهش مصرف انرژی و آلودگی هوا و توانمندسازی مردم در کاربرد فناوریهای کم مصرف

تبصره ۱- نفت گاز برای تأمین آب بخش کشاورزی با قیمت نفت سفید یارانه‌ای به صورت سهمیه‌ای عرضه خواهد شد.

تبصره ۲- در مورد مصرف نفت گاز ماشین‌آلات بخش کشاورزی، هر ساله معادل یارانه مربوطه در اختیار وزارت جهاد کشاورزی قرار می‌گیرد تا بر اساس آیین‌نامه‌ای که به پیشنهاد وزارت جهاد کشاورزی

و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران می‌رسد در اختیار بخش کشاورزی قرار گیرد.

ب- نفت سفید، گاز طبیعی و گاز مایع را با افزایش قیمت سالانه پنج درصد (۵٪) بیش از تورم سال قبل عرضه نماید و در قیمت‌گذاری گاز طبیعی از خانواده‌های کم مصرف حمایت لازم را به عمل آورد.

تبصره- قیمت گاز طبیعی برای صنایع بر مبنای کمترین سطح قیمت آن در صنایع کشورهای همجوار، متناسب با فواصل گازرسانی توسط دولت در ابتدای برنامه تعیین می‌شود.

ج- در انرژی برق از خانوارهای کم مصرف حمایت صورت گیرد.

تبصره- عرضه نفت سفید و گاز مایع برای مصارف تجاری و صنعتی به قیمت بدون یارانه خواهد بود.

د- آیین‌نامه اجرایی این تبصره به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

◀ ماده ۵

کلیه تخفیفها، ترجیحات و معافیت‌های مالیاتی، حقوق گمرکی دستگاه‌های موضوع ماده (۲۴۷) این لایحه، مؤسسات، نهادهای انقلابی و عمومی غیر دولتی، جز در مورد بخشهای فرهنگی و به غیر از معافیت‌های برقرار شده بر اساس کنوانسیونهای بین‌المللی تجاری و واردات کاغذ برای تهیه کتب درسی آموزش و پرورش، از سال ۱۳۸۴ لغو می‌گردد.

تبصره- اقلام عمده دفاعی که توسط وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سایر نیروهای مسلح از خارج تأمین می‌شود، از شمول این ماده مستثنا می‌گردد. فهرست اقلام مذکور به پیشنهاد وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

◀ ماده ۶

بر اساس اهداف کمی برنامه چهارم، بخش شایان توجهی از رشد اقتصادی طی دوره برنامه چهارم از محل ارتقای بهره‌وری کل عوامل تولید تأمین می‌شود. برای تسهیل تحقق این هدف:

الف - تمامی دستگاههای اجرایی ملی و استانی مکلفاند در تدوین اسناد ملی، استانی و ویژه سهم

بهره‌وری کل عوامل در رشد اقتصادی را منظور کرده و الزامات آن را مشخص نمایند.

ب - دستگاههای اجرایی موظفاند به منظور تحول اقتصاد کشور از یک اقتصاد نهاده محور به اقتصادی

ستانده محور، ضمن شناسایی موانع افزایش بهره‌وری عوامل تولید، سیاستهای مربوط به بخش

خود را در جهت رفع این موانع و در چارچوب محورهای ذیل تهیه نمایند:

۱- نسبت ستانده به نهاده در هر بخش و زیربخش قابل محاسبه و اندازه‌گیری باشد.

۲- هدف‌گذاری‌های هر بخش و زیر بخش با شاخصهای ستانده به نهاده مشخص گردد.

۳- نظام نظارتی فعالیتهای و عملیات بر ارزیابی ستانده‌ها و نهاده‌ها متمرکز شود.

۴- مدیران و مسئولین بر اساس ستانده‌ها ارزیابی شوند.

ج - آیین‌نامه اجرایی این ماده، متضمن چگونگی تدوین شاخصهای مؤثر در سنجش بهره‌وری در

دستگاههای اجرایی، به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران

می‌رسد.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مکلف است نسبت به بررسی عملکرد دستگاههای اجرایی در

زمینه شاخصهای بهره‌وری و رتبه‌بندی دستگاههای اجرایی اقدام نموده و گزارش عملکرد این ماده

را سالانه به شورای اقتصاد و دولت ارائه نماید. به دولت اجازه داده می‌شود نسبت به رفع موانع

ارتقای بهره‌وری بر اساس گزارش سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور اقدام نماید.

د - به منظور تشویق دستگاههای اجرایی کشور و در راستای ارتقای بهره‌وری با رویکرد ارتقای کیفیت

تولیدات و تحقق راهبردهای بهره‌وری در برنامه، جایزه‌ای تحت عنوان جایزه ملی بهره‌وری با

استفاده از الگوهای تعالی سازمانی توسط سازمان ملی بهره‌وری ایران طراحی و طی سالهای برنامه

چهارم به واحدهای بهره‌ور در سطوح مختلف اهدا خواهد شد.

◀ ماده ۷

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است با همکاری وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، آموزش و پرورش، فرهنگ و ارشاد اسلامی، مسکن و شهرسازی، کشور، کار و امور اجتماعی، علوم، تحقیقات و فناوری و سازمانهای صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، حفاظت از محیط زیست، ثبت احوال، مرکز آمار ایران، مرکز مشارکت امور زنان و صاحب‌نظران جمعیتی و نمایندگان تشکیلات غیردولتی تا پایان سال اول برنامه چهارم، سیاستهای ملی جمعیت و شش ماه بعد آیین‌نامه اجرایی آن را تدوین و جهت تصویب به هیئت وزیران ارائه نماید.

◀ ماده ۸

دولت مکلف است، به منظور ایجاد، پایداری، توسعه و توانمندی بخشهای خصوصی و تعاونی و امکان برقراری تعامل آنها با اقتصاد جهانی، اقدامهای ذیل را به عمل آورد:

الف- طراحی و تدوین نظام و ساز و کارهای مناسب و تسهیل کننده و فراهم کننده شرایط و بستر مناسب و امن برای حضور، بسط و ارتقای مدیریت و فناوری بخشهای خصوصی و تعاونی کارآفرین و کارآمد در فعالیتهای اقتصادی

ب- حمایت و اعطای تسهیلات بانکی با شرایط آسان، و تأمین مابه‌التفاوت سود و کارمزد تسهیلات مزبور، ایجاد زیربناها و تسهیلات لازم و اعطای فرصتهای مناسب صادراتی برای تقویت بنگاههای اقتصادی کوچک و متوسط به گونه‌ای که بنگاههای مزبور در یک شبکه ارتباطی و تعاملی مناسب و با ایجاد و توسعه شبکه‌ها، خوشه‌ها و زنجیره‌ها با ارتباط پیشین و پسین، امکان حضور در بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی را به دست آورند.

ج- فراهم نمودن شرایط لازم و مناسب و تشویق بنگاههای بزرگ اقتصادی داخلی به گونه‌ای که ارتباط و پیوند ارگانیک (حضور در فرایند تولید) آنها با شرکتهای معتبر بین‌المللی برقرار شود.

- د- مشارکت مالی در مخاطرات (ریسک) سرمایه‌گذاریهای بخش خصوصی، با استفاده از ساز و کارهای لازم با هدف بهره‌گیری از ظرفیتهای توانمندیهای تخصصی، نوآوری، کارآفرینی و منابع مالی این بخش، به ویژه در مناطق کمتر توسعه یافته در جهت ایجاد تعادل و توازن در پهنه سرزمین
- ه- تجدید نظر در برنامه‌ها و سیاستهایی که موجب ایجاد تبعیض علیه بنگاههای کوچک اقتصادی و تضعیف امکانات رقابتی آنها می‌شود.
- و- تخصیص بخشی از منابع حاصل از خصوصی‌سازی و واگذاری تصدیهای دولت در مناطق توسعه یافته، به ایجاد زیربناها و جاذبه‌های لازم برای توسعه سرمایه‌گذاری در مناطق کمتر توسعه یافته
- ز- حذف موانع ورود بخش غیر دولتی، به حوزه‌های تصدی‌گری اقتصادی - تجاری

◀ ماده ۹

- به منظور تداوم برنامه خصوصی‌سازی در چارچوب قانون اساسی، تقویت امنیت ملی، بسط مشارکت آحاد مردم، تقویت رقابت و اصلاح و کارآمد کردن مدیریتها، به دولت اجازه داده می‌شود:
- الف-** از همه روشهای امکانپذیر، اعم از مقررات‌زدایی، واگذاری مدیریت (نظیر اجاره، پیمانکاری عمومی و پیمان مدیریت) و مالکیت (نظیر اجاره به شرط تملیک، فروش تمام یا بخشی از سهام، واگذاری اموال)، تجزیه به منظور واگذاری، انحلال و ادغام شرکتها استفاده شود.
- ب-** نسبت به ایجاد و استقرار نظام و ساز و کار مناسب تأمین اجتماعی، برای پاسخگویی به پیامدهای غیر قابل اجتناب ناشی از اجرای سیاست خصوصی‌سازی اقدام شود.
- ج-** در بخشهای زیربنایی، تا حد تجاری شدن و سودآوری پروژه‌های مربوط، مشارکت ارزان قیمت مالی نماید.
- د-** ضمن اداره شرکتهای دولتی به صورت اقتصادی و رقابتی از سرمایه‌گذاریهای نوآورانه، حمایت مالی نماید.

◀◀ ماده ۱۰

به منظور توانمندسازی بخش غیر دولتی در توسعه کشور، دولت ضمن حفظ امور سیاستگذاری و برنامه‌ریزی کلان و نظارت در بخشهای حمل و نقل، ارتباطات (پست و مخابرات) و فناوری اطلاعات، ایجاد، توسعه، نگهداری و بهره‌برداری از مبادی، شبکه‌ها (به استثنای شبکه زیرساخت مخابراتی)، مراکز و پایانه‌ها را با رعایت تضمین و استمرار ارائه خدمات مناسب و رعایت خط‌مشیهای دولت، به بخشهای تعاونی و خصوصی واگذار نماید.

◀◀ ماده ۱۱

الف- به دولت اجازه داده می‌شود، به منظور ساماندهی و استفاده مطلوب از امکانات شرکتهای دولتی و افزایش بازدهی و بهره‌وری و اداره مطلوب شرکتهایی که ضروری است در بخش دولتی باقی بمانند، نسبت به ادغام و تجدید سازمان شرکتهای دولتی، اصلاح و تصویب اساسنامه شرکتهای، تصویب آیین‌نامه‌های مالی و معاملاتی، تصویب آیین‌نامه‌های استخدامی، با رعایت مقررات و قوانین مربوط و جابه‌جایی و انتقال وظایف، نیروی انسانی، سهام و دارایی‌های شرکتهای دولتی و شرکتهای وابسته به آنها اقدام کند.

ب- شرکتهای دولتی، صرفاً در غالب شرکتهای مادر تخصصی و شرکتهای عملیاتی (نسل دوم)، سازماندهی شده و زیر نظر مجمع عمومی تخصصی در چارچوب اساسنامه شرکت اداره خواهند شد. اینگونه شرکتهای از نظر سیاستها و برنامه‌های بخشی، تابع ضوابط و مقررات وزارتخانه‌های تخصصی مربوطه خواهند بود.

دولت مکلف است، نسبت به اصلاح اساسنامه این گروه شرکتهای، به نحو مقتضی اقدام قانونی به عمل

آورد.

تبصره ۱- تشکیل شرکتهای دولتی، صرفاً با تصویب مجلس شورای اسلامی مجاز می‌باشد.

تبصره ۲- مشارکت و سرمایه‌گذاری شرکتهای دولتی به استثنای بانکها، شرکتهای بیمه و مؤسسات اعتباری در سایر شرکتهای دولتی موضوع این ماده، مستلزم کسب مجوز از هیئت وزیران می‌باشد.

تبصره ۳- دولت موظف است، کلیه دفاتر و شعب شرکتهای دولتی مستقر در خارج از کشور را منحل نماید. موارد ضروری بنا به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب شورای عالی اداری خواهد رسید.

تبصره ۴- برای تشخیص ضرورت باقی ماندن برخی از شرکتهای دولتی در بخش دولتی، این شرکتهای باید دارای فعالیت در یکی از موارد زیر باشند، تا ضرورت ادامه فعالیت، با سرمایه دولتی برای آنان ایجاب گردد:

- ۱- فعالیتهایی که به طور طبیعی در آنها انحصار وجود دارد.
- ۲- فعالیتهایی که بخش غیر دولتی، انگیزه‌ای برای وارد شدن به آن فعالیتها را ندارد.
- ج- شرکتهای دولتی که با تصویب هیئت وزیران مشمول واگذاری به بخش غیر دولتی می‌شوند، از تاریخ تصویب، مشمول مقررات عمومی حاکم بر شرکتهای دولتی نخواهند بود و در چارچوب قانون تجارت اداره می‌شوند.
- د- تبدیل وضعیت کارکنان با رعایت کلیه حقوق مکسبه (پاداش پایان خدمت، سنوات خدمت، مرخصیهای استحقاقی ذخیره شده و ...)، شرکتهای دولتی و شرکتهای موضوع بند "ج" به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی در قالب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.
- ه- نقل و انتقال سهام، در ارتباط با اجرای این ماده (ناشی از ادغام، انحلال و تجدید سازمان) از پرداخت مالیات معاف است.
- و- سرمایه‌گذاری مشترک با بخش غیر دولتی، توسط شرکتهای مادر تخصصی که در قوانین تأسیس خود مجاز به این امر می‌باشند، موکول به اخذ مجوز مجامع عمومی آنها می‌باشد.
- ز- انجام هر گونه فعالیتی که در اساسنامه شرکتهای دولتی پیش‌بینی نشده باشد، ممنوع می‌باشد.

- ح- در کلیه مواردی که به موجب قوانین، اجازه تصویب اساسنامه سازمانها، شرکتهای، مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله دستگاههای موضوع ماده (۲۴۷) این لایحه و همچنین نهادها و مؤسسات عمومی غیر دولتی به دولت داده شده است، اصلاح و تغییر اساسنامه با پیشنهاد دستگاه ذی ربط و تأیید سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور با هیئت وزیران می باشد.
- ط- نمایندگی سهام دولت در مجامع عمومی شرکتهای دولتی، با رعایت فرد بودن مجموع تعداد اعضای مجمع به عهده وزیر مذکور، وزیر امور اقتصادی و دارایی، رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و دو یا چند وزیر دیگر که با تصویب هیئت وزیران تعیین می شود، خواهد بود.
- ی- آیین نامه های اجرایی این ماده، به پیشنهاد مشترک سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و وزارت امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

۱۲ ماده

- وجوه حاصل از فروش سهام شرکتهای دولتی در حساب خاصی نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به نام خزانه داری کل کشور، متمرکز و به شرح زیر اختصاص و به حسابهای مربوط منتقل می گردد.
- ۱- معادل بیست درصد (۲۰٪) به عنوان علی الحساب مالیات بر عملکرد شرکت مادر تخصصی ذی ربط (حساب درآمد عمومی کشور)
- ۲- معادل ده درصد (۱۰٪) به عنوان علی الحساب سود سهم دولت در شرکت مادر تخصصی ذی ربط (حساب درآمد عمومی کشور)
- ۳- معادل هفتاد درصد (۷۰٪) به حساب شرکت مادر تخصصی ذی ربط برای موارد ذیل:
- الف- پرداخت دیون شرکت مادر تخصصی به دولت (وزارتخانه ها، مؤسسات دولتی و خزانه داری کل کشور)
- ب- آماده سازی، بهسازی و اصلاح ساختار شرکتهای دولتی برای واگذاری
- ج- کمک به تأمین هزینه های تعدیل نیروی انسانی و آموزشهای فنی و حرفه ای (مهارتی) کارکنان شرکتهای قابل واگذاری

- د- کمک به توانمندسازی بخشهای خصوصی و تعاونی در فعالیتهای اقتصادی
- ه- تکمیل طرحهای نیمه تمام و سرمایه‌گذاری در چارچوب بودجه مصوب
- تبصره ۱- تمام وجوه حاصل از فروش در مورد سهام متعلق به دولت (به نام وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی) بایستی به حساب درآمد عمومی کشور واریز گردد.
- تبصره ۲- تفاوت قیمت دفتری سهام و بهای فروش آنها در سال فروش سهام به حساب سود و زیان همان سال شرکت مادر تخصصی ذی‌ربط منظور می‌گردد.

◀ مواد ۱۳ الی ۲۸

مواد (۱۰) الی (۱۸) و (۲۰) الی (۲۷) "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن" برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد.

🔗 ماده ۱۰

- در واگذاری سهام موضوع این فصل رعایت موارد ذیل الزامی است:
- الف - امر واگذاری در جهت تحقق اهداف برنامه باشد و خود هدف قرار نگیرد.
- ب - در چارچوب قانون اساسی صورت پذیرد.
- ج - موجب تهدید امنیت ملی و یا تزلزل حاکمیت ارزشهای اسلامی و انقلابی نگردد.
- د - به خدشه‌دار شدن حاکمیت نظام یا تضییع حق مردم و یا ایجاد انحصار نینجامد.
- ه - به استفاده از مدیریت سالم منجر شده و اداره امور را بهبود بخشد.
- و - حتی‌المقدور به توسعه مشارکت عمومی منجر شود.

۱۱ ماده ۱۱

سهام متعلق به وزارتخانه‌ها، مؤسسه‌های دولتی، شرکتهای دولتی موضوع ماده (۴) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱ و اصلاحات بعدی و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت و سایر شرکتهایی که بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) سرمایه و یا سهام آنها منفرداً یا مشترکاً متعلق به وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، شرکتهای دولتی (به استثنای بانکها و مؤسسات اعتباری و شرکتهای بیمه) و همچنین سایر شرکتهای دولتی و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت که شمول قوانین و مقررات عمومی به آنها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام است از جمله شرکت ملی نفت ایران و شرکتهای تابعه و وابسته وزارت نفت و شرکتهای تابعه آنها، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و شرکتهای تابعه و سازمان صنایع ملی ایران و شرکتهای تابعه و مرکز تهیه و توزیع کالا، همچنین سهام متعلق به دستگاههای فوق‌الذکر در شرکتهای غیر دولتی و شرکتهایی که تابع قانون خاص می‌باشند، مشمول مقررات این فصل خواهند بود.

تبصره ۱- سهام متعلق به دستگاههای مذکور در این ماده که مالکیت آنها به صورت هبه، صلح غیر معوض یا هرگونه عقد دیگری انجام شده نیز مشمول مقررات این فصل می‌شوند.

تبصره ۲- مشارکت و سرمایه‌گذاری بانکها، شرکتهای بیمه و مؤسسات اعتباری در شرکتهای، از شمول مقررات این فصل مستثنا است.

۱۲ ماده ۱۲

به منظور هماهنگی، نظارت و کنترل فرایند واگذاری و حسن اجرای مقررات این قانون «هیئت عالی واگذاری» به ریاست وزیر امور اقتصادی و دارایی تشکیل می‌گردد. دبیرخانه هیئت در وزارت امور اقتصادی و دارایی مستقر خواهد شد.

۱۳ ماده ۱۳

هیئت عالی واگذاری مرکب از هفت نفر به شرح زیر است:

- الف - وزیر امور اقتصادی و دارایی (رئیس هیئت)
- ب - رئیس سازمان برنامه و بودجه
- ج - رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
- د - وزیر وزارتخانه ذی ربط
- ه - وزیر دادگستری
- و - نمایندگان کمیسیونهای امور اقتصادی و برنامه و بودجه و محاسبات (هر کدام یک نفر) به عنوان ناظر با انتخاب مجلس

ماده ۱۴

وظایف و اختیارات هیئت عالی واگذاری به شرح زیر است:

- الف - تأیید فهرست اسامی شرکتهای قابل فروش، انحلال و ادغام، پس از اعلام اسامی مزبور از سوی وزارتخانه ذی ربط و یا وزارت امور اقتصادی و دارایی و ارائه آن به هیئت وزیران جهت تصویب، متضمن برنامه زمانبندی مورد نظر و مشخص، حسب مورد و اعلام روش فروش با توجه به وضعیت بازار.
- ب - تهیه برنامه سالانه فروش، انحلال یا ادغام شرکتهای در چارچوب مصوبات هیئت وزیران و تدوین و تبیین سیاستها و خطمشیهای اجرایی لازم.
- ج - نظارت بر فرایند واگذاری و ارائه گزارشهای نظارتی شش ماهه به رئیس جمهوری و مجلس شورای اسلامی، شامل تجزیه و تحلیلها، بررسی نقاط قوت و ضعف و بازخوردهای فرایند و راهکارهای پیش برنده.
- د - سازماندهی فعالیتهای فرهنگی - تبلیغاتی برای امر واگذاری.
- ه - پیشنهاد آیین نامه برقراری نظام اقساطی فروش سهام در موارد ضروری به هیئت وزیران.
- و - اعمال شیوههای قیمت گذاری سهام، تخفیفها و چگونگی پرداخت قیمت توسط خریداران در چارچوب آیین نامه مصوب هیئت وزیران.

ز - تصویب دستورالعمل‌های مربوط به اولویتهای فروش سهام شرکتهای قابل واگذاری، حسب پیشنهاد دبیرخانه.

ح - تصویب دستورالعمل مربوط به نحوه تنظیم قراردادهای فروش سهام و قرارداد واگذاری.

ط - تصویب ضوابط مربوط به اخذ مبلغ و یا کالای موضوع ماده (۱۸) این قانون، بنا به پیشنهاد دبیرخانه.

ی - تصویب ضوابط، ظرفیت و اعتبار، تعهد و تضمین، به منظور تسهیل امر انتخاب خریداران سهام، حسب پیشنهاد دبیرخانه.

تبصره - در موارد خاص که به دلیل مشکلات ساختار مالی و نیروی انسانی یا جذب فناوری و سرمایه امکان فروش از طریق بورس یا مزایده نباشد، فروش از طریق مذاکره مطابق آیین‌نامه‌ای که با پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید انجام می‌گردد.

وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است موارد فوق را قبل از مذاکره از طریق روزنامه‌های کثیرالانتشار به اطلاع عموم برساند.

۱۵ ماده ۱۵

دولت موظف است با تغییر اساسنامه سازمان مالی گسترش مالکیت واحدهای تولیدی نسبت به تشکیل یک سازمان خصوصی‌سازی اقدام نماید. سهام آن دسته از شرکتهایی که توسط هیئت عالی واگذاری تعیین تکلیف شده و روش فروش و برنامه زمانبندی واگذاری آنها مشخص شده است از طرف شرکتهای مادر تخصصی به منظور طی مراحل واگذاری به این سازمان وکالتاً ارائه خواهد شد.

آیین‌نامه اجرایی این ماده و تغییرات اساسنامه سازمان مذکور ظرف حداکثر سه ماه از تاریخ تصویب این قانون با پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان برنامه و بودجه به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

تبصره - مسئولیت تعیین قیمت پایه فروش سهام شرکتهایی که بر اساس مصوبه هیئت عالی واگذاری و تصویب هیئت وزیران در لیست فروش قرار می‌گیرد از زمان تصویب هیئت وزیران بر عهده وزارت امور اقتصادی و دارایی خواهد بود.

شرکتهای مادر تخصصی ذی ربط مکلفاند حداکثر ظرف دو ماه اطلاعات مالی و مدارک مورد نیاز را به سازمان خصوصی سازی تسلیم نمایند.

۱۶ ماده ۱۰

به کارگران و کارکنان واحدهای مورد واگذاری، سهام ترجیحی اعطا می گردد، همچنین دولت می تواند به سازمانها و صندوقهای بازنشستگی و کارکنان خود در ازای مطالبات آنان و با توافق آنها سهم واگذار کند.

چگونگی واگذاری سهام مطابق آیین نامه ای خواهد بود که توسط هیئت عالی واگذاری پیشنهاد و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

۱۷ ماده ۱۰

دستورالعمل نحوه تنظیم قراردادهای فروش سهام، واگذاری مدیریت و اجاره و چگونگی فسخ قراردادها به تصویب «هیئت عالی واگذاری» می رسد. هیئت مزبور باید در دستورالعمل مذکور نکات زیر را مورد توجه قرار دهد:

الف - تعیین میزان تعهدات خریدار در مورد اشتغال، برنامه تولید، تعهد سرمایه گذاری جدید، اقدامات خاص به منظور حفظ محیط زیست، اجتناب از برخی اقدامات محدود کننده تجاری و نظایر آن.

ب - نحوه اعمال تخفیفهای متقابل در قیمت سهام از طرف دولت در قبال تعهدات خریداران با توجه به آیین نامه موضوع بند "و" ماده (۱۴) این قانون.

ج - محاسبه تأثیر تعهدات مالیاتی در قیمت فروش سهام.

د - تعیین شرایط فسخ قرارداد در متن قرارداد، برای طرفین.

ه - محاسبه تأثیر ضوابط، ظرفیت و اعتبار و تعهد و تضمین در امر انتخاب خریداران.

۱۸ ماده ۱۰

دولت می‌تواند با رعایت اصول چهل و سوم (۴۳) و چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی، شرکتهای صنعتی یا کشاورزی یا خدماتی و امثال آنها و اموالی را که به صورت اموال عمومی در اختیار دارد، در قبال دریافت وجه نقد و یا کالا با حفظ سایر حقوق مالکیت و با رعایت موارد زیر به صورت اجاره از طریق مزایده در اختیار شرکتهای تعاونی و یا بخش خصوصی قرار دهد:

الف - طبق قرارداد بابت استهلاک یا بازسازی یا نگهداری یا توسعه شرکتهای موصوف سالانه مبلغی نقد و یا کالا دریافت کند.

ب - به هنگام واگذاری شرکتهای فوق یا سایر امکانات موضوع این ماده، مقرراتی را به عنوان شرایط الزامی مقرر دارد و طرف قرارداد را به رعایت سیاستهای دولت در قیمت‌گذاری و برنامه‌ریزی تولید و توزیع و تأمین منافع عمومی ملزم کند.

ج - واگذاری مدیریت شرکتهای دولتی به بخشهای غیر دولتی به شرطی مجاز است که شخص حقیقی یا حقوقی که مدیریت را به عهده گرفته است، انجام کار را خود در طول مدت قرارداد عهده‌دار بوده و به شرکتهای و اشخاص دیگری منتقل ننماید. متخلفین به سلب امتیاز واگذاری و محکومیت تصرف در اموال عمومی مجازات می‌شوند.

د - در واگذاری شرکتهای فوق یا سایر امکانات موضوع این ماده، چنانچه کارکنان واجد شرایط شرکتهای مذکور مبادرت به تشکیل شرکت تعاونی نمایند، تعاونی کارکنان شرکت ذی‌ربط در اولویت خواهد بود.

تبصره - نحوه تعیین مبلغ نقد و یا کالای موضوع این ماده طبق ضوابطی خواهد بود که توسط (هیئت عالی واگذاری) تصویب و ابلاغ خواهد شد.

۵ ماده ۲۰

رسیدگی، اظهار نظر و اتخاذ تصمیم در مورد شکایت اشخاص حقیقی و حقوقی از هر یک از تصمیمها در امر واگذاری در صلاحیت هیئت داوری است و این موضوع در قراردادهای تنظیمی واگذاری سهام قید می‌شود و به امضای طرفین قرارداد می‌رسد.

۵ ماده ۲۱

هیئت داوری موضوع ماده (۲۰) این قانون مرکب از هفت نفر به شرح زیر است:

- ۱- پنج نفر از متخصصان امور اقتصادی، مالی، بازرگانی، فنی و حقوقی، به پیشنهاد مشترک وزیر امور اقتصادی و دارایی، وزیر دادگستری و رئیس سازمان برنامه و بودجه و تصویب هیئت وزیران برای مدت شش سال.
 - ۲- رئیس اتاق تعاون.
 - ۳- رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن جمهوری اسلامی ایران.
- این هیئت در مورد شکایات و اختلافات مربوط به واگذاری، رسیدگی و تصمیم‌گیری خواهد کرد. نحوه تشکیل جلسات هیئت و چگونگی اتخاذ تصمیم آن بر اساس آیین‌نامه‌ای است که به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

۵ ماده ۲۲

جلسات هیئت داوری با حضور حداقل پنج نفر از اعضاء رسمیت خواهد یافت و تصمیم‌های آن با رأی اکثریت اعضای حاضر در جلسه دارای اعتبار قانونی است (نظر اقلیت نیز باید در صورت مجلس قید و به امضاء برسد).

۲۳ ماده ۱۱

رای هیئت داورى پس از ده روز از تاریخ ابلاغ به طرفین، قطعی و لازم‌الاجراست و چنانچه طی مدت مذکور و پس از انقضاء مدت مذکور صرفاً در صورت وجود عذر موجه برای تأخیر یکی از طرفین نسبت به رأی صادره اعتراض داشته باشد باید اعتراض خود را کتباً به دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد تقدیم نماید. شعبه خاصی که توسط رئیس قوه قضاییه تعیین خواهد شد خارج از نوبت به اعتراض رسیدگی و رأی مقتضی صادر می‌نماید. رأی صادره قطعی و لازم‌الاجراست.

۲۴ ماده ۱۱

دولت مکلف است مسئولیت مدنی، محکومیت جزائی مالی و قابل خرید، محکومیت به جبران ضرر و زیان ناشی از جرم و هر محکومیت قابل خرید دیگر مسئولان و مجریان امر واگذاری را در قبال خطاهای غیر عمدی آنان به مناسبت واگذاری، چه به عنوان مسئولیت جمعی و چه به عنوان مسئولیت انفرادی، به هزینه خود به گونه‌ای بیمه کند که بیمه‌گر کلیه هزینه‌ها و مخارجی را که هر یک از مسئولان و مجریان امر واگذاری، تحت هر یک از عناوین موصوف فوق ملزم به پرداخت آن می‌شوند، بپردازد.

۲۵ ماده ۱۱

پرداخت هرگونه غرامت، خسارت و نظایر آن که مربوط به دوران پیش از فروش سهام شرکتهای ملی یا مصادره شده به بخش خصوصی یا تعاونی است، از تاریخ فروش سهام بر عهده شرکت مادر خواهد بود. تبصره - تأدیه سایر بدهیهای شرکت مورد واگذاری، به عهده خود شرکت است.

۲۶ ماده ۱۱

سهامی که در اجرای این قانون فروخته می‌شود و یا بین دستگاههای اجرایی نقل و انتقال می‌یابد از شمول مالیات نقل و انتقال معاف است. همچنین پرداخت مالیات عملکرد شرکتهای فروخته شده که صددرصد (۱۰۰٪) سهام آنها متعلق به دولت (اعم از وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی) و شرکتهای دولتی

است تا پایان سال مالی قبل از فروش، اعم از قطعی شده یا قطعی نشده به عهده دولت یا دستگاه اجرایی واگذارنده حسب مورد است.

۵ ماده ۲۷

آن دسته از کارکنان شرکتهای دولتی که از نظر مقررات بازنشستگی تابع صندوقهای خاص بازنشستگی وابسته به وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکتهای دولتی هستند و ارتباط استخدامی آنها با دستگاه اجرایی ذی‌ربط، در اجرای سیاستهای فروش سهام، قطع می‌گردد، می‌توانند در صورت ادامه اشتغال در واحدهای فروخته شده به بخش خصوصی یا تعاونی و رعایت ضوابط پرداخت حق بیمه مقرر به تفکیک سهم بیمه شده و کارفرما، همچنان تابع مقررات صندوق بازنشستگی مربوط باشند.

تبصره - کلیه قوانین و مقررات مربوط به کسر حق بیمه و اختیارات سازمان تأمین اجتماعی در امر دریافت حق بیمه و اخذ جرائم ناشی از دیرکرد پرداخت حق بیمه، از جمله مواد (۴۹) و (۵۰) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ نسبت به افراد و صندوقهای فوق نافذ خواهد بود.

۴۴ ماده ۲۹

الف- دولت مکلف است، تا پایان سال اول برنامه چهارم، به منظور سامان دادن کارآمد نظام پولی و بانکی کشور، جهت رشد و توسعه پایدار کشور، نسبت به اصلاح کلیه قوانین و مقررات پولی و بانکی و بیمه‌ای و دیگر قوانین مرتبط با این امور، در راستای مقتضیات ملی و بین‌المللی اقدام نماید.

ب- از ابتدای برنامه چهارم، هر گونه سهمیه‌بندی تسهیلات بانکی (تفکیک بخشهای مختلف اقتصادی و منطقه‌ای) و اولویتهای مربوط به بخشها و مناطق، با تصویب هیئت وزیران، از طریق تشویق سیستم بانکی، با استفاده از یارانه نقدی و وجوه اداره شده، صورت می‌گیرد.

ج- نرخ سود تسهیلات بانکی برای کلیه مناطق، بخشهای مختلف اقتصادی، و یا اشخاص حقیقی و حقوقی در طول برنامه چهارم، در چارچوب سیاستهای پولی مصوب شورای پول و اعتبار که در

اختیار هر بانک می‌باشد و اعمال اولویت توسط دولت، صرفاً از طریق پرداخت یارانه نقدی و وجوه اداره شده، صورت خواهد گرفت.

د- دولت مکلف است:

۱- بدهی خود را به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، طی برنامه چهارم، به میزان سالانه حداقل ده درصد (۱۰٪) کاهش دهد.

۲- بدهی خود را به بانکها طی برنامه چهارم، تسویه نماید. چگونگی بازپرداخت بدهیهای دولت به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و بانکها بر اساس آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، پیشنهاد گردیده و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ه- در طول سالهای برنامه چهارم، حداقل بیست و پنج درصد (۲۵٪) از تسهیلات اعطایی کلیه بانکهای کشور را با هماهنگی دستگاههای اجرایی ذی‌ربط به بخش آب و کشاورزی اختصاص دهد.

و- افزایش در مانده تسهیلات تکلیفی بانکها طی سالهای برنامه چهارم، به طور متوسط سالانه بیست درصد (۲۰٪)، نسبت به رقم مصوب سال ۱۳۸۳ کاهش می‌یابد.

ز- از سال اول برنامه چهارم، نسبت به برقراری نظام بانکداری الکترونیکی و پیاده‌سازی رویه‌های تبادل پول و خدمات بانکی الکترونیکی ملی و بین‌المللی در کلیه بانکهای کشور و برای همه مشتریان اقدام نماید.

ح- تا بالفعل شدن موضوع بند "ه" فوق‌الذکر، در جهت ایجاد فضای رقابتی سالم و به دور از انحصار در سیستم بانکی کشور، و به منظور اقتصادی نمودن فعالیت بنگاهها، مؤسسات و سازمانهای دولتی و دیگر نهادهای عمومی و شهرداریها، برای دریافت خدمات بانکی بنگاههای مذکور بتوانند بانک عامل را رأساً انتخاب نمایند.

تبصره ۱- انتخاب بانک عامل توسط ارگانهای موضوع این بند، در مورد آن بخش از وجوهات آنها که از محل بودجه عمومی دولت تأمین می‌گردد، منوط به کسب موافقت وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بر حسب مورد خواهد بود.

تبصره ۲- سپرده‌های دستگاههای اجرایی موضوع ماده (۱۲) "قانون پولی و بانکی کشور، مصوب سال ۱۳۵۱" به عنوان سپرده بانک عامل موضوع این بند تلقی نمی‌شود و بایستی طبق مقررات قانون یاد شده در حسابهای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران منعکس گردد.

ط- تا محقق شدن موضوع بند "ه" فوق‌الذکر ترکیب مجمع عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران عبارت است از:

رئیس جمهور (ریاست مجمع)، وزیر امور اقتصادی و دارایی، رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، وزیر بازرگانی و یک نفر از وزرا به انتخاب هیئت وزیران
رئیس کل بانک مرکزی بعد از تأیید مجمع عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران رأساً توسط رئیس جمهور منصوب می‌گردد.

تبصره ۱- رئیس کل بانک مرکزی بعد از تأیید مجمع عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران رأساً توسط رئیس جمهور منصوب می‌گردد.

تبصره ۲- قائم مقام بانک مرکزی به پیشنهاد رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و پس از تأیید هیئت وزیران با حکم رئیس جمهور منصوب می‌شود.

ی- ترکیب اعضای شورای پول و اعتبار به شرح ذیل اصلاح می‌گردد:

- وزیر امور اقتصادی و دارایی یا معاون وی

- رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

- رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور یا معاون وی

- دو تن از وزرا به انتخاب هیئت وزیران

- وزیر بازرگانی

- دو نفر کارشناس و متخصص پولی و بانکی به پیشنهاد رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و تأیید ریاست جمهوری
- دادستان کل کشور یا معاون وی
- رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن
- رئیس اتاق تعاون
- نمایندگان کمیسیونهای "امور اقتصادی" و "برنامه و بودجه و محاسبات" (هر کدام یک نفر) به عنوان ناظر با انتخاب مجلس

تبصره ۱- ضوابط اجرایی این ماده شامل نحوه تشکیل جلسات و چگونگی اتخاذ تصمیمات با پیشنهاد رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، و تصویب شورای پول و اعتبار به مرحله اجرا گذارده خواهد شد.

تبصره ۲- ریاست شورا بر عهده رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

ک- به منظور تأمین ساختار مالی مناسب در بانکها و فراهم آوردن امکان حضور مستمر بانکها در بازارهای مالی بین‌المللی همواره باید استانداردها و الزامات بین‌المللی در مورد نسبت کفایت سرمایه بانکها در حدی که شورای پول و اعتبار تعیین می‌کند رعایت شود. بدین منظور پس از تسویه کامل اصل و سود اوراق مشارکت ویژه موضوع ماده (۹۳) "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷" و تا زمانی که نسبت کفایت سرمایه هر یک از بانکهای دولتی کمتر از حداقل تعیین شده توسط شورای پول و اعتبار است، همه ساله مبلغی معادل درآمد دولت از محل مالیات و سهم سود دولت در آن بانک تخصیص یافته تلقی شده و بلافاصله پس از واریز به حساب خزانه‌داری کل عیناً به منظور افزایش سرمایه دولت به حساب آن بانک واریز خواهد شد. چنانچه این وجوه برای تأمین حداقل فوق کافی نباشد، مابه‌التفاوت از طریق واریز وجوه حاصل از فروش سهام و یا حق تقدم سهام بانکها به حساب سرمایه بانکها و یا منظور نمودن اعتبار لازم در بودجه سنواتی دولت تأمین خواهد شد.

ل- اشتغال به عملیات بانکی توسط اشخاص حقیقی و حقوقی تحت هر عنوان، و تأسیس و ثبت هر گونه تشکل برای انجام عملیات بانکی، بدون دریافت مجوز از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ممنوع است. تعریف و تشخیص عملیات بانکی بر عهده شورای پول و اعتبار است. ضوابط، مقررات و شرایط ناظر بر تأسیس، فعالیت و نظارت بر مؤسساتی که مجاز به انجام عملیات بانکی می‌باشند، بر اساس قوانین پولی و بانکی توسط شورای پول و اعتبار تعیین خواهد شد. تشکلهای و مؤسسات فعال در عملیات بانکی دارای مجوز فعالیت از سایر دستگاهها، می‌باید ظرف مدت شش ماه از تاریخ اجرای این لایحه وضعیت خود را با الزامات تعیین شده در این لایحه و مصوبات شورای پول و اعتبار انطباق دهند.

م- به منظور توسعه همکاری بین بانکها، تقویت و گسترش خدمات بین بانکها، مؤسسه‌ای به نام "انجمن بانکداران ایران" تشکیل می‌شود. این مؤسسه غیر انتفاعی، خصوصی و دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی بوده و در چارچوب اساسنامه‌ای که به تأیید شورای پول و اعتبار می‌رسد، فعالیت خواهد کرد. کلیه بانکها عضو انجمن بانکداران هستند و عضویت مؤسسات اعتباری غیربانکی، موکول به موافقت قبلی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است.

ن- به منظور اجرای سیاستهای پولی به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود که از ابزار اوراق مشارکت و سایر ابزارهای مشابه با تصویب شورای پول و اعتبار استفاده نماید.

س- شعب بانکها و مؤسسات اعتباری خارجی می‌تواند در ایران تأسیس شود و در چارچوب "قانون پولی و بانکی، و قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲/۶/۸" فعالیت نماید. مجوز تأسیس و فعالیت این شعب توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران صادر خواهد شد.

ع- به منظور حفظ اعتماد عمومی به نظام بانکی، نظام بیمه سپرده‌ها ایجاد می‌شود. وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف است تا پایان سال اول برنامه چهارم، لایحه مربوطه را تهیه نماید.

ف- شورای پول و اعتبار مکلف است، در تنظیم سیاستها و ضوابط و مقررات پولی و اعتباری، جبران کاهش ارزش سپرده‌ها و منابع مردم را پیش‌بینی و ملحوظ نماید، به نحوی که بازپرداخت تسهیلات، منجر به کاهش ارزش دارایی و سرمایه قرض دهنده نشود.

◀ ماده ۳۰ الی ۳۳

مواد (۶۵)، (۶۷) و (۹۶) "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن" برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد.

🔗 ماده ۶۵

به دولت اجازه داده می‌شود در تنظیم لوایح بودجه سالانه، پرداخت بخشی از اعتبارات طرح‌های عمرانی انتفاعی را در قالب تسهیلات و کمک‌های مالی و فنی، توسط بانک‌های تخصصی و توسعه‌ای از طریق وجوه اداره شده یا دیگر روش‌های مرسوم در نظام بانکی، منظور کند. وجوه برگشت شده طرح‌های انتفاعی، موضوع ماده (۳۲) قانون برنامه و بودجه مصوب ۱۳۵۱ نیز با ساز و کار فوق به سایر طرح‌های انتفاعی اختصاص می‌یابد.

🔗 ماده ۶۷

به وزارتخانه‌های صنایع، معادن و فلزات، نیرو و نفت اجازه داده می‌شود حسب مورد به منظور سرمایه‌گذاری‌های مولد و اعطای کمک‌های مالی و فناوری برای ارتقاء سطح طراحی، مهندسی ساخت تجهیزات، نمونه‌سازی ماشین‌آلات، مطالعات و عملیات اکتشافی و معدنی به طرح‌های مورد تأیید در بخش ذی‌ربط از محل بودجه عمومی در قالب وجوه اداره شده نزد بانکها نسبت به تأمین تسهیلات اعتباری اقدام کرده و مابه‌التفاوت نرخ سود تسهیلات مذکور را پرداخت کنند. میزان وجوه اداره شده مذکور شامل اعتبار مربوط به پرداخت مابه‌التفاوت نرخ سود در قانون بودجه هر سال تعیین می‌گردد. در صورت لزوم بخشی از نیازهای اعتباری طرح‌های مذکور که از محل بودجه عمومی دولت تأمین می‌شود، می‌تواند به عنوان کمک بلاعوض تلقی گردد. عناوین و سهم حمایت دولت در قالب کمک بلاعوض و یارانه سود انتظاری در طرح‌های مشمول دریافت این کمک توسط کمیته‌ای مرکب از وزارتخانه‌های ذی‌ربط و سازمان برنامه و بودجه تعیین خواهد شد. مبالغ دریافتی از بابت بازپرداخت اقساط تسهیلاتی که از محل بودجه عمومی تأمین شده مجدداً به روش فوق‌الذکر مورد استفاده قرار می‌گیرد. مانده وجوه

فوق‌الذکر در آخر برنامه و نیز اقساط بازپرداخت شده از محل تسهیلات مذکور پس از برنامه به حساب افزایش سرمایه بانکهای تخصصی منظور و معادل آن از بدهی دولت به نظام بانکی کسر خواهد شد.

۹۶ ماده ۱۱

به دولت اجازه داده می‌شود آیین‌نامه‌ها و ضوابط مالی، اداری، استخدامی و انضباطی خاص صنعت بیمه را در چارچوب اساسنامه‌های خاص آنها در جهت توسعه و بهبود کیفیت خدمات و رقابتی کردن فعالیت صنعت بیمه، با پیشنهاد مشترک سازمان امور اداری و استخدامی کشور و مجمع عمومی شرکتهای بیمه و بیمه مرکزی ایران به تصویب رسانده و اجرا نماید.

۳۴ ماده ۴۴

الف- به منظور تنظیم تعهدات ارزی کشور، دستگاههای موضوع ماده (۲۴۷) این لایحه، ملزم به رعایت موارد ذیل هستند:

۱- عملیات و معاملات ارزی خود را از طریق حسابهای ارزی که در بانکهای داخل یا خارج، با تأیید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران افتتاح کرده یا می‌کنند، انجام دهند. بانکهای عامل ایرانی مکلف‌اند، خدمات مورد نیاز آنها را در سطح استانداردهای بین‌المللی تأمین نمایند.

۲- فهرست کلیه حسابهای ارزی جدید خارج از کشور خود را به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام نمایند، تا پس از تأیید، ادامه فعالیت آنها مؤثر گردد.

ب- دولت موظف است:

۱- زمانبندی بازپرداخت بدهیها و تعهدات، اعم از میان‌مدت و کوتاه مدت خارجی را به گونه‌ای تنظیم نماید که بازپرداختهای سالانه این بدهیها و تعهدات، بدون در نظر گرفتن تعهدات ناشی از بیع متقابل، در پایان برنامه چهارم، از سی درصد (۳۰٪) درآمدهای ارزی دولت در

سال آخر برنامه چهارم، تجاوز نکند. در استفاده از تسهیلات خارجی، اولویت با تسهیلات بلندمدت خواهد بود.

۲- میزان تعهدات و بدهیهای خارجی کشور در سالهای برنامه چهارم را به گونه‌ای تنظیم نماید، تا ارزش حال خالص بدهیها و تعهدات کشور، بدون تعهدات ناشی از بیع متقابل (مابه‌التفاوت ارزش حال بدهیها، تعهدات کشور و ذخایر ارزی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران) در سال آخر برنامه چهارم بیش از سی میلیارد (۳۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار نباشد.

ج- در مورد طرحهای سرمایه‌گذاری، دستگاههای اجرایی و شرکتهای دولتی که از تسهیلات مالی خارجی استفاده می‌کنند، موظف به رعایت موارد ذیل خواهند بود:

۱- تمامی طرحها با مسئولیت وزیر و یا بالاترین مقام اجرایی دستگاه ذی‌ربط و تأیید شورای اقتصاد، باید دارای توجیه فنی، اقتصادی و مالی باشند و مجموع هزینه‌های اجرای کامل آنها از سقفهای تعیین شده تجاوز نکند. تعیین زمانبندی دریافت و بازپرداخت تسهیلات هر طرح و میزان استفاده آن از ساخت داخل با توجه به ظرفیتهای، امکانات و تواناییهای داخلی و با رعایت قانون "حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی، تولیدی، صنعتی و اجرایی کشور در اجرای پروژه‌ها و ایجاد تسهیلات به منظور صدور خدمات مصوب ۱۳۷۵/۱۲/۱۲" و نیز رعایت شرایط زیست‌محیطی در اجرای هر یک از طرحها باید به تصویب شورای اقتصاد برسد.

۲- قبل از عقد قرارداد، با ارائه توجیهات فنی و اقتصادی، با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موافقت‌نامه مبادله کنند.

د- تمامی معاملات و قراردادهای خارجی، که بیش از یک میلیون (۱/۰۰۰/۰۰۰) دلار باشد، با رعایت قانون "حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی، تولیدی، صنعتی و اجرایی کشور در اجرای پروژه‌ها و ایجاد تسهیلات به منظور صدور خدمات مصوب ۱۳۷۵/۱۲/۱۲"، تنها از طریق مناقصه محدود و یا بین‌المللی (با درج آگهی در روزنامه‌های کثیرالانتشار و رسانه‌های الکترونیکی داخلی و خارجی) انجام، و منعقد نمایند. موارد استثنا به تأیید شورای اقتصاد خواهد رسید.

در کلیه مناقصه‌ها، حق کنترل و بازرسی کمی و کیفی و کنترل قیمت برای کلیه کالاهای وارداتی و پروژه‌ها برای خریدار محفوظ است. وزیر یا بالاترین مقام اجرایی ذی‌ربط، مسئول حسن اجرای این موضوع می‌باشد.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران فقط مجاز به تعهد یا پرداخت معاملات و قراردادهایی است که تأیید بالاترین مقام دستگاههای اجرایی، مبنی بر رعایت مفاد این بند را داشته باشد.

هـ- دولت مکلف است، همراه با لوائح بودجه سالانه، جداول دریافت و پرداختهای ارزی را برای سالهای باقیمانده از برنامه چهارم ارائه نماید.

◀ ماده ۳۵

الف- دولت موظف است، طرحهای بیع متقابل دستگاههای موضوع ماده (۲۴۷) این لایحه و همچنین مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی و بانکها را در لوائح بودجه سالیانه پیش‌بینی، و به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید.

ب- به منظور افزایش ظرفیت تولید نفت، و حفظ و ارتقای سهمیه ایران در تولید اوپک، تشویق و حمایت از جذب سرمایه‌ها و منابع خارجی در فعالیتهای بالادستی نفت و گاز به ویژه در میداین مشترک و طرحهای اکتشافی کشور، اطمینان از حفظ و صیانت هر چه بیشتر با افزایش ضریب بازیافت از مخازن نفت و گاز کشور، انتقال و به‌کارگیری فناوریهای جدید در توسعه و بهره‌برداری از میداین نفتی و گازی، و امکان استفاده از روشهای مختلف قراردادی بین‌المللی، به شرکت ملی نفت ایران اجازه داده می‌شود تا سقف تولید اضافی مندرج در بند "ح" این ماده نسبت به انعقاد قراردادهای اکتشاف و توسعه میدانها با تأمین منابع مالی با طرفهای خارجی یا شرکتهای صاحب صلاحیت داخلی، متناسب با شرایط هر میدان با رعایت اصول و شرایط ذیل اقدام نماید:

- ۱- حفظ حاکمیت و اعمال تصرفات مالکانه دولت، بر منابع نفت و گاز کشور
- ۲- عدم تضمین بازگشت تعهدات ایجاد شده توسط دولت، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

و بانکهای دولتی

۳- منوط کردن بازپرداخت اصل سرمایه، حق الزحمه و یا سود، ریسک و هزینه‌های تأمین منابع مالی و سایر هزینه‌های جنبی ایجاد شده، جهت اجرای طرح از طریق تخصیص بخشی از محصولات میدان و یا عواید آن، بر پایه قیمت روز فروش محصول

۴- پذیرش خطرات و ریسک عدم دستیابی به اهداف مورد نظر قراردادی، غیر اقتصادی بودن میدان و یا ناکافی بودن محصول میدان برای استهلاک تعهدات مالی ایجاد شده توسط طرف قرارداد

۵- تعیین نرخ بازگشت سرمایه‌گذاری برای طرف قرارداد، متناسب با شرایط هر طرح و با رعایت ایجاد انگیزه برای به‌کارگیری روشهای بهینه در اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری

۶- تضمین برداشت صیانتی از مخازن نفت و گاز در طول دوره قرارداد

۷- حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی، تولیدی، صنعتی و اجرایی کشور

۸- رعایت مقررات و ملاحظات زیست‌محیطی

ج- به شرکت ملی نفت ایران اجازه داده می‌شود، که برای توسعه میدانهای نفت و گاز تا سقف تولید اضافی روزانه یک میلیون بشکه نفت خام، و ۲۵۰ میلیون متر مکعب گاز طبیعی، با اولویت میداین مشترک، پس از تصویب توجیه فنی و اقتصادی طرحها در شورای اقتصاد، و مبادله موافقتنامه با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، اقدام نماید و بازپرداخت تعهدات ایجاد شده را در هر یک از طرحهای نفتی، صرفاً از محل تولیدات اضافی همان طرح، و در مورد طرحهای گازی از محل تولیدات اضافی همان طرح (منابع داخلی شرکت ملی نفت ایران) انجام دهد.

د- به شرکت ملی نفت ایران اجازه داده می‌شود، به منظور جمع‌آوری گازهای همراه و تزریق گاز، نوسازی و بهینه‌سازی تأسیسات نفتی، تبدیل گاز طبیعی به فرآورده‌های مایع (DME, GTL, LNG, ...)، تأسیسات پالایش و بهینه‌سازی مصرف سوخت شامل طرحهای توسعه گاز رسانی، نسبت به اجرای طرحهای مربوطه پس از تصویب توجیه فنی - اقتصادی طرحها در شورای اقتصاد، و مبادله موافقتنامه با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور اقدام نماید، و بازپرداخت تعهدات ایجاد شده را از محل تولیدات اضافی همان طرحها (منابع داخلی شرکت ملی نفت ایران) انجام دهد.

هـ- به شرکت ملی نفت ایران اجازه داده می‌شود، به منظور شناسایی و اکتشاف هر چه بیشتر منابع نفت و گاز در سراسر کشور، و نیز انتقال و به‌کارگیری فناوریهای جدید در عملیات اکتشافی، پس از کسب مجوز موردی از وزارت نفت در کلیه مناطق کشور (به استثنای استانهای خوزستان، بوشهر و کهگیلویه و بویراحمد) که عملیات اکتشافی مربوط با ریسک پیمانکار انجام، و منجر به کشف میدان قابل تولید تجاری شود، در قالب ارقام مذکور در بند "ح" این ماده پس از تصویب شورای اقتصاد، و مبادله موافقتنامه با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، مرحله توسعه را به دنبال مرحله اکتشاف و از طریق عقد قرارداد با همان پیمانکار آغاز نماید. هزینه‌های اکتشافی (مستقیم و غیر مستقیم) در قالب قراردادی که برای توسعه میدان منعقد می‌شود منظور، و به همراه هزینه‌های توسعه از محل فروش محصولات تولیدی همان میدان (منابع داخلی شرکت ملی نفت ایران) بازپرداخت خواهد شد. مجوزهای اکتشاف صادره، دارای زمان محدود بوده که در هر مورد توسط وزارت نفت تعیین شده و یک بار نیز قابل تمدید می‌باشد.

در صورتی که در پایان مرحله اکتشاف، میدان تجاری در هیچ نقطه‌ای از منطقه کشف نشده باشد، قرارداد اکتشافی خاتمه خواهد یافت و طرف قرارداد حق مطالبه هیچ گونه وجهی را نخواهد داشت.

و- آیین‌نامه اجرایی این ماده با پیشنهاد مشترک سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

۳۶ ماده

الف- شورای بورس مکلف است، اقدامهای ذیل را در طول سالهای برنامه چهارم به عمل آورد:

- ۱- گسترش جغرافیایی بورس از طریق راه کارهای مناسب از جمله راه اندازی تالارهای منطقه‌ای، ایجاد شبکه کارگزاری و پذیرش کارگزاران محلی
- ۲- ایجاد و گسترش بازارهای تخصصی (بورس کالا)
- ۳- ایجاد بازارهای اوراق بهادار خارج از بورس

۴- برقراری ارتباط با بورسهای منطقه‌ای و جهانی به منظور مبادله اطلاعات و پذیرش متقابل اوراق بهادار

ب- شورای بورس موظف است، نسبت به طراحی و راه‌اندازی شبکه ملی داد و ستد الکترونیک اوراق بهادار در چارچوب نظام جامع پرداخت و تدوین چارچوب تنظیمی و نظارتی و ساز و کار اجرایی آن اقدام نماید.

ج- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف‌اند، با طراحی و تدوین چارچوب تنظیمی و نظارتی و ساز و کار اجرایی لازم، امکان سرمایه‌گذاری خارجیان در بازار سرمایه کشور و بین‌المللی کردن بورس اوراق بهادار تهران را فراهم آورند.

آیین‌نامه اجرایی این ماده به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

◀ ماده ۳۷

الف- دولت مجاز است، سهام شرکتهای بیمه تجاری را پس از اصلاح ساختار، براساس برنامه زمانبندی مشخص و طبق آیین‌نامه‌ای که به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، به بخش خصوصی یا تعاونی واگذار نماید.

ب- مؤسسات بیمه خارجی می‌توانند در ایران شعبه و نمایندگی تاسیس نموده و در چارچوب "قانون تاسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری مصوب سال ۱۳۵۰ و اصلاحیه‌های بعدی آن" و رعایت بند "۱" ماده (۹۸) آن فعالیت نمایند. مجوز تاسیس و فعالیت این شعب و نمایندگیها توسط بیمه مرکزی ایران پس از تصویب شورای عالی بیمه صادر خواهد شد.

◀ ماده ۳۸

دولت مکلف است، نظر به جایگاه محوری آب در توسعه کشور، منابع آب کشور را با نگرش مدیریت جامع و توأمان عرضه و تقاضا در کل چرخه آب با رویکرد توسعه پایدار در واحدهای طبیعی حوزه‌های

آبریز با لحاظ نمودن ارزش اقتصادی آب، آگاه‌سازی عمومی و مشارکت مردم به گونه‌ای برنامه‌ریزی و مدیریت نماید که هدفهای زیر تحقق یابد:

الف- محدودیت کمی و کیفی، توزیع مکانی و زمانی منابع آب، در تهیه طرحهای توسعه کالبدی و آمایش سرزمین، در محدوده حوزه‌های آبریز لحاظ گردد.

ب- در برنامه‌های توسعه استانی، محدوده‌های حوزه‌های آبریز، به عنوان قلمرو مؤثر در برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی و اجتماعی مورد توجه قرار گیرد.

ج- میزان استحصال از آبهای زیرزمینی، در دشتهایی که دارای بیلان منفی هستند، از میزان فعلی تجاوز ننماید و با اقدامهای سازه‌ای و غیرسازه‌ای، سفره‌های بحرانی بهبود یافته و به تعادل برسند.

د- سهم بهره‌برداری از منابع آب سطحی نسبت به منابع آب زیرزمینی، افزایش یافته و حداقل نیاز محیطهای طبیعی آبی به طور پایدار تأمین گردد.

ه- با اصلاح ساختار مصرف آب و استقرار نظام بهره‌برداری مناسب و با استفاده از روشهای نوین آبیاری و کم آبیاری، راندمان آبیاری و به تبع آن کارایی آب به ازای یک متر مکعب آب افزایش یافته و با اختصاص به محصولات با ارزش اقتصادی بالا و استفاده بهینه از آن، سهم مصارف آب در بخش کشاورزی کاهش یابد.

و- ارزش اقتصادی آب، در هر یک از حوزه‌های آبریز، با لحاظ ارزش ذاتی و سرمایه‌گذاری، برای بهره‌برداری، حفاظت و بازیافت در برنامه‌های بخشهای مصرف منظور گردد.

ز- در جهت تمرکززدایی در برنامه‌ریزی، بهره‌برداری و حفاظت کمی و کیفی منابع آب، نقش مشارکت مردم و سازمانهای محلی در حوزه‌های آبریز تقویت شود.

ح- به منظور تسریع در اجرای طرحهای جدید استحصال، تنظیم، انتقال و استفاده حداکثر از آبهای رودخانه‌های مرزی و منابع آب مشترک، دولت موظف است، علاوه بر اعتبارات فصل منابع آب، سالانه دو درصد (۲٪) از مجموع اعتبارات طرحهای تملک دارایی‌های سرمایه‌ای بودجه عمومی را در لویح بودجه سنواتی تحت برنامه مستقل منظور و در چارچوب موافقتنامه‌های متبادله بین

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت نیرو برای اجرای طرحهای مذکور به صورت صد درصد (۱۰۰٪) تخصیص یافته، هزینه گردد.

ط- فروش آب به کشورهای همجوار، با رعایت منافع ملی و توجیه‌های فنی، اقتصادی و اجتماعی و زیست‌محیطی، بر اساس طرح جامع آب کشور به عمل آید.

ی- مدیریت پایش منابع آب، با تکمیل شبکه‌های اندازه‌گیری کمی و کیفی منابع و مصارف آب و ساماندهی اطلاعات پایه منابع آب، ارتقا یابد.

ک- فرهنگ صحیح و منطقی مصرف آب، از طریق تدوین الگوی مصرف بهینه آب، اصلاح تعرفه‌ها برای مشترکین پرمصرف، زمینه‌سازی برای نصب کنتورهای جداگانه برای کلیه واحدهای مسکونی و اجرای طرحهای مدیریت مصرف آب در شهرها و روستاهای کشور گسترش یابد.

ل- برای تداوم اجرای احکام تبصره (۷۶) قانون برنامه دوم توسعه و ماده (۱۰۶) قانون برنامه سوم توسعه و به منظور گسترش سرمایه‌گذاری، با اولویت در طرحهای شبکه‌های آبیاری، زهکشی و طرحهای کوچک تأمین آب، که دارای توجیه فنی و اقتصادی هستند، منابع عمومی با منابع بانک کشاورزی و بهره‌برداران تلفیق می‌گردد. در آیین‌نامه اجرایی این بند که به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، چگونگی تعیین عناوین و سهم حمایت دولت مشخص می‌گردد.

م- هماهنگی زمانی در تهیه و اجرای طرحهای مکمل تأمین آب نظیر شبکه‌های آبیاری و زهکشی در پایین‌دست و طرحهای آبخیزداری در بالادست سدهای مخزنی

ن- برنامه‌ریزی و ساماندهی استفاده از آبهای شور و لب‌شور و غیر متعارف و بازچرخانی پساب‌ها در چرخه مصرف

س- تهیه و تدوین برنامه‌های اجرایی مدیریت خشکسالی و سیلاب

◀ ماده ۳۹

دولت موظف است، برنامه توسعه بخش کشاورزی را مشتمل بر محورهای زیر با رویکرد توسعه پایدار، خودکفایی در تولید محصولات اساسی کشاورزی و تأمین امنیت و ایمنی غذایی، ظرف شش ماه پس از تصویب این لایحه تهیه و از سال اول برنامه چهارم، به مرحله اجرا در آورد:

الف- نگرش سیستمی به منابع آب و خاک کشور و مدیریت حوزه‌های آبریز، با تأکید بر اجرای عملیات آبخیزداری و توسعه باغات در اراضی شیب‌دار، جلوگیری از تغییر کاربری اراضی با مکانیزاسیون، یکپارچه‌سازی، تجهیز و نوسازی اراضی در ابعاد فنی و اقتصادی، گسترش زیربنای کشاورزی نوین و مجتمع‌های دامپروری، پرورش طیور و آبزیان، ارتقای کمی و کیفی محصولات کشاورزی، مطابق با ارقام سبب مطلوب غذایی، ظرفیت‌سازی برای ذخیره‌سازی محصولات اساسی

ب- اجرای سیاست‌های حمایتی، در زمینه‌های بیمه محصولات کشاورزی و عوامل تولید، خرید تضمینی و هدفمند کردن یارانه‌ها در راستای افزایش تولید

ج- استفاده مؤثر از عوامل سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در فرایند تولید، ایجاد انگیزه برای جذب نیروی کار متخصص، از طریق تکمیل نظام جامع ترویج و آموزش بهره‌برداران، با گرایش به استفاده از خدمات فنی بخش خصوصی، توسعه پژوهش‌های کاربردی، بومی کردن تجربیات و ظرفیتهای جهانی با بهره‌گیری از فناوریهای نوین از قبیل فناوریهای زیستی

د- تلفیق بودجه عمومی (به صورت وجوه اداره شده) با منابع نظام بانکی و منابع حاصل از مشارکت تولید کنندگان، به منظور پرداخت تسهیلات به سرمایه‌گذاران بخش کشاورزی و صنایع تبدیلی و تکمیلی، افزایش سرمایه شرکت مادر تخصصی صندوق حمایت از توسعه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی سالانه به میزان سرمایه اولیه شرکت، تأمین بخشی از سود و کارمزد تسهیلات بانکی از بودجه عمومی

ه- جبران بدهی دولت، بابت بخشودگی اصل، سود و کارمزد تسهیلات خسارت‌دیدگان ناشی از خشکسالی که به موجب قانون طی سالهای ۸۳-۷۹ بخشوده شده‌اند از محل بازپرداخت اقساط تسهیلات از بودجه عمومی و سایر منابع

و- برقراری حمایت‌های لازم، از ظرفیتها و قطبهای تولید ویژه صادرات، بازاریابی بین‌المللی و تقویت بورس محصولات کشاورزی و ایجاد تسهیلات خاص (اداری، مالی، بانکی، بیمه‌ای، گمرکی و قضایی)، برای محصولات صادراتی کشاورزی

ز- ایجاد صندوق تثبیت درآمد کشاورزان، با مشارکت درآمدی دولت و کشاورزان، جهت اجرای سیاستهای حمایتی درآمدی کشاورزان، به نحوی که ریسک حاصل از تغییر قیمت‌ها و عملکرد تولید را به منظور تثبیت درآمد کشاورزان کاهش دهد. اساسنامه صندوق یاد شده به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ح- حمایت از تولید محصولات اساسی کشاورزی که فهرست آن توسط هیئت وزیران تعیین می‌شود، به نحوی که سبب افزایش تولید و ارتقای کیفیت و رقابت‌پذیری این محصولات شود.

۴۰ ماده

دولت موظف است، به منظور ارتقای شاخصهای توسعه روستایی، برنامه توسعه روستایی را با محورهای ذیل تهیه و در مناطق روستایی و عشایری، در چارچوب آمایش سرزمین و طرحهای توسعه و عمران به مرحله اجرا آورد:

الف- سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، راهبری و نظارت در امور توسعه روستایی زیر نظر رئیس جمهور

ب- بهبود رویه‌های مدیریت روستا در تعامل با مجموع نظام اداری کشور

ج- توسعه پایدار و موزون روستا و هماهنگی با توسعه کشور، از طریق حمایت از بسط و گسترش فعالیتهای کشاورزی، صنعتی، خدماتی و ساماندهی اقتصادی و اجتماعی فضاهای روستایی

د- افزایش درآمد روستا، با لحاظ نمودن ارتقای بهره‌وری عوامل تولید کشاورزی و گسترش فرصتهای شغلی جدید و جانبی

ه- توسعه زیربناها و خدمات پایه لازم، به ویژه حمایت از سرمایه‌گذاری در راه روستایی

و- نوسازی و بازسازی کالبد روستاها، طرحهای هادی روستایی و بهسازی مسکن روستایی و حمایت از بهبود کیفیت ساختمانهای روستایی

- ز- حمایت از توسعه صنایع روستایی و صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی
- ح- تأمین آب شرب سالم بهداشتی با اولویت مجتمعه‌های آبرسانی روستایی
- ط- ایجاد تأسیسات جمع آوری و دفع بهداشتی فاضلاب در روستاهایی که موجب بحران زیست محیطی می‌شوند.
- ی- ساماندهی اسکان عشایر از نظر اقتصادی، معیشتی و اشتغال با حفظ توانمندیهای تولید مسکن، ایجاد امکانات زیربنایی و خدمات رسانی، به میزان حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) از جمعیت عشایر
- ک- به‌کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در روستا و ارائه خدمات متنوع با هدف ارتقای مهارت روستاییان، تمهید فرصتهای شغلی و گسترش نظام اطلاعات بازار محصولات

◀ مواد ۴۱ الی ۴۶

مواد (۱۰۸)، (۱۲۱) الی (۱۲۴) و (۱۳۴) "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن" برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد.

📌 ماده ۱۰۸

الف - به منظور استفاده از نیروهای متخصص و کارآفرینان بخش آب و کشاورزی با اولویت ساکنین روستاها، دولت مجاز است اراضی بزرگ با مقیاس اقتصادی را در عرصه‌های منابع طبیعی که قابل احیاء و بهره‌برداری کشاورزی می‌باشند، با شرایط مناسب در اختیار آنان قرار دهد و حمایت‌های لازم را از قبیل ایجاد زیربناها و پرداخت تسهیلات به عمل آورد.

دولت موظف است ارزش آن قسمت از اراضی ملی و موات و سایر اراضی متعلق به دولت را که برای سرمایه‌گذاری در طرح‌های مختلف تولیدی به مردم (اعم از حقیقی و حقوقی) واگذار می‌نماید در ابتدای واگذاری تقویم و بر همان اساس بعد از شروع دوره بهره‌برداری آن را با اقساط حداکثر

پنج‌ساله دریافت نماید. ارزش احیاء و تبدیل به احسن این اراضی متعلق به بهره‌بردار بوده و دولت حق ندارد بابت آن وجهی دریافت نماید.

ب - به منظور آزادسازی عرصه‌های منابع طبیعی و اعمال مدیریت بهره‌برداری بهینه، دولت مکلف است به عشایر و دامداران دارای پروانه بهره‌برداری و یا بهره‌برداران عرفی و تشکلهای اقتصادی آنها از اراضی مرتعی قابل احیاء تحت تصرف خود و یا اراضی همان مناطق زیست آنها در بیلاق و قشلاق برای کشاورزی و از عرصه‌های مرتعی برای اجرای طرحهای مرتعداری و تولید علوفه واگذار نماید (با قید اولویت) به گونه‌ای که معیشت آنها در حد بالای خط فقر تأمین گردد و بقیه اراضی جهت سرمایه‌گذاری و واگذاری بر اساس ضوابط مربوطه منظور می‌گردد.

آیین‌نامه اجرایی این ماده شامل نحوه قیمت‌گذاری، ضوابط تشخیص نیروهای متخصص و کارآفرین، ضوابط تشخیص اراضی بزرگ با مقیاس اقتصادی و تعیین انواع حمایتها به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های کشاورزی و جهاد سازندگی و نیرو به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

① ماده ۱۲۱

دولت موظف است به منظور اعمال صرفه‌جویی، منطقی کردن مصرف انرژی و حفاظت از محیط زیست، اقدامات زیر را انجام دهد:

الف - تهیه و تدوین معیارها و مشخصات فنی مرتبط با مصرف انرژی در تجهیزات، فرایندها و سیستمهای مصرف‌کننده انرژی، به ترتیبی که کلیه مصرف‌کنندگان، تولیدکنندگان و واردکنندگان این تجهیزات، فرایندها و سیستمها ملزم به رعایت این مشخصات و معیارها باشند. معیارهای مذکور توسط کمیته‌ای متشکل از نمایندگان وزارت نیرو، وزارت نفت، مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، سازمان حفاظت محیط زیست و وزارتخانه ذی‌ربط تدوین می‌شود.

نحوه تصویب این معیارها را هیئت وزیران تعیین خواهد کرد.

ب - تهیه آیین‌نامه تعیین ساعات کار اصناف در ایام سال به ویژه در فصل اوج مصرف برق توسط وزارت بازرگانی با همکاری وزارتخانه‌های نیرو و کشور.

ج - تنظیم برنامه فصلی ساعات کار کارخانه‌ها و صنایع توسط وزارتخانه‌های ذی‌ربط به نحوی که مصرف برق و انرژی در ماههایی که دارای حداکثر مصرف هستند، کاهش یابد و سیاستهای تشویقی برای مصرف‌کنندگان در غیر ساعات اوج مصرف، اعمال گردد.

تبصره - در صورت قطع برق با ایجاد محدودیت به نسبت ضرر و زیان وارده، مصرف‌کنندگان از پرداخت دیماند و سایر پرداختهای مربوط معاف خواهند بود.

د - تدوین مقررات و ضوابط مربوط به رعایت استانداردهای مصرف انرژی در طراحی و ساخت ساختمانها در بخش دولتی و غیر دولتی به منظور پرهیز از اتلاف انرژی و تنظیم و اجرای روشهای تشویقی در مورد ساختمانهای موجود برای به‌کارگیری استانداردهای مصرف انرژی توسط کمیته‌ای متشکل از نمایندگان وزارتخانه‌های مسکن و شهرسازی، کشور، نفت، صنایع، نیرو و سازمان برنامه و بودجه و نظام مهندسی کشور.

تبصره - قیمت انرژی برای واحدهایی که مصرف سالانه سوخت آنها بیش از پنج هزار (۵۰۰۰) متر مکعب معادل نفت کوره و یا قدرت مورد استفاده آنها بیش از پنج (۵) مگاوات است، در صورت عدم رعایت معیارها، ضوابط و آیین‌نامه‌های مذکور در این ماده با ارائه فرصت مناسب، افزایش خواهد یافت. آیین‌نامه اجرایی این ماده توسط سازمان برنامه و بودجه و دستگاههای اجرایی ذی‌ربط تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ماده ۱۲۲

الف - وزارت نفت مجاز است بنا به تقاضای بخش خصوصی یا تعاونی رأساً، یا با مشارکت خارجی که دارای توان مالی کافی بوده و تقاضای آنها دارای توجیه فنی و اقتصادی و زیست‌محیطی باشد، مجوز احداث پالایشگاه و واحدهای تولید سایر محصولات وابسته به صنایع نفت را صادر کند. وزارت مذکور موظف است طبق قرارداد تنظیمی مبنی بر تحویل خوراک آنها و خرید فرآورده‌های آنها به قیمت‌های بین‌المللی (در صورت نیاز) و همچنین مجوز صادرات محصولات مازاد بر مصرف اقدام کند.

ب - وزارت نیرو مجاز است بنا به تقاضای بخش خصوصی یا تعاونی رأساً، یا با مشارکت خارجی که دارای توان مالی کافی بوده و تقاضای آنها دارای توجیه فنی، اقتصادی و زیست‌محیطی باشد، مجوز لازم برای احداث نیروگاه و تولید برق صادر کند و شرایط از جمله تسهیلات مربوط به تبدیل درآمد شرکت‌های مزبور به ارز و تضمین خرید برق این گونه واحدها را مشخص و اعلام کند.

ج - دولت مکلف است به منظور تسریع سایر مؤسسات داخلی به تولید هر چه بیشتر نیروی برق از نیروگاه‌های خارج از مدیریت و نظارت وزارت نیرو، همه ساله شرایط و قیمت‌های تضمینی خرید برق را تعیین و اعلام کند.

د - به وزارت نیرو اجازه داده می‌شود بخشی از تأسیسات و دارایی‌های شرکت‌های برق منطقه‌ای و آب و برق خوزستان در ولتاژ توزیع را به شرکت‌های توزیع نیروی برق واگذار کند. معادل دارایی‌های واگذار شده، سهام شرکت‌های توزیع نیروی برق به برق منطقه‌ای و سازمان آب و برق خوزستان تعلق می‌گیرد. این نقل و انتقال از معافیت مالیاتی برخوردار خواهد بود.

④ ماده ۱۲۳

به دولت اجازه داده می‌شود بر اساس آیین‌نامه‌هایی که توسط سازمان انرژی اتمی ایران، سازمان امور اداری و استخدامی کشور و وزارت امور اقتصادی و دارایی پیشنهاد می‌شود، مقررات مالی و استخدامی سازمان انرژی اتمی را بدون الزام به رعایت قانون محاسبات عمومی و قانون استخدامی کشوری و سایر مقررات عمومی تصویب و جهت اجرا ابلاغ کند.

④ ماده ۱۳۴

صدور هرگونه مجوز بهره‌برداری از منابع آب سطحی یا زیرزمینی و شبکه توزیع شهری برای مصارف واحدهای بزرگ تولیدی، صنعتی، دامداری، خدماتی و سایر مصارفی که تولید فاضلاب با حجم زیاد می‌کنند و همچنین استمرار مجوزهای صادره در گذشته، منوط به اجرای تأسیسات جمع‌آوری فاضلاب، تصفیه و دفع بهداشتی پساب است. تا زمان اجرای تأسیسات مناسب، از واحدهای مصرف کننده

آب با توجه به نوع و میزان آلودگی، جرایمی بر مبنای آیین‌نامه و تعرفه مصوب دولت اخذ می‌گردد که پس از واریز به خزانه، معادل وجوه واریزی از محل اعتبارات ردیف خاصی که در قوانین بودجه سنواتی پیش‌بینی خواهد شد در اختیار سازمان حفاظت محیط زیست قرار گیرد و برای طرح‌های حفاظت کیفی منابع آب و تصفیه دفع بهداشتی فاضلاب هزینه خواهد شد. وزارت نیرو با همکاری سازمان حفاظت محیط زیست کشور و دستگاه اجرایی ذی‌ربط نسبت به تهیه آیین‌نامه اجرایی این ماده و پیشنهاد آن برای تصویب در هیئت وزیران اقدام خواهد کرد.

◀ ماده ۴۷

دولت موظف است، به منظور توسعه صنعتی و دستیابی به رشد شتابان اقتصادی، با تأکید بر صنعت رقابت‌پذیر با استفاده از مطالعات استراتژی توسعه صنعتی سند ملی توسعه صنعتی کشور را با رعایت ضوابط زیست محیطی و با محورهای ذیل تنظیم و طی برنامه چهارم به اجرا درآورد:

الف- تقویت شرکتهای مادر تخصصی توسعه‌ای، در جهت توسعه بخش غیر دولتی

ب- طراحی و اصلاح ساختار ستاد بخش صنعت، به نحوی که امکان انجام فعالیتهای توسعه‌ای در چارچوب برنامه محقق گردد.

ج- گسترش و ایجاد زیرساختهای لازم، به منظور ارتقای کیفیت، نوآوری، جذب و توسعه فناوری

د- تأکید ویژه بر حوزه‌هایی که توانایی توسعه‌ای بالا را دارا می‌باشند، نظیر صنایع نوین، صنایع مبتنی بر مزیت‌های طبیعی و انرژی

ه- طراحی و ایجاد و گسترش ساز و کارهای حمایتی و تشویقی صادرات صنعتی، در چارچوب سیاستهای بازرگانی کشور

و- اصلاح و تقویت نهادهای پشتیبانی کننده صنایع کوچک و متوسط، با اولویت بخشهای خصوصی و تعاونی

ز- حمایت از توسعه کارآفرینی و بنگاههای کوچک و متوسط

ح- بهبود مدیریت بنگاههای صنعتی

ط- بهبود و گسترش سیستم‌های اطلاع‌رسانی، به منظور دسترسی سرمایه‌گذاران و کارآفرینان به اطلاعات مورد نیاز

ی- ارتقای زنجیره ارزش، از طریق تأکید بر افزایش بهره‌وری کل و به‌کارگیری فناوریهای نوین
ک- همگرایی فعالیتهای پسین و پیشین زنجیره تولید نظیر تحقیق و توسعه، طراحی و مهندسی بازاریابی و فروش

ل- اصلاح محیط حقوقی توسعه صنعت کشور، با ارائه لوایح قانونی

م- تجهیز منابع مالی لازم برای توسعه صنعتی، با به‌کارگیری ابزارهای نوین مالی و تقویت بانکهای تخصصی و توسعه‌ای

ن- تعامل با شرکتهای جهانی، به منظور راه‌یابی به بازارهای بین‌المللی

۴۸ ماده

دولت موظف است، به منظور توسعه بخش معدن، به عنوان حلقه پیشین بخش وسیعی از صنایع کشور و افزایش سهم معدن در تولید ناخالص داخلی، برنامه ملی توسعه بخش معدن کشور را با تأکید بر محورهای ذیل تنظیم و طی برنامه چهارم به اجرا درآورد:

الف- تهیه و تدوین استراتژی توسعه بخش معدن، طی سال اول برنامه چهارم

ب- ایجاد تسهیلات لازم، برای استفاده گسترده از علوم و فناوریهای نوین، در کلیه زمینه‌های معدنی از قبیل: اکتشاف، استخراج و فراوری مواد معدنی و صنایع معدنی

ج- تدوین ضوابط، معیارها و استانداردهای داخلی در اکتشاف و فعالیتهای معدنی و فراوری مواد معدنی، متناسب با استانداردهای بین‌المللی و رعایت ضوابط زیست‌محیطی

د- ساماندهی و حمایت از شرکتهای مشاوره‌ای و پیمانکاری داخلی و استفاده از شرکتهای معتبر بین‌المللی، به منظور توسعه در امور اکتشافی و معدنی

ه- توجه خاص به امر اکتشافات و شناخت سرزمین و توسعه و تکمیل نقشه‌های پایه علوم زمین (زمین‌شناسی، ژئوفیزیک و ...)، به منظور استفاده در بررسی‌های عمرانی و توسعه‌ای و تعیین توان ذخایر معدنی کشور، با عنایت به وظیفه حاکمیتی دولت

و- توسعه و گسترش پایگاه داده‌های علوم زمین به عنوان زیرساخت مهم توسعه، با هدف شناخت وضع موجود، اطلاع‌رسانی و جلب و جذب سرمایه‌گذاری بخش‌های خصوصی و تعادل در بخش معدن

ز- انجام اصلاحات ساختاری و تدوین قوانین مناسب، برای بسترسازی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و تعاونی داخلی و خارجی در معدن

ح- پوشش بخشی از خطرپذیری سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی توسط دولت، از طریق نهادهای ذی‌ربط (از جمله صندوق بیمه سرمایه‌گذاری فعالیت‌های معدنی)، در زمینه اکتشاف و بهره‌برداری از معادن

ط- افزایش ظرفیتهای اقتصادی و اجتماعی استانها، به ویژه مناطق کمتر توسعه یافته، با تکیه بر منابع معدنی به صورت شناسایی، اکتشاف و بهره‌برداری از آنها

ی- تأمین زیربنای لازم در مناطق معدنی و معادن بزرگ توسط دولت

ک- کمک به توسعه معادن فلزی و غیر فلزی، در جهت افزایش تولید صنایع انرژی‌بر صادرات‌گرا

◀ ماده ۴۹

الف- دولت موظف است، با سیاست‌گذاری لازم زمینه تولیدات صنعت خودروی سواری را مطابق با میزان مصرف سوخت در حد استاندارد جهانی و عرضه آن با قیمت رقابتی فراهم نماید و سیاستهای تشویقی و ساز و کار قیمت عرضه گاز طبیعی و سوخته‌های جایگزین را به گونه‌ای طراحی و به اجرا درآورد که منتهی به ایجاد تقاضای حداقل سی درصد (۳۰٪) از کل خودروهای تولیدی، به صورت دو گانه سوز گردد.

ب- وزارت نفت موظف است، در شهرهای کشور به ویژه شهرهای بزرگ با هماهنگی شهرداریها و حمایت از بخش خصوصی، به تدریج جایگاههای تزریق گاز CNG را احداث و به بهره‌برداری برساند.

ج- قیمت گاز طبیعی فشرده CNG، حداکثر معادل پنجاه درصد (۵۰٪)، قیمت بنزین (با ارزش حرارتی معادل)، خواهد بود.

◀ ماده ۵۰

به شرکتهای مادر تخصصی اجازه داده می‌شود، نسبت به تأمین تسهیلات اعتباری (پرداخت اصل وام و یا مابه‌التفاوت نرخ سود پس از کسر مالیات)، به منظور اعطای کمکهای مالی و فناوری برای ارتقای سطح طراحی، مهندسی، ساخت تجهیزات، نمونه‌سازی ماشین‌آلات، مطالعات و عملیات اکتشافی معدنی و بهینه‌سازی مصرف انرژی و آب به طرحهای مورد تأیید مجمع عمومی شرکت و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، از محل منابع داخلی در قالب وجوه اداره شده نزد بانکها، اقدام نمایند. میزان وجوه اداره شده مذکور، شامل اعتبار مربوط به پرداخت مابه‌التفاوت نرخ سود، در بودجه سالانه شرکتهای مذکور تعیین می‌گردد.

◀ ماده ۵۱

به منظور هم‌افزایی در فعالیتهای اقتصادی، با تأکید بر مزیت‌های نسبی و رقابتی به ویژه در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی و صنایع و خدمات مهندسی پشتیبان آنها، صنایع انرژی بر و زنجیره پایین‌دستی آنها، در چارچوب موازین طرح ملی آمایش سرزمین در طول سالهای برنامه چهارم، اقدامهای ذیل اجرا می‌شود:

الف- هر ساله سی و پنج درصد (۳۵٪) بهره مالکانه گاز طبیعی، با درج در طرحهای تملک دارایی‌های سرمایه‌ای لایحه بودجه، منحصراً به مصرف اجرای طرحهای زیربنایی و آماده‌سازی سواحل و

جزایر ایرانی خلیج فارس و حوزه نفوذ مستقیم آنها خواهد رسید. این طرحها، به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

همچنین به شرکت ملی نفت ایران اجازه داده می‌شود، به اتکای منابع مندرج در این بند و تضمین دولت، برای اجرای طرحهای موضوع این ماده ایجاد تعهد کند. دولت موظف است، سالانه بازپرداخت تعهدات مذکور در این بند را در لوائح بودجه سالانه منظور نماید.

ب- به منظور جذب منابع و سرمایه‌های خارجی و توسعه شتابان سواحل و جزایر ایرانی خلیج فارس، اجازه داده می‌شود در مناطق ویژه بندر امام، پارس و بندرعباس و دیگر مناطق ویژه‌ای که پس از این با تصویب هیئت وزیران در محدوده فوق ایجاد خواهد شد، قوانین و مقررات مربوط به مناطق آزاد در زمینه‌های تأسیس و فعالیت بانکها، بیمه‌ها و شرکتهای خارجی، روابط کار و نحوه صدور روادید اجرا گردد.

تبصره- اعمال مقررات روابط کار، توسط وزارت کار و امور اجتماعی، صورت خواهد پذیرفت.

◀ ماده ۵۲

به دولت اجازه داده می‌شود، جهت رشد اقتصادی، ارتقای فناوری، ارتقای کیفیت تولیدات، افزایش فرصتهای شغلی و افزایش صادرات در قلمرو فعالیتهای تولیدی اعم از صنعتی، معدنی، کشاورزی، زیربنایی، خدمات و فناوری اطلاعات و در اجرای "قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰/۱۲/۱۹"، به منظور جلب سرمایه‌گذاری خارجی در طرحهایی از قبیل: تولید، انتقال و توزیع برق، ساخت پالایشگاهها و صنایع نفت و پتروشیمی، آب و فاضلاب، راه و راه آهن، بندر و فرودگاه، تأمین ناوگان هوایی، دریایی، جاده‌ای، ریلی، تأسیسات و تجهیزات حمل و نقل و طرحهای مخابراتی و توسعه مسکن و حمل و نقل درون شهری، صنایع غذایی و دارویی، توسط سرمایه‌گذار داخلی و خارجی زمینه‌های لازم را با اولویت سرمایه‌گذار ایرانی، فراهم نماید.

پرداخت تعهدات قراردادی شرکتهای دولتی ایرانی طرف قرارداد (برای کالاها و خدماتی که الزاماً می‌بایست توسط دولت خریداری شود. پس از تصویب شورای اقتصاد، از محل وجوه و منابع متعلق به

آنان اقدام و پرداخت از محل آن وجوه و منابع را تعهد کند. این تعهد پرداخت نایستی از محل وجوه و منابع عمومی باشد.

« ماده ۵۳

- الف-** سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان، در امور مربوط به اکتشاف، استخراج و تولید نفت و گاز، پالایش، انتقال و توزیع مواد نفتی و گاز طبیعی، تولید، انتقال و توزیع برق با دولت است. دولت می‌تواند، انجام فعالیت مربوط به بهره‌برداری از میادین نفت و گاز، پالایش، پخش و حمل و نقل مواد نفتی و گازی و همچنین تولید و توزیع برق را به نحوی که موجب انحصار در بخش غیر دولتی نشود و استمرار ارائه خدمات تضمین گردد، به اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی واگذار نماید.
- ب-** دولت مکلف است، به منظور ترغیب سایر مؤسسات داخلی به تولید هرچه بیشتر نیروی برق از نیروگاه‌های خارج از مدیریت و نظارت وزارت نیرو، شرایط و قیمت‌های تضمینی خرید برق را تعیین و اعلام کند.
- ج-** به وزارت نیرو اجازه داده می‌شود، بخشی از تأسیسات و دارایی‌های شرکت‌های برق منطقه‌ای در ولتاژ توزیع را، به شرکت‌های توزیع نیروی برق واگذار کند.

« ماده ۵۴

به دولت اجازه داده می‌شود، به منظور ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاری و اشتغال در سطح کشور، به ویژه در مناطق کمتر توسعه یافته، در قالب لوایح بودجه سنواتی و از طریق وجوه اداره شده، تسهیلات متناسب با سهم متقاضیان سرمایه‌گذاری در طرح‌های اشتغالزای و نیز قسمتی از سود و کارمزد تسهیلات مذکور را تأمین کند.

◀ ماده ۵۵

دولت موظف است، به منظور تحرک بخشی به اقتصاد، بهره‌برداری مناسب از موقعیت سرزمینی کشور، بهره‌برداری بهینه از منابع و دستیابی به منابع مجازی برای تحقق رشد سریع و توسعه پایدار، بر اساس "برنامه توسعه حمل و نقل" که با رویکردهای زیر تهیه می‌شود، و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، نوسازی ناوگان حمل و نقل، توسعه بنادر تجاری، فرودگاهها، شبکه راه‌آهن، شبکه آزادراهها، بزرگراهها و راههای شریانی اصلی را، به ویژه در کریدور شمال - جنوب و کریدور شرق - غرب، به گونه‌ای تکمیل کند که تا پایان برنامه چهارم ضمن افزایش ایمنی عبور و مرور، انتقال آسان و سریع بار و مسافر را از طریق بخشهای دولتی و خصوصی برآورده کند:

الف- یکپارچه‌سازی سازمان مدیریت فرودگاهها، بنادر و پایانه‌های مرزی زمینی

ب- رفع موانع ترانزیت کالا و مسافر و ایجاد هماهنگی بین دستگاههای مربوط

ج- تدوین استانداردهای حمل و نقل و انطباق آن با استانداردهای جهانی

د- فراهم‌سازی امکان دسترسی بخش غیر دولتی، به شبکه ریلی کشور

ه- ایجاد زمینه رویکرد رقابتی، در حوزه حمل و نقل و جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی

و- ایجاد تسهیلات لازم، برای استفاده گسترده از فناوریهای نوین، در عرصه خدمات حمل و نقل

ز- فراهم‌سازی ساز و کار مورد نیاز برای افزایش ایمنی در حمل و نقل از طریق تشکیل "کمیته ملی

ایمنی حمل و نقل"، اصلاح قوانین و مقررات و بازنگری و تغییر روشهای کنترل و نظارت بر حمل

و نقل و تشکیل یگان حفاظت هواپیمایی کشوری از طریق تجمیع وظایف مربوط به نهادهای

نظامی، انتظامی و حفاظتی زیر نظر رئیس سازمان هواپیمایی کشوری

ح- توسعه حمل و نقل ریلی به عنوان حمل و نقل سبز، همساز با محیط زیست و در جهت بهینه‌سازی

مصرف سوخت و افزایش ایمنی

ط- تغییر عنوان سازمان هواپیمایی کشوری به سازمان هوانوردی کشوری و عنوان شورای عالی

هواپیمایی کشوری به شورای عالی هوانوردی کشوری

ی- استقرار مدیریت ریسک در برخورد با بلایای جوی و کاهش اثرات مخرب آن از طریق تهیه طرح مدیریت جامع ریسک

ک- سازماندهی و مدیریت شبکه پایگاههای اطلاعاتی قابل اعتماد هواشناسی و اقلیمی در کشور از طریق تجهیز شبکه‌های ارتباطی و به کارگیری فناوری جدید در امر تبادل اطلاعات و داده‌ها در سطح ملی و بین‌المللی

ل- تسهیل رقابت و لغو انحصارات در کلیه شقوق حمل و نقلی و ایجاد نهاد قانونی حافظ رقابت و محور قراردادن بخش خصوصی داخلی و خارجی در سرمایه‌گذاری در بخش و توسعه و گسترش پایگاههای اطلاع‌رسانی

م- توسعه زیربناهای حمل و نقل به منظور برقراری تعادل و تناسب بین تقاضای حمل و نقل و ظرفیت زیربناها

ن- تقویت ظرفیتهای فنی و مهندسی از طریق تدوین نظامهای حمایتی

س- اجازه پرواز به هواپیماهای خارجی با مشارکت در علامت پروازی شرکت‌های هواپیمایی ایرانی و یا به طور مستقیم به منظور پیاده و سوار کردن مسافر و بار در فرودگاههای کشور و صدور مجوز بهره‌برداری از هواپیماهای اختصاصی توسط سازمان هواپیمایی کشوری

ع- فراهم‌سازی زمینه‌های لازم جهت ایجاد مجتمعهای خدمات رفاهی در جاده‌های کشور از طریق اعطای کمکهای بلاعوض و واگذاری اراضی منابع طبیعی به صورت رایگان توسط وزارت جهاد کشاورزی

◀ مواد ۵۶ الی ۶۱

مواد (۱۲۷) الی (۱۳۲) "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن" برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد.

۱۲۷ ماده ۵

به وزارت راه و ترابری اجازه داده می‌شود:

الف - بخشی از ماشین‌آلات، تجهیزات و اماکنی را که در راستای تحقق سیاست واگذاری، مزاد تشخیص می‌دهد بر اساس آیین‌نامه‌ای که توسط وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی، راه و ترابری و سازمان برنامه و بودجه تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید به فروش برساند و یا به صورت اجاره به پیمانکاران و شرکتهای تعاونی راهداری تشخیص صلاحیت شده واگذار کند.

ب - نسبت به کاهش و تعدیل نیروی انسانی بر اساس آیین‌نامه‌ای که به پیشنهاد وزارت مذکور و سازمان امور اداری و استخدامی کشور به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید، اقدام کند. منابع مالی مورد نیاز برای اصلاح ساختار نیروی انسانی نیز در راستای کاهش تصدی فوق از محل بند (الف) این ماده در قالب لوایح بودجه سنواتی تأمین می‌شود.

۱۲۸ ماده ۵

به وزارت راه و ترابری اجازه داده می‌شود با حفظ مالکیت دولت بر خطوط ریلی و اعمال سیاست جامع و هماهنگ حمل و نقل ریلی کشور و جلوگیری از ایجاد انحصار در بخش غیر دولتی و تضمین استمرار ارائه خدمات، بخشی از فعالیتهای مربوط به حمل و نقل بار و مسافر، تعمیر، نگهداری و بازسازی شبکه و ناوگان حمل و نقل ریلی را به اشخاص حقیقی و حقوقی بخش غیر دولتی داخلی واگذار کند و در صورت لزوم با ایجاد شرکتهای مشترک بین بخش غیر دولتی داخلی و راه آهن جمهوری اسلامی ایران از آنها حمایت و تسهیلات لازم در این زمینه را فراهم سازد. ضوابط و مقررات این ماده به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

۱۲۹ ماده ۵

با توجه به اینکه امور هوانوردی و حمل و نقل هوایی (شامل ناوبری، نشست و برخاست) منحصراً در اختیار و در کنترل دولت (سازمان هواپیمایی کشوری) می‌باشد، با پیش‌بینی تمهیدات مناسب برای

جلوگیری از ایجاد انحصار در بخش غیر دولتی و تضمین استمرار ارائه خدمات، به دولت اجازه داده می‌شود:

الف - نسبت به واگذاری سهام شرکتهای هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران (حداکثر تا ۴۹٪) هواپیمایی آسمان، هواپیمایی پیام، حمل و نقل هوایی نفت، خدمات هلیکوپتری (ساخته)، کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران و شرکتهای تابعه آن و شرکت ملی نفتکش ایران به بخشهای تعاونی و خصوصی داخلی اقدام کند.

ب - با پیشنهاد مشترک شورای عالی هواپیمایی کشوری و دستگاه اجرایی ذی‌ربط اساسنامه شرکتهای هوایی کشور (آسمان، پیام، حمل و نقل هوایی نفت، خدمات هلیکوپتری) را اصلاح کند. تغییرات اساسنامه هواپیمائی جمهوری اسلامی ایران به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد.

⑤ ماده ۱۳۰

با حفظ حاکمیت دولت بر امور هوانوردی و حمل و نقل هوایی (شامل ناوبری، نشست و برخاست) توسط دولت و با رعایت صدر ماده (۱۲۹)، به سازمان هواپیمایی کشوری اجازه داده می‌شود:

الف - نسبت به تکمیل و اجرای طرحهای فرودگاهی و پروازی و توسعه ناوگان هوایی با جلب سرمایه‌های داخلی و خارجی از طریق انعقاد قراردادهای مشارکت، پیش‌فروش خدمات فرودگاهی و خدمات پروازی اقدام و تعهدات مربوط را تأدیه کند.

ب - به منظور تأمین هزینه اجرای برنامه‌های نگهداری، بهسازی و امنیت پرواز و توسعه زیربناها در فرودگاهها و نیز استفاده از تجهیزات و سیستمهای جدید فرودگاهی و هوانوردی و امنیتی، با تصویب شورای عالی هواپیمایی کشوری دو درصد (۲٪) قیمت فروش بلیط مسافران پروازهای داخلی را دریافت کند.

۱۳۱ ماده ۵

به سازمان حمل و نقل جاده‌ای و پایانه‌های کشور اجازه داده می‌شود به منظور کمک به تدارک ناوگان حمل و نقل جاده ای بین شهری و احداث پایانه‌های مسافری و باری و مجتمع‌های خدمات رفاهی بین راهی توسط بخش غیر دولتی با اولویت تعاونیها و ایثارگران، از محل منابع داخلی در قالب وجوه اداره شده نزد بانکها نسبت به تأمین تسهیلات اعتباری بانکی، اقدام کرده و مابه‌التفاوت نرخ سود را از منابع داخلی خود پرداخت کند. میزان وجوه اداره شده مذکور شامل اعتبار مربوط به پرداخت مابه‌التفاوت نرخ سود در بودجه سالانه سازمان مذکور تعیین می‌گردد.

۱۳۲ ماده ۵

به منظور تأمین منابع مالی مورد نیاز جهت توسعه، نگهداری و بهره‌برداری امور حمل و نقل جاده‌ای، به سازمان حمل و نقل جاده‌ای و پایانه‌های کشور اجازه داده می‌شود:

الف - جابه‌جایی کالا و مسافر در جاده‌های کشور براساس تن - کیلومتر و نفر - کیلومتر عوارض وصول کند. میزان این عوارض همه ساله با پیشنهاد مجمع عمومی سازمان حمل و نقل جاده‌ای و پایانه‌های کشور و تصویب شورای اقتصاد تعیین می‌گردد

ب - حداکثر معادل پنجاه (۵۰) ریال برای هر تن - کیلومتر حمل و نقل کالا در داخل کشور از شرکتهای حمل و نقل بین‌المللی که مبادرت به حمل و نقل کالای ترانزیتی می‌کنند با تأیید وزیر راه و ترابری از طریق دفاتر مرزی خود دریافت کند.

ج - صد درصد (۱۰۰٪) خسارت وارده بر ابنیه فنی و تاسیسات زیربنایی را وصول کند. بجز خسارات وارده بر اثر حوادث و سوانح غیر مترقبه و طبیعی که دولت بنا به توان، موظف به جبران آن خواهد بود.

د - کلیه دریافتیهای موضوع این ماده پس از وصول، به حساب سازمان حمل و نقل جاده‌ای و پایانه‌های کشور نزد خزانه‌داری کل واریز می‌شود تا بر اساس بودجه سالانه سازمان به مصرف برسد.

◀ ماده ۶۲

دولت موظف است، به منظور هویت بخشی به سیمای شهر و روستا، بازآفرینی و روزآمدسازی معماری ایرانی - اسلامی، رعایت معیارهای پیشرفته برای ایمنی بنا و استحکام ساخت و سازها و دستیابی به توسعه پایدار و موزون شهرها و روستاها و بهبود محیط زندگی، اقدامهای ذیل را در جهت سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی کلان و راهبری و نظارت در بخشهای عمران شهری و روستایی، مسکن و احیای بافت فرسوده شهری به عمل آورد.

الف- در راستای هویت‌بخشی به سیما و کالبد شهرها، حفظ و گسترش فرهنگ معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی (بومی)، ایمن‌سازی شهرها و روستاها و ارتقای کیفیت ساخت و ساز و ارائه خدمات شهری از طریق:

- ۱- تهیه و تدوین قانون جامع شهرسازی و معماری کشور، بر اساس ترویج و صیانت از فرهنگ معماری ایرانی - اسلامی در معماری شهرها، تا پایان سال اول برنامه چهارم
- ۲- اعمال معیارها و مقررات طراحی، اجرا و نظارت بر طرحهای شهرسازی و ساختمان‌سازی
- ۳- مناسب‌سازی کالبد شهرها و روستاها و اماکن عمومی، برای جانبازان و معلولین جسمی - حرکتی
- ۴- بهبود وضعیت عبور و مرور و حمل و نقل درون‌شهری به ویژه در کلان‌شهرها
- ۵- جلوگیری از تخریب بافتها، ساختمانها و نماهای با ارزش شهری و روستایی
- ۶- زمینه‌سازی تحقق برنامه ایمن‌سازی و مقاوم‌سازی شهرها و روستاهای کشور، در مقابل سوانح غیر مترقبه
- ۷- تدوین و ترویج مقررات ملی ساختمان و طراحی ساز و کار متناسب برای اجرای آن
- ۸- گسترش فرهنگ بیمه سوانح و انواع بیمه‌های مسکن و انبوه‌سازی
- ۹- حمایت از طرحهای بهینه‌سازی مصرف انرژی در ساختمان و مسکن
- ۱۰- استاندارد کردن کلیه اقلام مصالح و روشهای ساختمانی، تا پایان برنامه چهارم و حمایت از تولید کنندگان آنها

- ۱۱- تأمین منابع مالی پایدار برای اداره شهرها توسط شهروندان
 - ۱۲- خصوصی‌سازی ارائه خدمات شهری، از قبیل حمل و نقل و جمع‌آوری و دفع مواد زائد شهری
 - ۱۳- حمایت از احداث و تکمیل تصفیه‌خانه‌ها، تجهیزات و خطوط اصلی سامانه‌های دفع فاضلاب و آب شهری و روستایی
 - ۱۴- حمایت از احداث فضاهای فرهنگی و ورزشی و فضای سبز
 - ۱۵- تهیه و تصویب برنامه ایمن‌سازی و مقاوم‌سازی ساختمانها و تأسیسات مراکز دولتی و عمومی شهرها و روستاها
 - ۱۶- تهیه و اجرای طرحهای هادی شهری و روستایی، با مشارکت مردم
 - ۱۷- تدوین لایحه جامع مدیریت شهری
 - ۱۸- بازنگری در "قانون تملک مجتمعهای مسکونی (آپارتمانها)"، با توجه به تغییر روش سرمایه‌گذاری و گسترش مجتمعهای مسکونی در ساختار کنونی شهرها
 - ۱۹- گسترش مطالعات و تدوین ضوابط شهرهای الکترونیکی و استفاده از فناوریهای نوین در اداره امور شهرها
- ب- وزارت مسکن و شهرسازی مکلف است، با توجه به اثرات متقابل بخش مسکن و اقتصاد ملی و نقش تعادل‌بخش آن در ارتقای کیفیت زندگی و کاهش نابرابریها، طرح جامع مسکن را، حداکثر در سال اول اجرای برنامه چهارم، تهیه و به تصویب هیئت وزیران برساند. این طرح مشتمل بر محورهای زیر با رویکرد توسعه پایدار، عدالت اجتماعی و توانمندسازی اقشار کم درآمد خواهد بود.
- ۱- گسترش حوزه فعالیت و تسهیل فرایند دستیابی به منابع و امکانات تولید مسکن، برای تعاونیهای مسکن و سازمانهای خیریه و غیر دولتی فعال در بخش مسکن و کمک به یکپارچگی آنها
 - ۲- تشکیل صندوق ملی اعتبار مسکن شهری و روستایی، برای نظارت و تضمین صندوقهای محلی نزد بانکها از طریق بانک مسکن
 - ۳- گسترش بازار سرمایه مسکن و اتخاذ تدابیر لازم، برای تأمین سرمایه در بخش، به گونه‌ای پایدار و انعطاف‌پذیر

- ۴- مدیریت یکپارچه و منسجم زمین، برای تأمین مسکن و توسعه شهر و روستا در چارچوب طرح‌های توسعه و عمران
- ۵- توسعه بازار اولیه و تشکیل بازار ثانویه رهن، بر اساس ضوابط شورای بورس، تا پایان سال اول برنامه چهارم
- ۶- رعایت ارزشهای فرهنگی و حفظ حرمت و منزلت خانواده، در معماری مسکن
- ۷- افزایش سهم انبوه‌سازی و کوچک‌سازی با هدف صنعتی شدن، تولید حرفه‌ای مسکن، الزامی کردن استانداردهای ساخت
- ج- دولت موظف است، در اجرای اصل ۳۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اقدامهای ذیل را به انجام برساند:
- ۱- حمایت از بخشهای خصوصی، تعاونی و عمومی، در احداث و عرضه واحدهای مسکونی استیجاری
- ۲- حمایت از ایجاد و بهره‌گیری از مشارکت تشکلهای، انجمنها و گروههای خیر مسکن‌ساز
- ۳- تجمیع، شفاف‌سازی و هدفمند نمودن یارانه‌های پراکنده و پنهان در بخش مسکن و همچنین بررسی اثرات سیاستهای یارانه‌ای اتخاذ شده در سایر بخشهای اقتصادی، بر این بخش
- ۴- تشویق و ترغیب سرمایه‌گذاری خارجی در بخش مسکن
- ۵- دادن یارانه کارمزد تسهیلات مسکن، به سازندگان واحدهای مسکونی ارزان قیمت، در چارچوب ضوابط و استانداردهای مصوب در شهرهای کوچک و متوسط و کلیه روستاهای کشور
- ۶- بهسازی مسکن روستایی، با اولویت دادن به مناطق آسیب‌پذیر از سوانح طبیعی، بهسازی بافت، ایمن‌سازی و نوسازی واحدهای مسکونی متناسب با ویژگیهای بومی
- ۷- تدوین برنامه اقدامهای عملی - حمایتی تأمین مسکن گروههای هدف: "کم درآمد، جوانان، بازنشستگان، کارگران، کارمندان و زنان سرپرست خانوار"
- ۸- پلکانی کردن بازپرداخت اقساط تسهیلات بانکی، در بخش مسکن

- ۹- دادن کمکهای اعتباری و فنی، برای بهسازی و نوسازی مسکن روستایی و حمایت از ایجاد کارگاههای تولید مصالح ساختمانی و عرضه کنندگان خدمات فنی
- د- احیای بافتهای فرسوده و نامناسب شهری و استفاده مطلوب از ظرفیتهای بالقوه شهری، تعریف و تعیین مناطق ویژه تاریخی، فرهنگی، فرسوده و حاشیه‌ای و احیا و نوسازی و توانمندسازی با اولویت شهرهای بالای ۲۰۰ هزار نفر جمعیت و توسعه درون‌زا
- ه- به وزارت مسکن و شهرسازی اجازه داده می‌شود، به منظور اجرای طرح تأمین مسکن کارکنان دولت، اجرای "قانون استیجار، واگذاری معوض نصاب مالکانه و اجرای سایر طرحهای عمرانی" املاک مناسب مورد نیاز را در بافتهای فرسوده و نامناسب شهری، به قیمت عادلانه روز و یا به طریق توافقی، خریداری نماید.
- و- به وزارت مسکن و شهرسازی اجازه داده می‌شود، به منظور تأمین بخشی از اعتبارات مورد نیاز اجرای "قانون تشویق عرضه و احداث واحدهای مسکونی استیجاری مصوب ۱۳۷۷/۳/۲۳"، زمینهای شهری در تملک خویش را، به قیمت روز و به صورت مزایده یا با قیمت توافقی که از قیمت کارشناسی روز کمتر نخواهد بود، به فروش رساند.

◀ ماده ۶۳

دولت موظف است، به منظور افزایش کارآمدی و اثربخشی طرحها و پروژههای سرمایه‌گذاری با رویکرد نتیجه‌گرا و دستیابی به سیستم کنترل کیفی، متناسب با شرایط اقتصادی و اجتماعی و اقلیمی کشور، تا پایان سال اول برنامه چهارم، نسبت به تدوین نظام فنی و اجرایی کشور و اجرای آن در تمامی دستگاههای موضوع ماده (۲۴۷) این لایحه، به شرح ذیل اقدام نماید:

الف- نظام کنترل هزینه، کیفیت و زمان راه، در تمامی مراحل طراحی، اجرا و بهره‌برداری پروژهها و طرحها و بهره‌مندی از روشهای نوین، نظیر طرح و ساخت، با ارائه برنامه مشخص، ایجاد و مستقر کند.

ب- با هدف افزایش ایمنی بناها و استحکام ساخت و سازها، نسبت به ترویج فرهنگ بهسازی و تدوین ضوابط، مقررات و بخشنامه‌های مورد نیاز با رویکرد تشویقی و بازدارنده و به‌کارگیری مصالح و روشهای ساخت نوین، اقدام نماید.

ج- ساز و کارهای لازم، به منظور استقرار نظام مدیریت کیفیت و مهندسی ارزش، در پروژه‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، از سال اول برنامه چهارم، فراهم نماید.

د- ساز و کار ارزیابی پروژه‌های پیشنهادی پس از حصول اطمینان از تأمین اعتبار، با رویکرد توجیه فنی، اقتصادی و زیست‌محیطی را، به منظور جلوگیری از اجرای پروژه‌های فاقد توجیه، از ابتدای برنامه چهارم، ایجاد نماید.

ه- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تا پایان سال اول برنامه چهارم، با بهره‌گیری از همکاری دستگاههای اجرایی کشور و مشارکت انجمنهای صنفی تخصصی، نسبت به تدوین ضوابط و مقررات مورد نیاز، متناسب با حجم سرمایه‌گذاری و کیفیت طرحها و پروژه‌های سرمایه‌گذاری، اقدام، و به تصویب هیئت دولت می‌رساند.

و- ضوابط و مقررات مذکور در بند "د" این ماده، طی برنامه زمانبندی مشخص، تا پایان برنامه چهارم، حداقل در چهل درصد (۴۰٪)، از پروژه‌ها و طرحهای جدید به اجرا درآید.

۶۴ ماده ۴۴

اعتبارات طرحهای تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، که بر اساس گزارشهای توجیه فنی، اقتصادی و زیست‌محیطی و همچنین مطالعات مهندسی مشاور و طبق ساز و کار ماده (۴۶) این لایحه به تصویب رسیده است، برای یک بار و به قیمت ثابت سالی که طرح مورد نظر در برنامه چهارم، برای اولین بار در لایحه بودجه سالانه منظور می‌گردد، به تفکیک برآورد آن سال و سالهای بعد (تا پایان سال خاتمه برنامه چهارم)، به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد.

موافقتنامه‌های طرح‌های مذکور، مشتمل بر اهداف طرح، شرح عملیات اجرایی، اعتبارات مصوب، پیشرفت فیزیکی و مشخصات فنی، برای یک بار در طول برنامه چهارم، مبادله و ابلاغ می‌گردند. این موافقتنامه‌ها برای دوران برنامه، معتبر و ملاک عمل خواهند بود.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است، اعتبارات مورد نیاز سالهای باقیمانده برنامه چهارم را، با اعمال تغییر نرخهای ابلاغی خود، محاسبه نموده و بر حسب برنامه - دستگاه، در لوایح بودجه سالانه کل کشور منظور نماید.

تخصیص اعتبارات طرح‌های مزبور، بر مبنای اعتبار ابلاغی سالانه، صورت خواهد پذیرفت.

◀◀ ماده ۶۵

به منظور ایجاد رقابت و برقراری شرایط برابر بین بخشهای دولتی، عمومی و خصوصی، واگذاری کار و معاملات دولتی، با رعایت "قانون حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی، تولیدی، صنعتی و اجرایی کشور در اجرای پروژه‌ها و ایجاد تسهیلات به منظور صدور خدمات مصوب ۱۳۷۵/۱۲/۱۲" صرفاً به صورت مناقصه صورت می‌پذیرد. مگر در مواردی که طبق ماده (۸۳) "قانون محاسبات عمومی، مصوب ۱۳۶۶/۶/۱" به صرفه و صلاح دولت نبوده و از طریق ترک تشریفات برگزار می‌شود.

در طول سالهای برنامه چهارم، بندهای "۱" و "۲" ماده (۷۹) "قانون محاسبات عمومی کشور مصوب، ۱۳۶۶/۶/۱" به حالت تعلیق در می‌آید.

فصل دوم

تعامل فعال با اقتصاد جهانی

◀ ماده ۶۶

دولت مکلف است، برای روان‌سازی جریان تجارت، افزایش سهم کشور در تجارت بین‌الملل و توسعه صادرات کالاها و خدمات غیر نفتی، اقدامهای ذیل را به عمل آورد:

الف- فراهم کردن تسهیلات و مشوقهای لازم، برای ایجاد و تقویت شرکتهای توانمند و بزرگ صادراتی غیر دولتی

ب- برقراری تعرفه‌های ترجیحی، با کشورهای بازار هدف صادراتی و همچنین فراهم کردن بستر مناسب برای الحاق به سازمان تجارت جهانی

ج- فراهم کردن امکانات و زیرساختهای لازم، برای ایجاد بازارهای مجازی از طریق شبکه جهانی اطلاع‌رسانی، جهت بهره‌گیری از سرعت، گسترش بازار، شفافیت، فراگیری و جامعیت اطلاعات

د- فراهم کردن بسترهای لازم، برای ایجاد نقاط تجاری و پایانه‌های صادراتی، با اولویت در مبادی گمرکی

ه- تکمیل مبانی قانونی و تجهیز مبادی و مجاری پیشرفته، برای ترانزیت و عبور مطمئن، آزاد و سریع کلیه کالاها و خدمات با نرخ رقابتی، همراه با تجمع کلیه حقوق دریافتی و عوارض متناسب و واریز منابع حاصل به حساب درآمد عمومی

و- هدفمند کردن حمایت‌های مستقیم صادراتی، شامل جایزه و یارانه صادراتی برای صدور کالاها و خدمات و اعطای اعتبار صادراتی در حوزه‌های دارای مزیت نسبی و همچنین حمایت غیر مستقیم و تهیه و اجرای طرحهای نهادهای پشتیبان، در جهت رشد تولید، صادرات و ارتقای رقابت‌پذیری

ز- اعمال مشوقهای لازم و گسترش پوشش بیمه‌ای، برای صادرات کالا و خدمات، به ویژه خدمات فنی و مهندسی و اعطای اعتبارات صادراتی به کشورهای هدف

- ح- استرداد حقوق ورودی مواد اولیه و کالای واسطه‌ای مورد استفاده در تولید کالاهای صادراتی، پس از صدور محصولات تولیدی، بر اساس آیین‌نامه‌ای که به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های بازرگانی، امور اقتصادی و دارایی، صنایع و معادن و جهاد کشاورزی، به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.
- ط- معافیت کالا و خدمات صادراتی از پرداخت هر گونه عوارض و مالیات اعم از ملی و منطقه‌ای
- تبصره-** در موارد خاص، برای مواد اولیه صادراتی، با تشخیص شورای عالی صادرات، عوارض یا مابه‌التفاوت وضع می‌گردد.
- ی- معافیت صادرات کالا و خدمات از اخذ هر گونه مجوز، به استثنای استانداردهای اجباری و گواهی‌های مرسوم در تجارت بین‌الملل (مورد درخواست خریداران)
- تبصره-** شورای عالی صادرات موظف است، هر سال فهرست کالاهای معاف از مجوز استاندارد را مشخص نماید.
- ک- ایجاد بستر و تسهیلات لازم، برای معاوضه (Swap) کالاها و انرژی (همنام و غیر همنام)
- ل- برخورداری صادرکنندگان خدمات، به ویژه خدمات فنی و مهندسی از سایر حمایتها، علاوه بر مشوقها و امتیازات صادرات کالا، به موجب آیین‌نامه‌ای که به پیشنهاد وزارت بازرگانی، به تصویب شورای عالی صادرات می‌رسد.

۶۷ ماده

- به منظور توسعه بخش بازرگانی خارجی متناسب با نیاز توسعه اقتصادی کشور، تسهیل تعاملات جهانی، گسترش صادرات و جذب سرمایه‌گذاری خارجی و فناوری نوین، دولت موظف است برنامه ملی توسعه بخش بازرگانی را با محورهای ذیل تنظیم و اجرا نماید:
- الف-** توسعه صادرات کالاها و خدمات و افزایش دسترسی به بازارهای جهانی
- ب-** افزایش توانمندی اقتصاد کشور و آماده‌سازی بنگاههای اقتصادی در راستای ایجاد شرایط بهینه برای الحاق به سازمان تجارت جهانی

- ج- انعقاد موافقت‌نامه‌های تجاری و در صورت لزوم تجارت آزاد با کشورها و تشکلهای اقتصادی و فرامنطقه‌ای در جهت افزایش سهم تجارت منطقه‌ای در کل مبادلات کشور
- د- برقراری هماهنگی میان سیاستهای مالی و پولی با سیاستهای استراتژیک تجاری
- ه- ایجاد نظم کارآمد، تنظیم تعرفه‌ها در جهت رقابت‌پذیری کشور و حمایت منطقی از تولیدات داخلی
- و- ایجاد توازن تجاری با کشورهای طرف همکاری و بلوکهای اقتصادی به طوری که سهم صادرات غیرنفتی از کل صادرات کشور از بیست و سه و یک دهم درصد (۲۳/۱٪) در سال ۱۳۸۲ به سی و سه و شش صدم درصد (۳۳/۶٪) در سال ۱۳۸۸ برسد.
- ز- ساماندهی بازارچه‌ها و مبادلات مرزی از طریق اصلاح نظام اجرایی، معیارهای تشکیل و رویه‌های اداری و هماهنگی با جهت‌گیری‌های اصلی تجاری کشور
- ح- کاهش حجم تجارت زیر زمینی (قاچاق کالا) از طریق افزایش ریسک و هزینه قاچاق کالا و کاهش هزینه مبادله رسمی

◀ ماده ۶۸

به دولت اجازه داده می‌شود، در طول برنامه چهارم به منظور کاهش قاچاق کالا، حمایت منطقی و هدفمند از تولیدات داخلی، شفاف‌سازی مقررات، کاهش تعدد رویه‌های واردات و فراهم‌سازی بستر مناسب برای الحاق به سازمان جهانی تجارت، نظام تعرفه‌ای بازرگانی خارجی کشور را بر اساس محورهای ذیل تنظیم نماید:

- ۱- حذف کلیه موانع غیرتعرفه‌ای و غیرفنی با رعایت ممنوعیتهای شرعی و قانونی با زمانبندی معین و وضع نرخهای معادل تعرفه‌ای در قالب پیش آگهی حداکثر تا پایان سال اول برنامه چهارم
- ۲- کاهش دامنه و تعداد طبقات تعرفه‌ای با رعایت نرخ حمایت مؤثر تعرفه‌ای از تولیدات داخلی
- ۳- برقراری تعرفه‌های ترجیحی و انعقاد موافقت‌نامه‌های دو یا چند جانبه تجاری و در صورت لزوم تجارت آزاد با کشورها و تشکلهای اقتصادی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

۴- اتخاذ و اعمال تدابیر اقدامات مؤثر حفاظتی، جبرانی و ضد دامپینگ در مواردی که کالایی با شرایط غیرمعارف و با امتیاز قابل توجه به کشور وارد می‌شود.

۵- اصلاح و بازنگری قوانین و مقررات مربوط به واردات به منظور ایجاد شفافیت در نظام تجاری و کاهش رویه‌های متعدد واردات

آیین‌نامه اجرایی این ماده با پیشنهاد وزارت بازرگانی با رعایت "قانون تمرکز امور صنعت و معدن و تشکیل وزارت صنایع و معادن مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۶" حداکثر ظرف مدت شش ماه به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

◀◀ ماده ۶۹

به دولت اجازه داده می‌شود، به منظور کاهش هزینه‌های تمام شده کالاها و خدمات تولیدی کشور و تقویت توان رقابتی محصولات صادراتی کشور در بازارهای بین‌المللی، به منظور گسترش کاربرد فناوری ارتباطات و اطلاعات در اقتصاد، بازرگانی و تجارت، در راستای تسهیل تجاری و کاهش شکاف با اقتصاد بین‌المللی، اقدامهای ذیل را انجام دهد:

الف- تهیه و تدوین قوانین و مقررات مورد نیاز، در استفاده از فناوری ارتباطات و اطلاعات در اقتصاد، بازرگانی و تجارت و ارائه طرح جامع امنیت مبادلات الکترونیکی، تا پایان سال دوم برنامه چهارم

ب- فرهنگ‌سازی عمومی و ترویج استفاده از فناوری و ارتباطات و اطلاعات

ج- فراهم نمودن شرایط فنی، حقوقی و قانونی، برای مناطق آزاد تجاری، صنعتی به نحوی که تا پایان برنامه چهارم، انجام مبادلات تجاری این مناطق، از طریق الکترونیکی امکانپذیر باشد.

د- شکل‌دهی فضای کسب و کار الکترونیکی **EB** در درون بنگاههای اقتصادی از طریق تشویق و ترغیب آنها

ه- وزارتخانه‌ها، سازمانهای تولیدی، خدماتی و اقتصادی موظف هستند، با تجهیز واحدهای خود و با رعایت استانداردها و چارچوب نظام بازرگانی و تجارت الکترونیکی که توسط وزارت بازرگانی و دیگر دستگاههای مرتبط اعلام می‌گردد، اقدامهای ذیل را به عمل آورند:

- ۱- به روز آوری پایگاهها و مراکز اطلاع‌رسانی و ارائه خدمات دستگاه مربوط در محیط رایانه‌ای و شبکه‌ای از ابتدای برنامه چهارم
 - ۲- انجام مناقصه‌ها، مزایده‌ها و مسابقه‌های خرید و فروش کالا و خدمات و عملیات مالی- اعتباری، در محیط رایانه‌ای و شبکه‌های اطلاع‌رسانی
 - ۳- انجام فعالیتهای تدارکاتی و معاملاتی در قالب تجارت الکترونیکی، از سال دوم برنامه چهارم
- ز- قوه قضائیه موظف است، شعبه یا شعبی از دادگاهها را برای بررسی جرایم الکترونیکی و نیز جرایم مربوط به تجارت الکترونیکی و تجارت سیار، اختصاص دهد.

◀◀ ماده ۷۰

وزارت بازرگانی مجاز است به منظور ارائه خدمات مورد نیاز به شرکتهای صادراتی و در جهت رونق بخشیدن به تجارت خارجی کشور، نسبت به راه‌اندازی دفاتر، شعب و یا نمایندگی‌های سازمان توسعه تجارت در کشورهای هدف با اخذ مصوبه از هیئت وزیران اقدام نماید.

◀◀ ماده ۷۱

دولت موظف است، به منظور تسهیل تجارت و حمل و نقل، استقرار صنایع دریایی، گسترش گردشگری، کمک به بهره‌برداری پایدار منابع شیلاتی و استفاده بهینه از این مناطق، برای توسعه فعالیتهای تولیدی و خدمات دریایی، با حفظ امور سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت برای خود، ضمن واگذاری رقابتی امور تصدی به بخشهای غیر دولتی در مناطق ساحلی و دریاها، با انجام مطالعات تطبیقی در قوانین، مقررات، آیین‌نامه‌ها، اساسنامه‌ها و شرح وظایف دستگاههای اجرایی مرتبط با فعالیتهای دریایی، لوائح مورد نیاز برای توسعه فعالیتهای دریایی را با اصلاح قوانین مرتبط و حذف وظایف موازی، مشابه و متضاد و تجمیع وظایف همگن و متجانس هر یک از دستگاهها، تفکیک کامل وظایف دستگاهها، برای اعمال حاکمیت و بر اساس محورهای زیر تهیه و برای تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه نماید:

- الف-** یکسان‌سازی تعاریف و اصطلاحات قانونی (با ملاحظه تعاریف و اصطلاحات بین‌المللی) کنوانسیونهای بین‌المللی که ایران عضو آنها است.
- ب-** برقراری امنیت و تأمین نظم، تعیین مقررات حقوقی و رویه‌های قضایی
- ج-** انجام کلیه امور تجاری، از طریق بنادر و اسکله‌های تجاری و گمرکات رسمی
- د-** ایمنی در دریا، بیمه‌های دریایی و امداد و نجات در دریا
- ه-** حفاظت از محیط زیست و تعیین حریمها و پهنه‌بندی نواحی ساحلی و آبهای داخلی و بین‌المللی
- و-** بهره‌برداری پایدار از نواحی ساحلی، دریایی، حمایت از ناوگانهای جمهوری اسلامی ایران بر اساس قواعد بین‌المللی و حمایت از سرمایه‌گذارها در فعالیتهای اقتصادی، نظیر: حمل و نقل دریایی، منابع تجدیدناپذیر دریایی (نفت و گاز، معادن و ...)، منابع تجدیدپذیر دریایی (آبزیان و ...)، گردشگری دریایی، خدمات پشتیبانی و صنعتی دریایی
- ز-** آموزشهای علمی، مهندسی، مدیریت، حقوقی و مهارتهای تخصصی دریایی و دریانوردی
- ح-** تحقیقات دریایی، ثبت پایش اطلاعات اقیانوس‌شناسی و فناوری اطلاعات و ارتباطات دریایی
- ط -** حمایت از ناوگان ملی بر اساس قواعد بین‌المللی

◀ ماده ۷۲

وزارت بازرگانی موظف است به منظور نوین‌سازی بازرگانی داخلی کشور، بهبود شبکه توزیع و ارتقای سطح بهره‌وری نظام تأمین و توزیع و نیز الزام بخشهای اقتصادی به رعایت آنها، ظرف مدت شش ماه پس از ابلاغ این لایحه، نظام جامع بازرگانی داخلی با محوریت موارد ذیل تهیه و به تصویب هیئت وزیران برساند:

- نوین‌سازی شبکه‌های توزیع کشور
- تهیه برنامه بهبود مدیریت، کیفیت، افزایش کارآیی، بهره‌وری و بهبود مقیاس فعالیتها در تجارت داخلی
- ساماندهی اصناف و بنگاههای کوچک

- ارتقای کارایی نظام تأمین کالا در کشور
- حمایت از تحقیق و توسعه، سودآوری و نوین‌سازی تجارت و ابتکار و خلاقیت در حوزه بازرگانی
- یکپارچگی، شفاف‌سازی قوانین و مقررات تجاری و تسهیل و روان‌سازی امور تجاری
- فراهم نمودن و گسترش فضای کسب و کار الکترونیکی
- تهیه و اجرای طرح جامع نظام تجاری شهرها و پارکهای صنعتی
- اصلاح نظام قیمت‌گذاری و پایشگری مداوم آن

◀ ماده ۷۳

به منظور تعامل و مشارکت مؤثر در عرصه اقتصاد جهانی و سازماندهی کارآمد تولید و فناوری کشور، برای همکاریهای منطقه‌ای و بین‌المللی، اقدامهای زیر باید معمول گردد:

الف- دولت مکلف است، به منظور هم‌پیوندی فعال با اقتصاد جهانی و رونق بخشیدن به تجارت خارجی، قانون مقررات صادرات و واردات، قانون امور گمرکی و قانون مناطق آزاد تجاری و صنعتی را بازنگری و اصلاح، و مقررات ضد دامپینگ را تدوین نموده و به تصویب مراجع ذی‌ربط برساند.

ب- با توجه به شرایط و ویژگیهای کلان اقتصادی، اجتماعی، فضایی هر یک از مناطق آزاد کشور، فعالیت غالب این مناطق، به شرح ذیل تعیین می‌شود:

۱- منطقه کیش، با اولویت فعالیتهای گردشگری، خدمات بازرگانی و خدمات علمی، فرهنگی،

آموزش عالی و توسعه صنایع دستی

۲- منطقه قشم، با اولویت فعالیتهای تولیدی با گرایش تجارت نفت و فرآورده‌های نفتی، صنایع

نفت و خدمات پشتیبانی نفت، صادرات، صادرات مجدد، خدمات بازرگانی و ترانزیت کالا و

خدمات علمی، فرهنگی و آموزش عالی

۳- منطقه چابهار، با اولویت خدمات بازرگانی و ترانزیت کالا، فعالیتهای تولیدی و خدمات علمی،

فرهنگی و آموزش عالی

۴- منطقه بندرانزلی، با اولویت فعالیتهای تولیدی در زمینه صنایع تکمیلی تولیدات کشاورزی، صنایع دستی و کالاهای فرهنگی و توسعه فعالیتهای تکمیلی زنجیرههای تولیدی کالاهای اولیه و واسطه‌ای وارداتی

۵- منطقه جلفا، با اولویت توسعه فعالیتهای تولیدی و صنایع تبدیلی کشاورزی با گرایش صادرات، خدمات بازرگانی، ترانزیت کالا به کشورهای منطقه قفقاز و ارائه خدمات علمی و فرهنگی

۶- منطقه اروند (آبادان - خرمشهر)، با اولویت ترانزیت، انبارداری، فراوری محصولات کشاورزی، توسعه تجارت و خدمات بازرگانی، فرهنگی، آموزش عالی و گردشگری

تبصره ۱- تشکیل مناطق آزاد جدید ممنوع است.

تبصره ۲- توسعه فعالیتهای بانکی و بیمه‌ای در مناطق یاد شده در این بند، با اولویت منطقه کیش

مورد تأکید می‌باشد.

ج- دولت مکلف است، نسبت به تکمیل و ایجاد تأسیسات و تجهیزات زیربنایی مورد نیاز اقدام و همچنین به دولت اجازه داده می‌شود، نسبت به اصلاح محدوده‌های مورد نیاز هر یک از مناطق آزاد مذکور در بند "ب" این ماده، تا پایان برنامه چهارم اقدام نماید.

د- دولت موظف است، به منظور ایجاد مزیت رقابتی در مناطق آزاد و جذب سرمایه‌های خارجی، انرژی مصرفی مورد نیاز را برای مصرف خانگی، به نرخ داخلی تأمین نماید.

ه- به منظور اعمال مدیریت واحد و یکپارچه در مناطق آزاد کشور، مدیریتهای سازمانهای مناطق آزاد به نمایندگی از طرف دولت، بالاترین مقام اجرایی منطقه محسوب می‌شوند و کلیه دستگاههای اجرایی مستقر در مناطق آزاد، به استثنای دستگاهها و نهادهای دفاعی و امنیتی مکلف هستند، ضمن رعایت مفاد ماده (۲۷) "قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۲/۶/۷"، نسبت به اصلاح و رفع مغایرتهای مقرراتی خود با مقررات مناطق آزاد، اقدام نمایند.

و- وزارت امور خارجه موظف است، به منظور زمینه‌سازی برای توسعه فعالیتهای اقتصادی در حوزه سیاست خارجی، نسبت به تجهیز نیروی انسانی متخصص نمایندگیهای خارج از کشور، در

زمینه‌های اقتصادی و تجاری، اقدام نموده و گزارش عملکرد فعالیت‌های انجام شده را، هر شش ماه یک بار، به مراجع ذی‌ربط (شورای عالی صادرات، شورای عالی خدمات فنی و مهندسی و هیئت وزیران) ارائه نماید.

وزارت امور خارجه موظف است، با همکاری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، وزارت بازرگانی و وزارت امور اقتصادی و دارایی، آیین‌نامه اجرایی این بند را، حداکثر ظرف مدت شش ماه پس از تصویب این لایحه، تهیه و جهت تأیید به هیئت وزیران پیشنهاد نماید.

◀ ماده ۷۴

دولت مکلف است:

الف- به منظور سیاست‌گذاری، راهبری و ایجاد انسجام و هماهنگی در قلمرو برنامه‌ها و عملیات مناطق آزاد، در راستای برنامه‌ها و جهت‌گیری‌های کشور، نسبت به اصلاح و نوسازی دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد و برپایی نظام تشکیلاتی کارآمد، برای آن که پاسخگوی این مناطق در تعامل با تشکیلات کلان کشور باشد، اقدام نماید.

ب- در زمینه گسترش ارتباطات علمی با مراکز و نهادهای آموزشی و تحقیقاتی معتبر بین‌المللی، وزارتخانه‌های "علوم، تحقیقات و فناوری" و "بهداشت، درمان و آموزش پزشکی"، نسبت به صدور مجوز جهت ایجاد دانشگاه‌های خصوصی، به ویژه در مناطق آزاد تجاری صنعتی، با مشارکت سرمایه‌گذاران، اعم از داخلی و خارجی و یا با مشارکت تحت لیسانس دانشگاه‌های دولتی، اقدام نماید.

ج- به منظور بهره‌گیری از موقعیت مناطق آزاد در زمینه تجارت نفت، سوخت‌رسانی و ارائه خدمات به کشتی‌های عبوری از خلیج فارس و دریای عمان، سازمان‌های مناطق آزاد با همکاری دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط، مکلف‌اند پس از مطالعات امکان‌سنجی زیربناها، آیین‌نامه‌های اجرایی آن را، تا پایان سال دوم برنامه چهارم، فراهم آورند.

◀ ماده ۷۵

دولت موظف است، به منظور گسترش صادرات، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و فناوریهای نوین، نسبت به تدوین و تصویب سیاستهای استراتژیک تجاری، اقدام و محورهای ذیل را مد نظر قرار دهد:

الف - انعقاد موافقتنامه‌های ترجیحات و در صورت لزوم تجارت آزاد با کشورها و تشکلهای اقتصادی منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای

ب - آماده‌سازی بنگاههای اقتصادی و ایجاد بسترهای لازم، برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی

ج - استفاده مطلوب از ابزارهای دیپلماتیک، در جهت نهادینه کردن روابط اقتصادی

د - برقراری هماهنگی میان سیاستهای مالی و پولی، با سیاستهای استراتژیک تجاری

آیین‌نامه اجرایی این ماده، توسط وزارت بازرگانی، با همکاری وزارتخانه‌های صنایع و معادن، امور اقتصادی و دارایی، جهاد کشاورزی، امور خارجه، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن، اتاق تعاون و تشکلهای غیر دولتی ذی‌ربط تهیه، و به تصویب هیئت وزیران، خواهد رسید.

◀ مواد ۷۶ الی ۷۸

مواد (۱۱۴)، (۱۱۷) و تبصره "۳" ماده (۸۶) "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن" برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد.

① ماده ۱۱۴

تنظیم بازار داخلی موجب ممنوعیت صدور نمی‌گردد و صدور کلیه کالاها و خدمات، به جز موارد ذیل مجاز خواهد بود:

الف - اشیاء عتیقه و میراث فرهنگی.

ب - اقلام دامی یا نباتی که جنبه حفظ ذخایر ژنتیک و یا حفاظت محیط زیست داشته باشند.

ج - صادرات کالاهائی که دولت برای تأمین آنها مستقیماً یارانه پرداخت می کند با پیشنهاد دستگاه مربوطه و تصویب شورای اقتصاد مجاز می باشد.

تبصره - به منظور تنظیم بازار داخلی و جبران کمبود احتمالی، وزارت بازرگانی مجاز است در مواردی که تشخیص می دهد از طریق واردات بدون انتقال ارز نسبت به جبران نیازهای داخلی اقدام نماید.

ماده ۱۱۷

به منظور تنظیم خطمشی های صادرات کشور و تعیین کمکها و تسهیلات قابل ارائه به بخش صادرات و رفع مشکلات و موانع آن و اجرای سیاستهای مصوب برنامه سوم، شورای عالی توسعه صادرات غیر نفتی به ریاست رئیس جمهور یا معاون اول وی و عضویت وزیران بازرگانی، صنایع، معادن و فلزات، تعاون، امور خارجه، نفت، امور اقتصادی و دارایی، کشاورزی، جهاد سازندگی و رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و مدیر عامل بانک توسعه صادرات و رؤسای مرکز توسعه صادرات ایران، گمرک جمهوری اسلامی ایران، اتاق بازرگانی، صنایع و معادن ایران و اتاق تعاون تشکیل می شود. دبیرخانه شورای مزبور در وزارت بازرگانی مستقر بوده و پیشنهادهای این شورا پس از تصویب هیئت وزیران در حدود قوانین مربوط در ارتباط با ایجاد تسهیلات صادراتی برای کلیه وزارتخانه ها، مؤسسات و شرکتهای دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی و همچنین اشخاص خصوصی اعم از حقوقی و حقیقی لازم الاجرا خواهد بود. سه نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از کمیسیونهای اقتصادی و برنامه و بودجه و محاسبات به عنوان ناظر در جلسات شورای عالی توسعه صادرات غیر نفتی شرکت می نمایند. دبیرخانه شورای مذکور موظف است گزارش عملکرد شورا را هر سه ماه یکبار به کمیسیونهای مذکور ارسال نماید.

کمیته توسعه صادرات استان به ریاست استاندار و عضویت مدیران کل بازرگانی، گمرک، سازمان برنامه و بودجه و ادارات کل ذی ربط حسب مورد و مدیر عامل بانک صادرات استان تشکیل می شود. وظایف دبیرخانه کمیته توسعه صادرات استان بر عهده اداره کل بازرگانی استان خواهد بود.

۵ تبصره ۲- ماده ۸۶

تبصره ۲- وزارت بازرگانی مسئول تنظیم تراز تجاری کشور خواهد بود و کلیه وزارتخانه‌ها موظف‌اند در تهیه برنامه‌های عملیاتی و تقسیم اهداف کمی و کیفی، تنظیم و تفوق تراز تجاری کشور همکاری لازم با وزارت بازرگانی به عمل آورند.

فصل سوم

رقابت پذیری اقتصاد

◀ ماده ۷۹

دولت موظف است، در جهت ایجاد فضا و بسترهای مناسب، برای تقویت و تحکیم رقابت پذیری، اقدامهای ذیل را به عمل آورد:

- الف- حذف تبعیضهای اقتصادی و ایجاد فرصتهای برابر، برای کلیه اشخاص
- ب- هماهنگ سازی نظامهای قانونی و حقوقی اقتصادی، بازرگانی و فنی کشور، با نظامها و کنوانسیونهای بین المللی در جهت تقویت رقابت پذیری
- ج- حذف و یا کنترل انحصارات موجود دولتی و تسهیل رقابت
- د- حمایت از تولید کالاها و خدمات در عرصه های نوین و پیشتاز فناوری در کشور، از طریق اختصاص بخشی از تقاضای دولت به خرید این تولیدات
- ه- بیمه نامه های صادره از سوی مؤسسات بیمه، به عنوان وثیقه دریافت تسهیلات بانکی، معتبر خواهد بود.
- و- ایجاد زمینه مشارکت تشکلهای قانونی غیر دولتی صنفی - تخصصی بخشهای مختلف، در برنامه ریزی و سیاست گذاری در زمینه های ذی ربط
- ز- ایجاد و توسعه زیربنای نوین، از جمله گسترش شالوده ارتباطی، مخابراتی - داده ورزی، پایگاههای اطلاع رسانی و نظایر آن، به منظور دستیابی به مزیت های رقابتی و نسبی کشور و توسعه خدمات بازرگانی، فنی، مالی، بانکی و بیمه ای نوین
- ح- بازرگاری در ستادهای برنامه ریزی و سیاست گذاری دولتی، مرتبط با زیربنای تولید و تجارت، به منظور حرکت کلی بخشهای مختلف همسو با تحولات فناوری در سطح بین المللی

ط- استفاده از ابزارهای رسانه‌ای و آموزش عمومی، به منظور توسعه فرهنگ خودباوری و ترجیح استفاده از تولیدات داخلی و نیز روحیه تلاش کارآفرینی و فعالیت خلاق، برای جهش صادرات کالا و خدمات

ی- به منظور ایفای نقش مطلوب، توسط سازمانهای توسعه‌ای که به موجب اساسنامه قانونی خود به سرمایه‌گذاری مشترک با بخش غیر دولتی مجاز می‌باشند، سازمانهای توسعه‌ای از رقابت با بخش غیر دولتی منع می‌گردند و فعالیتهای خود را صرفاً در جهت تقویت سرمایه‌گذاری بخش غیر دولتی و خروج از سرمایه‌گذاری مذکور در حداقل زمان ممکن، ساماندهی خواهند نمود.

« ماده ۸۰

دولت موظف است، از ابتدای برنامه چهارم در قلمروهای اقتصادی که انحصار طبیعی و یا قانونی وجود دارد و همچنین در قلمروهایی که انحصارات جدید، ناشی از توسعه اقتصادی شبکه‌ای و فناوری اطلاعات و ارتباطات به وجود می‌آیند، با رعایت حقوق شهروندان، اقدامهای ذیل را به عمل آورد:

الف- جلوگیری از ایجاد انحصارات جدید، لغو انحصارات قانونی قابل حذف، با تصویب هیئت وزیران طی دو سال اول برنامه چهارم

ب- تشکیل نهاد "تنظیم مقررات و داوری"، به منظور برقراری فضای رقابتی در سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری، در حوزه انحصارات طبیعی، با اعطای امتیازات مشابه و توانمندسازی رقبای غیر دولتی، تنظیم روابط اقتصادی، حقوقی و داوری نهایی در هر بخش اقتصادی با شرایط نسبتاً انحصاری، متشکل از ۱۱ نفر شامل: نماینده تام‌الاختیار دستگاه اجرایی دولتی ذی‌ربط، نمایندگان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و بازرگانی، قاضی دیوان عالی کشور به انتخاب قوه قضائیه، نماینده بنگاههای اقتصادی خصوصی ذی‌ربط، نماینده اطاق بازرگانی و صنایع و معادن، نماینده تشکل صنفی ذی‌ربط، نماینده جامعه حسابداران رسمی ایران و دو متخصص مستقل غیر دولتی (به انتخاب هیئت وزیران)

تبصره - در وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات این وظیفه را به عهده خواهد داشت.

ج - وظایف نهاد "تنظیم مقررات و داوری"، عبارت است از: تأیید شرایط صدور اجازه فعالیت، تعیین چارچوب قیمت‌گذاری کالا و خدمات انحصاری، تنظیم مقررات تعرفه، مقررات رقابت، مقررات حمایت از حقوق مصرف‌کننده، تضمین و تعیین تعرفه‌های دسترسی به شبکه پایه، تعیین کیفیت، ایمنی و استاندارد خدمات، حل و فصل اختلافات فنی و مهندسی و تجاری بین بنگاهها، بین بنگاهها و دولت، اعلام ضوابط حل اختلاف بین بنگاهها و مشتریان، نظارت بر رعایت قوانین ضد انحصار و نظارت بر رعایت شرایط رقابتی

د - به منظور منطقی نمودن بهای مصرف آب، برق، گاز، تلفن و استفاده از شبکه فاضلاب و متناسب نمودن نرخهای ترجیحی، در جهت حمایت از تولید، نهاد "تنظیم مقررات و داوری"، همه ساله نرخ فروش (اعم از بهای مصرف و آب‌نمان) را متناسب با هدف فوق تعیین خواهد نمود و چنانچه در مواردی نرخهای تعیین شده، کمتر از قیمت کارشناسی شده توسط نهاد مزبور باشد، دولت موظف به پرداخت مابه‌التفاوت قیمت کارشناسی و تکلیفی و یا تهاتر با بدهی دستگاه ذی‌ربط به دولت، خواهد بود.

تبصره - دولت موظف است، برای تأمین آب، برق، گاز، تلفن و راه دسترسی تا ورودی شهرکهای صنعتی و نواحی صنعتی، با اعلام دستگاه ذی‌ربط اقدامهای لازم را به عمل آورد.

ه - آیین‌نامه اجرایی این ماده شامل: اساسنامه، نحوه انتخاب، شرایط نمایندگان و نحوه فعالیت نهاد "تنظیم مقررات و داوری" به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

◀ ماده ۸۱

دولت موظف است، در جهت تجدید ساختار و نوسازی بخشهای اقتصادی، در برنامه چهارم، اقدامهای ذیل را به عمل آورد:

الف- اصلاح ساختار و ساماندهی مناسب بنگاههای اقتصادی و تقویت رقابت‌پذیری آنها، از طریق:

۱- حمایت از شکل‌گیری بنگاههای کوچک و متوسط، از طریق ایجاد فرایندهای پرورش دهنده و تقویت‌کننده کارآفرینی

۲- حمایت از ایجاد پیوند مناسب، بین بنگاههای کوچک، متوسط، بزرگ (اعطای کمکهای هدفمند) توسعه شبکه‌ها، خوشه‌ها و زنجیره‌ها و انجام تمهیدات لازم برای تقویت توان فنی - مهندسی - تخصصی، تحقیق و توسعه و بازاریابی در بنگاههای کوچک و متوسط و توسعه مراکز اطلاع‌رسانی و تجارت الکترونیک برای آنها

۳- رفع مشکلات و موانع رشد و توسعه، بنگاههای کوچک و متوسط و کمک به بلوغ و تبدیل آنها به بنگاههای بزرگ و رقابت‌پذیر و اصلاح ساختار قطبی کنونی

۴- حمایت از ایجاد مؤسسات و تشکلهای غیر دولتی پشتیبان بنگاههای کوچک و متوسط و توسعه آموزشهای مهارتی فنی و حرفه‌ای و تخصصی پودمانی و ارتقای بهره‌وری و کیفیت در این گونه بنگاهها

ب- اعمال سیاستهای حمایتی تولیدی، به منظور تقویت بنیانهای رقابت‌پذیری و شکوفایی مزیت‌های نسبی و رقابتی

ج- شناسایی و عملیاتی نمودن محورهای اصلی مزیت‌های رقابتی و نسبی، و برنامه‌ریزی، برای بهره‌گیری مطلوب از مزیت‌های نسبی و خلق مزیت‌های رقابتی جدید در سطح استانها

د- انطباق نظامهای ارزیابی کیفیت با استانداردهای بین‌المللی، توسعه و ارتقای سطح استانداردهای ملی و مشارکت فعال در تدوین استانداردهای بین‌المللی، افزایش مستمر انطباق محصولات با استانداردهای ملی و بین‌المللی و ممنوعیت خرید کالاهای غیر منطبق با استاندارد ملی اجباری توسط دستگاههای مشمول ماده (۲۴۷) این لایحه، مؤسسات عمومی غیر دولتی و مجریان طرحهای تملک‌داری‌های سرمایه‌ای

ه- قیمت‌گذاری به کالاها و خدمات عمومی و انحصاری و کالاهای اساسی محدود می‌گردد. فهرست و ضوابط تعیین قیمت این گونه کالاها و خدمات، بر اساس قواعد اقتصادی، ظرف شش ماه پس از

تصویب این لایحه، با پیشنهاد کارگروهی متشکل از وزارت بازرگانی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و وزارتخانه‌های ذی‌ربط و تصویب هیئت وزیران تعیین می‌گردد. چنانچه دولت به هر دلیل فروش کالا یا خدمات فوق‌الذکر را به قیمتی کمتر از قیمت تعیین شده تکلیف کند، مابه‌التفاوت قیمت تعیین شده و تکلیف شده می‌باید همزمان تعیین و از محل اعتبارات و منابع دولت در سال اجرا، پرداخت گردد و یا از محل بدهی دستگاه ذی‌ربط به دولت تهاتر شود.

◀ ماده ۸۲

دولت موظف است، در جهت ارتقای سطح و جذب فناوریهای برتر در بخشهای مختلف اقتصادی، اقدامهای ذیل را در برنامه چهارم به عمل آورد:

الف- برای ادغام شرکتهای، بنگاهها و شکل‌گیری شرکتهای بزرگ در مقیاس جهانی، اقدامهای ذیل مجاز است:

ادغام شرکتهای تجاری موضوع باب سوم "قانون تجارت"، مادامی که موجب ایجاد تمرکز و بروز قدرت انحصاری نشود، به شکل یک جانبه (بقای یکی از شرکتهای - شرکت پذیرنده و ادغام و انحلال یک یا چند شرکت دیگر موضوع ادغام) و یا شکل دو جانبه (انحلال دو یا چند شرکت موضوع ادغام و ایجاد شخصیت حقوقی جدید - شرکت جدید)، با تصویب چهار پنجم صاحبان سهام در مجمع عمومی فوق‌العاده شرکتهای سهامی یا چهار پنجم صاحبان سرمایه در سایر شرکتهای تجاری موضوع ادغام، مجاز خواهد بود.

کلیه حقوق و تعهدات، دارایی، دیون و مطالبات شرکت یا شرکتهای موضوع ادغام، به شرکت پذیرنده ادغام، یا شرکت جدید انتقال خواهند یافت و پس از ادغام، شرکت پذیرنده ادغام، یا شرکت جدید با توجه به نوع آن مطابق مقررات "قانون تجارت"، اداره خواهد شد.

کارکنان شرکتهای موضوع ادغام به شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید انتقال خواهند یافت. در صورت عدم تمایل برخی کارکنان با انتقال شرکت پذیرنده ادغام، یا شرکت جدید، شرکت مزبور مکلف به بازخرید آنان مطابق مقررات "قانون کار مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹" می‌باشد. چنانچه شرکت پذیرنده ادغام، یا شرکت جدید در موارد خاص با نیروی کار مازاد مواجه باشد، مطابق "قانون تنظیم

بخشی از مقررات تسهیل نوسازی صنایع کشور و اصلاح ماده (۱۱۳) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۲/۵/۲۶ عمل خواهد شد. سرمایه شرکتی که از ادغام شرکتهای موضوع این بند حاصل می‌گردد، تا سقف مجموع سرمایه شرکتهای ادغام شده در آن، از پرداخت مالیات موضوع ماده (۴۸) "قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳" و اصلاحیه‌های آن معاف است.

سایر ضوابط و تشریفات ادغام شرکتهای به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های بازرگانی و امور اقتصادی و دارایی، به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید. دولت موظف است شرایط پیشگیری از ایجاد تمرکز، اعمال بروز قدرت، انحصار، دامنه مفید و مجاز ادغامها را تدوین، و در تدوین لایحه "تسهیل رقابت و کنترل انحصار"، پیش‌بینی نماید.

ب- ایجاد مناطق ویژه صنایع، مبتنی بر فناوریهای برتر، در جوار قطبهای علمی - صنعتی کشور و نزدیک به فرودگاههای بین‌المللی (بر اساس مطالعات مدون)، در جهت ترغیب و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی و تسهیل جریان ورود و خروج متخصصان، ابزارها و فراهم نمودن فضای حقوقی مناسب

ج- استفاده مطلوب از سرمایه‌های انسانی، کارآفرینان، مخترعان، مدیران و متخصصان ایرانی مقیم خارج از کشور، در جهت تقویت سرمایه علمی، فناوری و فیزیکی کشور، کسب دانش و مهارت و بازاریابی

د- ایجاد انگیزه به منظور تکیه تولید صنعتی، بر نهادهای مبتنی بر فناوری، به جای نهادهای صرفاً فیزیکی

ه- سازماندهی و تقویت صنایع نوین (صنایع مبتنی بر فناوری پیشرفته) و خدمات برتر، با تأکید بر رقابت‌پذیری و برون‌نگری از طریق سیاست‌گذاری، سرمایه‌گذاری در زیربناها و کمک به سرمایه‌گذاری بخش غیر دولتی، سرمایه‌گذاریهای مشترک، سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر و شهرکهای فناوری

و- ایجاد و توسعه نهادهای تخصصی تأمین مالی فناوری و صنایع نوین و فرایندهای هم‌افزایی و نفوذ فناوری در صنعت، از قبیل نهاد مالی سرمایه‌گذاری خطرپذیر و شهرکهای فناوری

ز - ایجاد مؤسسات پژوهشی برای توسعه فناوریهای پیشرفته و جدید از طریق مشارکت شرکتها و بنگاههای اقتصادی یا مراکز پژوهشی (آموزش عالی) کشور

◀ ماده ۸۳

دولت موظف است، در برنامه چهارم، در جهت بهبود فضای کسب و کار در کشور و زمینه‌سازی توسعه اقتصادی و تعامل با جهان پیرامون، اقدامهای ذیل را به عمل آورد:

الف- کنترل نوسانات شدید نرخ ارز در تداوم سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز، به صورت نرخ شناور مدیریت شده و با استفاده از ساز و کار عرضه و تقاضا، با در نظر گرفتن ملاحظات حفظ توان رقابت بنگاههای صادر کننده، و سیاست جهش صادرات

ب- تنظیم تعرفه‌های واردات نهادهای کالایی تولید (ماشین‌آلات و مواد اولیه)، مبتنی بر حمایت منطقی

و منطبق با مزیت‌های رقابتی از تولید داخلی آنها و در جهت تسهیل فعالیتهای تولیدی صادرات‌گرا

ج- برنامه‌ریزی و اجرای توسعه زیربناها با هدف کاهش هزینه‌های تولید، خلق مزیت‌های رقابتی و منطبق با نیازهای توسعه اقتصادی کشور

د- بازنگری قانون و مقررات مربوط به نیروی کار، با ساز و کار سه‌جانبه‌گرایی (دولت - کارگر - کارفرما)، به گونه‌ای که:

۱- تکالیف معطوف به تأمین اجتماعی و شغلی، از عهده بنگاهها و کارفرمایان برداشته، و از متن "قانون کار مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹" منتزع، و به قانون جامع تأمین اجتماعی و بیمه بیکاری، منتقل گردد.

۲- انعطاف لازم برای حل اختلافات در آن لحاظ شود.

۳- متناسب با شرایط و مقتضیات خاص بخشهای مختلف اقتصادی، مقررات خاصی را در متن

قانون پیش‌بینی و به مورد اجرا گذارد.

هـ- "لایحه جامع تسهیل رقابت و کنترل و جلوگیری از شکل‌گیری انحصارات" را، در سال نخست برنامه چهارم تهیه و به مجلس شورای اسلامی تقدیم کند.

و- نسبت به گسترش و تعمیق بازار سرمایه و تنوع ابزارهای مورد استفاده در آن اقدام نماید.

◀◀ مواد ۸۴ الی ۸۵

مواد (۳۴) و (۸۸) "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن" برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد.

📄 ماده ۳۴

انجام بیمه‌های دستگاههای اجرایی به صورت انحصاری با شرکت سهامی بیمه ایران، موضوع ماده (۳۰) قانون بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری مصوب ۱۳۵۰، موقوف‌الاجرا می‌شود و به دستگاههای اجرایی اجازه داده می‌شود نسبت به عقد قرارداد بیمه با شرکتهای بیمه داخلی اقدام کنند.

ضوابط اجرایی این ماده به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

📄 ماده ۸۸

به منظور استفاده حداکثر از توان فنی و مهندسی، تولیدی، صنعتی و اجرایی کشور، دستگاههای اجرایی موضوع این قانون موظف‌اند به هنگام انجام کلیه معاملات از پیمانکاران و سازندگان ایرانی در چارچوب رتبه‌بندی سازمان برنامه و بودجه دعوت به عمل آورند و با رعایت قانون حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی کشور در کلیه معاملات، شرایط یکسان ارزی و ریالی جهت پیمانکاران، مشاوران و سازندگان و تولیدکنندگان داخلی و خارجی معمول دارند.

فصل چهارم

توسعه مبتنی بر دانایی

◀ ماده ۸۶

دولت موظف است، نظر به اهمیت نقش دانش و فناوری و مهارت، به عنوان اصلی‌ترین عوامل ایجاد ارزش افزوده در اقتصاد نوین، اقدامهای زیر را به عمل آورد:

الف- نوسازی و بازسازی سیاستها و راهبردهای پژوهشی، فناوری و آموزشی، به منظور توانایی پاسخگویی مراکز علمی، پژوهشی و آموزشی کشور به تقاضای اجتماعی، فرهنگی و صنعتی، و کار کردن در فضای رقابت فزاینده عرصه جهانی، طی سال اول برنامه چهارم

ب- تهیه برنامه‌های جامع توسعه علمی و فناوری کشور (به ویژه فناوریهای نو و برتر) با هدف باز تعریف نقش نهادهای علمی و فنی، برای کاستن از شکاف علمی و فناوری با سطوح عالی علوم و فناوری روز جهانی، در بخشهای مختلف، طی سال اول برنامه چهارم

ج- بررسی و بازآفرینی گردش کار و فعالیت در کلیه بخشهای اجرایی، خدماتی و تولیدی کشور با هدف بهینه‌سازی فرایندهای کاری، تقلیل زمان و هزینه انجام کارها، تنوع بخشیدن به محصولات، و افزایش کیفیت آنها با استفاده از دانش و فناوریهای روز، بخصوص فناوری اطلاعات طی سالهای برنامه چهارم، و تصویب آن در مراجع ذی‌ربط

د- اقدامها و تسهیلات لازم با هدف بهره‌برداری حداکثر از ظرفیتهای ملی و منطقه‌ای در حوزه‌های فناوری اطلاعات، فناوری زیستی و ریزفناوری و ارتقای جایگاه و سهم ایران در زمینه ارتباطات و اطلاع‌رسانی منطقه‌ای از طریق توسعه زیرساختهای ارتباطی و گسترش فناوری اطلاعات، در قلمروهای اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی، طی سالهای برنامه چهارم

ه- بازنگری در ساختار و نوسازی فرایندهای تحقیقات و آموزش علوم انسانی و مطالعات اجتماعی و فرهنگی، به منظور توسعه کیفی و حرفه‌ای شدن پژوهش در حوزه مذکور و ایجاد توانایی

نظریه‌پردازی در حوزه‌های اجتماعی در سطح جهانی، و پاسخگویی به نیازهای تصمیم‌سازی در دستگاه‌های اجرایی کشور، طی سال اول برنامه چهارم

◀ ماده ۸۷

دولت موظف است، به منظور زمینه‌سازی گسترش نهضت نرم‌افزاری، استقرار جامعه اطلاعاتی و تضمین دسترسی گسترده، امن و ارزان شهروندان به اطلاعات مورد نیاز، به عنوان یک حق مسلم و ضرورت اساسی توسعه پایدار و برپاسازی منظومه اطلاع‌رسانی که دربر دارنده کلیه فرایندهای تولید و انتشار داده‌ها می‌باشد، اقدامهای ذیل را به عمل آورد:

الف- سیاست‌گذاری، تعیین راهبردها و هماهنگی، زیر نظر مستقیم رئیس جمهور

ب- ترغیب و تشویق تولید و عرضه انواع محتوی و اطلاعات به زبان فارسی، در محیط رایانه

ج- تکمیل و اجرایی نمودن قوانین مالکیت معنوی، در محیط‌های رایانه‌ای و شبکه‌ای

د- اتخاذ تدابیر لازم به منظور توسعه مراکز اطلاعاتی اینترنتی ملی IDC، با استفاده از توان بخش‌های

تعاونی و خصوصی، با هدف کسب سهم مناسب از بازار ارتباطات بین‌المللی و استفاده از فرصت

منطقه‌ای ارتباطی ایران

ه- انجام مطالعات فرهنگی- اجتماعی، به منظور جذب و بومی‌سازی فناوریهای نوین، به ویژه فناوری

اطلاعات

و- تهیه و تصویب سند راهبردی برقراری امنیت در فضای تولید و تبادل اطلاعات کشور در محیط‌های

رایانه‌ای حداکثر تا پایان سال اول برنامه چهارم.

◀ ماده ۸۸

دولت موظف است، به منظور گسترش بازار محصولات دانایی‌محور و دانش‌بنیان، تجاری‌سازی

دستاوردهای پژوهشی و نوآوری و گسترش نقش بخش خصوصی در این قلمرو، اقدامهای ذیل را به

انجام برساند:

الف- طراحی و استقرار کامل نظام جامع حقوق مالکیت معنوی، ملی و بین‌المللی، و پیش‌بینی ساختارهای اجرایی لازم

ب- تأمین و پرداخت بخشی از هزینه‌های ثبت جواز امتیاز علمی PATENT در سطح بین‌المللی، و خرید جوازهای امتیاز علمی ثبت شده داخلی، توسط تولید کنندگان

ج- اتخاذ تدابیر لازم، جهت بیمه قراردادهای پژوهشی، فنی و فعالیتهای تولیدی و خدماتی که بر اساس دستاوردها و نتایج یافته‌های پژوهشی داخلی، انجام می‌گیرد.

د- حمایت از کلیه پژوهشهای سفارشی (دارای متقاضی) از طریق پیش‌بینی اعتبار در بودجه سنواتی، مشروط به اینکه حداقل چهل درصد (۴۰٪) از هزینه‌های آن را، کارفرما تأمین و تعهد کرده باشد.

ه- توسعه ساختارها و زیربنای لازم، برای رشد فعالیتهای دانایی‌محور در بخش دولتی و خصوصی، نظیر ایجاد و گسترش پارکها و مراکز رشد علم و فناوری

و- اصلاح مقررات و ایجاد تسهیلات لازم، جهت ارجاع کار و عقد قرارداد فعالیتهای پژوهشی و فنی دولت با بخش خصوصی

ز- اتخاذ تدابیر و راهکارهای لازم، جهت حمایت مالی مستقیم از مراکز و شرکتهای کوچک و متوسط بخش خصوصی، برای انجام تحقیقات توسعه‌ای که منجر به ابداع، اختراع و ارتقای محصولات و روشها می‌شود.

ح- کمک به تأسیس و توسعه صندوقهای غیر دولتی پژوهش و فناوری

ط- کسب سهم در بازارهای بین‌المللی، از طریق ایجاد تسهیلات و برقراری مقررات حمایت از ورود بخش خصوصی، در قلمرو دانش و فناوری

ی- تهیه قوانین و مقررات نوین ارزیابی و ارزشگذاری کالا و خدمات نامشهود دانایی‌محور

ک- کمک به تأسیس و توسعه شرکتهای طراحی مهندسی

◀ ماده ۸۹

دولت موظف است، به منظور برپاسازی نظام جامع پژوهش و فناوری، با هدف افزایش تأثیرگذاری پژوهش و فناوری در توسعه اجتماعی، ارتقای بهره‌وری و تولید ثروت در کشور، اقدامهای ذیل را به انجام رساند:

الف- طراحی و پیاده‌سازی نظام ملی نوآوری، بر اساس برنامه جامع توسعه فناوری و گسترش صنایع نوین، به عنوان منظومه‌ای که در قالب آن، ارتباط ارگانیک کلیه نهادها و مؤسسات فعال در حوزه پژوهش و فناوری، به منظور دستیابی به اهداف فوق، باز تعریف شود.

ب- انتظام بخشیدن و ساماندهی نظام پژوهش و فناوری کشور، از طریق تعیین اولویتها، دسته‌بندی مأموریتها، هدفمند کردن اعتبارات، اصلاح ساختاری واحدهای پژوهشی و مأموریت‌گرا کردن آنها تا پایان سال اول برنامه چهارم

ج- نوسازی شیوه‌های مدیریت بخش پژوهش، از جمله: ایجاد شبکه‌های واحدهای پژوهش و فناوری همگن، به عنوان دستگاههای اجرایی، با مأموریت توزیع هدفدار و بهینه اعتبارات تحقیقاتی و نظارت و پایش فعالیتها در زمینه‌های علمی مربوطه، با تکیه بر شاخصهای جهانی

د- توسعه همکاریهای مؤثر بین‌المللی در عرصه پژوهش و فناوری، از طریق تعریف جایگاه منظومه ملی پژوهش و فناوری، به عنوان جزء مؤثر و فعالی از منظومه جهانی پژوهش و فناوری، و اصلاح و ساده‌سازی قوانین و مقررات مربوطه

ه- افزایش یکنواخت سرمایه‌گذاری دولت در امر پژوهش و فناوری، به میزان حداقل دو درصد (۲٪) تولید ناخالص داخلی، از محل بودجه عمومی دولت، با اولویت بخش کشاورزی، و یک درصد (۱٪) هزینه عملیاتی شرکتهای دولتی، بانکها (به استثنای سود سپرده‌های بانکی) و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت، تا پایان برنامه چهارم، و سمت‌دهی سرمایه‌گذارهای فوق در جهت پژوهشهای مأموریت‌گرا و تقاضامحور

و- اتخاذ تدابیر لازم، به منظور جهت دهی فعالیتهای پژوهشی کلیه دستگاهها، نهادها و شرکتهای دولتی، در راستای اولویتهای ملی و در قالب مأموریتهای ذیل:

- تربیت نیروی انسانی روزآمد، در فرایند پژوهش و فناوری
- توسعه مرزهای دانش
- تبدیل ایده، به محصولات و روشهای جدید
- تدوین و تولید دانش فنی و انجام تحقیقات نیمه‌صنعتی
- انتقال و جذب فناوری
- پژوهش، به منظور افزایش توان رقابتی بخشهای تولیدی و خدماتی کشور
- حل مسائل و مشکلات اجرایی کشور، از طریق پژوهش و کاربرد یافته‌های آن
- سیاست‌گذاری و مدیریت بخش پژوهش و فناوری و بهبود کیفیت شیوه‌های مدیریت بخش

◀◀ ماده ۹۰

به منظور ایجاد و توسعه شرکتهای دانش‌بنیان و تقویت همکاریهای بین‌المللی، اجازه داده می‌شود، واحدهای پژوهشی و فناوری و مهندسی مستقر در پارکهای علم و فناوری، از مزایای قانونی مناطق آزاد در خصوص روابط کار، معافیت‌های مالیاتی و عوارض، سرمایه‌گذاری خارجی و مبادلات مالی بین‌المللی برخوردار گردند.

تبصره ۵- اعمال مقررات روابط کار توسط وزارت کار و امور اجتماعی صورت خواهد گرفت.

◀◀ ماده ۹۱

دولت موظف است، به منظور ارتقای پیوستگی میان سطوح آموزشی و توسعه فناوری، کارآفرینی و تولید ثروت در کشور، در طول برنامه چهارم، اقدامهای ذیل را انجام دهد:

الف- زمینه‌سازی و انجام حمایت‌های لازم، برای ایجاد شرکتهای غیر دولتی توسعه فناوری، با مأموریت تولید، انتقال و جذب فناوری

- ب- تدوین ضوابط و ارائه حمایت‌های لازم، در راستای تشویق طرف قراردادهای بین‌المللی، فروش دانش فنی و یا محصولات تجاری و سرمایه‌گذاران بین‌المللی، برای انتقال بخشی از فعالیتهای تحقیق و توسعه مربوط به داخل کشور، و انجام آن با مشارکت شرکتهای داخلی
- ج- اتخاذ تدابیر لازم، در جهت اصلاح نظام آموزش کشور و آزمونهای ورودی دانشگاهها، با توجه به سوابق تحصیلی در سنوات دوره متوسطه، و جلب مشارکت دانشگاهها، به منظور ارتقای توانایی خلاقیت، نوآوری، خطرپذیری و کارآفرینی آموزش گیرندگان و ایجاد روحیه آموختن و پژوهش مستقل در میان نسل جوان

◀ ماده ۹۲

دولت موظف است، به منظور زمینه‌سازی و تربیت نیروی انسانی دانش‌مدار و مهارت یافته، منطبق با نیازهای نهضت نرم‌افزاری، با هدف توسعه کمی و کیفی نظام آموزش عالی کشور، از ابتدای برنامه چهارم اقدامهای ذیل را به انجام رساند:

الف- باز تعریف کارکرد و اصلاح ساختار دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی، به گونه‌ای که علاوه بر مأموریت اصلی تولید علم، تربیت نیروی انسانی متخصص و روزآمد، دانش‌مدار، خلاق و کارآفرین، قادر به پاسخگویی به نیازهای بخشهای مختلف کشور باشند.

ب- دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی دولتی و همچنین فرهنگستانهای تخصصی، صرفاً بر اساس آئین‌نامه‌ها و مقررات اداری، مالی، استخدامی و تشکیلاتی خاص، مصوب هیئت‌های امنای مربوط که به تأیید وزیر علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی حسب مورد می‌رسد، بدون الزام به رعایت قانون محاسبات عمومی، قانون استخدام کشوری و سایر مقررات عمومی اداره خواهند شد. اعتبارات هزینه‌ای از محل بودجه عمومی دولت، بر اساس قیمت تمام شده به دستگاههای اجرایی یاد شده اختصاص می‌یابد. اعتبارات هزینه‌ای، تملک داراییهای سرمایه‌ای و اختصاصی این مؤسسات کمک تلقی شده و پس از پرداخت به هزینه قطعی منظور می‌گردد. سهم دولت در هزینه‌های آموزش عالی بخش دولتی، بر مبنای هزینه سرانه تعیین و

نسبت آن به بودجه عمومی دولت، بر اساس رشد پوشش جمعیت دانشجویی، در مقایسه با عدد مشابه در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، افزایش می‌یابد.

ج- تنوع‌بخشی، به شیوه‌های ارائه آموزش عالی و گسترش منابع بخش آموزش عالی کشور، از طریق جذب منابع و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و مردم و توسعه مشارکت مراکز آموزش عالی با مؤسسات علمی بین‌المللی، با هدف دسترسی به فرصتهای برابر آموزشی و ارتقای پوشش جمعیت دانشجویی (نسبت جمعیت دانشجویی به جمعیت ۱۸ تا ۲۴ سال)، به سی درصد (۳۰٪) تا پایان برنامه چهارم

د- اصلاح، ساده‌سازی و پیش‌بینی قوانین، مقررات و ساختارهای اجرایی ویژه برای دانشگاههای کشور، با هدف گسترش ارتباطات علمی - بین‌المللی، با دانشگاهها و مراکز علمی، تحقیقاتی جهان و تسهیل مبادلات مالی و تردد دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاهها، و دعوت از اعضای هیئت علمی و متخصصان خارج از کشور و جذب دانشجویان خارجی، با اخذ شهریه تحصیلی، تأسیس شعب دانشگاههای خارجی طبق ضوابط وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، مجاز می‌باشد.

ه- ارتقای سطح کیفی آموزش عالی و تحقیقاتی کشور، با ارزیابی مستمر واحدهای آموزش عالی دولتی و خصوصی توسط وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و مداخله بر اساس آن در علوم منتخب و تکیه بر ایجاد قطبهای علمی، بر اساس مزیت‌های نسبی و نیازهای آتی کشور

و- بازنگری در رشته‌های دانشگاهی، بر مبنای نیازهای اجتماعی، بازار کار و تحولات علمی، در راستای توسعه علوم میان‌رشته‌ای با تأکید بر علوم انسانی

ز- به منظور شناسایی، حمایت، تشویق و فراهم کردن زمینه‌های فعالیتهای علمی دانشجویان و دانش‌آموختگان آموزش عالی دارای استعداد درخشان و ایجاد تولید واحد در سیاست‌گذاری و مدیریت امور مربوط به افراد مذکور و نیز بهره‌برداری بهینه از امکانات مادی و معنوی موجود در

این زمینه، وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، مجازند از تأسیس باشگاه غیر دولتی و صیانت از استعدادهای درخشان کشور حمایت نمایند.

◀ ماده ۹۳

به منظور پاسخگویی مناسب به افزایش تقاضا برای ورود به آموزش عالی، با استفاده بهینه از ظرفیتهای موجود و حمایت از مشارکتهای مردمی:

الف- به دستگاههای اجرایی دارای واحد آموزش عالی وابسته، اجازه داده می‌شود، برای ظرفیت مازاد بر نیاز خود، با اخذ مجوز از شورای گسترش آموزش عالی، در مقطع کاردانی دانشجو پذیرش کرده و هزینه آن را از متقاضیان دریافت و صد درصد (۱۰۰٪) آن را به حساب درآمد اختصاصی واریز نمایند. درآمد اختصاصی مذکور مشمول مفاد ماده (۴) "قانون نحوه انجام امور مالی و معاملاتی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی مصوب ۱۳۶۹/۱۰/۱۸" است و بر اساس مقررات مربوط، به اجرای این دوره‌ها و ارتقای کیفیت واحد آموزشی، اختصاص می‌یابد.

در مواردی که کسب آموزشها توسط آموزش‌گیرنده موجب تعهد خدمت می‌گردد، دستگاههای مربوطه می‌بایستی مجوز لازم را از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، اخذ کنند.

اجرای دوره‌های کارشناسی، در رشته‌هایی که امکان برگزاری آن در دیگر دانشگاهها میسر یا به صرفه و صلاح نباشد، به صورت استثنا و با اخذ مجوز از شورای گسترش آموزش عالی بلامانع است.

ب- به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی اجازه داده می‌شود، نسبت به برگزاری دوره‌های تحصیلی از قبیل: دوره‌های شبانه، نوبت دوم، از راه دور (نیمه حضوری)، آموزشهای مجازی، دوره‌های آموزشی مشترک با دانشگاههای معتبر خارجی و دوره‌های خاص، اقدام کرده و هزینه‌های مربوط را با تأیید وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و علوم، تحقیقات و فناوری، حسب مورد از داوطلبان اخذ و به حساب درآمد اختصاصی دانشگاه واریز نمایند. درآمد اختصاصی مذکور، مشمول

مفاد ماده (۴) "قانون نحوه انجام امور مالی و معاملاتی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی مصوب ۱۳۶۹/۱۰/۱۸" است.

دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی، همچنین مجازند نسبت به دعوت و به‌کارگیری اعضای هیئت علمی ایرانی مقیم خارج و یا اعضای هیئت علمی خارجی، برای تأمین کمبودهای خود در زمینه هیئت علمی، اقدام نمایند. حقوق و مزایای آنها، با تصویب هیئتهای امانا، از محل بودجه عمومی دانشگاه قابل پرداخت است. شهریه دانشجویان جانباز بالای (۲۵٪) و فرزندان آنان، فرزندان شاهد و فرزندان آزادگان و دانشجویان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی، تا سقف پنجاه درصد (۵۰٪)، از محل اعتبار ردیف خاص و توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تأمین می‌شود.

ج- به دولت اجازه داده می‌شود، تسهیلات اعتباری به صورت وام بلندمدت قرض الحسنه، در اختیار صندوقهای رفاه دانشجویان یا سایر نهادهای ذی‌ربط قرار دهد، تا بخشی از دانشجویان دوره‌های مذکور در بند "ب" این ماده و دانشجویان دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی دولتی و غیر دولتی و پیام نور، که امکان پرداخت شهریه را ندارند، بتوانند با استفاده از این وام شهریه خود را پرداخت و پس از فراغت از تحصیل، به تدریج بازپرداخت کنند.

د- دولت موظف است، به منظور حمایت از دانشجویان آن عده از مؤسسات آموزش عالی غیر دولتی - غیر انتفاعی دارای مجوز از وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی که صندوق رفاه دانشجویان آنها تشکیل نشده است، اعتبار خاصی را علاوه بر اعتبارات معمول به طور موقت در اختیار صندوق رفاه دانشجویان قرار دهد، تا به عنوان وام قرض‌الحسنه بلندمدت در اختیار این گونه مؤسسات قرار گیرد. استفاده‌کنندگان وام مذکور، موظف به بازپرداخت آن در اقساط بلندمدت پس از فراغت از تحصیل هستند.

ه- وجوه حاصل از بازپرداخت اقساط فوق، صرف بهبود شرایط و امکانات رفاهی از قبیل خوابگاه خواهد شد.

و- هزینه‌های دانشگاه پیام نور، از محل دریافت شهریه از دانشجویان، کمکهای مردمی و اعتبارات بودجه عمومی تأمین می‌گردد.

ز- به دولت اجازه داده می‌شود، به طرحهای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در زمینه ایجاد و توسعه واحدهای آموزش عالی، در صورت انطباق با ضوابط و سیاستهای آموزش عالی کشور و حسب مورد بر اساس ضوابط وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و علوم، تحقیقات و فناوری از محل بودجه عمومی، یارانه سود اعتبارات بانکی اعطا کند. ایجاد آموزشکده‌های غیر دولتی، به منظور توسعه دوره‌های کاردانی علمی - کاربردی، در اولویت استفاده از تسهیلات بانکی مذکور خواهند بود.

◀ مواد ۹۴ الی ۹۵

ماده (۱۵۴) و بند "الف" و "ب" ماده (۱۴۴) "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن" برای دوره برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد.

④ ماده ۱۵۴

به منظور تسهیل در استفاده از تخصص و توان فنی کادر علمی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و جهتگیری پژوهشهای دانشگاهی به سمت نیازهای علمی و تخصصی کشور:

الف - به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور و مراکز تحقیقاتی مصوب اجازه داده می‌شود با رعایت مراتب زیر نسبت به تشکیل شرکتهای دولتی خدمات علمی، تحقیقاتی و فنی با مقررات خاص و تابع قانون تجارت مبادرت کنند.

۱- خدمات این شرکتهای صرفاً در محدوده تحقیقات و خدمات علمی و فنی است که شرکتهای و مؤسسات بخش غیر دولتی و غیر عمومی قادر به انجام آنها نیستند و دانشگاه را از اهداف اصلی آموزشی و پژوهشی خود دور نمی‌کند.

۲- حداکثر چهل و نه درصد (۴۹٪) از سهامداران این شرکتها اعضای هیئت علمی، کارشناسان پژوهشی، تکنسینها و کارکنان همان دانشگاه، مؤسسه آموزش عالی و مرکز تحقیقاتی و پژوهشی بوده و سهامداران و شرکت مربوطه از محدودیت قانون منع مداخله وزرا و نمایندگان مجلسین، دولت و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری مصوب ۱۳۳۷/۱۰/۲۲ مستثنا است.

اساسنامه نمونه و یا خاص هر یک از شرکتهای فوق در هر یک از دانشگاهها، مؤسسات آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی و پژوهشی با پیشنهاد سازمان برنامه و بودجه به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ب - نحوه هزینه اعتبارات جاری و اختصاصی برنامه تحقیقات دانشگاهها و مراکز پژوهشی که تابع قانون مربوط به مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص ترکیب هیئت امنا دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی مصوب ۱۳۷۶/۴/۳ و قانون نحوه انجام امور مالی و معاملاتی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی مصوب ۱۳۶۹/۱۰/۱۸ هستند، صرفاً تابع قوانین مذکور و آیین‌نامه‌های مربوطه بوده و از شمول قوانین و مقررات عمومی و مؤسسات دولتی - به استثنای ماده ۳۱ قانون محاسبات عمومی - مستثنا می‌باشد. درآمدهای حاصل از خدمات پژوهشی مراکز تحقیقاتی درآمد اختصاصی مراکز مذکور محسوب می‌گردند.

الف و ب ماده ۱۴۴

الف - در مواردی که اشخاص حقیقی و حقوقی غیر دولتی برای احداث، توسعه تکمیل و تجهیز فضاهای آموزشی، پرورشی و ورزشی و خوابگاه و سالنهای غذاخوری و کتابخانه‌ها و خوابگاههای دانش‌آموزی و دانشجویی وابسته به وزارت آموزش و پرورش و دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی در چارچوب مصوبات شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان و در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی در چارچوب طرح جامع و یا طرح توسعه آنها هزینه‌هایی را انجام می‌دهند، این هزینه‌ها به عنوان هزینه‌های قابل قبول مالیاتی مورد محاسبه قرار می‌گیرد.

ب - اشخاص حقیقی و حقوقی غیر دولتی که اموال خود را مانند ساختمان، منازل مسکونی، باغ، زمین، سهم‌الارث به آموزش و پرورش، دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و نیروی مقاومت بسیج (شامل رده‌ها) و حوزه‌های علمیه و دانشگاه آزاد اسلامی و مراکز تحقیقاتی وابسته به دانشگاهها و سازمان تربیت بدنی انتقال می‌دهند از پرداخت هر گونه عوارض و مالیات نقل و انتقال معاف می‌باشند.

◀ ماده ۹۶

دولت موظف است، به منظور تضمین دسترسی به فرصتهای برابر آموزشی، گسترش دانش، مهارت و ارتقای بهره‌وری سرمایه‌های انسانی و توسعه کمی و کیفی نظام آموزش عمومی، اقدامهای ذیل را به انجام برساند:

الف - توسعه زمینه‌های لازم، برای اجرای برنامه آموزش برای همه

ب - اجباری کردن آموزش تا پایان دوره راهنمایی، به تناسب تأمین امکانات و به تدریج در مناطقی که آموزش و پرورش اعلام می‌کند، به طوری که در پایان برنامه چهارم این امر محقق گردد.

ج - علاوه بر تأمین اعتبارات عمومی بخش آموزش، نسبت به اتخاذ تدابیر لازم به منظور توسعه استقلال مالی، مدیریتی و اجرایی واحدهای آموزشی (مدارس)، در جهت استفاده هر چه بیشتر از سرمایه و توان اجرایی بخش غیر دولتی، در توسعه ظرفیتهای و ارتقای بهره‌وری آنها اقدام نماید.

د - اصلاحات لازم را در زمینه برنامه‌های آموزشی و درسی و تعمیق و بهبود آموزش ریاضی، علوم و زبان انگلیسی انجام دهد.

ه - ارتقای توانایی و مهارت حرفه‌ای معلمان، با تدوین استانداردهای حرفه‌ای معلم، از جهت دانش، رفتار و عملکرد، با استفاده از تجارب بین‌المللی و شرایط بومی کشور

و - افزایش انگیزه شغلی معلمان، با تأمین جایگاه و منزلت حرفه‌ای مناسب و اصلاح نظام پرداخت متناسب با میزان بهره‌وری و کیفیت خدمات آنها

ز- تدوین و اجرای نظام سنجش صلاحیت علمی و رتبه‌بندی معلمان، و ارتقای سطح آموزشی و تحصیلی آنان، با بهره‌گیری از ظرفیتهای دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی (به ویژه ظرفیتهای نوبت دوم) ضمن تأمین بخشی از هزینه‌های آن

ح- برنامه‌ریزی برای تدوین برنامه آموزشی ارتقای سلامت و شیوه‌های زندگی سالم

ط- تدوین و اجرای طرح راهبردی سوادآموزی کشور، با در نظر گرفتن شرایط جغرافیایی، زیستی، اجتماعی و فرهنگی مناطق مختلف کشور، با رویکرد جلب مشارکتهای مردمی و سازمانهای غیر دولتی به طوری که تا پایان برنامه چهارم، باسوادى افراد حداقل زیر سی سال، به طور کامل تحقق یابد.

ی- بهره‌گیری از فناوری اطلاعات، در تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی و درسی کلیه سطوح و تجهیز مدارس کشور، به امکانات رایانه‌ای و شبکه اطلاع‌رسانی

ک- روزآمد نگهداشتن دانش و مهارتهای کارکنان آموزش و پرورش، در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات

ل- پیش‌بینی تسهیلات و امکانات لازم، برای نوسازی، مقاوم‌سازی و استاندارد و متناسب نمودن فضاهای آموزشی، به ویژه مدارس دخترانه، و تنظیم ساز و کارهای حمایتی از خیرین مدرسه‌ساز

◀ ماده ۹۷

دولت موظف است، در طی برنامه چهارم در مناطق کمتر توسعه یافته کشور، به منظور ارتقای کیفیت آموزش و دستیابی به فرصتهای برابر آموزشی، به ویژه برای دختران، اقدامهای ذیل را انجام دهد:

الف- وضع و اجرای مقررات لازم، برای تأمین، جذب و نگهداشت نیروی انسانی مورد نیاز مناطق مذکور، از قبیل خرید خدمات آموزشی، صدور مجوزهای استخدامی و اقدامهای رفاهی مانند: تأمین مسکن و اعطای تسهیلات رفاهی و امتیازات شغلی برای کادر آموزشی شاغل

ب- فراهم نمودن امکانات مناسب، برای رفع محرومیت آموزشی و توسعه آموزش و تحقق آموزش برای همه، به ویژه برای دختران، از طریق گسترش مدارس شبانه‌روزی (دوره راهنمایی با حداقل ۷۵

دانش‌آموز و دوره متوسطه ۱۵۰ دانش‌آموز)، روستا مرکزی و خوابگاه‌های مرکزی، آموزش از راه دور و رسانه‌ای و تأمین نمودن تغذیه، ایاب و ذهاب، بهداشت دانش‌آموزان و سایر هزینه‌های مربوط به مدارس شبانه‌روزی

ج- ایجاد و گسترش اماکن و فضاهای آموزشی - پرورشی و ورزشی، به تناسب جنسیت و فراهم آوردن تجهیزات و فناوریهای جدید مورد نیاز این مناطق و تهیه برنامه‌های لازم برای گسترش آموزش پیش‌دبستانی و دوره آمادگی، به ویژه در مناطق دو زبانه

آیین‌نامه اجرایی این ماده، مشتمل بر مناطق مشمول، تسهیلات و امتیازات قابل اعطا برای ایجاد انگیزه انتقال نیروهای داوطلب، نحوه تخصیص اعتبارات و صدور مجوزهای ویژه استخدامی و نوع امکاناتی که می‌بایست در جهت توسعه آموزش در اختیار مناطق مذکور قرار گیرد، به پیشنهاد مشترک سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت آموزش و پرورش به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

◀ مواد ۹۸ الی ۱۰۱

مواد (۱۴۹) الی (۱۵۱) و بند "الف" ماده (۱۴۷) "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن" برای دوره برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد.

📌 ماده ۱۴۹

الف - به وزارت آموزش و پرورش اجازه داده می‌شود اجاره اماکن و فضاهای آموزشی در فرستهای که از آنها استفاده نمی‌کند را از طریق انعقاد قرارداد و با حق اولویت برای فرهنگیان دریافت نموده و براساس مفاد بند (ب) این ماده هزینه نماید. در این خصوص فرهنگیان مشمول قانون منع مداخله کارکنان در معاملات دولتی نخواهند بود.

ب - به وزارت آموزش و پرورش اجازه داده می‌شود، درآمدهایی را که بر اساس قوانین مصوب، دریافت می‌کند به حسابهایی که توسط خزانه برای هر یک از دستگاههای اجرایی ملی و استانی افتتاح می‌شود واریز کند تا به حساب درآمد اختصاصی دستگاه مربوط منظور شود. همه ساله معادل صد درصد (۱۰۰٪) وجوه واریزی، از محل اعتبار درآمد اختصاصی دستگاه ذی‌ربط که به همین منظور در قانون بودجه هر سال پیش‌بینی می‌شود، در اختیار دستگاه مربوط قرار خواهد گرفت.

ج - تعرفه‌های مربوط به بند (الف) این ماده در دستگاههای اجرایی ملی بنا به پیشنهاد وزارت آموزش و پرورش به تصویب هیئت وزیران و تعرفه‌های مربوط به دستگاههای اجرایی استانی به تصویب شورای آموزش و پرورش استان خواهد رسید.

۱۵۰ ماده ۵

الف - به دستگاههای اجرایی اجازه داده می‌شود، درصدی از اعتبارات جاری و عمرانی خود را برای اجرای دوره‌های آموزشی ضمن خدمت (خارج از نظام آموزش عالی رسمی کشور) به شرح زیر هزینه کنند:

- ۱- اجرای دوره‌های آموزشی ضمن خدمت متناسب با مشاغل مورد تصدی کارکنان به منظور افزایش سطح کارایی آنان به ویژه از طریق آموزشهای کوتاه‌مدت پودمانی.
- ۲- اجرای دوره‌های آموزشی ویژه مدیران.

ب - کلیه دستگاههای اجرایی موظف‌اند حداکثر طی مدت شش ماه پس از تصویب این قانون، برنامه‌های آموزشی سالانه خود را برای دوران برنامه سوم و به تفکیک سال، شامل مباحث و موضوعات آموزشی، چگونگی اجرای دوره‌ها و همچنین چگونگی پوشش کلیه کارکنان شاغل را تهیه و جهت تأیید به سازمان امور اداری و استخدامی کشور ارسال دارند.

ج - آیین‌نامه اجرایی این ماده شامل میزان و چگونگی هزینه نمودن اعتبار بند (الف) این ماده و پیش‌بینی الزامات و تشویقات قانونی طی مدت سه ماه پس از تصویب این قانون بنا به پیشنهاد مشترک سازمان برنامه و بودجه و سازمان امور اداری و استخدامی کشور به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

🔗 ماده ۱۵۱

به منظور هماهنگی امر سیاستگذاری آموزشهای فنی و حرفه‌ای اعم از رسمی و غیر رسمی شامل آموزشهای کاردانی و علمی کاربردی که متولی آن وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و آموزشهای فنی و حرفه‌ای متوسطه و کار و دانش که متولی آن وزارت آموزش و پرورش و آموزشهای فنی و حرفه‌ای کوتاه‌مدت که متولی آن وزارت کار و امور اجتماعی و آموزشهای ضمن خدمت کارکنان دولت و مدیریت حرفه‌ای تخصصی که متولی آن سازمان امور اداری و استخدامی کشور می‌باشند، شورای عالی کارآموزی [مواد(۵) و (۶) و (۷) قانون کارآموزی مصوب ۱۳۴۹ مجلسین سنا و شورای ملی سابق] و شورای عالی هماهنگی آموزش فنی و حرفه‌ای کشور (مصوب ۱۳۵۹ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران) و شورای عالی آموزشهای علمی، کاربردی (مصوب سال ۱۳۶۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی) منحل و ستاد هماهنگی آموزشهای فنی و حرفه‌ای به ریاست معاون اول رئیس جمهور و عضویت وزرای آموزش و پرورش، کار و امور اجتماعی، علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، کشاورزی و جهاد سازندگی و رئیس سازمان برنامه و بودجه و دبیر کل سازمان امور اداری و استخدامی کشور و رئیس مرکز امور مشارکت زنان تشکیل می‌گردد. سایر وزرا حسب مورد و به تشخیص و دعوت رئیس ستاد در جلسات شرکت خواهند نمود. رئیس سازمان برنامه و بودجه دبیر ستاد می‌باشد. سایر وظایف و اختیارات شوراهای مذکور به وزارتخانه‌های ذی‌ربط تفویض می‌گردد. تصمیمات این ستاد پس از تأیید هیئت وزیران برای کلیه وزارتخانه‌ها و شوراهای مذکور لازم‌الاجرا خواهد بود.

آیین‌نامه اجرایی این ماده طی مدت سه ماه پس از تصویب این قانون به پیشنهاد ستاد به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

🔗 بند الف ماده ۱۴۷

الف - کارکنان وزارت آموزش و پرورش که عضویت صندوق ذخیره فرهنگیان را پذیرفته‌اند و یا خواهند پذیرفت باید ماهانه درصدی از حقوق و مزایای خود را تا پنج درصد (۵٪) به حساب صندوق واریز

کنند و دولت نیز موظف است همه ساله معادل سهم واریزی اعضاء به صندوق ذخیره فرهنگیان به طور کامل در ردیف اعتباری خاص در بودجه سال مربوطه منظور و پرداخت نماید.

◀◀ ماده ۱۰۲

الف- دستگاههای اجرایی موظفاند، درصدی از اعتبارات هزینه‌ای خود را، برای طراحی و اجرای دوره‌های آموزشی ضمن خدمت کارکنان خود (خارج از نظام آموزش عالی رسمی کشور) در برنامه آموزش کارکنان دولت پیش‌بینی و در موارد زیر، هزینه کنند:

۱- دوره‌های آموزشی ضمن خدمت متناسب با مشاغل مورد تصدی کارکنان، به منظور افزایش سطح کارایی و ارتقای مهارت‌های شغلی آنان (به‌خصوص برای زنان) به ویژه از طریق آموزشهای کوتاه مدت

۲- دوره‌های آموزشی ویژه مدیران

ب- کلیه دستگاههای اجرایی موظفاند، در چارچوبی که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تعیین می‌کند، حداکثر طی مدت شش ماه پس از تصویب این لایحه، برنامه‌های آموزشی سالانه خود را، برای دوران برنامه چهارم تهیه و اجرا نمایند.

آیین‌نامه اجرایی این ماده شامل: تعیین سهم اعتباری و چگونگی هزینه نمودن اعتبار بند "الف" این ماده و پیش‌بینی الزامات و تشویقات قانونی طی مدت سه ماه پس از تصویب این لایحه، بنا به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

◀◀ ماده ۱۰۳

دولت مکلف است، به منظور گسترش دانش و مهارت، اصلاح هرم تحصیلی نیروی کار و ارتقا و توانمندسازی سرمایه‌های انسانی، کاهش فاصله سطح دانش و مهارت نیروی کار کشور با سطح استانداردهای جهانی و ایجاد فرصت‌های جدید شغلی برای جوانان، برای نظام آموزش فنی و حرفه‌ای و

- علمی - کاربردی کشور، ظرف مدت یک سال از تاریخ تصویب این لایحه در محورهای زیر، ساز و کارهای لازم را تهیه، و با پیش‌بینی الزامات مناسب اجرا نماید:
- الف** - برپایی نهاد سیاستگذار در آموزش فنی و حرفه‌ای و علمی - کاربردی، با توجه به تجربیات جهانی و داخلی، به عنوان مرجع اصلی تصویب چشم‌اندازها، راهبردها و سیاستهای کلان بخش
- ب** - نظام کارآموزی و کارورزی، برای تمام آموزشهای رسمی (متوسطه و عالی)، غیر رسمی فنی و حرفه‌ای و علمی - کاربردی
- ج** - تدوین نظام استاندارد و ارزیابی مهارت نیروی کار کشور، با رویکرد بین‌المللی
- د** - طرح جامع توسعه منابع انسانی مورد نیاز این بخش، شامل: جذب، انگیزش، ارتقای شغلی، آموزش، بهسازی و نگهداشت نیروی انسانی
- هـ** - نظام حمایت از مؤسسات و بنگاههای دولتی و بخش غیر دولتی، در توسعه آموزشهای فنی و حرفه‌ای و علمی - کاربردی
- و** - نوسازی و بازسازی ساختارها، امکانات و ارتقای کیفیت آموزشهای فنی و حرفه‌ای و علمی - کاربردی و توسعه مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای، فناوری اطلاعات و ارتباطات، با حداکثر مشارکت بخش خصوصی و بهره‌گیری از همکاریهای بین‌المللی
- ز** - استفاده از توان و امکانات بخشهای دولتی و غیر دولتی، در توسعه آموزشهای فنی و حرفه‌ای و علمی - کاربردی
- ح** - نیازسنجی و برآورد نیروی انسانی کاردانی مورد نیاز و صدور مجوز لازم و حمایت، به منظور تأسیس و توسعه مراکز آموزش دوره‌های کاردانی در بخش خصوصی، به نحوی که تا سال چهارم برنامه ظرفیتهای مورد نیاز ایجاد گردد.

۱۰۴ ماده ۴۴

دولت مکلف است، به منظور شکل‌دهی "منظومه آمار ملی و مکانی کشور" نسبت به تهیه برنامه ملی آمار، مبتنی بر اصلاح و تقویت نهاد مدیریت اطلاعات و آمار ملی کشور، استانداردها، ضوابط، تولید و

ارائه آمارهای ثبتی، تقویت و ایجاد پایگاههای اطلاعات آماری و اطلاع‌رسانی، ارتقای فرهنگ آماری، چگونگی تعامل دستگاهها، راهبری، هماهنگیهای لازم را انجام و جهت اجرا و عملیاتی نمودن آن اقدام نماید.

◀ ماده ۱۰۵

دولت موظف است، به منظور توسعه ارتباطات و فناوری اطلاعات، تحقق اقتصاد مبتنی بر دانایی و کسب جایگاه برتر منطقه اقدامهای ذیل را انجام دهد:

الف- برای رفع انحصار و ایجاد رقابت، به منظور ایجاد شبکه‌ها و ارائه خدمات ارتباطی (پستی و مخابراتی) و فناوری اطلاعات، توسط بخشهای تعاونی و خصوصی به صورت مستقل و موازی با بخش دولتی (به استثنای ایجاد شبکه زیر ساخت و مرسولات پستی تا ۲۵۰ گرم)، در مقابل اخذ حق امتیاز و حق فرکانس، با رعایت سازوکار مقرر در ماده (۸۰) این لایحه اقدام نماید.

ب- دولت موظف است، تا پایان برنامه چهارم، به منظور برقراری تسهیلات لازم جهت دسترسی به ارتباطات گسترده با کیفیت و تمهید و گسترش فرصتهای نوین خدمات و رشد، برای آحاد جامعه و خانوارها، مؤسسات و شرکتهای شبکه‌ای شدن قلمروها، برپایی و تقویت اقتصاد شبکه‌ای زمینه ارتقای ضریب نفوذ ارتباطات ثابت، سیار و اینترنت کشور حداقل به ترتیب پنجاه درصد (۵۰٪)، سی و پنج درصد (۳۵٪) و سی درصد (۳۰٪)، آحاد جمعیت کشور و همچنین ایجاد ارتباط پر ظرفیت و چند رسانه‌ای حداقل در شهرهای بالای پنجاه هزار نفر و افزایش ظرفیت خدمات پستی به بیست و مرسوله بر نفر را فراهم آورد.

ج - تأمین و تضمین ارائه خدمات پایه ارتباطی و فناوری اطلاعات در سراسر کشور

د - تهیه لایحه "قانون جامع ارتباطات" در سال اول برنامه چهارم

ه- تأمین هزینه و تضمین ارائه خدمات پایه ارتباطی و فناوری اطلاعات در نقاط محروم و نقاط روستایی و ایجاد بهبود توسعه زیرساختهای ارتباطی و فناوری اطلاعات از محل دریافت حق امتیاز واگذاری مجوز ایجاد شبکه و فعالیت به بخشهای تعاونی و خصوصی و سایر منابع

◀ ماده ۱۰۶

ماده (۱۲۴) "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن" برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد.

📄 ماده ۱۲۴

الف - به منظور تحقق حاکمیت دولت، ایجاد و حفظ شبکه‌های مادر مخابراتی، تنظیم فضای فرکانسی کشور و تضمین استمرار ارائه خدمات پستی و مخابراتی به عهده دولت خواهد بود. با توجه به ذیل اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی، به منظور جلوگیری از ضرر و زیان جامعه و تحقق رشد و توسعه اقتصادی کشور، بخش غیر دولتی، در قلمرو شبکه‌های غیر مادر بخش مخابرات، شبکه‌های مستقل و موازی پستی و مخابراتی و در امور ذیل، حسب مجوز هیئت وزیران اجازه فعالیت خواهد داشت:

۱- شبکه تلفن همراه.

۲- شبکه پی‌جو.

۳- مراکز تلفن کم‌ظرفیت تا پنج هزار شماره.

۴- شبکه انتقال داده‌ها.

۵- شبکه‌های ارائه خدمات ارزش افزوده.

۶- شبکه مخابرات روستایی.

۷- شبکه قبول پستی.

۸- شبکه حمل و نقل پستی.

ب - به منظور کمک به رشد و توسعه اقتصادی، به شرکتهای دولتی مخابراتی اجازه داده می‌شود قسمتی از فعالیتهای خود را در زمینه‌های نگهداری و بهره‌برداری، طراحی، مهندسی، نصب و راه‌اندازی، آزمایش و تحویل تجهیزات و شبکه‌ها با رعایت موارد مذکور در بند (الف) و نیز خط‌مشی‌های دولت به بخشهای تعاونی و خصوصی داخلی واگذار کند.

تبصره - مجوز فعالیت بخش غیر دولتی در حیطه‌های مذکور در این ماده و پس از حصول اطمینان از عدم ایجاد انحصار در بخش غیر دولتی و استمرار ارائه خدمات، بر اساس آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به پیشنهاد مشترک سازمان برنامه و بودجه و وزارت پست و تلگراف و تلفن تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

بخش دوم

حفظ محیط زیست

آمایش سرزمین و توازن منطقه‌ای

فصل پنجم

حفظ محیط زیست

◀◀ ماده ۱۰۷

دولت موظف است، برای تسریع در اجرای برنامه عمل حفاظت و بهره‌برداری از تنوع زیستی کشور، هماهنگی لازم را بین دستگاههای ذی‌ربط ایجاد نماید. شاخصهای تنوع زیستی کشور می‌بایست تا پایان برنامه چهارم وضعیت مناسب یابند.

◀◀ ماده ۱۰۸

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مکلف است، با همکاری سازمان حفاظت محیط زیست و سایر دستگاههای مرتبط، به منظور برآورد ارزشهای اقتصادی منابع طبیعی و زیست‌محیطی و هزینه‌های ناشی از آلودگی و تخریب محیط زیست در فرایند توسعه و محاسبه آن در حسابهای ملی، نسبت به تنظیم دستورالعملهای محاسبه ارزشها و هزینه‌های موارد دارای اولویت از قبیل: جنگل، آب، خاک، انرژی، تنوع زیستی و آلودگیهای زیست‌محیطی در نقاط حساس اقدام، و در مراجع ذی‌ربط به تصویب برساند. ارزشها و هزینه‌هایی که دستورالعمل آنها به تصویب رسیده، در امکان‌سنجی طرحهای تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در نظر گرفته خواهد شد.

◀◀ ماده ۱۰۹

دولت موظف است، به منظور تقویت و توانمندسازی ساختارهای مرتبط با محیط زیست و منابع طبیعی، ساز و کارهای لازم را جهت گسترش آموزشهای عمومی و تخصصی محیط زیست، در کلیه واحدهای آموزشی و مراکز آموزش عالی، حمایت از سرمایه‌گذاری در بخش محیط زیست و منابع طبیعی،

ایجاد تقویت ساختارهای مناسب برای فعالیتهای زیست‌محیطی، در دستگاہهای اثرگذار بر محیط زیست، تنظیم و برقرار نماید.

◀ ماده ۱۱۰

دولت مکلف است، که در طول برنامه چهارم اقدامهای ذیل را به عمل آورد:

الف- طرح خوداظهاری برای پایش منابع آلوده‌کننده را آغاز نماید. کلیه واحدهای تولیدی، خدماتی و زیربنایی باید بر اساس دستورالعمل سازمان حفاظت محیط زیست نسبت به نمونه‌برداری و اندازه‌گیری آلودگیها و تخریبهای خود اقدام و نتیجه را به سازمان مذکور ارائه دهند. واحدهایی که تکالیف این بند را مراعات ننمایند، مشمول ماده (۳۰) "قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴/۲/۳" خواهند بود.

ب- به منظور جلوگیری از افزایش بی‌رویه مصرف سموم دفع آفات نباتی و کودهای شیمیایی، اتخاذ روشی نماید، که موجبات استفاده بیشتر از کود کمپوست و مبارزه بیولوژیک، به تدریج فراهم شود. ضوابط ورود، ساخت، فرمولاسیون و مصرف کودهای شیمیایی و سموم دفع آفات نباتی از جهت تأثیرات زیست‌محیطی را توسط وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان حفاظت محیط زیست، و مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، تهیه و به تصویب هیئت وزیران برساند.

ج- ارائه برنامه مدیریت پسماندهای کشور و اتخاذ روشی که با همکاری شهرداریها، بخشداریهها، دهیاریهها در وهله اول در سه استان مازندران، گیلان و گلستان اجرا شود، به طوری که در پایان برنامه چهارم، جمع‌آوری، حمل و نقل، بازیافت و دفع کلیه پسماندها با روشهای فنی، زیست‌محیطی و بهداشتی انجام شود. همچنین ضمن تأمین اعتبارات لازم، کلیه شبکه‌ها و تأسیسات جمع‌آوری و تصفیه فاضلاب در دست اجرای استانهای خوزستان، گیلان، مازندران، گلستان و تهران و شهرهای مراکز استانها را تکمیل و به مرحله بهره‌برداری رسانده و مطالعات سایر شهرها را انجام و با توجه به اولویت به مرحله اجرا برساند.

« ماده ۱۱۱

دولت مکلف است:

الف- در طول برنامه چهارم، میزان آلودگی هوای شهرهای تهران، اهواز، اراک، تبریز، مشهد، شیراز، کرج و اصفهان را در حد استاندارد مصوب شورای عالی حفاظت محیط زیست کاهش دهد. آیین‌نامه اجرایی این بند، توسط سازمان حفاظت محیط زیست، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارتخانه‌های نفت، صنایع و معادن، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، راه و ترابری و کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران رسانده شود.

ب- در طول برنامه چهارم، تمهیداتی اتخاذ کند که کلیه خودروها و موتورسیکلت‌های فرسوده کشور از رده خارج شوند.

ج- جرایم راهنمایی و رانندگی را در کلیه شهرهای کشور، مرتبط با تخلفاتی که به آلودگی هوا منجر می‌شود، برای بازدارندگی تخلفات افزایش دهد.

« ماده ۱۱۲

دولت موظف است، به منظور ساماندهی و جلوگیری از آلودگی و تخریب سواحل، با اولویت دریای خزر، طرح جامع ساماندهی سواحل که متضمن اقدامهای ضروری همچون: تعیین و آزادسازی حریم، استقرار مدیریت یکپارچه سواحل، ضوابط و استانداردهای زیست‌محیطی و دریانوردی، بازبینی و اصلاح و تکمیل قوانین و مقررات را همراه با تعیین مسئولیت دستگاههای ذی‌ربط در زمینه سیاست‌گذاری، اجرا و نظارت، تدوین نماید.

آیین‌نامه اجرایی این بند، توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، سازمان حفاظت محیط زیست، وزارتخانه‌های مسکن و شهرسازی، کشور، جهاد کشاورزی، راه و ترابری، نیرو و عنداللزوم سایر دستگاههای ذی‌ربط تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

۱۱۳ ماده

سازمان حفاظت محیط زیست، مکلف است:

الف- در راستای ارتقای آگاهیهای عمومی و دستیابی به توسعه پایدار، با همکاری دستگاههای ذی ربط، برنامه آموزش همگانی زیست محیطی کشور را با تأکید بر گروههای اثرگذار و اولویت دار تدوین و از ابتدای برنامه چهارم به تصویب شورای عالی حفاظت محیط زیست برساند. کلیه دستگاههای ذی ربط، رسانه های دولتی و صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، ملزم به اجرای برنامه های آموزشی موضوع این ماده قانونی می باشند.

ب- نظام اطلاعات زیست محیطی کشور را در سطوح منطقه ای، ملی و استانی تا پایان سال دوم برنامه چهارم ایجاد نماید تا زمینه پیش، اطلاع رسانی و ارزیابی زیست محیطی فراهم گردد. دستگاههای ذی ربط مکلف اند، در تدوین و اجرایی نمودن این نظام همکاری نمایند.

۱۱۴ ماده

دولت موظف است، نسبت به تدوین اصول توسعه پایدار بوم شناختی، به ویژه در الگوهای تولید و مصرف و دستورالعملهای بهینه سازی مربوطه اقدام نماید. دستگاههای مرتبط موظف به رعایت اصول و دستورالعملهای مذکور در طرحها و برنامه های اجرایی خود می باشند.

۱۱۵ ماده

کلیه دستگاههای اجرایی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی موظف اند، جهت کاهش اعتبارات هزینه ای دولت، اعمال سیاستهای مصرف بهینه منابع پایه و محیط زیست، برای اجرای برنامه مدیریت سبز شامل: مدیریت مصرف انرژی، آب، مواد اولیه و تجهیزات (شامل کاغذ)، کاهش مواد زائد جامد و بازیافت آنها (در ساختمانها و وسائط نقلیه)، طبق آیین نامه ای که توسط سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور با همکاری دستگاههای ذی ربط تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید، اقدام نمایند.

◀ ماده ۱۱۶

برنامه مدیریت زیست بومی در زیست‌بومهای حساس، به ویژه دریاچه ارومیه، تهیه و به اجرا درمی‌آید. سازمان حفاظت محیط زیست با همکاری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارتخانه‌های نیرو و جهاد کشاورزی، آیین‌نامه این ماده را تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رساند.

◀ ماده ۱۱۷

الف- برنامه جامع حفاظت، احیا، بازسازی ذخایر و رفع آلودگی و ضوابط بهره‌برداری پایدار از محیط‌های دریایی کشور، تا پایان سال اول برنامه چهارم تهیه و به اجرا گذارده شود. آیین‌نامه اجرایی این بند، توسط سازمان حفاظت محیط زیست، با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ب- به دولت اجازه داده می‌شود، با رعایت اصول ۷۲ و ۸۵ قانون اساسی، برای تقلیل آلاینده‌های وارد به محیط زیست و تخریب آن، "صندوق ملی محیط زیست" وابسته به سازمان حفاظت محیط زیست را تأسیس کند. منابع مورد نیاز صندوق یاد شده برای انجام فعالیت‌های مذکور از طریق بودجه عمومی دولت و کمک‌های بخش غیر دولتی داخلی و خارجی تأمین می‌گردد. اساسنامه صندوق ملی محیط زیست مشترکاً توسط سازمان حفاظت محیط زیست، وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ج- وزارت جهاد کشاورزی موظف است، به منظور تعیین تکلیف نهایی و تثبیت مالکیت دولت بر عرصه‌های منابع ملی و دولتی، تا پایان برنامه چهارم، نسبت به اتمام عملیات ممیزی و تفکیک منابع ملی و دولتی از مستثنات و اشخاص اقدام کند. سازمان ثبت اسناد و املاک کشور باید تا صدور نهایی، نقشه‌های اراضی منابع ملی و دولتی را به عنوان اسناد رسمی پذیرفته و آنها را ملاک عمل قرار دهد.

◀ ماده ۱۱۸

دولت مکلف است، برنامه بهره‌برداری از منابع طبیعی کشور را جهت حفاظت، احیا و توسعه پایدار منابع طبیعی با در نظر گرفتن محورهای زیر به اجرا درآورد:

الف- بهره‌برداری متناسب با ظرفیت قابل تحمل محیط و توان تجدیدپذیری منابع

ب- مدیریت یکپارچه و نظام‌مند منابع طبیعی، در چارچوب تدوین برنامه مدیریت چند حوزه آبخیز با همکاری و مشارکت بخش عمومی و مردمی

ج- برقراری تعادل بین تعداد دام و ظرفیت مرتع

د- ساماندهی جنگل‌نشینان و خروج دام از جنگل

ه- سوخت‌رسانی به روستائیان، عشایر و جنگل‌نشینان

و- توسعه زراعت چوب، تسهیل واردات چوب و تشدید مبارزه با قاچاق چوب

ز- مقابله با بیابان‌زایی

ح- واگذاری اراضی مرتعی قابل احیا، به بهره‌برداران عرفی و تشکلهای اقتصادی آنان

◀ مواد ۱۱۹ الی ۱۲۰

ماده (۱۰۵) و بند "ج" ماده (۱۰۴) "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن" برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد.

📌 ماده ۱۰۵

کلیه طرحها و پروژه‌های بزرگ تولیدی و خدماتی باید پیش از اجرا و در مرحله انجام مطالعات امکان‌سنجی و مکان‌یابی، بر اساس ضوابط پیشنهادی شورای عالی حفاظت محیط زیست و مصوب

هیئت وزیران مورد ارزیابی زیست‌محیطی قرار گیرد. رعایت نتایج ارزیابی توسط مجریان طرحها و پروژه‌های مذکور الزامی است. نظارت بر حسن اجرای این ماده بر عهده سازمان برنامه و بودجه می‌باشد. تبصره - سازمان حفاظت محیط زیست موظف است راهکارهای عملی و اجرایی پروژه‌های عمرانی و اشتغالی در مناطق حفاظت شده را به طریقی فراهم نماید که ضمن رعایت مسائل زیست‌محیطی، طرحهای توسعه عمرانی متوقف نگردد.

۵ بند ج ماده ۱۰۴

ج - به منظور کاهش عوامل آلوده کننده محیط زیست، بالاخص در مورد منابع طبیعی و منابع آب کشور، واحدهای تولیدی موظف‌اند برای تطبیق مشخصات فنی خود با ضوابط محیط زیست و کاهش آلودگیها اقدام کنند. هزینه‌های انجام شده در این مورد به عنوان هزینه‌های قابل قبول واحدها منظور می‌گردد.

از واحدهائی که از انجام این امر خودداری نمایند و فعالیتهای آنها باعث آلودگی و تخریب محیط زیست گردد، جریمه متناسب با خسارت وارده اخذ و به درآمد عمومی واریز می‌گردد تا در قالب لوایح بودجه سنواتی برای اجرای طرحهای سالم‌سازی محیط زیست هزینه شود. آیین‌نامه این بند مشتمل بر مبلغ و چگونگی اخذ جرایم و نحوه هزینه آن به پیشنهاد سازمان حفاظت محیط زیست به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

فصل ششم

آمایش سرزمین و توازن منطقه‌ای

« ماده ۱۲۱

دولت مکلف است، به منظور توزیع مناسب جمعیت و فعالیتها در پهنه سرزمین، با هدف استفاده کارآمد از قابلیتها و مزیت‌های کشور، با استفاده از مطالعات انجام شده، سند ملی آمایش سرزمین مشتمل بر سطوح ذیل را از ابتدای برنامه چهارم به مرحله اجرا درآورد:

الف - سطح کلان شامل:

- ۱- چشم‌انداز بلندمدت توسعه فضایی کشور، در چارچوب سیاستهای کلی نظام، تحلیل شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی و امکانات، محدودیتها و مزیت‌های سرزمین
- ۲- راهبردهای کلی توزیع جمعیت در سرزمین، الگوی اسکان و نظام شهری و روستایی کشور
- ۳- راهبردهای خاص مناطق و عرصه‌هایی که به لحاظ "امنیتی و دفاعی"، "حفاظت از منابع طبیعی، محیط زیست و میراث فرهنگی" دارای موقعیت ویژه می‌باشند.
- ۴- پایگاه اطلاعات مکانی و جغرافیایی و اسناد تصویری مرتبط

ب - سطح بخشی شامل:

- ۱- راهبردهای هماهنگ و سازگار بلندمدت توسعه و توزیع فضایی بخشهای مختلف اقتصادی - اجتماعی منطبق با ویژگیهای سرزمین
- ۲- سیاستها و توصیه‌های منطقه‌ای و سرزمینی بخشها
- ۳- اقدامها و عملیات اولویت‌دار در توسعه بخش

ج - سطح استانی شامل:

- ۱- نظریه پایه توسعه استانها، حاوی بخشهای محوری و اولویت‌دار در توسعه استان و تعیین نقش هر استان در تقسیم کار ملی

۲- سازمان فضایی توسعه استان (محورها و مراکز عمده در توسعه استان)

۳- اقدامها و عملیات اولویت‌دار در توسعه استان

تبصره ۵- سندهای ملی توسعه بخش و سندهای ملی توسعه استان، موضوع فصل سیزدهم این لایحه، بر اساس جهت‌گیری‌های سند ملی آمایش سرزمین و متناسب با ویژگیهای هر یک تنظیم، و پس از تصویب هیئت وزیران، مبنای تنظیم عملیات اجرایی برنامه چهارم قرار می‌گیرد. دولت مکلف است، لوائح بودجه‌های سنواتی را، بر اساس اسناد فوق تنظیم و تقدیم مجلس شورای اسلامی نماید.

◀ ماده ۱۲۲

دولت مکلف است، به منظور هماهنگ‌سازی عملیات عمرانی و سرمایه‌گذاریهای جدید متناسب با شرایط در حال گذار ملی و بین‌المللی، با رعایت موازین آینده‌نگری، تحلیل مناسب موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی کشور، ساختار فرهنگی هویت ایرانی - اسلامی، امکانات و قابلیت‌ها و فرصتهای کشور، اقدامهای ذیل را انجام دهد:

الف- قرار دادن اسناد ملی آمایش سرزمین و کالبدی ملی به عنوان مرجع اصلی هماهنگیهای بین بخشی، بین منطقه‌ای و بخشی - منطقه‌ای، در تصمیم‌گیریهای اجرایی

ب- به هنگام نمودن سند ملی آمایش سرزمین، متناسب با تحولات جهانی، منطقه‌ای، علمی و فنی و با بهره‌گیری از اطلاعات پایه‌ای و مکانی و تعامل سطوح خرد و کلان منطقه‌ای و بخشی، به گونه‌ای که برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سازگاری با سند ملی آمایش سرزمین تنظیم گردد.

◀ ماده ۱۲۳

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مکلف است، با همکاری سایر دستگاههای اجرایی ذی‌ربط، به منظور بهره‌گیری از قابلیت‌ها و مزیت‌های سرزمین در راستای ارتقای نقش و جایگاه بین‌المللی کشور و

تعامل مؤثر در اقتصاد بین‌المللی، راهبردها و اولویتهای آمایشی ذیل را در قالب برنامه‌های اجرایی از ابتدای برنامه چهارم، به مرحله اجرا درآورد:

الف- بهره‌گیری مناسب از موقعیت و توانمندیهای عرصه‌های مختلف سرزمین، برای توسعه علم و فناوری و تعامل فعال با اقتصاد جهانی، از طریق تعیین مراکز و پارکهای فناوری علمی، تحقیقاتی تخصصی و همچنین تعیین نقش و عملکرد مناطق آزاد و ویژه اقتصادی موجود و جدید

ب- استفاده مناسب از قابلیت و توان کلان‌شهرها، در جهت تقویت نقش فراملی و ارتقای جایگاه بین‌المللی کشور، از طریق تقویت مدیریت توسعه، برنامه‌ریزی و اجرا در این شهرها، تعیین حوزه عملکرد فراملی و بین‌المللی هر یک و انتقال همزمان وظایف ملی و منطقه‌ای آنها به سایر شهرها

ج- بهره‌گیری مناسب، از قابلیت‌های ترانزیتی کشور، از طریق اولویت‌بندی محورهای خاص در دالانهای ارتباطی شرقی - غربی و شمالی - جنوبی کشور و تدوین برنامه توسعه مبادی، شبکه‌ها و نقاط خاص واقع بر این محورها

د- آماده‌سازی عرصه‌های مختلف سرزمین، برای پذیرش فعالیتهای جدید و ایجاد فرصتهای شغلی متناسب با قابلیت هر منطقه، از طریق تکمیل، توسعه و تجهیز شبکه‌های زیربنایی

ه- بهره‌گیری از آثار انتشاری سرمایه‌گذاریهایی ملی و فراملی، در توسعه مناطق پیرامونی (به ویژه دشتهای و پیرامون سدها)، از طریق تهیه برنامه‌های چندبخشی و گسترش شیوه‌های نوین معیشت و فعالیت و ساماندهی استقرار جمعیت و فعالیتهای

و- بهره‌گیری از منابع غنی نفت و گاز (به ویژه مناطق گازی پارس جنوبی)، در توسعه فعالیتهای مرتبط و صنایع انرژی‌بر و سازماندهی جدید استقرار جمعیت و فعالیتهای حاشیه جنوبی کشور، بر مبنای آن

ز- توسعه مناطق مرزی با هدف تقویت همگراییهای ملی و پیوند مناطق مرزی با اقتصاد ملی و فراملی

ح- بهره‌گیری از قابلیت‌های محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناطق روستایی کشور، از طریق توسعه منابع انسانی، تنوع‌بخشی به فعالیتهای اقتصادی، ساماندهی نظام ارائه خدمات سطح‌بندی

شده و اصلاح نظام برنامه‌ریزی توسعه روستایی، با تأکید بر افزایش هماهنگی و محلی نمودن فرایند آن

◀◀ ماده ۱۲۴

دولت موظف است، به منظور تحقق راهبرد توسعه درون‌زا و برون‌نگر بر قابلیت‌ها و مزیت‌های نسبی سرزمین و خلق فرصت‌های جدید و تقویت مزیت‌های رقابتی کشور اقدام‌های ذیل را انجام دهد:

الف- تهیه برنامه جامع توسعه بلندمدت انرژی و نفت، صنعت و معدن، حمل و نقل، تجارت، سرمایه انسانی، گردشگری، فناوری اطلاعات، آب، کشاورزی و اسکان جمعیت، متناسب با موقعیت منطقه‌ای کشور و تعامل بین آنها

ب- انعکاس و اجرای اثرات این برنامه‌ها بر پهنه سرزمین، و سازماندهی فضایی ملی، با رعایت اصول کارایی اقتصادی، تعادل و توازن منطقه‌ای، حفاظت از محیط زیست و میراث فرهنگی، رعایت ملاحظات دفاعی - امنیتی و رابطه متقابل امنیت و توسعه و وحدت و یکپارچگی سرزمین در سند ملی آمایش سرزمین

◀◀ ماده ۱۲۵

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است، در راستای ایجاد هماهنگی بین فعالیتهای دستگاه‌های اجرایی، آن دسته از اهداف و مضامین برنامه چهارم که تحقق آنها مستلزم مشارکت چند بخش و چند استان می‌باشد را در قالب برنامه‌های ویژه (فرابخشی) تدوین و نقش هر یک از دستگاه‌های اجرایی را در چارچوب وظایف قانونی هر دستگاه مشخص نماید. کلیه دستگاه‌های اجرایی بخشی و استانی موظف‌اند، عملیات و اقدام‌های اینگونه برنامه‌ها را که توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تعیین می‌گردد، در برنامه اجرایی خود منظور و اجرا نمایند.

◀◀ ماده ۱۲۶

دولت موظف است، آیین‌نامه چگونگی ایجاد ساز و کارهای لازم، جهت نهادینه نمودن نگرش آمایشی در دستگاههای مختلف، و برقراری پیوند لازم بین اسناد ملی آمایشی با طرحهای کالبدی ملی و منطقه‌ای، طرحهای توسعه و عمران منطقه‌ای، طرحهای مجموعه شهری و سایر طرحهای راهبردی - ساختاری در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی، طرحها و پروژه‌های عمرانی بخشی را تصویب و جهت اجرا به دستگاههای مختلف ابلاغ نماید.

◀◀ ماده ۱۲۷

به دولت اجازه داده می‌شود، به منظور هماهنگی در امور عمرانی و توسعه‌ای بین استانی، نسبت به منطقه‌بندی کشور از دیدگاه آمایش سرزمین و ایجاد نهادهای هماهنگ کننده و تعیین وظایف آنها در سطح فرا استانی اقدام نماید. آیین‌نامه اجرایی این ماده، به پیشنهاد مشترک سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، وزارت کشور و وزارت مسکن و شهرسازی تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

◀◀ ماده ۱۲۸

نسبت معینی از درآمدهای واریز شده به خزانه معین هر استان، در قالب بودجه سالانه به تأمین بودجه استان (هزینه‌ای و سرمایه‌ای) همان استان اختصاص می‌یابد. نسبتهای مذکور به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور توسط هیئت وزیران تعیین می‌گردد.

◀◀ ماده ۱۲۹

عناوین برنامه‌های عمرانی و آن دسته از وظایف دولت که نتایج کاربردی آن از محدوده استان فراتر نباشد (وظایف استانی) و می‌بایست در قالب بودجه استانی تأمین اعتبار شود، به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

« ماده ۱۳۰

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مکلف است، به هنگام تنظیم بودجه سالانه، درآمدها و واگذاری دارایی‌های استانی پیش‌بینی شده توسط شورای برنامه‌ریزی و توسعه استانها، که سرجمع آن در قانون بودجه مشخص شده است، را در قالب ردیفها و عناوین مستقل مشخص کرده و به تفکیک هر استان ابلاغ نماید.

« ماده ۱۳۱

الف- از ابتدای برنامه چهارم، اجرای بودجه سالانه استانها، بر اساس سند ملی توسعه استان تنظیم می‌شود. بودجه سالانه استان شامل: درآمدها و سایر منابع استان، سهم اختصاص یافته از منابع ملی و سرجمع اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در قانون بودجه کل کشور می‌باشد و به صورت "سند بودجه سالانه استان" در قالب قراردادی تنظیم و بین رئیس شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، مبادله می‌گردد.

ب- "سند بودجه سالانه استان" که تعهدات شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، برای اجرای برنامه توسعه استان را مشخص می‌نماید، مشتمل بر اهداف کمی استان، شاخصهای هدف هر بخش، اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و اعتبارات هزینه‌ای استان می‌باشد.

ج- طرحهای ملی که منافع آن شامل: چند استان و یا کل کشور می‌گردد، توسط دستگاههای اجرایی ملی اجرا خواهد شد.

د- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مکلف است، نظام تنظیم بودجه استان را در چارچوب "سند ملی توسعه استان" ظرف مدت شش ماه از تصویب این لایحه تهیه و به تصویب هیئت وزیران برساند.

◀ ماده ۱۳۲

دولت مجاز است، به منظور تجهیز پس اندازها و سرمایه‌های محلی و استفاده از آنها، در فرایند توسعه استان، نسبت به ایجاد و راه‌اندازی نهادهای مالی و پولی استانی شامل: بانکهای توسعه استانی و بورسهای تخصصی کالا با مشارکت بخش خصوصی اقدام نماید. آیین‌نامه اجرایی این ماده، به پیشنهاد مشترک بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و بازرگانی و کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

◀ ماده ۱۳۳

دولت مکلف است، در اجرای کامل نظام درآمد - هزینه استان، اقلام درآمدی زیر را به عنوان درآمد استانی وصول و از طریق خزانه‌داری کل به خزانه معین استان واریز و در اجرای وظایف جاری و عمرانی استانی، هزینه نماید:

الف- کلیه مالیاتهای مستقیم (به استثنای مالیات بر شرکت‌های دولتی)

ب- مالیات بر کالاها و خدمات به استثنای حقوق ورودی

ج- آن دسته از درآمدهای حاصل از مالکیت دولت که وصول آنها در همه استانهای کشور عمومیت دارد.

د- درآمدهای حاصل از خدمات که در استانها عرضه می‌شود و توسط دستگاههای استانی وصول می‌گردد، به استثنای درآمد ناشی از انفال

ه- درآمدهای حاصل از جرایم و خسارات که در استانها وصول می‌شود.

و- منابع حاصل از واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای به استثنای نفت و گاز و پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی

۱۳۴ ماده

شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان مکلف است، زمینه‌های لازم برای مشارکت شوراهای اسلامی شهر، روستا و شهرستان و دیگر نهادهای مدنی را، در فرایندهای تصمیم‌سازی، نظارت و همکاری در اجرای امور عمرانی استان فراهم نماید. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است، با همکاری وزارت کشور ساز و کارهای اجرایی لازم را فراهم آورد.

۱۳۵ ماده

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استانها مکلف می‌باشند، حداکثر ظرف مدت شش ماه پس از تصویب این قانون، برنامه‌های اجرایی سند ملی توسعه استان را تهیه و با همکاری شورای اسلامی استان جهت اجرا، به تصویب شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان برسانند.

۱۳۶ ماده

دولت مکلف است، در اجرای "قانون الزام دولت برای جبران عقب‌ماندگیهای استانها و مناطقی که شاخص توسعه آنها زیر میانگین کشور است، مصوب ۱۳۸۱/۱/۲۵" اقدامهای ذیل را انجام دهد:

الف- تعیین ساز و کارهای لازم برای استمرار نقش دولت، در توسعه زیربناها، خدمات اجتماعی و ایجاد زمینه‌های انگیزشی لازم برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، در مناطق کمتر توسعه یافته

ب- ایجاد زمینه‌های ضروری، برای تقویت نقش و حضور داوطلبانه مردمی، بخشهای عمومی غیر دولتی و خصوصی در مناطق کمتر توسعه یافته

ج- برقراری ساز و کارهای مالی، پولی، انگیزشی و به شیوه غیر متمرکز در مناطق کمتر توسعه یافته

◀ مواد ۱۳۷ الی ۱۴۰

مواد (۷۰)، (۷۱)، (۷۷) و (۱۸۱) "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن" برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد.

📌 ماده ۷۰

به منظور تصمیم‌گیری، تصویب، هدایت، هماهنگی و نظارت در امور برنامه‌ریزی و توسعه و عمران استانها، در چارچوب برنامه‌ها و سیاستها و خط‌مشی‌های کلان کشور، شورای برنامه‌ریزی و توسعه هر استان به ریاست استاندار تشکیل می‌شود.

تبصره ۱- به منظور پیشبرد اهداف و انجام وظایف شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان، کمیته‌های تخصصی متشکل از مدیران و رؤسای ادارات کل، شعب و نمایندگی سازمانهای دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی در استان که مشمول نظام بودجه استانی بوده و یا قسمتی از وظایف عمرانی استانی را عهده‌دار هستند (دستگاههای اجرایی استانی) تشکیل می‌گردد. آیین‌نامه اجرایی شورای برنامه‌ریزی استان و کمیته‌های تخصصی توسط سازمان برنامه و بودجه تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

تبصره ۲- پس از تشکیل کمیته‌های تخصصی موضوع این ماده سایر شوراهای کمیته‌ها و ستادهای مرتبط موجود استان به استثناء کمیته برنامه‌ریزی شهرستان منحل و وظایف آنها در قالب وظایف این کمیته‌ها ساماندهی و تنظیم می‌شود.

- کمیته برنامه‌ریزی شهرستان متشکل از فرماندار (ریاست کمیته)، نماینده سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (دبیر کمیته) و عضویت رؤسای دستگاههای اجرایی که مدیران کل آنها عضو شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان هستند، خواهد بود. فرمانداران موظف هستند یک هفته قبل از تشکیل جلسات کمیته از نمایندگان شهرستان در مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر در جلسات دعوت به عمل آورند.

- پروژه‌های عمرانی شهرستانها پس از تصویب در کمیته برنامه‌ریزی شهرستان جهت مبادله موافقتنامه با دستگاههای اجرایی ذی‌ربط به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان اعلام خواهد شد. تبصره ۳- وظیفه دبیرخانه شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان به عهده سازمان برنامه و بودجه استان است.

۵ ماده ۷۱

شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان وظایف زیر را به عهده‌دارد:

- الف - بررسی و تأیید برنامه‌های بلندمدت توسعه استان شامل جهت‌گیری‌های توسعه بلندمدت استان، در چارچوب نظام برنامه‌ریزی کشور و در راستای جهت‌گیری‌های بلندمدت کشور و طرح آمایش ملی.
- ب - بررسی و تأیید برنامه‌های میانمدت توسعه استان شامل هدفها، سیاستها و خط‌مشی‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و اولویتهای سرمایه‌گذاری در توسعه استان که در چارچوب رهنمودهای کلی و سیاستهای کلان و بخشی و سازگار با برنامه میان‌مدت ملی برای دوره برنامه توسعه تهیه می‌شود.
- ج - تصویب طرحهای توسعه و عمران و سلسله مراتب خدمات شهری و روستایی در قالب برنامه‌های توسعه استان، بارعایت سیاستهای مصوب شورای عالی معماری و شهرسازی.
- د - اتخاذ تدابیر لازم برای تحقق آن قسمت از درآمدهای عمومی و اختصاصی دولت در استان که توسط دستگاه اجرایی استانی وصول و به خزانه استان واریز می‌گردد (درآمد استانی) و پیشنهاد کسب منابع جدید درآمد در چارچوب سیاستهای مصوب دولت.
- ه - اتخاذ تدابیر لازم برای صرفه‌جویی در هزینه‌ها و پیشنهاد راههای کاهش هزینه در چارچوب سیاستهای مصوب دولت.
- و - بررسی و تأیید بودجه پیشنهادی سالانه استان شامل منابع مالی لازم از محل درآمدهای استان و سهمی از منابع ملی و اعتبارات جاری و عمرانی دستگاههای اجرایی استان از محل درآمد عمومی و اعتبارات از محل درآمد اختصاصی، در چارچوب بخشنامه‌ها و دستورالعملهای تهیه و تنظیم بودجه کل کشور، برای ارائه به سازمان برنامه و بودجه

- ز - بررسی و توزیع اعتبارات عمرانی استانی مصوب بین فصول و برنامه‌ها و طرح‌های عمرانی و دستگاه‌های اجرایی استانی به تفکیک شهرستان بر اساس پیشنهاد سازمان برنامه و بودجه استان.
- ح - بررسی و توزیع اعتبارات جاری دستگاه‌های اجرایی استانی به تفکیک برنامه و فصول هزینه بر اساس پیشنهاد سازمان برنامه و بودجه استان
- ط - بررسی و تصمیم‌گیری در مورد توسعه صادرات غیر نفتی استان و در صورت لزوم خط‌مشی‌های اجرایی مبادلات مرزی اعم از بازارچه‌ها، تعاونی‌های مرزنشینی در چارچوب سیاست‌های کلی تجارت خارجی کشور.
- ی - بررسی برنامه‌های سالانه و میان‌مدت اصلاح و تحول اداری متناظر با برنامه‌های توسعه مصوب و پیشنهاد آن به مراجع ذی‌ربط.
- ک - شناخت قابلیت‌ها و مزیت‌های نسبی استان و ایجاد زمینه‌های لازم برای تشویق و توسعه سرمایه‌گذاری‌های مردمی در امور اقتصادی، تولیدی و اجتماعی.
- ل - ساماندهی کمک‌ها و توسعه مشارکت‌های مردمی در اقدامات عمرانی و امور عام‌المنفعه.
- م - بررسی راه‌های تجهیز و جذب پس‌اندازهای مردم و به‌کارگیری آنها در امور توسعه استان در چارچوب سیاست‌ها و خط‌مشی‌های پولی کشور.
- ن - پیشنهاد برنامه‌های توسعه مشارکت زنان و جوانان به ویژه بسیجیان در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان به مراجع ذی‌ربط و تنظیم سیاست‌های اجرایی مربوطه.
- س - پیشنهاد برنامه‌های توسعه منابع انسانی به مراجع ذی‌ربط و تنظیم سیاست‌های اجرایی مربوطه.
- ع - پیشنهاد برنامه‌های استقرار نظام تأمین اجتماعی ملی در سطح استان به مراجع ذی‌ربط و تنظیم سیاست‌های اجرایی مربوطه.
- ف - بررسی وضعیت اشتغال در سطح استان و پیش‌بینی روش‌های تشویقی برای سرمایه‌گذاری در امور اشتغال‌زا.
- ص - پیشنهاد برنامه‌ها و تأمین منابع تقویت و توسعه بسیج استان.

۷۷ ماده ۷۷

کمیته تخصیص اعتبار استانی مرکب از معاون عمرانی استاندار، رئیس سازمان برنامه و بودجه استان و مدیرکل امور اقتصادی و دارایی استان تشکیل می‌شود و بر اساس گزارش خزانه معین استان نسبت به تعیین سقف تخصیص اعتبارات جاری دستگاههای اجرایی استان و اعتبارات عمرانی بر حسب فصول تصمیم‌گیری می‌کند.

تبصره - وظیفه دبیرخانه کمیته تخصیص اعتبار استانی بر عهده سازمان برنامه و بودجه استان است.

۱۸۱ ماده ۱۸۱

الف - دولت موظف است به منظور پیشگیری، امدادسانی، بازسازی و نوسازی مناطق آسیب دیده در حوادث غیر مترقبه در طی برنامه سوم، اعتبارات لازم را در لوایح بودجه سنواتی پیش‌بینی کند و در اختیار ستاد حوادث غیرمترقبه کشور قرار دهد. درصدی از اعتبارات فوق جهت مطالعات آسیب‌پذیری به منظور کاهش اثرات بلایای طبیعی و اجرای پروژه‌های پیشگیری از حوادث غیرمترقبه از قبیل سیل و زلزله، خشکسالی، آتش سوزی، طوفان و یا پیشروی آب دریا هزینه خواهد شد.

ب - وزارت کشور می‌تواند از محل منابع قرض‌الحسنه سیستم بانکی، وام و در صورت عدم تکافو از محل سایر منابع بانکی تسهیلات مورد نیاز را به مالکان واحدهای مسکونی، تجاری، صنعتی، معدنی و کشاورزی خسارت دیده در مناطق سابق‌الذکر اعطاء کند. مابه‌التفاوت سود و کار مزد تسهیلات اعطایی در لوایح بودجه سالانه منظور خواهد شد. دولت موظف است بازپرداخت تسهیلات اعطایی توسط سیستم بانکی را که در این بند پیش‌بینی شده است تضمین کند.

ج - به منظور افزایش سهم صنعت بیمه در جبران خسارت ناشی از حوادث غیرمترقبه، دولت مجاز است شرایط لازم را به نحوی فراهم کند که در دوران برنامه سوم حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) محصولات کشاورزی، دامداری، صنایع دستی، شیلات، ابنیه عمومی، تأسیسات شهری و روستایی، ساختمانهای مسکونی، تجاری و صنعتی تحت پوشش بیمه قرار گیرند.

بخش سوم

توسعه سلامت، امنیت انسانی

و عدالت اجتماعی

فصل هفتم

ارتقای سلامت و بهبود کیفیت زندگی

◀ ماده ۱۴۱

دولت موظف است، به منظور تغییر رویکرد و ارتقای گسترده سلامت و کیفیت زندگی شهروندان ایرانی، رعایت جامعیت و اثربخشی، اتخاذ تدابیر مناسب، سیاستها و راهبردهای ارتقای سلامت و بهبود کیفیت زندگی مردم در کلیه زمینه‌ها و همچنین نهادینه کردن مدیریت، سیاستگذاری، ارزشیابی و هماهنگی این قلمرو از جمله: امنیت غذا و تغذیه در کشور، تأمین سبد مطلوب غذایی و کاهش بیماریهای ناشی از سوء تغذیه و گسترش سلامت همگانی در کشور، اقدامهای ذیل را به عمل آورد:

الف- تشکیل "شورای عالی سلامت و امنیت غذایی" با ادغام "شورای غذا و تغذیه" و "شورای عالی سلامت" و تهیه و تصویب آیین‌نامه این شورا مشتمل بر: ترکیب اعضا، ساختار و شرح وظایف، ظرف مدت سه ماه پس از تصویب این لایحه

ب- تهیه برنامه‌های آموزشی لازم به‌منظور ارتقای فرهنگ و سواد تغذیه‌ای جامعه توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سایر وزارتخانه‌های آموزشی و سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، حداکثر ظرف مدت شش ماه و اجرای آن پس از تصویب شورای عالی سلامت و امنیت غذایی

ج- تخصیص منابع اعتباری، تسهیلات بانکی و یارانه‌ای لازم برای تولید، تأمین، توزیع و مصرف مواد غذایی، در جهت دستیابی به سبد مطلوب غذایی و تأمین منابع لازم برای ترویج غذای سالم در قالب میان‌وعده غذایی دانش‌آموزان و همچنین کمک غذایی برای اقشار نیازمند، طبق مصوبه شورای عالی سلامت و امنیت غذایی

د- تهیه برنامه جامع کاهش ضایعات مواد غذایی (از تولید تا مصرف)، توسط وزارت جهاد کشاورزی، با همکاری وزارتخانه‌های بازرگانی، صنایع و معادن و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و همچنین سایر دستگاههای اجرایی ذی‌ربط و اجرای آن پس از تصویب شورای عالی سلامت و امنیت غذایی

ه- تهیه برنامه جامع ایمنی غذا، توسط کارگروهی با مسئولیت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر دستگاههای اجرایی در جهت دستیابی به سلامت غذا، حداکثر طی یک سال پس از تصویب این لایحه و ابلاغ آن پس از تصویب شورای عالی سلامت و امنیت غذایی، به دستگاههای اجرایی ذی‌ربط

◀ ماده ۱۴۲

دولت موظف است، ظرف مدت شش ماه پس از تصویب این لایحه، لایحه حفظ و ارتقای سلامت آحاد جامعه و کاهش مخاطرات تهدید کننده سلامتی را مشتمل بر نکات ذیل تهیه و جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه کند:

- کاهش حوادث حمل و نقل، از طریق شناسایی نقاط و محورهای حادثه‌خیز جاده‌ها و راههای مواصلاتی و کاهش نقاط مذکور به میزان پنجاه درصد (۵۰٪) تا پایان برنامه چهارم
- تأکید بر رعایت اصول ایمنی و مقررات راهنمایی و رانندگی
- ساماندهی و تکمیل شبکه اورژانس کشور و کاهش مرگ و میر ناشی از حوادث حمل و نقل به میزان پنجاه درصد (۵۰٪) تا پایان برنامه چهارم
- ارتقای سطح ایمنی وسائط نقلیه موتوری و اعمال استانداردهای مهندسی انسانی و ایمنی لازم
- کاهش مخاطرات تهدید کننده سلامتی در محیط کار، آلاینده‌های هوا، آب، خاک، محصولات کشاورزی و دامی، و تعریف مصادیق، میزان و نحوه تعیین و وصول عوارض و جرایم جبرانی و چگونگی مصرف منابع حاصله

◀ ماده ۱۴۳

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دستگاههای ذی ربط مکلفاند، به منظور کاهش عوارض ناشی از بیماریهای روانی و رفتاری، تا پایان سال اول برنامه چهارم، برنامه‌های جامع کاهش رفتارهای جنسی پر خطر، کاهش خطرات فردی و اجتماعی رفتارهای جنسی پر خطر، کاهش خطرات و زیانهای فردی و اجتماعی اعتیاد، پیشگیری و درمان بیماری ایدز و نیز برنامه کاهش بار بیماریهای روانی را تدوین و به اجرا درآورند.

◀ ماده ۱۴۴

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف است، به منظور زمینه‌سازی برای حضور مؤثر در بازارهای جهانی و تبدیل جمهوری اسلامی ایران به مرکز رفع نیازهای سلامت و پزشکی منطقه، در چارچوب سیاستهای راهبردی تجاری، تسهیلات لازم را در خصوص معرفی تواناییها، عرضه و بازاریابی خدمات سلامت و آموزش پزشکی و تولیدات، تجهیزات و فرآورده‌های پزشکی و دارویی ارائه نماید، به‌نحوی که ارزش حاصل از صادرات خدمات و تولیدات مزبور به سی درصد (۳۰٪) مصارف ارزی بخش بهداشت و درمان، در سال پایانی برنامه چهارم برسد.

◀ ماده ۱۴۵

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف است، به منظور ارتقای مستمر کیفیت خدمات سلامت و تعالی عملکرد خدمات بالینی، افزایش بهره‌وری و استفاده بهینه از امکانات بهداشتی درمانی کشور، اقدامهای ذیل را انجام دهد:

الف- تدوین، نظارت و ارزشیابی استانداردها و شاخصهای بهبود کیفیت خدمات و اصلاح رتبه‌بندی بیمارستانها، بر اساس الگوی عملکرد بالینی

ب- مشتری‌مدار نمودن واحدهای بهداشتی درمانی، از طریق اصلاح فرایندها و ساختار مدیریت اقتصادی (از جمله: اصلاح نظامهای حسابداری، پرداخت مبتنی بر عملکرد، بودجه‌ریزی عملیاتی)

- ج- اداره بیمارستانهای پیشنهادی دانشگاههای علوم پزشکی، به صورت هیئت امنایی و یا شرکتی و تفویض اختیارات مدیریت، جذب و به کارگیری نیروی انسانی و اداری - مالی به آنها
- د- تفکیک بیمارستانها، از نظر تختههای آموزشی و غیر آموزشی
- ه- طراحی و استقرار نظام جامع اطلاعات سلامت شهروندان ایرانی

◀◀ ماده ۱۴۶

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است، به منظور دسترسی عادلانه مردم به خدمات بهداشتی، درمانی و منطقی نمودن آن متناسب با نیازها در نقاط مختلف کشور، نظام ارائه خدمات بهداشتی، درمانی کشور را مبتنی بر سطحبندی خدمات طراحی نماید. ایجاد، توسعه و تجهیز یا تغییر در ظرفیتهای پزشکی و درمانی کشور و همچنین اختصاص نیروی انسانی جهت ارائه خدمات، مطابق با سطحبندی خدمات درمانی کشور انجام خواهد شد. احداث، ایجاد و توسعه واحدهای بهداشتی و درمانی توسط دستگاههای موضوع ماده (۲۴۷) این لایحه و نیروهای مسلح، صرفاً با تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و تصویب هیئت وزیران امکانپذیر خواهد بود.

در خصوص واحدهای سلامت و ایمنی محیط کار (H.S.E)، طبق مقررات اختصاصی ذی ربط عمل خواهد شد.

◀◀ ماده ۱۴۷

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است، با مشارکت وزارتخانههای آموزشی، وزارت کشور و سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، به منظور آموزش بهداشت و ارتقای آگاهیهای سلامتی مردم نسبت به تدوین برنامه جامع توانمندسازی برای حفظ و ارتقای سلامت فرد، خانواده و جامعه اقدام نماید.

سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و دستگاههای اجرایی مکلفاند، در تدوین و اجرای برنامه جامع یاد شده با وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی همکاری نمایند.

◀ ماده ۱۴۸

به منظور ارتقای عدالت توزیعی در دسترسی عادلانه مردم به خدمات بهداشتی و درمانی و در جهت کاهش سهم خانوارهای کم درآمد و آسیب‌پذیر از هزینه‌های بهداشتی و درمانی آنها، توزیع منابع و امکانات بهداشتی و درمانی باید به نحوی صورت پذیرد که "شاخص مشارکت عادلانه مالی مردم" به ۰/۹۰ ارتقا یابد و میزان خانوارهای آسیب‌پذیر از هزینه‌های غیر قابل تحمل سلامت به یک درصد (۱٪) کاهش یابد. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است، با مشارکت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، آیین‌نامه چگونگی متعادل نمودن سهم مردم در تأمین منابع بهداشت و درمان برای تحقق اهداف مذکور را، ظرف مدت شش ماه پس از تصویب این لایحه تهیه و برای تصویب به هیئت وزیران ارائه نماید.

◀ ماده ۱۴۹

به منظور افزایش اثربخشی نظام ارائه خدمات سلامت در کشور و تقویت و توسعه نظام بیمه خدمات درمانی، اقدامهای ذیل انجام خواهد شد:

الف- سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت بر عملکرد بیمه درمان در سطوح پایه و مکمل، بر عهده شورای عالی بیمه خدمات درمانی است. کلیه شرکتهای بیمه تجاری و غیر تجاری صرفاً با رعایت قوانین و مقررات شورای عالی بیمه خدمات درمانی مجاز به ارائه خدمات بیمه پایه و مکمل می‌باشند.

ب- تا پایان برنامه چهارم، شورای عالی بیمه خدمات درمانی تمهیدات لازم، جهت استقرار بیمه سلامت با محوریت پزشک خانواده و نظام ارجاع را فراهم نماید.

ج- به منظور تعمیم عدالت در بهره‌مندی از خدمات بهداشتی درمانی، خدمات بیمه پایه درمانی روستائیان، معادل مناطق شهری تعریف و اجرا می‌شود.

د- کلیه اتباع خارجی مقیم کشور، موظف به دارا بودن بیمه‌نامه برای پوشش حوادث و بیماریهای احتمالی در مدت اقامت در ایران می‌باشند.

آیین‌نامه اجرایی این ماده، توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ظرف مدت سه ماه از تصویب این لایحه تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

◀ ماده ۱۵۰

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است، نسبت به درمان فوری و بدون قید و شرط مصدومین حوادث و سوانح رانندگی، در مراکز خدمات بهداشتی و درمانی اقدام کند. به منظور تأمین منابع لازم برای ارائه خدمات فوق، عوارضی معادل ده درصد (۱۰٪) حق بیمه شخص ثالث، سرنشین، مازاد توسط شرکتهای بیمه تجاری وصول و به حساب درآمدهای اختصاصی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی واریز می‌گردد و هزینه‌های درمان کلیه مصدومان ترافیکی، جاده‌ای و رانندگی از محل وجوه واریز شده به این حساب و سایر منابع موجود پرداخت خواهد شد. توزیع این منابع بر اساس عملکرد هر یک از سازمانهای بیمه‌گر پایه توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، هر شش ماه یک بار صورت خواهد گرفت.

◀ ماده ۱۵۱

ماده (۱۹۴) "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن" برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد.

⑤ ماده ۱۹۴

کلیه مراکز تولید و توزیع مواد خوراکی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی و همچنین مراکزی که در زمینه‌های فوق خدماتی را ارائه می‌کنند موظف‌اند ضمن رعایت ضوابط بهداشتی که از طرف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دستگاههای ذی‌ربط اعلام می‌گردد نسبت به اخذ تأییدیه ادواری از افراد حقیقی و یا حقوقی (دولتی و یا غیر دولتی) که صلاحیت آنها حسب مورد از طرف دستگاههای سابق‌الذکر برای مدت معین تأیید شده است اقدام کنند. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و

دستگاههای ذی ربط موظفاند حسب مورد بر خدمات افراد حقیقی و یا حقوقی تأیید صلاحیت شده به صورت مستمر نظارت و در صورت مشاهده تخلف ضمن رد صلاحیت آنها موضوع را به مراجع قانونی ارجاع نمایند.

آیین نامه این ماده مشتمل بر تعیین واحدهای تولیدی، توزیعی و خدماتی مشمول این ماده، تعیین مقاطع زمانی اخذ تأییدیه بهداشتی برای هر یک از مراکز مربوطه، تعیین تعرفهها، نحوه برخورد با متخلفان اعم از اخذ جریمه و معرفی به دادگاه، ضوابط تعیین صلاحیت اشخاص حقیقی و حقوقی نظارت کننده و سایر موارد حداکثر طی مدت ششماه پس از تصویب این قانون توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با همکاری دستگاههای ذی ربط تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

فصل هشتم

ارتقای امنیت انسانی و عدالت اجتماعی

◀ ماده ۱۵۲

دولت مکلف است، به منظور استقرار عدالت و ثبات اجتماعی، کاهش نابرابریهای اجتماعی و اقتصادی، کاهش فاصله دهکهای درآمدی و توزیع عادلانه درآمد در کشور و نیز کاهش فقر و محرومیت و توانمندسازی فقرا، از طریق تخصیص کارآمد و هدفمند منابع تأمین اجتماعی و یارانه‌های پرداختی، برنامه‌های جامع فقرزدایی و عدالت اجتماعی را با محورهای ذیل تهیه و به اجرا بگذارد و ظرف مدت شش ماه پس از تصویب این لایحه، نسبت به بازنگری مقررات و همچنین تهیه لوایح برای تحقق سیاستهای ذیل اقدام نماید:

الف- گسترش و تعمیق نظام جامع تأمین اجتماعی، در ابعاد جامعیت - فراگیری و اثربخشی

ب- اعمال سیاستهای مالیاتی، با هدف باز توزیع عادلانه درآمدها

ج- تعیین خط فقر و تبیین برنامه‌های توانمندسازی متناسب و ساماندهی نظام خدمات حمایتیهای اجتماعی، برای پوشش کامل جمعیت زیر خط فقر مطلق و نظام تأمین اجتماعی، برای پوشش جمعیت بین خط فقر مطلق و خط فقر نسبی و پیگیری و ثبت مستمر آثار برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی بر وضعیت خط فقر، جمعیت زیر خط فقر، همچنین میزان درآمد سه دهک پایین درآمدی و شکاف فقر

د- طراحی برنامه‌های ویژه اشتغال، توانمندسازی، جلب مشارکتهای اجتماعی، آموزش مهارتهای شغلی و

مهارتهای زندگی، به ویژه برای جمعیتهای سه دهک پایین درآمدی در کشور

ه- ارتقای مشارکت نهادهای غیر دولتی و مؤسسات خیریه، در برنامه‌های فقرزدایی و شناسایی

کودکان یتیم و خانواده‌های زیر خط فقر، در کلیه مناطق کشور، توسط مدیریتهای منطقه‌ای و

اعمال حمایتیهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای افراد یاد شده توسط آنان

و- امکان تأمین غذای سالم و کافی، در راستای سبد مطلوب غذایی و تضمین خدمات بهداشتی، درمانی و توانبخشی رایگان و تأمین مسکن ارزان قیمت، همچنین حصول اطمینان از قرار گرفتن جمعیت کمتر از ۱۸ سال تحت پوشش آموزش عمومی رایگان برای خانوارهای واقع در سه دهک پایین درآمدی، از طریق جابه‌جایی و تخصیص کارآمد منابع یارانه‌ها

ز- فراهم کردن حمایت‌های حقوقی، مشاوره‌های اجتماعی و مددکاری، برای دفاع از حقوق فردی، خانوادگی و اجتماعی فقرا

ح- اتخاذ رویکرد توانمندسازی و مشارکت محلی، بر اساس الگوی نیازهای اساسی توسعه و تشخیص نیاز توسط جوامع محلی برای ارائه خدمات اجتماعی، از طریق نظام انگیزشی برای پروژه‌های عمرانی کوچک، متناسب با ظرفیتهای محلی - از طریق اعمال موارد در سطوح محلی و جلب مشارکتهای عمومی

ط- طراحی روشهای لازم برای افزایش بهره‌وری و درآمد روستائیان و ایجاد فرصتهای اشتغال به ویژه در دوره‌های زمانی خارج از فصول کاشت و برداشت با رویکرد مشارکت روستائیان، با حمایت از صندوق قرض‌الحسنه توسعه اشتغال روستایی

◀ ماده ۱۵۳

دولت مکلف است، با توجه به استقرار سازمانی نظام جامع تأمین اجتماعی در برنامه چهارم پوشش جمعیتی، خدمات و حمایت‌های مالی مورد نظر در اصل ۲۹ قانون اساسی را طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، از طریق فعالیتهای بیمه‌ای، حمایتی و امدادی به صورت تدریجی و به شرح ذیل افزایش و به اجرا بگذارد:

الف- افزایش پوشش بیمه‌های اجتماعی با توجه خاص به روستائیان و شاغلین شهری که تاکنون تحت پوشش نبوده‌اند، به نحوی که برنامه بیمه‌های اجتماعی روستائیان، با مشارکت دولت و روستائیان پس از تهیه و تصویب دولت از سال دوم برنامه چهارم، به اجرا گذاشته شود.

ب- پوشش کامل جمعیتی صد درصد، از نظر بیمه همگانی پایه خدمات درمانی

- ج- تأمین بیمه خاص (در قالب فعالیتهای حمایتی)، برای حمایت از زنان سرپرست خانوار و افراد بی سرپرست با اولویت کودکان بی سرپرست
- د- هدفمند نمودن فعالیتهای حمایتی، جهت توانمندسازی افراد تحت پوشش مؤسسات و نهادهای حمایتی در راستای ورود به پوشش بیمه‌ای
- ه- اتخاذ تمهیدات لازم جهت بازپرداخت بدهی دولت به سازمانهای بیمه‌ای، به نحوی که ضمن عدم ایجاد بدهی جدید تا پایان برنامه چهارم، کل بدهی دولت به سازمانهای بیمه‌ای تسویه شده باشد.

◀ ماده ۱۵۴

- دولت مکلف است، به منظور پیشگیری و کاهش آسیبهای اجتماعی، نسبت به تهیه طرح جامع کاهش آسیبهای اجتماعی، با تأکید بر پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر، مشتمل بر محورهای ذیل اقدام نماید:
- الف- ارتقای سطح بهداشت روان، گسترش خدمات مددکاری اجتماعی، تقویت بنیان خانواده و توانمندسازی افراد و گروههای در معرض آسیب
- ب- بسط و گسترش روحیه نشاط، شادابی، امیدواری، اعتماد اجتماعی، تعمیق ارزشهای دینی و هنجارهای اجتماعی
- ج- شناسایی نقاط آسیب‌خیز و بحران‌زای اجتماعی در بافت شهری و حاشیه شهرها و تمرکز بخشیدن حمایتهای اجتماعی، خدمات بهداشتی - درمانی، مددکاری، مشاوره اجتماعی و حقوقی و برنامه‌های اشتغال حمایت شده، با اعمال راهبرد همکاری بین بخشی و سامانه مدیریت آسیبهای اجتماعی در مناطق یاد شده
- د- پیشگیری اولیه از بروز آسیبهای اجتماعی از طریق: اصلاح برنامه‌های درسی دوره آموزش عمومی و پیش‌بینی آموزشهای اجتماعی و ارتقای مهارتهای زندگی توسط وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی و سایر نهادهای فرهنگی و آموزشی

- ه- خدمات‌دهی به موقع به افراد در معرض آسیب‌های اجتماعی با مشارکت سازمان‌های غیر دولتی
- و- بازتوانی آسیب‌دیدگان اجتماعی و فراهم نمودن زمینه بازگشت آنها به جامعه
- ز- تهیه طرح ملی مبارزه با مواد مخدر و روان گردان بر اساس محورهای ذیل:
- ۱- پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر و قاچاق آن با استفاده از تمامی امکانات و توانمندی‌های ملی.
 - ۲- در اولویت قراردادن استراتژی کاهش آسیب و خطر، کار درمانی، آموزش مهارت‌های زندگی سالم، روان درمانی، درمان اجتماع مدار معنادان و بهره‌گیری از سایر یافته‌های علمی و تجارب جهانی در اقدامها و برنامه‌ریزی‌های عملی
 - ۳- جلوگیری از تغییر الگوی مصرف مواد مخدر به داروهای شیمیایی و صنعتی
 - ۴- جلوگیری از هرگونه تطهیر عواید ناشی از فعالیتهای مجرمانه مواد مخدر و روان گردانها
 - ۵- به کار گرفتن تمام امکانات و توانمندی‌های ملی برای مقابله با حمل و نقل و ترانزیت مواد مخدر و همچنین عرضه و فروش آن در سراسر کشور
 - ۶- تقویت نقش مردم و سازمان‌های غیر دولتی در امر پیشگیری و مبارزه با اعتیاد

◀ ماده ۱۵۵

- دولت مکلف است، به منظور حفظ و ارتقای سرمایه اجتماعی، ارتقای رضایتمندی عمومی و گسترش نهادهای مدنی، طی سال اول برنامه چهارم، اقدام‌های ذیل را انجام دهد:
- الف- تصویب ضوابط و ساز و کارهای سنجش و ارزیابی سرمایه اجتماعی کشور
- ب- ارائه گزارش سالانه سرمایه اجتماعی کشور و احصای علل و عوامل تأثیرگذار بر آن
- ج- تصویب ساز و کارهای اجرایی لازم جهت افزایش سرمایه اجتماعی اعم از اعتماد عمومی، وفاق اجتماعی، قانون‌گرایی و وجدان فردی و اجتماعی
- د- ارزیابی رضایتمندی عمومی به صورت سالانه و انتشار تغییرات آن در اثر عملکرد عمومی دولت یا دستگاه‌های اجرایی

ه- تدوین و تصویب طرح جامع توانمندسازی و حمایت از حقوق زنان و برقراری عدالت جنسیتی، در ابعاد حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و اجرایی در مراجع ذی‌ربط

و- تدوین طرح جامع مشارکت و نظارت مردم، سازمانها، نهادهای غیر دولتی و شوراهای اسلامی، در توسعه پایدار کشور و فراهم کردن امکان گسترش کمی و کیفی نهادهای مدنی، با اعمال سیاستهای تشویقی

◀ ماده ۱۵۶

دولت موظف است، ظرف مدت شش ماه از تصویب این لایحه، نسبت به تدوین و اجرای سند راهبردی خدمات رسانی به ایثارگران (خانواده معظم شهدا، جانبازان، آزادگان و خانواده آنان)، با رویکرد توانمندسازی و بهبود وضعیت اشتغال، مسکن ارزان قیمت، ارتقای سطح اجتماعی، درمانی، معیشتی و بهبود وضعیت آموزشی و فرهنگی، حفظ و تثبیت موقعیت شغلی آنان اقدام نموده و ساز و کار نظارت بر حسن اجرای سند را پیش‌بینی نماید. منابع مالی سند از محل بودجه عمومی دولت و منابع داخلی نهادها تأمین خواهد شد. در تمامی برنامه‌های اشتغالزایی اعم از جذب و استخدام و اعطای امتیازات و تسهیلات، ایثارگران در اولویت هستند و دولت موظف است، حمایت‌های لازم در حفظ و تثبیت موقعیت شغلی آنان را اعمال نماید.

◀ ماده ۱۵۷

دولت موظف است، به منظور ارتقای حقوق انسانی، استقرار زمینه‌های رشد و تعالی و احساس امنیت فردی و اجتماعی در جامعه و تربیت نسلی فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایت‌مند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط با روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن، "منشور حقوق شهروندی" را مشتمل بر محورهای ذیل تنظیم و به تصویب مراجع ذی‌ربط برساند:

الف- پرورش عمومی قانون مداری و رشد فرهنگ نظم و احترام به قانون و آیین شهروندی

- ب- تأمین آزادی و صیانت از آرای مردم و تضمین آزادی، در حق انتخاب شدن و انتخاب کردن
- ج- هدایت فعالیتهای سیاسی، اجتماعی به سمت فرایندهای قانونی و حمایت و تضمین امنیت فعالیتها و اجتماعات قانونی
- د- تأمین آزادی و امنیت لازم، برای رشد تشکلهای اجتماعی در زمینه صیانت از حقوق کودکان و زنان
- ه- ترویج مفاهیم وحدت آفرین و احترام آمیز، نسبت به گروههای اجتماعی و اقوام مختلف در فرهنگ ملی
- و- تعریف جرایم سیاسی و تفکیک آنها از جرایم حقوقی
- ز- حفظ و صیانت از حریم خصوصی افراد
- ح- ارتقای احساس امنیت اجتماعی در مردم و جامعه

◀ ماده ۱۵۸

دولت موظف است، برنامه ملی توسعه "کار شایسته" را به عنوان گفتمان جدید عرصه کار و توسعه، بر اساس راهبرد "سه جانبه‌گرایی" که متضمن عزت نفس، برابری فرصتها، آزادی و امنیت نیروی کار، همراه با صیانت لازم باشد و مشتمل بر محورهای ذیل تهیه و از سال دوم برنامه چهارم، به مرحله اجرا درآورد:

- الف-** حقوق بنیادین کار (آزادی انجمنها و حمایت از حق تشکلهای مدنی روابط کار، حق سازماندهی و مذاکره دسته‌جمعی، تساوی مزدها برای زن و مرد در مقابل کار هم‌ارزش، منع تبعیض در اشتغال و حرفه، رعایت حداقل سن کار، ممنوعیت کار کودک، رعایت حداقل مزد متناسب با حداقل معیشت)
- ب-** گفتگوی اجتماعی دولت و شرکای اجتماعی (نهادهای مدنی روابط کار) ارتقای سرمایه انسانی و اجتماعی، ارتقای روابط صنعتی و روابط کار، نقش شرکای اجتماعی، مذاکرات و چانه‌زنی جمعی، انعقاد پیمانهای دسته‌جمعی، تشکیل شورای سه جانبه مشاوره ملی، گسترش مکانیزمهای سه جانبه در روابط کار، اصلاحات ساختاری، ترویج گفتگوی اجتماعی و تقویت تشکلهای مدنی روابط کار

ج- گسترش حمایت‌های اجتماعی (تأمین اجتماعی، بیمه بیکاری، ایجاد، توسعه و تقویت ساز و کارهای جبرانی، حمایت‌های اجتماعی از شاغلین بازار کار غیر رسمی، توانبخشی معلولین و برابری فرصتها برای زنان و مردان و توانمندسازی زنان از طریق دستیابی به فرصتهای شغلی مناسب)

د- حق پیگیری حقوق صنفی و مدنی کارگری

ه- اصلاح و بازنگری قوانین و مقررات تأمین اجتماعی و روابط کار (تغییر در قوانین تأمین اجتماعی و روابط کار بر اساس ساز و کار سه‌جانبه (دولت، کارگر و کارفرما))، به منظور تعامل و انعطاف بیشتر در بازار کار

و- اشتغال مولد (ظرفیت‌سازی برای اشتغال در واحدهای کوچک و متوسط، آموزشهای هدف‌دار و معطوف به اشتغال، برنامه‌ریزی آموزشی با جهت‌گیری اشتغال، آموزشهای کارآفرینی، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات بازار کار، ارتباط و همبستگی کامل آموزش و اشتغال، رفع موانع بیکاری ساختاری، توسعه آموزشهای مهارتی فنی و حرفه‌ای معطوف به نیاز بازار کار)

ز- اصلاح قوانین و مقررات (در جهت انطباق قوانین و مقررات ملی با استانداردها و مقابله‌نامه‌های بین‌المللی، کنسولی، تحولات جهانی کار و امحای تبعیض در همه عرصه‌های اجتماعی به ویژه در عرصه روابط کار و اشتغال)

◀ ماده ۱۵۹

دولت موظف است، برنامه توسعه بخش تعاونی را با رویکرد استفاده مؤثر از قابلیت‌های بخش تعاونی، در استقرار عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه‌تر درآمدها، تأمین منابع لازم برای سرمایه‌گذاران، از طریق تجمیع سرمایه‌های کوچک، اجرای بند "۲" اصل ۴۳ قانون اساسی، افزایش قدرت رقابتی و توانمندسازی بنگاههای اقتصادی متوسط و کوچک، کاهش تصدی‌های دولتی، گسترش مالکیت و توسعه مشارکت عامه مردم در فعالیتهای اقتصادی مشتمل بر محورهای ذیل تهیه و از سال دوم برنامه چهارم به مرحله اجرا درآورد.

- الف-** توانمندسازی جوانان، زنان، فارغ‌التحصیلان و سایر افراد جویای کار، در راستای برقراری تعاملات اجتماعی لازم جهت شکل‌گیری فعالیت واحدهای تعاونی
- ب-** ارتقای بهره‌وری و توسعه و بهبود مدیریت تعاونیها
- ج-** ترویج فرهنگ تعاون و اصلاح محیط حقوقی توسعه بخش و ارائه لوایح قانونی مورد نیاز
- د-** اولویت دادن به بخش تعاونی، در انتقال فعالیتها و کاهش تصدیهای بخش دولتی اقتصاد به بخش غیر دولتی
- ه-** توسعه حیطه فعالیت بخش تعاونی، به تمام عرصه‌های اقتصادی از جمله بانکداری و بیمه
- و-** تسهیل فرایند دستیابی تعاونیها به منابع، امکانات، فناوریهای نوین و بازارها و بهبود محیط کسب و کار
- ز-** تسهیل ارتباطات و توسعه پیوندهای فنی، اقتصادی و مالی بین انواع تعاونیها

◀ مواد ۱۶۰ الی ۱۶۹

مواد (۴۲)، (۴۶)، (۴۸) الی (۵۳)، (۵۵) و (۵۶) "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن" برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد.

📌 ماده ۴۲

کلیه بیمه شدگان (به استثنای کادر نیروهای مسلح و کارکنان وزارت اطلاعات) می‌توانند نسبت به تغییر سازمان بیمه‌ای خود اقدام کنند. نقل و انتقال حق بیمه و کسورات بیمه‌ای بین صندوقهای بیمه‌ای بر اساس ضوابطی خواهد بود که حداکثر طی مدت شش ماه توسط سازمان امور اداری و استخدامی کشور، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و بر اساس محاسبات بیمه‌ای تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

۵ ماده ۴۶

الف - دولت مکلف است حداکثر تا پایان سال دوم برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با انجام مطالعات و بررسیهای کارشناسی اقدامات قانونی به منظور هدفمند نمودن پرداخت یارانه کالاهای اساسی شامل گندم، برنج، روغن نباتی، قند، شکر، پنیر، شیر، دارو، شیرخشک، کود، بذر، سم، حاملهای انرژی و سایر موارد را انجام دهد، به طوری که از سال سوم برنامه مذکور، نظام پرداخت یارانه با کمیت مشخص در راستای تحقق اهداف ذیل متحول و تغییر یابد:

- ۱- منطقی کردن مصرف کالاهای یارانه‌ای و جلوگیری از قاچاق این نوع کالاها.
 - ۲- تشویق و توسعه سرمایه‌گذاری و حمایت از تولید داخلی کالاهای یارانه‌ای.
 - ۳- کاهش سهم طبقات با درآمدهای بالا و افزایش سهم طبقات با درآمد پائین از یارانه‌ها.
 - ۴- جایگزین نمودن تدریجی طرحهای رفاه اجتماعی بجای پرداخت یارانه.
 - ۵- تأمین منابع برای سرمایه‌گذاری زیربنایی و محرومیت‌زدائی کشور و توسعه اشتغال.
 - ۶- توسعه اشتغال مولد با اعطاء وام از محل درآمدهای حاصل (به صورت وجوه اداره شده)
- ب - سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولیدکنندگان موظف است با اعلام وزارت بازرگانی پس از انجام محاسبات لازم نسبت به برقراری مابه‌التفاوت در مورد کالاهای وارداتی که دارای امتیاز قابل توجه هستند، اقدام نماید و مابه‌التفاوت مأخوذه را به حساب خزانه واریز نماید.
- دولت می‌تواند معادل صد درصد (۱۰۰٪) وجوه مابه‌التفاوت مأخوذه را براساس پیشنهاد وزارت بازرگانی و تصویب شورای اقتصاد در نظام پرداخت یارانه کالاها و یا خدماتی که ضرورت استفاده از یارانه را دارند استفاده نماید.

۵ ماده ۴۸

وزارت کشور موظف است حداکثر در سال اول برنامه پنج‌ساله سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تربیتی اتخاذ نماید که کلیه افراد خارجی فاقد پروانه کار را جمع‌آوری

نموده و در صورت عدم تهدید جانی، آنها را به کشور متبوع خود انتقال دهد و در غیر این صورت آنها را در اردوگاههای مشخص مجتمع نماید.

تشخیص وجود و یا عدم وجود تهدید جانی به عهده وزارت امور خارجه است.

آیین نامه اجرایی این ماده توسط وزارتخانه های کشور، امور خارجه و کار و امور اجتماعی تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

۴۹ ماده ۹

به منظور تشویق کارفرمایان کارگاههای موجود به استخدام نیروی کار جدید، دولت موظف است کارفرمایانی را که در دوران برنامه از طریق مراکز خدمات اشتغال وزارت کار و امور اجتماعی مبادرت به استخدام نیروی کار جدید نمایند مشمول تخفیفاتی به شرح زیر قرار دهد:

الف - تخفیف در میزان حق بیمه سهم کارفرما و پیش بینی اعتبار لازم برای جبران کاهش درآمد سازمان تأمین اجتماعی در بودجه کشور.

ب - کاهش مالیات کارفرمایان این گونه کارگاهها به میزان مالیات بر حقوق دریافتی از کارکنان جدیدالاستخدام.

آیین نامه اجرایی این ماده حداکثر سه ماه پس از تصویب این قانون به پیشنهاد مشترک وزارتخانه های کار و امور اجتماعی بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان برنامه و بودجه به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

تبصره - کارگاههایی که در دوران برنامه به بهره برداری می رسند نیز در مورد اشتغال مازاد بر پیش بینی در طرح و جواز تأسیس از مزایای این ماده استفاده خواهند کرد.

۵۰ ماده ۹

به دولت اجازه داده می شود به منظور ایجاد اشتغال در مناطق کمتر توسعه یافته:

الف - معافیت از حقوق و عوارض دولتی برای سرمایه‌گذارانی که در این مناطق اقدام به سرمایه‌گذاری می‌نمایند، طبق آیین‌نامه‌ای که بنا به پیشنهاد وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و صنایع و کار و امور اجتماعی و سازمان برنامه و بودجه به تصویب هیئت دولت می‌رسد در طول سالیان اجرای برنامه در نظر بگیرد.

ب - قسمتی از سود تسهیلات اعطائی به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و تعاونیها و تعاونیهای خدمات تولیدکنندگان، تعاونیهای تولید روستائی، عشایری و بهره‌برداری از منابع طبیعی و طرحهای خود اشتغالی را پرداخت کند.

ج - تسهیلات اعطائی در قالب بودجه‌های سنواتی و آیین‌نامه‌های اجرایی آنها باید طوری تقسیم شود که سهم مناطق کمتر توسعه یافته به نسبت شاخص بیکاری آنها بیشتر باشد به صورتی که در پایان برنامه جبران کمبود اشتغال این مناطق شده باشد.

ماده ۵۱

دولت موظف است به منظور توسعه کمی و کیفی مهارت‌های فنی و حرفه‌ای نیروی کار و ارائه آموزشهای متنوع مهارتی به گروههای مختلف، نسبت به اختصاص سهمیه‌ای خاص در پرداخت یارانه سود تسهیلات به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و تعاونی در زمینه ایجاد آموزشگاههای آزاد فنی و حرفه‌ای اقدام کند.

ماده ۵۲

در جهت منطقی نمودن هزینه برق، گاز، تلفن، آب و فاضلاب و نیز متناسب نمودن نرخهای ترجیحی در جهت حمایت از تولید (در مقایسه با بخشهای غیر تولیدی)، کمیته‌ای متشکل از نمایندگان وزارتخانه‌های متولی امور تولیدی و زیربنایی (حسب مورد) و سازمان برنامه و بودجه همه ساله ضوابط تعیین نرخ فروش (اعم از اشتراک و نرخ نهاده‌ها) را متناسب با هدف فوق تهیه و به شورای اقتصاد پیشنهاد خواهد نمود.

هزینه‌های اشتراک زیربنای فوق برای واحدهای تولیدی، صنعتی، معدنی، کشاورزی، به علاوه هزینه حفر چاه، قیمت زمین و پروانه ساختمان مورد استفاده واحدهای تولیدی غیر دولتی که طی برنامه سوم تقاضای انشعاب می‌کنند، پس از بهره‌برداری با تقسیط پنج‌ساله توسط دستگاههای ذی‌ربط دریافت خواهد شد.

وزارتخانه‌های نیرو، نفت، پست و تلگراف و تلفن و راه و ترابری موظف به تأمین آب، برق، گاز، تلفن و راه دسترسی تا ورودی شهرکهای صنعتی و نواحی صنعتی حسب اعلام وزارت صنایع می‌باشند.

۵۳ ماده ۵۳

کمیته‌ای متشکل از وزرای امور خارجه، کار و امور اجتماعی، امور اقتصادی و دارایی و رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران برنامه‌ریزی، هدایت و نظارت و پیش‌بینی تمهیدات لازم را از نظر قوانین و مقررات برای اعزام نیروی کار به خارج از کشور بر عهده خواهد داشت. آیین‌نامه اجرایی این ماده مشتمل بر چگونگی برقراری تسهیلات و حمایت‌های قانونی از اعزام شوندگان و اعزام کنندگان (کاراییهای خصوصی) و جذب درآمد ارزی افراد اعزام شده توسط این کمیته تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

۵۵ ماده ۵۵

سه درصد (۳٪) از سپرده‌های قانونی بانکها نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای درصد سال ۱۳۷۸ در اختیار بانکهای کشاورزی، مسکن و صنعت و معدن (هر بانک یک درصد «۱٪») قرار می‌گیرد تا صرف اعطای تسهیلات به طرحهای کشاورزی و دامپروری، احداث ساختمان و مسکن، تکمیل طرحهای صنعتی و معدنی بخش‌های دولتی شود که ویژگی عمده آنها اشتغالزایی می‌باشد. آیین‌نامه اجرایی این ماده با رعایت قانون عملیات بانکی بدون ربا و به پیشنهاد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به تصویب شورای پول و اعتبار می‌رسد.

ماده ۵۶

در اجرای بند (۲) اصل چهل و سوم (۴۳) قانون اساسی، و در راستای تحقق سیاستهای اشتغال این قانون، نظام بانکی کشور موظف است در طول سالهای برنامه سوم به نحوی برنامه‌ریزی و اقدام نماید که همواره پس از کسر ذخائر قانونی و احتیاطی سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز که حداکثر از بیست درصد (۲۰٪) آن تجاوز نمی‌کند، حداقل هفتاد درصد (۷۰٪) بقیه را به صورت تسهیلات در اختیار اشخاص حقیقی و حقوقی غیر دولتی به منظور ایجاد فرصت‌های جدید شغلی قرار دهد. این تسهیلات به صورت وام بدون بهره بوده و کارمزد آن را شورای پول و اعتبار معین می‌کند. بیکاران جویای کار و اشخاص حقوقی ساکن در روستاها و زنان بیکار سرپرست خانوار و همچنین حرفه‌آموختگان فنی و حرفه‌ای دولتی و غیر دولتی از اولویت برخوردارند مبلغ وام برای هر متقاضی سی میلیون (۳۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال معین می‌شود و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است مطابق آیین‌نامه اجرایی این ماده که آن را ظرف یک ماه تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رساند بر اساس اصل اعتماد و اتخاذ ساده‌ترین شکل اخذ تعهد، و یا اخذ سفته به مبلغ وام پرداخت شده و یا ضمانت یکی از کارمندان دولت و یا ضمانت یکی از مشتریان بانک عامل و یا هر نحوه ساده‌تری که بانک عامل و وام‌گیرنده به توافق برسند ترتیب اعطای تسهیلات را به متقاضیان فقط برای یک بار بدهد و بازپرداخت وجوه وام داده شده را به نحوی معین کند که واقع بینانه و مطابق با شرایط اقتصادی وام‌گیرنده باشد.

سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران وظیفه دارد با همکاری سازمانها و وزارتخانه‌ها و مؤسسات ذی‌ربط در امر اشتغال و همچنین بخش غیر دولتی برنامه‌های لازم به منظور آموزش نحوه پرداختن به حرف و مشاغل مختلف کوچک که احتیاج به سرمایه کم دارد را از شبکه‌های مختلف خود به مردم آموزش دهد. در این آموزشها تکیه بر استفاده از امکانات و تسهیلات و مواد اولیه و بازارهای محلی، یک اصل قلمداد خواهد شد.

وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است گزارش عملکرد این ماده را هر شش ماه یک بار به

مجلس شورای اسلامی ارسال نماید

بخش چهارم

صیانت از هویت و فرهنگ

اسلامی - ایرانی

فصل نهم

توسعه فرهنگی

◀ ماده ۱۷۰

دولت مکلف است، به منظور رونق اقتصاد فرهنگ، افزایش اشتغال، بهبود کیفیت کالا و خدمات، رقابت‌پذیری، خلق منابع جدید، توزیع عادلانه محصولات و خدمات فرهنگی، و ایجاد بستر مناسب برای ورود به بازارهای جهانی فرهنگ و هنر و تأمین فضاهای کافی برای عرضه محصولات فرهنگی، اقدامهای ذیل را به عمل آورد:

الف- اصلاح قوانین و مقررات، برای رفع موانع انحصاری، تقویت رقابت‌پذیری و فراهم‌سازی زمینه‌های

بسط مشارکت مردم، نهادهای غیر دولتی، صنفی و حرفه‌ای در امور فرهنگی و هنری

ب- تأسیس صندوقهای غیر دولتی ضمانت، به منظور حمایت از تولید، توزیع و صادرات کالاها و خدمات

فرهنگی و هنری، سینمایی، مطبوعاتی و ورزشی در سطح ملی و بین‌المللی

ج- احصا و ارتقای سهم بخش فرهنگ، بر اساس شاخصهای مورد نظر در اقتصاد ملی و منظور نمودن

رشد متناسب سالانه در لوائح بودجه برای دستیابی به استانداردهای ملی که در سال اول برنامه

چهارم به تصویب دولت می‌رسد.

د- تصویب و ابلاغ استانداردهای بهره‌مندی نقاط مختلف کشور، از فضاهای فرهنگی، هنری، ورزشی و

گردشگری و توزیع و تأمین اعتبارات ملی و استانی فصول برنامه‌های ذی‌ربط در هر یک از سالهای

برنامه چهارم برای رسیدن به شاخصها و استانداردها بر اساس شاخصهایی که در سال اول برنامه

چهارم به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ه- به توسعه ساختارها و زیربنای لازم، برای رشد تولید و توزیع محصولات فرهنگی، هنری و

ورزشی توسط بخش خصوصی با اولویت کمک نماید.

و- تمهید تسهیلات ویژه برای ورود مواد اولیه، ماشین‌آلات و تجهیزات مورد نیاز صنایع بخش فرهنگ، برای نیل به بهبود کیفیت تولیدات و صدور محصولات فرهنگی، هنری و ورزشی در مقیاسهای جهانی

ز- ساماندهی نظام یارانه‌ای بخش فرهنگ، با اولویت کودکان، دانش‌آموزان و دانشجویان با رویکرد تغییر نظام پرداخت یارانه از تولید به سمت مصرف، برای کلیه اقشار جامعه و خرید محصولات فرهنگی

ح- حمایت یا مشارکت با هنرمندان و مجموعه‌دارانی که قصد ایجاد موزه شخصی آثار هنری خویش و یا کتابخانه را دارند، از جمله: استفاده از فضاهای دولتی به صورت امانی، با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت مسکن و شهرسازی، کلیه شهرداریها و سایر دستگاههای اجرایی ذی‌ربط

ط- انجام حمایت‌های لازم، از اشخاص حقیقی و حقوقی، که در چارچوب مقررات در توسعه فضاهای مجازی فرهنگی، هنری و مطبوعاتی در محیط‌های رایانه‌ای و اینترنتی فعالیت می‌کنند، و به ویژه اعطای تسهیلات لازم برای برپایی پایگاه‌های رایانه‌ای و اطلاع‌رسانی حاوی اطلاعات فرهنگی، دینی، تاریخی و علمی به زبان و خط فارسی توسط بخش‌های مختلف اجرایی کشور جهت استفاده عموم و همچنین ایجاد شرایط لازم برای دریافت برنامه‌های صوتی و تصویری از طریق شبکه‌های اطلاع‌رسانی کابلی و کانال‌های ماهواره‌ای مجاز به منظور کاهش تقاضای دریافت برنامه‌های غیر مجاز

آیین‌نامه اجرایی مربوطه با هماهنگی وزارتخانه‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی، ارتباطات و فناوری اطلاعات و سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ی- کلیه دستگاه‌های موضوع ماده (۲۴۷) این لایحه مجازند، در طول برنامه چهارم، نیم درصد (۰/۵٪) از اعتبارات خود را برای انجام امور فرهنگی، هنری، سینمایی و مطبوعاتی کارکنان خود و همچنین ارائه خدمات فرهنگی و هنری به منظور بسط اخلاق و معارف اسلامی اختصاص دهند.

ک- متناسب با ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی، فرهنگی و حداقل‌های بهره‌مندی ترتیبی اتخاذ نماید تا با همکاری بخش خصوصی، شهرداریها و منابع مردمی، تا سال آخر برنامه چهارم در کلیه شهرها و

مراکز استانها، نسبت به ایجاد فضاهای فرهنگی و هنری شامل: کتابخانه مرکزی، تالار فرهنگ و هنر، پردیسهای سینمایی موزه هنرهای معاصر و مرکز دائمی برگزاری نمایشگاههای فرهنگی و هنری، پیش‌بینی‌های لازم را به عمل آورد.

ل- حداکثر تا پنجاه درصد (۵۰٪) هزینه‌های ساخت و تجهیز مراکز فرهنگی و هنری نیمه تمام، توسط بخش غیر دولتی را بر حسب موقعیت جغرافیایی و ویژگی کاربری فضاهای در دست احداث و تجهیز را، بر اساس آیین‌نامه‌ای که به تصویب دولت می‌رسد به صورت کمک تأمین نماید.

م- کلیه دستگاههای موضوع ماده (۲۴۷) این لایحه، امکانات و فضاهای فرهنگی، هنری و ورزشی متعلق به خود را در چارچوب ضوابطی که به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، برای اجرای برنامه‌های فرهنگی، هنری و ورزشی در اختیار متقاضیان قرار دهند.

◀ مواد ۱۷۱ الی ۱۷۳

مواد (۱۵۶)، (۱۶۱) و بند "الف" ماده (۱۶۲) "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن" برای دوره برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد.

⑤ ماده ۱۵۶

به منظور استفاده از توانمندیهای شوراهای اسلامی شهر و روستا در انجام امور دینی و فرهنگی، شوراهای مذکور علاوه بر وظایف مصرحه در قانون تشکیل آنها، موظف به انجام وظایف ذیل هستند.

الف - بررسی مشکلات و نارساییهای فرهنگی، هنری، ورزشی و آموزشی و ارائه پیشنهادهای لازم به مسئولان و مراجع ذی‌ربط.

ب - مساعدت و مشارکت در حفظ و نگهداری بناهای فرهنگی و گلزار شهدا، بهره‌برداری از مراکز فرهنگی و هنری و ورزشی و تلاش برای جلب همکاری مردم در ایجاد تأسیسات و فضاهای مورد نیاز.

ج - همکاری در حفاظت از ابنیه و آثار تاریخی و فرهنگی و بافتها و محوطه‌های فرهنگی، تاریخی و ممانعت از تغییر کاربری آنها.

آیین‌نامه اجرایی این ماده شامل نحوه مشارکت و همکاری شوراهای در انجام وظایف مذکور به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی و کشور، سازمان تبلیغات اسلامی و سازمان تربیت بدنی به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ماده ۱۶۱

به منظور بازسازی سینماها و مجتمع‌های فرهنگی و ساخت سینماها و مجتمع‌های فرهنگی جدید و تالارهای نمایش در شهرهایی که بیش از پانزده هزار (۱۵۰۰۰) نفر جمعیت دارند:

الف - شهرداریهای کشور می‌توانند رأساً یا با مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی برای ساخت و بازسازی سینماهای موجود از تسهیلات بانکی استفاده کنند.

ب - تأمین زمین مناسب برای ساخت سینما و مجتمع فرهنگی در شهرکهای جدیدالاحداث به عهده وزارت مسکن و شهرسازی و طرحهای توسعه شهری به عهده شهرداریها خواهد بود. زمینهای مذکور در این بند به قیمت منطقه‌ای و به صورت اقساط ده ساله در اختیار اشخاص حقیقی و حقوقی متقاضی قرار می‌گیرد.

ج - به شهرداریهای شهرهای مذکور اجازه داده می‌شود زمینهای مناسب برای ساخت سینما و مجتمع فرهنگی را که در مالکیت شهرداری است بدون انتقال مالکیت در قالب قرارداد با دریافت حداقل سهم بابت زمین برای مدت بیست و پنج (۲۵) سال در اختیار افراد حقیقی و حقوقی قرار دهند.

د - در موارد بازسازی سینماها و مجتمع‌های فرهنگی و یا ساخت سینماهای جدید و تالارهای نمایش شهرداریها موظفاند بدون اخذ هر نوع عوارض و دریافت هزینه، پروانه ساخت صادر و در صورت هماهنگی با طرحهای جامع شهری حداکثر معادل زیربنای سالنهای نمایش، مجوز ساخت تجاری و خدماتی صادر کنند. سینماها و مجتمع‌های فرهنگی که با استفاده از این امتیازات ساخته می‌شود تا ده سال پس از بهره‌برداری مجاز به تغییر کاربری نیستند.

آیین‌نامه اجرایی این ماده بنا به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی کشور و سازمان برنامه و بودجه به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

الف ماده ۱۶۲

الف - وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف است با انجام مطالعات لازم و با مشخص نمودن تعاریف، مفاهیم اصلی بخش فرهنگ نسبت به تعریف شاخصهای فرهنگی متناسب با اهداف و آرمانهای نظام جمهوری اسلامی و سیاستهای فرهنگی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی اقدام و پس از تایید شورای مذکور با مبنا قرار دادن آنها و با همکاری مرکز آمار ایران به ترتیب ذیل نسبت به تولید اطلاعات مربوط به آنها و اندازه‌گیری تحولات شاخصهای مزبور طی سالهای برنامه سوم اقدام نماید:

- ۱- هر دو سال یک بار تحولات شاخصهای مربوط به تغییرات فکری، بینشی و رفتاری جامعه را تعیین و برای بررسی در اختیار دستگاهها و نهادهای ذی‌ربط قرار دهد.
- ۲- همه ساله تحولات شاخصهای مربوط به میزان مصرف کالاها و خدمات فرهنگی در کل کشور و مناطق مختلف را تعیین کند.
- ۳- همه ساله اطلاعات و آمار و تحولات شاخصهای مربوط به نیروی انسانی، فضاها و تجهیزات فرهنگی اعم از دولتی و غیر دولتی را در کل کشور به تفکیک استان تعیین نماید.

الف ماده ۱۷۴

دولت مکلف است، به منظور تعمیق ارزشها، باورها، فرهنگ معنویت و نیز حفظ هویت اسلامی- ایرانی، اعتلای معرفت دینی و توسعه فرهنگ قرآنی، اقدامهای ذیل را انجام دهد:

الف- بسط آگاهیها و فضایل اخلاقی، در میان اقشار مختلف مردم و زمینه‌سازی اقدامهای لازم، برای ایجاد فضای فرهنگی سالم و شرایط مناسب برای احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر و اهتمام به آن

ب- گسترش فعالیتهای رسانه‌های ملی و ارتباط جمعی در جهت مقابله با تهاجم فرهنگی، سالم‌سازی فضای عمومی، اطلاع رسانی صحیح و تحقق سیاستهای کلی برنامه چهارم، با فراهم آوردن زمینه‌های مناسب انتشار گزارشهای عملکرد دستگاهها و افزایش امکان دسترسی جامعه به آموزشهای عمومی، فنی حرفه‌ای، ترویجی و آموزشهای عالی از طریق شبکه‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ج- حمایت از پژوهشهای راهبردی و بنیادی در زمینه اعتلای معرفت دینی و توسعه فعالیتهای قرآنی

د- تهیه طرح جامع ترویج و توسعه فرهنگ نماز

ه- تهیه طرح جامع گسترش فضاهای مذهبی و مساجد، توسط سازمانهای تبلیغات اسلامی و اوقاف و امور خیریه با همکاری سازمان میراث فرهنگی تا پایان سال اول برنامه چهارم

و- تداوم نهضت قرآن آموزی

ز- تقویت سهم کتابخوانی در حوزه دین در کشور، خصوصاً مناطق محروم و طراحی کتابخانه حوزه دین در مساجد و سایر اماکن مذهبی

ح- تهیه طرح جامع، با رویکرد گسترش فرهنگ وقف و امور خیریه

ط- به‌کارگیری شیوه‌ها و راهکارها و ابزارهای نوین در عرصه تبلیغات دینی

ی- حمایت از برنامه‌ریزی، نیازسنجی و ارائه آموزشهای ضروری به مبلغین دینی در جهت بهبود کیفیت تبلیغات دینی

ک- استمرار اجرای طرح ترویج فرهنگ ایثار و شهادت

ل- ساماندهی تبلیغات رسانه‌ای، بهبود محتوای کتب درسی، استقرار محیط و ساختارهای حقوقی در جهت حفظ و ارتقای هویت اسلامی - ایرانی، تقویت نهاد خانواده براساس تعالیم میراث معنوی جامعه ایرانی

م- تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی، تبلیغی و ترویجی در کلیه سطوح اجتماعی برای آموزش، گسترش و تعمیق فرهنگ کار و نظم اجتماعی، شناخت ارزش زمان و رعایت آن در انجام کلیه فعالیتهای

ن- تهیه طرح جامع مطالعه و اجرای همگرایی مذاهب، حداکثر تا پایان سال اول برنامه چهارم، برای تقویت همگرایی بیشتر میان فرقه‌ها و مذاهب مختلف اسلامی در کشور

س- توسعه مشارکتهای مردمی در عرصه فرهنگ دینی، برنامه‌ریزی و اقدامهای لازم برای حمایت از هیئت‌های مذهبی و تشکلهای دینی با رویکرد بهبود کیفیت فعالیتها و پرهیز از خرافات و انحرافات

◀ ماده ۱۱۷۵ الی ۱۷۶

ماده (۱۶۳) و بند "د" ماده (۱۵۹) "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن" برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد.

⑤ ماده ۱۶۳

با توجه به اهمیت گسترش فضاهای مذهبی و مساجد ضمن حفظ اصل ساماندهی ساخت و ساز، احیا، تعمیر و تجهیز مساجد از طریق مشارکتهای مردمی و شوراهای شهری و روستایی دستگاههای اجرایی موضوع این ماده موظفاند طی سالهای اجرای برنامه اقدامات زیر را انجام دهند:

الف - وزارت مسکن و شهرسازی، شهرداریها و سایر سازمانهای مسئول در زمینه طراحی و اجرای طرحهای جامع، تفصیلی و هادی شهری و روستایی موظفاند طرحهای مذکور را با محوریت مساجد تهیه و اجرا کنند.

ب - وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداریها موظفاند در کلیه شهرکهای جدیدالاحداث اراضی مناسبی را برای احداث مسجد و پایگاههای مقاومت بسیج پیش‌بینی کرده و پس از آماده‌سازی بدون دریافت هزینه در اختیار متقاضیان احداث مساجد و پایگاههای مقاومت بسیج قرار دهند و قیمت اراضی را در هزینه مربوط به آماده‌سازی اراضی منظور کنند.

ج - وزارتخانه‌های راه و ترابری و نفت موظفاند به منظور تسهیل دسترسی مسافران به اماکن مذهبی با انجام هماهنگیهای لازم از محل اعتبارات عمرانی و جاری خود نسبت به احداث مسجد و یا

نمازخانه و همچنین نگهداری و مدیریت مساجد و نمازخانه‌های موجود و جدیدالاحداث، در پایانه‌های مسافری و پمپ بنزینهای بین شهری اقدام کنند.

د - وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است کلیه وجوه پرداختی توسط اشخاص حقیقی و حقوقی در ارتباط با احداث، تعمیر و تجهیز مساجد و سایر فضاهای مذهبی را به عنوان هزینه قابل قبول منظور کند.

ه - شهرداریها و سازمان جنگلها و مراتع کشور موظفاند نسبت به اختصاص فضای مناسب در پارکهای ملی و عمومی حسب مورد برای ایجاد مسجد یا نمازخانه اقدام کنند.

و - با هدف اعتلای جایگاه مسجد و مدرسه در فعالیتهای اجتماعی، فرهنگی محلات، روستاها و شهرها و هماهنگ‌سازی فعالیتهای سازماندهی شده در این مکانها در جهت ارتقای ایمان و ارزشهای معنوی و اخلاقی و شکوفائی خلاقیتهای علمی، فرهنگی و هنری گروههای مختلف جامعه به ویژه نوجوانان و جوانان اقدامات ذیل در سالهای برنامه سوم توسعه انجام می‌گیرد:

۱- حمایت مالی، قانونی و حقوقی از پژوهشهای کاربردی با هدف شناخت راهکارهای اجرایی برای ارتقاء جایگاه مسجد و مدرسه در فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی کشور.

۲- تعریف فعالیتهای آموزشی، فرهنگی و هنری مشترک مسجد و مدرسه در آیین‌نامه‌ها و مقررات بخشهای آموزش، فرهنگ و هنر و تبلیغات اسلامی، تربیت بدنی و ورزش.

ز - به منظور ساماندهی نحوه اختصاص و مصرف منابع اعتباری دولت در زمینه احیاء و بازسازی مساجد، کمک به مراکز تحقیقاتی حوزه‌های علمیه، فعالیتهای مربوط به تبلیغات دینی و با هدف تقویت و متناسب کردن مشارکت مردمی در تأمین منابع این فعالیتهای، سازمان تبلیغات اسلامی موظف است طی یک سال در چارچوب رهنمودهای مقام معظم رهبری و مشورت با مراجع ذی‌ربط و انجام مطالعات لازم با همکاری سازمان امور اداری و استخدامی کشور و سازمان برنامه و بودجه طرحی را تهیه و به دولت ارائه دهد که پس از بررسی و تصویب، مبنای پیش‌بینی و مصرف منابع دولتی در این امور قرار گیرد.

تبصره - دولت موظف است در مناطق روستائی در صورت پنجاه درصد (۵۰٪) خودیاری مردم برای

احداث مسجد پنجاه درصد (۵۰٪) باقیمانده را تأمین نماید.

۱۵۹ بند د ماده

د - وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف است به منظور ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و بزرگداشت یاد شهیدان و تجلیل از ایثارگران و حماسه دفاع مقدس و اعطای تسهیلات ویژه در فعالیتهای فرهنگی، هنری به خانواده‌های معظم شاهد و ایثارگران با همکاری بنیاد شهید انقلاب اسلامی و بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی و بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس، طرح مناسبی را تهیه و به هیئت وزیران ارائه کند.

۱۷۷ ماده

دولت موظف است، نظر به اهمیت و ضرورت شناخت آرا و اندیشه‌ها و سیره عملی امام خمینی (ره) و بهره‌گیری و تسری آنها به مجموعه ارکان نظام، اقدامهای ذیل را انجام دهد:

الف - حمایت از انجام مطالعات بنیادی و کاربردی در عرصه فرهنگ‌سازی، پژوهش، آموزش و اطلاع‌رسانی با تکیه بر علوم، فناوری و هنر

ب - تجهیز کتابخانه‌های عمومی کشور با تألیفات منتشره درباره آرا و اندیشه‌های امام خمینی (ره)

ج - حمایت از تولید و نشر آثار ارزنده علمی، هنری و ادبی در زمینه سیره امام خمینی (ره) با همکاری مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره)

د - حمایت از تولید برنامه‌های متنوع و متناسب در جهت تبیین و بزرگداشت سیره و آرای امام خمینی (ره) در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ه - درج فرازهای مهم زندگانی، مبارزات و اندیشه‌های امام خمینی (ره) در کتب درسی

و - بهره‌گیری مناسب از ظرفیت مراکز دانشگاهی و مؤسسات پژوهشی و حمایت از پایان نامه‌های دوره تحصیلات تکمیلی با موضوع امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی

ز - شناسایی، بازسازی، حفظ و نگهداری اماکن، میادین و خیابانهایی که مهمترین وقایع انقلاب اسلامی را شاهد بوده و نیز بهره‌گیری از مراکز فرهنگی، هنری و فضاهای عمومی در جهت نشر اندیشه و

سیره عملی امام خمینی (ره) و بزرگداشت یاد و مقام معظم له، توسط شهرداریها

ح- تهیه برنامه‌های مناسب، برای ارتباط و همکاری اشخاص حقیقی و حقوقی تاثیرگذار خارج از کشور، توسط سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی با همکاری مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره)

ط- مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام (ره) با همکاری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور آیین‌نامه حدود وظایف دستگاه‌های اجرایی و نهادهای عمومی و انقلاب اسلامی درباره این ماده و لایحه "ساماندهی اقدامات تقنینی، قضایی و اجرایی پیرامون ترویج اندیشه و آرای امام خمینی (ره)" را تا پایان سال اول برنامه چهارم، تهیه نماید.

◀ ماده ۱۷۸

دولت موظف است، به منظور حفظ و شناساندن هویت تاریخی ایران و بهره‌گیری از عناصر و مؤلفه‌های هویت ایرانی به ویژه زبان فارسی، اقدامهای ذیل را انجام دهد:

الف- حمایت از پژوهش‌های علمی و بین رشته‌ای، در زمینه ایران‌شناسی و گذشته طولانی تاریخی و تدوین گزارشها و کتابهای لازم، در سطوح مختلف عمومی، آموزشی و پژوهشی

ب- بررسی و گردآوری نظام یافته تاریخ شفاهی، گویشها و لهجه‌ها، آداب و رسوم و عناصر فرهنگ ملی و بومی

ج- حمایت از گسترش منابع و اطلاعات به خط و زبان فارسی و تدوین و تصویب استانداردهای ملی و بین‌المللی نمایش الفبای فارسی در محیطهای رایانه‌ای

د- تربیت و تشویق معلمان ورزیده و کارآزموده درس زبان فارسی، در مقاطع مختلف آموزشی به ویژه مقطع ابتدایی

ه- تقویت تعامل فرهنگهای بومی با فرهنگ و میراث معنوی ملی و معرفی وجوه گوناگون فرهنگ بومی، در سطح ملی با رویکرد تحکیم وحدت ملی به ویژه در نظام آموزشی کشور، رسانه‌ها و تولید محصولات فرهنگی و هنری

و- شناسایی، تکریم و معرفی مفاخر و آفرینشهای دینی، فرهنگی، ورزشی، هنری، ادبی و علمی کشور

ز- شناسایی اصول و ضوابط شکل‌گیری معماری ایرانی - اسلامی در شهرها و روستاهای کشور به منظور معرفی ویژگیهای هنرهای معماری ایرانی - اسلامی، از طریق انجام پژوهشهای مورد نیاز

◀ ماده ۱۷۹

دولت مکلف است، به منظور ترویج فرهنگ صلح، مفاهمه، عدم خشونت و همزیستی مسالمت‌آمیز میان ملتها در مناسبات بین‌المللی و تحقق گفتگو میان فرهنگها و تمدنها، اقدامهای ذیل را انجام دهد:

الف- برنامه‌ریزی در زمینه مشارکت و حضور فعال در فرایندها، نهادها و مجامع منطقه‌ای و بین‌المللی در باب گفت و گوی تمدنها

ب- فراهم‌سازی شرایط لازم برای تبادل آرا و نظرهای متفکران، دانشمندان، هنرمندان و نهادهای علمی، فرهنگی و مدنی

ج- اهتمام به معرفی جلوه‌های فرهنگی، هنری و ادبی ایران، در سایر مناطق جهانی و فراهم‌سازی زمینه آشنایی و انتخاب فعال نخبگان و مراکز علمی و فرهنگی و جامعه ایرانی، نسبت به دستاوردهای جدید فرهنگی در جهان

د- عقد موافقتنامه‌های فرهنگی منطقه‌ای، قاره‌ای و بین‌المللی و فراهم آوردن شرایط اجرای این موافقتنامه‌ها در برنامه‌های دستگاههای اجرایی

ه- بهبود ساختارهای اجرایی و حمایت از تاسیس نهادهای غیردولتی، برای تحقق عملی گفتگوی فرهنگها و تمدنها، با رویکرد کاهش تصدی دولت و غیردولتی شدن این فعالیت

و- حمایت از برگزاری مراسم، نشستها، همایشها و جشنواره‌های علمی، فرهنگی، هنری و مسابقات ورزشی با هدف دوستی میان ملتها و بزرگداشت یادبودها و مفاخر فرهنگی سایر کشورها

ز- تهیه و تصویب برنامه جامع تعیین حدود وظایف و تکالیف کلیه دستگاههای اجرایی و نهادهای عمومی و انقلاب اسلامی تا پایان سال اول برنامه چهارم

◀ ماده ۱۸۰

دولت موظف است، با هدف تقویت نقش زنان در جامعه و توسعه فرصتها و گسترش سطح مشارکت آنها در کشور، اقدامهای ذیل را معمول دارد:

الف- تدوین، تصویب و اجرای برنامه جامع توسعه مشارکت زنان مشتمل بر: بازنگری قوانین و مقررات، تقویت مهارتهای زنان متناسب با نیازهای جامعه و تحولات فناوری، شناسایی و ساختارهای سرمایه‌گذاری در فرصتهای اشتغالزا، توجه به ترکیب جنسیتی عرضه نیروی کار، ارتقای کیفیت زندگی زنان و نیز افزایش باورهای عمومی نسبت به شایستگی آنان

ب- تنظیم و ارائه لوایح، مربوط به تحکیم نهاد خانواده جهت تصویب در مراجع ذیصلاح

ج- انجام اقدامهای لازم، به منظور رفع خشونت علیه زنان

د- حمایت از ایجاد و گسترش سازمانهای غیر دولتی، نهادهای مدنی و تشکلهای زنان

تبصره- کلیه دستگاههای اجرایی موظف‌اند اعتبار لازم برای انجام تکالیف قانونی موضوع این ماده را که مرتبط با وظایف قانونی آنها است در لوایح بودجه سنواتی ذیل برنامه مربوط، پیش‌بینی و اقدامهای لازم را با هماهنگی مرکز امور مشارکت زنان به عمل آورند.

◀ ماده ۱۸۱

دولت مکلف است، به منظور تبیین و تقویت جایگاه جوانان در جامعه، به عنوان سرمایه انسانی و اجتماعی کشور و عنایت و اهتمام ویژه به اعتلا و رشد و تعالی نسل جوان، برنامه ساماندهی امور جوانان، حاوی برنامه‌های اجرایی لازم، مشتمل بر: شیوه‌های اصلاح نگرش عمومی و ایجاد فرهنگ مثبت‌اندیشی نسبت به جوان، زمینه‌سازی برای رشد فکری، علمی، حضور، توانمندسازی و ارتقای سطح مشارکت همه‌جانبه آنان در فرایند توسعه پایدار کشور، افزایش رفاه و سلامت جسمی و روانی و ایجاد شوق، انگیزه و امید به آینده در میان جوانان و رفع دغدغه‌های شغلی، ازدواج، مسکن و آسیبهای اجتماعی آنان در چارچوب نگرش فرابخشی و به عنوان یک خط مشی محوری با استفاده حداکثر از ظرفیتهای موجود دستگاههای اجرایی و سازمانهای غیر دولتی و ظرفیت‌سازی در کشور و نیز بهره‌گیری از اصلاح

ساختارهای نظام اداری، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، از طریق اعمال نظام مدیریت راهبردی، در چارچوب برنامه چهارم را ظرف مدت شش ماه از تصویب این لایحه تهیه نماید.

◀ ماده ۱۸۲

دولت مکلف است، به منظور تجلی و توسعه مفاهیم و نمادهای هویت اسلامی و ایرانی، در ساختار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و علمی و نیز تعامل اثربخش میان ایران فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی و زبانی با رویکرد توسعه پایدار:

الف- طرح "کاربرد نمادها و نشانه‌ها و آثار هنری ایرانی و اسلامی، در معماری و شهرسازی و سیمای شهری، نامگذاری اماکن و محصولات داخلی" را طی سال اول برنامه چهارم تهیه و در سالهای بعد اجرا نماید.

ب- برای احداث موزه علوم و فناوری و پارکهای علمی عمومی، موزه‌های کوچک فرهنگی، ورزشی، تاریخی، صنعتی، دفاع مقدس و نمایشگاههای معرفی دستاوردهای نوین صنعتی کشور زمینه‌سازی نماید.

ج- نسبت به تدوین و اجرای سیاستهای حمایتی از تولیدکنندگانی که محصولات خود را متناسب با مزیتها و مؤلفه‌های فرهنگی کشور تولید می‌کنند، اقدام نماید.

د- از ظرفیتها و مزیتهای فرهنگی، در تسهیل و بهبود روابط و مناسبات بین‌المللی استفاده نماید.

ه- نسبت به سیاست‌گذاری، هماهنگی و حمایت از فعالیتهای فرهنگی خارج از کشور و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی امور فرهنگی ایرانیان خارج از کشور، اقدامهای لازم را معمول دارد.

و- کلیه دستگاههای اجرایی و مجریان طرحهای تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مجازند، تا یک درصد (۱٪) از اعتبارات احداث بناها، تأسیسات و ساختمانهای خود را برای طراحی، ساخت، نصب و نمایش آثار هنری متناسب با فرهنگ دینی و ملی و یادمانهای دفاع مقدس در همان طرح صرف نمایند.

◀ ماده ۱۸۳

دولت موظف است، به منظور ارتقای توان صنعت جهانگردی در کارآفرینی، تولید ثروت و اشتغالزایی و مبادلات فرهنگی و ارتقای اهتمام ملی برای شناسایی، حفاظت، پژوهش، مرمت، احیا، بهره‌برداری و معرفی میراث فرهنگی، اقدامهای ذیل را در طول برنامه چهارم، به انجام رساند:

الف- تهیه طرحهای اجرایی لازم برای جذب گردشگران به ویژه از کشورهای اسلامی در مناطق مختلف کشور، بر اساس مزیت‌های طبیعی، تاریخی

ب- ارتقای جایگاه بخش غیر دولتی و افزایش رقابت‌پذیری در صنعت گردشگری از طریق اصلاح قوانین و مقررات و ارائه تسهیلات لازم

ج- تهیه و تصویب ضوابط حمایتی اداری، بانکی برای مؤسسات بخش غیر دولتی و نیز جذب سرمایه‌گذاران و مشارکت مؤسسات تخصصی بین‌المللی و بیمه برای گردشگری خارجی

د- فراهم نمودن زمینه‌های لازم، برای توسعه زیرساختهای اقامتی و پذیرایی توسط سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی و کمک به توسعه راههای دسترسی و مجموعه‌های میان‌راهی، توسط بخش غیر دولتی

ه- شناساندن و معرفی جاذبه‌های گردشگری ایران و اطلاع‌رسانی مناسب آن

و- تهیه لوایح "حمایت از مالکین، متصرفین قانونی و بهره‌برداران آثار تاریخی، فرهنگی ثبت شده در فهرست آثار ملی و املاک واقع در حریم آنها" و "مدیریت، ساماندهی، نظارت و حمایت از مالکین و دارندگان اموال تاریخی و فرهنگی منقول مجاز" تا پایان سال اول برنامه چهارم

ز- ایجاد و توسعه موزه‌های پژوهشی، تخصصی وابسته به دستگاههای اجرایی ذی‌ربط

ح- شناسایی و مستندسازی آثار تاریخی، در محدوده‌های جغرافیایی برای ساماندهی اجرای طرحها و پروژه‌های بزرگ تولیدی و خدماتی

ط- تدوین طرح جامع شناسایی، احیا و بهره‌برداری از بافتهای تاریخی - فرهنگی شهرها و روستاها با تأکید بر ساماندهی مراکز تاریخی و با تعیین وظایف و مسئولیتهای هر یک از دستگاههای اجرایی

ی- انجام بیمه همگانی هنرمندان، استادکاران هنرهای سنتی، هنرمندان تزئینات وابسته به معماری، طبق ضوابط ارزشیابی شورای ارزیابی هنرمندان هنرهای سنتی

ک- شناسایی و حمایت از آثار تاریخی حوزه فرهنگی ایران، موجود در کشورهای همسایه و منطقه به عنوان میراث فرهنگی مشترک در جهت ایجاد همبستگی ملتها و دولتها

ل- ایجاد و تجهیز پایگاههای علمی - تحقیقاتی در آثار تاریخی مهم کشور و مضامین اصلی مرتبط با موضوع میراث فرهنگی و فراهم نمودن ظرفیتهای لازم، برای همکاریهای علمی و اجرایی با مراکز دانشگاهی، موزههای مهم جهان، مؤسسات و سازمانهای تحقیقاتی داخلی و خارجی در زمینههای حفاظت، مرمت، احیای پژوهش و معرفی آثار تاریخی - فرهنگی

م- طراحی، تدوین و برقراری خدمات الکترونیکی و رایانه‌ای برای ایرانگردی و گردشگری از طرق ذیل:

- ۱- پیاده‌سازی منظومه جامع پایگاههای اطلاع‌رسانی و ارائه خدمات به گردشگران در ایران
- ۲- تدوین و پیاده‌سازی خدمات کنسولی و تسهیلات الکترونیکی گذرنامه در محیط رایانه‌ای و شبکه‌ای، با همکاری دستگاههای ذی‌ربط

ن- صدور مجوز ایجاد موزههای خصوصی و تخصصی و واگذاری مدیریت موزههای دولتی به تشخیص سازمان میراث فرهنگی کشور به بخش غیر دولتی، از طریق مأمور به خدمت نمودن امین اموال آثار تاریخی فرهنگی، اخذ وثیقه در ازای امانتداری آثار تاریخی - فرهنگی و اعمال نظارت، برای رعایت استانداردهای فنی و حفاظت از آثار فوق‌الذکر

س- تجدید نظر در تشکیلات شهرداریها، در شهرهای دارای بافت تاریخی ارزشمند که حدود آن طبق ماده (۳) "قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور، مصوب ۱۳۶۷/۴/۲۸"، اعلام شده یا می‌شود و با ایجاد ساز و کار مدیریتی مناسب در شهرداریهای مذکور به منظور حفاظت از بافت تاریخی این گونه شهرها

ع- تأسیس صندوق احیا و بهره‌برداری از بناها و اماکن تاریخی فرهنگی قابل احیا با هدف جذب منابع دولتی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی داخلی و خارجی. بناها و اماکن تاریخی قابل احیا به تشخیص سازمان میراث فرهنگی کشور از شمول ماده (۱۱۵) "قانون محاسبات عمومی، مصوب ۱۳۶۶/۶/۱" خارج، و شرایط لازم جهت استفاده از منابع مالی و سرمایه‌های بین‌المللی و اعتبارات

سازمانهای فرهنگی بین‌المللی از قبیل: یونسکو برای توسعه امکانات و حفاظت آثار ملی و میراث فرهنگی را با سرمایه‌گذاری اولیه داخلی تا پایان سال اول برنامه چهارم فراهم نماید. اساسنامه این صندوق به پیشنهاد سازمان میراث فرهنگی کشور به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ف- دستگاههای اجرایی می‌توانند، آن دسته از بناهای تاریخی فرهنگی در مالکیت خود را که بنا بر ضوابط سازمان میراث فرهنگی قابلیت تغییر کاربری دارند، با کسب مجوز از سازمان میراث فرهنگی کشور، از طریق اجاره، اجاره به شرط تملیک و یا فروش (مستثنا از ماده (۱۱۵) "قانون محاسبات عمومی، مصوب ۱۳۶۶/۶/۱"، واگذار نموده و درآمدهای ناشی از آن را به خزانه واریز نمایند، معادل وجوه واریزی فوق از محل اعتبارات ردیف خاصی که در بودجه سنواتی سالهای برنامه چهارم پیش‌بینی خواهد شد، در اختیار دستگاههای اجرایی موضوع این بند قرار می‌گیرد، تا به منظور پژوهش، حفاظت، احیا و معرفی میراث فرهنگی مرتبط با موضوع خود هزینه نمایند. آیین‌نامه اجرایی این ماده، به پیشنهاد سازمان میراث فرهنگی کشور، شش ماه پس از تصویب این لایحه تهیه و به تصویب هیئت دولت می‌رسد.

ص- سازمان میراث فرهنگی کشور، در جهت نهادینه کردن فعالیت بخش خصوصی، نسبت به صدور مجوز برای تأسیس مؤسسات مشاوره کارشناسی مرتبط با موضوع فعالیت این سازمان، کارگاهها و مؤسسات مرمت آثار تاریخی فرهنگی منقول و غیر منقول، مؤسسات مدیریت محوطه‌های تاریخی فرهنگی، کارگاههای هنرهای سنتی، مؤسسات کارشناسی اموال تاریخی فرهنگی و سایر مؤسسات خصوصی مرتبط با میراث فرهنگی اقدام نماید.

◀ مواد ۱۸۴ الی ۱۸۵

مواد (۱۶۵) و (۱۶۶) "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن" برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد.

ماده ۱۶۵

به منظور حفظ و حراست از میراث فرهنگی کشور اجازه داده می‌شود:

الف - سازمان میراث فرهنگی کشور با اخذ اجازه از ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح یگان پاسداران میراث فرهنگی کشور را زیر نظر سازمان مذکور تشکیل دهد.

ب - کلیه جرایم اخذ شده از حفاریهای غیر مجاز و قاچاقچیان اموال تاریخی و فرهنگی به درآمد عمومی واریز گردد. حداکثر معادل وجوه واریزی در قالب لوایح بودجه سنواتی و بر اساس آیین‌نامه‌ای که به پیشنهاد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به تصویب هیئت وزیران می‌رسد به شرح ذیل به مصرف خواهد رسید:

۱- پرداخت به کاشفان اموال قاچاق و اشخاص حقیقی و حقوقی که در این زمینه همکاری می‌کنند، به عنوان حق‌الکشف و پاداش.

۲- تأمین هزینه‌های مربوط به تقویت امر حفاظت از میراث فرهنگی.

ج - خروج آثار منقول تاریخی و فرهنگی که برای انجام مطالعات، تعمیرات و سایر موارد ضرور به ایران وارد می‌شود موقوف به ارائه گواهی ورود آثار مذکور، صادره از سوی سازمان میراث فرهنگی با ذکر کامل مشخصات خواهد بود.

ماده ۱۶۶

به منظور حسن اجرای وظایف مندرج در قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور مصوب

۱۳۶۷/۲/۱ در خصوص مرمت و احیای بافتها و بناهای تاریخی فرهنگی اقدامات ذیل انجام می‌شود:

الف - رئیس سازمان میراث فرهنگی کشور در شورای عالی شهرسازی و معماری ایران و نمایندگان آن سازمان در کمیسیونهای ماده (۵) [قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۲۲ و اصلاحات بعدی] تهران و شهرستانها عضویت می‌یابند.

ب - در شهرهای دارای بافت تاریخی ارزشمند که حدود آن طبق ماده (۳) قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور مصوب ۱۳۶۷/۲/۱، اعلام شده و یا می‌شود تشکیلات شهرداریها مورد تجدید نظر

قرار می‌گیرد و به منظور انجام امور مربوط به حفاظت از بافت تاریخی این گونه شهرها، سازوکار مدیریتی مناسب در شهرداریهای مذکور ایجاد می‌گردد.

ج - شوراهای شهر درصدی از درآمد شهرداری هر شهر را متناسب با نیاز بافتهای تاریخی آن شهر در اختیار مدیریت ذی‌ربط در شهرداری قرار می‌دهند تا با نظارت واحدهای سازمان میراث فرهنگی کشور در جهت مرمت بناها، مجموعه‌ها و بافتهای تاریخی همان محل به مصرف برسد.

دولت مکلف است امکانات و شرایط لازم جهت استفاده از منابع مالی و سرمایه‌های بین‌المللی و اعتبارات سازمانهای فرهنگی بین‌المللی از قبیل یونسکو برای توسعه امکانات و حفاظت آثار ملی و میراث فرهنگی را با سرمایه‌گذاری اولیه داخلی تا پایان سال دوم برنامه سوم فراهم نماید.

آیین‌نامه اجرایی این بند بنا به پیشنهاد مشترک سازمان میراث فرهنگی کشور، وزارت کشور و سازمان برنامه و بودجه به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

د - به منظور حفظ بافت قدیمی و سنتی منطقه جماران [محدوده منتهی به حسینیه جماران و بیت حضرت امام خمینی (ره)] طبق نقشه و طرح مصوب شورای عالی شهرسازی و تملک املاک واقع در محدوده فوق‌الذکر و تبدیل آن به مجموعه‌ای فرهنگی و خدماتی برای زائران و گردشگران داخلی و خارجی، شهرداری تهران موظف است اقدام لازم را به عمل آورده و پس از تملک در اختیار مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره) قرار دهد.

وزارت مسکن و شهرسازی باید زمین مناسب را به صورت رایگان یا قیمت خرید اولیه جهت معوض املاک فوق در اختیار شهرداری قرار دهد.

همچنین وزارتخانه‌ها، سازمانها، شرکتهای دولتی و نهادهای انقلابی و عمومی مجازند املاکی که مورد نیاز دستگاه خود نمی‌باشد را جهت امر فوق تخصیص و در اختیار مجریان طرح قرار دهند.

◀ ماده ۱۸۶

دولت موظف است، به منظور بهبود مدیریت بخشهای فرهنگی، هنری، ورزشی و ارتقای کیفیت منابع انسانی آنها، اقدامهای ذیل را در دوره برنامه چهارم به عمل آورد:

الف- تهیه و تدوین طرح اصلاح تشکیلات و وظایف دستگاههای اجرایی ذی ربط، طرح جامع آموزشهای کوتاه مدت فرهنگی، ورزشی و هنری با مشارکت بخش غیر دولتی، مقررات نظام جذب، آموزش، توسعه و نگهداشت نیروی انسانی دستگاهها و سازمانهای فرهنگی و هنری کشور، که به تصویب شورای عالی اداری خواهد رسید.

ب- تهیه و تصویب آیین نامه توزیع اعتبارات و کمکهای دولتی به نهادها و سازمانهای غیر دولتی بخش فرهنگی، بر اساس گزارش نظارتی مستند به شاخص عملکرد دستگاههای ذی ربط

ج- طراحی و اجرای ساز و کارهای لازم، برای استفاده از ظرفیت و مشارکت مؤسسات، صنوف و تشکلهای حرفه‌ای، فرهنگی، هنری و ورزشی، در زمینه برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی فعالیتها

◀ ماده ۱۸۷

دولت مکلف است، به منظور حمایت از حقوق پدید آورندگان آثار فرهنگی، هنری و امنیت شغلی اصحاب فرهنگ و هنر، بسترسازی برای حضور بین‌المللی در عرصه‌های فرهنگی و هنری و تنظیم مناسبات و روابط میان اشخاص حقیقی و حقوقی مرتبط با امور فرهنگی و هنری، اقدامهای ذیل را به عمل آورد:

الف- تهیه لایحه امنیت شغلی اصحاب فرهنگ و هنر، و استقرار نظام صنفی بخش فرهنگ تا پایان سال اول برنامه چهارم

ب- بازنگری و اصلاح قوانین مطبوعات و تبلیغات، نظام جامع حقوقی مطبوعات و رسانه‌ها و تبلیغات

ج- اصحاب فرهنگ و هنر که شغل خود را از دست می‌دهند به تشخیص دولت به مدت حداکثر سه سال تحت پوشش بیمه بیکاری دولت قرار گیرند. دولت در چارچوب لوایح بودجه سنواتی کمکهای اعتباری در اختیار صندوق بیمه بیکاری قرار خواهد داد.

◀ ماده ۱۸۸

به منظور اصلاح ساختار تربیت بدنی، ترویج فرهنگ ورزش، توسعه کمی و کیفی دسترسی به ورزش پرورشی و همگانی و توسعه نظام استعدادیابی، تقویت حضور بخش غیر دولتی، توسعه امور پژوهشی و تربیت نیروی انسانی کیفی در برنامه چهارم:

الف-

- ۱- دولت موظف است، پشتیبانیهای لازم را از ورزش کشور بر اساس سند راهبردی نظام جامع توسعه تربیت بدنی و ورزش در بخش تأمین منابع مالی، ساختار و تشکیلات سازمانی، تهیه و تدوین قوانین مورد نیاز، تأمین و تربیت نیروی انسانی، با مشارکت بخش غیر دولتی به عمل آورد.
- ۲- سازمان تربیت بدنی و کلیه دستگاهها موظفاند، فعالیتهای ورزش خود را بر اساس اصول، وظایف، تقسیم کار ملی، طراحی کلان نظام ورزش، راهبردها و رویکردهای مندرج در "سند راهبردی نظام جامع توسعه تربیت بدنی و ورزش کشور" تنظیم نمایند.
- ۳- نهادهای عمومی غیر دولتی و کلیه شهرداریها و دهیارها موظفاند، حمایتهای لازم را از توسعه و گسترش ورزش همگانی و ایجاد تسهیلات لازم، جهت دسترسی آسان مردم به فضاها و اماکن ورزش به عمل آورند.
- ۴- وزارتخانههای آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت و درمان و آموزش پزشکی موظفاند، بر اساس سند موضوع بند "۲"، برنامه جامع ارتقای ورزش مدارس و دانشگاهها مشتمل بر افزایش ساعات درس تربیت بدنی، ایجاد باشگاههای ورزش دانش آموزی و دانشجویی، ایجاد مراکز تربیت بدنی و تندرستی و احداث فضاهای سرپوشیده با اولویت دانش آموزان و دانشجویان دختر در جوار مدارس و دانشگاهها را در سال اول برنامه چهارم تهیه و جهت تصویب به هیئت وزیران ارائه نماید.

۵- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری موظف است، با هماهنگی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی ایران نظام تحقیق و توسعه، برنامه جامع تربیت نیروی انسانی را تهیه و جهت تصویب به هیئت وزیران ارائه نمایند.

۶- سازمان تربیت بدنی موظف است، نسبت به افزایش ظرفیتهای دوره‌های کاربردی و تخصصی و بهره‌گیری از خدمات کارشناسان و متخصصان عالی‌رتبه خارجی در مراکز ستادی، پشتیبانی و اجرایی ورزش اقدام نماید.

۷- وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف‌اند، بر اساس سند موضوع بند "۲"، برنامه‌های لازم را برای هماهنگی، انسجام و رشد و ارتقای ورزش دانشجویی تهیه و جهت تصویب به هیئت وزیران ارائه نمایند.

۸- سرانه فضاهای ورزشی (سرویشده و روباز) حداقل به یک متر مربع تا پایان برنامه افزایش یابد.

ب- کلیه دستگاههای موضوع ماده (۲۴۷) این لایحه مجازند، در طول برنامه چهارم، یک درصد (۱٪) از اعتبارات خود را برای انجام امور تربیت‌بدنی و ورزش اعم از احداث و توسعه اماکن ورزشی، ارائه خدمات ورزشی و کمک به سازمان تربیت‌بدنی، کمیته ملی المپیک، باشگاههای ورزشی و فدراسیونهای ورزشی در چارچوب سیاست‌گذاری سازمان تربیت‌بدنی اختصاص دهند.

ج- به منظور توسعه، تعمیم و تحقق اهداف پیش‌بینی شده ورزش کارگران یک‌درهزار فروش کارخانه‌ها بدون تأثیر در قیمت کالا و خدمات، با هماهنگی وزارت کار و امور اجتماعی به امر ورزش کارگران اختصاص یابد.

د- وزارت جهاد کشاورزی موظف است، اراضی غیر کشاورزی و غیر مناطق چهارگانه محیط زیست خارج از حریم استحقاقی شهرها را که مورد نیاز سازمان تربیت بدنی است و در اختیار دارد، به منظور احداث و توسعه اماکن و فضاهای ورزشی تأمین و به طور رایگان به سازمان تربیت بدنی واگذار نماید. ضمناً وزارت مذکور موظف است، با تأیید سازمان تربیت‌بدنی، اراضی با شرایط فوق را که مورد نیاز بخش خصوصی برای احداث اماکن ورزشی است به قیمت ارزش معاملاتی اعلام شده

توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی واگذار نماید. کاربری این قبیل اراضی به هیچ وجه تغییر نخواهد کرد. مناطق چهارگانه محیط زیست از شمول مفاد این بند مستثنا هستند.

هـ- وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداریها، در راستای تأمین و توزیع عادلانه فضاهای ورزشی و فرهنگی در کشور، مکلف هستند، به هنگام صدور مجوز احداث شهرها، شهرکها، مجریان پروژه‌های مذکور را نسبت به تأمین و احداث فضاهای مذکور، متناسب با زیربنای مسکونی موظف نمایند.

و- وزارت مسکن و شهرسازی مکلف است، اراضی با کاربری ورزشی را در سراسر کشور با هماهنگی سازمان تربیت‌بدنی خریداری نموده و به روشهای ذیل واگذار نماید:

- ۱- به صورت رایگان برای سازمان تربیت‌بدنی و شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی کشور
- ۲- به قیمت تمام شده برای بخش خصوصی

آیین‌نامه نحوه اجرای این بند، با پیشنهاد وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان تربیت‌بدنی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ز- حق‌الثبت و هزینه‌های عملیاتی ثبتی مربوط به نقل و انتقالات اماکن، باشگاههای ورزشی و ورزشگاهها با تأیید سازمان تربیت‌بدنی، مطابق تعرفه مقرر برای تأسیسات و اماکن فرهنگی و آموزشی محاسبه شود.

ح- تشکلهای و بخشهای خصوصی و تعاونی و باشگاههای حرفه‌ای در توسعه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای از طریق اصلاح ساختار تربیت‌بدنی و ورزش کشور و اعمال پشتیبانی و حمایت لازم در زمینه‌های اداری، مالی و منابع انسانی تقویت می‌شود، به گونه‌ای که تا پایان برنامه اهداف ذیل حاصل گردد:

- ۱- سهم بخش غیردولتی و باشگاههای خصوصی در توسعه ورزش قهرمانی حداقل به پنجاه درصد (۵۰٪) افزایش یابد.

- ۲- صددرصد (۱۰۰٪) فعالیتهای اجرایی و تأمین منابع ورزش حرفه‌ای، با عاملیت بخشهای خصوصی و تعاونی و باشگاهها صورت گرفته و حمایتهای دولتی به پشتیبانی قانونی و اداری و تسهیلاتی و کمکهای اعتباری موردی محدود گردد.

◀ مواد ۱۸۹ الی ۱۹۰

مواد (۱۶۹) و (۱۷۰) "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن" برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد.

📄 ماده ۱۶۹

به منظور تأمین امکانات و حمایت‌های قانونی و اعتباری از فعالیتهای ورزش عمومی و قهرمانی طی سالهای اجرای برنامه سوم، وجوهی که توسط اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی صرف احداث و تکمیل فضاها، اماکن و باشگاههای ورزشی و ارائه خدمات ورزشی می‌شود و یا به عنوان کمک به سازمان تربیت بدنی، کمیته ملی المپیک ایران، فدراسیونها، هیئتها و انجمنهای ورزشی و تربیت بدنی نیروهای مسلح پرداخت می‌گردد، با تأیید سازمان تربیت بدنی به عنوان هزینه قابل قبول تلقی می‌گردد. آیین‌نامه اجرایی این ماده به پیشنهاد سازمان برنامه و بودجه به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

📄 ماده ۱۷۰

درآمدهای سازمان تربیت بدنی ناشی از برگزاری مسابقات ورزشی، فروش بلیط و استفاده از اماکن ورزشی به درآمد عمومی واریز می‌شود و معادل وجوه واریزی در قالب لوائح بودجه سنواتی در اختیار سازمان مذکور قرار داده می‌شود. آیین‌نامه اجرایی این ماده به پیشنهاد مشترک سازمانهای تربیت بدنی و برنامه و بودجه به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

بخش پنجم

تأمین مطمئن امنیت ملی

فصل دهم

امنیت ملی

◀ ماده ۱۹۱

دولت موظف است، به منظور ارتقای امنیت عمومی و انضباط اجتماعی، اقدامهای لازم را برای تحقق موارد ذیل به عمل آورد:

- الف- آموزش عمومی و ترویج فرهنگ قانونمداری، نظم، مدارا و زیست سالم
- ب- توسعه خطوط مواصلاتی، راههای مرزی و ارتقای مراودات و تبادل اطلاعات با کشورهای منطقه و همسایگان به منظور مهار جرائم، قاچاق کالا و مواد مخدر، تردد غیر مجاز و خرابکاری، در قالب توافقنامه‌های دو جانبه و چند جانبه و ترتیبات امنیت جمعی
- ج- توسعه مشارکت همه جانبه همه ایرانیان، بر اساس حق برابر شهروندی، در نظام تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و مدیریت اجرایی کشور
- د- تعمیق شناخت مؤلفه‌های قدرت ملی و ترویج روحیه دفاع از منافع ملی و مخالفت با ظلم و سلطه‌گری
- ه- ایمن‌سازی ساختار و پراکندگی جمعیت (به ویژه در مرزهای کشور)، در پرتو مؤلفه‌ها و ملاحظات امنیتی به منظور پرهیز از عدم تعادل جمعیت
- و- تهیه طرح راهبردی توسعه نظم و امنیت کشور با رویکرد جامعه‌محوری، مشارکت همگانی و جایگزینی ارزشها و کنترلهای درونی به جای رویکرد امنیتی و ارتقای احساس امنیت در جامعه
- ز- مبارزه با زمینه‌های بروز بی‌هنجاری، ناسازگاری اجتماعی، خشونت سیاسی و خشونت شهری
- ح- حفظ و ارتقای منزلت اجتماعی گروههای مختلف مردم و پیشگیری از بحرانهای منزلتی
- ط- تهیه ساز و کارهای لازم جهت توسعه مشارکت مردمی، برای تأمین نظم و امنیت عمومی

۱۹۲ ماده

به منظور تمرکز در سیاست‌گذاری و تأمین حقوق اقلیتها و جلب مشارکت آنان در اداره امور کشور و همچنین تقویت همگرایی و وفاق ملی، شورای سیاست‌گذاری امور اقوام و اقلیتها تشکیل می‌گردد. شرح وظایف و ترکیب اعضا به پیشنهاد وزارت کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

۱۹۳ ماده

دولت موظف است، به منظور تقویت بنیه دفاعی کشور و ارتقای توان بازدارندگی نیروهای مسلح و حفاظت از تمامیت ارضی و امنیت کشور و آمادگی در برابر تهدیدات و حفاظت از منافع ملی، انقلاب اسلامی ایران و منابع حیاتی کشور و هوشمندسازی سیستمهای دفاعی، اقدامهای لازم را برای تحقق موارد مذکور به عمل آورد:

- ۱- تقویت مولفه‌های بنیه دفاعی، با تأکید بر مدرن‌سازی و هوشمندسازی تجهیزات، ارتقای منابع انسانی و سیستمهای فرماندهی C4I
- ۲- ارتقای فناوریهای نوین و هوشمند و سیستمهای اطلاعاتی در به‌کارگیری سامانه‌های دفاعی به ویژه سامانه‌های الکترونیکی، هوافضا، دریایی و پدافند هوایی
- ۳- بهینه‌سازی و بهبود ساختارهای چابک و پاسخگو در دفاع ملی
- ۴- ارتقای حضور و سهم نیروهای مردمی در استقرار امنیت و دفاع از کشور و به‌کارگیری متقابل و بهینه از امکانات و توان منابع انسانی
- ۵- نوسازی و بازسازی و بهبود صنایع دفاعی با نگرش به سامانه و فرایندهای صنعتی نوین
- ۶- ارتقای ابتکار عمل و توان مقابله مؤثر در برابر تهدیدها و حفاظت از منافع ملی، منابع حیاتی و انقلاب اسلامی ایران
- ۷- ارتقا و افزایش سطح دانش و مهارت نیروهای مسلح، به صورت کمی و کیفی
- ۸- ارتقای سطح آموزش، تحقیقات، فناوری در بخش دفاع و گسترش همکاریها با مراکز علمی دانشگاهی داخلی و خارجی

۹- حضور و استقرار متناسب با تهدیدها در حوزه‌های آبی کشور (خلیج فارس، دریای عمان و دریای مازندران)

۱۰- ارتقای منزلت اجتماعی و معیشت کارکنان نیروهای مسلح

۱۱- رعایت اصول پدافند غیر عامل در طراحی و اجرای طرحهای حساس و مهم و یا در دست مطالعه و نیز تأسیسات زیربنایی و ساختمانهای حساس و شریانهای اصلی و حیاتی کشور و آموزش عمومی مردم توسط دستگاههای اجرایی موضوع ماده (۲۴۷) این لایحه، به منظور پیشگیری و کاهش مخاطرات ناشی از سوانح غیر طبیعی

آیین‌نامه اجرایی این ماده ظرف مدت دو ماه از تصویب این لایحه، توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

◀◀ ماده ۱۹۴

به وزارت کشور اجازه داده می‌شود، از طریق نیروی انتظامی نسبت به اعطای مجوز فعالیت به متقاضیان تشکیل مؤسسات غیر دولتی خدمات حفاظتی و مراقبتی و واگذاری بخشی از خدمات انتظامی و حفاظتی به مؤسسات مذکور با حفظ کنترل و نظارت دقیق بر اساس آیین‌نامه اجرایی، که به پیشنهاد وزارت کشور، به تصویب شورای امنیت کشور می‌رسد اقدام نماید.

◀◀ ماده ۱۹۵

شورای امنیت کشور موظف است، با همکاری دستگاههای ذی‌ربط، نسبت به سیاست‌گذاری و استانداردسازی سامانه حفاظتی و امنیتی مورد نیاز سازمانها، ادارات، نهادها و وزارتخانه‌ها، به منظور بهینه کردن استفاده از فناوریها در امور امنیتی انتظامی، اقدام نماید.

◀◀ ماده ۱۹۶

به منظور ایجاد هماهنگی و تبادل اطلاعات بین دستگاههای ذی‌ربط:

- الف-** وزارت اطلاعات موظف است، در سال ۱۳۸۴ برنامه جامع تبادل اطلاعات و همکاری امنیتی با سرویسهای امنیتی سایر کشورها را در چارچوب منافع ملی و اصول سیاستهای خارجی کشور تدوین و پس از تایید رئیس جمهور اجرا نماید.
- ب-** هماهنگی در امور اجرایی اطلاعات سایر واحدهای حفاظت و اطلاعات در کشور که طبق قانون ایجاد شده‌اند، در سطح ملی و استانی به عهده وزارت اطلاعات است. واحدهای اجرایی ذی‌ربط موظف به همکاری با وزارت اطلاعات هستند.
- ج-** به وزارت اطلاعات اجازه داده می‌شود در کشف مفاسد کلان اقتصادی و سرقت میراث فرهنگی اقدامات لازم را به عمل آورد.

◀ ماده ۱۹۷

به منظور به‌کارگیری جوانان در سازندگی و فعالیتهای اجتماعی، وزارت جهاد کشاورزی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، شهرداریها، دهیاریها، جمعیت هلال احمر و سایر دستگاههای ذی‌ربط مجازند در اجرای طرحهای تملک داراییهای سرمایه‌ای و خدمات اجتماعی خود، از نیروی مقاومت بسیج استفاده نمایند. آیین‌نامه اجرایی این بند، به پیشنهاد مشترک وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

◀ ماده ۱۹۸

وزارت امور خارجه مکلف است، به منظور پیشبرد سیاست خارجی کشور و در چارچوب حفظ و توسعه منافع ملی اقدامهای ذیل را به عمل آورد:

الف- توسعه و تقویت روشها و زمینه‌های ارتباط و مراوده با ایرانیان مقیم خارج از کشور به منظور حفظ هویت ملی و اسلامی و بهره‌گیری از سرمایه‌های مادی، معنوی و علمی آنان در چارچوب مصوبات شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور

- ب- تنظیم و اعطای کمکهای توسعه‌ای رسمی به کشورهای هدف به منظور ایجاد بازار برای کالاهای ایرانی و صدور خدمات فنی و مهندسی در چارچوب قوانین بودجه‌های سالانه
- ج- تسهیل و ارائه بهتر خدمات کنسولی با بهره‌گیری از فناوری اطلاعات به منظور افزایش رضایتمندی و تکریم ارباب رجوع
- د- هماهنگی بخشهای بین‌المللی کلیه دستگاههای اجرایی به منظور پیشبرد اهداف سیاست خارجی کشور در چارچوب آئین‌نامه‌ای که به همین منظور به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

◀ مواد ۱۹۹ الی ۲۱۱

مواد (۱۷۱)، (۱۷۳)، (۱۷۵) الی (۱۸۱) و (۱۸۳) الی (۱۸۶) "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن" برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد.

⑤ ماده ۱۷۱

به وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح اجازه داده می‌شود به منظور تأمین نیازهای نیروهای مسلح، به ویژه در فناوریهای جدید و استراتژیک و خرید اقلام مورد نیاز پس از تصویب هیئت وزیران و با کسب مجوز از فرماندهی معظم کل قوا، نسبت به ایجاد شرکتهای صنعتی و خدماتی با مشارکت طرفهای داخلی و خارجی اقدام کند.

⑤ ماده ۱۷۳

وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح مکلف است بر اساس نظر ستاد کل نیروهای مسلح نسبت به تهیه طرح جامع نحوه استقرار نیروهای مسلح در سطح کشور متناسب با اندازه و نوع تهدیدات و شرایط زیست‌محیطی، به منظور رعایت پراکندگی در استقرار تأسیسات حساس و حیاتی و صنایع دفاعی و

همچنین انتقال پادگانها و مراکز نظامی و کارخانجات بزرگ صنعتی دفاعی از شهرهای بزرگ به ویژه تهران اقدام و به تصویب فرماندهی معظم کل قوا برساند.

دولت مکلف است نسبت به تأمین و واگذاری تسهیلات اعتباری، بانکی، زمین، تغییر کاربری و ایجاد حریم جهت تأسیسات مورد نیاز اقدامات لازم را به عمل آورد. اعتبارات دریافتی از منابع بانکی از محل فروش اماکن منتقل شده بازپرداخت می‌شود.

📌 ماده ۱۷۵

به منظور تحقق آرمانهای حضرت امام خمینی (ره) و رهنمودهای مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا پیرامون ارتش بیست میلیونی و ایجاد بستر مناسب جهت مشارکت نوجوانان و جوانان در امور اجتماعی، فرهنگی، دفاعی و اشاعه تفکر بسیجی و مردمی کردن امنیت و دفاع از طریق تقویت کمی و کیفی بسیج مستضعفین:

الف - هزینه‌هایی که توسط اشخاص حقیقی و حقوقی غیر دولتی صرف تقویت و توسعه پاسگاههای نیروی انتظامی و رده‌های مقاومت ارتش بیست میلیونی به ویژه احداث و تکمیل پایگاههای مقاومت بسیج می‌شود، به عنوان هزینه‌های قابل قبول مالیاتی تلقی می‌شود. آیین‌نامه اجرایی این بند توسط وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ب - حذف

ج - دولت موظف است به منظور تحقق پنجاه درصد (۵۰٪) طرح جامع ارتش بیست میلیونی که به تصویب مقام معظم فرماندهی کل قوا رسیده است، امکانات و تجهیزات مربوط را در برنامه سوم پیش‌بینی نماید.

د - ادارات و کارخانجات موظف‌اند امکانات، تجهیزات و اعتبارات لازم برای فعالیتهای جاری رده‌های مقاومت بسیج مربوط به خود را تأمین نمایند.

ه - در برنامه پنج‌ساله سوم رده‌های مقاومت بسیج و کانونهای فرهنگی ورزشی بسیج در ساختمانهای جدیدالاحداث از پرداخت حق انشعاب، آب، برق، گاز و یک خط تلفن مورد نیاز معاف می‌باشند.

ماده ۱۷۶

در زمان صلح با تأیید ستاد کل نیروهای مسلح، قسمتی از نیازهای نیروی انسانی دولت با استفاده از خدمت مشمولان وظیفه پس از گذراندن دوره آموزش نظامی به صورتی تأمین می‌گردد که به آمادگی رزمی آسیبی وارد نیاید. نیازهای نیروی انسانی دولت از طریق وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به ستاد کل اعلام می‌شود.

هزینه‌های مربوط به دوره آموزش نظامی به عهده وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح بوده و حقوق و مزایا و جیره استحقاقی در دوره خدمت از محل اعتبارات دستگاه مربوطه تأمین می‌گردد. میزان دریافتی این قبیل افراد نباید در مجموع از حد مقرر در قوانین نیروهای مسلح تجاوز کند.

حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) از نیروهای انسانی فوق (فارغ‌التحصیلان دانشگاهها) بایستی در مناطق توسعه نیافته یا کمتر توسعه یافته کشور خدمت کنند.

این‌نامه اجرایی این ماده توسط وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح با همکاری سازمان امور اداری و استخدامی کشور تهیه و پس از تأیید ستاد کل نیروهای مسلح به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ماده ۱۷۷

وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و نیروهای مسلح کشور مکلف‌اند پس از کسب مجوز از مقام معظم فرماندهی کل قوا نسبت به فروش عرصه و اعیان پادگانها و سایر اماکن که در تملک یا تصرف قانونی آنها بوده و درمحدوده خدمات شهری قرار دارد (پس از اثبات مالکیت) و تغییر کاربری و تفکیک از طریق مزایده اقدام نمایند.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور موظف است نسبت به صدور سند مالکیت عرصه و اعیان مزبور اقدام نموده و تنها بیست درصد (۲۰٪) از حقوق و عوارض قانونی مربوطه را دریافت کند.

کمیسیون موضوع ماده (۵) قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۲۲ و اصلاحات بعدی آن و شهرداریها موظف‌اند نسبت به تغییر کاربری این قبیل اراضی به

کاربریهای مناسب بر اساس طرحهای توسعه و عمران شهری و همچنین صدور مجوز ساخت بدون اخذ حق تغییر کاربری اقدام کنند.

درآمد حاصل از فروش اماکن فوق‌الذکر به حساب ردیف خاص که در قانون بودجه سالیانه پیش‌بینی می‌گردد واریز و به صورت صد درصد (۱۰۰٪) تخصیص یافته تلقی شده و به سازمان مربوطه جهت احداث جایگزین املاک فوق و خانه‌های سازمانی پرداخت خواهد شد.

📌 ماده ۱۷۸

در اجرای اصل یکصد و چهل و هفتم (۱۴۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به منظور استفاده از تخصصها و تواناییهای نیروهای مسلح و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در بازسازی کشور (قانون شرکتهای فنی و خدماتی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح) به واحدهای اجرایی فوق اجازه داده می‌شود با توجه به تخصصها و تواناییها و ظرفیت نیروهای تحت نظر خود برای اجرای طرحها و پروژههای عمرانی با دستگاههای اجرایی، قرارداد پیمانکاری منعقد کنند.

کلیه وجوه دریافتی از بابت قراردادهای مذکور به ردیف درآمد، هزینه‌ای که همه ساله در قانون بودجه منظور می‌شود واریز و معادل صد درصد (۱۰۰٪) آن در جهت اجرای قراردادهای فوق و تقویت نیروی مربوطه و جایگزین استهلاک ماشین‌آلات اختصاص می‌یابد.

آیین‌نامه اجرایی این ماده توسط ستاد کل نیروهای مسلح با همکاری وزارتخانه‌های دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و امور اقتصادی و دارایی و سازمان برنامه و بودجه تهیه و از طریق وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

📌 ماده ۱۷۹

نهادهای سازمانها و وزارتخانه‌ها می‌توانند پس از کسب موافقت و مجوز ستاد کل نیروهای مسلح نسبت به تشکیل یگانهای حفاظت اقدام کنند. این یگانها از نظر به کارگیری سلاح و مهمات تابع ضوابط نیروهای مسلح می‌باشند و با رعایت ضوابط نیروی انتظامی تحت نظر دستگاه ذی‌ربط اداره خواهند شد.

شرح وظایف و اختیارات و سازماندهی و چگونگی تسلیح این یگانها و آموزش و انتصاب فرماندهی هر یک از این یگانها و چگونگی ارتباط آنها با نیروی انتظامی و نظارت بر عملکرد آنها به تصویب ستاد کل نیروهای مسلح خواهد رسید.

۱۸۰ ماده ۱۰

به منظور ایجاد تمرکز در سیاستگذاری امور اتباع خارجی (آواره، پناهنده، مهاجر و اتباع خارجی دارای گذرنامه) در زمینه ورود، اسکان، اخراج، اشتغال، آموزش، بهداشت و درمان و روابط بین‌الملل، شورای هماهنگی اجرایی اتباع بیگانه به ریاست وزیر کشور و عضویت وزیران آموزش و پرورش، اطلاعات، امور خارجه، کار و امور اجتماعی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، رئیس سازمان برنامه و بودجه، دبیر شورای عالی امنیت ملی، فرمانده نیروی انتظامی و رئیس جمعیت هلال احمر تشکیل می‌گردد. تصمیمات شورای مذکور پس از تایید هیئت وزیران قابل اجرا خواهد بود.

آیین‌نامه اجرایی این ماده به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های کار و امور اجتماعی، کشور و اطلاعات به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

۱۸۱ ماده ۱۰

الف - دولت موظف است به منظور پیشگیری، امدادسانی، بازسازی و نوسازی مناطق آسیب دیده در حوادث غیر مترقبه در طی برنامه سوم، اعتبارات لازم را در لوائح بودجه سنواتی پیش‌بینی کند و در اختیار ستاد حوادث غیرمترقبه کشور قرار دهد. درصدی از اعتبارات فوق جهت مطالعات آسیب‌پذیری به منظور کاهش اثرات بلایای طبیعی و اجرای پروژه‌های پیشگیری از حوادث غیرمترقبه از قبیل سیل و زلزله، خشکسالی، آتش سوزی، طوفان و یا پیشروی آب دریا هزینه خواهد شد.

ب - وزارت کشور می‌تواند از محل منابع قرض‌الحسنه سیستم بانکی، وام و در صورت عدم تکافو از محل سایر منابع بانکی تسهیلات مورد نیاز را به مالکان واحدهای مسکونی، تجاری، صنعتی،

معدنی و کشاورزی خسارت دیده در مناطق سابق‌الذکر اعطاء کند. مابه‌التفاوت سود و کار مزد تسهیلات اعطایی در لوایح بودجه سالانه منظور خواهد شد. دولت موظف است بازپرداخت تسهیلات اعطایی توسط سیستم بانکی را که در این بند پیش‌بینی شده است تضمین کند.

ج - به منظور افزایش سهم صنعت بیمه در جبران خسارت ناشی از حوادث غیرمترقبه، دولت مجاز است شرایط لازم را به نحوی فراهم کند که در دوران برنامه سوم حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) محصولات کشاورزی، دامداری، صنایع دستی، شیلات، ابنیه عمومی، تأسیسات شهری و روستایی، ساختمانهای مسکونی، تجاری و صنعتی تحت پوشش بیمه قرار گیرند.

🔗 ماده ۱۸۳

به منظور اعمال سیاستهای نظام جمهوری اسلامی ایران در روابط خارجی و ایجاد وحدت رویه در این زمینه، وزارت امور خارجه بر کلیه روابط خارجی نظارت خواهد داشت و سایر دستگاهها و واحدهایی که به نحوی در خارج از کشور فعالیت دارند و یا فعالیت و اقدامات آنان در روابط خارجی اثرگذار است، ملزم به اجرای سیاستهای ابلاغی توسط وزارت امور خارجه هستند. همچنین نمایندگیهای آنها در خارج از کشور موظفاند بر اساس آیین‌نامه‌ای که به پیشنهاد وزارت امور خارجه، به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، در انجام فعالیتهای خود با نمایندگیهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور هماهنگی لازم را به عمل آورند.

تبصره ۱- به منظور اعمال سیاستهای فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران و تمرکز در سیاستگذاری و هماهنگی در فعالیتهای فرهنگی و تبلیغی خارج از کشور و با اهداف استفاده بهینه از امکانات مادی و معنوی موجود انجام امور کلیه فعالیتهای فرهنگی تبلیغی و هنری بخشهای دولتی و غیر دولتی در خارج از کشور بر اساس اساسنامه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی که به تأیید مقام معظم رهبری رسیده است با سازمان مذکور خواهد بود.

تبصره ۲- انجام کلیه فعالیتهای پیش‌بینی شده در این ماده در مورد مؤسسات و نهادهایی که تحت نظر مقام معظم رهبری اداره می‌شود، منوط به تأیید معظم‌له می‌باشد.

۱۸۴ ماده ۵

به منظور تنظیم سطح روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای جهان و مجامع بین‌المللی، دولت مکلف است بر اساس گزارش جامعی که وزارت امور خارجه از فعالیتهای برون مرزی دستگاههای اجرایی و همکاری و عضویت آنها در سازمانهای بین‌المللی و منطقه‌ای (شامل بررسی وضع موجود، ارزیابی عملکرد و ضرورت یا عدم ضرورت ادامه عضویت یا فعالیت دستگاههای مذکور در خارج از کشور و یا کاهش سطح روابط و فعالیتهای تهیه و ارائه می‌کند، در مورد ادامه و یا قطع فعالیت دستگاههای اجرایی در خارج از کشور و سطح آن و وضعیت عضویت وزارتخانه‌ها، سازمانها، شرکتهای دولتی و نهادهای انقلابی در مجامع منطقه‌ای و بین‌المللی اتخاذ تصمیم کند. کلیه دستگاههای موضوع ماده (۱۱) این قانون و نهادهای عمومی غیر دولتی، در صورت تأیید ادامه فعالیتشان در خارج از کشور موظف‌اند حداکثر طی مدت شش ماه تشکیلات و ساختار نمایندگیهای خارج از کشور و نیز وضعیت عضویت خود در مجامع بین‌المللی را بر اساس مصوبات هیئت وزیران اصلاح کنند.

تبصره - انجام کلیه فعالیتهای پیش‌بینی شده در این ماده در مورد مؤسسات و نهادهائی که تحت نظر مقام معظم رهبری اداره می‌شود منوط به تأیید معظم‌له می‌باشد.

۱۸۵ ماده ۵

ایجاد هرگونه دفتر، نمایندگی، شعبه و واحد اداری جدید و عناوین مشابه در خارج از کشور توسط دستگاههای موضوع ماده (۱۱) این قانون و نهادهای عمومی غیر دولتی منوط به پیشنهاد دستگاه ذی‌ربط و وزارت امور خارجه و تصویب هیئت وزیران خواهد بود.

تبصره ۱- بانکها و شرکتهای بیمه از شمول این ماده مستثنا هستند.

تبصره ۲- انجام کلیه فعالیتهای پیش‌بینی شده در این ماده در مورد مؤسسات و نهادهایی که تحت نظر مقام معظم رهبری اداره می‌شود، منوط به تأیید معظم‌له می‌باشد.

۱۸۶ ماده ۱۰

وزارت امور خارجه موظف است با بهره‌گیری از نظرات کلیه دستگاه‌های ذی‌ربط راهبردهای مناسب را برای اجرای دقیق سیاست‌های کلی ذیل تهیه و جهت تصویب در سال اول برنامه سوم به شورای عالی امنیت ملی ارائه نماید:

- ۱- گسترش همکاری‌های دو جانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی.
- ۲- ادامه پرهیز از تشنج در روابط با کشورهای غیرمتخاصم.
- ۳- بهره‌گیری از روابط برای افزایش توان ملی.
- ۴- مقابله با افزونخواهی کشورهای متخاصم.
- ۵- تلاش برای رهایی از حضور بیگانگان.
- ۶- مقابله با تک قطبی شدن جهان.
- ۷- حمایت از مسلمانان و ملت‌های مظلوم.
- ۸- تلاش برای ایجاد نزدیکی بیشتر میان کشورهای اسلامی.
- ۹- تلاش برای اصلاح ساختار سازمان ملل.

فصل یازدهم

توسعه امور قضایی

◀ ماده ۲۱۲

قوه قضائیه موظف است، لوایح ذیل را تهیه و به تصویب مراجع ذیصلاح برساند:

الف- لایحه "جرم‌زدایی از قوانین کیفری"، به منظور جلوگیری از آثار سوء ناشی از جرم‌انگاری در مورد تخلفات کم اهمیت، کاهش هزینه‌های نظام عدالت کیفری و جلوگیری از گسترش بی‌رویه قلمرو حقوق جزا و تزییع حقوق و آزادیهای عمومی

ب- لایحه "جایگزینهای مجازات حبس"، به منظور بهره‌گیری از روشهای نوین اصلاح و تربیت مجرمان در جامعه و همچنین ایجاد تناسب بیشتر میان جرم و مجازات و شخصیت مجرم را تهیه و ارائه نماید.

ج- لایحه "حمایت از شهود و متهمان"

د- لایحه "حمایت از بزهدیدگان اجتماعی"

ه- لایحه حفظ و ارتقای حقوق شهروندی و حمایت از حریم خصوصی افراد، در راستای اجرای اصل

۲۰ قانون اساسی

و- نسبت به موارد ذیل اقدام نماید:

۱- استقرار نظام قضایی سریع، دقیق، بالسویه در دسترس، ارزان، قابل پیش‌بینی قانونی، منصفانه

و قاطع

۲- پایه‌گذاری و تضمین بنیادهای حقوق مالکیت خصوصی و معنوی، در قلمرو قضایی

۳- رفع هرگونه تبعیض جنسیتی، قومی و گروهی، در قلمرو حقوقی و قضایی

۴- تمهید ساز و کارهای لازم برای پیشگیری از وقوع جرم، بر اساس اصل ۱۵۶ قانون اساسی

- ۵- طراحی و استقرار نظام جامع اطلاعات، عملیات و مدیریت قضایی به منظور سرعت بخشیدن به عملیات و مدیریت کارآمد، اصلاح فرایندها و بهبود روشهای انجام امور قضایی، تا پایان برنامه چهارم
- ۶- فراهم نمودن زمینه تشکیل نهادهای داوری غیر دولتی
- ۷- به منظور اجرای اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نیز به منظور تأمین و حفظ حقوق عامه و گسترش خدمات حقوقی هر یک از اصحاب دعوا حق انتخاب، معرفی و حضور وکیل، در تمامی مراحل دادرسی اعم از تحقیقات، رسیدگی و اجرای احکام قضایی را دارند، مگر در مورد مسائل امنیتی کشور
- ۸- اتخاذ تدابیر لازم جهت ساماندهی امور ضابطین قوه قضائیه
- ۹- تمهید سازوکارهای مربوط به به کارگیری مشاوران حقوقی در معاملات و عقد قراردادها.

« ماده ۲۱۳

به قوه قضائیه اجازه داده می شود:

- الف-** بر اساس آیین نامه ای که توسط وزیر دادگستری با همکاری دادستانی کل کشور و سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران تهیه و به تأیید رئیس قوه قضائیه می رسد، اسناد و اوراق پرونده های قضایی که نگهداری سوابق آنها ضروری می باشد را با استفاده از فناوریهای اطلاعاتی روز، به اسناد الکترونیکی تبدیل و سپس نسبت به امحای آنها اقدام نماید. اطلاعات و اسناد تبدیلی در کلیه مراجع قضایی و اداری سندیت داشته و قابل استناد خواهد بود.
- اصل پرونده های مهم و ملی که جنبه سندیت تاریخی دارد، توسط سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران حفظ و نگهداری خواهد شد.
- ب-** اشتغال به کار قضات بازنشسته، با تأیید رئیس قوه قضائیه

۲۱۴ ماده

وزارت مسکن و شهرسازی (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی) موظف است، به منظور صدور سند مالکیت املاک واقع در بافت مسکونی روستاها، به نمایندگی از طرف روستائیان و با هماهنگی شوراهای اسلامی روستاها و دهیاری‌ها، تا پایان برنامه چهارم، برای کلیه روستاهای بالای صد خانوار و مراکز دهستان، نقشه تفکیکی وضع موجود روستا را تهیه و به اداره ثبت اسناد و املاک محل ارسال نماید. نقشه‌های تفکیکی تهیه شده نیاز به تأیید سایر مراجع دولتی ندارد و ادارات ثبت اسناد و املاک بر اساس آن طبق آیین‌نامه‌ای که توسط وزارت دادگستری و وزارت مسکن و شهرسازی (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی) تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید، اقدام نمایند.

۲۱۵ ماده

دولت موظف است، همه ساله پنجاه درصد (۵۰٪)، درآمد دادگاهها و سازمانهای وابسته به قوه قضائیه که برابر قانون وصول و به خزانه واریز می‌گردد را طی بودجه سنواتی، به عنوان کمک در اختیار قوه قضائیه قرار داده، تا پس از تصویب رئیس قوه قضائیه در موارد: احداث، تکمیل و خرید ساختمانهای اداری و خانه‌های سازمانی، تجهیز ساختمانهای اداری، خرید ملزومات، خودرو، پرداخت کارانه، حق کشیک، مأموریت، تأمین کسری هزینه‌های ضروری جاری دستگاهها، پرداخت سود تسهیلات مسکن قضات و کارکنان و سایر موارد ضروری به تشخیص رئیس قوه قضائیه در دادگستری و سازمانهای وابسته به قوه قضائیه هزینه گردد.

۲۱۶ ماده

سازمان زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور مکلف است، به منظور بهبود وضعیت زندانها و ایجاد محیط بازپروری مناسب و اصلاح و تربیت زندانیان با هدف بازگشت آنان به زندگی سالم اجتماعی و کاهش بازگشت مجدد به جرم توسط زندانیان آزاد شده نسبت به انجام موارد ذیل اقدام نماید:

الف- بهینه‌سازی فضاهای فیزیکی با اولویت توسعه کانونهای اصلاح و تربیت

- ب- حمایت از خانواده زندانیان و معدومین از طریق سازمانها و نهادهای خیریه مردمی و غیردولتی و انجمنهای حمایت از زندانیان
- ج- اتخاذ ساز و کارهای لازم جهت حذف سابقه کیفری زندانیان اصلاح شده

◀ مواد ۲۱۷ الی ۲۱۸

مواد (۱۴۰) و (۱۸۹) "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن" برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد.

📌 ماده ۱۴۰

به منظور صدور سند مالکیت املاک واقع در بافت مسکونی روستاها، وزارت مسکن و شهرسازی (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی) موظف است به نمایندگی از طرف روستائیان طی مدت برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران برای کلیه روستاهای بالای دویست (۲۰۰) خانوار و مراکز دهستانها نقشه تفکیکی وضع موجود روستاها را تهیه و به اداره ثبت اسناد و املاک ارسال نماید. نقشه‌های تفکیکی تهیه شده نیاز به تأیید سایر مراجع دولتی ندارد و ادارات ثبت اسناد و املاک بر اساس آن به شرح زیر اقدام می‌نمایند:

۱- در صورتی که محدوده مورد عمل قبلاً تحدید حدود شده باشد، پس از کنترل نقشه و تطبیق آن با محل با توجه به مدارک متصرفین صورتجلسه تفکیکی حاوی حدود قطعات و مشخصات متصرفین توسط نماینده و نقشه‌بردار ثبت تنظیم و به امضاء نماینده بنیاد مسکن و شورای اسلامی روستا می‌رسد تا بر اساس آن به نام متصرفینی که دارای مدارک دال بر مالکیت می‌باشند سند مالکیت صادر و تسلیم گردد.

۲- در صورتی که متصرف نتواند مدارک دال بر مالکیت ارائه نماید، یا در مالکیت و تصرف اشخاص اختلاف باشد، همچنین در صورتی که محدوده مورد عمل تحدید حدود نشده باشد یا عرصه آن از املاک متعلق به دولت، سازمانها و مؤسسات و نهادهای عمومی یا اوقاف باشد، موضوع در هیئتی

مرکب از مدیر کل ثبت اسناد و املاک استان و رئیس بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و یکی از قضات دادگستری به انتخاب رئیس قوه قضاییه مطرح و رأی مقتضی صادر می‌گردد. هیئت می‌تواند برای رسیدگی به موضوع از خبرگان ثبتی استفاده و با تحقیقات و شهادت شهود رأی خود را صادر نماید. رأی صادره توسط ثبت محل به طرفین ابلاغ می‌شود، در صورت عدم اعتراض ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ رأی، ادارات ثبت اسناد و املاک و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی حسب مورد مکلف به اجرای آن می‌باشند. در صورت وصول اعتراض، معترض به دادگاه هدایت می‌شود. رسیدگی به این اعتراضات در دادگاه خارج از نوبت خواهد بود.

۳- مشمولین این قانون از پرداخت کلیه هزینه‌های ثبتی معاف می‌باشند. نقل و انتقالات بعد از صدور سند مالکیت شامل معافیت نخواهد بود.

۴- نحوه تشکیل جلسات و اختیارات هیئت‌ها و نحوه انتخاب کارشناسان و خبرگان ثبتی و چگونگی تهیه نقشه تفکیکی و میزان مبالغ دریافتی و هزینه نمودن آنها مطابق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و وزارت مسکن و شهرسازی (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی) حداکثر ظرف دو ماه تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

۵- خانواده‌های تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی از پرداخت هزینه عوارض و مالیات و هرگونه هزینه دیگر معاف می‌باشد.

۱۸۹ ماده ۵

به منظور کاهش مراجعات مردم به محاکم قضائی و در راستای توسعه مشارکتهای مردمی، رفع اختلافات محلی و نیز حل و فصل اموری که ماهیت قضایی ندارد و یا ماهیت قضائی آن از پیچیدگی کمتری برخوردار است به شوراهای حل اختلاف واگذار می‌گردد. حدود وظایف و اختیارات این شوراهای ترکیب و نحوه انتخاب اعضای آن بر اساس آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیئت وزیران و به تأیید رئیس قوه قضاییه می‌رسد.

بخش ششم

نوسازی دولت

و ارتقای اثربخشی حاکمیت

فصل دوازدهم

نوسازی دولت و ارتقای اثربخشی حاکمیت

◀◀ ماده ۲۱۹

دولت موظف است، به منظور تغییر رویکرد اداره کشور از ساختار محوری به برنامه و هدف محوری و ایجاد حداکثر تسهیلات و انعطاف زمانی، برای کلیه فعالیتهای اجرایی کشور، با هدف ارائه خدمات بهینه به مردم، اقدامهای ذیل را به عمل آورد:

الف- تغییر رویه‌های سازمانی، به نحوی که منجر به اصلاح ساختار شبکه‌ای و افقی با تنظیم اختیارات و مسئولیتهای مربوط و تقلیل حجم ساختار سلسله مراتبی گردد.

ب- تفویض حداکثر اختیارات تشکیلاتی برای مسئولین در هر حوزه و قلمرو با رعایت روشهای نظارت و کنترل

◀◀ ماده ۲۲۰

نقش و وظایف دولت، در حوزه‌های "امور حاکمیتی"، "امور تصدیهای اجتماعی، فرهنگی و خدماتی"، "امور زیربنایی" و امور "تصدیهای اقتصادی" تعریف و به شرح ذیل تنظیم گردد:

الف- امور حاکمیتی

امور حاکمیتی دولت، که تحقق آن موجب اقتدار و حاکمیت کشور است و منافع آن بدون محدودیت شامل همه اقشار جامعه می‌گردد عبارتند از:

- ۱- سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت در بخشهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
- ۲- برقراری عدالت و تأمین اجتماعی و باز توزیع درآمد
- ۳- ایجاد فضای سالم، برای رقابت و جلوگیری از انحصار و تضییع حقوق مردم
- ۴- فراهم نمودن زمینه‌ها و مزیت‌های لازم، برای رشد و توسعه کشور و رفع فقر و بیکاری

- ۵- قانونگذاری، امور ثبتی، استقرار نظم و امنیت و اداره امور قضایی
- ۶- حفظ تمامیت ارضی کشور و ایجاد آمادگی دفاعی و ملی
- ۷- صیانت از هویت ایرانی، اسلامی
- ۸- اداره امور داخلی، مالیه عمومی، تنظیم روابط کار و روابط خارجی
- ۹- حفظ محیط زیست و حفاظت از منابع طبیعی و میراث فرهنگی
- ۱۰- علوم و تحقیقات بنیادی، آمار و اطلاعات ملی
- ۱۱- پیشگیری از بیماریهای واگیر، مقابله و کاهش اثرات حوادث طبیعی و بحرانهای پیچیده

ب- امور تصدیهای اجتماعی، فرهنگی و خدماتی

آن دسته از وظایفی است که، منافع اجتماعی حاصل از آنها نسبت به منافع فردی برتری دارد و موجب بهبود وضعیت زندگی افراد می‌گردد، از قبیل: آموزش و پرورش عمومی و فنی و حرفه‌ای، علوم و تحقیقات، بهداشت و درمان، تربیت‌بدنی و ورزش، اطلاعات و ارتباطات جمعی و امور فرهنگی، هنری و تبلیغات دینی

ج- امور زیربنایی

آن دسته از طرحهای تملک‌داری‌های سرمایه‌ای است که، موجب تقویت زیرساختهای اقتصادی و تولیدی کشور می‌گردد، نظیر طرحهای آب و خاک، عمران شهری و روستایی و شبکه‌های انرژی‌رسانی، ارتباطات و حمل و نقل

د- امور تصدیهای اقتصادی

آن دسته از وظایفی است که دولت، متصدی اداره و بهره‌برداری از اموال جامعه است و مانند اشخاص حقیقی و حقوقی در حقوق خصوصی عمل می‌کند، نظیر تصدی در امور صنعتی، کشاورزی، حمل و نقل و بازرگانی و بهره‌برداری از طرحهای مندرج در بند "ج" این ماده

۲۲۱ ماده

به منظور ایجاد زمینه مناسب برای رشد و توسعه کشور، افزایش کارایی و بهره‌وری دستگاههای اجرایی، تقویت امور حاکمیتی دولت و توسعه مشارکت مردم در امور کشور، نحوه اجرای وظایف مذکور در ماده (۲۱۹) این لایحه به طریق ذیل پالایش و اصلاح می‌گردد:

الف- امور حاکمیتی دولت، توسط دستگاههای دولتی و با مشارکت مردم و بخش غیر دولتی انجام می‌گردد و دستگاههای اجرایی ذی‌ربط در ابعاد منابع انسانی، فناوری انجام کار، تجهیزات و تخصیص منابع، تقویت و توسعه کیفی خواهند یافت.

ب- وظایف امور تصدیهای اجتماعی، فرهنگی و خدماتی دولت با رعایت اصول ۲۹ و ۳۰ قانون اساسی با استفاده از شیوه‌های ذیل انجام می‌گردد:

- ۱- اعمال حمایت‌های لازم برای توسعه بخش غیردولتی مجری این وظایف
- ۲- خرید خدمات از بخش غیردولتی
- ۳- مشارکت با بخش غیردولتی از طریق اجاره و واگذاری امکانات و تجهیزات و منابع فیزیکی
- ۴- واگذاری مدیریت واحدهای دولتی به بخش غیردولتی، با پرداخت تمام یا بخشی از هزینه سرانه خدمات
- ۵- ایجاد و اداره واحدهای دولتی با رویکرد هدفمند و نتیجه‌گرا (مطابق ماده ۲۲۹ این لایحه) با تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در مناطقی که هیچ کدام از حالت‌های فوق‌الذکر امکانپذیر نباشد.

ج- وظایف زیربنایی دولت با مدیریت، حمایت و نظارت دستگاهها و شرکتهای دولتی توسط بخش غیر دولتی انجام خواهد شد.

د- وظایف مربوط به تصدیهای اقتصادی دولت، به استثنای موارد مذکور در اصل ۴۴ قانون اساسی به بخش غیر دولتی واگذار می‌گردد. دولت در این بخش نسبت به تنظیم مقررات برای جلوگیری از ایجاد انحصار، تضييع حقوق تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، ایجاد فضای سالم رقابت، رشد، توسعه و امنیت سرمایه‌گذاری و نظایر آن اقدام خواهد نمود.

آیین‌نامه اجرایی این ماده توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

« ماده ۲۲۲

الف- دولت مکلف است، تشکیلات کلان دستگاه‌های اجرایی و وزارتخانه‌ها را، متناسب با سیاستها و احکام این برنامه و تجربه سایر کشورها، جهت برطرف کردن اثربخشی ناقص، تعارضهای دستگاهی و غیر کارآمدی و عدم جامعیت، عدم کفایت، تمرکز امور، موازی‌کاریها و همچنین بهره‌گیری همه جانبه از فناوریهای نوین و روشهای کارآمد، با هدف نوسازی، متناسب‌سازی، ادغام و تجدید ساختار به صورت یک منظومه منسجم، کارآمد، فراگیر و با کفایت، اثربخش و غیر متمرکز طراحی نماید و لایحه ذی‌ربط را شش ماه پس از تصویب این لایحه به مجلس شورای اسلامی تقدیم کند، به طوری که امکان اجرای آن از ابتدای سال دوم برنامه چهارم میسر باشد.

ب- آن دسته از تصدیهای قابل واگذاری دستگاه‌های دولتی، در امور توسعه و عمران شهر و روستا، با تصویب شورای عالی اداری همراه با منابع مالی ذی‌ربط به شهرداریها و دهیاریها واگذار می‌شود.

« ماده ۲۲۳

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است، به منظور تقویت نظام برنامه‌ریزی و نظارت بر اجرای برنامه‌های توسعه و تدوین پیشنهاد راهکارهای اساسی برای پیشرفت کشور، اقدامهای ذیل را معمول دارد:

الف- با تصویب شورای عالی اداری، آن دسته از وظایف اجرایی خود را که قابل واگذاری به دستگاه‌های اجرایی در سطوح ملی و استانی می‌باشد، واگذار نماید.

ب- حداکثر تا پایان سال دوم برنامه چهارم، ساز و کارهای لازم را برای تغییر نظام بودجه‌ریزی از روش موجود، به روش عملیاتی و هدفمند و به صورت قیمت تمام شده خدمات فراهم کند.

ج- ساز و کارهای لازم را، برای حمایت و توسعه بخش غیر دولتی در ساختار سازمانی این سازمان فراهم کند.

د- ساختار سازمانی، مدیریت نیروی انسانی، نظام پرداخت خاص، روشها و فناوری اداری این سازمان را به ترتیبی تغییر داده و اصلاح نماید که، سازمانی کوچک، منعطف، کارا و اثربخش باشد و با به‌کارگیری نخبگان و اندیشمندان، امکان انجام وظایف محوله را به طور مطلوب و بهینه فراهم نماید.

ه- آیین‌نامه و ضوابط اجرایی این ماده، به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

◀ ماده ۲۲۴

به منظور اصلاح ساختار و تشکیلات دستگاههای اجرایی اقدامهای ذیل انجام می‌گردد:

الف- مطالعه هدف، وظایف و عملکرد وزارتخانه‌ها، سازمانها، نهادها، مؤسسات و نظایر آن با هدف پالایش وظایف و مأموریتهای دستگاههای مذکور از وظایف غیر مرتبط با فلسفه وجودی و اهداف اصلی و اولیه آنها، و حذف و یا واگذاری انجام آنها به سایر بخشها و ادغام و انحلال دستگاههای غیر ضرور، تکراری و مشابه، و بازنگری و تجدید ساختار سازمانی آنها متناسب با تغییرات در نقش و وظایف، شرایط و مقتضیات و الزامات محیطی، الگوها و شیوه‌های نوین و مناسب سازماندهی و مدیریت توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و تصویب شورای عالی اداری، به نحوی که تا پایان برنامه چهارم، حداقل بیست درصد (۲۰٪) از توسعه سازمانی دولت طی دو دهه اخیر کاهش یابد.

ب- ممنوعیت ایجاد وزارتخانه، مؤسسه دولتی، نهاد عمومی غیر دولتی، شرکت دولتی و دستگاههایی با عناوین مشابه، مگر در موارد استثنا با تأیید هیئت وزیران و تصویب مجلس شورای اسلامی

ج- ادغام کلیه واحدهای سازمانی هر وزارتخانه (به استثنای شرکتهای دولتی) در سطح استان، شهرستان، بخش و ... در یک واحد سازمانی، به طوری که واحدهای مربوطه در مرکز عهده‌دار

- راهبری و انجام امور ستادی آنها باشند. سطح سازمانی واحدهای موضوع این بند و موارد استثنا، با پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب شورای عالی اداری می‌رسد.
- د- بازنگری و تجدید ساختار داخلی دستگاههای اجرایی، بر اساس ضوابطی که به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران می‌رسد. در صورتی که با اصلاح تشکیلات، پستهای دارای شاغلین رسمی حذف گردند، اینگونه پستها صرفاً تا خروج طبیعی مستخدمین ذی‌ربط پایدار خواهد بود.
- ه- کلیه واحدهای استانی، شهرستانی و ... دستگاههای اجرایی موظفاند، ضمن اقدام لازم در خصوص بازنگری و تجدید ساختار سازمانی خود، پس از تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان اصلاحات لازم را به مورد اجرا گذارند و نیروهای مازاد را به تشخیص ستاد برنامه‌ریزی و تحول اداری استان به سایر واحدهای مستقر در همان محل منتقل نمایند.
- و- نصاب جمعیت برای تشکیل شهرستان، شهر و بخش با رویکرد عدم توسعه سطوح تقسیمات کشوری در سال اول برنامه چهارم توسط هیئت وزیران تعیین خواهد شد.

۲۲۵ ماده ◀◀

- به دولت اجازه داده می‌شود، به منظور توسعه بخش خصوصی و تعاونی و جلب مشارکت تشکلهای غیر دولتی و سایر بخشهای جامعه مدنی در اداره امور کشور و افزایش کارآمدی مدیریت دولتی، در مواجهه با چالشها و استفاده از فرصتها و منابع ملی، اقدامهای ذیل را انجام دهد:
- الف-** کمک به ایجاد و توسعه و قانونمندی نهادهای غیر دولتی لازم برای توسعه کارآفرینی، ترویج فرهنگ خدمت، توسعه سلامت و شفافیت اداری و حفاظت از محیط زیست و ارتقای استانداردهای زیست‌محیطی و سلامت مردم، بر مبنای هدف‌محوری و مسئولیت‌پذیری
- ب-** تشکیل واحد سازمانی مناسب، برای تقویت و حمایت از بخش غیر دولتی، در زمینه‌های نهادسازی، آموزش، ایجاد تسهیلات، توجیه و رفع موانع اداری در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و کلیه وزارتخانه‌ها و سازمانهای مستقل دولتی از محل پستهای سازمانی موجود

ج- انتخاب یکی از شهرستانهای کشور و یک دستگاه اجرایی بدون رعایت قوانین و مقررات اداری و استخدامی و مالی مورد عمل، برای اجرای کامل احکام، سیاستها و جهت‌گیری‌های مذکور در این فصل در آن شهر و دستگاه و استفاده از نتایج آن در اصلاح قوانین و مقررات مربوطه و تعمیم آن به سایر نقاط کشور و دستگاهها

ضوابط مربوط به این بند به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب شورای عالی اداری خواهد رسید.

◀◀ ماده ۲۲۶

دولت موظف است، به منظور استقرار نظام شایسته‌گرایی و ایجاد ثبات در خدمات مدیران، اقدامهای ذیل را انجام دهد:

الف- مشاغل مدیریتی را در دو بخش سیاسی و حرفه‌ای، تعریف و طبقه‌بندی نماید.

ب- در انتخاب و انتصاب افراد، به پستهای حرفه‌ای، شرایط تخصصی لازم را تعیین نماید تا افراد از مسیر ارتقای شغلی به مراتب بالاتر ارتقا یابند. در مواردی که از این طریق امکان انتخاب وجود نداشته باشد، با انجام ارزیابی‌های مدیریتی و تخصصی لازم، انتخاب صورت پذیرد.

ج- در خصوص عزل و نصب پستهای مدیریتی سیاسی، اختیارات لازم به مقامات منصوب کننده داده شود.

د - دوره خدمات در پستهای مدیریتی (حرفه‌ای) چهار ساله می‌باشد، که امکان تمدید آن نیز وجود خواهد داشت.

◀◀ ماده ۲۲۷

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و دستگاههای موضوع ماده (۲۴۷) این لایحه موظفانند، به منظور افزایش پاسخگویی دستگاههای اجرایی در مقابل ارباب رجوع و ارتقای سطح کیفی خدمات و افزایش میزان رضایت مردم، اقدامهای ذیل را انجام دهند:

- الف-** توسعه کاربرد فناوریهای نوین اداری و اطلاعات، در دستگاههای اجرایی، با جهت‌گیری افزایش سرعت، دقت و کیفیت انجام و نتایج امور، کاهش هزینه‌ها و ارتقای سطح بهره‌وری منابع مصروفه و حرکت در راستای تحقق دولت الکترونیک
- ب-** بازنگری و بازمهندسی فرایندها و روشهای انجام کار (ضرورت، چگونگی، ارزش‌آفرینی)، با اولویت و تأکید بر فرایندها و روشهای رو به مردم و ارباب رجوع و اصلی و کلیدی دستگاهها با رویکرد اعتماد به مردم.
- ج-** بررسی و تنظیم مبانی و راهکارهای مؤثر، برای رشد شاخصهای مربوط به "مشتری‌مداری و شهروندگرایی" و "رضایت و تکریم مردم" در نظام خدمات عمومی کشور و ایجاد شرایط و فرصتهای لازم برای تأثیرپذیری سرنوشت و منافع کارکنان از رضایت و یا عدم رضایت مردم از عملکرد آنها
- د-** بررسی و تنظیم و اجرای طرحهای مؤثر، برای ارتقا و بهبود "مدیریت زمان" و "نظم و انضباط"، در عملیات و اقدامهای دستگاهها.
- ه-** تهیه و اجرای برنامه یا برنامه‌های لازم، در خصوص آموزش اداری مردم، به صورت علمی، جذاب، مستمر و هدفمند و به منظور تنویر افکار عمومی و توسعه فرهنگ تعامل و همکاری مردم با دستگاههای دولتی
- و-** توسعه فرهنگ و ساماندهی "مدیریت و ارزیابی عملکرد سازمانی" در دستگاههای دولتی و حرکت به سمت اجرای طرحهای "تعالی سازمانی" در آنها
- ز-** تنظیم مبانی، طرحها، سامانه‌ها و راهکارهای لازم و مؤثر، در خصوص جلوگیری و کشف مفاسد اداری در اشکال گوناگون آن و افزایش هزینه و ریسک اقدامهای مجرمانه و اعمال خلاف قانون، در سازمانها و حوزه‌های گوناگون مدیریت دولت

دولت موظف است، به منظور بهبود مدیریت نیروی انسانی بخش دولتی به عنوان سرمایه‌های اصلی توسعه، اقدامهای ذیل را به اجرا درآورد:

الف- حذف هر گونه استخدام، خارج از فضای رقابتی و جذب و به‌کارگیری متفرق و غیر نظام‌مند و تعریف نشده در دولت، به استثنای مشاغل مدیریت سیاسی

ب- تعیین شیوه‌ها و نحوه سنجش دانش، مهارت، استعداد و هوشمندی و سایر ابعاد شایستگی داوطلبین ورود به خدمات دولتی، متناسب با طرحهای شغلی و شرایط احراز

ج- تجزیه و تحلیل و بازطراحی مشاغل دولتی (عناوین، وظایف و مسئولیتها، شرایط احراز)، با جهت‌گیری جذب شایستگان و استفاده از تمامی توان و قابلیت کار متصدیان مربوط

د- تنظیم و به‌کارگیری شیوه‌ها و الگوهای مؤثر، برای توان‌سنجی مداوم کارکنان دولت و برنامه‌های توان‌افزایی و شایسته‌سازی آنها در ابعاد گوناگون و لازم، در قالب دوره‌های کوتاه و بلندمدت آموزشی حین خدمت (آموزشهای غیر رسمی و غیر کلاسیک)

ه- طراحی و استقرار نظام مطلوب پرداخت حقوق، و جبران خدمت کارکنان دولت بر اساس تلفیقی مناسب از رویکرد "نتیجه‌گرایی" و "بهره‌وری" به جای "وقت‌مزدی"، "اهمیت و جایگاه و ارزش مشاغل و سمتهای سازمانی"، "رقابت‌جویی"، "کارگروهی"، "کیفیت ارائه خدمات"، "جلب رضایت شهروندان" و "تأمین حداقل معیشت کارکنان"

و- استقرار نظام شایستگی (شایسته‌یابی و شایسته‌گزینی و شایسته‌پروری)، در ابعاد شرایط انتخاب و انتصاب، ارتقا و تداوم خدمت و تغییر و جابه‌جایی مدیران و کارکنان دولت و تنظیم برنامه‌های مسیر ترقی شغلی آنها، با تأکید بر حفظ و توسعه انگیزش، تمایل و تعهد کاری آنها

ز- بازاندیشی و بازنگری در نظام ارزشیابی مدیران و کارکنان دولت و توجه خاص و سازمان یافته به ارزیابی و سنجش عملکرد مدیران و سرپرستان در دستگاههای اجرایی، به منظور توسعه مدیران و نیروی انسانی، افزایش کارایی و کارآمدی و اعتبارافزایی به نتایج حاصله و استفاده از آن در تصمیمات مربوط

- ح- تنظیم مبانی، برنامه‌ها و سامانه‌های اجرایی مؤثر، برای آموزش و پرورش مدیران، تراز وظایف و نقش‌های مورد انتظار در بخش‌ها و دستگاه‌های اجرایی کشور
- ط- اصلاح قوانین و مقررات بازنشستگی و خروج از خدمت، با جهت‌گیری تقویت صندوق‌های مربوط، جلوگیری از خروج زود هنگام کارکنان و بهبود سطح و کیفیت زندگی بازنشستگان
- ی- تنظیم برنامه‌ها و طرح‌های لازم و انجام اقدام‌های مؤثر، برای توسعه نظام مشارکت و مدیریت ایده‌ها در سازمان
- ک- توسعه دانش و افزایش مهارت‌ها و قابلیت‌های مدیران دولتی، در زمینه مدیریت و راهبری بحران‌ها و اداره شرایط غیر متعارف و تجهیز دستگاه‌ها به ساز و کارهای لازم در این خصوص (با توجه به شرایط جامعه در حال گذار و توسعه ایران و در معرض تهدیدهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی)

۲۲۹ ماده ◀◀

کلید دستگاه‌های اجرایی موظف‌اند، به منظور افزایش کارایی و بهره‌وری و استقرار نظام کنترل نتیجه و محصول، به جای کنترل مراحل انجام کار، و اعطای اختیارات لازم به مدیران برای اداره واحدهای تحت سرپرستی خود به صورت مستقل و هدفمند نمودن تخصیص منابع، بر اساس دستورالعمل مشترک سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت امور اقتصادی و دارایی، قیمت تمام شده آن دسته از فعالیت‌ها و خدماتی که قابلیت تعیین قیمت تمام شده را دارند (از قبیل واحدهای آموزشی، پژوهشی و بهداشتی، درمانی، خدماتی و اداری)، بر اساس کمیت و کیفیت محل جغرافیایی مشخص و پس از تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور یا استان و با اعطای اختیارات لازم به مدیران ذی‌ربط اجرا نمایند.

به دستگاه‌هایی که بر اساس ضوابط این ماده خدمات خود را ارائه می‌نمایند، اجازه داده می‌شود، حسب نیاز نسبت به جابه‌جایی فصول و برنامه‌های اعتبارات هزینه اقدام و مابه‌التفاوت هزینه‌های قبلی فعالیت با قیمت تمام شده را صرف ارتقای کیفی خدمات، تجهیز سازمان و پرداخت پاداش به کارکنان و مدیران واحدهای ذی‌ربط نمایند. اعتباراتی که بر اساس قیمت تمام شده در اختیار واحدها قرار می‌گیرد، کمک تلقی شده و پس از پرداخت به هزینه قطعی منظور می‌گردد.

◀ ماده ۲۳۰

به منظور کاهش حجم تصدیها و افزایش مشارکت مردم در اداره امور کشور و کوچک‌سازی دولت، اقدامهای ذیل انجام می‌شود:

الف- توسعه فعالیتهای اجتماعی، فرهنگی، تولیدی و خدماتی، صرفاً از طریق روشهای مذکور در بند "ب" ماده (۲۲۱) انجام گردد.

ب- کاهش سالانه حداقل سه درصد (۳٪) از تصدیهای اجتماعی، فرهنگی، تولیدی، خدماتی و نظایر آن توسط دستگاههای اجرایی با استفاده از روشهای مذکور در اجزای ۱ و ۲ و ۳ و ۴ بند "ب" ماده (۲۲۱) و اختصاص بخشی از منابع مربوط برای توسعه بخشهای غیر دولتی

ج- ممنوعیت شروع هر نوع طرح و پروژه تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در سطوح ملی و استانی به‌استثنای موارد مربوط، به امور حاکمیتی و زیربنایی و مواردی که، با تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، استفاده از شیوه‌های مذکور در اجزای ۱، ۲ و ۳ بند "ب" ماده (۲۲۱) امکانپذیر نباشد. اعتبارات طرحهای تملک دارایی‌های سرمایه‌ای فصول مربوط به صورت وجوه اداره شده برای توسعه بخش غیر دولتی در همان فصل اختصاص خواهد یافت.

د- ممنوعیت مشارکت و سرمایه‌گذاریهای جدید شرکتهای دولتی در سایر شرکتهای سازمانها و تفکیک و تکثیر آنها، در قالب شرکتهای موسوم به نسل دوم و نظایر آن، به استثنای آن دسته از شرکتهای مادر تخصصی که بر اساس وظایف توسعه‌ای و در چارچوب وظایف قانونی خود مجاز به سرمایه‌گذاری می‌باشند.

ه- تعیین اهداف کمی برنامه خصوصی‌سازی شرکتهای دولتی و سقف اعتبارات آنها، در قوانین بودجه سالانه، به نحوی که نسبت اعتبارات شرکتهای دولتی و بودجه کل کشور به تولید ناخالص داخلی هر ساله حداقل دو درصد (۲٪) کاهش یابد.

و-

۱- در پایان برنامه چهارم تعداد کل کارکنان دولت از تعداد آن در آغاز برنامه به میزان پنج درصد (۵٪) کاهش یابد.

- ۲- مجموع استخدامهای جدید در بخشهای دولتی در چارچوب جدول شماره (۸) این لایحه، از پنجاه درصد (۵۰٪) کل تعداد کارکنانی که از خدمت خارج می‌شوند تجاوز نکند.
- ز- ممنوعیت ایجاد، اداره هر گونه مهمانسرا، زائرسرا، مجتمع مسکونی، رفاهی، درمانی، فضاهای ورزشی و تفریحی و نظایر آن، توسط دستگاههای موضوع ماده (۲۴۷) این لایحه، کلیه دستگاههای اجرایی موظفاند، این نوع تأسیسات و خدمات یا بهره‌برداری از آنها را حداکثر تا پایان سال سوم برنامه چهارم، به بخش غیر دولتی واگذار نمایند. موارد مستثنا با پیشنهاد دستگاه اجرایی مربوط و تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و تصویب هیئت وزیران بلامانع است.
- ح- کلیه خدماتی که در حال حاضر توسط دستگاههای اجرایی، برای کارکنان خود در زمینه‌های مختلف نظیر سرویس رفت و آمد، سلف‌سرویس، تعاونیهای مصرف، امور ورزش کارکنان، مهد کودک و موارد مشابه به صورت امانی و یا خرید خدمات صورت می‌گیرد، از سال سوم برنامه با پرداخت یارانه مستقیم انجام خواهد شد و کلیه واحدهای اداری ذی‌ربط منحل گردیده و کارکنان رسمی آنها به واحدهای نیازمند دیگر منتقل می‌شوند.
- ط- وزارت آموزش و پرورش و مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای می‌توانند برای اجرای بند "ب" ماده (۲۲۱) با کادر آموزشی خود مشروط بر اینکه از مرخصی بدون حقوق استفاده نمایند، به روش مذکور در این بند عقد قرارداد نمایند. سوابق خدمت این گونه مستخدمین با پرداخت کسور بازنشستگی در صندوق ذی‌ربط مستخدم منظور خواهد شد.
- هزینه سرانه مدرسی که به روشهای مذکور در اجزای ۲ و ۳ و ۴ بند "ب" ماده (۲۲۱) توسط بخش غیر دولتی اداره می‌گردند، متناسب با ویژگیهای هر بند و توانمندیهای مناطق توسط دولت تأمین و پرداخت می‌شود.
- ی- صدور مجوز استخدام هر یک از وزارتخانه‌ها و سازمانهای مستقل، در چارچوب جدول شماره ۹ پیوست این لایحه، بنا به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و تصویب هیئت وزیران

◀ ماده ۲۳۱

به منظور متناسب‌سازی تعداد کارکنان هر دستگاه با اهداف و مأموریت اصلی آن و تطبیق نحوه انجام وظایف دستگاه‌های اجرایی با سیاستها و احکام بخش توسعه مدیریت دولت، اقدامهای ذیل به عمل خواهد آمد:

الف- در سال اول برنامه چهارم، سقف تعداد پرسنل هر کدام از دستگاه‌های اجرایی و برنامه زمانبندی شده، تحقق آن مشترکاً توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و دستگاه ذی‌ربط تهیه و به تصویب شورای عالی اداری می‌رسد.

ب- انتقال کارکنان رسمی یا ثابت مزاد دستگاه‌های اجرایی در سطح یک شهرستان بدون موافقت مستخدم با توافق دستگاه‌های ذی‌ربط، انتقال به سایر شهرستانها با موافقت مستخدم باید صورت گیرد.

ج- ضوابط و مقررات لازم برای اجرای این ماده شامل امتیازات، تشویقات، ممنوعیتها و سایر موارد توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

د- بار مالی اجرای این ماده، از محل فروش اموال منقول و غیر منقول دستگاه‌های اجرایی و اعتبارات پیش‌بینی شده در بودجه عمومی تأمین می‌گردد.

◀ ماده ۲۳۲

به منظور تقویت صندوقهای بازنشستگی و سهولت جابه‌جایی کارکنان اقدامهای ذیل به عمل می‌آید.

الف- به کارکنان مشمول صندوقهای بازنشستگی اجازه داده می‌شود در صورتی که باز خرید خدمت شوند و یا به دستگاههای دیگر منتقل شوند و یا با استفاده از مرخصی بدون حقوق (بدون محدودیت زمان) در بخش غیردولتی اشتغال یابند کماکان مشمول صندوق بازنشستگی خود باشند.

ب- مستخدمین پیمانی دستگاههای مشمول صندوق بازنشستگی کشوری می‌توانند از نظر مزایای تأمین اجتماعی مشمول صندوق بازنشستگی کشوری و سازمان بیمه خدمات درمانی گردند.

۲۳۳ ماده

مواد زیر به وظایف و اختیارات شورای عالی اداری اضافه می‌شود:

- ۱- اتخاذ تصمیم در مورد کارکنان مازاد دستگاههای اجرایی
- ۲- تنظیم ضوابط و مقررات، برای سالم‌سازی ادارات
- ۳- تبیین نقش و اندازه دولت و اتخاذ ضوابط و سیاستهای مناسب، برای کوچک‌سازی دولت
- ۴- اصلاح نظام تصمیم‌گیری کشور، به نحوی که ضمن ارتقای کیفی و کوتاه نمودن مراحل آن، مراجع و نهادهای تصمیم‌گیرنده موازی و غیر ضرور حذف شوند.
- ۵- اصلاح نظام مدیریت شرکتهای دولتی

تبصره- تصمیمات شورای عالی اداری برای کلیه دستگاههای اجرایی موضوع بند "۱۱" ماده (۲)

"قانون برنامه و بودجه کشور مصوب سال ۱۳۵۱/۱۲/۱۵" لازم‌الاجراست.

۲۳۴ ماده

کارکنان دستگاههای اجرایی موضوع ماده (۲۴۷) این لایحه و واحدهایی که بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) از سهام، دارایی و یا مالکیت آنها به بخش غیردولتی واگذار می‌گردد، بر اساس آیین‌نامه‌ای که توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت کار و امور اجتماعی تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد از نظر رابطه استخدامی، پاداش پایان خدمت و سایر موارد تعیین تکلیف می‌گردد.

تبصره- این گونه کارکنان که رابطه استخدامی آنها با دستگاه اجرایی ذی‌ربط قطع می‌گردد می‌توانند با حفظ سوابق استخدامی همچنان تابع مقررات صندوق بازنشستگی مربوط باشند.

۲۳۵ ماده

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است، به منظور تقویت نظم و انضباط اداری و مالی در نظام اداره امور کشور و صرفه‌جویی در اعتبارات هزینه‌ای دولت، نسبت به تدوین ضوابط مربوطه اقدام تا پس از تصویب هیئت وزیران، توسط دستگاههای اجرایی به مورد اجرا گذاشته شود.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مکلف است، با تدوین شاخصهایی نحوه اجرای ضوابط مذکور را در دستگاههای اجرایی مورد ارزیابی قرار داده و هر ساله گزارش آن را به هیئت وزیران تقدیم نماید.

◀◀ ماده ۲۳۶

دولت موظف است، حقوق کلیه کارکنان و بازنشستگان دولت را طی برنامه چهارم و در ابتدای هر سال برای تمامی رشته‌های شغلی، متناسب با نرخ تورم و بهره‌وری نیروی کار افزایش دهد.

تبصره- به دستگاههای اجرایی اجازه داده می‌شود تا هفتاد درصد (۷۰٪) اعتباراتی که از محل اصلاح ساختار و کاهش نیروی انسانی صرفه‌جویی می‌نمایند را به عنوان فوق‌العاده کارآیی غیر مستمر به کارکنانی که خدمات برجسته انجام می‌دهند، پرداخت نمایند.

آیین‌نامه اجرایی این ماده توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

◀◀ ماده ۲۳۷

وزارتخانه‌های دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و کشور موظف‌اند در چارچوب تدابیر فرمانده معظم کل قوا، دستورالعملهای لازم برای اجرای احکام این فصل را برای نیروهای نظامی و انتظامی تهیه و جهت اجرا به واحدهای ذی‌ربط ابلاغ نمایند.

◀◀ ماده ۲۳۸

دولت موظف است، به منظور ساماندهی، استفاده بهینه از امکانات موجود، ارتقای کیفیت ساخت و ساز و نیز لزوم رعایت مقررات، ضوابط و استانداردها در احداث ساختمانهای دولتی و عمومی و همچنین حذف تشکیلات غیرضروری، امور برنامه‌ریزی، مطالعه، طراحی و اجرای ساختمانهای مزبور را در سازمانهای دولتی که بدین منظور و بر اساس قانون تشکیل شده است، متمرکز نماید.

آیین‌نامه اجرایی این لایحه توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت مسکن و شهرسازی تهیه و به تصویب هیئت دولت خواهد رسید

◀ مواد ۲۳۹ الی ۲۴۱

مواد (۱)، (۹۰) و (۱۲۳) "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن" برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد.

📌 ماده ۱

به منظور تصحیح، بهسازی و اصلاح نظام اداری در ابعاد تشکیلات، سازماندهی و ساختار اداره امور کشور، کاهش تصدیهای دولت، سیستمها و روشها، مدیریت منابع انسانی، مقررات (آیین‌نامه‌ها و دستورالعملها) و افزایش بهره‌وری دستگاههای اجرایی، شورای عالی اداری با ترکیب، صلاحیتها، وظایف و اختیارات زیر تشکیل می‌گردد:

الف - اعضا:

- ۱- رئیس جمهور یا معاون وی (رئیس شورا).
- ۲- سه نفر از وزرا (ترجیحاً از بخشهای مختلف) به انتخاب هیئت وزیران.
- ۳- وزیر یا رئیس دستگاه مستقل ذی ربط.
- ۴- رئیس سازمان برنامه و بودجه در صورتی که فردی توسط رئیس جمهور به این سمت منصوب شده باشد.
- ۵- دبیرکل سازمان امور اداری و استخدامی کشور در صورتی که فردی توسط رئیس جمهور به این سمت منصوب شده باشد.
- ۶- چهار نفر صاحب نظر و متخصص در امور اداری و مدیریت به انتخاب رئیس جمهور.
- ۷- دو نفر از استانداران به انتخاب رئیس جمهور.
- ۸- دو نفر از نمایندگان مجلس به عنوان ناظر، به انتخاب مجلس شورای اسلامی.

مصوبات این شورا پس از تأیید رئیس جمهور لازم‌الاجرا خواهد بود.

تبصره - دبیرکل سازمان امور اداری و استخدامی کشور به عنوان دبیر شورا و مسئول نظارت بر حسن اجرای مصوبات آن خواهد بود.

ب - وظایف و اختیارات:

۱- اصلاح ساختار تشکیلات دستگاههای اجرایی کشور به استثنای وزارتخانه‌ها از طریق ادغام، انحلال و انتقال مؤسسات و سازمانها به خارج از مرکز.

۲- تجدید نظر در ساختار داخلی وزارتخانه‌ها و وظایف و ساختار داخلی سازمانها، شرکتهای دولتی و شرکتهای اقماری آنها به منظور ایجاد انسجام تشکیلاتی و حذف وظایف موازی، مشابه و تکراری.

۳- تفکیک وظایف اجرایی از حوزههای ستادی وزارتخانه‌ها و محدود نمودن فعالیت حوزههای ستادی به اعمال حاکمیت و امور راهبردی (سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و نظارت) و انتقال وظایف اجرایی به واحدهای استانی و شهرستانی.

۴- تصمیم‌گیری در مورد ادغام واحدهای استانی و شهرستانی وابسته به هر یک از وزارتخانه‌ها در یک واحد سازمانی.

۵- شناسایی و واگذاری وظایف، امور و فعالیتهای قابل واگذاری دستگاههای اجرایی به شهرداریها و بخش غیر دولتی با هدف رهاسازی دولت از تصدیهای غیر ضرور و همچنین تعیین نحوه ارتباط و تنظیم مناسبات نظام اداری با شوراهای اسلامی روستا، بخش و شهر.

۶- اصلاح و مهندسی مجدد سیستمها، روشها و رویه‌های مورد عمل در دستگاههای اجرایی کشور با گرایش ساده‌سازی مراحل انجام کار، خودکارسازی عملیات و کاهش میزان ارتباط کارمندان با مراجعه کنندگان، افزایش رضایت مراجعان، کاهش هزینه‌های اداری و اقتصادی نمودن فعالیتها.

۷- تصویب طرحهای لازم برای ارتقای بهره‌وری و کارایی نیروی انسانی و مدیریت دستگاههای اجرایی.

- ۸- تصویب ضوابط و معیارهای لازم در جهت بهینه‌سازی ساختار، ترکیب و توزیع نیروی انسانی بخش دولتی.
- ۹- تصویب ضوابط و دستورالعملهای مربوط به تعیین تکلیف نیروی انسانی دستگاههایی که بر اساس مصوبات شورای عالی اداری ادغام، منحل، واگذار و یا وظایف آنها به دیگر دستگاهها منتقل می‌شود.
- ۱۰- تصویب ضوابط ناظر بر بهره‌برداری مطلوب از فضاهای اداری و جابه‌جائی و تأمین ساختمانهای اداری.
- ۱۱- تعیین و پیشنهاد منابع مورد نیاز برای تحقق برنامه‌های تحول نظام اداری و طرحهای مصوب شورا که نیاز به منابع جدید دارد.
- ۱۲- تشخیص و اعلام دستگاههای اقدام کننده برنامه‌های مرتبط با فعالیت دولت در زمینه نظام اداری و امور اجرایی.

🔗 ماده ۹۰

به دولت اجازه داده می‌شود حداکثر طی مدت شش ماه پس از تصویب این قانون، آیین‌نامه‌ها، دستورالعملها و ضوابط اداری، استخدامی و انضباطی خاص نظام بانکی را در چارچوب اساسنامه‌های بانکها و در جهت توسعه و بهبود کیفیت ارائه خدمات و رقابتی کردن فعالیت سیستم بانکی بر اساس پیشنهاد مشترک مجمع عمومی بانکها و سازمان امور اداری و استخدامی کشور به تصویب رسانده و اجرا نماید.

🔗 ماده ۱۲۳

به دولت اجازه داده می‌شود بر اساس آیین‌نامه‌هایی که توسط سازمان انرژی اتمی ایران، سازمان امور اداری و استخدامی کشور و وزارت امور اقتصادی و دارایی پیشنهاد می‌شود، مقررات مالی و استخدامی

سازمان انرژی اتمی را بدون الزام به رعایت قانون محاسبات عمومی و قانون استخدامی کشوری و سایر مقررات عمومی تصویب و جهت اجرا ابلاغ کند

فصل سیزدهم

سامان عملیات اجرایی برنامه

◀ ماده ۲۴۲

کلیه عملیات اجرایی، طرحهای تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و سرمایه‌گذاری که در سالهای برنامه چهارم بر مبنای اسناد ملی توسعه بخشی، اسناد ملی توسعه استانی و اسناد ملی توسعه ویژه، با خصوصیات ذیل و بر مبنای این لایحه به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، سازماندهی و اجرا می‌شود:

الف- سند ملی توسعه بخش، سندی راهبردی است که با توجه به قابلیت‌ها، امکانات، محدودیت‌ها و مسائل اساسی، جهت‌گیری‌های اصلی، هدفهای کمی و کیفی بلندمدت و میان‌مدت، فعالیت‌های محوری و سیاست‌های فضایی و منطقه‌ای و همچنین اقدام‌های مهم محوری و فعالیت‌های اولویت‌دار توسعه بخش را تبیین می‌نماید. اسناد ملی توسعه امور بخشی به پیشنهاد مشترک سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط، تهیه می‌شود.

ب- سند توسعه استان، سندی راهبردی است که با توجه به قابلیت‌ها، محدودیت‌ها و تنگناهای توسعه استان، اصلی‌ترین جهت‌گیری‌ها در زمینه جمعیت و نیروی انسانی، منابع طبیعی، زیربناها و فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و هدفهای کمی و کیفی بلندمدت و میان‌مدت توسعه استان را در چارچوب راهبردهای کلان برنامه چهارم و سند ملی آمایش سرزمین و طرحهای توسعه و عمران و اسناد ملی توسعه بخشی تبیین می‌نماید.

ج- سند ملی توسعه ویژه (فرا بخشی)، مجموعه‌ای از چند طرح و فعالیت با پوشش فراگیر برای مناطق و بخش‌های مختلف مانند قلمرو تأمین اجتماعی، فقرزدایی و اشتغال موضوعیت یافته و تنظیم می‌شود. زمانبندی، اولویت‌های زمانی، موضوعی (بخش‌های مختلف) و مکانی (استان‌های مختلف) اجرای طرح‌ها و پروژه‌های آن در این سند مشخص می‌شود.

د- اقدامها و عملیاتی که، در جهت تحقق هدفهای پیش‌بینی شده در اسناد توسعه بخشی، استانی و ویژه (فرا بخشی) ضرورت اجرا می‌یابند، در لایحه بودجه سالانه کل کشور درج و به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد.

ه- کلیه دستگاههای اجرایی ملی کشور موظف‌اند، برنامه اجرایی و عملیاتی خود را در قالب اسناد ملی توسعه در چارچوب ضوابط فوق با هماهنگی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و پس از تصویب در هیئت وزیران به مرحله اجرا درآورند. بودجه سنواتی این دستگاهها بر اساس اسناد فوق تنظیم می‌شود.

و- کلیه دستگاههای اجرایی استانی موظف‌اند، برنامه اجرایی و عملیاتی خود را در قالب اسناد توسعه استانی در چارچوب ضوابط فوق با هماهنگی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهیه و پس از تصویب شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان به مرحله اجرا درآورند. بودجه سنواتی دستگاههای استانی بر اساس این اسناد تنظیم می‌شود.

ز- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مکلف است، نسبت به تلفیق اسناد توسعه بخشی، استانی و ویژه با هماهنگی دستگاههای اجرایی ذی‌ربط اقدام و موارد را به تصویب هیئت وزیران برساند.

فصل چهاردهم

تنفیذ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت

◀ ماده ۲۴۳

قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۲۶، برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای سید محمد خاتمی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

لایحه شماره ۳۵۸۱۸ مورخ ۱۳۸۰/۸/۵ دولت در خصوص تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت که بنا به تصمیم مجلس شورای اسلامی در جلسه روز دوشنبه مورخ ۱۳۸۰/۸/۷ تصویب آن طبق اصل هشتاد و پنجم (۸۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی تفویض شده بود تا پس از تصویب و پیشنهاد مدت اجرای آزمایشی تقدیم مجلس شورای اسلامی گردد، در جلسه روز یکشنبه مورخ ۱۳۸۰/۱۰/۲۳ با اصلاحاتی به تصویب کمیسیون مذکور رسیده و در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ ۱۳۸۰/۱۰/۲۶ با چهار سال مدت اجرای آزمایشی آن موافقت گردیده و به تأیید شورای نگهبان نیز رسیده است، در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به پیوست ارسال می‌گردد.

◀ ماده ۱

متن زیر به عنوان یک تبصره به ماده (۲۴) «قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱»

الحاق می‌گردد:

تبصره - میزان تنخواه‌گردان خزانه حداکثر تا سه درصد (۳٪) بودجه عمومی دولت تعیین می‌گردد.

ماده ۲

به مجامع عمومی یا شوراهای عالی شرکتهای دولتی موضوع ماده (۴) «قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱» و سایر شرکتهایی که بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) سرمایه و یا سهام آنها منفرداً یا مشترکاً متعلق به وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، شرکتهای دولتی (به استثنای بانکها و مؤسسات اعتباری و شرکتهای بیمه) و همچنین سایر شرکتهای دولتی که شمول قوانین و مقررات عمومی بر آنها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام است از جمله شرکت ملی نفت ایران و شرکتهای تابعه و وابسته به وزارت نفت و شرکتهای تابعه آنها و سازمان صنایع ملی ایران و شرکتهای تابعه و مرکز تهیه و توزیع کالا که بودجه آنها در قوانین بودجه سنواتی درج می‌گردد، اجازه داده می‌شود با کسب نظر از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ارقام مربوط به بودجه مندرج در قوانین مزبور را بر اساس سیاستهای دولت، یا تصمیماتی که طبق اساسنامه یا قانون تشکیل شرکتهای و مؤسسات مذکور، مجاز به اتخاذ آن هستند، یا در صورت فراهم شدن موجبات افزایش تولید یا دیگر فعالیتهای اصلی شرکت یا بنا بر مقتضیات ناشی از نوسان قیمتها، یا به تبع دیگر تحولات اقتصادی و مالی، با رعایت مقررات اساسنامه مورد عمل تغییر دهند مشروط به این که این تغییر:

اولاً - موجب کاهش ارقام مالیات و سود سهام دولت و همچنین بازپرداخت وامهای داخلی و خارجی از جمله وام موضوع ماده (۳۲) «قانون برنامه و بودجه مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۵» مندرج در بودجه مصوب (یا اصلاحی احتمالی) نشود.

ثانیاً - میزان استفاده شرکت از محل بودجه عمومی دولت را افزایش ندهد.

ثالثاً - میزان تسهیلات قابل دریافت از سیستم بانکی کشور افزایش نیابد.

مجامع عمومی یا شوراهای عالی شرکتهای موضوع این ماده، در موقع رسیدگی و تصویب صورتهای مالی موظف‌اند گزارش تطبیق عملیات شرکت با بودجه مصوب را که با توجه به هدفهای کمی توسط شرکت یا مؤسسه انتفاعی تهیه می‌شود و پس از رسیدگی و اظهار نظر روشن و صریح بازرس قانونی در

باب انطباق عملیات اجرایی با هدفها و هزینه‌های مصوب شرکت به مجمع عمومی یا شورای عالی ارائه می‌گردد ارزیابی کنند و تصمیمات مقتضی اتخاذ نمایند.

رؤسای شوراهای عالی و مجامع عمومی شرکتهای دولتی مسؤول اجرای این ماده خواهند بود. آخرین زمان مجاز برای اصلاح بودجه توسط شرکتهای دولتی موضوع این ماده تا پانزدهم آبان ماه هر سال تعیین می‌شود.

تبصره - در اجرای تبصره ۲ ماده (۴) «قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، دولت مجاز است حداکثر تا بیست درصد (۲۰٪) برای شرکتهای دولتی موضوع این ماده مجوز مشارکت و سرمایه‌گذاری صادر نماید.

ماده ۳

اجازه داده می‌شود کمبود نقدینگی و وجوه مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری شرکتهای دولتی موضوع ماده (۲) این قانون از منابع سیستم بانکی با رعایت موارد زیر تأمین گردد:

الف: سقف ریالی تسهیلات بانکی قابل اعطا به شرکتهای دولتی باید ضمن رعایت سیاستهای پولی موضوع ماده (۱۹) «قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲/۶/۸» و حداکثر تا سقفهای پیش‌بینی شده در قوانین بودجه سنواتی، به استثنای تسهیلات بانکی برای سرمایه در گردش آنها با رعایت مفاد سایر تبصره‌های مندرج در قوانین مزبور به طور جداگانه به تصویب هیئت وزیران برسد.

ب: پرداخت تسهیلات مذکور منوط به بازپرداخت اقساط سررسید وامهای قبلی از محل ذخایر و اندوخته‌ها می‌باشد. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف‌اند هر شش ماه یک بار عملکرد این تسهیلات را به کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی گزارش نمایند.

ماده ۴

دریافت هر گونه وجه، کالا و یا خدمات تحت هر عنوان از اشخاص حقیقی و حقوقی توسط وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکتهای دولتی غیر از مواردی که در مقررات قانونی مربوط معین شده یا می‌شود. همچنین اخذ هدایا و کمک نقدی و جنسی در قبال کلیه معاملات اعم از داخلی و خارجی توسط وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و شرکتهای دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی، مؤسسات و شرکتهایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام است و یا تابع قوانین خاص هستند ممنوع می‌باشد.

به کتابخانه‌های دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی، پژوهشی، فرهنگستانها، بنیاد ایران‌شناسی، سازمان اسناد ملی ایران، سازمان میراث فرهنگی کشور، کتابخانه ملی ایران و کتابخانه مجلس شورای اسلامی اجازه داده می‌شود به صاحبان کتابخانه، اشیای هنری و موزه‌ای که مجموعه کتابها و اشیای ملکی خود و یا بخشی از آنها را به مؤسسات مذکور در فوق اهدا می‌کنند، با تأیید هیئت امنای مربوطه یا بالاترین مقام دستگاه ذی‌ربط مبالغی به عنوان هدیه متقابل بپردازند. این مبلغ نباید از (۶۰٪) قیمت کارشناسی هدایا بیشتر باشد.

آیین‌نامه اجرایی این ماده توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ماده ۵

متن زیر به عنوان ماده (۷۱ مکرر) به «قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱» الحاق می‌گردد:

ماده ۷۱ مکرر - پرداخت هر گونه وجهی توسط وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی، شرکتهای دولتی موضوع ماده (۲) این قانون، به دستگاههای اجرایی به عنوان کمک یا هدیه به صورت نقدی و غیر نقدی به جز در مواردی که در مقررات قانونی مربوط تعیین شده یا می‌شود و مبالغی که به دانشگاههای دولتی و احداث خوابگاههای دانشجویی دولتی، مؤسسات آموزش عالی، فرهنگستانها و بنیاد ایران‌شناسی،

طرحهای تحقیقاتی جهاد دانشگاهی و حوزههای علمیه و آموزش و پرورش و سازمان تربیت بدنی ایران و سازمان بهزیستی کشور و کمیته امداد امام خمینی (ره) و شهرکهای علمی و صنعتی فناوری و تحقیقاتی و اورژانس و پروژههای بهداشتی و ورزشی روستایی پرداخت می‌گردد، ممنوع است.

هدایای نقدی که برای مصارف خاص به وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و شرکتهای دولتی با رعایت ماده (۴) این قانون اهدا می‌شود باید تنها به حساب بانکی مجاز که توسط خزانه‌داری کل کشور برای دستگاههای مذکور افتتاح شده یا می‌شود واریز گردد. مصرف وجوه مذکور با رعایت هدفهای اهدا کننده، برابر آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد. هدایایی که به طور غیر نقدی به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی اهدا می‌گردد مشمول مقررات اموال دولتی خواهد بود و شرکتهای دولتی این گونه موارد را باید طبق اصول حسابداری در دفاتر خود ثبت نمایند. هدایای اهدا شده به سازمان بهزیستی کشور و کمیته امداد امام خمینی (ره) هدایای خاص تلقی می‌شود و چنانچه اهدا کننده هدف خود را اعلام نکند با نظر شورای مشارکت مردمی با بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی (ره) به مصرف خواهد رسید.

ماده ۶

به دولت اجازه داده می‌شود بر اساس پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، برای انجام معاملات دولتی سایر ضمانتهای معتبر مانند اوراق بهادار (سفته، بیمه‌نامه و...) و مطالبات پیمانکاران و مشاوران از محل صورت کارکرد و تعدیل قطعی آنان را علاوه بر ضمانتنامه‌های موجود یا سپرده نقدی (به استثنای چک) به عنوان ضمانتنامه تعیین نماید.

ماده ۷

کلیه اعتباراتی که تحت عنوان وجوه اداره شده در قوانین برنامه و بودجه منظور می‌شود بعد از پرداخت به سیستم بانکی و مؤسسات اعتباری به هزینه قطعی منظور می‌گردد. سود حاصل از وجوه مذکور و اقساط دریافتی ناشی از تسهیلات وجوه مذکور به ترتیبی که در آیین‌نامه اجرایی این ماده تعیین

می‌گردد به حساب ویژه‌ای در خزانه‌داری کل واریز و عیناً در بودجه‌های سنواتی مجدداً برای تحقق اهداف مورد نظر لحاظ خواهد شد.

ماده ۸

متن زیر به عنوان تبصره ۳ به ماده (۹) «قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳» الحاق شود:

تبصره ۳ - کمک هزینه عائله‌مندی و اولاد برای بازنشستگان کشوری و لشکری که دارای شصت سال سن و بیشتر باشند و مستخدمین از کار افتاده (بدون شرط سنی) علاوه بر میزان مقرر دریافتی مطابق قانون، ماهانه کمک هزینه عائله‌مندی معادل یکصد و بیست درصد (۱۲۰٪) حداقل حقوق مبنای جدول ماده (۱) «قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت» و حق اولاد به ازای هر فرزند (حداکثر تا سه فرزند) معادل سی و پنج درصد (۳۵٪) حداقل حقوق مبنای جدول مذکور، پرداخت می‌گردد.

ماده ۹

متن زیر به عنوان تبصره ۲ به ماده (۱۱) «قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۴/۳/۳۱» الحاق می‌گردد:

تبصره ۲ - دولت موظف است به منظور حمایت از سلامت جانبازان پنجاه درصد (۵۰٪) و بالاتر و جانبازان اعصاب و روان و شیمیایی به تشخیص کمیسیون پزشکی سازمان امور جانبازان و بر اساس شدت و نوع ضایعات ناشی از مجروحیت و میزان ساعت کاری که از جانبازان مراقبت می‌شود، نسبت به برقراری و پرداخت حق پرستاری به مبنای حداقل دستمزد ماهانه کارگران اقدام و اعتبار مورد نیاز را در لوایح بودجه سنواتی منظور نماید.

ماده ۱۰

به دولت اجازه داده می‌شود برای پیش‌آگاهیها، پیشگیری، امدادسانی، بازسازی و نوسازی مناطق آسیب‌دیده از حوادث غیر مترقبه از جمله سیل، زلزله، سرمازدگی، تگرگ، طوفان، پیشروی آب دریا، آفت‌های فراگیر محصولات کشاورزی و اپیدمیهای دامی، اعتبار مورد نیاز را در لوایح بودجه سالانه منظور نماید.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت کشور با هماهنگی دستگاههای ذی‌ربط کمکهای بلاعوض را برای پرداخت خسارت‌دیدگان به طریقی تعیین می‌کنند که سهم اعتبار اقدامات بیمه در جبران خسارت ناشی از حوادث غیر مترقبه یاد شده نسبت به کمکهای بلاعوض، سالانه افزایش یابد و با پوشش بیمه‌ای کامل به تدریج کمکهای بلاعوض حذف شوند.

به دولت اجازه داده می‌شود در صورت وقوع حوادث غیر مترقبه از جمله خشکسالی، سیل و مانند آنها تا معادل (۱٪) از بودجه عمومی هر سال را از محل افزایش تنخواه‌گردان خزانه موضوع ماده (۱) این قانون تأمین و هزینه نماید. تنخواه مذکور حداکثر تا پایان همان سال از محل صرفه‌جویی در اعتبارات عمومی و یا اصلاح بودجه سالانه تسویه خواهد شد.

آیین‌نامه اجرایی این ماده بنا به پیشنهاد مشترک سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت کشور به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ماده ۱۱

متن مندرج در ماده (۷۹) «قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸» تحت عنوان بند «الف» درج و متون زیر به عنوان بندهای «ب» و «ج» آن الحاق می‌گردد:

ب - وزارت کار و امور اجتماعی موظف است درآمد حاصل از صدور و تمدید پروانه کار اتباع خارجی در ایران را بر اساس تعرفه‌ای که به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، وصول و به حساب درآمد عمومی واریز نماید.

کارکنان محلی و مأمورین خدماتی اعزامی نمایندگیهای سیاسی خارجی که در نمایندگیهای مربوط اشتغال دارند مشروط به رعایت عمل متقابل توسط کشور مذکور از پرداخت وجوه فوق مستثنا می‌باشند.

ج - به منظور جلوگیری از حضور نیروی کار غیر مجاز خارجی در بازار کار کشور، وزارت کار و امور اجتماعی مکلف است کارفرمایانی که اتباع خارجی فاقد پروانه را به کار می‌گیرند بابت هر روز اشتغال غیر مجاز هر کارگر خارجی معادل پنج برابر حداقل دستمزد روزانه جریمه نماید، در صورت تکرار تخلف این جریمه دو برابر خواهد شد. درآمد حاصله به درآمد عمومی (نزد خزانه‌داری کل) واریز خواهد شد. کارفرمایان مذکور در صورت اعتراض می‌توانند در محاکم صالحه طرح دعوی نمایند. در صورت خودداری کارفرمایان از پرداخت جریمه مقرر در این بند، تعقیب کیفری بر اساس ماده (۱۸۱) «قانون کار مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام» به عمل خواهد آمد.

مفاد این بند شامل به‌کارگیری اتباع خارجی در درون اردوگاههای نگهداری آنان نمی‌شود.

ماده ۱۲

متن زیر به عنوان تبصره به ماده (۶۱) «قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸» الحاق می‌گردد:

تبصره - به وزارت کار و امور اجتماعی - سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای اجازه داده می‌شود مبالغی را که بابت تعیین درجه مهارت و صدور مجوز و تمدید پروانه کار آموزشگاههای فنی و حرفه‌ای آزاد و حق آزمون کارآموزان آموزشگاههای آزاد به تصویب هیئت وزیران می‌رسد را دریافت و به حساب درآمد عمومی کشور نزد خزانه‌داری کل واریز نماید.

مددجویان تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور و کمیته امداد امام خمینی (ره) از پرداخت هزینه معاف می‌باشند.

ماده ۱۳

متن زیر به عنوان تبصره ۳ به ماده (۱۴) «قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش در استانها، شهرستانها و مناطق کشور مصوب ۱۳۷۲/۱۰/۲۶» الحاق می‌شود:

تبصره ۳ - به سازمان آموزش و پرورش استانها اجازه داده می‌شود اعتبارات غیر پرسنلی برنامه‌های آموزشی و پرورشی خود را بدون الزام به رعایت «قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱» و دیگر مقررات عمومی دولت و با رعایت ضوابط تبصره ۲ ماده (۱۴) «قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش استانها» هزینه نمایند.

در مناطقی که شوراهای آموزش و پرورش تشکیل نشده است، شورای مالی مدرسه از جهت هزینه وجوه موضوع مواد (۱۱) و (۱۴) قانون فوق جانشین شوراهای مذکور خواهد بود.

ماده ۱۴

به وزارت آموزش و پرورش (سازمانهای آموزش و پرورش استانها) اجازه داده می‌شود با استفاده از ظرفیتهای خالی مراکز آموزشی تحت پوشش خود نسبت به برگزاری مسابقات علمی و ورزشی، آزمونهای ورودی و همچنین برقراری دوره‌های آموزش شبانه، تقویتی و جبرانی و کوتاه‌مدت با دریافت هزینه‌های آموزشی از مؤسسات و افراد متقاضی اقدام نماید. وجوه دریافتی از این بابت به حساب درآمد اختصاصی نزد خزانه معین استان واریز می‌شود و معادل آن در قوانین بودجه سنواتی همان استان برای تأمین بخشی از اعتبار مدارس و دوره‌های مذکور منظور و در اختیار سازمانهای آموزش و پرورش استانهای ذی‌ربط قرار خواهد گرفت.

ماده ۱۵

وزارت آموزش و پرورش (سازمانهای آموزش و پرورش استانها) مکلف است درآمد حاصل از ارائه خدمات در مراکز رفاهی شامل باشگاههای فرهنگیان، خانه‌های معلم و همچنین مراکز بهداشتی، درمانی - فرهنگیان که با مجوز وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تأسیس شده‌اند را به حساب درآمدهای

اختصاصی استانها واریز کند و معادل آن را در قوانین بودجه سنواتی برای هزینه‌های تعمیر و نگهداری، تجهیز، توسعه و بهره‌برداری از مراکز مذکور منظور و به مصرف برساند. آیین‌نامه اجرایی این ماده به پیشنهاد وزارت آموزش و پرورش به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ماده ۱۶

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران موظفاند مهمات و تجهیزات نظامی مورد نیاز خود را از سازمان صنایع دفاع، شرکت سهامی صنایع الکترونیک و سازمانهای صنایع هوایی و سازمانهای تابعه و وابسته و یا مورد تأیید وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران تأمین نمایند و تنها آن قسمت از تجهیزات نظامی را که به تأیید وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و وزیر صنایع و معادن در داخل کشور قابل تولید نباشد، تنها از طریق وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح از خارج خریداری نمایند.

ماده ۱۷

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مکلفاند در صورت تصویب فرماندهی کل نیروهای مسلح، آن تعداد از کانالهای مخابراتی مزاد بر نیازهای ضروری خود را (اعم از RD, FX و هات لاین و...) با حفظ امتیاز جهت استفاده عمومی در اختیار شرکت مخابرات ایران و شرکتهای مخابراتی استانها قرار دهند و شرکتهای مزبور موظفاند در صورت نیاز مجدد نیروها، بدون دریافت هیچ گونه وجهی در اختیار نیروی مزبور قرار دهند.

ماده ۱۸

بندهای «۲» و «۳» ماده (۳۲) «قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸» به شرح ذیل اصلاح و دو بند به عنوان بندهای «۴» و «۵» به ماده مذکور اضافه می‌شود:

۲ - مجازات تخلفات رانندگی از ده هزار (۱۰,۰۰۰) ریال الی سیصد و پنجاه هزار (۳۵۰,۰۰۰) ریال تعیین می‌شود. جداول مربوط به تخلفات رانندگی و تغییرات بعدی با پیشنهاد وزارت کشور و تصویب هیئت وزیران خواهد بود.

۳ - وجوه حاصل از جرایم رانندگی در خارج و داخل شهرها به حساب درآمد عمومی کشور نزد خزانه‌داری کل واریز می‌شود. معادل وجوه واریزی همه ساله در قوانین بودجه سالانه پیش‌بینی تا صرفاً به مصرف بهبود عبور و مرور برسد.

۴ - وزارتخانه‌های کشور و راه و ترابری مکلف‌اند نسبت به تهیه آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی و امور حمل و نقل و عبور و مرور اقدام نمایند تا پس از تصویب هیئت وزیران به موقع، اجرا گذارده شود.

۵ - انجام معاینه فنی خودروها با رعایت مفاد این بند و متناسب با امکانات کشور اجباری است. ستادهای معاینه فنی خودرو وابسته به شهرداریها یا مراکز فنی مجاز وظیفه انجام معاینه و صدور برگه معاینه فنی را بر عهده خواهند داشت. چگونگی اجرای این بند و زمانبندی و نظارت بر انجام آن و تعیین دوره‌های معاینه فنی انواع خودروها و هزینه مربوطه متناسب با امکانات هر منطقه به پیشنهاد وزارتخانه‌های کشور و راه و ترابری با تصویب هیئت وزیران خواهد بود. نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مکلف است بر اساس تصویب‌نامه مذکور از تردد خودروهای فاقد برگ معاینه فنی جلوگیری نماید. برای صدور هر برگ معاینه فنی مبلغ دو هزار (۲,۰۰۰) ریال اخذ و به حساب درآمد عمومی کشور نزد خزانه‌داری کل واریز خواهد شد.

ماده ۱۹

متن مندرج در ماده (۳۱) «قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸» تحت عنوان بند «الف» درج و بندهای زیر به عنوان بندهای «ب» و «ج» به ماده (۳۱) الحاق می‌گردد:

ب - نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران موظف است وجوه اخذ شده از مشمولان وظیفه بابت اعطای معافیت‌های مدت‌دار (سه ساله و پنج ساله) و همچنین بابت تضمین اجرای ماده (۱۰۳) آیین‌نامه

اجرائی «قانون خدمت وظیفه عمومی مصوب ۱۳۶۳/۷/۲۹» را که بر اساس مقررات مربوط دریافت می‌دارد به حساب درآمد عمومی واریز نماید.

ج - نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران موظف است از هر یک از مشمولانی که به انحنای مختلف از انجام خدمت وظیفه عمومی معاف می‌شوند منجمله مشمولان خدمت وظیفه در خارج از کشور و همچنین از مشمولانی که از معافیت‌های پزشکی، کفالت، مازاد و تعهد استفاده می‌نمایند به استثنای افراد تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی کشور و همچنین کسانی که کارت معافیت خود را مفقود نموده‌اند و درخواست المثنی می‌نمایند، مبالغی را بر اساس تعرفه‌هایی که به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، وصول و به حساب درآمد عمومی کشور (نزد خزانه‌داری کل) واریز نماید.

ماده ۲۰

به نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود با موافقت وزارت کشور به منظور فراهم نمودن امتیازات ویژه برای پرسنلی که به سبب شغل سازمانی در مناطق مرزی کشور شامل پاسگاه‌های مرزی و ساحلی، پست‌های کنترل مرزهای زمینی و دریایی، مرزبانان و جانشین آنها، حوزه‌های مرزی و ساحلی، مترجمین و مدیران حوزه‌ها و مناطق مرزی و پرسنلی که در جزایر خدمت می‌کنند از پرداخت اجاره خانه‌های سازمانی که در این مناطق در اختیار آنان قرار می‌دهد معاف نماید.

ماده ۲۱

به منظور کمک به تأمین مسکن پرسنل نیروهای نظامی و انتظامی، دولت موظف است که به ازای مبالغی که از سوی پرسنل کادر شاغل که داوطلبانه و از دریافتی ماهانه خود در یکی از بانک‌های عامل یا صندوق‌های تعاون و سرمایه‌گذاری سازمان‌های نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، ارتش جمهوری اسلامی ایران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و ستاد کل نیروهای مسلح سپرده‌گذاری می‌نمایند، به میزان یک چهارم مبلغ

واریزی توسط پرسنل و حداکثر تا پنج درصد (۵٪) مجموع حقوق و فوق‌العاده شغل آنان از محل ردیف خاصی در قانون بودجه سنواتی به همین منظور پیش‌بینی می‌گردد اقدام نمایند.

این قبیل سپرده‌گذاریها علاوه بر سایر تسهیلات اعطایی توسط نظام بانکی و سایر تسهیلاتی که بر اساس قوانین و مقررات مربوط از طرف نیروهای مسلح در امر وام مسکن نیروهای مسلح به پرسنل واگذار می‌شود جهت خرید و یا احداث مسکن در اختیار پرسنل قرار می‌گیرد. صندوقهای مذکور مکلف‌اند هر شش ماه یک بار گزارش کامل عملکرد خود را به بانک مرکزی و کمیسیونهای امنیت ملی و سیاست خارجی و برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی ارائه نمایند. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است نظارت مستمر بر عملکرد اینگونه صندوقها را اعمال نماید.

آیین‌نامه اجرایی این ماده بنا به پیشنهاد وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ماده ۲۲

به نیروهای مسلح و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود با توجه به تخصصها و تواناییها و ظرفیت نیروهای تحت نظر خود با حفظ توان رزمی برای اجرای طرحها و پروژههای اجرایی با دستگاههای اجرایی کشور قرارداد پیمانکاری منعقد نمایند. کلیه وجوه دریافتی از بابت قراردادهای مذکور به حساب درآمد اختصاصی نزد خزانه‌داری کل واريز می‌گردد و معادل آن در جهت اجرای قراردادهای فوق و تقویت نیروی مربوطه و جایگزین استهلاک ماشین‌آلات در بودجه سنواتی اختصاص می‌یابد.

آیین‌نامه اجرایی این ماده توسط ستاد کل نیروهای مسلح با همکاری وزارتخانه‌های دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و امور اقتصادی و دارایی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و از طریق وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ماده ۲۳

دولت موظف است درآمدهایی را که بر اساس قوانین مصوب تحت عنوان جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران وصول می‌کند، به حسابهایی که توسط خزانه برای آن دستگاه اجرایی افتتاح می‌شود واریز کند، تا به حساب درآمد اختصاصی این دستگاه منظور شود.

همه ساله معادل وجوه واریزی از محل اعتبار درآمد اختصاصی جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، که به همین منظور در قوانین بودجه سنواتی پیش‌بینی می‌شود، در اختیار دستگاه مذکور قرار خواهد گرفت.

ماده ۲۴

به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اجازه داده می‌شود وجوهی را در ازای صدور و تمدید و اصلاح مجوز ورود و ساخت دارو، مواد خوراکی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی مواد اولیه و بسته‌بندی آنها و تجهیزات پزشکی و صدور پروانه برای مسؤولین فنی آنها، صدور و تمدید پروانه مطب، پروانه مؤسسات پزشکی و مسؤولین فنی آنها اعم از بیمارستان، درمانگاه، آزمایشگاه، رادیولوژی، داروخانه و مؤسسات وابسته به حرف پزشکی، صدور پروانه‌های دائم و موقت پزشکی، داروسازی، دندانپزشکی و مامایی صدور و اصلاح و تمدید پروانه کارخانه‌های داروسازی، مواد غذایی، آرایشی و بهداشتی و تجهیزات و ملزومات پزشکی و دندانپزشکی و آزمایشگاه، اجرای آزمایشات مربوط به آزمایشگاههای تشخیص طبی و حق آزمایش فرآورده‌ها و مواد آزمایشگاهی و دارویی، خوراکی، آشامیدنی، بهداشتی آرایشی و بیولوژیک و کنترل کیفی انواع تجهیزات و دستگاهها و ملزومات پزشکی و دندانپزشکی و فرآورده‌های بیولوژیک ساخت داخل، استاندارد نمودن نقشه‌ها و صدور پروانه تأسیس بیمارستان و مراکز بهداشتی و درمانی و معاینات شورای عالی پزشکی و معاینه مشمولان وظیفه بر مبنای تعرفه‌هایی که به پیشنهاد وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران می‌رسد از آنها دریافت و به حساب درآمدهای اختصاصی قوانین بودجه سنواتی واریز نماید. معادل مبالغ مزبور پس از واریز به خزانه‌داری کل از محل اعتبار درآمد اختصاصی قوانین بودجه سنواتی در اختیار

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی قرار می‌گیرد. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف است معادل وجه واریزی را حسب مورد از طریق ابلاغ اعتبار در اختیار دانشگاههای علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی و واحدهای ذی‌ربط قرار دهد تا طبق قوانین و مقررات مربوط هزینه گردد.

ماده ۲۵

به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اجازه داده می‌شود با رعایت سیاستهای برنامه‌های توسعه کشور، داروخانه‌های دانشگاههای علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی سراسر کشور (خارج از بیمارستانها و مراکز) را مطابق آیین‌نامه‌ای که با پیشنهاد وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید به صورت خودگردان اداره نماید.

وجوه حاصل از فروش دارو و خدمات به حساب درآمد اختصاصی دانشگاههای علوم پزشکی مربوطه نزد خزانه واریز و معادل وجوه واریزی از محل هزینه و درآمدهای اختصاصی که در قوانین بودجه منظور خواهد شد در اختیار دانشگاه علوم پزشکی جهت هزینه‌های جاری و پرسنلی و خرید مجدد دارو قرار خواهد گرفت.

ماده ۲۶

سازمان بهزیستی کشور موظف است پس از بررسیهای کارشناسی برای متقاضیان فعالیت در امور زیر پروانه فعالیت صادر نماید:

- ۱- تأسیس مهدهای کودک
- ۲- تأسیس مراکز نگهداری شبانه‌روزی کودکان بی‌سرپرست و خیابانی
- ۳- تأسیس خانه سلامت دختران و زنان
- ۴- تأسیس مجتمعها و مراکز خدمات بهزیستی
- ۵- تأسیس کلینیک و اورژانسهای مددکاری اجتماعی
- ۶- تأسیس مراکز خدمات مشاوره‌ای اجتماعی

- ۷- تأسیس مراکز توانبخشی معلولین
- ۸- تأسیس مراکز حرفه‌آموزی معلولین
- ۹- تأسیس مراکز توانبخشی و نگهداری سالمندان
- ۱۰- تأسیس مراکز توانبخشی و درمانی بیماران روانی مزمن
- ۱۱- تأسیس مراکز خدمات مشاوره ژنتیک
- ۱۲- تأسیس مراکز درمانی و بازتوانی معتادین
- ۱۳- تأسیس انجمنها و مؤسسات غیر دولتی و خیریه که در راستای اهداف سازمان بهزیستی کشور فعالیت می‌نمایند.

سازمان مذکور مجاز است در مقابل صدور پروانه برای آن تعداد از فعالیتهایی که جنبه انتفاعی دارند بر اساس تعرفه‌ای که توسط سازمان بهزیستی کشور تعیین و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، وجوهی را به عنوان هزینه صدور یا تمدید پروانه فعالیت دریافت و به حساب درآمد عمومی کشور (نزد خزانه‌داری کل) واریز نماید. همه ساله معادل وجوه واریزی از محل ردیف اعتباری که در قوانین بودجه سالانه پیش‌بینی می‌گردد در اختیار سازمان مذکور قرار می‌گیرد تا در جهت نگهداری و اداره مراکز تحت پوشش خود هزینه نماید.

ماده ۲۷

متن زیر به عنوان تبصره‌های ۲ و ۳ به ماده (۹) «قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور مصوب ۱۳۷۳/۸/۳» الحاق می‌گردد:

تبصره ۲ - دستگاههای اجرایی طرف قرارداد با سازمان بیمه خدمات درمانی مکلفاند حق سرانه بیمه درمان سهم کارمندان، بازنشستگان و موظفین را از حقوق ماهانه کسر و حداکثر در مدت یک ماه به حساب سازمان مذکور واریز نمایند. دستگاههای اجرایی طرف قرارداد با مؤسسات بیمه‌گر دیگر مکلفاند حق سرانه بیمه درمان افراد مذکور را از حقوق ماهانه کسر و معادل دو نهم آن را به حساب سازمان فوق‌الذکر و مابقی آن را به مؤسسه بیمه‌گر طرف قرارداد پرداخت نمایند.

تبصره ۳ - سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است هر ساله اعتبارات مربوط به سهم دولت از حق سرانه بیمه خدمات درمانی مستخدمین شاغل، بازنشسته و موظفین مشمول قانون استخدام کشوری را به صورت یک ردیف مشخص و جداگانه در قالب بودجه کل کشور با رعایت نصاب تعیین شده در قانون بیمه همگانی، حسب مورد در اختیار سازمان بیمه خدمات درمانی یا دستگاه‌های اجرایی که طرف قرارداد با مؤسسات بیمه‌گر دیگر هستند قرار دهد.

ماده ۲۸

به سازمان بهزیستی کشور اجازه داده می‌شود، واحدهای تحت پوشش خود را در فرصتهایی که از آنها استفاده نمی‌کند، برای ارائه خدمت و یا از طریق انعقاد قرارداد و یا اجاره مراکز و فضاهای فوق با دریافت هزینه‌های مربوط از متقاضیان، واگذار نماید. وجوه دریافتی از این بابت را به حساب درآمد اختصاصی واریز کند.

معادل درآمدهای اختصاصی مذکور هر ساله در قانون بودجه سالانه منظور و در اختیار سازمان بهزیستی کشور قرار خواهد گرفت تا برای تأمین بخشی از هزینه‌های مراکز تحت پوشش آن سازمان هزینه نماید.

ماده ۲۹

به دانشگاه‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اجازه داده می‌شود نسبت به پذیرش بیماران خارجی اقدام و هزینه مربوطه را بر اساس تعرفه‌هایی که به تصویب وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌رسد دریافت و به حساب درآمد اختصاصی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز نمایند. معادل صد درصد (۱۰۰٪) درآمد اختصاصی مذکور هر ساله در قوانین بودجه سنواتی کل کشور پیش‌بینی و در قالب برنامه «خدمات درمانی» دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مربوطه طبق مقررات هزینه خواهد شد.

ماده ۳۰

کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکتهای دولتی موضوع ماده (۴) «قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱» و سایر شرکتهایی که بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) سرمایه و سهام آنها منفرداً یا مشترکاً به وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و شرکتهای دولتی، به استثنای بانکها و مؤسسات اعتباری و شرکتهای بیمه قانونی، تعلق داشته باشد و همچنین شرکتهای و مؤسسات دولتی که شمول قوانین و مقررات عمومی به آنها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام است از جمله شرکت ملی نفت ایران و شرکتهای تابعه و وابسته به وزارت نفت و شرکتهای تابعه آنها، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و شرکتهای تابعه، سازمان صنایع ملی ایران و شرکتهای تابعه و مرکز تهیه و توزیع کالا که مشمول مفاد این ماده می‌باشند.

الف: به کلیه دستگاههای اجرایی موضوع این ماده اجازه داده می‌شود که با رعایت سیاست واگذاری امور خدماتی به بخش غیر دولتی و در قالب بودجه مصوب، خودروی سواری داخلی خریداری نمایند. تبصره - نمایندگیهای جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور از ممنوعیت خرید خودروی سواری خارجی مستثنا هستند. نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مجاز است سالانه با پیشنهاد وزارت کشور و تصویب هیئت دولت از محل اعتبارات سالانه مصوب خودروی خارجی خریداری نماید. ب: آیین‌نامه اجرایی این ماده توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تدوین و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ماده ۳۱

خرید یا اجاره نمودن هواپیمای اختصاصی توسط وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکتهای دولتی و شرکتهای و مؤسسات دولتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام است و مشمولان ماده (۴) «قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱» و نیز مسافرتهای مسؤولان و کارکنان دستگاههای مذکور با هواپیمای اختصاصی مطلقاً ممنوع است و موارد استثنا در صورت ضرورت با تصویب هیئت وزیران تعیین می‌گردد. رؤسای سه قوه از شمول ممنوعیت اجاره هواپیما مستثنا هستند.

ماده ۳۲

انجام هر گونه هزینه توسط دستگاههای مذکور در ماده (۳۰) این قانون برای چاپ تقویم و سالنامه و اطلاعیه آگهی‌های مربوط به تبریک و تشکر و تسلیت و پلاکاردهای تشریفاتی و میهمانیهای فردی و جمعی داخلی از محل اعتبارات جاری و عمرانی و اعتبارات خارج از شمول و کمکها و درآمدهای اختصاصی قوانین بودجه سنواتی ممنوع و در حکم تصرف غیر قانونی در اموال دولتی و عمومی است.

ماده ۳۳

به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی بنیاد ایران‌شناسی و فرهنگستانها و مرکز آموزش مدیریت دولتی و بیمارستانهای آموزشی اجازه داده می‌شود به منظور استفاده بهینه از ساختمانها و امکانات موجود خود مشروط بر آن که به فعالیتها و وظایف مستمر و جاری آنها لطمه‌ای وارد ننماید و تأثیر نامطلوبی نگذارد، به صورت موقت اجاره یکساله یا کمتر و قابل تمدید به اشخاص حقیقی و حقوقی به قیمت روز اجاره دهند. دستگاههای فوق مکلفاند درآمد حاصل را به حساب درآمد اختصاصی نزد خزانه‌داری کل واریز نمایند.

ماده ۳۴

متن زیر به عنوان تبصره به ماده (۲۴) «قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸» الحاق می‌گردد:

تبصره - به وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اجازه داده می‌شود که برای خرید تعهد و آزاد نمودن مدارک و وثائق و همچنین صدور اجرائیه ثبتی دانشجویان بورسیه و یا اعزامی که از ایفای تعهدات خودداری کرده یا می‌کنند و ضامنهای آنان، برای جبران تعهدات و خسارت مربوطه معادل مابه‌التفاوت ریالی نرخ روز ارزش کلیه ارزهای پرداختی به دانشجو در زمان بازپرداخت و نرخ پرداخت شده قبلی را از دانشجو یا ضامن وی و یا متضامناً دریافت و به حساب درآمد عمومی کشور واریز نمایند.

میزان بدهی و نحوه پرداخت بدهی به موجب آیین‌نامه‌ای که به پیشنهاد وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید تعیین خواهد شد. مفاد این تبصره با توجه به قسمت اخیر ماده (۲) «قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸» به گذشته نیز تسری دارد. در صورت اقامه دعوا در مراجع قضایی، وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از پرداخت هزینه دادرسی در کلیه مراحل معاف می‌باشند.

ماده ۳۵

متن زیر به عنوان بند «ج» به ماده (۲۵) «قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸» الحاق می‌گردد:

ج - دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی می‌توانند برای تأمین بخشی از هزینه‌های خود نسبت به پذیرش دانشجویان خارجی یا دانشجویان ایرانی که در دانشگاههای سایر کشورها در رشته تحصیلی مورد تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مشغول به تحصیل هستند اقدام نمایند. سقف درصد پذیرش دانشجو، ضوابط و دستورالعمل نحوه دریافت شهریه، شرایط پذیرش، میزان شهریه، سایر شرایط به پیشنهاد وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

همچنین بنیاد ایران‌شناسی و فرهنگستانها می‌توانند از دانشجویان خارجی که دوره‌های کوتاه مدت آموزشی و پژوهشی را در این دستگاهها طی می‌کنند، حق ثبت نام و هزینه‌های مربوط را دریافت کنند، مطابق ضوابط مذکور وجوه حاصل از اجرای این بند به حساب درآمد اختصاصی مؤسسات ذی‌ربط واریز می‌گردد تا طبق مقررات مربوطه هزینه گردد.

ماده ۳۶

اعتباراتی که در قوانین بودجه سنواتی با عناوین کمک به شهرداریهای شهرهای زیر سی هزار نفر جمعیت و کمک به تأسیسات زیربنایی شهرهای کوچک به تصویب می‌رسد با پیشنهاد سازمان شهرداریها و تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور بین استانهای کشور توزیع می‌گردد. سهم هر استان از محل ردیفهای یاد شده با پیشنهاد استاندار و با نظر شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان بین شهرداریهای نیازمند توزیع خواهد شد و پس از مبادله موافقتنامه با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان حسب مورد برای کمک به بودجه جاری شهرداریهای شهرهای زیر سی هزار نفر جمعیت و احداث تأسیسات زیربنایی در شهرهای زیر پنجاه هزار نفر جمعیت هزینه خواهد شد.

ماده ۳۷

اعتبار منظور شده در قوانین بودجه سنواتی تحت عناوین «یارانه بلیط اتوبوسرانی»، «خرید اتوبوس و قطعات یدکی برای اتوبوسرانیهای شهری» و «یارانه بلیط قطارهای شهری» به منظور جبران کسری هزینه‌های بهره‌برداری از سیستمهای اتوبوسرانی و راه‌آهن شهری وابسته به شهرداریها بنا به پیشنهاد سازمان شهرداریهای کشور و تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور بین سیستمهای یاد شده توزیع می‌گردد تا بر اساس موافقتنامه‌هایی که بین سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور با سازمان شهرداریها با شهرداریهای ذی‌نفع مبادله می‌گردد، برای حمایت از سیستمهای حمل و نقل عمومی، جمعی شهرها به مصرف برسد.

ماده ۳۸

وجوه متمرکز در حسابهای خزانه‌داری کل که برحسب قوانین و مقررات مربوطه توسط وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکتهای دولتی به نام شهرداریها وصول و واریز می‌گردد، بر اساس مفاد آیین‌نامه اجرایی که به پیشنهاد وزارت کشور (سازمان شهرداریهای کشور) و تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، بین شهرداریهای نیازمند و جدیدالتأسیس توزیع می‌گردد.

گزارش عملکرد این قانون در مقاطع سه ماه توسط سازمان شهرداریهای کشور تنظیم و به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و کمیسیونهای ذی‌ربط در مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌گردد.

ماده ۳۹

ماده (۲) «قانون تأمین اعتبارات عمرانی و عمومی مصوب ۱۳۴۳/۹/۸» به شرح ذیل اصلاح می‌گردد:
ماده ۲ - عوارض شهرداریها از بابت فروش هر لیتر بنزین معادل ده درصد (۱۰٪) بهای آن تعیین می‌گردد.

ماده ۴۰

وزارت کشور موظف است به میزان ده درصد (۱۰٪) از کل هزینه شماره‌گذاری خودروهای سواری در شهرهایی که سیستم قطار شهری آنها به مرحله اجرا یا بهره‌برداری می‌رسد اخذ و به حساب درآمد عمومی نزد خزانه‌داری کل واریز نماید، معادل مبالغ واریزی از محل ردیف خاصی که در قوانین بودجه سنواتی منظور می‌شود در اختیار شهرداریهای ذی‌ربط قرار می‌گیرد تا پس از مبادله موافقتنامه با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور جهت تأمین بخشی از هزینه اجرا یا جبران بخشی از هزینه‌های بهره‌برداری خطوط قطار شهری همان شهر مصرف گردد.

تبصره - سازمان شهرداریها موظف است هر شش ماه یک بار گزارش عملکرد موارد درج شده در این ماده را به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و کمیسیونهای ذی‌ربط در مجلس شورای اسلامی ارائه نماید.

ماده ۴۱

پنج درصد (۵٪) از سرجمع اعتبارات طرحهای ملی هر دستگاه، قبل از انجام مراحل تخصیص در اختیار وزیر یا بالاترین مقام دستگاه اجرایی قرار می‌گیرد تا حسب ضرورت بر اساس پیشرفت کار عملیات

طرحهای ذی ربط در قالب شرح عملیات موافقتنامه‌های مبادله شده تعهد و پرداخت گردد. شروع عملیات اجرایی طرحهای عمرانی ملی جدید قبل از تصویب مجلس شورای اسلامی ممنوع است.

ماده ۴۲

دستگاههای اجرایی که از اعتبارات جاری و عمرانی مربوط به پژوهشها استفاده می‌نمایند و همچنین شرکتهای دولتی موضوع ماده (۴) «قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱» و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت که از اعتبارات عمومی پژوهشی و یا مربوط به خود استفاده می‌کنند، موظفاند حداقل بیست درصد (۲۰٪) از اعتبارات منحصراً تحقیقاتی مذکور را از طریق عقد قراردادهای پژوهشی با دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی دولتی و غیر دولتی، فرهنگستانها و بنیاد ایران‌شناسی، مؤسسات پژوهشی وابسته به وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و جهاد دانشگاهی، سازمان تحقیقات آموزش و ترویج کشاورزی یا اعضای هیئت علمی با مجوز مدیریت دانشگاهها و مؤسسات پژوهشی ذکر شده هزینه نمایند. اجازه داده می‌شود پنجاه درصد (۵۰٪) کل اعتبارات مذکور بدون الزام به رعایت «قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱» و دیگر قوانین و مقررات عمومی دولت و با رعایت قانون نحوه هزینه کردن اعتباراتی که به موجب قانون از رعایت «قانون محاسبات عمومی کشور» و دیگر مقررات عمومی دولت مستثنا هستند مصوب ۱۳۶۴/۱۱/۱۹ هزینه گردد. دستگاههای اجرایی مذکور در صدر این ماده مکلفاند در شهریور ماه هر سال گزارش مربوط به عملکرد این ماده را به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور ارائه نمایند. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور نیز مکلف است گزارش عملکرد این ماده را به کمیسیونهای مربوط مجلس شورای اسلامی ارائه نماید.

آیین‌نامه اجرایی این ماده توسط وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ماده ۴۳

متن مندرج در ماده (۸۶) «قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸» تحت عنوان بند «الف» درج و متن زیر به عنوان بند «ب» به ماده (۸۶) الحاق می‌گردد:

ب - به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی اجازه داده می‌شود بر اساس آیین‌نامه‌ای که به پیشنهاد مشترک سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیئت وزیران می‌رسد به منظور استفاده بهینه از ساختمانها و امکانات موجود خود مشروط بر آن که به فعالیتها و وظایف مستمر و جاری آنها لطمه‌ای وارد ننماید و تأثیر نامطلوبی نگذارد، به صورت موقت به اشخاص حقیقی و حقوقی به قیمت روز به مدت یک سال یا کمتر اجازه دهند.

ماده ۴۴

شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان موظف است پس از ابلاغ بودجه مصوب سالانه استان، بر اساس پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان و در چارچوب اهداف و سیاستهای برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سطح کشور و استان و خط مشی‌ها و دستورالعملهای ابلاغی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، اعتبارات عمرانی را بین فصول، برنامه‌ها، دستگاههای اجرایی و طرحهای عمرانی به تفکیک هر شهرستان و اعتبارات جاری مصوب هر دستگاه را به تفکیک برنامه و فصول هزینه توزیع نماید.

کمیته برنامه‌ریزی شهرستان متشکل از فرماندار (ریاست کمیته)، نماینده سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (دبیر کمیته) و عضویت رؤسای دستگاههای اجرایی که مدیران کل آنها عضو شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان هستند خواهد بود. فرمانداران موظف هستند یک هفته قبل از تشکیل جلسات کمیته از نمایندگان شهرستان در مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر در جلسات دعوت به عمل آورند. پروژه‌های عمرانی شهرستانها پس از تصویب در کمیته برنامه‌ریزی شهرستان جهت مبادله موافقتنامه با

دستگاههای اجرایی ذی ربط به سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان اعلام خواهد شد. وظیفه دبیرخانه شورای برنامه ریزی و توسعه استان به عهده سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان است.

ماده ۴۵

اعتبارات منظور شده در قوانین بودجه سنواتی تحت عنوان «خودیاری» به پروژههای کوچک جدید و تکمیل پروژههای نیمه تمام استانی، در روستاها ده درصد (۱۰٪) در شهرهای زیر پنجاه هزار نفر سی درصد (۳۰٪) و در شهرهای بالای پنجاه هزار نفر، پنجاه درصد (۵۰٪) که اعتبار آنها به وسیله مردم تأمین شود، اختصاص می یابد. اعتبار هر استان به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه ریزی و تصویب شورای برنامه ریزی و توسعه استان بین شهرستانهای استان توزیع می گردد.

ماده ۴۶

سازمانهای استانی ادارات کل و واحدهای سازمانی هم سطح تابعه وزارتخانهها و مؤسسات دولتی و مستقر در مراکز استانها یا شهرستانهایی غیر از مراکز استانها که اعتبارات آنها در قوانین بودجه سنواتی ضمن بودجه وزارتخانهها یا مؤسسه دولتی مربوط منظور شده است، از نظر اجرای مقررات «قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱» در حکم دستگاه اجرایی محلی محسوب می شوند.

ماده ۴۷

متن زیر به عنوان بند «۵» به ماده (۸۴) «قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸» الحاق می گردد:

۵ - در راستای ایجاد تعادل دام در مرتع، به وزارت جهاد کشاورزی و دستگاههای تابعه اجازه داده می شود از محل صدور و یا تجدید سالانه پروانه چرای دام در مراتع، مبلغی را معادل یک در هزار ارزش متوسط هر واحد دامی دریافت و به حساب درآمد عمومی (نزد خزانه داری کل) واریز نماید.

تبصره ۱ - پروانه چرا (پروانه بهره‌برداری مراتع) مدرک معارض محسوب شده و واگذاری اراضی محدوده پروانه بهره‌برداری با رعایت حقوق دارندگان پروانه بهره‌برداری بر اساس آیین‌نامه‌هایی خواهد بود که به پیشنهاد مشترک وزارت جهاد کشاورزی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

تبصره ۲ - چرای دام در مراتع بدون پروانه چرا و یا مزاد بر ظرفیت تعیین شده در پروانه جرم محسوب می‌شود و مستلزم پرداخت معادل بیست درصد (۲۰٪) ارزش متوسط واحد دامی در سال خواهد بود که پس از وصول باید به حساب درآمد عمومی (نزد خزانه‌داری کل) واریز شود.

ماده ۴۸

متن مندرج در ماده (۲۷) «قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸» تحت عنوان بند «الف» درج و متن زیر به عنوان بند «ب» به این ماده الحاق می‌گردد:

ب - به وزارت جهاد کشاورزی (شرکت سهامی شیلات ایران) اجازه داده می‌شود درآمد حاصل از فروش صید و آلات و ادوات غیر مجاز صید و قاچاق انواع صید آبی و فرآورده‌های آن و جریمه‌های ناشی از این بند را به حساب درآمد عمومی واریز نماید.

به دولت اجازه داده می‌شود، باتوجه به وجوه واریزی به حساب درآمد عمومی متناسب با نیاز دستگاه اجرایی فوق اعتبار لازم را جهت توسعه و تجهیز و احداث واحدهای حفاظت از منابع آبیان و بازسازی ذخایر آبی در لوایح بودجه منظور نماید.

ماده ۴۹

به آخر ماده (۱) «قانون اصلاح قانون پرداخت پاداش پایان خدمت و بخشی از هزینه‌های ضروری به کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۶/۹/۱۶» عبارت زیر الحاق می‌گردد:

خدمت مزاد بر سی سال در پرداخت پاداش موضوع این قانون قابل احتساب نخواهد بود.

ماده ۵۰

هر گونه فعالیت تجاری اعم از خرید و فروش کالاهای داخلی و خارجی و صدور و ورود آن و نیز صدور مجوز سهمیه مشارکت سرمایه‌گذاری برای این نوع فعالیتها توسط دستگاههای اجرایی موضوع ماده (۳۰) این قانون و همچنین مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی که فعالیت بازرگانی جزء وظایف آنها نیست ممنوع است.

تبصره - صدور مجوز برای انجام فعالیتهای موضوع این ماده صرفاً بایستی توسط وزارتخانه یا مؤسسه دولتی ذی‌ربط صورت گیرد.

ماده ۵۱

بندهای زیر به عنوان بندهای «ص»، «ق»، «ر»، «ش» و «ت» به ماده (۱) «قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸» الحاق می‌شوند:

ص - تعرفه ثبت اسناد رسمی قطعی از قبیل اسناد بیع، صلح، هبه و وکالت برای فروش به استثنای معاملات با حق استرداد انواع خودروهای سبک و سنگین اعم از سواری و غیر سواری و ماشین‌آلات راهسازی و کشاورزی و موتورسیکلت ساخت و مونتاژ داخل و ساخت خارج از نصابهای مذکور در بند «الف» ماده (۱) «قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸» به مآخذ ده در هزار برای خودروها و موتورسیکلت‌های ساخت داخل و مونتاژ داخل و بیست در هزار برای خودروها و موتورسیکلت‌های ساخت خارج بر اساس جداول تعیین شده وزارت امور اقتصادی و دارایی که هر ساله به تجویز تبصره‌های ۱ و ۲ ماده (۹) «قانون اجازه وصول مالیات غیر مستقیم از برخی کالاها و خدمات مصوب ۱۳۷۴/۷/۱۶» ملاک وصول مالیات نقل و انتقال خودروها و موتورسیکلت‌های مذکور قرار می‌گیرد، تغییر می‌یابد. در صورتی که به هر علت بهای فروش یا ارزش سیف C.I.F ماشین‌آلات مذکور در جداول فوق‌الذکر قید نشده باشد تعیین بهای آن برای وصول حق‌الثبت با وزارت امور اقتصادی و دارایی است.

ق - به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اجازه داده می‌شود بهای اوراق و دفاتر مصرفی سازمان مذکور را به میزان قیمت تمام شده آنها وصول و به خزانه‌داری کل واریز نماید. همچنین بهای اوراق مصرفی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور که چاپ آنها بر عهده وزارت امور اقتصادی و دارایی است براساس قیمت‌های تمام شده آنها توسط هیئتی متشکل از وزیر امور اقتصادی و دارایی و رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور یا نمایندگان آنها تعیین و پس از وصول به خزانه‌داری کل واریز می‌گردد.

ر - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور موظف است جریمه نقدی مقرر در بند «۲» ماده (۳۸) «قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۵۴/۴/۲۵» درخصوص سردفتران و دفتریاران دفاتر اسناد رسمی و همچنین جریمه نقدی مربوط به تخلفات سردفتران ازدواج و طلاق را بر اساس تعرفه‌ای که به تصویب هیئت وزیران می‌رسد وصول و به حساب درآمد عمومی واریز نماید.

ش - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور موظف است درآمد حاصل از فروش اطلاعات نقشه‌برداری ثبتی (کاداستر) را بر اساس تعرفه‌ای که به تصویب هیئت وزیران می‌رسد وصول و به حساب درآمد عمومی واریز نماید.

اعتبار مورد نیاز جهت تدارک و تجهیز و توسعه طرح نقشه‌برداری ثبتی (کاداستر)، در لویح بودجه کل کشور پیش‌بینی و بر اساس آیین‌نامه اجرایی که توسط سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، قابل هزینه خواهد بود.

ت - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور موظف است تقاضای اشتغال به شغل مشاورین املاک و خودرو را بررسی و نسبت به تطبیق وضع آنها که تا تاریخ تصویب این قانون به شغل مذکور اشتغال دارند، طبق مقررات اقدام و در قبال صدور یا تمدید پروانه اشتغال، بر اساس تعرفه‌ای که به تصویب هیئت وزیران می‌رسد مبالغی وصول و به حساب درآمد عمومی (نزد خزانه‌داری کل) واریز نماید.

ماده ۵۲

به وزارت امور خارجه اجازه داده می‌شود درآمد ناشی از ارائه خدمات در زمینه برگزاری سمینارها و کنفرانس‌های بین‌المللی که در ایران تشکیل می‌شود و خدمات ارائه شده به نمایندگی‌های سیاسی و

کنسولی خارجی مقیم ایران را از سازمانها و دستگاههای برگزار کننده و نمایندگیهای خارجی وصول و به درآمد عمومی (نزد خزانه‌داری کل) واریز نماید.

ماده ۵۳

به وزارت راه و ترابری و وزارت جهاد کشاورزی اجازه داده می‌شود مازاد مصالح شن و ماسه و آسفالت تولیدی مراکز سرند و سنگ‌شکن یا تولیدی کارخانه‌های آسفالت خود را به فروش برسانند و یا آن که ماشین‌آلات مذکور را به اجاره واگذار نمایند و وجوه حاصله را به حساب درآمد عمومی کشور (نزد خزانه‌داری کل) واریز نمایند.

ماده ۵۴

وزارت راه و ترابری از پرداخت هزینه حق انشعاب برق و بهای برق مصرفی برای روشنایی و تهویه تونلها و چراغهای ویژه نقاط مه‌گیر، چراغهای چشمک‌زن در طول راههای کشور و همچنین مساجد بین‌راهی معاف است.

ماده ۵۵

شرکت فرودگاههای کشور مکلف است درآمدهای موضوع مواد (۶۲) و (۶۳) «قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸» را وصول نماید و وجوه حاصل را به عنوان درآمد شرکت تلقی نموده و در قالب بودجه مصوب سنواتی آن شرکت هزینه نماید.

تبصره - در اجرای سیاستهای خصوصی‌سازی، شرکت فرودگاههای کشور مکلف است متناسب با آمادگی بخشهای خصوصی و تعاونی خدمات فرودگاهی را به آنها واگذار نماید.

ماده ۵۶

متن زیر به عنوان «تبصره» به ماده (۸۵) «قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸» الحاق گردد:

تبصره - مبلغ مذکور در این ماده به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و تصویب هیئت وزیران قابل افزایش است.

ماده ۵۷

متن مندرج در ماده (۸۷) «قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸» تحت عنوان بند «الف» درج و متن زیر به عنوان بند «ب» به آن الحاق می‌گردد:

ب - به دولت اجازه داده می‌شود از مسافرانی که از مرزهای هوایی، دریایی و زمینی عازم خارج از کشور می‌باشند مبلغ سی هزار (۳۰,۰۰۰) ریال دریافت و به حساب درآمد عمومی (نزد خزانه‌داری کل) واریز نماید.

ماده ۵۸

شرکت ملی گاز ایران موظف است که حق انشعاب گاز مساجد، مدارس علوم دینی، حسینیه‌ها و تکایا را رایگان محاسبه کند و هزینه گاز مربوط آن را بر اساس هر متر مکعب با پنجاه درصد (۵۰٪) متوسط نرخ رایج محاسبه نماید.

ماده ۵۹

شرکت سهامی پخش فرآورده‌های نفتی موظف است مشابه مصرف‌کنندگان شهری نفت سفید و گاز مایع مورد نیاز روستائیان را در سراسر کشور و مورد نیاز عشایر را در شعاع پنج کیلومتری محل زندگی آنان به قیمت رسمی تأمین نماید.

ماده ۶۰

سازمان ثبت احوال کشور موظف است به ازای کلیه خدمات ویژه سجلی و صدور کارت شناسایی مبالغی را به شرح زیر از متقاضیان دریافت و به حساب درآمد عمومی (نزد خزانه‌داری کل) واریز نماید.

- ۱- تغییر نام و نام خانوادگی پنجاه هزار (۵۰,۰۰۰) ریال
- ۲- تغییر سن یکصد هزار (۱۰۰,۰۰۰) ریال
- ۳- حل اختلاف سند سجل بیست هزار (۲۰,۰۰۰) ریال
- ۴- الصاق عکس پنج هزار (۵,۰۰۰) ریال
- ۵- صدور گواهی تجرد ده هزار (۱۰,۰۰۰) ریال
- ۶- صدور نخستین شناسنامه المثنی پنجاه هزار (۵۰,۰۰۰) ریال
- ۷- صدور دومین شناسنامه المثنی یکصد هزار (۱۰۰,۰۰۰) ریال
- ۸- صدور کارت شناسایی دو هزار و پانصد (۲,۵۰۰) ریال
- ۹- صدور شناسنامه ده هزار (۱۰,۰۰۰) ریال

ماده ۶۱

به منظور هماهنگی در تصویب، اجرا و نظارت پروژه‌های پژوهشی، اعتبار طرحهایی که تحت عنوان طرح ملی تحقیقات در قوانین بودجه سالانه به تصویب می‌رسد، بنا به پیشنهاد دستگاههای اجرایی و تصویب سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور برای اجرای طرحهای مشخص پژوهشی ملی اختصاص می‌یابد تا در اختیار دستگاههای اجرایی ذی‌ربط قرار گیرد و پس از مبادله موافقتنامه با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، به مصرف برسد. مانده اعتبار تخصیص یافته به هر دستگاه اجرایی مشمول، قابل انتقال به سال بعد بوده و صرفاً در قالب موافقتنامه مربوط قابل هزینه است.

دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی بخش غیر دولتی و خصوصی می‌توانند از اعتبارات این تبصره از طریق سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران استفاده نمایند.

آیین‌نامه اجرایی این ماده بنا به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ماده ۶۲

وزارت نیرو مکلف است انرژی برق تولیدی توسط نیروگاهها و تولیدکنندگان بخشهای خصوصی و دولتی را با قیمت‌های تضمینی خریداری نماید. نرخ تضمینی به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب شورای اقتصاد خواهد رسید. در مورد نرخ برق تولیدی بخشهای غیر دولتی از منابع انرژیهای نو با توجه به جنبه‌های مثبت زیست‌محیطی و صرفه‌جوییهای ناشی از عدم مصرف منابع انرژی فسیلی و به منظور تشویق سرمایه‌گذاری در این نوع تولید به ازای هر کیلووات ساعت برای ساعات اوج و عادی حداقل ششصد و پنجاه (۶۵۰) ریال و برای ساعات کم‌باری حداقل چهارصد و پنجاه (۴۵۰) ریال (حداکثر چهار ساعت در شبانه‌روز) در محل تولید مورد عمل قرار گیرد.

ماده ۶۳

متن زیر به عنوان یک تبصره به ماده (۲۴) «قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۶» الحاق می‌گردد:

تبصره - شرکت‌های آب منطقه‌ای و آب و برق خوزستان مکلف‌اند در قبال واگذاری حق برداشت جدید آب تحت پوشش طرح‌های تأمین و انتقال آب، متناسب با سهم آب تخصیصی، حق اشتراک دریافت و درآمد حاصله را بر اساس موافقتنامه متبادله با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور برای اجرای طرح‌های عمرانی مربوط با اولویت نگهداری و مرمت سازه‌های آبی در دست بهره‌برداری در همان منطقه به مصرف برسانند.

آیین‌نامه اجرایی این قانون شامل تعرفه حق اشتراک با پیشنهاد مشترک سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت نیرو به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ماده ۶۴

به سازمان حفاظت محیط زیست اجازه داده می‌شود که به منظور برنامه‌ریزی در امر بهره‌برداری از شکارگاهها در قبال دریافت وجه از شکارچیان نسبت به صدور دفترچه ویژه شناسایی اقدام بنماید. تعرفه مربوط به بهای صدور دفترچه به تفکیک دفترچه‌های گلوله‌زنی و ساچمه‌زنی به پیشنهاد سازمان حفاظت محیط زیست به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ماده ۶۵

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است هر ساله مبلغی را در لایحه بودجه سالانه برای اعطای اعتبار صدور خدمات فنی و مهندسی (اعتبار فروشنده و اعتبار خریدار) و همچنین مابه‌التفاوت نرخ سود منظور دارد این مبلغ به عنوان سپرده دولت نزد بانک توسعه صادرات منظور می‌گردد و نحوه پرداخت اعتبار و تفاوت سود و کارمزد بر اساس آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور با هماهنگی شورای عالی توسعه صادرات غیر نفتی به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ماده ۶۶

اعتبارات مرکز آموزش مدیریت دولتی در قوانین بودجه سالانه بر اساس «قانون نحوه انجام امور مالی و معاملاتی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی مصوب ۱۳۶۹/۱۰/۱۸» و آیین‌نامه آن قابل هزینه می‌باشد. چگونگی اجرا و تطابق با قانون فوق‌الذکر، تشکیل و ترکیب هیئت امنای این مرکز به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ماده ۶۷

به فرهنگستانها و بنیاد ایران‌شناسی اجازه داده می‌شود در قبال ارائه امکانات و خدمات خود مانند چاپ، تکثیر و تجهیزات رایانه‌ای نتایج تحقیقات علمی و فنی و اطلاعات تولیدی و اطلاعات بانکهای

اطلاعاتی و کتب و نشریات و نوارهای صوتی و تصویری و صفحه‌های فشرده به متقاضیان، وجوه مناسب دریافت و به حساب درآمد اختصاصی واریز نمایند. معادل وجوه واریزی مذکور از محل اعتبار درآمد اختصاصی در بودجه سنواتی پیش‌بینی و در اختیار دستگاه مربوطه قرار خواهد گرفت.

ماده ۶۸

به دولت اجازه داده می‌شود بر اساس پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و متناسب با عواملی همانند کاهش هزینه‌های دولتی ناشی از اصلاح ساختار اداری و کاهش نیروی انسانی و نرخ تورم، هر سه سال یک بار نسبت به کاهش یا افزایش مبالغ ریالی مشخص مندرج در قوانین و مقررات در زمینه میزان جرائم، تعرفه‌ها و خدمات دولتی، حقوق دولتی و عناوین مشابه با رعایت مفاد برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران اقدام و مراتب را ابلاغ نماید.

ماده ۶۹

کلیه اراضی، املاک و ابنیه‌ای که برای استفاده وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی از جمله مؤسساتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام یا تابع مقررات و قوانین خاص است به یکی از طرق قانونی تملک شده است و یا به نام آن وزارتخانه، مؤسسه خریداری شده یا می‌شود متعلق به دولت بوده و در اسناد مالکیت آنها نام دولت جمهوری اسلامی ایران به عنوان مالک با حق استفاده وزارتخانه یا مؤسسه مربوط درج می‌گردد. تغییر دستگاه بهره‌بردار در هر مورد به عهده هیئت وزیران می‌باشد. کلیه اسناد، سوابق، مدارک موجود مرتبط با این اموال در اختیار وزارت امور اقتصادی و دارایی (اداره کل اموال دولتی) قرار می‌گیرد و در خصوص واگذاری حق استفاده از ساختمانهای مازاد دستگاههای مذکور مطابق بند «ب» ماده (۸۹) این قانون اقدام خواهد شد.

تبصره ۱ - اراضی ملی و دولتی و منابع طبیعی که حسب اختیارات قانونی دستگاهها برای واگذاری جهت مصارف عمومی یا اختصاصی اشخاص غیر دولتی در اختیار آنها می‌باشد و تاکنون واگذار نشده از جمله اراضی در اختیار وزارت جهاد کشاورزی موضوع مواد (۳۱) و (۳۲) «لایحه قانونی اصلاح لایحه

قانونی احیا و واگذاری اراضی در حکومت جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۹/۱/۲۱ «شورای انقلاب و اراضی موضوع «قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶/۶/۲» تابع مقررات مربوط است و چنانچه دستگاههای اجرایی، نیروهای مسلح و سازمانهایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام یا تابع قوانین و مقررات خاص است برای نیازهای عمومی و عمرانی و یا عوض آن نیاز به این اراضی داشته باشند در حدی که به تصویب هیئت وزیران می‌رسد با رعایت مفاد این ماده به صورت بلاعوض در اختیار آنها قرار خواهد گرفت.

در مورد اراضی واگذار شده توسط کمیسیونهای مواد (۳۱) و (۳۲) قانون مذکور و هیئت‌های واگذاری زمین مشروط بر آن که مطابق طرح مصوب احیا گردیده‌اند چنانچه در داخل حریم و محدوده قانونی شهرها قرار گرفته و مالکیت اراضی به وزارت مسکن و شهرسازی یا سازمانهای تابعه منتقل گردیده است وزارت مسکن و شهرسازی و سازمانهای تابعه مکلف‌اند اسناد این اراضی را با قیمت کارشناسی روز بدون لحاظ کردن ارزش افزوده ناشی از سرمایه‌گذاری انجام شده توسط سرمایه‌گذاران به آنها منتقل نمایند.

تبصره ۲ - فروش و واگذاری املاک و اراضی که دولت حق استفاده از آنها را در اختیار شرکتهای دولتی قرار داده است نیز موقوف به تصویب هیئت وزیران است مگر آن که مورد نیاز دستگاههای این ماده باشد که به ترتیب مقرر در آن در اختیار وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی قرار می‌گیرد.

تبصره ۳ - نحوه تنظیم اسناد اراضی و سایر اموال غیر منقول طرحهای عمرانی موضوع ماده (۱۱۳) «قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱» که مجری آن وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی می‌باشند تابع مقررات این ماده خواهد بود.

تبصره ۴ - تعیین بهره‌بردار، بهره‌برداری، چگونگی تنظیم سند عرصه و اعیان املاک و اراضی که برای استفاده دولت و یا مؤسسات دولتی وقف شده است با رعایت وقف‌نامه‌های مربوط تابع ترتیبات مقرر در این ماده خواهد بود.

تبصره ۵ - واگذاری حق استفاده از اراضی و املاک این قانون به نهادها و مؤسسات عمومی غیر دولتی و مؤسسات خیریه و عام‌المنفعه با تصویب هیئت وزیران در جهت تحقق اهداف و احکام برنامه‌های پنج ساله و قوانین مربوط امکانپذیر خواهد بود. پس از رفع نیاز آنها به تشخیص وزارتخانه مربوط و تصویب هیئت وزیران، ملک یا زمین مورد واگذاری به دولت اعاده خواهد شد.

تبصره ۶ - چنانچه املاک و اراضی که به موجب وظایف قانونی سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی در اختیار این سازمان قرار گرفته است، مورد نیاز دستگاه‌های دولتی باشد، حسب مورد با پیشنهاد وزیر یا بالاترین مقام اجرایی دستگاه مستقل و تصویب هیئت وزیران و با رعایت شرایط این ماده در اختیار آن دستگاه قرار می‌گیرد.

سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی مکلف است برای تسهیل در اجرای این ماده فهرست اموال غیر منقول در اختیار خود را به هیئت دولت ارائه نماید.

تبصره ۷ - عدم اجرای این قانون توسط هر یک از مقامات و کارمندان در حکم تصرف غیر مجاز در اموال دولتی محسوب می‌شود.

تبصره ۸ - به منظور فراهم آوردن موجبات تسریع در رفع اختلافات مربوط به ساختمانها، تأسیسات و اراضی وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، شرکت‌های دولتی و شرکتهایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است، مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی، نیروهای نظامی و انتظامی که در گذشته بر اساس نیازها و ضرورت‌های مختص اوایل انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، بدون اخذ مجوز قانونی و موافقت متصرف پیشین یا با موافقت آن تصرف گردیده و در حال حاضر مورد نیاز متصرفان پیشین می‌باشد کمیسیونی مرکب از نمایندگان تام‌الاختیار وزرای امور اقتصادی و دارایی، مسکن و شهرسازی، جهاد کشاورزی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و نماینده تام‌الاختیار وزرا یا بالاترین مقام اجرایی دستگاه‌های مستقل طرف اختلاف با مسؤولیت معاونت حقوقی و امور مجلس رئیس‌جمهور تشکیل گردد.

اجرای حکم این ماده در مورد ساختمانهایی که مورد تصرف نهادها و نیروهای مسلح زیر نظر مقام معظم رهبری است با رعایت نظر موافق آن مقام خواهد بود. آرای صادره کمیسیون فوق‌الذکر برای دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط لازم‌الاجرا است. در صورت عدم اجرای آرای مذکور در مهلت تعیین شده به هر دلیل توسط دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مکلف است معادل ارزش قیمت روز مایملک مورد تصرف را بنا به پیشنهاد کمیسیون مذکور بر حسب مورد، بدون الزام به رعایت محدودیتهای جابه‌جایی در بودجه جاری و عمرانی، از بودجه سنواتی دستگاه مذکور کسر و به بودجه دستگاه اجرایی ذی‌نفع اضافه نماید.

تبصره ۹ - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، اسناد اراضی و املاک دولتی را بر اساس این قانون و یا اعلام وزارت امور اقتصادی و دارایی و بدون نیاز به اخذ نظر سازمان متصرف و یا سازمانی که اسناد مالکیت را در اختیار دارد اصلاح و سند جدید صادر می‌نماید. با صدور سند جدید، اسناد قبلی از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

تبصره ۱۰ - وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است بانک اطلاعاتی جامع از اراضی و املاک دولت موضوع این قانون با استفاده از تجهیزات رایانه‌ای تهیه و در اختیار دستگاههای اجرایی قرار دهد.

ماده ۷۰

به منظور بازسازی صنعت گاز مایع و ارائه خدمات منطبق با استانداردهای ملی و اجباری و عدم دریافت هر گونه یارانه در مراحل انتقال، ذخیره‌سازی، گازپرکنی و توزیع گاز مایع اعم از با ظرف و بدون ظرف به مصرف‌کنندگان نهایی، ارائه نرخ خدمات گاز مایع توسط شرکت‌های توزیع کننده در سراسر کشور بر مبنای عرضه و تقاضا بوده و با نظارت سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و شورای اسلامی شهر و روستا به اجرا درمی‌آید.

ماده ۷۱

به شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران اجازه داده می‌شود به منظور حفظ و صیانت از سرمایه‌های ملی، قیمت فرآورده‌های نفتی به جز (نفت گاز و نفت سفید، نفت کوره و بنزین، گاز طبیعی مصرفی داخل کشور) را بر اساس قیمت‌های جهانی و با رعایت صرفه و صلاح کشور تعیین و به فروش برساند.

ماده ۷۲

مبانی و فاصله طبقات محاسبه مالیات موضوع جزء «۲» بند «ح» «ماده واحده قانون چگونگی محاسبه و وصول حقوق گمرکی و سود بازرگانی و مالیات انواع خودروها و ماشین آلات راه‌سازی وارداتی و ساخت داخل و قطعات آنها مصوب ۱۳۷۱/۱۰/۲» به نسبت چهار برابر افزایش می‌یابد.

تبصره ۱ - از ابتدای سال ۱۳۸۱ مالیات فروش خودروهای سواری حذف می‌گردد و بار مالی ناشی از آن با تعدیل نرخ سود بازرگانی مربوطه منظور شده در تبصره ۲ این ماده تأمین خواهد شد.

تبصره ۲ - دولت مکلف است سود بازرگانی را به گونه‌ای تنظیم نماید که موجبات تشویق افزایش ساخت داخلی قطعات خودرو سواری را فراهم آورد و حداقل سود بازرگانی به میزان شصت درصد (۶۰٪) برای مجموعه قطعات وارداتی Pwh c.k.d و حداقل (۱۰٪) برای خودرو با پنجاه درصد (۵۰٪) ساخت داخلی منظور نماید.

تبصره ۳ - به میزان درصد سهم ساخت داخلی با تأیید وزارت صنایع و معادن سود بازرگانی تعیین شده متناسباً کاهش خواهد یافت.

ماده ۷۳

ماده (۳۲) آیین‌نامه مالی شهرداریها مصوب ۱۳۴۶/۴/۱۲ به شرح ذیل اصلاح می‌شود:

ماده ۳۲ - به شهرداریهای کل کشور اجازه داده می‌شود تا مطالبات خود را با اقساط حداکثر سی و شش ماهه مطابق دستورالعملی که به پیشنهاد شهردار به تصویب شورای اسلامی شهر مربوطه می‌رسد دریافت نماید. در هر حال صدور مفاصاحساب موکول به تأدیه کلیه بدهی مؤدی خواهد بود.

ماده ۷۴

«قانون نحوه تأمین بودجه سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران و تبصره‌های آن مصوب ۱۳۷۸/۲/۱۲» به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

شهرداری تهران مکلف است در بودجه سالیانه خود چهار درصد (۴٪) از درآمدهای وصولی خود را برای امور فرهنگی، هنری و ورزشی اختصاص و در قالب بودجه سالانه به تصویب برساند. پرداخت تخصیصی بایستی به صورت ماهانه و یک دوازدهم صورت گیرد.

ماده ۷۵

با توجه به وجود دوره‌های آب و هوایی خشک در کشور، دولت مکلف است در سرمایه‌گذاریهای جدید فصلهای کشاورزی، منابع طبیعی، منابع آب و عمران شهری و روستایی (برنامه‌های آب شهری و روستایی)، مهار آبها، اصلاح روشهای آبیاری (با همکاری بخشهای غیر دولتی) و تقویت نظام بیمه محصولات کشاورزی، کشور را برای مقابله با عوارض خشکسالی مجهز نماید.

ماده ۷۶

اجرای خطوط و شبکه‌های برق، آب، گاز و مخابرات در منتهی‌الیه حریم راهها با هماهنگی وزارت راه و ترابری در صورتی که به تأسیسات راه لطمه وارد نکند بدون پرداخت هر گونه وجهی مجاز می‌باشد.

ماده ۷۷

با توجه به ارائه قانون بودجه سال ۱۳۸۱ کل کشور بر اساس نظام جدید بودجه‌ریزی و تغییر نظام طبقه‌بندی دریافتها و پرداختهای دولت، به منظور هماهنگی بین تعاریف به کار برده شده در نظام جدید با تعاریف مندرج در قوانین موجود مالی و محاسباتی، تعاریف زیر به ماده (۱) «قانون برنامه و بودجه کشور مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۱۰» اضافه می‌گردد:

ارزش خالص - منظور ارزش کل داراییها منهای ارزش کل بدهیهای بخش دولتی است.

درآمد - منظور آن دسته از داد و ستدهای بخش دولتی است که ارزش خالص را افزایش می‌دهد.

اعتبار هزینه - منظور اعتبار آن دسته از داد و ستدهای بخش دولتی است که ارزش خالص را کاهش

می‌دهد.

داراییهای سرمایه‌ای - منظور داراییهای تولید شده یا تولید نشده‌ای است که طی مدت بیش از یک سال در فرایند تولید کالا و خدمات به کار می‌رود.

داراییهای تولید شده - منظور داراییهایی است که در فرایند تولید حاصل گردیده است. دارایی تولید شده به سه گروه عمده داراییهای ثابت، موجودی انبار و اقلام گرانبها تقسیم می‌شود.

داراییهای ثابت - منظور داراییهای تولید شده‌ای است که طی مدت بیش از یک سال به طور مکرر و مستمر در فرایند تولید به کار برده می‌شود.

موجودی انبار - منظور کالاها و خدماتی است که توسط تولید کنندگان به منظور فروش، استفاده در تولید و یا سایر مقاصد در آینده نگهداری می‌شوند.

اقلام گرانبها - منظور اقلامی با ارزش قابل ملاحظه است که نه به منظور تولید و مصرف، بلکه به دلیل ارزشی که دارند نگهداری می‌شود. (مانند تابلو، کتب خطی، فلزات گرانبها)

داراییهای تولید نشده - منظور داراییهای مورد نیاز تولید است که خودشان تولید نشده‌اند. (مانند زمین و ذخایر معدنی)

فعالیت - منظور یک سلسله عملیات و خدمات مشخص است که برای تحقق بخشیدن به هدفهای سالانه برنامه طی یک سال اجرا می‌شود و منابع مورد نیاز آن از محل اعتبارات مربوط به هزینه تأمین می‌گردد.

اعتبار طرح تملک داراییهای سرمایه‌ای - منظور اعتبار مجموعه عملیات و خدمات مشخصی است که بر اساس مطالعات توجیهی، فنی و اقتصادی و اجتماعی که توسط دستگاه اجرایی انجام می‌شود طی مدت معین و با اعتبار معین برای تحقق بخشیدن به هدفهای برنامه توسعه پنجساله به صورت سرمایه‌گذاری ثابت یا مطالعه برای ایجاد دارایی سرمایه‌ای اجرا می‌گردد و منابع مورد نیاز اجرای آن از محل اعتبارات مربوط به تملک داراییهای سرمایه‌ای تأمین می‌شود و به دو نوع انتفاعی و غیر انتفاعی تقسیم می‌گردد.

ماده ۷۸

دولت موظف است حداکثر یک ماه پس از تصویب قانون بودجه سالانه کل کشور، بودجه دستگاههای اجرایی را ابلاغ نماید.

دستگاههای اجرایی مکلفاند پس از ابلاغ اعتبارات مربوط به تملک داراییهای سرمایه‌ای توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موافقتنامه شرح عملیات مربوط به طرحهای تملک داراییهای سرمایه‌ای جدید مندرج در قوانین بودجه سالانه را برای مبادله موافقتنامه به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور ارسال نمایند و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور نیز موظف است ظرف مدت یک ماه موافقتنامه مذکور را بررسی، اصلاح و ابلاغ و یا با ذکر دلیل اعاده نماید.

کلیه دستگاههای اجرایی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مکلفاند موافقتنامه شرح فعالیتهای مربوط به اعتبارات هزینه‌ای را بر اساس فرمهای ابلاغی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به سازمان مذکور ارسال دارند، سازمان مذکور موظف است نسبت به تأیید و ابلاغ و یا اعاده موافقتنامه مذکور جهت اصلاح اقدام نماید.

ماده ۷۹

افزایش اعتبار هزینه هریک از برنامه‌ها و فصول هزینه وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی منظور در قوانین بودجه سالانه، از محل کاهش دیگر برنامه‌ها و فصول هزینه دستگاه ذی‌ربط، مشروط به آن که در جمع اعتبارات هزینه‌ای آن دستگاه تغییری حاصل نشود حداکثر تا سی درصد (۳۰٪) به پیشنهاد بالاترین مقام دستگاه اجرایی و تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مجاز می‌باشد دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی وابسته به وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی کماکان بودجه خود را در قالب برنامه و طرح، تنظیم و اجرا می‌نمایند و تخصیص دریافت می‌کنند و تابع «قانون تشکیل هیئت امنای دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی مصوب سال ۱۳۶۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی» و «قانون نحوه انجام امور مالی و معاملاتی

دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی مصوب ۱۳۶۹/۱۰/۱۸ مجلس شورای اسلامی» و آئین‌نامه‌های مربوطه می‌باشند.

تأمین و پرداخت کسور بازنشستگی سهم دولت از شمول محدودیتهای این ماده مستثنا می‌باشد. در اجرای ماده (۱۱) «اساسنامه سازمان بازنشستگی کشوری مصوب ۱۳۵۴/۳/۸»، خزانه مکلف است به تقاضای سازمان مذکور، کسور مربوط به هر دوره را از تخصیص اعتبار آن دوره برداشت و به صندوق بازنشستگی کشوری پرداخت نماید.

ماده ۸۰

به دستگاههای اجرایی مرکزی اجازه داده می‌شود در موارد لزوم حداکثر تا ده درصد (۱۰٪) از اعتبارات هزینه‌ای مصوب خود را به ادارات تابعه در استانها که مشمول نظام بودجه استانی هستند اختصاص دهند و در این صورت اعتبارات مربوط در هر مورد بنا به پیشنهاد وزیر یا بالاترین مقام دستگاه اجرایی مرکزی ذی‌ربط توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور از بودجه دستگاه اجرایی مذکور کسر و بر حسب برنامه و فصول هزینه به اعتبارات هزینه‌ای دستگاه اجرایی محلی مربوط اضافه خواهد شد.

ماده ۸۱

به منظور کمک به تهیه به موقع مصالح، تجهیزات، ماشین‌آلات، قطعات یدکی مورد نیاز پیش‌بینی شده در طراحی طرحهای تملک داراییهای سرمایه‌ای با تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تا میزان پنج درصد (۵٪) اعتبارات مصوب طرحهای تملک داراییهای سرمایه‌ای ملی و ده درصد (۱۰٪) اعتبارات تملک داراییهای سرمایه‌ای مصوب استانی، جهت خرید لوازم و مصالح فوق اختصاص داده می‌شود و دستگاههای اجرایی حسب مورد مکلفاند پس از تحویل کالاها و مصالح خریداری شده به پیمانکاران، هزینه تمام شده آنها را به میزانی که در آیین‌نامه این ماده پیش‌بینی خواهد شد از صورت وضعیت کسر و مابه‌التفاوت به هزینه قطعی طرح منظور می‌گردد.

ماده ۸۲

به دولت اجازه داده می‌شود بر اساس پیشنهاد وزیر ذی‌ربط و یا بالاترین مقام دستگاه اجرایی و تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور حسب مورد، دستگاه اجرایی تمام یا پروژه‌هایی از طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای ملی مندرج در قوانین بودجه سالانه را تغییر دهد.

ماده ۸۳

وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و آموزشی و پژوهشی مجازند سهم ادارات و واحدهای سازمانی مذکور از محل اعتبارات مصوب مربوط اعم از هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و از محل درآمد اختصاصی یا اعتبارات اختصاص یافته از محل ردیف‌های متفرقه قانون بودجه را مطابق ماده (۷۵) «قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱» به واحدهای ذی‌ربط ابلاغ نمایند.

در موارد مذکور و همچنین دیگر مواردی که بر اساس مقررات قوانین بودجه و دیگر قوانین و مقررات، عملیات اجرایی تمام یا پروژه‌هایی از هر یک از طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای برای اجرا به دستگاه‌های اجرایی یا نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران واگذار و ابلاغ اعتبار می‌شود، دستگاه یا واحد سازمانی گیرنده اعتبار به عنوان دستگاه صاحب اعتبار مکلف است همچنان بر اساس شرح فعالیت‌های موافقتنامه‌های متبادله در حدود اعتبارات ابلاغی تخصیص یافته عمل نماید.

ماده ۸۴

به شرکتهای دولتی مشمول ماده (۲) این قانون و سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود با رعایت مقررات مربوط نسبت به فروش اموال منقول مازاد بر نیاز خود به استثنای خودرو از طریق مزایده و همچنین کسب درآمد بخش آگهی ثبتی موضوع مواد (۱۱)، (۱۲) و (۱۴) «قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰/۱۲/۲۶» و اصلاحات بعدی (قیمت و آگهی ثبت شرکتهای) به طور نقد یا اقساط اقدام نمایند.

ماده ۸۵

الف: اجازه داده می‌شود به پیشنهاد دستگاههای اجرایی و تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تفکیک اعتبارات فصول طرحهای تملک داراییهای سرمایه‌ای مندرج در قوانین بودجه سالانه متناسب با پیشرفت عملیات هر طرح پس از اصلاح موافقتنامه تغییر یابد.

ب: به دولت اجازه داده می‌شود متناسب با تغییر تشکیلات، جابه‌جایی وظایف بین دستگاههای اجرایی و تغییر در تقسیمات کشوری بر اساس پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، اعتبارات هزینه‌ای و تملک داراییهای سرمایه‌ای مصوب را تغییر دهد.

ج: هر گونه تغییر در اعتبارات مصوب ناشی از اجرای مفاد ذی‌ربط این تبصره بایستی در موافقتنامه‌های اصلاحی درج گردد.

ماده ۸۶

مابه‌التفاوت واریزی سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان به درآمد عمومی و مزاد وصول دستگاههای اجرایی که به درآمد عمومی (نزد خزانه‌داری کل) واریز می‌گردد، مشمول مالیات بر درآمد نمی‌باشد.

ماده ۸۷

شرکتهای دولتی موضوع ماده (۲) این قانون مکلف‌اند که تمام طرحها و پروژه‌های سرمایه‌گذاری از محل منابع داخلی بیش از هشت میلیارد (۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال خود را، برای یک بار به تأیید شورای اقتصاد برسانند.

ماده ۸۸

در اجرای وظایف اجتماعی دولت به ویژه تکالیف مذکور در اصول بیست و نهم (۲۹) و سی‌ام (۳۰) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به منظور منطقی نمودن حجم و اندازه دولت و کاهش تدریجی

اعتبارات هزینه‌ای و بهبود ارائه خدمات به مردم و جلب مشارکت بخش غیر دولتی و توسعه اشتغال و صرف بودجه و درآمدهای عمومی با رعایت اصول سوم (۳)، بیست و نهم (۲۹) و سی‌ام (۳۰) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مصالح عامه، وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکتهای دولتی که عهده‌دار ارائه خدمات اجتماعی، فرهنگی، خدماتی و رفاهی از قبیل آموزش فنی و حرفه‌ای، آموزش عمومی، تربیت بدنی، درمان، توانبخشی، نگهداری از سالمندان، معلولین و کودکان بی‌سرپرست، کتابخانه‌های عمومی، مراکز فرهنگی و هنری، خدمات شهری و روستایی، ایرانگردی و جهانگردی می‌باشند مجازند برای توسعه کمی و کیفی خدمات خود و کاهش حجم تصدیهای دولت بر اساس مقررات و ضوابط این ماده اقدامات ذیل را انجام دهند:

الف: اشخاص حقیقی و حقوقی غیر دولتی که متقاضی ارائه خدمات بر اساس مفاد این ماده می‌باشند می‌بایست صلاحیتهای فنی و اخلاقی لازم و پروانه فعالیت از مراجع قانونی ذی‌ربط داشته باشند.

ب: ارائه خدمات موضوع این ماده توسط بخش غیر دولتی به سه روش؛ خرید خدمات از بخش غیر دولتی، مشارکت با بخش غیر دولتی و واگذاری مدیریت بخش غیر دولتی انجام می‌شود.

ج: دستگاههای اجرایی مشمول این ماده برای توسعه کمی خدمات خود با استفاده از ظرفیتهای موجود در بخش غیر دولتی (موضوع بند «الف») و با پرداخت هزینه سرانه خدمات، نسبت به خرید خدمات و ارائه آن به مردم طبق شرایط دولتی اقدام نمایند.

تبصره - برای ایجاد و توسعه اینگونه واحدها، دولت موظف است حمایتهای لازم از قبیل واگذاری زمین، ارائه خدمات زیربنایی و استفاده از تسهیلات وجوه اداره شده طبق ضوابط و به میزانی که در قوانین بودجه سنواتی پیش‌بینی می‌گردد اقدام نماید.

د: در اجرای بند «ب» ماده (۶۴) «قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، دستگاههای مشمول این ماده مجازند مراکز و واحدهای خدماتی، اجتماعی و رفاهی موجود و یا نیمه‌تمام خود را به صورت اجاره به اشخاص حقیقی و حقوقی موضوع بند «الف» واگذار نمایند.

تبصره ۱ - در اجرای این بند، رعایت اولویتهای زیر مشروط به رعایت بند «الف» الزامی است:

- نهادهای عمومی غیر دولتی نظیر شهرداریها و دهیارها

- مؤسسات عام‌المنفعه که بر اساس مجوزهای قانونی تشکیل شده یا می‌شوند.
- نهادهای متشکل از کارکنان دستگاه واگذار کننده، مشروط بر قطع رابطه استخدامی آنها با دستگاه دولتی

- سایر اشخاص حقیقی و حقوقی

تبصره ۲- واگذاری بناها و اموال دولتی که از نفایس ملی می‌باشند مشمول حکم این بند نمی‌گردد.
تبصره ۳- تغییر کاربری مراکز و واحدهایی که واگذار می‌شوند ممنوع می‌باشد. در موارد استثنایی با ذکر دلایل موجه و پس از دریافت مابه‌التفاوت ارزش افزوده ناشی از تغییر کاربری به نفع دولت با پیشنهاد بالاترین مقام دستگاه اجرایی ذی‌ربط و تصویب هیئت وزیران بلامانع است.
تبصره ۴- تعیین میزان اجاره و قیمت‌گذاری کلیه اموال منقول و غیر منقول در واحدهای مشمول این بند با لحاظ نمودن کاربری آنها بر اساس متوسط نظر سه نفر کارشناس رسمی دادگستری صورت می‌گیرد.

تبصره ۵- اجرای این بند از طریق نشر آگهی در روزنامه‌های کثیرالانتشار برای اطلاع عموم از شرایط دستگاه اجرایی انجام خواهد شد.

هـ: دستگاههای مشمول این ماده می‌توانند بر اساس قرارداد منعقد با نهادهای عمومی غیر دولتی، مؤسسات عمومی عام‌المنفعه، تعاونیهایی که از پرسنل منفک شده از دستگاه اجرایی تشکیل شده است و واجد شرایط مذکور در بند «الف» می‌باشند، مدیریت واحدهای خود را با حفظ مالکیت دولت بر اموال منقول و غیر منقول به آنها واگذار نمایند. در این صورت این واحدها بر اساس ضوابط حاکم بر واحد طرف قرارداد اداره خواهند شد.

تبصره ۱- مسؤولیت حفظ و حراست و تعمیر و نگهداری اموال دولت به عهده طرف قرارداد می‌باشد.
تبصره ۲- اینگونه واحدها موظف‌اند با دریافت سرانه متناسب که از دستگاههای اجرایی ذی‌ربط دریافت می‌نمایند بر اساس تعرفه‌های مصوب توسط مراجع ذی‌ربط بر اساس بند «ز» این ماده خدمت نمایند.

تبصره ۳- طرف قرارداد موظف است ضمن حفظ کاربری واحد مربوطه در صورت تقاضای کارکنان برای ادامه خدمت در آن واحدها حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) از کارکنان شاغل را به عنوان مأمور بپذیرد و

حقوق و مزایای آنها را طبق احکام رسمی پرداخت نماید. بقیه کارکنان در سایر واحدهای دستگاه ذی‌ربط اشتغال خواهند یافت.

و: تعیین سیاستهای اجرایی، استانداردها، اعمال نظارت حاکمیت دولت بر اینگونه واحدها با رعایت قوانین مربوطه توسط بالاترین مقام دستگاه ذی‌ربط انجام خواهد شد.

ز: تعرفه ارائه خدمات توسط بخشهای غیر دولتی فوق‌الذکر مطابق ضوابط قانونی مربوط تعیین می‌گردد و در مواردی که ضابطه قانونی مشخص وجود ندارد با پیشنهاد وزیر و یا بالاترین مقام دستگاه اجرایی ذی‌ربط به تصویب شورای اقتصاد خواهد رسید.

ح: دولت موظف است به منظور کاهش هزینه‌های جاری و حجم تصدیهای دولت، برنامه اجرایی این ماده را حسب وظایف مربوطه، شامل هدفهای کمی و میزان صرفه‌جویی در هزینه‌های دولتی و میزان اعتبار مربوط برای پرداخت یارانه‌ها به بخش غیر دولتی را همه ساله در لوایح بودجه سنواتی منظور نماید.

ط: کلیه درآمدهای دستگاههای دولتی حاصل از این ماده به حساب خزانه‌داری کل واریز می‌گردد.

ی: آیین‌نامه اجرایی این ماده حداکثر ظرف مدت سه ماه توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و با همکاری دستگاههای ذی‌ربط تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ماده ۸۹

به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی اجازه داده می‌شود:

الف: پروژه‌های تملک داراییهای سرمایه‌ای نیمه‌تمام و خاتمه یافته غیر مورد نیاز و مصالح و تجهیزات مازاد طرحهای خاتمه یافته را پس از تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و با رعایت مقررات مربوطه، به طور نقد یا اقساط از طریق مزایده طبق قوانین و مقررات مربوطه به فروش رسانده و وجوه حاصل را به درآمد عمومی (نزد خزانه‌داری کل) واریز نمایند. این حکم شامل شرکتهای دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی نیز می‌شود.

ب: حق استفاده از ساختمانهای مازاد بر نیاز دستگاههای وابسته به وزارتخانه‌ها، مؤسسات و سازمانهای دولتی در مرکز به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و تصویب هیئت وزیران در استانها

به پیشنهاد استاندار یا رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان و تصویب شورای برنامه‌ریزی بلاعوض به دستگاههای دولتی نیازمند واگذار گردد.

ماده ۹۰

الف: به دولت اجازه داده می‌شود بر اساس پیشنهاد مشترک وزارت کشور و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور اعتبارات مصوب دستگاههای اجرایی را متناسب با واگذاری فعالیت مدیریت شهری به شهرداریها، از اعتبارات دستگاه اجرایی مربوط کسر و در اختیار شهرداری ذی‌ربط قرار دهد.

ب: با رعایت احکام برنامه‌های توسعه، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مکلف است با تصویب هیئت دولت، متناسب با واگذاری هر یک از فعالیتهای دستگاههای اجرایی به شوراهای اسلامی روستاها و دهیاریها، اعتبارات دستگاه اجرایی مربوط را کسر و در اختیار شورای اسلامی روستا یا دهیاریهای ذی‌ربط قرار دهد.

تبصره - رعایت مفاد اصل پنجاه و پنجم (۵۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مورد اعتبارات مذکور در این ماده الزامی است.

ماده ۹۱

به دستگاههای اجرایی اجازه داده می‌شود از محل بودجه‌های پیش‌بینی شده در این قانون، ساختمانهایی را که به تشخیص سازمان میراث فرهنگی کشور، دارای ارزش فرهنگی و تاریخی هستند و با کاربریهای مورد نظر دستگاه قابل تطبیق هستند و ساختمانهای حریم آنها، طبق تشخیص سازمان میراث فرهنگی کشور، خریداری و با نظارت سازمان میراث فرهنگی کشور نسبت به تعمیر، تجهیز و بهره‌برداری از آنها اقدام نمایند.

برای تحقق این هدف، وزارتخانه‌های مسکن و شهرسازی و جهاد کشاورزی موظفاند با تقاضای دستگاه اجرایی خریدار و موافقت فروشنده نسبت به تأمین زمین جایگزین برای اجرای این حکم و تملک املاک و ساختمانهای موضوع این ماده با دریافت بهای عادلانه اقدام نمایند.

ماده ۹۲

به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش اجازه داده می‌شود درآمد حاصل از فروش و واگذاری تولید محصولات آموزشی و کمک آموزشی خود را به حساب درآمد عمومی (نزد خزانه‌داری کل) واریز نماید.

ماده ۹۳

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مکلف است در پایان هر سه ماه معادل ارزش خدمات ارائه شده راه آهن و بهای سوخت، آب، فاضلاب، برق، گاز، مخابرات و بدهی به صندوقهای بازنشستگی و بیمه خدمات درمانی نیروهای نظامی و انتظامی جمهوری اسلامی ایران را در صورت عدم پرداخت توسط دستگاههای ذی‌ربط، از اعتبارات ردیفهای دستگاههای ذی‌ربط کسر و حسب مورد به دستگاه طلبکار و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح پرداخت نماید. همچنین هزینه‌های سوخت، آب، برق، مخابرات و تعمیرات جزئی خانه‌های سازمانی توسط بهره‌بردار و هزینه واحدهایی از نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران که به کارهای انتفاعی می‌پردازند، از محل درآمدهای مزبور پرداخت خواهد شد. در مورد آب و برق خانه‌های سازمانی به استثنای خانه‌های سازمانی پاسگاههای مرزی، نیروهای مسلح موظفاند با نصب کنتور مجزا با هماهنگی وزارتخانه‌های کشور و دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح هزینه برق و آب مصرفی را مستقیماً توسط بهره‌بردار به شرکتهای خدمات دهنده پرداخت نمایند.

ماده ۹۴

کلیه کارخانه‌های دولتی و بخش خصوصی موظفانند بر اساس ضوابط مندرج در «قانون کار مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام» نسبت به ایجاد مراکز مراقبت‌های بهداشتی در محیط کار مطابق آیین‌نامه پیشنهادی وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و کار و امور اجتماعی تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید، حداقل نیم درصد (۰/۵٪) از سود خالص سال قبل خود را با نظارت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی برای آموزش و اجرای گسترش ضوابط بهداشت و درمان به مصرف برسانند. کل هزینه‌هایی که به موجب این ماده صورت می‌گیرد جزء هزینه‌های قابل قبول مالیاتی کارخانه‌های مذکور تلقی و از درآمد مشمول مالیات آنها کسر خواهد شد.

ماده ۹۵

در ازای صدور پروانه گذر مرزی برای مسافران مرزی کشور که بر اساس پروتکل‌های منعقد شده بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای همسایه در محدوده مجاز مورد تأیید دولت تردد می‌نمایند حداقل بیست و هفت هزار و پانصد (۲۷,۵۰۰) ریال و حداکثر یکصد و ده هزار (۱۱۰,۰۰۰) ریال دریافت و به حساب درآمد عمومی کشور (نزد خزانه‌داری کل) واریز نماید.

ماده ۹۶

به وزارت کشور اجازه داده می‌شود: در قبال ارائه خدمات ویژه (صدور کارت شناسایی صدور دفترچه اقامت موقت، صدور برگ تردد، صدور المثنی برای این موارد، صدور پروانه اقامت، تمدید تابعیت، بقا بر تابعیت پدر و رجوع به تابعیت اولیه) به پناهندگان و اتباع خارج مبالغی با تصویب هیئت وزیران دریافت و به حساب درآمد عمومی کشور واریز نماید.

ماده ۹۷

بند «ب» ماده (۲۶) «قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸» به شرح زیر اصلاح می‌شود:

معادل سی درصد (۳۰٪) از حقوق و مزایای کلیه کارکنان خارجی را همراه با معادل مبلغ حق بیمه بیکاری که برای کارگران ایرانی اخذ می‌شود از کارفرمایان مربوط دریافت و به حساب درآمد عمومی (نزد خزانه‌داری کل) واریز نماید.

ماده ۹۸

چنانچه زوجه پس از صدور اجرائیه در خصوص وصول مهریه و لازم‌الاجرا شدن (اعم از اجرائیه اسناد رسمی و آرای محاکم و مراجع قضایی) به هر علت از ادامه عملیات اجرایی منصرف شود از پرداخت نیم عشر دولتی معاف خواهند بود.

حکم این ماده به پرونده‌های اجرایی سابق که مختومه شده‌اند و نیم عشر دولتی آنها وصول نشده نیز تسری می‌یابد.

ماده ۹۹

به وزارت جهاد کشاورزی و سازمان انرژی اتمی ایران اجازه داده می‌شود با رعایت احکام قوانین برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، درآمد حاصل از فروش نیروگاه‌های آبی، بادی و خورشیدی و فروش انرژی برق خود را به درآمد عمومی (نزد خزانه‌داری کل) واریز نمایند.

ماده ۱۰۰

به وزارت مسکن و شهرسازی (سازمان ملی زمین و مسکن) اجازه داده می‌شود نسبت به واگذاری اراضی دولتی با کاربری عمومی (آموزشی، ورزشی، بهداشتی و فرهنگی) به سازمان دولتی ذی‌ربط به قیمت تمام شده و به بخش غیر دولتی به قیمت کارشناسی روز به صورت اجاره به شرط تملیک (حداکثر بیست ساله) اقدام نماید.

ماده ۱۰۱

اجازه داده می‌شود برای بهبود شرایط حمل و نقل شهری و کاستن از آلودگی هوای شهرها با مشارکت شهرداریها، مؤسسات اتوبوسرانی شهری به صورت شرکتهای تعاونی و خصوصی تأسیس شود و از نظر رفت و آمد و سایر مقررات از تسهیلات و امتیازات شرکتهای و سازمانهای اتوبوسرانی موجود استفاده کنند.

برای توسعه و بهره‌وری بیشتر حمل و نقل شهری، بر اساس موافقتنامه‌ای که از طریق وزارت کشور و وزارت تعاون با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مبادله می‌شود از محل اعتبار پیش‌بینی شده در قوانین بودجه سنواتی بخشی از هزینه سرمایه‌گذاریهای مزبور برای خرید خودروی جمعی به صورت کمک، وام و یارانه سود تسهیلات به عنوان وجوه اداره شده پرداخت می‌گردد.

شرکتهای و سازمانهای بخش خصوصی و تعاونی مکلفاند خدمات لازم را در مقابل تسهیلات و کمکهای دریافتی ارائه نمایند. دولت مکلف است از شرکتهای و سازمانهای بخش خصوصی و تعاونی در مقابل تسهیلات و کمکهای اعطایی تعهد و تضمین لازم برای خرید خودروی جمعی و ارائه خدمات در محورهای تعیین شده را اخذ نماید. آیین‌نامه اجرایی این ماده به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و تصویب هیئت وزیران خواهد بود.

ماده ۱۰۲

وزارت نیرو مکلف است از محل منابع داخلی نسبت به برق‌رسانی به خانه‌های بهداشت و مراکز بهداشتی درمانی روستایی و مراکز و دفاتر پستی مخابراتی روستایی تا دویست متری شبکه و برق‌رسانی به خانواده‌های روستایی تا فاصله دویست متر از شبکه فشار ضعیف به ازای هر خانوار در روستاها فقط با دریافت هزینه انشعاب و نصب کنتور بیست و پنج آمپر تک فاز اقدام نماید.

ماده ۱۰۳

اجازه داده می‌شود کل اعتبارات هزینه‌ای، تملک داراییهای سرمایه‌ای و اختصاصی دانشگاهها و مؤسسه‌های آموزش عالی و پژوهشی وابسته به وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و فرهنگستانها و مراکز آموزشی و پژوهشی وابسته به سایر دستگاهها که دارای مجوز از سوی شورای گسترش آموزش عالی می‌باشد، بر اساس «قانون تشکیل هیئت امنای دانشگاهها و مؤسسه‌های آموزش عالی پژوهشی مصوب ۱۳۶۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی» و «قانون نحوه انجام امور مالی و معاملاتی دانشگاهها و مؤسسه‌های آموزش عالی و تحقیقاتی مصوب ۱۳۶۹/۱۰/۱۸ مجلس شورای اسلامی» و آیین‌نامه‌های مربوط در قالب برنامه و طرح به صورت کمک و بدون الزام به رعایت سایر قوانین و مقررات عمومی کشور به استثنای ماده (۳۱) «قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱» هزینه شود. موافقتنامه‌های طرحهای تملک داراییهای سرمایه‌ای مراکز فوق‌الذکر (به استثنای طرحهای تجهیزاتی) با هماهنگی وزارتخانه‌های متبوع با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مبادله می‌گردد. انجام امور مالی و معاملاتی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و مراکز سایر دستگاههایی که دارای مجوز از شورای فوق‌الذکر و یا مجلس شورای اسلامی می‌باشند صرفاً مشمول مقررات این ماده می‌باشد.

ماده ۱۰۴

نحوه تخصیص اعتبارات هزینه‌ای و تملک داراییهای سرمایه‌ای و اختصاصی دانشگاهها و مؤسسه‌های آموزش عالی و تحقیقاتی وابسته به وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بر اساس مواد (۳) و (۴) «قانون نحوه انجام امور مالی و معاملاتی دانشگاهها و مؤسسه‌های آموزش عالی و تحقیقاتی مصوب ۱۳۶۹/۱۰/۱۸» و آیین‌نامه‌های مربوطه خواهد بود.

ماده ۱۰۵

به وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و علوم، تحقیقات و فناوری اجازه داده می‌شود هزینه ارزشیابی مدارک تحصیلی فارغ‌التحصیلان و دانشجویان انتقالی خارج از کشور را از آنها اخذ و به حساب درآمد عمومی کشور (نزد خزانه‌داری کل) واریز نمایند.

ماده ۱۰۶

به دانشگاهها و مراکز پژوهشی اجازه داده می‌شود که بر اساس سیاستهای کلی دولت نسبت به انجام قراردادهای پژوهشی و توسعه همکاری علمی با دانشگاهها و مراکز پژوهشی و صنعتی سایر کشورها اقدام نمایند.

درآمدهای ناشی از فروش دانش فنی و اجرای امور پژوهشی پس از واریز به حساب درآمد عمومی (نزد خزانه‌داری کل) معادل وجوه واریزی از محل ردیف خاصی که در قوانین بودجه سالانه منظور خواهد شد جهت توسعه کیفی امر آموزش و تحقیقات در اختیار دانشگاهها و مراکز پژوهشی ذی‌ربط قرار خواهد گرفت.

ماده ۱۰۷

خرید دانش فنی از خارج از کشور توسط دستگاههای موضوع ماده (۳۳) این قانون جهت اجرای طرحها و پروژه‌های تملک داراییهای سرمایه‌ای مذکور در قوانین بودجه سالانه به شرطی مجاز خواهد

بود که با تشخیص وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دانش فنی مورد نیاز آن در داخل کشور وجود نداشته باشد. وزارتخانه مذکور موظف است با کسب اطلاع از کلیه مراکز ذی‌ربط حداکثر ظرف مدت دو ماه نظر خود را حسب مورد به دستگاه اجرایی درخواست کننده اعلام نماید.

ماده ۱۰۸

کلیه دستگاه‌های اجرایی اعم از مؤسسه‌های دولتی، شرکت‌های دولتی و مؤسسه‌های انتفاعی وابسته به دولت و غیر دولتی موظف‌اند قبل از انجام هر گونه خرید خارجی در زمینه مواد پرتوزا و دستگاه‌هایی که به نحوی با پرتوهای یون‌ساز و غیر یون‌ساز سر و کار دارند از سازمان انرژی اتمی ایران گواهی عدم تولید داخلی و عدم دانش فنی داخلی را دریافت نمایند. سازمان مذکور موظف است حداکثر ظرف مدت یک ماه از تاریخ دریافت تقاضا نسبت به صدور گواهی مزبور اقدام نماید. در صورت توان داخلی طبق استانداردهای لازم موظف‌اند از طریق عقد قرارداد با مراکز تحقیقاتی، سازنده و تولیدی سازمان انرژی اتمی ایران اعتبارات مربوط را هزینه نمایند.

ماده ۱۰۹

ایجاد و توسعه هر گونه دانشکده، مؤسسه آموزشی با مقطع تحصیلی بالاتر از کاردانی توسط وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی و مؤسسه‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به جز وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و همچنین دانشگاه‌های نیروهای مسلح بدون مجوز شورای گسترش آموزش عالی ممنوع است.

ماده ۱۱۰

وزارت جهاد کشاورزی موظف است اراضی واگذار شده توسط هیئت‌های واگذاری زمین را بدون استثنا و بدون هیچ پیش شرطی به کشاورزان متقاضی خرید با حفظ کاربری کشاورزی حداکثر قیمت منطقه‌ای

زمان واگذاری به صورت نقد یا اقساط بفروشد و درآمد حاصله را به حساب درآمد عمومی (نزد خزانه‌داری کل) واریز نماید.

تبصره - وزارت جهاد کشاورزی مکلف است اراضی مورد نیاز برای ایجاد مجتمع‌های دامپروری (شرکت‌های صنعتی دامداری) را با قیمت منطقه‌ای با اقساط پنج ساله در اختیار سرمایه‌گذاران و بهره‌برداران قرار دهد.

ماده ۱۱۱

شهرک‌های صنعتی غیر دولتی از امتیازات مقرر در «قانون راجع به تأسیس شرکت شهرک‌های صنعتی ایران مصوب ۱۳۶۲/۱۲/۷» و اصلاحیه‌های بعدی آن برخوردار می‌گردند.

ماده ۱۱۲

اجازه داده می‌شود بر اساس تعرفه‌هایی که به پیشنهاد مشترک وزارت جهاد کشاورزی و سازمان محیط زیست به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، درآمد حاصل از صدور مجوز بهره‌برداری و استحصال آرمیا در پارک ملی دریاچه ارومیه به حساب درآمد عمومی (نزد خزانه‌داری کل) واریز گردد.

ماده ۱۱۳

وزارتخانه‌های صنایع و معادن و جهاد کشاورزی موظف‌اند با رعایت قوانین برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران حسب مورد نسبت به ایجاد بورس‌های تخصصی فلزات و بورس‌های تخصصی کالاهای عمده بخش کشاورزی اقدام نمایند.

ماده ۱۱۴

این قانون از تاریخ ۱۳۸۱/۱/۱ لازم‌الاجرا می‌باشد و قوانین مغایر با آن لغو می‌گردد.

فصل پانزدهم

نظارت

◀◀ ماده ۲۴۴

به منظور تقویت و کارآمد کردن نظام بازرسی و نظارت و رفع تداخل میان وظایف نهادهای نظارتی و بازرسی، شورائی به ریاست معاون اول رئیس جمهور و عضویت روسای سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات، دیوان عدالت اداری، سازمان مدیریت و برنامه ریزی و وزیر اطلاعات تشکیل می گردد. این شورا موظف است ضمن پیش بینی راه کارهای تقویت و کارآمد کردن نظام بازرسی، وظایف تکراری و موازی سازمان های متولی بازرسی و نظارت را حذف و رویه های اجرائی سازمان های فوق الذکر را هماهنگ نماید و در صورت ضرورت لوایح لازم را تهیه و در مسیر قانونی قرار دهد. دبیرخانه این شورا در سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تشکیل می گردد..

◀◀ ماده ۲۴۵

به منظور حسن اجرای برنامه چهارم، رئیس جمهور گزارش نظارت و ارزیابی پیشرفت هر سال برنامه را حداکثر تا پایان آذر ماه سال بعد، شامل موارد ذیل به مجلس شورای اسلامی، ارائه نماید:

الف- بررسی عملکرد مواد قانونی برنامه

ب- بررسی عملکرد سیاستهای اجرایی

ج- بررسی عملکرد متغیرهای عمده کلان و بخشی، از جمله تولید و سرمایه گذاری، تجارت خارجی، تراز

پرداختها، بودجه، بخش پولی و تورم، اشتغال و بیکاری

د- پیشرفت عملیات اسناد ملی توسعه بخشی، استانی و ویژه

ه- ارزیابی نتایج عملکرد و تبیین علل مغایرت با برنامه

و- ارائه پیشنهادهای لازم به منظور بهبود عملکرد برنامه

◀ ماده ۲۴۶

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، به منظور ارزیابی میزان پیشرفت کشور در چارچوب موازین، چشم‌انداز و سیاست‌های کلی نظام، شاخص‌های مربوط را متناسب با شاخص‌های بین‌المللی تنظیم و مقایسه و در تیرماه هر سال نتایج حاصل از اندازه‌گیری شاخص‌های مذکور را به همراه نقاط قوت و ضعف و پیشنهاد‌های مؤثر برای بهبود وضعیت کشور به مقام معظم رهبری، دولت و مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌نماید.

◀ ماده ۲۴۷

کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی موضوع ماده (۴) "قانون محاسبات عمومی کشور، مصوب ۱۳۶۶/۶/۱" و سایر شرکت‌هایی که بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) سرمایه و سهام آنها منفرداً یا مشترکاً به وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی، به استثنای بانکها و مؤسسات اعتباری و شرکت‌های بیمه قانونی، تعلق داشته باشند و همچنین شرکتها و مؤسسات دولتی که شمول قوانین و مقررات عمومی به آنها، مستلزم ذکر نام یا تصریح نام است، از جمله: شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های تابع و وابسته به وزارت نفت و شرکت‌های تابعه آنها، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و شرکت‌های تابعه، سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران و شرکت‌های تابعه در موارد مربوط، مشمول مقررات این لایحه می‌باشند.

تبصره- مقررات این لایحه در مورد سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران و شرکت‌های تابعه آنها در صورتی قابل اجرا است که در قانون تأسیس و اساسنامه مصوب سازمان‌های یاد شده حکم مغایر با آنها منظور نشده باشد.

بخش هفتم
جداول کمی
برنامه چهارم توسعه

جدول شماره ۱- شاخصهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مدیریتی برنامه چهارم توسعه

اجتماعی			
۱۳۸۸	۱۳۸۰	۱۳۷۰	نسبت هزینه ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین خانوارها
۱۴/۰	۱۹/۴	۳۳/۴	نسبت هزینه ۲۰٪ بالا به ۲۰٪ پایین خانوارها
۵/۵	۱۰/۰	۱۴/۲	ضریب جینی
-/۳۸	-/۴۳	-/۴۹	شاخص رفاه اجتماعی
۸۰۰	۴۲۳	۲۵۱	شاخص توسعه انسانی
-/۸۲۰	-/۷۱۹	-/۷۳۶	درصد جمعیت زیر خط فقر نسبی (۵۰٪ میانه درآمدی)
۷	۱۵	-	میزان مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال (در ۱۰۰۰ نفر)
۱۷/۰	۳۴/۰	۶۴/۵	امید به زندگی در بدو تولد (سال)
۷۳	۶۹/۸	۶۴/۷	

اقتصادی		
شاخص	رشد متوسط ۱۳۷۰-۸۰	رشد متوسط ۱۳۸۴-۸۸
رشد تولید ناخالص داخلی (٪)	۳/۹	۸
رشد تولید ناخالص داخلی سرانه (٪)	۲/۴	۶/۶
رشد سرمایه گذاری (٪)	۴/۳	۱۲/۲
رشد جمعیت (٪)	۱/۵	۱/۴
رشد بهره وری نیروی کار (٪)	۱/۳	۳/۵
رشد جمعیت بیکار (٪)	۴/۷	-۴/۲
رشد صادرات غیر نفتی (٪)	۵/۶	۱۰/۷
رشد نقدینگی (٪)	۲۷/۳	۲۰/۰
ترخ تورم (٪)	۲۳/۰	۹/۹

ساختار دولت	
کاهش تعداد کارکنان دولت	کاهش نسبت بودجه کل کشور به تولید ناخالص داخلی
افزایش تعداد واحدهای دولتی که به روش قیمت تمام شده اداره می شوند	کاهش تعداد پست های مدیریتی و سرپرستی
حجم تصدی های اجتماعی، فرهنگی واگذار شده به بخش غیر دولتی	متوسط زمان تصدی مدیران در پست های مدیریتی
کاهش نسبت بودجه کل کشور به تولید ناخالص داخلی	درصد برخورداری دستگاههای دولتی از امکانات اینترنتی
کاهش تعداد پست های مدیریتی و سرپرستی	درصد رضایتمندی مراجع کنندگان از نحوه خدمات ارائه شده
متوسط زمان تصدی مدیران در پست های مدیریتی	متوسط سرانه آموزش مدیران و کارکنان دولت در سال
درصد برخورداری دستگاههای دولتی از امکانات اینترنتی	نسبت بودجه دستگاههای اجرایی که برای توسعه به بخش غیردولتی واگذار میشود
درصد رضایتمندی مراجع کنندگان از نحوه خدمات ارائه شده	
متوسط سرانه آموزش مدیران و کارکنان دولت در سال	
نسبت بودجه دستگاههای اجرایی که برای توسعه به بخش غیردولتی واگذار میشود	

فرهنگی، پژوهشی و فناوری		
وضع موجود	۱۳۸۸	۱۳۸۰
شاخص دستیابی به فناوری	۰/۲۶	۰/۴۵
شاخص توسعه آموزشی (از ۱۰۰)	۷۸	۸۴
درصد اعتبارات پژوهشی به تولید ناخالص داخلی	۰/۸۷	۲/۵
تعداد دانشمندان و مهندسان شاغل در تحقیق و توسعه (به ازای هر میلیون نفر)	۳۳۶	۲۰۰
تعداد ثبت جواز امتیاز علمی (به ازای هر میلیون نفر)	۱	۴
درصد صادرات کالاها و فناوری پیشرفته به کل صادرات غیر نفتی	۲	۶
درصد باسوادان ۶ ساله و بالاتر	۸۵/۵	۹۰
تعداد عناوین کتابهای منتشر شده به ۱۰۰ هزار نفر جمعیت	۳۳/۷	۵۴/۹

جدول شماره ۲ - تصویر شاخصهای کلان اقتصادی برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه

شرح	رشد متوسط سالانه (درصد)	به قیمت‌های ثابت ۱۳۸۱				رشد متوسط سالانه (درصد)
		۱۳۹۴	۱۳۸۸	۱۳۸۳	۱۳۸۱	
سرمایه گذاری، رشد و ساختار تولید ملی						
تولید ناخالص داخلی	۳/۹	۹۲۲۴۳۳/۰	۱۰۵۱۰۱۸/۰	۱۵۴۲۲۹/۲	۲۵۳۸۲۷۲/۸	۸/۰
تولید ناخالص داخلی سرنه (هزار ریال)	۲/۴	۱۴۰۴۹/۳	۱۵۵۳۴/۷	۲۱۳۲۲/۸	۳۲۴۷۲/۱	۶/۵
- کشاورزی	۳/۱	۱۰۷۸۹۲/۹	۱۱۹۲۰۵/۳	۱۶۳۵۹۵/۷	۲۲۶۶۶۷/۱	۶/۵
- نفت	-۰/۸	۲۰۳۷۸۶/۳	۲۲۵۹۵۰/۱	۲۶۱۹۳۸/۱	۳۱۲۷۶۷/۸	۳/۰
- صنایع و معادن	۵/۷	۱۷۰۶۳۱/۷	۲۰۰۸۷۱/۷	۳۲۰۰۷۳/۲	۶۲۲۰۹۸/۳	۱۱/۳
- (صنعت)	۵/۰	(۱۲۰۵۳۳/۹)	(۱۴۰۹۱۶/۳)	(۲۲۹۴۷۲/۶)	(۴۹۵۳۴۴/۰)	۱۱/۳
- خدمات	۵/۳	۴۴۰۱۲۲/۱	۵۰۴۷۹۰/۸	۷۷۶۶۸۳/۲	۱۳۷۵۹۴۱/۶	۹/۰
سرمایه گذاری	۴/۳	۲۵۹۱۴۲/۵	۳۰۱۴۲۴/۷	۴۵۳۸۶۹/۰	۹۲۳۲۱۴/۶	۱۳/۴
جمعیت و نیروی انسانی						
جمعیت (هزار نفر)	۱/۵	۶۵۶۵۷/۰	۶۷۶۵۶/۱	۷۲۲۹۰/۵	۷۸۱۷۴/۰	۱/۴
جمعیت ۱۰ ساله به بالا (هزار نفر)	۳/۱	۵۳۴۷۹/۰	۵۵۳۰۳/۵	۵۹۲۵۷/۸	۶۵۰۰۹/۰	۱/۵
عرشه نیروی کار (هزار نفر)	۲/۸	۲۰۱۷۳/۰	۲۱۵۶۸/۴	۲۵۵۲۹/۴	۳۱۲۰۴/۰	۳/۴
نرخ مشارکت (درصد)	-۰/۴	۳۷/۷	۳۹/۰	۴۳/۰	۴۸/۰	۲/۰
بهره وری نیروی کار (هزار ریال)	۱/۳	۵۲۲۳۷/۸	۵۵۵۹۱/۸	۶۶۰۲۵/۶	۸۷۴۷۴/۲	۳/۵
تفاضلی نیروی کار (هزار نفر)	۲/۶	۱۷۵۹۱/۰	۱۸۹۰۶/۰	۲۳۳۸۹/۳	۲۹۰۱۹/۷	۴/۳
جمعیت بیکار (هزار نفر)	۴/۷	۲۵۸۲/۰	۳۶۶۲/۴	۲۱۵۰/۱	۲۱۸۴/۳	-۲/۳
نرخ بیکاری (درصد)	۱/۸	۱۲/۸	۱۳/۳	۸/۴	۷/۰	
بخش خارجی						
صادرات کالا (میلیون دلار)	۲/۵	۲۸۱۸۶/۰	۳۰۲۷۳/۰	۳۸۰۸۲/۰	۴۷۱۷۸/۴	۴/۷
صادرات کالاهای غیر نفتی (میلیون دلار)	۵/۶	۵۳۷۹/۰	۷۷۲۰/۰	۱۲۸۱۷/۰	۱۵۷۴۵/۴	۱۰/۷
صادرات صنعتی (میلیون دلار)	۱۳/۴	۲۶۱۹/۷	۴۸۶۰/۰	۷۶۹۰/۲	۱۱۸۰۹/۰	۱۴/۸
واردات کالا (میلیون دلار)	-۳/۴	۲۳۷۸۶/۰	۳۰۷۴۲/۰	۴۳۳۸۸/۰	۴۷۱۷۸/۴	۶/۶
تراز تجاری (میلیون دلار)	-	۴۴۰۰/۰	-۴۶۹۰/۰	-۴۲۰۶/۰	-۰/۰	-
سرمایه گذاری خارجی (میلیون دلار)	-	۶۲۰/۹	۷۰۷/۵	۳۸۰۲/۰	۳۴۹۰/۰	۴۰/۰
شاخص سرعت تعامل با اقتصاد جهانی	۱/۷			۲/۷	۷/۹	
نقدینگی و تورم*						
نقدینگی	۲۷/۳	۴۱۷۵۲۴/۰	۶۵۶۷۸۰/۴	۱۶۳۴۲۷۹/۸	۳۶۶۱۷۲۵/۴	۲۰/۰
نرخ تورم (درصد)	-	۱۵/۸	۱۴/۵			۹/۹

* اطلاعات این بخش به قیمت‌های جاری می باشد

فروض اساسی در برنامه چهارم:

- ۱- افزایش بهره وری نیروی کار، بهره وری سرمایه و بهره وری کل عوامل تولید با رشد متوسط سالانه به ترتیب ۳/۵، ۱ و ۲/۵ درصد در برنامه چهارم و افزایش سهم بهره وری کل عوامل تولید در رشد تولید ناخالص داخلی به ۳۱/۳ درصد.
- ۲- افزایش نسبت سرمایه گذاری به تولید از ۲۸/۷ درصد به ۳۴/۷ درصد.
- ۳- افزایش نسبت صادرات غیر نفتی به تولید ناخالص داخلی از ۶/۳ درصد به ۱۰ درصد
- ۴- نرخ برابری دلار: رشد ۷/۷ طی دوره، ۱۱۹۲۲ ریال در سال ۱۳۸۸
- ۵- افزایش نسبت سرمایه گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی از ۰/۶ درصد به ۳ درصد.
- ۶- کاهش نرخ تورم از ۱۷ درصد به ۶/۸ درصد (به طور متوسط ۹/۹ درصد طی برنامه)
- ۷- کاهش نرخ بیکاری به ۸/۴ درصد در سال ۱۳۸۸

جدول شماره ۲-۱- تولید ناخالص داخلی و ارزش افزوده بخشهای اقتصادی در برنامه چهارم توسعه

میلیارد ریال - قیمت‌های ثابت ۱۳۸۱

رشد متوسط (%)	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	
۶/۵	۱۶۳.۵۹۵/۷	۱۵۲.۰۰۷/۳	۱۴۲.۳۱۳/۳	۱۳۳.۹۵۰/۳	۱۲۶.۵۲۱/۹	۱۱۹.۴۰۵/۴	ارزش افزوده بخش کشاورزی
۳/۰	۲۶۱.۹۳۸/۱	۲۵۲.۸۷۴/۶	۲۴۵.۰۰۸/۲	۲۳۸.۱۶۰/۸	۲۳۱.۸۸۱/۸	۲۲۵.۹۵۰/۱	ارزش افزوده بخش نفت
۱۱/۲	۳۴۲.۱۰۳/۸	۳۰۴.۳۲۶/۳	۲۷۲.۹۲۴/۹	۲۴۵.۸۰۲/۶	۲۲۱.۸۸۷/۴	۲۰۰.۸۷۱/۷	ارزش افزوده بخش صنایع و معادن
۱۱/۲	۲۳۹.۴۷۲/۶	۲۱۳.۰۲۸/۵	۱۹۱.۰۰۴۷/۴	۱۷۲.۰۶۱/۹	۱۵۵.۳۲۱/۲	۱۴۰.۶۱۰/۲	صنعت
۱۱/۲	۹.۲۳۶/۸	۸.۲۱۶/۸	۷.۳۶۸/۹	۶.۶۳۶/۷	۵.۹۹۱/۰	۵.۴۲۳/۵	معدن
۱۱/۹	۸۰.۳۹۴/۴	۷۱.۰۶۰/۲	۶۳.۳۱۸/۶	۵۶.۷۸۰/۴	۵۰.۸۱۳/۲	۴۵.۷۹۸/۷	ساختمان
۷/۵	۱۲.۹۹۹/۹	۱۲.۰۲۰/۹	۱۱.۱۸۹/۹	۱۰.۳۳۳/۷	۹.۷۶۳/۱	۹.۰۳۹/۲	آب و برق و گاز
۹/۰	۷۷۶.۶۵۲/۷	۷۰۳.۴۹۸/۸	۶۴۲.۹۸۸/۶	۵۹۱.۰۲۴/۳	۵۴۵.۳۴۸/۹	۵۰۴.۷۹۰/۸	ارزش افزوده بخش خدمات
۱۱/۰	۲۵۶.۲۶۸/۰	۲۲۸.۷۲۵/۹	۲۰۵.۲۲۵/۷	۱۸۵.۲۱۴/۴	۱۶۷.۶۹۷/۵	۱۵۲.۲۶۰/۶	بازرگانی، رستوران و هتلداری
۱۱/۰	۱۳۶.۰۴۹/۹	۱۲۱.۲۰۶/۷	۱۰۸.۷۹۶/۷	۹۸.۱۸۰/۱	۸۸.۹۰۹/۳	۸۰.۷۳۹/۰	حمل و نقل و انبارداری
۱۸/۰	۲۶.۳۶۷/۴	۲۱.۱۲۲/۰	۱۸.۱۴۹/۲	۱۵.۶۱۹/۶	۱۳.۴۳۲/۰	۱۱.۵۲۵/۴	ارتباطات
۹/۰	۲۲۰.۱۸۳/۸	۱۹۹.۸۱۱/۱	۱۸۲.۶۴۰/۶	۱۶۷.۸۹۴/۸	۱۵۴.۹۳۳/۱	۱۴۳.۴۲۳/۱	مؤسسات پولی و مالی
-۰/۱	۹۰.۶۴۷/۸	۹۱.۳۳۸/۷	۹۱.۵۵۲/۲	۹۱.۶۵۵/۰	۹۱.۴۹۳/۷	۹۱.۰۹۶/۴	خدمات عمومی
۱۲/۹	۴۷.۱۳۵/۸	۴۱.۳۹۴/۴	۳۶.۵۷۴/۲	۳۲.۴۶۰/۴	۲۸.۸۸۳/۴	۲۵.۷۴۶/۳	خدمات اجتماعی و شخصی
۸/۰	۱.۵۴۴.۲۹۰/۳	۱.۴۱۲.۷۰۷/۰	۱.۳۰۳.۲۳۵/۰	۱.۲۰۸.۹۳۸/۰	۱.۱۲۵.۶۴۰/۰	۱.۰۵۱.۰۱۸/۰	تولید ناخالص داخلی

جدول شماره ۲-۲- تولید ناخالص داخلی و ارزش افزوده بخشهای اقتصادی در برنامه چهارم توسعه

میلیارد ریال - قیمت‌های ثابت ۱۳۸۱

رشد متوسط (%)	۱۳۸۸				۱۳۸۳		
	جمع	رشد (درصد)	از محل ارتقای بهره‌وری عوامل	رشد (درصد)			از محل منابع تولید (کار و سرمایه)
۶/۵	۱۶۳.۵۹۵/۷	۴/۰	۲۸.۶۰۱/۵	۲/۵	۱۳۴.۹۹۴/۲	۱۱۹.۴۰۵/۴	ارزش افزوده بخش کشاورزی
۳/۰	۲۶۴.۵۵۸/۲	۱/۰	۰/۰	۲/۰	۲۵۲.۳۰۹/۹	۲۲۸.۲۱۰/۲	ارزش افزوده بخش نفت و گاز
۱۱/۳	۳۳۹.۴۸۳/۶	۴/۲	۵۸.۹۳۲/۹	۷/۲	۲۸۰.۵۵۰/۷	۱۹۸.۶۱۱/۵	ارزش افزوده بخش صنایع و معادن
۱۱/۲	۲۳۹.۴۷۲/۶	۴/۵	۴۴.۷۱۷/۹	۶/۷	۱۹۴.۷۵۴/۷	۱۴۰.۶۱۰/۲	صنعت
۱۱/۲	۹.۲۳۶/۸	۴/۵	۱.۷۲۱/۷	۶/۷	۷.۵۱۵/۱	۵.۴۲۳/۵	معادن
۱۱/۹	۸۰.۳۹۴/۴	۳/۱	۱۰.۶۹۲/۳	۸/۸	۶۹.۷۰۲/۱	۴۵.۷۹۸/۷	ساختمان
۸/۹	۱۰.۳۷۹/۸	۴/۱	۱.۸۰۱/۱	۴/۸	۸.۵۷۸/۷	۶.۷۷۹/۱	آب و برق
۹/۰	۷۷۶.۶۵۲/۷	۱/۹	۷۰.۸۶۹/۰	۶/۹	۷۰۵.۷۸۳/۷	۵۰۴.۷۹۰/۸	ارزش افزوده بخش خدمات
۱۱/۰	۱۳۶.۰۴۹/۹	۴/۰	۲۲.۸۰۹/۳	۷/۰	۱۱۳.۲۴۰/۶	۸۰.۷۳۹/۰	حمل و نقل، انبارداری
۱۸/۰	۲۶.۳۶۷/۴	۷/۶	۷.۴۶۵/۶	۱۰/۴	۱۸.۹۰۱/۸	۱۱.۵۲۵/۴	ارتباطات
۸/۳	۶۱۴.۲۳۵/۴	۱/۵	۴۸.۰۵۹/۷	۶/۸	۵۷۳.۶۴۱/۳	۴۱۲.۵۲۶/۴	سایر خدمات
۸/۰	۱.۵۴۴.۲۹۰/۲	۲/۵	۱۵۸.۴۰۳/۴	۵/۵	۱.۳۷۳.۶۳۸/۵	۱.۰۵۱.۰۱۸/۰	تولید ناخالص داخلی

جدول شماره ۳- پیش بینی بخش واقعی اقتصاد در برنامه چهارم توسعه

میلیارد ریال

رشد (%)	جمع برنامه چهارم	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳		
۸/۰	۶.۵۹۴.۸۱۰	۱.۵۴۴.۲۹۰	۱.۴۱۲.۷۰۷	۱.۳۰۳.۲۳۵	۱.۲۰۸.۹۳۸	۱.۱۲۵.۶۴۰	۱.۰۵۱.۰۱۸	تولید ناخالص داخلی	۱۳۸۱ ثابت قیمت
۶/۰	۳.۵۳۵.۳۲۲	۸۰۰.۶۱۶	۷۴۵.۳۲۲	۷۰۰.۴۴۴	۶۶۱.۷۰۷	۶۲۷.۲۳۳	۵۹۸.۲۶۷	هزینه های مصرفی کل	
۱۰/۴	۳.۰۵۹.۴۸۸	۷۴۳.۶۷۴	۶۶۷.۳۸۵	۶۰۲.۷۹۱	۵۴۷.۲۳۱	۴۹۸.۴۰۷	۴۵۲.۷۵۱	پس انداز ناخالص داخلی	
۶/۱	۱.۰۶۶.۳۱۵	۲۳۷.۳۶۶	۲۲۵.۵۰۴	۲۱۳.۳۶۷	۲۰۱.۱۳۳	۱۸۸.۹۴۵	۱۷۶.۹۲۲	تغییر در موجودی انبار	
۱۲/۹	۱.۹۹۳.۱۷۳	۵۰۶.۳۰۸	۴۴۱.۸۸۱	۳۸۹.۴۲۴	۳۴۶.۰۹۸	۳۰۹.۴۶۲	۲۷۵.۸۲۹	پس انداز منهای تغییر موجودی	
۱۲/۲	۲.۱۲۸.۹۸۵	۵۳۵.۸۶۹	۴۶۹.۴۴۳	۴۱۵.۸۸۱	۳۷۲.۳۵۳	۳۳۵.۴۴۱	۳۰۱.۴۲۵	تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی	
۲/۹	-۱۳۵.۸۱۲	-۲۹.۵۶۰	-۲۷.۵۶۲	-۲۶.۴۵۷	-۲۶.۲۵۵	-۲۵.۹۷۹	-۲۵.۵۹۶	کسری پس انداز	
۹/۹	-	۲۲۰	۲۰۶	۱۹۱	۱۷۵	۱۵۷	۱۳۷	شاخص قیمت (۱۳۸۱=۱۰۰)	
۲۴/۱	۳.۸۵۹.۴۸۰	۱.۱۱۳.۸۷۸	۹۱۰.۲۷۵	۷۴۳.۸۰۰	۶۰۵.۶۷۲	۴۸۵.۸۵۵	۳۷۷.۸۸۶	پس انداز منهای تغییر موجودی	۱۳۸۱ ثابت قیمت
۲۳/۳	۴.۱۱۸.۵۵۴	۱.۱۷۸.۹۱۱	۹۶۷.۰۵۲	۷۹۴.۳۳۲	۶۵۱.۶۱۸	۵۲۶.۶۴۲	۴۱۲.۹۵۲	تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی	
۱۳/۱	-۲۵۹.۰۷۴	-۶۵.۰۳۳	-۵۶.۷۷۷	-۵۰.۵۳۲	-۴۵.۹۶۶	-۴۰.۷۸۷	-۳۵.۰۶۷	کسری پس انداز	
۷/۰	-	۱۱.۹۲۲	۱۱.۱۴۲	۱۰.۴۱۳	۹.۷۳۲	۹.۰۹۵	۸.۵۰۰	نرخ ارز (ریال)	
۵/۷	-۲۴.۶۱۰	-۵.۴۵۵	-۵.۰۹۶	-۴.۸۵۳	-۴.۷۲۱	-۴.۴۸۵	-۴.۱۲۵	کسری پس انداز (میلیون دلار)	

جدول شماره ۴- چارچوب کلی بودجه عمومی دولت در برنامه چهارم توسعه (۸۸-۱۳۸۴)

مبلغ به میلیارد ریال									
رشد ۱۳۸۳-۸۸ (درصد)	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	عنوان
۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱/۵	۷۵۸۶۴۵/۰	۶۷۰۸۰۸/۲	۵۹۳۱۱۰/۶	۵۲۱۱۸۳/۶	۴۵۷۴۹۱/۴	۴۵۹۹۲۴/۶	۳۸۲۳۰۰/۶	۲۱۳۱۴۷/۹	منابع
۱۸/۱	۵۱۱۱۶۷/۰	۴۳۹۴۷/۵	۳۷۶۸۵/۸	۳۲۲۷۲/۳	۲۷۰۲۰۶/۱	۲۲۲۶۶۵/۸	۱۸۲۸۵۹/۰	۶۱۹۷۳/۵	درآمدها
۲۴/۲	۲۶۲۴۱/۴	۲۱۸۵۵/۷	۱۸۲۵۲/۹	۱۵۰۳۹۷/۷	۱۱۷۸۳۰/۲	۸۸۹۹۸/۲	۶۵۰۲۳/۰	۵۰۵۸۷/۰	درآمدهای مالیاتی
۱۲/۳	۱۸۵۷۴/۰	۱۶۶۴۱/۰	۱۵۰۹۳۷/۰	۱۳۶۷۶/۰	۱۲۳۴۱۷/۰	۱۰۴۰۰۰/۰	۱۰۳۸۸۶/۰	۰/۰	شفاف سازی قیمت حاملهای انرژی
۱۶/۲	۶۲۲۴۱/۵	۵۲۹۲۷/۸	۴۳۳۹۹/۹	۳۵۵۷۳/۷	۲۹۱۵۸/۷	۲۹۶۶۷/۶	۱۳۹۵۰/۰	۱۱۳۸۶/۵	سایر درآمدها
۶/۳	۲۰۴۳۱/۹	۱۸۶۱۱۷/۳	۱۶۶۱۱۸/۱	۱۴۸۰۵۴/۷	۱۳۲۷۶۴/۸	۱۵۰۸۳۳/۷	۱۳۷۲۴۷/۳	۱۰۳۱۸۳/۲	واگذاری دارائی های سرمایه ای
۵/۸	۱۹۲۲۲۲/۳	۱۷۵۹۵۳/۵	۱۵۷۵۱۷/۵	۱۴۰۷۳۴/۵	۱۲۸۴۹۴/۲	۱۲۵۲۹۰/۰	۱۳۲۸۸۷/۳	۱۰۱۱۲۶/۸	بهره مالکانه نفت
-۱۰۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۱۵۰۰/۰	۱۵۰۰/۰	۱۵۰۰/۰	فروش فرآورده های نفتی
۲۱/۲	۱۲۰۶۸/۷	۱۰۱۶۲/۸	۸۶۰۰/۷	۷۳۲۰/۲	۶۲۷۰/۷	۴۰۴۳/۷	۸۷۰/۰	۵۵۶/۴	واگذاری سایر دارائی های سرمایه ای
-۱۳/۰	۴۳۱۶/۱	۴۶۲۳/۴	۵۰۱۳۳/۷	۵۰۳۸۱/۶	۵۳۳۲/۵	۸۶۴۲۵/۱	۶۲۱۹۴/۳	۴۷۹۹۱/۲	واگذاری دارائی های مالی
۱۰/۵	۷۵۸۶۴۴/۹	۶۷۰۸۰۸/۲	۵۹۳۱۱۰/۷	۵۲۱۱۸۳/۶	۴۵۷۴۹۱/۴	۴۵۹۹۲۴/۶	۳۸۲۳۰۰/۶	۲۱۳۱۴۷/۹	مصارف
۱۰/۰	۳۲۵۳۷۲/۹	۲۹۵۷۹۳/۶	۲۶۸۹۰۳/۳	۲۴۴۵۷/۵	۲۲۲۳۴/۱	۲۰۰۸۳۵/۷	۱۸۱۸۶۳/۹	۱۴۸۲۹۳/۳	اعتبارات هزینه ای (جاری)
-۱۰/۲	۱۶۳۳۱/۰	۸۴۶۵/۰	۹۲۵۰/۸	۹۶۴۹۸/۰	۹۲۷۹۰/۰	۱۰۴۰۰۰/۰	۱۰۳۸۸۶/۰	۰/۰	پارانه حاملهای انرژی
-	۷۵۹۰۰/۰	۵۶۷۶۶/۰	۳۴۴۹/۰	۲۰۳۷۸/۰	۱۰۶۲۷/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	اعتبارات جبرانی هدفمند کردن پارانه انرژی
-	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۱۰۸۵۵/۰	۰/۰	۰/۰	هزینه واردات بنزین
۲۲/۲	۲۷۵۸۴۱/۰	۲۱۳۳۳/۶	۱۷۱۰۷۰/۴	۱۳۲۷۶/۱	۱۰۲۸۲۰/۷	۹۹۸۶۱/۳	۶۰۹۹۷/۰	۳۷۲۱۲/۵	تملك دارائی های سرمایه ای(عمرانی)
-۱۶/۸	۱۹۲۰۰/۰	۱۹۲۰۰/۰	۲۲۲۰۰/۰	۲۵۲۰۴/۰	۲۸۰۱۹/۶	۴۳۳۷۲/۷	۳۵۵۵۳/۷	۲۷۶۳۸/۱	تملك دارائی های مالی
-۱۰۳/۶	۰/۰	-۲۴۲۸۷/۱	-۴۲۹۸۱/۵	-۵۸۴۸۶/۲	-۷۵۲۴۵/۰	-۸۲۱۶۹/۹	-۱۰۲۸۹۰/۹	-۸۶۳۲۳/۸	تراز عملیاتی بودجه
-۲۰/۰	-۷۱۵۳۰/۱	-۲۸۲۵۶/۳	-۴۹۵۲/۳	۱۳۳۰۸/۶	۳۱۹۴۴/۱	۵۰۹۷۲/۴	۷۶۲۵۰/۳	۶۵۹۷۰/۷	تراز دارائیهای سرمایه ای
-۱۰/۶	۲۳۹۶۷/۱	۲۷۵۴۳/۴	۲۷۹۳۳/۷	۲۵۱۱۷/۶	۲۴۳۰۰/۹	۴۲۰۵۲/۵	۲۶۶۴۰/۶	۲۰۳۵۳/۱	تراز دارائیهای مالی
-	۲۷۵۶۳/۰	۲۵۰۰۰/۰	۲۰۰۰۰/۰	۲۰۰۰۰/۰	۱۹۰۰۰/۰	-۱۰۸۵۵/۰	۰/۰	۰/۰	تراز پارانه انرژی
-	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	تراز کلی بودجه

فروض اساسی برنامه چهارم:

- ۱- افزایش نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی به ۸ درصد در سال ۱۳۸۸
- ۲- برآورد منابع حاصل از عواید نفت بر مبنای ۸۱۶۰۴ میلیون دلار طی برنامه شامل ۵۹۷۱ میلیون دلار مالیات عملکرد و ۷۵۶۳۲ میلیون دلار بهره مالکانه نفت و گاز
- ۳- استفاده ۱۵۳۹۶ میلیون دلار از حساب ذخیره ارزی
- ۴- کاهش تدریجی فروش اوراق مشارکت از ۸۵۰۰ میلیارد ریال به صفر
- ۵- محدود کردن رشد اعتبارات هزینه ای به سالانه ۱۰٪ به عبارت دیگر ثبات این اعتبارات به قیمت ثابت
- ۶- حذف تدریجی منابع حاصل از واگذاری شرکتهای دولتی و اختصاص آن به بازسازی و نوسازی صنایع
- ۷- تامین تدریجی کل اعتبارات هزینه ای از محل منابع غیر نفتی بودجه عمومی

جدول شماره ۵- پیش‌بینی تراز پرداختهای خارجی در برنامه چهارم توسعه

میلیون دلار

	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	
تراز حساب جاری	۳.۷۳۱	۲.۳۴۳	-۴.۱۲۵	-۴.۴۸۵	-۴.۷۳۱	-۴.۸۵۳	-۵.۰۹۶	-۵.۴۵۵	۲۴.۶۱۰
تراز بازرگانی	۴.۴۰۰	۵.۸۱۹	-۴۶۹	-۱.۱۰۳	-۱.۶۶۲	-۲.۲۹۸	-۳.۱۴۶	-۴.۳۰۶	-۱۳.۵۱۵
صادرات	۲۸.۱۸۶	۳۰.۰۶۹	۳۰.۲۷۳	۳۱.۱۹۹	۳۲.۷۲۸	۳۳.۲۳۹	۳۴.۶۳۴	۳۸.۰۸۲	۱۷۲.۸۷۲
نفت و گاز	۲۲.۸۰۷	۲۳.۰۹۴	۲۳.۵۵۳	۲۳.۶۴۵	۲۳.۷۷۳	۲۳.۷۷۴	۲۵.۰۵۲	۲۵.۳۶۵	۱۲۰.۰۰۹
نفت خام	۱۸.۷۰۲	۱۹.۱۳۵	۱۸.۵۰۹	۱۷.۹۶۴	۱۸.۰۱۱	۱۸.۰۸۳	۱۸.۹۲۶	۱۹.۰۱۶	۹۲.۰۰۰
صادرات غیرنفتی	۵.۳۷۹	۶.۹۷۵	۷.۷۲۰	۸.۵۴۴	۹.۴۵۵	۱۰.۴۶۵	۱۱.۵۸۲	۱۲.۸۱۷	۵۲.۸۶۳
واردات	۲۳.۷۸۶	۲۴.۳۵۰	۳۰.۷۴۲	۳۲.۲۹۲	۳۴.۳۹۰	۳۶.۵۳۷	۳۹.۷۸۰	۴۲.۳۸۸	۱۸۵.۳۸۷
خدمات	-۱.۸۶۵	-۴.۳۹۸	-۴.۶۷۰	-۴.۴۹۷	-۴.۲۸۶	-۳.۹۰۵	-۳.۴۴۵	-۲.۷۸۲	-۱۸.۹۰۵
دریافت	۵.۶۹۹	۴.۴۹۵	۵.۳۳۷	۶.۷۱۹	۷.۶۶۲	۹.۰۷۳	۱۰.۷۰۳	۱۰.۰۶۹	۴۰.۰۶۹
پرداخت	۷.۵۶۴	۸.۸۹۳	۱۰.۰۰۷	۱۰.۴۰۹	۱۱.۰۰۵	۱۱.۵۶۷	۱۲.۵۰۸	۱۳.۴۸۵	۵۸.۹۷۴
انتقالات	۱.۱۹۶	۹۲۲	۱.۰۱۴	۱.۱۱۵	۱.۲۳۷	۱.۳۵۰	۱.۴۸۵	۱.۶۳۳	۶.۸۱۰
تراز حساب سرمایه	۲.۹۴۳	۱.۷۶۱	۶.۳۳۶	۶.۶۸۵	۶.۶۲۱	۶.۰۵۳	۵.۸۵۵	۳۱.۳۱۰	-۱/۶
بلندمدت (خالص)	۴.۱۱۳	۳۰۰	۶.۶۳۱	۵.۷۲۸	۵.۳۹۹	۴.۵۷۶	۴.۹۹۳	۳.۹۹۳	۲۴.۳۷۲
دولتی	۳.۸۶۳	۰	۵.۸۷۱	۴.۸۷۸	۴.۲۹۹	۳.۳۳۶	۲.۹۲۶	۱.۹۴۳	۱۷.۳۷۲
بمع متقابل	-	-۱۵۰	۶۵۰	۱.۱۰۰	۱.۳۰۰	۱.۴۵۰	۱.۵۵۰	۱.۶۰۰	۷.۰۰۰
دیون	-	۱۵۰	۵.۲۳۱	۳.۷۷۸	۲.۹۹۹	۱.۸۷۶	۱.۳۷۶	۳۴۳	۱۰.۳۷۲
سایر	۲۵۰	۳۰۰	۷۵۰	۸۵۰	۱.۱۰۰	۱.۳۵۰	۱.۶۵۰	۲.۰۵۰	۷.۰۰۰
کوتاه مدت	-۱.۱۷۰	۱.۴۶۱	-۲۸۵	۹۵۷	۱.۲۲۲	۱.۳۷۷	۱.۵۲۰	۱.۸۶۲	۶.۹۳۸
حساب ذخیره ارزی و سرمایه گذاری	-۷۴	۱.۴۶۱	-۲۸۵	۹۵۷	۱.۲۲۲	۱.۳۷۷	۱.۵۲۰	۱.۸۶۲	۶.۹۳۸
بانکها و سایر	-۱.۰۹۶	-	-	-	-	-	-	-	-
اشتباهات آماری	-۱.۸۱۶	-	-	-	-	-	-	-	-
موازنه کل (تغییر در ذخایر بین‌المللی)	۴.۸۵۸	۴.۱۰۲	۲.۲۱۱	۲.۲۰۰	۱.۹۰۰	۱.۲۰۰	۱.۰۰۰	۴۰۰	۶.۷۰۰

جدول شماره ۶- خلاصه ترازنامه تلفیقی سیستم بانکی

(میلیارد ریال)

۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	
								دارائی ها :
۱۱۵۸۲۵/۴	۱۱۵۸۲۵/۴	۱۱۵۸۲۵/۴	۱۱۵۸۲۵/۴	۱۱۵۸۲۵/۴	۱۱۵۸۲۵/۴	۸۸۲۱۶/۶	۶۱۰۳۴/۸	خالص دارائی های خارجی
۸۷۲۸۳/۵	۸۷۲۸۳/۵	۸۷۲۸۳/۵	۸۷۲۸۳/۵	۸۷۲۸۳/۵	۸۷۲۸۳/۵	۱۳۰۴۲۰/۰	۱۳۶۸۹۵/۸	خالص بدهی بخش دولتی
۱۴۹۹۱۷۰/۹	۱۲۷۱۷۹۶/۷	۱۰۵۷۱۸۴/۰	۸۵۸۴۶۸/۵	۶۷۹۲۹۸/۸	۵۲۱۶۷۱/۵	۳۷۱۷۰۵/۱	۲۷۷۵۷۸/۰	بدهی بخش غیر دولتی
۱۷۰۲۲۷۹/۸	۱۴۷۴۹۰۵/۶	۱۲۶۰۲۹۲/۹	۱۰۶۱۵۷۷/۴	۸۸۲۴۰۷/۷	۷۲۴۷۸۰/۴	۵۹۰۳۴۱/۷	۴۷۵۵۰۸/۶	جمع
								بدهی ها :
۱۶۳۴۲۷۹/۸	۱۴۰۶۹۰۵/۶	۱۱۹۲۲۹۲/۹	۹۹۳۵۷۷/۴	۸۱۴۴۰۷/۷	۶۵۶۷۸۰/۴	۵۲۲۳۳۱/۱	۴۱۷۵۲۴/۰	نقدینگی
۶۸۰۰۰/۰	۶۸۰۰۰/۰	۶۸۰۰۰/۰	۶۸۰۰۰/۰	۶۸۰۰۰/۰	۶۸۰۰۰/۰	۶۸۰۱۰/۶	۵۷۹۸۴/۶	خالص سایر بدهی ها

جدول شماره ۷- منابع مالی برنامه چهارم توسعه (برای تأمین منابع مالی سرمایه‌گذاری ثابت برنامه)

(برای تأمین منابع مالی سرمایه‌گذاری ثابت برنامه)

به قیمت های جاری	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	
برنامه چهارم	۳۷۹۳۵۶۴/۵	۱۱۰۹۱۰۷/۷	۸۹۹۱۳۰/۴	۷۲۱۳۰۲/۱	۵۸۷۱۸۲/۴	۴۶۵۸۴۱/۹	۳۶۲۷۹۵/۰	۲۸۲۰۱۵/۶	۲۱۵۴۸۷/۵
الف- منابع داخلی (میلیارد ریال)									
۱- بودجه عمومی دولت	۸۹۸۸۵۱/۸	۲۷۵۸۴۱/۰	۲۱۴۲۷۳/۶	۱۷۱۰۷۰/۴	۱۴۴۷۴۶/۱	۱۰۲۸۲۰/۷	۹۹۸۶۱/۳	۶۰۹۹۷/۰	۳۷۲۱۲/۵
۱-۱- از محل منابع عمومی	۸۸۰۲۵۱/۸	۲۷۵۸۴۱/۰	۲۱۴۲۷۳/۶	۱۶۷۰۷۰/۴	۱۴۴۲۶۶/۱	۹۵۸۲۰/۷	۹۱۳۶۱/۳	۵۳۲۱۲/۰	۳۴۷۱۴/۴
۲-۱- از محل فروش اوراق مشارکت	۱۸۵۰۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰
۲- بودجه شرکت های دولتی	۴۷۲۲۹۶/۱	۱۱۶۹۲۷/۹	۱۰۷۸۱۱/۸	۹۳۵۷۱/۲	۸۲۴۴۸/۵	۷۲۶۳۶/۶	۴۴۴۹۸/۵	۳۲۹۲۷/۶	۲۵۴۲۸/۴
۱-۲- از محل استفاده از تسهیلات سیستم بانکی	۱۴۸۰۰/۰	۰/۰	۱۴۸۰۰/۰	۲۹۶۰/۰	۴۴۴۰/۰	۵۹۲۰/۰	۷۲۰۰/۰	۷۴۰۰/۰	۱۱۰۱۱/۰
۲-۲- از محل سایر منابع	۴۵۸۲۹۶/۱	۱۱۶۹۲۷/۹	۱۰۶۳۳۱/۸	۹۰۶۱۱/۲	۷۷۹۰۸/۵	۶۶۷۱۶/۶	۳۵۰۹۸/۵	۲۵۵۲۷/۶	۱۴۴۱۷/۴
۳- منابع بخش خصوصی	۲۴۲۰۴۱۶/۶	۷۱۶۳۳۸/۸	۵۷۶۹۴۵/۰	۴۶۶۶۶۰/۵	۳۷۰۰۸۷/۸	۲۹۰۳۸۴/۶	۲۲۰۴۳۵/۲	۱۸۸۰۹۱/۰	۱۵۲۸۴۶/۶
۱-۳- از محل تسهیلات سیستم بانکی	۹۱۰۵۹۳/۲	۲۲۲۶۰۵/۴	۲۰۳۴۷۰/۷	۱۸۶۲۱۹/۹	۱۶۰۶۷۸/۹	۱۳۷۶۱۸/۳	۱۴۳۴۷۹/۷	۹۴۱۲۷/۱	۷۳۷۸۵/۸
۲-۳- از محل سایر بخش خصوصی	۸۱۹۵۳۳/۹	۲۰۰۳۴۴/۹	۱۸۳۱۳۳/۶	۱۶۷۵۹۷/۹	۱۴۴۶۱۱/۰	۱۳۳۸۵۶/۵	۹۲۰۵۵/۵	۹۳۹۶۳/۹	۷۹۰۶۰/۸
۳-۳- از محل سایر منابع *	۶۹۰۳۸۹/۵	۲۹۳۸۸۸/۵	۱۹۰۳۵۰/۷	۱۱۲۸۴۲/۷	۶۶۷۹۷/۹	۲۸۹۰۹/۸	-	-	-
ب- منابع خارجی (میلیون دلار)	۳۱۳۱/۰	۵۸۵۵/۰	۶۰۹۶/۰	۶۰۵۳/۰	۶۶۳۱/۰	۶۶۸۵/۰	۶۶۲۱/۰	۱۷۶۱/۰	۳۳۳۱/۰
۱- تسهیلات فاینانس	۱۰۳۲۲/۰	۳۴۴/۰	۱۳۷۶/۰	۱۸۷۶/۰	۲۹۹۹/۰	۳۷۷۸/۰	۵۲۲۱/۰	۱۵۰/۰	۳۰۸۱/۰
۲- سایر تسهیلات موضوع بند (ب) ماده ۳ قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی	۷۰۰۰/۰	۱۶۰۰/۰	۱۵۵۰/۰	۱۴۵۰/۰	۱۳۰۰/۰	۱۱۰۰/۰	۶۵۰/۰	۱۵۰/۰	۰/۰
۳- سرمایه گذاری خارجی	۱۴۹۸۰/۰	۳۹۱۲/۰	۳۱۷۰/۰	۳۷۲۷/۰	۳۴۳۲/۰	۱۸۰۷/۰	۷۵۰/۰	۱۷۶۱/۰	۲۵۰/۰
جمع منابع	۳۷۹۳۵۶۴/۵	۱۱۷۸۹۱۱/۰	۹۶۷۰۵۲/۰	۷۹۴۳۳۲/۰	۶۵۱۶۱۸/۰	۵۲۶۶۴۲/۰	۴۱۲۹۵۲/۰	۳۰۹۵۲۵/۰	۲۳۹۰۳۱/۵

فروض اساسی در برنامه چهارم:

- منابع قابل تأمین از محل بودجه عمومی براساس جدول شماره ۴
- منابع قابل تأمین از بودجه شرکتهای دولتی بر مبنای حذف تدریجی تسهیلات سیستم بانکی و ثبات سهم سرمایه گذاری این شرکتها
- رشد متوسط سالانه سرمایه گذاری به قیمت ثابت - ۱۲/۲ درصد
- نرخ متوسط تورم - ۹/۹ درصد، سال ۱۳۸۸ - ۶/۸٪
- نرخ برابری دلار: رشد متوسط سالانه ۷٪، ۱۹۲۲ ریال در سال ۱۳۸۸
- منابع قابل تأمین بخش خصوصی براساس تسهیلات بانکی حاصل از جدول شماره ۶ نسبت ۹۰ درصد آورده بخش خصوصی به تسهیلات بانکی
- سرمایه گذاری خارجی بر اساس فرض جدول شماره ۵ و ۲
- تأمین باقیمانده منابع خارجی مورد نیاز از محل تسهیلات خارجی
- مبالغ ارزی مندرج در بند (ب) جدول فوق پیش بینی تغییر در مانده تسهیلات و سرمایه گذاری است مبالغ قطعی در چارچوب حکم بند (ب) ماده ۳۴ قانون برنامه

جدول شماره ۸- پیش‌بینی عواید حاصل از نفت

میلیون دلار

کل برنامه چهارم	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۷۵۶۳۳	۱۶۱۲۵	۱۵۷۹۲	۱۵۱۲۷	۱۴۴۶۱	۱۴۱۲۸	الف- بهره مالکانه نفت و گاز
۵۹۷۱	۱۲۸۲	۱۲۵۲	۱۱۹۴	۱۱۳۶	۱۱۰۷	ب- مالیات عملکرد
۸۱۶۰۴	۱۷۴۰۷	۱۷۰۴۴	۱۶۳۲۱	۱۵۵۹۷	۱۵۲۳۵	جمع

جدول شماره ۹- تغییرات تعداد کارکنان دولت*

سال	تعداد نیروی انسانی موجود در ابتدای سال	کاهش طبیعی نیروی انسانی دستگاهها در طول سال	جذب نیروی انسانی دستگاهها در طول سال
۱۳۸۴	۲۰۰۲۱،۸۲۰	۴۰،۴۴۶	۲۰،۲۲۳
۱۳۸۵	۲۰۰۰۱،۵۹۷	۳۹،۹۰۰	۱۹،۹۵۰
۱۳۸۶	۱،۹۸۱،۶۴۷	۳۹،۳۷۰	۱۹،۶۸۵
۱۳۸۷	۱،۹۶۱،۹۶۲	۳۸،۸۴۰	۱۹،۴۲۰
۱۳۸۸	۱،۹۴۲،۵۴۲	۳۸،۳۲۰	۱۹،۱۶۰

* شامل کارکنان کشوری و لشکری رسمی، پیمانی، قراردادی و کارگران و نظایر آن



پیوست سه

متن لایحه برنامه چهارم توسعه

مصوب مجلس شورای اسلامی - دوره ششم

ارجاع شده

به مجمع تشخیص مصلحت نظام

بخش اول

رشد اقتصاد ملی دانایی محور

در تعامل با اقتصاد جهانی

فصل اول

بسترسازی برای رشد سریع اقتصادی

◀ ماده ۱

به منظور ایجاد ثبات در میزان استفاده از عواید ارزی حاصل از نفت در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و تبدیل دارایی‌های حاصل از فروش نفت به دیگر انواع ذخایر و سرمایه‌گذاری و فراهم کردن امکان تحقق فعالیتهای پیش‌بینی شده در برنامه، دولت مکلف است با ایجاد "حساب ذخیره ارزی حاصل از عواید نفت" اقدامهای زیر را معمول دارد:

الف - از سال ۱۳۸۴ مازاد عواید حاصل از نفت نسبت به ارقام پیش‌بینی شده در جدول شماره (۸) این قانون در حساب سپرده دولت نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان "حساب ذخیره ارزی حاصل از عواید نفت" نگهداری می‌شود.

ب - معادل مانده "حساب ذخیره ارزی حاصل از عواید نفت خام موضوع ماده (۶۰) "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ با اصلاحات آن در پایان سال ۱۳۸۳ و همچنین مانده مطالبات دولت از اشخاص ناشی از تسهیلات اعطایی از محل موجودی حساب یاد شده در ابتدای سال ۱۳۸۴ از طریق شبکه بانکی به "حساب ذخیره ارزی حاصل از عواید نفت" واریز می‌گردد.

ج - استفاده از وجوه حساب ذخیره ارزی برای تأمین مصارف بودجه عمومی دولت صرفاً در صورت کاهش عواید ارزی حاصل از نفت نسبت به ارقام جدول شماره (۸) این قانون و عدم امکان تأمین اعتبارات مصوب از محل سایر منابع درآمدهای عمومی و واگذاری دارایی‌های مالی مجاز خواهد بود. در چنین صورتی، دولت می‌تواند در فواصل زمانی سه ماهه از موجودی حساب ذخیره ارزی پرداخت نماید. معادل ریالی این وجوه به حساب درآمد عمومی دولت واریز می‌گردد. استفاده از حساب ذخیره ارزی برای تأمین کسری ناشی از عواید غیرنفتی بودجه عمومی ممنوع است.

د - به دولت اجازه داده می‌شود حداکثر معادل پنجاه درصد (۵۰٪) مانده موجودی حساب ذخیره ارزی برای سرمایه‌گذاری و تأمین بخشی از اعتبار مورد نیاز طرح‌های تولیدی و کارآفرینی صنعتی، معدنی، کشاورزی، حمل و نقل، خدمات (از جمله گردشگری و ...)، فناوری و اطلاعات و خدمات فنی-مهندسی بخش غیردولتی که توجیه فنی و اقتصادی آنها به تأیید وزارتخانه‌های تخصصی ذی‌ربط رسیده است از طریق شبکه بانکی داخلی و بانک‌های ایرانی خارج از کشور به صورت تسهیلات با تضمین کافی استفاده نماید.

ه - حداقل ده درصد (۱۰٪) از منابع قابل تخصیص حساب ذخیره ارزی به بخش غیردولتی در اختیار بانک کشاورزی قرار می‌گیرد تا به صورت ارزی، ریالی جهت سرمایه‌گذاری در طرح‌های موجه بخش کشاورزی و سرمایه در گردش طرح‌هایی که با هدف توسعه صادرات انجام می‌شود توسط بانک کشاورزی در اختیار بخش غیردولتی قرار گیرد.

اصل و سود این تسهیلات به صورت ارزی به حساب ذخیره ارزی واریز می‌گردد.

و- آئین‌نامه اجرایی این ماده به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و قبل از لازم‌الاجرا شدن این قانون به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

◀ ماده ۲

به منظور برقراری انضباط مالی و بودجه‌ای در طی سالهای برنامه :

الف- دولت مکلف است سهم اعتبارات هزینه‌ای تأمین شده از محل درآمدهای غیر نفتی دولت را به‌گونه‌ای افزایش دهد که تا پایان برنامه چهارم، اعتبارات هزینه‌ای دولت به طور کامل از طریق درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهای غیر نفتی تأمین گردد.

ب- تأمین کسری بودجه از طریق استقراض از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سیستم بانکی ممنوع می‌باشد.

◀ ماده ۳

به منظور تنظیم روابط بین دولت و شرکت ملی نفت ایران و اعمال مالکیت دولت بر منابع نفت و گاز کشور، موارد ذیل مقرر می‌گردد:

الف- مالکیت منابع نفتی ایران با دولت جمهوری اسلامی ایران است که این حق مالکیت، بر اساس "قانون نفت مصوب ۱۳۶۶" از طریق وزارت نفت اعمال می‌شود.

ب- نفت تولیدی حاصل از عملیات نفتی شرکت ملی نفت ایران در منابع نفتی جمهوری اسلامی ایران و نیز عملیات شرکت‌های دولتی تابعه و وابسته به آن و همچنین نفت تولیدی حاصل از عملیات نفتی پیمانکاران طرف قرارداد با شرکت‌های یاد شده در این منابع، با وضع حقوق دولتی مقرر در این ماده، متعلق به شرکت ملی نفت ایران است و این شرکت مکلف است حقوق دولتی را به ترتیب مقرر در این قانون مقدم بر سایر هزینه‌های خود حسب مورد پرداخت و یا با خزانه‌داری کل کشور تسویه کند.

ج- حقوق دولتی نفت که پس از استخراج و فروش به حساب بستانکار دولت (خزانه‌داری کل کشور) منظور می‌شود عبارتست از:

۱- بهره مالکانه که برای نفت خام معادل پنجاه درصد (۵۰٪) درآمد حاصل از فروش آن تعیین می‌شود.

۲- بهره مالکانه گاز طبیعی که به ازای استخراج هر متر مکعب گاز طبیعی ۸۵ ریال تعیین می‌شود. این رقم سالانه متناسب با تغییر نرخ رسمی تسعیر ارز اصلاح خواهد شد.

۳- حقوق ویژه درصدی از درآمد حاصل از فروش نفت خام حداقل ۲۷ درصد (۲۷٪) پس از کسر یارانه مذکور در بند "ه" این ماده است که در لوائح بودجه سنواتی منظور می‌شود. درصد یاد شده فوق، متناسب با قیمت فروش نفت خام (بر مبنای مفاد تبصره ۳ این بند) با پیشنهاد مشترک وزارت نفت، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید و می‌بایست به نحوی تعیین شود که منابع لازم برای تداوم تولید، توسعه ظرفیت، بازپرداخت تعهدات و انجام سرمایه‌گذاری‌های منظور در برنامه را برای ارتقای قدرت

رقابت اقتصادی و حفظ جایگاه ایران در بازارهای نفت و گاز و تأمین نیازهای داخلی فراهم آورد و عملیات شرکت همراه با سود متعارف باشد.

تبصره ۱- بهره مالکانه نفت خام تولیدی از میدانهای خشکی و دریایی مشترک با کشورهای همسایه و میدانهای دریایی به ترتیب معادل هشتاد و نود درصد (۸۰٪ و ۹۰٪) نصاب فوق خواهد بود.

تبصره ۲- بابت گاز تزریقی به میدانهای نفتی بهره مالکانه دریافت نمی‌شود. بابت گاز سوزانده شده از اول سال ۱۳۸۸ بهره مالکانه دریافت خواهد شد.

تبصره ۳- مبنای محاسبه حقوق دولتی نفت خام برای محموله‌های صادراتی معادل درآمد حاصل از فروش در مبادی اولیه صادرات بوده و برای نفت خام تحویلی به پالایشگاههای داخلی در هر ماه برابر نود و پنج درصد (۹۵٪) متوسط بهای محموله‌های صادراتی از مبادی اولیه در همان ماه خواهد بود.

د- به دولت اجازه داده می‌شود، به منظور صیانت از منابع تجدید ناپذیر و صرفه‌جویی در مصرف و بهینه‌سازی مصرف انرژی، ده درصد (۱۰٪) از درآمد محاسباتی ناشی از افزایش مقادیر صادرات نفت خام و فرآورده‌های پالایش نفتی نسبت به مقادیر مشابه سال ۱۳۸۳ و قیمت سال ۱۳۸۳، به‌عنوان جایزه افزایش صادرات به شرکت ملی نفت ایران اختصاص دهد تا صرف سرمایه‌گذاری و کمک به طرحهای بهینه‌سازی انرژی شود. جایزه صادراتی با درج در قوانین بودجه سنواتی از محل حقوق ویژه، موضوع جزء (۳) بند (ج) این ماده تأمین و پرداخت می‌گردد.

ه- در مواردی و تا زمانی که طبق مقررات قانونی و تصمیم مراجع ذیصلاح، فرآورده‌های نفتی و گاز طبیعی برای مصارف داخلی کشور، به قیمتی کمتر از بهای تمام شده (قیمت منطقه‌ای با اضافه کردن هزینه‌های انتقال، توزیع و فروش، مالیات و عوارض تکلیفی و سود متعارف انتقال و توزیع)، عرضه می‌شود مابه‌التفاوت قیمت‌های تکلیفی فروش با قیمت تمام شده به عنوان یارانه حامل‌های انرژی محسوب و توسط شرکتهای ذی‌ربط حسب مورد در دفاتر قانونی آنان به حساب بدهی دولت منظور می‌شود. شرکت ملی نفت ایران موظف است با انتقال این بدهیها به حساب خود با شرکتهای طرف معامله خود تسویه حساب کرده و کل بدهیها را در دفاتر قانونی خود جمعاً به بدهکار "حساب دولت" (خزانه‌داری کل کشور) منظور کند.

تسویه این بدهی دولت به شرکت ملی نفت ایران، در هر سال مالی در مرحله نخست به ترتیب مقرر در جزء (۳) بند "ج" این ماده انجام شده و در صورت عدم تکافو، از سود سهم دولت و بهره مالکانه گاز در همان سال کاسته شده و بدهی دولت بابت یارانه حاملهای انرژی تسویه می‌شود.

چنانچه ارقام فوق‌الذکر جبران تأمین یارانه فوق‌الذکر را ننماید، مابه‌التفاوت آن در لوایح بودجه سالانه منظور و از محل منابع بودجه عمومی دولت قابل تأمین و پرداخت خواهد بود.

تبصره - در طول سالهای برنامه چهارم و تا زمانی که قیمت فروش داخلی بنزین کمتر از قیمت تمام شده عرضه بنزین وارداتی باشد، مابه‌التفاوت (یارانه) آن در لوایح بودجه سالانه منظور و از محل بودجه عمومی دولت قابل تأمین و پرداخت خواهد بود.

و- به شرکت ملی نفت ایران اجازه داده می‌شود که با تصویب هیئت وزیران از محل منابع ارزی موضوع بند "ح" این ماده نسبت به واردات فرآورده‌های نفتی مورد نیاز کشور اقدام کرده و تا پایان سال مالی با مراعات این قانون نسبت به تسویه حساب با خزانه‌داری کل کشور اقدام کند.

ز- سی درصد (۳۰٪) از سود خالص (سود ویژه) سالانه شرکت ملی نفت ایران پس از کسر مالیات بر عملکرد بر طبق قانون "مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحیه‌های آن" به عنوان سهم دولت به حساب بستانکار دولت (خزانه‌داری کل کشور) و بقیه به عنوان اندوخته‌های قانونی و سرمایه‌ای شرکت و افزایش سرمایه دولت در آن شرکت منظور می‌شود.

ح- برای تسهیل امور جاری خزانه‌داری کل کشور، شرکت ملی نفت ایران مکلف است صد درصد (۱۰۰٪) وجوه حاصل از صادرات نفت خام را به ترتیب مورد عمل در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به عنوان علی‌الحساب بهره مالکانه، حقوق ویژه، مالیات عملکرد شرکت ملی نفت ایران و سود سهم دولت در این شرکت از طریق بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به حساب خزانه‌داری کل کشور واریز کرده و در مقاطع سه ماهه بر اساس مفاد این ماده با خزانه‌داری کل کشور تسویه حساب کند.

ط- شرکت ملی نفت ایران مکلف است سرمایه‌گذاریهایی لازم در اجرای وظایف قانونی خود را با تأکید بر طرحهای افزایش بازیافت نفت خام، نگهداشت سطح تولید از مخازن فعلی نفت و گاز، اکتشاف و

توسعه ظرفیت تولید نفت و گاز و ایجاد تأسیسات مرتبط با اولویت میدانهای مشترک با کشورهای همسایه در چارچوب بودجه مصوب شرکت اجرا کند. پرداخت هزینه‌های یاد شده و بازپرداخت کلیه تعهدات شرکت که قبل و بعد از اجرای این لایحه ایجاد شده و یا می‌شود اعم از ریالی و ارزی بایستی از محل منابع داخلی و سایر منابع شرکت ملی نفت ایران انجام شود و تجهیز منابع از داخل و خارج از کشور برای انجام سرمایه‌گذاریهای بالا نیز بر عهده شرکت ملی نفت ایران است.

ی- در دوره زمانی اجرای این قانون کلیه قوانین و مقررات خاص و عام مغایر با این ماده ملغی‌الاثراست و روابط مالی و حقوقی فیما بین دولت (وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی) و شرکت ملی نفت ایران در مورد دریافت انواع مالیاتها و عوارض صرفاً طبق احکام مقرر در این ماده، قانون "مالیاتها مستقیم مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحیه‌های بعدی آن" و قانون "اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و چگونگی برقراری عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا و ارائه‌دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی مصوب ۱۳۸۱" خواهد بود و پرداخت هر مبلغ توسط شرکت ملی نفت ایران و شرکتهای دولتی تابعه و وابسته به آن که طبق مقررات قانونی که پس از تصویب این قانون وضع می‌گردد در بدهکار "حساب دولت" (خزانه‌داری کل کشور) موضوع بند "ج" این ماده منظور می‌شود.

ک- آیین‌نامه اجرایی این ماده از جمله تعاریف مذکور در آن، حقوق ویژه و سازوکار تسویه حساب بین خزانه‌داری کل کشور و شرکت ملی نفت ایران به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های نفت و امور اقتصادی و دارایی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ل- کلیه احکامی که در این ماده منظور شده است براساس قراردادی خواهد بود که بین شرکت ملی نفت ایران و دولت با نمایندگی وزارت نفت و نظارت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور منعقد می‌گردد.

کلیه وجوه حاصل از فروش صادرات نفت خام موضوع این قرارداد مستقیماً از طرف خریداران به حساب خزانه‌داری کل کشور واریز می‌گردد.

شرکت ملی نفت ایران موظف است سیاهه فروش و دو نسخه از هر قرارداد فروش یا تحویل نفت خام به هر صورت را به وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تحویل نماید.

◀ ماده ۴

به منظور به حداکثر رساندن بهره‌وری از منابع تجدید ناپذیر انرژی، شکل‌دهی مازاد اقتصادی، انجام اصلاحات اقتصادی، بهینه‌سازی و ارتقای فناوری در تولید، مصرف و نیز تجهیزات و تأسیسات مصرف‌کننده انرژی و برقراری عدالت اجتماعی، دولت مکلف است ضمن فراهم آوردن مقدمات از جمله گسترش حمل و نقل عمومی و عملیاتی کردن سیاستهای مستقیم جبرانی اقدامهای ذیل را از ابتدای برنامه چهارم به اجرا گذارد:

الف - نسبت به قیمت‌گذاری نفت کوره، نفت گاز و بنزین بر مبنای قیمت‌های عمده فروشی خلیج فارس، اقدام کرده و از محل منابع حاصله اقدامات ذیل را به عمل آورد:

- ۱- کمک مستقیم و جبرانی از طریق نظام تأمین اجتماعی به اقشار آسیب پذیر.
- ۲- مقاوم‌سازی ساختمانها و مسکن شهری و روستایی در مقابل زلزله و بهینه‌سازی ساخت و سازها در مصرف انرژی.
- ۳- کمک به گسترش و بهبود کیفیت حمل و نقل عمومی (درون شهری و برون شهری، راه‌آهن و جاده‌ای)، تولید خودروهای دوگانه سوز و همچنین توسعه عرضه گاز طبیعی فشرده با قیمت‌های یارانه‌ای به حمل و نقل عمومی درون شهری.
- ۴- کاهش نقاط حادثه‌خیز جاده‌ای و تجهیز شبکه فوریت‌های پزشکی پیش بیمارستانی و بیمارستانی کشور.
- ۵- اجرای طرح‌های بهینه‌سازی و کمک به اصلاح و ارتقای فناوری وسایل، تجهیزات کارخانجات و سامانه‌های مصرف‌کننده انرژی در جهت کاهش مصرف انرژی و آلودگی هوا و توانمندسازی مردم در کاربرد فناوریهای کم مصرف.

تبصره ۱- نفت گاز برای تأمین آب بخش کشاورزی با قیمت نفت سفید یارانه‌ای به صورت سهمیه‌ای عرضه خواهد شد.

تبصره ۲- در مورد مصرف نفت گاز ماشین‌آلات بخش کشاورزی، هر ساله معادل یارانه مربوطه در اختیار وزارت جهاد کشاورزی قرار می‌گیرد تا بر اساس آیین‌نامه‌ای که به پیشنهاد وزارت جهاد کشاورزی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران می‌رسد در اختیار بخش کشاورزی قرار گیرد.

ب- قیمت گاز طبیعی برای صنایع بر مبنای کمترین سطح قیمت آن در صنایع کشورهای همجوار، توسط دولت در ابتدای برنامه تعیین می‌شود.

ج- در انرژی برق از خانوارهای کم مصرف حمایت صورت گیرد.

تبصره ۵- عرضه نفت سفید و گاز مایع برای مصارف تجاری و صنعتی به قیمت بدون یارانه (مطابق روال بند الف این ماده) خواهد بود.

د- آیین‌نامه اجرایی این تبصره به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

◀◀ ماده ۵

برقراری هرگونه تخفیف، ترجیح و یا معافیت از پرداخت مالیات (اعم از مستقیم یا غیرمستقیم) و حقوق ورودی علاوه بر آنچه که در قوانین مربوطه تصویب شده است برای اشخاص حقیقی و حقوقی از جمله دستگاههای موضوع ماده (۱۶۵) این قانون در طی سالهای این برنامه ممنوع می‌باشد.

◀◀ ماده ۶

به منظور تحقق اهداف و شاخصهای کمی مربوط به ارتقای بهره‌وری کل عوامل تولید مندرج در جدول شماره ۲-۲ (بخش هفتم این قانون):

الف- تمامی دستگاههای اجرایی ملی و استانی مکلفاند در تدوین اسناد ملی، بخشی، استانی و ویژه سهم ارتقای بهره‌وری کل عوامل تولید در رشد تولید مربوطه را تعیین کرده و الزامات و راهکارهای

لازم برای تحقق آنها را برای تحول کشور از یک اقتصادی نهاده محور به یک اقتصاد بهره‌ور محور با توجه به محورهای زیر مشخص نمایند به طوری که سهم بهره‌وری کل عوامل در رشد تولید ناخالص داخلی حداقل به سی و یک و سه دهم درصد (۳۱/۳٪) برسد:

۱- هدف‌گذاریهای هر بخش و زیربخش با شاخصهای ستانده به نهاده مشخص گردد به طوری که متوسط رشد سالانه بهره‌وری نیروی کار، سرمایه و کل عوامل تولید به مقادیر حداقل ۳/۵، ۱ و ۲/۵ درصد برسد.

۲- سهم رشد بهره‌وری کل عوامل و اهداف بهره‌وری کار، سرمایه بخشها و زیربخشهای کشور براساس همکاری دستگاههای اجرایی کشور و انجمنهای علمی و صنفی مربوطه و توافق سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تعیین می‌گردد.

ب- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مکلف است نسبت به بررسی عملکرد دستگاههای اجرایی در زمینه شاخصهای بهره‌وری و رتبه‌بندی دستگاههای اجرایی اقدام نموده و تخصیص منابع مالی برنامه چهارم توسعه و بودجه‌های سنواتی را با توجه به برآوردهای مربوط به ارتقای بهره‌وری کل عوامل تولید و همچنین میزان تحقق آنها به عمل آورده و نظام نظارتی فعالیتهای، عملیات و عملکرد مدیران و مسئولین را براساس ارزیابی بهره‌وری متمرکز نماید.

ج- به منظور تشویق واحدهای صنعتی، کشاورزی، خدمات دولتی و غیردولتی و در راستای ارتقای بهره‌وری با رویکرد ارتقای کیفیت تولیدات و خدمات و تحقق راهبردهای بهره‌وری در برنامه، به دولت اجازه داده می‌شود جایزه ملی بهره‌وری را با استفاده از الگوهای تعالی سازمانی طراحی و توسط سازمان ملی بهره‌وری ایران طی سالهای برنامه چهارم به واحدهای بهره‌ور در سطوح مختلف اهدا نماید.

د- آیین‌نامه اجرایی این ماده متضمن چگونگی تدوین شاخصهای موثر در سنجش بهره‌وری در دستگاههای اجرایی، به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

« ماده ۷

به منظور تداوم برنامه خصوصی سازی و توانمندسازی بخش غیردولتی در توسعه کشور به دولت اجازه داده می شود:

الف- از همه روشهای امکانپذیر، اعم از مقررات زدایی، واگذاری مدیریت (نظیر اجاره، پیمانکاری عمومی و پیمان مدیریت) و مالکیت (نظیر اجاره به شرط تملیک، فروش تمام یا بخشی از سهام، واگذاری اموال) تجزیه به منظور واگذاری، انحلال و ادغام شرکتها استفاده شود.

ب- ضمن حفظ امور سیاستگذاری و برنامه ریزی کلان و نظارت در بخشهای حمل و نقل، ارتباطات (پست و مخابرات) و فناوری اطلاعات، ایجاد، توسعه، نگهداری و بهره برداری از مبادی، شبکه ها، مراکز و پایانه ها را با رعایت تضمین و استمرار ارائه خدمات مناسب و رعایت خط مشی های دولت به بخشهای تعاونی و خصوصی واگذار نماید.

« ماده ۸

به منظور ساماندهی و استفاده مطلوب از امکانات شرکتهای دولتی و افزایش بازدهی و بهره وری و اداره مطلوب شرکتهائی که ضروری است در بخش دولتی باقی بمانند و نیز فراهم کردن زمینه واگذاری شرکتهائی که ادامه فعالیت آنها در بخش دولتی غیرضروری است به بخش غیردولتی، به دولت اجازه داده می شود نسبت به واگذاری، انحلال، ادغام و تجدید سازمان شرکتهای دولتی، اصلاح و تصویب اساسنامه شرکتها، تصویب آئین نامه های مالی و معاملاتی، تصویب آئین نامه های استخدامی و بیمه، رعایت مقررات و قوانین مربوط و جابجائی و انتقال وظایف، نیروی انسانی، سهام و دارائیهای شرکتهای دولتی و شرکتهای وابسته به آنها با رعایت موارد ذیل اقدام کند:

الف- کلیه امور مربوط به سیاستگذاری و اعمال وظایف حاکمیت دولت تا پایان سال دوم برنامه از شرکتهای دولتی منفک و به وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی تخصصی ذی ربط محول می گردد.

ب- شرکتهای دولتی صرفاً در قالب شرکتهای مادر تخصصی و شرکتهای عملیاتی (نسل دوم) سازماندهی شده و زیر نظر مجمع عمومی در چارچوب اساسنامه شرکت اداره خواهند شد. این گونه

شرکتها از نظر سیاستها و برنامه‌های بخشی تابع ضوابط و مقررات وزارتخانه‌های تخصصی مربوطه خواهند بود.

تبصره ۱- تشکیل شرکتهای دولتی صرفاً با تصویب مجلس شورای اسلامی مجاز است و تبدیل شرکتهائی که سهام شرکتهای دولتی در آنها کمتر از ۵۰ درصد (۵۰٪) است به شرکت دولتی ممنوع است.

تبصره ۲- مشارکت و سرمایه‌گذاری شرکتهای دولتی به استثنای بانکها، مؤسسات اعتباری و شرکتهای بیمه در سایر شرکتهای موضوع این ماده مستلزم کسب مجوز از هیئت وزیران است.

تبصره ۳- شرکتهایی که سهم دولت و شرکتهای دولتی در آنها کمتر از پنجاه درصد (۵۰٪) است، غیردولتی بوده و مشمول قوانین و مقررات حاکم بر شرکتهای دولتی نمی‌باشند.

تبصره ۴- دولت مکلف است حداکثر ظرف مدت دو سال پس از شروع اجرای برنامه چهارم توسعه، بنا به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، شرکتهائی که ماهیت حاکمیتی دارند، به شکل سازمانی مناسب تغییر وضعیت داده و به دستگاه اجرائی مرتبط منتقل نماید.

تبصره ۵- شرکتهای دولتی که تا ابتدای سال ۱۳۸۳ بنا به تشخیص سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت امور اقتصادی و دارائی راکد و غیرفعال بوده‌اند، اجازه شروع فعالیت ندارند و منحل اعلام می‌شود.

تبصره ۶- دولت موظف است تا پایان سال اول برنامه کلیه دفاتر و شعب شرکتهای دولتی مستقر در خارج از کشور را منحل نماید. موارد ضروری بنا به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارائی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب شورای عالی اداری خواهد رسید.

ج - شرکتهای دولتی که با تصویب هیئت وزیران مشمول واگذاری به بخش غیر دولتی می‌شوند صرفاً طی مدت تعیین شدن در هیئت واگذاری برای واگذاری مشمول مقررات حاکم بر شرکتهای دولتی نخواهند بود و در چارچوب قانون تجارت اداره می‌شوند.

د - ادامه فعالیت شرکتهای دولتی تنها در شرایط زیر ممکن است:

۱- فعالیت آنها انحصاری باشد.

۲- بخش غیردولتی انگیزه‌ای برای فعالیت در آن زمینه را نداشته باشد.

ه- تبدیل وضعیت کارکنان شرکت‌های موضوع تبصره (۴) بند (ب) این ماده با رعایت حقوق مکتسبه به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی در قالب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

و- نقل و انتقال سهام در ارتباط با اجرای این ماده (ناشی از ادغام، انحلال و تجدید سازمان) از پرداخت مالیات معاف است.

ز- حق مالکیت دولت در شرکتهای مادر تخصصی (به استثنای شرکتهائی که ریاست مجمع آنها با رئیس جمهور است) از طریق وزارت امور اقتصاد و دارائی یا سازمان مالکیت شرکتهای دولتی که به استناد این قانون زیر نظر رئیس‌جمهور تشکیل خواهد شد (به تشخیص دولت) اعمال شود، دولت مکلف است نسبت به اصلاح اساسنامه این گروه شرکتهای به نحو مقتضی اقدام قانونی نماید. بار مالی احتمالی تشکیل سازمان مذکور از ردیفهای متمرکز در اختیار رئیس‌جمهور تأمین می‌گردد. کلیه شرکتهائی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام بوده و یا دارای قانون خاص هستند مشمول این بند می‌باشند.

تبصره - اساسنامه این سازمان با پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ح- شرکتهای مادر تخصصی نیز با رعایت اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قابل واگذاری هستند و مشارکت بخشهای خصوصی و تعاونی در آنها مجاز است. نحوه و روش مشارکت بخشهای خصوصی و تعاونی در شرکتهای مادر تخصصی بنا به پیشنهاد مجمع عمومی شرکت ذی‌ربط و تأیید هیئت عالی واگذاری به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ط- دولت مکلف است حداکثر تا سال سوم برنامه، نسبت به اصلاح ساختار و سودآوری شرکتهای دولتی که به استناد صورتهای مالی سال اول برنامه زیان‌ده هستند اقدام و در غیر این صورت آنها را منحل کند.

ی- در کلیه مواردی که به موجب قوانین، اجازه تصویب اساسنامه سازمانها، شرکتهای، مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله دستگاههای موضوع ماده (۱۶۵) این قانون و همچنین نهادها و مؤسسات

عمومی غیردولتی به دولت داده شده است، اصلاح و تغییر اساسنامه با پیشنهاد دستگاه ذی‌ربط و تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور با هیئت وزیران می‌باشد.

تبصره - هیئت دولت موظف است تا پایان سال دوم برنامه اساسنامه کلیه بانکها و شرکتهای دولتی را براساس پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به نحوی اصلاح نماید که اختیارات و چگونگی انتخاب اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل و بازرسان با رعایت مواد (۱۰۷)، (۱۰۸)، (۱۱۶)، (۱۱۸)، (۱۱۹)، (۱۲۴) و (۱۲۵) قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷ همسان گردد.

ک - مفاد ماده (۶۲) قانون برنامه سوم توسعه در مورد کلیه شرکتهای دولتی از جمله شرکت ملی نفت ایران و شرکتهای تابعه و وابسته وزارت نفت و شرکتهائی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام است نافذ بوده و در صورتی که تجدید ارزیابی دارائیهای آنها مطابق ماده مزبور انجام شده باشد از زمان تجدید ارزیابی قابل اعمال در حسابهای مربوط می‌باشد و شرکتهائی که تجدید ارزیابی آنها در دوران برنامه سوم توسعه میسر نشده باشد، مجازند تا آخر سال دوم برنامه چهارم توسعه برای یک بار طبق مفاد ماده فوق‌الذکر نسبت به تجدید ارزیابی دارائیهای ثابت خود اقدام نمایند.

ل - مقررات (آئین‌نامه‌ها و دستورالعملهای) مغایر با تصمیمات هیئت وزیران در چارچوب اختیارات موضوع این ماده ملغی‌الاثراست.

م - دولت موظف است منابع لازم جهت اجرای بخش انرژیهای نو موضوع ماده (۶۲) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت را از محل بند (الف) ماده (۴) برنامه تأمین نماید.

ن - به دولت اجازه داده می‌شود نسبت به واگذاری مالکیت املاک، تأسیسات، ماشین‌آلات و هرگونه مالکیت مربوط به تأسیسات آب و فاضلاب را که در اختیار و تصرف شرکتهای آب و فاضلابی است که قبل یا بعد از تشکیل شرکتهای مذکور ایجاد و در اختیار و تصرف آنها قرار گرفته یا خواهد گرفت به شرکتهای اقدام نماید.

در این خصوص شرکتهای آب و فاضلاب به عنوان دستگاه بهره‌بردار تلقی گردیده و مواد (۳۲) و (۳۳) قانون برنامه و بودجه مصوب سال ۱۳۵۱ در مورد آنها قابل اجراست.

س - کلیه دستگاههای اجرایی موضوع ماده (۱۶۵) این قانون مشمول مفاد این ماده می‌باشند.

◀ ماده ۹

وجوه حاصل از فروش سهام شرکتهای دولتی در حساب خاصی نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به نام خزانه‌داری کل کشور، متمرکز و به شرح زیر اختصاص و به حسابهای مربوط منتقل می‌گردد:

الف - معادل بیست درصد (۲۰٪) به عنوان علی‌الحساب مالیات بر عملکرد شرکت مادر تخصصی ذی‌ربط یا شرکتهای تحت پوشش آن (حساب درآمد عمومی کشور)

ب - معادل ده درصد (۱۰٪) به عنوان علی‌الحساب سود سهم دولت در شرکت مادر تخصصی ذی‌ربط (حساب درآمد عمومی کشور)

ج - معادل هفتاد درصد (۷۰٪) به حساب شرکت مادر تخصصی ذی‌ربط برای موارد ذیل:

۱- پرداخت دیون شرکت مادر تخصصی به دولت (وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و خزانه‌داری کل کشور).

۲- آماده‌سازی، بهسازی و اصلاح ساختار شرکتهای دولتی برای واگذاری.

۳- کمک به تأمین هزینه‌های تعدیل نیروی انسانی و آموزشهای فنی و حرفه‌ای (مهارتی) کارکنان شرکتهای قابل واگذاری.

۴- کمک به توانمندسازی بخشهای خصوصی و تعاونی در فعالیتهای اقتصادی در قالب بودجه‌های سنواتی.

۵- تکمیل طرحهای نیمه تمام و سرمایه‌گذاری در چارچوب بودجه مصوب.

تبصره ۱ - تمام وجوه حاصل از فروش در مورد سهام متعلق به دولت (به نام وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی) بایستی به حساب درآمد عمومی کشور واریز گردد.

تبصره ۲ - تفاوت قیمت دفتری سهام و بهای فروش آنها در سال فروش سهام به حساب سود و زیان همان سال شرکت مادر تخصصی ذی‌ربط (یا شرکتهای تحت پوشش آن) منظور می‌گردد.

◀ ماده ۱۰ (اصلاح شده ماده (۱۱) برنامه سوم توسعه)

سهام متعلق به وزارتخانه‌ها، مؤسسه‌های دولتی، شرکت‌های دولتی موضوع ماده (۴) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱ و اصلاحات بعدی و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت و سهام بانک و بیمه‌های دولتی و سایر شرکت‌هایی که بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) سرمایه و یا سهام آنها منفرداً یا مشترکاً متعلق به وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، شرکت‌های دولتی و همچنین سایر شرکت‌های دولتی و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت که شمول قوانین و مقررات عمومی بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است از جمله شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های تابعه و وابسته وزارت نفت و شرکت‌های تابعه آنها، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و شرکت‌های تابعه و سازمان صنایع ملی ایران و شرکت‌های تابعه و مرکز تهیه و توزیع کالا، همچنین سهام متعلق به دستگاه‌های فوق‌الذکر در شرکت‌های غیر دولتی و شرکت‌هایی که تابع قانون خاص می‌باشند، مشمول مقررات مواد این برنامه خواهند بود.

تبصره ۱- سهام متعلق به دستگاه‌های مذکور در این ماده که مالکیت آنها به صورت هبه، صلح غیر معوض یا هرگونه عقد دیگری انجام شده نیز مشمول مقررات این فصل می‌شوند.

تبصره ۲- مشارکت و سرمایه‌گذاری و سهام متعلق به بانکها، شرکت‌های بیمه و مؤسسات اعتباری در شرکتها، از شمول مقررات این فصل مستثنا است.

◀ ماده ۱۱

مواد (۱۰)، (۱۲) الی (۱۸) و (۲۰) الی (۲۷) "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن" برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد^۱.

۱۲ ماده

الف- از ابتدای برنامه چهارم، هر گونه سهمیه‌بندی تسهیلات بانکی (تفکیک بخشهای مختلف اقتصادی و منطقه‌ای) و اولویت‌های مربوط به بخشها و مناطق، با تصویب هیئت وزیران، از طریق تشویق سیستم بانکی با استفاده از یارانه نقدی و وجوه اداره شده، صورت می‌گیرد.

ب- نرخ سود تسهیلات بانکی برای کلیه مناطق، بخشهای مختلف اقتصادی، و یا اشخاص حقیقی و حقوقی در طول برنامه چهارم، در چارچوب سیاستهای پولی مصوب شورای پول و اعتبار که در اختیار هر بانک می‌باشد و اعمال اولویت توسط دولت صرفاً از طریق پرداخت یارانه نقدی و وجوه اداره شده، صورت خواهد گرفت.

ج-

۱- به منظور تأمین رشد اقتصادی و کنترل تورم و بهبود بهره‌وری منابع مالی سیستم بانکی، دولت مکلف است بدهی خود به بانک مرکزی و بانکها را طی سالهای برنامه چهارم با منظور کردن مبالغ بازپرداخت در بودجه‌های سنواتی کاهش دهد.

چگونگی بازپرداخت بدهیهای مزبور براساس آیین‌نامه‌ای خواهد بود که با پیشنهاد مشترک وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

۲- در طول سالهای برنامه چهارم، حداقل بیست و پنج درصد (۲۵٪) از تسهیلات اعطایی کلیه بانکهای کشور با هماهنگی دستگاههای اجرایی ذی‌ربط به بخش آب و کشاورزی اختصاص می‌یابد.

۳- افزایش در مانده تسهیلات تکلیفی بانکها طی سالهای برنامه چهارم، به طور متوسط سالانه بیست درصد (۲۰٪)، نسبت به رقم مصوب سال ۱۳۸۳ کاهش می‌یابد.

۴- دولت مکلف است از سال اول برنامه چهارم، نسبت به برقراری نظام بانکداری الکترونیکی و پیاده‌سازی رویه‌های تبادل پول و خدمات بانکی الکترونیکی ملی و بین‌المللی در کلیه بانکهای کشور و برای همه مشتریان اقدام نماید.

۵ - در جهت ایجاد فضای رقابتی سالم و به دور از انحصار در سیستم بانکی کشور و به منظور اقتصادی نمودن فعالیت بنگاهها، مؤسسات و سازمانهای دولتی و دیگر نهادهای عمومی و شهرداریها، برای دریافت خدمات بانکی بنگاههای مذکور مجازند بانک عامل را رأساً انتخاب نمایند.

تبصره ۱- انتخاب بانک عامل توسط ارگانهای موضوع این بند، در مورد آن بخش از وجوهات آنها که از محل بودجه عمومی دولت تأمین می‌گردد، منوط به کسب موافقت وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بر حسب مورد خواهد بود.

تبصره ۲- سپرده‌های دستگاههای اجرایی موضوع ماده (۱۲) "قانون پولی و بانکی کشور، مصوب سال ۱۳۵۱" به عنوان سپرده بانک عامل موضوع این بند تلقی نمی‌شود و بایستی طبق مقررات قانون یاد شده در حسابهای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران منعکس گردد.

هـ - ترکیب مجمع عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران عبارت است از:

رئیس جمهور (ریاست مجمع)، وزیر امور اقتصادی و دارایی، رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، وزیر بازرگانی و یک نفر از وزرا به انتخاب هیئت وزیران

تبصره ۱- رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به پیشنهاد رئیس جمهور و بعد از تأیید مجمع عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با حکم رئیس جمهور منصوب می‌گردد.

تبصره ۲- قائم مقام بانک مرکزی به پیشنهاد رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و پس از تأیید مجمع عمومی بانک مرکزی با حکم رئیس جمهوری منصوب می‌شود.

و- ترکیب اعضای شورای پول و اعتبار به شرح ذیل اصلاح می‌گردد:

- وزیر امور اقتصادی و دارایی یا معاون وی

- رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

- رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور یا معاون وی

- دو تن از وزرا به انتخاب هیئت وزیران

- وزیر بازرگانی

- دو نفر کارشناس و متخصص پولی و بانکی به پیشنهاد رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و تأیید ریاست جمهوری
- دادستان کل کشور یا معاون وی
- رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن
- رئیس اتاق تعاون
- نمایندگان کمیسیونهای "امور اقتصادی" و "برنامه و بودجه و محاسبات" مجلس شورای اسلامی (هر کدام یک نفر) به عنوان ناظر با انتخاب مجلس

تبصره ۱- ضوابط اجرایی این بند شامل نحوه تشکیل جلسات و چگونگی اتخاذ تصمیمات با پیشنهاد رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و تصویب شورای پول و اعتبار به مرحله اجرا گذارده خواهد شد.

تبصره ۲- ریاست شورا بر عهده رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

ز- به منظور ایجاد ساختار مالی مناسب در بانکها و فراهم آوردن امکان حضور مستمر بانکها در بازارهای مالی بین‌المللی همواره باید استانداردها و الزامات بین‌المللی در مورد نسبت کفایت سرمایه بانکها در حدی که شورای پول و اعتبار تعیین می‌کند رعایت شود. بدین منظور پس از تسویه کامل اصل و سود اوراق مشارکت ویژه موضوع ماده (۹۳) "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷" و تا زمانی که نسبت کفایت سرمایه هر یک از بانکهای دولتی کمتر از حداقل تعیین شده توسط شورای پول و اعتبار است، همه ساله مبلغی معادل درآمد دولت از محل مالیات و سهم سود دولت در آن بانک پس از واریز به حساب خزانه‌داری کل عیناً از محل اعتباراتی که در بودجه‌های سنواتی پیش‌بینی خواهد شد به صورت تخصیص یافته شده به منظور افزایش سرمایه دولت به حساب آن بانک واریز خواهد شد. چنانچه این وجوه برای تأمین حداقل فوق کافی نباشد، مابه‌التفاوت از طریق واریز وجوه حاصل از فروش سهام و یا حق تقدم سهام بانکها به حساب سرمایه بانکها و یا منظور نمودن اعتبار لازم در بودجه سنواتی دولت تأمین خواهد شد.

ح- دولت مکلف است اقدامات لازم را در زمینه سالم‌سازی ترازنامه بانکها و ایجاد نهادهای مالی ضروری انجام داده و لوایح قانونی لازم را در این زمینه ارایه نماید. همچنین دولت مکلف است پس از اصلاح ساختار مالی بانکهای تجاری دولتی به استثنای بانک ملی ایران، سرمایه بانکهای مزبور را از طریق افزایش سرمایه و واگذاری حق تقدم به عموم افزایش داده به طوری که سرمایه دولت در این بانکها تا پایان سال پایانی برنامه چهارم به کمتر از پنجاه درصد (۵۰٪) تقلیل یابد.

ط- اشتغال به عملیات بانکی توسط اشخاص حقیقی و حقوقی تحت هر عنوان و تأسیس و ثبت هر گونه تشکل برای انجام عملیات بانکی، بدون دریافت مجوز از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ممنوع است. تعریف و تشخیص عملیات بانکی بر عهده شورای پول و اعتبار است. ضوابط، مقررات و شرایط ناظر بر تأسیس، فعالیت و نظارت بر مؤسساتی که مجاز به انجام عملیات بانکی می‌باشند، بر اساس قوانین پولی و بانکی توسط شورای پول و اعتبار تعیین خواهد شد. تشکلهای و مؤسسات فعال در عملیات بانکی دارای مجوز فعالیت از سایر دستگاهها، می‌باید ظرف مدت شش ماه از تاریخ اجرای این قانون وضعیت خود را با الزامات تعیین شده در این قانون و مصوبات شورای پول و اعتبار انطباق دهند.

ی- به منظور اجرای سیاستهای پولی به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود که از ابزار اوراق مشارکت و سایر ابزارهای مشابه با تصویب شورای پول و اعتبار استفاده نماید.

ک- شعب بانکها و مؤسسات اعتباری خارجی می‌تواند در ایران تأسیس شود و در چارچوب "قانون پولی و بانکی، و قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲/۶/۸" فعالیت نماید. مجوز تأسیس و فعالیت این شعب توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران صادر خواهد شد.

ل- به منظور حفظ اعتماد عمومی به نظام بانکی، نظام بیمه سپرده‌ها ایجاد می‌شود. وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف است تا پایان سال اول برنامه چهارم اقدامات قانونی را معمول دارد.

م- شورای پول و اعتبار مکلف است، در تنظیم سیاستها و ضوابط و مقررات پولی و اعتباری، جبران کاهش ارزش سپرده‌ها و منابع مردم را پیش‌بینی و ملحوظ نماید، به نحوی که بازپرداخت تسهیلات، منجر به کاهش ارزش دارایی و سرمایه سپرده گذار نشود.

ن- رئیس مجمع عمومی بانک کشاورزی، وزیر جهاد کشاورزی تعیین می‌شود.

« ماده ۱۳ (اصلاح شده ماده «۵۵» قانون برنامه سوم توسعه)

سه درصد (۳٪) از سپرده‌های قانونی بانکها نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای درصد سال ۱۳۸۳ در اختیار بانکهای کشاورزی، مسکن و صنعت و معدن (هر بانک یک درصد (۱٪)) قرار گیرد تا صرف اعطای تسهیلات به طرحهای کشاورزی و دامپروری، احداث ساختمان و مسکن، تکمیل طرحهای صنعتی و معدنی بخش غیر دولتی شود که ویژگی عمده آنها اشتغالزایی باشد. آیین‌نامه اجرایی این ماده با رعایت قانون عملیات بانکی بدون ربا و به پیشنهاد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به تصویب شورای پول و اعتبار می‌رسد.

« ماده ۱۴

مواد (۶۵)، (۶۷) و (۹۶) "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن" برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد^۱.

« ماده ۱۵

الف- به منظور تنظیم تعهدات ارزی کشور، دستگاههای موضوع ماده (۱۶۵) این قانون، ملزم به رعایت

موارد ذیل هستند:

- ۱- عملیات و معاملات ارزی خود را از طریق حسابهای ارزی که در بانکهای داخل یا خارج، با تأیید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران افتتاح کرده یا می‌کنند، انجام دهند. بانکهای عامل ایرانی مکلف‌اند، خدمات مورد نیاز آنها را در سطح استانداردهای بین‌المللی تأمین نمایند.

۲- فهرست کلیه حسابهای ارزی جدید خارج از کشور خود را به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام نمایند، تا پس از تأیید، ادامه فعالیت آنها مؤثر گردد.

ب- دولت موظف است:

۱- زمان بندی پرداخت بدهیها و تعهدات، اعم از میان مدت و کوتاه مدت خارجی را به گونه‌ای تنظیم نماید که بازپرداختهای سالانه این بدهیها و تعهدات، بدون در نظر گرفتن تعهدات ناشی از بیع متقابل، در پایان برنامه چهارم، از سی درصد (۳۰٪) درآمدهای ارزی دولت در سال آخر برنامه چهارم، تجاوز نکند. در استفاده از تسهیلات خارجی، اولویت با تسهیلات بلندمدت خواهد بود.

۲- میزان تعهدات و بدهیهای خارجی کشور در سالهای برنامه چهارم را به گونه‌ای تنظیم نماید، تا ارزش حال خالص بدهیها و تعهدات کشور، بدون تعهدات ناشی از قراردادهای موضوع بند (ب) ماده (۳) قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰/۱۲/۱۹ (ماه‌التفاوت ارزش حال بدهیها، تعهدات کشور و ذخایر ارزی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران) در سال آخر برنامه چهارم بیش از سی میلیارد (۳۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار نباشد.

۳- بانکهای تجاری و تخصصی مجازند بدون تضمین دولت و با رعایت سقف مذکور در جزء (۲) نسبت به تأمین منابع مالی طرحهای سرمایه‌گذاری بخشهای غیردولتی از منابع بین‌المللی اقدام کنند.

ج- در مورد طرحهای سرمایه‌گذاری، دستگاههای اجرایی موضوع ماده (۱۶۵) این قانون که از تسهیلات مالی خارجی استفاده می‌کنند، موظف به رعایت موارد ذیل خواهند بود:

۱- تمامی طرحها با مسئولیت وزیر و یا بالاترین مقام اجرایی دستگاه ذی‌ربط و تأیید شورای اقتصاد، باید دارای توجیه فنی، اقتصادی و مالی باشند و مجموع هزینه‌های اجرای کامل آنها از سقفهای تعیین شده تجاوز نکند. تعیین زمانبندی دریافت و بازپرداخت تسهیلات هر طرح و میزان استفاده آن از ساخت داخل با توجه به ظرفیتهای، امکانات و تواناییهای داخلی و با رعایت قانون "حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی، تولیدی، صنعتی و اجرایی کشور در اجرای

پروژه‌ها و ایجاد تسهیلات به منظور صدور خدمات مصوب ۱۳۷۵/۱۲/۱۲ و نیز رعایت شرایط زیست‌محیطی در اجرای هر یک از طرحها باید به تصویب شورای اقتصاد برسد.

۲- قبل از عقد قرارداد، با ارائه توجیهات فنی و اقتصادی، با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موافقت‌نامه مبادله کنند.

د- تمامی معاملات و قراردادهای خارجی، که بیش از یک میلیون (۱/۰۰۰/۰۰۰) دلار باشد، با رعایت قانون "حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی، تولیدی، صنعتی و اجرایی کشور در اجرای پروژه‌ها و ایجاد تسهیلات به منظور صدور خدمات مصوب ۱۳۷۵/۱۲/۱۲"، تنها از طریق مناقصه محدود و یا بین‌المللی (با درج آگهی در روزنامه‌های کثیرالانتشار و رسانه‌های الکترونیکی داخلی و خارجی) انجام، و منعقد نمایند. موارد استثنا به تأیید کمیته سه نفره متشکل از وزیر امور اقتصادی و دارائی، رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزیر وزارتخانه مربوطه خواهد رسید.

در کلیه مناقصه‌ها، حق کنترل و بازرسی کمی و کیفی و کنترل قیمت برای کلیه کالاهای وارداتی و پروژه‌ها برای خریدار محفوظ است. وزیر یا بالاترین مقام اجرایی ذی‌ربط، مسئول حسن اجرای این موضوع می‌باشد.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران فقط مجاز به تعهد یا پرداخت معاملات و قراردادهایی است که تأیید بالاترین مقام دستگاههای اجرایی، مبنی بر رعایت مفاد این بند را داشته باشد.

ه- دولت مکلف است همراه با لوائح بودجه سالانه، جداول دریافت و پرداختهای ارزی را برای سالهای باقیمانده از برنامه چهارم ارائه نماید.

« ماده ۱۶

الف- دولت موظف است طرحهای بیع متقابل دستگاههای موضوع ماده (۱۶۵) این قانون و همچنین مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی و بانکها را در لوائح بودجه سالیانه پیش‌بینی و به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید.

ب- به منظور افزایش ظرفیت تولید نفت و حفظ و ارتقای سهمیه ایران در تولید اوپک، تشویق و حمایت از جذب سرمایه‌ها و منابع خارجی در فعالیتهای بالادستی نفت و گاز به ویژه در میادین مشترک و طرحهای اکتشافی کشور، اطمینان از حفظ و صیانت هر چه بیشتر با افزایش ضریب بازیافت از مخازن نفت و گاز کشور، انتقال و به‌کارگیری فناوریهای جدید در توسعه و بهره‌برداری از میادین نفتی و گازی و امکان استفاده از روشهای مختلف قراردادی بین‌المللی، به شرکت ملی نفت ایران اجازه داده می‌شود تا سقف تولید اضافی مندرج در بند "ج" این ماده نسبت به انعقاد قراردادهای اکتشافی و توسعه میدانها با تأمین منابع مالی با طرفهای خارجی یا شرکتهای صاحب صلاحیت داخلی، متناسب با شرایط هر میدان با رعایت اصول و شرایط ذیل اقدام نماید:

- ۱- حفظ حاکمیت و اعمال تصرفات مالکانه دولت، بر منابع نفت و گاز کشور
- ۲- عدم تضمین بازگشت تعهدات ایجاد شده توسط دولت، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و بانکهای دولتی
- ۳- منوط کردن بازپرداخت اصل سرمایه، حق الزحمه و یا سود، ریسک و هزینه‌های تأمین منابع مالی و سایر هزینه‌های جنبی ایجاد شده جهت اجرای طرح از طریق تخصیص بخشی از محصولات میدان و یا عواید آن، بر پایه قیمت روز فروش محصول
- ۴- پذیرش خطرات و ریسک عدم دستیابی به اهداف مورد نظر قراردادی، غیر اقتصادی بودن میدان و یا ناکافی بودن محصول میدان برای استهلاک تعهدات مالی ایجاد شده توسط طرف قرارداد
- ۵- تعیین نرخ بازگشت سرمایه‌گذاری برای طرف قرارداد، متناسب با شرایط هر طرح و با رعایت ایجاد انگیزه برای به‌کارگیری روشهای بهینه در اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری
- ۶- تضمین برداشت صیانتی از مخازن نفت و گاز در طول دوره قرارداد
- ۷- حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی، تولیدی، صنعتی و اجرایی کشور (براساس قانون حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی، تولیدی، صنعتی و اجرایی کشور در اجرای پروژه‌ها و ایجاد تسهیلات به منظور صدور خدمات مصوب ۱۳۷۵/۱۲/۱۲)
- ۸- رعایت مقررات و ملاحظات زیست‌محیطی

ج- به شرکت ملی نفت ایران اجازه داده می‌شود، که برای توسعه میدانهای نفت و گاز تا سقف تولید اصلاح اضافی، روزانه یک میلیون بشکه نفت خام و دویست و پنجاه میلیون متر مکعب گاز طبیعی، با اولویت میادین مشترک، پس از تصویب توجیه فنی و اقتصادی طرحها در شورای اقتصاد و مبادله موافقتنامه با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور اقدام نماید و بازپرداخت تعهدات ایجاد شده را در هر یک از طرحهای نفتی و گازی، صرفاً از محل تولیدات اضافی همان طرح و در مورد طرحهای گازی از محل تولیدات اضافی همان طرح (منابع داخلی شرکت ملی نفت ایران) انجام دهد.

د- به شرکت ملی نفت ایران اجازه داده می‌شود به منظور جمع‌آوری گازهای همراه و تزریق گاز، نوسازی و بهینه‌سازی تأسیسات نفتی، تبدیل گاز طبیعی به فرآورده‌های مایع (DME, GTL, LNG, ...)، تأسیسات پالایش و بهینه‌سازی مصرف سوخت شامل طرحهای توسعه گاز رسانی، نسبت به اجرای طرحهای مربوطه پس از تصویب توجیه فنی- اقتصادی طرحها در شورای اقتصاد و مبادله موافقتنامه با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور اقدام نماید و بازپرداخت تعهدات ایجاد شده را از محل درآمد اضافی همان طرحها (منابع داخلی شرکت ملی نفت ایران) انجام دهد.

ه- به شرکت ملی نفت ایران اجازه داده می‌شود به منظور شناسایی و اکتشاف هر چه بیشتر منابع نفت و گاز در سراسر کشور و نیز انتقال و به‌کارگیری فناوریهای جدید در عملیات اکتشافی، پس از کسب مجوز موردی از وزارت نفت در کلیه مناطق کشور (به استثنای استانهای خوزستان، بوشهر و کهگیلویه و بویراحمد) که عملیات اکتشافی مربوط با ریسک پیمانکار انجام و منجر به کشف میدان قابل تولید تجاری شود، در قالب ارقام مذکور در بند "ج" این ماده پس از تصویب شورای اقتصاد و مبادله موافقتنامه با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، مرحله توسعه را به دنبال مرحله اکتشاف و از طریق عقد قرارداد با همان پیمانکار آغاز نماید. هزینه‌های اکتشافی (مستقیم و غیر مستقیم) در قالب قراردادی که برای توسعه میدان منعقد می‌شود منظور و به همراه هزینه‌های توسعه از محل فروش محصولات تولیدی همان میدان (منابع داخلی شرکت ملی نفت ایران) بازپرداخت خواهد شد. مجوزهای اکتشاف صادره، دارای زمان محدود بوده که در هر مورد توسط وزارت نفت تعیین شده و یک بار نیز قابل تمدید می‌باشد.

در صورتی که در پایان مرحله اکتشاف، میدان تجاری در هیچ نقطه‌ای از منطقه کشف نشده باشد، قرارداد اکتشافی خاتمه خواهد یافت و طرف قرارداد حق مطالبه هیچ گونه وجهی را نخواهد داشت.

و- آیین‌نامه اجرایی این ماده با پیشنهاد مشترک سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت نفت و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

◀ ماده ۱۷

الف- شورای بورس مکلف است، اقدامهای ذیل را در طول سالهای برنامه چهارم به عمل آورد:

- ۱- گسترش جغرافیایی بورس از طریق راه کارهای مناسب از جمله راه اندازی تالارهای منطقه‌ای و استانی، ایجاد شبکه کارگزاری و پذیرش کارگزاران محلی
- ۲- ایجاد و گسترش بازارهای تخصصی (بورس کالا)
- ۳- ایجاد بازارهای اوراق بهادار خارج از بورس
- ۴- برقراری ارتباط با بورسهای منطقه‌ای و جهانی به منظور مبادله اطلاعات و پذیرش متقابل اوراق بهادار

ب- شورای بورس موظف است نسبت به طراحی و راه‌اندازی شبکه ملی داد و ستد الکترونیک اوراق بهادار در چارچوب نظام جامع پرداخت و تدوین چارچوب تنظیمی و نظارتی و ساز و کار اجرایی آن اقدام نماید.

ج- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و وزارت امور اقتصادی و دارایی موظفاند، با طراحی و تدوین چارچوب تنظیمی و نظارتی و ساز و کار اجرایی لازم، امکان سرمایه‌گذاری خارجی در بازار سرمایه کشور و بین‌المللی کردن بورس اوراق بهادار تهران را فراهم آورند.

آیین‌نامه اجرایی این ماده به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

۱۸ ماده

الف- دولت مجاز است، سهام شرکتهای بیمه تجاری را پس از اصلاح ساختار، براساس برنامه زمانبندی مشخص و طبق آیین‌نامه‌ای که به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، به بخش خصوصی یا تعاونی واگذار نماید.

ب- مؤسسات بیمه خارجی می‌توانند در ایران شعبه و نمایندگی تاسیس نموده و در چارچوب "قانون تاسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری مصوب سال ۱۳۵۰ و اصلاحیه‌های بعدی آن" و رعایت بند "الف" ماده (۹۲) این قانون فعالیت نمایند. مجوز تأسیس و فعالیت این شعب و نمایندگیها توسط بیمه مرکزی ایران پس از تصویب شورای عالی بیمه صادر خواهد شد.

۱۹ ماده

دولت مکلف است، نظر به جایگاه محوری آب در توسعه کشور، منابع آب کشور را با نگرش مدیریت جامع و توأمان عرضه و تقاضا در کل چرخه آب با رویکرد توسعه پایدار در واحدهای طبیعی حوزه‌آبریزی با لحاظ نمودن ارزش اقتصادی آب، آگاه‌سازی عمومی و مشارکت مردم به گونه‌ای برنامه‌ریزی و مدیریت نماید که هدف‌های زیر تحقق یابد:

الف- اجرای مفاد تبصره «۱» ماده (۱۰۶) و ماده (۱۰۷) قانون برنامه سوم توسعه در طول اجرای برنامه چهارم توسعه و با اصلاح ساختار مصرف آب و استقرار نظام بهره‌برداری مناسب و با استفاده از روشهای نوین آبیاری و کم آبیاری، راندمان آبیاری و به تبع آن کارایی آب به ازای یک متر مکعب در طی برنامه بیست و پنج درصد (۲۵٪) افزایش یافته و با اختصاص به محصولات با ارزش اقتصادی بالا و استفاده بهینه از آن موجبات افزایش بهره‌وری آب را فراهم سازد.

ب- به منظور ایجاد تعادل بین تغذیه و برداشت سفره‌های آب زیرزمینی در دشتهای با تراز منفی، دولت مکلف است با تجهیز منابع مالی مورد نیاز و تمهیدات سازه‌ای و مدیریتی، مجوزهای بهره‌برداری در این دشتهای را بر اساس مصرف معقول (موضوع ماده ۱۹ قانون توزیع عادلانه آب) که با روشهای

نوین آبیاری قابل دسترس است، اصلاح نماید به طوری که تا پایان برنامه چهارم تراز منفی سفره‌های آب زیرزمینی بیست و پنج درصد (۲۵٪) بهبود یابد.

ج- ارزش اقتصادی آب در هر یک از حوزه‌های آبریز، با لحاظ ارزش ذاتی و سرمایه‌گذاری، برای بهره‌برداری حفاظت و بازیافت در برنامه‌های بخش‌های مصرف منظور گردد. آیین‌نامه اجرایی این بند در طی سال اول برنامه تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

د- به منظور تسریع در اجرای طرح‌های استحصال، تنظیم، انتقال و استفاده حداکثر از آبهای رودخانه‌های مرزی و منابع آب مشترک، دولت موظف است سالانه دو درصد (۲٪) از مجموع اعتبارات طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای بودجه عمومی را در لوایح بودجه سنواتی تحت برنامه مستقل منظور و در چارچوب موافقت‌نامه‌های متبادله بین سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت نیرو برای اجرای طرح‌های مذکور به صورت صد در صد (۱۰۰٪) تخصیص یافته، هزینه نماید.

ه- طرح‌های انتقال آب بین حوزه‌ای از دیدگاه توسعه پایدار، با رعایت حقوق ذی‌نفعان و برای تأمین نیازهای مختلف مصرف، مشروط به توجیه فنی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی و منافع ملی مورد نظر قرار گیرد.

و- مبادله آب با کشورهای همجوار با رعایت اصل (۷۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، منافع ملی و توجیه‌های فنی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی بر اساس طرح جامع آب کشور و با تصویب هیئت وزیران به عمل آید.

ز- فرهنگ صحیح و منطقی مصرف آب، از طریق تدوین الگوی مصرف بهینه آب، اصلاح تعرفه‌ها برای مشترکین پرمصرف، به تدریج با نصب کنتورهای جداگانه برای کلیه واحدهای مسکونی و اجرای طرح‌های مدیریت مصرف آب در شهرها و روستاهای کشور گسترش یابد.

تبصره - قانون الحاق یک بند و دو تبصره به ماده (۱۳۳) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۰/۸/۶ مجلس شورای اسلامی (موضوع تعیین الگو و هزینه‌های مازاد بر الگوی مصرف آب) برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد.

- ح- هماهنگی اعتباری در تهیه و اجرای همزمان طرح‌های تأمین آب و طرح‌های مکمل نظیر شبکه‌های آبیاری و زهکشی در پایین دست و طرح‌های آبخیزداری در بالا دست سدهای مخزنی به عمل آید.
- ط- برای تداوم اجرای احکام تبصره (۷۶) قانون برنامه دوم توسعه و ماده (۱۰۶) قانون برنامه سوم توسعه و به منظور گسترش سرمایه‌گذاری، با اولویت در طرح‌های شبکه‌های آبیاری، زهکشی و طرح‌های تأمین آب، که دارای توجیه فنی و اقتصادی هستند، منابع عمومی با منابع بانک کشاورزی و بهره‌برداران تلفیق می‌گردد. در آیین‌نامه اجرایی این بند که به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، چگونگی تعیین عنوان و سهم حمایت دولت مشخص می‌گردد.
- ی- برنامه‌های اجرایی مدیریت خشکسالی را تهیه و تدوین نماید.
- ک- آیین‌نامه‌های اجرایی این ماده با پیشنهاد وزارت نیرو و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

◀◀ ماده ۲۰

دولت مکلف است ظرف مدت شش ماه پس از تصویب این قانون برنامه توسعه بخش کشاورزی و منابع طبیعی را با محوریت خودکفایی در تولید محصولات اساسی کشاورزی، تأمین امنیت غذایی، اقتصادی نمودن تولید و توسعه صادرات محصولات کشاورزی و ارتقای رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی حداقل به میزان رشد پیش‌بینی شده در جدول شماره ۲ بخش هفتم این قانون را تهیه و از طریق انجام اقدامات ذیل به مرحله اجرا درآورد:

- الف- سرمایه‌گذاری لازم به منظور اجرای عملیات زیربنایی آب و خاک و توسعه شبکه‌های آبیاری و زهکشی در دو میلیون هکتار از اراضی کشاورزی دارای آب تأمین شده.
- ب- تلفیق بودجه عمومی (به صورت وجوه اداره شده) با منابع نظام بانکی و منابع حاصل از مشارکت تولید کنندگان به منظور پرداخت تسهیلات به سرمایه‌گذاران بخش کشاورزی و صنایع تبدیلی و تکمیلی.

ج- پوشش حداقل پنج درصدی بیمه محصولات کشاورزی و عوامل تولید با بهره‌برداری از خدمات فنی بخش خصوصی تا پایان برنامه.

د- افزایش سرمایه شرکت مادر تخصصی صندوق حمایت از توسعه سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی به میزان سرمایه اولیه در طول سالهای برنامه و کمک به صندوق‌های اعتباری غیردولتی توسعه بخش کشاورزی به صورت وجوه اداره شده و از طریق اعتبارات تملک دارایی سرمایه‌ای.

ه- حمایت از گسترش صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی به نحوی که درصد محصولات فرآوری شده حداقل به میزان دو برابر وضع موجود افزایش یافته و موجبات کاهش ضایعات به میزان پنجاه درصد (۵۰٪) فراهم گردد.

و- افزایش تولید مواد پروتئینی دام و آبزیان در راستای اصلاح ساختار تغذیه به نحوی که سرانه سهم پروتئین حیوانی در الگوی تغذیه به ۲۹ گرم افزایش یابد.

ز- ایجاد صندوق تثبیت درآمد کشاورزان با مشارکت درآمدی دولت و کشاورزان جهت سیاست‌های حمایتی درآمدی کشاورزان به نحوی که خطرپذیری حاصل از تغییر قیمت‌ها و عملکرد تولید را به‌منظور تثبیت درآمد کشاورزان کاهش دهد. اساسنامه صندوق یاد شده ظرف مدت شش ماه پس از تصویب این قانون به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ح- صدور سند مالکیت اراضی کشاورزی واقع در خارج از محدوده قانونی شهرها، شهرکها و روستاها به نام مالکین قانونی آنها از طریق سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تا پایان برنامه چهارم.

ط- نوسازی باغات موجود و توسعه باغات با اولویت در اراضی شیبدار و مستعد به میزان یک میلیون هکتار با تأمین منابع ارزان قیمت و در راستای توسعه صادرات.

ی- ایجاد انگیزه برای جذب متخصصین توسط تولید کنندگان و بهره‌برداران به منظور گسترش آموزش و ترویج با استفاده از خدمات فنی بخش خصوصی به میزان حداقل سی درصد (۳۰٪) تولید کنندگان و بهره‌برداران و توسعه تحقیقات کاربردی کشاورزی به میزان دو برابر شرایط سال پایه.

۲۱ ماده

به منظور ارتقای شاخصهای توسعه روستایی و عشایری، دولت مکلف است ترتیبی اتخاذ نماید:

الف- سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، راهبری و نظارت در امور توسعه روستایی زیر نظر رئیس جمهور انجام گیرد.

ب- شاخصهای مذکور نسبت به پایان برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران حداقل بیست و پنج درصد (۲۵٪) افزایش یافته و ساماندهی اسکان عشایر با حفظ ارتقای توانمندیهای اقتصادی در حد پنجاه درصد (۵۰٪) جمعیت عشایر کشور صورت پذیرد.

ج- اعتبارات روستایی و عشایری در طول برنامه بمیزان ارقام بودجه مصوبه سالانه صدر درصد (۱۰۰٪) تخصیص و پرداخت گردد.

۲۲ ماده

مواد (۱۰۸)، (۱۲۱)، (۱۲۲) و (۱۳۴) "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن" برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد^۱.

۲۳ ماده

دولت موظف است سند ملی توسعه بخشهای صنعت و معدن را با توجه به مطالعات استراتژی توسعه صنعتی کشور ظرف مدت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون با محوریت توسعه رقابت‌پذیری مبتنی بر توسعه فناوری و در جهت تحقق هدف رشد تولید صنعتی و معدنی متوسط سالانه یازده و دو درصد (۱۱/۲٪) و رشد متوسط سرمایه‌گذاری صنعتی و معدنی شانزده و نه دهم درصد (۱۶/۹٪) به‌گونه‌ای که

سهم بخش صنعت و معدن از تولید ناخالص داخلی از چهارده درصد (۱۴٪) در سال ۱۳۸۳ به شانزده و دو دهم درصد (۱۶/۲٪) در سال ۱۳۸۸ و صادرات صنعتی از رشد متوسط سالانه چهارده و هشت دهم درصد (۱۴/۸٪) برخوردار گردد تهیه و محورهای ذیل را به اجرا درآورد:

الف- توسعه قابلیت‌های فناوری و ایجاد شرایط بهره‌مندی از جریان‌های سرریز فناوری در جهان و تأکید ویژه بر حوزه‌های دارای توان توسعه‌ای بالا در صنایع نوین

ب- تقویت مزیت‌های رقابتی و توسعه صنایع مبتنی بر منابع (صنایع انرژی‌بر، صنایع معدنی، صنایع پتروشیمی، صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی و زنجیره‌های پایین دستی آنها)

ج- اصلاح و تقویت نهادهای پشتیبانی کننده توسعه کار آفرینی و صنایع کوچک و متوسط

د- بهبود و گسترش سیستم‌های اطلاع رسانی، توسعه و گسترش پایگاه‌های داده‌های علوم زمین به منظور دسترسی سرمایه‌گذاران و کارآفرینان به اطلاعات مورد نیاز توسط دولت

ه- گسترش تولید صادرات گرا در چارچوب سیاست‌های بازرگانی کشور

و- برای تجهیز منابع لازم در توسعه صنعتی و معدنی:

۱- دولت مکلف است در طول سال‌های برنامه سرمایه بانک صنعت و معدن را متناسباً برابر سقف

مصوب اساسنامه افزایش دهد.

۲- استفاده از علوم و فناوری‌های نوین در کلیه زمینه‌های معدنی از قبیل اکتشاف، استخراج،

فرآوری مواد معدنی و صنایع معدنی، دولت مکلف است زمینه حضور سرمایه‌گذاران خارجی را در امور فوق فراهم آورد.

۳- تقویت شرکتهای مادر تخصصی توسعه‌ای در جهت توسعه بخش غیردولتی با استفاده از

منابع عمومی، خارجی و منابع ناشی از فروش سهام شرکتهای زیرمجموعه و عرضه سهام شرکتهای مادر تخصصی در بازار بورس تا سقف چهل و نه درصد (۴۹٪).

۴- در جهت ایجاد ارزش افزوده بیشتر و استفاده از منابع گاز در توسعه صنعتی و معدنی، به

دولت اجازه داده می‌شود با رعایت سقفهای مصوب ماده (۱۴) برنامه تا مبلغ نه میلیارد دلار

- از منابع خارجی (بیع متقابل و فاینانس و ...) در جهت ایجاد صنایع انرژی بر و صنایع دارای مزیت نسبی با هدف صادراتی تعهد و تأمین نماید.
- ۵- تأمین زیربناهای لازم در معادن بزرگ و مناطق معدنی توسط دولت.
- ۶- اصلاح اساسنامه صندوق بیمه فعالیت‌های معدنی و صندوق حمایت از توسعه و تحقیقات صنعت الکترونیک در جهت تقویت و توسعه نهادهای پوشش دهنده مخاطرات سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در زمینه اکتشافات مواد معدنی و سرمایه‌گذاری خطر پذیر در صنایع نوین.

۲۴ ماده

الف- دولت مکلف است با سیاست‌گذاری لازم، زمینه تولیدات صنعت خودرو سواری را مطابق با میزان مصرف سوخت در حد استاندارد جهانی و عرضه آن با قیمت رقابتی فراهم نماید و سیاست‌های تشویقی و ساز و کار قیمت عرضه گاز فشرده طبیعی و سوخت‌های جایگزین را به گونه‌ای طراحی و به اجرا درآورد که منتهی به ایجاد عرضه حداقل سی درصد (۳۰٪) از کل خودروهای تولیدی و وارداتی به صورت دو گانه سوز گردد.

ب- وزارت نفت موظف است در شهرهای کشور به ویژه شهرهای بزرگ با حمایت از بخش خصوصی و تعاونی، به تدریج جایگاه‌های عرضه گاز (CNG) را احداث و به بهره‌برداری برساند و شهرداریها مکلف به همکاری لازم در این خصوص می‌باشند.

ج- قیمت گاز طبیعی فشرده (CNG)، حداکثر معادل چهل درصد (۴۰٪)، قیمت بنزین (با ارزش حرارتی معادل) خواهد بود.

۲۵ ماده

به منظور هم‌افزایی در فعالیتهای اقتصادی، با تأکید بر مزیت‌های نسبی و رقابتی به ویژه در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی و صنایع و خدمات مهندسی پشتیبان آنها، صنایع انرژی بر و زنجیره پایین‌دستی آنها، در چارچوب موازین طرح ملی آمایش سرزمین در طول سالهای برنامه چهارم، هر ساله سی و پنج

درصد (۳۵٪) بهره مالکانه گاز طبیعی، با درج در طرحهای تملک دارایی‌های سرمایه‌ای قانون بودجه، منحصرأ به مصرف اجرای طرحهای زیربنایی و آماده‌سازی سواحل و جزایر ایرانی خلیج فارس و حوزه نفوذ مستقیم آنها خواهد رسید. این طرحها، به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

◀ ماده ۲۶

به دولت اجازه داده می‌شود جهت رشد اقتصادی، ارتقای فناوری، ارتقای کیفیت تولیدات، افزایش فرصتهای شغلی و افزایش صادرات در قلمرو فعالیتهای تولیدی اعم از صنعتی، معدنی، کشاورزی، زیربنایی، خدمات و فناوری اطلاعات و در اجرای "قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰/۱۲/۱۹"، به منظور جلب سرمایه‌گذاری خارجی، زمینه‌های لازم را از طریق مذکور در بند (ب) ماده (۳) قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰/۱۲/۱۹ فراهم نماید.

دولت موظف است پرداخت کلیه تعهدات قراردادی شرکتهای دولتی ایرانی طرف قرارداد برای کالاها و خدماتی که الزاماً می‌بایست توسط دولت خریداری شود را که به تصویب شورای اقتصاد رسیده است، از محل وجوه و منابع متعلق به آنان، تعهد و پرداخت از محل آن وجوه و منابع را تضمین نماید. این تعهد پرداختی ناپستی از محل وجوه و منابع عمومی باشد.

ضمانت‌نامه صادره علی‌رغم ماهیت تجاری آن نباید ریسک تجاری و خسارات ناشی از قصور سرمایه‌گذار در ایفای تعهدات قراردادی وی را پوشش دهد.

به منظور دستیابی به رشد پیش‌بینی شده در طی سالهای برنامه چهارم برای سرمایه‌گذاری‌های

خارجی:

- ۱- به دولت اجازه داده می‌شود معادل یک در هزار از کل سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی واقعی تحت پوشش قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی (مصوب ۱۳۸۰/۱۲/۱۹) را علاوه بر بودجه سالیانه در ردیفهای پیش‌بینی شده در قوانین بودجه سنواتی بطور سالیانه در اختیار سازمان سرمایه‌گذاری و کمکهای اقتصادی و فنی ایران قرار دهد.

۲- به منظور افزایش کارایی سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران در جهت تحقق اهداف پیش‌بینی شده در برنامه در خصوص سرمایه‌گذاری خارجی و با توجه به قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی، دولت مکلف است نسبت به تقویت و اصلاح ساختار تشکیلاتی و جایگاه سازمان مذکور اقدام نماید.

۲۷ ماده ◀◀

الف- سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان، در امور مربوط به اکتشاف، استخراج و تولید نفت و گاز، پالایش، انتقال و توزیع مواد نفتی و گاز طبیعی، تولید، انتقال و توزیع برق با دولت است.

دولت موظف است حداقل ده درصد (۱۰٪) از ظرفیت انجام فعالیت مربوط به بهره‌برداری از میدین نفت و گاز، پالایش، پخش و حمل و نقل مواد نفتی و گازی و همچنین تولید و توزیع برق را به نحوی که موجب انحصار در بخش غیر دولتی نشود و استمرار ارائه خدمات تضمین گردد، به اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی واگذار نماید.

ب- دولت مکلف است، به منظور ترغیب سایر مؤسسات داخلی به تولید هر چه بیشتر نیروی برق از نیروگاه‌های خارج از مدیریت و نظارت وزارت نیرو، شرایط و قیمت‌های تضمینی خرید برق را تا پایان سال اول برنامه چهارم تعیین و اعلام کند.

۲۸ ماده ◀◀ (اصلاح شده ماده ۵۲ قانون برنامه سوم توسعه)

در جهت منطقی نمودن هزینه برق، گاز، تلفن، آب و فاضلاب و نیز متناسب نمودن نرخهای ترجیحی در جهت حمایت از تولید (در مقایسه با بخشهای غیر تولیدی)، کمیته‌ای متشکل از نمایندگان وزارتخانه‌های متولی امور تولیدی و زیربنایی (حسب مورد) و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور همه ساله ضوابط تعیین نرخ فروش (اعم از اشتراک و نرخ نهاده‌ها) را متناسب با هدف فوق تهیه و به شورای اقتصاد پیشنهاد خواهد نمود.

هزینه‌های اشتراک زیربنای فوق برای واحدهای تولیدی، صنعتی، معدنی، کشاورزی، به علاوه هزینه حفر چاه، قیمت زمین و پروانه ساختمان مورد استفاده واحدهای تولیدی غیر دولتی که طی برنامه چهارم تقاضای انشعاب می‌کنند، پس از بهره‌برداری با تقسیط پنج‌ساله توسط دستگاههای ذی‌ربط دریافت خواهد شد.

تبصره - دولت موظف است برای تأمین آب، برق، گاز، تلفن و راه دسترسی تا ورودی شهرکهای صنعتی و نواحی صنعتی، با اعلام دستگاه ذی‌ربط اقدامهای لازم را به عمل آورد.

◀ ماده ۲۹

به دولت اجازه داده می‌شود، به منظور ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاری و اشتغال در سطح کشور، به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه یافته، در قالب لوایح بودجه سنواتی و از طریق وجوه اداره شده، تسهیلات متناسب با سهم متقاضیان سرمایه‌گذاری در طرحهای اشتغالزا و نیز قسمتی از سود و کارمزد تسهیلات مذکور را تأمین کند.

◀ ماده ۳۰

به منظور تقویت اقتصاد حمل و نقل، بهره‌برداری مناسب از موقعیت سرزمینی کشور، افزایش ایمنی و سهولت حمل و نقل بار و مسافر، دولت موظف است در چارچوب "برنامه توسعه حمل و نقل کشور"، که به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید، اهداف زیر را در برنامه چهارم توسعه محقق کند. مشروط بر اینکه اعتبارات مورد نیاز برای تحقق آن در قالب منابع قابل تخصیص به بخش از سقف‌های مندرج در جدول شماره (۴) این قانون تجاوز ننماید:

الف:

- ۱- حذف کامل نقاط سانحه خیز شناسائی شده در آزادراهها، بزرگراهها و راههای اصلی کشور،
- ۲- تکمیل حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) شبکه آزادراه و بزرگراه مرتبط کننده مراکز استانها،

- ۳- تکمیل صد در صد (۱۰۰٪) شبکه گذرگاههای شمال - جنوب، شرق - غرب و بزرگراههای آسیایی در محدوده کشور،
- ۴- تکمیل حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) شبکه راههای اصلی مرتبط کننده مراکز شهرستانها،
- ۵- تکمیل حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) راههای فرعی مرتبط کننده مراکز بخشها،
- ۶- تکمیل حداقل هفتاد درصد (۷۰٪) شبکه راههای روستایی مرتبط کننده روستاهایی که بیش از یکصد خانوار جمعیت دارند.
- ۷- نوسازی ناوگان حمل و نقل عمومی جاده‌ای (بار و مسافر) با استفاده از وجوه اداره شده به نحوی که در پایان برنامه، متوسط سن ناوگان حداکثر به ده سال برسد.
- ۸- پوشش کامل آزادراههای کشور به سامانه کنترل هوشمند I.T.S
- ۹- فراهم‌سازی زمینه‌های لازم جهت ایجاد مجتمعهای خدمات رفاهی در جاده‌های کشور از طریق اعطای کمکهای بلاعوض و واگذاری اراضی منابع طبیعی به صورت رایگان توسط وزارت جهاد کشاورزی.

ب:

- ۱- اتمام شبکه راه‌آهن ترانزیت کالا و مسافر شمال - جنوب و شرق - غرب
- ۲- اتمام شبکه راه‌آهن آسیایی واقع در محدوده کشور،
- ۳- ایجاد امکان دسترسی بخش غیردولتی به شبکه راه‌آهن کشور
- ۴- تجهیز کامل شبکه راه‌آهن کشور به سیستم علائم و ارتباطات
- ۵- نوسازی ناوگان راه‌آهن کشور با استفاده از وجوه اداره شده، به نحوی که در پایان برنامه متوسط سن ناوگان مسافری حداکثر به پانزده سال برسد.
- ۶- برقراری ارتباط کلان شهرها و سواحل شمال و جنوب و مراکز مهم گردشگری با مرکز با قطارهای سرعت بالا با مشارکت بخش‌های غیردولتی.

ج:

- ۱- طبقه‌بندی فرودگاههای کشور براساس برآورد میزان تقاضای حمل و نقل بار و مسافر در پایان برنامه و تجهیز کامل فرودگاهها متناسب با آن.

- ۲- تکمیل صد در صد (۱۰۰٪) تجهیزات ناوبری هوایی و پوشش راداری کل فضای کشور در حد استاندارد بین‌المللی.
- ۳- نوسازی ناوگان حمل و نقل هوایی با استفاده از وجوه اداره شده به نحوی که در پایان برنامه، متوسط سن ناوگان هوایی حداکثر به پانزده سال برسد.
- ۴- وظایف حفاظتی کلیه فرودگاههای کشور صرفاً به عهده نیروی انتظامی می‌باشد. وظایف مربوط برابر آیین‌نامه‌ای خواهد بود که با پیشنهاد وزارت کشور و وزارت راه و ترابری به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.
- ۵- واگذاری بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) سهام شرکت‌های هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران و ایران ایرتور به بخش غیردولتی.

د :

- ۱- تجهیز و نوسازی بنادر تجاری کشور و اصلاح مدیریت و بهره‌برداری آنها به نحوی که تا پایان برنامه چهارم توسعه، ظرفیت تخلیه و بارگیری بنادر تجاری حداقل به یکصد و ده میلیون تن برسد.
- ۲- نوسازی ناوگان حمل و نقل دریایی با استفاده از وجوه اداره شده

ه :

- ۱- تدوین و به‌کارگیری استانداردهای حمل و نقل با استانداردهای جهانی
- ۲- ایجاد تسهیلات لازم و هماهنگی بین دستگاه‌های ذی‌ربط برای گسترش ترانزیت کالا و مسافر
- ۳- یکپارچه‌سازی سازمان مدیریت فرودگاهها، بنادر و پایانه‌های مرزی زمینی.
- ۴- تشکیل گارد ترابری به منظور کنترل، نظارت و افزایش ایمنی جابجایی کالا و مسافر در زیربخش‌های جاده‌ای، راه‌آهن و دریایی، از طریق بخش خصوصی و تعاونی.
- ۵- نگه داری از زیربنای احداث شده حمل و نقل مطابق بر نرم‌ها و استانداردهای جهانی.

۳۱ ماده

مواد (۱۲۷) الی (۱۳۲) "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن" برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد^۱.

۳۲ ماده

دولت موظف است به منظور هویت بخشی به سیمای شهر و روستا، استحکام بخشی ساخت و سازها، دستیابی به توسعه پایدار و بهبود محیط زندگی در شهرها و روستاها، اقدامهای ذیل را در بخشهای عمران شهری و روستایی و مسکن به عمل آورد:

الف - هویت بخشی به سیما و کالبد شهرها، حفظ و گسترش فرهنگ معماری و شهرسازی و ساماندهی ارائه خدمات شهری از طریق:

- ۱- تهیه و تدوین قانون جامع شهرسازی و معماری کشور تا پایان سال اول برنامه چهارم
- ۲- مناسب سازی فضاهای شهری و روستائی برای جانبازان و معلولین جسمی - حرکتی و اعمال این ضوابط در اماکن و ساختمانهای عمومی و دولتی تا پایان برنامه چهارم
- ۳- بهبود وضعیت عبور و مرور شهری به همراه افزایش سهم حمل و نقل عمومی تا میزان هفتاد و پنج درصد (۷۵٪) نسبت به کل سفرهای درون شهری
- ۴- ارتقای شاخص خصوصی سازی و بهره گیری از فناوری نوین در ارائه خدمات شهری تا سقف هفتاد و پنج درصد (۷۵٪) فهرست انواع خدمات شهرهای مشمول این بند براساس پیشنهاد سازمان شهرداریهای کشور و تصویب سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تعیین می شود.
- ۵- ارتقای شاخص جمعیت تحت پوشش شبکه آب شهری و فاضلاب شهری به ترتیب تا سقف صد درصد (۱۰۰٪) و چهل درصد (۴۰٪)

۶- احیای بافتهای فرسوده و نامناسب شهری و ممانعت از گسترش محدوده شهرها براساس طرح جامع شهری و ساماندهی بافتهای حاشیه‌ای در شهرهای کشور با رویکرد توانمندسازی ساکنین این بافتها

ب - ایمن سازی و مقاوم سازی ساختمانها و شهرها به منظور کاهش خسارات انسانی و اقتصادی ناشی از حوادث غیرمترقبه شامل:

۱- کلیه سازندگان و سرمایه‌گذاران احداث بنا در کلیه نقاط شهری و روستایی و شهرکها و نقاط خارج از حریم شهرها و روستاها ملزم به رعایت آیین‌نامه (ایران) در رابطه با طراحی ساختمانها در مقابل زلزله می باشند.

وزارت مسکن و شهرسازی مکلف به اعمال نظارت عالیه در مراحل مختلف طراحی و ساخت ساختمانها می‌باشد.

۲- استاندارد کردن مصالح و روشهای موثر در مقاوم‌سازی ساختمانی تا پایان برنامه چهارم و حمایت از تولید کنندگان آنها

۳- صدور پایان کار برای ساختمانهای عمومی و مجتمع‌های مسکونی آپارتمانی منوط به ارائه بیمه نامه کیفیت ساختمان می‌باشد.

۴- صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و وزارتخانه‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی، علوم، تحقیقات و فناوری، مسکن و شهرسازی و آموزش و پرورش مکلفند خطرات ناشی از سکونت در ساختمانهای غیرمقاوم در مقابل زلزله و لزوم رعایت اصول فنی در ساخت و سازها و نیز چگونگی مقابله با خطرات ناشی از زلزله را به مردم آموزش دهند.

۵- وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف است با استفاده از تجارب سایر کشورها، نظام بیمه ساختمان و ابنیه در مقابل زلزله و سایر حوادث را گسترش داده و راهکارهای همگانی شدن بیمه حوادث را مشخص و مقدمات قانونی اجرای آن را فراهم نماید.

۶- دولت مکلف است بازسازی و نوسازی بافتهای قدیمی شهرها و روستاها و مقام سازی ابنیه موجود در مقابل زلزله را با استفاده از منابع داخلی و خارجی مذکور در بند (ب) تبصره (۱۴) این

قانون آغاز و ترتیباتی اتخاذ نمایند که حداکثر ظرف ده سال عملیات اجرایی مربوط به این امر در کل کشور خاتمه یابد.

۷- وزارتخانه‌های نفت، نیرو، ارتباطات و فناوری اطلاعات و شرکتهای تابعه مکلفند با استفاده از آخرین فناوریها، سیستم خدماتی آب، برق، گاز، مخابرات و سوخت‌رسانی را به گونه‌ای ایمن سازند که در اثر بروز حوادث، خدمات رسانی مختل نگردد.

۸- در صورت عدم رعایت آیین‌نامه‌های مربوط یا عدم اجرای صحیح نقشه‌های طراحی شده توسط مهندسین مشاور یا مهندس محاسب یا سازندگان ساختمانها اعم از پیمانکار و کارفرما و مهندس ناظر مربوطه مکلف به جبران خسارت وارده به ساکنین و مالکین (در صورتی که خود مقصر نباشند) می‌باشند. در صورت تکرار، پروانه کار مقصرین لغو خواهد شد.

ج- وزارت مسکن و شهرسازی مکلف است با توجه به اثرات متقابل بخش مسکن و اقتصاد ملی و نقش تعادل بخشی آن در ارتقای کیفیت زندگی و کاهش نابرابریها، طرح جامع مسکن را حداکثر تا پایان سال اول برنامه چهارم تهیه و به تصویب هیئت وزیران برساند. این طرح مشتمل بر محورهای زیر با رویکرد توسعه پایدار، عدالت اجتماعی و توانمندسازی اقشار کم درآمد خواهد بود:

۱- تقویت تعاونی‌های تولید مسکن، سازمانهای خیریه و غیر دولتی فعال در بخش مسکن
 ۲- مدیریت یکپارچه و منسجم زمین برای تأمین مسکن و توسعه شهر و روستا در چارچوب طرح‌های توسعه و عمران

۳- تشکیل بازار ثانویه رهن، بر اساس ضوابط شورای بورس تا پایان سال اول برنامه چهارم

۴- افزایش سهم انبوه سازی در امر ساخت به میزان سه برابر عملکرد برنامه سوم

۵- گسترش بازار سرمایه مسکن و اتخاذ تدابیر لازم برای تأمین سرمایه در بخش

د- دولت موظف است در اجرای اصل سی و یکم (۳۱) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اقدام‌های ذیل را به انجام برساند:

۱- حمایت از ایجاد و بهره‌گیری از مشارکت تشکلهای، انجمن‌ها و گروه‌های خیر مسکن‌ساز برای اقشار آسیب‌پذیر.

۲- تشویق و ترغیب سرمایه‌گذاری خارجی در بخش مسکن

۳- دادن یارانه کارمزد تسهیلات مسکن به سازندگان (بخش‌های خصوصی، تعاونی و عمومی) واحدهای مسکونی ارزان قیمت و استیجاری در چارچوب ضوابط و استانداردهای مصوب در شهرهای کوچک و متوسط و کلیه روستاهای کشور برای گروه‌های کم درآمد، کارگران، کارمندان و زنان سرپرست خانوار

۴- ارتقای شاخص بهسازی مسکن روستایی تا دو برابر عملکرد این شاخص در برنامه سوم

۵- پلکانی کردن بازپرداخت اقساط تسهیلات بانکی، در بخش مسکن

۶- دادن کمک‌های اعتباری و فنی، برای بهسازی و نوسازی مسکن روستایی و حمایت از ایجاد کارگاه‌های تولید و عرضه مصالح ساختمانی و عرضه‌کنندگان خدمات فنی

ه- به وزارت مسکن و شهرسازی اجازه داده می‌شود به منظور اجرای قانون استیجار، واگذاری معوض نصاب مالکانه و اجرای سایر طرح‌های عمرانی املاک مناسب مورد نیاز را در بافتهای فرسوده و نامناسب شهری، به قیمت کارشناسی روز خریداری نماید.

و- به وزارت مسکن و شهرسازی اجازه داده می‌شود به منظور تأمین بخشی از اعتبارات مورد نیاز اجرای قانون "تشویق، عرضه و احداث واحدهای مسکونی استیجاری" مصوب ۲۳/۳/۷۷ زمین‌های شهری در تملک خویش را به قیمت روز و به صورت مزایده که از قیمت کارشناسی روز کمتر نخواهد بود به فروش رساند.

◀◀ ماده ۳۳

دولت موظف است، به منظور افزایش کارآمدی و اثربخشی طرحها و پروژه‌های سرمایه‌گذاری با رویکرد نتیجه‌گرا و دستیابی به سیستم کنترل کیفی، متناسب با شرایط اقتصادی و اجتماعی و اقلیمی کشور، تا پایان سال اول برنامه چهارم، نسبت به تدوین نظام فنی و اجرایی کشور و اجرای آن در تمامی دستگاه‌های موضوع ماده (۱۶۵) این قانون، به شرح ذیل اقدام نماید:

الف- نظام کنترل هزینه، کیفیت و زمان را در تمامی مراحل طراحی، اجرا و بهره‌برداری پروژه‌ها و طرح‌ها و بهره‌مندی از روشهای نوین، نظیر طرح و ساخت کلید در دست و مدیریت طرح با ارائه برنامه مشخص، ایجاد و در حداقل چهل درصد (۴۰٪) از طرح‌ها مستقر کند.

ب- با هدف افزایش ایمنی بناها و استحکام ساخت و سازها، نسبت به ترویج فرهنگ بهسازی و تدوین ضوابط، مقررات و بخشنامه‌های مورد نیاز با رویکرد تشویقی و بازدارنده و به‌کارگیری مصالح و روشهای ساخت نوین اقدام نماید.

ج- ساز و کارهای لازم، به منظور استقرار نظام مدیریت کیفیت و مهندسی ارزش، در پروژه‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، از سال اول برنامه چهارم، فراهم نماید.

د- ساز و کار ارزیابی پروژه‌های پیشنهادی پس از حصول اطمینان از تأمین اعتبار، با رویکرد توجیه فنی، اقتصادی و زیست‌محیطی را به منظور جلوگیری از اجرای پروژه‌های فاقد توجیه از ابتدای برنامه چهارم ایجاد نماید.

ه- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تا پایان سال اول برنامه چهارم با بهره‌گیری از همکاری دستگاههای اجرایی کشور و مشارکت انجمنهای صنفی تخصصی، نسبت به تدوین ضوابط و مقررات مورد نیاز، متناسب با حجم سرمایه‌گذاری و کیفیت طرح‌ها و پروژه‌های سرمایه‌گذاری اقدام و به تصویب هیئت دولت می‌رساند.

و- حذف تقاضای مفاصا حساب حقوق دولتی در خاتمه کار از پیمانکاران و مشاوران

ز- تدوین "استاندارد ملی حسابداری طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای" برای تعیین دقیق عملکرد حسابهای سرمایه‌گذاری بخش عمومی و تعیین قیمت تمام شده طرح‌ها بر اساس شاخص‌های بهره‌وری در هر بخش و اعمال مدیریت ارزش در آنها.

ح- آیین‌نامه اجرایی این ماده به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

◀ ماده ۳۴

اعتبارات طرح‌های اجرایی تملک دارایی‌های سرمایه‌ای جدید صرفاً بر اساس گزارشهای توجیهی فنی، اقتصادی و زیست محیطی تأیید شده برای یکبار و به قیمت ثابت سالی که طرح مورد نظر برای اولین بار در لایحه بودجه سالانه منظور گردد، به تفکیک سالهای برنامه چهارم و سالهای بعد به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است اعتبارات مورد نیاز سالهای باقیمانده برنامه چهارم را با اعمال تغییر نرخ‌های ابلاغی خود محاسبه نموده و بر حسب برنامه - دستگاه در لویح بودجه سالانه کل کشور منظور نماید.

مبادله موافقتنامه شرح عملیات طرحهای تملک دارایی‌های سرمایه‌ای انتفاعی و غیرانتفاعی مشتمل بر اهداف طرح، شرح عملیات اجرایی، اعتبارات مصوب، پیشرفت فیزیکی و مشخصات فنی فقط برای یکبار در دوران برنامه انجام می‌پذیرد. این موافقتنامه‌ها برای دوران برنامه چهارم معتبر و ملاک عمل خواهند بود.

موافقتنامه‌هایی که برای انطباق میزان اعتبارات سالانه طرحها با قوانین بودجه سنواتی مبادله می‌شوند جنبه اصلاحیه داشته و نباید موجب افزایش اهداف و تعداد پروژه‌های طرح شوند. موارد استثنا که منجر به افزایش حجم عملیات و یا تعداد پروژه‌ها می‌گردد مشابه طرحهای جدید تلقی می‌گردند.

مبادله موافقتنامه طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای صرفاً نظامی بخش دفاع تابع دستورالعمل خاصی است که به پیشنهاد مشترک ستاد کل نیروهای مسلح، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

آیین‌نامه اجرایی این ماده شامل چگونگی ابلاغ و تخصیص اعتبارات طرح‌های ملی و نحوه اعمال مفاد این ماده برای اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای استانی به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

فصل دوم

تعامل فعال با اقتصاد جهانی

◀ ماده ۳۵

به منظور نوسازی و روان سازی تجارت، افزایش سهم کشور در تجارت بین الملل، توسعه صادرات کالاهای غیرنفتی و خدمات، تقویت توان رقابتی محصولات صادراتی کشور در بازارهای بین المللی و به منظور گسترش کاربرد فناوری ارتباطات و اطلاعات در اقتصاد، بازرگانی و تجارت در قالب سند ملی بازرگانی کشور، دولت مکلف است:

الف- با تجهیز مبادی و مجاری ورودی کشور، نسبت به توسعه ترانزیت و عبور مطمئن، آزاد و سریع کلیه کالاها و خدمات با نرخ رقابتی اقدام نماید.

ب- نسبت به هدفمندی و ساماندهی یارانهها و جوایز صادراتی در قالب حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم اقدام نماید.

ج- نسبت به افزایش سرمایه صندوق ضمانت صادرات ایران و نیز تأمین مابه‌التفاوت نرخ‌های اعتباری و گسترش پوشش بیمه‌ای در کشورهای هدف برای صادرات کالا و خدمات بویژه خدمات فنی و مهندسی اقدام نماید.

د- برقراری هر گونه مالیات و عوارض برای صادرات کالاهای غیرنفتی و خدمات در طول برنامه ممنوع می‌باشد. دولت مجاز است به منظور صیانت از منابع و استفاده بهینه از آنها، عوارض ویژه‌ای را برای صادرات مواد اولیه فرآوری نشده وضع و دریافت نماید. تشخیص این قبیل مواد بر عهده شورای عالی صادرات خواهد بود. میزان عوارض به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های بازرگانی، امور اقتصادی و دارایی، صنایع و معادن و جهاد کشاورزی و تصویب هیئت وزیران تعیین و تصویب خواهد شد.

تبصره: صادرات کالا و خدمات از اخذ هرگونه مجوز به استثنای استانداردهای اجباری و گواهی‌های مرسوم در تجارت بین الملل (مورد درخواست خریداران) معاف می‌باشند.

هـ- توازن تجاری با کشورهای طرف همکاری و بلوک‌های اقتصادی ایجاد نماید، طوری که سهم صادرات غیر نفتی از کل صادرات کشور از بیست و سه و یک دهم درصد (۲۳/۱٪) در سال ۱۳۸۲ به سی و سه و شش دهم درصد (۳۳/۶٪) در سال ۱۳۸۸ افزایش یابد.

و- بازارچه‌ها و مبادلات مرزی را از طریق اصلاح نظام اجرایی، معیارهای تشکیل و رویه‌های اداری ساماندهی نماید.

ز- نسبت به حذف کلیه موانع غیرتعرفه‌ای و غیر فنی با رعایت موازین شرعی و وضع نرخ‌های معادل تعرفه‌ای با زمان‌بندی معین و در قالب پیش‌آگهی حداکثر تا پایان سال اول برنامه اقدام نماید.

ح- تدابیر و اقدامات موثر حفاظتی، جبرانی و ضد دامپینگ در مواردی که کالایی با شرایط غیر متعارف و با امتیاز قابل توجه به کشور وارد می‌شود را اتخاذ و اعمال نماید.

ط- با تجهیز دستگاهها و واحدهای مربوطه و با رعایت استانداردها و چارچوب نظام بازرگانی و تجارت الکترونیکی، اقدامات لازم را توسط دستگاههای یاد شده به شرح زیر انجام دهد:

۱- به روز نمودن پایگاهها و مراکز اطلاع رسانی و ارائه خدمات دستگاه مربوطه در محیط رایانه‌ای و شبکه‌ای

۲- انجام مناقصه‌ها، مزایده‌ها و مسابقه‌های خرید و فروش کالا و خدمات و عملیات مالی - اعتباری در محیط رایانه‌ای و شبکه‌های اطلاع‌رسانی

۳- ایجاد بازارهای مجازی

۴- انجام فعالیت‌های تدارکاتی و معاملاتی در قالب تجارت الکترونیکی از سال دوم برنامه

تبصره- قوه قضائیه موظف است شعبه یا شعبی از دادگاهها را برای بررسی جرایم الکترونیکی و نیز جرائم مربوط به تجارت الکترونیکی و تجارت سیار، اختصاص دهد.

ی- از طریق وزارت بازرگانی نسبت به راه اندازی دفاتر، شعب و یا نمایندگی‌های سازمان توسعه تجارت در کشورهای هدف با اخذ مصوبه از هیئت وزیران اقدام نماید.

تبصره- کلیه بنگاههای تجاری و شبکه‌های توزیع موظف‌اند استانداردهای ابلاغی از سوی وزارت بازرگانی را در جهت نوین‌سازی شبکه‌های توزیع کشور و پیوستن به سازمان تجارت جهانی رعایت نمایند.

ک- برقراری هماهنگی میان سیاستهای مالی و پولی با سیاستهای استراتژیک تجاری
 ل- دولت مکلف است به منظور همپیوندی فعال با اقتصاد جهانی و رونق بخشیدن به تجارت خارجی،
 قانون مقررات صادرات و واردات، قانون امور گمرکی و قانون مناطق آزاد تجاری و صنعتی را
 بازننگری و اصلاح و مقررات ضددامپینگ را تدوین نموده و به تصویب مرجع ذی‌ربط برساند.

« ماده ۳۶

دولت موظف است، به منظور تسهیل تجارت و حمل و نقل، استقرار صنایع دریایی، گسترش
 گردشگری، کمک به بهره‌برداری پایدار منابع شیلاتی و استفاده بهینه از این مناطق، برای توسعه
 فعالیتهای تولیدی و خدمات دریایی، با حفظ امور سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت برای خود، ضمن
 واگذاری رقابتی امور تصدی به بخشهای غیر دولتی در مناطق ساحلی و دریاها، با انجام مطالعات تطبیقی
 در قوانین، مقررات، آیین‌نامه‌ها، اساسنامه‌ها و شرح وظایف دستگاههای اجرایی مرتبط با فعالیتهای
 دریایی، لوایح مورد نیاز برای توسعه فعالیتهای دریایی را با اصلاح قوانین مرتبط و حذف وظایف موازی،
 مشابه و متضاد و تجمیع وظایف همگن و متجانس هر یک از دستگاهها، تفکیک کامل وظایف
 دستگاهها، برای اعمال حاکمیت و بر اساس محورهای زیر تهیه و برای تصویب به مجلس شورای
 اسلامی ارائه نماید:

الف- یکسان‌سازی تعاریف و اصطلاحات قانونی (با ملاحظه تعاریف و اصطلاحات بین‌المللی)
 کنوانسیونهای بین‌المللی که ایران عضو آنها است.

ب- برقراری امنیت و تأمین نظم، تعیین مقررات حقوقی و رویه‌های قضایی

ج- انجام کلیه امور تجاری، از طریق بنادر و اسکله‌های تجاری و گمرکات رسمی

د- ایمنی در دریا، بیمه‌های دریایی و امداد و نجات در دریا

ه- حفاظت از محیط زیست و تعیین حریمها و پهنه‌بندی نواحی ساحلی و آبهای داخلی و بین‌المللی

و- بهره‌برداری پایدار از نواحی ساحلی، دریایی، حمایت از ناوگانهای جمهوری اسلامی ایران بر اساس
 قواعد بین‌المللی و حمایت از سرمایه‌گذارها در فعالیتهای اقتصادی، نظیر: حمل و نقل دریایی،

- منابع تجدیدناپذیر دریایی (نفت و گاز، معادن و ...)، منابع تجدیدپذیر دریایی (آبزیان و ...)، گردشگری دریایی، خدمات پشتیبانی و صنعتی دریایی
- ز- آموزش‌های علمی، مهندسی، مدیریت، حقوقی و مهارت‌های تخصصی دریایی و دریانوردی
- ح- تحقیقات دریایی، ثبت پایش اطلاعات اقیانوس‌شناسی و فناوری اطلاعات و ارتباطات دریایی
- ط - حمایت از ناوگان ملی بر اساس قواعد بین‌المللی
- ی - فراهم کردن امکانات و زیرساخت‌های لازم برای گسترش فعالیت‌های ماهیگیری، از جمله: توسعه، تجهیز، نگهداری و بهسازی بنادر صیادی
- ک - سازماندهی و تجهیز مراکز تخلیه صید کوچک و ارتقای بهره‌وری بنادر ماهیگیری با رویکرد بهبود کیفیت، افزایش ارزش افزوده صید و گسترش مشارکت بخش غیردولتی

◀ ماده ۳۷

دولت مکلف است به منظور اعمال مدیریت واحد و ایجاد رشد اقتصادی مناسب در مناطق آزاد اقدامات زیر را انجام دهد:

الف- مدیریت سازمان‌های مناطق آزاد به نمایندگی از طرف دولت، بالاترین مقام اجرایی منطقه محسوب شده و کلیه دستگاه‌های اجرایی مستقر در مناطق آزاد به استثنای دستگاه‌های نهادی دفاعی و امنیتی مکلف هستند ضمن رعایت ماده (۲۷) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری صنعتی مصوب ۱۳۷۲/۶/۷ نسبت به اصلاح و رفع مغایرت‌های مقرراتی خود با مقررات مناطق آزاد اقدام نمایند.

ب- وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسه‌ها و شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت در حیطه وظایف قانونی ضمن هماهنگی با سازمان‌های مناطق آزاد، خدمات از قبیل برق، آب، مخابرات، سوخت و سایر خدمات را با نرخ‌های مصوب جاری در همان منطقه جغرافیایی از کشور به مناطق آزاد ارائه خواهند نمود.

ج- کالاهای تولید یا پردازش شده در مناطق آزاد هنگام ورود به سایر نقاط کشور به میزان مجموع ارزش افزوده و ارزش مواد اولیه داخلی و قطعات داخلی به کار رفته در آن مجاز و تولید داخلی محسوب و از پرداخت حقوق ورودی معاف خواهد بود.

تبصره ۵- مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای خارجی به کار رفته در تولید مشروط به پرداخت حقوق ورودی در حکم مواد اولیه و کالای داخلی محسوب می‌شود.

د- حقوق، عوارض و هزینه‌های بندری که طبق قوانین جاری از کشتی‌ها و شناورها بابت خدمات بندری دریافت می‌شود در صورتیکه این بنادر و لنگرگاهها توسط بخش خصوصی و تعاونی و یا مناطق آزاد ایجاد شده باشند توسط سازمان مناطق آزاد مربوطه اخذ می‌گردد.

مناطق آزاد مجازند نسبت به ثبت و ترخیص کشتی‌های بین‌المللی اقدام نمایند.

ه- محدوده آبی مناطق آزاد که قلمرو آن با رعایت مسائل امنیتی و دفاعی به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید از امتیازات قانون چگونگی مناطق آزاد و اصلاحات بعدی آن برخوردار خواهد بود.

و- مبادلات کالا بین مناطق آزاد و خارج از کشور و نیز سایر مناطق آزاد از کلیه حقوق ورودی، عوارض (به استثنای عوارض موضوع ماده ۱۰ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری-صنعتی مصوب ۱۳۷۲/۶/۷ مجلس شورای اسلامی) و مالیات معاف می‌باشند.

ز- در زمینه گسترش ارتباطات علمی با مراکز و نهادهای آموزشی و تحقیقاتی معتبر بین‌المللی وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نسبت به صدور مجوز جهت ایجاد دانشگاههای خصوصی در مناطق آزاد تجاری-صنعتی اقدام نمایند.

◀◀ ماده ۳۸

مواد (۱۱۴)، (۱۱۷) و تبصره "۳" ماده (۸۶) "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن" برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۴-۱۳۸۸) تنفیذ می‌گردد.^۱

فصل سوم

رقابت‌پذیری اقتصاد

◀ ماده ۳۹

دولت موظف است، در جهت ایجاد فضا و بسترهای مناسب، برای تقویت و تحکیم رقابت‌پذیری و افزایش بهره‌وری نیروی کار متوسط سالانه سه و نیم درصد (۳/۵٪) و رشد صادرات غیرنفتی متوسط سالانه ده و هفت دهم درصد (۱۰/۷٪) و ارتقای سهم صادرات کالاهای فناوری پیشرفته در صادرات غیرنفتی از دو درصد (۲٪) به شش درصد (۶٪) اقدامهای ذیل را به عمل آورد:

الف- نظام‌های قانونی و حقوقی اقتصادی، بازرگانی و فنی کشور را، با نظامها و کنوانسیونهای بین‌المللی در جهت تقویت رقابت‌پذیری هماهنگ نماید

ب- از تولید کالاها و خدمات در عرصه‌های نوین و پیشتاز فناوری در کشور، از طریق اختصاص بخشی از تقاضای دولت به خرید این تولیدات حمایت به عمل آورد.

ج- زمینه مشارکت تشکلهای قانونی غیردولتی صنفی - تخصصی بخشهای مختلف را، در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاریهای مربوطه ایجاد نماید.

د- خدمات بازرگانی، فنی، مالی، بانکی و بیمه‌ای پیشرفته را توسعه داده و یا ایجاد نماید.

تبصره ۱- سازمانهای توسعه‌ای که به موجب اساسنامه قانونی خود به سرمایه‌گذاری مشترک با بخش غیر دولتی مجاز می‌باشند، از رقابت با بخش غیردولتی منع می‌گردند و فعالیتهای خود را صرفاً در جهت تقویت سرمایه‌گذاری بخش غیر دولتی و خروج از سرمایه‌گذاری مذکور در حداقل زمان ممکن، ساماندهی خواهند نمود.

تبصره ۲- بیمه‌نامه‌های صادره از سوی مؤسسات بیمه، به عنوان وثیقه دریافت تسهیلات بانکی، معتبر خواهد بود.

◀ ماده ۴۰

دولت موظف است، از ابتدای برنامه چهارم در قلمروهای اقتصادی که انحصار طبیعی و یا قانونی وجود دارد و همچنین در قلمروهایی که انحصارات جدید، ناشی از توسعه اقتصادی شبکه‌ای و فناوری اطلاعات و ارتباطات به وجود می‌آیند، با رعایت حقوق شهروندان، اقدامهای ذیل را به عمل آورد:

الف-

۱- لایحه جامع تسهیل رقابت و کنترل و جلوگیری از شکل‌گیری انحصارات را در سال نخست برنامه چهارم تهیه و به مجلس شورای اسلامی تقدیم کند.

۲- به دولت اجازه داده می‌شود بدون الزام به رعایت قانون نحوه توزیع قند و شکر تولیدی کارخانه‌های کشور مصوب ۱۳۵۳ و اصلاحیه آن براساس آیین‌نامه‌ای که به پیشنهاد وزارتخانه‌های صنایع، بازرگانی و کشاورزی تصویب می‌کند، مقررات مربوط به استانداردهای تولیدی - قیمت‌گذاری، فروش، توزیع و صادرات و واردات قند و شکر را تعیین کند.

ب- تشکیل نهاد "تنظیم مقررات و داوری"، به منظور برقراری فضای رقابتی در سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری، در حوزه انحصارات طبیعی، با اعطای امتیازات مشابه و توانمندسازی رقبای غیردولتی، تنظیم روابط اقتصادی، حقوقی و داوری نهایی در هر بخش اقتصادی با شرایط نسبتاً انحصار، متشکل از ۱۱ نفر شامل: نماینده تام‌الاختیار دستگاه اجرایی دولتی ذی‌ربط، نمایندگان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و بازرگانی، قاضی دیوان عالی کشور به انتخاب قوه قضائیه، نماینده بنگاه‌های اقتصادی خصوصی ذی‌ربط، نماینده اطاق بازرگانی و صنایع و معادن، نماینده تشکل صنفی ذی‌ربط، نماینده جامعه حسابداران رسمی ایران و دو متخصص مسائل غیر دولتی (به انتخاب هیئت وزیران)

تبصره - در وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات این وظیفه را به عهده خواهد داشت.

ج- وظایف نهاد "تنظیم مقررات و داوری"، عبارت است از: تأیید شرایط صدور اجازه فعالیت، تعیین چارچوب قیمت‌گذاری کالا و خدمات انحصاری، تنظیم مقررات تعرفه، مقررات رقابت، مقررات

حمایت از حقوق مصرف کننده، تضمین و تعیین تعرفه‌های دسترسی به شبکه پایه، تعیین کیفیت، ایمنی و استاندارد خدمات، حل و فصل اختلافات فنی و مهندسی و تجاری بین بنگاهها، بین بنگاهها و دولت، اعلام ضوابط حل اختلاف بین بنگاهها و مشتریان، نظارت بر رعایت قوانین ضدانحصار و نظارت بر رعایت شرایط رقابتی

تبصره- وظایف نهاد مذکور در چارچوب قوانین و مقررات ذی‌ربط خواهد بود.

د - آیین‌نامه اجرای این ماده شامل: اساسنامه، نحوه انتخاب، شرایط نمایندگان و نحوه فعالیت نهاد "تنظیم مقررات و داوری"، با پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

◀ ماده ۴۱

دولت موظف است، در جهت تجدید ساختار و نوسازی بخشهای اقتصادی، در برنامه چهارم، اقدامهای ذیل را به عمل آورد:

الف- اصلاح ساختار و ساماندهی مناسب بنگاههای اقتصادی و تقویت رقابت‌پذیری آنها را از طریق زیر اصلاح نماید:

۱- حمایت از ایجاد پیوند مناسب، بین بنگاههای کوچک، متوسط و بزرگ (اعطای کمکهای هدفمند)، توسعه شبکه‌ها، خوشه‌ها و زنجیره‌ها و انجام تمهیدات لازم برای تقویت توان فنی - مهندسی تخصصی، تحقیق و توسعه و بازاریابی در بنگاههای کوچک و متوسط و توسعه مراکز اطلاع‌رسانی و تجارت الکترونیک برای آنها

۲- رفع مشکلات و موانع رشد و توسعه، بنگاههای کوچک و متوسط و کمک به بلوغ و تبدیل آنها به بنگاههای بزرگ و رقابت‌پذیر و اصلاح ساختار قطبی کنونی

ب- انطباق نظامهای ارزیابی کیفیت با استانداردهای بین‌المللی، توسعه و ارتقای سطح استانداردهای ملی و مشارکت فعال در تدوین استانداردهای بین‌المللی، افزایش مستمر انطباق محصولات با استانداردهای ملی و بین‌المللی و ممنوعیت خرید کالاهای غیرمنطبق با استاندارد ملی اجباری

توسط دستگاههای مشمول ماده (۱۶۵) این قانون، مؤسسات عمومی غیر دولتی و مجریان طرحهای تملک دارایی‌های سرمایه‌ای

ج- قیمت‌گذاری، به کالاها و خدمات عمومی و انحصاری و کالاهای اساسی محدود می‌گردد. فهرست و ضوابط تعیین قیمت اینگونه کالاها و خدمات، بر اساس قواعد اقتصادی، ظرف شش ماه پس از تصویب این قانون، با پیشنهاد کارگروهی متشکل از وزارت بازرگانی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارتخانه‌های ذی‌ربط و تصویب هیئت وزیران تعیین می‌گردد. چنانچه دولت به هر دلیل فروش کالا یا خدمات فوق‌الذکر را به قیمتی کمتر از قیمت تعیین شده تکلیف کند، مابه‌التفاوت قیمت تعیین شده و تکلیف شده می‌باید همزمان تعیین و از محل اعتبارات و منابع دولت در سال اجرا، پرداخت گردد و یا از محل بدهی دستگاه ذی‌ربط به دولت تهاتر شود.

◀ ماده ۴۲

دولت موظف است، در جهت ارتقای سطح و جذب فناوریهای برتر در بخشهای مختلف اقتصادی، اقدامهای ذیل را در برنامه چهارم به عمل آورد:

الف- برای ادغام شرکتهای بنگاهها و شکل‌گیری شرکتهای بزرگ در مقیاس جهانی، اقدامهای ذیل مجاز است:

ادغام شرکتهای تجاری موضوع باب سوم "قانون تجارت"، مادامی که موجب ایجاد تمرکز و بروز قدرت انحصاری نشود، به شکل یک جانبه (بقای یکی از شرکتهای - شرکت پذیرنده و ادغام و ایجاد شخصیت حقوقی جدید - شرکت جدید) با تصویب چهار پنجم صاحبان سهام در مجمع عمومی فوق‌العاده شرکتهای سهامی یا چهار پنجم صاحبان سرمایه در سایر شرکتهای تجاری موضوع ادغام، مجاز خواهد بود.

کلیه حقوق و تعهدات، دارایی، دیون و مطالبات شرکت یا شرکتهای موضوع ادغام، به شرکت پذیرنده ادغام، یا شرکت جدید انتقال خواهند یافت و پس از ادغام، شرکت پذیرنده ادغام، یا شرکت جدید با توجه به نوع آن مطابق مقررات "قانون تجارت"، اداره خواهد شد.

کارکنان شرکتهای موضوع ادغام به شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید انتقال خواهند یافت. در صورت عدم تمایل برخی کارکنان با انتقال شرکت پذیرنده ادغام، یا شرکت جدید، شرکت مزبور مکلف به بازخرید آنان مطابق مقررات "قانون کار مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹" می‌باشد. چنانچه شرکت پذیرنده ادغام، یا شرکت جدید در موارد خاص با نیروی کار مازاد مواجه باشد، مطابق "قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل نوسازی صنایع کشور و اصلاح ماده (۱۱۳) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۲/۵/۲۶" عمل خواهد شد.

سرمایه شرکتی که از ادغام شرکتهای موضوع این بند حاصل می‌گردد، تا سقف مجموع سرمایه شرکتهای ادغام شده در آن، از پرداخت مالیات موضوع ماده (۴۸) "قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳" و اصلاحیه‌های آن معاف است.

سایر ضوابط و تشریفات ادغام شرکتها به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که با پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های بازرگانی و امور اقتصادی و دارایی، به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

دولت موظف است شرایط پیشگیری از ایجاد تمرکز، اعمال بروز قدرت، انحصار، دامنه مفید و مجاز ادغامها را تدوین، و در تدوین لایحه "تسهیل رقابت و کنترل انحصار"، پیش‌بینی نماید.

ب- در جهت افزایش توان رقابت‌پذیری بنگاه‌های فعال در صنایع نوین، اقدامات ذیل انجام پذیرد:

- ۱- مناطق ویژه صنایع، مبتنی بر فناوریهای برتر را در جوار قطب‌های علمی- صنعتی کشور و در مکانهای مناسب ایجاد نمایند.
- ۲- شهرکهای فناوری را در مکانهای مناسب ایجاد نماید
- ۳- به سرمایه‌گذاری بنگاههای غیردولتی از طریق سرمایه‌گذارانهای مشترک، ایجاد و توسعه نهادهای تخصصی، تأمین مالی فناوری و صنایع نوین از قبیل نهاد مالی سرمایه‌گذاری خطرپذیر کمک نماید.
- ۴- مؤسسات پژوهشی لازم را برای توسعه فناوریهای پیشرفته و جدید از طریق مشارکت شرکتهای و بنگاههای اقتصادی با مراکز پژوهشی (آموزش عالی) کشور ایجاد نماید.

◀ ماده ۴۳

دولت موظف است، در برنامه چهارم، در جهت بهبود فضای کسب و کار در کشور و زمینه‌سازی توسعه اقتصادی و تعامل با جهان پیرامون، اقدامهای ذیل را به عمل آورد:

الف- کنترل نوسانات شدید نرخ ارز در تداوم سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز، به صورت نرخ شناور مدیریت شده و با استفاده از ساز و کار عرضه و تقاضا، با در نظر گرفتن ملاحظات حفظ توان رقابت‌بنگاههای صادرکننده، و سیاست جهش صادرات با رعایت بند «۴» الزامات جدول شماره (۲) این قانون

ب- تنظیم تعرفه‌های واردات نهاده‌های کالایی تولید (ماشین‌آلات و مواد اولیه)، مبتنی بر حمایت منطقی و منطبق با مزیت‌های رقابتی از تولید داخلی آنها و در جهت تسهیل فعالیت‌های تولیدی صادرات‌گرا

ج- برنامه‌ریزی و اجرای توسعه زیربناها با هدف کاهش هزینه‌های تولید، خلق مزیت‌های رقابتی و منطبق با نیازهای توسعه اقتصادی کشور

د- بازنگری قانون و مقررات مربوط به نیروی کار، با ساز و کار سه‌جانبه‌گرایی (دولت - کارگر - کارفرما)، به گونه‌ای که:

۱- تکالیف معطوف به تأمین اجتماعی و شغلی، از متن "قانون کار مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹" منتزع، و به قانون جامع تأمین اجتماعی و بیمه بیکاری، منتقل گردد.

۲- انعطاف لازم برای حل اختلافات در آن لحاظ شود.

۳- متناسب با شرایط و مقتضیات خاص بخش‌های مختلف اقتصادی، مقررات خاصی را در متن قانون پیش‌بینی و به مورد اجرا گذارد.

ه- "لایحه جامع تسهیل رقابت و کنترل و جلوگیری از شکل‌گیری انحصارات" را، در سال نخست برنامه چهارم تهیه و به مجلس شورای اسلامی تقدیم کند.

و- نسبت به گسترش و تعمیق بازار سرمایه و تنوع ابزارهای مورد استفاده در آن اقدام نماید.

◀◀ ماده ۴۴

مواد (۳۴) و (۸۸) "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن" برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد.^۱

فصل چهارم

توسعه مبتنی بر دانایی

◀◀ ماده ۴۵

دولت موظف است، نظر به اهمیت نقش دانش و فناوری و مهارت، به عنوان اصلی‌ترین عوامل ایجاد ارزش افزوده در اقتصاد نوین، اقدامهای زیر را به عمل آورد:

الف- نوسازی و بازسازی سیاستها و راهبردهای پژوهشی، فناوری و آموزشی، به منظور توانایی پاسخگویی مراکز علمی، پژوهشی و آموزشی کشور به تقاضای اجتماعی، فرهنگی و صنعتی، و کار کردن در فضای رقابت فزاینده عرصه جهانی، طی سال اول برنامه چهارم

ب- تهیه برنامه‌های جامع توسعه علمی و فناوری کشور (به ویژه فناوری با سطوح عالی علوم و فناوری روز جهانی) در بخشهای مختلف، طی سال اول برنامه چهارم

ج- پیش‌بینی تمهیدات لازم به منظور بهره‌برداری حداکثر از ظرفیتهای ملی و منطقه‌ای حوزه‌های فناوری اطلاعات، فناوری زیستی و ریزفناوری، زیست محیطی، هوافضا و هسته‌ای

د- بازنگری در ساختار و نوسازی فرایندهای تحقیقات و آموزش علوم انسانی و مطالعات اجتماعی و فرهنگ، به منظور توسعه کیفی و حرفه‌ای شدن پژوهش در حوزه مذکور و ایجاد توانایی نظریه‌پردازی در حوزه‌های اجتماعی در سطح جهانی، و پاسخگویی به نیازهای تصمیم‌سازی در دستگاههای اجرایی کشور، طی سال اول برنامه چهارم

◀◀ ماده ۴۶

دولت موظف است، به منظور استقرار جامعه اطلاعاتی و تضمین دسترسی گسترده امن و ارزان شهروندان به اطلاعات مورد نیاز اقدامهای ذیل را به عمل آورد:

- الف-** حمایت از سرمایه‌گذاری در تولید و عرضه انواع محتوی و اطلاعات به زبان فارسی، در محیط رایانه‌ای با تکیه بر توان بخش خصوصی و تعاونی
- ب-** اتخاذ تدابیر لازم به منظور کسب سهم مناسب از بازار اطلاعات و ارتباطات بین‌المللی استفاده از فرصت منطقه‌ای ارتباطی ایران از طریق توسعه مراکز اطلاعاتی اینترنتی ملی و توسعه زیرساخت‌های ارتباطی با تکیه بر منابع و توان بخش‌های خصوصی و تعاونی و جلب مشارکت بین‌المللی
- ج-** تهیه و تصویب سند راهبردی برقراری امنیت در فضای تولید و تبادل اطلاعات کشور در محیط‌های رایانه‌ای حداکثر تا پایان سال اول برنامه چهارم.

◀ ماده ۴۷

- دولت موظف است، به منظور گسترش بازار محصولات دانایی‌محور و دانش‌بنیان، تجاری‌سازی دستاوردهای پژوهشی و نوآوری و گسترش نقش بخش خصوصی و تعاونی در این قلمرو، اقدامهای ذیل را به انجام برساند:
- الف-** طراحی و استقرار کامل نظام جامع حقوق مالکیت معنوی، ملی و بین‌المللی و پیش‌بینی ساختارهای اجرایی لازم
- ب-** تأمین و پرداخت بخشی از هزینه‌های ثبت جواز امتیاز علمی PATENT در سطح بین‌المللی، و خرید جوازهای امتیاز علمی ثبت شده داخلی، توسط تولید کنندگان
- ج-** اتخاذ تدابیر لازم جهت بیمه قراردادهای پژوهشی، فنی و فعالیتهای تولیدی و خدماتی که بر اساس دستاوردها و نتایج یافته‌های پژوهشی داخلی انجام می‌گیرد.
- د-** حمایت از کلیه پژوهش‌های سفارشی (دارای متقاضی) از طریق پیش‌بینی اعتبار در بودجه سنواتی، مشروط به اینکه حداقل ۴۰٪ از هزینه‌های آن را، کارفرما تأمین و تعهد کرده باشد.
- ه-** توسعه ساختارها و زیربنای لازم، برای رشد فعالیتهای دانایی‌محور در بخش دولتی و خصوصی، به‌ویژه ایجاد و گسترش پارکها و مراکز رشد علم و فناوری

و- اقدام برای اصلاح قوانین و مقررات و ایجاد تسهیلات لازم، جهت ارجاع کار و عقد قرارداد فعالیتهای پژوهشی و فنی دولت با بخش خصوصی و تعاونی و حمایت از ورود بخش خصوصی و تعاونی به بازارهای بین‌المللی در قلمرو دانش و فناوری

ز- اتخاذ تدابیر و راهکارهای لازم، جهت حمایت مالی مستقیم از مراکز و شرکتهای کوچک و متوسط بخش خصوصی و تعاونی برای انجام تحقیقات توسعه‌ای که منجر به ابداع، اختراع و ارتقای محصولات و روشها می‌شود.

ح- کمک به تأسیس و توسعه صندوقهای غیر دولتی پژوهش و فناوری

ط- پیش‌بینی تمهیدات و سازوکارهای لازم به منظور ارزشگذاری و مبادله محصولات نامشهود دانایی‌محور

◀ ماده ۴۸

دولت موظف است، به منظور برپاسازی نظام جامع پژوهش و فناوری، اقدامهای ذیل را به انجام رساند:

الف- طراحی و پیاده‌سازی نظام ملی نوآوری، بر اساس برنامه جامع توسعه فناوری و گسترش صنایع نوین،

ب- ساماندهی نظام پژوهش و فناوری کشور (تا پایان سال اول برنامه چهارم)، از طریق تعیین اولویتهای هدفمند کردن اعتبارات، اصلاح ساختاری واحدهای پژوهشی در قالب ماموریت‌های ذیل:

- تربیت نیروی انسانی روزآمد در فرایند پژوهش و فناوری
- توسعه مرزهای دانش
- تبدیل ایده به محصولات و روشهای جدید
- تدوین و تولید دانش فنی و انجام تحقیقات نیمه‌صنعتی
- انتقال و جذب فناوری
- پژوهش به منظور افزایش توان رقابتی بخشهای تولیدی و خدماتی کشور

- انجام پژوهشهای کاربردی درخصوص حل مشکلات کشور

ج- نوسازی شیوههای مدیریت بخش پژوهش، از جمله: ایجاد شبکههای واحدهای پژوهش و فناوری همگن، به عنوان دستگاههای اجرایی، با مأموریت توزیع هدفدار و بهینه اعتبارات تحقیقاتی و نظارت و پایش فعالیتهای در زمینههای علمی مربوطه، با تکیه بر شاخصهای جهانی

د- توسعه همکاریهای مؤثر بین‌المللی در عرصه پژوهش و فناوری، از طریق اصلاح و ساده‌سازی قوانین و مقررات مربوطه

ه- افزایش یکنواخت سرمایه‌گذاری دولت در امر پژوهش و فناوری (موضوع ماموریت‌های مندرج در بند ب)، به میزان حداقل دو درصد (۲٪) تولید ناخالص داخلی، از محل اعتبارات عمومی دستگاههای اجرایی و یک درصد (۱٪) درآمد عملیاتی شرکتهای دولتی، بانکها (به استثنای سود سپردههای بانکی) و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت و بخش غیردولتی، تا پایان برنامه چهارم، و سمت‌دهی سرمایه‌گذاریهایی فوق در جهت پژوهشهای مأموریت‌گرا و تقاضامحور

◀◀ ماده ۴۹

به منظور ایجاد و توسعه شرکتهای دانش‌بنیان و تقویت همکاریهای بین‌المللی، اجازه داده می‌شود، واحدهای پژوهشی و فناوری و مهندسی مستقر در پارکهای علم و فناوری در جهت انجام ماموریت‌های محوله، از مزایای قانونی مناطق آزاد در خصوص روابط کار، معافیت‌های مالیاتی و عوارض، سرمایه‌گذاری خارجی و مبادلات مالی بین‌المللی برخوردار گردند.

◀◀ ماده ۵۰

دولت موظف است، به منظور ارتقای پیوستگی میان سطوح آموزشی و توسعه فناوری، کارآفرینی و تولید ثروت در کشور، در طول برنامه چهارم، اقدامهای ذیل را انجام دهد:

الف- زمینه‌سازی و انجام حمایت‌های لازم، برای ایجاد شرکتهای غیردولتی توسعه فناوری و شرکتهای خدماتی مهندسی، با مأموریت تولید، انتقال و جذب فناوری

ب- تدوین ضوابط و ارائه حمایت‌های لازم، در راستای تشویق طرف‌های خارجی قراردادهای بین‌المللی و سرمایه‌گذاری خارجی، برای انتقال بخشی از فعالیتهای تحقیق و توسعه مربوط به داخل کشور، و انجام آن با مشارکت شرکتهای داخلی

ج- اتخاذ تدابیر لازم، در جهت اصلاح نظام آموزش کشور و آزمونهای ورودی دانشگاهها، با توجه به سوابق تحصیلی در سنوات دوره متوسطه، و جلب مشارکت دانشگاهها، به منظور ارتقای توانایی خلاقیت، نوآوری، خطرپذیری و کارآفرینی آموزش گیرندگان و ایجاد روحیه آموختن و پژوهش مستقل در میان نسل جوان

« ماده ۵۱

دولت موظف است، برای زمینه‌سازی و تربیت نیروی انسانی متخصص و متعهد و دانش‌مدار خلاق و کارآفرین، منطبق با نیازهای نهضت نرم‌افزاری، با هدف توسعه کمی و کیفی از ابتدای برنامه چهارم اقدامات ذیل را در ماموریتها و ساختار دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی برای پاسخگویی به نیازهای بخشهای مختلف کشور به انجام رساند.

الف- دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی دولتی و همچنین فرهنگستان‌های تخصصی که دارای مجوز از شورای گسترش آموزش عالی و وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت و درمان و آموزش پزشکی و سایر مراجع قانونی ذی‌ربط می‌باشند، صرفاً بر اساس آیین‌نامه‌ها و مقررات اداری، مالی، استخدامی و تشکیلاتی خاص، مصوب هیئتهای امنای مربوط که به تأیید وزرای علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی حسب مورد می‌رسد، بدون الزام به رعایت قانون محاسبات عمومی، قانون استخدام کشوری و سایر قوانین و مقررات عمومی و اداری و مالی و استخدامی اداره خواهند شد و تا زمانی که آیین‌نامه‌ها و مقررات مورد نیاز به تصویب هیئت امناء نرسیده است طبق مقررات سابق عمل خواهد شد. اعتبارات هزینه‌ای از محل بودجه عمومی دولت، بر اساس قیمت تمام شده به دستگاههای اجرایی یاد شده اختصاص می‌یابد. اعتبارات هزینه‌ای، تملک داراییهای سرمایه‌ای و اختصاصی این مؤسسات کمک تلقی شده و پس

از پرداخت به هزینه قطعی منظور می‌گردد. سهم دولت در هزینه‌های آموزش عالی بخش دولتی، بر مبنای هزینه سرانه تعیین و نسبت آن به بودجه عمومی دولت، بر اساس رشد پوشش جمعیت دانشجویی، در مقایسه با عدد مشابه در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، افزایش می‌یابد.

ب- هرگونه اصلاح ساختار مالی، اداری، استخدامی و تشکیلاتی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی دولتی و همچنین فرهنگستانهای تخصصی منحصراً مشمول مفاد این ماده می‌باشند.

ج- اصلاح، ساده‌سازی و پیش‌بینی قوانین، مقررات و ساختارهای اجرایی ویژه برای دانشگاههای کشور، با هدف گسترش ارتباطات علمی - بین‌المللی، با دانشگاهها و مراکز علمی، تحقیقاتی جهان و تسهیل مبادلات مالی و تردد دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاهها، و دعوت و به کارگیری از اعضای هیئت علمی و متخصصان خارج از کشور و جذب دانشجویان خارجی، با اخذ شهریه تحصیلی، تأسیس شعب دانشگاههای خارجی طبق ضوابط وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، مجاز می‌باشد.

حقوق و مزایای اعضای هیئت علمی ایرانی مقیم خارج از کشور، اعضای هیئت علمی خارجی و متخصصان مدعو با تصویب هیئت امانا از محل بودجه عمومی دانشگاه قابل پرداخت است.

د- ارزیابی مستمر دانشگاهها و مراکز آموزش عالی و مؤسسات پژوهشی دولتی و خصوصی توسط وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با همکاری انجمنهای علمی و مداخله بر اساس آن در سرمایه‌گذاری در علوم منتخب و تکیه بر ایجاد قطبهای علمی، براساس مزیت‌های نسبی و نیازهای آتی کشور

ه- بازنگری در رشته‌های دانشگاهی، بر مبنای نیازهای اجتماعی، بازار کار و تحولات علمی، در راستای توسعه علوم میان‌رشته‌ای با تأکید بر علوم انسانی

و- ایجاد تولیت واحد در سیاست‌گذاری و مدیریت امور مربوط به استعدادهای درخشان و نیز بهره‌برداری بهینه از امکانات مادی و معنوی موجود در این زمینه، وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و

بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، مجازند از تأسیس باشگاه غیر دولتی و صیانت از استعداد‌های درخشان کشور حمایت نمایند.

◀ ماده ۵۲

به منظور پاسخگویی مناسب به افزایش تقاضا برای ورود به آموزش عالی، با استفاده بهینه از ظرفیتهای موجود و حمایت از مشارکتهای مردمی:

الف- به دستگاههای اجرایی دارای واحد آموزش عالی وابسته، اجازه داده می‌شود، برای ظرفیت مازاد بر نیاز خود، با اخذ مجوز از شورای گسترش آموزش عالی، در مقطع کاردانی دانشجو پذیرش کرده و هزینه آن را از متقاضیان دریافت و صد درصد (۱۰۰٪) آن را به حساب درآمد اختصاصی واریز نمایند. درآمد اختصاصی مذکور مشمول مفاد ماده (۴) "قانون نحوه انجام امور مالی و معاملاتی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی مصوب ۱۳۶۹/۱۰/۱۸" است و بر اساس مقررات مربوط، به اجرای این دوره‌ها و ارتقای کیفیت واحد آموزشی، اختصاص می‌یابد. در مواردی که کسب آموزشها توسط آموزش‌گیرنده موجب تعهد خدمت یا ارتقای رتبه استخدامی فرد می‌گردد، دستگاههای مربوطه می‌بایستی مجوز لازم را از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، اخذ کنند.

اجرای دوره‌های کارشناسی، در رشته‌هایی که امکان برگزاری آن در دیگر دانشگاهها میسر یا به صرفه و صلاح نباشد، به صورت استثنا و با اخذ مجوز از شورای گسترش آموزش عالی بلامانع است.

ب- به منظور دسترسی به فرصتهای برابر آموزشی و ارتقای پوشش جمعیت دانشجویی (نسبت جمعیت دانشجویی به جمعیت ۱۸ تا ۲۴ سال) به سی درصد (۳۰٪) تا پایان برنامه چهارم توسعه، به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی اجازه داده می‌شود از طریق تنوع بخشی به شیوه‌های ارایه آموزش عالی، نسبت به برگزاری دوره‌های تحصیلی از قبیل: شبانه، نوبت دوم، از راه دور (نیمه حضوری)، آموزشهای مجازی، دوره‌های مشترک با دانشگاههای معتبر خارجی و دوره‌های خاص،

اقدام کرده و هزینه‌های مربوط را با تأیید وزارتخانه‌های علوم تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، حسب مورد از داوطلبان اخذ و به حساب درآمد اختصاصی دانشگاه‌ها واریز نمایند. درآمد اختصاصی مذکور، مشمول مفاد ماده (۴) "قانون نحوه انجام امور مالی و معاملاتی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی مصوب ۱۳۶۹/۱۰/۱۸" است.

شهریه دانشجویان جانباز بیست و پنج درصد (۲۵٪) و بالاتر فرزندان آنان، فرزندان شاهد، آزادگان و فرزندان آنان و دانشجویان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی از محل اعتبارت ردیف خاص و توسط سازمان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تأمین می‌شود. تعداد دانشجویان مشمول این بند به تفکیک هر استان باید همه ساله توسط نهادها و دستگاه‌های ذی‌ربط به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و کمیسیونهای برنامه و بودجه و محاسبات و آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی گزارش شود.

ج- به دولت اجازه داده می‌شود، تسهیلات اعتباری به صورت وام بلندمدت قرض الحسنه، در اختیار صندوقهای رفاه دانشجویان یا سایر نهادهای ذی‌ربط قرار دهد، تا بخشی از دانشجویان دوره‌های مذکور در بند "ب" این ماده و دانشجویان دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی دولتی و غیر دولتی و پیام نور، که امکان پرداخت شهریه را ندارند، بتوانند با استفاده از این وام شهریه خود را پرداخت و پس از فراغت از تحصیل، به تدریج بازپرداخت کنند.

د- دولت موظف است، به منظور حمایت از دانشجویان آن عده از مؤسسات آموزش عالی غیر دولتی - غیر انتفاعی دارای مجوز از وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی که صندوق رفاه دانشجویان آنها تشکیل نشده است، اعتبار خاصی را علاوه بر اعتبارات معمول به طور موقت در اختیار صندوق رفاه دانشجویان قرار دهد، تا به عنوان وام قرض الحسنه بلندمدت در اختیار دانشجویان این گونه مؤسسات قرار گیرد. استفاده‌کنندگان وام مذکور، موظف به بازپرداخت آن در اقساط بلندمدت پس از فراغت از تحصیل هستند.

ه- هزینه‌های دانشگاه پیام نور، از محل دریافت شهریه از دانشجویان، کمکهای مردمی و اعتبارات بودجه عمومی اداره می‌گردد.

و- به دولت اجازه داده می‌شود، به طرح‌های سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و تعاونی در زمینه ایجاد و توسعه واحدهای آموزش عالی، در صورت انطباق با ضوابط و سیاستهای آموزش عالی کشور و حسب مورد بر اساس ضوابط وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و علوم، تحقیقات و فناوری از محل بودجه عمومی، یارانه سود اعتبارات بانکی اعطا کند. ایجاد آموزشکده‌های غیردولتی، به منظور توسعه دوره‌های کاردانی علمی - کاربردی، در اولویت استفاده از تسهیلات بانکی مذکور خواهند بود.

ز- وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلفند به منظور ارتقای توانمندی دانشگاه‌های مادر و مهم دولتی کشور در زمینه‌های آموزشی و پژوهشی در مقایسه با دانشگاه‌های معتبر بین‌المللی برنامه ویژه‌ای تهیه و حداکثر تا پایان سال اول برنامه به تصویب هیئت وزیران برسانند.

ح- اعطای مدرک و یا واسطه شدن در اعطای مدرک دانشگاهی به هر صورت و تحت هر عنوان بدون اخذ مجوز از وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر مراجع قانونی ذی‌ربط ممنوع و اشخاص مختلف مشمول ماده واحده قانون تعطیل مؤسسات و واحدهای آموزشی و تحقیقاتی و فرهنگی که بدون اخذ مجوز قانونی دائر شده و می‌شوند مصوب ۷۲/۱۰/۷ می‌باشد.

ط- اعطای موافقت اصولی و فراهم نمودن سازوکار لازم برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و تعاونی در زمینه ایجاد و توسعه دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی توسط وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی صورت می‌پذیرد. ضوابط راه‌اندازی مؤسسات مذکور، پس از تکمیل و آماده بودن مؤسسات، برای بهره‌برداری و مدیریت علمی مجری خواهد بود.

ی - به منظور جلوگیری از خروج بی‌رویه سرمایه‌های انسانی، فکری، علمی و فنی کشور دولت موظف است در سال اول برنامه چهارم توسعه ضمن انجام مطالعات و بررسی راهکارهای مناسب، اقدامات قانونی لازم را به عمل آورد.

◀ ماده ۵۳

بند (الف) ماده (۱۵۴) و بندهای "الف" و "ب" ماده (۱۴۴) "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن" برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد^۱.

◀ ماده ۵۴

دولت موظف است، به منظور تضمین دسترسی به فرصتهای برابر آموزشی به ویژه در مناطق کمتر توسعه یافته، گسترش دانش، مهارت و ارتقای بهره‌وری سرمایه‌های انسانی به ویژه برای دختران و توسعه کمی و کیفی نظام آموزش عمومی، اقدامهای ذیل را به انجام برساند:

الف- توسعه زمینه‌های لازم، برای اجرای برنامه آموزش برای همه

ب- اجباری کردن آموزش تا پایان دوره راهنمایی، به تناسب تأمین امکانات و به تدریج در مناطقی که آموزش و پرورش اعلام می‌کند، به طوری که در پایان برنامه چهارم این امر محقق گردد.

ج- علاوه بر تأمین اعتبارات عمومی بخش آموزش، نسبت به اتخاذ تدابیر لازم به منظور توسعه استقلال مالی، مدیریتی و اجرایی واحدهای آموزشی (مدارس)، در جهت استفاده هر چه بیشتر از سرمایه و توان اجرایی بخش غیر دولتی، در توسعه ظرفیتهای و ارتقای بهره‌وری آنها اقدام نماید.

د- اصلاحات لازم را در زمینه برنامه‌های آموزشی و درسی و تعمیق و بهبود آموزش ریاضی، علوم و زبان انگلیسی انجام دهد.

ه- ارتقای توانایی و مهارت حرفه‌ای معلمان، با تدوین استانداردهای حرفه‌ای معلم، از جهت دانش، رفتار و عملکرد، با استفاده از تجارب بین‌المللی و شرایط بومی کشور

- و- افزایش انگیزه شغلی معلمان، با تأمین جایگاه و منزلت حرفه‌ای مناسب و اصلاح نظام پرداخت متناسب با میزان بهره‌وری و کیفیت خدمات آنها
- ز- در صورتیکه خروجی نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش در طول سالهای برنامه چهارم توسعه، بیش از میزان پیش‌بینی شده در جدول شماره (۹) این قانون برای دستگاه فوق باشد، آموزش و پرورش مجاز است پس از تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور نسبت به به‌کارگیری حداکثر نیمی از میزان مازاد بر سهمیه خروجی پیش‌بینی شده، با اولویت در مناطق کمتر توسعه یافته و منحصراً برای امر آموزش اقدام نماید.
- ح- تدوین و اجرای نظام سنجش صلاحیت علمی و رتبه‌بندی معلمان، و ارتقای سطح آموزشی آنان،
- ط- برنامه‌ریزی برای تدوین برنامه آموزشی ارتقای سلامت و شیوه‌های زندگی سالم
- ی- تدوین و اجرای طرح راهبردی سوادآموزی کشور، با در نظر گرفتن شرایط جغرافیایی، زیستی، اجتماعی و فرهنگی مناطق مختلف کشور، با رویکرد جلب مشارکتهای مردمی و سازمانهای غیر دولتی به طوری که تا پایان برنامه چهارم، باسوادی افراد حداقل زیر سی سال، به طور کامل تحقق یابد.
- ک- بهره‌گیری از فناوری اطلاعات، در تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی و درسی کلیه سطوح و تجهیز مدارس کشور، به امکانات رایانه‌ای و شبکه اطلاع‌رسانی
- ل- روزآمد نگهداشتن دانش و مهارتهای کارکنان آموزش و پرورش، در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات
- م- پیش‌بینی تسهیلات و امکانات لازم، برای نوسازی، مقاوم‌سازی و استاندارد و متناسب نمودن فضاهای آموزشی، به ویژه مدارس دخترانه، و تنظیم ساز و کارهای حمایتی از خیرین مدرسه‌ساز
- ن- وضع و اجرای مقررات لازم برای تأمین، جذب و نگهداشت نیروی انسانی مورد نیاز مناطق کمتر توسعه یافته کشور از قبیل صدور مجوزهای استخدامی (در قالب جدول شماره ۹ این قانون) خرید خدمات آموزشی و اقدامهای رفاهی

س- فراهم کردن امکانات مناسب برای رفع محرومیت آموزشی از طریق گسترش مدارس شبانه‌روزی، روستا مرکزی و خوابگاه‌های مرکزی، آموزش از راه دور و رسانه‌ای و تأمین تغذیه، آمد و شد و بهداشت دانش‌آموزان و سایر هزینه‌های مربوط به مدارس شبانه‌روزی و نیز ایجاد و گسترش اماکن و فضاهای آموزشی، پرورشی و ورزشی به تناسب جنسیت و تهیه و اجرای برنامه‌های لازم برای گسترش آموزش پیش دبستانی و آمادگی به ویژه در مناطق دو زبانه

ع- آیین‌نامه اجرایی بندهای «و»، «ح»، «ی»، «م»، «ن» این ماده به پیشنهاد وزارت آموزش و پرورش و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

« ماده ۵۵

مواد (۱۴۹) و (۱۵۱) و بند "الف" ماده (۱۴۷) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد^۱.

« ماده ۵۶

الف- دستگاه‌های اجرایی موظف‌اند درصدی از اعتبارات هزینه‌ای خود را برای طراحی و اجرای دوره‌های آموزشی ضمن خدمت کارکنان خود (خارج از نظام آموزش عالی رسمی کشور) در برنامه آموزش کارکنان دولت پیش‌بینی و در موارد زیر هزینه کنند:

۱- دوره‌های آموزشی ضمن خدمت متناسب با مشاغل مورد تصدی کارکنان به منظور افزایش سطح کارایی و ارتقای مهارت‌های شغلی آنان (به خصوص برای زنان) به ویژه از طریق آموزش‌های کوتاه مدت.

۲- دوره‌های آموزشی ویژه مدیران

ب- کلیه دستگاههای اجرایی موظفاند، در چارچوبی که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تعیین می‌کند، حداکثر طی مدت شش ماه پس از تصویب این قانون، برنامه‌های آموزشی سالانه خود را برای دوران برنامه چهارم تهیه و اجرا نمایند.

آیین‌نامه اجرایی این ماده شامل: تعیین سهم اعتباری و چگونگی هزینه نمودن اعتبار بند (الف) این ماده و پیش‌بینی الزامات و تشویقات قانونی طی مدت سه ماه پس از تصویب این قانون بنا به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

◀ ماده ۵۷

دولت مکلف است، به منظور گسترش دانش و مهارت، اصلاح هرم تحصیلی نیروی کار و ارتقا و توانمندسازی سرمایه‌های انسانی، کاهش فاصله سطح دانش و مهارت نیروی کار کشور با سطح استانداردهای جهانی و ایجاد فرصتهای جدید شغلی برای جوانان، برای نظام آموزش فنی و حرفه‌ای و علمی - کاربردی کشور، ظرف مدت یک سال از تاریخ تصویب این قانون در محورهای زیر، ساز و کارهای لازم را تهیه و با پیش‌بینی الزامات مناسب اجرا نماید:

الف- انجام اقدامات قانونی لازم به منظور برپایی نهاد سیاستگذار در آموزش فنی و حرفه‌ای و علمی- کاربردی، با توجه به تجربیات جهانی و داخلی، به عنوان مرجع اصلی تصویب چشم‌اندازها، راهبردها و سیاستهای کلان بخش و تا زمان شکل‌گیری نهاد ستاد هماهنگی آموزشهای فنی و حرفه‌ای موضوع ماده (۱۵۱) قانون برنامه سوم توسعه به کار خود ادامه خواهد داد.

ب- استقرار نظام کارآموزی و کارورزی، برای تمام آموزشهای رسمی (متوسطه و عالی)، غیر رسمی فنی و حرفه‌ای و علمی - کاربردی

ج- تدوین نظام استاندارد و ارزیابی مهارت نیروی کار کشور، با رویکرد بین‌المللی

د- طرح جامع توسعه منابع انسانی مورد نیاز این بخش شامل: جذب، انگیزش، ارتقای شغلی، آموزش، بهسازی و نگهداشت نیروی انسانی

- ه- نظام حمایت از مؤسسات و بنگاههای دولتی و بخش غیر دولتی، در توسعه آموزشهای فنی و حرفه‌ای و علمی - کاربردی به ویژه در مناطق کمتر توسعه یافته
- و- نوسازی و بازسازی ساختارها، امکانات و ارتقای کیفیت آموزشهای فنی و حرفه‌ای و علمی-کاربردی و توسعه مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای، فناوری اطلاعات و ارتباطات، با حداکثر مشارکت بخش خصوصی و بهره‌گیری از همکاریهای بین‌المللی
- ز- استفاده از توان و امکانات بخشهای دولتی و غیر دولتی، در توسعه آموزشهای فنی و حرفه‌ای و علمی - کاربردی
- ح- نیازسنجی و برآورد نیروی انسانی کاردانی مورد نیاز و صدور مجوز لازم و حمایت، به منظور تأسیس و توسعه مراکز آموزش دوره‌های کاردانی در بخش خصوصی و تعاونی به نحوی که تا سال چهارم برنامه ظرفیتهای مورد نیاز ایجاد گردد.

◀◀ ماده ۵۸

دولت مکلف است، در پایان سال اول برنامه به منظور شکل‌دهی "منظومه آمار ملی و مکانی کشور" نسبت به تهیه برنامه ملی آمار، مبتنی بر اصلاح و تقویت نهاد مدیریت اطلاعات و آمار ملی کشور، استانداردها، ضوابط، تولید و ارائه آمارهای ثبتي، تقویت و ایجاد پایگاههای اطلاعات آماری و اطلاع‌رسانی، ارتقای فرهنگ آماری، چگونگی تعامل دستگاهها، راهبری، هماهنگی‌های لازم را انجام و جهت اجرا و عملیاتی نمودن آن طی برنامه اقدام نماید.

◀◀ ماده ۵۹

دولت موظف است، به منظور توسعه ارتباطات و فناوری اطلاعات، تحقق اقتصاد مبتنی بر دانایی و کسب جایگاه برتر منطقه اقدامهای ذیل را انجام دهد:

الف- برای رفع انحصار و ایجاد رقابت، به منظور ایجاد شبکه‌ها و ارائه خدمات ارتباطی (پستی و مخابراتی) و فناوری اطلاعات توسط بخشهای تعاونی و خصوصی به صورت مستقل و موازی با

بخش دولتی در مقابل اخذ حق امتیاز و حق فرکانس، با رعایت سازوکار مقرر در ماده (۳۸) این قانون اقدام نماید.

ب- دولت موظف است، تا پایان برنامه چهارم، به منظور برقراری تسهیلات لازم جهت دسترسی به ارتباطات گسترده با کیفیت و تمهید و گسترش فرصتهای نوین خدمات و رشد برای آحاد جامعه و خانوارها، مؤسسات و شرکتهای شبکه‌ای شدن قلمروها، برپایی و تقویت اقتصاد شبکه‌ای زمینه ارتقاء ضریب نفوذ ارتباطات ثابت، سیار و اینترنت کشور حداقل به ترتیب پنجاه درصد (۵۰٪)، سی و پنج درصد (۳۵٪) و سی درصد (۳۰٪)، آحاد جمعیت کشور و همچنین ایجاد ارتباط پر ظرفیت و چند رسانه‌ای حداقل در شهرهای بالای پنجاه هزار نفر و افزایش ظرفیت خدمات پستی به بیست مرسوله بر نفر را فراهم آورد.

ج - تأمین و تضمین ارائه خدمات پایه ارتباطی و فناوری اطلاعات در سراسر کشور

د - تهیه لایحه "قانون جامع ارتباطات" در سال اول برنامه چهارم

ه- تأمین هزینه و تضمین ارائه خدمات پایه ارتباطی و فناوری اطلاعات در نقاط محروم و نقاط روستایی و ایجاد بهبود توسعه زیرساختهای ارتباطی و فناوری اطلاعات از محل دریافت حق امتیاز واگذاری مجوز ایجاد شبکه و فعالیت به بخشهای تعاونی و خصوصی و سایر منابع

◀ ماده ۶۰

به منظور کمک به رشد و توسعه اقتصادی، به شرکتهای دولتی مخابراتی اجازه داده می‌شود قسمتی از فعالیتهای خود را در زمینه‌های نگهداری و بهره‌برداری، طراحی، مهندسی، نصب و راه‌اندازی، آزمایش و تحویل تجهیزات و شبکه‌ها با رعایت خطمشی‌های دولت به بخش‌های تعاونی و خصوصی داخلی واگذار کند.

بخش دوم

حفظ محیط زیست

آمایش سرزمین و توازن منطقه‌ای

فصل پنجم

حفظ محیط زیست

◀◀ ماده ۶۱

دولت موظف است، برای تسریع در اجرای برنامه عمل حفاظت و بهره‌برداری از تنوع زیستی کشور، هماهنگی لازم را بین دستگاه‌های ذی‌ربط ایجاد نماید. شاخصهای تنوع زیستی کشور می‌بایست تا پایان برنامه چهارم به سطح استانداردهای جهانی نزدیک شود و وضعیت مناسب یابند.

◀◀ ماده ۶۲

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مکلف است، با همکاری سازمان حفاظت محیط زیست و سایر دستگاه‌های مرتبط، به منظور برآورد ارزشهای اقتصادی منابع طبیعی و زیست‌محیطی و هزینه‌های ناشی از آلودگی و تخریب محیط زیست در فرایند توسعه و محاسبه آن در حسابهای ملی، نسبت به تنظیم دستورالعمل‌های محاسبه ارزشها و هزینه‌های موارد دارای اولویت از قبیل: جنگل، آب، خاک، انرژی، تنوع زیستی و آلودگیهای زیست محیطی در نقاط حساس اقدام، و در مراجع ذی‌ربط به تصویب برساند. ارزشها و هزینه‌هایی که دستورالعمل آنها به تصویب رسیده، در امکان‌سنجی طرحهای تملک‌داریهای سرمایه‌ای در نظر گرفته خواهد شد.

◀◀ ماده ۶۳

دولت موظف است، به منظور تقویت و توانمندسازی ساختارهای مرتبط با محیط زیست و منابع طبیعی، ساز و کارهای لازم را جهت گسترش آموزشهای عمومی و تخصصی محیط زیست، در کلیه واحدهای آموزشی و مراکز آموزش عالی، حمایت از سرمایه‌گذاری در بخش محیط زیست و منابع طبیعی،

ایجاد تقویت ساختارهای مناسب برای فعالیتهای زیست‌محیطی، در دستگاههای اثرگذار بر محیط زیست، تنظیم و برقرار نماید.

◀ ماده ۶۴

دولت مکلف است، که در طول برنامه چهارم اقدامهای ذیل را به عمل آورد:

الف- طرح خوداظهاری برای پایش منابع آلوده‌کننده را آغاز نماید. کلیه واحدهای تولیدی، خدماتی و زیربنایی باید بر اساس دستورالعمل سازمان حفاظت محیط زیست نسبت به نمونه‌برداری و اندازه‌گیری آلودگیها و تخریبهای خود اقدام و نتیجه را به سازمان مذکور ارائه دهند. واحدهایی که تکالیف این بند را مراعات ننمایند، مشمول ماده (۳۰) قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴/۲/۳ خواهند بود.

ب- به منظور جلوگیری از افزایش بی‌رویه مصرف سموم دفع آفات نباتی و کودهای شیمیایی، اتخاذ روشی نماید که موجبات استفاده بیشتر از کود کمپوست و مبارزه بیولوژیک، به تدریج فراهم شود. ضوابط ورود، ساخت، فرمولاسیون و مصرف کودهای شیمیایی و سموم دفع آفات نباتی از جهت تأثیرات زیست محیطی را توسط وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان حفاظت محیط زیست، و مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران تهیه و به تصویب هیئت وزیران برساند.

ج- ارائه برنامه مدیریت پسماندهای کشور و اتخاذ روشی که با همکاری شهرداریها، بخشدارها، دهیارها در وهله اول در سه استان مازندران، گیلان و گلستان اجرا شود، به طوری که در پایان برنامه چهارم، جمع‌آوری، حمل و نقل، بازیافت و دفع کلیه پسماندها با روشهای فنی زیست‌محیطی و بهداشتی انجام شود. همچنین ضمن تأمین اعتبارات لازم، کلیه شبکه‌ها و تأسیسات جمع‌آوری و تصفیه فاضلاب در دست اجرای استانهای خوزستان، گیلان، مازندران، گلستان و تهران و شهرهای مراکز استانها را تکمیل و به مرحله بهره‌برداری رسانده و مطالعات سایر شهرها را انجام و با توجه به اولویت به مرحله اجرا برساند.

◀ ماده ۶۵

دولت مکلف است:

- الف-** در طول برنامه چهارم، میزان آلودگی هوای شهرهای تهران، اهواز، اراک، تبریز، مشهد، شیراز، کرج و اصفهان را در حد استاندارد مصوب شورای عالی حفاظت محیط زیست کاهش دهد.
- آیین‌نامه اجرایی این بند، توسط سازمان حفاظت محیط زیست، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارتخانه‌های نفت، صنایع و معادن، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، راه و ترابری و کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران رسانده شود.
- ب-** در طول برنامه چهارم، تمهیداتی اتخاذ کند که کلیه خودروها و موتورسیکلت‌های فرسوده کشور از رده خارج شوند.

◀ ماده ۶۶

- دولت موظف است حداکثر تا پایان سال اول برنامه چهارم، به منظور ساماندهی و جلوگیری از آلودگی و تخریب سواحل، با اولویت دریای خزر، طرح جامع ساماندهی سواحل که متضمن اقدامهای ضروری همچون: تعیین و آزادسازی حریم، استقرار مدیریت یکپارچه سواحل، ضوابط و استانداردهای زیست‌محیطی و دریانوردی، صیادی و آبی پروری، بازبینی و اصلاح و تکمیل قوانین و مقررات را همراه با تعیین مسئولیت دستگاههای ذی‌ربط در زمینه سیاست‌گذاری، اجرا و نظارت، تدوین نماید.
- تبصره ۵-** دولت موظف است کلیه وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی را به شکلی ساماندهی نماید که تا پایان برنامه چهارم، عقب نشینی شصت (۶۰) متر حریم دریا صددرصد (۱۰۰٪) انجام پذیرد.
- آیین‌نامه اجرایی این ماده توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، سازمان حفاظت محیط زیست، وزارتخانه‌های مسکن و شهرسازی، کشور، جهاد کشاورزی، راه و ترابری، نیرو و عندالزوم سایر دستگاههای ذی‌ربط تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

◀ ماده ۶۷

سازمان حفاظت محیط زیست، مکلف است:

- الف-** در راستای ارتقای آگاهیهای عمومی و دستیابی به توسعه پایدار، با همکاری دستگاههای ذی ربط، برنامه آموزش همگانی زیست محیطی کشور را با تأکید بر گروههای اثرگذار و اولویت دار تدوین و از ابتدای برنامه چهارم به تصویب شورای عالی حفاظت محیط زیست برساند. کلیه دستگاههای ذی ربط، رسانه های دولتی و صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران ملزم به اجرای برنامه های آموزشی بدون دریافت وجه موضوع این ماده قانونی می باشند.
- ب-** نظام اطلاعات زیست محیطی کشور را در سطوح منطقه ای، ملی و استانی تا پایان سال اول برنامه چهارم ایجاد نماید تا زمینه پیش، اطلاع رسانی و ارزیابی زیست محیطی فراهم گردد. دستگاههای ذی ربط مکلف اند، در تدوین و اجرایی نمودن این نظام همکاری نمایند.

◀ ماده ۶۸

دولت موظف است نسبت به تدوین اصول توسعه پایدار بوم شناختی، به ویژه در الگوهای تولید و مصرف و دستورالعملهای بهینه سازی مربوطه اقدام نماید. دستگاههای مرتبط موظف به رعایت اصول و دستورالعملهای مذکور در طرحها و برنامه های اجرایی خود می باشند.

◀ ماده ۶۹

کلیه دستگاههای اجرایی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی موظف اند، جهت کاهش اعتبارات هزینه ای دولت، اعمال سیاستهای مصرف بهینه منابع پایه و محیط زیست، برای اجرای برنامه مدیریت سبز شامل: مدیریت مصرف انرژی، آب، مواد اولیه و تجهیزات (شامل کاغذ)، کاهش مواد زائد جامد و بازیافت آنها (در ساختمانها و وسائط نقلیه)، طبق آیین نامه ای که توسط سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور با همکاری دستگاههای ذی ربط تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید، اقدام نمایند.

◀ ماده ۷۰

الف- برنامه مدیریت زیست بومی در زیست‌بوم‌های حساس، به ویژه دریاچه ارومیه، تهیه و به مرحله اجرا در می‌آید. سازمان حفاظت محیط زیست با همکاری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارتخانه‌های نیرو و جهاد کشاورزی، آیین‌نامه اجرایی این ماده را تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رساند.

ب- به منظور جلوگیری از شکار بی‌رویه و نابودی تنوع زیستی، دولت مکلف است با همکاری مراجع ذی‌ربط در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران ترتیبی اتخاذ نماید تا ضمن محدود کردن پروانه محل اسلحه شکاری و بازنگری در ضوابط صدور پروانه‌های مذکور، تعداد سلاح‌های شکاری را متناسب با جمعیت قابل برداشت از حیات وحش به تشخیص سازمان حفاظت محیط زیست برساند و نسبت به جمع‌آوری سلاح‌های غیرمجاز تا پایان برنامه چهارم اقدام نماید.

◀ ماده ۷۱

الف- برنامه جامع حفاظت، احیا، بازسازی ذخایر و رفع آلودگی و ضوابط بهره‌برداری پایدار از محیط‌های دریایی کشور، تا پایان سال اول برنامه چهارم تهیه و به مرحله اجرا گذارده شود. آیین‌نامه اجرایی این بند، مشترکاً توسط سازمان حفاظت محیط زیست و وزارت جهاد کشاورزی، با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ب- به دولت اجازه داده می‌شود، با رعایت اصول (۷۲) و (۸۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای تقلیل آلاینده‌های وارد به محیط زیست و تخریب آن، "صندوق ملی محیط زیست" وابسته به سازمان حفاظت محیط زیست را تأسیس کند. منابع مورد نیاز صندوق یاد شده برای انجام فعالیتهای مذکور از طریق کمک‌های بخش غیر دولتی داخلی و خارجی تأمین می‌گردد. اساسنامه صندوق ملی محیط زیست مشترکاً توسط سازمان حفاظت محیط زیست، وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ج- وزارت جهاد کشاورزی موظف است، به منظور تعیین تکلیف نهایی و تثبیت مالکیت دولت بر عرصه‌های منابع ملی و دولتی، تا پایان برنامه چهارم، نسبت به اتمام عملیات ممیزی و تفکیک منابع ملی و دولتی از مستثنائات و اشخاص اقدام کند. سازمان ثبت اسناد و املاک کشور باید تا صدور اسناد، نقشه‌های اراضی منابع ملی و دولتی را به عنوان اسناد رسمی پذیرفته و آنها را ملاک عمل قرار دهد.

◀ ماده ۷۲

دولت مکلف است، برنامه حفظ، احیا، اصلاح، توسعه و بهره‌برداری از منابع طبیعی تجدید شونده را با توجه به اولویتهای زیر تنظیم و به مورد اجرا بگذارد:

الف- خروج دام از جنگل و ساماندهی جنگل نشینان شمال تا پایان برنامه چهارم به میزان هفتاد درصد (۷۰٪) باقیمانده دام و جنگل نشینان در پایان سال ۱۳۸۳

ب- کاهش پنجاه درصد (۵۰٪) دام مازاد از مراتع جهت تعادل بین دام و مرتع و همچنین لغو و اصلاح پروانه چراهای مربوطه

ج- اجرای عملیات آبخیزداری در بیست درصد (۲۰٪) سطح حوزه‌های سدهای در دست اجرا، تمام شده و ده درصد (۱۰٪) حوزه‌های سایر مناطق

د- توسعه زراعت چوب به میزان حداقل یکصد هزار هکتار، حذف تعرفه واردات چوب و تشدید مبارزه با قاچاق چوب

ه- توسعه فضای سبز و جنگلهای دست کاشت به میزان حداقل ۵۰۰ هزار هکتار و همچنین اجرای عملیات کنترل کانونهای بحرانی بیابان‌زا به میزان حداقل ۱/۵ میلیون هکتار

و- اجرای عملیات پخش سیلاب در حوزه‌های شهری، روستایی و سایر اراضی کشاورزی و منابع طبیعی به میزان ۱/۵ میلیون هکتار به منظور ایجاد مراتع مشجر، تبدیل اراضی بیابانی به زراعی و تغذیه آبخوانها

ز- پوشش کامل حفاظتی در جنگلهای کشور (شمال، زاگرس، ارسباران، خلیج عمان و ایرانی - تورانی)

- ح- پوشش کامل سوخت رسانی به عشایر، جنگل نشینان و روستاییان
- ط- گسترش مشارکت شوراهای روستایی و بسیج محلی در حفاظت از جنگلها و مراتع به میزان پانزده درصد (۱۵٪) از سطح عملیاتی
- ی- بهره‌برداری از جنگل صرفاً براساس تعدیل اکولوژیک و ضروریات حفظ جنگل صورت می‌گیرد. آیین‌نامه اجرایی این بند توسط وزارت جهاد کشاورزی با همکاری سازمان حفاظت محیط زیست تهیه و به تصویب هیئت دولت خواهد رسید.

◀ ماده ۷۳

دولت مکلف است از سال اول برنامه چهارم به منظور پایداری منابع طبیعی و تنظیم مدیریت چرای مراتع و حفظ ذخایر ژنتیکی دامها (دام عشایر)، ترتیبی اتخاذ نماید که اجرای طرحهای مرتعداری و مدیریت مراتع از طریق عشایر ذیحق انجام گیرد و در همین راستا واگذاری اراضی مستعد قلمرو عشایر به خانوارهای کوچنده در چارچوب طرح ساماندهی اسکان عشایر با حفظ حقوق آنها صورت گیرد. آیین‌نامه اجرایی این ماده به پیشنهاد مشترک وزارت جهاد کشاورزی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور حداکثر ظرف مدت ۶ ماه پس از ابلاغ این قانون به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

◀ ماده ۷۴

ماده (۱۰۵) و بند "ج" ماده (۱۰۴) "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن" برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد.

فصل ششم

آمایش سرزمین و توازن منطقه‌ای

◀ ماده ۷۵

دولت مکلف است، به منظور توزیع مناسب جمعیت و فعالیتها در پهنه سرزمین، با هدف استفاده کارآمد از قابلیتها و مزیت‌های کشور، با استفاده از مطالعات انجام شده، سند ملی آمایش سرزمین مشتمل بر سطوح ذیل را از ابتدای برنامه چهارم به مرحله اجرا درآورد:

الف- سطح کلان شامل:

- ۱- چشم‌انداز بلندمدت توسعه فضایی کشور، در چارچوب سیاستهای کلی نظام، تحلیل شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی و امکانات، محدودیتها و مزیت‌های سرزمین
- ۲- راهبردهای کلی توزیع جمعیت در سرزمین، الگوی اسکان و نظام شهری و روستایی کشور
- ۳- راهبردهای خاص مناطق و عرصه‌هایی که به لحاظ "امنیتی و دفاعی"، "حفاظت از منابع طبیعی، محیط زیست و میراث فرهنگی" دارای موقعیت ویژه می‌باشند.
- ۴- پایگاه اطلاعات مکانی و جغرافیایی و اسناد تصویری مرتبط

ب- سطح بخشی شامل:

- ۱- راهبردهای هماهنگ و سازگار بلندمدت توسعه و توزیع فضایی بخشهای مختلف اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی منطبق با ویژگیهای سرزمین
- ۲- سیاستها و توصیه‌های منطقه‌ای و سرزمینی بخشها
- ۳- اقدامها و عملیات اولویت‌دار در توسعه بخش

ج- سطح استانی شامل:

- ۱- نظریه پایه توسعه استانها، حاوی بخشهای محوری و اولویت‌دار در توسعه استان و تعیین نقش هر استان در تقسیم کار ملی

۲- سازمان فضایی توسعه استان (محورها و مراکز عمده در توسعه استان)

۳- اقدامها و عملیات اولویت‌دار در توسعه استان

تبصره ۵- سندهای ملی توسعه بخش و سندهای ملی توسعه استان، موضوع فصل سیزدهم این قانون، بر اساس جهت‌گیری‌های سند ملی آمایش سرزمین و متناسب با ویژگیهای هر یک تنظیم، و پس از تصویب هیئت وزیران، مبنای تنظیم عملیات اجرایی برنامه چهارم قرار می‌گیرد. دولت مکلف است، لوائح بودجه‌های سنواتی را، بر اساس اسناد فوق تنظیم و تقدیم مجلس شورای اسلامی نماید.

۷۶ ماده

دولت موظف است ظرف سال اول برنامه طرح جامع تقسیمات کشوری را که در بردارنده شاخصهای ناظر بر بازنگری واحدهای تقسیماتی موجود برای ایجاد سطوح تقسیماتی جدید و با جهت‌گیری عدم تمرکز و تفویض اختیار به مدیران محلی و تقویت نقش استانداران به عنوان نمایندگان عالی دولت تهیه و جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید. هرگونه ایجاد سطوح جدید باید با رعایت مفاد این ماده صورت گیرد.

۷۷ ماده

دولت مکلف است به منظور هماهنگ‌سازی عملیات عمرانی و سرمایه‌گذاریهای جدید متناسب با شرایط در حال گذار ملی و بین‌المللی، با رعایت موازین آینده‌نگری، تحلیل مناسب موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی کشور، ساختار فرهنگی هویت ایرانی - اسلامی، امکانات و قابلیت‌ها و فرصتهای کشور، اقدامهای ذیل را انجام دهد:

الف- قرار دادن اسناد ملی آمایش سرزمین و کالبدی ملی به عنوان مرجع اصلی هماهنگیهای بین بخشی، بین منطقه‌ای و بخشی - منطقه‌ای، در تصمیم‌گیریهای اجرایی

ب- به هنگام نمودن سند ملی آمایش سرزمین، متناسب با تحولات جهانی، منطقه‌ای، علمی و فنی و با بهره‌گیری از اطلاعات پایه‌ای و مکانی و تعامل سطوح خرد و کلان منطقه‌ای و بخشی،

به‌گونه‌ای که برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سازگاری با سند ملی آمایش سرزمین تنظیم گردد.

◀ ماده ۷۸

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مکلف است، با همکاری سایر دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط، به‌منظور بهره‌گیری از قابلیت‌ها و مزیت‌های سرزمین در راستای ارتقای نقش و جایگاه بین‌المللی کشور و تعامل مؤثر در اقتصاد بین‌المللی، راهبردها و اولویت‌های آمایشی ذیل را در قالب برنامه‌های اجرایی از ابتدای برنامه چهارم، به مرحله اجرا درآورد:

الف- بهره‌گیری مناسب از موقعیت و توانمندی‌های عرصه‌های مختلف سرزمین، برای توسعه علم و فناوری و تعامل فعال با اقتصاد جهانی، از طرق مختلف از جمله تعیین مراکز و پارک‌های فناوری علمی، تحقیقاتی تخصصی و همچنین تعیین نقش و عملکرد مناطق آزاد و ویژه اقتصادی.

ب- استفاده مناسب از قابلیت و توان کلان‌شهرها، در جهت تقویت نقش فراملی و ارتقای جایگاه بین‌المللی کشور، از طریق تقویت مدیریت توسعه، برنامه‌ریزی و اجرا در این شهرها، تعیین حوزه عملکرد فراملی و بین‌المللی هر یک و انتقال همزمان وظایف ملی و منطقه‌ای آنها به سایر شهرها

ج- بهره‌گیری مناسب، از قابلیت‌های ترانزیتی کشور، از طریق اولویت‌بندی محورهای خاص در دالانهای ارتباطی شرقی - غربی و شمالی - جنوبی کشور و تدوین برنامه توسعه مبادی، شبکه‌ها و نقاط خاص واقع بر این محورها

د- آماده‌سازی عرصه‌های مختلف سرزمین، برای پذیرش فعالیتهای جدید و ایجاد فرصتهای شغلی متناسب با قابلیت هر منطقه، از طریق تکمیل، توسعه و تجهیز شبکه‌های زیربنایی.

ه- بهره‌گیری از آثار انتشاری سرمایه‌گذاریهایی ملی و فراملی، در توسعه مناطق پیرامونی (به ویژه دشتهای و پیرامون سدها)، از طریق تهیه برنامه‌های چند بخشی و گسترش شیوه‌های نوین معیشت و فعالیت و ساماندهی استقرار جمعیت و فعالیتهای

و- بهره‌گیری از منابع غنی نفت و گاز (به ویژه مناطق گازی پارس جنوبی)، در توسعه فعالیت‌های مرتبط و صنایع انرژی‌بر و سازماندهی جدید استقرار جمعیت و فعالیتها در حاشیه جنوبی کشور، بر مبنای آن

ز- توسعه مناطق مرزی با هدف تقویت همگراییهای ملی و پیوند مناطق مرزی با اقتصاد ملی و فراملی
ح- بهره‌گیری از قابلیت‌های محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناطق روستایی کشور، از طریق توسعه منابع انسانی، تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی، ساماندهی نظام ارائه خدمات سطح‌بندی شده و اصلاح نظام برنامه‌ریزی توسعه روستایی، با تأکید بر افزایش هماهنگی و محلی نمودن فرایند آن

◀ ماده ۷۹

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است، در راستای ایجاد هماهنگی بین فعالیت‌های دستگاه‌های اجرایی، آن دسته از اهداف و مضامین برنامه چهارم که تحقق آنها مستلزم مشارکت چند بخش و چند استان می‌باشد را در قالب برنامه‌های ویژه (فرابخشی) تدوین و نقش هر یک از دستگاه‌های اجرایی را در چارچوب وظایف قانونی هر دستگاه مشخص نماید. کلیه دستگاه‌های اجرایی بخشی و استانی موظف‌اند، عملیات و اقدام‌های اینگونه برنامه‌ها را که توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تعیین می‌گردد، در برنامه اجرایی خود منظور و اجرا نمایند.

◀ ماده ۸۰

به دولت اجازه داده می‌شود، به منظور هماهنگی در امور عمرانی و توسعه‌ای بین استانی، نسبت به منطقه‌بندی کشور از دیدگاه آمایش سرزمین و ایجاد نهادهای هماهنگ کننده و تعیین وظایف آنها در سطح فرا استانی اقدام نماید. آیین‌نامه اجرایی این ماده، به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

◀◀ ماده ۸۱

نسبت معینی از درآمدهای واریز شده به خزانه معین هر استان، در قالب بودجه سالانه به تأمین بودجه استان (هزینه‌ای و سرمایه‌ای) همان استان اختصاص می‌یابد. نسبت‌های مذکور به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور توسط هیئت وزیران تعیین می‌گردد.

◀◀ ماده ۸۲

عناوین برنامه‌های عمرانی و آن دسته از وظایف دولت که نتایج کاربردی آن از محدوده استان فراتر نباشد (وظایف استانی) و می‌بایست در قالب بودجه استانی تأمین اعتبار شود، به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

◀◀ ماده ۸۳

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مکلف است، به هنگام تنظیم بودجه سالانه، درآمدها و واگذاری دارایی‌های استانی پیش‌بینی شده توسط شورای برنامه‌ریزی و توسعه استانها، که سرجمع آن در قانون بودجه مشخص شده است، را در قالب ردیفها و عناوین مستقل مشخص کرده و به تفکیک هر استان ابلاغ نماید.

◀◀ ماده ۸۴

الف- از ابتدای برنامه چهارم، بودجه سالانه استانها، بر اساس سند ملی توسعه استان به مرحله اجرا در می‌آورد. بودجه سالانه استان شامل: درآمدها و سایر منابع استان، سهم اختصاص یافته از منابع ملی و سرجمع اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در قانون بودجه کل کشور می‌باشد و به صورت "سند بودجه سالانه استان" در قالب قراردادی تنظیم و بین رئیس شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، مبادله می‌گردد.

ب- "سند بودجه سالانه استان" که تعهدات شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، برای اجرای برنامه توسعه استان را مشخص می‌نماید، مشتمل بر اهداف کمی استان، شاخصهای هدف هر بخش، اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و اعتبارات هزینه‌ای استان می‌باشد.

ج- طرحهای ملی که منافع آن شامل: چند استان و یا کل کشور می‌گردد، توسط دستگاههای اجرایی ملی اجرا خواهد شد.

د- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مکلف است، نظام تنظیم بودجه استان را در چارچوب "سند ملی توسعه استان" ظرف مدت شش ماه از تصویب این قانون تهیه و به تصویب هیئت وزیران برساند.

« ماده ۸۵

دولت مکلف است، در اجرای کامل نظام درآمد - هزینه استان، اقلام درآمدی زیر را به عنوان درآمد استانی وصول و از طریق خزانه‌داری کل به خزانه معین استان واریز و در اجرای وظایف جاری و عمرانی استانی، هزینه نماید:

الف- کلیه مالیاتهای مستقیم (به استثنای مالیات بر شرکتهای دولتی)

ب- مالیات بر کالاها و خدمات به استثنای حقوق ورودی

ج- آن دسته از درآمدهای حاصل از مالکیت دولت که وصول آنها در همه استانهای کشور عمومیت دارد.

د- درآمدهای حاصل از خدمات که در استانها عرضه می‌شود و توسط دستگاههای استانی وصول

می‌گردد، به استثنای درآمد ناشی از انفال و خدمات قضایی دادگستری جمهوری اسلامی ایران

ه- درآمدهای حاصل از جرایم و خسارات که در استانها وصول می‌شود به استثنای درآمد ناشی از

جرایم مبارزه با قاچاق و مواد مخدر

◀◀ ماده ۸۶

مواد (۷۰)، (۷۱)، (۷۷) و (۱۸۱) "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن" برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۴-۱۳۸۸) تنفیذ می‌گردد.^۱

بخش سوم

توسعه سلامت، امنیت انسانی

و عدالت اجتماعی

فصل هفتم

ارتقای سلامت و بهبود کیفیت زندگی

◀ ماده ۸۷

دولت موظف است، به منظور نهادینه کردن مدیریت، سیاستگذاری، ارزشیابی و هماهنگی این قلمرو از جمله: امنیت غذا و تغذیه در کشور، تأمین سبد مطلوب غذایی و کاهش بیماریهای ناشی از سوء تغذیه و گسترش سلامت همگانی در کشور، اقدامهای ذیل را به عمل آورد:

الف- تشکیل "شورای عالی سلامت و امنیت غذایی" با ادغام "شورای غذا و تغذیه" و "شورای عالی سلامت" و تهیه و تصویب آیین‌نامه این شورا مشتمل بر: ترکیب اعضا، ساختار و شرح وظایف، ظرف مدت شش ماه پس از تصویب این قانون.

ب- تهیه و اجرای برنامه‌های آموزشی لازم به منظور ارتقای فرهنگ و سواد تغذیه‌ای جامعه پس از تصویب شورای عالی سلامت و امنیت غذایی.

سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و دستگاههای اجرایی مکلفند در تدوین و اجرای برنامه جامع یاد شده با وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی همکاری و از تبلیغ کالاهای مضر به سلامتی خودداری نمایند.

ج- تخصیص منابع اعتباری، تسهیلات بانکی و یارانه‌ای لازم برای تولید، تأمین، توزیع و مصرف مواد غذایی، در جهت دستیابی به سبد مطلوب غذایی و اختصاص منابع لازم برای شروع و تدارک برای ترویج غذای سالم در قالب میان‌وعده غذایی دانش‌آموزان و همچنین کمک غذایی برای اقشار نیازمند، طبق مصوبه شورای عالی سلامت و امنیت غذایی

د- تهیه و اجرای برنامه‌های:

۱- امنیت غذا

۲- کاهش ضایعات مواد غذایی از تولید به مصرف

۸۸ ماده

دولت موظف است، ظرف مدت شش ماه پس از تصویب این قانون، لایحه حفظ و ارتقای سلامت آحاد جامعه و کاهش مخاطرات تهدید کننده سلامتی را مشتمل بر نکات ذیل تهیه و جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه کند:

- کاهش حوادث حمل و نقل، از طریق شناسایی نقاط و محورهای حادثه‌خیز جاده‌ها و راه‌های مواصلاتی و کاهش نقاط مذکور به میزان پنجاه درصد (۵۰٪) تا پایان برنامه چهارم
- تأکید بر رعایت اصول ایمنی و مقررات راهنمایی و رانندگی
- ساماندهی و تکمیل شبکه فوریت‌های پزشکی پیش بیمارستانی و بیمارستانی کشور و کاهش مرگ و میر ناشی از حوادث حمل و نقل به میزان پنجاه درصد (۵۰٪) تا پایان برنامه چهارم
- ارتقای طرح ایمنی وسائط نقلیه موتوری و اعمال استانداردهای مهندسی انسانی و ایمنی لازم
- کاهش مخاطرات تهدید کننده سلامتی در محیط کار، آلاینده‌های هوا، آب، خاک، محصولات کشاورزی و دامی، و تعریف مصادیق، میزان و نحوه تعیین و وصول عوارض و جرایم جبرانی و چگونگی مصرف منابع حاصله

۸۹ ماده

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دستگاه‌های ذی‌ربط مکلف‌اند، تا پایان سال اول برنامه چهارم، برنامه‌های جامع کاهش رفتارهای جنسی پر خطر، کاهش خطرات فردی و اجتماعی رفتارهای جنسی پر خطر، کاهش خطرات و زیانهای فردی و اجتماعی اعتیاد، پیشگیری و درمان بیماری‌های ایدز و نیز برنامه کاهش بار بیماری‌های روانی را تدوین و به اجرا درآورند.

◀ ماده ۹۰

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف است، به منظور زمینه‌سازی برای حضور مؤثر در بازارهای جهانی و تبدیل جمهوری اسلامی ایران به مرکز رفع نیازهای سلامت و پزشکی منطقه، در چارچوب سیاستهای راهبردی تجاری، تسهیلات لازم را در خصوص معرفی تواناییها، عرضه و بازاریابی خدمات سلامت و آموزش پزشکی و تولیدات، تجهیزات و فرآورده‌های پزشکی و دارویی ارائه نماید، به‌نحوی که مقدار ارز حاصل از صادرات خدمات و تولیدات مزبور معادل سی درصد (۳۰٪) مصارف ارزی بخش بهداشت و درمان، در پایان سال پایانی برنامه چهارم باشد.

◀ ماده ۹۱

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف است، به منظور ارتقای مستمر کیفیت خدمات سلامت و تعالی عملکرد خدمات بالینی، افزایش بهره‌وری و استفاده بهینه از امکانات بهداشتی درمانی کشور، اقدامهای ذیل را انجام دهد:

الف- تدوین، نظارت و ارزشیابی استانداردها و شاخصهای بهبود کیفیت خدمات و اصلاح رتبه‌بندی بیمارستانها، بر اساس الگوی ارتقای عملکرد بالینی

ب- مشتری‌مدار نمودن واحدهای بهداشتی، درمانی، از طریق اصلاح فرایندها و ساختار مدیریت اقتصادی (از جمله: اصلاح نظام حسابداری، پرداخت مبتنی بر عملکرد، بودجه‌ریزی عملیاتی)

ج- اداره بیمارستانهای پیشنهادی دانشگاههای علوم پزشکی، به صورت هیئت امنایی و یا شرکتی و تفویض اختیارات مدیریت، جذب و به‌کارگیری نیروی انسانی و اداری - مالی به آنها در چارچوب تعرفه‌های مصوب

د- تفکیک بیمارستانها، از نظر تخته‌های آموزشی و غیر آموزشی و اعمال شاخصهای اعتباری و نیروی انسانی بر اساس آن

ه- طراحی و استقرار نظام جامع اطلاعات سلامت شهروندان ایرانی

◀ ماده ۹۲

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است، به منظور دسترسی عادلانه مردم به خدمات بهداشتی، درمانی و منطقی نمودن آن متناسب با نیازها در نقاط مختلف کشور، نظام ارائه حداقل استاندارد خدمات بهداشتی، درمانی کشور را مبتنی بر سطح‌بندی خدمات طراحی نماید. ایجاد، توسعه و تجهیز با تغییر در ظرفیتهای پزشکی و درمانی کشور و همچنین اختصاص نیروی انسانی جهت ارائه خدمات، مطابق با سطح‌بندی خدمات درمانی کشور انجام خواهد شد. احداث، ایجاد و توسعه واحدهای بهداشتی و درمانی توسط دستگاههای موضوع ماده (۱۶۵) این قانون و نیروهای مسلح، صرفاً با تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و تصویب هیئت وزیران امکانپذیر خواهد بود.

در خصوص واحدهای سلامت و ایمنی محیط کار H.S.E، طبق مقررات اختصاصی ذی‌ربط عمل خواهد شد.

تبصره- مفاد این ماده شامل خدمات بهداشتی درمانی که از طریق سرمایه‌گذاری و اداره بخش خصوصی انجام می‌گردد نمی‌باشد.

◀ ماده ۹۳

به منظور ارتقای عدالت توزیعی در دسترسی عادلانه مردم به خدمات بهداشتی و درمانی و در جهت کاهش سهم خانوارهای کم درآمد و آسیب‌پذیر از هزینه‌های بهداشتی و درمانی آنها، توزیع منابع و امکانات بهداشتی و درمانی باید به نحوی صورت گیرد که "شاخص مشارکت عادلانه مالی مردم" به ۰/۹۰ ارتقا یابد، سهم مردم از هزینه‌های سلامت حداکثر از سی درصد (۳۰٪) افزایش نیابد و میزان خانوارهای آسیب‌پذیر از هزینه‌های غیرقابل تحمل سلامت به یک درصد (۱٪) کاهش یابد. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است، با مشارکت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، آیین‌نامه چگونگی متعادل نمودن سهم مردم در تأمین منابع بهداشت و درمان برای تحقق اهداف مذکور را، ظرف مدت شش ماه پس از تصویب این قانون تهیه و برای تصویب به هیئت وزیران ارائه نماید.

◀ ماده ۹۴

به منظور افزایش اثربخشی نظام ارائه خدمات سلامت در کشور و تقویت و توسعه نظام بیمه خدمات درمانی، اقدامهای ذیل انجام خواهد شد:

الف- کلیه شرکتهای بیمه تجاری و غیر تجاری صرفاً با رعایت قوانین و مقررات شورای عالی بیمه خدمات درمانی مجاز به ارائه خدمات بیمه پایه و مکمل می‌باشند.

ب- تا پایان برنامه چهارم، شورای عالی بیمه خدمات درمانی تمهیدات لازم، جهت استقرار بیمه سلامت با محوریت پزشک خانواده و نظام ارجاع را فراهم نماید.

ج- به منظور تعمیم عدالت در بهره‌مندی از خدمات بهداشتی درمانی، خدمات بیمه پایه درمانی روستائیان عشایری، معادل مناطق شهری تعریف و اجرا می‌شود.

د- کلیه اتباع خارجی مقیم کشور، موظف به دارا بودن بیمه‌نامه برای پوشش حوادث و بیماریهای احتمالی در مدت اقامت در ایران می‌باشند.

ه- تأمین اعتبارات بیمه‌های خدمات درمانی در بودجه‌های سنواتی در طول برنامه چهارم براساس سرانه واقعی خواهد بود که سالانه به تصویب هیئت دولت می‌رسد.

و- آیین‌نامه اجرایی این ماده توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ظرف مدت سه ماه از تصویب این قانون تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

◀ ماده ۹۵

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است نسبت به درمان فوری و بدون قید و شرط مصدومین حوادث و سوانح رانندگی، در مراکز خدمات بهداشتی و درمانی اقدام کند.

به منظور تأمین منابع لازم برای ارائه خدمات فوق، عوارضی معادل ده درصد (۱۰٪) حق بیمه شخص ثالث، سرنشین، مازاد توسط شرکتهای بیمه تجاری وصول و به حساب درآمدهای اختصاصی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی واریز می‌گردد و هزینه‌های درمان کلیه مصدومان ترافیکی، جاده‌ای و رانندگی از محل وجوه واریز شده به این حساب و سایر منابع موجود پرداخت خواهد شد. توزیع

این منابع بر اساس عملکرد هر یک از سازمانهای بیمه‌گر پایه توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، هر شش ماه یک بار صورت خواهد گرفت.

◀◀ ماده ۹۶

الف- به منظور تنظیم بازار دارو فهرست داروهای مجاز همه ساله توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اعلام می‌شود. ورود، عرضه و تجویز دارو خارج از فهرست فوق ممنوع است.

ب- عرضه دارو (به استثنای داروهای غیرنسخه‌ای که فهرست آن توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اعلام می‌شود) به مصرف کننده نهایی خارج از داروخانه‌ها ممنوع است.

ج- به منظور تضمین داروهای تولیدی، کلیه کارخانه‌های تولید کننده دارو موظف‌اند با ایجاد کنترل کیفیت و به کارگیری متخصصین ذی‌ربط نسبت به کنترل کیفیت تولیدات خود اقدام نمایند. به این منظور به کارخانه‌های ذی‌ربط اجازه داده می‌شود با هماهنگی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از پنجاه درصد (۵۰٪) درآمد موضوع قانون اصلاح بند (۲) تبصره (۲) ماده (۵) قانون لزوم بازآموزی و نوآموزی جامعه پزشکی مصوب ۱۳۷۱/۶/۱۵، در قالب بودجه‌های سالانه استفاده کنند.

◀◀ ماده ۹۷

ماده (۱۹۴) "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن" برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد^۱.

فصل هشتم

ارتقای امنیت انسانی و عدالت اجتماعی

◀ ماده ۹۸

دولت مکلف است، به منظور استقرار عدالت و ثبات اجتماعی، کاهش نابرابریهای اجتماعی و اقتصادی، کاهش فاصله دهکهای درآمدی و توزیع عادلانه درآمد در کشور و نیز کاهش فقر و محرومیت و توانمندسازی فقرا، از طریق تخصیص کارآمد و هدفمند منابع تأمین اجتماعی و یارانه‌های پرداختی، برنامه‌های جامع فقرزدایی و عدالت اجتماعی را با محورهای ذیل تهیه و به اجرا بگذارد و ظرف مدت شش ماه پس از تصویب این قانون، نسبت به بازنگری مقررات و همچنین تهیه لوایح برای تحقق سیاستهای ذیل اقدام نماید:

الف- گسترش و تعمیق نظام جامع تأمین اجتماعی، در ابعاد جامعیت - فراگیری و اثربخشی

ب- اعمال سیاستهای مالیاتی، با هدف باز توزیع عادلانه درآمدها

ج- تعیین خط فقر و تبیین برنامه‌های توانمندسازی متناسب و ساماندهی نظام خدمات حمایتیهای اجتماعی، برای پوشش کامل جمعیت زیر خط فقر مطلق و نظام تأمین اجتماعی، برای پوشش جمعیت بین خط فقر مطلق و خط فقر نسبی و پیگیری و ثبت مستمر آثار برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی بر وضعیت خط فقر، جمعیت زیر خط فقر، همچنین میزان درآمد سه دهک پایین درآمدی و شکاف فقر و جبران آثار برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی به سه دهک پایین درآمدی از طریق افزایش قدرت خرید آنان

دولت موظف است کلیه خانوارهای زیر خط فقر مطلق را حداکثر تا پایان سال دوم برنامه چهارم توسعه به صورت کامل توسط دستگاهها و نهادهای متولی نظام تأمین اجتماعی شناسایی و تحت پوشش قرار دهد.

- د- طراحی برنامه‌های ویژه اشتغال، توانمندسازی، جلب مشارکتهای اجتماعی، آموزش مهارت‌های شغلی و مهارت‌های زندگی، به ویژه برای جمعیت‌های سه دهک پایین درآمدی در کشور
- ه- ارتقای مشارکت نهادهای غیر دولتی و مؤسسات خیریه، در برنامه‌های فقرزدایی و شناسایی کودکان یتیم و خانواده‌های زیر خط فقر، در کلیه مناطق کشور توسط مدیریتهای منطقه‌ای و اعمال حمایت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای افراد یاد شده توسط آنان و دستگاه‌ها و نهادهای مسئول در نظام تأمین اجتماعی
- و- امکان تأمین غذای سالم و کافی، در راستای سبد مطلوب غذایی و تضمین خدمات بهداشتی، درمانی و توانبخشی رایگان و تأمین مسکن ارزان قیمت، همچنین حصول اطمینان از قرار گرفتن جمعیت کمتر از ۱۸ سال تحت پوشش آموزش عمومی رایگان برای خانوارهای واقع در سه دهک پایین درآمدی، از طریق جابه‌جایی و تخصیص کارآمد منابع یارانه‌ها
- ز- فراهم کردن حمایت‌های حقوقی، مشاوره‌های اجتماعی و مددکاری، برای دفاع از حقوق فردی، خانوادگی و اجتماعی فقرا
- ح- اتخاذ رویکرد توانمندسازی و مشارکت محلی، بر اساس الگوی نیازهای اساسی توسعه و تشخیص نیاز توسط جوامع محلی برای ارائه خدمات اجتماعی، از طریق نظام انگیزشی برای پروژه‌های عمرانی کوچک، متناسب با ظرفیتهای محلی - از طریق اعمال موارد فوق در سطوح محلی و جلب مشارکتهای عمومی
- ط- طراحی روش‌های لازم برای افزایش بهره‌وری و درآمد روستائیان و عشایر و ایجاد فرصتهای اشتغال به ویژه در دوره‌های زمانی خارج از فصول کاشت و برداشت با رویکرد مشارکت روستائیان و عشایر، با حمایت از صندوق قرض‌الحسنه توسعه اشتغال روستایی و صندوق اشتغال نیازمندان

◀ ماده ۹۹

دولت مکلف است، با توجه به استقرار سازمانی نظام جامع تأمین اجتماعی در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران پوشش جمعیتی، خدمات و حمایت‌های مالی

موردنظر در اصل بیست و نهم قانون اساسی را طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، از طریق فعالیتهای بیمه‌ای، حمایتی و امدادی به صورت تدریجی و به شرح ذیل افزایش و به اجرا بگذارد:

الف- افزایش پوشش بیمه‌های اجتماعی با توجه خاص به روستائیان، عشایر و شاغلین شهری که تاکنون تحت پوشش نبوده‌اند، به نحوی که برنامه بیمه‌های اجتماعی روستائیان و عشایر، با مشارکت دولت و روستائیان و عشایر پس از تهیه و تصویب دولت از سال دوم برنامه چهارم، به اجرا گذاشته شود.

ب- پوشش کامل (صد درصد) جمعیتی، از بیمه همگانی پایه خدمات درمانی

ج- تأمین بیمه خاص (در قالب فعالیتهای حمایتی)، برای حمایت از زنان سرپرست خانوار و افراد بی‌سرپرست با اولویت کودکان بی‌سرپرست

د- هدفمند نمودن فعالیتهای حمایتی، جهت توانمندسازی افراد تحت پوشش مؤسسات و نهادهای حمایتی در راستای ورود به پوشش بیمه‌ای

ه- اتخاذ تمهیدات لازم جهت بازپرداخت بدهی دولت به سازمانهای بیمه‌ای، به نحوی که ضمن جلوگیری از ایجاد بدهی جدید تا پایان برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، کل بدهی دولت به سازمانهای بیمه‌ای تسویه شده باشد.

و- اتخاذ تدابیر مورد نیاز برای کاهش طول دوره استفاده از مقرری بیکاری در جهت تنظیم بازار کار، افزایش سابقه مورد نیاز برای احراز مقرری بیمه بیکاری در سال اول برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

ز- با توجه به تغییرات و روند صعودی شاخص‌های جمعیتی امید به زندگی و لزوم پایداری صندوقهای بیمه‌های اجتماعی و اصلاحات منطقی در مبانی محاسباتی آنها، دولت موظف است با استفاده از تجربه جهانی در چارچوب محاسبات بیمه‌ای اقدامات لازم را معمول دارد.

ح- در صورتی که نرخ رشد دستمزد اعلام شده کارگران در دو سال آخر خدمت آنها بیش از نرخ رشد طبیعی دستمزد کارگران بوده و با سالهای قبل سازگار نباشد، مشروط بر آنکه این افزایش دستمزد

به دلیل ارتقای شغلی نباشد، سازمان تأمین اجتماعی علاوه بر دریافت مابه‌التفاوت میزان کسور سهم کارگران و کارفرما به نسبت دستمزد واقعی و دستمزد اعلام شده سالهای قبل از کارفرمای ذی‌ربط، خسارت وارده به سازمان را براساس آیین‌نامه‌ای که توسط وزارتخانه‌های کار و امور اجتماعی و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد از کارفرمایان اخذ خواهد کرد.

◀ ماده ۱۰۰

دولت مکلف است، به منظور پیشگیری و کاهش آسیبهای اجتماعی، نسبت به تهیه طرح جامع کنترل کاهش آسیبهای اجتماعی، با تأکید بر پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر، مشتمل بر محورهای ذیل اقدام نماید:

الف- ارتقای سطح بهداشت روان، گسترش خدمات مددکاری اجتماعی، تقویت بنیان خانواده و توانمندسازی افراد و گروههای در معرض آسیب

ب- بسط و گسترش روحیه نشاط، شادابی، امیدواری، اعتماد اجتماعی، تعمیق ارزشهای دینی و هنجارهای اجتماعی

ج- شناسایی نقاط آسیب‌خیز و بحران‌زای اجتماعی در بافت شهری و حاشیه شهرها و تمرکز بخشیدن حمایت‌های اجتماعی، خدمات بهداشتی - درمانی، مددکاری، مشاوره اجتماعی و حقوقی و برنامه‌های اشتغال حمایت شده، با اعمال راهبرد همکاری بین بخشی و سامانه مدیریت آسیبهای اجتماعی در مناطق یاد شده

د- پیشگیری اولیه از بروز آسیبهای اجتماعی از طریق: اصلاح برنامه‌های درسی دوره آموزش عمومی و پیش‌بینی آموزشهای اجتماعی و ارتقای مهارتهای زندگی

ه- خدمات رسانی به موقع به افراد در معرض آسیبهای اجتماعی با مشارکت سازمانهای غیر دولتی

و- بازتوانی آسیب‌دیدگان اجتماعی و فراهم نمودن زمینه بازگشت آنها به جامعه

ز- تهیه طرح ملی مبارزه با مواد مخدر و روانگردان بر اساس محورهای ذیل:

- ۱- پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر و قاچاق آن با استفاده از تمامی امکانات و توانمندیهای ملی.
- ۲- در اولویت قراردادن استراتژی کاهش آسیب و خطر، کار درمانی، آموزش مهارتهای زندگی سالم، روان درمانی، درمان اجتماع مدار معتادان و بهره‌گیری از سایر یافته‌های علمی و تجارب جهانی در اقدامها و برنامه‌ریزیهای عملی
- ۳- جلوگیری از تغییر الگوی مصرف مواد مخدر به داروهای شیمیایی و صنعتی
- ۴- جلوگیری از هرگونه تطهیر عواید ناشی از فعالیت‌های مجرمانه مواد مخدر و روانگردانها
- ۵- به کار گرفتن تمام امکانات و توانمندیهای ملی برای مقابله با حمل و نقل و ترانزیت مواد مخدر و همچنین عرضه و فروش آن در سراسر کشور
- ۶- تقویت نقش مردم و سازمانهای غیر دولتی در امر پیشگیری و مبارزه با اعتیاد
- ح- تداوم اجرای طرح ساماندهی و توانبخشی بیماران روانی مزمن با پوشش حداقل هفتاد و پنج درصد (۷۵٪) جمعیت هدف در پایان برنامه
- ط- تداوم اجرای طرح ساماندهی و توانبخشی سالمندان با پوشش حداقل بیست و پنج درصد (۲۵٪) جمعیت هدف
- ی- تهیه و تدوین طرح جامع توانمندسازی زنان خودسرپرست و سرپرست خانوار با همکاری سایر سازمانها و نهادهای ذی‌ربط و تشکلهای غیردولتی و تصویب آن در هیئت وزیران در شش ماهه نخست سال اول برنامه
- ک- ساماندهی و توسعه مشارکتهای مردمی و خدمات داوطلبانه در عرصه بهزیستی و برنامه‌ریزی و اقدامات لازم برای حمایت از مؤسسات خیریه و غیردولتی با رویکرد بهبود فعالیت
- ل- افزایش مستمری ماهیانه خانواده‌های نیازمند و بی سرپرست و زنان سرپرست خانواده تحت پوشش دستگاههای حمایتی بر مبنای چهل درصد (۴۰٪) حداقل حقوق و دستمزد در سال اول برنامه

◀ ماده ۱۰۱

دولت مکلف است، به منظور حفظ و ارتقای سرمایه اجتماعی، ارتقای رضایتمندی عمومی و گسترش نهادهای مدنی، طی سال اول برنامه چهارم، اقدامهای ذیل را انجام دهد:

الف- تصویب ضوابط و ساز و کارهای سنجش و ارزیابی سرمایه اجتماعی کشور

ب- ارائه گزارش سالانه سرمایه اجتماعی کشور و احصای علل و عوامل تأثیرگذار بر آن

ج- تصویب ساز و کارهای اجرایی لازم جهت افزایش سرمایه اجتماعی اعم از اعتماد عمومی، وفاق اجتماعی، قانون‌گرایی و وجدان فردی و اجتماعی

د- ارزیابی رضایتمندی عمومی به صورت سالانه و انتشار تغییرات آن در اثر عملکرد عمومی حاکمیت

ه- تدوین و تصویب طرح جامع توانمندسازی و حمایت از حقوق زنان و برقراری عدالت جنسیتی، در ابعاد حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و اجرای آن در مراجع ذی‌ربط

و- تدوین طرح جامع مشارکت و نظارت مردم، سازمانها، نهادهای غیر دولتی و شوراهای اسلامی، در توسعه پایدار کشور و فراهم کردن امکان گسترش کمی و کیفی نهادهای مدنی، با اعمال سیاستهای تشویقی

◀ ماده ۱۰۲

دولت موظف است، ظرف مدت شش ماه از تصویب این قانون، نسبت به تدوین و اجرای سند راهبردی خدمات رسانی به ایثارگران (خانواده معظم شهدا، جانبازان، آزادگان و خانواده آنان)، با رویکرد توانمندسازی و بهبود وضعیت اشتغال، مسکن ارزان قیمت، ارتقای سطح اجتماعی، درمانی، معیشتی و بهبود وضعیت آموزشی و فرهنگی، حفظ و تثبیت موقعیت شغلی آنان اقدام نموده و ساز و کار نظارت بر حسن اجرای سند را پیش‌بینی نماید. منابع مالی سند از محل بودجه عمومی دولت و منابع داخلی نهادها تأمین خواهد شد. در تمامی برنامه‌های اشتغالزایی اعم از جذب و استخدام و اعطای امتیازات و تسهیلات، ایثارگران در اولویت هستند و دولت موظف است حمایت‌های لازم در حفظ و تثبیت موقعیت شغلی آنان را اعمال نماید.

◀ ماده ۱۰۳

دولت موظف است به منظور ارتقای حقوق انسانی، استقرار زمینه‌های رشد و تعالی و احساس امنیت فردی و اجتماعی در جامعه و تربیت نسلی فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایت‌مند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط با روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن، "منشور حقوق شهروندی" را مشتمل بر محورهای ذیل تنظیم و به تصویب مراجع ذی‌ربط برساند:

الف- پرورش عمومی قانون مداری و رشد فرهنگ نظم و احترام به قانون و آیین شهروندی

ب- تأمین آزادی و صیانت از آرای مردم و تضمین آزادی، در حق انتخاب شدن و انتخاب کردن

ج- هدایت فعالیتهای سیاسی، اجتماعی به سمت فرایندهای قانونی و حمایت و تضمین امنیت فعالیتها و اجتماعات قانونی

د- تأمین آزادی و امنیت لازم برای رشد تشکلهای اجتماعی در زمینه صیانت از حقوق کودکان و زنان

هـ- ترویج مفاهیم وحدت آفرین و احترام آمیز نسبت به گروههای اجتماعی و اقوام مختلف در فرهنگ ملی

و- تعریف جرایم سیاسی و تفکیک آنها از جرایم حقوقی

ز- حفظ و صیانت از حریم خصوصی افراد

ح- ارتقای احساس امنیت اجتماعی در مردم و جامعه

◀ ماده ۱۰۴

دولت موظف است برنامه ملی توسعه "کار شایسته" را به عنوان گفتمان جدید عرصه کار و توسعه، بر اساس راهبرد "سه‌جانبه‌گرایی" که متضمن عزت نفس، برابری فرصتها، آزادی و امنیت نیروی کار، همراه با صیانت لازم باشد و مشتمل بر محورهای ذیل تهیه و از سال دوم برنامه چهارم، به مرحله اجرا درآورد:

- الف-** حقوق بنیادین کار (آزادی انجمنها و حمایت از حق تشکلهای مدنی روابط کار، حق سازماندهی و مذاکره دسته‌جمعی، تساوی مزدها برای زن و مرد در مقابل کار هم‌ارزش، منع تبعیض در اشتغال و حرفه، رعایت حداقل سن کار، ممنوعیت کار کودک، رعایت حداقل مزد متناسب با حداقل معیشت)
- ب-** گفتگوی اجتماعی دولت و شرکای اجتماعی (نهادهای مدنی روابط کار) ارتقای سرمایه انسانی و اجتماعی، ارتقای روابط صنعتی و روابط کار، نقش شرکای اجتماعی، مذاکرات و چانه‌زنی جمعی، انعقاد پیمانهای دسته‌جمعی، تشکیل شورای سه جانبه مشاوره ملی، گسترش مکانیزمهای سه جانبه در روابط کار، اصلاحات ساختاری، ترویج گفتگوی اجتماعی و تقویت تشکلهای مدنی روابط کار
- ج-** گسترش حمایت‌های اجتماعی (تأمین اجتماعی، بیمه بیکاری، ایجاد، توسعه و تقویت ساز و کارهای جبرانی، حمایت‌های اجتماعی از شاغلین بازار کار غیر رسمی، توانبخشی معلولین و برابری فرصتها برای زنان و مردان و توانمندسازی زنان از طریق دستیابی به فرصتهای شغلی مناسب)
- د-** حق پیگیری حقوق صنفی و مدنی کارگری
- ه-** اصلاح و بازنگری قوانین و مقررات تأمین اجتماعی و روابط کار (تغییر در قوانین تأمین اجتماعی و روابط کار بر اساس ساز و کار سه‌جانبه ((دولت، کارگر و کارفرما))، به منظور تعامل و انعطاف بیشتر در بازار کار)
- و-** اشتغال مولد (ظرفیت‌سازی برای اشتغال در واحدهای کوچک و متوسط، آموزشهای هدف‌دار و معطوف به اشتغال، برنامه‌ریزی آموزشی با جهت‌گیری اشتغال، آموزشهای کارآفرینی، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات بازار کار، ارتباط و همبستگی کامل آموزش و اشتغال، رفع موانع بیکاری ساختاری، توسعه آموزشهای مهارتی فنی و حرفه‌ای معطوف به نیاز بازار کار)
- ز-** اصلاح قوانین و مقررات (در جهت انطباق قوانین و مقررات ملی با استانداردها و مقابله‌نامه‌های بین‌المللی، کنسولی، تحولات جهانی کار و امحای تبعیض در همه عرصه‌های اجتماعی به ویژه در عرصه روابط کار و اشتغال)
- ح-** اتخاذ تدابیر لازم برای اعزام نیروی کار به خارج از کشور

◀ ماده ۱۰۵

دولت موظف است، برنامه توسعه بخش تعاونی را با رویکرد استفاده مؤثر از قابلیت‌های بخش تعاونی، در استقرار عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه درآمدها، تأمین منابع لازم برای سرمایه‌گذاریها، از طریق تجمیع سرمایه‌های کوچک، اجرای بند "۲" اصل ۴۳ قانون اساسی، افزایش قدرت رقابتی و توانمندسازی نگاه‌های اقتصادی متوسط و کوچک، کاهش تصدی‌های دولتی، گسترش مالکیت و توسعه مشارکت عامه مردم در فعالیتهای اقتصادی مشتمل بر محورهای ذیل تهیه و از سال دوم برنامه چهارم به مرحله اجرا درآورد:

الف- توانمندسازی جوانان، زنان، فارغ‌التحصیلان و سایر افراد جویای کار، در راستای برقراری تعاملات

اجتماعی لازم جهت شکل‌گیری فعالیت واحدهای تعاونی

ب- ارتقای بهره‌وری و توسعه و بهبود مدیریت تعاونیها

ج- ترویج فرهنگ تعاون و اصلاح محیط حقوقی توسعه بخش و ارائه لوایح قانونی مورد نیاز

د- اولویت دادن به بخش تعاونی، در انتقال فعالیتها و کاهش تصدی‌های بخش دولتی اقتصاد به بخش

غیر دولتی

ه- توسعه حیطه فعالیت بخش تعاونی، به تمام عرصه‌های اقتصادی از جمله بانکداری و بیمه

و- تسهیل فرایند دستیابی تعاونیها به منابع، امکانات، فناوریهای نوین و بازارها و بهبود محیط کسب و

کار

ز- تسهیل ارتباطات و توسعه پیوندهای فنی، اقتصادی و مالی بین انواع تعاونیها

◀ ماده ۱۰۶

ماده (۴۲) بند (الف) ماده (۴۶) و مواد (۴۸) الی (۵۱) "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن" برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد.^۱

بخش چهارم

صیانت از هویت و فرهنگ

اسلامی - ایرانی

فصل نهم

توسعه فرهنگی

◀ ماده ۱۰۷

دولت مکلف است، به منظور رونق اقتصاد فرهنگ، افزایش اشتغال، بهبود کیفیت کالا و خدمات، رقابت‌پذیری، خلق منابع جدید، توزیع عادلانه محصولات و خدمات فرهنگی، و ایجاد بستر مناسب برای ورود به بازارهای جهانی فرهنگ و هنر و تأمین فضاهای کافی برای عرضه محصولات فرهنگی، اقدامهای ذیل را به عمل آورد:

الف- اصلاح قوانین و مقررات، برای رفع موانع انحصاری، تقویت رقابت‌پذیری و فراهم‌سازی زمینه‌های

بسط مشارکت مردم، نهادهای غیر دولتی، صنفی و حرفه‌ای در امور فرهنگی و هنری

ب- تأسیس صندوقهای غیر دولتی ضمانت، به منظور حمایت از تولید، توزیع و صادرات کالاها و خدمات

فرهنگی و هنری، سینمایی، مطبوعاتی و ورزشی در سطح ملی و بین‌المللی

ج- احصا و ارتقای سهم بخش فرهنگ، بر اساس شاخصهای مورد نظر در اقتصاد ملی و منظور نمودن

رشد متناسب سالانه در لوایح بودجه برای دستیابی به استانداردهای ملی که در سال اول برنامه

چهارم به تصویب دولت می‌رسد.

د- تصویب و ابلاغ استانداردهای بهره‌مندی نقاط مختلف کشور، از فضاهای فرهنگی، هنری، ورزشی و

گردشگری و توزیع و تأمین اعتبارات ملی و استانی فصول برنامه‌های ذی‌ربط در هر یک از سالهای

برنامه چهارم برای رسیدن به شاخصها و استانداردها بر اساس شاخصهایی که در سال اول برنامه

چهارم به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ه- به توسعه ساختارها و زیربنای لازم، برای رشد تولید و توزیع محصولات فرهنگی، هنری و

ورزشی توسط بخش خصوصی و تعاونی با اولویت کمک نماید.

و- تمهید تسهیلات ویژه برای ورود مواد اولیه، ماشین‌آلات و تجهیزات مورد نیاز صنایع بخش فرهنگ، برای نیل به بهبود کیفیت تولیدات و صدور محصولات فرهنگی، هنری و ورزشی در مقیاسهای جهانی

ز- ساماندهی نظام یارانه‌ای بخش فرهنگ، با اولویت کودکان، دانش‌آموزان و دانشجویان با رویکرد تغییر نظام پرداخت یارانه از تولید به سمت مصرف، برای کلیه اقشار جامعه و خرید محصولات فرهنگی

ح- حمایت یا مشارکت با هنرمندان و مجموعه‌دارانی که قصد ایجاد موزه شخصی آثار هنری خویش و یا کتابخانه را دارند، از جمله: استفاده از فضاهای دولتی به صورت امانی، با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت مسکن و شهرسازی، کلیه شهرداریها و سایر دستگاههای اجرایی ذی‌ربط

ط- انجام حمایت‌های لازم، از اشخاص حقیقی و حقوقی، که در چارچوب مقررات در توسعه فضاهای مجازی فرهنگی، هنری و مطبوعاتی در محیطهای رایانه‌ای و اینترنتی فعالیت می‌کنند، و به ویژه اعطای تسهیلات لازم برای برپایی پایگاههای رایانه‌ای و اطلاع‌رسانی حاوی اطلاعات فرهنگی، دینی، تاریخی و علمی به زبان و خط فارسی توسط بخشهای مختلف اجرایی کشور جهت استفاده عموم و همچنین ایجاد شرایط لازم برای دریافت برنامه‌های صوتی و تصویری از طریق شبکه‌های اطلاع‌رسانی کابلی و کانالهای ماهواره‌ای مجاز

آیین‌نامه اجرایی مربوطه با هماهنگی وزارتخانه‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی، ارتباطات و فناوری اطلاعات و سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ی- به دولت اجازه داده می‌شود تا نیم درصد (۰/۵٪) از اعتبارات دستگاههای موضوع ماده (۱۶۵) این قانون را به پیشنهاد رئیس دستگاه مربوطه برای انجام امور فرهنگی، هنری، سینمایی و مطبوعاتی جهت ترویج فضایل اخلاقی و معارف اسلامی کارکنان خود هزینه نماید.

آیین‌نامه اجرایی این بند توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ک- متناسب با ویژگیهای جمعیتی، اجتماعی، فرهنگی و حداقل‌های بهره‌مندی، ترتیبی اتخاذ نماید تا با همکاری بخش خصوصی و تعاونی، شهرداریها و منابع مردمی، تا سال آخر برنامه چهارم در کلیه شهرها و مراکز استانها، نسبت به ایجاد فضاهای فرهنگی و هنری شامل: کتابخانه مرکزی، تالار فرهنگ و هنر، پردیسهای سینمایی موزه هنرهای معاصر و مرکز دائمی برگزاری نمایشگاههای فرهنگی و هنری، پیش‌بینی‌های لازم را به عمل آورد.

ل- حداکثر تا پنجاه درصد (۵۰٪) هزینه تکمیل مراکز فرهنگی و هنری نیمه تمام بخش غیردولتی را که تکمیل و بهره‌برداری از آنها برای استفاده عمومی ضروری است براساس آیین‌نامه مصوب دولت به‌صورت کمک تأمین نماید. در صورت تغییر کاربری اینگونه مراکز از استفاده عمومی به خصوصی باید وجوه دولتی پرداخت شده به قیمت روز مسترد گردد.

م- کلیه دستگاههای موضوع ماده (۱۶۵) این قانون، امکانات و فضاهای فرهنگی، هنری و ورزشی متعلق به خود را در چارچوب ضوابطی که به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، برای اجرای برنامه‌های فرهنگی، هنری و ورزشی در اختیار متقاضیان قرار دهند.

◀◀ ماده ۱۰۸

مواد (۱۵۶)، (۱۶۱) و بند "الف" ماده (۱۶۲) "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن" برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد^۱.

◀◀ ماده ۱۰۹

دولت مکلف است، به منظور تعمیق ارزشها، باورها، فرهنگ معنویت و نیز حفظ هویت اسلامی-ایرانی، اعتلای معرفت دینی و توسعه فرهنگ قرآنی، اقدامهای ذیل را انجام دهد:

الف- بسط آگاهیها و فضایل اخلاقی، در میان اقشار مختلف مردم و زمینه‌سازی اقدامهای لازم، برای ایجاد فضای فرهنگی سالم و شرایط مناسب برای احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر و اهتمام به آن

ب- گسترش فعالیتهای رسانه‌های ملی و ارتباط جمعی در جهت مقابله با تهاجم فرهنگی، سالم‌سازی فضای عمومی، اطلاع رسانی صحیح و تحقق سیاستهای کلی برنامه چهارم، با فراهم آوردن زمینه‌های مناسب انتشار گزارشهای عملکرد دستگاهها و افزایش امکان دسترسی جامعه به آموزشهای عمومی، فنی حرفه‌ای، ترویجی و آموزشهای عالی از طریق شبکه‌های صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ج- حمایت از پژوهشهای راهبردی و بنیادی در زمینه اعتلای معرفت دینی و توسعه فعالیتهای قرآنی

د- تهیه طرح جامع ترویج و توسعه فرهنگ نماز

ه- تهیه طرح جامع گسترش فضاهای مذهبی و مساجد، توسط سازمانهای تبلیغات اسلامی و اوقاف و امور خیریه با همکاری سازمان میراث فرهنگی تا پایان سال اول برنامه چهارم

و- تداوم نهضت قرآن آموزی

ز- تقویت سهم کتابخوانی در حوزه دین در کشور، خصوصاً مناطق محروم و طراحی کتابخانه حوزه دین در مساجد و سایر اماکن مذهبی

ح- تهیه طرح جامع، با رویکرد گسترش فرهنگ وقف و امور خیریه

ط- به‌کارگیری شیوه‌ها و راهکارها و ابزارهای نوین در عرصه تبلیغات دینی

ی- حمایت از برنامه‌ریزی، نیازسنجی و ارائه آموزشهای ضروری به مبلغین دینی در جهت بهبود کیفیت تبلیغات دینی

ک- استمرار اجرای طرح ترویج فرهنگ ایثار و شهادت

ل- ساماندهی تبلیغات رسانه‌ای، بهبود محتوای کتب درسی، استقرار محیط و ساختارهای حقوقی در جهت حفظ و ارتقای هویت اسلامی - ایرانی، تقویت نهاد خانواده براساس تعالیم میراث معنوی جامعه ایرانی

م- تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی، تبلیغی و ترویجی در کلیه سطوح اجتماعی برای آموزش، گسترش و تعمیق فرهنگ کار و نظم اجتماعی، شناخت ارزش زمان و رعایت آن در انجام کلیه فعالیتها

ن- تهیه طرح جامع مطالعه و اجرای همگرایی مذاهب، حداکثر تا پایان سال اول برنامه چهارم، برای تقویت همگرایی بیشتر میان فرقه‌ها و مذاهب مختلف اسلامی در کشور

س- توسعه مشارکتهای مردمی در عرصه فرهنگ دینی، برنامه‌ریزی و اقدامهای لازم برای حمایت از هیئتهای مذهبی و تشکلهای دینی با رویکرد بهبود کیفیت فعالیتها و پرهیز از خرافات و انحرافات

ع - حوزه‌های علمیه از تمامی تسهیلات و معافیهایی که برای مراکز آموزشی و پژوهشی تعیین گردیده یا می‌گردد برخوردار خواهند بود.

ف - به منظور ارتقای پژوهش درخصوص بنیادهای نظری این نظم و پاسخگویی به مسائل مستحدثه در جمهوری اسلامی ایران، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم موظف است در برنامه چهارم توسعه ساماندهی مناسب را با استفاده از امکانات و ظرفیتهای علمی حوزه دین پژوهشی را به انجام رساند.

◀ ماده ۱۱۰

ماده (۱۶۳) "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن" برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد.^۱

◀ ماده ۱۱۱

دولت موظف است به منظور زنده و نمایان نگهداشتن اندیشه دینی و سیاسی و سیره عملی حضرت امام خمینی (ره) و برجسته کردن نقش آن به عنوان یک معیار اساسی در تمام سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و تسری آن در مجموعه ارکان نظام، اقدام‌های زیر را انجام دهد:

الف- حمایت از انجام مطالعات بنیادی و کاربردی در عرصه فرهنگ سازی، پژوهشی، آموزشی و اطلاع رسانی با تکیه بر علوم، فناوری و بهره‌گیری مناسب از ظرفیت دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی و حمایت از پایان نامه‌های دوره‌های تحصیلات تکمیلی با موضوعات مربوط به امام (ره) و انقلاب اسلامی.

ب- حمایت از تولید و نشر آثار ارزنده علمی، هنری و ادبی مربوط به حضرت امام با همکاری مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) و تجهیز کتابخانه‌های عمومی کشور به آثار منتشره شده در این زمینه.

ج- حمایت از تولید برنامه‌های متنوع و متناسب در جهت تبیین و بزرگداشت سیره و آرای حضرت امام (ره) و معرفی چهره جامع ایشان در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران با همکاری مؤسسه مذکور در بند ب.

د- شناسایی، بازسازی حفظ و نگهداری اماکن، میادین و خیابان‌هایی که مهمترین وقایع انقلاب اسلامی را شاهد بوده و نیز بهره‌گیری از مراکز فرهنگی، هنری و فضاهای عمومی در جهت نشر و تبلیغ اندیشه و سیره عملی و بزرگداشت یاد امام (ره) توسط شهرداری‌ها.

ه- تهیه برنامه‌های مناسب برای ارتباط و همکاری اشخاص حقیقی و حقوقی تاثیرگذار خارج از کشور در انجام امور مذکور در این ماده توسط سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و وزارت امور خارجه با همکاری مؤسسه مذکور در بند ب صورت می‌گیرد.

و- تهیه و اجرای برنامه‌های سازنده توسط سازمان ملی جوانان با همکاری مؤسسه مذکور در بند ب به‌منظور آشنایی و ارتباط نسل جوان با اندیشه و زندگی امام و آرمان‌های انقلاب اسلامی.

ز- دستگاههای فرهنگی که به نحوی از بودجه عمومی استفاده می‌کنند و شهرداری‌ها و فرهنگسراها موظف‌اند حداقل سه درصد (۳٪) از بودجه عملیات فرهنگی و تبلیغی خود را جهت اجرای وظایف مذکور در این ماده اختصاص دهند.

ح- آیین‌نامه حدود وظایف دستگاههای اجرایی و نهادهای عمومی و انقلاب اسلامی درباره این ماده و نحوه جلوگیری از تحریف و تخریب شخصیت و آرای حضرت امام (ره) توسط مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهیه و به تصویب خواهد رسید.

◀ ماده ۱۱۲

دولت موظف است، به منظور حفظ و شناساندن هویت تاریخی ایران و بهره‌گیری از عناصر و مؤلفه‌های هویت ایرانی به ویژه زبان فارسی، اقدامهای ذیل را انجام دهد:

الف- حمایت از پژوهشهای علمی و بین‌رشته‌ای در زمینه ایران‌شناسی و گذشته طولانی تاریخی و تدوین گزارشها و کتابهای لازم، در سطوح مختلف عمومی، آموزشی و پژوهشی

ب- بررسی و گردآوری نظام یافته تاریخ شفاهی، گویشها و لهجه‌ها، آداب و رسوم و عناصر فرهنگ ملی و بومی

ج- حمایت از گسترش منابع و اطلاعات به خط و زبان فارسی و تدوین و تصویب استانداردهای ملی و بین‌المللی نمایش الفبای فارسی در محیطهای رایانه‌ای

د- تربیت و تشویق معلمان ورزیده و کارآزموده درس زبان فارسی، در مقاطع مختلف آموزشی به ویژه مقطع ابتدایی

ه- تقویت تعامل فرهنگها و زبانهای بومی با فرهنگ و میراث معنوی ملی و معرفی وجوه گوناگون فرهنگ بومی، در سطح ملی با رویکرد تحکیم وحدت ملی به ویژه در نظام آموزشی کشور، رسانه‌ها و تولید محصولات فرهنگی و هنری

و- شناسایی، تکریم و معرفی مفاخر و آفرینشهای دینی، فرهنگی، ورزشی، هنری، ادبی و علمی کشور

ز- شناسایی اصول و ضوابط شکل‌گیری معماری ایرانی - اسلامی در شهرها و روستاهای کشور به‌منظور معرفی ویژگی‌های هنرهای معماری ایرانی - اسلامی، از طریق انجام پژوهش‌های مورد نیاز

۱۱۳ ماده

دولت مکلف است، به منظور ترویج فرهنگ صلح، مفاهمه، عدم خشونت و همزیستی مسالمت‌آمیز میان ملتها در مناسبات بین‌المللی و تحقق گفتگو میان فرهنگها و تمدنها، اقدام‌های ذیل را انجام دهد:

الف- برنامه‌ریزی در زمینه مشارکت و حضور فعال در فرایندها، نهادها و مجامع منطقه‌ای و بین‌المللی در باب گفت و گوی تمدنها

ب- فراهم‌سازی شرایط لازم برای تبادل آرا و نظرهای متفکران، دانشمندان، هنرمندان و نهادهای علمی، فرهنگی و مدنی

ج- اهتمام به معرفی جلوه‌های فرهنگی، هنری و ادبی ایران، در سایر مناطق جهانی و فراهم‌سازی زمینه آشنایی و انتخاب فعال نخبگان و مراکز علمی و فرهنگی و جامعه ایرانی، نسبت به دستاوردهای جدید فرهنگی در جهان

د- عقد موافقتنامه‌های فرهنگی منطقه‌ای، قاره‌ای و بین‌المللی و فراهم آوردن شرایط اجرای این موافقتنامه‌ها در برنامه‌های دستگاه‌های اجرایی

ه- بهبود ساختارهای اجرایی و حمایت از تأسیس نهادهای غیردولتی، برای تحقق عملی گفتگوی فرهنگها و تمدنها، با رویکرد کاهش تصدی دولت و غیردولتی شدن این فعالیت

و- حمایت از برگزاری مراسم، نشستها، همایشها و جشنواره‌های علمی، فرهنگی، هنری و مسابقات ورزشی با هدف دوستی میان ملتها و بزرگداشت یادبودها و مفاخر فرهنگی سایر کشورها

ز- تهیه و تصویب برنامه جامع تعیین حدود وظایف و تکالیف کلیه دستگاه‌های اجرایی و نهادهای عمومی و انقلاب اسلامی تا پایان سال اول برنامه چهارم

◀ ماده ۱۱۴

دولت موظف است، با هدف تقویت نقش زنان در جامعه و توسعه فرصتها و گسترش سطح مشارکت آنها در کشور، اقدامهای ذیل را معمول دارد:

الف- تدوین، تصویب و اجرای برنامه جامع توسعه مشارکت زنان مشتمل بر بازنگری قوانین و مقررات به ویژه قانون مدنی، تقویت مهارتهای زنان متناسب با نیازهای جامعه و تحولات فناوری، شناسایی و افزایش ساختارهای سرمایه‌گذاری در فرصتهای اشتغالزا، توجه به ترکیب جنسیتی عرضه نیروی کار، ارتقای کیفیت زندگی زنان و نیز افزایش باورهای عمومی نسبت به شایستگی آنان

ب- تنظیم و ارائه لوایح، مربوط به تحکیم نهاد خانواده جهت تصویب در مراجع ذی صلاح

ج- انجام اقدامهای لازم از جمله تهیه برنامه‌های پیشگیرانه و تمهیدات قانونی و حقوقی، به منظور رفع خشونت علیه زنان

د- حمایت از ایجاد و گسترش سازمانهای غیر دولتی، نهادهای مدنی و تشکلهای زنان

تبصره- کلیه دستگاههای اجرایی موظفاند اعتبار لازم برای انجام تکالیف قانونی موضوع این ماده را که مرتبط با وظایف قانونی آنها است در لوایح بودجه سنواتی ذیل برنامه مربوط، پیش‌بینی و اقدامهای لازم را با هماهنگی مرکز امور مشارکت زنان به عمل آورند.

◀ ماده ۱۱۵

دولت مکلف است، به منظور تبیین و تقویت جایگاه جوانان در جامعه، به عنوان سرمایه انسانی و اجتماعی کشور و عنایت و اهتمام ویژه به اعتلا و رشد و تعالی نسل جوان، برنامه ساماندهی امور جوانان، حاوی برنامه‌های اجرایی لازم، مشتمل بر: شیوه‌های اصلاح نگرش عمومی و ایجاد فرهنگ مثبت‌اندیشی نسبت به جوان، زمینه‌سازی برای رشد فکری، علمی، حضور، توانمندسازی و ارتقای سطح مشارکت همه‌جانبه آنان در فرایند توسعه پایدار کشور، افزایش رفاه و سلامت جسمی و روانی و ایجاد شوق، انگیزه و امید به آینده در میان جوانان و رفع دغدغه‌های شغلی، ازدواج، مسکن و آسیبهای اجتماعی آنان در چارچوب نگرش فرابخشی و به عنوان یک خط مشی محوری با استفاده حداکثر از ظرفیتهای موجود

دستگاههای اجرایی و سازمانهای غیر دولتی و ظرفیت‌سازی در کشور و نیز بهره‌گیری از اصلاح ساختارهای نظام اداری، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، از طریق اعمال نظام مدیریت راهبردی، در چارچوب برنامه چهارم را ظرف مدت شش ماه از تصویب این قانون تهیه نماید.

« ماده ۱۱۶

دولت مکلف است، به منظور تجلی و توسعه مفاهیم و نمادهای هویت اسلامی و ایرانی، در ساختار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و علمی و نیز تعامل اثربخش میان ایران فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی و زبانی با رویکرد توسعه پایدار:

الف- طرح "کاربرد نمادها و نشانه‌ها و آثار هنری ایرانی و اسلامی، در معماری و شهرسازی و سیمای شهری، نامگذاری اماکن و محصولات داخلی" را طی سال اول برنامه چهارم تهیه و در سالهای بعد اجرا نماید.

ب- برای احداث موزه علوم و فناوری و پارکهای علمی عمومی، موزه‌های کوچک فرهنگی، ورزشی، تاریخی، صنعتی، دفاع مقدس و نمایشگاههای معرفی دستاوردهای نوین صنعتی کشور زمینه‌سازی نماید.

ج- نسبت به تدوین و اجرای سیاستهای حمایتی از تولیدکنندگانی که محصولات خود را متناسب با مزیتها و مؤلفه‌های فرهنگی کشور تولید می‌کنند، اقدام نماید.

د- از ظرفیتها و مزیتهای فرهنگی، در تسهیل و بهبود روابط و مناسبات بین‌المللی استفاده نماید.

ه- نسبت به سیاست‌گذاری، هماهنگی و حمایت از فعالیتهای فرهنگی خارج از کشور و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی امور فرهنگی ایرانیان خارج از کشور، اقدامهای لازم را معمول دارد.

و- کلیه دستگاههای اجرایی و مجریان طرحهای تملک‌داریهای سرمایه‌ای مجازند، تا یک درصد (۱٪) از اعتبارات احداث بناها و ساختمانهای خود را برای طراحی، ساخت، نصب و نمایش آثار هنری متناسب با فرهنگ دینی و ملی و یادمانهای دفاع مقدس در همان طرح صرف نمایند.

◀ ماده ۱۱۷

دولت موظف است، به منظور اهتمام ملی در شناسایی، حفاظت، پژوهش، مرمت، احیا، بهره‌برداری و معرفی میراث فرهنگی کشور و ارتقای توان گردشگری، تولید ثروت و اشتغالزایی و مبادلات فرهنگی در کشور اقدامات زیر را در طول برنامه چهارم به انجام برساند:

الف- تهیه و اجرای طرح‌های مربوط به «حمایت از مالکین» متصرفین قانونی و بهره‌برداران آثار تاریخی - فرهنگی و املاک واقع در حریم آنها و مدیریت ساماندهی، نظارت و حمایت از مالکین و دارندگان اموال فرهنگی - تاریخی منقول مجاز تا پایان سال اول برنامه چهارم.

ب- ایجاد و توسعه موزه‌های پژوهشی - تخصصی وابسته به دستگاه‌های اجرایی

ج- شناسایی و مستندسازی آثار تاریخی - فرهنگی، در محدوده‌های جغرافیایی اجرای طرح، توسط دستگاه مجری با نظارت بر تأیید سازمان میراث فرهنگی و گردشگری

د - ایجاد و تجهیز پایگاه‌های میراث فرهنگی در آثار تاریخی مهم کشور و مضامین اصلی مرتبط با موضوع میراث فرهنگی

ه- شناسایی و حمایت از آثار فرهنگی تاریخی حوزه فرهنگی ایران موجود در کشورهای همسایه و منطقه بعنوان میراث فرهنگی مشترک

و- به منظور جلب مشارکت بخش خصوصی و تعاونی، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری مجاز است نسبت به صدور مجوز تأمین و فعالیت موزه‌های خصوصی و تخصصی و مؤسسات مشاوره و کارشناسی مرتبط با موضوع فعالیت‌های میراث فرهنگی، کارگاه‌های مرمت آثار فرهنگی - تاریخی منقول و غیرمنقول، مؤسسات مدیریت موزه‌ها و محوطه‌های تاریخی - فرهنگی، مؤسسات کارشناسی اموال فرهنگی - تاریخی، کارگاه‌های هنرهای سنتی و سایر مؤسسات خصوصی مرتبط با میراث فرهنگی اقدام نماید، آیین‌نامه اجرایی این بند به پیشنهاد سازمان میراث فرهنگی و گردشگری به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ز- به سازمان میراث فرهنگی و گردشگری اجازه داده می‌شود به منظور اعطای مجوز کاربری و بهره‌برداری مناسب از بناها و اماکن تاریخی قابل احیا با هدف سرمایه‌گذاری بخش خصوصی

داخلی و خارجی "صندوق احیا و بهره‌برداری از بناها و اماکن تاریخی - فرهنگی" ایجاد نماید. بناها و اماکن تاریخی قابل احیا به تشخیص سازمان مذکور از مشمول ماده (۱۱۵) قانون محاسبات عمومی کشور خارج است. اساسنامه این صندوق به پیشنهاد سازمان فوق به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید

ح- ارتقای جایگاه بخش غیردولتی و افزایش رقابت پذیری در صنعت گردشگری از طریق اصلاح قوانین و مقررات و ارائه تسهیلات لازم، تهیه و تصویب ضوابط حمایتی، اداری، بانکی برای مؤسسات بخش غیردولتی و نیز جذب سرمایه‌گذاران و مشارکت مؤسسات تخصصی داخلی و بین‌المللی و بیمه برای گردشگران خارجی.

ط- تکمیل نظام جامع آماری گردشگری با نظارت و هدایت مرکز آمار ایران

ی- به منظور حفظ آثار و فرهنگ سنتی، قومی، ایلی، ملی و ایجاد جاذبه برای توسعه صنعت گردشگری در کشور، دولت مکلف است نسبت به ایجاد مراکز حفظ آثار و فرهنگ ایلی در شهرستانها و استانهای کشور از قبیل دهکده توریستی، مراکز و اطراق‌های تفرجگاهی ایلی، موزه و نمایشگاه اقدام نموده و با پیش‌بینی اعتبارات و تسهیلات لازم در قانون بودجه سالانه اقدام نماید. مشارکت بخش دولتی و خصوصی و واگذاری زمین امکانات اعطاء تسهیلات به بخش خصوصی برای اجرای اینگونه پروژه‌ها بلامانع است. آیین‌نامه اجرایی این بند به پیشنهاد مشترک وزارت جهاد کشاورزی (سازمان امور عشایری ایران) وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دفتر مناطق محروم کشور - ریاست جمهور به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

◀◀ ماده ۱۱۸

مواد (۱۶۵) و (۱۶۶) "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن" برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد^۱.

◀ ماده ۱۱۹

دولت مکلف است، به منظور حمایت از حقوق پدید آورندگان آثار فرهنگی، هنری و امنیت شغلی اصحاب فرهنگ و هنر مطبوعات و قلم، بستر سازی برای حضور بین‌المللی در عرصه‌های فرهنگی و هنری و تنظیم مناسبات و روابط میان اشخاص حقیقی و حقوقی مرتبط با امور فرهنگی و هنری اقدام‌های ذیل را به عمل آورد:

الف- تهیه لایحه امنیت شغلی اصحاب فرهنگ و هنر، و استقرار نظام صنفی بخش فرهنگ تا پایان

سال اول برنامه چهارم

ب- بازنگری و اصلاح قوانین مطبوعات و تبلیغات، نظام جامع حقوقی مطبوعات و رسانه‌ها و تبلیغات

ج- اصحاب فرهنگ و هنر که شغل خود را از دست می‌دهند به تشخیص دولت به مدت حداکثر سه

سال تحت پوشش بیمه بیکاری دولت قرار گیرند. دولت در چارچوب لوایح بودجه سنواتی کمک‌های

اعتباری در اختیار صندوق بیمه بیکاری قرار خواهد داد.

◀ ماده ۱۲۰

به منظور اصلاح ساختار تربیت بدنی، ترویج فرهنگ ورزش، توسعه کمی و کیفی دسترسی به ورزش پرورشی و همگانی و توسعه نظام استعدادیابی، تقویت حضور بخش غیر دولتی، توسعه امور پژوهشی و تربیت نیروی انسانی کیفی در برنامه چهارم:

الف-

۱- دولت موظف است، پشتیبانی‌های لازم را از ورزش کشور بر اساس سند راهبردی نظام جامع

توسعه تربیت بدنی و ورزش در بخش تأمین منابع مالی، ساختار و تشکیلات سازمانی، تهیه و

تدوین قوانین مورد نیاز و تربیت نیروی انسانی، با مشارکت بخش غیردولتی به عمل آورد

به‌گونه‌ای که سرانه فضاهای ورزشی (سرپوشیده و روباز) حداقل یک مترمربع تا پایان برنامه

افزایش یابد. سند مذکور مبنای تنظیم فعالیتهای ورزشی سازمان تربیت بدنی و کلیه

دستگاهها خواهد بود.

۲- نهادهای عمومی غیر دولتی و کلیه شهرداریها و دهیاریها موظفاند، حمایت‌های لازم را از توسعه و گسترش ورزش همگانی و ایجاد تسهیلات لازم، جهت دسترسی آسان مردم به فضاها و اماکن ورزش به عمل آورند.

۳- وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف‌اند، بر اساس سند موضوع بند "۱" فوق، برنامه جامع ارتقای ورزش مدارس، هماهنگی و انسجام و رشد و ارتقای ورزش دانشجویی، توسعه اماکن و فضاهای ورزشی سرپوشیده (با اولویت دختران) و روباز، افزایش ساعات درس تربیت بدنی، ایجاد باشگاههای ورزشی و تربیت نیروهای انسانی مورد نیاز بخش تربیت بدنی حسب مورد را تنظیم و پس از تصویب هیئت وزیران اجرا نمایند. ضمناً سازمان تربیت بدنی موظف است با استفاده از خدمات کارشناسان و متخصصان عالی داخلی و عنداللزوم خارجی در مراکز ستادی، اجرایی و پشتیبانی برنامه‌های خود را براساس سند موضوع بند (۱) فوق به اجرا درآورد.

ب- کلیه دستگاههای موضوع ماده (۱۶۵) این قانون مجازند در طول برنامه چهارم، یک درصد (۱٪) از اعتبارات خود را برای انجام امور تربیت‌بدنی و ورزش اعم از احداث و توسعه اماکن ورزشی، ارائه خدمات ورزشی و کمک به سازمان تربیت‌بدنی، کمیته ملی المپیک، باشگاههای ورزشی و فدراسیونهای ورزشی در چارچوب سیاست‌گذاری با هماهنگی سازمان تربیت‌بدنی اختصاص دهند. اماکن ورزشی خصوصی که از محل منابع این بند کمک دریافت نموده‌اند در صورت تغییر کاربری مکلفند وجوه دریافتی را با محاسبه نرخ تورم سنواتی مسترد نمایند.

دستگاههای مذکور در این بند مکلفند گزارش کامل کمکهای انجام یافته از محل این بند را همه ساله به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و کمیسیونهای برنامه و بودجه و محاسبات و فرهنگی مجلس شورای اسلامی ارائه نمایند.

ج- وزارت جهاد کشاورزی موظف است، اراضی غیر کشاورزی و غیر مناطق چهارگانه محیط زیست خارج از حریم استحقاقی شهرها را که مورد نیاز سازمان تربیت بدنی است و در اختیار دارد، به‌منظور احداث و توسعه اماکن و فضاهای ورزشی تأمین و به طور رایگان به سازمان تربیت بدنی واگذار نماید. ضمناً وزارت مذکور موظف است، با تأیید سازمان تربیت‌بدنی، اراضی با شرایط فوق را

که مورد نیاز بخش خصوصی و تعاونی برای احداث اماکن ورزشی است به قیمت ارزش معاملاتی اعلام شده توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی واگذار نماید. کاربری این قبیل اراضی به هیچ وجه تغییر نخواهد کرد. مناطق چهارگانه محیط زیست از شمول مفاد این بند مستثنا هستند.

۵- وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداریها، در راستای تأمین و توزیع عادلانه فضاهای آموزشی، ورزشی و فرهنگی در کشور، مکلف هستند، به هنگام صدور مجوز احداث شهرها، شهرکها، مجریان پروژه‌های مذکور را نسبت به تأمین و احداث فضاهای مذکور، متناسب با زیربنای مسکونی موظف نمایند.

ه- وزارت مسکن و شهرسازی مکلف است، اراضی با کاربری ورزشی را در سراسر کشور با هماهنگی سازمان تربیت‌بدنی خریداری نموده و به روشهای ذیل واگذار نماید:

۱- به صورت رایگان برای سازمان تربیت‌بدنی و شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی کشور

۲- به قیمت تمام شده برای بخش خصوصی و تعاونی

آیین‌نامه نحوه اجرای این بند، با پیشنهاد وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان تربیت‌بدنی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

و- حق‌الثبت و هزینه‌های عملیاتی ثبتی مربوط به نقل و انتقالات اماکن، باشگاههای ورزشی و ورزشگاهها با تأیید سازمان تربیت‌بدنی، مطابق تعرفه مقرر برای تأسیسات و اماکن فرهنگی و آموزشی محاسبه شود.

ز- تشکلهای و بخشهای خصوصی و تعاونی و باشگاههای حرفه‌ای در توسعه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای از طریق اصلاح ساختار تربیت‌بدنی و ورزش کشور و اعمال پشتیبانی و حمایت لازم در زمینه‌های اداری، مالی و منابع انسانی تقویت می‌شود، به گونه‌ای که تا پایان برنامه اهداف ذیل حاصل گردد:

۱- سهم بخش غیردولتی و باشگاههای خصوصی در توسعه ورزش قهرمانی حداقل به پنجاه

درصد (۵۰٪) افزایش یابد.

۲- صد درصد (۱۰۰٪) فعالیتهای اجرایی و تأمین منابع ورزش حرفه‌ای، با عاملیت بخشهای خصوصی و تعاونی و باشگاهها صورت گرفته و حمایت‌های دولتی به پشتیبانی قانونی و اداری و تسهیلاتی و کمک‌های اعتباری موردی محدود گردد.

◀ ماده ۱۲۱

مواد (۱۶۹) و (۱۷۰) "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن" برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد^۱.

بخش پنجم

تأمین مطمئن امنیت ملی

فصل دهم

امنیت ملی

◀ ماده ۱۲۲

دولت موظف است، به منظور ارتقای امنیت عمومی و انضباط اجتماعی، اقدامهای لازم را برای تحقق موارد ذیل به عمل آورد:

- الف- آموزش عمومی و ترویج فرهنگ قانونمداری، نظم، مدارا و زیست سالم
- ب- توسعه خطوط مواصلاتی، راههای مرزی و ارتقای مراودات و تبادل اطلاعات با کشورهای منطقه و همسایگان به منظور مهار جرائم، قاچاق کالا و مواد مخدر، تردد غیر مجاز و خرابکاری، در قالب توافقنامه‌های دو جانبه و چند جانبه و ترتیبات امنیت جمعی
- ج- توسعه مشارکت همه جانبه همه ایرانیان، بر اساس حق برابر شهروندی، در نظام تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و مدیریت اجرایی کشور
- د- تعمیق شناخت مؤلفه‌های قدرت ملی و ترویج روحیه دفاع از منافع ملی و مخالفت با ظلم و سلطه‌گری
- ه- ایمن‌سازی ساختار و پراکندگی جمعیت (به ویژه در مرزهای کشور)، در پرتو مؤلفه‌ها و ملاحظات امنیتی به منظور پرهیز از عدم تعادل جمعیت
- و- تهیه طرح راهبردی توسعه نظم و امنیت کشور با رویکرد جامعه‌محوری، مشارکت همگانی و جایگزینی ارزشها و کنترل‌های درونی به جای رویکرد امنیتی و ارتقای احساس امنیت در جامعه
- ز- مبارزه با زمینه‌های بروز بی‌هنجاری، ناسازگاری اجتماعی، خشونت سیاسی و خشونت شهری
- ح- حفظ و ارتقای منزلت اجتماعی گروههای مختلف مردم و پیشگیری از بحرانهای منزلتی
- ط- تهیه ساز و کارهای لازم جهت توسعه مشارکت مردمی، برای تأمین نظم و امنیت عمومی

ی- تهیه سازوکارهای لازم جهت تقویت نهادهای مدنی و احزاب در کشور

۱۲۳ ماده ۴۴

به منظور سیاست‌گذاری همه جانبه در مسائل مربوط به اقلیتها و تقویت مشارکت آنان در اداره امور کشور و تحکیم همگرایی و همبستگی ملی، شورای سیاست‌گذاری همگرایی ملی و امور اقلیتها تشکیل می‌شود. شرح وظایف و ترکیب اعضای شورا را وزارت کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رساند.

۱۲۴ ماده ۴۴

دولت موظف است، به منظور تقویت بنیه دفاعی کشور و ارتقای توان بازدارندگی نیروهای مسلح و حفاظت از تمامیت ارضی و امنیت کشور و آمادگی در برابر تهدیدات و حفاظت از منافع ملی، انقلاب اسلامی ایران و منابع حیاتی کشور و هوشمندسازی سیستمهای دفاعی، اقدامهای لازم را برای تحقق موارد مذکور به عمل آورد:

- ۱- تقویت مولفه‌های بنیه دفاعی، با تأکید بر مدرن‌سازی و هوشمندسازی تجهیزات، ارتقای منابع انسانی و سیستمهای فرماندهی C4I
- ۲- ارتقای فناوریهای نوین و هوشمند و سیستمهای اطلاعاتی در به‌کارگیری سامانه‌های دفاعی به ویژه سامانه‌های الکترونیکی، هوافضا، دریایی و پدافند هوایی
- ۳- بهینه‌سازی و بهبود ساختارهای چابک و پاسخگو در دفاع ملی
- ۴- ارتقای حضور و سهم نیروهای مردمی در استقرار امنیت و دفاع از کشور و به‌کارگیری متقابل و بهینه از امکانات و توان منابع انسانی
- ۵- نوسازی و بازسازی و بهبود صنایع دفاعی با نگرش به سامانه و فرایندهای صنعتی نوین
- ۶- ارتقای ابتکار عمل و توان مقابله مؤثر در برابر تهدیدها و حفاظت از منافع ملی، منابع حیاتی و انقلاب اسلامی ایران
- ۷- ارتقا و افزایش سطح دانش و مهارت نیروهای مسلح، به صورت کمی و کیفی

۸- ارتقای سطح آموزش، تحقیقات، فناوری در بخش دفاع و گسترش همکاریها با مراکز علمی دانشگاهی داخلی و خارجی

۹- حضور و استقرار متناسب با تهدیدها در حوزه‌های آبی کشور (خلیج فارس، دریای عمان و دریای خزر)

۱۰- ارتقای منزلت اجتماعی و معیشت کارکنان نیروهای مسلح

۱۱- رعایت اصول پدافند غیر عامل در طراحی و اجرای طرحهای حساس و مهم و یا در دست مطالعه و نیز تأسیسات زیربنایی و ساختمانهای حساس و شریانهای اصلی و حیاتی کشور و آموزش عمومی مردم توسط دستگاههای اجرایی موضوع ماده (۱۶۵) این قانون، به منظور پیشگیری و کاهش مخاطرات ناشی از سوانح غیر طبیعی

آیین‌نامه‌های اجرایی این ماده ظرف مدت دو ماه از تصویب این قانون، توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

◀◀ ماده ۱۲۵

به وزارت کشور اجازه داده می‌شود، از طریق نیروی انتظامی نسبت به اعطای مجوز فعالیت به متقاضیان تشکیل مؤسسات غیر دولتی خدمات حفاظتی و مراقبتی و واگذاری بخشی از خدمات انتظامی و حفاظتی به مؤسسات مذکور با حفظ کنترل و نظارت دقیق بر اساس آیین‌نامه اجرایی، که به پیشنهاد وزارت کشور و تأیید فرمانده کل قوا به تصویب شورای امنیت کشور می‌رسد اقدام نماید.

◀◀ ماده ۱۲۶

به منظور بهینه کردن استفاده از فناوریها در امور امنیتی و انتظامی شورای امنیت کشور موظف است، با همکاری دستگاههای ذی‌ربط، نسبت به سیاست‌گذاری و استانداردسازی سامانه حفاظتی و امنیتی مورد نیاز سازمانها، ادارات، نهادها و وزارتخانه‌ها، اقدام نماید.

۱۲۷ ماده

به منظور ایجاد هماهنگی و تبادل اطلاعات بین دستگاههای ذی ربط:

الف- وزارت اطلاعات موظف است، در سال ۱۳۸۴ برنامه جامع تبادل اطلاعات و همکاری امنیتی با سرویسهای امنیتی سایر کشورها را در چارچوب منافع ملی و اصول سیاستهای خارجی کشور تدوین و پس از تأیید رئیس جمهور اجرا نماید.

ب- به منظور ساماندهی، انسجام و استفاده از ظرفیتهای جامعه اطلاعاتی کشور، وزارت اطلاعات مکلف است متناسب با وظایف و اختیارات مصرح در قانون تاسیس و تمرکز اطلاعات و سیاستها و خط مشیهای فرماندهی کل قوا، طرح اصلاح ساختار جامع اطلاعاتی را تدوین و ماحصل آن را جهت طی تشریفات قانونی به هیئت وزیران ارائه نماید.

ج- به وزارت اطلاعات اجازه داده می شود در کشف مفاسد کلان اقتصادی و سرقت میراث فرهنگی اقدامات لازم را به عمل آورد.

۱۲۸ ماده

نظر به اهمیت جایگاه امنیت ملی در رشد و توسعه همه جانبه کشور و به منظور تدوین طرح جامع در این خصوص با بهره گیری کارآمد از مطالعات و تحقیقات مربوط به آن، دولت موظف است با استفاده از ظرفیتهای دستگاه مربوطه نسبت به تهیه طرح جامع امنیت ملی با مسئولیت وزارت اطلاعات و با همکاری وزارتخانه های دفاع و پشتیبانی نیروی مسلح، کشور، امور خارجی، دادگستری و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور اقدام و نتیجه آن را جهت طی تشریفات قانونی به هیئت وزیران ارائه نماید.

۱۲۹ ماده

به منظور به کارگیری جوانان در سازندگی و فعالیتهای اجتماعی، وزارت جهاد کشاورزی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، شهرداریها، دهیاریها، جمعیت هلال احمر و سایر دستگاههای ذی ربط مجازند در اجرای طرحهای تملک داراییهای سرمایه ای و خدمات اجتماعی خود، از ظرفیت جوانان کشور

اعم از تشکلهای غیردولتی جوانان و نیروی مقاومت بسیج استفاده نمایند. آیین‌نامه اجرایی این بند، به پیشنهاد مشترک وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و سازمان ملی جوانان به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

◀ ماده ۱۳۰

وزارت امور خارجه مکلف است، به منظور پیشبرد سیاست خارجی کشور و در چارچوب حفظ و توسعه منافع ملی اقدامهای ذیل را به عمل آورد:

الف- توسعه و تقویت روشها و زمینه‌های ارتباط و مراوده با ایرانیان مقیم خارج از کشور به منظور حفظ هویت ملی و اسلامی و بهره‌گیری از سرمایه‌های مادی، معنوی و علمی آنان در چارچوب مصوبات شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور

ب- تنظیم و اعطای کمکهای توسعه‌ای رسمی به کشورهای هدف به منظور ایجاد بازار برای کالاهای ایرانی و صدور خدمات فنی و مهندسی در چارچوب قوانین بودجه‌های سالانه

ج- تسهیل و ارائه بهتر خدمات کنسولی با بهره‌گیری از فناوری اطلاعات به منظور افزایش رضایتمندی و تکریم ارباب رجوع

د- هماهنگی بخشهای بین‌المللی کلیه دستگاههای اجرایی به منظور پیشبرد اهداف سیاست خارجی کشور در چارچوب آیین‌نامه‌ای که به همین منظور به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

◀ ماده ۱۳۱

وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح مکلف است بر اساس نظر ستاد کل نیروهای مسلح نسبت به تهیه و اجرای طرح جامع نحوه استقرار نیروهای مسلح در سطح کشور متناسب با اندازه و نوع تهدیدات و شرایط زیست‌محیطی، به منظور رعایت پراکندگی در استقرار تأسیسات حساس و حیاتی و صنایع دفاعی از شهرهای بزرگ به ویژه تهران اقدام و به تصویب فرماندهی معظم کل قوا برساند.

دولت مکلف است نسبت به تأمین و واگذاری تسهیلات اعتباری، بانکی، زمین، تغییر کاربری و ایجاد حریم جهت تأسیسات مورد نیاز اقدامات لازم را به عمل آورد. اعتبارات دریافتی از منابع بانکی از محل فروش اماکن منتقل شده بازپرداخت می‌شود.

◀ ماده ۱۳۲

مواد (۱۷۱)، (۱۷۵) الی (۱۸۱) و (۱۸۳) الی (۱۸۶) "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن" برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد.^۱

فصل یازدهم

توسعه امور قضایی

◀ ماده ۱۳۳

قوه قضائیه موظف است، لوايح ذیل را تهیه و به تصویب مراجع ذیصلاح برساند:

الف- لایحه "جرم‌زدایی از قوانین کیفری"، به منظور جلوگیری از آثار سوء ناشی از جرم‌انگاری در مورد تخلفات کم اهمیت، کاهش هزینه‌های نظام عدالت کیفری و جلوگیری از گسترش بی‌رویه قلمرو حقوق جزا و تضييع حقوق و آزادیهای عمومی

ب- لایحه "جایگزینهای مجازات حبس"، به منظور بهره‌گیری از روشهای نوین اصلاح و تربیت مجرمان در جامعه و همچنین ایجاد تناسب بیشتر میان جرم و مجازات و شخصیت مجرم را تهیه و ارائه نماید.

ج- لایحه "حمایت از حقوق شهود و متهمان"

د- لایحه "حمایت از بزهدیدگان اجتماعی"

ه- لایحه "حفظ و ارتقای حقوق شهروندی و حمایت از حریم خصوصی افراد، در راستای اجرای اصل بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران"

و- لایحه "تعریف جرم سیاسی و تفکیک آن از سایر جرایم"

ز- نسبت به موارد ذیل اقدام نماید:

۱- استقرار نظام قضایی سریع، دقیق، بالسویه در دسترس، ارزان، قابل پیش‌بینی قانونی، منصفانه

و قاطع

۲- پایه‌گذاری و تضمین بنیادهای حقوق مالکیت خصوصی و معنوی، در قلمرو قضایی

۳- رفع هرگونه تبعیض جنسیتی، قومی و گروهی، در قلمرو حقوقی و قضایی

- ۴- تمهید ساز و کارهای لازم برای پیشگیری از وقوع جرم، بر اساس اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- ۵- طراحی و استقرار نظام جامع اطلاعات MIS، عملیات و مدیریت قضایی به منظور سرعت بخشیدن به عملیات و مدیریت کارآمد، اصلاح فرایندها و بهبود روشهای انجام امور قضایی، تا پایان برنامه چهارم
- ۶- فراهم نمودن زمینه تشکیل نهادهای داوری غیر دولتی
- ۷- به منظور اجرای اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نیز به منظور تأمین و حفظ حقوق عامه و گسترش خدمات حقوقی هر یک از اصحاب دعوی حق انتخاب، معرفی و حضور وکیل، در تمامی مراحل دادرسی اعم از تحقیقات، رسیدگی و اجرای احکام قضایی را دارند.

◀ ماده ۱۳۴

به قوه قضائیه اجازه داده می‌شود:

الف- بر اساس آیین‌نامه‌ای که توسط وزیر دادگستری با همکاری دادستانی کل کشور و سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران تهیه و به تأیید رئیس قوه قضائیه می‌رسد، اسناد و اوراق پرونده‌های قضایی که نگهداری سوابق آنها ضروری می‌باشد را با استفاده از فناوریهای اطلاعاتی روز، به اسناد الکترونیکی تبدیل و سپس نسبت به امحای آنها اقدام نماید مشروط بر آنکه حداقل سی سال از مدت بایگانی قطعی آنها گذشته باشد. اطلاعات و اسناد تبدیلی در کلیه مراجع قضایی و اداری سندیت داشته و قابل استناد خواهد بود.

اصل پرونده‌های مهم و ملی که جنبه سندیت تاریخی دارد، توسط سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران حفظ و نگهداری خواهد شد.

ب- به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اجازه داده می‌شود اقدامات و ارائه خدمات را در قسمتهای مختلف به صورت رایانه‌ای انجام دهد. اصل کتابت در تنظیم اظهارنامه، صورت مجلس تحدید حدود و دفتر املاک و اسناد رسمی باید رعایت گردد.

◀ ماده ۱۳۵

سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مکلف است، به منظور بهبود وضعیت زندانها و ایجاد محیط بازپروری مناسب و اصلاح و تربیت زندانیان با هدف بازگشت آنان به زندگی سالم اجتماعی و کاهش بازگشت مجدد به جرم توسط زندانیان آزاد شده نسبت به انجام موارد ذیل اقدام نماید:

الف- بهینه‌سازی فضاهای فیزیکی با اولویت توسعه کانونهای اصلاح و تربیت

ب- حمایت از خانواده زندانیان و معدومین از طریق سازمانها و نهادهای خیریه مردمی و غیردولتی و انجمنهای حمایت از زندانیان

ج- اتخاذ ساز و کارهای لازم جهت حذف سابقه کیفری زندانیان اصلاح شده

◀ ماده ۱۳۶ (اصلاح شده ماده ۱۴۰ قانون برنامه سوم)

به منظور صدور سند مالکیت املاک واقع در بافت مسکونی روستاها، وزارت مسکن و شهرسازی (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی) موظف است به نمایندگی از طرف روستائیان طی مدت برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران برای کلیه روستاهای دارای شورای اسلامی و مراکز دهستانها نقشه تفکیکی وضع موجود روستاها را تهیه و به اداره ثبت اسناد و املاک ارسال نماید. نقشه‌های تفکیکی تهیه شده نیاز به تأیید سایر مراجع دولتی ندارد و ادارات ثبت اسناد و املاک بر اساس آن به شرح زیر اقدام می‌نمایند:

۱- در صورتی که محدوده مورد عمل قبلاً تحدید حدود شده باشد، پس از کنترل نقشه و تطبیق آن با محل با توجه به مدارک متصرفین صورتجلسه تفکیکی حاوی حدود قطعات و مشخصات متصرفین توسط نماینده و نقشه‌بردار ثبت تنظیم و به امضای نماینده بنیاد مسکن و شورای اسلامی

روستا می‌رسد تا بر اساس آن به نام متصرفینی که دارای مدارک دال بر مالکیت می‌باشند سند مالکیت صادر و تسلیم گردد.

۲- در صورتی که متصرف نتواند مدارک دال بر مالکیت ارائه نماید، یا در مالکیت و تصرف اشخاص اختلاف باشد، همچنین در صورتی که محدوده مورد عمل تحدید حدود نشده باشد یا عرصه آن از املاک متعلق به دولت، سازمانها و مؤسسات و نهادهای عمومی یا اوقاف باشد، موضوع در هیئتی مرکب از رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان و رئیس بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و یکی از قضات دادگستری به انتخاب رئیس قوه قضاییه مطرح و رأی مقتضی صادر می‌گردد.

هیئت می‌تواند برای رسیدگی به موضوع از خبرگان ثبتی استفاده و با تحقیقات و شهادت شهود رأی خود را صادر نماید. رأی صادره توسط ثبت محل به طرفین ابلاغ می‌شود، در صورت عدم اعتراض ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ رأی، ادارات ثبت اسناد و املاک و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی حسب مورد مکلف به اجرای آن می‌باشند. در صورت وصول اعتراض، معترض به دادگاه هدایت می‌شود. رسیدگی به این اعتراضات در دادگاه خارج از نوبت خواهد بود.

۳- مشمولین این قانون از پرداخت کلبه هزینه‌های ثبتی معاف می‌باشند. نقل و انتقالات بعد از صدور سند مالکیت شامل معافیت نخواهد بود.

۴- نحوه تشکیل جلسات و اختیارات هیئتها و نحوه انتخاب کارشناسان و خبرگان ثبتی و چگونگی تهیه نقشه تفکیکی و میزان مبالغ دریافتی و هزینه نمودن آنها مطابق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و وزارت مسکن و شهرسازی (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی) حداکثر ظرف دو ماه تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

۵- خانواده‌های تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی از پرداخت هزینه عوارض و مالیات و هرگونه هزینه دیگر معاف می‌باشد.

◀◀ ماده ۱۳۷

ماده (۱۸۹) "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن" برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد^۱.

بخش ششم

نوسازی دولت

و ارتقای اثربخشی حاکمیت

فصل دوازدهم

نوسازی دولت و ارتقای اثربخشی حاکمیت

◀ ماده ۱۳۸

نقش و وظایف دولت، در حوزه‌های "امور حاکمیتی"، "امور تصدیهای اجتماعی، فرهنگی و خدماتی"، "امور زیربنایی" و امور "تصدیهای اقتصادی" تعریف و به شرح ذیل تنظیم گردد:

الف - امور حاکمیتی

امور حاکمیتی دولت، که تحقق آن موجب اقتدار حاکمیت کشور است و منافع آن بدون محدودیت شامل همه اقشار جامعه می‌گردد عبارتند از:

- ۱- سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت در بخشهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
- ۲- برقراری عدالت و تأمین اجتماعی و باز توزیع درآمد
- ۳- ایجاد فضای سالم، برای رقابت و جلوگیری از انحصار و تضييع حقوق مردم
- ۴- فراهم نمودن زمینه‌ها و مزیت‌های لازم، برای رشد و توسعه کشور و رفع فقر و بیکاری
- ۵- قانونگذاری، امور ثبتی، استقرار نظم و امنیت و اداره امور قضایی
- ۶- حفظ تمامیت ارضی کشور و ایجاد آمادگی دفاعی ملی
- ۷- صیانت از هویت ایرانی، اسلامی
- ۸- اداره امور داخلی، مالیه عمومی، تنظیم روابط کار و روابط خارجی
- ۹- حفظ محیط زیست و حفاظت از منابع طبیعی و میراث فرهنگی
- ۱۰- علوم و تحقیقات بنیادی، آمار و اطلاعات ملی
- ۱۱- پیشگیری از بیماری‌های واگیر، مقابله و کاهش اثرات حوادث طبیعی و بحران‌های پیچیده

ب- امور تصدیهای اجتماعی، فرهنگی و خدماتی

آن دسته از وظایفی است که، منافع اجتماعی حاصل از آنها نسبت به منافع فردی برتری دارد و موجب بهبود وضعیت زندگی افراد می‌گردد، از قبیل: آموزش و پرورش عمومی و فنی و حرفه‌ای، علوم و تحقیقات، بهداشت و درمان، تربیت‌بدنی و ورزش، اطلاعات و ارتباطات جمعی و امور فرهنگی، هنری و تبلیغات دینی

ج- امور زیربنایی

آن دسته از طرحهای تملک دارایی‌های سرمایه‌ای است که، موجب تقویت زیرساختهای اقتصادی و تولیدی کشور می‌گردد، نظیر طرحهای آب و خاک، عمران شهری و روستایی و شبکه‌های انرژی‌رسانی، ارتباطات و حمل و نقل

د- امور تصدیهای اقتصادی

آن دسته از وظایفی است که دولت، متصدی اداره و بهره‌برداری از اموال جامعه است و مانند اشخاص حقیقی و حقوقی در حقوق خصوصی عمل می‌کند، نظیر تصدی در امور صنعتی، کشاورزی، حمل و نقل و بازرگانی و بهره‌برداری از طرحهای مندرج در بند (ج) این ماده

◀ ماده ۱۳۹

به منظور ایجاد زمینه مناسب برای رشد و توسعه کشور، افزایش کارایی و بهره‌وری دستگاههای اجرایی، تقویت امور حاکمیتی دولت و توسعه مشارکت مردم در امور کشور، نحوه اجرای وظایف مذکور در ماده (۱۳۸) این قانون به طریق ذیل پالایش و اصلاح می‌گردد:

الف- امور حاکمیتی دولت، توسط دستگاههای دولتی و عنداللزوم با جلب مشارکت مردم انجام می‌گردد و دستگاههای اجرایی ذی‌ربط در ابعاد منابع انسانی، فناوری انجام کار، تجهیزات و تخصیص منابع، تقویت و توسعه کیفی خواهند یافت.

ب- وظایف امور تصدیهای اجتماعی، فرهنگی و خدماتی دولت با رعایت اصول بیست و نهم (۲۹) و سی‌ام (۳۰) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با استفاده از شیوه‌های ذیل انجام می‌گردد:

- ۱- اعمال حمایت‌های لازم برای توسعه بخش غیردولتی مجری این وظایف
 - ۲- خرید خدمات از بخش غیردولتی
 - ۳- مشارکت با بخش غیردولتی از طریق اجاره و واگذاری امکانات و تجهیزات و منابع فیزیکی
 - ۴- واگذاری مدیریت واحدهای دولتی به بخش غیردولتی، با پرداخت تمام یا بخشی از هزینه سرانه خدمات
 - ۵- ایجاد و اداره واحدهای دولتی با رویکرد هدفمند و نتیجه‌گرا (مطابق ماده ۱۴۷ این قانون) با تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در مناطقی که هیچ کدام از حالت‌های فوق‌الذکر امکانپذیر نباشد.
- ج- وظایف زیربنایی دولت با مدیریت، حمایت و نظارت دستگاهها و شرکتهای دولتی توسط بخش غیر دولتی انجام خواهد شد.
- د- وظایف مربوط به تصدیهای اقتصادی دولت با رعایت اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به بخش غیر دولتی واگذار می‌گردد. دولت در این بخش نسبت به تنظیم مقررات برای جلوگیری از ایجاد انحصار، تضييع حقوق تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، ایجاد فضای سالم رقابت، رشد توسعه و امنیت سرمایه‌گذاری و نظایر آن اقدام خواهد نمود.
- این‌نامه اجرایی این ماده توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور با همکاری دستگاههای ذی‌ربط تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

◀ ماده ۱۴۰

الف- دولت مکلف است، تشکیلات کلان دستگاههای اجرایی و وزارتخانه‌ها را، متناسب با سیاستها و احکام این برنامه و تجربه سایر کشورها، جهت برطرف کردن اثربخشی ناقص، تعارضهای دستگاهی و غیر کارآمدی و عدم جامعیت، عدم کفایت، تمرکز امور، موازی‌کاریها و همچنین بهره‌گیری همه جانبه از فناوریهای نوین و روشهای کارآمد، با هدف نوسازی، متناسب‌سازی، ادغام و تجدید ساختار به صورت یک منظومه منسجم، کارآمد، فراگیر و با کفایت، اثربخش و غیر متمرکز

طراحی نماید و لایحه ذی‌ربط را شش ماه پس از تصویب این قانون به مجلس شورای اسلامی تقدیم کند، به طوری که امکان اجرای آن از ابتدای سال دوم برنامه چهارم میسر باشد.

ب- آن دسته از تصدی‌های قابل واگذاری دستگاه‌های دولتی، در امور توسعه و عمران شهر و روستا، با تصویب شورای عالی اداری همراه با منابع مالی ذی‌ربط به شهرداریها و دهیاریها واگذار می‌شود.

« ماده ۱۴۱

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط به منظور اصلاح نظام بودجه‌ریزی از روش موجود به روش هدفمند و عملیاتی و به صورت قیمت تمام شده خدمات، اقدامات ذیل را حداکثر تا پایان سال دوم برنامه چهارم انجام دهد:

الف- شناسایی و احصاء فعالیت و خدماتی که دستگاه‌های اجرایی ارائه می‌نمایند.

ب- تعیین قیمت تمام شده فعالیتها و خدمات، متناسب با کیفیت و محل جغرافیایی مشخص.

ج- تنظیم لایحه بودجه سالانه بر اساس حجم فعالیتها و خدمات و قیمت تمام شده آن.

د- تخصیص اعتبارات بر اساس عملکرد و نتایج حاصل از فعالیتها و متناسب با قیمت تمام شده آن.

تبصره ۱- به منظور تحقق رویکرد فوق و همچنین تسریع در تغییر نظام بودجه ریزی کشور و تقویت نظام برنامه‌ریزی و نظارت، سازمان مذکور موظف است ضمن اصلاح ساختار سازمان، مدیریت نیروی انسانی، روشها و فناوری اداری خود، ترتیبی اتخاذ نماید تا با سازمانی کوچک، منعطف، کارآ و اثربخش و به کارگیری نخبگان و اندیشمندان امکان انجام وظایف محوله به طور مطلوب و بهینه فراهم گردد.

تبصره ۲- سازمان فوق‌الذکر و وزارت امور اقتصادی و دارایی نسبت به تهیه لوایح لازم برای اصلاح قوانین و مقررات مالی، اداری و استخدامی و بودجه‌ریزی کشور اقدام نماید به نحوی که نظام موجود تبدیل به نظام کنترل نتیجه و محصول گردد.

ه- آیین‌نامه اجرایی این ماده به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت

وزیران می‌رسد.

◀ ماده ۱۴۲

به منظور اصلاح ساختار و تشکیلات دستگاههای اجرایی، اقدامهای ذیل انجام می‌گردد:

الف- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است تا پایان برنامه چهارم حداقل بیست درصد (۲۰٪) از تعداد سازمانها، نهادها، مؤسسات و شرکتهای و نظایر آن را از طریق حذف و یا واگذاری آن به سایر بخشها و تجدید ساختار و انحلال دستگاههای غیر ضرور با تأیید شورای عالی اداری کشور کاهش دهد.

ب- ممنوعیت ایجاد وزارتخانه، مؤسسه دولتی، نهاد عمومی غیر دولتی، شرکت دولتی و دستگاههایی با عناوین مشابه، مگر در موارد استثنا با تأیید هیئت وزیران و تصویب مجلس شورای اسلامی

ج- ادغام کلیه واحدهای سازمانی هر وزارتخانه (به استثنای شرکتهای دولتی) در سطح استان، شهرستان، بخش و ... در یک واحد سازمانی، به طوری که واحدهای مربوطه در مرکز عهده‌دار راهبری و انجام امور ستادی آنها باشند. سطح سازمانی واحدهای موضوع این بند و موارد استثنا، با پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب شورای عالی اداری می‌رسد.

د- بازنگری و تجدید ساختار داخلی دستگاههای اجرایی، بر اساس ضوابطی که به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران می‌رسد. در صورتی که با اصلاح تشکیلات، پستهای دارای شاغلین رسمی حذف گردند، اینگونه پستها صرفاً تا خروج طبیعی مستخدمین ذی‌ربط پایدار خواهد بود.

ه- کلیه واحدهای استانی، شهرستانی و ... دستگاههای اجرایی موظف‌اند، ضمن اقدام لازم در خصوص بازنگری و تجدید ساختار سازمانی خود، پس از تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان اصلاحات لازم را به مورد اجرا گذارند و نیروهای مازاد را به سایر واحدهای مستقر در همان محل منتقل نمایند.

و- نصاب جمعیت برای تشکیل شهرستان، شهر و بخش با رویکرد عدم توسعه سطوح تقسیمات کشوری در سال اول برنامه چهارم توسط هیئت وزیران تعیین خواهد شد.

◀ ماده ۱۴۳

به دولت اجازه داده می‌شود، به منظور توسعه بخش خصوصی و تعاونی و جلب مشارکت تشکلهای غیردولتی و سایر بخشهای جامعه مدنی در اداره امور کشور و افزایش کارآمدی مدیریت دولتی، در مواجهه با چالشها و استفاده از فرصتها و منابع ملی، اقدامهای ذیل را انجام دهد:

الف- کمک به ایجاد و توسعه و قانونمندی نهادهای غیردولتی لازم برای توسعه کارآفرینی، ترویج فرهنگ خدمت، توسعه سلامت و شفافیت اداری و حفاظت از محیط زیست و ارتقای استانداردهای زیست‌محیطی و سلامت مردم، بر مبنای هدف‌محوری و مسئولیت‌پذیری

ب- تشکیل واحد سازمانی مناسب، برای تقویت و حمایت از بخش غیر دولتی، در زمینه‌های نهادسازی، آموزش، ایجاد تسهیلات، توجیه و رفع موانع اداری در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و کلیه وزارتخانه‌ها و سازمانهای مستقل دولتی از محل پستهای سازمانی موجود

ج- انتخاب یکی از شهرستانهای کشور و یک دستگاه اجرایی بدون رعایت قوانین و مقررات اداری و استخدامی و مالی مورد عمل، برای اجرای کامل احکام، سیاستها و جهت‌گیری‌های مذکور در این فصل در آن شهر و دستگاه و استفاده از نتایج آن در اصلاح قوانین و مقررات مربوطه و تعمیم آن به سایر نقاط کشور و دستگاهها

ضوابط مربوط به این بند به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب شورای عالی اداری خواهد رسید.

◀ ماده ۱۴۴

دولت موظف است، به منظور استقرار نظام شایسته‌گرایی و ایجاد ثبات در خدمات مدیران، اقدامهای ذیل را انجام دهد:

الف- مشاغل مدیریتی را در دو بخش سیاسی و حرفه‌ای، تعریف و طبقه‌بندی نماید.

- ب- در انتخاب و انتصاب افراد، به پستهای حرفه‌ای، شرایط تخصصی لازم را تعیین نماید تا افراد از مسیر ارتقای شغلی به مراتب بالاتر ارتقا یابند. در مواردی که از این طریق امکان انتخاب وجود نداشته باشد، با انجام ارزیابی‌های مدیریتی و تخصصی لازم، انتخاب صورت پذیرد.
- ج- در خصوص عزل و نصب پستهای مدیریتی سیاسی، اختیارات لازم به مقامات منصوب کننده داده شود.
- د- دوره خدمات در پستهای مدیریتی (حرفه‌ای) چهار ساله می‌باشد، که امکان تمدید آن نیز وجود خواهد داشت.

◀◀ ماده ۱۴۵

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و دستگاههای موضوع ماده (۱۶۵) این قانون موظفاند، به منظور افزایش پاسخگویی دستگاههای اجرایی در مقابل مردم، با استفاده از فناوریهای نوین اداری و بازنگاری و مهندسی فرایندها و روشها و رشد شاخصهای مربوط به مشتری مداری و آموزش اداری مردم و توسعه فرهنگ مدیریت و ارزیابی عملکرد و راهکارهای لازم برای جلوگیری از مفاسد اداری، سطح کیفی خدمات خود را افزایش داده و در تدوین ضوابط و مقررات بخشنامه‌ها، دستورالعمل‌های ذی ربط رضایت و تکریم ارباب رجوع به عنوان یکی از اهداف اصلی و تاثیرگذار در سرنوشت اداری و استخدامی کارکنان ملحوظ نمایند.

◀◀ ماده ۱۴۶

- به منظور اصلاح و بهبود مدیریت نیروی انسانی بخش دولتی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و دستگاههای اجرایی مذکور در ماده (۱۶۵) این قانون موظفاند اقدامات ذیل را به عمل آورند:
- الف- تجزیه و تحلیل و باز طراحی مشاغل دولتی با رویکرد جذب متخصصین و نخبگان
- ب- به کارگیری نیروی انسانی به هر شکل در دستگاههای فوق‌الذکر در فضای رقابتی و کسب حداقل امتیازات در امتحانات استخدامی اداری

ج- پیش‌بینی ضوابط و دستورالعمل‌های پرداخت حقوق کارکنان بر اساس تلفیق مناسب نتیجه‌گرایی و بهره‌وری به جای وقت‌مزدی

د- ارتقای سطح کیفی مدیران و سرپرستان با پیش‌بینی ضوابط خاص آموزش و شرایط احراز تصدی آنها و کاهش حداقل بیست درصد (۲۰٪) از پستهای مدیریت و سرپرستی

ه- توسعه آموزش‌های شغلی و تخصصی کوتاه‌مدت برای کارکنان دستگاههای اجرایی و حذف دروههایی که با استفاده از امکانات دولتی و ماموریت منجر به دریافت مدارک دانشگاهی رسمی و یا غیر رسمی می‌گردد.

آیین‌نامه اجرایی این ماده بنا به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

۱۴۷ ماده

کلیه دستگاههای اجرایی موظف‌اند، به منظور افزایش کارایی و بهره‌وری و استقرار نظام کنترل نتیجه و محصول، به جای کنترل مراحل انجام کار و اعطای اختیارات لازم به مدیران برای اداره واحدهای تحت سرپرستی خود به صورت مستقل و هدفمند نمودن تخصیص منابع، بر اساس دستورالعمل مشترک سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت امور اقتصادی و دارایی، قیمت تمام شده آن دسته از فعالیتها و خدماتی که قابلیت تعیین قیمت تمام شده را دارند (از قبیل واحدهای آموزشی، پژوهشی و بهداشتی، درمانی، خدماتی و اداری)، بر اساس کمیت و کیفیت محل جغرافیایی مشخص و پس از تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور یا استان و با اعطای اختیارات لازم به مدیران ذی‌ربط اجرا نمایند. به دستگاههایی که بر اساس ضوابط این ماده خدمات خود را ارائه می‌نمایند، اجازه داده می‌شود، حسب نیاز نسبت به جابه‌جایی فصول و برنامه‌های اعتبارات هزینه اقدام و مابه‌التفاوت هزینه‌های قبلی فعالیت با قیمت تمام شده را صرف ارتقای کیفی خدمات، تجهیز سازمان و پرداخت پاداش به کارکنان و مدیران واحدهای ذی‌ربط نمایند. اعتباراتی که بر اساس قیمت تمام شده در اختیار واحدها قرار می‌گیرد، کمک تلقی شده و پس از پرداخت به هزینه قطعی منظور می‌گردد.

◀ ماده ۱۴۸

به منظور کاهش حجم تصدیها و افزایش مشارکت مردم در اداره امور کشور و کوچک‌سازی دولت، اقدامهای ذیل انجام می‌شود:

الف- توسعه فعالیتهای اجتماعی، فرهنگی، تولیدی و خدماتی، صرفاً از طریق روشهای مذکور در بند "ب" ماده (۱۳۹) انجام گردد.

ب- کاهش سالانه حداقل سه درصد (۳٪) از تصدیهای اجتماعی، فرهنگی، تولیدی، خدماتی و نظایر آن توسط دستگاههای اجرایی با استفاده از روشهای مذکور در اجزای «۱» و «۲» و «۳» و «۴» بند "ب" ماده (۱۳۹) و اختصاص بخشی از منابع مربوط برای توسعه بخشهای غیر دولتی

ج- ممنوعیت شروع هر نوع طرح و پروژه تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در سطوح ملی و استانی به‌استثنای موارد مربوط، به امور حاکمیتی و زیربنایی و مواردی که، با تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، استفاده از شیوه‌های مذکور در اجزای ۱، ۲ و ۳ بند "ب" ماده (۱۳۹) امکانپذیر نباشد، اعتبارات طرحهای تملک دارایی‌های سرمایه‌ای فصول مربوط به صورت وجوه اداره شده برای توسعه بخش غیر دولتی در همان فصل اختصاص خواهد یافت.

د- مشارکت و سرمایه‌گذاریهای جدید شرکتهای دولتی در سایر شرکتهای و سازمانها و تفکیک و تکثیر آنها، در قالب شرکتهای موسوم به نسل دوم و نظایر آن، ممنوع می‌باشد.

ه- تعیین اهداف کمی برنامه خصوصی‌سازی شرکتهای دولتی و سقف اعتبارات آنها، در قوانین بودجه سالانه، به نحوی که نسبت اعتبارات شرکتهای دولتی و بودجه کل کشور به تولید ناخالص داخلی هر ساله حداقل دو درصد (۲٪) کاهش یابد.

-و

۱- در پایان برنامه چهارم تعداد کل کارکنان دولت از تعداد آن در آغاز برنامه به میزان پنج درصد (۵٪) کاهش یابد.

۲- مجموع استخدامهای جدید در بخشهای دولتی در چارچوب جدول شماره (۹) این قانون، از پنجاه درصد (۵۰٪) کل تعداد کارکنانی که از خدمت خارج می‌شوند تجاوز نکند.

ز - ممنوعیت ایجاد، اداره هر گونه مهمانسرا، زائرسرا، مجتمع مسکونی، رفاهی، درمانی، فضاهای ورزشی و تفریحی و نظایر آن، توسط دستگاههای موضوع ماده (۱۶۵) این قانون، کلیه دستگاههای اجرایی موظفاند، این نوع تأسیسات و خدمات یا بهره‌برداری از آنها را حداکثر تا پایان سال سوم برنامه چهارم، به بخش غیر دولتی واگذار نمایند. موارد مستثنا با پیشنهاد دستگاه اجرایی مربوط و تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و تصویب هیئت وزیران بلامانع است.

ح - کلیه خدماتی که در حال حاضر توسط دستگاههای موضوع ماده ۱۶۵ این قانون، برای کارکنان خود در زمینه‌های مختلف نظیر سرویس رفت و آمد، سلف‌سرویس، تعاونیهای مصرف، امور ورزش کارکنان، مهد کودک و موارد مشابه به صورت امانی و یا خرید خدمات صورت می‌گیرد، از سال سوم برنامه با پرداخت یارانه مستقیم انجام خواهد شد و کلیه واحدهای اداری ذی‌ربط منحل گردیده و کارکنان رسمی آنها به واحدهای نیازمند دیگر منتقل می‌شوند.

ط - وزارت آموزش و پرورش و مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای می‌توانند برای اجرای بند "ب" ماده (۱۳۹) با کادر آموزشی خود مشروط بر اینکه از مرخصی بدون حقوق استفاده نمایند، به روش مذکور در این بند عقد قرارداد نمایند. سوابق خدمت این گونه مستخدمین با پرداخت کسور بازنشستگی در صندوق ذی‌ربط مستخدم منظور خواهد شد.

هزینه سرانه مدارس که به روشهای مذکور در اجزای «۲» و «۳» و «۴» بند "ب" ماده (۱۳۹) توسط بخش غیر دولتی اداره می‌گردند، متناسب با ویژگیهای هر بند و توانمندیهای مناطق توسط دولت تأمین و پرداخت می‌شود.

ی - صدور مجوز استخدام هر یک از وزارتخانه‌ها و سازمانهای مستقل، در چارچوب جدول شماره (۹) پیوست این قانون، بنا به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و تصویب هیئت وزیران

ک - آیین‌نامه اجرایی این ماده به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

◀ ماده ۱۴۹

به منظور متناسب‌سازی تعداد کارکنان هر دستگاه با اهداف و مأموریت اصلی آن و تطبیق نحوه انجام وظایف دستگاه‌های اجرایی با سیاستها و احکام بخش توسعه مدیریت دولت، اقدامهای ذیل به عمل خواهد آمد:

الف- در سال اول برنامه چهارم، سقف تعداد پرسنل هر کدام از دستگاه‌های اجرایی و برنامه زمانبندی شده، تحقق آن مشترکاً توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و دستگاه ذی‌ربط تهیه و به تصویب شورای عالی اداری می‌رسد.

ب- انتقال کارکنان رسمی یا ثابت مازاد دستگاه‌های اجرایی در سطح یک شهرستان بدون موافقت مستخدم با توافق دستگاه‌های ذی‌ربط، انتقال به سایر شهرستانها با موافقت مستخدم باید صورت گیرد.

ج- دستورالعمل‌های اجرایی این ماده، شامل امتیازات، تشویقات، ممنوعیتها و سایر موارد توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

د- بار مالی اجرای این ماده، از محل فروش اموال منقول و غیر منقول دستگاه‌های اجرایی و اعتبارات پیش‌بینی شده در بودجه عمومی تأمین می‌گردد.

◀ ماده ۱۵۰

به منظور تقویت صندوقهای بازنشستگی و سهولت جابه‌جایی کارکنان اقدامهای ذیل به عمل می‌آید:

الف- به کارکنان مشمول صندوقهای بازنشستگی اجازه داده می‌شود در صورتی که باز خرید خدمت شوند و یا به دستگاههای دیگر منتقل شوند و یا با استفاده از مرخصی بدون حقوق (بدون محدودیت زمان) در بخش غیردولتی اشتغال یابند کماکان مشمول صندوق بازنشستگی خود باشند.

ب- مستخدمین پیمانی دستگاههای مشمول صندوق بازنشستگی کشوری می‌توانند از نظر مزایای تأمین اجتماعی مشمول صندوق بازنشستگی کشوری و سازمان بیمه خدمات درمانی گردند.

◀ ماده ۱۵۱

موارد زیر به وظایف و اختیارات شورای عالی اداری اضافه می‌شود:

- ۱- اتخاذ تصمیم در مورد کارکنان مازاد دستگاههای اجرایی
- ۲- تنظیم ضوابط و مقررات، برای سالم‌سازی ادارات
- ۳- تبیین نقش و اندازه دولت و اتخاذ ضوابط و سیاستهای مناسب، برای کوچک‌سازی دولت
- ۴- اصلاح نظام تصمیم‌گیری کشور، به نحوی که ضمن ارتقای کیفی و کوتاه نمودن مراحل آن، مراجع و نهادهای تصمیم‌گیرنده موازی و غیر ضرور حذف شوند.
- ۵- اصلاح نظام مدیریت شرکتهای دولتی

تبصره- تصمیمات شورای عالی اداری برای کلیه دستگاههای اجرایی موضوع بند "۱۱" ماده (۲) "قانون برنامه و بودجه کشور مصوب سال ۱۳۵۱/۱۲/۱۵" لازم‌الاجراست.

◀ ماده ۱۵۲

کارکنان دستگاههای اجرایی موضوع ماده (۱۶۵) این قانون و واحدهایی که بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) از سهام، دارایی و یا مالکیت آنها از ابتدای برنامه سوم به بخش غیردولتی واگذار شده و می‌شود، بر اساس آیین‌نامه‌ای که توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت کار و امور اجتماعی تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد از نظر رابطه استخدامی، پاداش پایان خدمت و سایر موارد تعیین تکلیف می‌گردند.

تبصره- این گونه کارکنان که رابطه استخدامی آنها با دستگاه اجرایی ذی‌ربط قطع می‌گردد می‌توانند با حفظ سوابق استخدامی همچنان تابع مقررات صندوق بازنشستگی مربوط باشند.

◀◀ ماده ۱۵۳

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است، به منظور تقویت نظم و انضباط اداری و مالی در نظام اداره امور کشور و صرفه‌جویی در اعتبارات هزینه‌ای دولت، نسبت به تدوین ضوابط مربوطه اقدام تا پس از تصویب هیئت وزیران، توسط دستگاههای اجرایی به مورد اجرا گذاشته شود.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مکلف است، با تدوین شاخصهایی نحوه اجرای ضوابط مذکور را در دستگاههای اجرایی مورد ارزیابی قرار داده و هر ساله گزارش آن را به هیئت وزیران تقدیم نماید.

◀◀ ماده ۱۵۴

دولت موظف است، حقوق کلیه کارکنان و بازنشستگان دولت را طی برنامه چهارم و در ابتدای هر سال برای تمامی رشته‌های شغلی، متناسب با نرخ تورم افزایش دهد.

تبصره- به دستگاههای اجرایی اجازه داده می‌شود تا هفتاد درصد (۷۰٪) اعتباراتی که از محل اصلاح ساختار و کاهش نیروی انسانی صرفه‌جویی می‌نمایند را به عنوان فوق‌العاده کارآیی غیر مستمر به کارکنانی که خدمات برجسته انجام می‌دهند، پرداخت نمایند.

آیین‌نامه اجرایی این ماده توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

◀◀ ماده ۱۵۵

وزارتخانه‌های دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و کشور موظف‌اند در چارچوب تدابیر فرمانده معظم کل نیروهای مسلح، دستورالعملهای لازم برای اجرای احکام این فصل را برای نیروهای نظامی و انتظامی تهیه و پس از تصویب هیئت وزیران جهت اجرا به واحدهای ذی‌ربط ابلاغ نمایند.

◀ ماده ۱۵۶

دولت موظف است، به منظور ساماندهی، استفاده بهینه از امکانات موجود، ارتقای کیفیت ساخت و ساز و نیز لزوم رعایت مقررات، ضوابط و استانداردها در احداث ساختمانهای دولتی و عمومی و همچنین حذف تشکیلات غیرضروری، امور برنامه‌ریزی، مطالعه، طراحی و اجرای ساختمانهای مزبور را در سازمانهای دولتی که بدین منظور و بر اساس قانون تشکیل شده است، متمرکز نماید. آیین‌نامه اجرایی این ماده توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت مسکن و شهرسازی تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

◀ ماده ۱۵۷

کلیه دستگاههای مذکور در ماده (۱۶۵) موظفاند در راستای احکام بخش‌نوسازی دولت و ارتقای اثر بخشی حاکمیت، ضمن اجرای دقیق احکام مربوط و تصمیمات شورای عالی اداری و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های ذی‌ربط گزارش عملکرد خود را هر شش ماه یکبار به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور ارائه نمایند و این سازمان با رتبه‌بندی میزان موفقیت دستگاه‌ها نتیجه را برای هیئت وزیران و کمیسیون‌های مربوط مجلس شورای اسلامی گزارش نمایند.

◀ ماده ۱۵۸

مواد (۱)، (۹۰) و (۱۲۳) "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن" برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد.^۱

فصل سیزدهم

سامان عملیات اجرایی برنامه

◀ ماده ۱۵۹

کلیه عملیات اجرایی، طرحهای تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و سرمایه‌گذاری که در سالهای برنامه چهارم بر مبنای اسناد ملی توسعه بخشی، اسناد ملی توسعه استانی و اسناد ملی توسعه ویژه، با خصوصیات ذیل و بر مبنای این قانون به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، سازماندهی و اجرا می‌شود:

الف- سند ملی توسعه بخش، سندی راهبردی است که با توجه به قابلیت‌ها، امکانات، محدودیت‌ها و مسائل اساسی، جهت‌گیری‌های اصلی، هدفهای کمی و کیفی بلندمدت و میان‌مدت، فعالیت‌های محوری و سیاست‌های فضایی و منطقه‌ای و همچنین اقدام‌های مهم محوری و فعالیت‌های اولویت‌دار توسعه بخش را تبیین می‌نماید. اسناد ملی توسعه امور بخشی به پیشنهاد مشترک سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط، تهیه می‌شود.

ب- سند توسعه استان، سندی راهبردی است که با توجه به قابلیت‌ها، محدودیت‌ها و تنگناهای توسعه استان، اصلی‌ترین جهت‌گیری‌ها در زمینه جمعیت و نیروی انسانی، منابع طبیعی، زیربناها و فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و هدفهای کمی و کیفی بلندمدت و میان‌مدت توسعه استان را در چارچوب راهبردهای کلان برنامه چهارم و سند ملی آمایش سرزمین و طرحهای توسعه و عمران و اسناد ملی توسعه بخشی تبیین می‌نماید.

ج- سند ملی توسعه ویژه (فرا بخشی)، مجموعه‌ای از چند طرح و فعالیت با پوشش فراگیر برای مناطق و بخش‌های مختلف مانند قلمرو تأمین اجتماعی، فقرزدایی و اشتغال موضوعیت یافته و تنظیم می‌شود. زمان‌بندی، اولویت‌های زمانی، موضوعی (بخش‌های مختلف) و مکانی (استانهای مختلف) اجرای طرحها و پروژه‌های آن در این سند مشخص می‌شود.

د- اقدامها و عملیاتی که، در جهت تحقق هدفهای پیش‌بینی شده در اسناد توسعه بخشی، استانی و ویژه (فرا بخشی) ضرورت اجرا می‌یابند، در لایحه بودجه سالانه کل کشور درج و به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد.

ه- کلیه دستگاههای اجرایی ملی کشور موظف‌اند، برنامه اجرایی و عملیاتی خود را در قالب اسناد ملی توسعه در چارچوب ضوابط فوق با هماهنگی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و پس از تصویب در هیئت وزیران به مرحله اجرا درآورند. بودجه سنواتی این دستگاهها بر اساس اسناد فوق تنظیم می‌شود.

و- کلیه دستگاههای اجرایی استانی موظف‌اند، برنامه اجرایی و عملیاتی خود را در قالب اسناد توسعه استانی در چارچوب ضوابط فوق با هماهنگی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهیه و پس از تصویب شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان به مرحله اجرا درآورند. بودجه سنواتی دستگاههای استانی بر اساس این اسناد تنظیم می‌شود.

ز- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مکلف است، نسبت به تلفیق اسناد توسعه بخشی، استانی و ویژه با هماهنگی دستگاههای اجرایی ذی‌ربط اقدام و موارد را به تصویب هیئت وزیران برساند.

فصل چهاردهم

تنفیذ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت

◀ ماده ۱۶۰

قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۲۶ برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تمدید می‌گردد.^۱

فصل پانزدهم

نظارت

◀ ماده ۱۶۱

به منظور تقویت و کارآمد کردن نظام بازرسی و نظارت و رفع تداخل میان وظایف نهادهای نظارتی و بازرسی، شورایی عالی مرکب از روسای سه قوه و عضویت روسای سازمانهای بازرسی کل کشور، سازمان حسابرسی دیوان محاسبات، دیوان عدالت اداری و ریاست سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به نام شورای عالی نظارت کشور تشکیل می‌گردد. این شورا موظف است ضمن پیش‌بینی راه‌کارهای تقویت و کارآمد کردن نظام بازرسی و نظارت و گردش صحیح اطلاعات بین سازمانهای نظارتی وظایف تکراری و موازی سازمان‌های متولی بازرسی و نظارت را حذف و رویه‌های اجرائی سازمان‌های مذکور را هماهنگ نماید. بانک اطلاعات نظارتی زیر نظر دبیرخانه شورای عالی تشکیل می‌گردد و دبیرخانه شورای عالی در نهاد ریاست جمهوری تشکیل و دبیر آن به پیشنهاد رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و تصویب شورای عالی تعیین و با حکم رئیس جمهور منصوب می‌شود.

◀ ماده ۱۶۲

به منظور حسن اجرای برنامه چهارم، رئیس جمهور گزارش نظارت و ارزیابی پیشرفت هر سال برنامه را حداکثر تا پایان آذر ماه سال بعد، شامل موارد ذیل به مجلس شورای اسلامی، ارائه نماید:

الف- بررسی عملکرد مواد قانونی برنامه

ب- بررسی عملکرد سیاستهای اجرایی

ج- بررسی عملکرد متغیرهای عمده کلان و بخشی، از جمله تولید و سرمایه‌گذاری، تجارت خارجی، تراز

پرداختها، بودجه، بخش پولی و تورم، اشتغال و بیکاری

د- پیشرفت عملیات اسناد ملی توسعه بخشی، استانی و ویژه

- ه- ارزیابی نتایج عملکرد و تبیین علل مغایرت با برنامه
و- ارائه پیشنهادهای لازم به منظور بهبود عملکرد برنامه

◀ ماده ۱۶۳

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، به منظور ارزیابی میزان پیشرفت کشور در چارچوب موازین برنامه، چشم‌انداز و سیاستهای کلی نظام، شاخصهای مربوط را متناسب با شاخصهای بین‌المللی تنظیم و مقایسه و در تیرماه هر سال نتایج حاصل از اندازه‌گیری شاخصهای مذکور را به همراه نقاط قوت و ضعف و پیشنهادهای مؤثر برای بهبود وضعیت کشور به مقام معظم رهبری، دولت و مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌نماید.

◀ ماده ۱۶۴

دولت مکلف است حداکثر تا پایان نیمه اول سال ۱۳۸۴ کلیه آیین‌نامه‌ها و دستورالعملهای اجرایی این قانون را تهیه و به تصویب برساند.

◀ ماده ۱۶۵

کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکتهای دولتی موضوع ماده (۴) "قانون محاسبات عمومی کشور، مصوب ۱۳۶۶/۶/۱" و سایر شرکتهایی که بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) سرمایه و سهام آنها منفرداً یا مشترکاً به وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و شرکتهای دولتی، به استثنای بانکها و مؤسسات اعتباری و شرکتهای بیمه قانونی، تعلق داشته باشند و همچنین شرکتهای و مؤسسات دولتی که شمول قوانین و مقررات عمومی به آنها، مستلزم ذکر یا تصریح نام است، از جمله: شرکت ملی نفت ایران و شرکتهای تابع و وابسته به وزارت نفت و شرکتهای تابعه آنها، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و شرکتهای تابعه، سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران و شرکتهای تابعه در موارد مربوط، مشمول مقررات این قانون می‌باشند.

◀ ماده ۱۶۶

کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون در طول اجرای آن ملغی‌الاثرباشد.

لایحه فوق مشتمل بر یکصد و شصت و شش ماده و چهل و چهار تبصره و نه جدول پیوست در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ سیزدهم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و سه به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.

مهدی کروبلی

رئیس مجلس شورای اسلامی

بخش هفتم

جداول کمی برنامه چهارم توسعه

جدول شماره ۱- شاخصهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مدیریتی برنامه چهارم توسعه

اجتماعی			
۱۳۸۸	۱۳۸۰	۱۳۷۰	نسبت هزینه ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین خانوارها
۱۴/۰	۱۹/۴	۳۳/۴	نسبت هزینه ۲۰٪ بالا به ۲۰٪ پایین خانوارها
۵/۵	۱۰/۰	۱۴/۲	ضریب جینی
-/۳۸	-/۴۳	-/۴۹	شاخص رفاه اجتماعی
۸۰۰	۴۲۳	۲۵۱	شاخص توسعه انسانی
-/۸۲۰	-/۷۱۹	-/۷۳۶	درصد جمعیت زیر خط فقر نسبی (۵۰٪ میانه درآمدی)
۷	۱۵	-	میزان مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال (در ۱۰۰۰ نفر)
۱۷/۰	۳۴/۰	۶۴/۵	امید به زندگی در بدو تولد (سال)
۷۳	۶۹/۸	۶۴/۷	

اقتصادی		
شاخص	رشد متوسط ۱۳۷۰-۸۰	رشد متوسط ۱۳۸۴-۸۸
رشد تولید ناخالص داخلی (٪)	۳/۹	۸
رشد تولید ناخالص داخلی سرانه (٪)	۲/۴	۶/۶
رشد سرمایه گذاری (٪)	۴/۳	۱۳/۲
رشد جمعیت (٪)	۱/۵	۱/۴
رشد بهره وری نیروی کار (٪)	۱/۳	۳/۵
رشد جمعیت بیکار (٪)	۴/۷	-۴/۲
رشد صادرات غیر نفتی (٪)	۵/۶	۱۰/۷
رشد نقدینگی (٪)	۲۷/۳	۲۰/۰
رخ تورم (٪)	۲۳/۰	۹/۹

ساختار دولت	
کاهش تعداد کارکنان دولت	کاهش نسبت بودجه کل کشور به تولید ناخالص داخلی
افزایش تعداد واحدهای دولتی که به روش قیمت تمام شده اداره می شوند	کاهش تعداد پست های مدیریتی و سرپرستی متوسط زمان تصدی مدیران در پست های مدیریتی
حجم تصدی های اجتماعی، فرهنگی واگذار شده به بخش غیر دولتی	درصد برخورداری دستگاههای دولتی از امکانات اینترنتی
کاهش نسبت بودجه کل کشور به تولید ناخالص داخلی	درصد رضایتمندی مراجعہ کنندگان از نحوه خدمات ارائه شده
کاهش تعداد پست های مدیریتی و سرپرستی متوسط زمان تصدی مدیران در پست های مدیریتی	متوسط سرانه آموزش مدیران و کارکنان دولت در سال
درصد برخورداری دستگاههای دولتی از امکانات اینترنتی	نسبت بودجه دستگاههای اجرایی که برای توسعه به بخش غیردولتی واگذار میشود
درصد رضایتمندی مراجعہ کنندگان از نحوه خدمات ارائه شده	
متوسط سرانه آموزش مدیران و کارکنان دولت در سال	
نسبت بودجه دستگاههای اجرایی که برای توسعه به بخش غیردولتی واگذار میشود	

فرهنگی، پژوهشی و فناوری		
وضع موجود	۱۳۸۸	۱۳۸۰
شاخص دستیابی به فناوری	۰/۲۶	۰/۴۵
شاخص توسعه آموزشی (از ۱۰۰)	۷۸	۸۴
درصد اعتبارات پژوهشی به تولید ناخالص داخلی	۰/۸۷	۲/۵
تعداد دانشمندان و مهندسان شاغل در تحقیق و توسعه (به ازای هر میلیون نفر)	۳۳۶	۲۰۰
تعداد ثبت جواز امتیاز علمی (به ازای هر میلیون نفر)	۱	۴
درصد صادرات کالاها و فناوری پیشرفته به کل صادرات غیر نفتی	۲	۶
درصد باسوادان ۶ ساله و بالاتر	۸۵/۵	۹۰
تعداد عناوین کتابهای منتشر شده به ۱۰۰ هزار نفر جمعیت	۳۳/۷	۵۴/۹

جدول شماره ۲ - تصویر شاخصهای کلان اقتصادی برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه

رشد متوسط سالانه (درصد)	رشد متوسط سالانه (درصد)	به قیمت‌های ثابت ۱۳۸۱				رشد متوسط سالانه (درصد)	شرح
		۱۳۹۴	۱۳۸۸	۱۳۸۳	۱۳۸۱		
۱۳۸۸-۹۴	۱۳۸۳-۸۸					۱۳۷۰-۸۰	
							سرمایه گذاری، رشد و ساختار تولید ملی
۸/۶	۸/۰	۲۵۳۸۲۷۲/۸	۱۵۴۲۲۹۰/۳	۱۰۵۱۰۱۸/۰	۹۲۲۲۳۳/۰	۳/۹	تولید ناخالص داخلی
۷/۳	۶/۵	۳۲۴۷۲/۱	۲۱۳۲۲/۸	۱۵۵۳۴/۷	۱۴۰۴۹/۳	۲/۴	تولید ناخالص داخلی سرانه (هزار ریال)
۵/۶	۶/۵	۲۲۶۶۶۷/۱	۱۶۳۵۹۵/۷	۱۱۹۲۰۵/۳	۱۰۷۸۹۲/۹	۳/۱	- کشاورزی
۳/۰	۳/۰	۳۱۲۷۶۷/۸	۲۶۱۹۳۸/۱	۲۲۵۹۵۰/۱	۲۰۳۲۸۶/۳	-۰/۸	- نفت
۱۰/۵	۱۱/۳	۶۲۲۰۹۸/۳	۳۲۲۰۷۳/۲	۲۰۰۸۷۱/۷	۱۷۰۶۳۱/۷	۵/۷	- صنایع و معادن
۱۲/۹	۱۱/۲	(۴۹۵۳۴۴/۰)	(۳۲۹۴۷۲/۶)	(۱۴۰۹۱۶/۳)	(۱۲۰۵۳۳/۹)	۵/۰	- (صنعت)
۱۰/۰	۹/۰	۱۳۷۵۹۲۱/۶	۷۷۶۶۸۳/۲	۵۰۴۲۹۰/۸	۴۴۰۱۲۲/۱	۵/۳	- خدمات
۹/۷	۱۲/۲	۹۲۳۲۱۴/۶	۵۳۵۸۶۹/۰	۳۰۱۲۲۴/۷	۲۵۹۱۴۲/۵	۴/۳	سرمایه گذاری
							جمعیت و نیروی انسانی
۱/۳	۱/۴	۷۸۱۷۴/۰	۷۲۲۹۰/۵	۶۷۶۵۶/۱	۶۵۶۵۷/۰	۱/۵	جمعیت (هزار نفر)
۱/۵	۱/۵	۶۵۰۰۹/۰	۵۹۲۵۷/۸	۵۵۳۰۳/۵	۵۳۴۷۹/۰	۳/۱	جمعیت ۱۰ ساله به بالا (هزار نفر)
۳/۴	۳/۴	۳۱۲۰۴/۰	۲۵۵۲۹/۴	۲۱۵۶۸/۴	۲۰۱۷۳/۰	۲/۸	عرشه نیروی کار (هزار نفر)
۱/۹	۲/۰	۴۸/۰	۴۳/۰	۳۹/۰	۳۷/۷	-۰/۴	نرخ مشارکت (درصد)
۲/۸	۳/۵	۸۷۴۷۴/۲	۶۶۰۲۵/۶	۵۵۵۹۱/۸	۵۲۲۲۷/۸	۱/۳	بهره وری نیروی کار (هزار ریال)
۳/۷	۴/۳	۲۹۰۱۹/۷	۲۳۳۸۹/۳	۱۸۹۰۶/۰	۱۷۵۹۱/۰	۲/۶	تفاضل نیروی کار (هزار نفر)
-۱/۳	-۲/۲	۲۱۸۴/۳	۲۱۵۰/۱	۳۶۶۲/۴	۲۵۸۲/۰	۴/۷	جمعیت بیکار (هزار نفر)
		۷/۰	۸/۴	۱۲/۳	۱۲/۸	۱/۸	نرخ بیکاری (درصد)
							بخش خارجی
۳/۶	۴/۷	۴۷۱۷۸/۴	۳۸۰۸۲/۰	۳۰۲۷۳/۰	۲۸۱۸۶/۰	۲/۵	صادرات کالا (میلیون دلار)
۳/۵	۱۰/۷	۱۵۷۴۵/۴	۱۲۸۱۷/۰	۷۷۲۰/۰	۵۳۷۹/۰	۵/۶	صادرات کالاهای غیر نفتی (میلیون دلار)
۷/۴	۱۲/۸	۱۱۸۰۹/۰	۷۶۹۰/۲	۴۸۶۰/۰	۲۶۱۹/۷	۱۳/۴	صادرات صنعتی (میلیون دلار)
۱/۸	۶/۶	۴۷۱۷۸/۴	۴۳۳۸۸/۰	۳۰۷۲۲/۰	۲۳۷۸۶/۰	-۳/۲	واردات کالا (میلیون دلار)
-	-	-۰	-۴۲۰۶/۰	-۴۶۹/۰	۴۴۰/۰	-	تراز تجاری (میلیون دلار)
-۱/۲	۴/۰	۳۴۹۰/۰	۳۸۰۲/۰	۷۰۷/۵	۶۲۰/۹	-	سرمایه گذاری خارجی (میلیون دلار)
		۷/۹	۲/۷			۱/۷	شاخص سرعت تعامل با اقتصاد جهانی
							نقدینگی و تورم *
۱۴/۲	۲۰/۰	۳۶۶۱۷۲۵/۴	۱۶۳۴۲۷۹/۸	۶۵۶۷۸۰/۴	۴۱۷۵۲۴/۰	۲۷/۳	نقدینگی
۵/۰	۹/۹			۱۴/۵	۱۵/۸	-	نرخ تورم (درصد)

* اطلاعات این بخش به قیمت‌های جاری می باشد

فروض اساسی در برنامه چهارم:

- افزایش بهره وری نیروی کار، بهره وری سرمایه و بهره وری کل عوامل تولید با رشد متوسط سالانه به ترتیب ۱، ۳/۵ و ۲/۵ درصد در برنامه چهارم و افزایش سهم بهره وری کل عوامل تولید در رشد تولید ناخالص داخلی به ۳۱/۳ درصد.
- افزایش نسبت سرمایه گذاری به تولید از ۲۸/۷ درصد به ۳۴/۷ درصد.
- افزایش نسبت صادرات غیر نفتی به تولید ناخالص داخلی از ۶/۳ درصد به ۱۰ درصد.
- نرخ برابری دلار: رشد ۷/۷ طی دوره، ۱۱۹۲۲ ریال در سال ۱۳۸۸
- افزایش نسبت سرمایه گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی از ۰/۶ درصد به ۳ درصد.
- کاهش نرخ تورم از ۱۷ درصد به ۶/۸ درصد (به طور متوسط ۹/۹ درصد طی برنامه)
- کاهش نرخ بیکاری به ۸/۴ درصد در سال ۱۳۸۸

جدول شماره ۲-۱- تولید ناخالص داخلی و ارزش افزوده بخشهای اقتصادی در برنامه چهارم توسعه

میلیارد ریال - قیمت‌های ثابت ۱۳۸۱

رشد متوسط (%)	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	
۶/۵	۱۶۳.۵۹۵/۷	۱۵۲.۰۰۷/۳	۱۴۲.۳۱۳/۳	۱۳۲.۹۵۰/۳	۱۲۶.۵۲۱/۹	۱۱۹.۴۰۵/۴	ارزش افزوده بخش کشاورزی
۳/۰	۲۶۱.۹۳۸/۱	۲۵۲.۸۷۴/۶	۲۴۵.۰۰۸/۲	۲۳۸.۱۶۰/۸	۲۳۱.۸۸۱/۸	۲۲۵.۹۵۰/۱	ارزش افزوده بخش نفت
۱۱/۲	۳۴۲.۱۰۳/۸	۳۰۴.۳۲۶/۳	۲۷۲.۹۲۴/۹	۲۴۵.۸۰۲/۶	۲۲۱.۸۸۷/۴	۲۰۰.۸۷۱/۷	ارزش افزوده بخش صنایع و معادن
۱۱/۲	۲۳۹.۴۷۲/۶	۲۱۳.۰۲۸/۵	۱۹۱.۰۰۴۷/۴	۱۷۲.۰۶۱/۹	۱۵۵.۳۲۱/۲	۱۴۰.۶۱۰/۲	صنعت
۱۱/۲	۹.۲۳۶/۸	۸.۲۱۶/۸	۷.۳۶۸/۹	۶.۶۳۶/۷	۵.۹۹۱/۰	۵.۴۲۳/۵	معادن
۱۱/۹	۸۰.۳۹۴/۴	۷۱.۰۶۰/۲	۶۳.۳۱۸/۶	۵۶.۷۸۰/۴	۵۰.۸۱۳/۲	۴۵.۷۹۸/۷	ساختمان
۷/۵	۱۲.۹۹۹/۹	۱۲.۰۲۰/۹	۱۱.۱۸۹/۹	۱۰.۳۳۳/۷	۹.۷۶۳/۱	۹.۰۳۹/۲	آب و برق و گاز
۹/۰	۷۷۶.۶۵۲/۷	۷۰۳.۴۹۸/۸	۶۴۲.۹۸۸/۶	۵۹۱.۰۲۴/۳	۵۴۵.۳۴۸/۹	۵۰۴.۷۹۰/۸	ارزش افزوده بخش خدمات
۱۱/۰	۲۵۶.۲۶۸/۰	۲۲۸.۷۲۵/۹	۲۰۵.۲۲۵/۷	۱۸۵.۲۱۴/۴	۱۶۷.۶۹۷/۵	۱۵۲.۲۶۰/۶	بازرگانی، رستوران و هتلداری
۱۱/۰	۱۳۶.۰۴۹/۹	۱۲۱.۲۰۶/۷	۱۰۸.۷۹۶/۷	۹۸.۱۸۰/۱	۸۸.۹۰۹/۳	۸۰.۷۳۹/۰	حمل و نقل و انبارداری
۱۸/۰	۲۶.۳۶۷/۴	۲۱.۱۲۲/۰	۱۸.۱۴۹/۲	۱۵.۶۱۹/۶	۱۳.۴۳۲/۰	۱۱.۵۲۵/۴	ارتباطات
۹/۰	۲۲۰.۱۸۳/۸	۱۹۹.۸۱۱/۱	۱۸۲.۶۴۰/۶	۱۶۷.۸۹۴/۸	۱۵۴.۹۳۳/۱	۱۴۳.۴۲۳/۱	مؤسسات پولی و مالی
-۰/۱	۹۰.۶۴۷/۸	۹۱.۳۳۸/۷	۹۱.۵۵۲/۲	۹۱.۶۵۵/۰	۹۱.۴۹۳/۷	۹۱.۰۹۶/۴	خدمات عمومی
۱۲/۹	۴۷.۱۳۵/۸	۴۱.۳۹۴/۴	۳۶.۵۷۴/۲	۳۲.۴۶۰/۴	۲۸.۸۸۳/۴	۲۵.۷۴۶/۳	خدمات اجتماعی و شخصی
۸/۰	۱.۵۴۴.۲۹۰/۳	۱.۴۱۲.۷۰۷/۰	۱.۳۰۳.۲۳۵/۰	۱.۲۰۸.۹۳۸/۰	۱.۱۲۵.۶۴۰/۰	۱.۰۵۱.۰۱۸/۰	تولید ناخالص داخلی

جدول شماره ۲-۲- تولید ناخالص داخلی و ارزش افزوده بخشهای اقتصادی در برنامه چهارم توسعه

میلیارد ریال - قیمت‌های ثابت ۱۳۸۱

رشد متوسط (%)	۱۳۸۸				۱۳۸۳		
	جمع	رشد (درصد)	از محل ارتقای بهره‌وری عوامل	رشد (درصد)			از محل منابع تولید (کار و سرمایه)
۶/۵	۱۶۳.۵۹۵/۷	۴/۰	۲۸.۶۰۱/۵	۲/۵	۱۳۴.۹۹۴/۲	۱۱۹.۴۰۵/۴	ارزش افزوده بخش کشاورزی
۳/۰	۲۶۴.۵۵۸/۲	۱/۰	۰/۰	۲/۰	۲۵۲.۳۰۹/۹	۲۲۸.۲۱۰/۲	ارزش افزوده بخش نفت و گاز
۱۱/۳	۳۳۹.۴۸۳/۶	۴/۲	۵۸.۹۳۲/۹	۷/۲	۲۸۰.۵۵۰/۷	۱۹۸.۶۱۱/۵	ارزش افزوده بخش صنایع و معادن
۱۱/۲	۲۳۹.۴۷۲/۶	۴/۵	۴۴.۷۱۷/۹	۶/۷	۱۹۴.۷۵۴/۷	۱۴۰.۶۱۰/۲	صنعت
۱۱/۲	۹.۲۳۶/۸	۴/۵	۱.۷۲۱/۷	۶/۷	۷.۵۱۵/۱	۵.۴۲۳/۵	معادن
۱۱/۹	۸۰.۳۹۴/۴	۳/۱	۱۰.۶۹۲/۳	۸/۸	۶۹.۷۰۲/۱	۴۵.۷۹۸/۷	ساختمان
۸/۹	۱۰.۳۷۹/۸	۴/۱	۱.۸۰۱/۱	۴/۸	۸.۵۷۸/۷	۶.۷۷۹/۱	آب و برق
۹/۰	۷۷۶.۶۵۲/۷	۱/۹	۷۰.۸۶۹/۰	۶/۹	۷۰۵.۷۸۳/۷	۵۰۴.۷۹۰/۸	ارزش افزوده بخش خدمات
۱۱/۰	۱۳۶.۰۴۹/۹	۴/۰	۲۲.۸۰۹/۳	۷/۰	۱۱۳.۲۴۰/۶	۸۰.۷۳۹/۰	حمل و نقل، انبارداری
۱۸/۰	۲۶.۳۶۷/۴	۷/۶	۷.۴۶۵/۶	۱۰/۴	۱۸.۹۰۱/۸	۱۱.۵۲۵/۴	ارتباطات
۸/۳	۶۱۴.۲۳۵/۴	۱/۵	۴۸.۰۵۹/۷	۶/۸	۵۷۳.۶۴۱/۳	۴۱۲.۵۲۶/۴	سایر خدمات
۸/۰	۱.۵۴۴.۲۹۰/۲	۲/۵	۱۵۸.۴۰۳/۴	۵/۵	۱.۳۷۳.۶۳۸/۵	۱.۰۵۱.۰۱۸/۰	تولید ناخالص داخلی

جدول شماره ۳- پیش‌بینی بخش واقعی اقتصاد در برنامه چهارم توسعه

میلیارد ریال

رشد (%)	جمع برنامه چهارم	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳		
۸/۰	۶,۵۹۴,۸۱۰	۱,۵۴۴,۲۹۰	۱,۴۱۲,۷۰۷	۱,۳۰۳,۲۳۵	۱,۲۰۸,۹۳۸	۱,۱۲۵,۶۴۰	۱,۰۵۱,۰۱۸	تولید ناخالص داخلی	۱۳۸۱ ثابت قیمت
۶/۰	۳,۵۳۵,۳۲۲	۸۰۰,۶۱۶	۷۴۵,۳۲۲	۷۰۰,۴۴۴	۶۶۱,۷۰۷	۶۲۷,۲۳۳	۵۹۸,۲۶۷	هزینه های مصرفی کل	
۱۰/۴	۳,۰۵۹,۴۸۸	۷۴۳,۶۷۴	۶۶۷,۳۸۵	۶۰۲,۷۹۱	۵۴۷,۲۳۱	۴۹۸,۴۰۷	۴۵۲,۷۵۱	پس انداز ناخالص داخلی	
۶/۱	۱,۰۶۶,۳۱۵	۲۳۷,۳۶۶	۲۲۵,۵۰۴	۲۱۳,۳۶۷	۲۰۱,۱۳۳	۱۸۸,۹۴۵	۱۷۶,۹۲۲	تغییر در موجودی انبار	
۱۲/۹	۱,۹۹۳,۱۷۳	۵۰۶,۳۰۸	۴۴۱,۸۸۱	۳۸۹,۴۲۴	۳۴۶,۰۹۸	۳۰۹,۴۶۲	۲۷۵,۸۲۹	پس انداز منهای تغییر موجودی	
۱۲/۲	۲,۱۲۸,۹۸۵	۵۳۵,۸۶۹	۴۶۹,۴۴۳	۴۱۵,۸۸۱	۳۷۲,۳۵۳	۳۳۵,۴۴۱	۳۰۱,۴۲۵	تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی	
۲/۹	-۱۳۵,۸۱۲	-۲۹,۵۶۰	-۲۷,۵۶۲	-۲۶,۴۵۷	-۲۶,۲۵۵	-۲۵,۹۷۹	-۲۵,۵۹۶	کسری پس انداز	
۹/۹	-	۲۲۰	۲۰۶	۱۹۱	۱۷۵	۱۵۷	۱۳۷	شاخص قیمت (۱۳۸۱=۱۰۰)	
۲۴/۱	۳,۸۵۹,۴۸۰	۱,۱۱۳,۸۷۸	۹۱۰,۲۷۵	۷۴۳,۸۰۰	۶۰۵,۶۷۲	۴۸۵,۸۵۵	۳۷۷,۸۸۶	پس انداز منهای تغییر موجودی	۱۳۸۱ ثابت قیمت
۲۳/۳	۴,۱۱۸,۵۵۴	۱,۱۷۸,۹۱۱	۹۶۷,۰۵۲	۷۹۴,۳۳۲	۶۵۱,۶۱۸	۵۲۶,۶۴۲	۴۱۲,۹۵۲	تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی	
۱۳/۱	-۲۵۹,۰۷۴	-۶۵,۰۳۳	-۵۶,۷۷۷	-۵۰,۵۳۲	-۴۵,۹۶۶	-۴۰,۷۸۷	-۳۵,۰۶۷	کسری پس انداز	
۷/۰	-	۱۱,۹۲۲	۱۱,۱۴۲	۱۰,۴۱۳	۹,۷۳۲	۹,۰۹۵	۸,۵۰۰	نرخ ارز (ریال)	
۵/۷	-۲۴,۶۱۰	-۵,۴۵۵	-۵,۰۹۶	-۴,۸۵۳	-۴,۷۲۱	-۴,۴۸۵	-۴,۱۲۵	کسری پس انداز (میلیون دلار)	

جدول شماره ۴- چارچوب کلی بودجه عمومی دولت در برنامه چهارم توسعه (۸۸-۱۳۸۴)

مبلغ به میلیارد ریال									
رشد	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	عنوان
(درصد)	۱۰	۹	۸	۷	۵	۴	۳	۲	۱
۱/۵	۷۵۸۶۴۵/۰	۶۷۰۸۰۸/۲	۵۹۳۱۱۰/۶	۵۲۱۱۸۳/۶	۴۵۷۴۹۱/۴	۴۵۹۹۲۴/۶	۳۸۲۳۰۰/۶	۲۱۳۱۴۷/۹	منابع
۱۸/۱	۵۱۱۱۶۷/۰	۴۳۹۴۷/۵	۳۷۶۸۵/۸	۳۲۲۷۲۷/۳	۲۷۰۲۰۶/۱	۲۲۲۶۶۵/۸	۱۸۲۸۵۹/۰	۶۱۹۷۳/۵	درآمدها
۲۴/۲	۲۶۲۶۲/۴	۲۱۸۵۵/۷	۱۸۲۵۲/۹	۱۵۰۳۹۷/۷	۱۱۷۸۳۰/۲	۸۸۹۹۸/۲	۶۵۰۲۳/۰	۵۰۵۸۷/۰	درآمدهای مالیاتی
۱۲/۳	۱۸۵۷۴/۰	۱۶۶۴۴/۰	۱۵۰۹۳۷/۰	۱۳۶۷۶/۰	۱۲۳۴۱۷/۰	۱۰۴۰۰۰/۰	۱۰۳۸۸۶/۰	۰/۰	شفاف سازی قیمت حاملهای انرژی
۱۶/۲	۶۲۷۲۱/۵	۵۲۹۲۷/۸	۴۳۳۹۹/۹	۳۵۵۷۳/۷	۲۹۱۵۸/۷	۲۹۶۶۷/۶	۱۳۹۵۰/۰	۱۱۳۸۶/۵	سایر درآمدها
۶/۳	۲۰۴۳۱/۹	۱۸۶۱۱۷/۳	۱۶۶۱۱۸/۱	۱۴۸۰۵۴/۷	۱۳۲۷۶۴/۸	۱۵۰۸۳۳/۷	۱۳۷۲۴۷/۳	۱۰۳۱۸۳/۲	واگذاری دارائی های سرمایه ای
۵/۸	۱۹۲۲۲۲/۳	۱۷۵۹۵۳/۵	۱۵۷۵۱۷/۵	۱۴۰۷۳۴/۵	۱۲۸۴۹۴/۲	۱۲۵۲۹۰/۰	۱۳۲۸۸۷/۳	۱۰۱۱۲۶/۸	بهره مالکانه نفت
-۱۰۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۱۵۰۰/۰	۱۵۰۰/۰	۱۵۰۰/۰	فروش فرآورده های نفتی
۲۱/۲	۱۲۰۶۸/۷	۱۰۱۶۲/۸	۸۶۰۰/۷	۷۳۲۰/۲	۶۲۷۰/۷	۴۰۴۳/۷	۸۷۰/۰	۵۵۶/۴	واگذاری سایر دارائی های سرمایه ای
-۱۳/۰	۴۳۱۶۷/۱	۴۶۷۳۲/۴	۵۰۱۳۳/۷	۵۰۳۸۱/۶	۵۳۳۲۰/۵	۸۶۴۲۵/۱	۶۲۱۹۴/۳	۴۷۹۹۱/۲	واگذاری دارائی های مالی
۱۰/۵	۷۵۸۶۴۴/۹	۶۷۰۸۰۸/۲	۵۹۳۱۱۰/۷	۵۲۱۱۸۳/۶	۴۵۷۴۹۱/۴	۴۵۹۹۲۴/۶	۳۸۲۳۰۰/۶	۲۱۳۱۴۷/۹	مصارف
۱۰/۰	۳۲۵۳۷۲/۹	۲۹۵۷۹۳/۶	۲۶۸۹۰۳/۳	۲۴۴۵۷/۵	۲۲۲۳۳/۱	۲۰۰۸۳۵/۷	۱۸۱۸۶۳/۹	۱۴۸۲۹۳/۳	اعتبارات هزینه ای (جاری)
-۱۰/۲	۱۶۳۳۱/۰	۸۴۶۵/۰	۹۲۵۰/۸	۹۶۴۹۸/۰	۹۲۷۹۰/۰	۱۰۴۰۰۰/۰	۱۰۳۸۸۶/۰	۰/۰	پارانه حاملهای انرژی
-	۷۵۹۰۰/۰	۵۶۷۶۶/۰	۳۴۴۹/۰	۲۰۳۷۸/۰	۱۰۶۲۷/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	اعتبارات جبرانی هدفمند کردن پارانه انرژی
-	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۱۰۸۵۵/۰	۰/۰	۰/۰	هزینه واردات بنزین
۲۲/۲	۲۷۵۸۴۱/۰	۲۱۳۳۳/۶	۱۷۱۰۷۰/۴	۱۳۲۷۶/۱	۱۰۲۸۲۰/۷	۹۹۸۶۱/۳	۶۰۹۹۷/۰	۳۷۲۱۲/۵	تملك دارائی های سرمایه ای(عمرانی)
-۱۶/۸	۱۹۲۰۰/۰	۱۹۲۰۰/۰	۲۲۲۰۰/۰	۲۵۲۰۴/۰	۲۸۰۱۹/۶	۴۳۳۷۲/۷	۳۵۵۵۳/۷	۲۷۶۳۸/۱	تملك دارائی های مالی
-۱۰۳/۶	۰/۰	-۲۴۲۸۷/۱	-۴۲۹۸۱/۵	-۵۸۴۸۶/۲	-۷۵۲۴۵/۰	-۸۲۱۶۹/۹	-۱۰۲۸۹۰/۹	-۸۶۳۲۳/۸	تراز عملیاتی بودجه
-۲۰۷/۰	-۷۱۵۳۰/۱	-۲۸۲۵۶/۳	-۴۹۵۲/۳	۱۳۳۰۸/۶	۳۱۹۴۴/۱	۵۰۹۷۲/۴	۷۶۲۵۰/۳	۶۵۹۷۰/۷	تراز دارائیهای سرمایه ای
-۱۰/۶	۲۳۹۶۷/۱	۲۷۵۴۳/۴	۲۷۹۳۳/۷	۲۵۱۱۷/۶	۲۴۳۰۰/۹	۴۲۰۵۲/۵	۲۶۶۴۰/۶	۲۰۳۵۳/۱	تراز دارائیهای مالی
-	۲۷۵۶۳/۰	۲۵۰۰۰/۰	۲۰۰۰۰/۰	۲۰۰۰۰/۰	۱۹۰۰۰/۰	-۱۰۸۵۵/۰	۰/۰	۰/۰	تراز پارانه انرژی
-	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	تراز کلی بودجه

فروض اساسی برنامه چهارم:

- افزایش نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی به ۸ درصد در سال ۱۳۸۸
- برآورد منابع حاصل از عواید نفت بر مبنای ۸۱۶۰۴ میلیون دلار طی برنامه شامل ۵۹۷۱ میلیون دلار مالیات عملکرد و ۷۵۶۳۲ میلیون دلار بهره مالکانه نفت و گاز
- استفاده ۱۵۳۹۶ میلیون دلار از حساب ذخیره ارزی
- کاهش تدریجی فروش اوراق مشارکت از ۸۵۰۰ میلیارد ریال به صفر
- محدود کردن رشد اعتبارات هزینه ای به سالانه ۱۰٪ به عبارت دیگر ثبات این اعتبارات به قیمت ثابت
- حذف تدریجی منابع حاصل از واگذاری شرکتهای دولتی و اختصاص آن به بازسازی و نوسازی صنایع
- تأمین تدریجی کل اعتبارات هزینه ای از محل منابع غیر نفتی بودجه عمومی

جدول شماره ۵- پیش‌بینی تراز پرداختهای خارجی در برنامه چهارم توسعه

میلیون دلار

رشد(%)	جمع برنامه چهارم	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	
۵/۷	-۲۴.۶۱۰	-۵.۴۵۵	-۵.۰۹۶	-۴.۸۵۳	-۴.۷۲۱	-۴.۴۸۵	-۴.۱۲۵	۲.۳۴۳	۳.۷۲۱	تراز حساب جاری
۵۵/۸	-۱۲.۵۱۵	-۴.۳۰۶	-۳.۱۴۶	-۲.۲۹۸	-۱.۶۶۲	-۱.۱۰۳	-۴۶۹	۵.۸۱۹	۴.۴۰۰	تراز بازرگانی
۴/۷	۱۷۲.۸۷۲	۳۸.۰۸۲	۳۶.۶۳۴	۳۴.۳۲۹	۳۲.۷۲۸	۳۱.۱۹۹	۳۰.۲۷۲	۳۰.۰۶۹	۲۸.۱۸۶	صادرات
۲/۳	۱۲۰.۰۰۹	۲۵.۳۶۵	۲۵.۰۵۲	۲۳.۷۷۴	۲۳.۲۷۳	۲۲.۶۴۵	۲۲.۵۵۳	۲۳.۰۹۴	۲۲.۸۰۷	نفت و گاز
-۱/۵	۹۲.۰۰۰	۱۹.۰۱۶	۱۸.۹۲۶	۱۸.۰۸۳	۱۸.۰۱۱	۱۷.۹۶۴	۱۸.۵۰۹	۱۹.۱۳۵	۱۸.۷۰۲	نفت خام
۱۰/۷	۵۲.۸۶۳	۱۲.۸۱۷	۱۱.۵۸۲	۱۰.۴۶۵	۹.۴۵۵	۸.۵۴۴	۷.۷۲۰	۶.۹۷۵	۵.۳۷۹	صادرات غیرنفتی
۶/۶	۱۸۵.۳۸۷	۴۲.۳۸۸	۳۹.۷۸۰	۳۶.۵۳۷	۳۴.۳۹۰	۳۲.۲۹۲	۳۰.۷۴۲	۲۴.۳۵۰	۲۳.۷۸۶	واردات
-۹/۸	-۱۸.۹۰۵	-۲.۷۸۲	-۳.۴۴۵	-۳.۹۰۵	-۴.۲۸۶	-۴.۴۹۷	-۴.۶۷۰	-۴.۳۹۸	-۱.۸۶۵	خدمات
۱۴/۹	۴۰.۰۶۹	۱۰.۷۰۳	۹.۰۷۳	۷.۶۶۲	۶.۷۱۹	۵.۹۱۲	۵.۳۳۷	۴.۴۹۵	۵.۶۹۹	دریافت
۶/۱	۵۸.۹۷۴	۱۳.۴۸۵	۱۳.۵۰۸	۱۱.۵۶۷	۱۱.۰۰۵	۱۰.۴۰۹	۱۰.۰۰۷	۸.۸۹۳	۷.۵۶۴	پرداخت
۱۰/۰	۶.۸۱۰	۱.۶۳۳	۱.۴۸۵	۱.۳۵۰	۱.۲۲۷	۱.۱۱۵	۱.۰۱۴	۹۲۲	۱.۱۹۶	انتقالات
-۱/۶	۳۱.۳۱۰	۵.۸۵۵	۶.۰۹۶	۶.۰۵۳	۶.۶۲۱	۶.۶۸۵	۶.۳۳۶	۱.۷۶۱	۲.۹۴۳	تراز حساب سرمایه
-۹/۶	۲۴.۳۷۲	۳.۹۹۳	۴.۵۷۶	۴.۶۷۶	۵.۳۹۹	۵.۷۲۸	۶.۶۲۱	۳۰۰	۴.۱۱۳	بلندمدت (خالص)
-۱۹/۸	۱۷.۳۷۲	۱.۹۴۳	۲.۹۲۶	۳.۳۲۶	۴.۲۹۹	۴.۸۷۸	۵.۸۷۱	۰	۳.۸۶۳	دولتی
۱۹/۷	۷.۰۰۰	۱.۶۰۰	۱.۵۵۰	۱.۴۵۰	۱.۳۰۰	۱.۱۰۰	۶۵۰	-۱۵۰		بمع متقابل
-۲۲/۰	۱۰.۳۷۲	۳۴۳	۱.۳۷۶	۱.۸۷۶	۲.۹۹۹	۳.۷۷۸	۵.۲۲۱	۱۵۰		دیون
۲۲/۳	۷.۰۰۰	۲.۰۵۰	۱.۶۵۰	۱.۳۵۰	۱.۱۰۰	۸۵۰	۷۵۰	۳۰۰	۲۵۰	سایر
-۲۴۵/۶	۶.۹۳۸	۱.۸۶۲	۱.۵۲۰	۱.۳۷۷	۱.۲۲۲	۹۵۷	-۲۸۵	۱.۴۶۱	-۱.۱۷۰	کوتاه مدت
-۲۴۵/۶	۶.۹۳۸	۱.۸۶۲	۱.۵۲۰	۱.۳۷۷	۱.۲۲۲	۹۵۷	-۲۸۵	۱.۴۶۱	-۷۴	حساب ذخیره ارزی و سرمایه گذاری
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-۱.۰۹۶	بانکها و سایر
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-۱.۸۱۶	اشتباهات آماری
-۲۹/۰	۶.۷۰۰	۴۰۰	۱.۰۰۰	۱.۲۰۰	۱.۹۰۰	۲.۲۰۰	۲.۲۱۱	۴.۱۰۲	۴.۸۵۸	موازنه کل (تغییر در ذخایر بین‌المللی)

جدول شماره ۶- خلاصه ترازنامه تلفیقی سیستم بانکی

(میلیارد ریال)

۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	
								دارائی ها :
۱۱۵۸۲۵/۴	۱۱۵۸۲۵/۴	۱۱۵۸۲۵/۴	۱۱۵۸۲۵/۴	۱۱۵۸۲۵/۴	۱۱۵۸۲۵/۴	۸۸۲۱۶/۶	۶۱۰۳۴/۸	خالص دارائی های خارجی
۸۷۲۸۳/۵	۸۷۲۸۳/۵	۸۷۲۸۳/۵	۸۷۲۸۳/۵	۸۷۲۸۳/۵	۸۷۲۸۳/۵	۱۳۰۴۲۰/۰	۱۳۶۸۹۵/۸	خالص بدهی بخش دولتی
۱۴۹۹۱۷۰/۹	۱۲۷۱۷۹۶/۷	۱۰۵۷۱۸۴/۰	۸۵۸۴۶۸/۵	۶۷۹۲۹۸/۸	۵۲۱۶۷۱/۵	۳۷۱۷۰۵/۱	۲۷۷۵۷۸/۰	بدهی بخش غیر دولتی
۱۷۰۲۲۷۹/۸	۱۴۷۴۹۰۵/۶	۱۲۶۰۲۹۲/۹	۱۰۶۱۵۷۷/۴	۸۸۲۴۰۷/۷	۷۲۴۷۸۰/۴	۵۹۰۳۴۱/۷	۴۷۵۵۰۸/۶	جمع
								بدهی ها :
۱۶۳۴۲۷۹/۸	۱۴۰۶۹۰۵/۶	۱۱۹۲۲۹۲/۹	۹۹۳۵۷۷/۴	۸۱۴۴۰۷/۷	۶۵۶۷۸۰/۴	۵۲۲۳۳۱/۱	۴۱۷۵۲۴/۰	نقدینگی
۶۸۰۰۰/۰	۶۸۰۰۰/۰	۶۸۰۰۰/۰	۶۸۰۰۰/۰	۶۸۰۰۰/۰	۶۸۰۰۰/۰	۶۸۰۱۰/۶	۵۷۹۸۴/۶	خالص سایر بدهی ها

جدول شماره ۷- منابع مالی برنامه چهارم توسعه (برای تأمین منابع مالی سرمایه‌گذاری ثابت برنامه)

برای تأمین منابع مالی سرمایه‌گذاری ثابت برنامه									
به قیمت های جاری	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	
الف- منابع داخلی (میلیارد ریال)	۳۷۹۳۵۶۴/۵	۱۱۰۹۱۰۷/۷	۸۹۹۱۳۰/۴	۷۲۱۳۰۲/۱	۵۸۷۱۸۲/۶	۴۶۵۸۴۱/۹	۳۶۲۷۹۵/۰	۲۸۲۰۱۵/۶	۲۱۵۴۸۷/۵
۱- بودجه عمومی دولت	۸۹۸۸۵۱/۸	۲۷۵۸۴۱/۰	۲۱۴۲۷۳/۶	۱۷۱۰۷۰/۴	۱۴۴۷۴۶/۱	۱۰۲۸۲۰/۷	۹۹۸۶۱/۳	۶۰۹۹۷/۰	۳۷۲۱۲/۵
۱-۱- از محل منابع عمومی	۸۸۰۲۵۱/۸	۲۷۵۸۴۱/۰	۲۱۴۲۷۳/۶	۱۶۷۰۷۰/۴	۱۴۴۲۶۶/۱	۹۵۸۲۰/۷	۹۱۳۶۱/۳	۵۳۲۱۲/۰	۴۴۷۱۴/۴
۲-۱- از محل فروش اوراق مشارکت	۱۸۵۰۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۵۵۰۰/۰	۷۰۰۰/۰	۸۵۰۰/۰	۷۷۸۵/۰	۲۴۹۸/۱
۲- بودجه شرکت های دولتی	۴۷۲۲۹۶/۱	۱۱۶۹۲۷/۹	۱۰۷۸۱۱/۸	۹۳۵۷۱/۲	۸۲۴۴۸/۵	۷۲۶۳۶/۶	۴۲۴۹۸/۵	۳۲۹۲۷/۶	۲۵۴۲۸/۴
۱-۲- از محل استفاده از تسهیلات سیستم بانکی	۱۴۸۰۰/۰	۰/۰	۱۴۸۰۰/۰	۲۹۶۰/۰	۴۴۴۰/۰	۵۹۲۰/۰	۷۲۰۰/۰	۷۴۰۰/۰	۱۱۰۱۱/۰
۲-۲- از محل سایر منابع	۴۵۸۲۹۶/۱	۱۱۶۹۲۷/۹	۱۰۶۳۳۱/۸	۹۰۶۱۱/۲	۷۷۹۰۸/۵	۶۶۷۱۶/۶	۳۵۰۹۸/۵	۲۵۵۲۷/۶	۱۴۴۱۷/۴
۳- منابع بخش خصوصی	۲۴۲۰۴۱۶/۶	۷۱۶۳۳۸/۸	۵۷۶۹۴۵/۰	۴۶۶۶۶۰/۵	۳۷۰۰۸۷/۸	۲۹۰۳۸۴/۶	۲۲۰۴۳۵/۲	۱۸۸۰۹۱/۰	۱۵۲۸۴۶/۶
۱-۳- از محل تسهیلات سیستم بانکی	۹۱۰۵۹۳/۲	۲۲۲۶۰۵/۴	۲۰۳۴۷۰/۷	۱۸۶۲۱۹/۹	۱۶۰۶۷۸/۹	۱۳۷۶۱۸/۳	۱۲۴۲۹۱/۷	۹۴۱۲۷/۱	۷۳۷۸۵/۸
۲-۳- از محل سب انداز بخش خصوصی	۸۱۵۲۳۳/۹	۲۰۰۳۴۴/۹	۱۸۳۱۳۳/۶	۱۶۷۵۹۷/۹	۱۴۴۶۱۱/۰	۱۲۳۸۵۶/۵	۹۲۰۵۵/۵	۹۳۹۶۳/۹	۷۹۰۶۰/۸
۳-۳- از محل سایر منابع *	۶۹۰۳۸۹/۵	۲۹۳۸۸۸/۵	۱۹۰۳۵۰/۷	۱۱۲۸۴۲/۷	۶۶۷۹۷/۹	۲۸۹۰۹/۸	-	-	-
ب- منابع خارجی (میلیون دلار)	۳۱۳۱/۰	۵۸۵۵/۰	۶۰۹۶/۰	۶۰۵۳/۰	۶۶۳۱/۰	۶۶۸۵/۰	۶۶۲۱/۰	۱۷۶۱/۰	۳۳۳۱/۰
۱- تسهیلات فاینانس	۱۰۳۲۲/۰	۳۴۴/۰	۱۳۷۶/۰	۱۸۷۶/۰	۲۹۹۱/۰	۳۷۷۸/۰	۵۲۲۱/۰	۱۵۰/۰	-
۲- سایر تسهیلات موضوع بند (ب) ماده ۳ قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی	۷۰۰۰/۰	۱۶۰۰/۰	۱۵۵۰/۰	۱۴۵۰/۰	۱۳۰۰/۰	۱۱۰۰/۰	۶۵۰/۰	-۱۵۰/۰	۳۰۸۱/۰
۳- سرمایه‌گذاری خارجی	۱۴۹۸/۰	۳۹۱۲/۰	۳۱۷۰/۰	۳۷۲۷/۰	۳۲۲۲/۰	۱۸۰۷/۰	۷۵۰/۰	۱۷۶۱/۰	۲۵۰/۰
جمع منابع	۴۱۱۸۵۵۵/۰	۱۱۷۸۹۱۱/۰	۹۶۷۰۵۲/۰	۷۹۴۳۳۲/۰	۶۵۱۶۱۸/۰	۵۲۶۶۴۲/۰	۴۱۲۹۵۲/۰	۳۰۹۵۲۵/۰	۲۳۹۰۳۱/۵

فروض اساسی در برنامه چهارم:

- منابع قابل تأمین از محل بودجه عمومی براساس جدول شماره ۴
- منابع قابل تأمین از بودجه شرکتهای دولتی بر مبنای حذف تدریجی تسهیلات سیستم بانکی و ثبات سهم سرمایه‌گذاری این شرکتها
- رشد متوسط سالانه سرمایه‌گذاری به قیمت ثابت - ۱۲/۲ درصد
- نرخ متوسط تورم - ۹/۹ درصد، سال ۱۳۸۸ - ۶/۸٪
- نرخ برابری دلار: رشد متوسط سالانه ۷٪، ۱۹۲۲ ریال در سال ۱۳۸۸
- منابع قابل تأمین بخش خصوصی براساس تسهیلات بانکی حاصل از جدول شماره ۶ نسبت ۹۰ درصد آورده بخش خصوصی به تسهیلات بانکی
- سرمایه‌گذاری خارجی بر اساس فرض جدول شماره ۵ و ۲
- تأمین باقیمانده منابع خارجی مورد نیاز از محل تسهیلات خارجی
- مبالغ ارزی مندرج در بند (ب) جدول فوق پیش بینی تغییر در مانده تسهیلات و سرمایه‌گذاری است مبالغ قطعی در چارچوب حکم بند (ب) ماده ۳۴ قانون برنامه

جدول شماره ۸- پیش بینی عواید حاصل از نفت

میلیون دلار

کل برنامه چهارم	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۷۵۶۳۳	۱۶۱۲۵	۱۵۷۹۲	۱۵۱۲۷	۱۴۴۶۱	۱۴۱۲۸	الف- بهره مالکانه نفت و گاز
۵۹۷۱	۱۲۸۲	۱۲۵۲	۱۱۹۴	۱۱۳۶	۱۱۰۷	ب- مالیات عملکرد
۸۱۶۰۴	۱۷۴۰۷	۱۷۰۴۴	۱۶۳۲۱	۱۵۵۹۷	۱۵۲۳۵	جمع

جدول شماره ۹- تغییرات تعداد کارکنان دولت*

سال	تعداد نیروی انسانی موجود در ابتدای سال	کاهش طبیعی نیروی انسانی دستگاهها در طول سال	جذب نیروی انسانی دستگاهها در طول سال
۱۳۸۴	۲۰۰۲۱،۸۲۰	۴۰،۴۴۶	۲۰،۲۲۳
۱۳۸۵	۲۰۰۰۱،۵۹۷	۳۹،۹۰۰	۱۹،۹۵۰
۱۳۸۶	۱،۹۸۱،۶۴۷	۳۹،۳۷۰	۱۹،۶۸۵
۱۳۸۷	۱،۹۶۱،۹۶۲	۳۸،۸۴۰	۱۹،۴۲۰
۱۳۸۸	۱،۹۴۲،۵۴۲	۳۸،۳۲۰	۱۹،۱۶۰

* شامل کارکنان کشوری و لشکری رسمی، پیمانی، قراردادی و کارگران و نظایر آن

۴

پیوست چهار

نظرات شورای نگهبان قانون اساسی

در خصوص لایحه برنامه چهارم

مصوب مجلس شورای اسلامی

دوره ششم

◀ نامه شماره ۸۳/۳۰/۷۴۶۶ مورخ ۱۳۸۳/۳/۳ شورای نگهبان قانون اساسی
موضوع، اشکالات و ابهامات لایحه برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
جمهوری اسلامی ایران

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۸۱۱۵ مورخ ۱۳۸۳/۲/۱۳ و پیرو نامه شماره ۸۳/۳۰/۷۳۶۵ مورخ ۱۳۸۳/۲/۲۲:

لایحه برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

مصوب جلسه مورخ سیزدهم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و سه مجلس شورای اسلامی در جلسات متعدد شورای نگهبان مطرح شد که با التفات به اینکه قانون برنامه، فارغ از وظیفه قانونگذاری تفصیلی در امور مختلف است و بسیاری از الزامهای ذکر شده در قانون مزبور بدون لوایح یا طرحهای تفصیلی که باید مستقلاً به تصویب مجلس برسد، کاربرد اجرایی ندارد و شورای نگهبان نظریات تفصیلی خود را از حیث انطباق مقررات مصوب با شرع و قانون اساسی بر مبنای قوانین تفصیلی ارائه می‌دهد. و اطلاق و اجمال مذکور در بندهای برنامه، در چارچوب قانون اساسی و شرع، دارای اعتبار خواهد بود. و نیز قواعد امر، اساسی بر همه مواد برنامه حاکم خواهد بود، و نیز شورای نگهبان صرف نظر از اینکه در قانون برنامه، اعتبارات لازم برای تحقق اهداف مزبور در طول برنامه، لحاظ شده است یا خیر و همچنین در این برنامه توجه کامل و مطلوب به سیاستهای کلی بخش فرهنگی نشده است و باید مطابق بند ۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی، سیاستهای کلی در برنامه مورد توجه کافی قرار گیرد تا عملیاتی شود، علی‌ای حال نظر شورای نگهبان به صورت موردی به شرح زیر اعلام می‌گردد:

الف: ابهامات:

موارد زیر در برنامه مبهم است و پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد:

۱- بندهای «ج»، «د»، «ه» و «و» ماده (۱) از این جهت که مشخص نیست، تأمین کسری

درآمدها از محل صندوق ذخیره، با تصویب مجلس صورت می‌گیرد، یا نه، مبهم است.

- ۲- ماده (۳) از این نظر که وضعیت اجرایی تبصره ماده (۴) قانون نفت مصوب ۱۳۶۶ با رعایت اصل ۸۵ قانون اساسی در تصویب اساسنامه مشخص نیست.
- ۳- بند «ط» ماده (۳)، از جهت ضرورت وجود مصوبه مجلس در تأمین منابع خارجی
- ۴- بند «ل» ماده (۳)، مبنیاً بر اشکال بند «۲» از نظر وظایف و اختیارات شرکت نفت
- ۵- بند «ک» ماده (۸)، مبنیاً بر اشکال بند «۴»
- ۶- جزء ۳ بند «ج» ماده (۳۰) از نظر تعریف و ضوابط «بازار ثانویه»
- ۷- بند «ز» ماده (۳۵) از نظر تعیین ضوابط
- ۸- صدر ماده (۷۳) از نظر مفهوم حقوقی «سند ملی»
- ۹- ماده (۸۷) از نظر مفهوم عبارت «رفتارهای جنسی پرخطر»
- ۱۰- ماده (۹۳) از این جهت که به خزانه‌داری می‌رود یا نه
- ۱۱- بند «ه» ماده (۹۹) از نظر مفهوم «عدالت جنسیتی»
- ۱۲- «کانالهای ماهواره‌ای مجاز» در بند «ط» ماده (۱۰۷)
- ۱۳- مرجع تصویب در بند «ح» ماده (۱۱۱)
- ۱۴- بند «و» ماده (۱۱۳) از جهت تعیین ضوابط
- ۱۵- بند «د» ماده (۱۱۴)
- ۱۶- بند «ز» ماده (۱۱۷) به دلیل استثنای بند مزبور از شمول ماده (۱۱۵) قانون محاسبات عمومی کشور که ناظر بر فروش املاک است، موهم تجویز املاک و نقایص فرهنگی است.
- ۱۷- جزء ۳ بند «ز» ماده (۱۳۳) از جهت مفهوم «تبعیض جنسی»
- ۱۸- بند «د» ماده (۱۴۴) از این جهت که موهم سلب مطلق اختیار مقام نصب کننده است حتی در مواردی که صلاحیتهای ذاتی مدیر سلب شده باشد.
- ب: موارد مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی از این جهت که امور مذکور از شئون و وظایف قانونگذار (مجلس شورای اسلامی) است و نمی‌توان این امور را به نهاد دیگری واگذار کرد:
- ۱- تعریف حقوق ویژه در بند «ک» ماده (۳)
- ۲- بندهای «ب»، «و»، «ی» و «م» ماده (۱۲) از جهت تفویض موضوع به شورای پول و اعتبار

- ۳- تعریف تشخیص عملیات بانکی و ضوابط آن، در بند «ط» ماده (۱۲)
- ۴- بند «ه» ماده (۱۵)
- ۵- جزء ۴ بند «الف» ماده (۳۰) با توجه به اساسنامه سازمان شهرداریهای کشور
- ۶- اطلاق بند «ه» ماده (۳۱)
- ۷- بند «ه» ماده (۳۵)
- ۸- ماده (۳۸)
- ۹- جزء ۲ بند «الف» ماده (۳۸) و عدم الزام به رعایت قانون
- ۱۰- اطلاق بند «ج» ماده (۳۸)
- ۱۱- بند «الف» ماده (۴۰) در آن قسمت که «سایر ضوابط و تشریفات ادغام شرکتها» را به آیین‌نامه هیئت وزیران محول نموده است.
- ۱۲- بند «ج» ماده (۲۹)
- ۱۳- مفاد ماده (۵۲)
- ۱۴- بند «الف» ماده (۶۵) با توجه به ترکیب اعضا
- ۱۵- بند «الف» ماده (۶۹)
- ۱۶- بند «الف» ماده (۸۵)
- ۱۷- بندهای «ب» و «ج» مبنیاً بر بند «الف» ماده (۸۵)
- ۱۸- بند «ج» ماده (۹۷)
- ۱۹- تصویب ضوابط در بند «الف» ماده (۹۹)
- ۲۰- اطلاق صدر ماده (۱۰۲)
- ۲۱- بند «الف» ماده (۱۰۲)
- ۲۲- اطلاق ماده (۱۰۳)
- ۲۳- بند «ب» ماده (۱۰۷)
- ۲۴- بند «م» ماده (۱۰۷) در تفویض تعیین ضوابط به دولت
- ۲۵- بند «ز» ماده (۱۱۳) «از جهت تعیین حدود وظایف و تکالیف»

- ۲۶- بند «ح» ماده (۱۱۷)
- ۲۷- ماده (۱۲۳)
- ۲۸- بند «ج» ماده (۱۳۵) از جهت تعیین سازوکار
- ۲۹- جزء ۴ بند «ب» ماده (۱۳۹) در تفویض تفکیک امور حاکمیتی و تصدی به آیین‌نامه
- ۳۰- پاراگراف آخر بند «د» ماده (۱۳۹)
- ۳۱- بندهای «الف» و «ج» ماده (۱۴۲)
- ۳۲- ذیل بند «ج» ماده (۱۴۳)
- ۳۳- بندهای «الف» و «ب» ماده (۱۴۴)
- ۳۴- اطلاق بند «ج» ماده (۱۴۹)
- ۳۵- بندهای «۲»، «۳»، «۴» و «۵» ماده (۱۵۱) و نیز تبصره ماده مزبور
- ۳۶- ماده (۱۵۲)
- ج: موارد مغایر با اصل ۱۳۸ قانون اساسی از این جهت که امور مزبور از شئون هیئت وزیران بوده و این اختیارات به نهادی غیر از هیئت وزیران تفویض شده است:
- ۱- شورای پول و اعتبار در بندهای «ب»، «و»، «ی» و «م» ماده (۱۲)
- ۲- جزء ۲ بند «الف» ماده (۳۸)
- ۳- ماده (۶۵)
- ۴- «تصویب شورای پول و اعتبار» در ذیل ماده (۱۰۵)
- ۵- بند «ب» ماده (۱۴۰)
- ۶- بند «ج» ماده (۱۴۳)
- ۷- تبصره ماده (۱۵۱)
- ۸- مفاد ماده (۱۵۷)
- د: مغایرت با اصل ۴۴:
- ۱- ماده (۳) از این جهت که منابع نفتی، به طور کامل و مطلق در اختیار حکومت اسلامی است و شرکت دولتی می‌توانند متشکل از سهام مشترک بخش خصوصی و دولتی باشد.

- ۲- اطلاق ماده (۷) در تجویز خصوصی سازی
 - ۳- اطلاق مقررات ماده (۱۰) از جهت شمول مقررات برنامه بر بانکها و بیمه که شامل خصوصی سازی نیز می شود.
 - ۴- اطلاق عبارت «و سهام بانک و بیمه های دولتی» در ماده (۱۰)
 - ۵- واگذاری بانکها در بند «ح» ماده (۱۲)
 - ۶- تأسیس شعب بانکها و مؤسسات اعتباری خارجی در بند «ک» ماده (۱۲)
 - ۷- عملیات بانکی و ضوابط آن مذکور در بند «ط» ماده (۱۲)
 - ۸- اطلاق واگذاری «سهام شرکتهای بیمه تجاری» در بند «الف» ماده (۱۷)
 - ۹- اطلاق بند «ب» ماده (۱۷)
 - ۱۰- اطلاق جزء ۳ بند «و» ماده (۲۲) از این جهت که شامل شرکتهای بزرگ دولتی می شود.
 - ۱۱- واگذاری بهره برداری از صنعت نفت «میادین نفت و گاز، پالایش، پخش و ...» به بخش غیردولتی مذکور در بند «الف» ماده (۲۶)
 - ۱۲- بند «ب» ماده (۲۶)
 - ۱۳- جزء ۵ بند «ج» ماده (۲۸)
 - ۱۴- اطلاق بند «الف» ماده (۱۳۰) قانون برنامه سوم موضوع ماده (۲۹) قانون برنامه چهارم در خصوص ناوبری
 - ۱۵- ماده (۳۸)
 - ۱۶- اطلاق بندهای «الف» و «ه» ماده (۵۷) مبنیاً بر ماده (۳۸)
 - ۱۷- مواردی از ماده (۵۸) که شامل تحویل شبکه و بهره برداری و مانند آن
 - ۱۸- بند «ه» ماده (۱۰۳) از جهت توسعه فعالیت بانکداری و بیمه به بخش تعاونی
 - ۱۹- بند «ط» ماده (۱۰۷)
- هـ: مغایرت با سایر اصول قانون اساسی:
- ۱- اطلاق بند «ی» ماده (۳) از این نظر که شامل مصوبات مجمع تشخیص مصلحت هم می شود مغایر اصل ۱۱۲ قانون اساسی شناخته شد.

- ۲- وظایف شورای پول و اعتبار در بندهای «ب»، «و»، «ی» و «م» ماده (۱۲) مغایر اصول ۶۰ و ۱۳۷ قانون اساسی است.
- ۳- تأسیس شعب بانکها و مؤسسات اعتباری خارجی در بند «ک» ماده (۱۲) علاوه بر مغایرت با اصل ۴۴، با اصل ۸۱ قانون اساسی نیز مغایر شناخته شد.
- ۴- اطلاق بند «الف» ماده (۲۶) در مورد «سیاستگذاری و برنامه‌ریزی کلان»، چون بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی تعیین سیاستهای کلان را بر عهده مقام معظم رهبری قرار داد است و نیز سیاستهای برنامه چهارم نیز به وسیله معظم‌له تصویب و ابلاغ گردیده که با این اطلاق نقض شده است مغایر بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی شناخته شد.
- ۵- جزء ۴ بند «ه» ماده (۲۸) چون حفظ امنیت از وظایف حاکمیتی است و از طرفی مستلزم تشکیل نیروی مسلح است، مغایر بند ۴ اصل ۱۱۰ قانون اساسی است.
- ۶- مبادله موافقتنامه‌ها در ماده (۳۲) مغایر بند «۴» اصل ۱۱۰ قانون شناخته شد.
- ۷- اطلاق بند «ج» ماده (۳۸) از این نظر که اموری بر عهده این نهاد گذاشته شده که اجرایی است مغایر اصول ۶۰، ۱۳۷ و ۱۳۹ قانون اساسی شناخته شد.
- ۸- تجویز تنظیم لایحه قضایی در مورد جرایم سیاسی در بند «و» ماده (۱۰۱) به دولت مغایر بند «۲» اصل ۱۵۸ قانون اساسی شناخته شد.
- ۹- اطلاق بند «ط» ماده (۱۰۷) مغایر اصل ۱۷۵ قانون اساسی شناخته شد.
- ۱۰- بند «ز» ماده (۱۱۳) مغایر اصل ۵۷ قانون اساسی شناخته شد.
- ۱۱- ماده (۱۲۴) تصویب مقررات بدون تأیید و تصویب فرماندهی کل قوا مغایر بند «۴» اصل ۱۱۰ قانون اساسی شناخته شد.
- ۱۲- ماده (۱۲۵) از این نظر که اقدام باید با اذن فرماندهی کل قوا باشد مغایر بند «۴» اصل ۱۱۰ قانون اساسی شناخته شد.
- ۱۳- بند «الف» ماده (۱۲۷) از وظایف شورای عالی امنیت ملی است، از این جهت مغایر اصل ۱۷۶ قانون اساسی شناخته شد.

- ۱۴- بند «ج» ماده (۱۲۷) مغایر با بند «۴» اصل ۱۵۶ قانون اساسی است که کشف جرم را از وظایف این قوه قرار داده است.
- ۱۵- بند «ب» ماده (۱۴۰) مغایر اصول ۶۰ و ۱۳۷ قانون اساسی شناخته شد.
- ۱۶- بندهای «الف» و «ج» ماده (۱۴۲) مغایر اصول ۶۰ و ۱۳۷ قانون اساسی شناخته شد.
- ۱۷- ذیل بند «ج» ماده (۱۴۳) مغایر اصول ۶۰ و ۱۳۷ قانون اساسی شناخته شد.
- ۱۸- مفاد ذیل ماده (۱۴۷) بدون ذکر در قانون بودجه سنواتی مغایر اصل ۵۳ قانون اساسی شناخته شد.
- ۱۹- جزء ۲ بند «و» ماده (۱۴۸) مغایر بندهای «۱» و «۴» اصل ۱۱۰ قانون اساسی شناخته شد.
- ۲۰- اطلاق بند «ز» ماده (۱۴۸) از این جهت که شامل نفایس ملی می‌شود مغایر اصل ۸۳ قانون اساسی شناخته شد.
- ۲۱- تبصره ماده (۱۵۱) مغایر اصول ۶۰ و ۱۳۷ قانون اساسی شناخته شد.
- ۲۲- مفاد تبصره ماده (۱۵۴) از این جهت که مفهوم عدم ذکر لایحه بودجه سالانه است مغایر ذیل اصل ۵۳ قانون اساسی شناخته شد.
- ۲۳- واگذاری تصویب دستورالعملها به هیئت وزیران در ماده (۱۵۵) بدون نظر موافق مقام معظم رهبری مغایر اصل ۱۱۰ قانون اساسی شناخته شد.
- ۲۴- مفاد ماده (۱۵۷) مغایر اصول ۶۰ و ۱۳۷ قانون اساسی نیز شناخته شد.
- ۲۵- ماده (۱۶۱) از این نظر که موجب خلط وظایف قوای سه‌گانه و نقض وظایفی است که طبق قانون اساسی بر عهده نهادهای غیر وابسته به قوه مجریه گذاشته شده است مغایر اصول ۵۴، ۵۵ و ۵۷ و بند «۳» اصل ۱۵۶ و اصول ۱۷۳ و ۱۷۴ قانون اساسی شناخته شد.
- ۲۶- با توجه به بندهای «۱۶» و «۱۷» سیاستهای کلی برنامه چهارم حذف ماده (۲۱۵) لایحه دولت مغایر اصل ۱۱۰ قانون اساسی شناخته شد.
- و: مغایرت شرعی:

- ۱- اطلاق «منابع خارجی (فاینانس و ...» در جزء ۴ بند «و» ماده (۲۲) از این جهت که شامل وام‌های ربوی هم می‌شود خلاف موازین شرع شناخته شد.

- ۲- بند «الف» ماده (۳۷) خلاف موازین شرع شناخته شد.
- ۳- بند «الف» ماده (۴۰) خلاف موازین شرع شناخته شد.
- ۴- بند «و» ماده (۱۱۲) در مورد اطلاق تکریم افراد، از این جهت که مستلزم ترویج اشخاص مخالف دین و انقلاب اسلامی می‌شود، خلاف موازین شرع است.
- ۵- اطلاق جزء ۷ بند «ز» ماده (۱۳۳) در خصوص مداخله وکیل نسبت به مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد یا حضور غیر متهم به تشخیص قاضی موجب فساد شود در مرحله تحقیق خلاف موازین شرع است.

تذکر:

در ماده (۱۳۱) ظاهراً عبارتی جا افتاده است.

نظام تهیه و تدوین اسناد ملی توسعه

بخشی، استانی و ویژه (فرابخشی)

برنامه چهارم توسعه

« مصوبه شماره ۲۲۷۹۷/۳۰۷۶۰ مورخ ۱۳۸۳/۵/۳ هیئت دولت، موضوع تأیید کلیات سازماندهی تهیه و تنظیم اسناد ملی توسعه ویژه (فرابخشی) برنامه چهارم و دستورالعمل تهیه اسناد ملی بخشی، استانی و ویژه (فرابخشی) و فهرست عناوین مسئولان تهیه سندهای توسعه بخشی برنامه چهارم و نظام سازمانی و گردش کار تهیه و تدوین اسناد ملی توسعه بخشی، استانی و ویژه (فرابخشی)

پیشنهاد شماره ۱۰۱/۳۰۶۷۳ مورخ ۱۳۸۳/۳/۴ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در خصوص نظام برنامه‌ریزی برنامه چهارم توسعه در جلسه مورخ ۱۳۸۳/۴/۲۸ هیئت وزیران مطرح و ضمن تأیید کلیات سازماندهی تهیه و تنظیم اسناد ملی توسعه ویژه (فرابخشی) برنامه چهارم و دستورالعمل تهیه اسناد ملی بخشی، استانی و ویژه (فرابخشی) و فهرست عناوین و مسئولان تهیه سندهای توسعه بخشی برنامه چهارم و نظام سازمانی و گردش کار تهیه و تدوین اسناد ملی توسعه بخشی، استانی و ویژه (فرابخشی) مقرر شد:

دستگاهها نظرات خود را به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور ارسال نمایند تا سازمان مزبور در اسناد یاد شده اصلاحات لازم را اعمال نماید. در صورت اختلاف بین دستگاهها و سازمان یاد شده صرفاً موارد اختلافی در هیئت وزیران مطرح خواهد شد.

◀ نظام تهیه و تدوین اسناد ملی توسعه بخشی، استانی و ویژه (فرابخشی)

در راستای وظایف پیش‌بینی شده در نظام برنامه‌ریزی برنامه چهارم توسعه مصوب پنجم مردادماه سال ۱۳۸۲ و در مرحله اول، کار بررسی و تحلیل هدفها، الزامها و راهبردهای سند چشم‌انداز توسعه، تدوین سیاستهای کلی پیشنهادی و نهایتاً تنظیم و تدوین احکام برنامه چهارم توسعه انجام گردید که پس از طرح در مراجع مختلف تصمیم‌گیری، اصلاح و مورد تصویب قرار گرفت.

هیچ برنامه توسعه‌ای بدون طرحهای هادی و جامع قابلیت اجرایی لازم را ندارد و از این رو است که این گونه طرح‌ها به منزله ستون فقرات یک برنامه توسعه قلمداد می‌شود. در این مرحله از فعالیت‌های برنامه‌ریزی برای تحقق آنچه در سند چشم‌انداز هدف‌گذاری شده است، لازم است برنامه‌هایی فراگیر در جهت رفع موانع توسعه و اصلاح ساختارهای موجود در عرصه‌های کلان، بخش و منطقه تدوین شود که همسو با اهداف متعالی سند مذکور و همچنین سند ملی آمایش سرزمین باشد. این اسناد در نهایت پس از عملیاتی شدن باید بتواند تکالیف کلیه دستگاههای اجرایی کشور را در حوزه‌های مسئولیتهای مرتبط با خود طی دوره برنامه مشخص سازد.

همان‌گونه که در بخشی از لایحه برنامه چهارم آمده است:

کلیه عملیات اجرایی، طرحهای تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و سرمایه‌گذاری که در سالهای برنامه چهارم بر مبنای اسناد ملی توسعه بخشی، اسناد ملی توسعه استانی و اسناد ملی توسعه ویژه، با خصوصیات ذیل و بر مبنای این قانون به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، سازماندهی و اجرا می‌شود:

الف: سند ملی توسعه بخش، سندی راهبردی است که با توجه به قابلیتها، امکانات، محدودیتها و مسائل اساسی، جهت‌گیری‌های اصلی، هدفهای کمی و کیفی بلندمدت و میان‌مدت، فعالیت‌های محوری و سیاستهای فضایی و منطقه‌ای و همچنین اقدامهای مهم محوری و فعالیت‌های اولویت‌دار توسعه بخش را تبیین می‌نماید. اسناد ملی توسعه امور بخشی به پیشنهاد مشترک سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و دستگاههای اجرایی ذی‌ربط، تهیه می‌شود.

ب: سند توسعه استان، سندی راهبردی است که با توجه به قابلیت‌ها، محدودیت‌ها و تنگناهای توسعه استان، اصلی‌ترین جهت‌گیری‌ها در زمینه جمعیت و نیروی انسانی، منابع طبیعی، زیربناها و فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و هدفهای کمی و کیفی بلندمدت و میان‌مدت توسعه استان را در چارچوب راهبردهای کلان برنامه چهارم و سند ملی آمایش سرزمین و طرحهای توسعه و عمران و اسناد ملی توسعه بخشی تبیین می‌نماید.

ج: سند ملی توسعه ویژه (فرابخشی)، مجموعه‌ای از چند طرح و فعالیت با پوشش فراگیر برای مناطق و بخشهای مختلف مانند قلمرو تأمین اجتماعی، فقرزدایی و اشتغال موضوعیت یافته و تنظیم می‌شود. زمان‌بندی، اولویتهای زمانی، موضوعی (بخشهای مختلف) و مکانی (استانهای مختلف) اجرای طرحها و پروژه‌های آن در این سند مشخص می‌شود.

د: اقدامها و عملیاتی که، در جهت تحقق هدفهای پیش‌بینی شده در اسناد توسعه بخشی، استانی و ویژه (فرابخشی) ضرورت اجرا می‌یابند، در لایحه بودجه سالانه کل کشور درج و به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد.

ه: کلیه دستگاههای اجرایی ملی کشور موظف‌اند، برنامه اجرایی و عملیاتی خود را در قالب اسناد ملی توسعه در چارچوب ضوابط فوق با هماهنگی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و پس از تصویب در هیئت وزیران به مرحله اجرا درآورند. بودجه سنواتی این دستگاهها بر اساس اسناد فوق تنظیم می‌شود.

و: کلیه دستگاههای اجرایی استانی موظف‌اند، برنامه اجرایی و عملیاتی خود را در قالب اسناد توسعه استانی در چارچوب ضوابط فوق با هماهنگی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهیه و پس از تصویب شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان به مرحله اجرا درآورند. بودجه سنواتی دستگاههای استانی بر اساس اسناد تنظیم می‌شود.

ز: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مکلف است، نسبت به تلفیق اسناد توسعه بخشی، استانی و ویژه با هماهنگی دستگاههای اجرایی ذی‌ربط اقدام و موارد را به تصویب هیئت وزیران برساند.

با توجه به خطوطی که در لایحه برنامه چهارم در ارتباط با انجام این مرحله از کار ترسیم شده است، نظام تهیه و تدوین اسناد ملی توسعه بخشی، استانی و ویژه (فرابخشی) به شکل زیر ارائه می گردد:

الف: نهادها و ارکان نظام

- ۱- هیئت دولت
- ۲- شورای اقتصاد
- ۳- ستاد برنامه
- ۴- شورای تلفیق برنامه
- ۵- کمیته‌های تدوین اسناد ملی ویژه (فرابخشی)
- ۶- شورای تلفیق برنامه‌های بخشی
- ۷- شورای تلفیق برنامه‌های استانی
- ۸- شورای برنامه‌ریزی و توسعه استانها
- ۹- دفاتر بخشی سازمان
- ۱۰- دستگاههای اجرایی (سطح ملی)
- ۱۱- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استانها
- ۱۲- دستگاههای اجرایی (استانی)

ب: ترکیب اعضا

ب-۱- ستاد برنامه

- ۱- معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (رئیس)
- ۲- معاون امور اقتصادی و هماهنگی سازمان
- ۳- معاونان امور بخشی سازمان
- ۴- معاون امور مدیریت و منابع انسانی سازمان
- ۵- معاون امور مجلس و استانها سازمان

- ۶- معاونان امور فنی و پشتیبانی سازمان
 - ۷- رئیس مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی
 - ۸- معاون سازمان و رئیس سازمان نقشه برداری
 - ۹- رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران
 - ۱۰- پنج نفر از مشاوران رئیس سازمان
 - ۱۱- مدیر کل دفتر اقتصاد کلان
 - ۱۲- مدیر کل دفتر آمایش و توسعه پایدار
 - ۱۳- مدیر کل دفتر بودجه، برنامه و توسعه استانها
 - ۱۴- مدیر کل دفتر همکاریهای بین‌المللی
 - ۱۵- سرپرست دفتر حقوقی و امور مجلس
 - ۱۶- نماینده سازمان ملی بهره‌وری
- ب-۲- شورای تلفیق برنامه**
- ۱- معاون امور اقتصادی و هماهنگی برنامه و بودجه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (رئیس)
 - ۲- دو نفر از مشاوران اقتصادی رئیس سازمان
 - ۳- مدیر کل دفتر اقتصاد کلان
 - ۴- مدیر کل دفتر آمایش و توسعه پایدار
 - ۵- مدیر کل دفتر هماهنگی امور شرکتهای خصوصی سازی
 - ۶- مدیر کل دفتر بودجه، برنامه و توسعه استانها
 - ۷- مشاور معاونت امور تولیدی
 - ۸- مشاور معاونت امور زیربنایی
 - ۹- مشاور معاونت امور اجتماعی
 - ۱۰- مشاور معاونت امور فرهنگی، آموزشی و پژوهشی
 - ۱۱- مشاور معاونت امور مجلس و استانها

۱۲- مشاور معاونت امور مدیریت و منابع انسانی

۱۳- معاون مرکز آمار ایران

۱۴- نماینده سازمان ملی بهره‌وری

ب-۳- کمیته‌های تدوین اسناد ملی ویژه (فرابخشی)

کمیته رفع موانع توسعه بخش خصوصی

۱- وزارت امور اقتصادی و دارایی

۲- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور

۳- وزارت صنایع و معادن

۴- وزارت بازرگانی

۵- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

۶- وزارت تعاون

کمیته تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی

۱- وزارت امور اقتصادی و دارایی

۲- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور

۳- وزارت صنایع و معادن

۴- وزارت بازرگانی

۵- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

۶- وزارت کشور

۷- وزارت امور خارجه

کمیته امنیت سرمایه‌گذاری

۱- وزارت امراققتصادی و دارایی

۲- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور

- ۳- وزارت صنایع و معادن
- ۴- وزارت بازرگانی
- ۵- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
- ۶- قوه قضاییه
- ۷- وزارت اطلاعات

کمیته کاهش فقر و هدفمند کردن یارانه‌ها

- ۱- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
- ۲- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
- ۳- سازمان بهزیستی
- ۴- وزارت کار و امور اجتماعی
- ۵- سازمان تأمین اجتماعی
- ۶- وزارت مسکن و شهرسازی
- ۷- وزارت کشور
- ۸- کمیته امداد امام خمینی
- ۹- وزارت امور اقتصادی و دارایی
- ۱۰- وزارت صنایع و معادن

کمیته امنیت غذایی و تغذیه

- ۱- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
- ۲- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
- ۳- وزارت جهاد کشاورزی
- ۴- وزارت بازرگانی

کمیته ارتقای بهره‌وری

- ۱- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
- ۲- وزارت صنایع و معادن
- ۳- وزارت جهاد کشاورزی
- ۴- سازمان ملی بهره‌وری
- ۵- وزارت بازرگانی

کمیته گسترش صادرات غیر نفتی

- ۱- وزارت بازرگانی
- ۲- وزارت صنایع و معادن
- ۳- وزارت جهاد کشاورزی
- ۴- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
- ۵- وزارت امور اقتصادی و دارایی
- ۶- وزارت امور خارجه
- ۷- وزارت کشور
- ۸- وزارت تعاون

کمیته بهینه‌سازی اندازه دولت و ایجاد دولت الکترونیک

- ۱- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
- ۲- وزارت امور اقتصادی و دارایی
- ۳- وزارت بازرگانی
- ۴- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
- ۵- دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی
- ۶- سازمان نقشه‌برداری کشور

کمیته گسترش بازار سرمایه

- ۱- وزارت امور اقتصادی و دارایی
- ۲- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
- ۳- وزارت بازرگانی
- ۴- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور

کمیته فراهم‌سازی زمینه الحاق به سازمان تجارت جهانی

- ۱- وزارت بازرگانی
- ۲- وزارت امور اقتصادی و دارایی
- ۳- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
- ۴- وزارت صنایع و معادن
- ۵- اتاق بازرگانی و صنایع و معادن

کمیته توسعه روستایی

- ۱- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
- ۲- وزارت صنایع و معادن
- ۳- وزارت جهاد کشاورزی
- ۴- وزارت تعاون

کمیته توسعه اقتصاد دانایی

- ۱- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
- ۲- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
- ۳- وزارت علوم تحقیقات و فناوری
- ۴- وزارت آموزش و پرورش
- ۵- وزارت امور اقتصادی و دارایی

۶- وزارت صنایع و معادن

کمیته ساماندهی امور جوانان و زنان

- ۱- نهاد ریاست جمهوری
- ۲- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
- ۳- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ۴- وزارت تعاون

کمیته توسعه فناوری

- ۱- وزارت علوم تحقیقات و فناوری
- ۲- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
- ۳- وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
- ۴- سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای
- ۵- وزارت صنایع و معادن
- ۶- وزارت بازرگانی
- ۷- سازمان نقشه‌برداری کشور
- ۸- دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی

کمیته توسعه اشتغال و کاهش بیکاری

- ۱- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
- ۲- وزارت کار و امور اجتماعی
- ۳- وزارت صنایع و معادن
- ۴- وزارت جهاد کشاورزی
- ۵- وزارت مسکن و شهرسازی
- ۶- وزارت کشور

کمیته ساماندهی سواحل کشور

- ۱- وزارت مسکن و شهرسازی
- ۲- وزارت راه و ترابری
- ۳- سازمان بنادر و کشتیرانی
- ۴- سازمان حفاظت محیط زیست
- ۵- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
- ۶- وزارت کشور
- ۷- وزارت تعاون
- ۸- وزارت نفت

کمیته توسعه ترانزیت

- ۱- وزارت راه و ترابری
- ۲- وزارت امور اقتصادی و دارایی
- ۳- وزارت بازرگانی
- ۴- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
- ۵- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور

کمیته مبارزه با قاچاق و تجارت غیر رسمی

- ۱- وزارت بازرگانی
- ۲- وزارت اطلاعات
- ۳- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
- ۴- وزارت دادگستری
- ۵- وزارت کشور
- ۶- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
- ۷- وزارت امور اقتصادی و دارایی

کمیته مقاوم سازی و کاهش خطر ناشی از زلزله

- ۱- وزارت مسکن و شهرسازی
- ۲- وزارت امور اقتصادی و دارایی
- ۳- وزارت بازرگانی
- ۴- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
- ۵- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
- ۶- وزارت کشور
- ۷- وزارت تعاون
- ۸- سازمان نقشه‌برداری کشور

کمیته شرایط حفظ و استفاده بهینه از نخبگان

- ۱- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
- ۲- وزارت بهداشت و درمان
- ۳- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور

کمیته مبارزه با اعتیاد به مواد مخدر

- ۱- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
- ۲- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
- ۳- وزارت کشور
- ۴- وزارت دادگستری
- ۵- سازمان بهزیستی

کمیته ساماندهی مهاجرت به کلان‌شهرها و حاشیه نشینی

- ۱- وزارت کشور
- ۲- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور

۳- وزارت امور اقتصادی و دارایی

کمیته ایجاد و توسعه کارآفرینی و نظام ملی نوآوری

۱- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور

۲- وزارت صنایع و معادن

۳- وزارت امور اقتصادی و دارایی

۴- سازمان ملی بهره‌وری، وزارت تعاون

کمیته توسعه گردشگری

۱- سازمان میراث فرهنگی و گردشگری

۲- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور

۳- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

۴- وزارت تعاون

کمیته توسعه منابع آب

۱- وزارت نیرو

۲- وزارت جهاد کشاورزی

۳- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور

کمیته استقرار منظومه ملی اطلاعات مکان‌محور

۱- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور

۲- وزارت علوم تحقیقات و فناوری

۳- وزارت مسکن و شهرسازی

۴- وزارت جهاد کشاورزی

۵- وزارت صنایع و معادن

۶- وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات

- ۷- وزارت نیرو
- ۸- وزارت کشور
- ۹- دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی

ب-۴- شورای تلفیق برنامه‌های بخشی

- ۱- معاون سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در امور ذی‌ربط (رئیس)
- ۲- مدیران کل دفاتر معاونت ذی‌ربط در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
- ۳- مشاوران معاونت ذی‌ربط در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
- ۴- نماینده دفتر امور بودجه، برنامه و توسعه استانها
- ۵- نماینده دفتر آمایش سرزمین و توسعه پایدار
- ۶- نماینده معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی
- ۷- نمایندگان دستگاههای اجرایی حسب مورد (معاون برنامه‌ریزی یا مدیران)
- ۸- سه نفر صاحب نظر در مسائل بخشی به انتخاب رئیس شورا

ب-۵- شورای تلفیق برنامه‌های استانی

- ۱- معاون امور مجلس و استانها از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (رئیس)
- ۲- مدیر کل دفتر بودجه، برنامه و توسعه استانها
- ۳- مدیر کل دفتر آمایش و توسعه پایدار
- ۴- مشاور معاونت امور مجلس و استانها
- ۵- استاندار استان ذی‌ربط
- ۶- رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان ذی‌ربط
- ۷- مدیران کل دفاتر بخشی حسب مورد

ب-۶- شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان

ترکیب اعضا بر اساس آیین‌نامه اجرایی ماده ۷۰ قانون برنامه سوم توسعه خواهد بود.

ج: شرح وظایف

ج-۱- ستاد برنامه

- ۱- بررسی، تأیید و ابلاغ دستورالعملهای تهیه و تدوین اسناد ملی توسعه بخشی، استانی و فرابخشی
- ۲- هدایت و نظارت بر فرایند تهیه و تدوین اسناد
- ۳- بررسی، اصلاح و جمع‌بندی نتایج
- ۴- ارائه اسناد به شورای اقتصاد و هیئت دولت

ج-۲- شورای تلفیق برنامه

- ۱- بررسی اولیه دستورالعملهای تهیه و تدوین اسناد ملی توسعه بخشی، استانی و فرابخشی، اصلاح و جمع‌بندی آن جهت ارائه به ستاد برنامه
- ۲- تصمیم‌گیری در زمینه شیوه تلفیق اسناد بخشی و استانی
- ۳- ایجاد هماهنگی لازم بین نهادهای نظام
- ۴- نظارت بر انجام کار در فرایند تهیه و تدوین اسناد
- ۵- تلفیق و ایجاد سازگاری بین اسناد تهیه شده
- ۶- جمع‌بندی اسناد و ارائه آن به ستاد برنامه

ج-۳- کمیته‌های تدوین اسناد ملی ویژه (فرابخشی)

- ۱- تشکیل گروه‌های کار، تهیه چارچوب موضوعی انجام مطالعه و برنامه زمانبندی
- ۲- مطالعه چشم‌انداز بلندمدت، سیاست‌های کلی برنامه چهارم، سند ملی آمایش سرزمین و احکام برنامه چهارم به منظور بهره‌گیری در تدوین سند ویژه (فرابخشی)
- ۳- ارائه اطلاعات مرتبط با برنامه‌های بخشی و استانی به نهادهای مسئول تدوین اسناد در دو حوزه بخش و استان
- ۴- تهیه اسناد ملی ویژه (فرابخشی) و ارائه آن به شورای تلفیق برنامه

ج-۴- شورای تلفیق برنامه‌های بخشی

- ۱- نظارت بر فعالیتهای و پیگیری پیشرفت کار
- ۲- تلفیق و ایجاد سازگاری اولیه بین اسناد ملی توسعه بخشهای ذی ربط و جمع‌بندی آن
- ۳- ارائه اسناد ملی توسعه بخش به شورای تلفیق برنامه

ج-۵- شورای تلفیق برنامه‌های استانی

- ۱- نظارت بر فعالیتهای و پیگیری پیشرفت کار
- ۲- تلفیق و ایجاد سازگاری اولیه بین اسناد ملی توسعه استان و جمع‌بندی آن
- ۳- ارائه اسناد ملی توسعه استان به شورای تلفیق برنامه

ج-۶- شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان

- ۱- بررسی و تأیید برنامه‌های عملیاتی و میان‌مدت استان، شامل هدفها، سیاستها و اولویتهای سرمایه‌گذاری در توسعه استان
- ۲- تصویب طرحهای توسعه و عمران و سلسله مراتب خدمات شهری و روستایی در قالب برنامه‌های توسعه استان
- ۳- بررسی منابع و توزیع اعتبارات بر اساس پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان
- ۴- بررسی سند ملی توسعه استان و تأیید و ارائه آن به شورای تلفیق برنامه‌های استانی

ج-۷- دستگاههای اجرایی (سطح ملی) و دفاتر بخشی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور

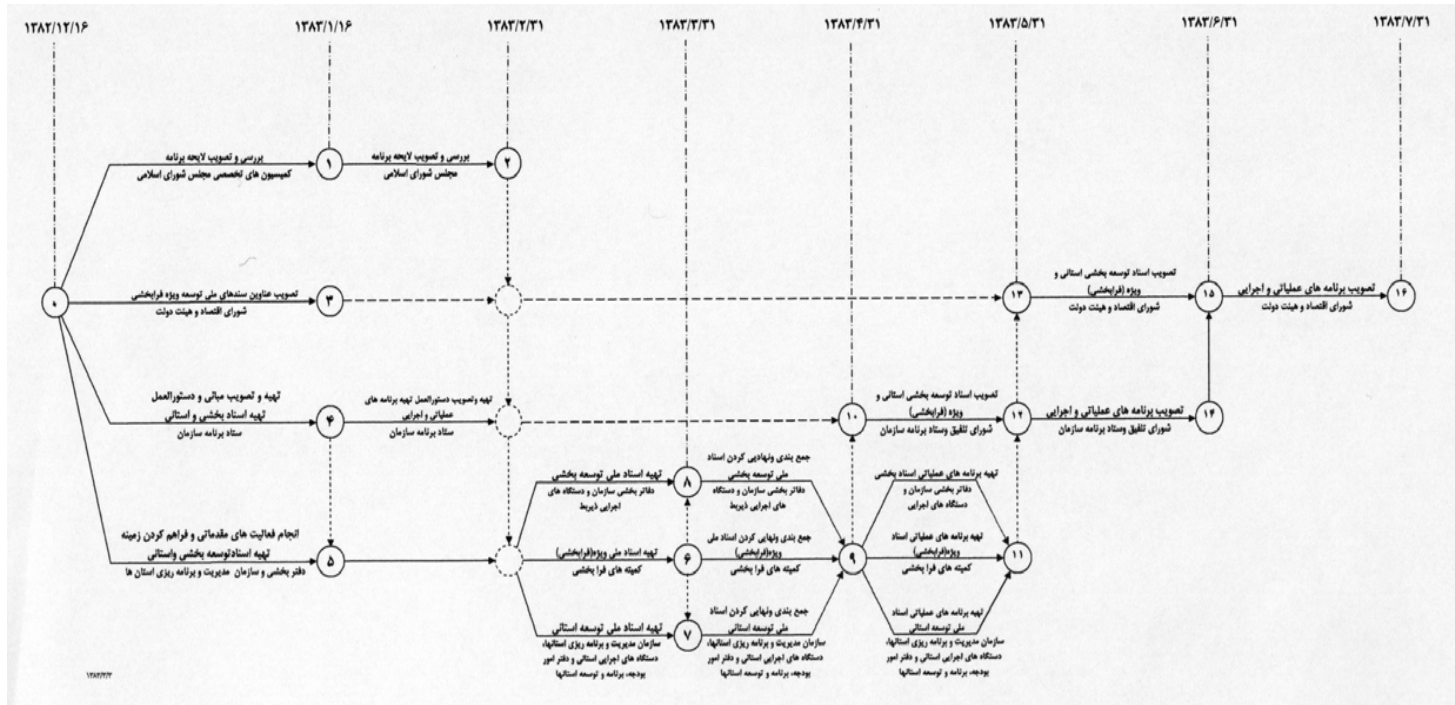
- ۱- تشکیل جلسه مشترک دستگاههای اجرایی و دفاتر بخشی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به منظور سازماندهی انجام کار (تشکیل گروه‌های کاری و زمان‌بندی انجام کار)
- ۲- بررسی دستورالعملهای تهیه سند ملی توسعه بخش
- ۳- مطالعه چشم‌انداز بلندمدت، سیاستهای کلی برنامه چهارم، سند ملی آمایش سرزمین و احکام برنامه چهارم به منظور بهره‌گیری در تدوین برنامه‌های بخش

- ۴- ارتباط با کمیته‌های فرابخشی ذی‌ربط (که قسمتی از برنامه‌های بخش را در آن حوزه به خود اختصاص می‌دهد) در جهت دریافت اطلاعات تأثیرگذار بر برنامه‌های بخش
- ۵- همکاری با نهادهای مسئول تدوین اسناد ملی توسعه استان و ارائه اطلاعات تأثیرگذار بر برنامه‌های استانی
- ۶- تهیه سند ملی توسعه بخش (در چارچوب همکاری مشترک و بر اساس دستورالعمل ابلاغ شده) و ارائه آن به شورای تلفیق بخشی

ج-۸- دستگاههای اجرایی استانی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استانیها

- ۱- تشکیل جلسه مشترک دستگاههای اجرایی استانی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان به منظور سازماندهی انجام کار (تشکیل گروه‌های کاری و زمان‌بندی انجام کار)
- ۲- بررسی دستورالعملهای تهیه سند ملی توسعه استان
- ۳- مطالعه چشم‌انداز بلندمدت، سیاست‌های کلی برنامه چهارم، سند ملی آمایش سرزمین و احکام برنامه چهارم به منظور بهره‌گیری در تدوین برنامه‌های استان
- ۴- ارتباط با کمیته‌های فرابخشی ذی‌ربط (که قسمتی از برنامه‌های بخش را در آن حوزه به خود اختصاص می‌دهد) در جهت دریافت اطلاعات تأثیرگذار بر برنامه‌های استان
- ۵- تعامل در زمینه اطلاعات با نهادهای مسئول تدوین اسناد ملی توسعه بخش
- ۶- تهیه سند ملی توسعه استان (در چارچوب همکاری مشترک و بر اساس دستورالعمل ابلاغ شده) و ارائه آن به شورای تلفیق بخشی

نمودار شماره ۲- برنامه زمانبندی تهیه و تدوین اسناد ملی توسعه بخشی، استانی و ویژه (فرابخشی) - برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی



دستور العمل تهیه

اسناد ملی بخشی، استانی و

ویژه (فرا بخشی)

۱- بر اساس مفاد تبصره ذیل ماده (۷۵) و ماده (۱۵۹) لایحه برنامه چهارم توسعه:

- سندهای ملی توسعه بخش و سندهای ملی توسعه استان بر اساس جهت‌گیری‌های سند ملی آمایش سرزمین و متناسب با ویژگی‌های هر یک تنظیم، و پس از تصویب هیئت وزیران، مبنای تنظیم عملیات اجرایی برنامه چهارم قرار می‌گیرد. دولت مکلف است، لویح بودجه‌های سنواتی را بر اساس اسناد فوق تنظیم و تقدیم مجلس شورای اسلامی نماید.

- کلیه عملیات اجرایی طرحهای تملیک دارایی‌های سرمایه‌ای و سرمایه‌گذاری در سالهای برنامه چهارم بر مبنای اسناد ملی توسعه بخشی، اسناد ملی توسعه استانی و اسناد ملی توسعه ویژه، سازماندهی و اجرا می‌شود.

- سند ملی توسعه بخش، سندی راهبردی است که با توجه به قابلیت‌ها، امکانات، محدودیتها و مسائل اساسی، جهت‌گیری‌های اصلی، هدفهای کمی و کیفی بلندمدت و میان‌مدت، فعالیت‌های محوری و سیاست‌های فضایی و منطقه‌ای و همچنین اقدام‌های مهم محوری و فعالیت‌های اولویت‌دار توسعه بخش را تبیین می‌نماید. اسناد ملی توسعه امور بخشی به پیشنهاد مشترک سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط، تهیه می‌شود.

- سند توسعه استان، سندی راهبردی است که با توجه به قابلیت‌ها، محدودیتها و تنگناهای توسعه استان، اصلی‌ترین جهت‌گیریها در زمینه جمعیت و نیروی انسانی، منابع طبیعی، زیربناها و فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و هدفهای کمی و کیفی بلندمدت و میان‌مدت توسعه استان را در چارچوب راهبردهای کلان برنامه چهارم و سند ملی آمایش سرزمین و طرحهای توسعه و عمران و اسناد ملی توسعه بخشی تبیین می‌نماید.

- سند ملی توسعه ویژه (فرا بخشی)، مجموعه‌ای از چند طرح و فعالیت با پوشش فراگیر برای مناطق و بخشهای مختلف مانند قلمرو تأمین اجتماعی، فقرزدایی و اشتغال، موضوعیت یافته و تنظیم می‌شود. زمان‌بندی، اولویت‌های زمانی، موضوعی (بخشهای مختلف) و مکانی (استانهای مختلف) اجرای طرحها و پروژه‌های آن در این سند مشخص می‌شود.

- اقدامها و عملیاتی که، در جهت تحقق هدفهای پیش‌بینی شده در اسناد توسعه بخشی، استانی و ویژه (فرابخشی) ضرورت اجرا می‌یابند، در لایحه بودجه سالانه کل کشور درج و به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد.

- کلیه دستگاههای اجرایی ملی کشور موظف‌اند، برنامه اجرایی و عملیاتی خود را در قالب اسناد ملی توسعه در چارچوب ضوابط فوق با هماهنگی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و پس از تصویب در هیئت وزیران به مرحله اجرا درآورند. بودجه سنواتی این دستگاهها بر اساس اسناد فوق تنظیم می‌شود.

- کلیه دستگاههای اجرایی استانی موظف‌اند، برنامه اجرایی و عملیاتی خود را در قالب اسناد توسعه استانی در چارچوب ضوابط فوق با هماهنگی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهیه و پس از تصویب شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان به مرحله اجرا درآورند. بودجه سنواتی دستگاههای استانی بر اساس این اسناد تنظیم می‌شود.

- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مکلف است، نسبت به تلفیق اسناد توسعه بخشی، استانی و ویژه با هماهنگی دستگاههای اجرایی ذی‌ربط اقدام و موارد را به تصویب هیئت وزیران برساند.

۲- در اجرای احکام فوق و به منظور تهیه اسناد ملی توسعه بخشی، استانی و ویژه (فرابخشی)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و دستگاه اجرایی مسئول و همکار در تهیه اسناد با دست‌مایه قرارداد چهار سند راهنما و پایه:

- چشم‌انداز بلندمدت جمهوری اسلامی ایران

- سیاستهای کلی نظام ابلاغ شده از سوی مقام معظم رهبری

- لایحه برنامه چهارم توسعه (مصوب مجلس شورای اسلامی)

- نظریه پایه توسعه بخش و استان

و رعایت برنامه زمانبندی پیوست شماره ۱ نسبت به تهیه و تدوین اسناد مورد نظر در قالب و چارچوب زیر اقدام و نتیجه را به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور اعلام نمایند:

الف: چارچوب سند ملی توسعه بخش

- وظایف، ویژگی‌ها و ساختار کلی بخش
- وضعیت بخش در رابطه با سند چشم‌انداز، سیاست‌های کلی و مضامین دوازده‌گانه و برنامه چهارم توسعه
- امکانات، قابلیت‌ها، محدودیت‌ها و تنگناهای توسعه بخش
- نقش و جایگاه بخش در تحقق اهداف چشم‌انداز
- اهداف کلی و راهبردهای کلان توسعه بخش در تحقق چشم‌انداز بلندمدت توسعه
- اهداف کمی (به تفکیک دولتی و غیر دولتی) و سیاست‌های اجرایی بخش بر حسب استان
- سیاست‌ها و اولویت‌های استانی
- اقدامات مهم و اساسی

ب: چارچوب تدوین سند ملی توسعه استان

- وضعیت کلان اقتصادی، اجتماعی و فضایی استان
- وضعیت استان در رابطه با سند چشم‌انداز، سیاست‌های کلی و مضامین دوازده‌گانه برنامه چهارم
- امکانات، قابلیت‌ها، تنگناها و مسائل اساسی
- اهداف کلی و راهبردهای کلان توسعه استان
- اهداف کمی (به تفکیک دولتی و غیر دولتی) و سیاست‌های اجرایی استان بر حسب استان
- سیاست‌ها و اولویت‌های بخشی
- اقدام‌های اولویت‌دار در توسعه استان

ج: چارچوب تدوین سند ملی ویژه (فرابخشی)

با توجه به اینکه چارچوب تهیه و تدوین سند‌های ملی ویژه بر حسب موضوع متفاوت می‌باشد، دستگاه اجرایی مسئول هر سند در ابتدای امر، چارچوب موضوعی و برنامه زمانبندی انجام کار را تهیه و به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی اعلام می‌نماید. این اسناد نیز بر مبنای اسناد ۴ گانه: چشم‌انداز

بلندمدت، سیاستهای کلی نظام (ابلاغ شده از سوی مقام معظم رهبری)، لایحه برنامه چهارم توسعه و نظریه پایه توسعه بخش و استان در قالب بررسی وضع موجود، امکانات، قابلیتها، تنگناها و مسائل اساسی و پیشنهاد اهداف و سیاستهای ذی ربط تهیه می‌شوند و نتایج حاصل از آنها باید از طریق ارائه اطلاعات مرتبط با برنامه‌های بخشی و استانی به نهادهای مسئول تدوین اسناد در دو حوزه بخش و استان و با اولویت در تهیه اسناد ملی بخشی و استانی مورد استفاده قرار گیرد.

۳- تعیین هدفهای کیفی و کمی بخش و استان در اسناد ذی ربط، در چارچوب عناوین این اهداف که قبلاً تهیه و ارائه شده است انجام می‌گیرد. این اهداف مبنای اصلی تهیه سند تلفیقی بخش و استان را تشکیل می‌دهد.

۴- به منظور سهولت تلفیق سندهای بخشی و استانی، هدفهای کیفی و کمی بخش باید بر حسب استان و هدفهای کیفی و کمی استان بر حسب بخش تهیه و به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور ارسال گردد.

شایان ذکر است، با توجه به اینکه به دلیل فرصت کوتاه باقیمانده برای تهیه اسناد، متوقف نمودن و موکول کردن فعالیت مربوط به تهیه اسناد بخشی و استانی به دریافت نتایج اسناد نهایی ویژه (فرابخشی) منطقی نمی‌باشد، لذا مسئولین تهیه اسناد بخشی و استانی، باید از طریق اطلاعات تدریجی از نتایج این اسناد که از طریق ستاد برنامه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در اختیارشان قرار می‌گیرد، استفاده نمایند بدیهی است پس از جمع‌بندی نهایی اسناد ویژه، طبعاً نتایج باید با اولویت در اسناد بخشی و استانی ملحوظ گردد.

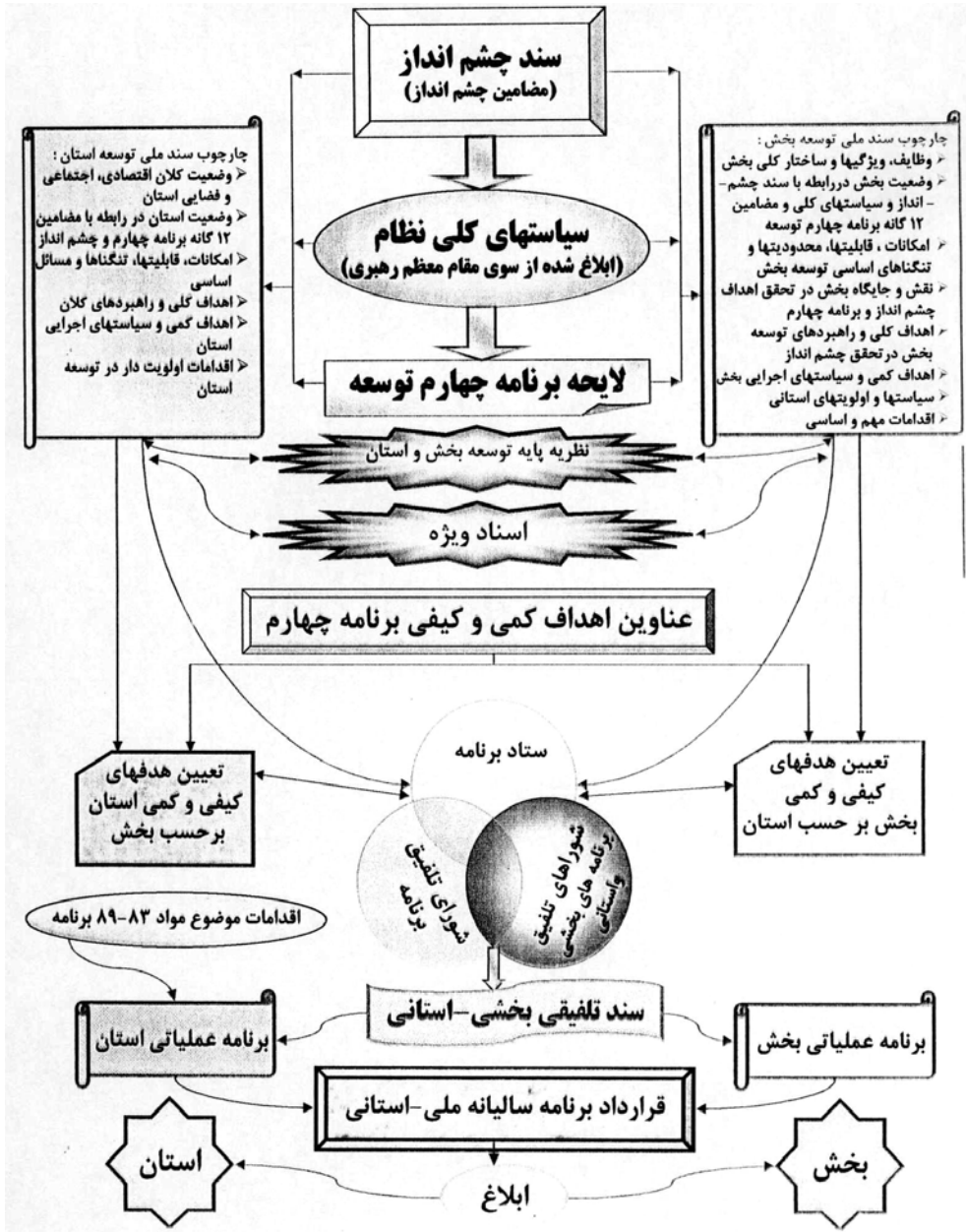
۵- اسناد توسعه بخشی و استانی و هدفهای کیفی و کمی ذی ربط که به طور جداگانه تهیه شده‌اند، پس از طرح مقدماتی در ستاد برنامه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در اختیار شوراهای تلفیق برنامه‌های بخشی و استانی قرار می‌گیرد.

۶- شوراهای تلفیق برنامه‌های بخشی و استانی ضمن اعمال نظارت بر فعالیتهای پیگیری پیشرفت کار ضمن ایجاد سازگاری بین اسناد ملی بخشها و استانهای ذی ربط، حسب مورد

اسناد مزبور را تلفیق و نتیجه را به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور اعلام می‌نمایند که متعاقباً در اختیار شورای تلفیق برنامه قرار می‌گیرد.

۷- شورای تلفیق برنامه با حضور نمایندگان بخشها و استانهای ذی‌ربط اسناد ملی بخشی و استانی را بررسی و تلفیق می‌نماید. اسناد تلفیق شده در شورای تلفیق برنامه به منظور تصویب نهایی در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، در دستور کار ستاد برنامه سازمان قرار می‌گیرد، که پس از تصویب در این ستاد، برای تصویب نهایی به شورای عالی اقتصاد و هیئت وزیران تقدیم می‌گردد.

نمودار شماره ۱- سازوکار تهیه اسناد تلفیقی بخشی استانی



عناوین اسناد ملی توسعه

بخشی و ویژه (فرابخشی)

جدول شماره ۱- سازماندهی تهیه و تنظیم اسناد ملی توسعه ویژه (فرابخشی) برنامه چهارم توسعه (مصوب شورای اقتصاد)

ردیف	عنوان سند	دستگاه مسئول	دفتر مسئول سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور	دستگاههای همکار
۱	رفع موانع توسعه بخش خصوصی	وزارت امور اقتصادی و دارایی	اقتصاد کلان	سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، وزارت صنایع و معادن، وزارت بازرگانی، بانک مرکزی ج.ا.ا، وزارت تعاون
۲	تشویق و حمایت از سرمایه گذاری خارجی	وزارت امور اقتصادی و دارایی	اقتصاد کلان	سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، وزارت صنایع و معادن، وزارت بازرگانی، بانک مرکزی ج.ا.ا، وزارت کشور، وزارت امور خارجه، وزارت راه و ترابری
۳	امنیت سرمایه گذاری	وزارت امور اقتصادی و دارایی	اقتصاد کلان	سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، وزارت صنایع و معادن، وزارت بازرگانی، بانک مرکزی ج.ا.ا، قوه قضائیه، وزارت اطلاعات، وزارت راه و ترابری
۴	کاهش فقر و هدفمند کردن یارانه ها	سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور	امور تأمین اجتماعی	وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان بهزیستی، وزارت کار و امور اجتماعی، سازمان تأمین اجتماعی، وزارت مسکن و شهرسازی، وزارت کشور، کمیته امداد، وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت صنایع و معادن، وزارت جهاد کشاورزی، وزارت بازرگانی، سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولید کنندگان، جمعیت هلال احمر
۵	امنیت غذایی و تغذیه	وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی	امور بهداشت و درمان	سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، وزارت جهاد کشاورزی، وزارت بازرگانی، وزارت راه و ترابری

۶	ارتقای بهره‌وری	سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور	سازمان ملی بهره‌وری	وزارت صنایع و معادن، وزارت جهاد کشاورزی، وزارت بازرگانی، وزارت راه و ترابری
۷	گسترش صادرات غیر نفتی	وزارت بازرگانی	امور بازرگانی	وزارت صنایع و معادن، وزارت جهاد کشاورزی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت امور خارجه، وزارت کشور، وزارت تعاون، وزارت راه و ترابری
۸	بهبود سازی اندازه دولت و ایجاد دولت الکترونیک	سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور	مرکز توسعه فناوری و نوسازی اداری	وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت بازرگانی، بانک مرکزی ج.ا.ا.، دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی، سازمان نقشه‌برداری کشور، وزارت صنایع و معادن
۹	گسترش بازار سرمایه	وزارت امور اقتصادی و دارایی	اقتصاد کلان	بانک مرکزی ج.ا.ا.، وزارت بازرگانی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
۱۰	فراهم سازی زمینه الحاق به سازمان تجارت جهانی	وزارت بازرگانی	امور بازرگانی	وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، وزارت صنایع، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن، بانک مرکزی ج.ا.ا.
۱۱	توسعه روستایی	سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور	امور عمران شهری و روستایی	وزارت صنایع و معادن، وزارت جهاد کشاورزی، وزارت تعاون، وزارت کشور، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت آموزش و پرورش، وزارت راه و ترابری
۱۲	توسعه اقتصاد دانایی	سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور	اقتصاد کلان	وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت علوم تحقیقات و فناوری، وزارت آموزش و پرورش، وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت صنایع و معادن، بانک مرکزی ج.ا.ا.

۱۳	ساماندهی امور جوانان و زنان	نهاد ریاست جمهوری (سازمان ملی جوانان، دفتر امور مشارکت زنان)	امور فرهنگ و هنر، جوانان و تربیت بدنی	سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت تعاون، وزارت کشور
۱۴	توسعه کاربری و فناوری اطلاعات	سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور	امور پژوهشی	سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، وزارت صنایع و معادن، وزارت بازرگانی، دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی، وزارت کشور، بانک مرکزی
۱۵	توسعه اشتغال و کاهش بیکاری	سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور	اقتصاد کلان	وزارت کار و امور اجتماعی، وزارت صنایع و معادن، وزارت جهاد کشاورزی، وزارت مسکن و شهرسازی، وزارت کشور، بانک مرکزی ج.ا.ا. وزارت راه و ترابری
۱۶	ساماندهی سواحل کشور	وزارت مسکن و شهرسازی	آمایش و توسعه پایدار	وزارت راه و ترابری، سازمان حفاظت محیط زیست، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، وزارت کشور، وزارت تعاون، وزارت نفت
۱۷	توسعه ترانزیت	وزارت راه و ترابری	امور راه و ترابری	وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت بازرگانی، بانک مرکزی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
۱۸	جلوگیری از قاچاق و تجارت غیر قانونی	وزارت بازرگانی	امور بازرگانی	وزارت اطلاعات، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، وزارت دادگستری، وزارت کشور، بانک مرکزی ج.ا.ا.، وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت صنایع و معادن و نیروی انتظامی
۱۹	مقاوم سازی و کاهش خطرات ناشی از زلزله	وزارت مسکن و شهرسازی	تدوین ضوابط و معیارهای فنی	وزارت بازرگانی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، وزارت کشور، وزارت نفت، وزارت نیرو، وزارت راه و ترابری، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، جمعیت هلال احمر

۲۰	تمهید شرایط حفظ و استفاده بهینه از نخبگان	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	مؤسسه عالی پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی	وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، وزارت صنایع و معادن
۲۱	مبارزه با اعتیاد به مواد مخدر	وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی	امور تأمین اجتماعی	سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، وزارت کشور، وزارت دادگستری، سازمان بهزیستی، ستاد مبارزه با مواد مخدر
۲۲	ساماندهی مهاجرت به کلان‌شهرها و حاشیه‌نشینی	وزارت کشور	امور عمران شهری و روستایی	سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، وزارت مسکن و شهرسازی
۲۳	ایجاد و توسعه کارآفرینی و نظام ملی نوآوری	سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور	صنایع و معادن	وزارت صنایع و معادن، وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان ملی بهره‌وری، وزارت تعاون
۲۴	توسعه گردشگری	سازمان میراث فرهنگی و گردشگری	امور فرهنگ و هنر، جوانان و تربیت بدنی	سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، بانک مرکزی ج.ا.ا، وزارت تعاون، وزارت کشور، وزارت راه و ترابری
۲۵	مدیریت منابع آب	وزارت نیرو	امور منابع آب	وزارت جهاد کشاورزی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، وزارت مسکن و شهرسازی، وزارت صنایع و معادن
۲۶	مدیریت مؤثر و کارآمد روابط خارجی	سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور	دبیرخانه شورای اقتصاد	وزارت امور خارجه، وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت بازرگانی، بانک مرکزی، وزارت راه و ترابری
۲۷	استقرار منظومه ملی اطلاعات مکان محور	سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (سازمان نقشه‌برداری کشور)	آمایش و توسعه پایدار	وزارت علوم تحقیقات و فناوری، وزارت مسکن و شهرسازی، وزارت جهاد کشاورزی، وزارت صنایع و معادن، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، وزارت نیرو، وزارت کشور، دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی
۲۸	محیط زیست	سازمان حفاظت محیط زیست	امور صنایع و معادن	وزارت مسکن و شهرسازی، وزارت راه و ترابری، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، وزارت کشور

جدول شماره ۲- فهرست عناوین و مسئولین تهیه سندهای توسعه بخشی برنامه چهارم

ردیف	عنوان سند	دستگاه مسئول	واحد مسئول ذی ربط سازمان
۱	آب و کشاورزی		معاونت امور تولیدی
۱-۱	آب	وزارت نیرو	دفتر امور منابع آب
۲-۱	کشاورزی	وزارت جهاد کشاورزی	دفتر امور کشاورزی و منابع طبیعی
۲	تجارت و صنعت		معاونت امور تولیدی
۱-۲	صنعت	وزارت صنایع و معادن	دفتر امور صنایع و معادن
۲-۲	معدن	وزارت صنایع و معادن	دفتر امور صنایع و معادن
۳-۲	بازرگانی	وزارت بازرگانی	دفتر امور بازرگانی
۳	انرژی		معاونت امور زیربنایی
۱-۳	نفت	وزارت نفت	دفتر امور انرژی
۲-۳	گاز	وزارت نفت	دفتر امور انرژی
۳-۳	برق	وزارت نیرو	دفتر امور انرژی
۴-۳	انرژی هسته‌ای	سازمان انرژی اتمی	دفتر امور انرژی
۴	ارتباطات و فناوری اطلاعات		معاونت امور زیربنایی
۱-۴	پست	وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات	دفتر امور پست و مخابرات
۲-۴	مخابرات	وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات	دفتر امور پست و مخابرات
۳-۴	فناوری اطلاعات	سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور	دفتر امور پست و مخابرات
۵	حمل و نقل		معاونت امور زیربنایی
۱-۵	هوایی	وزارت راه و ترابری	دفتر امور راه و ترابری
۲-۵	دریایی	وزارت راه و ترابری	دفتر امور راه و ترابری
۳-۵	زمینی	وزارت راه و ترابری	دفتر امور راه و ترابری
۶	توسعه و عمران		معاونت امور زیربنایی
۱-۶	عمران شهری	وزارت کشور	دفتر امور عمران شهری و روستایی
۲-۶	توسعه و عمران روستایی	وزارت جهاد کشاورزی	دفتر امور عمران شهری و روستایی
۳-۶	مسکن	وزارت مسکن و شهرسازی	دفتر امور عمران شهری و روستایی
۷	آموزش		معاونت امور فرهنگی، آموزشی و پژوهشی
۱-۷	آموزش عمومی	وزارت آموزش و پرورش	دفتر امور آموزش و پرورش

ردیف	عنوان سند	دستگاه مسئول	واحد مسئول ذی ربط سازمان
۲-۷	آموزش فنی و حرفه‌ای	سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور	دفتر امور آموزش و پرورش
۳-۷	آموزش عالی	وزارت علوم تحقیقات و فناوری	دفتر امور آموزش عالی
۸	پژوهش و فناوری	سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور	دفتر امور پژوهشی
۹	فرهنگ و هنر، ارتباطات جمعی و تربیت بدنی	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	معاونت امور فرهنگی، آموزشی و پژوهشی
۱-۹	فرهنگ و هنر	سازمان صدا و سیما ج.ا.	دفتر امور فرهنگ و هنر و تربیت بدنی
۲-۹	ارتباطات جمعی	سازمان تربیت بدنی ج.ا.	دفتر امور فرهنگ و هنر و تربیت بدنی
۳-۹	تربیت بدنی	وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح	معاونت امور اجتماعی
۱۰	امور دفاعی و امنیتی	وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح	دفتر امور دفاعی
۲-۱۰	امور انتظامی	وزارت کشور	دفتر امور قضایی و سیاست داخلی
۳-۱۰	امور امنیتی	وزارت اطلاعات	دفتر امور عمومی
۱۱	سیاست داخلی و روابط خارجی	وزارت کشور	معاونت امور اجتماعی
۱-۱۱	سیاست داخلی	وزارت امور خارجه	دفتر امور قضایی و سیاست داخلی
۲-۱۱	روابط خارجی	قوه قضاییه	دفتر امور عمومی
۱۲	امور قضایی	مرکز آمار ایران	دفتر امور قضایی و سیاست داخلی
۱۳	آمار	دستگاه‌های اجرایی ذی ربط	دفتر امور عمومی
۱۴	امور عمومی	سازمان حفاظت محیط زیست	معاونت امور اجتماعی
۱۵	محیط زیست	وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی	دفتر امور صنایع و معادن
۱۶	بهداشت و درمان و تأمین اجتماعی	سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور	معاونت امور اجتماعی
۱-۱۶	بهداشت و درمان	سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور	دفتر امور بهداشت و درمان
۲-۱۶	رفاه و تأمین اجتماعی		دفتر امور تأمین اجتماعی